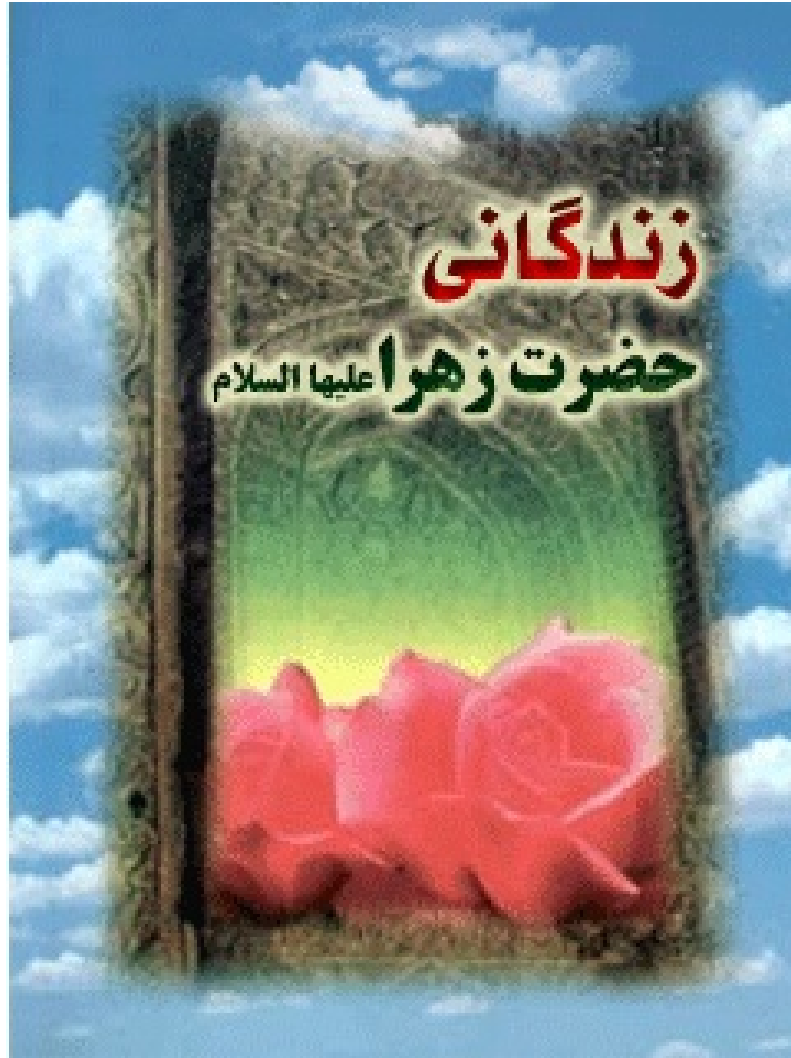


سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)

نویسنده:

محمد روحانی علی آبادی

ناشر چاپی:

انتشارات مهام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵	۶۶
مشخصات کتاب	۶۶
سخن ناشر	۶۶
مقدمه	۶۷
اشاره	۶۷
نگارنده این نوشتار سه نوع فعالیت علمی- تحقیقی را در باره حضرت فاطمه علیها السلام ضروری و مهم می‌داند:	۶۷
۱- جمع‌آوری کلیه روایات، احادیث و نقلیات تاریخی مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام از تمام منابع شیعه و غیر شیعه.	۶۷
۲- بررسی فنی و علمی در باره احادیث و روایات جمع‌آوری شده	۶۸
اشاره	۶۸
آفت اول: تحریف اهل غلو	۶۸
آفت دوم: سوء تأویل جاهلان	۶۹
آفت سوم: جعل جاعلان	۶۹
۳- فعالیت دیگری که انجام آن در باره حضرت فاطمه علیها السلام و نیز سایر ائمه و بزرگان دین، ضروری و بسیار مهم می‌باشد، الگوسازی از زندگی	
اشاره	۷۰
پاسخ به یک سؤال	۷۱
اقدامات مترجم و محقق در باره این کتاب	۷۱
آشنایی کوتاه با صدیقه کبری، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام	۷۲
اشاره	۷۲
مشهورترین و صحیح‌ترین مناقب و فضائل آن حضرت:	۷۲
باب اول ولادت فاطمه علیها السلام، سیما و شمایل و برخی از تواریخ مربوط به وی	۷۲
اشاره	۷۳
موضوعات روایات در این باب	۷۳

۷۳	متن احادیث و ترجمه آنها
۷۳	[متن عربی]
۷۳	متن عربی
۷۴	ترجمه
۷۵	متن عربی
۷۵	متن عربی
۷۵	ترجمه:
۷۵	متن عربی
۷۶	متن عربی
۷۶	ترجمه:
۷۶	اشاره
۷۷	بیان
۷۷	[متن عربی]
۷۷	[متن عربی]
۷۷	ترجمه
۷۷	[متن عربی]
۷۷	[متن عربی]
۷۸	ترجمه
۷۸	[متن عربی]
۷۸	[متن عربی]
۷۸	ترجمه
۷۹	[متن عربی]
۷۹	[متن عربی]
۷۹	ترجمه

۷۹		اشاره
۷۹		بیان
۸۰		[متن عربی]
۸۰		[متن عربی]
۸۰		ترجمه
۸۰		[متن عربی]
۸۰		[متن عربی]
۸۰		ترجمه
۸۱		[متن عربی]
۸۱		[متن عربی]
۸۱		ترجمه
۸۱		[متن عربی]
۸۱		[متن عربی]
۸۱		ترجمه
۸۱		[متن عربی]
۸۲		[متن عربی]
۸۲		ترجمه
۸۲		[متن عربی]
۸۲		[متن عربی]
۸۲		ترجمه:
۸۲		[متن عربی]
۸۲		[متن عربی]
۸۳		ترجمه
۸۳		[متن عربی]

۸۳	[متن عربی]
۸۳	ترجمه:
۸۳	[متن عربی]
۸۳	[متن عربی]
۸۴	ترجمه:
۸۴	[متن عربی]
۸۴	[متن عربی]
۸۴	ترجمه:
۸۴	[متن عربی]
۸۴	[متن عربی]
۸۴	ترجمه:
۸۴	[متن عربی]
۸۴	[متن عربی]
۸۴	ترجمه:
۸۴	[متن عربی]
۸۴	[متن عربی]
۸۵	ترجمه:
۸۵	[متن عربی]
۸۵	[متن عربی]
۸۵	ترجمه:
۸۵	[متن عربی]
۸۵	[متن عربی]
۸۵	ترجمه:
۸۵	[متن عربی]
۸۵	[متن عربی]
۸۶	ترجمه:
۸۶	[متن عربی]

۸۶	[متن عربی]
۸۶	ترجمه:
۸۶	[متن عربی]
۸۶	[متن عربی]
۸۶	ترجمه:
۸۷	ضمائم باب اول
	ضمیمه اول برخی مصادر و راویان احادیث مربوط به انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام در زمان بعد از معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و س
۸۷	احادیث مربوط به انعقاد نطفه حضرت فاطمه از میوه‌های بهشتی و پس از معراج پیامبر را اشخاص ذیل روایت نموده‌اند:
۸۷	مصادر حدیث ابن عباس
۸۷	راویان حدیث ابن عباس
۸۸	مصادر حدیث عایشه
۸۸	راویان حدیث عایشه
۸۹	مصادر حدیث حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
۸۹	راویان حدیث حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
۸۹	مصادر حدیث عمر بن خطاب
۸۹	راویان حدیث عمر بن خطاب
۹۰	مصادر حدیث سعد بن مالک
۹۰	راویان حدیث سعد بن مالک
۹۰	مصادر حدیث امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
۹۰	راویان حدیث امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
۹۰	مصادر حدیث حذیفه بن یمان
۹۱	راویان حدیث حذیفه بن یمان
۹۱	مصادر حدیث سلمان فارسی
۹۱	راویان حدیث سلمان فارسی

۹۱	مصادر حدیث عروه باری
۹۱	مصادر حدیث حضرت امام سجّاد علیه السّلام
۹۱	راویان حدیث حضرت امام سجّاد علیه السّلام
۹۱	مصادر حدیث جابر بن عبد الله انصاری
۹۱	راویان حدیث جابر بن عبد الله انصاری
۹۲	مصادر حدیث حارث اعور
۹۲	راویان حدیث حارث اعور
۹۲	برخی از مصادری که این حدیث را به صورت مرسل روایت کرده‌اند
۹۲	ضمیمه دوم
۹۲	بررسی کوتاه سه نظریه معروف پیرامون تاریخ میلاد حضرت فاطمه علیها السّلام
۹۲	نظریه اوّل
۹۲	اشاره
۹۲	دلیل اوّل
۹۳	دلیل دوم
۹۳	دلیل سوم
۹۳	اشاره
۹۴	نتیجه‌گیری
۹۴	نظریه دوم
۹۴	اشاره
۹۴	دلیل اوّل: روایت امام باقر علیه السّلام
۹۴	دلیل دوم: روایت امام صادق علیه السّلام
۹۴	اشاره
۹۵	تذکر
۹۵	دلیل سوم: اجماع

۹۵	 اشاره
۹۵	 اولا
۹۵	 ثانيا
۹۵	 ثالثا
۹۵	 رابعا
۹۶	 نظريه سوم
۹۶	 اشاره
۹۶	 دليل اول: روايت امام صادق عليه السلام
۹۶	 دليل دوم: موافقت شيخ مفيد و شيخ طوسي
غير از سه نظريه مذکور در باره تاريخ ميلاد حضرت فاطمه عليها السلام نظريات ديگري وجود دارد که به نحو شاذ و نادر از سوي برخي دانشم	
۹۷	 ۱- نظريه ابن عساکر
۹۸	 ۲- نظريه کلبی
۹۸	 ۳- نظريه سيوطی
۹۸	 ۴- نظريه ابن اثير جزري
۹۸	 اشاره
۹۸	 تذکر
۹۸	 ضميمه سوم مستدرک احاديث مربوط به تاريخ ميلاد حضرت فاطمه از بحار الانوار
۹۸	 اشاره
۹۸	 ۱- بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۱۸۹ ض رقم ۱۹
۹۹	 ۲ بحار الأنوار، ج ۹۵ ص ۱۹۶:
۹۹	 ۳- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۶۸ ض رقم ۲۰:
۹۹	 ۴- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۶۸ رقم ۲۰:
۹۹	 ضميمه چهارم مستدرک احاديث مربوط به کيفيت خلقت فاطمه عليها السلام
۹۹	 اشاره

۱۰۰	۱- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۸۱ و ۸۲ رقم ۴۹
۱۰۱	۲- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۶۴ و ۶۵ رقم ۳۶
۱۰۲	۳- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۷۸- ۸۰ ض رقم ۲۰
۱۰۴	۴- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۹۰ رقم ۱۶۵
۱۰۴	۵- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۵۱ رقم ۸۹
۱۰۵	۶- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۱۹ رقم ۶
۱۰۵	۷- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۲۰ رقم ۱۰
۱۰۶	۸- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۳۶۱ رقم ۲۳۲
۱۰۶	۹- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۸۸ و ۱۸۹ رقم ۱۶۰
۱۰۷	۱۰- بحار الانوار، ج ۱۸ ص ۳۱۵ رقم ۲۷
۱۰۷	۱۱- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۴۲ و ۱۴۳ رقم ۶۲
۱۰۷	۱۲- بحار الأنوار، ج ۴۴ ص ۲۴۰ و ۲۴۱ رقم ۳۳
۱۰۸	۱۳- بحار الأنوار، ج ۴۳ ص ۴۲ و ۴۳ رقم ۴۲
۱۰۸	۱۴- بحار الأنوار، ج ۴۳ ص ۳۱۴ و ۳۱۵ رقم ۷۳
۱۱۰	۱۵- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۸ رقم ۱۷
۱۱۰	باب دوم نامه‌های حضرت فاطمه علیها السلام و برخی از فضایل آن حضرت
۱۱۰	اشاره
۱۱۱	موضوعات روایات
۱۱۱	اسامی حضرت فاطمه علیها السلام در این باب
۱۱۱	کنیه‌های حضرت فاطمه علیها السلام در این باب
۱۱۱	متن احادیث و ترجمه آنها
۱۱۱	[متن عربی]
۱۱۱	[متن عربی]
۱۱۱	ترجمه:

۱۱۱	[متن عربی]
۱۱۱	[متن عربی]
۱۱۲	 ترجمه
۱۱۲	[متن عربی]
۱۱۲	[متن عربی]
۱۱۲	 ترجمه
۱۱۲	 اشاره
۱۱۲	 بیان
۱۱۲	[متن عربی]
۱۱۲	[متن عربی]
۱۱۳	 ترجمه
۱۱۳	[متن عربی]
۱۱۳	[متن عربی]
۱۱۴	 ترجمه
۱۱۴	[متن عربی]
۱۱۴	[متن عربی]
۱۱۴	 ترجمه:
۱۱۴	[متن عربی]
۱۱۴	[متن عربی]
۱۱۴	 ترجمه:
۱۱۵	[متن عربی]
۱۱۵	[متن عربی]
۱۱۵	 ترجمه:
۱۱۵	[متن عربی]

۱۱۵	[متن عربی]
۱۱۵	ترجمه:
۱۱۵	اشاره
۱۱۶	بیان:
۱۱۶	[متن عربی]
۱۱۶	[متن عربی]
۱۱۶	ترجمه:
۱۱۶	[متن عربی]
۱۱۶	[متن عربی]
۱۱۷	ترجمه:
۱۱۷	اشاره
۱۱۷	بیان:
۱۱۷	[متن عربی]
۱۱۷	[متن عربی]
۱۱۸	ترجمه:
۱۱۸	[متن عربی]
۱۱۸	[متن عربی]
۱۱۸	ترجمه:
۱۱۸	[متن عربی]
۱۱۸	[متن عربی]
۱۱۹	ترجمه:
۱۱۹	[متن عربی]
۱۱۹	[متن عربی]
۱۱۹	ترجمه:

۱۱۹	[متن عربی]
۱۱۹	[متن عربی]
۱۱۹	ترجمه:
۱۲۰	[متن عربی]
۱۲۰	[متن عربی]
۱۲۰	ترجمه:
۱۲۰	[متن عربی]
۱۲۰	[متن عربی]
۱۲۰	ترجمه
۱۲۰	[متن عربی]
۱۲۰	[متن عربی]
۱۲۰	ترجمه
۱۲۱	[متن عربی]
۱۲۱	[متن عربی]
۱۲۱	ترجمه:
۱۲۱	[متن عربی]
۱۲۱	[متن عربی]
۱۲۱	ترجمه:
۱۲۱	[متن عربی]
۱۲۱	[متن عربی]
۱۲۱	ترجمه:
۱۲۱	[متن عربی]
۱۲۲	[متن عربی]
۱۲۲	ترجمه

۱۲۲	[متن عربی]
۱۲۲	[متن عربی]
۱۲۲	ترجمه:
۱۲۲	[متن عربی]
۱۲۲	[متن عربی]
۱۲۲	ترجمه
۱۲۲	[متن عربی]
۱۲۲	[متن عربی]
۱۲۳	ترجمه:
۱۲۳	[متن عربی]
۱۲۳	[متن عربی]
۱۲۳	ترجمه
۱۲۳	اشاره
۱۲۳	بیان:
۱۲۳	[متن عربی]
۱۲۳	[متن عربی]
۱۲۴	ترجمه:
۱۲۴	[متن عربی]
۱۲۵	[متن عربی]
۱۲۵	ترجمه:
۱۲۵	[متن عربی]
۱۲۶	[متن عربی]
۱۲۶	ترجمه:
۱۲۶	[متن عربی]

۱۲۶	[متن عربی]
۱۲۶	ترجمه:
۱۲۶	[متن عربی]
۱۲۶	[متن عربی]
۱۲۶	ترجمه:
۱۲۶	ضمائم باب دوم
۱۲۶	ضمیمه اول برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه»
۱۲۷	ضمیمه دوم برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زهرا»
۱۲۸	ضمیمه سوم برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به بتول»
۱۲۸	ضمیمه چهارم برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طاهره»
۱۲۸	ضمیمه پنجم برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به صدیقه»
۱۲۹	ضمیمه ششم معرفی برخی مصادر بحث در باره «کنیه‌های حضرت فاطمه علیها السلام»
۱۲۹	باب سوم فضایل و مناقب حضرت فاطمه علیها السلام
۱۲۹	اشاره
۱۲۹	موضوعات روایات در این باب
۱۳۰	متن احادیث، ترجمه و تعلیق بر آنها
۱۳۱	[متن عربی]
۱۳۱	[متن عربی]
۱۳۱	ترجمه:
۱۳۱	[متن عربی]
۱۳۱	[متن عربی]
۱۳۱	ترجمه:
۱۳۱	[متن عربی]
۱۳۱	[متن عربی]

۱۳۱	ترجمه:
۱۳۱	[متن عربی]
۱۳۲	[متن عربی]
۱۳۲	ترجمه:
۱۳۲	[متن عربی]
۱۳۲	[متن عربی]
۱۳۲	ترجمه:
۱۳۲	[متن عربی]
۱۳۲	[متن عربی]
۱۳۲	ترجمه:
۱۳۲	[متن عربی]
۱۳۲	[متن عربی]
۱۳۳	ترجمه:
۱۳۳	[متن عربی]
۱۳۳	[متن عربی]
۱۳۴	ترجمه
۱۳۴	[متن عربی]
۱۳۴	[متن عربی]
۱۳۴	ترجمه
۱۳۴	[متن عربی]
۱۳۴	[متن عربی]
۱۳۴	ترجمه
۱۳۵	[متن عربی]
۱۳۵	[متن عربی]

۱۳۵	ترجمه
۱۳۵	[متن عربی]
۱۳۵	[متن عربی]
۱۳۶	ترجمه
۱۳۶	[متن عربی]
۱۳۶	[متن عربی]
۱۳۶	ترجمه
۱۳۶	[متن عربی]
۱۳۶	[متن عربی]
۱۳۷	ترجمه
۱۳۷	[متن عربی]
۱۳۷	[متن عربی]
۱۳۷	ترجمه
۱۳۷	[متن عربی]
۱۳۷	[متن عربی]
۱۳۷	ترجمه
۱۳۸	[متن عربی]
۱۳۸	[متن عربی]
۱۳۸	ترجمه
۱۳۸	[متن عربی]
۱۳۸	[متن عربی]
۱۳۸	ترجمه
۱۳۸	[متن عربی]
۱۳۸	[متن عربی]

۱۳۸	ترجمه
۱۳۹	[متن عربی]
۱۳۹	[متن عربی]
۱۳۹	ترجمه
۱۴۰	[متن عربی]
۱۴۰	[متن عربی]
۱۴۰	ترجمه
۱۴۰	[متن عربی]
۱۴۰	[متن عربی]
۱۴۱	ترجمه
۱۴۱	[متن عربی]
۱۴۱	[متن عربی]
۱۴۱	ترجمه
۱۴۱	[متن عربی]
۱۴۲	[متن عربی]
۱۴۲	ترجمه
۱۴۲	[متن عربی]
۱۴۲	[متن عربی]
۱۴۲	ترجمه
۱۴۲	[متن عربی]
۱۴۲	[متن عربی]
۱۴۲	ترجمه
۱۴۲	[متن عربی]
۱۴۲	[متن عربی]
۱۴۳	ترجمه
۱۴۳	[متن عربی]
۱۴۳	[متن عربی]

۱۴۳	ترجمه
۱۴۳	[متن عربی]
۱۴۳	[متن عربی]
۱۴۳	ترجمه
۱۴۴	[متن عربی]
۱۴۴	[متن عربی]
۱۴۴	ترجمه
۱۴۴	[متن عربی]
۱۴۴	[متن عربی]
۱۴۴	ترجمه
۱۴۵	[متن عربی]
۱۴۵	[متن عربی]
۱۴۵	ترجمه
۱۴۶	[متن عربی]
۱۴۶	[متن عربی]
۱۴۶	ترجمه
۱۴۶	[متن عربی]
۱۴۶	[متن عربی]
۱۴۶	ترجمه
۱۴۷	[متن عربی]
۱۴۷	[متن عربی]
۱۴۷	ترجمه
۱۴۷	[متن عربی]
۱۴۷	[متن عربی]

۱۴۸	ترجمه
۱۴۸	[متن عربی]
۱۴۸	[متن عربی]
۱۴۹	ترجمه
۱۴۹	[متن عربی]
۱۴۹	[متن عربی]
۱۴۹	ترجمه
۱۵۰	[متن عربی]
۱۵۰	[متن عربی]
۱۵۰	ترجمه
۱۵۱	[متن عربی]
۱۵۱	[متن عربی]
۱۵۱	ترجمه
۱۵۲	[متن عربی]
۱۵۲	[متن عربی]
۱۵۲	ترجمه
۱۵۲	[متن عربی]
۱۵۲	[متن عربی]
۱۵۲	ترجمه
۱۵۲	[متن عربی]
۱۵۲	[متن عربی]
۱۵۲	ترجمه
۱۵۲	[متن عربی]
۱۵۲	[متن عربی]
۱۵۳	ترجمه
۱۵۳	[متن عربی]
۱۵۳	[متن عربی]

۱۵۳	ترجمه
۱۵۳	[متن عربی]
۱۵۳	[متن عربی]
۱۵۴	ترجمه
۱۵۶	[متن عربی]
۱۵۶	[متن عربی]
۱۵۶	ترجمه
۱۵۶	[متن عربی]
۱۵۶	[متن عربی]
۱۵۷	ترجمه
۱۵۷	[متن عربی]
۱۵۷	[متن عربی]
۱۵۷	ترجمه
۱۵۷	[متن عربی]
۱۵۷	[متن عربی]
۱۵۷	ترجمه
۱۵۷	[متن عربی]
۱۵۷	[متن عربی]
۱۵۸	ترجمه:
۱۵۸	[متن عربی]
۱۵۸	[متن عربی]
۱۵۸	ترجمه
۱۵۸	[متن عربی]
۱۵۸	[متن عربی]

۱۵۸	ترجمه
۱۵۸	[متن عربی]
۱۵۸	[متن عربی]
۱۵۸	ترجمه
۱۵۹	[متن عربی]
۱۵۹	[متن عربی]
۱۵۹	ترجمه
۱۵۹	اشاره
۱۵۹	بیان
۱۵۹	[متن عربی]
۱۵۹	[متن عربی]
۱۵۹	ترجمه
۱۵۹	[متن عربی]
۱۵۹	[متن عربی]
۱۶۰	ترجمه
۱۶۰	[متن عربی]
۱۶۰	[متن عربی]
۱۶۰	ترجمه
۱۶۰	[متن عربی]
۱۶۰	[متن عربی]
۱۶۰	ترجمه
۱۶۰	[متن عربی]
۱۶۰	[متن عربی]
۱۶۰	ترجمه
۱۶۰	[متن عربی]
۱۶۱	[متن عربی]
۱۶۱	ترجمه:

۱۶۱	[متن عربی]
۱۶۱	[متن عربی]
۱۶۱	 ترجمه
۱۶۲	[متن عربی]
۱۶۲	[متن عربی]
۱۶۲	 ترجمه
۱۶۲	[متن عربی]
۱۶۲	[متن عربی]
۱۶۲	 ترجمه
۱۶۲	[متن عربی]
۱۶۲	[متن عربی]
۱۶۲	 ترجمه
۱۶۳	[متن عربی]
۱۶۳	[متن عربی]
۱۶۳	 ترجمه
۱۶۳	[متن عربی]
۱۶۳	[متن عربی]
۱۶۳	 ترجمه
۱۶۳	[متن عربی]
۱۶۳	[متن عربی]
۱۶۳	 ترجمه
۱۶۴	[متن عربی]
۱۶۴	[متن عربی]
۱۶۴	 ترجمه

۱۶۴	[متن عربی]
۱۶۴	[متن عربی]
۱۶۴	 ترجمه
۱۶۴	[متن عربی]
۱۶۴	[متن عربی]
۱۶۴	 ترجمه:
۱۶۵	[متن عربی]
۱۶۵	[متن عربی]
۱۶۵	 ترجمه:
۱۶۵	[متن عربی]
۱۶۵	[متن عربی]
۱۶۵	 ترجمه
۱۶۵	[متن عربی]
۱۶۵	[متن عربی]
۱۶۵	 ترجمه
۱۶۶	[متن عربی]
۱۶۶	 ترجمه
۱۶۶	[متن عربی]
۱۶۶	[متن عربی]
۱۶۶	 ترجمه
۱۶۶	[متن عربی]
۱۶۶	[متن عربی]
۱۶۶	 ترجمه:
۱۶۶	[متن عربی]
۱۶۷	[متن عربی]
۱۶۷	 ترجمه

۱۶۷	[متن عربی]
۱۶۷	[متن عربی]
۱۶۷	ترجمه:
۱۶۷	[متن عربی]
۱۶۷	[متن عربی]
۱۶۸	ترجمه:
۱۶۸	[متن عربی]
۱۶۸	[متن عربی]
۱۶۸	ترجمه
۱۶۹	[متن عربی]
۱۶۹	[متن عربی]
۱۶۹	ترجمه:
۱۶۹	[متن عربی]
۱۶۹	[متن عربی]
۱۶۹	ترجمه
۱۷۰	[متن عربی]
۱۷۰	[متن عربی]
۱۷۰	ترجمه
۱۷۰	[متن عربی]
۱۷۰	[متن عربی]
۱۷۱	ترجمه
۱۷۱	[متن عربی]
۱۷۱	[متن عربی]
۱۷۱	ترجمه:

۱۷۱	[متن عربی]
۱۷۱	[متن عربی]
۱۷۲	ترجمه:
۱۷۲	اشاره
۱۷۲	بیان
۱۷۲	[متن عربی]
۱۷۲	[متن عربی]
۱۷۲	ترجمه
۱۷۳	[متن عربی]
۱۷۳	[متن عربی]
۱۷۳	ترجمه
۱۷۳	[متن عربی]
۱۷۳	[متن عربی]
۱۷۳	ترجمه
۱۷۳	[متن عربی]
۱۷۳	[متن عربی]
۱۷۳	ترجمه
۱۷۳	[متن عربی]
۱۷۳	[متن عربی]
۱۷۳	ترجمه
۱۷۴	[متن عربی]
۱۷۴	[متن عربی]
۱۷۴	ترجمه
۱۷۴	[متن عربی]
۱۷۴	[متن عربی]
۱۷۴	ترجمه
۱۷۴	[متن عربی]

۱۷۴	[متن عربی]
۱۷۵	ترجمه
۱۷۵	[متن عربی]
۱۷۵	[متن عربی]
۱۷۵	ترجمه
۱۷۵	[متن عربی]
۱۷۵	[متن عربی]
۱۷۶	ترجمه
۱۷۶	[متن عربی]
۱۷۶	[متن عربی]
۱۷۶	ترجمه
۱۷۶	[متن عربی]
۱۷۶	[متن عربی]
۱۷۶	ترجمه
۱۷۷	[متن عربی]
۱۷۷	[متن عربی]
۱۷۷	ترجمه
۱۷۷	[متن عربی]
۱۷۷	[متن عربی]
۱۷۷	ترجمه
۱۷۸	[متن عربی]
۱۷۸	[متن عربی]
۱۷۸	ترجمه
۱۷۸	[متن عربی]

۱۷۸	[متن عربی]
۱۷۹	 ترجمه
۱۷۹	[متن عربی]
۱۷۹	[متن عربی]
۱۷۹	 ترجمه
۱۸۰	[متن عربی]
۱۸۰	[متن عربی]
۱۸۰	 ترجمه
۱۸۰	[متن عربی]
۱۸۰	[متن عربی]
۱۸۱	 ترجمه
۱۸۳	[متن عربی]
۱۸۳	[متن عربی]
۱۸۳	 ترجمه
۱۸۳	[متن عربی]
۱۸۳	[متن عربی]
۱۸۴	 ترجمه
۱۸۴	[متن عربی]
۱۸۴	[متن عربی]
۱۸۴	 ترجمه
۱۸۴	[متن عربی]
۱۸۴	[متن عربی]
۱۸۴	 ترجمه
۱۸۴	[متن عربی]

۱۸۴	[متن عربی]
۱۸۵	ترجمه
۱۸۵	[متن عربی]
۱۸۵	[متن عربی]
۱۸۵	ترجمه
۱۸۶	[متن عربی]
۱۸۶	[متن عربی]
۱۸۶	ترجمه
۱۸۶	[متن عربی]
۱۸۶	[متن عربی]
۱۸۶	ترجمه
۱۸۷	[متن عربی]
۱۸۷	[متن عربی]
۱۸۷	ترجمه:
۱۸۷	[متن عربی]
۱۸۷	[متن عربی]
۱۸۷	ترجمه
۱۸۷	[متن عربی]
۱۸۷	[متن عربی]
۱۸۸	ترجمه
۱۸۸	[متن عربی]
۱۸۸	[متن عربی]
۱۸۸	ترجمه
۱۸۸	[متن عربی]

۱۸۸	[متن عربی]
۱۸۸	 ترجمه
۱۸۹	[متن عربی]
۱۸۹	[متن عربی]
۱۸۹	 ترجمه
۱۸۹	[متن عربی]
۱۸۹	[متن عربی]
۱۸۹	 ترجمه
۱۸۹	[متن عربی]
۱۸۹	[متن عربی]
۱۹۰	 ترجمه
۱۹۰	[متن عربی]
۱۹۰	[متن عربی]
۱۹۰	 ترجمه
۱۹۰	[متن عربی]
۱۹۰	[متن عربی]
۱۹۰	 ترجمه
۱۹۰	[متن عربی]
۱۹۰	[متن عربی]
۱۹۰	 ترجمه
۱۹۱	 ترجمه
۱۹۱	[متن عربی]
۱۹۱	[متن عربی]
۱۹۱	 ترجمه
۱۹۱	[متن عربی]

۱۹۲	[متن عربی]
۱۹۳	ترجمه
۱۹۴	[متن عربی]
۱۹۴	[متن عربی]
۱۹۶	ترجمه
۱۹۷	[متن عربی]
۱۹۷	[متن عربی]
۱۹۷	ترجمه
۱۹۷	[متن عربی]
۱۹۷	[متن عربی]
۱۹۸	ترجمه
۱۹۸	[متن عربی]
۱۹۸	[متن عربی]
۱۹۸	ترجمه
۱۹۹	[متن عربی]
۱۹۹	[متن عربی]
۱۹۹	ترجمه
۱۹۹	[متن عربی]
۱۹۹	[متن عربی]
۲۰۰	ترجمه
۲۰۰	[متن عربی]
۲۰۰	[متن عربی]
۲۰۱	ترجمه
۲۰۲	[متن عربی]

۲۰۲	[متن عربی]
۲۰۲	 ترجمه
۲۰۲	[متن عربی]
۲۰۲	[متن عربی]
۲۰۳	 ترجمه
۲۰۴	[متن عربی]
۲۰۴	[متن عربی]
۲۰۴	 ترجمه
۲۰۴	[متن عربی]
۲۰۴	[متن عربی]
۲۰۴	 ترجمه
۲۰۵	[متن عربی]
۲۰۵	[متن عربی]
۲۰۵	 مترجم
۲۰۵	[متن عربی]
۲۰۵	[متن عربی]
۲۰۷	 ترجمه
۲۱۰	[متن عربی]
۲۱۰	[متن عربی]
۲۱۰	 ترجمه
۲۱۱	[متن عربی]
۲۱۱	[متن عربی]
۲۱۱	 ترجمه
۲۱۱	[متن عربی]

۲۱۱	[متن عربی]
۲۱۱	 ترجمه
۲۱۱	[متن عربی]
۲۱۱	[متن عربی]
۲۱۱	 ترجمه
۲۱۲	[متن عربی]
۲۱۲	[متن عربی]
۲۱۲	 ترجمه
۲۱۲	[متن عربی]
۲۱۲	[متن عربی]
۲۱۲	 ترجمه
۲۱۲	[متن عربی]
۲۱۲	[متن عربی]
۲۱۲	 ترجمه
۲۱۲	[متن عربی]
۲۱۲	[متن عربی]
۲۱۳	 ترجمه
۲۱۳	[متن عربی]
۲۱۳	[متن عربی]
۲۱۳	 ترجمه
۲۱۴	[متن عربی]
۲۱۴	[متن عربی]
۲۱۴	 ترجمه
۲۱۴	[متن عربی]
۲۱۴	[متن عربی]
۲۱۵	 ترجمه
۲۱۵	[متن عربی]

۲۱۵	[متن عربی]
۲۱۵	 مترجم
۲۱۵	[متن عربی]
۲۱۵	[متن عربی]
۲۱۵	 مترجم
۲۱۵	[متن عربی]
۲۱۵	[متن عربی]
۲۱۶	 ترجمه
۲۱۶	[متن عربی]
۲۱۶	[متن عربی]
۲۱۶	 ترجمه
۲۱۶	[متن عربی]
۲۱۷	[متن عربی]
۲۱۷	 ترجمه
۲۱۷	[متن عربی]
۲۱۷	[متن عربی]
۲۱۷	 ترجمه
۲۱۸	[متن عربی]
۲۱۸	[متن عربی]
۲۱۸	 مترجم
۲۱۸	[متن عربی]
۲۱۸	[متن عربی]
۲۱۸	 ترجمه
۲۱۸	[متن عربی]

۲۱۸	[متن عربی]
۲۱۹	 ترجمه
۲۱۹	 باب چهارم شیوه زندگی و برخی از مکارم اخلاق حضرت فاطمه علیها السلام
۲۱۹	[متن عربی]
۲۱۹	[متن عربی]
۲۱۹	 ترجمه
۲۱۹	[متن عربی]
۲۱۹	[متن عربی]
۲۱۹	 ترجمه
۲۲۰	[متن عربی]
۲۲۰	[متن عربی]
۲۲۰	 ترجمه
۲۲۰	[متن عربی]
۲۲۰	[متن عربی]
۲۲۰	 ترجمه
۲۲۰	[متن عربی]
۲۲۱	[متن عربی]
۲۲۱	 ترجمه
۲۲۲	[متن عربی]
۲۲۲	[متن عربی]
۲۲۲	 ترجمه
۲۲۳	[متن عربی]
۲۲۳	[متن عربی]
۲۲۳	 ترجمه

۲۲۳	 [متن عربی]
۲۲۳	 [متن عربی]
۲۲۳	 ترجمه
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 ترجمه
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 ترجمه
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 ترجمه
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 ترجمه
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 [متن عربی]
۲۲۴	 ترجمه
۲۲۵	 [متن عربی]
۲۲۵	 [متن عربی]
۲۲۵	 ترجمه
۲۲۶	 [متن عربی]
۲۲۶	 [متن عربی]
۲۲۶	 ترجمه
۲۲۶	 [متن عربی]
۲۲۶	 [متن عربی]
۲۲۶	 ترجمه
۲۲۷	 ترجمه

۲۲۷	 [متن عربی]
۲۲۷	 [متن عربی]
۲۲۷	 ترجمه
۲۲۷	 [متن عربی]
۲۲۷	 [متن عربی]
۲۲۸	 ترجمه
۲۲۸	 [متن عربی]
۲۲۸	 [متن عربی]
۲۲۸	 ترجمه
۲۲۹	 [متن عربی]
۲۲۹	 [متن عربی]
۲۲۹	 ترجمه
۲۲۹	 [متن عربی]
۲۲۹	 [متن عربی]
۲۲۹	 ترجمه
۲۲۹	 [متن عربی]
۲۲۹	 [متن عربی]
۲۲۹	 ترجمه
۲۳۰	 [متن عربی]
۲۳۰	 [متن عربی]
۲۳۰	 ترجمه
۲۳۰	 [متن عربی]
۲۳۰	 [متن عربی]
۲۳۰	 ترجمه

۲۳۰	 [متن عربی]
۲۳۰	 [متن عربی]
۲۳۱	 ترجمه
۲۳۲	 [متن عربی]
۲۳۲	 [متن عربی]
۲۳۲	 ترجمه
۲۳۳	 [متن عربی]
۲۳۳	 [متن عربی]
۲۳۳	 ترجمه
۲۳۴	 باب پنجم ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام
۲۳۴	 [متن عربی]
۲۳۴	 [متن عربی]
۲۳۴	 ترجمه
۲۳۵	 [متن عربی]
۲۳۵	 [متن عربی]
۲۳۵	 ترجمه
۲۳۵	 [متن عربی]
۲۳۵	 [متن عربی]
۲۳۵	 ترجمه
۲۳۵	 [متن عربی]
۲۳۵	 [متن عربی]
۲۳۵	 ترجمه
۲۳۶	 ترجمه
۲۳۶	 [متن عربی]
۲۳۶	 متن عربی

۲۳۶	ترجمه
۲۳۷	[متن عربی]
۲۳۷	متن عربی
۲۳۸	ترجمه
۲۴۱	[متن عربی]
۲۴۱	[متن عربی]
۲۴۱	ترجمه
۲۴۱	[متن عربی]
۲۴۱	[متن عربی]
۲۴۱	ترجمه
۲۴۱	[متن عربی]
۲۴۱	[متن عربی]
۲۴۲	ترجمه
۲۴۲	[متن عربی]
۲۴۲	[متن عربی]
۲۴۲	ترجمه
۲۴۲	[متن عربی]
۲۴۲	[متن عربی]
۲۴۳	ترجمه
۲۴۳	[متن عربی]
۲۴۳	[متن عربی]
۲۴۴	ترجمه
۲۴۵	[متن عربی]
۲۴۵	[متن عربی]

۲۴۶	ترجمه
۲۴۷	[متن عربی]
۲۴۷	[متن عربی]
۲۴۸	ترجمه
۲۴۸	[متن عربی]
۲۴۸	[متن عربی]
۲۴۸	ترجمه
۲۴۸	[متن عربی]
۲۴۸	[متن عربی]
۲۴۹	ترجمه
۲۴۹	[متن عربی]
۲۴۹	[متن عربی]
۲۴۹	ترجمه
۲۴۹	[متن عربی]
۲۴۹	[متن عربی]
۲۴۹	ترجمه
۲۵۰	[متن عربی]
۲۵۰	[متن عربی]
۲۵۰	ترجمه
۲۵۰	[متن عربی]
۲۵۰	[متن عربی]
۲۵۰	ترجمه
۲۵۰	[متن عربی]
۲۵۱	[متن عربی]

۲۵۱	ترجمه
۲۵۱	[متن عربی]
۲۵۱	[متن عربی]
۲۵۱	ترجمه
۲۵۲	[متن عربی]
۲۵۲	[متن عربی]
۲۵۳	ترجمه
۲۵۶	[متن عربی]
۲۵۶	[متن عربی]
۲۵۷	ترجمه
۲۵۷	[متن عربی]
۲۵۷	[متن عربی]
۲۵۹	ترجمه
۲۶۲	[متن عربی]
۲۶۲	[متن عربی]
۲۶۳	ترجمه
۲۶۳	[متن عربی]
۲۶۳	[متن عربی]
۲۶۳	ترجمه
۲۶۳	[متن عربی]
۲۶۳	[متن عربی]
۲۶۴	ترجمه
۲۶۴	[متن عربی]
۲۶۴	[متن عربی]

۲۶۴	ترجمه
۲۶۵	[متن عربی]
۲۶۵	[متن عربی]
۲۶۵	ترجمه
۲۶۶	[متن عربی]
۲۶۶	[متن عربی]
۲۶۷	ترجمه
۲۶۸	[متن عربی]
۲۶۸	[متن عربی]
۲۶۹	ترجمه
۲۶۹	[متن عربی]
۲۶۹	[متن عربی]
۲۷۴	ترجمه
۲۷۹	[متن عربی]
۲۷۹	[متن عربی]
۲۸۰	ترجمه
۲۸۱	[متن عربی]
۲۸۱	[متن عربی]
۲۸۱	ترجمه
۲۸۲	[متن عربی]
۲۸۳	[متن عربی]
۲۸۳	ترجمه
۲۸۴	[متن عربی]
۲۸۴	[متن عربی]

۲۸۵	ترجمه
۲۸۵	[متن عربی]
۲۸۵	[متن عربی]
۲۸۵	ترجمه
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۶	ترجمه
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۶	ترجمه
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۶	ترجمه
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۶	ترجمه
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۶	[متن عربی]
۲۸۷	ترجمه
۲۸۷	[متن عربی]
۲۸۷	[متن عربی]
۲۸۷	ترجمه
۲۸۷	[متن عربی]
۲۸۷	[متن عربی]
۲۸۷	ترجمه
۲۸۸	[متن عربی]
۲۸۸	[متن عربی]

۲۸۸	ترجمه
۲۸۸	[متن عربی]
۲۸۸	[متن عربی]
۲۸۸	ترجمه
۲۸۸	[متن عربی]
۲۸۸	[متن عربی]
۲۸۸	ترجمه
۲۸۹	[متن عربی]
۲۸۹	[متن عربی]
۲۸۹	ترجمه
۲۸۹	[متن عربی]
۲۸۹	[متن عربی]
۲۸۹	متن عربی
۲۸۹	باب ششم کیفیت معاشرت حضرت فاطمه با حضرت علی علیهما السلام
۲۸۹	[متن عربی]
۲۹۰	[متن عربی]
۲۹۰	ترجمه
۲۹۰	[متن عربی]
۲۹۰	[متن عربی]
۲۹۰	ترجمه
۲۹۱	[متن عربی]
۲۹۱	[متن عربی]
۲۹۲	ترجمه
۲۹۲	[متن عربی]

۲۹۲	[متن عربی]
۲۹۳	ترجمه
۲۹۳	[متن عربی]
۲۹۳	[متن عربی]
۲۹۴	ترجمه
۲۹۵	[متن عربی]
۲۹۵	[متن عربی]
۲۹۵	ترجمه
۲۹۵	[متن عربی]
۲۹۵	[متن عربی]
۲۹۵	ترجمه
۲۹۵	[متن عربی]
۲۹۵	[متن عربی]
۲۹۵	ترجمه
۲۹۵	[متن عربی]
۲۹۵	[متن عربی]
۲۹۶	ترجمه
۲۹۶	[متن عربی]
۲۹۶	[متن عربی]
۲۹۶	ترجمه
۲۹۶	[متن عربی]
۲۹۷	[متن عربی]
۲۹۷	ترجمه
۲۹۷	[متن عربی]
۲۹۷	[متن عربی]
۲۹۷	ترجمه
۲۹۷	[متن عربی]

۲۹۷	[متن عربی]
۲۹۸	ترجمه
۲۹۸	باب هفتم ظلمها و ستمهایی که به حضرت فاطمه علیها السلام شد بیماری و شهادت وی
۲۹۸	[متن احادیث و ترجمه آنها]
۲۹۸	[متن عربی]
۲۹۸	[متن عربی]
۲۹۸	ترجمه
۲۹۹	[متن عربی]
۲۹۹	[متن عربی]
۲۹۹	ترجمه
۲۹۹	[متن عربی]
۲۹۹	[متن عربی]
۳۰۰	ترجمه
۳۰۰	[متن عربی]
۳۰۰	[متن عربی]
۳۰۰	ترجمه
۳۰۰	[متن عربی]
۳۰۰	[متن عربی]
۳۰۰	ترجمه
۳۰۱	[متن عربی]
۳۰۱	[متن عربی]
۳۰۱	ترجمه
۳۰۱	[متن عربی]
۳۰۱	[متن عربی]

۳۰۱	ترجمه
۳۰۲	[متن عربی]
۳۰۲	[متن عربی]
۳۰۲	ترجمه
۳۰۳	[متن عربی]
۳۰۳	[متن عربی]
۳۰۳	ترجمه
۳۰۵	[متن عربی]
۳۰۵	[متن عربی]
۳۰۹	ترجمه
۳۱۰	[متن عربی]
۳۱۰	[متن عربی]
۳۱۰	ترجمه
۳۱۱	[متن عربی]
۳۱۱	[متن عربی]
۳۱۱	ترجمه
۳۱۲	[متن عربی]
۳۱۲	[متن عربی]
۳۱۲	ترجمه
۳۱۲	[متن عربی]
۳۱۲	[متن عربی]
۳۱۵	ترجمه
۳۱۸	[متن عربی]
۳۱۹	[متن عربی]

۳۲۰	ترجمه
۳۲۱	[متن عربی]
۳۲۱	[متن عربی]
۳۲۲	ترجمه
۳۲۲	[متن عربی]
۳۲۲	[متن عربی]
۳۲۳	ترجمه
۳۲۴	[متن عربی]
۳۲۴	[متن عربی]
۳۲۵	ترجمه
۳۲۶	[متن عربی]
۳۲۶	[متن عربی]
۳۲۷	ترجمه
۳۲۸	[متن عربی]
۳۲۸	[متن عربی]
۳۲۹	ترجمه
۳۳۰	[متن عربی]
۳۳۰	[متن عربی]
۳۳۰	ترجمه
۳۳۰	[متن عربی]
۳۳۰	[متن عربی]
۳۳۰	ترجمه
۳۳۱	[متن عربی]
۳۳۱	[متن عربی]

۳۳۱	ترجمه
۳۳۱	[متن عربی]
۳۳۱	[متن عربی]
۳۳۱	ترجمه
۳۳۱	[متن عربی]
۳۳۱	[متن عربی]
۳۳۲	ترجمه
۳۳۲	[متن عربی]
۳۳۲	[متن عربی]
۳۳۲	ترجمه
۳۳۳	[متن عربی]
۳۳۳	[متن عربی]
۳۳۳	ترجمه
۳۳۳	[متن عربی]
۳۳۳	[متن عربی]
۳۳۴	ترجمه
۳۳۶	[متن عربی]
۳۳۶	[متن عربی]
۳۳۷	ترجمه
۳۳۷	[متن عربی]
۳۳۸	[متن عربی]
۳۴۰	ترجمه
۳۴۳	[متن عربی]
۳۴۳	[متن عربی]

۳۴۳	ترجمه
۳۴۳	[متن عربی]
۳۴۳	[متن عربی]
۳۴۳	ترجمه
۳۴۳	[متن عربی]
۳۴۳	[متن عربی]
۳۴۴	ترجمه
۳۴۴	[متن عربی]
۳۴۴	[متن عربی]
۳۴۴	ترجمه
۳۴۴	[متن عربی]
۳۴۴	[متن عربی]
۳۴۵	ترجمه
۳۴۶	[متن عربی]
۳۴۶	[متن عربی]
۳۴۶	ترجمه
۳۴۷	[متن عربی]
۳۴۷	[متن عربی]
۳۴۷	ترجمه
۳۴۸	[متن عربی]
۳۴۸	[متن عربی]
۳۴۸	ترجمه
۳۴۸	[متن عربی]
۳۴۸	[متن عربی]

۳۴۹	ترجمه
۳۵۰	[متن عربی]
۳۵۰	[متن عربی]
۳۵۰	ترجمه
۳۵۰	[متن عربی]
۳۵۰	[متن عربی]
۳۵۰	ترجمه
۳۵۱	[متن عربی]
۳۵۱	[متن عربی]
۳۵۱	ترجمه
۳۵۱	[متن عربی]
۳۵۱	[متن عربی]
۳۵۲	ترجمه
۳۵۳	[متن عربی]
۳۵۳	[متن عربی]
۳۵۳	ترجمه
۳۵۳	[متن عربی]
۳۵۳	[متن عربی]
۳۵۴	ترجمه
۳۵۴	[متن عربی]
۳۵۴	[متن عربی]
۳۵۴	ترجمه
۳۵۴	[متن عربی]
۳۵۴	[متن عربی]

۳۵۵	ترجمه
۳۵۶	[متن عربی]
۳۵۶	[متن عربی]
۳۵۶	ترجمه
۳۵۷	[متن عربی]
۳۵۷	[متن عربی]
۳۵۷	ترجمه
۳۵۷	ضمائم باب هفتم
۳۵۷	اشاره
۳۵۷	خطبه حضرت فاطمه علیها السلام در بحار الانوار با شرح علامه مجلسی
۳۸۵	سیری در مصادر و اسناد خطبه فدکیه حضرت فاطمه علیها السلام
۳۸۵	اشاره
۳۸۵	بخش اول مصادر خطبه فدکیه
۳۸۷	بخش دوم معرفی اجمالی اسناد خطبه فدکیه
۳۸۷	بخش سوم کتابشناسی خطبه فدکیه
۳۸۹	بخش چهارم راویان خطبه فدکیه
۳۸۹	فصل ۱: راویان خطبه فدکیه در قرن اول هجری
۳۸۹	فصل ۲: راویان خطبه فدکیه در قرن دوم هجری
۳۹۰	فصل ۳: راویان خطبه فدکیه در قرن سوم هجری
۳۹۱	فصل ۴: راویان خطبه فدکیه در قرن چهارم هجری
۳۹۱	فصل ۵: راویان خطبه فدکیه در قرن پنجم هجری
۳۹۱	فصل ۶: راویان خطبه فدکیه در قرن ششم هجری
۳۹۲	فصل ۷: راویان خطبه فدکیه در قرن هفتم هجری
۳۹۲	اشاره

۳۹۲		راویان خطبه از قرن هشتم به بعد
۳۹۲		بخش پنجم متن اصلاح شده خطبه فدکیه
۳۹۶		بخش ششم ترجمه خطبه
۴۰۲		باب هشتم تظلم خواهی حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت و کیفیت حشر آن حضرت
۴۰۲		[متن عربی]
۴۰۲		[متن عربی]
۴۰۳		ترجمه
۴۰۳		[متن عربی]
۴۰۳		[متن عربی]
۴۰۳		ترجمه
۴۰۴		[متن عربی]
۴۰۴		[متن عربی]
۴۰۴		ترجمه
۴۰۴		[متن عربی]
۴۰۴		[متن عربی]
۴۰۴		ترجمه
۴۰۴		[متن عربی]
۴۰۴		[متن عربی]
۴۰۴		ترجمه
۴۰۴		[متن عربی]
۴۰۴		[متن عربی]
۴۰۴		ترجمه
۴۰۵		[متن عربی]
۴۰۵		[متن عربی]
۴۰۵		ترجمه
۴۰۵		[متن عربی]
۴۰۵		[متن عربی]

۴۰۵	ترجمه
۴۰۶	[متن عربی]
۴۰۶	[متن عربی]
۴۰۶	ترجمه
۴۰۷	[متن عربی]
۴۰۷	[متن عربی]
۴۰۷	ترجمه
۴۰۷	[متن عربی]
۴۰۷	[متن عربی]
۴۰۸	ترجمه
۴۰۸	[متن عربی]
۴۰۸	[متن عربی]
۴۰۹	ترجمه
۴۰۹	[متن عربی]
۴۰۹	[متن عربی]
۴۱۰	ترجمه
۴۱۲	باب نهم اولاد و ذریه حضرت فاطمه علیها السلام و فضل آنها و اینکه فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند
۴۱۲	[متن عربی]
۴۱۲	[متن عربی]
۴۱۳	ترجمه
۴۱۴	[متن عربی]
۴۱۴	[متن عربی]
۴۱۴	ترجمه
۴۱۵	[متن عربی]

۴۱۵	[متن عربی]
۴۱۵	ترجمه
۴۱۵	[متن عربی]
۴۱۵	[متن عربی]
۴۱۶	ترجمه
۴۱۶	[متن عربی]
۴۱۶	[متن عربی]
۴۱۷	ترجمه
۴۱۷	[متن عربی]
۴۱۷	[متن عربی]
۴۱۷	ترجمه
۴۱۸	[متن عربی]
۴۱۸	[متن عربی]
۴۱۸	ترجمه
۴۱۹	باب دهم موقوفات و صدقات حضرت فاطمه علیها السلام
۴۱۹	[متن احادیث و ترجمه آنها]
۴۱۹	[متن عربی]
۴۱۹	[متن عربی]
۴۱۹	ترجمه
۴۱۹	[متن عربی]
۴۱۹	[متن عربی]
۴۲۰	ترجمه
۴۲۰	[متن عربی]
۴۲۰	[متن عربی]

۴۲۰	ترجمه
۴۲۰	[متن عربی]
۴۲۰	[متن عربی]
۴۲۱	ترجمه
۴۲۱	ضمائم باب دهم
۴۲۱	ضمیمه اول آیه مباحله
۴۲۱	اشاره
۴۲۱	برخی از مصادر مربوط به آیه مباحله
۴۲۲	برخی از مصادر و منابع شیعه
۴۲۲	ضمیمه دوم آیه مودت
۴۲۲	اشاره
۴۲۳	برخی از مصادر مربوط به آیه مودت
۴۲۳	برخی از مصادر شیعه
۴۲۴	ضمیمه سوم
۴۲۴	اشاره
۴۲۴	فهرست
۴۲۴	اشاره
۴۲۵	مصادر روایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
۴۲۵	مصادر روایت انس بن مالک
۴۲۵	مصادر روایت عایشه
۴۲۶	مصادر روایت امّ سلمه
۴۲۷	مصادر روایت ابو سعید خدری
۴۲۸	مصادر روایت واثله بن الاصقع
۴۲۸	مصادر روایت ابن عباس

۴۲۸	مصادر روایت ابو الحمراء
۴۲۸	مصادر روایت عمر بن ابی سلمه
۴۲۹	مصادر روایت عامر بن سعد
۴۲۹	مصادر روایت سعد بن مالک
۴۲۹	کسانی که حدیث کساء را به طور مرسل روایت کرده‌اند
۴۲۹	اشاره
۴۲۹	برخی از مصادر دیگر آیه تطهیر و حدیث کساء
۴۳۰	آیه تطهیر در برخی از کتابهای شیعه
۴۳۰	ضمیمه چهارم بحثی کوتاه در باره شخصیت عبادی و ایمان حضرت فاطمه علیها السلام
۴۳۰	اشاره
۴۳۱	فهرست محتویات
۴۳۱	اشاره
۴۳۱	فصل اول ایمان و یقین حضرت فاطمه علیها السلام
۴۳۳	فصل دوم شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السلام
۴۳۳	اشاره
۴۳۳	نگارنده را نظر بر این است که در تحقیق شخصیت هر فرد انسانی، امور ذیل تأثیری انکار ناپذیر دارند:
۴۳۴	اشاره
۴۳۴	از جهت تکوینی،
۴۳۴	از جهت امور غیر تکوینی،
۴۳۴	فصل سوم برخی از خصوصیات نمازها و عبادتهای حضرت فاطمه علیها السلام
۴۳۴	اول یکی از خصوصیات ویژه در نماز و عبادت حضرت فاطمه علیها السلام خوف و خشیت وی بوده است.
۴۳۵	دوم امام حسن مجتبی علیه السلام در باره چگونگی دعا کردن مادرش حضرت فاطمه علیها السلام گوید
۴۳۵	سوم یکی دیگر از خصوصیات عبادت حضرت فاطمه علیها السلام مراقبت بر اوقات مخصوصه بود،
۴۳۵	فصل چهارم آشنایی با برخی از نمازهای حضرت فاطمه علیها السلام

۴۳۵	 اشاره
۴۳۶	 ۱- خلاصه
۴۳۶	 ۲- نمازهای دو رکعتی حضرت فاطمه علیها السلام
۴۳۶	 دو رکعت نماز برای روزهای جمعه در ماه رمضان
۴۳۶	 دو رکعت نماز برای حل مشکلات بزرگ
۴۳۷	 دو رکعت نماز به روایت دیگر
۴۳۷	 نماز دیگر
۴۳۷	 نماز دیگر
۴۳۸	 نماز دیگر
۴۳۸	 نماز دیگر به هنگام مواجه شدن با مشکلات بزرگ
۴۴۰	 ۳- نمازهای چهار رکعتی حضرت فاطمه علیها السلام
۴۴۰	 چهار رکعت نماز معروف حضرت فاطمه علیها السلام
۴۴۰	 نماز شب جمعه هر هفته
۴۴۱	 نماز روز جمعه هر هفته
۴۴۲	 ۴- سایر نمازهای حضرت فاطمه علیها السلام
۴۴۲	 نماز شبهای چهار شنبه
۴۴۳	 نماز آخر شبهای شنبه از ماه رمضان
۴۴۳	 ۵- نماز توسل و استغاثه به حضرت فاطمه علیها السلام
۴۴۳	 نماز اول
۴۴۳	 نماز دوم
۴۴۳	 فصل پنجم آشنایی با تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و اقسام آن
۴۴۳	 اشاره
۴۴۴	 تذکر
۴۴۴	 فصل ششم آشنایی با برخی حرزها و تعویذهای حضرت فاطمه علیها السلام

۴۴۴	 اشاره
۴۴۴	 ۱- حرز مشهور حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۴۴۴	 ۲- حرز دیگر
۴۴۵	 ۳- حرز دیگر
۴۴۵	 ۴- حرز دیگر
۴۴۵	 ۵- حرز دیگر
۴۴۵	 ۶- حرز دیگر
۴۴۵	 فصل هفتم آشنایی با برخی دعاهاى حضرت فاطمه علیها السلام
۴۴۶	 مصادر و منابع تحقیق و تعلیق
۴۴۷	 ضمیمه پنجم تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام
۴۴۸	 اشاره
۴۴۸	 فصل اول آیا تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام برترین ذکر است؟
	در باره برترین ذکر و اینکه در میان اذکار رایج، کدام یک از آنها افضل و برتر می‌باشد، روایات و احادیث فراوانی وجود دارد و به چند گروه تقسیم
۴۴۸	 گروه اول
۴۴۸	 گروه دوم
۴۴۸	 گروه سوم
۴۴۸	 گروه چهارم
۴۴۸	 گروه پنجم
۴۴۸	 گروه ششم
۴۴۸	 گروه هفتم
۴۴۹	 برترین ذکر در کلام امام محمد باقر علیه السلام
۴۴۹	 برترین ذکر در کلام امام جعفر صادق علیه السلام
۴۴۹	 فصل دوم آثار و ثمرات تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام
۴۴۹	 آثار تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در کلام امام باقر علیه السلام

۴۵۰	آثار تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در کلام امام جعفر صادق علیه السلام
۴۵۱	فصل سوم آموختن تسبیح به کودکان
۴۵۱	فصل چهارم زنان و تسبیح
۴۵۱	حدیث پیامبر
۴۵۱	سخن امام باقر علیه السلام
۴۵۱	فصل پنجم وسیله شمارش اذکار و تسبیحات
۴۵۱	اشاره
۴۵۲	احادیث امام صادق علیه السلام
۴۵۲	سخن امام کاظم علیه السلام
۴۵۲	سخن صاحب الامر حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴۵۲	فصل ششم تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام
۴۵۲	اشاره
۴۵۳	تسبیح اول
۴۵۳	تسبیح دوم
۴۵۳	تسبیح سوم
۴۵۴	تسبیح چهارم
۴۵۴	تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام
۴۵۴	اشاره
۴۵۴	تذکراتی در باره تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام
۴۵۴	تذکر اول
۴۵۴	تذکر دوم
۴۵۴	تذکر سوم
۴۵۵	تذکر چهارم
۴۵۵	تذکر پنجم

تذکر ششم	۴۵۵
تذکر هفتم	۴۵۵
تذکر هشتم	۴۵۵
تذکر نهم	۴۵۵
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بهترین تعقیب برای نمازهای واجب	۴۵۵
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام قبل از خواب	۴۵۵
اشاره	۴۵۶
روایات مربوط به توصیه به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام قبل از خواب	۴۵۶
علت اشتها این تسبیح به نام حضرت فاطمه علیها السلام	۴۵۶
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام، برای رهایی از گرفتاریها و فقر	۴۵۶
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام به هنگام خروج برای سفر	۴۵۷
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بعد از به جای آوردن نمازهای نافله در ماه رمضان	۴۵۷
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بعد از به جای آوردن نوافل نماز مغرب در اوّل هر ماه (هجری)	۴۵۷
موارد دیگر توصیه شده به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام	۴۵۷
اوّل: بعد از نماز عید فطر	۴۵۷
دوم: برای رفع سنگینی گوش	۴۵۷
خاتمه و توصیه	۴۵۸
ضمیمه ششم دعا‌های حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نمازهای پنجگانه	۴۵۸
دعای حضرت فاطمه علیها السلام برای بعد از نماز صبح و مغرب	۴۵۸
دعای تعقیب نماز صبح، معروف به دعای حریق	۴۵۸
دعای حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نماز ظهر	۴۶۲
دعای حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نماز عصر	۴۶۴
دعای حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نماز مغرب	۴۶۷
دعای حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نماز عشاء	۴۷۱

۴۷۴	ضمیمه هفتم دعا‌های منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام برای روزهای هفته
۴۷۴	دعای روز شنبه
۴۷۴	دعای روز یک شنبه
۴۷۴	دعای روز دوشنبه
۴۷۴	دعای روز سه شنبه
۴۷۵	دعای روز چهارشنبه
۴۷۵	دعای روز پنج شنبه
۴۷۵	دعای روز جمعه
۴۷۶	ضمیمه هشتم سایر دعا‌های منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام
۴۷۶	حرز مشهور حضرت فاطمه
۴۷۶	حرز دیگر حضرت فاطمه علیها السلام
۴۷۶	تعویذ حضرت فاطمه علیها السلام
۴۷۶	دعا برای رفع سر درد و رفع بی خوابی
۴۷۶	دعا برای شیعیان
۴۷۷	دعا برای برآورده شدن حوائج
۴۷۸	دعا برای برآورده شدن حاجتها و کارهای مهم
۴۷۸	دعا برای کسب خلقتات نیکو و شایسته
۴۷۸	دعا برای برآورده شدن حاجات
۴۷۹	دعا برای آسان شدن کارها و پرداخت قرض
۴۷۹	دعای رؤیت هلال ماه رمضان
۴۷۹	دعا برای هنگام خواب
۴۸۰	دعا برای رفع تب
۴۸۰	دعای طلب خلاصی از زندان
۴۸۰	دعای مکارم الاخلاق

۴۸۱	 دعا برای شب و روز جمعه، شب و روز عرفه و روز عید فطر
۴۸۱	 مصادر و منابع تحقیق و تعلیق
۴۸۷	 مصادر و منابعی که به نقل از منابع دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند
۴۸۷	 مصادر و منابع ترجمه کتاب

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵

مشخصات کتاب

نام کتاب: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه روحانی) نویسنده: محمد روحانی علی آبادی موضوع: تاریخ وفات مؤلف: معاصر زبان: فارسی تعداد جلد: ۱ ناشر: انتشارات مهام

سخن ناشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ «۱» صدیقه کبری فاطمه علیها السلام کوثر زلال بهشتی است. زهرای مرضیه سرچشمه پاک و شفاف خلقت است. چشمه سار عصمت و امامت از آن مرکز فیض بهره مند و سیراب می گردد. در وصف او چه می توان گفت در جایی که پروردگار یکتا، خداوند دانا او را کوثر دانسته به سرور تمامی بندگانش، پیامبر برگزیده خویش و فخر جهان خلقت، حضرت ختمی مرتبت، محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم همچون تحفه ای بهشتی اهدا نموده است. که آن سرور خود فرموده است: لَمَّا عَرَجَ ... ففاطمه حوراء اِنْسِيَهُ فكلَّمَا اِشْتَقْتُ اِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ. هنگامی که به آسمان عروج کردم ...، پس فاطمه حوریه ای به شکل انسان است و من هر گاه مشتاق بوی بهشت می شوم، بوی دخترم فاطمه را استشمام می کنم. قالت عائشه: ما رایت احدا قط اصدق من فاطمه غیر ابیها. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶ هیچ کس را راستگوتر از فاطمه ندیدم مگر پدرش را. اَنَّهُ كَانَ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ فَقَالَتْ عَائِشَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! سَلَهَا، فَإِنَّهَا لَا تَكْذِبُ. بین فاطمه علیها السلام و عایشه مسأله ای پیش آمده بود و رسول خدا از عایشه در آن مورد سؤال کرد، عایشه در جواب گفت: ای رسول خدا! (راجع به این موضوع) از فاطمه پرس زیرا او هرگز دروغ نمی گوید. *** علامه بزرگوار، شیخ محقق و فاضل متبّع و احیاکننده معالم دینی (یازده قرن پس از طلوع تابناک و نورافشان خورشید عالمتاب اسلام) محمد باقر مجلسی فرزند شیخ محمد تقی (مجلسی اول) که از اکابر و بزرگان علمای مذهب حقّه شیعه بوده، مقامی چنان والا در سلسله احیاگران اندیشمند و دلسوز مکتب دارد که بی نیاز از شرح و تفسیر است. زنجیره طلایی کتابت علامه شریف، تفقه و تفحص و تجسس علمی و حفظ میراث فرهنگی غنی اهل بیت و اهتمام آن رادمرد در ثبت کلیه متون مورد استفاده علاقمندان و تراوشات فکری وی اعم از نگارش کتب متعدد، رسالات متنوع و ترجمه ادعیه و شرح خطبه های مختلف وارده از طرف معصومین علیهم السلام چه به زبان عربی و چه به زبان فارسی و بالاتر از همه حرّیت و آزادگی او در نقل مطالب زیاده از آن است که بتوان آن را در مختصری به نمایش درآورد. فقط به ذکر نکته ای چند متمایز از دیگر حالات آن عالم روحانی بسنده می نماید: ۱- تقوی و ورع و پرهیزگاری ۲- احاطه علمی به کثیری از علوم اسلامی عصر ۳- علاقمندی و کوشایی در حفظ میراث فرهنگی ۴- مجاهدت و ایثار و فداکاری به نحوی که او را وادار کرد در دستگاه و دربار شاهی وارد شده آن را به خدمت اهداف عالیه خود درآورد ۵- شکوه و جلال ناشی از دیانت چه در زمان حیات ظاهری و چه پس از آن که هم اکنون نیز تلاؤی آن جهان علم را به احترام و تحسین واداشته است زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۷- شاگردانی که از خویش به جای نهاده است و ... همه اینها از آن اسوه علم و فضیلت حلقه ای مستحکم در حلقات اتصال علوم و معارف شگرف حضرات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به علما و دانشمندان بعد از خود تا ظهور آخرین پناهگاه الهی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ساخت. در این راه وظیفه ای که در امر جمع آوری روایات و احادیث منقول همراه با نقد و بررسی و رعایت امانت به عهده گرفت را به حدّ اکمل به انجام رسانید که آثار وی عظمت آن را پیش چشم می آورد. و در میان همه آن آثار و زحماتی که در این راه متقبل و متحمّل گشته، «اقیانوس بیکران نور الهی» یعنی بحار الانوار درخششی چشمگیر دارد. بحار الانوار چشم نواز است؛ بحار الانوار

حاصل عمری تلاش است؛ بحار الانوار گوهری گرانقدر از جواهرات تابناک علم و دانش است؛ بحار الانوار نمایانگر سرگذشت طولانی سلسله دانشمندان اسلامی است؛ بحار الانوار دسترنج فقهی است که در جمع آوری علوم و معارف عصر خود کمال همت والای خویش را بروز داده است؛ و بالاخره بحار الانوار گنجینه پربراری برای دوستداران مکتب توحید است. *** مجموعه‌ای که ملاحظه می‌شود، ترجمه جلد چهارم و سه بحار الانوار علامه محمد باقر مجلسی قدس سره همراه با ضمایم و تحقیقات مفصل محقق گرانقدر جناب آقای محمد روحانی است که مطالعه کامل و با دقت آن پشتکار و توجه ایشان را نشان می‌دهد. این مرکز حساسیتی خاص نسبت به صحت و سلامت متن کتب منتشره خود دارد و مؤلف محترم نیز اصرار بر تطبیق صحیح و کامل متن حروف نگاری با متن ارائه‌شده خویش دارد، در این امر سعی کافی مبذول داشته در این راه از همکاری و بذل عنایت و محبت همکاران خوبمان در مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر که به حق بر من منت داشته و از هیچ گونه همکاری و مساعدت در ارتقای زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸ کیفیت این اثر دریغ نداشته‌اند و از ابتدای طرح تا انتهای آن در تمامی مراحل حضوری چشمگیر و رهگشا داشته‌اند، تشکر می‌نمایم. همچنین از معاضدت و یاری عزیزی دوستدار و علاقمند به خاندان وحی علیهم السلام برخوردار بوده‌ایم که در امر پشتیبانی مالی و فراهم آوردن امکانات مادی در این امر ما را دست گرفته‌اند. قصد داریم که از تمامی این عزیزان قدردانی کنیم که می‌دانیم: من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق، و بهترین قدردانی خود را واگذاری ادای پاداش آنان به عطای صاحب اثر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌دانیم. بر آن شدیم که ما نیز تلاشی داشته باشیم و کوششی، هر چند نه در خور حضرتش، بلکه عنایتی نمایند و ما را نیز در سلک دوستداران خود بپذیرند که آن روز که دوستداران بانوی دو سرا فاطمه را می‌خوانند زبانمان به اجابت گشوده باشد و چه خوب است که این اقدام ناچیز را به خدمت آن مخدّره و پدر ارجمند و شوهر و فرزندان گرامش تقدیم بداریم، و بر آخرین ایشان عرضه نماییم همو که خواهد آمد و تاجی از نور بر سر خواهد داشت و جهان را از لوث وجود دشمنان مادرش منزّه و به یاری دوستدارانش خواهد شتافت و زمین را از پاکی و صفا و راستی و قسط و عدل لبریز خواهد فرمود. سلام و درود بی‌پایان خداوندی بر یکایک ایشان و رهروان آنان باد! در انتها دست خود را به سوی آن بزرگوار دراز کرده ملتسمانه از آن محضر پرفیض می‌خواهم: یا مولاتی فاطمه أعیشینی!

مقدمه

اشاره

کتابی که در دست دارید ترجمه، تحقیق و استدراک بر «تاریخ فاطمه الزهراء» از کتاب بحار الانوار، تألیف دانشمند جلیل القدر علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله است. سعی شده تا این مجموعه، بجز بخش مربوط به زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام از کتاب بحار الانوار در بردارنده تمامی احادیث و روایات مربوط به آن حضرت که به مناسبت‌های خاص در سایر بخشهای کتاب مذکور آمده است نیز باشد.

نگارنده این نوشتار سه نوع فعالیت علمی - تحقیقی را در باره حضرت فاطمه علیها السلام ضروری و مهم می‌داند:

۱- جمع آوری کلیه روایات، احادیث و نقلیات تاریخی مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام از تمام منابع شیعه و غیر شیعه.

کتابهای اندکی وجود دارند که با داعیه این کار نگاشته شده‌اند، این کتابها دو دسته‌اند: الف- کتابهایی که بر اساس منابع و روایات شیعه نوشته شده‌اند و مؤلف آنها توجّهی به مدارک غیر شیعی ننموده است، مانند کتاب «مسند فاطمه الزهراء» تألیف شیخ عزیز الله عطاردی، و کتاب «مسند فاطمه الزهراء» تألیف سید حسین شیخ الاسلامی تویسرکانی. زندگانی حضرت زهرا علیها

السلام (روحانی)، ص: ۱۰ ب- کتابهایی که بر اساس منابع و روایات غیر شیعه نوشته شده‌اند و مؤلف آنها توجهی به مدارک شیعی نداشته است، مانند کتاب «مسند فاطمه الزهراء» تألیف جلال الدین عبد الرحمن سیوطی (۹۱۱ هـ)، و کتاب «احقاق الحق و ازهاق الباطل - ج ۱۰» تألیف قاضی نور الله شوشتری (۱۰۱۹ هـ)، و کتاب «حضرت فاطمه علیها السلام در منابع اهل سنت» تألیف رضیه سادات سجادی. هر دو دسته از کتابهای مذکور گرچه در نوع خود ارزشمند و مورد استفاده هستند ولی به دلیل محدود کردن منابع و مدارکشان به منابع شیعه یا اهل سنت، خود را از معارف و روایات بسیاری محروم کرده‌اند و لذا نتوانسته‌اند به هدف خویش که «جمع آوری کلیه روایات، احادیث و نقلیات تاریخی» در باره حضرت فاطمه است، دست یابند. تنها کسانی که توانسته‌اند در این جمع آوری توفیقی نسبی داشته باشند علامه محمد باقر مجلسی (۱۱۱۰ هـ) در کتاب بحار الانوار، و شاگرد او علامه شیخ عبد الله بحرانی اصفهانی (ق ۱۲ هـ) در کتاب عوالم العلوم و المعارف می‌باشند که بجز اخذ احادیث و روایات از منابع شیعه، به طور مستقیم یا به واسطه منابعی چون مناقب ابن شهر آشوب یا کشف الغمّه، روایات موجود در منابع اهل سنت را نیز جمع آوری کردند، گرچه در استفاده از منابع اهل سنت نیز استقصاء تأمّ به عمل نیاورده، و تعداد کمی از احادیث کتابهای اهل سنت را مورد استفاده قرار داده‌اند. اینجانب (محقق و نگارنده نوشته حاضر)، از مدتها پیش به اهمیت دو کتاب «بحار الانوار» و «عوالم العلوم» در این زمینه واقف گردیده تصمیم گرفتم این کتابها را مورد تحقیق و ترجمه قرار دهم و از آن جهت که حاوی بیش از ۷۰٪ احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشند، منتشر نمایم. لکن پس از آنکه مطلع شدم علامه معاصر سید محمد باقر موحد ابطحی به تحقیق عوالم العلوم مشغول گشته، اینجانب نیز عزم خویش را جزم نموده و تصمیم گرفتم تا کلیه روایات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام را از بحار الانوار استخراج کرده، مورد تحقیق قرار داده و به زبان فارسی ترجمه و در اختیار عموم قرار دهم. آنچه اکنون در مقابل شماست قسمتی از حاصل این تصمیم و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۱ تلاش مستمر است. البته در باره جمع آوری احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام به همین مقدار اکتفا ننمودم بلکه غیر از این تلاش تحقیقی، برای اینکه بتوانم باقی احادیث و روایات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام را نیز به دست آورم، تلاش موازی دیگری را سامان دادم که هدف آن جمع آوری کلیه احادیث و روایات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام از تمامی منابع شیعه و غیر شیعه بود. در این زمینه خاص بیش از پانصد عنوان کتاب روایی، تاریخی، رجالی، و ... مورد مطالعه قرار گرفت و در مجموع حدود چهل هزار نکته فراهم آمد که پس از مشترک سازی تعداد آنها به بیش از دو هزار مورد رسید و از این تلاش تحقیقی مجموعه‌ای به دست آمد که نام آن را «جامع احادیث فاطمه الزهرا علیها السلام» گذارده‌ام، و تمام احادیث و روایات آنها را اعرابگذاری، ترجمه، مشترک سازی منابع و تدوین نموده و مجلداتی از آن را نیز آماده نشر کرده‌ام. گرچه هنوز معتقدم که معارف جمع آوری شده چیزی حدود ۸۵٪ کل معارف مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد و امیدوارم در تحقیقات تکمیلی در رابطه با منابعی که جدیداً به دست می‌آید، بتوانم اطلاعات به دست آمده را افزایش دهم. بمنّه و کرمه.

۲- بررسی فنی و علمی در باره احادیث و روایات جمع آوری شده

اشاره

خوانندگان محترم اطلاع دارند که سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرين عليهم السلام در طول تاریخ، با مسائل و مشکلات زیادی روبرو بوده و همواره تحت تأثیر سه آفت مهم قرار گرفته است:

آفت اول: تحریف اهل غلو

رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم در این باره می‌فرماید: «از غلو در دین پرهیز کنید زیرا امت‌های پیشین به دلیل غلو گمراه شدند». و خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «به جز حق نگوئید، و در امور دینی خود غلو نکنید، و پیرو هوی و هوس قوم منحرفی که خودشان گمراه شده‌اند و می‌خواهند شما را نیز گمراه کنند زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۲ نباشید» (۱).

آفت دوم: سوء تأویل جاهلان

امام صادق علیه السّلام در این باره می‌فرماید: «ما برای برخی از مردم سخنانی می‌گوییم، ولی آنها کلام را به گونه‌ای دیگر تأویل کرده، و نتیجه‌ای را که خودشان دوست دارند می‌گیرند، و حدیث‌ها را آن گونه که سلیقه آنها را تأمین کند روایت می‌کنند». (۲)

آفت سوم: جعل جاعلان

رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم در این باره می‌فرماید: «در حالی که من هنوز زنده‌ام احادیث دروغ به من می‌بندند، و البته بعد از مرگ من، بر تعداد آنها افزوده خواهد شد، بدانید هر کس بر من دروغ بندد در آتش جهنم عذاب خواهد شد، بنا بر این هر حدیثی را که از ما نقل می‌کنند، نپذیرید و آنها را به قرآن عرضه کنید، اگر موافق با قرآن بودند، کلام ما هستند و اگر مخالف قرآن بودند، بدانید که آنها سخنان ما نیستند» (۳). و امام صادق علیه السّلام فرموده‌اند: «همانا مردم حرص و ولع شدیدی پیدا کرده‌اند بر اینکه سخنان دروغ را از زبان ما روایت کنند». (۴) و نیز فرموده‌اند: «ما اهل بیتی هستیم که جز سخن راست نمی‌گوییم ولی در زمان هر کدام از ما کسانی وجود دارند که سخنان دروغ را می‌سازند و آن را از زبان ما نقل زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۳ می‌کنند تا ما را در نزد مردم دروغگو و قصه‌باف معرفی کنند». (۱) و در جای دیگر فرموده‌اند: «در زمان هر یک از ما - مقصود ائمه طاهرین هستند - کسانی وجود دارند که سخنان دروغ را ساخته و آن را از زبان ما روایت می‌کنند». (۲) بنا بر این هیچ تردیدی در باره اینکه تعدادی احادیث غیر صحیح در میان روایات و کتابهای شیعه و غیر شیعه وارد شده وجود دارد، نیست و این امری است که همه محققین از علما بر آن اذعان دارند. در رجال کشی به نقل از «یونس بن عبد الرحمن» که از اصحاب مورد وثوق و اعتماد امام کاظم و امام رضا علیهما السّلام بوده، آمده است که گوید: «به کوفه سفر کردم و در آن شهر تعداد زیادی از اصحاب و شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما السّلام را دیدم که از آن دو بزرگوار احادیث زیادی را نقل می‌کردند، پس هر چه از آنها شنیدم نوشتم تا اینکه روزی به حضور امام رضا علیه السّلام رسیدم و آن احادیث را به ایشان عرضه کردم. آن حضرت احادیث مذکور را می‌خواند و ناراحت می‌شد تا آنکه به من فرمود: ای یونس! بسیاری از اینها، احادیث و سخنان امام باقر و امام صادق نیست و آنها را ساخته و به ایشان نسبت داده‌اند، پس با توجه به اینکه در اثر دخالت مردمان جاهل و اشخاص منفعت طلب و متعصب، حق و باطل با هم در آمیخته، احادیث ما را به قرآن و سنت قطعی - متواتر - رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم عرضه کنید و هر چه را که با آنها موافق بود، بگیرید و آنچه مخالف بود، دور بریزید». با توجه به آنچه گفتیم معلوم می‌شود که چرا رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم این همه تأکید داشته‌اند که هر سخنی را از زبان ایشان نقل نکنیم و می‌فرمودند: لا تحدّث بکلّ ما سمعت. (۳) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۴ ترجمه: هر چیزی را که می‌شنوید روایت نکنید. و یا می‌فرمودند: کفی بالمرء کذباً أن یحدّث بکلّ ما سمع. (۱) ترجمه: برای دروغگو بودن همین قدر کافی است که انسان هر چه را می‌شنود، روایت کند. با توجه به همین مقدمات است که حدیث‌شناسان متبحر تصریح کرده‌اند به اینکه نقل حدیث جعلی و ضعیف جایز نیست مگر با تصریح بر جعلی یا ضعیف بودن آن. بنا بر این برای کسی که با حدیث سر و کار دارد جایز

نیست که هر حدیثی را بدون بررسی در باره صحت یا عدم صحت آن نقل نماید بلکه ضروری است تا با استفاده از فنون و علوم مختلف مربوط به حدیث، به تحلیل در باره هر حدیث و روایت پردازد و اگر پس از بررسی، حدیث مورد نظر را صحیح و سالم تشخیص داد آن را روایت کند، چرا که هدف اصلی در استفاده از حدیث و سنت، درایه الحدیث است نه روایه الحدیث. ائمه طاهرين عليهم السلام در این مورد فرموده‌اند: علیکم بالدرایات لا- بالروایات. «۲» هَمَّيْهُ السَّيِّئَةُ الرَّوَايَةُ وَ هَمُّهُ الْعُلَمَاءُ الدَّرَايَةُ. «۳» العلماء تحزنهم الدراية، و الجهال تحزنهم الرواية. «۴» حدیث تدریه خیر من ألف ترویه. «۵» با این همه تأکید در باره وجود احادیث جعلی و ضعیف، و لزوم درایه الحدیث، با زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۵ کمال تأسف، در جستجویی که به عمل آوردم، هیچ دانشمند محقق را ندیدم که به بررسی فنی و علمی در باره احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته باشد، و هیچ مؤسسه علمی را نمی‌شناسم که حاضر به سرمایه‌گذاری مادی و معنوی برای انجام چنین تلاشی باشد و نتیجه این غفلت طولانی و عمیق از «درایه الحدیث» و توجه مطلق به «روایه الحدیث» موجب شده که شخصیت حقیقی حضرت فاطمه علیها السلام در پشت پرده‌های ابهام باقی بماند و در پناه توجه به احادیث غلو آمیز، از نظر الگویی نیز غیر قابل دسترس تلقی شود. امیدوارم روزی رشد فکری مردم در جامعه ما بدان پایه برسد که ضرورت نقد احادیث و روایات مربوط به ائمه طاهرين عليهم السلام و از آن جمله ضرورت انجام عملیات علمی و فنی در باره احادیث و روایات مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام را نیز باور کنند و بدانند که این گونه نقدها کمک فراوانی به پالایش معارف دینی و دسترسی به معارف ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم می‌نماید. نگارنده در پاورقی برخی از احادیث کتابی که هم اکنون در پیش رو دارید به بررسی فنی و علمی در باره برخی از احادیث و روایات پرداخته بودم ولی پس از مشاهده عکس العمل برخی از دوستان ترجیح دادم اکثر آنها را حذف کنم تا مبادا سوء تعبیری پیش آمده و مشکلاتی ایجاد نماید. اما به خوانندگان کنجکاو و دوستداران دانش وعده می‌کنم که مجموعه «جامع احادیث فاطمه الزهراء علیها السلام» را با تحلیل‌های علمی و فنی منتشر نمایم و از خداوند متعال بر انجام صحیح این کار عظیم یاری می‌طلبم و امیدوارم که پس از انجام، امکان انتشارش نیز وجود داشته باشد.

۳- فعالیت دیگری که انجام آن در باره حضرت فاطمه علیها السلام و نیز سایر ائمه و بزرگان دین، ضروری و بسیار مهم می‌باشد، الگوسازی از زندگانی این بزرگان برای استفاده امت مسلمان - خصوصا جوانان و نوجوانان - است.

اشاره

این اقدام البته بعد از انجام دو فعالیت علمی - تحقیقی قبل، کاملاً میسر و مقدور خواهد بود، چرا که اگر الگو پردازی بر اساس معارف صحیح نباشد و یا بر اساس باورهای عامیانه صورت گیرد، در آن صورت اسلام معقول خرافی، و دین سهل دشوار زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۶ و دست نیافتنی معرفی خواهد شد. پس باید ابتدا یک فاطمه‌شناسی درست و صحیح صورت گیرد و سپس الگوسازیها بر اساس آنها انجام شود. در باره الگو پردازی از شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام کارهایی انجام شده و کتابهایی به رشته تحریر درآمده، ولی اگر کسی آنها را به صورت انتقادی مورد مطالعه قرار دهد خواهد دید که چون این فعالیتها بر اساس معارف پالایش نشده صورت گرفته، یک سویه بوده و جوابگوی نیاز شدید جامعه جوان این کشور شیعی نبوده و حتی در برخی از قسمتها قابل اعتنا و قبول نمی‌باشد. اهل درد و آنها که برای بنای جامعه‌ای بر اساس اسلام و معارف ناب دینی و الهی تلاش می‌کنند، اگر می‌خواهند که مردم این جامعه «اسلام‌دان و اسلام‌خواه» باشند و بذریه‌های دین‌گریزی و احيانا دین‌ستیزی، از مغرب زمین در این جامعه شیعی پاشیده نشود باید با هوشیاری تمام، در هر موضوعی از موضوعات دینی، این سه تلاش اساسی را که در اینجا به آن اشاره کردیم انجام دهند تا نتیجه تلاش‌های علمی آنها همان باشد که آرزو دارند و برای رسیدن به

آن، روزها و شبهای عمر را مصروف داشته و دشواریهای تحقیق را به جان خریده‌اند.

پاسخ به یک سؤال

سؤال: با توجه به شیعه بودن علامه مجلسی رحمه الله و بنای او بر اینکه احادیث و روایات موجود در کتابهای شیعه را در بحار الانوار جمع آوری نماید، و با عنایت به اینکه احادیث زیادی در منابع اهل سنت وجود دارد که مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد و بر اساس روش علامه مجلسی رحمه الله قاعدتا نباید در بحار الانوار آمده باشد، چند درصد از احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام در این کتاب و مستدرکات آن آمده است؟ جواب: گرچه بنای علامه مجلسی رحمه الله بر این بوده که فقط روایات کتب شیعی را در بحار الانوار جمع آوری نماید ولی در آنچه که مربوط به زندگانی ائمه طاهرين عليهم السلام می‌باشد، روایاتی را که در منابع شیعی ندیده، از منابع اهل سنت برگرفته است، فقط زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۷ در باره حضرت فاطمه علیها السلام دهها حدیث را مستقیما از کتابهای غیر شیعی مانند: ۱- فردوس: ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ هـ) ۲- مستدرک حاکم نیشابوری (۴۰۵ هـ) ۳- مقتل الحسین: خطیب خوارزمی (۵۶۸ هـ) و غیره، و به واسطه کتابهایی چون مناقب ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ) و کشف الغمّه تألیف محقق ابو الفتح اربلی (۶۹۵ هـ) از کتابهایی چون آنچه در ذیل نام می‌بریم نقل کرده است: ۱- حلیۃ الاولیاء: ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ هـ) ۲- تاریخ بغداد: خطیب بغدادی (۴۶۳ هـ) ۳- ابانه: ابن بطه عکبری حنبلی (۳۸۷ هـ) ۴- فضائل الصحابه: احمد بن حنبل (۲۴۰ هـ) ۵- تفسیر الکشف و البیان: ثعلبی (۴۲۷ هـ) ۶- تاریخ خراسان: ابو علی سلامی (۳۷۴ هـ) ۷- کتاب اللوامع: عبد الملک بن محمد خرگوشی (۴۰۶ هـ) ۸- فیما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین: ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ هـ) ۹- شرف المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم: عبد الملک خرگوشی (۴۰۶ هـ) ۱۰- صحیح بخاری (۲۵۶ هـ) ۱۱- صحیح مسلم (۲۶۱ هـ) ۱۲- صحیح ترمذی (۲۷۹ هـ) ۱۳- صحیح دارقطنی (۳۸۵ هـ) ۱۴- امالی: ابن ابی شیبہ (۲۳۵ هـ) ۱۵- انساب الاشراف: جابر بلاذری (۲۷۹ هـ) ۱۶- قوت القلوب: ابو طالب مکی (۳۸۶ هـ) ۱۷- عقد الفرید: ابن عبد ربّه (۳۲۸ هـ) ۱۸- کتاب الرساله: سمعانی (۵۶۲ هـ) ۱۹- فضائل الصحابه: سمعانی (۵۶۲ هـ) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۸ ۲۰- کتاب الآل: ابن خالویه (۳۷۰ هـ) ۲۱- مسند احمد بن حنبل (۲۴۰ هـ) و پس معلوم می‌شود که برخی احادیث اهل سنت نیز در بحار الانوار نقل شده است، اما تعداد آنها در کتابی که در پیش روی شماست بسیار اندک می‌باشد و ما سعی کرده‌ایم تا در مستدرکات و پاورقی‌های کتاب بر تعداد آنها بیفزاییم، ولی در هر حال مجموعه احادیثی که در این کتاب، در باره حضرت فاطمه علیها السلام آمده است حدودا ۷۰٪ کل احادیث مربوط به آن حضرت در منابع شیعه و غیر شیعه می‌باشد.

اقدامات مترجم و محقق در باره این کتاب

آنچه که محقق و مترجم کتاب حاضر انجام داده است به شرح ذیل می‌باشد: ۱- جمع آوری کلیه احادیث مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام از تمامی مجلّات بحار الانوار. ۲ اعراب گذاری احادیث و روایات فراهم آمده، به این منظور که همگان بتوانند از آنها به راحتی استفاده کنند. اهل علم و قلم اطلاع دارند که اعرابگذاری آیه یا حدیث یک کار است، و در مرحله حروفچینی، درست وارد کردن اعراب توسط حروفچین کاری دیگر، که معمولا با مشکلات زیادی مواجه می‌باشد. البته بسیاری از اشکالات در مرحله تصحیح اصلاح می‌شوند ولی نویسنده هرگز نمی‌تواند به نحو قاطع بگوید که آنچه به دست خواننده می‌رسد از هر گونه اشکال مبرا می‌باشد. امید که اهل اطلاع به دیده اغماض بنگرند و در صورت اساسی بودن اشکال، محقق یا ناشر را مطلع نمایند تا در چاپهای بعدی اصلاحات لازم صورت گیرد. ۳- ترجمه احادیث و روایات به زبان فارسی: در این قسمت از کار سعی شده تا ترجمه احادیث به صورتی روان و سلیس انجام شود تا برای همه فارسی زبانان به راحتی قابل استفاده باشد، و در مورد احادیث مکرر، از

ترجمه مکرر آنها خودداری زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۹ شده است. ۴- افزودن تعلیقات تحقیقی در پاورقی به منظور تبیین بیشتر موضوع یا تذکر نکته‌ای مهم و مفید که متأسفانه تعداد آنها به دلیل محذوراتی که در پیش بوده، به اندازه لازم نمی‌باشد. ۵- تخریج آیات که گاهی در پاورقی صورت گرفته و گاهی در متن ترجمه. ۶- تخریج مصادر و منابع احادیث از کتابهای شیعی و غیر شیعی، که در پاورقی کتاب انجام گرفته و در این مرحله رعایت کمال اختصار شده است زیرا به نظر رسید که ذکر جزئیات، اختلاف نقلها و نسخه‌ها، ذکر اسناد متعدد احادیث و ... می‌تواند خواننده‌ای را که در طریق تحقیق علمی قرار ندارد خسته کرده موجبات ملالت وی را فراهم آورد. ۷- موضوع بندی احادیث در اوایل هر باب که جهت تکمیل استفاده خوانندگان در آخر هر جلد تکرار می‌شود. ۸- شماره گذاری احادیث به صورت مسلسل، تا امکان تهیه فهرس راهنما را در مجلد آخر کتاب میسر سازد. از خداوند متعال می‌خواهم که این عمل ناچیز را بپذیرد و این بنده کمترینش را مورد لطف و رحمت خاصه‌اش قرار دهد. آمین محمد روحانی علی آبادی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۱ (زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها)

آشنایی کوتاه با صدیقه کبری، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

اشاره

نام: فاطمه. کنیه‌های مشهور: امّ الحسن، امّ الحسین، امّ ابیها، امّ الائمّه. مشهورترین لقبها: زهرا، صدیقه، طاهره، کبری، سیده، بتول. پدر: حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر عظیم الشان اسلام. مادر: خدیجه علیها السلام بنت خویلد همسر فداکار پیامبر اسلام. محل تولد: مکه. سال تولد: سال دوم بعثت، و به روایتی: سال پنجم. روز میلاد: بیستم جمادی الثانی. نام همسر: علی بن ابی طالب علیه السلام، پسر عموی پیامبر اسلام. زمان ازدواج: رجب یا ذی حجه سال دوم هجرت در مدینه. مدت زندگانی با علی علیه السلام: نه سال. میزان مهریه: ۴۰۰ مثقال نقره مسکوک فرزندان: حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، زینب کبری، امّ کلثوم و یک فرزند سقط شده به نام محسن شهادت: در سال یازدهم هجری محل دفن: پنهان است تعداد احادیث و روایات باقیمانده در باره آن حضرت: حدود ۲۰۰۰ مورد. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۴ تعداد سخنان باقیمانده از حضرت فاطمه: حدود ۱۳۰ مورد. تعداد اشعار باقیمانده از آن حضرت: حدود ۲۹ قطعه. تعداد خطبه‌های باقیمانده از آن حضرت: ۲ خطبه. سایر آثار علمی باقیمانده از آن حضرت: مصحف فاطمه علیها السلام که به خط همسر گرامش علی علیه السلام نوشته شده و در نزد فرزندان آن حضرت بوده و هم اکنون در دست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

مشهورترین و صحیح‌ترین مناقب و فضائل آن حضرت:

۱- اینکه غضب فاطمه علیها السلام موجب غضب خدا و رسول او، و رضای فاطمه سبب رضای ایشان است. ۲- فاطمه برترین زنان دو عالم است. ۳- فاطمه معصوم از هر گونه گناه می‌باشد. ۴- آن حضرت محبوبترین و عزیزترین مردم در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. ۵- خداوند در روز قیامت، به آن حضرت اجازه شفاعت می‌دهد. ۶- صدور معجزات بسیار از حضرت فاطمه علیها السلام. ۷- بی‌مانند بودن ایمان و یقین فاطمه علیها السلام. ۸- زهد و قناعت نمونه. ۹- احترام بی‌حد پیامبر به آن حضرت. ۱۰- او عابدترین مردم در زمان خود بوده است. ۱۱- صدق و راستگویی حضرت فاطمه علیها السلام. ۱۲- علم وافر آن حضرت. و

باب اول ولادت فاطمه علیها السلام، سیما و شمایل و برخی از تواریخ مربوط به وی

اشاره

احادیث و روایات متن: ۲۴ احادیث و روایات ضمائ: ۲۶ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۷

موضوعات روایات در این باب

موضوعات روایاتی که در این باب آمده: ۱- خلقت نوری حضرت فاطمه علیها السلام در عالم ذر ۲- دوری زنان قریش و بنی هاشم از حضرت خدیجه، به دلیل ازدواجش با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. ۳- سخن گفتن فاطمه با مادرش به هنگام بارداری ۴- تنها بودن خدیجه به هنگام بارداری ۵- حضور زنان مقدس به هنگام میلاد حضرت فاطمه علیها السلام ۶- کیفیت میلاد حضرت فاطمه علیها السلام از مادرش ۷- شهادت حضرت فاطمه علیها السلام بر یگانگی خدا، نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وصایت علی علیه السلام به هنگام میلاد ۸- رشد و نمو خارق العاده حضرت فاطمه علیها السلام در دوران طفولیت ۹- میلاد حضرت فاطمه علیها السلام بعد از معراج پیامبر ۱۰- انعقاد نطفه فاطمه علیها السلام از میوه‌های بهشتی ۱۱- محبت فراوان پیامبر نسبت به فاطمه علیها السلام ۱۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و استشمام بوی بهشت از فاطمه علیها السلام ۱۳- فاطمه علیها السلام حوری‌های در لباس انسان زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۸ ۱۴- منصوره آسمان و فاطمه زمینان ۱۵- محبت مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به فاطمه علیها السلام و عدم ابراز آن به سایرین ۱۶- اندوه عایشه از محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به فاطمه علیها السلام ۱۷- سیمای ظاهری و شمایل حضرت فاطمه علیها السلام ۱۸- شباهت حضرت فاطمه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱۹- میلاد فاطمه علیها السلام، در روز بیستم جمادی الآخر ۲۰- میلاد فاطمه علیها السلام، طبق نظر اهل سنت سال پنجم قبل از بعثت پیامبر ۲۱- میلاد فاطمه علیها السلام، طبق نظر برخی علمای شیعه سال پنجم بعد از بعثت ۲۲- میلاد فاطمه علیها السلام، طبق نظر برخی از دانشمندان شیعه و اهل سنت سال دوم بعثت ۲۳- ازدواج فاطمه با علی علیهما السلام، سال دوم هجرت و در روز اول یا ششم ذی الحجه ۲۴- مدت زندگانی فاطمه پس از رحلت پیامبر- بنا بر قول مشهور- هفتاد و پنج روز. ۲۵- برخورداری فاطمه علیها السلام از علمی وسیع نسبت به گذشته، حال و آینده ۲۶- عدم حدوث نفاس در آن حضرت بعد از تولد فرزندان ۲۷- یکی از کنیه‌های فاطمه، «ام ابیها» ۲۸- ازدواج پیامبر پس از هجرت با سوده و سپس ام سلمه و سپردن سرپرستی فاطمه علیها السلام به آنان

متن احادیث و ترجمه آنها

[متن عربی]

متن عربی

۱- الأمالی للصدوق «۱» أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَلِيلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْفَقِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَ كَيْفَ كَانَ وَلَادَةُ فَاطِمَةَ عَ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ عَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَ هَجَرَتْهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ فَكُنَّ لَهَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَسْلُمْنَ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَتَرَكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةُ لِمَذَلِكِ وَكَانَ جَزَعُهَا وَغَمُّهَا حِذْرًا عَلَيْهِ صَ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَتَصَبِّرُهَا وَكَأَنَّكَ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ يَوْمًا فَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ عَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ تُحَدِّثِينَ قَالَتْ الْجَنِينَ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَيُؤْنِسُنِي قَالَ يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّهَا أَنْثَى وَأَنَّهَا النَّسِيلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ

وَتَعَالَى سَيِّجَعْلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيِّجَعْلُ مَنْ نَسْلِيهَا أَيْمَهُ وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ زَندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۰ فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ عَ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وَلَدَتْهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ بَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لَتَلِينَ مِنِّي مَا تَلَى النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا أَنْتَ عَصِيَّتْنَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجْتَ مُحَمَّدًا يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقِيرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَاعْتَمَتْ خَدِيجَةُ عَ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمِرَ طَوَالِ كَانَتْهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزَعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَيْدَةُ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَيْدَةُ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَيْدَةُ كُلُّهُمُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثَنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْكَ مَا تَلَى النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ أُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّلَاثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةُ عَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بَيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ وَ دَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طَسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيْقٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَلَتْهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بَيَضَاوَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَبْرُ فَلَفَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ قَنَعَتْهَا بِالثَّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَفَتْهَا فَطَنَقَتْ فَاطِمَةُ عَ بِالشَّهَادَتَيْنِ وَ قَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ وَلَدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلِمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَ أَقْبَلَ يَضْحَكُنْ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتْ الْخُورُ الْعَيْنُ وَ بَشَّرَ أَهْلُ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَ وَ حَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ وَ قَالَتِ النِّسْوَةُ خَدِيجَةُ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً زَكِيَّةً مَيْمُونَةً بُورِكَ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا فَرِحَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ أَلْقَمَتْهَا ثَدْيِهَا فَدَرَّ عَلَيْهَا فَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَ تَنُمِي فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ وَ تَنُمِي فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ مُصْبِحًا الْأَنْوَارِ (۱)، عَنْ أَبِي الْمَفْضَلِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ ابْنِ بَنْتِ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلِ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ أَبِي الشَّوَّارِبِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۱ عَلَى بْنِ أَشِيمٍ عَنْ يَعْقُوبِ بْنِ يَزِيدٍ عَنْ حَمَادٍ مِثْلَهُ (۱)

ترجمه

: در کتاب امالی شیخ صدوق، از مفصل بن عمر نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم: ولادت حضرت فاطمه علیها السلام چگونه بوده است؟ امام فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه علیها السلام ازدواج کرد، زنان مکه از خدیجه کناره گیری نمودند و نزد وی نمی رفتند، به او سلام نمی کردند، و به هیچ زنی اجازه نمی دادند که با او معاشرت و تماس داشته باشد. این برخورد زنان سبب ناراحتی و اندوه خدیجه شد، البته غم و اندوه وی بیشتر برای پیامبر اسلام بود که مبادا آسیبی متوجه وی گردد. وقتی خدیجه به حضرت فاطمه حامله شد، فاطمه در رحم مادر همدم او بود و با مادرش سخن می گفت، و وی را به صبر توصیه می نمود، خدیجه این موضوع را از رسول خدا مخفی می داشت تا اینکه یک روز پیامبر نزد خدیجه آمد و شنید که او با کسی سخن می گوید، پس به او گفت: ای خدیجه! با چه کسی سخن می گویی؟ خدیجه گفت: با این بچه ای که در رحم دارم، او با من سخن می گوید و مونس ساعات تنهایی من است. رسول خدا فرمود: ای خدیجه! جبرئیل مرا بشارت داده که او دختر است، و گفته که او منشأ نسلی پاک و مبارک است و خداوند تبارک و تعالی مقدر نموده که نسل من از طریق او برقرار و پایدار بماند، و مقرر فرموده که فرزندان او پس از انقطاع وحی امام و خلیفه خدا در زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴ زمین باشند. خدیجه دائما در همین حال بود تا اینکه هنگام وضع حمل وی فرا رسید، پس کسی را نزد زنان قریش و بنی هاشم فرستاد که بیاید و مرا در امر تولد فرزند یاری نماید. آنان در جواب گفتند: چون تو سخن ما را در باره ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله و سلم نادیده گرفتی و با آن مرد فقیر و یتیم ازدواج کردی، پس ما نزد تو نخواهیم آمد و تو را در این امر یاری نخواهیم نمود. خدیجه از شنیدن این جواب غمگین شد؛ در همان حال چهار زن گندمگون و بلند بالا که خدیجه

فکر می کرد از زنان بنی هاشم هستند نزد او حاضر شدند، هنگامی که خدیجه آنها را دید اظهار درد و ناراحتی کرد، یکی از آنان گفت: ای خدیجه! نگران نباش، زیرا ما فرستاده خداییم تا تو را در امر زایمان کمک کنیم، ما خواهران تو هستیم، من ساره هستم، و این بانو آسیه دختر مزاحم است که در بهشت دوست و همراه تو خواهد بود، و این مریم دختر عمران، و آن دیگری کلثم خواهر موسی بن عمران است، پس یکی از آنان در سمت راست خدیجه، و یکی در طرف چپ وی، و دیگری در مقابل او و چهارمی ایشان در بالای سر او نشستند، و بدین ترتیب خدیجه، حضرت فاطمه علیها السلام را در حالی که پاک و پاکیزه بود، به دنیا آورد. هنگامی که آن حضرت متولد شد نوری از او ساطع گردید و داخل خانه های مکه شد به طوری که در شرق و غرب این شهر خانه ای باقی نبود مگر آنکه نور در آن داخل شده بود، آنگاه ده تن از حور العین در حالی که به دست هر کدامشان یک طشت و ابریقی از بهشت که پر از آب کوثر بود داخل اتاق شدند، آن بانویی که در پایین پاهای خدیجه قرار گرفته بود آن ظرفها را از دست ایشان گرفته و فاطمه علیها السلام را با آب کوثر شستشو داد، سپس طفل را در دو حوله سفید و خوشبو پیچید و بعد از آن از او خواست که سخن بگوید، پس فاطمه زبان گشود و فرمود: شهادت می دهم که معبودی جز خدای یگانه وجود ندارد، و شهادت می دهم که پدرم رسول خدا و برترین پیامبران است و همسرم علی برترین اوصیا، و فرزندانم برترین بازماندگان و سرور مردمان هستند، و پس از این گفتار به آن بانوان سلام کرد و هر یک را به نامشان خطاب کرد، پس آنان خندان و شادمان گردیدند و تولد او را به زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۵ یک دیگر تبریک گفتند و اهل آسمان نیز ولادت او را به یک دیگر تبریک می گفتند، و به واسطه تولد فاطمه در آسمان نیز نور خیره کننده ای ظاهر گردید که ملائکه پیش از آن نظیر آن را ندیده بودند. پس آن زنان به خدیجه گفتند: این مولود پاک و مبارک را بگیر که در خود او و نسل او برکت قرار داده شده، خدیجه در حالی که خوشحال و مسرور بود فاطمه را در آغوش گرفت و پستان خود را در دهان او نهاد و شیر در دهان او جاری نمود، و این نوزاد از رشد فوق العاده ای برخوردار بود به طوری که در هر روز به اندازه یک ماه، و در هر ماهی به اندازه یک سال رشد می کرد.

متن عربی

متن عربی

۲- الأمالی «۱» و عیون أخبار الرضا «۲» للصدوق الهمدانی «۳» عَنْ عَلِيٍّ «۴» عَنْ أَبِيهِ «۵» عَنْ الْهَرَوِيِّ «۶» عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِيَدِي جَبْرِئِيلُ ع فَأَذْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَنَاولَنِي مِنْ رُطْبِهَا فَأَكَلْتُه فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ ع فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَكُلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ الْإِحْتِجَاجَ لِلطَّبْرَسِيِّ «۷» مرسلا مثله «۸»

ترجمه:

در کتاب عیون اخبار الرضا و امالی شیخ صدوق به نقل از امام رضا علیه السلام آمده: رسول خدا فرمود: هنگامی که به آسمان عروج کردم، جبرئیل دستم را گرفته وارد بهشت نمود و خرمایی بهشتی به من داد، پس خرما را خوردم و در اثر آن نطفه ای در بطن من پدیدار شد، هنگامی که به زمین باز گشتم، با خدیجه همبستر شدم و خدیجه به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریه ای به شکل انسان است و من هر گاه مشتاق بوی بهشت می شوم، بوی دخترم فاطمه را استشمام می کنم. «۱»

متن عربی

متن عربی

۳- معانی الأخبار «۱» ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ «۲» عَنِ الْحَمِيرِيِّ «۳» عَنِ ابْنِ يَزِيدَ «۴» عَنِ ابْنِ فَضَالٍ «۵» عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سَدِيرِ الصَّيْرِفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ ع قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَلَيْسَتْ هِيَ إِنْشِيَهُ فَقَالَ فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْشِيَهُ قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَكَيْفَ هِيَ حَوْرَاءُ إِنْشِيَهُ قَالَ خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نُورِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ إِذْ كَانَتِ الْأَرْوَاحُ فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ عَرَضَتْ عَلَى آدَمَ قِيلَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَآيَنَ كَانَتْ فَاطِمَةُ قَالَ كَانَتْ فِي حُقَّةٍ تَحْتَ سَاقِ الْعَرْشِ قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَمَا كَانَ طَعَامُهَا قَالَ التَّشْبِيحُ وَالتَّقْدِيسُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّحْمِيدُ فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ وَأَخْرَجَنِي مِنْ صُلْبِهِ وَ أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ صُلْبِي جَعَلَهَا تُفَاحَةً فِي الْجَنَّةِ وَأَتَانِي بِهَا زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۹ جَبْرِئِيلُ ع فَقَالَ لِي السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبِّكَ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ قُلْتُ مِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ يَعُودُ السَّلَامُ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ هَذِهِ تُفَاحَةٌ أَهْدَاها اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَاخْذُثَهَا وَ ضَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي قَالَ يَا مُحَمَّدُ يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ كُلُّهَا فَفَلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ نُورًا سَاطِعًا وَفَرَعْتُ مِنْهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَا لَكَ لَا تَأْكُلُ كُلُّهَا وَلَمَّا تَخَفَ فَإِنَّ ذَلِكَ النُّورَ لِلْمَنْصُورَةِ فِي السَّمَاءِ وَ هِيَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ قُلْتُ حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ وَلِمَ سَمَّيْتَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةَ وَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ قَالَ سَمَّيْتُ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فَطِمَتْ شَيْعَتُهَا مِنَ النَّارِ وَفَطِمَ أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا- وَ هِيَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ «۱» يَغْنَى نَصِيرَ فَاطِمَةَ لِمُحِبِّيها بيان لعل هذا التأويل مبني على أن قوله مِنْ بَعْدُ قَبْلُ قوله يَوْمَئِذٍ إشارة إلى القيامة

ترجمه:

اشاره

شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده: نور فاطمه قبل از اینکه زمین و آسمان خلق شوند آفریده شد. «۲» بعضی از مردم گفتند: ای رسول خدا! پس او از جنس بشر نیست؟ پیامبر فرمود: فاطمه حوریه‌ای در لباس انسان است. گفتند: ای رسول خدا! چگونه امکان دارد که کسی حوریه و در عین حال انسان باشد؟ فرمود: خداوند متعال قبل از اینکه حضرت آدم را بیافریند فاطمه را در آن هنگامی که ارواح مخلوقات را خلق می‌کرد، از نور خود آفرید، پس هنگامی که آدم را آفرید، فاطمه را به او نشان داد. گفته شد: ای رسول خدا! فاطمه در آن زمان کجا بود؟ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۰ فرمود: نور او در حفره‌ای زیر ساق عرش قرار داشت. گفتند: ای رسول خدا! طعام وی چه بود؟ فرمود: تسبیح و تقدیس و تهلیل «۱» و تحمید؛ هنگامی که خدا حضرت آدم را آفرید و مرا از صلب او خارج نمود (متولد شدم)، اراده نمود که فاطمه را از صلب من خارج کند، پس آن نور را در سینی قرار داد و جبرئیل آن سیب را نزد من آورد و گفت: ای محمد! سلام، رحمت و برکات خدا بر تو باد. گفتم: ای حبیب من! بر تو باد سلام و رحمت و برکات او. جبرئیل گفت: ای محمد! خدا به تو سلام می‌رساند. گفتم: هر چه سلام (سلامتی) است از طرف اوست و به سوی او باز خواهد گشت. گفت: ای محمد! این سیب تحفه‌ای است که خداوند مهربان آن را از بهشت برای تو فرستاده. و من آن سیب را گرفته و به سینه خود نهادم. جبرئیل گفت: ای محمد! خداوند می‌فرماید که این سیب را بخوری. هنگامی که آن سیب را تکه کردم نوری از آن ساطع گردید که موجب تعجب من شد، و جبرئیل که تأخیر و تأمل مرا در خوردن سیب مشاهده کرد، گفت: ای رسول خدا! چرا آن را نمی‌خوری؟ بخور و نترس، زیرا آنچه دیدی نور بانویی است که در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» خواهد بود. گفتم: ای جبرئیل! چرا در آسمان منصوره

و در زمین فاطمه است؟ گفت: در زمین فاطمه نامیده شد برای اینکه پیروان و شیعیان خود را از آتش نجات می‌دهد و دشمنانش از محبت او محروم خواهند بود، و در آسمان به این جهت منصوره است که خدا فرمود: «در روز قیامت، مؤمنان از نصر و یاری خدا خشنود می‌شوند، و خداوند هر که را خواهد یاری کند»، و مقصود از نصرت خدا برای مؤمنان، همانا شفاعت و امداد فاطمه برای شیعیان و دوستدارانش می‌باشد.

بیان

: شاید این تأویل بر این اساس باشد که لفظ «من بعد» در آیه قبل را اشاره به روز زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۱ قیامت بدانیم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴، ۱۵-۴- علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ «۲» عَنِ الشُّكْرِیِّ «۳» عَنِ الْجَوْهَرِیِّ «۴» عَنِ ابْنِ عُمَارَةَ «۵» عَنِ أَبِيهِ عَنْ جَابِرٍ «۶» عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ تَلْتُمُ فَاطِمَةَ وَتَلْزُمُهَا وَتُدْنِيهَا مِنْكَ وَتَفْعَلُ بِهَا مَا لَا تَفْعَلُهُ بِأَحَدٍ مِنْ بَنَاتِكَ فَقَالَ إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَ أَتَانِي بِتَفَاحَةٍ مِنْ تَفَاحِ الْجَنَّةِ فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ مَاءً فِي صُلْبِي ثُمَّ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَأَنَا أَشَمُّ مِنْهَا رَائِحَةَ الْجَنَّةِ «۷»

ترجمه

شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع، از امام باقر علیه السلام، از جابر بن عبد الله نقل می‌کند: به پیامبر خدا گفته شد: ای رسول خدا! چگونه است که این قدر فاطمه را می‌بوسی و او را در آغوش می‌گیری و نزدیک خود می‌نشانی، و به او لطف و محبتی روا می‌داری در حالی که سایر دخترانت از آن [لطف و محبت مخصوص] بی‌بهره‌اند؟! رسول خدا فرمود: جبرئیل سببی از سیبهای بهشت برای من آورد و من آن را خوردم، و از آن سیب نطفه‌ای در صلب من پدیدار گشت، و هنگامی که با خدیجه همبستر شدم وی به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه بوی بهشت می‌دهد و من هر گاه او را می‌بویم بوی بهشت به مشام می‌رسد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵- علل الشرائع «الْقَطَّانُ عَنِ الشُّكْرِیِّ عَنِ الْجَوْهَرِیِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عُمَرَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبْسِيِّ عَنْ جَبَلَةَ الْمَكِّيِّ عَنْ طَاوُسِ الْيَمَنِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ دَخَلَتْ عَائِشَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَهُوَ يَقْبَلُ فَاطِمَةَ فَقَالَتْ لَهُ أَ تُحِبُّهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ عَلِمْتُ حُبِّي لَهَا لَمَازِدَدْتُ لَهَا حُبًّا إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ أَذَّنَ جَبْرِئِيلُ وَأَقَامَ مِكَائِيلُ ثُمَّ قِيلَ لِي اأَذِنُ يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ أَتَقَدَّمُ وَأَنْتَ بِحَضْرَتِي يَا جَبْرِئِيلُ قَالَ نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضَّلَكَ أَنْتَ خَاصَّةً فَدَنَوْتُ فَصَلَّيْتُ بِأَهْلِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ ثُمَّ التَفْتُ عَنْ يَمِينِي فَإِذَا أَنَا بِإِبْرَاهِيمَ ع فِي رَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَقَدْ اكْتَنَفَهَا جَمَاعَةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ثُمَّ إِنِّي صِرْتُ إِلَى السَّمَاءِ الْخَامِسَةِ وَ مِنْهَا إِلَى السَّادِسَةِ فَنُودِيتُ يَا مُحَمَّدُ نَعَمْ أَلَبَّ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَ نَعَمْ أَلَاخُ أَخُوكَ عَلِيُّ فَلَمَّا صِرْتُ إِلَى الْحُجُبِ أَخَذَ

جَبْرِئِلُ عِیْدِی فَاذْخَلْنِی الْجَنَّةَ فَاِذَا اَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ فِی اَصْلِهَا مَلْکَانِ یَطْوِیَانِ الْحُلَّ وَ الْحُلَّی فَقُلْتُ حَبِیْبِی جَبْرِئِلُ لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَقَالَ هَذِهِ لِاَخِیْکَ عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ ع وَ هَیْذَانِ الْمَلْکَانِ یَطْوِیَانِ لَهُ الْحُلَّی وَ الْحُلَّ اِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ اَمَامِی فَاِذَا اَنَا بِرُطَبٍ اَلِیْنِ مِنَ الزُّبَیْدِ وَ اَطِیْبَ رَائِحَةٍ مِنَ الْمِسْکِ وَ اَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَاَخَذْتُ رُطْبَهُ فَاَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ الرُّطْبَةُ نُطْفَةً فِی صُدْلِی فَلَمَّا اَنْ هَبَطْتُ اِلَی الْاَرْضِ وَاَقَعْتُ خَدِیْجَةً فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ اِنْسِیَّةٌ فَاِذَا اشْتَقْتُ اِلَی الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رَائِحَةَ فَاطِمَةَ ع «۲»

ترجمه

شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع به نقل از ابن عباس گوید: عایشه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد در حالی که پیامبر فاطمه را می‌بوسید، پس به او گفت: ای رسول خدا! آیا او را خیلی دوست می‌داری؟ پیامبر فرمود: آری، به خدا سوگند اگر می‌دانستی که چقدر او را دوست می‌دارم تو نیز او را بیشتر دوست می‌داشتی، زیرا هنگامی که در شب معراج مرا به آسمان چهارم بردند، جبرئیل اذن گفت و میکائیل اقامه، آنگاه به من گفته شد: ای محمد! جلو بیا و نماز بگزار. گفتم: ای جبرئیل! با بودن تو من چگونه جلو بایستم و نماز بگزارم؟ گفت: بله، به درستی که خداوند عزیز پیامبران مرسل خود را بر ملائکه مقربش فضیلت و برتری داده است و علاوه بر آن تو را نیز نسبت به ایشان، فضیلت مخصوصی عطا فرموده است. پس جلو رفتم و با ساکنان آسمان چهارم نماز گزاردم، و وقتی به طرف راست برگشتم [حضرت] ابراهیم را دیدم که در یکی از باغهای بهشت قرار گرفته و گروهی از ملائک در اطراف ایشان اجتماع نموده‌اند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۴ سپس وقتی به سوی آسمان پنجم و ششم بالا می‌رفتم ندایی شنیدم که گفت: ای محمد! پدر تو ابراهیم پدری خوب و برادرت علی [علیه السلام] برادری شایسته است. هنگامی که به سراپرده‌ها رسیدیم جبرئیل دستم را گرفت و داخل بهشت نمود، در آنجا درختی نورانی توجه مرا جلب کرد در حالی که دو فرشته آن را به زیورهای می‌آراستند، پس گفتم: ای جبرئیل! این درخت از آن چه کسی است؟ گفت: آن درخت علی بن ابی طالب است و اینها تا روز قیامت وظیفه دارند آن را زینت نمایند. وقتی کمی جلوتر رفتم با خرمایی مواجه شدم که از کره نرمتر و از مشک خوشبوتر و از عسل شیرین‌تر بود، من یکی از آنها را خوردم و در اثر آن نطفه‌ای در پشت من به هم رسید، هنگامی که به زمین برگشتم با خدیجه همبستر شدم و وی به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریه‌ای انسیه است که هر گاه اشتیاق بهشت پیدا می‌کنم بوی او را استشمام می‌نمایم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۶- تفسیر القمی «۱» اَبِی عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ «۲» عَنِ ابْنِ رِثَابٍ «۳» عَنْ اَبِی عُبَیْدَةَ «۴» عَنْ اَبِی عَبَّیدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص یُکَثِّرُ تَقْبِیْلَ فَاطِمَةَ ع فَاَنْکَرْتُ ذَلِکَ عَائِشَةُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص یَا عَائِشَةُ اِنِّی لَمَّا اُسْرِی بِی اِلَی السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَاَذْنَابِی جَبْرِئِلُ مِنْ شَجَرَةٍ طُوبَى وَ نَاوَلَنِی مِنْ ثَمَارِهَا فَاَكَلْتُهُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِکَ مَاءً فِی ظَهْرِی فَلَمَّا هَبَطْتُ اِلَی الْاَرْضِ وَاَقَعْتُ خَدِیْجَةً فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَمَا قَبَّلْتُهَا قَطُّ اِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا «۵»

ترجمه

: علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش از امام صادق علیه السلام روایت کرده: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دخترش فاطمه را خیلی

دوست داشت و هر وقت او را می دید می بوسید، عایشه از این موضوع اظهار ناراحتی می کرد، پس رسول خدا فرمود: ای عایشه! در آن شبی که مرا به آسمان بردند، داخل بهشت، جبرئیل دست مرا گرفته نزدیک درخت طوبی برد و مقداری از میوه آن را به من داد، پس از خوردن آن میوه، نطفه ای در پشت من به هم رسید، هنگامی که به زمین باز گشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله شد، پس هیچ گاه فاطمه را نبوسیده ام مگر اینکه بوی درخت طوبی را از او استشمام کرده ام.

[متن عربی]

[متن عربی]

۷- مناقب آل ابی طالب «۱» أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ قَالَ سَأَلْتُ أُمِّي عَنْ صِفَةِ فَاطِمَةَ ع فَقَالَتْ كَانَتْ كَأَنَّهَا الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ أَوِ الشَّمْسُ كُفِرَتْ عَمَامًا أَوْ خَرَجَتْ مِنَ السَّحَابِ وَكَانَتْ بَيْضَاءَ زَنْدِ گانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶ بَصَّةً «۱» بیان کفرت علی البناء للمجهول ای إن شئت شبهتها بالشمس المستورة بالغمام لسترها و عفافها أو لإمكان النظر إليها و إن شئت بالشمس الخارجة من تحت الغمام لنورها و لمعانها و يحتمل أن يكون الغرض التشبيه بالشمس في حالتی ابتداء الدخول في الغمام و الخروج منها تشبيها لها بالشمس و لقناعها بالسحاب التي أحاطت ببعض الشمس أو يقال التشبيه بها في الحالتين لجمعها فيهما بين الستر و التمكن من النظر و عدم محو الضوء و في الشعاع و على التقادير مأخوذ من الكفر بمعنى التغطية يقال كفرت الشيء أكفره بالكسر كفرا أي سترته و البضاضة رقة اللون و صفاؤه الذي يؤثر فيه أدنى شيء

ترجمه

اشاره

: ابن شهر آشوب در کتاب مناقب به نقل از انس بن مالک گوید: از مادرم در باره شمایل حضرت فاطمه سؤال کردم، در جواب گفت: فاطمه مثل ماه در شب چهاردهم یا مثل آفتابی بود که تازه از زیر ابر خارج شده و یا تازه وارد آن می گردید، و رنگ پوستش سفید و روشن بود.

بیان

: «کفرت» بنا بر اینکه «کفرت» خوانده شود- صیغه مجهول- به این معنا خواهد بود که اگر می خواهی او را به آفتابی که در پشت ابر بوده و کم کم می خواهد از پشت آن خارج شود تشبیه کن که در آن صورت منظور از کلام راوی عفیف و پوشیده بودن حضرت فاطمه خواهد بود لکن نه به گونه ای که تمام بدن او حتی چشمانش پوشیده باشد که اگر به او نگاه شود چیزی قابل رؤیت نباشد، و یا اگر می خواهی او را به آفتابی تشبیه کن که تازه از زیر ابر خارج شده و نور افشانی می کند و هدف از آن این باشد که فاطمه دارای چهره ای نورانی و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۷ درخشانده بوده است. همچنین ممکن است که غرض راوی تشبیه فاطمه بر خورشید در حالتی باشد که تازه زیر ابر می رود و یا تازه از زیر ابر خارج می شود و در هر دو حال نوری دارد که چشم از نگاه به آن آزرده می شود. و تشبیه فاطمه به خورشید در دو حالت (کفرت غماما، أو خرجت من السحاب) به دلیل آن است که در هر دو حالت هم ستر و پوشیدگی وجود دارد و هم امکان رؤیت و در عین حال جلوه و روشنی محو نمی شود

و قابل مشاهده است، به هر تقدیر «کفرت» مأخوذ از «کفر» به معنی پوشاندن است و وقتی گفته می شود «کفرت الشیء الکفره» یعنی مخفی کردن و پوشاندن آن. و «بضاضه» عبارت از روشن بودن رنگ چهره و صفای آن است به نحوی که کوچکترین چیز در آن اثر می گذارد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۸- مناقب آل ابی طالب «۱» عطاء «۲» عَنْ أَبِي رَبَاحٍ «۳» قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص تَعْجُنُ وَإِنَّ قَصَبَتَهَا تَضْرِبُ إِلَى الْجَفْنَةِ وَ رُوي «۴» أَنَّهَا كَانَتْ مُشْرِقَةَ الرَّبَاعِيَّةِ

ترجمه

: ابن شهر آشوب در کتابش از ابو رباح نقل کرده: فاطمه دختر رسول خدا از آرد خمیر می ساخت، و موهای خود را می بافت و آنها چون بلند بودند بر روی شانه های ایشان می ریختند، و روایت شده که چهره او چون خورشید می درخشید و چهار دندان پیشین او افتاده بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۹- مناقب آل ابی طالب «۵» جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مَا رَأَيْتُ فَاطِمَةَ تَمْشِي إِلَّا ذَكَرْتُ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۸ رَسُولُ اللَّهِ ص تَمِيلُ عَلَى جَانِبِهَا الْأَيْمَنِ مَرَّةً وَ عَلَى جَانِبِهَا الْأَيْسَرِ مَرَّةً وَ وُلِدَتْ فَاطِمَةُ بِمَكَّةَ بَعْدَ الثُّبُوءِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ بَعْدَ الْإِسْرَاءِ بِثَلَاثِ سِنِينَ ثُمَّ هَاجَرَتْ مَعَهُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَرَوَّجَهَا مِنْ عَلَى بَعْدَ مَقْدَمِهَا الْمَدِينَةَ بِسِتِّينِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ رُوي أَنَّهُ كَانَ يَوْمَ السَّادِسِ وَ دَخَلَ بِهَا يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لَيْسَتْ خَلَوْنَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ بَعْدَ بَدْرِ وَ قُبِضَ النَّبِيُّ وَ لَهَا يَوْمَئِذٍ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَ وَلَدَتْ الْحَسَنَ وَ لَهَا اثْنَتَا عَشْرَةَ سَنَةً «۱»

ترجمه

: ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از جابر بن عبد الله نقل کرده: هر گاه راه رفتن فاطمه را می دیدم پیامبر اسلام به یاد می آمد، زیرا او نیز مانند پدرش در موقع راه رفتن گاهی به طرف راست و گاهی به طرف چپ متمایل می شد، او پنج سال بعد از نبوت پدرش و سه سال پس از معراج او، در بیستم جمادی الآخر در مکه متولد گردید و مدت هشت سال را با پدرش در مکه بود. آنگاه همراه ایشان به مدینه مهاجرت نمود، و پیامبر خدا او را در سال دوم هجرت، در روز اول ذی الحجه، به ازدواج علی بن ابی طالب در آورد. و روایت شده که ازدواج او در روز ششم ذی حجه، در روز سه شنبه و بعد از بازگشت از جنگ بدر بوده است، و هنگامی که پیامبر رحلت نمود وی هیجده سال و هفت ماه داشت، و هنگامی که فرزند اولش امام حسن علیه السلام متولد گردید مادرش فاطمه دوازده ساله بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰- کشف الغمّه «۲» ذَكَرَ ابْنُ الْخَشَّابِ «۳» عَنْ شَيْخِهِ يَزْعُمُهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ وَلِدْتُ فَاطِمَةَ بَعْدَ مَا أَظْهَرَ اللَّهُ بُيُوتَهُ نَبِيَّهُ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْوَحْيَ بِخَمْسِ سِنِينَ وَقُرَيْشُ تَبْنِي النَّبِيتِ وَتُوْفِّيْتُ وَلَهَا ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَخَمْسِيَّةٌ وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَفِي رِوَايَةٍ صَدَقَهُ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَشَهْرٌ وَخَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا وَكَانَ عُمرُهَا مَعَ أَبِيهَا بِمَكَّةَ ثَمَانِي سِنِينَ وَزَنَدْكَانِي حَضْرَت زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۹ هَاجَرْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَقَامْتُ مَعَهُ عَشْرَ سِنِينَ وَكَانَ عُمرُهَا ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً فَأَقَامْتُ مَعَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهَا خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَقَالَ الذَّارِعُ أَنَا أَقُولُ فَعُمرُهَا عَلَى هَذِهِ الرِّوَايَةِ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَشَهْرٌ وَعَشْرَةُ أَيَّامٍ وَلَدْتُ الْحَسَنَ وَلَهَا إِحْدَى عَشْرَةَ سَنَةً بَعْدَ الْهَجْرَةِ بِنِثْلَاثِ سِنِينَ «۱»

ترجمه

: محقق اربلی در کشف الغمّه به نقل از امام باقر علیه السلام گوید: حضرت فاطمه در سال پنجم بعد از بعثت پیامبر اسلام به دنیا آمد و این در حالی بود که قریش خانه کعبه را تعمیر می کردند، و وفات نمود در حالی که سنّش هجده سال و هفتاد و پنج روز بود- و در روایت صدقه آمده که مدّت عمر او هجده سال و یک ماه و پانزده روز بوده- زیرا مدّت زندگیش با پیامبر، در مکّه، هشت سال بود، و پس از آن با پدرش به مدینه هجرت نمود، و ده سال در مدینه زندگی کرد، پس عمرش حدود هجده سال بوده، و پس از رحلت پیامبر فقط هفتاد و پنج روز زنده بود- و در روایت دیگری آمده که این مدت چهل روز بوده است. ذارع گوید: پس بر اساس این روایت عمر او هجده سال و یک ماه و ده روز بوده، و امام حسن در سال سوم بعد از هجرت در حالی از وی متولّد شد که او یازده سال داشت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱- کشف الغمّه «۲» فِي كِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ ع لِبْنِ بَابَوَيْهِ يَزْعُمُهُ إِلَى أَهْلِ مَاءِ بَنَاتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ زَنَدْكَانِي حَضْرَت زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۰ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص وَقَدْ كُنْتُ شَهِدْتُ فَاطِمَةَ ع وَقَدْ وَلَدْتُ بَعْضَ وَلَدِهَا فَلَمْ أَرَلَهَا دَمًا فَقَالَ ص إِنَّ فَاطِمَةَ خُلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورَةِ إِنْسِيَّةٍ

ترجمه

: محقق اربلی در کشف الغمّه به نقل از شیخ صدوق در کتاب مولد فاطمه، و او از اسماء بنت عمیس روایت کرده: من شاهد بودم که وقتی برخی فرزندان فاطمه متولّد شدند، فاطمه خونی ندید، و رسول خدا در این باره گفت: فاطمه حوریه‌ای در لباس انسان خلق شده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲- روضه الواعظین «۱» وُلِدَتْ عَ بَعْدَ النُّبُوَّةِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ بَعْدَ الْإِسْرَاءِ بِثَلَاثِ سِنِينَ وَ أَقَامَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص بِمَكَّةَ ثَمَانِ سِنِينَ ثُمَّ هَاجَرَتْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَى الْمَدِينَةِ فَرَوَّجَهَا مِنْ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بَعْدَ مَقْدَمِهِمُ الْمَدِينَةَ بِسَنَةٍ وَ قُبِضَ النَّبِيُّ ص وَ لِفَاطِمَةَ ع يَوْمَئِذٍ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَ عَاشَتْ بَعْدَ أَبِيهَا اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا

ترجمه

قتال نیشابوری در روضه الواعظین گوید: حضرت فاطمه در سال پنجم بعد از نبوت و سه سال بعد از معراج متولد گردید، و هشت سال با پیامبر در مدینه زندگی کرد، سپس با ایشان به مدینه هجرت نمود، و یک سال پس از ورود به مدینه با علی علیه السلام ازدواج نمود، و هنگامی که رسول خدا رحلت فرمود هجده سال داشت، و پس از وی هفتاد و دو روز زنده بوده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳- الکافی «۲» وُلِدَتْ فَاطِمَةُ ع بَعْدَ مَبْعَثِ النَّبِيِّ ص بِخَمْسِ سِنِينَ وَ تُوَفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ يَوْمًا بَقِيَتْ بَعْدَ أَبِيهَا خَمْسَةٌ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا

ترجمه:

محمد بن یعقوب کلینی در کتاب کافی می گوید: حضرت فاطمه علیها السلام در سال پنجم بعثت متولد شد، و در حالی که هجده سال و هفتاد و پنج روز از عمرش می گذشت وفات نمود، و مدت عمرش پس از پیامبر هفتاد و پنج روز بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴- عُيُونُ الْمُعْجَزَاتِ، «۱» رَوَى عَنْ حَارِثَةَ بِنِ قُدَامَةَ قَالَ حَدَّثَنِي سَلْمَانُ قَالَ حَدَّثَنِي عَمَّارٌ وَ قَالَ أَخْبَرَكَ عَجَبًا قُلْتُ حَدَّثَنِي يَا عَمَّارُ قَالَ نَعَمْ شَهِدْتُ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ قَدْ وَلَجَ عَلَى فَاطِمَةَ ع فَلَمَّا أَبْصَرْتُ بِهِ نَادَتْ اذْنُ لِأَخِيكَ بِمَا كَانَ وَ بِمَا هُوَ كَائِنٌ وَ بِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ قَالَ عَمَّارٌ فَرَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَرْجِعُ الْقَهْقَرَى فَرَجَعْتُ بِرُجُوعِهِ إِذْ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ لَهُ اذْنُ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَمَدَّنَا فَلَمَّا اطْمَأَنَّ بِهِ الْمَجْلِسُ قَالَ لَهُ تُحَدِّثُنِي أَمْ أُحَدِّثُكَ قَالَ الْحَدِيثُ مِنْكَ أَحْسَنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ كَأَنِّي بِكَ وَ قَدْ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ وَ قَالَتْ لَكَ كَيْتٌ وَ كَيْتٌ فَرَجَعْتُ فَقَالَ عَلِيُّ ع نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِنَا فَقَالَ ع أَوْ لَا تَعْلَمُ فَسَجَدَ عَلِيُّ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى قَالَ عَمَّارٌ فَخَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ خَرَجْتُ بِخُرُوجِهِ فَوَلَجَ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَ وَلَجْتُ مَعَهُ فَقَالَتْ كَأَنَّنِي رَجَعْتُ إِلَى أَبِي ص فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا قُلْتُهُ لَكَ قَالَ كَانَ كَذَلِكَ يَا فَاطِمَةُ فَقَالَتْ أَغْلَمَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ نُورِي وَ كَانَ يُسَبِّحُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ شَجَرَةً مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ فَأَصْأَتْ فَلَمَّا دَخَلَ أَبِي الْجَنَّةَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِلَهَامًا أَنْ اقْتِطِفِ الثَّمَرَةَ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَدْرِهَا فِي لَهَوَاتِكَ فَفَعَلَ فَأَوْدَعَنِي اللَّهُ سُبْحَانَهُ صِلْبَ أَبِي ص ثُمَّ أَوْدَعَنِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ فَوَضَعْتَنِي وَ أَنَا مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَغْلَمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ

يَكُنْ يَا أَبَا الْحَسَنِ الْمُؤْمِنُ يُنْظَرُ بِنُورِ اللَّهِ تَعَالَى «۲»

ترجمه

حسین بن عبد الوهاب در کتاب عیون المعجزات به نقل از سلمان روایت نموده است: عمار بن یاسر به من گفت: آیا می‌خواهی چیز عجیبی را برایت نقل کنم؟ گفتم: نقل کن ای عمار! گفت: آری، من شاهد بودم که روزی علی بن ابی طالب بر فاطمه داخل شد، هنگامی که زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۳ چشمان فاطمه بر او افتاد، گفت: نزدیک بیا تا به تو بگویم که در جهان هستی چه بوده، چه هست، و تا روز قیامت چه خواهد شد. عمار گفت: در این حال دیدم که علی بازگشت، پس من هم به دنبال او بازگشتم تا اینکه به حضور پیامبر رسید، پس پیامبر به او گفت: ای ابو الحسن! نزدیکتر بیا، پس علی نزدیکتر رفت و در کنار او نشست و پیامبر به وی فرمود: حال تو می‌گویی یا من بگویم؟ علی فرمود: شما بگویید بهتر است. پس رسول خدا فرمود: مثل اینکه فاطمه به تو چنین و چنان گفته است و تو نزد من آمده‌ای تا در باره آن جويا شوی. علی پرسید: آیا نور فاطمه از نور من است؟ پیامبر فرمود: آیا تردید داری؟ البته که چنین است. و علی سجده شکر نموده و از حضور پیامبر خارج گردید و من نیز با او خارج شدم. پس از آن علی به خانه‌اش داخل شد و من نیز با او داخل شدم، فاطمه به او گفت: مثل اینکه نزد پدرم رفته بودی تا آنچه را که به تو گفته بودم برایش نقل کنی؟ علی گفت: چنین است ای فاطمه! فاطمه گفت: ای ابو الحسن! بدان که خدای تعالی نور مرا- در عالم ذر- خلق کرد و او بلافاصله مشغول تسبیح خداوند گردید، سپس آن نور را به صورت درختی نورانی در بهشت درآورد، هنگامی که پدرم در واقعه معراج داخل بهشت گردید خداوند تعالی به او وحی نمود تا از میوه‌های این درخت برگرفته و بخورد، و پدرم چنین کرد و بدین وسیله خداوند مرا در صلب پدرم قرار داد و سپس در بطن مادرم خدیجه دختر خویلد، و من از وی متولد شدم، پس من از آن نورم، بدان که نسبت به هر آنچه بوده، هست و خواهد بود عالم و آگاه هستم، ای ابو الحسن! مگر نه آن است که مؤمن بوسیله نور خدا می‌بیند و نظاره می‌کند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵- إقبال الأعمال «۱» قَالَ الشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي كِتَابِ حَدَائِقِ الرِّيَاضِ «۲» يَوْمَ الْعَشْرِينَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ كَانَ مَوْلِدُ السَّيِّدَةِ الزَّهْرَاءِ ع سَنَةَ اثْنَتَيْنِ مِنَ الْمَبْعَثِ «۳»

ترجمه:

سید بن طاوس در کتاب اقبال الاعمال به نقل از شیخ مفید در کتاب حدائق الریاض گوید: حضرت فاطمه در بیستم جمادی الآخر سال دوم بعثت متولد گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۶- مِنْ بَعْضِ كُتُبِ الْمُخَالِفِينَ، «۱» بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سُلَيْمَانَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ وَلِدَتْ فَاطِمَةُ سَنَةَ إِحْدَى

وَأَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص «۲»

ترجمه:

در برخی از کتابهای اهل سنت به نقل از سلیمان بن جعفر هاشمی آمده است: حضرت فاطمه در زمانی متولد شد که پیامبر چهل و یک ساله بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷- وَ زَعَمَ مُحَمَّدٌ بْنُ إِسْحَاقَ أَنَّ فَاطِمَةَ وُلِدَتْ قَبْلَ أَنْ يُوحَىٰ إِلَى النَّبِيِّ ص وَ كَذَلِكَ سَائِرُ أَوْلَادِهِ مِنْ خَدِيجَةَ «۳»

ترجمه:

و محمد بن اسحاق کاتب بر این عقیده است که فاطمه و همین طور تمام فرزندان پیامبر قبل از بعثت متولد شده‌اند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۸- وَ فِي رِوَايَتِي عَنِ الْحَافِظِ أَبِي الْمَنْصُورِ الدَّيْلَمِيِّ بِرِوَايَتِهِ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْحَدَّادِ عَنْ أَبِي نُعَيْمٍ الْحَافِظِ فِي كِتَابِ مَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ «۱» أَنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ أَصْغَرَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سِنًا وُلِدَتْ وَ قُرَيْشٌ تَبْنِي الْكُعْبَةَ وَ كَانَتْ فِيمَا قَبْلُ تُكْنَى أُمُّ أَسْمَاءَ «۲»

ترجمه:

در دو روایتی که ابو منصور دیلمی از ابو نعیم اصفهانی در کتابش به نام معرفه الصحابه نقل می کند گوید: حضرت فاطمه کوچکترین دختر رسول خدا بود، او متولد شد در زمانی که قریش خانه کعبه را تعمیر می کردند، و این قبل از زمانی بود که کنیه ام اسماء را برای او قرار داده باشند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹- وَقَالَ أَبُو الْفَرَجِ فِي كِتَابِ مَقَاتِلِ الطَّالِبِينَ «۳» كَانَ مَوْلِدُ فَاطِمَةَ ع قَبْلَ النُّبُوَّةِ وَ قُرَيْشٌ حِينَئِذٍ تَبْنِي الْكُعْبَةَ وَ كَانَ تَزْوِجُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ إِيَّاهَا فِي صِفْرِ بَعِيدٍ مَقْدَمِ رَسُولِ اللَّهِ ص الْمَدِينَةَ وَ بَنَى بِهَا بَعْدَ رُجُوعِهِ مِنْ غَزَاهُ بَدْرٍ وَ لَهَا يَوْمُنِذِ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً حَدَّثَنِي بِذَلِكَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْحَارِثِ - عَنِ ابْنِ سَعْدٍ عَنِ الْوَاقِدِيِّ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي سَبْرَةَ - عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَبِي فَرْوَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ ع

ترجمه:

ابو الفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبیین گوید: تاریخ میلاد فاطمه قبل از بعثت پیامبر و در زمانی بود که قریش خانه کعبه را تعمیر می کردند، و زمان ازدواج او با علی در ماه صفر اولین سال بعد از هجرت به مدینه، و عروسی وی در بعد از مراجعه از غزوه بدر در حالی بود که او هجده سال داشت. ابو الفرج این روایت را به سند خود از امام جعفر صادق نقل نموده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰- الکافی «۱» عَزِيدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ وَ سَعْدُ بْنُ عَزِيدِ اللَّهِ جَمِيعاً عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ وَلِدَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص بَعْدَ مَبْعَثِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِخَمْسِ سِنِينَ وَ تُوُفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ يَوْمًا

ترجمه:

محمد بن یعقوب کلینی به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت می کند: حضرت فاطمه در سال پنجم بعد از بعثت پیامبر متولد گردید، و وفات نمود در حالی که هجده سال و هفتاد و پنج روز داشت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۱- المصباح «۲» لِكفعمي «۳» وَلِدَتْ فَاطِمَةُ ع فِي الْعَشْرِينَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ مِنَ الْمَبْعَثِ وَقِيلَ سَنَةَ خَمْسٍ مِنَ الْمَبْعَثِ وَ كَانَ نَقْشُ خَاتَمِهَا أَمِنْ الْمُتَوَكِّلُونَ وَ بَوَائِبُهَا فَضَةٌ أَمْتُهَا

ترجمه:

کفعمی در کتاب مصباح گوید: حضرت فاطمه در بیستم جمادی الآخر «۴»- روز جمعه- سال دوم بعثت متولد گردید «۵»، و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۷ در بعضی روایات آمده است که این امر در سال پنجم بعد از بعثت واقع شده «۱»، و عامه روایت کرده اند که تولد ایشان در سال پنجم قبل از مبعث بوده است «۲».

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲- مصباح المتهجد «۱» فِي الْيَوْمِ الْعِشْرِينَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ مِنَ الْمَبْعَثِ كَمَا أَنَّ مَوْلِدَ فَاطِمَةَ ع فِي بَعْضِ الرُّوَايَاتِ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى سَنَةَ خَمْسٍ مِنَ الْمَبْعَثِ وَ الْعَامَّةُ تَزْوِي أَنَّ مَوْلِدَهَا قَبْلَ الْمَبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِينَ

ترجمه:

شیخ طوسی در مصباح المتعجل گوید: حضرت فاطمه در روز بیستم جمادی الآخر- روز جمعه- سال دوم بعثت متولد گردید، و در برخی روایات آمده که زمان تولد او سال پنجم بعثت بوده، و اهل سنت روایت کرده‌اند که تولد او پنج سال قبل از بعثت پیامبر بوده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳- كِتَابُ دَلَالِ الْإِمَامِيَّةِ «۲»، لِمُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ الْإِمَامِيِّ عَنِ أَبِي الْمُفَضَّلِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبُرْقِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ ابْنِ سَتَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ وَلِدَتْ فَاطِمَةُ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ الْيَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْهَا سَنَةٌ خَمْسٌ وَأَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ ص فَأَقَامَتْ بِمَكَّةَ ثَمَانَ سِنِينَ وَبِالْمَدِينَةِ عَشْرَ سِنِينَ وَبَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهَا خَمْسًا وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَقَبِضَتْ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لَثَلَاثٍ خَلَوْنَ مِنْهُ سَنَةٌ إِحْدَى عَشْرَةَ مِنَ الْهِجْرَةِ

ترجمه:

محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامة از امام صادق علیه السلام روایت کرده: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۹ حضرت فاطمه در بیستم جمادی الآخر سال پنجم بعثت متولد گردید و در این هنگام پیامبر چهل و پنج ساله بوده‌اند، پس هشت سال در مکه و ده سال در مدینه و هفتاد و پنج روز بعد از وفات پیامبر زندگی کرد و در روز سوم جمادی الآخر سال یازدهم هجری وفات نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴، ۱۵، ۱-۲۴- وَ عَنْهُ «۱» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الضَّبِّيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا الْغَلَابِيِّ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقِيدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمْ تَزَلْ فَاطِمَةُ تَشِبُّ فِي الْيَوْمِ كَالْجُمُعَةِ وَفِي الْجُمُعَةِ كَالشَّهْرِ وَفِي الشَّهْرِ كَالسَّنَةِ فَلَمَّا هَاجَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ وَابْتَنَى بِهَا مَسْجِدًا وَأَنْسَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ بِهِ وَعَلَتْ كَلِمَتُهُ وَعَرَفَ النَّاسُ بَرَكَتَهُ وَسَارَ إِلَيْهِ الرُّكْبَانُ وَظَهَرَ الْإِيمَانُ وَدُرِسَ الْقُرْآنُ وَتَحَدَّثَ الْمُلُوكُ وَالشَّرَافُ [الْأَشْرَافُ وَخَافَ سَيِّفَ نَقَمَتِهِ الْأَكَابِرُ وَ الْأَشْرَافُ وَ هَاجَرَتْ فَاطِمَةُ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ نِسَاءِ الْمُهَاجِرِينَ وَ كَانَتْ عَائِشَةُ فِيمَنْ هَاجَرَ مَعَهَا فَقَدِمَتِ الْمَدِينَةَ فَأُنْزِلَتْ مَعَ النَّبِيِّ ص عَلَى أُمِّ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَ خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ص النِّسَاءَ وَ تَزَوَّجَ سَوْدَةَ أَوَّلَ دُخُولِهِ الْمَدِينَةَ وَ نَقَلَ فَاطِمَةَ إِلَيْهَا ثُمَّ تَزَوَّجَ أُمَّ سَلَمَةَ فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ تَزَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص وَ فَوَّضَ أَمْرَ ابْنَتِهِ إِلَيَّ فَكُنْتُ أُوَدِّبُهَا وَ كَانَتْ وَ اللَّهِ أَدَّابَ مِنِّي وَ اعْرِفَ بِالْأَشْيَاءِ كُلِّهَا

ترجمه:

ابو جعفر طبری در دلائل الامامة از ابن عباس نقل می‌کند: رشد فاطمه در دوران کودکی زیاد بود به طوری که در هر روز به اندازه

یک هفته و در هر هفته به اندازه یک ماه، و در یک ماه به اندازه یک سال بود. هنگامی که رسول خدا از مکه به مدینه هجرت کرد و مسجد مدینه را برپا داشت، و با مردم آن شهر انس گرفت، و دین اسلام پیشرفت کرد و مردم برکت وجود او را درک کرده و به وی اعتماد ورزیدند و ایمان خود را آشکار نموده، تدریس قرآن برای همگان آغاز شد، و بزرگان و اشراف و گردنکشان بر سر جای خود نشستند و فهمیدند که با حضرتش نمی‌توانند جنگ و جدال زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۰ نمایند، سپس حضرت فاطمه همراه علی علیهما السلام و زنان مهاجر که عایشه نیز در بین آنها بود از مکه خارج شده و وارد مدینه گردیدند، علی و فاطمه با رسول خدا همراه شده و در منزل امّ ابی ایوب انصاری ساکن شدند، پس رسول اکرم اولّ سوده «۱» را به همسری خود درآورد و فاطمه را به او سپرد و سپس امّ سلمه «۲» را، پس خود ام سلمه در این مورد گوید: رسول زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۱ اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرا به همسری خود درآورد و تربیت و نگهداری از فاطمه را به من سپرد، و من می‌خواستم آداب زندگی را به او بیاموزم ولی به خدا سوگند مشاهده نمودم که او ادبی برتر از من دارد و همه چیز را می‌داند.

ضمائم باب اول

ضمیمه اول برخی مصادر و روایان احادیث مربوط به انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام در زمان بعد از معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

احادیث مربوط به انعقاد نطفه حضرت فاطمه از میوه‌های بهشتی و پس از معراج پیامبر را اشخاص ذیل روایت نموده‌اند:

- ۱- ابن عباس ۲- عایشه ۳- امام صادق علیه السلام ۴- عمر بن خطاب ۵- سعد بن مالک ۶- امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ۷- حذیفه بن یمان ۸- سلمان فارسی ۹- عروه بارقی ۱۰- امام سجّاد علیه السلام ۱۱- جابر بن عبد الله انصاری ۱۲- حارث اعور ۱۳- احادیث مرسل.

مصادر حدیث ابن عباس

- ۱- علل الشرائع: شیخ صدوق، ص ۱۸۴ ب ۱۴۷ ح ۲۲- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۵ ح ۳۵- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۸۸ و ۱۸۹ شماره ۱۶۰- بحار الانوار، ج ۱۸ ص ۳۵۰ و ۳۵۱ شماره ۵۶۱- کتاب المحتضر، ص ۱۳۵ و ۱۳۶- دلائل الامامة، ص ۵۳- تاریخ بغداد، ج ۱۲ ص ۳۳۱- ذخائر العقبی، ص ۳۶- مناقب ابن مغازلی، ص ۳۵۷ و ۳۵۸ شماره ۴۰۶- میزان الاعتدال، ج ۱ ص ۵۴۱ شماره ۲۰۲۲- لسان المیزان، ج ۲ ص ۲۹۷- ۱۲- ینایع المودّة، ص ۲۵۹- کتاب المعراج، شیخ صدوق، به نقل المختصر از آن ۱۴- اخبار الدول، ص ۱۵۸۷- وسیله المآل، ص ۱۶۷۹- الصّواعق المحرقة، ص ۱۷۹۶- عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱ ص ۷ و ۸ ب ۳ شماره ۱.

روایان حدیث ابن عباس

- ۱- ابو جعفر محمّد بن علی صدوق (ت ۳۸۱ ه) ۲- احمد بن حسن القطّان ۳- حسن بن علی سکری ۴- محمّد بن زکریا الغلابی البصری (۲۹۸ ه) ۵- عمر بن عمران ۶- عبید الله بن موسی العبسی (عبد الله) ۷- جبله مکی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۷- ۸- طاوس یمان ۹- ابو جعفر محمّد بن جریر بن رستم طبری امامی (ق ۴ و ۵ ه) ۱۰- ابو اسحاق ابراهیم

بن مخمّد بن جعفر الباقر حی ۱۱- خدیجه امّ الفضل ابنه محمّد بن احمد بن ابی الثلج بغدادی ۱۲- ابو عبد الله محمّد بن احمد الصفوانی ۱۳- ابو احمد عبد العزيز بن یحیی بن عیسی الجلودی ۱۴- عثمان بن عمران ۱۵- محبّ الدین احمد بن عبد الله طبری (۶۹۴ هـ) ۱۶- حسن بن سلیمان ۱۷- ابو الفضل بن خیرون ۱۸- ابو الحسن احمد بن مظفر عطار ۱۹- ابو محمّد عبد الله بن محمّد بن عثمان، ابن السیّقاء ۲۰- محمّد بن ابی الشیخ واسطی ۲۱- ابو عبد الله حسین بن عبید الله ابزاری الخضیب البغدادی (۲۹۵ هـ) ۲۲- ابراهیم بن سعید جوهری ۲۳- مأمون عباسی (۲۱۸ هـ) ۲۴- هارون الرشید عباسی (۱۴۹-۱۹۳ هـ) ۲۵- منصور عباسی ۲۶- ابو الحسن علی بن محمّد واسطی جلابی، ابن مغازلی (۴۸۳ هـ) ۲۷- ابو عبد الله محمّد بن احمد ذهبی (۶۷۳-۷۴۸ هـ) ۲۸- ابو الفضل احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۸۵۲ هـ) ۲۹- ابو بکر احمد بن علی بغدادی (۳۹۲-۴۶۳ هـ) ۳۰- شیخ عبد الله بحرانی (ح ۱۱۱۰ هـ) ۳۱- محمّد باقر بن محمّد تقی مجلسی اصفهانی (۱۱۱۱ هـ) ۳۲- سلیمان بن ابراهیم قندوزی (۱۲۹۴ هـ) ۳۳- احمد بن یوسف دمشقی قرمانی (۱۰۱۹ هـ) ۳۴- با کثیر حضرمی، ابو بکر بن شهاب الدین علوی.

مصادر حدیث عایشه

۱- المعجم الکبیر، ج ۲۲ ص ۴۰۰- مناقب ابن سلیمان کوفی، ج ۲ ص ۲۰۶ شماره ۶۷۷- الطرائف، ص ۲۷۴- تاریخ بغداد، ج ۵ ص ۸۷ شماره ۲۴۸۱- مجمع الزوائد، ج ۹ ص ۲۰۵ و ۲۰۲- ذخائر العقبی، ج ۱ ص ۳۶- تاریخ الخمیس، ج ۱ ص ۲۷۷- مقتل الحسین، ج ۱ ص ۶۳- میزان الاعتدال، ج ۱ ص ۳۸- میزان الاعتدال، ج ۲ ص ۸۴- نظم درر السمطین، ص ۱۷۷- لسان المیزان، ج ۵ ص ۱۶۰- وسیله المآل، ص ۱۴۷۸- ینابیع المودّه، ص ۱۹۷- کنز العمال، ج ۷ ص ۱۱۱- فیض القدر، ج ۵ ص ۱۷۶- شرف المصطفی، ابو سعید خرگوشی، از ابو الفضل بن خیرون و ابن السری و حربی ۱۸- وسیله المتعبّدین: ملّا، به نقل محبّ الدین طبری در ذخائر العقبی ۱۹- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳ ص ۳۸۳- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۴۲ و ۴۳- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۵۰- کتاب الموضوعات: ابن جوزی، ج ۱ ص ۴۱۲ و ۴۱۳- کتاب المجروحین: ابن حبان، ج ۲ ص ۲۹ و ۲۴۳- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۶۴ شماره ۳۶.

راویان حدیث عایشه

۱- ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۲۶۰-۳۶۰ هـ) ۲- عبد الله بن سعید بن یحیی الرّقی ۳- احمد بن ابی شیبّه الرّهاوی ۴- ابو قتاده حرّانی ۵- سفیان ثوری ۶- هشام بن عروه ۷- عروه بن زبیر ۸- محبّ الدّین طبری (۶۹۴ هـ) ۹- ابن عساکر دمشق (۵۷۳ هـ) ۱۰- محمّد عبد الرؤف بن علی مناوی (۹۲۵-۱۰۳۱ هـ) ۱۱- ابو احمد عبد الرحمن بن احمد الهمدانی ۱۲- محمّد بن اسحاق آدمی ۱۳- عثمان بن عبد الرحمن ۱۴- امّ عثمان ۱۵- عالیّه ۱۶- معاذ ۱۷- بهیه ۱۸- ابو سعد (سعید- خرگوشی (ت ۴۰۶ هـ) ۱۹- ابو الفضل بن خیرون ۲۰- ابن سرّی ۲۱- ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق حربی (۱۹۸-۲۵۸ هـ) ۲۲- سید بن طاوس (۶۶۴ هـ) ۲۳- احمد بن علی خطیب بغدادی (۴۶۳ هـ) ۲۴- محمّد بن احمد بن رزق ۲۵- ابو الحسین احمد بن محمّد بن محمّد بن عقیل شافعی ۲۶- ابو بکر عبد الله بن محمّد بن علی بن طرخان زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۰- محمّد بن خلیل بلخی ۲۸- ابو بکر شجاع بن ولید سکونی ۲۹- هشام کلبی، ابو منذر هشام بن ابی النضر محمّد بن سائب کلبی (۲۰۴ هـ) ۳۰- محمّد بن سائب کلبی (۱۴۶ هـ) ۳۱- نور الدّین علی بن ابی بکر هیشمی (۸۰۷ هـ) ۳۲- حسین بن حسن دیاربکری ۳۳- ابو منصور شهردار بن شیرویه الدیلمی (۵۰۹ هـ) ۳۴- ابو المؤید موفق خوارزمی (۵۶۸ هـ) ۳۵- محمود بن اسماعیل ۳۶- احمد بن فادشاه ۳۷- ابو علی حدّاد ۳۸- ابو نعیم احمد بن عبد الله اصفهانی (۴۳۰ هـ) ۳۹- ابو معاذ نحوی مروزی ۴۰- محمّد بن عباس دمشقی ۴۱- عبد الله بن ثابت بن حسان

هاشمی حرانی ۴۲- جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی مدنی (۷۵۰ هـ) ۴۳- شهاب الدین احمد بن علی بن حجر عسقلانی ۴۴- با کثیر حضرمی، ابو بکر بن شهاب الدین علوی ۴۵- سلیمان بن ابراهیم قندوزی ۴۶- شهاب الدین احمد حسینی شیرازی شافعی ۴۷- محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱ هـ) ۴۸- ابو عبد الله محمد بن احمد ذهبی (۷۴۸ هـ) ۴۹- متقی هندی ۵۰- ابو الفرج عبد الرحمن علی جوزی (۵۹۷ هـ) ۵۱- ابن حبان. ۵۲- ابن شهر آشوب مازندرانی (۵۸۸ هـ) ۵۳- ابن مسیب زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۴۷۱- ابن شهاب زهري ۵۵- ابو الحسن بن رزقويه.

مصادر حدیث حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

۱- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۲۰ شماره ۱۰ ۲- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۴۲ شماره ۶۲ ۳- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۷۸ شماره ۱۳۰ ۴- بحار الانوار، ج ۱۸ ص ۳۱۵ شماره ۲۷ ۵- بحار الانوار، ج ۱۸ ص ۳۶۴ شماره ۶۸ ۶- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۴ شماره ۷۳ ۷- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۶ شماره ۶ ۸- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۴۲ شماره ۴۲ ۹- کتاب المحتضر، ص ۱۳۵ ۱۰- کتاب المعراج، شیخ صدوق، به نقل محمد بن سلیمان در المحتضر ۱۱- معانی الاخبار، ص ۳۹۶ شماره ۵۳ ۱۲- تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۱ ص ۳۶۵ ۱۳- ذخائر العقبی، ص ۱۴۳۶ ۱۴- عوالم العلوم، ج ۱۱ ص ۱۰ شماره ۴ ۱۵- مجمع البیان، ج ۳ ص ۲۹۱ (۶/۲۹۱) ۱۶- جلاء العیون، ج ۱ ص ۱۷۱۲۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۲ ص ۱۸۵۰۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۲ ص ۱۳۱ شماره ۴۹ ۱۹- تفسیر البرهان، ج ۲ ص ۲۹۲ شماره ۳ ۲۰- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳ ص ۳۸۳ ۲۱- تأویل الآیات الظاهرة، ج ۱ ص ۲۳۶ شماره ۱۵ ۲۲- تفسیر عیاشی، ج ۲ ص ۲۱۲ شماره ۴۶.

راویان حدیث حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

۱- ابان بن تغلب ۲- محمد بن مسعود عیاشی ۳- علی بن ابراهیم بن هاشم قمی ۴- ابراهیم بن هاشم قمی ۵- حسن بن محبوب زراد ۶- علی بن رثاب کوفی ۷- ابو عییده زیاد الحداء ۸- ابو جعفر محمد بن علی صدوق (۳۸۱ هـ) ۹- احمد بن علی بن ابراهیم ۱۰- علی بن معبد ۱۱- احمد بن عمر ۱۲- زید نقاب ۱۳- حسن بن سلیمان ۱۴- محمد بن موسی بن المتوکل ۱۵- عبد الله بن جعفر الحمیری ۱۶- یعقوب بن یزید ۱۷- حسن بن علی بن فضال ۱۸- عبد الرحمن بن حجاج ۱۹- سدید صیرفی ۲۰- محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (۵۸۸ هـ) ۲۱- محب الدین طبری (۶۹۴ هـ) ۲۲- ابو علی فضل بن حسن طبرسی (ح ۵۲۲ هـ) ۲۳- محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱ هـ) ۲۴- عبد علی بن جمعه العروسی.

مصادر حدیث عمر بن خطاب

۱- میزان الاعتدال، ج ۱ ص ۲۵۳ ۲- میزان الاعتدال، ج ۲ ص ۲۹۷ ۳- لسان المیزان، ج ۴ ص ۴۳۶ ۴- مقتل الحسین، ج ۱ ص ۶۸ ۵- عیون الاخبار فی مناقب الاخیار، ص ۴۵ ۶- کتاب الفوائد: ابو بکر شافعی، به نقل ابن حجر در لسان المیزان.

راویان حدیث عمر بن خطاب

۱- زید بن اسلم ۲- شمس الدین محمد ذهبی (۷۴۹ هـ) ۳- ابن حجر عسقلانی ۴- ابو بکر شافعی ۵- ابو المؤید موفق بن احمد خوارزمی (۵۶۸ هـ) ۶- احمد الملکی الخوارزمی الملکی ۷- ابو منصور محمد بن حسین مقرئ ۸- حسن بن حسین راشدی ۹- محمد بن عیسی ۱۰- ابو بکر الشعفی ۱۱- سمانه بنت حمدان بن موسی ۱۲- حمدان بن موسی ۱۳- موسی ۱۴- عمرو بن زیاد ثوبانی ۱۵-

عبد العزیز بن محمد ۱۶- اسلم ۱۷- ابو المعالی محمد بن علی حسینی بغدادی ۱۸- ابو طاهر عبد الغفار بن محمد بن جعفر مکتب زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۹۷۴- محمد بن عبد الله البرّاز ۲۰- ابو بکر شافعی.

مصادر حدیث سعد بن مالک

۱- المستدرک علی الصحیحین، ج ۳ ص ۱۶۹ شماره ۲۴۷۳۸- مناقب عبد الله الشافعی، ص ۳۲۰۸- مقتل الحسین، ج ۱ ص ۴۶۴- کنز العمال، ج ۱۲ ص ۱۰۹ شماره ۳۴۲۲۸- منتخب کنز العمال، ج ۵ ص ۶۹۷- مفتاح النجا، ص ۷۹۸- اعراب ثلاثین سورۀ من القرآن، ص ۸۱۲۰- عیون الاخبار فی مناقب الاخیار، ص ۹۴۵- مناقب ابن مغازلی، ص ۳۵۹ و ۳۶۰ شماره ۱۰۴۰۷- تاریخ بغداد، ج ۵ ص ۸۷.

راویان حدیث سعد بن مالک

۱- ابو عبد الله محمد بن عبد الله حاکم نیشابوری ۲- ابو عبد الله محمد بن عبد الله، از مشایخ حاکم نیشابوری ۳- ابو الحسین عبد الصمد بن علی بن مکرم البزاز ۴- مسلم بن عیسی الصفّار العسکری ۵- عبد الله بن داود خدیبی ۶- شهاب بن حرب ۷- زهري ۸- سعید بن مسیب ۹- ابو المؤید خوارزمی ۱۰- ابو القاسم عبد الله بن محمد بن عبد الله رفاعی ۱۱- ابو علی فارسی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۲۷۵- عبد الصمد بن علی طستی ۱۳- حسام الدین متقی هندی ۱۴- شمس الدین محمد ذهبی ۱۵- ابن حجر عسقلانی ۱۶- ابو بکر عبد الله شافعی ۱۷- ابن مغازلی ۱۸- ابن خالویه، ابو عبد الله حسین بن احمد مصری ۱۹- محمد بن معتمد بدخشانی حارثی (ح ۱۱۲۶ هـ) ۲۰- ابو عمرو عثمان بن محمد علّاف ۲۱- ابو المعالی حسین بغدادی ۲۲- محمد بن السری بن سهل ۲۳- علی بن عیسی المؤذن ۲۴- عبد الله بن راقد ۲۵- لیث بن سعد ۲۶- عقیل.

مصادر حدیث امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

۱- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۱۹- بحار الانوار، ج ۴ ص ۳ و ۴- توحید: شیخ صدوق، ص ۱۱۸ شماره ۴۲۲- عیون الاخبار: صدوق، ج ۱ ص ۹۳ شماره ۵۳- امالی صدوق، ص ۳۷۳ شماره ۶۷- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۷۴- احتجاج، ج ۲ ص ۳۸۲ شماره ۲۸۶- عوالم العلوم، ج ۱۱ ص ۱۰ شماره ۵.

راویان حدیث امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

۱- شیخ ابو جعفر صدوق (۳۸۱ هـ) ۲- احمد بن زیاد بن جعفر همدانی ۳- علی بن ابراهیم قمی (ق ۳ هـ) ۴- ابراهیم بن هاشم قمی (ق ۳ هـ) ۵- عبد السلام بن صالح هروی ۶- محمد باقر مجلسی اصفهانی ۷- عبد الله بحرانی اصفهانی ۸- ابو منصور طبرسی (۵۲۲ هـ).

مصادر حدیث حذیفه بن یمان

۱- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۸۱ و ۸۲ شماره ۲۴۹- تفسیر فرات کوفی، ص ۷۵ و ۷۶ شماره ۳۴۹- کشف الغمّه، ج ۲ ص ۸۵، به نقل از کتاب مولد فاطمه تألیف شیخ صدوق ۴- بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۲۴۰ و ۲۴۱ شماره ۵۳۳- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۹۰ شماره

۱۶۵- کتاب مولد فاطمه: شیخ صدوق، به نقل کشف الغمّه از آن.

راویان حدیث حذیفه بن یمان

۱- فرات بن ابراهیم کوفی (ق ۳ ه) ۲- محمد بن زید ثقفی ۳- ابو نصر بن ابی مسعود اصفهانی ۴- جعفر بن احمد ۵- حسن بن اسماعیل افسطس ۶- علی بن محمد کوفی ۷- موسی بن عبد الله موصلی ۸- ابو فرار زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۷ ۹- محقق اربلی (۶۹۴ ه) ۱۰- محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱ ه) ۱۱- شیخ ابو جعفر صدوق (۳۸۱ ه).

مصادر حدیث سلمان فارسی

۱- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۳۶۱ شماره ۲۳۲ ۲- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۵۱ شماره ۳۸۹ ۳- تفسیر فرات، ص ۲۱۱ شماره ۲۸۶ ۴- کنز جامع الفوائد، به نقل علامه مجلسی از آن ۵- کتاب مسائل البلدان، به نقل علامه مجلسی از آن ۶- تأویل الآیات الظاهره، ج ۱ ص ۲۳۶ و ۲۳۷ شماره ۱۶ ۷- مدینه المعجز، ص ۲۳۳.

راویان حدیث سلمان فارسی

۱- فرات بن ابراهیم کوفی ۲- عبید بن کثیر ۳- شیخ ابو جعفر طوسی (۴۶۰ ه) ۴- فضل بن شاذان ۵- محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱ ه) ۶- سید هاشم بحرانی.

مصادر حدیث عروه بارقی

۱- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۳۱۴ و ۳۱۵ شماره ۷۳.

مصادر حدیث حضرت امام سجاد علیه السلام

۱- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۸ شماره ۱۷ ۲- تفسیر فرات کوفی، ص ۳۲۱ و ۳۲۲ شماره ۴۳۵.

راویان حدیث حضرت امام سجاد علیه السلام

۱- فرات بن ابراهیم کوفی ۲- موسی بن علی بن موسی بن عبد الرحمن محاربی ۳- حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ۴- حضرت امام محمد باقر علیه السلام ۵- محمد باقر مجلسی.

مصادر حدیث جابر بن عبد الله انصاری

۱- دلائل الامامه، ص ۵۲ ۲- تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۶ شماره ۲۹۰ ۳- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۵ شماره ۴۴ ۴- علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۸۳ ب ۱۴۷ شماره ۱.

راویان حدیث جابر بن عبد الله انصاری

۱- قاضی ابو اسحاق ابراهیم بن مخلد باقر حی ۲- خدیجه ام الفضل ابنه احمد بن محمد بن ابی الثلج بغدادی ۳- ابو عبد الله محمد بن احمد صفوانی ۴- ابو احمد عبد العزيز بن یحیی بن عیسی الجلودی بصری ۵- محمد بن زکریا الغلابی ۶- جعفر بن محمد بن عماره الکندی ۷- محمد بن عماره الکندی ۸- جابر جعفی ۹- امام محمد بن علی باقر علیه السلام ۱۰- فرات بن ابراهیم کوفی ۱۱- حسین بن سعید ۱۲- ابو جعفر محمد بن جریر طبری امامی ۱۳- احمد بن حسن قطان زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۴۷۹- شیخ ابو جعفر صدوق ۱۵- حسن بن علی سگری ۱۶- محمد باقر مجلسی.

مصادر حدیث حارث اعور

۱- مناقب محمد بن سلیمان کوفی، ج ۲ ص ۱۹۱ شماره ۶۶۳.

راویان حدیث حارث اعور

۱- محمد بن سلیمان کوفی ۲- احمد بن عبدان ۳- سهل ۴- شعبی.

برخی از مصادری که این حدیث را به صورت مرسل روایت کرده‌اند

۱- محاسن المجتمعه، ص ۱۸۹ ۲- الروض الفائق، ص ۲۱۴ ۳- ذخائر العقبی، ص ۴۴، به نقل از سیره ملا ۴- نزهة المجالس، ج ۲ ص ۲۲۳، به نقل از نسفی ۵- الرقائق (الاخوانیات-)، ص ۲۵۰.

ضمیمه دوم

بررسی کوتاه سه نظریه معروف پیرامون تاریخ میلاد حضرت فاطمه علیها السلام

نظریه اول

اشاره

اینکه حضرت فاطمه علیها السلام پنج سال قبل از بعثت و زمانی که قریش خانه کعبه را تعمیر اساسی می نمود متولد شده است: **وُلِدَتْ فَاطِمَةُ قَبْلَ الْمُبْعَثِ بِخَمْسِ سَنِينَ وَ قُرَيْشٌ حِينَئِذٍ تَبْنِي الْبَيْتَ** این نظریه متعلق به اکثر اهل سنت است «۱» و آنان این نظریه را با دلایل ذیل تأیید و تقویت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۱ می نمایند: ۱- قول ابن اسحاق ۲- روایت منقول از عباس بن عبد المطلب ۳- اجماع

دلیل اول

ابن اسحاق گوید: حضرت فاطمه علیها السلام همانند سایر فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از خدیجه علیها السلام، قبل از بعثت متولد شده است: **أَنَّ فَاطِمَةَ وُلِدَتْ قَبْلَ أَنْ يُوحَىٰ إِلَى النَّبِيِّ ص وَ كَذَلِكَ سَائِرُ أَوْلَادِهِ مِنْ خَدِيجَةَ** «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۲ محمد بن اسحاق بن یسار مطلبی مدنی از علمای بزرگ اسلام در قرن دوم هجری و متوفی به

سال ۱۵۱ هجری می‌باشد و به دلیل نزدیکی زمان زندگیش به صدر اسلام، اقوال و نظریات او مورد قبول و استقبال قرار می‌گیرد، ولی این نظریه وی را نمی‌توان پذیرفت زیرا معارض دارد، چرا که امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: و لم یولد لرسول الله من خدیجه علی فطره الاسلام إلا فاطمه (۱) و جابر بن عبد الله صحابی جلیل القدر پیامبر نیز گوید: وَلِدَتْ فَاطِمَةُ بِمَكَّةَ بَعْدَ النَّبُوَّةِ (۲) و چنین است که سر آمد دانشمندان شیعه در قرن سوم و چهارم هجری یعنی محمد بن یعقوب کلینی در کتاب خود گوید: و لم یولد بعد المبعث إلا فاطمه (۳) از آن جهت که بنا بر اختصار است به همین مقدار کفایت می‌شود و عدم اعتبار نظریه محمد بن اسحاق در مورد فرزندان رسول اکرم به اثبات می‌رسد.

دلیل دوم

ابن سعد کاتب در طبقات الکبیر روایت ابن عباس را به این صورت نقل می‌کند: أخبرنا محمد بن عمر قال: حدثنا أبو بکر بن عبد الله بن أبي سبرة، عن يحيى بن شبل، عن أبي جعفر قال: دخل العباس على علي بن أبي طالب و فاطمة، و هي تقول: أنا أسن منك. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۳ فقال العباس: أما أنت يا فاطمة فولدت و قریش تبني الکعبة و النبی ابن خمس و ثلاثين سنة، و أما أنت يا علي فولدت قبل ذلك بسنوات. (۱) ترجمه: عباس عموی پیامبر بر علی و فاطمه علیهما السلام وارد شد در حالی که فاطمه به علی می‌گفت: من از تو مسن تر هستم. پس عباس گفت: ای فاطمه تو در وقتی متولد شدی که قریش خانه کعبه را بازسازی می‌کرد و پیامبر ۳۵ ساله بود، و ای علی تو چند سال قبل از او متولد شده‌ای. همین روایت را ابن عساکر به اسنادش از ابن سعد به شرحی که گذشت روایت نموده (۲) و در آن به جای یحیی بن شبل، یحیی بن سیل آورده. و همین طور است در نقل بلاذری (۳). نحوه استدلال اهل سنت به این روایت: آنان گویند: عباس بن عبد المطلب عموی پیامبر بوده و بر وقایع و حوادثی که در آن دوران رخ می‌داده آگاهی کامل داشته و لذا قول او قابل اعتماد خواهد بود. آنچه در فوق به نقل از اهل سنت آوردیم در صورتی صحیح و پذیرفته خواهد بود که حد اقل طبق قوانین و قواعد خود ایشان در علم حدیث، خبر مذکور به طریق صحیح به دست ما رسیده باشد. در حالی که طبق موازین علوم حدیث در نزد ایشان این روایت مجعول و غیر قابل اعتماد است. زیرا: ۱- یحیی بن سیل یا شیل مجهول است. ۲- ابو بکر بن عبد الله بن ابی سبره المدنی القاضی (۴) از ضعف و متروکین است که به جعل زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۴ حدیث اشتغال داشته و به روایات او اعتماد نمی‌شود. ۳- ابو جعفر در این روایت مجهول و نامعلوم است. حال باید از دانشمندان حدیث شناس اهل سنت پرسید که آیا می‌توان به چنین روایتی اعتماد نمود؟

دلیل سوم

اشاره

گفته‌اند که: اهل سنت «اتفاق و اجماع» دارند بر اینکه حضرت فاطمه علیها السلام در پنج سال قبل از بعثت پیامبر متولد شده است. در جواب ایشان باید گفت: اگر به واقع چنین اتفاق و اجماعی ادعا شده باشد- که نگارنده در آثار اهل سنت چنین ادعایی را مشاهده نکرده، بلکه در برخی از منابع شیعی آن را به علمای عامه نسبت می‌دهند- در این صورت: ۱- چنین اتفاق و اجماعی تحقق ندارد چرا که بسیاری از علما و دانشمندان عامه (۱) با آن زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۵ مخالف هستند و نظریه‌های دیگری را ابراز می‌دارند (۱). ۲- در فرض عدم وجود مخالف و تحقق ظاهری اتفاق و اجماع میان علمای عامه، چنین اجماعی «مدرکی» است و مدرک آن روایت «عباس بن عبد المطلب» می‌باشد که طبق موازین مورد قبول عامه عدم اعتبار آن را اثبات کردیم، و لذا چنین اجماعی فاقد اعتبار خواهد بود.

نتیجه گیری

: به دلیل عدم اعتبار دلایلی که طرفداران این نظریه برای صحت عقیده خود ابراز داشته‌اند، و با توجه به اینکه به جز ادعا، دلیل دیگری که بشود به آن استناد کرد و این نظریه را به کمک آن اثبات نمود باقی نمانده است، «۲» لذا نظریه مذکور از درجه اعتبار زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۷ ساقط می‌گردد.

نظریه دوم

اشاره

اینکه حضرت فاطمه علیها السلام در سال پنجم بعد از بعثت پیامبر متولد شده است. این نظریه به دلایل متفاوتی اتکا دارد که عبارتند از:

دلیل اول: روایت امام باقر علیه السلام

محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ هـ) در کافی، این روایت را به شرح ذیل نقل می‌نماید: «وُلِدَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص بَعْدَ مَبْعَثِ رَسُولِ اللَّهِ ص بِخَمْسِ سِنِينَ وَ تُوْفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانُ عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ يَوْمًا» (۱) ترجمه: حضرت فاطمه علیها السلام در سال پنجم بعد از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم متولد گردید و به هنگام رحلت هجده سال و هفتاد و پنج روزه بود. این روایت به لحاظ آحاد سند اشکال عمده‌ای ندارد جز آنچه که در باره حبیب سجستانی گفته‌اند، زیرا وی ابتدا از خوارج «۲» بوده است ولی تصریح داریم بر اینکه نامبرده توبه نموده و از اصحاب و ملازمان امام باقر علیه السلام گردیده «۳» و از ایشان، و به خصوص از امام زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۹ باقر روایاتی را نقل می‌کند. پس گرچه در باره او توثیق لفظی وارد نشده، ولی با عنایت به تعبیرات دانشمندان ما در مورد او و اینکه روایاتی را که او در زنجیره آنها قرار دارد تصحیح می‌نمایند و معتبر می‌دانند به نظر می‌رسد که وی اگر از افراد «صحیح الحدیث» نباشد حد اقل در عداد «حسان» قرار گرفته و لذا به حدیث او اعتماد و اطمینان می‌شود. آنچه در باره حبیب سجستانی عرض کردیم مطابق روش علما و موافق با منطق علم رجال می‌باشد، و لذا اگر کسی سعی کند تا از طریق وجود وی در زنجیره سند، ضعفی را بیش از آنچه که ما هم پذیرفتیم متوجه روایت مذکور نماید راهی نخواهد داشت.

دلیل دوم: روایت امام صادق علیه السلام

اشاره

این روایت را ابو جعفر طبری از دانشمندان شیعه در قرن چهارم و پنجم هجری، در کتاب دلائل الامامة به شرح ذیل نقل نموده است: «حدثنا محمد بن عبد الله قال: حدثنا أبو علي محمد بن همام قال: روى أحمد بن محمد البرقي، عن أحمد بن محمد بن عيسى الأشعري القمي، عن عبد الرحمن بن بحر، عن عبد الله بن سنان، عن ابن مسكان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله ع قال: «وُلِدَتْ فَاطِمَةُ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ الْيَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْهَا سِتَّةٌ خَمْسٌ وَ أَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ ص فَأَقَامَتْ بِمَكَّةَ ثَمَانَ سِتِّينَ وَ بِالْمَدِينَةِ عَشَرَ سِتِّينَ» (۱) ترجمه: حضرت فاطمه در بیستم جمادی الثانی از چهل و پنج سالگی پیامبر متولد گردید و مدت هشت سال در مکه و ده سال در

مدینه زندگانی نمود. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۰ همین روایت عینا در ص ۴۵ از این کتاب به سند ذیل تکرار شده است: حدثنی ابو الحسین محمد بن هارون التلعکبری قال: حدثنی اُبی قال: حدثنی اُبو علی محمد بن همام بن سهیل قال: روی أحمد بن محمد بن البرقی، عن أحمد بن محمد الأشعری القمی، عن عبد الرحمن بن بحر، عن عبد الله بن سنان، عن ابن مسکان، عن اُبی بصیر، عن الصادق ع قال: ...

تذکر

روایت احمد بن محمد بن عیسی از عبد الرحمن بن بحر مسلم نمی باشد و از طرف دیگر روایت عبد الرحمن بن بحر از عبد الله بن سنان نیز محل تأمل است، لذا به نظر می رسد که در نام وی تصحیف و تغییری واقع شده باشد و او در واقع عبد الرحمن بن نجران باشد که علامه مجلسی در بحار الانوار نام او را به اشتباه عبد الرحمن بن ابی نجران ثبت نموده است. و الله العالم. این روایت نیز در هر دو نقل، از جهت آحاد سند فاقد اشکال و معتبر است و جایی برای بحث در باره آن باقی نمی ماند- خصوصا آنکه غالب علمای شیعه نیز آنها را پذیرفته اند.

دلیل سوم: اجماع

اشاره

در برخی آثار علمای شیعه دیده می شود که می گویند: تولّد حضرت فاطمه علیها السلام در سال پنجم بعثت امری اجماعی و اتفاقی در بین علمای امامیه است. اینجانب باید ضمن عرض ارادت تمام خدمت این بزرگواران، عرض کنم که:

اولا

: اگر چنین اجماعی را برای مقابله با عامّه و به منظور تقویت نظریه خود در مقابل آنان به کار می برند، چنین شیوه ای اولاً انفعالی و در بحث علمی ناپسند است و ثانياً فاقد اعتبار حتی به عنوان «مؤید» می باشد.

ثانیا

: اساسا در بحثی این چنین ادّعای اجماع که هیچ، حتی اجماع محقق نیز دردی را درمان نمی کند زیرا مسأله مورد بحث در اینجا تاریخی است نه فقهی. بله، در برخی مسائل تاریخی هم شاید بتوان از اصول و قواعد فقهیه استفاده نمود ولی برای تعیین تاریخ میلاد ...

ثالثا

چنین اجماعی به یقین «اجماع مدرکی» است و مبتنی بر روایاتی است که در این زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۱ رابطه نقل شده، و با وجود آنها چنین اجماعی فی نفسه حجّت نمی باشد، البته اگر سند آن روایات ضعیف بود، این اجماع ضعف سند آنها را مرتفع می ساخت ولی روایات موجود به لحاظ سند معتبر و قابل اعتماد هستند و نیازی به تقویت ندارند.

رابعا

: اگر تمام آنچه را که گفته شد نادیده انگاریم، با وجود مخالفان قدری چون ابن ابی الثلج، سلیمان بن جعفر علوی، شیخ مفید، شیخ طوسی، عبد الله بن محمد هاشمی و سید بن طاوس، چه جایی برای ادعای چنین اجماعی باقی می ماند. از دانشمندان بزرگی که طرفدار نظریه دوم می باشند و معتقدند که حضرت فاطمه علیها السلام در سال پنجم بعد از بعثت پیامبر متولد شده است اشخاص ذیل را می توان نام برد: ۱- محمد بن یعقوب کلینی متوفی به سال ۳۲۹ / ۳۲۸ هجری «۱» ۲- ابو جعفر طبری از علمای قرن ۴ و ۵ هجری «۲» ۳- قتال نیشابوری شهید به سال ۵۰۸ هجری «۳» ۴- ابن شهر آشوب مازندرانی، متوفی به سال ۵۸۸ ه «۴» ۵- ابن خشاب «۵»، متوفی به حدود ۵۶۷ ه «۶» ۶- خصیبی «۷» مؤلف هدایه «۸»، متوفی به سال ۳۵۸ ه ۷- نصر بن علی الجهضمی «۹» [خ ل: الجهنی، و صحیح آن همان جهضمی است]، متوفی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲ به سال ۲۵۰ هجری و از علمای عامه می باشد. «۱»

نظریه سوم

اشاره

اینکه حضرت فاطمه علیها السلام در سال دوم بعثت یعنی در چهل و یک سالگی پیامبر متولد شده است. این نظریه نیز به دلایلی متکی است که عبارتند از:

دلیل اول: روایت امام صادق علیه السلام

این روایت را حاکم نیشابوری به سند صحیح در کتاب مستدرک علی الصحیحین آورده است: أخبرنا أبو الحسن بن یعقوب الحافظ، أنبأنا أبو العباس الثقفی، حدثنی علی بن عقیل بن عبد الله العلوی، عن أبيه، عن أم الحسن بنت أبي جعفر محمد بن علی ع، عن أخيها جعفر بن محمد ع قال، ماتت فاطمة ع و هی ابنه إحدى و عشرين، و ولدت علی رأس سنة إحدى و أربعین من مولد النبی ص. «۲» شبیه این روایت را سلیمان بن جعفر علوی هاشمی از خواص اصحاب امام رضا علیه السلام نقل کرده که آن را نیز حاکم نیشابوری در کتاب مذکور روایت نموده است: أخبرنا أبو اسحاق بن ابراهیم بن محمد بن یحیی المزکی و أبو الحسن بن یعقوب الحافظ قالا: حدثنا محمد بن اسحاق بن ابراهیم قال سمعت عبد الله بن محمد سلیمان بن جعفر الهاشمی یذکر عن أبيه، عن جده سلیمان بن جعفر قال: ولدت فاطمة سنة إحدى و أربعین من مولد رسول الله ص. «۳» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۳ همین روایت را ابن المزی الکلبی در تهذیب الکمال فی اسماء الرجال «۱» به نقل از محمد بن اسحاق الثقفی السراج و او از عبید الله بن محمد بن سلیمان علوی وارد نموده است.

دلیل دوم: موافقت شیخ مفید و شیخ طوسی

شیخ مفید (ت ۴۱۳ ه) در کتاب مسار الشیعه، به هنگام بیان وقایع «شهر جمادی الآخر» گوید: و فی الیوم العشرین منه سنة اثنين من المبعث کان مولد مولاتنا الزهراء فاطمة بنت رسول الله ص، و هو یوم شریف یتجدد فیہ سرور المؤمنین، و یتحب فیہ التطوع بالخیرات، و الصدقة علی المساکین. «۲» ترجمه: فاطمه زهرا علیها السلام در روز بیستم جمادی الآخر از سال دوم مبعث پیامبر متولد گردید، و این روز شریف و بزرگی است که در آن مؤمنان به سرور و شادمانی می پردازند، و در چنین روزی انجام خیرات و صدقه دادن به فقرا، مستحب است. و شیخ طوسی (ت ۴۶۰ ه) در کتاب مصباح المتهجدین گوید: فی العشرین من جمادی الآخر سنة اثنتین من المبعث کان مولد فاطمة «۳» ترجمه: میلاد حضرت فاطمه علیها السلام در روز بیستم جمادی الآخر از سال دوم مبعث پیامبر بوده

است. و قبل از شیخ مفید و شیخ طوسی نیز ابن ابی الثلج بغدادی متوفی به سال ۳۲۵ هجری، در کتاب تاریخ الائمه و موالیدهم همین نظریه را ارائه نموده است. «۴» و حتی بسیار پیش از او احمد بن ابی یعقوب، ابن واضح، مورخ نامدار شیعه، متوفی به سال ۲۸۴ هجری، در تاریخ یعقوبی مطرح نموده که او در اوائل ۴۱ سالگی پیامبر متولد شده و در زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴ زمان رحلت پیامبر حدود ۲۳ سال داشته است. «۱» خوانندگان محترم به این نکته اساسی توجه دارند که به هنگام طرح دو نظریه قبل موافقت کسی از دانشمندان از یک نظریه را به عنوان دلیل برای اثبات یا حتی تقویت آن نظریات مطرح نکردیم ولی در اینجا به دلیل خصوصیتی که در موافقت یا مخالفت این دو دانشمند جلیل القدر - و خصوصا شیخ طوسی - وجود دارد به این مطلب به خصوص عنایت نموده‌ایم. اهل تحقیق یقین داشته باشند که شیخین بزرگوار ما قطعاً روایات امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مورد تاریخ میلاد حضرت فاطمه علیها السلام را در کتاب کافی دیده‌اند و باید پرسید: چرا با وجود قوت سند آنها، آن روایات را نپذیرفته و نظریه مأخوذ از روایت امام صادق علیه السلام در اینجا را تقویت می‌نمایند؟ نگارنده معتقد است که این امر بدون دلیل نبوده به خصوص آنکه ملاحظه می‌شود مشایخی چون ابن ابی الثلج بغدادی «۲»، سید بن طاوس «۳»، کفعمی «۴»، و مورخ معتدلی چون یعقوبی «۵»، و رجالی توانمندی چون ابن عبد البر «۶»، و محدث حافظ و حاکمی چون ابو عبد الله زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۵ نیشابوری «۱»، چنین عقیده‌ای را گواهی می‌نمایند. ممکن است پرسیده شود: اگر این نظریه را بپذیریم در این صورت مجموعه روایاتی را که اثبات می‌کنند میلاد حضرت فاطمه سلام الله علیها بعد از معراج پیامبر بوده است «۲» چه خواهیم کرد زیرا مشهور آن است که معراج پیامبر اندکی قبل از هجرت به مدینه بوده «۳» و در میان برخی از علمای شیعه نیز رایج است که این واقعه در سال سوم بعثت صورت گرفته «۴»، به هر حال و در هر صورت، با عنایت به نظریه سوم، روایات مذکور چه وضعیتی خواهند داشت؟ در پاسخ از این سؤال به جا باید گفت: معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فقط یک دفعه نبوده بلکه به طور مکرر اتفاق افتاده، و این مسافرت‌های آسمانی از همان روزهای اول بعثت آغاز شده «۵» و تا روز رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام، بنا به روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل گردیده حد اقل یک صد و بیست زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۶ بار تکرار شده «۱»، و ابن عباس در کلامی که ابن شهر آشوب از او نقل می‌کند عروج‌های متعدّد پیامبر را دسته‌بندی می‌نماید و آنها را به: ۱- معراج العجائب ۲- معراج الکرامه، تقسیم می‌کند «۲». و ابن طاوس در بحثی پیرامون معراج در کتاب سعد السعود، وقایعی را از زبان پیامبر نقل می‌کند و سپس می‌گوید: این وقایع مربوط به یکی دیگر از عروج‌هایی است که پیامبر داشته است. «۳» و این همه نشان از تعدّد معراج‌های پیامبر دارد، شاید تاریخ‌های ذیل که برخی از مورّخین و محدثین برای معراج پیامبر بیان کرده‌اند هر یک متعلق به عروجی مستقل باشد: ۱- در اول بعثت «۴» ۲- پنج ماه بعد از بعثت «۵» ۳- پانزده ماه بعد از بعثت «۶» ۴- سال دوم بعثت «۷» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۷ ۵- سال سوم بعثت «۱» ۶- شش ماه قبل از هجرت به مدینه «۲» ۷- هجده ماه قبل از هجرت به مدینه «۳». حال اگر آن روایات را با توجه به این مطالب مجدداً مورد بررسی قرار دهیم، معلوم می‌شود که اشکالی باقی نمانده است.

غیر از سه نظریه مذکور در باره تاریخ میلاد حضرت فاطمه علیها السلام نظریات دیگری وجود دارد که به نحو شاذ و نادر از سوی برخی دانشمندان اظهار شده است

۱- نظریه ابن عساکر

ولدت فاطمة قبل النبوة بأربع سنين. «۴» ترجمه: حضرت فاطمه علیها السلام چهار سال قبل از بعثت متولد شده است.

۲- نظریه کلبی

بلغت فاطمه خمساً و ثلاثين من السن. «۵» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۸ ترجمه: عمر حضرت فاطمه حدود ۳۵ سال بوده است. با توجه به این نظریه میلاد وی باید ۱۱ سال قبل از بعثت پیامبر بوده باشد.

۳- نظریه سیوطی

ولدت فاطمة قبل المبعث بسبع سنين و نصف. «۱» ترجمه: حضرت فاطمه علیها السلام ۷/۵ سال قبل از بعثت متولد شده است.

۴- نظریه ابن اثیر جزری**اشاره**

و كان سنّها يوم تزويجها خمس عشرة سنة. «۲» ترجمه: سنّ حضرت فاطمه علیها السلام در زمان ازدواج پانزده سال بوده است. با توجه به این نظریه و عنایت به این نکته که ازدواج ایشان در سال دوم هجرت واقع شده، پس میلاد ایشان باید در همان سال بعثت بوده باشد.

تذکر

: ذهبی نیز در این نظریه با ابن اثیر مشترک می باشد «۳».

ضمیمه سوم مستدرک احادیث مربوط به تاریخ میلاد حضرت فاطمه از بحار الانوار**اشاره**

غیر از احادیثی که در باب اول از جلد ۴۳ بحار الانوار در باره تعیین میلاد حضرت فاطمه علیها السلام آمده، تعدادی احادیث و روایات دیگر نیز در سایر مجلّات این کتاب و همین طور در سایر باب‌های جلد ۴۳ آمده است که در این ضمیمه آنها را نیز ترجمه و تقدیم می‌داریم:

۱- بحار الانوار: ج ۴۳ ص ۱۸۹ ض رقم ۱۹

: كشف الغمّة: «۱» وَقِيلَ دَخَلَ الْعَبَّاسُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَفَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَأَخِيَهُمَا يَقُولُ لِصَاحِبِهِ أَتَيْنَا أَكْبَرُ فَقَالَ الْعَبَّاسُ وَلِمَ دَخَلْتُ يَا عَلِيُّ قَبْلَ بِنَاءِ قُرَيْشِ الْبَيْتِ بَسَيِّئَاتٍ وَوُلِدْتُ ابْنَتِي وَقُرَيْشٌ تَبْنِي الْبَيْتَ وَرَسُولُ اللَّهِ صَ ابْنُ خَمْسٍ وَثَلَاثِينَ سَنَةً قَبْلَ الْبُيُوتِ بِخَمْسٍ سَنِينَ ترجمه: عباس بن عبد المطلب عموی پیامبر بر علی و فاطمه وارد گردید و ملاحظه نمود یکی از آنها به دیگری می‌گوید: کدام یک از ما بزرگ‌تریم؟ پس عباس به آنها گفت: ای علی! تو چند سال قبل از تعمیر خانه کعبه متولد شدی و دخترم فاطمه در زمانی متولد شد که قریش خانه کعبه را تعمیر می‌کردند و رسول خدا سی و زندگانی حضرت زهرا علیها

السلام (روحانی)، ص: ۱۰۰ پنج ساله بوده، و این امر پنج سال قبل از بعثت بوده است (۱).

۲ بحار الأنوار، ج ۹۵ ص ۱۹۶:

و فی تاریخ المفید: «۲» و فی الیوم العشرین من جمادی الآخرة سنه اثنتین - من المبعث کان مولد السیده الزهراء فاطمه ع - و هو یوم شریف متجدد فیہ سرور المؤمنین و یتحب فیہ التطوع بالخیرات - و الصدقه علی المساکین و کذا فی کتاب المصباح «۳» و فی روایه أخرى سنه خمس من المبعث «۴» و الجمهور یرون أن مولدها قبل المبعث بخمس سنین «۵» و فی الدر «۶» أن فاطمه ولدت بعد ما أظهر الله نبوه ابيها بخمس سنین - و قریش تبني البيت - و روى أنها ولدت ع فی جمادی الآخرة یوم العشرین منه - سنه خمس و أربعین من مولد النبی ص «۷» و فی المناقب «۸» روى أن فاطمه وُلِدَتْ بِمَكَّةَ زَندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۱ بَعْدَ الْمُبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِينَ - وَ بَعْدَ الْإِسْرَاءِ بِثَلَاثِ سِنِينَ فِي الْعَشْرِ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ - و ولدت الحسن ع و لها اثنتی عشره سنه - و قيل إحدى عشره سنه بعد الهجرة - و كان بین ولادتها بالحسن و بین حملها بالحسین ع خمسون یوما - و روى أنها ولدت بعد خمس سنین من ظهور الرسالة و نزول الوحي ترجمه: شیخ مفید گوید: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در روز بیستم جمادی الآخر سال دوم بعثت متولد گردید، و آن روز شریفی است که در آن شادیهای مؤمنان تجدید می شود، و مستحب است که در این روز به کارهای خیر اقدام شود و به بینوایان صدقه داده شود. و در روایت دیگری آمده است که تولد او در سال پنجم بعثت بوده است. و اهل سنت روایت کرده اند که میلاد او پنج سال قبل از بعثت بوده است. و در الدرّ النظیم آمده که فاطمه پنج سال بعد از مبعث متولد شده و در آن سال قریش خانه کعبه را تعمیر می کردند، و روایت شده که او در روز بیستم جمادی الآخر سال چهل و یکم از زندگانی پیامبر متولد شده است. و در مناقب آمده که وی در سال پنجم بعثت متولد شده و سه سال بعد از معراج پیامبر بوده، در روز بیستم جمادی الآخر، و هنگامی که امام حسن متولد شده وی دوازده سال داشته و گفته شده که یازده ساله بوده، و بین ولادت حسن با بارداری فاطمه بر حسین علیهم السلام، پنجاه روز فاصله بوده است. و روایت شده که او پنج سال بعد از وحی متولد گردیده است.

۳- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۶۸ ض رقم ۲۰:

العدد القویه و فی المناقب، «۹» روى أن فاطمة ع وُلِدَتْ بِمَكَّةَ بَعْدَ الْمُبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ بَعْدَ الْإِسْرَاءِ بِثَلَاثِ سِنِينَ فِي الْعَشْرِ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ وَ وَلَدَتْ الْحَسَنَ ع وَ لَهَا اثْنَتَا عَشْرَةَ سَنَةً وَ قِيلَ إِحْدَى عَشْرَةَ سَنَةً بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ كَانَ بَيْنَ وَلَادَتِهَا الْحَسَنَ وَ بَيْنَ حَمْلِهَا زَندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۲ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسُونَ يَوْمًا

۴- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۶۸ رقم ۲۰:

۲۰ العدد القویه فی الدرّ النظیم أَنَّ فَاطِمَةَ ع وُلِدَتْ مَا أَظْهَرَ اللَّهُ بُنُوَّةَ أَبِيهَا ص بِخَمْسِ سِنِينَ وَ قُرِشُ تَبْنِي الْبَيْتِ «۲» وَ روى أَنَّهَا وُلِدَتْ ع فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الْعَشْرِ مِنْهُ سَنَةً خَمْسٍ وَ أَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ ص : ترجمه: حضرت فاطمه پنج سال بعد از بعثت پدرش متولد گردیده و در این زمان قریش خانه کعبه را تعمیر می کرد، و روایت شده که او در روز بیستم جمادی الآخر از چهل و پنج سالگی پیامبر متولد گردیده است.

ضمیمه چهارم مستدرک احادیث مربوط به کیفیت خلقت فاطمه علیها السلام

اشاره

در باره کیفیت انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام، و چگونگی خلقت نوری و دنیوی حضرت فاطمه علیها السلام تعدادی از احادیث و روایات در جلد ۴۳ بحار الانوار آمده و تعداد دیگری در سایر مجلّات بحار وجود دارد که آنها را نیز انتخاب نموده و در اینجا آورده‌ایم:

۱- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۸۱ و ۸۲ رقم ۴۹

۴۹- كشف الغمّه «۱» وَ رَوَى عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَنِي وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ وَ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ دَخَلْتُ عَائِشَةَ عَلَى النَّبِيِّ ص وَ هُوَ يَقْبَلُ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ تُقْبَلُهَا وَ هِيَ ذَاتُ بَغْلٍ فَقَالَ لَهَا أَمَا وَاللَّهِ لَوْ عَلِمْتُ وَدِدْتُ لَهَا إِذَا لَارِدَدْتُ لَهَا وَدًّا إِنَّهُ لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ فَصَرْتُ إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ أَذِنَ جِبْرِيلُ وَ أَقَامَ مِيكَائِيلُ ثُمَّ قَالَ لِي أَذِنُ فَقُلْتُ أَذْنُو وَ أَنْتَ بِحَضْرَتِي فَقَالَ لِي نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ أَنْبِيَاءَهُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ فَضَّلَكَ أَنْتَ خَاصَّةً فَدَنَوْتُ فَصَلَّيْتُ بِأَهْلِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَلَمَّا صَلَّيْتُ وَ صَرْتُ إِلَى السَّمَاءِ السَّادِسَةِ إِذَا أَنَا بِمَلَكٍ مِنْ نُورٍ عَلَى سَرِيرٍ مِنْ نُورٍ عَنْ يَمِينِهِ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴ صَفٌّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ عَنْ يَسَارِهِ صَفٌّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَسَلَّمْتُ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ وَ هُوَ مُتَكِيٌّ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَتَيْهَا الْمَلَكُ سَلَّمَ عَلَيْكَ حَبِيبِي وَ خَيْرَتِي مِنْ خَلْقِي فَزِدْتُ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ أَنْتَ مُتَكِيٌّ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَتَقُومَنَّ وَ لَتَسَلِّمَنَّ عَلَيْهِ وَ لَا تَقْعُدُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَوَثَبَ الْمَلَكُ وَ هُوَ يُعَانِقُنِي وَ يَقُولُ مَا أَكْرَمَكَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا مُحَمَّدٌ فَلَمَّا صَرْتُ إِلَى الْحُجُبِ نُودِيْتُ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ فَأَلْهِمْتُ فَقُلْتُ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ ... كُتِبَ وَ رُسُلُهُ ثُمَّ أَخَذَ جِبْرِيلُ عَ بِيَدِي وَ أَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ وَ أَنَا مَسْرُورٌ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ مُكَلَّلَةٍ بِالنُّورِ وَ فِي أَصْلِهَا مَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِقَصْرِ مِنْ لُؤْلُؤٍ بَيَضَاءٍ لَا صَدْعَ فِيهَا وَ لَا وَضَلٌ فَقُلْتُ حَبِيبِي لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ قَالَ لِإِثْنَيْكَ الْحَسَنَ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِتُفَاحٍ أَعْظَمَ مِنْهُ فَأَخَذْتُ تُفَاحَةً فَفَلَقْتُهَا فَإِذَا أَنَا بِخَوَرَاءِ كَانَ أَجْفَانُهَا مَقَادِيمَ أَجْنَحَةِ الشُّشُورِ فَقُلْتُ لَهَا لِمَنْ أَنْتِ فَبَكَتْ ثُمَّ قَالَتْ أَنَا لِإِثْنَيْكَ الْمُقْتُولِ ظُلْمًا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطَبٍ أَلْيَنَ مِنَ الزَّيْدِ الزَّلَالِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَلَا كُلُّ رُطْبَةٍ مِنْهَا وَ أَنَا أَشْتَهِيهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطْبَةُ نُطْفَةً فِي صُلبِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةً فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَغْلَهَا وَ مِنْهُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ مِثْلُهُ وَ فِيهِ زِيَادَةٌ يَتَعَلَّقُ بِفَضْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ فِيهِ فَقُلْتُ لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَقَالَ لِأَخِيكَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ هَذَا الْمَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع وَ فِيهِ فَأَخَذْتُ رُطْبَةً فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ وَ فِيهِ قَبْلَ هَذَا فَصَلَّيْتُ بِأَهْلِ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ ثُمَّ التَفْتُ عَنْ يَمِينِي فَإِذَا أَنَا بِإِبْرَاهِيمَ فِي رَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ قَدْ اكْتَنَفَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ فِيهِ فَنُودِيْتُ فِي السَّادِسَةِ يَا مُحَمَّدُ نَعَمْ الْمَأْبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَ نَعَمْ الْمَأَخُ أَخُوكَ عَلِيٌّ فَر «۱» مُحَمَّدٌ بْنُ زَيْدٍ الثَّقَفِيُّ عَنْ أَبِي نَصْرِ بْنِ أَبِي مَسْعُودٍ الْأَصِفْمَهَانِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوَصِّلِيِّ عَنْ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۵ أَبِي فَرَّازَةَ عَنْ حُذَيْفَةَ مِثْلَهُ ترجمه: علی علیه السلام گوید: رسول خدا می فرمود: خداوند تبارک و تعالی علی، فاطمه، حسن و حسین را از نوری واحد خلق نمود. و حذیفه بن یمان گوید: عایشه بر رسول خدا وارد شد در حالی که پیامبر گونه دخترش فاطمه را می بوسید پس گفت: ای رسول خدا! آیا هنوز هم مانند دوران کودکی او را بوسه می زنی در حالی که زنی شده و همسر دارد؟ رسول خدا فرمود: به خدا ای عایشه! اگر می دانستی که چقدر او را دوست می دارم همانا محبت تو بر او بیشتر می گشت، هنگامی که به آسمانها عروج کرده بودم، در آسمان چهارم جبرئیل اذان گفت و میکائیل اقامه، سپس جبرئیل گفت: جلو بایست تا بر تو اقتدا نموده و نماز بگزاریم. گفتم: آیا من جلو بایستم در حالی که تو حاضری؟ گفت: آری، همانا خداوند انبیای مرسل خود را بر ملائکه مقرب خود برتری داده و تو را نیز خصوصا بر ایشان مقدم داشته است. سپس جلو رفتم و با اهل آسمان

چهارم نماز گزاردم و پس از آن به آسمان ششم عروج نمودم و ناگهان خود را در مقابل ملکی نورانی بر تختی از نور که در سمت چپ و راست آن ملائکه زیادی صف کشیده بودند یافتم، و من سلام گفتم و او جواب داد در حالی که تکیه داده بود، سپس از جانب خدای تعالی بر آن ملک وحی شد: ای ملک! حبیب و بهترین مخلوقات من بر تو سلام گفت و تو جواب او را گفתי در حالی که تکیه داده بودی؟ به عزّت و جلالم فوراً بر می‌خیزی و بر او سلام می‌کنی و تا روز قیامت نمی‌نشینی. آن فرشته فوراً برخاست و مرا در آغوش گرفته و گفت: ای محمّد! تو چقدر در درگاه الهی عزیز و محترم هستی. سپس وقتی به طرف حجابها روانه شدم ندایی به گوشم رسید که می‌خواند: «ایمان آورد پیامبر، به آنچه که بر او نازل شده است»، پس از آن بر من الهام شد و گفتم: «تمام مؤمنان ایمان به خداوند و کتابها و فرستادگان او دارند»، سپس جبرئیل دست مرا گرفت و داخل بهشت نمود، وقتی وارد بهشت شدم شادمان گردیدم زیرا خود را بر درختی از نور مشاهده نمودم، که دو فرشته آن را زینت می‌کردند و خداوند به ایشان فرمان داده بود که این عمل را تا روز قیامت ادامه دهند، و در مقابل من قصر بسیار زیبایی قرار داشت که به انواع جواهرات و زینت‌ها آراسته بود، گفتم: حبیب من! این قصر به چه کسی تعلق دارد؟ فرمود: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶ به فرزندت حسن مجتبی، پس جلوتر رفتم و در مقابلم خرمایی دیدم که تا آن زمان خرمایی به درشتی آن ندیده بودم، پس آن را برگرفتم و شکافتم، و در این حال حوریه‌ای ظاهر گردید که بالهایی گسترده و قوی داشت، به او گفتم: تو به چه کسی تعلق داری؟ وی گریه کرد و گفت: من به فرزندت حسین که به ظلم و ستم کشته می‌شود تعلق دارم. سپس جلوتر رفتم و به خرمایی لطیف‌تر از خامه زلال و شیرین‌تر از عسل برخورددم و یکی از آنها را خوردم در حالی که اشتها بسیار نسبت به آن داشتم، و در اثر آن خرما نطفه‌ای در صلب من ایجاد گردید. هنگامی که به زمین باز گشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریه‌ای است انسانی و هر گاه شوق بوی بهشت پیدا می‌کند رایحه او را استشمام می‌نمایم. در همین کتاب، از ابن عباس نیز، همین روایت نقل شده ولی دو روایت نسبت به هم تفاوت‌هایی در الفاظ و عبارات دارند که در متن عربی آمده و ما از ترجمه آن خودداری می‌نمایم.

۲- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۶۴ و ۶۵ رقم ۳۶

۳۶- الطرائف «۱» مِنْ طَرَائِفِ مَا وَجَدْتُهُ فِي حَدِيثِ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ تَأْلِيفِ سُلَيْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ الطَّبْرَانِيِّ «۲» عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كُنْتُ أَرَى رَسُولَ اللَّهِ ص يَفْعَلُ بِفَاطِمَةَ ع شَيْئاً مِنَ التَّقْبِيلِ وَالْإِلْطَافِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَفْعَلُ بِفَاطِمَةَ شَيْئاً لَمْ أَرَكَ تَفْعَلُهُ قَبْلُ فَقَالَ يَا حُمَيْرَاءُ إِنَّهُ لَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ أُشِيرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَوَقَفْتُ عَلَى شَجَرَةٍ مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ لَمْ أَرَ شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنَ مِنْهَا حُسْنًا وَلَا أَنْصَرَّ مِنْهَا وَرَقًا وَلَا أَطْيَبَ مِنْهَا ثَمَرًا فَتَنَاوَلْتُ ثَمَرَةً مِنْ ثَمَرِهَا فَأَكَلْتُهَا فَصَارَتْ نُطْفَةً فِي ظَهْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَأَنَا إِذَا اشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ شِمَمْتُ رِيحَهَا مِنْ فَاطِمَةَ يَا حُمَيْرَاءُ إِنَّ فَاطِمَةَ لَيْسَتْ كِنَسَاءِ الْأَدَمِيِّينَ وَلَا تَعْتَلُّ كَمَا يَعْتَلِّلَنَّ يَعْنِي بِهِ الْخَيْضَ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۰۷ وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِي مُسْنَدِهِ «۱» بِإِسْنَادِهِ أَنَّ النَّبِيَّ ص أَخَذَ بِيَدِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَالَ مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَذَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ الْفَقِيهُ الشَّافِعِيُّ ابْنُ الْمَغَازِلِيِّ فِي كِتَابِهِ «۲» بِإِسْنَادِهِ إِلَى جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ بَعَرَفَاتٍ وَعَلِيٌّ ع تُجَاهَهُ ادْنُ مِنِّي يَا عَلِيُّ خُلِقْتُ أَنَا وَأَنْتَ مِنْ شَجَرَةٍ فَأَنَا أَضِلُّهَا وَأَنْتَ فَرَعُهَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ أَغْصَانُهَا فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ ترجمه: عایشه می‌گفت: هنگامی که محبت و لطف خارج از حد رسول اکرم به دخترش فاطمه را دیدم گفتم: ای رسول خدا! چنان به این دختر محبت می‌کنی که ندیدم کسی قبل از تو چنین کرده باشد؟ و پیامبر فرمود: ای حمیرا! در شبی که مرا در آسمان سیر دادند، داخل بهشت گردیدم و در مقابل درختی از درختان بهشتی قرار گرفتم که هرگز ندیده بودم زیباتر از آن درخت را و لطیف‌تر از برگ‌های آن را، و پاک‌تر از میوه‌های آن را، و یکی از میوه‌های آن را خوردم، پس

در اثر آن میوه نطفه‌ای در بطن من به هم رسید، و هنگامی که به زمین بازگشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، پس هر گاه شوق بهشت به من دست می‌دهد بوی او را استشمام می‌کنم. ای حمیرا! به درستی که فاطمه مثل زنان معمولی نیست بلکه او حیض نمی‌شود و خون نمی‌بیند. و جزو این حدیث است آنچه که احمد بن حنبل آن را از پیامبر نقل کرده که ایشان دست حسن و حسین را گرفته و فرمودند: هر که مرا و این دو را، و پدر و مادرشان را دوست بدارد زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۸ وارد بهشت می‌شود و در مرتبه انبیا قرار می‌گیرد (همراه من وارد بهشت می‌شود). و از این قسم است روایتی که ابن مغازلی در کتابش به نقل از جابر بن عبد الله آورده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روزی در عرفات خطاب به علی علیه السلام فرمود: ای علی! من و تو از درختی آفریده شده‌ایم - در عالم ذر - که من اصل آن و تو فرع و ساقه آن و حسن و حسین شاخه‌های آن هستند پس هر که به این شاخه‌ها آویزان شود - یعنی آن دو را دوست داشته و هدایت را از آنها بخواهد - خداوند او را وارد بهشت می‌کند.

۳- بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۷۸-۸۰ ض رقم ۲۰

: العدد القویه: وَ رَوَى أَنَّهَا وَلِدَتْ خَمْسَ سِنِينَ قَبْلَ ظُهُورِ الرَّسَالَةِ وَ نَزُولِ الْوَحْيِ وَ قِيلَ بَيْنَا النَّبِيُّ ص جَالِسٌ بِالْأَبْطَحِ وَ مَعَهُ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ الْمُنْذِرُ بْنُ الضُّحَضِاحِ وَ أَبُو بَكْرٌ وَ عُمَرُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ ع فِي صُورَتِهِ الْعُظْمَى قَدْ نَشَرَ أَجْنَحَتَهُ حَتَّى أَخَذَتْ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فَنَادَاهُ يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ هُوَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَعْتَزَلَ عَنْ خَدِيجَةَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى النَّبِيِّ ص وَ كَانَ لَهَا مُحِبًّا وَ بِهَا وَامِقًا قَالَ فَأَقَامَ النَّبِيُّ ص لِمَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ أَيَّامِهِ تَلَكَّ بَعَثَ إِلَى خَدِيجَةَ بِعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ وَ قَالَ قُلْ لَهَا يَا خَدِيجَةُ لَا تَطْنِي أَنْ انْقِطَاعِي عَنْكَ وَ لَا قَلِي وَ لَكِنْ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي بِذَلِكَ لَتَنْفِذَ [لِيَنْفِذَ أَمْرُهُ فَلَا تَطْنِي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيُباهِي بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلَّ يَوْمٍ مَرَارًا فَإِذَا جَنَّكَ اللَّيْلُ فَأَجِيفِي الْبَابَ وَ خَذِي مَضْجَعَكَ مِنْ فِرَاشِكَ فَإِنِّي فِي مَنْزِلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ فَجَعَلَتْ خَدِيجَةُ تَحْزَنُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا لِفَقْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا كَانَ فِي كَمَالِ الْأَرْبَعِينَ هَبَطَ جَبْرَائِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ هُوَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَتَّهَبَ لِتَحِيَّتِهِ وَ تُحَفِّتِهِ قَالَ النَّبِيُّ ص يَا جَبْرَائِيلُ وَ مَا تُحَفِّتُهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ مَا تَحِيَّتُهُ قَالَ لَا عِلْمَ لِي قَالَ فَبَيْنَا النَّبِيُّ ص كَذَلِكَ إِذْ هَبَطَ مِيكَائِيلُ وَ مَعَهُ طَبَقٌ مُغَطَّى بِمِنْدِيلٍ سُنْدُسٍ أَوْ قَالَ اسْتَبْرَقٍ فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْ النَّبِيِّ ص وَ أَقْبَلَ جَبْرَائِيلُ ع وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ يَأْمُرُكَ رَبُّكَ أَنْ تَجْعَلَ اللَّيْلَةَ إِفْطَارَكَ عَلَى هَذَا الطَّعَامِ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع كَانَ النَّبِيُّ ص إِذْ أَرَادَ أَنْ يُفْطِرَ أَمَرَنِي أَنْ أَفْتَحَ الْبَابَ لِمَنْ يَرِدُ زَنْدْكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۱۰۹ إِلَى الْإِفْطَارِ فَلَمَّا كَانَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَقْعَدَنِي النَّبِيُّ ص عَلَى يَابِ الْمَنْزِلِ وَ قَالَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ إِنَّهُ طَعَامٌ مُحَرَّمٌ إِلَّا عَلَى قَالَ عَلِيُّ ع فَجَلَسْتُ عَلَى الْبَابِ وَ خَلَا النَّبِيُّ ص بِالطَّعَامِ وَ كَشَفَ الطَّبَقَ فَإِذَا عَذَقُ مِنْ رُطْبٍ وَ عُنُقُودٌ مِنْ عَنَبٍ فَأَكَلَ النَّبِيُّ ص مِنْهُ شَبْعًا وَ شَرِبَ مِنَ الْمَاءِ رِيًا وَ مَدَّ يَدَهُ لِلْغَسْلِ فَأَفَاضَ الْمَاءَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ وَ غَسَلَ يَدَهُ مِيكَائِيلُ وَ تَمَنَّدَ إِسْرَافِيلُ وَ ارْتَفَعَ فَاضِلُ الطَّعَامِ مَعَ الْإِنَاءِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قَامَ النَّبِيُّ ص لِيُصَلِّيَ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ وَ قَالَ الصَّلَاةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَيْكَ فِي وَقْتِكَ حَتَّى تَأْتِيَ إِلَى مَنْزِلِ خَدِيجَةَ فَتَوَاقِعَهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ آلَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَخْلُقَ مِنْ صُلْبِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً فَوَثَبَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى مَنْزِلِ خَدِيجَةَ قَالَتْ خَدِيجَةُ رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ كُنْتُ قَدْ أَلَفْتُ الْوَحْدَةَ فَكَانَ إِذَا جَنَّتْ اللَّيْلُ عَطِيتُ رَأْسِي وَ أَشْجَفْتُ سِرِّي وَ غَلَقْتُ بَابِي وَ صَلَّيْتُ وَ رَدَيْتُ وَ أَطْفَأْتُ مِصْبَاحِي وَ أَوَيْتُ إِلَى فِرَاشِي فَلَمَّا كَانَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ لَمْ أَكُنْ بِالنَّائِمَةِ وَ لَمَّا بِالْمُتَبَهِّهِ إِذْ جَاءَ النَّبِيُّ ص لِمَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَفَرَعَ الْبَابَ فَنَادَيْتُ مَنْ هَذَا الَّذِي يَقْرَعُ حَلْقَهُ لَا يَقْرَعُهَا إِلَّا مُحَمَّدٌ ص قَالَتْ خَدِيجَةُ فَنَادَى النَّبِيُّ ص بِعُدُوبِيهِ كَلَامِهِ وَ حَلَاوَةِ مَنْطِقِهِ فَانْتَحَى يَا خَدِيجَةُ فَإِنِّي مُحَمَّدٌ قَالَتْ خَدِيجَةُ فَقُمْتُ فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً بِالنَّبِيِّ ص وَ فَتَحْتُ الْبَابَ وَ دَخَلَ النَّبِيُّ الْمَنْزِلَ وَ كَانَ ص إِذَا دَخَلَ الْمَنْزِلَ دَعَا بِالْإِنَاءِ فَتَطَهَّرَ لِلصَّلَاةِ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ يُوْجِزُ فِيهِمَا ثُمَّ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ فَلَمَّا كَانَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ لَمْ يَدْعُ بِالْإِنَاءِ وَ لَمْ يَتَّهَبْ بِالصَّلَاةِ غَيْرَ أَنَّهُ أَخَذَ بِعُصْدِي وَ أَقْعَدَنِي عَلَى فِرَاشِهِ وَ دَاعَبَنِي وَ مَازَحَنِي وَ

كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ مَا يَكُونُ بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَبَعْلِهَا فَلَا وَالَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ وَاتَّبَعَ الْمَاءَ مَا تَبَاعَدَ عَنِّي النَّبِيُّ ص حَتَّى حَسِسْتُ بِثَقَلِ فَاطِمَةَ فِي بَطْنِي : وَفِيهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعَفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع كَيْفَ كَانَتْ وَلِمَادَهُ فَاطِمَةَ ع قَالَ نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا رِضْوَانُ اللَّهِ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ص هَجَرْتَهَا نِسْوَهُ مَكَّةَ فَكَرْنَا لَهَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَمَّا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَتَرَكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةُ مِنْ ذَلِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ ع صَارَتْ تُحَدِّثُهَا فِي بَطْنِهَا وَتُصَبِّرُهَا وَكَانَتْ خَدِيجَةُ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَدَخَلَ يَوْمًا وَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ يُحَدِّثُكَ قَالَتْ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَيُؤْنِسُنِي فَقَالَ لَهَا هَذَا جَبْرِئِيلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا أَتَتْهُ وَأَنَّهَا النَّسِيمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَزَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۱۰ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَئِمَّةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وَلادَتْهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَنِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ يَحْنَنُ وَيَلِينُ مِنْهَا مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا عَصِيَّتَيْنِ وَلَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَتَزَوَّجَتْ مُحَمَّدًا يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقِيرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَلَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَاعْتَمَتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طَوَالٍ كَانَتْهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَرَعَتْ مِنْهُنَّ فَقَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَنَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَهَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَهِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَهَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَهَذِهِ صِهْرَاءُ بِنْتُ شُعَيْبٍ بَعَثَنَا اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْ أَمْرِكَ مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَالأُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَالثَّالِثَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَالرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ خَدِيجَةُ فَاطِمَةَ ع طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَلَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَعَسَلَتْهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ وَأَخْرَجَتْ خَرْقَتَيْنِ بَيْضَاوَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَطْيَبَ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَالْعَنْبَرِ فَلَفَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَقَتَعَتْهَا بِالأُخْرَى ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَطَمَتَتْ فَاطِمَةَ ع بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ ص سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَأَنَّ وَلَدِي سَيِّدُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهَا وَسَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَضَحِكْنَ إِلَيْهَا وَتَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِينُ وَبَشَّرَ أَهْلَ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ ع وَحَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَلِذَلِكَ سَمَّيْتُ الزَّهْرَاءَ ع وَقَالَتْ خُدَيْجَةُ يَا خَدِيجَةُ طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بَوْرَكَ فِيهَا وَفِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا خَدِيجَةُ ع فَرَحَهُ مُسْتَبْشِرَةً فَلَقَمَتْهَا نَدِيهَا فَشَرِبَتْ فَدَرَّ عَلَيْهَا وَكَانَتْ ع تَنْمِي فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي شَهْرٍ وَفِي شَهْرٍ كَمَا يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي سَنَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَى أَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَيْنَهَا «۱»: كِتَابُ الدُّرِّ النَّظِيمِ، مِثْلَ مَا مَرَّ مِنَ الرِّوَايَاتِ كُلِّهَا تَرْجَمَهُ: رَوَايَتِ شَدِيدِ كِه فَاطِمَةُ پَنج سال قبل از بعثت متولد گردیده است. و گفته شده که روزی رسول خدا در ابطح نشسته بود و همراه او عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ، منذر بن زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۱۱ ضحضاح، ابو بکر، عمر، علی بن ابی طالب، عُبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، و حمزة بن عبد المطلب نشسته بودند که جبرئیل در صورت عظمای خود فرود آمده و بالهای خود را در طرفین مشرق و مغرب خود پهن نموده و گفت: ای محمد! خداوند بلند مرتبه تو را سلام می‌رساند و امر می‌کند که چهل روز از خدیجه دوری نمایی. و این کار برای پیامبر بسیار دشوار بود زیرا خدیجه را بسیار دوست می‌داشت و به وی دلبستگی فراوان داشت. پیامبر برخاست و چهل روز را روزه گرفته، چهل شب را به بیداری و عبادت خداوند متعال گذرانید، در روزهای آخرین عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ را به سوی خدیجه فرستاد و به وی پیغام داد: ای خدیجه! خیال نکنی که دلیل دوری من از تو به سبب غضبی است که نسبت به تو دارم بلکه خداوند متعال این دوری را امر فرموده و من برای امتثال فرمان او چنین می‌کنم و تو جز خیر، در این مورد هیچ اندیشه دیگری نداشته باش که خداوند متعال در هر روز چند بار به سبب تو بر ملائکه مباحثات می‌ورزد. هنگام شب پشت درب را محکم کن و به آسودگی بخواب، و بدان که من در این ایام در منزل مادرم فاطمه بنت اسد- مادر علی بن ابی طالب، یعنی در منزل عموم- هستم. خدیجه در دوران این دوری در هر روزی چند بار محزون و اندیشناک می‌شد. پس از اتمام چهل روز جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و فرمود: ای محمد! خداوند بر تو درود می‌فرستد و تو را امر می‌کند تا از تحفه و هدیه او بهره‌مند گردی. پیامبر فرمود: تحفه پروردگار عالمیان چیست؟ و مژده او کدام است؟ جبرئیل گفت:

نمی‌دانم. در این حال میکائیل فرود آمد و همراه او طبقی بود که با پارچه‌ای پشمی پوشیده شده بود، و آن را در مقابل پیامبر گذارد، و جبرئیل نزدیک آمده و گفت: ای محمد! خداوند فرمان می‌دهد که امروز را با این طعام افطار کنی. علی بن ابی طالب گوید: هنگامی که پیامبر اراده افطار می‌نمود به من امر می‌کرد که درب خانه را باز کنم تا هر که مایل است داخل شود و از آن طعام استفاده نماید، ولی در این شب پیامبر مرا بر درب خانه قرار داد و فرمود: این طعام خاص، برای غیر من حرام است. سپس پارچه را از روی طبق برداشت و در زیر آن خوشه‌ای از خرما و خوشه‌ای از انگور بود، رسول اکرم به اندازه کافی از آنها خورد و آب کاملی نیز نوشید و جبرئیل بر دستان او آب زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۱۲ ریخته، و میکائیل دستانش را با آن آب شست و اسرافیل آنها را خشک نمود، و باقی طعام و ظرف آب را به آسمان بازگردانیدند، پس از آن پیامبر برخاست تا نماز بگزارد که جبرئیل جلو آمد و گفت: نماز در این وقت برای تو حرام است تا آنکه به منزل خدیجه بروی و او را دیدار کنی و با وی همبستر شوی، که خداوند اراده کرده از صلب تو در این شب ذریه‌ای طیبه متولد نماید. رسول خدا شتابان به سوی منزل خدیجه به راه افتاد. خدیجه گوید: من به تنهایی عادت کرده بودم، لذا وقتی شب می‌شد سرم را می‌پوشانیدم و پرده را می‌انداختم، و درب را می‌بستم و پشت آن را می‌انداختم، و خدای را عبادت می‌کردم- به نماز یا قرائت قرآن- و چراغ را خاموش می‌نمودم و می‌خوابیدم، در آن شب به خصوص، هنوز نخوابیده بودم که پیامبر آمده و در را به صدا در آورد، من پرسیدم: کیست که در خانه مرا می‌زند در حالی که کسی غیر از محمد این درب را به صدا در نیاورده است؟ و صدای متین پیامبر را از آن سوی در شنیدم که گفت: ای خدیجه! در را باز کن که من محمد هستم. من در حالی که خوشحال بودم برخاسته و در را باز کردم، پیامبر داخل منزل شده ظرف آب را طلبید تا وضو بسازد و نماز بگزارد. پس از آن دو رکعت نماز خفیف به جای آورد، سپس به سوی بستر رفت. وی در این شب نماز زیادی به جای نیاورد بلکه دست مرا گرفته و بر بسترش نشاند، و میان ما آنچه که میان همسران واقع می‌شود واقع گردید، و الله که در همان شب ثقل و سنگینی فاطمه را در بطن خود احساس کردم. و در همین کتاب از مفضل بن عمر روایت شده که گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که ولادت حضرت فاطمه چگونه بوده است، فرمود: ... «۱».

۴- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۹۰ رقم ۱۶۵

۱۶۵: تفسیر فرات «۲» بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَدِيثِ الْيَمَانِيِّ قَالَ دَخَلَتْ عَائِشَةُ عَلَى النَّبِيِّ ص وَهُوَ يُقَبِّلُ فَاطِمَةَ ع فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَقَبِّلُهَا وَهِيَ ذَاتُ بَغْلٍ فَقَالَ لَهَا وَ سَاقَ حَدِيثِ الْمِعْرَاجِ إِلَى زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۱۳ أَنْ قَالَ ثُمَّ أَخَذَ جَبْرَائِيلُ ع يَدِي فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ وَأَنَا مَسْرُورٌ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ مُكَلَّلَةٍ بِالنُّورِ فِي أَصْلِهَا مَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلِيَّ وَالْخَلَلَ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِتَفَاحٍ لَمْ أَرِ تَفَاحًا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ فَأَخَذْتُ وَاحِدَةً فَفَلَقْتُهَا فَخَرَجَتْ عَلَى مِنْهَا حَوْرَاءُ كَأَنَّ أَشْفَارَهَا مَقَادِيمُ أَجْنَحَةِ النَّسُورِ فَقُلْتُ لِمَنْ أَنْتِ فَبَكَتْ وَقَالَتْ لِابْنِكَ الْمَقْتُولِ ظُلْمًا الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطَبٍ أَلْيَنَ مِنَ الزُّبَيْدِ وَأَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَأَخَذْتُ رُطَبَةً فَأَكَلْتُهَا وَأَنَا أَشْتَهِيهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطَبَةُ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعْتُ خَدِيجَةً فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَإِذَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شِمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ ع «۱»

۵- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۵۱ رقم ۸۹

۸۹: تفسیر فرات الکوفی «۲» عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ مُعَنَّأ عَنْ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ بَعْضُ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ ص يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لَكَ تُحِبُّ فَاطِمَةَ خَبْرًا مَا تُحِبُّ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَالَ إِنَّهُ لَمَّا أُشِيرَ بِي إِلَى السَّمَاءِ انْتَهَى بِي جَبْرَائِيلُ ع إِلَى شَجَرَةٍ طُوبَى فَعَمِدَ إِلَى ثَمَرَةٍ مِنْ أُنْمَارِ طُوبَى فَفَرَكَهُ بَيْنَ إصْبَعَيْهِ ثُمَّ أَطْعَمَنِيهِ ثُمَّ مَسَحَ يَدَهُ بَيْنَ كَتِفَيْ ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَشِّرُكَ بِفَاطِمَةَ مِنْ خَدِيجَةَ بِنْتِ

خُوَيْلِدٍ فَلَمَّا أَنْ هَبَّتْ إِلَى الْأَرْضِ فَكَانَ الَّذِي كَانَ فَعَلَقَتْ خَدِيجَهُ بِفَاطِمَةَ فَأَنَا إِذَا اشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ أَذْنَيْتُهَا فَشَمِمْتُ رِيحَ الْجَنَّةِ فَهِيَ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ ترجمه: فرات بن ابراهیم کوفی از عبید بن کثیر، با سند معنعن از سلمان فارسی روایت کرده است: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۱۴ بعضی از زنان پیامبر - منظور عایشه است - به رسول خدا گفتند: ای رسول خدا! چقدر فاطمه را دوست داری در حالی که هیچ یک از اهل بیت را این قدر دوست نمی داری! پیامبر فرمود: هنگامی که به سوی آسمان برده شدم جبرئیل مرا نزد درخت طوبی برد، پس میوه‌ای از آن را چیده و پوست آن را گرفت و به من داد تا بخورم و سپس با دست خود بین دو کتف مرا مسح کرد و گفت: ای محمّد! خداوند تو را بشارت می دهد به دختری به نام فاطمه از همسرت خدیجه. و هنگامی که به زمین بازگشتم خدیجه به فاطمه حامله گردید، پس هر گاه شوق بهشت پیدا می کنم او را در برمی گیرم و از وی بوی بهشت را استشمام می نمایم، پس فاطمه حوریه‌ای انسانی است.

۶- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۱۹ رقم ۶

: عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» التوحید «۲» الأمالی الصدوق «۳» الهمیدانی عن علی عن أبيه عن الهروي قال قلت للرضا ع يا ابن رسول الله أخبرني عن الجنة والنار أهما اليوم مخلوقتان فقال نعم وإن رسول الله ص قد دخل الجنة ورأى النار لما عرج به إلى السماء قال قلت له فإن قوماً يقولون إنهما اليوم مئذرتان غير مخلوقتين فقال ما أولئك منا ولا نحن منهم من أنكر خلق الجنة والنار فقد كذب النبي ص وكذبنا وليس من ولایتنا على شيء وخلد في نار جهنم قال الله عز وجل هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون يطوفون بينها وبين حميم آن «۴» وقال النبي ص لما عرج بي إلى السماء أخذ بيدي جبرئيل فأدخلني الجنة فناولني من رطبها فأكلته فتحول ذلك نطفة في صلبی فلما هبطت إلى الأرض واقعت خديجة فحملت فاطمة ففاطمة حوراء إنسيّة فكلما اشتقت إلى رائحة الجنة شممت رائحة ابنتي فاطمة «۵»: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۱۵ ترجمه: هروی گوید: از امام رضا علیه السلام خواستم راجع به بهشت و جهنم برایم توضیح دهد و بگویند که آیا آنها خلق شده‌اند. فرمود: آری آنها خلق شده‌اند و وجود دارند و رسول خدا داخل بهشت شده و به هنگام معراجش آتش جهنم را دیده و از آن خبر داده است. گفتیم: دسته‌ای از مردم می گویند: آنها هنوز خلق نشده‌اند و جزو مقدرات هستند و در قیامت خلق خواهند شد، امام فرمود: آنها از ما نیستند و ما نیز با آنها کاری نداریم، کسی که خلق بهشت و جهنم را انکار کند نبی و پیامبر اسلام را انکار نموده و ما را منکر شده و از ولایت ما نصیبی نبرده است و در جهنم داخل می شود، خداوند فرمود: این جهنمی است که گناهکاران آن را تکذیب می کردند، پس در آن می گردند تا باور کنند آنچه را که انکار می کرده‌اند. و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گفته: هنگامی که به آسمان عروج کردم جبرئیل دست مرا گرفت و مرا داخل بهشت کرد و خرمایی بهشتی را به من داد که آن را خوردم و در اثر آن نطفه‌ای در صلب من ایجاد گردید، پس هنگامی که به زمین بازگشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریه‌ای انسانی است، و هر گاه که مشتاق بوی بهشت می گردم وی را می بویم چرا که او بوی بهشت می دهد.

۷- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۲۰ رقم ۱۰

: تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «۱» قال كان رسول الله ص يكثر تقبيل فاطمة عليها وعلى أبيها و بعلها و أولادها ألف ألف التحية والسلام فأكثر ذلك عائشة فقال رسول الله ص يا عائشة إنني لما أسري بي إلى السماء دخلت الجنة فأذناني جبرئيل من شجرة طوبى و ناوطني من ثمارها فأكلته فحول الله ذلك ماء في ظهري فلما هبطت إلى الأرض واقعت خديجة فحملت فاطمة فما قبلتها قط إلا وجدت رائحة شجرة طوبى منها علي بن ابراهیم قمی در تفسیرش گوید: رسول اکرم دخترش فاطمه را زیاد می بوسید، پس عایشه

حسادت می‌ورزید لذا پیامبر به زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۱۶ وی گفت: ای عایشه! هنگامی که ... «۱».

۸- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۳۶۱ رقم ۲۳۲

۲۳۲- کنز جامع الفوائد «۲» و رَوَى الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ عَنْ رِجَالِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ ذَكَرَهُ فِي كِتَابِ مَسَائِلِ الْبُلْدَانِ يَزُفَعُهُ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ يَلْعَبَانِ بَيْنَ يَدَيْهَا- فَفَرَحْتُ بِهِمَا فَرَحًا شَدِيدًا فَلَمْ أَلْبَثْ حَتَّى دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي بِفَضِيلَةِ هَؤُلَاءِ لِأَزِدَّاهُمْ حُبًّا فَقَالَ يَا سَلْمَانُ لَيْلَةً أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ- إِذْ رَأَيْتُ جِبْرِيلَ فِي سَمَاوَاتِهِ وَ جَنَّاتِهِ- فَبَيْنَمَا أَنَا أُدَوِّرُ قُصُورَهَا وَ بَسَاتِينَهَا وَ مَقَاصِرَهَا- إِذْ شِمَمْتُ رَائِحَةً طَيِّبَةً فَأَعْجَبْتَنِي تِلْكَ الرَّائِحَةُ- فَقُلْتُ يَا حَبِيبِي مَا هَذِهِ الرَّائِحَةُ الَّتِي غَلَبَتْ عَلَيَّ رَوَائِحَ الْجَنَّةِ كُلِّهَا- فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ تَفَاحَةُ خَلْقِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِيَدِهِ مُنْذُ ثَلَاثِمِائَةِ أَلْفِ عَامٍ- مَا نَدْرِي مَا يُرِيدُ بِهَا فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ رَأَيْتُ مَلَائِكَةً وَ مَعَهُمْ تِلْكَ التُّفَاحَةُ- فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّنَا السَّلَامُ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ- وَ قَدْ أَتَحَفَكَ بِهَذِهِ التُّفَاحَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص- فَأَخَذْتُ تِلْكَ التُّفَاحَةَ فَوَضَعْتُهَا تَحْتَ جَنَاحِ جِبْرِيلَ- فَلَمَّا هَبَطَ إِلَى الْأَرْضِ أَكَلْتُ تِلْكَ التُّفَاحَةَ- فَجَمَعَ اللَّهُ مَاءَهَا فِي ظَهْرِي فَغَشِيَتْ حَدِيدَةً بَنَتْ حُوْلِدٍ- فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ مِنْ مَاءِ التُّفَاحَةِ- فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ أَنْ قَدْ وُلِدَ لَكَ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ- فَرَوَّجَ الثُّورَ مِنَ الثُّورِ فَاطِمَةُ مِنْ نُورٍ عَلِيٍّ- فَإِنِّي قَدْ رَوَّجْتُهَا فِي السَّمَاءِ وَ جَعَلْتُ خُمُسَ الْأَرْضِ مَهْرَهَا- وَ يَسْرُ خُرُجُ فِيمَا بَيْنَهُمَا ذُرِّيَّةٌ طَيِّبَةٌ- وَ هُمَا سِتْرَا جَا الْجَنَّةِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُنْمَةٌ يُقْتَلُونَ وَ يُحْذَلُونَ- فَالْوَيْلُ لِقَاتِلِهِمْ وَ خَاذِلِهِمْ ترجمه: سلمان فارسی گوید: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۱۷ بر فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام داخل شدم در حالی که آن دو بازی می‌کردند و فاطمه به مشاهده آنها خرسند و بسیار شادمان بود، و مزاحم آنان نشده تأمل کردم تا پیامبر داخل شد، پس گفتم: ای رسول خدا! در باره فضائل اینان برای من بگو تا علاقه‌ام نسبت به ایشان فرونی یابد. آن حضرت فرمود: ای سلمان! شبی که به آسمان برده شدم جبرئیل را در آسمان و غرفه‌های بهشت ملاقات کردم و در این حال در قصرها و مزارع آنجا می‌گشتم که ناگهان بوی بسیار خوشی به مشام رسید و از خوبی آن متعجب گشته به جبرئیل گفتم: ای حبیب من! این رایحه‌ای که بر سایر بوهای بهشت غالب آمده از چیست؟ گفت: ای محمد! این بوی خوش به سببی تعلق دارد که خداوند آن را سیصد هزار سال پیش خلق کرده و ما نمی‌دانیم که قصد وی از خلق این سبب چیست، در همین حال جمعی از فرشتگان را دیدم که آن سبب را می‌آوردند پس خطاب به من گفتند: ای محمد! خداوند متعال بر تو سلام و درود می‌فرستد و این سبب را به تو هدیه می‌دهد. رسول خدا فرمود: من آن سبب را گرفتم و بر بال جبرئیل گذاردم و هنگامی که به زمین بازگشتم آن میوه را تناول نمودم و در اثر آن نطفه‌ای در پشت من پدیدار گشت، و با خدیجه همبستر شدم و او از این نطفه، فاطمه را باردار شد، سپس خداوند بر من وحی نمود که به زودی برای تو حوری‌ای انسانی متولد می‌شود، و نور را به نور تزویج خواهی نمود، یکی فاطمه و دیگری علی، زیرا ازدواج آنها در آسمان واقع شده است- در عالم ذر، یعنی مقدر گردیده است- و برای فاطمه یک پنجم زمین را مهر قرار می‌دهی، و از آن دو ذریه‌ای طیبه پدید می‌آید، و این دو از آنها هستند، و از صلب حسین فرزندی متولد می‌گردد که امامان مردم خواهند بود ولی مردم آنها را می‌کشند و بر ایشان ستم روا می‌دارند، بدا بر قاتل آنها و کسانی که به ایشان ظلم کنند!

۹- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۸۸ و ۱۸۹ رقم ۱۶۰

۱۶۰: علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ الشُّكْرِیِّ عَنِ الْخَوْهَرِيِّ عَنِ عَمْرِو بْنِ عِمْرَانَ عَنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زَنْدِگَانِی حَضْرَتِ زَهْرَا عَلَیْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۱۸ مُوسَى عَنِ جَبَلَةَ الْمَكِّيِّ عَنِ طَاوُسٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ وَ انْتَهَيْتُ إِلَى السَّمَاءِ السَّادِسَةِ نُودِيْتُ يَا مُحَمَّدُ نِعْمَ الْمَأْبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَ نِعْمَ الْمَأْخُ أَخُوكَ عَلِيُّ فَلَمَّا صِرْتُ إِلَى الْحُجْبِ أَخَذَ جِبْرِيلُ ع بِيَدِي

فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ فِي أَصْلِهَا مَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلِيَّ وَالْحُلَلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقُلْتُ حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَقَالَ هَذِهِ لِأَخِيكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَهَذَا الْمَلَكَانِ يَطْوِيَانِ لَهُ الْحُلِيَّ وَالْحُلَلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطَبٍ أَلَيْنَ مِنَ الزُّبْدِ وَأَطْيَبَ مِنَ الْمِسْكِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَأَخَذْتُ رُطْبَةً فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطْبَةُ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا أَنْ هَبْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةً فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَإِذَا اسْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رَائِحَةَ فَاطِمَةَ ع ترجمه: ابن عباس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده: هنگامی که به سوی آسمان عروج کردم، به آسمان ششم که رسیدم، ندایی گفت: ای محمد! چه پدر خوبی است پدر تو ابراهیم، و چه برادر خوبی است برادرت علی. و چون به سرپرده‌های بهشت رسیدم، جبرئیل دستم را گرفت و داخل بهشت نمود، در آنجا درختی نورانی توجه مرا جلب کرد در حالی که دو فرشته آن را با زیورهای می‌آراستند. من گفتم: ای جبرئیل! این درخت به چه کسی تعلّق دارد؟ گفت: آن درخت علی بن ابی طالب است و اینها تا روز قیامت وظیفه دارند آن را تزیین نمایند. وقتی کمی جلوتر رفتم خرمایی دیدم که از کره نرم‌تر و از مشک خوشبوتر و از عسل شیرین‌تر بود، یکی از آنها را خوردم و در اثر آن نطفه‌ای در صلب من ایجاد شد، پس از آنکه به زمین باز گشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوریه‌ای انسانی است که هر گاه مشتاق بهشت می‌شوم بوی او را استشمام می‌کنم.

۱۰- بحار الانوار، ج ۱۸ ص ۳۱۵ رقم ۲۷

: کتاب المحتضر «۱»: عَنِ الصَّدُوقِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَيْدَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْيَدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ زَيْدِ النَّقَابِ عَنْ أَبِيانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَمِيدٍ اللَّهُ ع قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ص يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ ع فَعَابَتْهُ عَلَى ذَلِكَ عَائِشَةُ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ لَتُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَرَّ بِي جَبْرِئِيلُ عَلَى شَجَرَةٍ طُوبَى فَنَاولَنِي مِنْ ثَمَرِهَا فَأَكَلْتُهُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً إِلَى ظَهْرِي فَلَمَّا أَنْ هَبْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةً فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَمَا قَبَلْتُهَا إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا ترجمه: امام صادق علیه السلام فرموده: پیامبر حضرت فاطمه را خیلی دوست داشت و او را زیاد می‌بوسید، پس عایشه وی را مورد عتاب قرار می‌داد و می‌گفت: ای رسول خدا! چرا فاطمه را این همه می‌بوسی؟ پیامبر به او فرمود: ای عایشه! هنگامی که به آسمان برده می‌شدم جبرئیل مرا به نزد درخت طوبی برد و یکی از میوه‌های آن را برگرفت، و من آن را تناول نمودم و در اثر آن آبی در پشت من ایجاد گردید، وقتی که به زمین باز گشتم با خدیجه همبستر شدم و او به فاطمه حامله گردید، و من او را نمی‌بوسم مگر آنکه بوی شجره طوبی را از وی استشمام می‌نمایم.

۱۱- بحار الانوار، ج ۸ ص ۱۴۲ و ۱۴۳ رقم ۶۲

: ۶۲ تفسیر العیاشی عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ «۲» كَانَ النَّبِيُّ ص يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ قَالِ فَعَابَتْهُ عَلَى ذَلِكَ عَائِشَةُ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ لَتُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا وَيْلَكَ لَمَّا أَنْ عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ مَرَّ بِي جَبْرِئِيلُ عَلَى شَجَرَةٍ طُوبَى فَنَاولَنِي مِنْ ثَمَرِهَا فَأَكَلْتُهَا فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَى ظَهْرِي فَلَمَّا أَنْ هَبْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ بِخَدِيجَةٍ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ ع فَمَا قَبَلْتُ فَاطِمَةَ إِلَّا وَجَدْتُ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۲۰ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا «۱»

۱۲- بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۲۴۰ و ۲۴۱ رقم ۳۳:

۳۳- فر، تفسیر فرات بِإِسْنَادِهِ عَنْ حُذَيْفَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ لَمَّا أُسْرِى بِي أَخَذَ جَبْرِئِيلُ بِيَدِي فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ - وَ أَنَا مَسْرُورٌ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ مِنْ نُورٍ مُكَلَّلَةٍ بِالنُّورِ - فِي أَصْلِهَا مَلَكَانِ يَطْوِيَانِ الْحُلِيَّ وَالْحُلَلَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِتَفَاحٍ لَمْ أَرِ تَفَاحًا هُوَ

١٣- بحار الأنوار، ج ٤٣ ص ٤٢ و ٤٣ رقم ٤٢:

١٤- بحار الأنوار، ج ٤٣ ص ٣١٤ و ٣١٥ رقم ٧٣:

www.noorfatemah.org

كَانَ فَنَزَلَ إِلَيَّ جِبْرِئِيلُ بِعِيدٍ مَا وُلِدَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فَقُلْتُ لَهُ يَا جِبْرِئِيلُ مَا أَشَوْفَنِي إِلَى تَيْنِكَ الشَّجَرَتَيْنِ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ إِذَا اشْتَقْتَ إِلَى الْأَكْلِ مِنْ ثَمَرِهِ تَيْنِكَ الشَّجَرَتَيْنِ فَشَمَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ قَالَ فَجَعَلَ النَّبِيُّ ص كُلَّمَا اشْتَأَقَ إِلَى الشَّجَرَتَيْنِ يَشُمُّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَيَلْتِمُهُمَا وَهُوَ يَقُولُ يَا أَصْحَابِي إِنِّي أَوَدُّ أَنْيَ أَقَاسِمُهُمَا حَيَاتِي لِحُبِّي لَهُمَا فَهُمَا رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا فَتَعَجَّبَ الرَّجُلُ مِنْ وَصْفِ النَّبِيِّ ص لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَكَيْفَ لَوْ شَاهَدَ النَّبِيُّ ص مَنْ سَفَكَ دِمَاءَهُمْ وَقَتَلَ رِجَالَهُمْ وَذَبَحَ أَطْفَالَهُمْ وَنَهَبَ أَمْوَالَهُمْ وَسَبَى حَرِيمَهُمْ أَوْلِيكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ترجمه: و حکایت شده از عروه بارقی که گفت: در یکی از سالها به حج رفته بودم، داخل مسجد پیامبر شدم و ایشان را دیدم در حالی که دو پسر بچه در کنار او نشسته بودند و پیامبر گاهی یکی از آنها را می‌بوسید و گاهی آن دیگری را، و هنگامی که مردم پیامبر را چنان دیدند مزاحمتی برایش ایجاد نکردند و از سخن گفتن با او خودداری نمودند ولی من در باره علت علاقه پیامبر به آن دو کودک سرگردان مانده بودم و برایم سؤال شده بود که چرا پیامبر آن دو را این همه دوست می‌دارد، از آن حضرت سؤال کردم: یا رسول الله! آیا اینها فرزندان شما هستند؟ پیامبر فرمود: آن دو فرزندان دخترم و پسران برادرم و پسر عمویم که محبوبترین مردان در نزد من است، می‌باشند. پدر آنها کسی است که در حکم گوش و چشم من می‌باشد، او از من و من از اویم، و او کسی است که از حزن و اندوهش محزون می‌گردم و او نیز از اندوه من محزون می‌گردد. پس به پیامبر گفتم: من از میزان علاقه شما زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۲۳ به این فرزندان و آن محبتی که به ایشان ابراز کردید تعجب کردم. پس پیامبر فرمود: علت آن را برایت بازگو می‌کنم ای مرد! آن هنگام که مرا به آسمان می‌بردند داخل بهشت گردیدم و در مقابل درختی از درختهای بهشت که از بوی بسیار خوش آن تعجب کرده بودم ایستادم، و جبرئیل که تعجب مرا دید گفت: ای محمد! از این درخت تعجب مکن زیرا که میوه آن بسیار خوشبوتر از آن است، پس جبرئیل از میوه آن تحفه‌ای را برای من آورد و من آن را خوردم ولی کاملاً سیر نشدم، پس به درخت دیگری برخوردم، جبرئیل گفت: ای محمد! از میوه این درخت نیز بخور که این نیز شبیه همان درخت قبلی است، مشاهده نمودم که این درخت از جهت طعم و رایحه از درخت قبلی بهتر است. جبرئیل از میوه آن درخت تحفه‌ای برگرفت و به من داد و من آن را خوردم و بویش را نیز استشمام می‌کردم، سپس گفتم: برادرم، جبرئیل! در میان درختان بهشت هیچ درختی را زیباتر و خوشبوتر از این دو درخت ندیدم، گفت: ای محمد! آیا می‌دانی نام این دو درخت چیست؟ گفتم: نمی‌دانم. گفت: نام یکی حسن و نام دیگری حسین است، ای محمد! هنگامی که به زمین برگشتی به نزد همسرت خدیجه برو و در زمان مناسب با وی همبستر شو، به درستی که از میوه و رایحه این دو درخت فرزندی برای تو متولد می‌شود به نام زهرا، پس او را به ازدواج برادرت علی درآور تا دو پسر از ایشان متولد شود، پس نام یکی را حسن و نام دیگری را حسین قرار ده. پیامبر خدا فرمود: آنچه را که جبرئیل گفته بود انجام دادم و همان شد که گفته بود. بعد از آنکه حسن و حسین متولد شدند. جبرئیل بر من فرود آمد، پس به او گفتم: ای جبرئیل! چه اشتیاق زیادی به آن دو درخت دارم. گفت: ای محمد! هر گاه که چنین اشتیاقی در تو ایجاد شد حسن و حسین را بو کن و آنها را در آغوش بگیر. عروه بارقی گوید: هر گاه پیامبر نسبت به آن درختان تمایل پیدا می‌کرد حسن و حسین را در آغوش می‌گرفت و آنها را می‌بویید و می‌گفت: سخن جبرئیل را تصدیق می‌کنم چرا که این دو فرزند بوی آن دو درخت را می‌دهند. و نیز می‌گفت: من این دو را آن قدر دوست می‌دارم که حاضر عمرم را بین آنها قسمت نمایم، آنها ریحانه‌های من در دنیا هستند. راوی گوید: عروه بارقی از شنیدن این سخنان در باره حسن و حسین خیلی متعجب بود، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۲۴ پس اگر شاهد بود آنچه را که بر سر آنها آوردند و می‌دید که چگونه خون آنها را ریختند و مردانشان را کشتند و اطفالشان را ذبح کردند، و اموالشان را به غارت بردند و به حریمشان تعرض کردند- لعنت خدا بر چنان ستمکاران و جنایتکارانی باد- چه می‌کرد؟!!!

۱۵- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۸ رقم ۱۷

۱۷- تفسیر فرات «۱» مُوسَى بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُحَارِبِيِّ مُنْعَنًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَعَاشَرَةُ النَّاسِ تَذَرُونَ لِمَا خُلِقَتْ فَاطِمَةُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ خُلِقَتْ فَاطِمَةُ حُورَاءً إِنْسِيَّةً لَا إِنْسِيَّةً وَقَالَ خُلِقَتْ مِنْ عَرَقِ جَبْرِئِيلَ وَمِنْ زَعْبِهِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَشْكَلَ ذَلِكَ عَلَيْنَا تَقُولُ حُورَاءً إِنْسِيَّةً لَا إِنْسِيَّةً ثُمَّ تَقُولُ مِنْ عَرَقِ جَبْرِئِيلَ وَمِنْ زَعْبِهِ قَالَ إِذَا أُتْبِكُمْ أَهْدَى إِلَيَّ رَبِّي تُفَاحِيَهُ مِنَ الْجَنَّةِ أَتَانِي بِهَا جَبْرِئِيلُ ع فَضَمَّهَا إِلَى صِدْرِهِ فَعَرَقَ جَبْرِئِيلُ ع وَعَرَقَتِ التُّفَاحَةُ فَصَارَ عَرَقُهُمَا شَيْئًا وَاحِدًا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ قُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا جَبْرِئِيلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيْكَ تُفَاحِيَهُ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَخَذْتُهَا وَقَبَّلْتُهَا وَضَعْتُهَا عَلَى عَيْنِي وَضَمَمْتُهَا إِلَى صِدْرِي ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ كُلَّهَا قُلْتُ يَا حَبِيبِي يَا جَبْرِئِيلُ هَدِيَّتُهُ رَبِّي تَوْكَلُ قَالَ نَعَمْ قَدْ أَمَرْتُ بِأَكْلِهَا فَأَقْلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ مِنْهَا نُورًا سَاطِعًا فَفَزَعْتُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ قَالَ كُلْ فَإِنَّ ذَلِكَ نُورُ الْمَنْصُورَةِ فَاطِمَةُ قُلْتُ يَا جَبْرِئِيلُ وَمَنِ الْمَنْصُورَةُ قَالَ جَارِيَةٌ تَخْرُجُ مِنْ صُلبِكَ وَاسْمُهَا فِي السَّمَاءِ مَنْصُورَةٌ وَفِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ فَقُلْتُ يَا جَبْرِئِيلُ وَلِمَ سَمَّيْتَ فِي السَّمَاءِ مَنْصُورَةَ وَفِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ قَالَ سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ فِي الْأَرْضِ لِأَنَّهُ فَطَمَتْ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَفُطِمُوا أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصِيرِ اللَّهِ «۲» يعنى بنصير فاطمة ع بيان الزغب الشعيرات الصغرى على ريش الفرح و كونها من زغب جبرئیل اما لكون التفاحه فيها و عرق من بينها او لانه التصق بها بعض ذلك الزغب فأكله النبی ص زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۲۵ ترجمه: فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیر خود از رسول اکرم روایت نموده که فرمود: آیا می دانید که فاطمه چگونه آفریده شد؟ گفتند: خدا و رسول او دانایانتر است. فرمود: فاطمه حوریه ای انسانی است، و فرمود: فاطمه از عرق و موهای ریز بدن جبرئیل آفریده شده است. گفتند: ای رسول خدا! پذیرفتن چنین چیزی برای ما دشوار است زیرا شما اول می گوید که او انسان نیست بلکه حوریه ای انسانی است و سپس می فرمایید که از عرق و کرک بدن جبرئیل خلق شده است؟ فرمود: جبرئیل برای من سیبی را از میان میوه های بهشتی آورد، من از شدت علاقه جبرئیل را گرفته و به سینه ام فشردم، جبرئیل و سیب هر دو عرق کردند و عرق آنها با هم مخلوط شد، سپس جبرئیل گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! گفتم: سلام بر تو ای جبرئیل! گفت: این سیبی است که خداوند از بهشت برای تو فرستاده است. آن را گرفتم، بوسیدم و روی چشم خود نهادم و بر سینه ام فشردم. جبرئیل گفت: ای محمد! این سیب را بخور. گفتم: ای حبیب من! آیا هدیه پروردگارم را بخورم؟ گفت: آری، به تو امر شده که آن را بخوری. و من وقتی آن سیب را دو قسمت کردم تا بخورم نوری از آن ساطع گردید که مرا به وحشت افکند، جبرئیل گفت: نترس و آن را بخور، این نور به منصوره تعلق دارد. گفتم: منصوره کیست؟ گفت: دختری است که از صلب تو به وجود خواهد آمد و نام وی در آسمان منصوره است و در زمین فاطمه. پس گفتم: ای جبرئیل! چرا در آسمان منصوره نامیده شد و در زمین فاطمه؟ گفت: در زمین فاطمه نامیده شد برای اینکه شیعیان وی از آتش جهنم باز نگاه داشته شده اند و دشمنانش از دوستی و محبت وی که نجات بخش است محروم می مانند و این است معنی کلام خداوند که می فرماید: «و در این روز- یعنی قیامت- مؤمنین به سبب نصرت و یاری خداوند شادمان می گردند»، و منظور از نصرت و یاری خداوند همین نصرت خداوند برای شیعیان و دوستان فاطمه است که به شفاعت و یاری فاطمه از آتش دوزخ نجات می یابند.

باب دوم نامه های حضرت فاطمه علیها السلام و برخی از فضایل آن حضرت

اشاره

تعداد احادیث و روایات این باب: ۳۲

موضوعات روایات

روایاتی که در این باب آمده در بر دارنده موضوعات ذیل می‌باشند: ۱- نام فاطمه علیها السلام ۲- وجه تسمیه دختر پیامبر به فاطمه ۳- کفویت علی بن ابی طالب برای فاطمه ۴- وجه تسمیه فاطمه به زهرا ۵- شفاعت حضرت فاطمه برای شیعیان و دوستانشان ۶- عالمه بودن حضرت فاطمه ۷- طهارت و پاکی حضرت فاطمه از پلیدیها و انواع معاصی ۸- وجه تسمیه حضرت فاطمه به بتول ۹- عدم ابتلای فاطمه به حیض و نفاس ۱۰- حرام بودن سایر زنان بر حضرت علی در زمان حیات فاطمه ۱۱- بی‌همتا و بی‌نظیر بودن فاطمه ۱۲- کنیه‌های فاطمه ۱۳- کیفیت خلقت نوری و دنیایی حضرت فاطمه

اسامی حضرت فاطمه علیها السلام در این باب

۱- فاطمه ۲- زهرا ۳- بتول ۴- صدیقه کبری ۵- مبارکه ۶- طاهره ۷- زکیه ۸- راضیه ۹- مرضیه ۱۰- محدّثه ۱۱- حصان ۱۲- حرّه ۱۳- سیده ۱۴- عذرا ۱۵- حوراء ۱۶- حانیه ۱۷- منصوره ۱۸- نوریّه سماویّه

کنیه‌های حضرت فاطمه علیها السلام در این باب

۱- امّ الحسن / ۲- امّ الحسین ۳- امّ ابیها / ۴- امّ المحسن ۵- امّ الائمه

متن احادیث و ترجمه آنها

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۵ / ۱- الأُمّالی للصدوق «۱» علل الشرائع «۲» الخصال «۳» ابْنُ الْمُتَوَكِّل «۴» عَنِ السَّعِيدِ أَبَادِي «۵» عَنِ الْبَرْقِيِّ «۶» عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحُسَيْنِيِّ «۷» عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ لِفَاطِمَةَ عَ تَشِيعُهُ أَسْمَاءُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاطِمَةُ وَ الصَّدِيقَةُ وَ الْمُبَارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّاضِيَّةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْرَاءُ «۸»

ترجمه:

شیخ صدوق در کتابهای امالی، علل الشرائع و خصال، از امام صادق علیه السلام زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۳۲ روایت کرده: حضرت فاطمه در نزد خدای متعالی دارای ۹ اسم است: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدّثه و زهرا

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۶ / ... عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عَ أَ تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ قُلْتُ أَخْبَرَنِي يَا سَيِّدِي قَالَ فُطِمْتُ مِنَ الشَّرِّ «۱»

ترجمه

: شیخ صدوق در کتابهای نامبرده از یونس بن ظبیان روایت کرده: امام صادق علیه السلام از من پرسید: آیا می‌دانی تفسیر کلمه فاطمه چیست؟ گفتم: شما بگویید ای آقا و سرور من. فرمود: یعنی شَر و بدی از فاطمه دور شده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷/ ... قَالَ الصَّادِقُ ع لَوْ لَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ «۲». زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۳۳ کتاب دلائل الإمامة للطبری، عن الحسن بن أحمد العلوی عن الصدوق مثله «۱» بیان ممکن آن يستدل به علی کون علی و فاطمه ع اشرف من سائر اولی العزم سوی نبینا صلی الله علیهم أجمعین لا یقال لا یدل علی فضلها علی نوح و ابراهیم ع لاحتمال کون عدم کونهما کفویین لکونهما من أجدادها ع لأننا نقول ذکر آدم ع یدل علی أن المراد عدم کونهم أكفاءها مع قطع النظر عن الموانع الآخر علی أنه یمکن أن یتشبت بعدم القول بالفصل

ترجمه

اشاره

: شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: اگر علی بن ابی طالب نبود که با فاطمه ازدواج کند، از زمان حضرت آدم تا روز قیامت، در روی زمین کسی یافت نمی‌شد که شایستگی همسری با فاطمه را داشته باشد.

بیان

: می‌توان به این حدیث استدلال کرد و گفت: علی و فاطمه از همه مردمان و حتی پیامبران اولو العزم- به جز رسول خدا- برتر و بالاتر هستند و اگر گفته شود که این حدیث چنین دلالتی ندارد و یا در رابطه با حضرت نوح و ابراهیم چنین دلالتی ندارد، گوئیم: چون نوح و ابراهیم از اجداد حضرت زهرا به شمار می‌روند لذا نمی‌توان آنها را کفو فاطمه معرفی کرد و اینکه نام آدم هم در این روایت برده شده نشان دهنده این است که با صرف نظر کردن از سایر موانع حتی او هم نمی‌تواند همدوش و کفو فاطمه باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۸ / ۲- علل الشرائع «۲» أبی «۳» عَنِ سَعْدٍ «۴» عَنِ جَعْفَرِ بْنِ سَهْلِ الصَّقِیْلِ «۵» عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَنْدِگَانِیِ حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۳۴ إِسْمَاعِيلَ الدَّارِمِيِّ «۶» عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَرَمُرَانِيِّ «۷» عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سَمَّيْتَ الزَّهْرَاءَ زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ كَانَ يَزْهَرُ نُورُ وَجْهِهَا

صَلَاةَ الْغَدَاةِ وَالنَّاسُ فِي فِرَاشِهِمْ فَيَدْخُلُ بَيَاضُ ذَلِكَ النُّورِ إِلَى حُجْرَاتِهِمْ بِالْمَدِينَةِ فَتَبْيِضُ حِيطَانُهُمْ فَيَعَجُّونَ مِنْ ذَلِكَ فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ ص فَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع فَيَأْتُونَ مَنْزِلَهَا فَيَرَوْنَهَا قَاعِدَةً فِي مِحْرَابِهَا تُصَلِّي وَالنُّورُ يَسْطَعُ مِنْ مِحْرَابِهَا مِنْ وَجْهِهَا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْهُ كَانَ مِنْ نُورِ فَاطِمَةَ فَإِذَا انْتَصَفَ النَّهَارُ وَتَرْتَبَتْ لِلصَّلَاةِ زَهْرُ نُورٍ وَجْهِهَا بِالْصُّفْرَةِ فَيَدْخُلُ الصُّفْرَةُ فِي حُجْرَاتِ النَّاسِ فَتَصِفُّ ثِيَابَهُمْ وَالْوَأَنَّهُمْ فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ ص فَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع فَيَرَوْنَهَا قَائِمَةً فِي مِحْرَابِهَا وَقَدْ زَهَرَ نُورُ وَجْهِهَا صَيَلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَعَلَى أَبِيهَا وَبَعْلَهَا وَبَيْنَهَا بِالْصُّفْرَةِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْا كَانَ مِنْ نُورِ وَجْهِهَا فَإِذَا كَانَ آخِرُ النَّهَارِ وَغَرَبَتِ الشَّمْسُ احْمَرَّ وَجْهُ فَاطِمَةَ فَأَشْرَقَ وَجْهُهَا بِالْحُمْرَةِ فَرَحًا وَشُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَانَ تَدْخُلُ حُمْرَةُ وَجْهِهَا حُجْرَاتِ الْقَوْمِ وَتَحْمَرُّ حِيطَانُهُمْ فَيَعَجُّونَ مِنْ ذَلِكَ وَيَأْتُونَ النَّبِيَّ ص وَيَسْأَلُونَهُ عَنْ ذَلِكَ فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع فَيَرَوْنَهَا جَالِسَةً تَسْبِيحُ اللَّهَ وَتُحَمِّدُهُ وَنُورُ وَجْهِهَا يَزْهَرُ بِالْحُمْرَةِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْا كَانَ مِنْ نُورِ وَجْهِ فَاطِمَةَ ع فَلَمْ يَزَلْ ذَلِكَ النُّورُ فِي وَجْهِهَا حَتَّى وُلِدَ الْحُسَيْنُ ع فَهُوَ يَتَقَلَّبُ فِي وُجُوهِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي الْمَائِمَةِ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِمَامٌ بَعِيدٌ إِمَامٌ بَيَانُ تَرْتِبَتِ أَى ثَبَتَتْ فِي مِحْرَابِهَا كَمَا فِي اللَّغَةِ أَوْ تَهَيَّاتُ مِنَ التَّرْتِيبِ الْعَرَفِيِّ بِمَعْنَى جَعَلَ كُلَّ شَيْءٍ فِي مَرْتَبَتِهِ وَيَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ تَصْحِيفُ تَرْنِيتِ

ترجمه

شیخ صدوق در علل الشرائع از ابان بن تغلب روایت کرده: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! چرا فاطمه را «زهرا» نامیدند؟ گفت: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۳۵ برای اینکه نور حضرت فاطمه روزی سه مرتبه برای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب جلوه می کرد: نور او به هنگام اقامه نماز صبح در حالی که مردمان در خواب بودند، چنان می درخشید که سفیدی آن داخل خانه های مدینه می گردید و فضای خانه ها را روشن می نمود، آنان از این نور تعجب می کردند و به سوی رسول خدا می شتافتند تا در باره منشأ آن نور سؤال کنند، و رسول خدا آنها را به جانب خانه حضرت فاطمه متوجه می کرد، و هنگامی که آنان به سوی خانه ایشان نگاه می کردند می دیدند که فاطمه در محراب عبادت قرار گرفته و نوری از محراب ساطع می شود، و آنگاه در می یافتند که نور مذکور همان نوری است که از فاطمه ساطع می گردد. هنگامی که ظهر فرا می رسید و فاطمه آماده نماز می گردید نور زردی از چهره وی ساطع می گردید و داخل خانه های اهل مدینه می شد به طوری که در و دیوار خانه ها، و لباس و رنگ ایشان همه به زردی می گرایید، پس هر گاه از آن نور پرسش می نمودند، رسول خدا ایشان را روانه خانه فاطمه می کرد و آنان می دیدند که دختر پیامبر در میان محراب مشغول عبادت است و این نور از وی ساطع می گردد. و هنگامی که آفتاب غروب می کرد چهره فاطمه به سرخی می گرایید و نور قرمزی از او ساطع می شد و فاطمه از این امر خوشحال گردیده شکر خدا را به جای می آورد، پس آن نور داخل خانه های مردم می گردید و تمام آنها را سرخفام می نمود، مردم مدینه از این امر تعجب می کردند و در باره آن با یک دیگر به گفتگو می پرداختند و هر کس نظری می داد، بنا بر این نزد رسول خدا می آمدند و علت آن را جویا می شدند و رسول خدا ایشان را به سوی خانه فاطمه می فرستاد و آنها می دیدند که فاطمه در محراب به عبادت ایستاده و آن نور از صورت وی ساطع می گردد و می فهمیدند که منشأ آن نور از کجاست. پس آن نور در چهره فاطمه باقی بود تا زمانی که حسین علیه السلام از وی متولد گردید و آن نور به او منتقل شده و به ما رسیده است و همچنان در نزد ما خواهد بود، امامی بعد از امام دیگر، تا قیامت فرا رسد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴، ۱۵- ۲۹/۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِإِسْنَادٍ إِلَى دَارِمٍ «۲» قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع قَالَا سَمِعْنَا الْمَأْمُون «۳» يُحَدِّثُ عَنِ الرَّشِيدِ «۴» عَنِ الْمَهْدِيِّ «۵» عَنِ الْمَنْصُورِ «۶» عَنْ أَبِيهِ «۷» عَنْ جَدِّهِ «۸» قَالَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ لِمُعَاوِيَةَ أ تَدْرِي لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةَ قَالَ لَا قَالَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ «۹» سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُهُ

ترجمه

: شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا نقل می کند که ابن عباس به معاویه گفت: آیا می دانی که دختر رسول خدا برای چه فاطمه نامیده شد؟ گفت: نمی دانم. ابن عباس گفت: برای اینکه او و شیعیانش از آتش دوزخ باز نگاه داشته شده اند و خداوند آنها را به آتش جهنم عذاب نمی کند. من این سخن را از رسول خدا شنیده ام.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۰- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِإِسْنَادٍ ثَلَاثَةٍ «۲» عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنِّي سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ صَح، «۳» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۴۰ عن الرضا عن آبائه ع مثله «۴»

ترجمه:

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا، به سه سند از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود: نام دخترم را از آن جهت فاطمه گذاردم که خدای عز و جل او و دوستدارانش را بر آتش جهنم حرام کرده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱/۵- علل الشرائع «۱» أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَعْقِلٍ الْقُرْمِيسِيِّ «۲» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ الْجَزَرِيِّ «۳» عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهْأَوْنَدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتْهُ فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِنُورِهَا وَ غَشِيَتْ أَبْصَارَ الْمَلَائِكَةِ وَ خَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ وَ قَالُوا إِلَهَنَا وَ سَيِّدَنَا مَا هَذَا النُّورُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي وَ أَسْكَنْتُهُ فِي سَمَائِي خَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتِي أَخْرَجْتُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِي أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَخْرَجُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أئِمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي يَهْدُونَ إِلَى حَقِّي وَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي مصباح الأنوار، عن أبي جعفر ع مثله بيان قال الفيروز آبادی قمریسین بالكسر بلد قرب الدینور معرب کرمانشاهان

ترجمه:

شیخ صدوق در علل الشرائع به نقل از جابر جعفی روایت می کند که گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا حضرت فاطمه

علیها السّلام زهرا نامیده می‌شود؟ امام فرمود: زیرا خداوند متعال او را از نور با عظمت خود آفرید، و هنگامی که نورش درخشیدن گرفت آسمانها و زمین به نور او روشن شدند و چشمان ملائکه خیره ماند، پس سجده نموده و از خدای سبحان پرسیدند: خدایا! این چه نوری است؟ خداوند فرمود: این شعبه‌ای از نور من است که آن را آفریده‌ام و از صلب یکی از پیامبرانم که او را بر سایر پیامبران برتری داده‌ام، خارج می‌نمایم. و از این نور رهبران و امامانی به وجود می‌آیند که پس از انقطاع وحی مردم را به سوی حق هدایت می‌نمایند. این روایت را محمد بن هاشم نیز به نقل از امام باقر علیه السلام در مصباح الانوار آورده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۲ / ۶- معانی الأخبار «۴» علل الشرائع «۵» الطالقانی «۶» عَنِ الْجَلُودِيِّ «۷» عَنِ الْخَوْهَرِيِّ «۸» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۴۴ عَنِ ابْنِ عُمَارَةَ «۹» عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ فَاطِمَةَ لِمَ سُمِّيَتْ زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا زَهْرٌ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ

ترجمه:

شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار و علل الشرائع از محمد بن عماره کندی روایت کرده و گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا فاطمه را زهرا نامیدند؟ امام فرمود: برای اینکه هر گاه فاطمه در محراب عبادت می‌ایستاد و به عبادت مشغول می‌شد نور او برای اهل آسمان می‌درخشید همان طور که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳ / ۷- علل الشرائع «۱۰» أَبِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْيَقُطِينِيِّ «۱۱» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ «۱۲» مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا شَيْخٌ لَنَا ثِقَةٌ يُقَالُ لَهُ نَجِيبُ بْنُ إِسْحَاقَ الْفَزَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ حَسَنِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةَ قُلْتُ فَرَقًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْأَسْمَاءِ قَالَ إِنَّ ذَلِكَ لِمِنَ الْأَسْمَاءِ وَلَكِنَّ الْأَسْمَ الَّذِي سُمِّيَتْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلِمَ مَا كَانَ قَبْلَ كَوْنِهِ فَعَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص يَتَرَوَّجُ فِي الْأَحْيَاءِ وَأَنَّهُمْ يَطْمَعُونَ فِي وَرَائِهِ هَذَا الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِهِ فَلَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةُ سَمَّاهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَاطِمَةَ لِمَا أَخْرَجَ مِنْهَا وَ جَعَلَ فِي وَلَدِهَا فَطَمَهُمْ عَمَّا طَمَعُوا فَبَهَذَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّهَا فَطَمَتْ طَمَعَهُمْ وَ مَعْنَى فَطَمْتُ قَطَعْتُ بَيَانِ قَوْلِهِ فَرَقًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْأَسْمَاءِ لَعَلَّه تَوْهَمُ أَنَّ هَذَا الْأَسْمَ مِمَّا لَمْ يَسْبِقْهَا إِلَيْهِ أَحَدٌ فَلِذَا سُمِّيَتْ بِهِ لثَلَا يَشَارِكُهَا فِيهِ امْرَأَةٌ مِمَّنْ مَضَى فَأَجَابَ عَ بَأَنَّهُ كَانَ مِنَ الْأَسْمَاءِ الَّتِي كَانُوا يَسْمُونَ زَهْرًا عَلِيهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۱۴۵ بها قبل قوله إن الله أي لأن الله

ترجمه:

اشاره

شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع از عبد الله بن حسن بن حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده که گفت: امام کاظم علیه السلام به من گفت: آیا می‌دانی چرا دختر پیامبر فاطمه نامیده شد؟ گفتم: برای اینکه با سایر نامها فرق داشته باشد و بشود او را به آن نام مورد خطاب قرار داد. فرمود: بله، فاطمه هم از نامهاست ولی به این علت نام دختر رسول خدا را فاطمه گذاردند که خداوند نسبت به همه چیز قبل از آنکه به وجود بیاید آگاه است و می‌دانست که وقتی پیامبر با برخی از قبایل وصلت نماید آنان به دلیل وراثت، در امر خلافت و جانشینی او طمع می‌کنند لذا موقعی که دختر رسول خدا متولد شد او را فاطمه نامید و امر خلافت و وصایت را برای فرزندان او قرار داد و بدین وسیله دست سایرین را از آن کوتاه نمود زیرا فاطمه به معنی کوتاه کردن و قطع دست دیگران است.

بیان:

اینکه عبد الله بن حسن گفت: فرقا بین و بین الأسماء، شاید مقصودش این بوده که چون نام فاطمه کمتر به کار رفته لذا رسول اکرم دخترش را فاطمه نامیده است تا وی از سایرین متمایز گردد، و اینکه امام به وی فرمود: انّ ذلك لمن الأسماء، منظورش این بوده که این نام هم جزو اسماء است. و منظور از: انّ الله، لأنّ الله می‌باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۴/۸- معانی الأخبار «۱» و علل الشرائع «۲» القَطَّانُ عَنِ الشُّكْرِیِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَيْرٍ الْحَنْفِيِّ «۳» عَنْ بَشِيرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَنْصَارِيِّ «۴» عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ «۵» عَنْ يَحْيَى بْنِ زَنْدِكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۴۶ أَبِي كَثِيرٍ «۱» عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ «۲» إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةً لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ «۳»

ترجمه:

شیخ صدوق در معانی الاخبار و علل الشرائع، به سند خود از ابو هریره نقل می‌کند: دختر رسول خدا فاطمه نامیده شد زیرا خداوند عز و جل او و دوستانش را بر آتش حرام کرده است. «۱»

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۵/۹- علل الشرائع «۲» مَا جِيلَوْنِي «۳» عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ «۴» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ «۵» عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ «۶» عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ «۷» لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ عَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مَلِكٍ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانُ مُحَمَّدٍ ص فَسَمَّاهَا فَاطِمَةَ ثُمَّ قَالَ إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَفَطَمْتُكَ عَنِ الطَّمْثِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَاللَّهِ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالْعِلْمِ وَ عَنِ الطَّمْثِ بِالْمِثَاقِ مَصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۸» عَنْهُ مِثْلُهُ زَنْدِكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۴۸ بَيَانِ فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ أَيْ أَرْضَعْتُكَ بِالْعِلْمِ حَتَّى اسْتَغْنَيْتَ وَفَطَمْتُ أَوْ قَطَعْتُكَ عَنِ الْجَهْلِ بِسَبَبِ الْعِلْمِ أَوْ جَعَلْتُ فَطَامَكَ مِنَ اللَّبَنِ مَقْرُونًا بِالْعِلْمِ كُنَايَةً عَنْ كَوْنِهَا فِي بَدَنِ فَطَرْتَهَا عَالِمَةً

بالعلوم الربانیة و على التقادیر كان الفاعل بمعنى المفعول كالدافع بمعنى المدفوق أو یقرأ على بناء التفعیل أى جعلتك قاطعة الناس من الجهل أو المعنى لما فطمها من الجهل فهی فطم الناس منه و الوجهان الأخیران یشکل إجراؤهما فى قوله فطمتك عن الطمث إلا بتكلف بأن یجعل الطمث كناية عن الأخلاق و الأفعال الذمیمة أو یقال على الثالث لما فطمتك عن الأدناس الروحانیة و الجسمانیة فأنت فطم الناس عن الأدناس المعنویة

ترجمه:

اشاره

شیخ صدوق در علل الشرائع، از امام باقر علیه السلام روایت می کند: هنگامی که دختر پیامبر متولد شد خدای عز و جل به یکی از فرشتگان وحی نمود تا کلمه فاطمه را بر زبان پیامبر جاری کند، لذا رسول خدا نام این دختر را فاطمه نهاد و به او فرمود: من تو را با علم و دانش همراه، و از پلیدی پاک نمودم. سپس امام باقر فرمود: به خدا سوگند که حق تعالی فاطمه را در روز عهد و میثاق «۱» با علم قرین و از پلیدیها و حیض بر کنار نمود. شبیه این روایت را شیخ هاشم در مصباح الانوار نقل نموده است.

بیان:

فطمتك بالعلم، یعنی از هنگام شیرخوارگی تو را با علم و دانش قرین و همراه می دارم تا غنی شوی، و یا اینکه جهل را از تو دور می دارم تا علم جایگزین آن شود، و این کلام کنایه از آن است که فاطمه از بدو تولدش عالم به علوم ربانی بوده است. و در مورد «فطمتك عن الطمث» ممکن است که با تكلف بتوانیم «طمث» را کنایه از اخلاق و افعال پلید و مذموم بگیریم، یا اینکه بگوییم طمث اعم از پلیدیهای روحانی و جسمانی است. و از طرفی ممکن است در قرائت «فطمت» معنای مفعولی را در نظر بگیریم که در این صورت مفهوم آن این خواهد بود که رسول اکرم فرموده باشد تو را با علم قرین و از پلیدی دور داشتم و یا ممکن است بنا را بر معنای تفعیلی بگذاریم که در این صورت مفهوم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۴۹ جمله این است که: تو را چنان قرار دادم که مردم را از جهل و پلیدیهای روحانی و معنوی بر حذر داری.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰/۳۶- علل الشرائع «۱» ابْنُ الْوَلِيدِ «۲» عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍوَةَ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقْفِيِّ عَنْ جُنْدَلِ بْنِ وَائِلٍ «۳» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ أ تَدْرِينَ لِمَ سُمِّيتِ فَاطِمَةَ فَقَالَ عَلِيٌّ ع يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سُمِّيتِ قَالَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَ شَتِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ مُصْبَحُ الْأَنْوَارِ «۴»، عنه ع مثله بیان لا- یقال المناسب علی ما ذکر فی وجه التسمیة أن تسمى مفطومة إذ الفطم بمعنى القطع یقال فطمت الأم صبيها و فطمت الرجل عن عادته و فطمت الحبل لأننا نقول كثيرا ما یجىء فاعل بمعنى مفعول كقولهم سر کاتم و مکان عامر و کما قالوا فی قوله تعالی عِشَّةٌ رَاضِيَةٌ* و ماءٍ دافِقٍ و یحتمل أن یكون ورد الفطم لازما أيضا. قال الفیروز آبادی أفطم السخلة حان أن تظطم فإذا فطمت فهی فاطم و مفطومة و فطیم انتهى و یمکن أن یقال إنها فطمت نفسها و شیعتها عن النار و عن الشرور و فطمت نفسها عن الطمث لكون السبب فی ذلك ما علم الله من محاسن

أفعالها و مکارم خصالها فالإسناد مجازی «۵»

ترجمه:

شیخ صدوق در علل الشرائع به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده که آن حضرت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۵۰ فرمود: ای فاطمه! آیا می‌دانی که چرا نامت را فاطمه گذاردم؟ علی علیه السلام فرمود: برای چه ای رسول خدا؟! فرمود: برای اینکه فاطمه و شیعیانش از آتش جهنم نگاه داشته شده‌اند. نظیر این روایت در مصباح الانوار نیز آمده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۷ / ۱۱ علل الشرائع «۱» ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ «۲» عَنْ سَعْدِ «۳» عَنِ ابْنِ عِيسَى «۴» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ «۵» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ لِفَاطِمَةَ ع وَفَمَّةٌ عَلَى بَابِ جَهَنَّمَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كُتِبَ بَيْنَ عَيْنَيْ كُلِّ رَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَوْ كَافِرٍ فَيُؤْمَرُ بِمُحِبٍّ قَدْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ إِلَى النَّارِ فَتَقْرَأُ فَاطِمَةُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُحِبًّا فَتَقُولُ إِلَهِي وَسَيِّدِي سَمَّيْتَنِي فَاطِمَةَ وَفَطَمْتُ بِي مَنْ تَوَلَّانِي وَتَوَلَّى ذُرِّيَّتِي مِنَ النَّارِ وَوَعَدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقْتَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّنِي سَمَّيْتُكَ فَاطِمَةَ وَفَطَمْتُ بِكَ مَنْ أَحَبَّكَ وَتَوَلَّاكَ وَ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِكَ وَتَوَلَّاهُمْ مِنَ النَّارِ وَوَعِدَى الْحَقُّ وَأَنَا لَمَّا أَخْلَفَ الْمِيعَادَ وَإِنَّمَا أَمَرْتُ بِعَبْدِي هَذَا إِلَى النَّارِ لِتَشْفَعِيَ فِيهِ فَأَشْفَعُكَ وَلِيَتَّبِعَنَّ مَلَائِكَتِي وَأَنْبِيَائِي وَرُسُلِي وَأَهْلَ الْمَوْقِفِ مَوْقِفِكَ مِنِّي وَمَكَانَتِكَ عِنْدِي فَمَنْ قَرَأَتْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنًا فَخُذِي بِيَدِهِ وَادْخُلِيهِ الْجَنَّةَ

ترجمه:

شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع از امام باقر علیه السلام روایت کرده که گفت: حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت، در مقابل دروازه جهنم توقف خواهد نمود. پس در آن هنگام میان چشمان هر کسی نوشته می‌شود که کافر است یا مؤمن، آنگاه به دوستدار فاطمه به دلیل گناهانش امر می‌شود که داخل جهنم گردد، هنگامی که فاطمه در میان دو چشم وی می‌بیند که او محب و دوستدار او بوده می‌گوید: پروردگار من، ای آقای من، مرا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۵۱ فاطمه نامیدی و وعده دادی که به وسیله من، هر کس را که شیعه من و فرزندانم باشد از آتش نجات دهی، وعده تو حق است و تخلف نمی‌پذیرد. سپس خداوند عز و جل می‌گوید: راست می‌گویی ای فاطمه! من تو را فاطمه نامیدم و کسی را که تو را و فرزندان را دوست داشته و شیعه شما باشد از آتش نجات می‌دهم و وعده من حق است و خلف وعده نخواهم کرد، و به این منظور دستور دادم او را به جهنم ببرند که تو برای او شفیع شوی و من شفاعت تو را بپذیرم تا مقام و منزلتی که تو نزد من داری برای ملائکه و پیامبران و اهل محشر معلوم شود، اکنون دست هر کس را که در میان دو چشم او مؤمن نوشته شده باشد بگیر و داخل بهشت نما.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲/۳۸- الأمالی للشیخ الطوسی «۱» الفَحَامُ «۲» عَنِ الْمَنْصُورِيِّ «۳» عَنْ عَمِّ أَبِيهِ «۴» عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ «۵» عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ «۶» قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّمَا سُمِّيَتْ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَطَمَهَا وَفَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ

ترجمه:

شیخ طوسی در امالی گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دخترم به این جهت فاطمه نامیده شد که خداوند عز و جل او و دوستانش را از آتش جهنم نگاه داشته است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳/۳۹- معانی الأخبار «۱» علل الشرائع «۲» بِإِسْنَادِ الْعَلَوِيِّ «۳» عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص سُئِلَ مَا الْبَتُولُ فَإِنَّا سَمِعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَقُولُ إِنَّ مَرْيَمَ بَتُولٌ وَفَاطِمَةُ بَتُولٌ فَقَالَ ع الْبَتُولُ الَّتِي لَمْ تَرَ حُمْرَةً قَطُّ أَيْ لَمْ تَحِضْ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ مُصْبَحِ الْأَنْوَارِ، «۴» عَنْ عَلِيٍّ ع مِثْلَهُ بَيَانِ الْبَتْلِ الْقَطْعِ أَيْ أَنَّهَا مَنْقُوعَةٌ عَنْ نِسَاءِ زَمَانِهَا بَعْدَ رُؤْيِهِ الدَّمِ قَالَ فِي النَّهَايَةِ امْرَأَةٌ بَتُولٌ مَنْقُوعَةٌ عَنِ الرِّجَالِ لَا شَهْوَةَ لَهَا فِيهِمْ وَبِهَا سُمِّيَتْ مَرْيَمُ أُمُّ عِيسَى ع وَسُمِّيَتْ فَاطِمَةُ ع الْبَتُولُ لِانْقِطَاعِهَا عَنْ نِسَاءِ زَمَانِهَا فَضْلًا وَدِينًا وَحَسَبًا وَقِيلَ لِانْقِطَاعِهَا عَنِ الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَنَحْوِ ذَلِكَ قَالَ الْفَيْرُوزِ أَبَادِي.

ترجمه:

شیخ صدوق از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده: از رسول خدا سؤال شد: بتول یعنی چه ای رسول خدا؟ همانا از تو شنیده‌ایم که گفته‌ای مریم و فاطمه هر دو بتول هستند. پیامبر فرمود: بتول آن زنی را گویند که حیض نمی‌شود زیرا حیض برای دختران انبیا ناپسند است. این روایت در مصباح الانوار نیز آمده است. بیان: «البتل» به معنی قطع است یعنی فاطمه به دلیل عدم مشاهده حیض با زنان زمان خود متفاوت است. و در «النهایة» آمده است: زنی را بتول می‌گویند که از مردان منقطع گردیده شهوتی نسبت به آنان نداشته باشند، و مریم و فاطمه را از آن جهت بتول گفته‌اند که از جهت فضل و دین و حسب غیر از زنان زمان خود بودند، و گفته شده آنها را بتول گفته‌اند به دلیل اینکه ایشان از دنیا قطع علاقه نموده زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۵۳ متوجه خداوند تعالی گردیده‌اند. و مثل این سخن را فیروزآبادی نیز در کتابش آورده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۰/... أقول قد مضت و سیأتی الأخبار فی أنه - قَالَ النَّبِيُّ ص لِفَاطِمَةَ شَقَّ اللَّهُ لَكَ يَا فَاطِمَةُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْفَاطِرُ وَ أَنْتِ فَاطِمَةُ وَ شَبَّهَهُ

ترجمه:

می‌گوییم: در گذشته و بعد از این، اخبار و احادیثی از پیامبر خواهد آمد به این مضمون که پیامبر به فاطمه فرموده: خداوند برای تو نامی را که از نامهای خود مشتق گردیده قرار داده زیرا نام او فاطر است و نام تو فاطمه، و این نام به آن شبیه می‌باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۱/۱۴- مناقب آل ابی طالب «۱» ابْنُ بَابُوَيْهِ فِي كِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ وَالْخَزْكَوَشِيِّ فِي شَرَفِ النَّبِيِّ ص وَأَبْنُ بَطَّةٍ فِي الْإِبَانَةِ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ هَلْ تَدْرِي لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ قَالَ عَلِيُّ لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَشِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ

ترجمه:

ابن شهر آشوب به نقل از کتابهای مولد فاطمه، شرف النبی و الابانه، از کلبی و او از امام صادق علیه السلام گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به علی علیه السلام گفت: آیا میدانی چرا دخترم را فاطمه نامیدم؟ علی گفت: ای رسول خدا، برای چه؟ فرمود: برای اینکه او و شیعه او از آتش نگاه داشته شده‌اند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۲/... و عنه أَبُو عَلِيٍّ السَّلَامِيُّ فِي تَارِيخِهِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ عَلِيُّ ع إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا عَنِ النَّارِ

ترجمه

ابن شهر آشوب از تاریخ ابو علی سلامی، از علی علیه السلام روایت کرده است: دختر پیامبر فاطمه نامیده شد برای اینکه خداوند دوستداران او را از آتش دور داشته است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۳/ و منه «۱» شِيرَوَيْهِ «۲» فِي الْفَرْدَوْسِ «۳» عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّمَا سُمِّيَتْ ابْنَتِي فَاطِمَةُ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَفَطَمَ مُحِبِّيَهَا عَنِ النَّارِ

ترجمه

ابن شیرویه در الفردوس از جابر بن عبد الله انصاری و او از پیامبر خدا روایت کرده: دخترم را از آن جهت فاطمه نامیدم که خداوند او و دوستدارانش را از آتش نگاه داشته است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۴/... و منه «۵» الصَّادِقُ ع تَدْرِى أَيْ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ قَالَ فُطِمْتُ مِنَ الشَّرِّ وَيُقَالُ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ عَنِ الطُّمَثِ «۶»

ترجمه:

ابن شهر آشوب از امام صادق علیه السلام روایت نموده است که از ایشان پرسیدند: تفسیر کلمه فاطمه چیست؟ امام فرمود: یعنی باز نگه داشته شده از شر و بدی، و گفته شده برای آن دختر پیامبر را فاطمه نامیدند که او از پلیدی‌ها پاک شده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۵/... و منه أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَذِّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ سُرِّيلَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا الثُّبُولُ قَالَ الَّتِي زَنْدِگَانِي حَضْرَتُ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۵۵ لَمْ تَرَ حُمْرَةً قَطُّ وَلَمْ تَحِضْ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ فِي بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ «۱»

ترجمه:

ابن شهر آشوب به نقل از ابو صالح مؤذن در اربعین آورده است: از رسول خدا سؤال شد که معنی بتول چیست؟ فرمود: بتول یعنی کسی که خون نمی‌بیند و حیض نمی‌شود زیرا حیض برای دختران انبیا ناپسند است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۶/... وَقَالَ النَّبِيُّ لِعَائِشَةَ يَا حُمَيْرَاءُ «۲» إِنَّ فَاطِمَةَ لَيْسَتْ كِسَاءِ الْأَدَمِيِّينَ لَا تَعْتَلُ كَمَا تَعْتَلُنَ «۳»

ترجمه:

و ابن شهر آشوب از ابو صالح مؤذن روایت کرده: رسول خدا به عایشه گفت: ای حمیرا! فاطمه مانند سایر زنان نمی‌باشد و مانند آنها دچار حیض نمی‌شود. «۴»

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۷/ ... و منه أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَرَّمَ اللَّهُ النِّسَاءَ عَلَى عَلِيٍّ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً لَأَنَّهَا طَاهِرَةٌ لَا تَحِيضُ

ترجمه

ابن شهر آشوب از امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود: خداوند تعالی تا زمانی که حضرت فاطمه در قید حیات بود زنان دیگر را بر علی علیه السلام حرام نمود، زیرا که وی هرگز مبتلا به حیض نمی شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۸- وَ عَنْهُ قَالَ عُبَيْدُ الْهَرَوِيُّ فِي الْغُرَبَيْنِ سُمِّيَتْ مَرْيَمُ بَتُولًا لِأَنَّهَا يُتَلَّتْ عَنِ الرِّجَالِ وَ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۵۶ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ بَتُولًا لِأَنَّهَا يُتَلَّتْ عَنِ النَّظِيرِ «۱»

ترجمه:

ابو عبید هروی در غریبین گوید: حضرت مریم را از آن جهت بتول نامیدند که به مردان تمایلی نداشت و فاطمه را به آن سبب بتول گفتند که مثل و نظیر نداشت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۹/ ... أَبُو هَاشِمٍ الْعَسْكَرِيُّ سَأَلْتُ صَاحِبَ الْعَسْكَرِ لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ فَقَالَ كَانَ وَجْهَهَا يَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ وَ عِنْدَ الزَّوَالِ كَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ وَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ

ترجمه

ابو هاشم عسکری گوید: از امام حسن عسکری پرسیدم: چرا حضرت فاطمه را زهرا نامیدند؟ فرمود: زیرا چهره او برای امیر المؤمنین در اوّل روز مانند آفتاب روشن و به هنگام زوال مانند ماه درخشان و به هنگام غروب آفتاب مانند ستاره می درخشید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۰/ ... - الْحَسَنُ بْنُ يَزِيدَ «۳» قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ قَالَ لِأَنَّ لَهَا فِي الْجَنَّةِ قُبَّةٌ مِنْ يَاقُوتٍ حَمْرَاءَ ارْتِفَاعُهَا فِي الْهَوَاءِ مَسِيرَةُ سَنَةٍ مُعَلَّقَةً بِقُدْرَةِ الْجَبَّارِ لَا عِلَاقَةَ لَهَا مِنْ فَوْقِهَا فَتَمْسِكُهَا وَ لَا دِعَامَةَ لَهَا مِنْ تَحْتِهَا فَتَلْزَمُهَا لَهَا مِائَةُ أَلْفِ بَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ

أَلْفٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَرَاهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ كَمَا يَرَى أَحَدُكُمْ الْكَوْكَبَ الدَّرِّيَّ الزَّاهِرَ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ فَيَقُولُونَ هَذِهِ الزَّهْرَاءُ لِفَاطِمَةَ ع «۴»

ترجمه:

حسن بن زید گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا فاطمه، زهرا نامیده شد؟ فرمود: زیرا او قصری از یاقوت سرخ در بهشت دارد که ارتفاع آن به اندازه یک سال راه است و آن به قدرت خدا در هوا معلق مانده است، و آن قصر دارای صد هزار در است و بر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۵۷ هر دری هزار ملک ایستاده است. اهل بهشت این قصر را چنان می بینند که شما ستاره ها را، پس می گویند: این قصر درخشان به فاطمه تعلق دارد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵/۵۱- و منه كُنَاهَا أُمُّ الْحَسَنِ وَ أُمُّ الْحُسَيْنِ وَ أُمُّ الْمُحْسِنِ وَ أُمُّ الْبَائِمَةِ وَ أُمُّ أَبِيهَا وَ أَسْمَاؤُهَا عَلَى مَا ذَكَرَهُ أَبُو جَعْفَرٍ الْقُمِّيُّ فَاطِمَةُ الْبَتُولُ الْحَصَانُ الْحُرَّةُ السَّيِّدَةُ الْعَذْرَاءُ الزَّهْرَاءُ الْحُورَاءُ الْمُبَارَكَةُ الطَّاهِرَةُ الرَّكِيَّةُ الرَّاضِيَةُ الْمَرْضِيَّةُ الْمُحَدَّثَةُ مَرْيَمُ الْكُبْرَى الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى وَ يُقَالُ لَهَا فِي السَّمَاءِ النُّورِيَّةُ السَّمَاءِيَّةُ الْحَانِيَّةُ بَيَانُ الْحَانِيَّةِ أَيْ الْمَشْفَقَةُ عَلَى زَوْجِهَا وَ أَوْلَادِهَا قَالَ الْجَزْرِيُّ الْحَانِيَّةُ الَّتِي تَقِيمُ عَلَى وَلَدِهَا لَا تَزُوجُ شَفَقَةً وَ عَطْفًا وَ مِنْهُ الْحَدِيثُ فِي نِسَاءِ قَرِيشٍ أَحْنَاهُ عَلَى وَلَدٍ وَ أَرْعَاهُ عَلَى زَوْجٍ «۱»

ترجمه

اشاره

ابن شهر آشوب گوید: کنیه های حضرت فاطمه عبارتند از: امّ الحسن، امّ الحسین، امّ المحسن، امّ الائمه، و امّ ابیها؛ و نامهای او چنانچه شیخ صدوق گفته است عبارتند از: فاطمه، بتول، حصان، حرّه، سیده، عذراء، زهرا، حوراء، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدّثه، مریم کبری، صدیقه کبری؛ و در آسمان او را نوریه سماویّه، و حانیه می نامند.

بیان:

حانیه یعنی خیرخواه نسبت به همسر و فرزندان. جزری گوید، حانیه زنی را گویند که چون همسرش فوت شود از سر خیرخواهی و مهربانی امور فرزندان را تصدّی می نماید و از ازدواج مجدّد خودداری می کند، مانند حدیثی که در باره زنان قریش گوید: خیرخواه برای فرزندان و رعایت کننده حال همسرانند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۶/۵۲- إِرْشَادُ الْقُلُوبِ، «۲» مَرْفُوعاً «۳» إِلَى سِلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَه قَالَ كُنْتُ جَالِساً عِنْدَ النَّبِيِّ ص فِي الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَسَلَّمَ فَرَدَّ النَّبِيُّ ص وَ رَحَّبَ بِهِ زَنْدْكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۵۸ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْمَعَادِنَ وَاحِدَةً فَقَالَ النَّبِيُّ ص إِذَا أُخْبِرَكَ يَا عَمُّ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنِي وَ خَلَقَ عَلِيًّا وَ لَا سَمَاءَ وَ لَا أَرْضَ وَ لَا جَنَّةَ وَ لَا نَارَ وَ لَا لَوْحَ وَ لَا قَلَمَ فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَوِّ خَلْقِنَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ فَكَانَتْ نُورًا ثُمَّ تَكَلَّمَ كَلِمَةً ثَانِيَةً فَكَانَتْ رُوحًا فَمَزَجَ فِيمَا بَيْنَهُمَا وَ اعْتَدَلَ فَخَلَقَنِي وَ عَلِيًّا مِنْهُمَا ثُمَّ فَتَقَ مِنْ نُورِي نُورَ الْعَرْشِ فَأَنَا أَجَلُّ مِنَ الْعَرْشِ ثُمَّ فَتَقَ مِنْ نُورِ عَلِيٍّ نُورَ السَّمَاوَاتِ فَعَلِيٌّ أَجَلُّ مِنَ السَّمَاوَاتِ ثُمَّ فَتَقَ مِنْ نُورِ الْحَسَنِ نُورَ الشَّمْسِ وَ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ نُورَ الْقَمَرِ فَهُمَا أَجَلُّ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ تُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى وَ تَقُولُ فِي تَسْبِيحِهَا سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ مِنْ أَنْوَارٍ مَا أَكْرَمَهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُبَلِّغَ الْمَلَائِكَةَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ سَيِّدًا مِنْ ظُلُمَةٍ وَ كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ لَا تَنْتَظِرُ أَوْلَاهَا مِنْ آخِرِهَا وَ لَا آخِرَهَا مِنْ أَوْلَاهَا فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَهَنَا وَ سَيِّدُنَا مُنْذُ خَلَقْتُنَا مَا رَأَيْنَا مِثْلَ مَا نَحْنُ فِيهِ فَسَأَلْنَاكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَنْوَارِ إِلَّا مَا كَشَفْتَ عَنَّا فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا فَعَلَنْ فَخَلَقَ نُورَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ ع يَوْمَئِذٍ كَالْفَنْدِيلِ وَ عَلَّقَهُ فِي قُوطِ الْعَرْشِ فَزَهَرَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ السَّبْعُ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ سَمِيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءَ وَ كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ تُسَبِّحُ اللَّهَ وَ تُقَدِّسُهُ فَقَالَ اللَّهُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَجْعَلَ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَ تَقْدِيسِكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِمُحِبِّي هَذِهِ الْمَرْأَةِ وَ أَبَيْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا قَالَ سَلَمَةُ بْنُ فَخْرَجٍ الْعَبَّاسُ فَلَقِيَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَضَمَّهُ إِلَى صَدْرِهِ وَ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ قَالَ بِأَبِي عَثْرَةَ الْمُضِي طَفَى مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ مَا أَكْرَمَكُمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى بِيَانِ الْقُرْطِ بِالضَّمِّ الَّذِي يَلْقَى فِي شَحْمَةِ الْأَذَنِ

ترجمه:

دیلمی در ارشاد القلوب از سلمان فارسی روایت می کند: در مسجد نزد پیامبر نشسته بودم که عباس بن عبد المطلب عموی رسول خدا وارد شده سلام کرد، رسول خدا سلام او را جواب داده و به او خوش آمد گفت. پس از آن عباس گفت: ای رسول خدا! چرا خداوند علی بن ابی طالب را بر ما فضیلت و برتری داده در صورتی که ما همگی از یک خاندان می باشیم؟ پیامبر فرمود: هنگامی که خدای توانا من و علی را خلق کرد آسمان و زمین، بهشت و دوزخ، لوح و قلمی در کار نبود. و زمانی که خدا تصمیم گرفت ما را بیافریند سخنی گفت که زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۵۹ از آن نوری به وجود آمد، سپس سخن دیگری گفت که از آن نوری دیگر پدید آمد، آنگاه آنها را با یک دیگر ممزوج نمود، و من و علی را از آن به وجود آورد، و نور عرش را از نور من خلق کرد؛ بنا بر این، من از عرش برترم، و نور آسمانها را از نور علی خلق کرد پس علی نیز از آسمانها برتر است؛ و نور آفتاب را از نور حسن و نور ماه را از نور حسین آفرید، پس آنان از آفتاب و ماه برترند. ملائکه خدای سبحان را تسبیح می کنند و می گویند: پاک و منزّه است خدا که این نورها در نزد او گرامی هستند. هنگامی که خداوند اراده نمود تا ملائکه را مورد آزمایش قرار دهد ابری تاریک بر ایشان فرستاد طوری که نتوانند یک دیگر را ببینند، در این حال ملائکه گفتند: پروردگارا! از آن روزی که ما را آفریده بودی هرگز چنین چیزی را ندیده بودیم، تو را به حق این نورها سوگند می دهیم که این تاریکی و ظلمت را از ما دور نمایی؟ و در این حال خدای متعال نور فاطمه را آفرید و آن را مانند قنديل بر کنار عرش آویخت و از آن نور آسمانها و زمین های هفتگانه را خلق کرد، و به این جهت فاطمه را زهرا نامیده اند. ملائکه خدا را تسبیح و تقدیس می کردند، پس خداوند به ایشان فرمود: به عزّت و جلالم، ثواب تسبیح و تقدیس شما را برای اینان - یعنی فاطمه، پدر، شوهر و فرزندانش قرار خواهم داد. سلمان می گوید: عباس برخاسته خارج شد و در این حال با علی بن ابی طالب مواجه گردید، پس علی را در آغوش گرفت و میان دو چشم وی را بوسید و به او گفت: پدرم به فدای اهل بیت مصطفی باد، چقدر شما در نزد خدای تعالی عزیز و گرامی هستید!

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۳/۱۷- تفسیر فرات بن ابراهیم «۱» مُوسَى بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَحَارِبِيُّ مُعْتَمِدًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَعَاشِرَ النَّاسِ تَذَرُونَ لِمَا خُلِقَتْ فَاطِمَةُ قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ خُلِقَتْ فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةً لَهَا إِنْسِيَّةٌ وَقَالَ خُلِقَتْ مِنْ عَرَقِ جَبْرِئِيلَ وَمِنْ زَعْبِهِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَشْكَلْ ذَلِكَ زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۱۶۰ عَلَيْنَا تَقُولُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ لَهَا إِنْسِيَّةٌ ثُمَّ تَقُولُ مِنْ عَرَقِ جَبْرِئِيلَ وَمِنْ زَعْبِهِ قَالَ إِذَا أُتْبِئْتُكُمْ أَهْدِي إِلَى رَبِّي تُفَاحَهُ مِنَ الْجَنَّةِ أَتَانِي بِهَا جَبْرِئِيلُ ع فَضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ فَعَرَقَ جَبْرِئِيلُ ع وَعَرَقَتِ التُّفَاحَةُ فَصَارَ عَرَقُهُمَا شَيْئًا وَاحِدًا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ قُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا جَبْرِئِيلُ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيْكَ تُفَاحَةً مِنَ الْجَنَّةِ فَأَخَذْتُهَا وَقَبَلْتُهَا وَضَعْتُهَا عَلَى عَيْنِي وَضَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ كُلْهَا قُلْتُ يَا حَبِيبِي يَا جَبْرِئِيلُ هِدْيَةُ رَبِّي تُؤَكِّلُ قَالَ نَعَمْ قَدْ أُمِرْتُ بِأَكْلِهَا فَأَقْلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ مِنْهَا نُورًا سَاطِعًا فَفَزِعْتُ مِنْ ذَلِكَ النَّورِ قَالَ كُلْ فَإِنَّ ذَلِكَ نُورُ الْمَنْصُورَةِ فَاطِمَةَ قُلْتُ يَا جَبْرِئِيلُ وَمَنْ الْمَنْصُورَةُ قَالَ جَارِيَةٌ تَخْرُجُ مِنْ صُلْبِكَ وَاسْمُهَا فِي السَّمَاءِ مَنْصُورَةٌ وَفِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ قَالَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ فِي الْأَرْضِ لِأَنَّهُ فَطِمَتْ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَفُطِمُوا أَعْيَادُهَا عَنْ حُبِّهَا وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ وَيَوْمَئِذٍ يُفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ «۱» بِنَصْرِ فَاطِمَةَ ع بَيَانِ الزَّغْبِ الشَّعِيرَاتِ الصَّغْرَى عَلَى رِيشِ الْفَرْخِ وَكُونِهَا مِنْ زَغْبِ جَبْرِئِيلَ إِمَّا لَكُونِ التُّفَاحَةِ فِيهَا وَعَرَقَتْ مِنْ بَيْنِهَا أَوْ لِأَنَّهُ التَّصَقُّ بِهَا بَعْضُ ذَلِكَ الزَّغْبِ فَأَكَلَهُ النَّبِيُّ ص

ترجمه:

فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیر خود، به سندش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده که فرمود: آیا می دانید که فاطمه چگونه آفریده شد؟ گفتند: خدا و رسول او دانایتر هستند. فرمود: فاطمه حوریّه ای است انسیّه نه انسان؛ و فرمود: فاطمه از عرق و موهای ریز بدن جبرئیل آفریده شده است. گفتند: ای رسول خدا! پذیرفتن این امر برای ما بسیار دشوار است زیرا شما اول می گوید که او حوریّه انسیّه است نه انسان [خالص]، و سپس می فرمایید که از عرق و کرک بدن جبرئیل است. پیامبر فرمود: جبرئیل برای من سیبی را از بهشت هدیه آورد، من او را گرفته و به سینه ام زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۶۱ فشردم، پس جبرئیل و سیب هر دو عرق کردند و عرق آنها با هم مخلوط شد، سپس جبرئیل گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! گفتم: سلام بر تو ای جبرئیل! گفت: این سیبی است که خداوند از بهشت برای تو فرستاده است. من آن را گرفتم، بوسیدم و روی چشم خود نهادم و به سینه خویش فشردم. پس از آن جبرئیل گفت: ای محمّد! این سیب را بخور. گفتم: ای حبیب من! آیا هدیه پروردگار را بخورم؟ گفت: آری، [از طرف خداوند] به تو امر شده که آن را بخوری. وقتی آن سیب را دو قسمت نمودم تا بخورم نوری از آن ساطع گردید که مرا به وحشت افکند. جبرئیل گفت: آن را بخور، این نور به منصوره یعنی فاطمه تعلّق دارد. گفتم: منصوره کیست؟ گفت: دختری است که از صلب تو به وجود خواهد آمد و نام وی در آسمان منصوره است و در زمین فاطمه. سؤال کردم: ای جبرئیل! چرا در آسمان منصوره نامیده شده و در زمین فاطمه؟ پاسخ داد: در زمین فاطمه نامیده شد برای اینکه شیعیان وی از آتش جهنّم باز نگه داشته شده اند و دشمنانش از دوستی و محبت وی محروم می مانند و این است معنی قول خداوند متعال که فرماید: «و در روز قیامت مؤمنین به سبب نصرت و یاری خداوند شادمان می گردند» و منظور از نصرت و یاری خداوند همین نصرت خداوند برای شیعیان و دوستان فاطمه می باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۴ / ۱۸- الأمالی الشيخ «۱» جَمَاعَةُ «۲» عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ «۳» عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ عَنْ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۶۲ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَدُرِّيَّتَهَا مِنَ النَّارِ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ مِنْهُمْ بِالتَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِمَا جِئْتُ بِهِ «۴»

ترجمه:

شیخ طوسی (ت ۴۳۶ ه) در امالی، به سندش از امام علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می فرموده: دخترم فاطمه نامیده شده زیرا خداوند تعالی او و ذریه اش را از آتش جهنم نجات بخشیده است مشروط بر اینکه در زمان ملاقات پروردگارش به توحید و آنچه از جانب پروردگارش آمده ایمان داشته باشند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۵ / ۱۹- رَوَى فِي مَقَاتِلِ الطَّالِبِينَ «۵» بِإِسْنَادِهِ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ فَاطِمَةَ ع كَانَتْ تُكْنَى أُمَّ أَبِيهَا «۶»

ترجمه:

ابو الفرج اصفهانی (۲۸۴-۳۵۶) در کتاب مقاتل الطالبیین از امام باقر علیه السلام روایت کرده: همانا کنیه فاطمه امّ ابیها- یعنی مادر پدر- بوده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۶ / ۲۰- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرَةِ لِطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ رَفَثٍ وَمَا رَأَتْ قَطُّ يَوْمًا حُمْرَةً وَلَا نِفَاسًا

ترجمه:

شیخ هاشم بن محمد در مصباح الانوار از امام باقر و او از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت نموده است: فاطمه دختر رسول خدا را به سبب پاک بودنش از هر ننگ و پلیدی، طاهره نامیدند، و او هرگز حیض و نفاس ندید.

ضمائم باب دوم

ضمیمه اول برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه»

روایاتی که در آنها وجه تسمیه دختر پیامبر به «فاطمه» آمده به اسناد متعدد در منابع و مآخذ شیعه و غیر شیعه وارد شده و علامه مجلسی فقط به نقل برخی از آنها اکتفا نموده؛ ما در این بخش از کتاب سعی کرده‌ایم مصادر و منابع این حدیث را استخراج و معرفی کنیم ولی از نقل متن روایات خودداری کرده‌ایم زیرا نقل آنها با موضوع کتاب منافات دارد، اگر خوانندگان محترم تمایل داشته باشند تا تمام روایات مربوط به این موضوع را ملاحظه کنند می‌توانند به کتاب دیگر مؤلف به نام «جامع احادیث فاطمه الزهراء» مراجعه نمایند. ۱- مقتل الحسین، ج ۱ ص ۵۱، از امیر المؤمنین علی علیه السلام، از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲- مناقب ابن مغازلی، ص ۶۵ شماره ۹۲، از علی علیه السلام ۳- بشاره المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۱۳۱، از علی علیه السلام ۴- امالی شیخ طوسی، ص ۳۰۰، از علی علیه السلام ۵- عیون اخبار الرضا، ج ۲ ص ۴۶ شماره ۱۷۴، از علی علیه السلام ۶- ذخائر العقبی، ص ۲۶، از علی علیه السلام ۷- مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۳۷۷، از علی علیه السلام ۸- کتاب مولد فاطمه: شیخ صدوق، به نقل مناقب از آن زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۶۸ ۹- شرف المصطفی: خرگوشی، به نقل مناقب از آن ۱۰- الابانۃ: ابن بطه، به نقل مناقب از آن ۱۱- تاریخ الائمه: ابو علی سلامی، به نقل مناقب از آن ۱۲- تاریخ مدینه دمشق: ابن عساکر، به نقل ینابیع الموده از آن ۱۳- ینابیع الموده، ص ۱۹۴ و ۲۵۹ و ۲۶۹، به نقل از تاریخ دمشق، ذخائر العقبی و صحیفه الرضا ۱۴- شرح الفقه الاکبر: علی بن سلطان محمد حنفی، ص ۱۳۳، به نقل از علی علیه السلام ۱۵- اتحاف السائل: مناوی، ص ۲۴، به نقل از حاکم نیشابوری، از علی علیه السلام و ابو هریره ۱۶- بحار الانوار، ج ۶۵ ص ۱۳۳ شماره ۱۷۶۶- عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱ ص ۲۵ شماره ۱۸۳- معانی الاخبار، ج ۱ ص ۶۴ شماره ۱۴، به نقل از ابو هریره ۱۹- علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۷۸ شماره ۱، به نقل از ابو هریره ۲۰- بشاره المصطفی، ص ۱۲۳، از ابو هریره ۲۱- التحذیر، ص ۳۲، به نقل از ابو هریره، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲۲- عیون الاخبار فی مناقب الاخیار، ص ۴۴، از ابو هریره، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۲۳- مسند فاطمه الزهراء، ص ۵۶ شماره ۱۰۸، به نقل از دیلمی، از ابو هریره ۲۴- مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۳۷۷، به نقل از ابو علی سلامی، به سندش از ابو هریره ۲۵- تاریخ الائمه: ابو علی سلامی، به نقل مناقب از آن ۲۶- کشف الغمه، ج ۲ ص ۸۹، به نقل از شیخ صدوق، از ابو هریره ۲۷- کتاب مولد فاطمه: شیخ صدوق، به نقل کشف الغمه از آن ۲۸- کنز العمال، ج ۱۳ ص ۹۴، به نقل از دیلمی، از ابو هریره ۲۹- ینابیع الموده، ص ۳۹۷، به نقل از سمهودی، از ابو هریره ۳۰- جواهر العقدین تألیف سمهودی (۹۱۱ هـ)، به نقل ینابیع الموده از آن ۳۱- نور الابصار، ص ۴۱، به نقل از دیلمی، از ابو هریره ۳۲- مفتاح النجا فی مناقب آل العباء: بدخشانی حارثی (۱۱۲۶ هـ)، به نقل دیلمی از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۶۹ ابو هریره، ص ۱۰۰ / مخطوط مرعشی نجفی رحمه الله ۳۳- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۳ شماره ۸، به نقل از معانی الاخبار و علل الشرائع، از ابو هریره ۳۴- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۵ شماره ۱۴، به نقل از کشف الغمه ۳۵- بحار الانوار، ج ۶۵ ص ۱۳۳ شماره ۶۶، به نقل از بشاره المصطفی ۳۶- صحیفه الرضا علیه السلام، ص ۴۵ شماره ۲۱ ۳۷- الفردوس، ج ۱ ص ۳۴۶ شماره ۱۳۵۸، از جابر بن عبد الله ۳۸- تاریخ بغداد، ج ۱۳ ص ۳۳۱ شماره ۶۷۷۲، از ابن عباس ۳۹- مسند فاطمه الزهراء، ص ۵۶ شماره ۱۰۷، از ابن عباس ۴۰- شرح الجامع الصغیر: مناوی (۱۰۳۵ هـ)، ص ۳۲۸ ۴۱- فیض القدر، ج ۱ ص ۲۰۶ ۴۲- صواعق المحرقه، ص ۲۳۰ ۴۳- اصول کافی، ج ۱ ص ۴۶۰ شماره ۶، به نقل از امام باقر علیه السلام ۴۴- مصباح الانوار، ص ۲۲۲، به نقل از امام باقر علیه السلام / نسخه خطی مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قم ۴۵- المحتضر، ص ۱۳۲، از امام باقر علیه السلام ۴۶- خصال، ج ۲ ص ۴۱۴ شماره ۳، از امام صادق علیه السلام ۴۷- امالی صدوق، ص ۴۷۴ شماره ۱۷، از امام صادق علیه السلام ۴۸- علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۷۸ ب ۱۴۲ شماره ۳، از امام صادق علیه السلام ۴۹- دلائل الامامة، ص ۱۰، از امام صادق علیه السلام ۵۰- تفسیر فرات کوفی، ص ۳۲۱ و ۳۲۲ شماره ۴۳۵، به نقل از امام سجّاد علیه السلام.

ضمیمه دوم برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زهرا»

۱- اتحاف السائل: ص ۲۴-۲ الفتوحات الربانیة، ج ۲ ص ۵۰-۳ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۷ شماره ۱۶-۴ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۶ ذیل شماره ۱۴-۵ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۲ شماره ۶ و ۶-۵ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۱ شماره ۷۲-۷ علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۸۰ شماره ۸۲-۸ علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۷۹ شماره ۹۱-۹ مصباح الانوار، ص ۲۲۳-۱۰ الامامة و التبصرة، ص ۱۳۳ ح ۱۴۴-۱۱ معانی الاخبار، ص ۶۴ شماره ۱۵-۱۲ علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۸۱ شماره ۱۳۳-۱۳ دلائل الامامة، ص ۱۴۵۴-۱۴ مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۳۷۸-۱۵ ارشاد القلوب، ج ۲ ص ۴۰۳ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۶۱۷۱-۱۶ نوادر المعجزات، ص ۸۲-۱۷ مجمع البحرين، ج ۳ ص ۳۲۱.

ضمیمه سوم برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به بتول»

۱- علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۸۱ شماره ۲۱-۲ معانی الاخبار، ص ۶۴ شماره ۱۷-۳ دلائل الامامة، ص ۴۵۵-۴ روضه الواعظین، ج ۱ ص ۱۴۹-۵ منتقى الجمع، ج ۱ ص ۲۲۴-۶ مشرق الشمسین، ص ۳۲۵-۷ مجمع البحرين، ج ۵ ص ۳۱۷-۸ محبة البيضاء، ج ۴ ص ۲۱۲-۹ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۵-۱۰ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۱۶-۱۱ بحار الانوار، ج ۷۸ ص ۱۱۲-۱۲ بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۲۰۱-۱۳ عوالم العلوم، ج ۱۱ ص ۶۵-۱۴ الدمعة الساکبة، ج ۱ ص ۲۴۳-۱۵ مستدرک الوسائل، ج ۲ ص ۳۷ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۶۱۷۳-۱۶ اتحاف السائل: ص ۱۷۹۵-۱۷ الدرر المکنونة، ص ۱۸۲۳-۱۸ غریب الحدیث ابن جوزی، ج ۱ ص ۵۴-۱۹ الفتوحات الربانیة، ج ۲ ص ۵۰-۲۰ ینایع المودّة، ص ۲۱۲۶۰-۲۱ لسان العرب، ج ۱۱ ص ۴۳-۲۲ المناقب المرتضویة، ص ۱۱۹-۲۳ النهایة، ج ۱ ص ۲۴۷۱-۲۴ مودّة القربی، ص ۲۵۱۰۳-۲۵ مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۳۷۸-۲۶ غریب الحدیث هروی، ج ۲ ص ۱۷۱-۲۷ کشف الغمّة، ج ۲ ص ۲۸۹۰-۲۸ مولد فاطمة صدوق، به نقل کشف الغمّة از آن ۲۹-۲۹ اربعین: ابو صالح مؤذن، به نقل مناقب ابن شهر آشوب ۳۰-۳۰ جلاء العیون، ج ۱ ص ۱۲۸-۳۱ مصباح کفعمی، ص ۶۵۹-۳۲ اقبال الاعمال، ص ۵۹۵

ضمیمه چهارم برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طاهره»

۱- مصباح الانوار، ص ۲۲۲-۲ ذخائر العقبی، ص ۴۴-۳ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۹ شماره ۲۰-۴ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۵ شماره ۱۴-۵ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۰ شماره ۶۱-۶ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۶ شماره ۷۱۵-۷ امالی صدوق، ص ۴۷۴-۸ علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۷۸-۹ خصال، ج ۲ ص ۴۱۴-۱۰ دلائل الامامة، ج ۱ ص ۱۷۸-۱۱ المحتضر، ص ۱۳۸-۱۲ روضه الواعظین، ج ۱ ص ۱۴۸-۱۳ کشف الغمّة، ج ۲ ص ۹۸-۱۴ مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۳۷۸-۱۵ بشاره المصطفی، ص ۲۴۸ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۶۱۷۵-۱۶ مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۴۰۶-۱۷ بحار الانوار، ج ۹۸ ص ۱۷۹-۱۸ کامل الزیارات، ص ۲۳۰-۱۹ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۱۷-۲۰ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۵۳ شماره ۲۱۵-۲۱ بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۸۰ و ۲۲۸۱-۲۲ بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۷۹-۲۳ بحار الانوار، ج ۹۲ ص ۴۵۰-۲۴ بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۱۹۷ و ۱۸۹، ۲۰۰ و ۲۵۳۶-۲۵ بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۴۲۲-۲۶ بحار الانوار، ج ۹۸ ص ۲۵۶-۲۷ بحار الانوار، ج ۹۸ ص ۲۶۳-۲۸ بحار الانوار، ج ۹۹ ص ۴۵-۲۹ بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۲۳۹-۳۰ بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۲۹۵-۳۱ امالی طوسی، ج ۱ ص ۴۲-۳۲ اقبال الاعمال، ص ۳۳۹۹-۳۳ مصباح الزائر، ص ۲۵.

ضمیمه پنجم برخی از مصادر حدیث «وجه تسمیه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به صدیقه»

۱- الجواهر: تلمسانی بزی، ص ۱۶-۲ المطالب العالیة، ج ۴ ص ۷۰-۳ اتحاف السائل، ص ۲۸-۴ استیعاب، ج ۲ ص ۷۵۱-۵

المستدرک علی الصحیحین، ج ۳ ص ۱۷۵-۶ حلیه الاولیاء، ج ۲ ص ۷۴۱-۷ وسیله المآل، ص ۸۸۰-مقتل الحسین، ج ۱ ص ۹۵۶-
 ذخائر العقبی، ص ۴۴۱-تاریخ مذهبی، ج ۲ ص ۱۱۹۵-نظم درر السمطین، ص ۱۲۱۸۲-مجمع الزوائد، ج ۹ ص ۱۳۲۰۱-
 المختار فی مناقب الاخیار، ص ۱۴۵۶-اکمال الرجال، ص ۱۵۷۳۵-بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۰ شماره ۱ زندگانی حضرت زهرا
 علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۶۱۷۷-بحار الانوار، ج ۹۸ ص ۱۷۱۷۹-کامل الزیارات، ص ۱۸۲۳۰-بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۱۹۵
 ۱۹-تهذیب، ج ۶ ص ۲۰۹-بحار الانوار، ج ۲۲ ص ۲۱۴۹۱-بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۲۲۲۰۰-بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۱۸۹، ۱۹۵،
 ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۹۳، ۲۱۹، ۲۳۳۶۶-بحار الانوار، ج ۳۸ ص ۲۴۹۲-بحار الانوار، ج ۷۹ ص ۲۵۲۷-بحار الانوار، ج ۹۱ ص ۲۶۷۴-
 بحار الانوار، ج ۲ ص ۳، به نقل از تفسیر امام عسکری علیه السلام ۲۷-بحار الانوار، ج ۹۹ ص ۲۸۷۰-بحار الانوار، ج ۵۰ ص ۱۴،
 به نقل از مصباح کفعمی ۲۹-بحار الانوار، ج ۲۱ ص ۳۱۵-الطرائف، ص ۳۱۴۱-اقبال الاعمال، ص ۳۲۹۹-مصباح الزائر، ص
 ۳۳۲۸-المزار الکبیر، ص ۳۴۲۳-امالی شیخ صدوق، ص ۳۵۲۸-جمال الأسبوع، ص ۴۸۶.

ضمیمه ششم معرفی برخی مصادر بحث در باره «کنیه‌های حضرت فاطمه علیها السلام»

۱- مناقب ابن مغازلی، ص ۳۴۰ و ۳۴۱ شماره ۳۹۲: امّ اییها ۲- اسد الغابۀ، ج ۵ ص ۵۲۰: امّ اییها ۳- منتخب الذیل المذیل: طبری،
 ص ۶: امّ اییها ۴- مجمع الزوائد، ج ۹ ص ۲۱۱: امّ اییها ۵- تهذیب التهذیب، ج ۱۲ ص ۴۴۰: امّ اییها ۶- اتحاف السائل، ص ۲۵: امّ
 اییها ۷- المعجم الکبیر، ج ۲۲ ص ۳۹۷: امّ اییها ۸- مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۴۰۶: امّ اییها ۹- مقاتل الطالبیین، ج ۳ ص ۴۰۶: امّ
 اییها ۱۰- استیعاب، ج ۲ ص ۷۲۵: امّ اییها ۱۱- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۶: امّ اییها ۱۲- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۹: امّ اییها ۱۳- بحار
 الانوار، ج ۲۲ ص ۱۵۲: امّ اییها ۱۴- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۸: ام اسماء، که صحیح آن همان امّ اییها است ۱۵- بحار الانوار، ج ۴۵
 ص ۱۴۱: امّ اییها زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۶۱۷۹-بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۶: امّ الحسن، امّ الحسین، امّ
 المحسن ۱۷- مناقب آل ابی طالب، ج ۳ ص ۴۰۶: امّ الائمه، امّ اییها، امّ الحسن، امّ الحسین، امّ المحسن ۱۸- مناقب آل ابی طالب، ج
 ۹۷ ص ۱۹۵ و ۱۹۹: امّ الحسن و امّ الحسین ۱۹- مناقب آل ابی طالب، ج ۹۸ ص ۳۷۴: امّ الحسن و امّ الحسین ۲۰- مناقب آل ابی
 طالب، ج ۲۷ ص ۱۴۰: امّ الحسن و امّ الحسین (امّ الحسنین) ۲۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۲۲ ص ۱۵۳: امّ الحسین ۲۲- مناقب آل
 ابی طالب، ج ۴۳ ص ۲۶۱: امّ الحسین ۲۳- مناقب آل ابی طالب، ج ۹۸ ص ۱۷۹: امّ السبطین ۲۴- مناقب آل ابی طالب، ج ۹۹ ص
 ۱۷۹: امّ السبطین ۲۵- کامل الزیارات، ص ۲۳۰: امّ السبطین ۲۶- اقبال الاعمال، ص ۵۹۵: امّ الحسن و امّ الحسین ۲۷- عیون اخبار
 الرضا، ج ۲ ص ۲۶۸: امّ الحسن و امّ الحسین ۲۸- المزار الکبیر، ص ۱۸۱: امّ الحسن و امّ الحسین ۲۹- تهذیب، ج ۶ ص ۹: امّ الحسن
 و امّ الحسین ۳۰- الطرائف، ص ۵۲: امّ الحسین.

باب سوم فضایل و مناقب حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

تعداد احادیث و روایات این باب: ۱۶۰

موضوعات روایات در این باب

۱- حضرت فاطمه صلی الله علیه و آله و سلم در روز قیامت به صورت راکب و سوار بر شتر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 محشور می شود ۲- خداوند به غضب فاطمه غضب و به رضای او راضی می شود ۵۸ و ۶۰ و ۶۴ و ۶۸ و ۷۱ و ۸۲ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و

۱۲۳ و ۱۳۴ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۶۸ و ۱۷۷-۳ برترین زنان عالم چهار نفرند و فاطمه علیها السلام یکی از آنهاست ۵۹ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۴ و ۱۶۰ و ۱۶۳ و ۱۷۲-۴ فاطمه برترین زنان در زمین ۶۱ و ۱۶۴-۵ نجات ذریه فاطمه علیها السلام به سبب عفت آن حضرت از آتش ۶۲-۶ حدیث زهد حضرت فاطمه ۶۳ و ۷۱ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۴ و ۱۱۱ و ۱۳۲ و ۱۵۵ و ۱۸۶ و ۱۸۸ و ۱۹۸-۷ فاطمه علیها السلام هرگز خون حیض و نفاس ندید ۶۵ و ۸۷-۸ فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشت ۷۵ و ۶۶ و ۱۰۳ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰-۹ حدیث دیدار فاطمه با رسول خدا در روز قیامت ۶۷ و ۱۸۳-۱۰ فاطمه علیها السلام سرور زنان دو عالم ۶۹ و ۷۶ و ۸۰ و ۸۱ و ۱۰۴ و ۱۱۱ و ۲۰۴ و ۲۱۲-۱۱ حفظ نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جانب دخترش ۱۲۷۰-۱۲ پیامبر در آخر الزمان کفیل فاطمه می‌گردد ۱۳۷۰-۱۳ صدقه‌های فاطمه علیها السلام ۶۳ و ۷۱ و ۸۴ و ۱۸۵ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۸۴-۱۴ فاطمه علیها السلام در قرآن ۶۲ و ۷۲ و ۷۶ و ۷۹ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۷ و ۱۵۸ و ۱۶۷ و ۱۸۰ و ۱۹۳ و ۲۱۲-۱۵ فاطمه عزیزترین و محبوبترین مردم نزد پیامبر ۷۳ و ۷۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۴ و ۱۲۷ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۵ و ۱۶۹ و ۱۷۴ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۹۵ و ۲۱۶-۱۶ غضب و خشنودی پیامبر در غضب و خشنودی فاطمه ۷۳ و ۷۶ و ۷۹ و ۸۲ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۸ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۲۰۵ و ۲۱۶-۱۷ شباهت فاطمه علیها السلام به پدرش ۱۸۱ و ۱۷۰ و ۷۸ و ۱۸۷۵-۱۸ اهل پیامبر: علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام ۱۹۷۶-۱۹ شفاعت نمودن فاطمه علیها السلام در روز قیامت ۱۹۱ و ۲۰۷۶-۲۰ ارتباط ملائکه با حضرت فاطمه علیها السلام ۷۶ و ۱۸۰ و ۱۹۴ و ۲۱۲ و ۲۱۴ و ۲۱۵-۲۱ فاطمه علیها السلام اولین کس از خاندان پیامبر است که وفات می‌نماید ۱۰۹ و ۷۸ و ۲۲۷۶-۲۲ لزوم محبت و موالات نسبت به فاطمه علیها السلام ۱۴۱ و ۲۳۷۶-۲۳ سرنگهداری حضرت فاطمه علیها السلام ۲۴۷۸-۲۴ احترام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به حضرت فاطمه علیها السلام ۷۸ و ۱۲۷ و ۱۲۹-۲۵ گرسنگی فاطمه علیها السلام برای روزهای متمادی ۸۵ و ۱۱۱ و ۱۸۸ و ۲۰۸-۲۶ از معجزات حضرت فاطمه علیها السلام ۸۶ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۹۰ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۳ و ۲۰۷-۲۷ دلداداری خداوند به حضرت فاطمه علیها السلام ۸۷-۲۸ مواسات فاطمه علیها السلام با خادمانش ۸۹-۲۹ دستگیری ملائکه از حضرت فاطمه علیها السلام ۸۹ و ۹۰ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱-۳۰ عظمت ایمان و یقین فاطمه علیها السلام ۹۰ و ۱۵۱-۳۱ عصمت فاطمه علیها السلام ۱۰۰ و ۱۶۷-۳۲ علم فاطمه علیها السلام ۱۰۰ و ۱۷۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵-۳۳ مستجاب الدعوه بودن فاطمه علیها السلام ۱۰۰ و ۱۵۶-۳۴ عبادت فاطمه علیها السلام ۱۰۰ و ۱۵۱ و ۲۰۲-۳۵ کثرت گریه و بکاء فاطمه علیها السلام ۱۰۰-۳۶ چهار زن بهترین الگو برای زنان هستند و فاطمه علیها السلام یکی از آنان است زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۸۵ و ۱۶۲ و ۱۶۱ و ۳۷-۳۷ برتری فاطمه علیها السلام بر مریم، آسیه و خدیجه ۶۱ و ۸۰ و ۸۱ و ۱۰۲ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۵۸-۳۸ ازدواج فاطمه با علی علیهما السلام ۱۳۳ و ۱۴۶-۳۹ هدیه ازدواج فاطمه علیها السلام از طرف خداوند ۱۳۳ و ۱۴۶-۴۰ حدیث جعلی در باره فاطمه ۱۳۴ و ۱۳۷ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۶۵ و ۱۸۲ و ۱۸۴ و ۱۸۹ و ۱۹۲-۴۱ فاطمه علیها السلام حوریّه انسیه است ۱۳۶-۴۲ تعزیر برای سب فاطمه علیها السلام ۱۳۸-۴۳ اولین کسی که داخل بهشت می‌شود فاطمه علیها السلام است ۱۴۲ و ۱۶۶-۴۴ حال فاطمه به هنگام رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱۵۷ و ۱۶۴-۴۵ مقایسه مریم و فاطمه علیهما السلام ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۲۱۲-۴۶ کمک پیامبر به فاطمه در کارهای خانه. ۱۵۹-۴۷ خلقت نوری فاطمه علیها السلام ۱۶۵ و ۴۸-راستگویی فاطمه علیها السلام ۱۷۱ و ۱۹۶-۴۹ فاطمه محدّثه ۱۸۰ و ۲۱۲ و ۲۱۳-۵۰ کیفیت حشر فاطمه در روز قیامت ۵۷ و ۱۴۲ و ۱۴۶ و ۱۶۶ و ۱۸۳ و ۱۸۹ و ۱۹۲ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۶ و ۲۱۷-۵۱ ثواب زیارت فاطمه علیها السلام ۱۸۵-۵۲ تسبیح فاطمه علیها السلام ۱۹۱-۵۳ مصحف فاطمه علیها السلام ۲۱۴ و ۲۱۵

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۷ / ۱- قَدْ مَرَّ فِي بَابِ الرُّكْبَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِ النَّبِيِّ ص بِرِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ لَنْ يَرْكَبَ يَوْمَئِذٍ إِلَّا أَرْبَعَةٌ أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ صَالِحُ نَبِيِّ اللَّهِ فَأَمَّا أَنَا فَعَلَى الْبُرَاقِ وَ أَمَّا فَاطِمَةُ ابْنَتِي فَعَلَى نَاقَتِي الْعُضْبَاءِ تَمَامَ الْخَبَرِ

ترجمه:

علّماة مجلسی گوید: در باب «کسانی که در روز قیامت محشور می شوند در حالی که بر مرکب سوار هستند» (۱) به نقل از ابن عباس، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کردیم: در این روز هیچ کس به صورت سواره محشور نمی شود جز من و علی و فاطمه و صالح پیامبر، و من بر براق سوار خواهم بود، و دخترم فاطمه بر شتر من به نام عضباء (۲) ... (۳).

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۸ / ۲- أَمَالِي الْمَفِيدِ «۱» عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّيْرَفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ الثُّمَالِيِّ عَنِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُضْبٍ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا «۲»

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند به سبب غضب فاطمه علیها السلام غضب می کند و به خشنودی او خشنود می گردد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۹ / ۳- الْخِصَالِ «۱» ابْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا [أَرْبَعًا- مَرْيَمَ وَ آسِيَةَ وَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ «۲»]

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: همانا خداوند متعال از میان زنان جهان چهار تن را فضیلت و برتری داده است. مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه (سلام الله علیهم).

[متن عربی]

[متن عربی]

۶۰/۴- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُصْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا صَحِيفَةُ الرضا علیه السلام «۲» عن الرضا عن آبائه ع مثله «۳»

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: خداوند به سبب غضب فاطمه غضب می نماید و به سبب خشنودی وی خشنودی می گردد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۶۱/۵- و عنه «۴» بِإِسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدِي وَبَعْدَ أَبِيهِمَا وَأُمُّهُمَا أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ «۵»

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: حسن و حسین پس از من و پدرشان، بهترین مردم زمین و مادرشان فاطمه برترین زنان زمین است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۶۲/۶- من العیون «۶» بِإِسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ «۷»

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تأویل آیه ۱۲ از سوره تحریم که فرماید: مَرِّمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا ... فرموده است: همانا فاطمه علیها السلام نیز عَقَّتْ خویش را پاس داشت، پس خداوند آتش را بر خاندان و فرزندان او حرام گردانید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۶۳/۷- الأمالی الصدوق «۱» الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرِ الْعَلَوِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِي مَعْشَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأَ بِفَاطِمَةَ ع فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَأَطَالَ عِنْدَهَا الْمَكْثَ فَخَرَجَ مَرَّةً فِي سَفَرٍ فَصَنَعَتْ فَاطِمَةُ ع مَسَكِينَ مِنْ وَرَقٍ وَقِلَادَةٍ وَقُرْطَيْنِ وَ سِتْرًا لِبَابِ الْبَيْتِ لِقُدُومِ أَبِيهَا وَ زَوْجِهَا ع فَلَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَيْهَا فَوَقَفَ أَصْحَابُهُ عَلَى الْبَابِ لَا يَدْرُونَ يَقِفُونَ أَوْ يَنْصَرِفُونَ لِطَوْلِ مَكْنِئِهِ عِنْدَهَا فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ ص وَقَدْ عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ الْمِئْبَرِ فَظَنَّتْ فَاطِمَةُ ع أَنَّهُ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِمَا رَأَى مِنَ الْمَسَكِينِ وَالْقِلَادَةِ وَالْقُرْطَيْنِ وَالسِّتْرِ فَزَعَتْ قِلَادَتَيْهَا وَقُرْطَيْيَهَا وَمَسَكِينَتَيْهَا وَنَزَعَتِ السِّتْرَ فَبَعَثَتْ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَقَالَتْ لِلرَّسُولِ قُلْ لَهُ تَقْرَأُ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۹۵ عَلَيْكَ ابْنَتُكَ السَّلَامَ وَ تَقُولُ اجْعَلْ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ فَعَلْتَ فِدَاهَا أَبُوهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَيْسَتْ الدُّنْيَا مِنْ مُحَمَّدٍ وَلَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ جَنَاحَ بُعُوضَةٍ مَا أَسْقَى فِيهَا كَافِرًا شَرْبَةَ مَاءٍ ثُمَّ قَامَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا

ترجمه:

هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از سفری بازمی گشت اولین کسی را که دیدار می نمود فاطمه زهرا بود، پس در آن هنگام به مدتی طولانی در نزد او توقف می کرد. در یکی از این سفرها که پیامبر از مدینه خارج شده بود حضرت فاطمه علیها السلام دو خلخال از نقره، یک گردن بند، دو گوشواره و پرده ای خریداری نمود تا در بازگشت پدر و شوهرش از سفر، تنوعی برای ایشان باشد. هنگامی که پیامبر از مسافرت بازگشت مثل همیشه اول به خانه حضرت فاطمه علیها السلام رفت، اصحاب پیامبر همچنان بر در خانه فاطمه ایستاده بودند و چون از مدت مکث پیامبر در نزد دخترش اطلاع نداشتند نمی دانستند که آیا باید توقف کنند یا برگردند، ولی هنوز، مدت زیادی سپری نشده بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از خانه حضرت فاطمه علیها السلام خارج شد در حالی که آثار غضب در چهره ایشان کاملاً مشهود و قابل تشخیص بود، و در همان حال به سوی منبر (مسجد) رفته در کنار آن بر زمین نشست. هنگامی که پیامبر با غضب از خانه دخترش خارج شد، حضرت فاطمه دریافت که خشم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۹۶ رسول خدا به سبب مشاهده خلخالها، گوشواره، گردن بند و آن پرده بوده است، لذا به سرعت آنها را جمع آوری نمود و به حضور پدرش فرستاد، و به کسی که آنها را می برد فرمود: سلام مرا به پدرم برسان و بگو که اینها را در راه خدا به مصرف برساند. وقتی که آن شخص نزد رسول خدا آمد و پیغام حضرت فاطمه را به او رسانیده و بسته محتوی آن وسایل را به ایشان داد پیامبر سه مرتبه فرمود: پدرش به فدایش باد، و فرمود: دنیا در نزد محمّد و آل محمّد ارزشی ندارد، چرا که اگر دنیا به اندازه بال یک پشه ارزش داشت، همانا ذره ای از آن را نصیب کافر نمی نمود «۱». و پس از این سخن برخاست و به نزد دخترش فاطمه علیها السلام رفت «۲».

[متن عربی]

[متن عربی]

۶۴/۸- الإحتجاج «۳» عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِفَاطِمَةَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَغْضَبُ لِعِصْيِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ قَالَ فَقَالَ الْمُحَدِّثُونَ بِهَا قَالَ فَاتَاهُ ابْنُ جَرِيحٍ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ حَدِّثْنَا الْيَوْمَ حَدِيثًا اسْتَشْهَرَهُ النَّاسُ قَالَ وَمَا هُوَ قَالَ حَدِّثْتُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لِفَاطِمَةَ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعِصْيِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ قَالَ فَقَالَ ع نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ فِيمَا تَزُوونَ لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَرْضَى لِرِضَائِهِمْ فَقَالَ ع فَمَا تُنْكِرُونَ أَنْ تَكُونَ ابْنَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص مُؤْمِنَةً يَرْضَى اللَّهُ لِرِضَائِهَا وَيَغْضَبُ زَنْدِگَانِی

حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۹۷ لَغْضَبِهَا قَالَ صَدَقْتَ اللَّهُ أَعْلَمَ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

ترجمه

: امام صادق علیه السلام فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به فاطمه علیها السلام می فرمود: ای فاطمه! همانا خداوند عز و جلّ به سبب غضب تو غضبناک می شود و به خشنودی تو خشنود می گردد. حسین بن زید گوید: هنگامی که محدّثین این حدیث را از قول امام صادق علیه السلام نقل می کردند، ابن جریح «۲» به حضور امام آمده و گفت: ای ابا عبد الله! امروز حدیثی را شنیدم که محدّثین و مردم آن را در همه جا نقل کرده اند؟ امام سؤال فرمود: کدام حدیث؟ ابن جریح گفت: اینکه شما فرموده ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام گفت: همانا خداوند به غضب تو غضبناک و به خشنودیت خشنود می گردد؟ امام صادق فرمود: آری، آیا در آنچه که شما آن را روایت کرده اید نیامده است که خداوند به سبب غضب مؤمن غضبناک و به خشنودی او خشنود می گردد؟ گفت: بله. امام فرمود: پس چرا اکراه و انکار دارید از آنکه خداوند به سبب غضب فاطمه علیها السلام که دختر پیامبر خداست غضبناک شود و به خشنودی او خشنود گردد، آیا او مؤمن نیست؟ گفت: راست می گوید و خداوند بهتر می داند که رسالت را در چه خاندانی قرار دهد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۹/۶۵- الأُمّالی الصدوق «۱» الْقَطَّانُ عَنِ الشُّكْرِیِّ عَنِ الْجَوْهَرِیِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ بَكَّارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ عَمِّهِ ثُمَامَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أُمِّهِ قَالَتْ مَا رَأَتْ فَاطِمَةَ عَ دَمًا فِي حَيْضٍ وَلَا فِي نَفَاسٍ

ترجمه

: مادر انس بن مالک گوید: فاطمه علیها السلام هرگز خون حیض و نفاس ندید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰/۶۶- الأُمّالی الصدوق «۳» ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الْعَطَّارِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص - فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَمْ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا قَالَ تَاكَ مَرْيَمُ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فَقُلْتُ فَقَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ ص الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ الْجَنَّةِ قَالَ هُمَا وَ اللَّهُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ «۴»

ترجمه

: حسن بن زیاد عطار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا قول پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: فاطمه علیها

السَّلام سرور زنان بهشت می‌باشد، به این معناست که او سرور و سید زنان زمان خود بوده است؟ امام صادق علیه السَّلام فرمود: حضرت مریم علیها السَّلام سرور زنان زمان خود بوده است، و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۹۹ فاطمه علیها السَّلام سرور تمام زنان بهشتی، از اولین و آخرین آنها می‌باشد. پس پرسیدم: معنی فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که گفت: حسن و حسین سرور جوانان بهشت هستند، چیست؟ امام فرمود: به خداوند سوگند آن دو، سرور و بزرگ تمام جوانان بهشت، از اولین و آخرین آنها هستند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵، ۱۴ - ۱۱/۶۷ - الأمالی الصدوق «۱» الطَّالِقَانِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْمَدَرَانِيِّ عَنْ أَبِي قَلَابَةَ عَنْ غَانِمِ بْنِ الْحَسَنِ السَّعِيدِيِّ عَنْ مُسْلِمِ بْنِ خَالِدٍ الْمَكِّيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ فَاطِمَةُ ع لِرَسُولِ اللَّهِ ص يَا أَبَتَاهُ أَيْنَ أَلْقَاكَ يَوْمَ الْمَوْفِقِ الْمَاعِظِ وَيَوْمَ الْمَاهُوَالِ وَيَوْمَ الْفَرْعِ الْمَكْبَرِ قَالَ يَا فَاطِمَةُ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ وَمَعِيَ لَوَاءُ «الْحَمْدِ لِلَّهِ» وَأَنَا الشَّفِيعُ لَأُمَّتِي إِلَى رَبِّي قَالَتْ يَا أَبَتَاهُ فَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي عَلَى الْحَوْضِ وَأَنَا أَشْفِقِي أُمَّتِي قَالَتْ يَا أَبَتَاهُ فَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي عَلَى الصَّرَاطِ وَأَنَا قَائِمٌ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ أُمَّتِي قَالَتْ فَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي وَأَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ أُمَّتِي قَالَتْ فَإِنْ لَمْ أَلْقَكَ هُنَاكَ قَالَ الْقَيْنِي عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ أَمْنَعُ شَرَّهَا وَلَهَبَهَا عَنْ أُمَّتِي فَاسْتَبَشَرْتُ فَاطِمَةَ بِذَلِكَ

ترجمه

: امام علی علیه السَّلام فرماید: فاطمه علیها السَّلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: ای پدر! من تو را در روز قیامت کجا ملاقات خواهم نمود؟ پیامبر فرمود: ای فاطمه! در آن روز مرا در بهشت در حالی ملاقات خواهی نمود که پرچم الحمد لله در دستانم قرار دارد، من آن روز امت خود را در نزد خدا شفاعت خواهم کرد. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۰۰ فاطمه گفت: پدر جان! اگر تو را در آنجا ملاقات نکردم در کجا خواهم دید؟ پیامبر فرمود: در کنار حوض کوثر، در حالی که امت خود را از آن سیراب می‌نمایم. فاطمه گفت: ای پدر! اگر در آنجا نیز ملاقات ننمودم؟ پیامبر فرمود: در نزد پل صراط و در حالی که ایستاده و می‌گویم: پروردگارا! امت مرا سلامت بدار. فاطمه گفت: و اگر در آنجا تو را ندیدم؟ پیامبر فرمود: مرا در لبه پرتگاه جهنم خواهی دید در حالی که امت خود را از آن نجات می‌بخشم. پس فاطمه علیها السَّلام از این بشارتها مسرور و شادمان گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲/۶۸ - الأمالی الصدوق «۱» يَحْيَى بْنُ زَيْدِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُثَنِّدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعِصَابِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ قَالَ فَجَاءَ صِدْدُكَ فَقَالَ لِيَجْعَلَ بَنِي مُحَمَّدٍ ع يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ هَؤُلَاءِ الشَّبَابَ يَجِئُونَا عَنْكَ بِأَحَادِيثٍ مُنْكَرَةٍ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرُ ع وَمَا ذَاكَ يَا صِدْدُكَ قَالَ جَاءُونَا عَنْكَ أَنَّكَ

حَدَّثْتُهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُصْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا قَالَ فَقَالَ جَعْفَرُ يَا صَدِّقُ أَلَسْتُمْ رَوَيْتُمْ فِيمَا تَزُوُونَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعُصْبِ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ وَيَرْضَى لِرِضَاهُ قَالَ بَلَى قَالَ فَمَا تُنْكِرُونَ أَنْ تَكُونَ فَاطِمَةُ عَ مُؤْمِنَةً يَغْضَبُ اللَّهُ لِعُصْبِهَا وَيَرْضَى لِرِضَاهَا قَالَ فَقَالَ لَهُ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ مَا، الْأُمَالِي الطوسي «۲» الغضائري عن الصدوق عن يحيى مثله «۳»

ترجمه

: علی بن عمر از امام صادق و او از پدرانش، از علی علیهم السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: ای فاطمه! همانا خداوند به غضب تو غضبناک و به خشنودی تو خشنود می‌گردد. علی بن عمر گوید: روزی صندل «۱» نزد امام صادق علیه السلام آمده و گفت: ای ابا عبد الله! این جوانان نزد ما آمده و به نقل از تو احادیث منکری را نقل می‌کنند. امام به او فرمود: چه حدیثی را می‌گویی ای صندل؟! گفت: برای ما می‌گویند که تو گفته‌ای: همانا خداوند به سبب غضب فاطمه غضبناک می‌شود و به خشنودی او خشنود می‌گردد؟ امام فرمود: ای صندل! آیا شما روایت نکرده‌اید که: خداوند به سبب غضب بنده مؤمنش غضبناک می‌شود و به خشنودی او خشنود می‌گردد؟ صندل گفت: آری چنین است. امام فرمود: پس چرا انکار دارید از اینکه بپذیرید فاطمه علیها السلام مؤمن باشد و خداوند به غضب او غضب کند و به رضای او راضی گردد؟ صندل گفت: شما درست می‌گویید، به درستی که خداوند خوب می‌داند که رسالت خود را در چه خاندانی قرار دهد. علامه مجلسی گوید: شیخ طوسی نیز این روایت را در امالی خود آورده و آن را از [ابن] غضائری، و او از شیخ صدوق به طریق یحیی بن زید «۲» روایت نموده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳/۶۹- الْأُمَالِي الصَّدُوقُ «ابْنُ مُوسَى عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنِ الْبُرُمَكِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ التَّمِيمِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ ابْنَتِي فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ «۴»

ترجمه

: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: دخترم فاطمه سرور زنان عالمیان است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴/۷۰- الْأُمَالِي الصَّدُوقُ «۱» الطَّلَقَانِيُّ عَنِ الْجُلُودِيِّ عَنِ هِشَامِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ حَمَّادٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ قَرَأْتُ فِي الْإِنْجِيلِ فِي وَصْفِ النَّبِيِّ ص نِكَاحُ النِّسَاءِ ذُو النَّسْلِ الْقَلِيلِ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۰۴ إِنَّمَا نَسَلُهُ مِنْ مُبَارَكَةٍ لَهَا بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ لَا صِخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٌ يَكْفُلُهَا فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا كَفَلَ زَكَرِيَّا أُمُّكَ لَهَا فَرْحَانٌ مُسْتَشْهَدَانِ وَقَدْ مَرَّ الْخَبَرُ بِتَمَامِهِ فِي كِتَابِ أَحْوَالِ النَّبِيِّ ص «۱»

ترجمه

: عبد الله بن سلیمان بن جعفر هاشمی گوید: در انجیل، در وصف پیامبر اسلام خواندم که او زنان زیادی می گیرد ولی نسل او قلیل خواهد بود، و نسل او از طرف دخترش حفظ می شود، پس وجود او با برکت بوده و برای وی خانه ای در بهشت است که در آن خانه هیاهو و آزاری نیست. حضرتش در آخر الزمان کفیل آن دختر است همان طور که حضرت زکریا کفیل مادر تو حضرت عیسی - شد. علامه مجلسی گوید: متن کامل روایت عبد الله بن سلیمان را در کتاب احوال النبی از بحار الانوار آورده ام.

[متن عربی]

[متن عربی]

۷۱/۱۵- الأمالی الصدوق «۲» ابْنُ إِدْرِيسَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَقَالَ قَالَ عَلِيُّ عَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَى ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ عَ وَإِذَا فِي عُنُقِهَا قِلَادَةٌ فَأَعْرَضَ عَنْهَا فَقَطَعَتْهَا وَرَمَتْ بِهَا فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْتِ مِنِّي يَا فَاطِمَةُ ثُمَّ جَاءَ سَائِلٌ فَنَاقَلَتْهُ الْقِلَادَةَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ وَغَضَبِي عَلَى مَنْ أَهْرَقَ دَمِي وَآذَانِي فِي عَثْرَتِي كَشَفَ، كَشَفَ الْغَمَّةَ «۳» عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مِثْلَهُ «۴»

ترجمه

: علی علیه السلام گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خانه دخترش فاطمه علیها السلام وارد شد و گردنبندی را بر گردن او مشاهده نمود و از او روی گردانید، پس فاطمه علیها السلام گردنبند را باز نموده و در کناری نهاد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وی فرمود: ای فاطمه! تو از من هستی - یعنی که شایسته نیست به زینت های دنیا دلبستگی داشته باشی. سپس فقیری آمده و چیزی تقاضا نمود و فاطمه علیها السلام آن گردنبند را به او بخشید، هنگامی که پیامبر این عملکرد را از دخترش مشاهده نمود فرمود: شدید است غضب خدا و غضب من بر کسی که خون مرا بریزد و مرا به وسیله آزار عترتم اذیت و آزار دهد. علامه مجلسی گوید: این حدیث را محقق اربلی (۶۹۴ ه) در کشف الغمّه نیز روایت نموده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۷۲/۱۶- تفسیر القمی «۱» الْحَسَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضَائِلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ إِنَّهَا لَأُحْدَى الْكُبَرِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ «۲» قَالَ يَغْنِي فَاطِمَةَ ع «۳»

ترجمه

: امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۳۸ و ۳۹ از سوره مدثر که خداوند در آن زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۰۶ می فرماید: او یکی از بزرگان است که برای بیم دادن و انداز بشر آمده است، فرماید: منظور خدا در این آیه حضرت فاطمه علیها السلام است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷/۷۵- المجالس الشيخ المفید المشتهر بالمجالس «۱» و أمالی الطوسی «۲» المَفِيدُ عَنِ الْمَرَاغِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ خَالِدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ سَعْدِ بْنِ مَالِكٍ يَغْنِي ابْنَ أَبِي وَقَّاصٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَمَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِي فَاطِمَةُ أَعَزُّ النَّاسِ عَلَيَّ

ترجمه

: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: فاطمه پاره تن من است، هر که او را شادمان کند مرا خوشحال نموده و هر که به او بدی کند به من بدی نموده است، فاطمه عزیزترین مردم در نزد من است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۸/۷۴- أمالی الطوسی «۱» ابْنُ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يُونُسَ الضَّبِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ جَعْفَرِ الْأَحْمَرِيِّ عَنِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ جُمَيْعِ بْنِ عُمَيْرٍ قَالَ قَالَتْ عَمَّتِي لِعَائِشَةَ وَ أَنَا أَسْمَعُ لِلَّهِ أَنْتِ مَسِيرُكِ إِلَى عَلِيٍّ ع مَا كَانَ قَالَتْ دَعِينَا مِنْكَ إِنَّهُ مَا كَانَ مِنَ الرِّجَالِ أَحَبُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ عَلِيٍّ ع وَلَا مِنَ النِّسَاءِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ فَاطِمَةَ ع «۲»

ترجمه

: جمیع بن عمیر گوید: شنیدم که عمه ام به عایشه گفت: منظور تو از اینکه با علی علیه السلام مخالفت کردی، چه بود؟ عایشه گفت: ما را واگذار و در این باره چیزی مپرس که از میان مردان و زنان، در نزد پیامبر، کسی محبوبتر از علی (میان مردان) و فاطمه علیها السلام (میان زنان) نبود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹/۷۵- أمالی الطوسی «۱» بِالْإِسْنَادِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ زَكَرِيَّا عَنْ فِرَاسٍ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ أَقْبَلْتُ فَاطِمَةَ ع تَمْشِي لَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا مَشِيَهَا يَحْرُمُ مِنْ مَشْيِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص فَلَمَّا رَأَاهَا قَالَ مَرْحَبًا بِابْنَتِي مَرَّتَيْنِ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع فَقَالَ لِي أَمَا تَرْضَيْنِ أَنْ تَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ تَوْضِيحُ قَالَ الْجَوْهَرِيُّ مَا خَرَمَتْ مِنْهُ شَيْئًا أَيْ مَا نَقَصَتْ وَ مَا قَطَعَتْ وَ قَالَ الْجَزَرِيُّ فِي حَدِيثِ سَعْدٍ مَا خَرَمَتْ مِنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص شَيْئًا أَيْ مَا تَرَكَتْ

ترجمه

: عایشه گفته است: سو گند به خدایی که شریک ندارد، هر گاه فاطمه علیها السلام راه می‌رفت، راه رفتن وی با راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تفاوتی نداشت، و هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را می‌دید دو بار به او می‌گفت: مرحبا به دخترم. فاطمه زهرا علیها السلام گوید: پدرم به من می‌فرمود: آیا راضی نیستی که در قیامت بزرگ و سرور زنان مؤمن، یا سرور زنان این امت باشی؟

[متن عربی]

[متن عربی]

۷۶ / ۲۰- الأمالی الصدوق «۲» الهمدانی عن علي بن إبراهيم عن جعفر بن سلمة الأهوازي عن إبراهيم بن محمد الثقفي عن إبراهيم بن موسى عن أبي قتادة عن عبد الرحمن بن علاء الحضرمي عن سعيد بن المسيب عن ابن عباس قال إن رسول الله ص كان جالسا ذات يوم وعنده علي وفاطمة والحسن والحسين فقال اللهم إنك تعلم أن هؤلاء أهل بيتي وأكرم الناس علي فأحب من أحبهم وأبغض من أبغضهم وأل من ألهم وعاد من عاداهم وأع من أعانهم واجعلهم مطهرين من كل رجس معصومين من كل ذنب وأيدهم بروح القدس منك ثم قال ع يا علي أنت إمام أمتي وخليفتي عليها بعدي وأنت قائد المؤمنين إلى الجنة وكأنني أنظر إلى ابنتي فاطمة قد أقبلت يوم القيامة على نجيب من نور عن يمينها سبعون ألف زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۱۰ ملک و عن يسارها سبعون ألف ملک و بين يديها سبعون ألف ملک و خلفها سبعون ألف ملک تقود مؤمنات أمتي إلى الجنة فأئما امرأه صلت في اليوم والليله خمس صلوات وصامت شهر رمضان وحجت بيت الله الحرام وزكت ماله وأطاعت زوجها وألت عليا بعدي دخلت الجنة بشفاعه ابنتي فاطمة وإنها لسيده نساء العالمين فليل يا رسول الله أهي سيده نساء عالمها فقال ص ذاك لمريم بنت عمران فأما ابنتي فاطمة فهي سيده نساء العالمين من الأولين والآخرين وإنها لتقوم في محرابها فيسلم عليها سبعون ألف ملك من الملائكة المقربين وينادونها بما نادت به الملائكة مريم فيقولون يا فاطمة إن الله اضبطاك و طهرتك و اضبطاك على نساء العالمين «۱» ثم التفت إلى علي فقال يا علي إن فاطمة بضعة مني وهي نور عيني ونمرة فؤادي يسوؤني ما ساءها ويسرني ما سرها وإنها أول من يلحقني من أهل بيتي فأحسن إليها بعدي وأما الحسن والحسين فهما ابناي وريحانتاي وهما سيدي شباب أهل الجنة فليكرمك عليك كسمعتك وبصرك ثم رفع ص يده إلى السماء فقال اللهم إني أشهدك أنني محب لمن أحبهم ومبغض لمن أبغضهم وسلم لمن سالمهم وحزب لمن حاربهم وعدو لمن عاداهم وولي لمن والاهم

ترجمه

: ابن عباس گوید: یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و علی، فاطمه، حسن و حسین نیز در نزد او بودند که پیامبر فرمود: خداوند! تو می‌دانی که اینها «اهل» من هستند و گرامی‌ترین مردم در نزد من زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۱۱ می‌باشند، پس دوست بدار آن را که آنها را دوست دارد، و دشمن بدار آن را که با آنها دشمنی کند، و راهبری کن آن کس را که آنها را رهبر خود گیرد، و عداوت کن با آنکه به عداوت با آنها برخیزد، و یاری نما کسی را که آنها را یاری کند، و آنها- مقصود اهل بیت پیامبر است- را از هر گونه پلیدی پاک گردان و از گونه گناهی معصومشان بدار، و ایشان را به وسیله روح القدس تأیید فرما. و سپس خطاب به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو امام این امت و خلیفه بر آنها بعد از من هستی، و تو هدایت‌کننده مؤمنان به سوی بهشت خواهی بود. و گویی دخترم فاطمه علیها السلام را می‌بینم که در روز قیامت بر

شتری از نور سوار است و در طرف راست وی هفتاد هزار فرشته و در طرف چپ او نیز هفتاد هزار فرشته قرار دارند و او زنان مؤمن امت را به سوی بهشت راهنمایی می‌کند. پس هر زنی که پنج نماز واجب را در روز و شب به جای آورد، و ماه رمضان را روزه بگیرد، و حج واجب را به جای آورد، و زکات مال خود را بپردازد، و از شوهر خود اطاعت نماید، و پس از من علی را سرپرست و رهبر خود بداند، به شفاعت دخترم فاطمه علیها السلام داخل بهشت می‌شود، زیرا او بزرگ و سرور زنان عالمیان است. سؤال شد: یا رسول الله! آیا فاطمه فقط سرور زنان زمان خویش است؟ پیامبر فرمود: این مقام برای حضرت مریم دختر عمران بوده است، اما دختر من فاطمه علیها السلام بزرگ زنان عالمیان از اولین و آخرین ایشان است، و هنگامی که او در محراب عبادت می‌ایستد هفتاد هزار فرشته مقرب به او سلام می‌کند و او را همان گونه که حضرت مریم را ندا می‌کردند مورد خطاب قرار داده و می‌گویند: خداوند تو را برگزیده، و از همه پلیدیها پاک نموده و بر زنان عالمیان برتری داده است. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متوجه علی علیه السلام گردید و گفت: ای علی! فاطمه پاره تن من است، و او نور چشم و میوه دل من است، پس آنچه او را آزار دهد مرا نیز می‌آزارد، و آنچه او را شادمان گرداند موجب شادمانی من می‌شود، و همانا او در میان اهل بیت من اولین کسی است که به من می‌پیوندد، پس بعد از من به او احسان و نیکی کن، و اما حسن و حسین، پس آنها فرزندان و گلهای خوشبوی من هستند، و آن دو سرور جوانان بهشت می‌باشند پس آنها زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۱۲ را مانند چشم و گوش خود گرامی بدار. سپس پیامبر دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوند! من تو را شاهد می‌گیرم که دوستان آنان را دوست و دشمنان آنان را دشمن باشم، در صلح و سلامت خواهم بود با کسی که با ایشان در صلح و سلامت باشد، و در حال جنگ خواهم بود با آنان که با ایشان جدال و جنگ کند، و دشمن کسی خواهم بود که با آنان دشمنی ورزد، و متولی کسی خواهم بود که اینان را رهبر و سرپرست خود گرفته باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۷۸ / ۲۱- علل الشرائع «۱» أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِنَّ بَنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِنَّ لَا يَطْمَئِنُّ إِنَّمَا الطَّمْتُ عُقُوبَةٌ وَأَوَّلُ مَنْ طَمِثَتْ سَارَةُ «۲» «۳»

ترجمه

: امام باقر علیه السلام فرماید: همانا دختران انبیاء حیض نمی‌شوند، زیرا حیض عقوبت و کیفر است، و اولین زنی که حیض شد ساره- همسر حضرت ابراهیم علیه السلام- بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۷۸ / ۲۲- الأمالی الطوسی «۴» حَمَّوِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ أَبِي خَلِيفَةَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ زَيْنَبِ بْنِ جَرَّاحٍ عَنْ زُهْرَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۲۱۳ عُمَانَ بْنِ عُمَرَ عَنْ إِسْرَائِيلَ عَنْ مَيْسَرَةَ بْنِ حَبِيبٍ عَنِ الْمِنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ طَلْحَةَ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ مَا رَأَيْتُ مِنَ النَّاسِ أَحَدًا أَشْبَهَ كَلَامًا وَ حَدِيثًا بِرَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ فَاطِمَةَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَّبَ بِهَا وَقَبَّلَ يَدَيْهَا وَأَجْلَسَهَا فِي

مَجْلِسِهِ فَإِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا قَامَتْ إِلَيْهِ فَرَجَبَتْ بِهِ وَقَبَّلَتْ يَدَيْهِ وَدَخَلَتْ عَلَيْهِ فِي مَرَضِهِ فَسَارَهَا فَبَكَتْ ثُمَّ سَارَهَا فَضَحَكَتْ فَقُلْتُ كُنْتُ أَرَى لِهَذِهِ فَضْلًا عَلَى النِّسَاءِ فَإِذَا هِيَ امْرَأَةٌ مِنَ النِّسَاءِ بَيْنَمَا هِيَ تَبْكِي إِذْ ضَحَكَتْ فَسَأَلْتُهَا فَقَالَتْ إِذَنْ إِنِّي لَبِدْرَةٌ فَلَمَّا تُوفِّي رَسُولُ اللَّهِ ص سَأَلْتُهَا فَقَالَتْ إِنَّهُ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يَمُوتُ فَبَكَيْتُ ثُمَّ أَخْبَرَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لُحُوقًا بِهِ فَضَحَكَتْ بَيَانُ قَالَ الْجَزَرِيُّ فِي حَدِيثِ فَاطِمَةَ عِنْدَ وَفَاةِ النَّبِيِّ ص قَالَتْ لِعَائِشَةَ إِنِّي إِذَنْ لَبِدْرَةُ الْبَذْرِ الَّذِي يَفْشَى السَّرَّ وَيُظْهِرُ مَا يَسْمَعُهُ

ترجمه

: عایشه گفته است: من هیچ کس را ندیدم که از نظر سخن گفتن و نقل حدیث، شبیه تر از فاطمه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد. هر گاه فاطمه علیها السلام به حضور پیامبر می آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وی خوشامد می گفت، و دست فاطمه را بوسیده، او را در جای خود می نشاند، و هر گاه پیامبر نزد فاطمه می رفت، فاطمه نیز برخاسته، به پدرش خوشامد گفته و دست او را می بوسید، یک بار که پیامبر بیمار بود فاطمه وارد گردید و پیامبر چیزی در گوش او گفت و وی ابتدا گریان و سپس خندان گردید، و من با خود گفتم: برای فاطمه فضیلت و برتری نسبت به سایر زنان قائل بودم در حالی که او هم مانند سایر زنان است و در حالی که می خندد گریه می کند، پس از او در باره این حالت سؤال کردم، وی گفت: آیا انتظار داری که من افشاکننده سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشم؟ هنگامی که پیامبر رحلت نمود مجدداً از فاطمه علیها السلام در این باره سؤال کردم و او گفت: هنگامی که پدرم خبر داد که به زودی فوت خواهد نمود گریه کردم ولی پس از آن به من خبر داد که از خاندان پیامبر اولین کسی خواهم بود که به او می پیوندم و لذا از آن خبر شادمان گردیده و خندیدم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳/۷۹- تفسیر القمی (۱) «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (۲) «قَالَ نَزَلَتْ فِيمَنْ غَضِبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقَّهُ وَأَخَذَ حَقَّ فَاطِمَةَ وَآذَاهَا وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ ص مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي وَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (۳) الْآيَةُ (۴)»

ترجمه

: علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود، در باره آیه: «محققا کسانی که خدا و رسولش را آزار رساند، خداوند آنها را لعنت کرده و عذاب سختی را برای آنان مهیا نموده است» گوید: این آیه در باره کسانی نازل شده است که حق علی را غصب نمودند و حقوق فاطمه را زیر پا نهاده و او را اذیت نمودند، که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفته است: هر که فاطمه را در زمان حیات من اذیت و آزار نماید مثل آن است که او را بعد از مرگ من مورد اذیت قرار داده باشد و کسی که او را بعد از مرگم مورد آزار قرار دهد مثل آن است که او را در زمان حیات من اذیت کرده باشد، و هر که او را آزار رساند مرا اذیت کرده و هر که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است چرا که خداوند متعال فرماید: «هر که خدا و رسولش را آزار رساند ...» تا آخر آیه.

[متن عربی]

[متن عربی]

۸۰ / ۲۴ - الخصال «۵» فِيمَا أَوْصَى بِهِ النَّبِيُّ ص إِلَى عَلِيٍّ ع يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَشْرَفَ عَلَى الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ أَطْلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدِي ثُمَّ أَطْلَعَ الثَّلَاثَةَ فَاخْتَارَ الْأُثْمَةَ مِنْ وَلَدِكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ بَعْدَكَ ثُمَّ أَطْلَعَ زَنْدِگَانِي حَضْرَت زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۲۱۵ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ «۱»

ترجمه

: در توصیه‌های پیامبر به علی علیه السلام آمده است: ای علی! به درستی که خداوند در دنیا نظاره‌ای نمود و از میان مردان، مرا بر جهانیان برتری و فضیلت بخشید، و پس از آن نظاره دیگری کرد و تو را بعد از من، بر جهانیان برتری بخشید، سپس برای بار سوم نظاره نمود و فرزندان تو را - ائمه اطهار علیهم السلام - بعد از تو، بر مردان جهانیان برتری عطا فرمود، پس در مرتبه چهارم توجه دیگری نمود و فاطمه علیها السلام را برگزیده، بر زنان عالمیان برتری و فضیلت بخشید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۸۱ / ۲۵ - معانی الأخبار «۲» اَلْهَمَّ ذَانِي عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي فَاطِمَةَ أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَمْ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالِمِهَا فَقَالَ ذَاكَ لِمَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالِمِهَا وَفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ - معانی الأخبار «۲» اَلْهَمَّ ذَانِي عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي فَاطِمَةَ أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَمْ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالِمِهَا فَقَالَ ذَاكَ لِمَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالِمِهَا وَفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

ترجمه

: مفضل بن عمر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره حضرت فاطمه علیها السلام فرموده است: «فاطمه سرور زنان عالمیان است»، آیا به این معنی است که او سرور زنان در زمان خود بوده است؟ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۱۶ امام صادق علیه السلام فرمود: این مقام برای مریم علیها السلام بوده، و او سرور و بزرگ زنان در زمان خود بوده، اما فاطمه علیها السلام بزرگ و سرور زنان عالمیان، از اولین و آخرین ایشان است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۸۲ / ۲۶ - معانی الأخبار «۱» الْقَطَّانُ عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ «۲» عَنِ الْمُؤَذَّرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ «۳» عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ شَجْنَةُ «۴» مِنِّي يُؤْذِنُنِي مَا آذَاهَا وَيُسْرُنِي مَا سَرَّهَا وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعُصْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَاهَا «۵»

ترجمه

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره فاطمه زهرا علیها السلام فرماید: به درستی که فاطمه پاره تن من است، پس مرا آزار می دهد هر آنچه که او را آزار می دهد، و مرا خشنود می سازد هر آنچه که او را خشنود می نماید، و خداوند متعال نیز به سبب غضب فاطمه غضبناک می گردد و به خشنودی او خشنود می شود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷/۸۳- معانی الأخبار «۱» مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الرَّزْجَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ سَمِعْتُ الْقَاسِمَ بْنَ سَلَامٍ يَقُولُ فِي مَعْنَى قَوْلِ النَّبِيِّ ص الرَّحِمُ شَجْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَعْنِي أَنَّهُ قَرَابَةٌ مُشْتَبِكَةٌ كَأَشْتِبَاكَ الْعُرُوقِ وَقَوْلُ الْقَائِلِ الْحَدِيثُ ذُو شُجُونٍ إِنَّمَا هُوَ تُمْسُكَ بَعْضُهُ بِنَعْصٍ وَقَالَ بَعْضُ أَهْلِ الْعِلْمِ يُقَالُ شَجَرٌ مُشَجَّنٌ إِذَا التَفَّ بَعْضُهُ بِنَعْصٍ وَيُقَالُ شَجْنَةٌ وَشَجْنَةٌ وَ الشَّجْنَةُ كَالْغُصْنِ يَكُونُ مِنَ الشَّجَرَةِ

ترجمه

: قاسم بن سلام در باره معنای حدیث پیامبر که می فرماید: «ارحام شجنه ای از جانب خدای متعال هستند» می گوید: یعنی عبارت از قرابت و پیوند محکم است مانند پیوندی که میان اعضای بدن است و اینکه در حدیث آمده است «ذو شجون» منظور این است که متمسک می شوند بعضی از آنها به بعض دیگر. و برخی از اهل علم گفته اند: «شجر مشجر» یعنی درختانی که در هم پیچیده اند، و گفته شده که لغات «شجنه و شجنه و الشجنه» از «شجره» گرفته شده اند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۸/۸۴- صحیفه الرضا علیه السلام «۳» عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ زَنْدْكَانِي حَضْرَت زَهْرَا عَلِيَهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۲۱۸ حَدَّثَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ فَاطِمَةَ جَدَّتِكَ إِذْ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَفِي عُنُقِهَا قِلَادَةٌ مِنْ ذَهَبٍ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع اشْتَرَاهَا لَهُ مِنْ فَيْءٍ لَهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ص لَمَّا يَعْرِزَنَّكَ النَّاسُ أَنْ يَقُولُوا بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيَّكَ لِبَاسُ الْجَبَابِرَةِ فَقَطَعْتُهَا وَبَاعْتُهَا وَ اشْتَرْتُ بِهَا رَقَبَةً فَأَعْتَقْتُهَا فَسَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِذَلِكَ «۱»

ترجمه

: امام زین العابدین علیه السلام فرموده: اسماء بنت عمیس خطاب به من گفت: من نزد جدہ شما فاطمه زهرا علیها السلام بودم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خانه آن بانو وارد شد، در حالی که گردنبندی از طلا را که علی علیه السلام آن را از سهم غنائم خود خریده بود، بر گردن داشت، پس پیامبر خدا خطاب به فاطمه گفت: آیا شایسته است که تو دختر محمد باشی و مردم به تو بگویند «بنت محمد» ولی تو زر و زیور ستمگران را به خود بیاویزی؟ فاطمه علیها السلام پس از این سخن پیامبر، گردنبند را از

گردن خویش باز کرده و فروخت، و با پول آن برده‌ای خریده و آزاد نمود، و رسول خدا از این عمل وی خشنود و مسرور گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۹ / ۸۵- الخرائج «۲» رَوَى عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ ص جَالِساً إِذْ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ ع وَ قَدْ تَغَيَّرَ وَجْهَهَا مِنَ الْجُوعِ فَقَالَ لَهَا اذْنِي فَلَدَنْتُ مِنْهُ فَرَفَعَ يَدَهُ حَتَّى وَضَعَهَا عَلَى صَدْرِهَا فِي مَوْضِعِ الْقِلَادَةِ وَ هِيَ صَغِيرَةٌ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ مُشْبِعَ الْجَاعَةِ وَ رَافِعَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۱۹ الْوَضْعَةَ لَا تُجْعُ فَاطِمَةُ قَالَ فَرَأَيْتُ الدَّمَ عَلَى وَجْهِهَا كَمَا كَانَتْ الصُّفْرَةُ فَقَالَتْ مَا جُعْتُ بَعْدَ ذَلِكَ «۱»

ترجمه

: عمران بن حصین گوید: در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودم که حضرت فاطمه علیها السلام در حالی که از شدت گرسنگی رنگ چهره‌اش تغییر کرده بود وارد شد. پیامبر به او فرمود: نزدیک تر بیا. فاطمه علیها السلام نزدیک آن حضرت رفت، سپس ایشان دست خود را بلند کرده روی سینه فاطمه، در محل قرار گرفتن گردنبند گذاشت، و فاطمه در این زمان دختری کوچک بود. پس پیامبر فرمود: ای خدایی که گرسنگان را سیر می‌کنی و فروستان را رفعت می‌بخشی، فاطمه را گرسنه مگذار. عمران گوید: در این حال دیدم که خون در صورت فاطمه جریان پیدا کرد و چهره‌اش سرخ شد. عمران گوید: فاطمه علیها السلام می‌فرمود: من بعد از آن هرگز گرسنه نشدم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۰ / ۸۶- الخرائج «۲» رَوَى عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَقَامَ أَيَّاماً وَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۲۰ لَمْ يَطْعَمْ طَعَاماً حَتَّى شَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِ فَطَافَ فِي دِيَارِ أَرْوَاجِهِ فَلَمْ يُصِبْ عِنْدَ إِحْدَاهُنَّ شَيْئاً فَأَتَى فَاطِمَةَ فَقَالَ يَا بَنِيَّ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ أَكُلُهُ فَإِنِّي جَائِعٌ قَالَتْ لَا وَاللَّهِ بِنَفْسِي وَ أَخِي فَلَمَّا خَرَجَ عَنْهَا بَعَثَتْ جَارِيَةً لَهَا رَغِيفَيْنِ وَ بَضْعَةً لَحْمٍ فَأَخَذَتْهُ وَ وَضَعَتْهُ تَحْتَ جَفْنِهِ وَ غَطَّتْ عَلَيْهَا وَ قَالَتْ وَاللَّهِ لَأُوْثِرَنَّ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ ص عَلَى نَفْسِي وَ غَيْرِي وَ كَانُوا مُحْتَاجِينَ إِلَى شَبْعَةِ طَعَامٍ فَبَعَثَتْ حَسَناً أَوْ حُسَيْناً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَارْجَعْ إِلَيْهَا فَقَالَتْ قَدْ أَتَانَا اللَّهُ بِشَيْءٍ فَخَبَّأْتُهُ لَكَ فَقَالَ هَلُمِّي عَلَيَّ يَا بَنِيَّ فَكَشَفَتْ الْجَفْنَةَ فَإِذَا هِيَ مَمْلُوءَةٌ خُبْزاً وَ لَحْماً فَلَمَّا نَظَرَتْ إِلَيْهِ بُهِتَتْ وَ عَرَفَتْ أَنَّهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَحَمِدَتْ اللَّهَ وَ صَلَّتْ عَلَى نَبِيِّهِ أَبِيهَا وَ قَدَمَتْهُ إِلَيْهِ فَلَمَّا رَأَاهُ حَمِدَ اللَّهَ وَ قَالَ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى عَلِيٍّ فَدَعَاهُ وَ أَخْضَرَهُ وَ أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ جَمِيعُ أَرْوَاجِ النَّبِيِّ حَتَّى شَبِعُوا قَالَتْ فَاطِمَةُ وَ بَقِيَتِ الْجَفْنَةُ كَمَا هِيَ فَأَوْسَعَتْ مِنْهَا عَلَى جَمِيعِ جِيرَانِي جَعَلَ اللَّهُ فِيهَا بَرَكَهً وَ خَيْراً كَثِيراً «۱»

ترجمه

: جابر بن عبد الله انصاری گوید: چند روزی می‌شد که رسول خدا غذا نخورده بود و لذا به شدت گرسنه شده و تحمل آن برایش

دشوار گردیده بود، به خانه هر یک از همسران خود که رفت چیزی برای خوردن نیافت پس به خانه دخترش فاطمه رفته و گفت: دخترم! آیا در خانه تو چیزی پیدا می‌شود که بخورم و رفع گرسنگی نمایم؟ فاطمه گفت: نه، به خداوند سوگند چیزی یافت نمی‌شود، جان من و علی به فدایت باد. پس پیامبر از نزد دخترش خارج شد و در این حال یکی از کنیزان فاطمه که سخنان او را با پدرش شنیده بود، دو گرده نان با مقداری گوشت برای آن حضرت فرستاد، فاطمه علیها السلام آنها را گرفته و در زیر کاسه‌ای قرار داده و گفت: به خداوند سوگند که من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در خوردن این غذا، بر خودم و دیگران مقدم می‌دارم. و این در صورتی بود که خود آنها در خانه به یک وعده غذا احتیاج داشتند. سپس حضرت فاطمه علیها السلام حسن و حسین را فرستاد تا پیامبر را بازگردانند، هنگامی که پیامبر بازگشت، فاطمه علیها السلام به او گفت: خدا مقداری غذا برای ما فرستاد که من آن را برای شما نگه داشته‌ام. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن را برای من بیاور. پس فاطمه علیها السلام کاسه را برداشت و مشاهده کرد که به جای آن دو قرص نان و کمی گوشت، مقدار زیادی نان و گوشت در زیر آن وجود دارد و دریافت که آن را خداوند متعال برای ایشان فرستاده است، پس حمد و ثنای خداوند را به جای آورد و بر پیامبر خدا صلوات و درود فرستاد و آن غذا را در مقابل رسول خدا گذارد. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن طعام را دید حمد و ثنای خدا را به جای آورد و به فاطمه گفت: این غذا را از کجا آورده‌ای؟ فاطمه گفت: آن را خداوند متعال فرستاده است، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۲۲ که خداوند اگر اراده کند روزی بی حساب خود را به هر که خواهد عطا نماید. پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسی را به دنبال علی علیه السلام فرستاد و هنگامی که او نیز حاضر شد، پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین و عموم زنان پیامبر از آن طعام خوردند تا سیر شدند. فاطمه علیها السلام می‌فرمود: با وجود اینکه از آن طعام این همه خورده شد، باز هم آن کاسه مملو از غذا بود، پس آن را در میان همسایگان توزیع کردم، همانا خداوند برکت و خیر کثیری در آن غذا قرار داده بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۸۷ / ۳۱- الخرائج «۱» رَوَى أَنَّ أَيْمَنَ عَبْدَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ خَدِيجَةَ لَمَّا تُوفِّتْ جَعَلَتْ فَاطِمَةُ تُلُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَتَدُورُ حَوْلَهُ وَتَسْأَلُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْنَ أُمِّي فَجَعَلَ النَّبِيُّ ص لَا يُجِيبُهَا فَجَعَلَتْ تَدُورُ عَلَى مَنْ تَسْأَلُهُ وَرَسُولُ اللَّهِ لَا يَدْرِي مَا يَقُولُ فَتَزَلُ جَبْرِئِلُ فَقَالَ إِنَّ رَبَّكَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَقْرَأَ عَلَى فَاطِمَةَ السَّلَامَ وَتَقُولَ لَهَا إِنَّ أُمَّكَ فِي بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ كِعَابُهُ مِنْ ذَهَبٍ وَعُمِدُهُ مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرٍ بَيْنَ آسِيَةِ أُمِّرَأَةٍ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَامُ «۲» إِيضاح قال الجوهري كعوب الريح النواشر في أطراف الأنايب

ترجمه

: امام صادق علیه السلام فرموده: هنگامی که حضرت خدیجه رحلت نمود فاطمه علیها السلام که کودکی بیش نبود دائما خود را به رسول خدا علیه السلام نزدیک می‌کرد و در اطراف او می‌گشت و می‌گفت: ای رسول خدا! مادرم کجاست؟ ولی پیامبر به او پاسخی نمی‌داد و فاطمه به دنبال کسی بود که بتواند پاسخ این سؤال را از او بگیرد، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز در فکر بود که چه جوابی به او بدهد، در این حال جبرئیل بر او نازل گردیده و گفت: خداوند می‌فرماید: به فاطمه سلام برسان و به او بگو زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۲۳ که مادرت با آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران، در خانه‌ای است

که در بهشت قرار دارد و دیوارهای آن از طلا و ستونهای آن از یاقوت سرخ است. و فاطمه می گفت: خدا سلام و سلامتی است، و سلام و سلامتی از او و به سوی اوست.

[متن عربی]

[متن عربی]

۸۸ / ۳۲- الخرائج «۱» رَوَى أَنَّ أُمَّ أَيْمَنَ لَمَّا تُوفِّيَتْ فَاطِمَةُ حَلَفَتْ أَنْ لَمَّا تَكُونُ بِالْمَدِينَةِ إِذْ لَمَّا تُطِيقُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى مَوَاضِعَ كَانَتْ بِهَا فَخَرَجَتْ إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا كَانَتْ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ عَطِشَتْ عَطَشًا شَدِيدًا فَرَفَعَتْ يَدَيْهَا قَالَتْ يَا رَبِّ أَنَا خَادِمَةٌ فَاطِمَةَ تَقْتُلُنِي عَطَشًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهَا دَلْوًا مِنَ السَّمَاءِ فَشَرِبَتْ فَلَمْ تَحْتَجْ إِلَى الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ سِنِينَ وَكَانَ النَّاسُ يَبْعَثُونَهَا فِي الْيَوْمِ الشَّدِيدِ الْحَرِّ فَمَا يُصِيبُهَا عَطَشٌ «۲»

ترجمه

: قطب الدین راوندی گوید: روایت شده: وقتی فاطمه علیها السلام از دنیا رحلت نمود امّ ایمن سوگند خورد که در مدینه نماند، زیرا طاقت دیدن آن مواضع و محل‌هایی که فاطمه را در آنجا دیده بود نداشت، لذا از مدینه خارج شد و به سوی مکه حرکت کرد، در بین راه آب او تمام و تشنگی بر او غلبه کرد پس دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده و گفت: پروردگارا! من خدمتکار حضرت فاطمه هستم، آیا می‌خواهی مرا به واسطه عطش و در حال تشنگی بمیرانی؟ در این حال خداوند متعالی دلی آب از آسمان برای او فرستاد و او از آن آب نوشید و هفت سال از آب و غذا بی‌نیاز گردید، و مردم او را در روز بسیار گرم به دنبال کارهایی می‌فرستادند ولی او هرگز تشنه نمی‌شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۸۹ / ۳۳- الخرائج «۱» رَوَى أَنَّ سَلْمَانَ قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَاجِلِ سَيِّئَةٍ قَدَّامَهَا رَحَى تَطْحَنُ بِهَا الشَّعِيرَ وَ عَلَى عَمُودِ الرَّحَى دَمٌ سَائِلٌ وَ الْحَسَيْنُ فِي نَاحِيَةِ الدَّارِ يَتَضَوَّرُ مِنَ الْجُوعِ فَقُلْتُ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ دَبَّرْتَ كَفَّاكَ وَ هَذِهِ فَضَّةٌ فَقَالَتْ أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ تَكُونِ الْخِدْمَةُ لَهَا يَوْمًا فَكَانَ أَمْسَ يَوْمَ خِدْمَتِهَا قَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ إِنِّي مَوْلَى عَتَاقِهِ إِمَّا أَنَا أَطْحَنُ الشَّعِيرَ أَوْ أَسِيكُ الْحَسَيْنَ لَكَ فَقَالَتْ أَنَا بِتَشْكِينِهِ أَزْفَقُ وَ أَنْتَ تَطْحَنُ الشَّعِيرَ فَطَحْنْتُ شَيْئًا مِنَ الشَّعِيرِ فَإِذَا أَنَا بِالْإِقَامَةِ فَمَضَيْتُ وَ صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا فَرَعْتُ قُلْتُ لِعَلِّي مَا رَأَيْتُ فَبَكَى وَ خَرَجَ ثُمَّ عَادَ فَتَبَسَّمَ فَسَأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ وَ هِيَ مُسْتَلْقِيَةٌ لِقَفَاها وَ الْحَسَيْنُ نَائِمٌ عَلَى صَدْرِهَا وَ قَدَّامَهَا رَحَى تَدُورُ مِنْ غَيْرِ يَدٍ فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَالَ يَا عَلِيُّ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّارَةٌ فِي الْأَرْضِ يَحْدُمُونَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ «۲»

ترجمه

قطب الدین راوندی گوید که از سلمان فارسی روایت شده: حضرت فاطمه علیها السلام نشسته بود و با آسیایی که در مقابلش بود جو آسیا می‌کرد و دسته آسیا خون آلود بود، و در این حال حسین در گوشه اطاق از گرسنگی بی‌قراری می‌کرد. من به فاطمه

گفتم: ای دختر رسول خدا! پوست دستان شما مجروح شده در صورتی که خادمه شما فضّه حاضر و بیکار است. فاطمه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من توصیه کرده که کار منزل یک روز به عهده من باشد و یک روز به عهده او، و نوبت کار او دیروز بوده است. سلمان گوید: به حضرت فاطمه گفتم: من بنده آزاد شده پدر شما هستم، پس اجازه دهید یا جو را آسیا کنم و یا اینکه حسین را ساکت کنم. و حضرت فاطمه گفت: من بر آرام کردن زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۲۵ حسین توانا ترم، تو آسیا کردن جو را عهده دار باش. من مقداری از جو را آسیا کرده بودم که پس از اذان، اقامه نماز گفته شد، برخاستم و نمازم را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جای آوردم، هنگامی که از نماز فارغ گردیدم آنچه را که دیده بودم برای علی علیه السلام تعریف کردم، پس او گریه کرد و خارج شد و پس از مدّتی بازگشت در حالی که خندان بود، پیامبر علّت خنده را از علی علیه السلام پرسید و او گفت: نزد فاطمه رفتم، او را دیدم که بر قفا خوابیده و حسین بر روی سینه اش به خواب رفته است و آسیایی که در مقابل او بود به خودی خود کار می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لبخندی زد و فرمود: ای علی! تو می دانی که خداوند فرشتگان زیادی در زمین دارد که تا روز قیامت محمد و آل محمد را خدمت خواهند کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۹۰/۳۴- الخرائج «۱» رَوَى أَنَّ أَيْمَنَ دَرَّ قَمَالَ بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَ أَدْعُو عَلِيًّا فَأَتَيْتُ بَيْتَهُ فَنَادَيْتُهُ فَلَمْ يُجِبْنِي أَحَدٌ وَالرَّحَى تَطْحَنُ وَلَيْسَ مَعَهَا أَحَدٌ فَنَادَيْتُهُ فَخَرَجَ وَأَصْبَحَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ شَيْئًا لَمْ أَفْهَمْهُ فَقُلْتُ عَجَبًا مِنْ رَحَى فِي بَيْتِ عَلِيٍّ تَدُورُ وَلَيْسَ مَعَهَا أَحَدٌ قَالَ إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيْمَانًا وَ يَقِينًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلِمَ ضَعْفَهَا فَأَعَانَهَا عَلَى دَهْرِهَا وَ كَفَاهَا أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِمَعُونَةِ آلِ مُحَمَّدٍ ص «۲»

ترجمه

: قطب الدین راوندی گوید که از ابو ذر غفاری روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا به خانه علی علیه السلام فرستاد تا به او بگویم که برای کاری به نزد پیامبر بیاید، پس به طرف خانه وی رفتم و او را صدا کردم ولی کسی جوابم نداد، نگاه کردم و دیدم که آسیا کار می کند در حالی که کسی آنجا نبود که آن را بچرخاند، و دوباره او را صدا زدم که علی علیه السلام از منزل خارج شد و به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و رسول خدا سخنی در گوش او گفت که من نفهمیدم، پس از آن من گفتم: تعجب کرده ام از این آسیایی که در خانه علی علیه السلام خود به خود می گردد. پیامبر فرمود: همانا خداوند متعال قلب و جوارح دخترم فاطمه را از ایمان و یقین انباشته است، و چون او بر ضعف و ناتوانی فاطمه عالم است لذا او را در کارهایش یاری و مدد می رساند و او را بی نیاز می گرداند، تو می دانی که خداوند فرشتگانی دارد که موظف به معونت و یاری آل محمد می باشند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۹۱/۳۵- الخرائج «۱» رَوَى أَنَّ عَلِيًّا عَ أَصْبَحَ يَوْمًا فَقَالَ لِفَاطِمَةَ عِنْدَكَ شَيْءٌ تُغْذِّيْنِي قَالَتْ لَا فَخَرَجَ وَ اسْتَقْرَضَ دِينَارًا لِيُبْتَاعَ مَا يُصْلِحُهُمْ

فَإِذَا الْمَقْدَادُ فِي جَهْدٍ وَ عِيَالُهُ جِيَاعٌ فَأَعْطَاهُ الدِّينَارَ وَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَ صَلَّى الظُّهْرَ وَ الْعَصَرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص ثُمَّ أَخَذَ النَّبِيُّ بِيَدِ عَلِيٍّ وَ انْطَلَقَا إِلَى فَاطِمَةَ وَ هِيَ فِي مَضِيئِهَا وَ خَلْفَهَا جَفْنُهُ تَفُورُ فَلَمَّا سَمِعَتْ كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَرَجَتْ فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ وَ كَانَتْ أَعَزَّ النَّاسِ عَلَيْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ وَ مَسَحَ بِيَدِهِ عَلَى رَأْسِهَا ثُمَّ قَالَ عَشِينَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَ قَدْ فَعَلَ فَأَخَذَتْ الْجَفْنَةَ فَوَضَعَتْهَا بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ يَا فَاطِمَةُ أَنِّي لَمَكَ هَذَا الطَّعَامُ الَّذِي لَمْ أَنْظُرْ إِلَى مِثْلٍ لَوْنِهِ قَطُّ وَ لَمْ أَشَمِّ مِثْلَ رَائِحَتِهِ قَطُّ وَ لَمْ أَكُلْ أَطْيَبَ مِنْهُ وَ وَضَعَ كَفَّهُ بَيْنَ كَتِفَيَّ وَ قَالَ هَذَا بَدَلٌ عَنْ دِينَارِكَ إِنَّ اللَّهَ يَزُوقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ أَقُولُ قَالَ الرَّمَخَشَرِيُّ فِي الْكُشَافِ عِنْدَ ذِكْرِ قِصَّةِ زَكْرِيَّا وَ مَرْيَمَ وَ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ خَرَجَ فِي زَمَنِ قَحْطٍ فَأَهْدَتْ لَهُ فَاطِمَةُ رَغِيفَيْنِ وَ بَضْعَةَ لَحْمٍ آتَرَتْهُ بِهَا فَرَجَعَ بِهَا إِلَيْهَا فَقَالَ هَلُمِّي يَا زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۲۲۷ بَيَّنَّهُ وَ كَشَفَتْ عَنِ الطَّبَقِ فَإِذَا هُوَ مَمْلُوءٌ خُبْرًا وَ لَحْمًا فَبَهَتَتْ وَ عَلِمَتْ أَنَّهَا نَزَلَتْ مِنَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا أَنِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَزُوقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَقَالَ ع الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَكَ شَبِيهَةً سَيِّدَةً نِسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ثُمَّ جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ جَمِيعَ أَهْلِ بَيْتِهِ حَتَّى شَبِعُوا وَ بَقِيَ الطَّعَامُ كَمَا هُوَ وَ أَوْسَعَتْ فَاطِمَةُ عَلَى جِرَانِهَا (۱)

ترجمه

روایت شده که یک روز صبح علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام گفت: آیا صبحانه‌ای در نزد تو هست که بخورم؟ فاطمه گفت: نه. پس علی علیه السلام از خانه خارج شد و دیناری قرض کرد تا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۲۸ طعامی خریداری نماید، در بین راه به مقداد- صحابی عظیم الشأن پیامبر- برخورد و چون اطلاع پیدا کرد که او و خانواده‌اش گرسنه‌اند آن پول را به مقداد داده و خود به مسجد رفت و نماز ظهر و عصر را با پیامبر به جای آورد، و پس از نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست او را گرفت و با هم به طرف منزل فاطمه رفتند و او را در حالی مشاهده کردند که در محراب عبادت مشغول راز و نیاز است و در پشت سرش کاسه‌ای قرار دارد که از آن بخار بلند می‌شود. هنگامی که فاطمه علیها السلام صدای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شنید از مصلائی خود خارج شد و بر او سلام کرد، و فاطمه عزیزترین مردم در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، و پیامبر سلام او را جواب گفت و دستی بر سر او کشید و فرمود: خدا تو را بیامرزد، شامی برای ما مهیا کن. سپس فاطمه علیها السلام آن کاسه را آورد و در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گذارد، پیامبر فرمود: ای فاطمه! این غذا از کجا آمده است؟ من هرگز غذایی به این خوش رنگی و خوشبویی ندیده‌ام و نظیر آن را نخورده‌ام. آنگاه دست خود را بر سینه علی علیه السلام نهاد و فرمود: این غذا در مقابل آن دیناری که در راه خدا دادی به دست آمده است، همانا خداوند هر که را بخواهد رزق و روزی بی حساب عطا می‌نماید. علامه مجلسی گوید: زمخشری (۵۳۸هـ) در تفسیر کشاف، آن جایی که قصه زکریا و مریم را بیان می‌کند گوید: و از پیامبر اسلام روایت شده است که در زمان قحطی به شدت گرسنه شد و ... (۱)

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۶/۹۲- المناقب «۲» لابن شهر آشوب الخرائج «۳» رَوَى أَنَّ عَلِيًّا اسْتَفْرَضَ مِنْ يَهُودِيٍّ شَعِيرًا فَاسْتَرْهَنَهُ شَيْئًا فَدَفَعَ إِلَيْهِ مِائَةً «۴» فَاطِمَةُ رَهْنًا وَ كَانَتْ مِنَ الصُّوفِ فَأَدْخَلَهَا الْيَهُودِيُّ إِلَى دَارٍ وَ وَضَعَهَا فِي زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۲۲۹ بَيَّنَّتْ فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ دَخَلَتْ زَوْجَتُهُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْمِائَةُ بِشُغْلٍ فَرَأَتْ نُورًا سَاطِعًا فِي الْبَيْتِ أَضَاءَ بِهِ كُلُّهُ فَانْصَرَفَتْ إِلَى زَوْجِهَا فَأَخْبَرَتْهُ بِأَنَّهَا

رَأَتْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ ضَوْءًا عَظِيمًا فَتَعَجَّبَ الْيَهُودِيُّ زَوْجُهَا وَقَدْ نَسِيَ أَنْ فِي بَيْتِهِ مِائَةُ فَاطِمَةَ فَتَهَضَّ مُسِرَّعًا وَدَخَلَ الْبَيْتَ فَإِذَا ضِيَاءُ الْمِائَةِ يُشِيرُ شِعَاعُهَا كَأَنَّهُ يَشْتَعِلُ مِنْ يَدْرِ مُنِيرٍ يَلْمَعُ مِنْ قَرِيبٍ فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِكَ فَانْتَعَمَ النَّظَرُ فِي مَوْضِعِ الْمِائَةِ فَعَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ النُّورَ مِنْ مِائَةِ فَاطِمَةَ فَخَرَجَ الْيَهُودِيُّ يَغْدُو إِلَى أَقْرَبَائِهِ وَزَوْجَتِهِ تَغْدُو إِلَى أَقْرَبَائِهَا فَاجْتَمَعَ ثَمَانُونَ مِنَ الْيَهُودِ قَرَأُوا ذَلِكَ فَاسْتَلَمُوا كُلُّهُمْ «۱» بِيَانِ الْمِائَةِ بِالضَّمِّ وَالْمَدِّ الْإِزَارِ وَالرِّيطَةِ

ترجمه

: ابن شهر آشوب و قطب الدین راوندی گویند: روایت شده که علی علیه السلام مقداری جو از یک یهودی قرض کرد، یهودی مزبور گفت: باید در ازای آن چیزی را به عنوان رهن در نزد من بگذاری. و علی علیه السلام چادر حضرت فاطمه علیها السلام را که پشم بود به او داد. آن شخص چادر را گرفته و به خانه برده، در اطافی گذاشت. به هنگام شب زن آن شخص برای انجام کاری داخل اتاق مذکور گردید و نوری را دید که اتاق را روشن کرده، فوراً از اتاق خارج شد و آنچه را دیده بود به شوهرش اطلاع داد، مرد یهودی که فراموش کرده بود چادر فاطمه علیها السلام در آن اتاق است تعجب نمود و به سرعت برخاسته داخل آن اتاق گردید و بلافاصله دریافت که آن نور از چادری ساطع می‌شود که علی علیه السلام آن را گرو گذاشته است. پس آن مرد یهودی و همسرش از خانه خارج شده و هر یک به سوی اقوام خویش شتافته و آنها را از معجزه‌ای که دیده بودند آگاه نمودند، و در اثر این واقعه هشتاد نفر از آنها به اسلام متمایل گردیده و ایمان آوردند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۷/۹۳- الخرائج «۲» رَوَى أَنَّ الْيَهُودَ كَدَانُ لَهُمْ عُرْسٌ فَجَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَالُوا لَنَا حَقُّ الْجَوَارِ فَنَسْأَلُكَ أَنْ تَبْعَثَ فَاطِمَةَ بِنْتَكَ إِلَى دَارِنَا حَتَّى يَزْدَادَ عُرْسِنَا بِهَا وَ أَلْحُوا عَلَيْهِ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۲۳۰ فَقَالَ إِنَّهَا زَوْجِيَّةٌ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ وَ هِيَ بِحُكْمِهِ وَ سَأَلُوهُ أَنْ يَشْفَعَ إِلَيَّ عَلَى فِي ذَلِكَ وَ قَدْ جَمَعَ الْيَهُودُ الطَّمَّ «۱» وَ الرَّمَّ «۲» مِنَ الْحُلِيِّ وَ الْحَلَلِ وَ ظَنَّ الْيَهُودُ أَنَّ فَاطِمَةَ تَدْخُلُ فِي بَذْلَتِهَا «۳» وَ أَرَادُوا اسْتِثْنَانَهُ بِهَا فَجَاءَ جَبْرِئِيلُ بِنِيَابٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ حُلِّيٍّ وَ حَلَلٍ لَمْ يَزُوا مِثْلَهَا فَلَبِسَتْهَا فَاطِمَةُ وَ تَحَلَّتْ بِهَا فَتَعَجَّبَ النَّاسُ مِنْ زِينَتِهَا وَ أَلْوَانِهَا وَ طِيبِهَا فَلَمَّا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ دَارَ الْيَهُودِ سَجَدَ لَهَا نِسَاؤُهُمْ يُقْبِلْنَ الْأَرْضَ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ أَسْلَمَ بِسَبَبِ مَا رَأَوْا خَلَقَ كَثِيرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِيْضَاحَ قَالَ الْجَوْهَرِيُّ الرَّمُّ بِالْكَسْرِ الثَّرَى يَقَالُ جَاءَ بِالْطَّمِّ وَ الرَّمُّ إِذَا جَاءَ بِالْمَالِ الْكَثِيرِ وَ قَالَ الطَّمُّ الْبَحْرُ وَ قَالَ الْفَيْرُوزُ أَبَادِي جَاءَ بِالْطَّمِّ وَ الرَّمُّ بِالْبَحْرِ وَ الْبَرَى أَوْ الرُّطْبُ وَ الْيَابِسُ أَوْ التُّرَابُ وَ الْمَاءُ أَوْ بِالْمَالِ الْكَثِيرِ وَ الرَّمُّ بِالْكَسْرِ مَا يَحْمِلُهُ الْمَاءُ أَوْ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مِنْ فَنَاتِ الْحَشِيشِ وَ قَالَ الطَّمُّ بِالْكَسْرِ الْمَاءُ أَوْ مَا عَلَى وَجْهِ أَوْ مَا سَاقَهُ مِنْ غَنَاءِ وَ الْبَحْرُ وَ الْعَدَدُ الْكَثِيرُ «۴»

ترجمه

: قطب الدین راوندی گوید که روایت شده: یکی از همسایگان یهودی پیامبر [در مدینه] در خانه‌اش عروسی داشت، لذا به حضور رسول خدا آمده و گفتند: ما با شما حق همسایگی داریم لذا از شما تقاضا می‌کنیم که فاطمه را به عروسی ما بفرستی تا موجب سرفرازی ما باشد. آنان در این مورد خیلی اصرار کردند تا اینکه پیامبر به ایشان فرمود: فاطمه همسر علی بن ابی طالب است و باید علی در این مورد اجازه دهد. آنها وقتی این جواب را شنیدند از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تقاضا کردند که در این

رابطه با علی علیه السلام صحبت کرده و رضایت وی را جلب نماید. زنان یهودی برای شرکت در آن مجلس هر چه زر و زیور و لباسهای فاخر داشتند در بر کرده و فکر می کردند که فاطمه علیها السلام با همان لباسهای معمول روزمره در آن مجلس حاضر خواهد شد و آنان می توانند او را مورد توهین و تحقیر قرار دهند، جبرئیل در این روز فرود زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۳۱ آمد و برای فاطمه علیها السلام لباسی زیبا و زیورهای بی مانند را از بهشت اهدا نمود. وقتی حضرت فاطمه آن لباس ها و زینت ها را پوشید همگان از زیبایی، و رنگ و بوی خوش آنها تعجب می نمودند، و هنگامی که با آن وضعیت وارد خانه آن یهودی گردید زنان حاضر در مجلس را بهت و حیرت در برگرفت به طوری که در مقابل آن حضرت به سجده افتادند و بسیاری از آنها به سبب آنچه که دیده بودند تحت تأثیر شدید قرار گرفته و اسلام آوردند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۸/۹۴- تفسیر العیاشی (۱) «عَنْ سَيْفٍ عَنْ نَجْمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ عَضَمَتْ لِعَلِيٍّ عَ عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجِينَ وَالْخُبْزَ وَقَمَّ الْبَيْتِ وَضَمَّنَ لَهَا عَلِيٌّ عَ مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ نَقْلَ الْحَطَبِ وَأَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ فَقَالَ لَهَا يَوْمًا يَا فَاطِمَةُ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ قَالَتْ وَالَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ مَا كَانَ عِنْدَنَا مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَبْنَامٍ شَيْءٌ نَقْرِيكَ بِهِ قَالَ أَفَلَا أَخْبَرْتَنِي قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص نَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ شَيْئًا فَقَالَ لَا تَسْأَلِينَ ابْنَ عَمِّكَ شَيْئًا إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ [عَفْوًا] وَإِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ قَالَ فَخَرَجَ فَلَقِيَ رَجُلًا فَاسْتَفْرَضَ مِنْهُ دِينَارًا ثُمَّ أَقْبَلَ بِهِ وَقَدْ أُمْسِي فَلَقِيَ مِقْدَادَ بْنَ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لِلْمِقْدَادِ مَا أَخْرَجَكَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ قَالَ الْجُوعُ وَالَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع وَرَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى قَالَ فَهُوَ أَخْرَجَنِي وَقَدْ اسْتَفْرَضْتُ دِينَارًا وَسَأَوْتُكَ بِهِ فَدَفَعَهُ إِلَيْهِ فَأَقْبَلَ فَوَجَدَ رَسُولَ اللَّهِ ص جَالِسًا وَفَاطِمَةَ تُصَلِّي وَبَيْنَهُمَا شَيْءٌ مُعْطًى فَلَمَّا فَرَغَتْ اجْتَرَتْ ذَلِكَ الشَّيْءَ فَإِذَا جَفْنَةٌ مِنْ خُبْزٍ وَلَحْمٍ قَالَ يَا فَاطِمَةُ أُنِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَلَا أُحَدِّثُكَ بِمَثَلِكِ وَمَثَلُهَا قَالَ بَلَى قَالَ مَثَلُكَ مَثَلُ زَكَرِيَّا إِذَا دَخَلَ عَلَى مَرْيَمَ الْمُحْرَبَاتِ وَوَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أُنِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَأَكَلُوا مِنْهَا شَهْرًا وَهِيَ الْجَفْنَةُ الَّتِي يَأْكُلُ مِنْهَا الْقَائِمُ ع وَهِيَ عِنْدَنَا

ترجمه

: امام محمد باقر علیه السلام فرماید (۱): حضرت فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام تعهد داد که تمام کارهای داخل خانه را از قبیل خمیر کردن آرد، پختن نان، نظافت منزل و غیره را انجام دهد و علی علیه السلام نیز تعهد نمود که امور خارج از خانه مانند آوردن هیزم و تهیه طعام را انجام دهد. در یکی از روزها علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام گفت: ای فاطمه! آیا در خانه چیزی داری؟ فاطمه گفت: سوگند به آن خدایی که حق تو را بزرگ قرار داده، مدت سه روز است که چیزی نداریم تا بتوانم آن را برایت بیاورم. علی علیه السلام فرمود: چرا این امر را به من خبر ندادی؟ فاطمه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا نهی نموده از اینکه چیزی از تو بخواهم و فرموده است: اگر علی چیزی برای تو آورد بپذیر و در غیر این صورت هرگز از او چیزی مخواه. امام باقر علیه السلام گوید: پس علی علیه السلام از خانه خارج شد و در بین راه فردی را ملاقات نموده و یک دینار از او قرض کرد تا طعامی برای خانه فراهم کند، در راه بازگشت با مقداد بن اسود روبرو گردید و از او سؤال کرد که به چه دلیل از خانه خارج شده و به دنبال چیست؟ مقداد پاسخ داد: ای امیر مؤمنان! به حق آن خدایی که حق تو را بر ذمه ما عظیم کرده، گرسنگی موجب خروج من از منزل شده است. راوی گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا در آن زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم زنده

بودند؟ امام زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۳۳ فرمود: آری زنده بودند و ادامه دادند: علی علیه السلام به مقدار گفت: من نیز به همین علت از خانه خارج شده‌ام و برای تهیه طعام یک دینار قرض کرده‌ام و اکنون آن را به تو می‌دهم. و آن دینار را به مقدار داده و به طرف خانه خود بازگشت، و هنگامی که وارد خانه گردید مشاهده نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته و فاطمه علیها السلام در مصلائی خویش مشغول نماز است و یک ظرف سر پوشیده نیز در میان ایشان قرار دارد، پس فاطمه علیها السلام از نماز فارغ شد، آن ظرف را جلو کشید و چون نگاه کردند دیدند که کاسه‌ای پر از نان و گوشت است. علی علیه السلام گفت: ای فاطمه! این غذا از کجاست؟ فاطمه گفت: از طرف خدا آمده، همانا خداوند هر که را بخواهد رزق بی حساب دهد. و پیامبر اسلام به او فرمود: ای علی! آیا دوست داری برایت بگویم مثل تو و فاطمه چیست؟ علی علیه السلام گفت: آری. رسول خدا فرمود: تو مانند حضرت زکریا هستی زیرا آن حضرت هم وقتی در مصلائی مریم غذایی دید، از او پرسید که آن غذا را از کجا آورده و مریم در جواب او گفت: از طرف خدا آمده، و خداوند هر که را بخواهد بدون حساب رزق و روزی می‌دهد. امام باقر علیه السلام گوید: علی و فاطمه مدت یک ماه از آن غذا می‌خوردند و تمام نمی‌شد، آن کاسه همان است که حضرت قائم علیه السلام نیز از آن خواهد خورد، و آن، هم اکنون نزد ماست.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۹/۹۵- المناقب «۱» الخَرْكُوشِيُّ فِي كِتَابَيْهِ اللَّوَامِعِ وَ شَرَفِ الْمُصْطَفَى بِإِسْنَادِهِ عَنْ سُلَيْمَانَ وَ أَبُو بَكْرِ الشَّيرَازِيُّ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ وَ أَبُو إِسْحَاقَ التَّغْلِبِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِي وَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلَوِيَّةَ الْقَطَّانُ فِي تَفَاسِيرِهِمْ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ وَ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ وَ أَبُو نَعِيمٍ الْأَصْبَهَانِيُّ فِيمَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع عَنْ حَمَادِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَنَسٍ وَ عَنْ أَبِي مَالِكٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ الْقَاضِي النَّظْمِيُّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ جَعْفَرِ الصَّادِقِ ع وَ اللَّفْظُ لَهُ فِي قَوْلِهِ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ «۲» قَالَ - عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ بِحِرَانِ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۳۴ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ وَ فِي رِوَايَةٍ بَيْنَهُمَا بَرْزَخُ «۱» رَسُولُ اللَّهِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُو وَ الْمَرْجَانُ «۲» الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع

ترجمه

امام جعفر صادق علیه السلام در باره آیه: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ «۳» گوید: علی و فاطمه دو دریای عمیق می‌باشند که به یک دیگر تعدی و ستم نمی‌کنند. و در روایت دیگری آمده است که مقصود از جمله بَيْنَهُمَا بَرْزَخُ لَا يَبْغِيَانِ «۴» که ادامه آیه بالا می‌باشد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است - که میان علی و فاطمه قرار دارد و با راهنماییهای خود مانع از تعدی و ستم آنها به یک دیگر می‌شود: مترجم - و مقصود از جمله يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُو وَ الْمَرْجَانُ «۵» نیز که در ادامه آن آیه است، حسن و حسین علیهما السلام می‌باشند که از علی و فاطمه متولد شده‌اند «۶». زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۳۵ ابن شهر آشوب این حدیث را از کتابهای زیر برگرفته و در مناقب آورده است: ۱- کتاب اللوامع: عبد الملك بن محمد خرگوشی (۴۰۶ هـ)، به نقل از سلمان فارسی ۲- شرف المصطفی: عبد الملك بن محمد خرگوشی (۴۰۶ هـ)، به نقل از سلمان فارسی ۳- تفسیر ثعلبی (۴۲۷ هـ)، از سعید بن جبیر (۹۵ هـ) و سفیان ثوری (۱۶۱ هـ) ۴- تفسیر علی بن احمد طائی (ح ۴۲۰ هـ)، از سعید و سفیان ۵- تفسیر ابو محمد قَطَّان (۱۹۸ هـ)، از سعید و سفیان ۶- ما نزل القرآن فی امیر المؤمنین: ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ هـ)، از انس بن مالک (۹۳ هـ)، و ابن عباس (۶۸ هـ). ۷- کتاب ابو بکر شیرازی، به نقل از ابو صالح ۸- کتاب قاضی نظری، از سفیان بن عیینة (۱۹۸ هـ).

[متن عربی]

[متن عربی]

۹۶/... - المناقب: «۱» عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى «۲» قَالَ فَالَّذَكَرَ عَلَيَّ وَ الْأُنْثَى فَاطِمَةُ عَ وَقَتَ الْهَجْرَةِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي اللَّيْلَةِ «۳»

ترجمه

: عمار یاسر در تفسیر آیه فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى [آل عمران: ۱۵۹] گوید: منظور از «ذکر» علی علیه السلام و منظور از «انثی» حضرت فاطمه علیها السلام در زمانی می باشد که از مکه به سوی مدینه در شب تاریک هجرت نمودند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۹۷/... - المناقب: «۴» الْبَاقِرُ عَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى «۵» فَالَّذَكَرُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأُنْثَى فَاطِمَةُ عَ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى «۶» لَمْخْتَلَفٌ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى «۷» بِقُوَّتِهِ وَ صَامَ حَتَّى وَفَى بِنَذَرِهِ وَ تَصَدَّقَ بِخَاتَمِهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ وَ آثَرُ الْمَقْدَادِ بِالْذِّينَارِ عَلَى نَفْسِهِ قَالَ وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى وَ هِيَ الْجَنَّةُ وَ الثَّوَابُ مِنَ اللَّهِ فَسَيَسِّرُهُ لَكَ فَجَعَلَهُ إِمَامًا فِي الْخَيْرِ وَ قُدْوَةً وَ أَبًا لِلْإِئِمَّةِ يَسَّرَهُ اللَّهُ لِلْيُسْرَى

ترجمه

: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیات: وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى، إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى، فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى، وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى ... «۸»، فَسَيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى «۹» [اللیل: ۳-۷] فرماید: در آیه وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى «۱۰» منظور از «ذکر» علی بن ابی طالب علیه السلام است و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۳۷ منظور از «انثی» حضرت فاطمه علیها السلام می باشد، و معنی إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى «۱» یعنی تلاشهای شما صورتهای مختلف دارد، و منظور از آیه فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى «۲» حضرت علی علیه السلام است که غذای خود را صدقه داد و روزه گرفت تا نذر خود را ادا نمود، و انگشت خود را در حال رکوع صدقه داد، و همچنین مقداد را بر خویش مقدم داشت و تنها دیناری را که برای خرید طعام قرض کرده بود به او هدیه نمود، و منظور از وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى «۳» پاداشی است که خداوند در مقابل این اعمال وعده نموده است و بهشت و ثواب کثیر را به او ارزانی داشته و علی علیه السلام را امام مردم برای هدایت به سوی خیر و رهبر آنها قرار داده، و او را پدر ائمه طاهرین قرار داده تا به مدد الهی مردم را به سوی آسودگی و راحتی - یعنی سعادت - راهنمایی کنند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۹۸/... - المناقب: «۴» الْبَاقِرُ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ «۵» كَلِمَاتٍ فِي مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ ع كَذَا نَزَلَتْ عَلَى مُحَمَّدٍ ص

ترجمه

: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه وَ لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلُ [طه: ۱۱۵] می فرماید: منظور کلماتی است که در باره محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین و سایر ائمه از اولاد ایشان علیهم السلام نازل شده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۹۹/... - المناقب: «۶» الْقَاضِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْكَزْحِيُّ فِي كِتَابِهِ عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَتْ فَاطِمَةُ ع لَمَّا نَزَلَتْ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا «۷» رَهَيْتُ زَنْدِگَانِي حَضْرَتَ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۲۳۸ رَسُوْلَ اللّٰهِ ص اَنْ اَقُوْلَ لَهُ يَا اَبَتِ فُكُنْتُ اَقُوْلُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَاَعْرَضَ عَنِّي مَرَّةً اَوْ اثْنَتَيْنِ اَوْ ثَلَاثًا ثُمَّ اَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ اِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي اَهْلِكَ وَ لَا فِي نَسْلِكَ اَنْتِ مِنِّي وَ اَنَا مِنْكَ اِنَّمَا نَزَلَتْ فِي اَهْلِ الْجَفَاءِ وَ الْعِلَظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ اَصْحَابِ الْبَذَخِ وَ الْكِبْرِ قَوْلِي يَا اَبَتِ فَاِنَّهَا اَحْيَا لِلْقَلْبِ وَ اَرْضَى لِلرَّبِّ

ترجمه

: امام صادق علیه السلام فرماید: حضرت فاطمه علیها السلام می فرمود: هنگامی که آیه لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا [نور: ۶۳] نازل شد، من از اینکه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پدر بگویم خودداری می کردم و لذا ایشان را با عنوان «رسول الله» مخاطب قرار می دادم ولی ایشان سه مرتبه، در زمانی که او را با این عنوان مورد خطاب قرار می دادم، از من اعراض نمود و دوری کرد و در دفعه بعد خطاب به من فرمود: ای فاطمه! این آیه در باره تو، و اهل خانه تو و نسلی که از تو باقی می ماند نازل نشده، زیرا تو از من و من از تو هستم، بلکه این آیه در باره ستمکاران و متکبران قریش نازل شده و لذا تو همچنان مرا با لفظ «پدر» مورد خطاب قرار بده، زیرا قلب من به این کلمه خشنود می گردد و زنده می شود، و خداوند نیز آن را بیشتر دوست می دارد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۰/... - المناقب «۱» وَ اعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ امْرَأَةً فِي الْقُرْآنِ عَلَى وَجْهِ الْكِتَابَةِ اسْمُكِ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةُ «۲» حَوَاءُ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ «۳» إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ «۴» امْرَأَةً فِرْعَوْنَ وَ امْرَأَتَهُ قَائِمَةً «۵» إِبْرَاهِيمَ وَ أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ «۶» لَزَكْرِيَّا السَّانِ حَصَى الْحَقِّ «۷» زَلِيخَا وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ «۸» زَنْدِگَانِي حَضْرَتَ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۲۳۹ لِلْيُتُوبِ اِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ «۱» بَلْقِيسَ اِنِّي اُرِيدُ اَنْ اُنْكِحَكَ «۲» لِمُوسَى وَ اِذْ اَسْرَ النَّبِيُّ اِلَى بَعْضِ اَزْوَاجِهِ حَدِيثًا «۳» حَفْصَةَ وَ عَائِشَةَ وَ وَجَدَكَ عَائِلًا «۴» خَدِيجَةَ مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ «۵» فَاطِمَةَ ع ثُمَّ ذَكَرَهُنَّ بِخِصَالِ التَّوْبَةِ مِنْ حَوَاءَ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا «۶» وَ الشَّوْقِ مِنْ آسِيَةِ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا «۷» وَ الضَّيَافَةِ مِنْ سَارَةَ وَ امْرَأَتَهُ قَائِمَةً «۸» وَ الْعَقْلِ مِنْ بَلْقِيسَ اِنَّ الْمُلُوكَ اِذَا

دَخَلُوا قَرْيَةً «۹» وَ الْحَيَاءُ مِنْ امْرَأَةٍ مُوسَى - فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي «۱۰» وَ الْإِحْسَانِ مِنْ خَدِيجَةٍ وَ وَجَدَكَ عَائِلًا «۱۱» وَ النَّصِيحَةَ لِعَائِشَةَ وَ حَفْصَةَ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ إِلَى قَوْلِهِ وَ أَطْعَنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ «۱۲» وَ الْعِصْمَةَ مِنْ فَاطِمَةَ ع وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ «۱۳» وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْطَى عَشْرَةَ أَشْيَاءَ لِعَشْرَةٍ مِنَ النِّسَاءِ التَّوْبَةَ لِحَوَاءَ زَوْجِهِ آدَمَ وَ الْجَمَالَ لِسَارَةَ زَوْجِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ الْحِفَاطَ لِرَحِمَةَ زَوْجِهِ أَيُّوبَ وَ الْحُرْمَةَ لَأَسِيَةَ زَوْجِهِ فِرْعَوْنَ وَ الْحِكْمَةَ لَزَلِيخَا زَوْجِهِ يُوسُفَ وَ الْعَقْلَ لِبَلْقِيسَ زَوْجِهِ سُلَيْمَانَ وَ الصَّبْرَ لِبِرْخَانَةَ أُمِّ مُوسَى وَ الصَّفْوَةَ لِمَرْيَمَ أُمِّ عِيسَى وَ الرِّضَى لِحَدِيجَةَ زَوْجِهِ الْمُضَيِّطَى وَ الْعِلْمَ لِفَاطِمَةَ زَوْجِهِ الْمُرْتَضَى وَ الْإِجَابَةَ لِعَشْرَةٍ وَ لَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ «۱۴» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۴۰ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ «۱» یوسف قال قد أُجِيبْتُ دَعْوَتُكُمَا «۲» موسی وَ هَارُونَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ «۳» یونس فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ «۴» ایوب فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ یحیی «۵» زکریا اذْعُوْنِی اَسْتَجِبْ لَكُمْ «۶» لِلْمُخْلِصِينَ اَمَّنْ یُجِيبُ الْمُضْطَرَّ «۷» لِلْمُضْطَرِّينَ وَ اِذَا سَأَلَكَ عِبَادِی «۸» لِلدَّاعِينَ فَاسْتَجِبْ لَهُمْ رَبُّهُمْ «۹» فَاطِمَةَ وَ زَوْجَهَا وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَهْتُمُّ لِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ فَأَمَّنَهُ اللَّهُ مِنْهَا وَ بَشَّرَهُ بِهَا لِفِرَاقِهِ وَطَنَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ «۱۰» وَ لِتَسْدِيلِ الْقُرْآنِ بَعْدَهُ كَمَا فَعَلَ بِسَائِرِ الْكُتُبِ فَتَزَلُ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ «۱۱» وَ لِأَمْنِهِ مِنَ الْعَذَابِ فَتَزَلُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ «۱۲» وَ لِيُظْهِرَ الَّذِي فُتِلَ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ «۱۳» وَ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْدَهُ فَتَزَلُ يُبَيِّنُ اللَّهُ الَّذِي آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ «۱۴» وَ لِيُخَصِّمَ مَا فِيهِمْ فَتَزَلُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِي آمَنُوا «۱۵» وَ الشَّفَاعَةِ فَتَزَلُ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى «۱۶» وَ لِلْفِتْنَةِ بَعْدَهُ عَلَى وَصِيَّهِ فَتَزَلُ فَإِنَّمَا نَذَهَبُ بِكَ فَإِنَّمَا مِنْهُمْ مُتَّقِمُونَ «۱۷» یغنی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۴۱ بَعْلَى وَ لَثَابَتِ الْخِلَافَةِ فِي أَوْلَادِهِ فَتَزَلُ لَيْسَتْ تَخْلِفْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ «۱» وَ لِأَبْنَتِهِ حَالِ الْهَجْرَةِ فَتَزَلُ الَّذِي يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قَعُودًا «۲» الْآيَاتِ وَ رَأْسُ التَّوَابِينَ أَرْبَعَةَ آدَمَ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا «۳» وَ یونس قَالَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ «۴» وَ دَاوُدَ وَ خَزْرَ رَاكِعًا وَ أَنَابَ «۵» وَ فَاطِمَةَ الَّذِي يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قَعُودًا «۶» وَ خَوْفَ أَرْبَعَةٍ مِنَ الصَّالِحَاتِ - أَسْمِيَةُ عَذِبَتْ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ فَكَانَتْ تَقُولُ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ «۷» وَ مَرْيَمَ خَافَتْ مِنَ النَّاسِ وَ هَرَبَتْ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي «۸» وَ خَدِيجَةَ عَذَلَهَا النَّسَاءُ فِي النَّبِيِّ ص فَهَجَزْنَهَا فَقَالَتْ فَاطِمَةُ أَمَا كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ ص أَلَّا يُحْفَظُ فِي وَلَدِهِ أَسْرَعَ مَا أَخَذْتُمْ وَ أَعْجَلَ مَا نَكَّصْتُمْ وَ رَأْسُ الْبُكَاءِ بَيْنَ ثَمَانِيَةِ آدَمَ وَ نُوحٍ وَ يَعْقُوبَ وَ یوسفَ وَ شُعَيْبَ وَ دَاوُدَ وَ فَاطِمَةَ وَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ ع قَالَ الصَّادِقُ أَمَّا فَاطِمَةُ فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى تَأْدَى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ فَقَالُوا لَهَا قَدْ آذَيْنَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكَ إِمَّا أَنْ تَبْكِي بِاللَّيْلِ وَ إِمَّا أَنْ تَبْكِي بِالنَّهَارِ فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى مَقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَتَبْكِي

ترجمه

امام صادق علیه السلام فرماید: بدان که خداوند متعال در ۱۲ جای قرآن، به نحو تصریح و کنایه، در باره زنان سخن گفته است:

۱- در آیه اسْكُنْ أَنتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ [بقره: ۳۵] در باره حوا ۲- و در آیه ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحَ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ [تحریم: ۱۰] در باره زنان نوح و لوط زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۴۲ ۳- و در آیه إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ [تحریم: ۱۱] در باره حضرت آسیه همسر فرعون ۴- و در آیه وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ [هود: ۷۱] در باره ساره- سارا- همسر حضرت ابراهیم ۵- و در آیه وَ أَضَلَّحْنَا لَهُ زَوْجَهُ [انبیاء: ۹۰] در باره همسر حضرت زکریا ۶- و در آیه الْآنَ حَصِيَ حَصَّ الْحَقُّ [یوسف: ۵۱] در باره زلیخا ۷- و در آیه وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ [انبیاء: ۸۴] در باره همسر حضرت ایوب ۸- و در آیه إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ [نمل: ۲۳] در باره بلقیس ۹- و در آیه إِنِّي أَرِيدُ أَنْ تُنَكِّحَكَ [قصص: ۲۷] در باره همسر حضرت موسی ۱۰- و در آیه وَ إِذْ أَسَرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا [تحریم: ۲] در باره حفصه و عایشه ۱۱- و در آیه وَ وَجَدَكَ عَائِلًا [و الصّحی: ۸] در باره حضرت خدیجه علیها السلام ۱۲- و در آیه مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ [الرحمن: ۱۹] در باره حضرت فاطمه علیها السلام سپس خداوند متعال خصلت‌هایی را که به سبب آنها از این زنان سخن گفته برمی شمارد و در باره آنها به شرح ذیل سخن می گوید: ۱- توبه از حضرت حوا، در آیه

قالا رَبَّنَا ظَلَمْنَا [اعراف: ۲۳] ۲- شوق به آخرت از حضرت آسیه، در آیه رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا [تحریم: ۱۱] ۳- مهمان‌نوازی از سارا همسر حضرت ابراهیم، در آیه وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ [هود: ۷۱] ۴- عقل و تدبیر از بلقیس، در آیه إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً [نمل: ۳۴] ۵- حیا از همسر حضرت موسی، در آیه فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي [قصص: ۲۵] ۶- احسان از حضرت خدیجه، در آیه وَوَجَدَكَ عَائِلًا [الصّحی: ۸] ۷- در باره نصیحت به عایشه و حفصه، در آیه يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ - تا- وَاطْعَنَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ [احزاب: ۳۲ و ۳۳] ۸- و در باره عصمت حضرت فاطمه علیها السلام، در آیه وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ [آل عمران: ۶۱]. و همانا خداوند متعال ده خصلت را به ده نفر از زنان عالم عطا نموده، و نسبت داده زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۴۳ است: ۱- توبه را به حضرت حوّا ۲- زیبایی را به سارا همسر حضرت ابراهیم ۳- محافظت از خود را به همسر حضرت ایوب ۴- احترام و حرمت را به آسیه همسر فرعون ۵- حکمت را به زلیخا همسر حضرت یوسف ۶- عقل را به بلقیس همسر حضرت سلیمان ۷- صبر را به مادر حضرت موسی ۸- برگزیدگی را به حضرت مریم مادر عیسی علیه السلام ۹- مقام رضا و خشنودی را به حضرت خدیجه علیها السلام همسر رسول خدا ۱۰- علم را به حضرت فاطمه علیها السلام همسر علی علیه السلام. و خداوند بزرگ دعای ده نفر را وعده اجابت داده است که عبارتند از دعا‌های: ۱- حضرت نوح را در آیه وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ [الصافات: ۷۵] ۲- حضرت یوسف را در آیه فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ [یوسف: ۳۴] ۳- حضرت موسی و هارون را در آیه قَالَ قَدْ أُجِيبْتُ دَعْوَتُكُمْ [یونس: ۸۹] ۴- حضرت یونس را در آیه فَاسْتَجَبْنَا لَهُ [انبیاء: ۸۹] ۵- حضرت ایوب را در آیه فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ [انبیاء: ۸۴] ۶- حضرت زکریّا را در آیه فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى [انبیاء: ۹۰] ۷- و دعای مخلصین را در آیه اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ [مؤمن: ۶۰] ۸- و دعای مضطربین را در آیه اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ [نمل: ۶۲] ۹- دعای هر دعاکننده مؤمن را در آیه وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي [بقره: ۱۸۶] ۱۰- دعای حضرت فاطمه و علی علیهما السلام را در آیه فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ [آل عمران: ۱۹۵]. پیامبر اسلام در باره ده موضوع نگران و اندیشناک بود و خداوند توانا او را آسوده خاطر ساخته و به اموری بشارت داد، آن موضوعات عبارتند از: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۴۴ ۱- دوری از مکه، که خداوند به او وعده بازگشت داده و فرمود: إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَىٰ مَعَادٍ [قصص: ۸۵] ۲- تحریف قرآن، که خداوند محافظت از آن را تقبیل فرموده و گفت: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ [حجر: ۹] ۳- فرود آمدن عذاب و بلا بر مسلمانان، که خداوند فرمود: وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ [انفال: ۳۳] یعنی «تا تو در میان آنان هستی بلایی بر ایشان نازل نمی‌شود» ۴- گسترش اسلام، که خداوند وعده نمود تا اسلام را بر تمام مذاهب در جهان برتری بخشد و فرمود: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ [توبه: ۳۴] ۵- ثبات و پایداری مؤمنان بعد از رحلت پیامبر، که خداوند وعده نمود تا آنان را در دین خود استوار و ثابت قدم نگاه دارد و فرمود: يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ [ابراهیم: ۲۷] ۶- در باره دشمنان مؤمنین و تسلط آنها بر مسلمانان، که خداوند متعال آن را منتفی دانسته و فرمود: يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا [تحریم: ۸] ۷- در باره قبول شفاعت پیامبر برای مؤمنان، که خداوند وعده قبول آن را داده و فرمود: وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ [و الصّحی: ۵] ۸- در باره فتنه و نیرنگی که پس از رحلت پیامبر، گریبان وصی او یعنی علی علیه السلام را خواهد گرفت، که خداوند در این زمینه وعده انتقام شدید داده و فرمود: فَإِمَّا تَدْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ [زخرف: ۴۱] ۹- در باره ثبوت خلافت برای فرزندان علی علیه السلام، که خداوند متعال در این باره وعده نمود که آنان را خلیفه و حجت خود در زمین قرار دهد و فرمود: لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ [نور: ۵۵] ۱۰- و در باره هجرت حضرت فاطمه علیها السلام از مکه به مدینه، که خداوند پیامبرش را در خصوص سلامت آن بانو مطمئن نموده و فرمود: الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا تَأْخِرَ آيَةٍ [آل عمران: ۱۹۱]. در رأس توبه‌کنندگان چهار نفر قرار دارند: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۴۵ ۱- حضرت آدم علیه السلام که فرمود: قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا [اعراف: ۲۲] ۲- حضرت یونس که گفت: سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ [انبیاء: ۸۷] ۳- حضرت داود علیه السلام که خداوند کریم در باره‌اش فرماید: وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ [ص: ۲۴] ۴- حضرت فاطمه علیها السلام که خداوند

متعال در باره‌اش فرماید: الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا [آل عمران: ۱۹۱]. و چهار تن از زنان نیکوکار و صالح هراسان و خائف شدند و سختیهای بسیاری را تحمل کردند: ۱- آسیه همسر فرعون که دچار انواع عذابها و شکنجه‌ها گردید تا آنجا که مرگ را آرزو می‌کرد و می‌گفت: رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ [تحریم: ۱۱] ۲- حضرت مریم که از زخم زبانها و سخنان بیهوده مردم رنج بسیار برد و از آنها دوری گزید، که خداوند در باره وی فرمود: فَناداها مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي [مریم: ۲۴] ۳- حضرت خدیجه علیها السلام که زنان قریش به دلیل ازدواجش با پیامبر از او دوری کردند و اجازه ملاقات هیچ زنی را با او نمی‌دادند. ۴- حضرت فاطمه علیها السلام، او آنقدر عذاب و سختی کشید که می‌گفت: «آیا پدر من پیامبر خدا نیست که فرزنداناش محافظت نمی‌شوند، چه زود گمراه شدید، و چه زود دین خدا را واژگون نمودید!». و در رأس گریه‌کنندگان هشت نفر قرار دارند: ۱- آدم ۲- نوح ۳- یعقوب ۴- یوسف ۵- شعیب ۶- داود ۷- فاطمه علیها السلام زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۴۶ ۸- امام زین العابدین علیه السلام. امام صادق علیه السلام فرموده: فاطمه علیها السلام در فراق رسول خدا آنقدر گریست که مردم مدینه اظهار ناراحتی نمودند و به فاطمه علیها السلام گفتند: گریه شبانه روزی تو ما را آزار می‌دهد، پس یا در شب گریه کن و یا در روز. بعد از آن حضرت فاطمه علیها السلام به محل دفن شهدا می‌رفت و در آنجا گریه می‌کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۱/...- المناقب «۱» كِتَابُ أَبِي بَكْرٍ الشَّيرَازِيِّ وَ رَوَى أَبُو الْهَذْلِيلِ عَنْ مُقَاتِلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَرَأَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ «۲» فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ - مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ «۳»

ترجمه

: علی علیه السلام گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آیه إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ-: خداوند تو را انتخاب و تطهیر نمود- را قرائت نمود و به من فرمود: ای علی! بهترین زنان دو عالم چهار نفر می‌باشند: ۱- مریم دختر عمران ۲- خدیجه دختر خویلد ۳- فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۴- آسیه دختر مزاحم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۲/...- المناقب «۱» أَبُو نُعَيْمٍ فِي الْحَلِیَّةِ وَ ابْنُ الْجَبَّارِ فِي الْمُسْتَدْرِکِ وَ الْحَظِیْبُ فِي التَّارِیخِ وَ ابْنُ بَطَّةٍ فِي الْإِبَانَةِ وَ أَحْمَدُ السَّمْعَانِيُّ فِي الْفَضَائِلِ بِإِسْنَادِهِمْ عَنْ مَعْمَرٍ عَنْ قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ وَ رَوَى الثَّعْلَبِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ وَ السَّلَامِيُّ فِي تَارِیخِ خُرَاسَانَ وَ أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَدَّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ بِإِسْنَادِهِمْ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ رَوَى الشَّعْبِيُّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ وَ رَوَى كُرَيْبٌ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ رَوَى مُقَاتِلٌ عَنْ سُیْلَمَانَ عَنْ الضَّحَّاكِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ قَدْ رَوَاهُ أَبُو مَسْعُودٍ وَ عَبْدُ الرَّزَّاقُ وَ أَحْمَدُ وَ إِسْحَاقُ كُلُّهُمْ عَنِ النَّبِيِّ ص وَ اللَّفْظُ لِلْحَلِیَّةِ أَنَّهُ قَالَ ص حَسِبْتُكِ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ وَ فِي رِوَايَةٍ مُقَاتِلٍ وَ الضَّحَّاكِ وَ عَكْرَمَةُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ أَفْضَلُهُنَّ فَاطِمَةُ

ترجمه

: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: زنان بزرگ عالمیان چهار نفر هستند: ۱- مریم بنت عمران ۲- خدیجه بنت خویلد ۳- فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۴- آسیه همسر فرعون و در روایت مقاتل و ضحاک و عکرمه، از ابن عباس آمده: و برترین آنها حضرت فاطمه علیها السلام می باشد. این حدیث را ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ)، از کتابهای زیر روایت نموده است: ۱- حلیۃ الاولیاء (۲): ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ هـ) ۲- مستدرک حاکم نیشابوری (۳) (۴۰۵ هـ) ۳- تاریخ بغداد: خطیب بغدادی (۴۶۳ هـ) ۴- الابانۃ: ابن بطه عکبری حنبلی (۳۸۷ هـ) ۵- فضائل الصحابه: احمد سمعانی (۵۶۲ هـ) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۴۸ ۶- تفسیر ثعلبی (۴۲۷ هـ) ۷- تاریخ خراسان: ابو علی سلامی (۳۷۴ هـ) ۸- اربعین: ابو صالح مؤذن. «۱»

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۳/-... - المناقب «۱» الفَضَائِلُ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْعُكْبَرِيِّ وَ مُسَيَّدُ أَحْمَدَ يَاسِينَ نَادِيَهُمَا عَنْ كُرَيْبٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ ص سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ «۲»

ترجمه

: برترین زنان بهشت چهار نفر هستند: ۱- مریم بنت عمران ۲- خدیجه بنت خویلد ۳- فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۴- آسیه همسر فرعون

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۴/-... - المناقب «۳» تَارِيخُ بَغْدَادَ «۴» يَاسِينَ نَادِ الْخَطِيبِ عَنْ حُمَيْدِ الطَّوِيلِ عَنْ أَنَسٍ قَالِ النَّبِيُّ ص زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۲۵۰ خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «۱»

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: بهترین زنان دو عالم چهار نفر هستند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۵/-... - المناقب «۱» ثُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ ص فَضَّلَهَا عَلَى سَائِرِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ رَوَتْ عَائِشَةُ وَ غَيْرُهَا عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ يَا

فَاطِمَةُ أُبَشِّرِي فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى نِسَاءِ الْإِسْلَامِ وَ هُوَ خَيْرُ دِينٍ

ترجمه:

ابن شهر آشوب گوید: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه علیها السلام را بر سایر زنان دو عالم - یعنی زنان دنیا و آخرت - برتری و فضیلت بخشید، عایشه و غیر او روایت کرده‌اند که رسول خدا می‌فرمود: ای فاطمه! به تو بشارت می‌دهم که خداوند متعال تو را از میان کلیه زنان دو عالم، و زنان اسلام، برگزیده و تو را نسبت به آنان فضیلت و برتری عطا کرده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۶/... - المناقب «۲» حُذِفَتْهُ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ أَتَانِي مَلَكٌ فَبَشَّرَنِي أَنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَوْ نِسَاءِ أُمَّتِي «۳»

ترجمه

حذیفه گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرشته‌ای نزد من آمد و گفت: تو را مژده می‌دهم که دختری فاطمه بزرگ و سرور زنان بهشت، یا زنان امت من است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۷/... - المناقب «۱» الْبُخَارِيُّ وَ مُسْلِمٌ فِي صَيِّحَتَيْهِمَا وَ أَبُو السَّعَادَاتِ فِي فَصَائِلِ الْعَشْرَةِ وَ أَبُو بَكْرٍ بْنُ شَيْبَةَ فِي أَمَالِيهِ وَ الدَّيْلَمِيُّ فِي فَرْدَوْسِهِ أَنَّهُ ص قَالَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: فاطمه برترین زنان بهشت است. ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ) این حدیث را از منابع ذیل گرفته است: ۱- صحیح بخاری «۲» (۲۵۶ هـ) ۲- صحیح مسلم «۳» (۲۶۱ هـ) ۳- فضائل العشرة: ابو السعادات ۴- امالی ابی بکر بن ابی شیبه (۲۳۵ هـ) ۵- مسند الفردوس: ابن شیویه دیلمی (۵۰۹ هـ) «۴»

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۸/... - المناقب «۱» حَلِيَّةُ أَبِي نُعَيْمٍ «۲» رَوَى جَابِرُ بْنُ سَمُرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ «۳»

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: همانا فاطمه برترین زنان در روز قیامت است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰۹/... المناقب «۴» تَارِيخُ الْبَلَاذُرِيِّ «۵» أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ لِفَاطِمَةَ أَنْتِ أَسْرَعُ أَهْلِي لِحَاقًا بِي فَوَجَمْتُ فَقَالَ لَهَا أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تُكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَتَبَسَّمتُ بَيَانِ وَجَمِ كَوَعْدِ أَيْ سَكَتِ عَلَى غِيْظِ

ترجمه

اشاره

در انساب الاشراف آمده است که پیامبر به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۵۶ پس از فوت من، از میان خاندانم، تو اولین کسی هستی که به من می پیونددی، و فاطمه علیها السلام با شنیدن این حرف غمگین شد، سپس رسول خدا فرمود: آیا راضی نیستی که بزرگ و سرور زنان بهشت باشی؟ و حضرت فاطمه با شنیدن این سخن خشنود گردیده و تبسم نمود.

بیان

«وجم» یعنی سکوت غم آلود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۰/۴۰- المناقب «۱» الشَّعْبِيُّ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ ص إِلَى فَاطِمَةَ شَيْئًا فَضَحِكَتْ فَسَأَلْتُهَا فَقَالَتْ قَالَ لِي أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تُكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَوْ نِسَاءِ أُمَّتِي

ترجمه

عایشه گفته است: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در گوش فاطمه علیها السلام چیزی گفت و فاطمه خندید، من در باره علت آن از وی سؤال کردم، گفت: پیامبر به من گفت: آیا راضی می شوی به اینکه سرور زنان بهشت یا سرور زنان امت من باشی؟

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۱... - المناقب: «۳» حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ «۴» وَ كِتَابُ الشَّيْزَارِيِّ رَوَى عِمْرَانُ بْنُ حُصَيْنٍ وَ جَابِرُ بْنُ سَمُرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ ص دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ كَيْفَ تَجِدِينَكِ يَا بَنِيَّ قَالَتْ إِنِّي لَوَجِيعَةٌ وَ إِنَّهُ لَيَزِيدُنِي أَنَّهُ مَا لِي طَعَامٌ أَكُلُهُ قَالَ يَا بَنِيَّ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنَّكِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ قَالَتْ يَا أَبَتِ فَإِنَّ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ قَالَتْ لَكِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّكِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِكَ أَمْ وَ اللَّهُ زَوَّجْتُكِ سَيِّدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ «۵»

ترجمه

عمران بن حصین و جابر بن سمره روایت کرده‌اند: روزی پیامبر به خانه دخترش فاطمه رفته و فرمود: دخترم! خود را در چه حالی می‌بینی؟ فاطمه گفت: علاوه بر اینکه بیمار هستم، غذایی هم برای خوردن ندارم. پیامبر فرمود: دخترم! آیا همین که سرور زنان دو عالم باشی راضیت نمی‌کند؟ فاطمه گفت: ای پدر! پس حضرت مریم چه می‌شود؟ پیامبر فرمود: مریم سرور و بزرگ زنان عالم خود بوده است و تو نیز بزرگ و سرور زنان زمان خویش هستی، و به خداوند سوگند! تو را به همسری آقا و سرور دنیا و آخرت در آوردم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۲... - المناقب: «۱» وَ قِيلَ لِلصَّادِقِ ع قَوْلُ الرَّسُولِ ص - فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَيْ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا قَالَ ذَاكَ مَرْيَمُ وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

ترجمه

ابن شهر آشوب گوید: به امام صادق علیه السلام گفته شد: منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اینکه فرموده: «فاطمه سرور زنان بهشت است»، چیست؟ آیا او سرور زنان زمان خویش است؟ امام فرمود: این مقام به حضرت مریم تعلق دارد و اوست که سرور زنان زمان خویش است ولی فاطمه سرور زنان بهشتی، از اولین و آخرین ایشان است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۳... - المناقب: «۱» وَ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ آسِيَةَ بِنْتَ مُزَاحِمٍ وَ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةَ يَمَشِينَ أَمَامَ فَاطِمَةَ كَالْحِجَابِ لَهَا إِلَى الْجَنَّةِ

ترجمه

ابن شهر آشوب گوید: در حدیث آمده که آسیه، مریم و خدیجه آن هنگام که فاطمه به سوی بهشت می‌رود، در مقابل او- و در کنار یک دیگر- مانند نگهبانان او، وی را به سوی بهشت همراهی می‌کنند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۴... - المناقب: «۲» وَ سَيَّالَ بَزَلَ الْهَرَوِيُّ الْحُسَيْنَ بْنَ رَوْحٍ رَهَ فَقَالَ كَمْ بَنَاتُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَرْبَعُ فَقَالَ أَيُّنَهُنَّ أَفْضَلُ فَقَالَ فَاطِمَةُ قَالَ وَلَمْ صَارَتْ أَفْضَلَ وَ كَانَتْ أَصْغَرَهُنَّ سِتْنًا وَ أَقَلَّهُنَّ صُحْبَةً لِرَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ لِيَخْلُصَتَيْنِ خَصَّهَا اللَّهُ بِهِمَا إِنَّهَا وَرِثَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ نَسِلَ رَسُولَ اللَّهِ ص مِنْهَا وَ لَمْ يَخْصُصْهَا بِبَذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِ إِخْلَاصِ عَرَفَهُ مِنْ بَيْتِهَا وَ قَالَ الْمُؤْتَضِي رَحِمَهُ اللَّهُ التَّفَضُّلُ هُوَ كَثْرَةُ الثَّوَابِ بِأَنْ يَقَعَ إِخْلَاصٌ وَ يَقِينٌ وَ نِيَّةٌ صَافِيَةٌ وَ لَا يَمْتَنِعُ مِنْ أَنْ تَكُونَ عَ قَدْ فَضِّلَتْ عَلَى أَخَوَاتِهَا بِذَلِكَ وَ يَعْتَمَدُ عَلَى أَنَّهَا عَ أَفْضَلُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ بِاجْتِمَاعِ الْإِمَامِيَّةِ وَ عَلَى أَنَّهُ قَدْ ظَهَرَ مِنْ تَعْظِيمِ الرَّسُولِ ص لِشَأْنِ فَاطِمَةَ عَ وَ تَخْصِيصِهَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِهِنَّ مَا رُبَّمَا لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْإِسْتِدْلَالِ عَلَيْهِ

ترجمه:

بزل هروی از حسین بن روح که از ثواب خاص حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده، سؤال کرد: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چند دختر داشته است؟ او جواب داد: چهار دختر. هروی پرسید: کدام یک از آنها برتر بودند؟ ابن روح گفت: حضرت فاطمه علیها السلام. هروی پرسید: چرا فاطمه علیها السلام برتر از سایرین بود در جایی که از نظر سن کوچکتر و از نظر مصاحبت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سابقه اش کمتر بود؟ ابن روح فرمود: به سبب دو خصلت خداوند مقام او را برتر قرار داد: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۵۹-۱- او وارث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. ۲- نسل پیامبر از طرف او حفظ گردید و ادامه یافت. و خداوند متعال فاطمه را به این فضیلت اختصاص نداد مگر به سبب اخلاص نبوی که در فاطمه وجود داشت. سید مرتضی (۴۳۶ ه) گوید: معنی افضل بودن این است که به واسطه اخلاص، یقین و نیت پاک ثواب بیشتری نصیب شخص گردد، و هیچ مانعی ندارد که فاطمه علیها السلام به همین جهت نسبت به خواهرانش فضیلت و برتری داشته باشد، و این مطلب مورد قبول است که فاطمه به اتفاق و اجماع علمای امامیه، از کلیه زنان عالم برتر است و اینکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را در میان تمام زنان و دختران خویش، بیشتر مورد تمجید و احترام قرار می داد، برای اثبات برتری و فضیلت وی کافی است و این امر نیاز به استدلال ندارد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۵... - المناقب: «۱» جَامِعُ التَّرْمِذِيُّ «۲» وَ إِبَانَةُ الْعُكْبَرِيِّ وَ أَخْبَارُ فَاطِمَةَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الصَّوَلِيِّ وَ تَارِيخُ خُرَّاسَانَ عَنِ السَّلَامِيِّ مُسْنَدًا أَنَّ جُمُعَةً التَّيْمِيَّ قَالَ دَخَلْتُ مَعَ عَمَّتِي عَلَى عَائِشَةَ فَقَالَتْ لَهَا عَمَّتِي مَا حَمَلَكَ عَلَى الْخُرُوجِ عَلَى عَلِيٍّ فَقَالَتْ عَائِشَةُ دَعَيْنَا فَوَ اللَّهُ مَا كَانَ أَحَدٌ مِنَ الرِّجَالِ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عَلِيٍّ وَ لَا مِنَ النِّسَاءِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ فَاطِمَةَ «۳»

ترجمه

جمیع بن عمیر تیمی گوید: با عمه ام به نزد عایشه رفتم، پس او به عایشه گفت: چه چیزی سبب شد که تو با علی علیه السلام بجنگی؟ عایشه گفت: مرا به حال خود بگذار، به خداوند سوگند، از میان مردان و زنان، هیچ کس در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محبوبتر از علی و فاطمه علیهما السلام نبود- از میان مردان علی علیه السلام و از میان زنان فاطمه علیها السلام.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۶/...- المناقب: «۱» فَضَائِلُ الْعَشْرَةِ عَنْ أَبِي السَّعَادَاتِ وَفَضَائِلُ الصَّحَابَةِ عَنِ السَّمْعَانِيِّ وَفِي رِوَايَاتٍ عَنِ الشَّرِيكِ وَالْأَعْمَشِ وَكَثِيرِ النَّوَّاءِ وَابْنِ الْحَجَّامِ كُلُّهُمْ عَنْ جَمِيعِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ عَائِشَةَ وَ عَنْ أُسَامَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص وَ رَوَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص أَيُّ النِّسَاءِ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ فَاطِمَةُ قُلْتُ مِنَ الرِّجَالِ قَالَ زَوْجُهَا «۲»

ترجمه

عایشه، اسامه و بریده هر یک جداگانه گویند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدم: در میان زنان چه کسی در نزد شما محبوبتر است؟ فرمودند: فاطمه علیها السلام. پرسیدم: از میان مردان چه کسی؟ فرمودند: همسرش علی بن ابی طالب علیه السلام.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۷/...- المناقب: «۱» جَامِعُ التِّرْمِذِيُّ «۲» قَالَ بُرَيْدَةُ كَانَ أَحَبَّ النِّسَاءِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَاطِمَةُ وَ مِنَ الرِّجَالِ عَلِيٌّ

ترجمه

بریده اسلمی گوید: همانا محبوبترین زنان در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه و محبوبترین مردان علی علیه السلام بودند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۸/...- المناقب: «۳» قُوْتُ الْقُلُوبِ عَنْ أَبِي طَالِبِ الْمَكِّيِّ وَالْأَرْبَعِينَ عَنْ أَبِي صَالِحٍ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۲۶۲ الْمُؤَدِّن- وَفَضَائِلُ الصَّحَابَةِ عَنْ أَحْمَدَ بِالإِسْنَادِ عَنْ سُفْيَانَ وَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي الْجَحَافِ عَنْ جَمِيعِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهُ قَالَ عَلِيُّ لِلنَّبِيِّ ص لَمَّا جَلَسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ فَاطِمَةَ وَ هُمَا مُضْطَجِعَانِ أَتَيْنَا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنَا أَوْ هِيَ فَقَالَ ص هِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ وَ أَنْتَ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْهَا

ترجمه

عایشه گوید: یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در بین علی و فاطمه علیهما السلام نشسته بود، پس علی علیه السلام به پیامبر گفت: کدام یک از ما در نزد شما محبوبتر است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه علیها السلام محبوبتر و تو عزیزتر می باشی «۱».

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۱۹-.../ المناقب: «۱» وَفِي خَبَرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ افْتَحَرَ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ بِفَضَائِلِهِمَا فَأَخْبَرَ جَبْرِئِيلُ النَّبِيَّ ص أَنَّهُمَا قَدْ أَطَالَا الْخُصُومَةَ فِي مَحَبَّتِكَ فَأَحْكُمَ بَيْنَهُمَا فَدَخَلَ وَقَصَّ عَلَيْهِمَا مَقَالَتَهُمَا ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى فَاطِمَةَ وَقَالَ لَكَ حُلَاوَةُ الْوَلَدِ وَلَهُ عِزُّ الرِّجَالِ وَهُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ وَالَّذِي اضْطَفَاكَ وَاجْتَبَاكَ وَهَدَاكَ بِكَ الْأُمَّةُ لَا زِلْتُ مُقِرَّةً لَهُ مَا عِشْتُ

ترجمه

جابر بن عبد الله گوید: روزی علی و فاطمه هر یک فضائل و مناقب خویش را برای دیگری بیان می نمودند، پس جبرئیل به پیامبر خبر داد که آن دو راجع به محبت تو گفتگو طولانی دارند پس برخیز و در میان ایشان قضاوت کن. پیامبر نزد آنها آمده و گفتگوهای آنها را برایشان بازگو نمود و سپس خطاب به فاطمه علیها السلام فرمود: تو نزد من حلاوت فرزندی را داری و علی عزت مردان را، و او در نزد من محبوبتر است. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۶۴ فاطمه علیها السلام فرمود: سوگند به خدایی که تو را برگزید و هدایت فرمود و به وسیله تو این امت را راهنمایی کرد، من تا زمانی که زنده هستم به این امر اقرار و باور دارم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۰-.../ المناقب: «۱» عَامِرُ الشَّعْبِيِّ وَالْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ وَسَيْفِيَانُ الثَّوْرِيُّ وَمُجَاهِدٌ وَابْنُ جُبَيْرٍ وَجَابِرُ الْأَنْصَارِيُّ وَمُحَمَّدُ الْبَاقِرُ وَجَعْفَرُ الصَّادِقُ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِي - أَخْرَجَهُ الْبُخَارِيُّ عَنِ الْمِسُورِ بْنِ مَخْرَمَةَ «۲»

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: همانا فاطمه علیها السلام پاره تن من است، پس هر که او را به غضب آورد مرا غضبناک کرده است. این روایت را از اشخاص ذیل نقل کرده اند: ۱- عامر شعبی ۲- حسن بصری ۳- سفیان ثوری ۴- مجاهد ۵- ابن جبیر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۶۵ ۶- جابر بن عبد الله انصاری ۷- امام محمد باقر علیه السلام ۸- امام جعفر صادق علیه السلام ۹- مسور بن مخرمه.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۱-.../ المناقب: «۱» وَفِي رِوَايَةِ جَابِرٍ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ «۲»

ترجمه

و در روایت جابر بن عبد الله از رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم آمده است که فرمود: فاطمه پاره تن من است، پس هر که او را آزار دهد مرا آزرده است و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۲/...- المناقب: «۳» وَ فِي مُسْـلِمٍ «۴» وَ الْحَلِیَّةُ «۵» إِنَّمَا فَاطِمَةُ ابْنَتِي بَضْعَةٌ مِنِّي يُرِيبُنِي مَا زَنْدَگَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۲۶۶ أَرَابَهَا وَ يُؤْذِينِي مَا آذَاهَا «۱» بیان قال الجزری و - فی الحديث فاطمة بضعة مني البضعة بالفتح القطعة من اللحم و قد تكسر أى إنها جزء مني كما أن القطعة من اللحم جزء من اللحم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۶۷ و قال و - فی حديث فاطمة يربني ما يريبها أى يسوؤني ما يسوؤها و يزعجني ما يزعجها يقال رابني هذا الأمر و أرابني إذا رأيت منه ما تكره

ترجمه

و در صحیح مسلم و حلیه الاولیاء از رسول خدا صَلَّى الله عليه و آله و سلم آورده‌اند: همانا فاطمه پاره تن من است، هر چه او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده و آنچه او را اذیت کند مرا اذیت کرده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۳/ ۴۱...- المناقب «۱» سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ص يَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِي «۲»

ترجمه

سعد بن ابی وقاص گوید: فاطمه پاره تن من است، هر که او را خوشنود کند مرا خوشنود نموده و هر که به وی بدی کند به من بدی کرده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۴/...- المناقب «۱» سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ وَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ص يَقُولُ فَاطِمَةُ أَعَزُّ الْبَرِيَّةِ عَلَيَّ «۲»

ترجمه:

سعد بن ابی وقاص گوید: شنیدم که پیامبر می فرمود: فاطمه عزیزترین مردم در نزد من است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۵/...- المناقب: «۱» مُسْتَدْرَكُ الْحَاكِمِ «۲» عَنْ أَبِي سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ وَحَلِيَّةَ «۳» أَبِي نُعَيْمٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ وَابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ وَ الْمِسْوَرِ بْنِ مَخْرَمَةَ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ إِنَّمَا فَاطِمَةُ شَجَنَةٌ مَنِّي يَقْبِضُنِي مَا يَقْبِضُهَا وَيَبْسُطُنِي مَا يَبْسُطُهَا «۴»

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: همانا فاطمه شعبه و بخشی از وجود من است، آنچه او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده، و آنچه وی را خوشحال نماید مرا خوشحال نموده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۶/...- المناقب: «۱» وَ جَاءَ سَهْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ إِلَى عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ فَقَالَ إِنَّ قَوْمَكَ يَقُولُونَ إِنَّكَ تُؤْثِرُ عَلَيْهِمْ وَلَدَ فَاطِمَةَ فَقَالَ عُمَرُ سَمِعْتُ الثَّقَفَةَ مِنَ الصَّحَابَةِ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي يُرْضِيَنِي مَا أَرْضَاهَا وَيَسْخِطُنِي مَا أَسْخَطَهَا فَوَ اللَّهُ إِنِّي لَحَقِيقٌ أَنْ أَطْلُبَ رِضَى رَسُولِ اللَّهِ وَ رِضَاهُ وَ رِضَاهَا فِي رِضَى وَلَدِهَا «۲» وَ قَدْ عَلِمُوا أَنَّ النَّبِيَّ يَسْرِهُ مَسَرَّتُهَا جِدًّا وَ يَشْنِي اغْتِمَامُهَا أَقُولُ: قوله ص هذا يدل على عصمتها لأنها لو كانت ممن تقارف الذنوب لم يكن مؤذيها مؤذيا له ص على كل حال بل كان من فعل المستحق من ذمها و إقامة الحد إن كان الفعل يقتضيه سارا له ص و مطيعا

ترجمه

ابن شهر آشوب روایت کرده است: سهل بن عبد الله نزد عمر بن عبد العزیز آمد و گفت: قوم تو می گویند که تو فرزندان فاطمه [علیها السلام] را بر آنان مقدم می داری؟ عمر بن عبد العزیز گفت: از صحابه ثقه پیامبر نقل شده که ایشان فرمودند: «فاطمه پاره تن من است، هر که او را راضی کند مرا راضی کرده و هر که او را به غضب آورد مرا غضبناک کرده است»، پس به خداوند سوگند من سزاوارترم- به عنوان خلیفه مسلمانان- بر این که رضایت پیامبر خدا را به دست آورم، و اکنون رضایت رسول خدا و فاطمه در رضایت فرزندان فاطمه است. حقا که دانستند مسرور بودن فاطمه شادمانی پیامبر است* و دانستند که غمگین بودن او پیامبر را غمناک می سازد علامه مجلسی گوید: این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره دخترش فاطمه علیها السلام معصوم بودن حضرت فاطمه را اثبات می کند زیرا اگر حضرت فاطمه از کسانی بود که گناه از آنها صادر می شود، ناراحتی وی سبب ناراحتی پیامبر نمی گردید بلکه او به دلیل معصیتی که مرتکب شده بود شایسته ناراحتی و مذمت بود و پیامبر از آن ناراحتی نه تنها غمگین زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۷۲ نمی گشت بلکه مسرور می گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۷/... - المناقب: «۱» أَبُو ثَعْلَبَةَ الْخُثَنِيُّ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ يَدْخُلُ عَلَى فَاطِمَةَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَقَامَتْ إِلَيْهِ وَاعْتَنَقَتْهُ وَقَبَّلَتْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ

ترجمه

ابو ثعلبه خثنی گوید: هر گاه رسول خدا از مسافرتی بازمی گشت ابتدا به نزد دخترش فاطمه می رفت، و چون بر او وارد می شد فاطمه برمی خاست و با پیامبر معانقه می کرد و میان دو چشم او را می بوسید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۸/... - المناقب: «۲» الْأَرْبَعُونَ عَنْ ابْنِ الْمُؤَدِّ بْنِ يَسِينٍ عَنْ يَسِينِ بْنِ النَّضْرِ بْنِ شَمِيلٍ عَنْ مَيْسَرَةَ عَنْ الْمِنْهَالِ عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ طَلْحَةَ عَنْ عَائِشَةَ بِنْتِ أَبِي بَكْرٍ وَفِي فَصَائِلِ السَّمْعَانِيِّ يَأْسَنَادُهُ عَنْ عِكْرَمَةَ قَالَا كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا قَدِمَ مِنْ مَغَازِيهِ قَبَّلَ فَاطِمَةَ «۳»

ترجمه

عایشه گوید: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جنگ بازمی گشت به دیدن فاطمه می آمد و او را می بوسید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲۹/... - المناقب: «۴» وَرَوَوْا عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص زَنَدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۲۷۳ قَامَ لَهَا مِنْ مَجْلِسِهِ وَقَبَّلَ رَأْسَهَا وَأَجْلَسَهَا مَجْلِسَهُ وَإِذَا جَاءَ إِلَيْهَا لَقِيَتْهُ وَقَبَّلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ وَجَلَسَا مَعًا «۱»

ترجمه:

عایشه گوید: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۷۴ هر گاه فاطمه [علیها السلام] نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آمد پیامبر از جای خود برمی خاست، سر فاطمه را می بوسید و او را در جای خود می نشاند، و هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نزد فاطمه علیها السلام می رفت و فاطمه او را ملاقات می نمود، یک دیگر را می بوسیدند و در کنار هم می نشستند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳۰ / ...- المناقب: (۱) «أَبُو السَّعَادَاتِ فِي فَضَائِلِ الْعَشْرَةِ وَابْنُ الْمُؤَذِّنِ فِي الْأَرْبَعِينَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَعَنْ أَبِي ثَعْلَبَةَ الْخُسَيْنِيِّ وَعَنْ نَافِعٍ عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالُوا كَانَ النَّبِيُّ ص إِذَا أَرَادَ سَفَرًا كَانَ آخِرَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ وَإِذَا قَدِمَ كَانَ أَوَّلَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ» (۲) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۷۵ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ لَهَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى فَضْلٌ عَظِيمٌ لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ ص يَفْعَلُ مَعَهَا ذَلِكَ إِذْ كَانَتْ وَلَدَهُ وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ بِتَعْظِيمِ الْوَلَدِ لِلْوَالِدِ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يَفْعَلَ مَعَهَا ذَلِكَ وَهُوَ بِضِدِّ مَا أَمَرَ بِهِ أُمَّتُهُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى

ترجمه

هر گاه پیامبر تصمیم به مسافرت می گرفت آخرین کسی را که به دیدارش می رفت حضرت فاطمه علیها السلام بود و هنگامی که از سفر بازمی گشت اولین کسی را که ملاقات می کرد فاطمه بود. عبد الله بن عمر گوید: اگر در نزد خداوند متعال، فضل عظیمی برای فاطمه علیها السلام وجود نداشت هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با او چنین رفتاری نمی کرد زیرا فاطمه فرزند رسول خدا بود و خداوند تعظیم فرزند بر پدر را فرمان داده و جایز نبوده که رسول خدا با دخترش چنین رفتاری داشته باشد- مگر آنکه برای این بانو مقام عظیم در نزد خداوند متعال وجود داشته باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳۱ / ...- المناقب: (۱) «أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ مِنْ أَعَزِّ النَّاسِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَدَخَلَ عَلَيْهَا يَوْمًا وَهِيَ تُصَلِّي فَسَمِعَتْ كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي رَحْلِهَا فَقَطَعَتْ صِلَامَتَهَا وَخَرَجَتْ مِنَ الْمُصَلِّي فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ فَمَسَحَ يَدُهُ عَلَى رَأْسِهَا وَقَالَ يَا بُنَيَّةُ كَيْفَ أُمْسَيْتِ رَحِمَكَ اللَّهُ عَشِينَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَقَدْ فَعَلَ

ترجمه:

ابو سعید خدری گوید: فاطمه علیها السلام در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عزیزترین مردم بود، و در یکی از روزها که فاطمه علیها السلام مشغول نماز بود رسول خدا نزد وی آمد و فاطمه تا صدای پای رسول خدا را شنید، نماز را قطع نموده از مصلای خود خارج شده به وی سلام کرد، سپس رسول خدا دست خود را بر سر فاطمه کشیده و گفت: دخترم! خدا تو را رحمت کند، و مورد غفران قرار دهد که داده است، امروز را چگونه گذراندی؟

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳۲ / ...- المناقب: (۱) «أَخْبَارُ فَاطِمَةَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الصُّوْلِيِّ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى فَاطِمَةَ فَقَدَمَتْ إِلَيْهِ كِسِيرَةً يَابِسَةً مِنْ خُبْزٍ شَعِيرٍ فَأَفْطَرَ عَلَيْهَا ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّةُ هَذَا أَوَّلُ خُبْزٍ أَكَلَ أَبُوكَ مِنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَجَعَلْتُ فَاطِمَةُ تَبْكِي وَرَسُولُ اللَّهِ يَمْسُحُ وَجْهَهَا بِيَدِهِ

ترجمه:

عبد الله بن حسن گوید: روزی رسول خدا نزد فاطمه آمد و فاطمه تکه‌ای نان جوی خشک شده داشت که آن را برای افطار به حضور پیامبر آورد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با آن افطار نمود و پس از آن گفت: دخترم! این اولین نانی است که پدرت پس از سه روز می‌خورد. حضرت فاطمه علیها السلام با شنیدن این سخن گریان شد و رسول خدا با دستش چهره او را لمس کرده و اشکهایش را پاک می‌کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳۳/....- المناقب: «۲» أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَدِّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ شُعْبَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا أَمَرَنِي أَنْ أَرْوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَفَعَلْتُ فَقَالَ لِي جَبْرِئِيلُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى جَنَّةً مِنْ لَوْلُؤُهُ بَيْنَ كُلِّ قَصِيَّةٍ إِلَى قَصِيَّةٍ لَوْلُؤُهُ مِنْ يَاقُوتٍ مُشَدَّرَةٍ بِالذَّهَبِ وَجَعَلَ سِقُوفَهَا زَبْرَجَدًا أَخْضَرَ وَجَعَلَ فِيهَا طَاقَاتٍ مِنْ لَوْلُؤٍ مُكَلَّلَةٍ بِالْيَاقُوتِ ثُمَّ جَعَلَ غُرْفَهَا لَبَنَةً مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنَةً مِنْ فِضَّةٍ وَلَبَنَةً مِنْ دُرٍّ وَلَبَنَةً مِنْ يَاقُوتٍ وَلَبَنَةً مِنْ زَبْرَجِدٍ ثُمَّ جَعَلَ فِيهَا عُيُونًا تَنْبُعُ مِنْ نَوَاحِيهَا وَحُقَّتْ بِالْأَنْهَارِ وَجَعَلَ عَلَى الْأَنْهَارِ قَبَابًا مِنْ دُرٍّ قَدْ شُعِبَتْ بِسَلْسِلِ الذَّهَبِ وَحُقَّتْ بِأَنْوَاعِ الشَّجَرِ وَبَنَى فِي كُلِّ غُصْنٍ قُبَّةً وَجَعَلَ فِي كُلِّ قُبَّةٍ أَرِيكَهُ مِنْ دُرٍّ بَيْضَاءَ غِشَاؤُهَا السُّنْدُسُ وَالْإِسْتَبْرَقُ وَفَرَشَ أَرْضَهَا بِالزَّعْفَرَانِ وَفَتَقَ بِالْمِسْكِ وَالْعَنْبَرِ وَجَعَلَ فِي كُلِّ قُبَّةٍ حَوْرَاءَ وَالْقُبَّةُ لَهَا مَائَةٌ بَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ جَارِيَتَانِ وَشَجَرَتَانِ فِي كُلِّ قُبَّةٍ مَفْرَشٌ وَكِتَابٌ مَكْتُوبٌ حَوْلَ الْقَبَابِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ فَقُلْتُ يَا جَبْرِئِيلُ لِمَنْ بَنَى اللَّهُ هَذِهِ الْجَنَّةَ قَالَ بَنَاهَا لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ سَوَى جَنَانِهِمَا تُحْفَهُ أَتُحْفَهُمَا اللَّهُ وَلْتَقَرَّ بِذَلِكَ عَيْنُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۷۷ بیان قوله لؤلؤ من یاقوت لعل المعنی أنها فی صفاء اللؤلؤ و لون الیاقوت و لا یبعد أن تكون من زائدة من النساخ أو يكون الظرف متعلقا بقوله مشدرة أى اللؤلؤ مرصعة من الیاقوت بالذهب قال الفيروز آبادی الشذر قطع من الذهب تلتقط من معدنه بلا إذابة أو خرز يفصل بها النظم أو هو اللؤلؤ الصغار. قوله قد شعت الشعب الجمع و التفريق و لعل الأظهر هنا الأول و قال الفيروز آبادی الأریکه کسفیئة سریر فی حجله أو کل ما یتکأ علیه من سریر و منصة و فراش أو سریر منجد مزین فی قبه أو بیت فیذا لم یکن فیہ سریر فهو حجله و السندس الرقيق من الحریر و الإستبرق الغلیظ منه. قوله و فتق أى جعل بین الزعفران المسک و العنبر أو بین فرشها المبسوطة من الفتق بمعنی الشق و المفرش کمنبر شیء کالشاذ کونه

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: خداوند متعال به من فرمان داد تا فاطمه را به ازدواج علی در آورم، پس از انجام این فرمان جبرئیل گفت: همانا خدای تعالی بهشتی از لؤلؤ که بین هر قصبه آن با قصبه دیگر یاقوتی است مرصع به طلا، و سقفهای آن از زبرجد سبز، و اطاقهای آن مروارید یاقوت نشان می‌باشد، بنا نمود. سپس خداوند متعال غرفه‌های آن را از طلا، نقره، یاقوت و زبرجد قرار داد، و در بهشت چشمه‌هایی آفرید که در همه جای آن جریان دارند و بر نه‌هایی که از آن چشمه‌ها ایجاد شده‌اند قبه‌هایی که با زنجیره‌های طلایی آراسته شده‌اند، قرار داد که در اطراف آنها انواع درختان میوه روئیده‌اند، و بر هر شاخه‌ای از آن درختان قبه‌ای بنا شده، و بر هر یک از آنها تختی از جواهرات سفید نهاده شده، و بر اطراف آنها پرده‌هایی از جنس پشم و ابریشم گسترانیده و زمین آن را با زعفران پوشانیده است. پس آن تختها به وسیله مشک و زعفران خوشبو شده و در هر قبه‌ای نیز دو

درخت است که به صورت فرش بر زمین آن گسترانده‌اند و در اطراف بیرونی قبه‌ها آیه‌الکرسى نوشته شده است. پیامبر گوید: به جبرئیل گفتم: این بهشت برای چه کسی بنا شده؟ گفت: برای علی و فاطمه، و این غیر از بهشت‌هایی است که خداوند به آنها تحفه نموده زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۷۸ و آنها نیز همه مثل همین هستند. و خداوند از آن جهت آنها را به این نعمت‌ها مفتخر نموده است که تو شادمان و خوشحال شوی.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳۴/... ۴۲- المناقب (۱) «ابن عبد ربّه الأندلسی فی العقد عن عبد الله بن الزبیر فی خبر عن معاویة بن أبی سفیان قال دخل الحسن بن علی علی جده ص و هو يتعثر بذيله فأسير إلى النبی ص سراً فرأیته وقد تعیر لونه ثم قام النبی ص حتى أتى منزل فاطمة فأخذ بيدها فهزها إليه هزاً قوياً ثم قال يا فاطمة إياك و غصب علی فإن الله يغضب لغضبه و يرضى لرضاءه ثم جاء علی فأخذ النبی ص بيده ثم هزها إليه هزاً خفيفاً ثم قال يا أبا الحسن إياك و غصب فاطمة فإن الملائكة تغضب لغضبها و ترضى لرضاها فقلت يا رسول الله ماضيت مذعوراً و قد رجعت مسروراً فقال يا معاویة كيف لا أسیر و قد أصلحت بین اثنين هما أكرم الخلق علی الله - و فی روایه عبد الله بن الحارث و حبيب بن ثابت و علی بن إبراهيم أحب اثنين فی الأرض إلى قال ابن بابویه هَذَا غَيْرُ مُعْتَمَدٍ لَأَنَّهُمَا مُتْرَهَانَانِ أَنْ يَحْتَاجَا أَنْ يُصْلِحَ بَيْنَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص ۱۳۵/...- المناقب: «الباقر و الصادق ع أنه كان النبی ص لا ينأى حتى يقبل عرض وجه فاطمة يصم وجهه بین تدين فاطمة و يدعو لها و فی روایه حتى يقبل عرض وجه فاطمة» (۳)

ترجمه:

امام باقر و صادق علیهما السلام گویند: هنگامی که فاطمه علیها السلام کوچک بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌خواست تا اینکه صورت فاطمه را می‌بوسید و سرش را بر سینه فاطمه می‌گذاشت و برای او دعا می‌کرد. و در روایت دیگری آمده است: تا اینکه گونه‌های فاطمه را می‌بوسید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳۶/...- المناقب: «ابن بکر محمد بن عبد الله الشافعی و ابن شهاب الزهري و ابن المسيب كلهم عن سعد بن أبي وقاص و أبو معاذ النخعي المزوزی و أبو قتادة الحزاني عن سفیان الثوري عن هاشم بن عروة عن أبيه عن عائشة و الخوخشي في شرف النبی و الأشنهي في الاعتقاد و السمعاني في الرسالة و أبو صالح المؤذن في الأربعين و أبو السعادات في الفضائل و من أضحاجنا أبو عبيدة الخدّاء و غيره عن الصادق ع أنه كان رسول الله ص يكثر تقبيل فاطمة فأنكرت عليه بعض نساءه فقال ص إنه لما عرج بي إلى السماء أخذ بيدي جبرئيل فأدخلني الجنة فناولني من رطبها فأكلتها في روايه فناولني منها تفاحه فأكلتها فتحوّل ذلك نطفه في صلب فلما هبطت إلى الأرض وقعت خديجة فحملت ففاطمة ففاطمة حوراء إنسيه فكلما اشتقت إلى رائحة الجنة شممت رائحة ابنتي» (۲)

ترجمه

امام صادق علیه السلام، سعد بن ابی وقاص و عایشه روایت کرده‌اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه را زیاد می‌بوسید لذا برخی از زنان «۱» پیامبر حسد ورزیده و به پیامبر معترض شدند، پس پیامبر فرمود: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۸۱ همانا در زمان معراج جبرئیل دست مرا گرفت و داخل بهشت نمود و از خرمای بهشتی به من داد که آن را خوردم- و در روایتی به جای خرما، سیب گفته شده- و در اثر آن نطفه‌ای در صلب من پدید آمد، هنگامی که به زمین باز گشتم با خدیجه همبستر شدم و خدیجه به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه حوری‌ای انسانی است که هر گاه اشتیاق بوی بهشت پیدا می‌کنم، بوی او را استشمام می‌نمایم. ابن شهر آشوب این حدیث را از کتابهای ذیل روایت نموده است: ۱- کتاب ابو بکر شافعی، از ابن شهاب و ابن مسیب و آنها را از سعد بن وقاص. و از ابو معاذ نحوی و ابو قتاده حرّانی، از سفیان ثوری، از هشام بن عروه، از عروه و او از عایشه. ۲- شرف النبی: خرگوشی ۳- کتاب الاعتقاد: اشنهی ۴- کتاب الرسالة: سمعانی ۵- اربعین: ابو صالح مؤذن ۶- فضائل العشرة: ابو السعادات

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳۷/...- المناقب: «۱» وَ دَخَلَ النَّبِيُّ ص عَلَى فَاطِمَةَ فَرَأَاهَا مُتَزَعِّجَةً فَقَالَ لَهَا مَا بِكِ فَقَالَتْ- الْحُمَيْرَاءُ افْتَخَرْتُ عَلَى أُمِّي أَنَّهَا لَمْ تَعْرِفْ رَجُلًا قَبْلَكَ وَإِنَّ أُمِّي عَرَفَتْهَا مُسِنَّةً فَقَالَ ص إِنَّ بَطْنَ أُمِّكَ كَانَ لِلْإِمَامَةِ وَعَاءً

ترجمه

روزی پیامبر خدا نزد فاطمه آمد و دید که وی ناراحت و غمگین است، پرسید: چه شده است؟ فاطمه گفت: عایشه بر مادرم خدیجه فخر فروشی کرده و می‌گوید: من قبل از پیامبر با کسی ازدواج نکرده بودم در حالی که مادر تو چنین نبود، من جوان هستم در حالی که او پیر زن بوده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه فرمود: رحم مادر تو این لیاقت و شایستگی را داشت که زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۸۲ فرزندی در خود پرورش دهد که امامان و رهبران این امت از او به وجود آیند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳۸/...- المناقب: «۱» ابْنُ عَبْدِ رَبِّهِ فِي الْعُقَدِ إِنَّ الْمُهَدِّيَّ رَأَى فِي مَنَامِهِ شَرِيكَ الْقَاضِي مَضِيَّوفاً وَجْهَهُ عَنْهُ فَلَمَّا انْتَبَهَ قَصَّ رُؤْيَاهُ عَلَى الرَّبِيعِ فَقَالَ إِنَّ شَرِيكَاً مُخَالَفٌ لَكَ وَإِنَّهُ فَاطِمِيٌّ مَخْصُصاً قَالَ الْمُهَدِّيُّ عَلَى بِشْرِيكَ فَأَتَى بِهِ فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ قَالَ بَلَعْنِي أَنَّكَ فَاطِمِيٌّ قَالَ أَعِيدُكَ بِاللَّهِ أَنْ تَكُونَ غَيْرَ فَاطِمِيٍّ إِلَّا أَنْ تَعْنِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ كِسْرَى قَالَ لَا وَلَكِنْ أَعْنِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ قَالَ فَتَلَعْنَهَا قَالَ لَا مَعَاذَ اللَّهِ قَالَ فَمَا تَقُولُ فِي مَنْ يَلْعَنُهَا قَالَ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ قَالَ فَالْعَنَ هَذَا يَغْنِي الرَّبِيعُ قَالَ لَا وَاللَّهِ مَا أَلْعَنُهَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَهُ شَرِيكَ يَا مَاجِنُ فَمَا ذَكَرَكَ لِسَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَابْنَهُ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ فِي مَجَالِسِ الرِّجَالِ قَالَ الْمُهَدِّيُّ فَمَا وَجْهُ الْمَنَامِ قَالَ إِنَّ رُؤْيَاكَ لَيْسَتْ بِرُؤْيَا يُوسُفَ ع وَإِنَّ الدَّمَاءَ لَمَّا تُسَيَّلُ بِالْأَحْلَامِ وَآتَى بِرَجُلٍ شَتَمَ فَاطِمَةَ إِلَى الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ فَقَالَ لِابْنِ غَانِمٍ انْظُرْ فِي أَمْرِهِ مَا تَقُولُ قَالَ يَجِبُ عَلَيْهِ الْحَدُّ قَالَ لَهُ الْفَضْلُ هِيَ ذَا أُمِّكَ إِنَّ حَدِّدْتَهُ فَأَمَرَ بِأَنْ يُضْرَبَ أَلْفَ سَوْطٍ وَيُصْلَبَ فِي الطَّرِيقِ

ترجمه

ابن عبد ربّه اندلسی (۳۲۸ هـ) روایت کرده است: مهدی عباسی در خواب دید که «شریک» قاضی صورت خود را از او برگردانیده، هنگامی که از خواب بیدار شد این خواب را برای ربیع که در آن زمان معبر خواب بود تعریف کرد و تعبیر آن را خواست. ربیع گفت: شریک با تو مخالف و از دوستان فاطمه علیها السلام می باشد. مهدی عباسی دستور داد تا شریک را به نزد وی بیاورند، پس او را حاضر کردند و مهدی عباسی به وی گفت: به من گزارش شده است که تو فاطمی هستی - یعنی از دوستان فاطمه و شیعه می باشی - شریک گفت: پناه می برم به خداوند از اینکه غیر فاطمی باشم، آیا منظور شما از فاطمه، فاطمه دختر کسری پادشاه ایران است؟ مهدی گفت: نه، مقصودم فاطمه دختر رسول خداست. شریک گفت: پس آیا تو فاطمه را پلید می دانی و او را لعن می کنی؟ مهدی عباسی گفت: هرگز، پناه بر خدا. شریک گفت: پس زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۸۳ در باره کسی که او را لعن می کند چه می گویی؟ مهدی گفت: خدا چنین کسی را لعنت کند. شریک گفت: پس ربیع را لعن کن. ربیع گفت: نه، ای امیر مؤمنان! به خداوند سوگند که من هرگز فاطمه را لعن نکرده ام. در این حال شریک به ربیع گفت: ای بد طینت! پس آن همه سخنانی که در مجالس مردان در باره سیده زنان دو عالم و دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می گفتی چه بود؟ مهدی گفت: پس تعبیر خوابی که من دیده ام چیست؟ شریک گفت: خواب تو که خواب یوسف نیست، و همانا خونها به واسطه خوابها حلال نمی شوند. و همین نویسندگان در کتابش عقد الفرید نقل کرده است: روزی مردی را نزد فضل بن ربیع آوردند که به حضرت فاطمه علیها السلام ناسزا گفته بود، فضل به ابن غانم گفت: نظریه تو در باره این مرد چیست؟ ابن غانم گفت: باید بر او حد جاری نمود. فضل گفت: چنان محکم نظر دادی مثل اینکه در باره مادر خودت سخن گفته باشی. و سپس فرمان داد تا هزار ضربه شلاق به آن مرد زدند و جنازه اش را در محل عبور مردم به دار آویختند تا عبرت سایرین گردد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۳/۱۳۹- المناقب رَوَى أَنَّ فَاطِمَةَ تَمَنَّتْ وَكِيلًا عِنْدَ غَزَاهُ عَلِيٌّ عَ فَتَزَلَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخَذَهُ وَكِيلًا «۱»

ترجمه:

روایت شده است: حضرت فاطمه علیها السلام در زمانهایی که علی علیه السلام به جنگ می رفت از او می خواست که برای تصدی وظایفش در خارج خانه و تأمین نیازمندیهای فرزندان، وکیلی تعیین نماید که در این خصوص آیه: رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، فَاتَّخَذَهُ وَكِيلًا یعنی: «پروردگار مشرق و مغرب همان کسی است که غیر از او اله و معبودی نیست، پس او را وکیل بگیر و بر او توکل کن»، بر پیغمبر نازل شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴۰/...- المناقب: «۲» صَحِيحُ الدَّارَقُطْنِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ أَمَرَ بِقَطْعِ لِصٍّ فَقَالَ اللَّصُّ يَا زَنْدِگَانِي حَضْرَتُ زَهْرَا عَلِيهَا

السلام (روحانی)، ص: ۲۸۴ رَسُولَ اللَّهِ قَدَّمَتْهُ فِي الْإِسْلَامِ وَ تَأْمُرُهُ بِالْقَطْعِ فَقَالَ لَوْ كَانَتْ ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَسَمِعْتُ فَاطِمَةَ فَحَزَنْتُ فَتَزَلَّ جَبْرِئِيلُ يَقُولُهُ لَيْسَ أَشْرَكَتَ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ «۱» فَحَزَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَتَزَلَّ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهُمَا إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا «۲» فَتَعَجَّبَ النَّبِيُّ مِنْ ذَلِكَ فَتَزَلَّ جَبْرِئِيلُ وَقَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ حَزَنْتُ مِنْ قَوْلِكَ فَهَذِهِ آيَاتُ لِمُوَافَقَتِهَا لِتَرْضَى بِيَانِ لَعَلَّ الْمَعْنَى أَنَّ هَذِهِ الْآيَاتُ نَزَلَتْ لِتَعْلَمَ فَاطِمَةُ أَنَّ مِثْلَ هَذَا الْكَلَامِ الْمَشْرُوطِ لَا يَنَافِي جَلَالَهُ الْمَخَاطَبِ وَالْمَسْنَدِ إِلَيْهِ وَ بَرَاءَتِهِ لَوْ قُوعَ ذَلِكَ بِالنِّسْبَةِ إِلَى الرَّسُولِ ص مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ لِيَبَيِّنَ أَنَّ قَطْعَ يَدِ فَاطِمَةَ بِمَنْزِلَةِ الشَّرِكِ أَوْ أَنَّ هَذَا النُّوعَ مِنَ الْخُطَابِ الْمُرَادُ بِهِ الْأُمَّةُ إِنَّمَا صَدَرَ لِمَصْدُورِ هَذَا النُّوعِ مِنَ الْكَلَامِ بِالنِّسْبَةِ إِلَى فَاطِمَةَ فَكَانَ خِلَافًا لِلْأُولَى وَالْأَوَّلِ أَصُوبٌ وَ أَوْفَقُ بِالْأَصُولِ

ترجمه:

اشاره

دارقطنی بغدادی (۳۸۵ هـ) در کتاب خود آورده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمان داد تا دست دزدی را قطع کنند، دزد گفت: این دست را در اسلام تقدیم کرده‌ام ولی اکنون فرمان به قطع آن می‌دهی؟ پیامبر فرمود: اگر دخترم فاطمه نیز چنین کاری را انجام داده بود دست او را نیز قطع می‌کردم. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام این سخن را شنید اندوهگین گردید پس جبرئیل فرود آمد و این آیه را برای او تلاوت نمود: «اگر برای خدا شریک قائل شوی ثواب عمل تو از بین خواهد رفت»، و پس از نزول این آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محزون گردید، پس آیه ذیل نازل گردید: «اگر غیر از خدای یگانه خدایان دیگری نیز وجود داشتند همانا جهان خلقت در هم می‌ریخت و همه امور فاسد و تباه می‌شد». با نزول این آیه، پیامبر اسلام متعجب گردید و لذا جبرئیل فرود آمده و گفت: چون حضرت فاطمه علیها السلام از آن سخن تو دلگیر شد لذا این آیات برای جلب رضایت او نازل گردید.

بیان

علامه مجلسی در توضیح این روایت گوید: شاید منظور از نزول این آیات تعلیم حضرت فاطمه علیها السلام بوده باشد به اینکه به کار بردن مثل این تعبیر - یعنی: اگر فاطمه هم مرتکب این عمل می‌شد دستش را قطع می‌کردم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۸۵ منافاتی با عظمت شأن مخاطب و براءت او ندارد، و شاید منظور این باشد که قطع دست فاطمه علیها السلام به منزله شرک می‌باشد، و شاید مقصود از این کلام آن باشد که امت بدانند در اجرای احکام و حدود تفاوتی بین افراد وجود ندارد. و سپس علامه گوید: احتمال اول قوی‌تر و موافق با اصول مسلم و پذیرفته شده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۴/۱۴۱- المناقب «۱» سُبُلُ الصَّادِقِ عَنْ مَعْنَى حَيٍّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ فَقَالَ خَيْرُ الْعَمَلِ بِرُّ فَاطِمَةَ وَ وُلْدُهَا وَ فِي خَيْرِ آخِرِ الْوَلَايَةِ

ترجمه

از امام صادق علیه السلام در باره معنی حَى علی خیر العمل سؤال شد فرمودند: همانا عمل خیر عبارت از نیکی و محبت نسبت به فاطمه و فرزندان اوست. و در روایت دیگری آمده است: عمل خیر عبارت از ولایت فاطمه و اولاد اوست.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴۲/... - المناقب: (۳) أَبُو صَالِحٍ فِي الْأَرْبَعِينَ عَنْ أَبِي حَامِدٍ الْأَسْفَرَايِينِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَوَّلُ شَخْصٍ تَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ (۴)

ترجمه

رسول خدا فرماید: اولین کسی که داخل بهشت می گردد حضرت فاطمه علیها السلام است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴۳/... - المناقب: (۱) عَنْ النَّبِيِّ ص قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ وَجْهَهُ ثُمَّ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ فَقَذَفَهُ فَأَصْبَحَ ابْنِي ثُلُثُ النُّورِ وَأَصَابَ فَاطِمَةَ ثُلُثُ النُّورِ وَأَصَابَ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى إِلَى وَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَنْ لَمْ يُصِبْ بِهِ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: هنگامی که خداوند بهشت را آفرید، خلقت آن را از نور وجه خود قرار داد، سپس آن نور را گرفته و پرتاب نمود، پس یک سوم آن نصیب من گردید و یک سوم آن نصیب فاطمه و یک سوم باقیمانده نصیب علی و فرزندان او گردید. پس هر کس که از آن نور بهره ای برده باشد به ولایت و محبت آل محمد هدایت می شود و کسی که چیزی از آن نور به او نرسیده باشد، از ولایت آنها بی نصیب می ماند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴۴/... - المناقب: (۲) الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الصَّادِقِ ع وَ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنِ الْبَاقِرِ ع قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُصْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا (۳)

ترجمه

پیامبر خدا فرماید: همانا خداوند به سبب غضب فاطمه غضبناک و به سبب رضای او خشنود می گردد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴۵/...- المناقب: «۱» ابْنُ شُرَيْحٍ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ ع وَ أَبُو سَعِيدٍ الْوَاعِظُ فِي شَرَفِ النَّبِيِّ ص عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَدِّ فِي الْفَضَائِلِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْعُكْبَرِيُّ فِي الْإِبَانَةِ وَ مُحَمَّدُ الْأَسْفَرَايِينِيُّ فِي الدِّيَانَةِ رَوَوْا جَمِيعاً أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُضْبِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ «۲»

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام فرماید: ای فاطمه! همانا خداوند به سبب غضب تو غضبناک، و به خشنودی تو خشنود می گردد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴۶/...- المناقب: «۱» أَبُو بَكْرٍ مَرْدَوِيهِ فِي كِتَابِهِ بِالْإِسْنَادِ عَنْ سَيِّدِ الْأَوْسِيِّ قَالَ النَّبِيُّ ص حَدَّثَنِي جَبْرِئِيلُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا زَوَّجَ فَاطِمَةَ عَلِيّاً أَمَرَ رِضْوَانَ فَأَمَرَ شَجَرَةَ طُوبَى فَحَمَلَتْ رِقَاعاً لِمُجَبِّي آلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ أَمْطَرَهَا مَلَائِكَةً مِنْ نُورٍ بَعْدَ تَيْكِ الرِّقَاعِ فَأَخَذَ تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ الرِّقَاعَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ اسْتَوَتْ بِأَهْلِهَا أَهْبَطَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ بِتِلْكَ الرِّقَاعِ إِذَا لَقِيَ مَلَكٌ مِنْ تِلْكَ الْمَلَائِكَةِ رَجُلًا مِنْ مُجَبِّي آلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ دَفَعَ إِلَيْهِ رُقْعَةً بَرَاءَةٍ مِنَ النَّارِ

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گوید: جبرئیل به من گفت: هنگامی که خدای تعالی فاطمه را برای علی (علیهما السلام) تزویج کرد، به رضوان (خازن بهشت) امر کرد تا رقعها و نوشته‌هایی را برای محبان و دوستان آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، بر درخت طوبی بیاویزد آنگاه ملائکه‌ای نورانی به تعداد رقعهای مذکور فرود آمدند و آن صفحات را برداشتند. در روز قیامت خداوند متعال آن ملائک را بازمی گرداند تا هر گاه یکی از محبان آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدند یکی از آن صفحه‌ها را که در آنها براءت از جهنم نوشته شده است به او بدهند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴۷/...- المناقب: «۱» وَ حِجَاءٍ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْكُتُبِ مِنْهَا كَشَفُ النَّعْلِيِّ وَ فَضَائِلُ أَبِي السَّعَادَاتِ فِي مَعْنَى قَوْلِهِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْساً وَ لَا زَمْهَريراً «۲» أَنَّهُ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ بَيْنَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ بَعِيداً مَا سَكُنُوا رَأَوْا نُوراً أَضَاءَ الْجَنَانَ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَنَّةِ يَا رَبِّ إِنَّكَ قَدْ قُلْتَ فِي

كِتَابِكَ الْمُنَزَّلَ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا قَيْنَادِي مُنَادٍ لَيْسَ هَذَا نُورَ الشَّمْسِ وَلَا نُورَ الْقَمَرِ وَإِنَّ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ تَعَجَّبَا مِنْ شَيْءٍ فَضَحِكَا فَأَشْرَقَتِ الْجَنَانُ مِنْ نُورِهِمَا

ترجمه

ابن شهر آشوب گوید: در کتابهای بسیاری و از آن جمله در الکشف و البیان فی تفسیر القرآن نوشته ثعلبی (۴۲۷ هـ) و فضائل العشرة نوشته ابو السعادات در تفسیر آیه: اهل بهشت آفتاب و سرمایی نمی بینند، از ابن عباس نقل کرده اند: پس از آنکه اهل بهشت در آن ساکن می شوند نوری را مشاهده می کنند که بهشت را نورانی کرده است لذا سؤال می کنند: پروردگارا! تو در قرآنی که بر پیامبر خود نازل کردی فرموده ای که در بهشت آفتاب را نمی بینند؟ در این حال منادی ندا می دهد: این نور خورشید و ماه نیست، بلکه علی و فاطمه علیهما السلام از موضوعی تعجب کرده و خندیدند، پس این نور از ایشان ساطع گردید و بهشت را روشن نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴۸/....- المناقب: (۳) «أَبُو عَلِيٍّ الصُّوْلِيُّ فِي اخْتِيَارِ فَاطِمَةَ وَ أَبُو السَّعْيَادَاتِ فِي فَضَائِلِ الْعَشْرَةِ بِإِسْنَادٍ عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ قَالَ بَعَثَنِي النَّبِيُّ ص أَدْعُو عَلِيًّا فَأَتَيْتُ بَيْتَهُ وَ نَادَيْتُهُ فَلَمْ يُجِبْنِي فَأَخْبَرْتُ النَّبِيَّ ص فَقَالَ عُذْ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ فِي الْبَيْتِ وَ دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَرَأَيْتُ الرَّحَى تَطْحَنُ وَ لَمَّا أَحْيَدَ عِنْدَهَا فَقُلْتُ لِعَلِّي إِنْ النَّبِيَّ ص يَدْعُوكَ فَخَرَجَ مُتَوَحِّشًا حَتَّى أَتَى النَّبِيَّ ص فَأَخْبَرْتُ النَّبِيَّ ص بِمَا رَأَيْتُ فَقَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ لَا تَعَجَّبْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحُونَ فِي الْأَرْضِ مُوَكَّلُونَ بِمَعُونَةِ آلِ مُحَمَّدٍ (۴)»

ترجمه

ابن شهر آشوب گوید: ابو علی صولی در کتاب اخبار فاطمه و ابو السعادات در فضائل العشرة به اسناد خود از ابو ذر غفاری نقل کرده اند که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا فرستاد تا علی علیه السلام را یافته به حضورش بیاورم، پس به خانه علی علیه السلام رفتم و او را صدا زدم ولی جوابی نشنیدم. نزد پیامبر آمده به او عرض کردم که علی در خانه نیست. پیامبر فرمود: برگرد که علی در خانه است. و برگشتم و هنگامی که داخل خانه علی شدم دیدم که آسیا به خودی خود می چرخد و کسی هم در آنجا نیست. به علی علیه السلام گفتم: پیامبر تو را خواسته است. علی به سرعت از خانه خارج شده به حضور پیامبر آمد، و من قصه آسیا را برای پیامبر نقل نمودم. ایشان فرمود: ای ابو ذر! تعجب نکن، زیرا خدا فرشتگانی دارد که در زمین می گردند و وظیفه ایشان یاری رساندن به آل محمد است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴۹/....- المناقب: (۱) «الْحَسَنُ الْبَصِيرِيُّ وَ ابْنُ إِسْحَاقَ عَنْ عَمَّارٍ وَ مَيْمُونَةَ أَنَّ كِلَيْهِمَا قَالَا وَجَدْتُ فَاطِمَةَ نَائِمَةً وَ الرَّحَى تَدُورُ فَأَخْبَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ بِذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَلِمَ ضَعْفَ أَمَتِهِ فَأَوْحَى إِلَى الرَّحَى أَنْ تَدُورَ فَدَارَتْ - وَ قَدْ رَوَاهُ أَبُو الْقَاسِمِ الْبُخْتِيُّ فِي مَنَاقِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَدَّنُ فِي الْأَرْبَعِينَ عَنِ الشَّعْبِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مَيْمُونَةَ وَ ابْنِ قِيَاضٍ فِي شَرْحِ الْأَخْبَارِ

ترجمه

حسن بصری و ابن اسحاق، از عمار و میمونه روایت کرده‌اند: دیده شد که فاطمه علیها السلام خواب است و آسیا کار می‌کند، پس این امر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گزارش شد و ایشان فرمودند: همانا خداوند ضعیف و ناتوانی فاطمه را مشاهده نمود لذا به آسیا فرمان داد که به خودی خود بچرخد. این روایت را ابو القاسم بستی (حدود ۴۰۰ هـ) در مناقب امیر المؤمنین علیه السلام و ابو صالح مؤذن در اربعین، از شعبی، به صورت مسند از میمونه، و نیز ابن فیاض در شرح الاخبار روایت کرده‌اند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵۰/...- المناقب: «۱» وَ رُویَ أَنَّهَا عَزَبَتْ بِصَلَاتِهَا وَ عِبَادَتِهَا فَرُبَّمَا بَكَیَ وَ لَدَهَا فَرَأَى الْمَهْدَ یَتَحَرَّکُ وَ کَانَ مَلَكٌ یُحَرِّکُهُ

ترجمه

ابن شهر آشوب گوید: و روایت شده: گاهی اتفاق می‌افتاد که فاطمه علیها السلام به نماز و عبادت اشتغال داشته و در این حال فرزندش گریه می‌کرد، و مشاهده می‌شد که گهواره کودک به خودی خود حرکت می‌کند، و علت آن این بوده که فرشته‌ای آن را به حرکت در می‌آورد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵۱/...- المناقب: «۲» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَ سَلَامًا إِلَى فَاطِمَةَ قَالَتْ فَوَقَفْتُ بِالْبَابِ وَفَقَهُ حَتَّى سَلَّمْتُ فَسَجَعْتُ فَاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوْاءَ الرَّحَى تَدُورُ مِنْ بَرٍّ وَ مَا عِنْدَهَا أَنْيَسُ وَ قَالَ فِي آخِرِ الْخَبَرِ فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَ وَ قَالَ يَا سَلَامًا إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشَتِهَا تَفَرَّغَتْ لِعَطَائِهِ اللَّهُ فَبَعَثَ اللَّهُ مَلَكًا اسْمُهُ زُوقَايِلُ وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ جَبْرَيْلُ فَأَدَارَ لَهَا الرَّحَى وَ كَفَاهَا اللَّهُ مَثْوَنَةَ الدُّنْيَا مَعَ مَثْوَنَةِ الْآخِرَةِ بَيَانُ الْمَرَادِ بِالْجَوَاءِ دَاخِلُ الْبَيْتِ وَ بِالْبَرِّ خَارِجُهُ وَ لَمْ أَظْفَرْ بِهِمَا فِي اللُّغَةِ نَعَمْ قَالَ فِي النِّهَايَةِ - فِي حَدِيثِ سَلَامَانَ مَنْ أَصْلَحَ جَوَائِئُهُ أَصْلَحَ اللَّهُ بَرَائِيَّهَ أَرَادَ بِالْبَرَانِي الْعَلَانِيَّةَ وَ الْأَلْفَ وَ النُّونَ مِنْ زِيَادَاتِ النِّسْبِ وَ أَصْلُهُ مِنْ قَوْلِهِمْ خَرَجَ فُلَانٌ بَرًّا أَيْ خَرَجَ إِلَى الْبَرِّ وَ الصَّحْرَاءِ وَ قَالَ الْفَيْرُوزُ أَدَادِي الْجَوَّ دَاخِلُ الْبَيْتِ كَالْجَوَانِيَّةِ وَ قَالَ فِي النِّهَايَةِ فِي صِفَتِهِ صَ جَلِيلُ الْمَشَاشِ أَيْ عَظِيمُ رِءُوسِ الْعِظَامِ كَالْمَرْفَقَيْنِ وَ الْكَعْبَيْنِ وَ الرُّكْبَتَيْنِ وَ قَالَ الْجَوْهَرِيُّ هِيَ رِءُوسُ الْعِظَامِ اللَّيْنَةُ الَّتِي يُمْكِنُ مَضْغُهَا وَ مِنْهُ - الْحَدِيثُ مَلَى عَمَارَ إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهِ انْتَهَى

ترجمه

امام محمد باقر علیه السلام فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلمان را نزد فاطمه فرستاد. سلمان می‌گوید: من بر درب خانه ایستاده و سلام کردم، و شنیدم که فاطمه در داخل خانه مشغول تلاوت قرآن است و آسیا می‌چرخید در حالی که کسی در

آنجا نبود ... و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۹۲ سلمان رحمه الله در آخر روایت می گوید: وقتی این مطالب را به عرض رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسانیدم وی تبسمی کرده فرمود: ای سلمان! همانا خداوند متعال قلب و جوارح دخترم فاطمه را از ایمان مملو نموده است، لذا وی بدون دغدغه مشغول عبادت پروردگار می باشد، پس خداوند ملکی به نام زوقایل - و در روایت دیگری به جای وی جبرئیل آمده است - مأمور نموده تا آسیا را بگرداند. و خداوند کارهای دنیا و آخرت فاطمه را عهده دار شده و او را کفایت می نماید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵۲ / ۴۵- المناقب «۱» عَلِيُّ بْنُ مَعْمَرٍ قَالَ خَرَجْتُ أُمُّ أَيُّمَنَ إِلَى مَكَّةَ لَمَّا تُؤَفِّتُ فَاطِمَةُ ع وَ قَالَتْ لَا أَرَى الْمَدِينَةَ بَعْدَهَا فَأَصَابَهَا عَطَشٌ شَدِيدٌ فِي الْجُحْفَةِ حَتَّى خَافَتْ عَلَى نَفْسِهَا قَالَ فَكَسِرَتْ عَيْنَيْهَا نَحْوَ السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَتْ يَا رَبِّ أُنْعِشْنِي وَ أَنَا خَادِمَةُ بِنْتِ نَبِيِّكَ قَالَ فَتَزَلَّ إِلَيْهَا دَلْوٌ مِنْ مَاءِ الْجَنَّةِ فَشَرِبَتْ وَ لَمْ تَجْعُ وَ لَمْ تَطْعَمْ سَبْعَ سِنِينَ بَيَانُ قَالَ الْفَيْرُوزِ أَدَايَ كَسْرٍ مِنْ طَرَفِهِ غَضٌ

ترجمه

: علی بن معمر روایت کرده: ام ایمن پس از رحلت حضرت فاطمه علیها السلام گفت: نمی توانم جای فاطمه را در مدینه خالی بینم. و لذا از مدینه خارج و به سوی مکه حرکت کرد، در بین راه، در محلی به نام «جحفه» عطش و تشنگی شدیدی بر او غلبه کرد به طوری که ترسید که مبادا در اثر تشنگی از دنیا برود، پس چشمان خود را به آسمان دوخته عرضه داشت: خداوند! آیا مرا تشنه می گذاری در حالی که من خادم دختر پیامبرت بوده ام؟! علی بن معمر گوید: در این حال دلوی آب از آبهای بهشتی برای او فرود آمد، پس بعد از نوشیدن از آن آب، تا هفت سال گرسنه نشد و چیزی نخورد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵۳ / ۴۶- المناقب «۲» مَالِكُ بْنُ دِينَارٍ رَأَيْتُ فِي مُودَعِ الْحِجِّ امْرَأَةً ضَعِيفَةً عَلَى دَابَّةٍ نَحِيفَةٍ وَ النَّاسُ يَنْصِرُ حُونَهَا لِتَنْكَصَ فَلَمَّا تَوَسَّطْنَا الْبَادِيَةَ كَلَّتْ دَابَّتُهَا فَعَدَلْتُهَا فِي إِيَّانِهَا فَرَفَعَتْ رَأْسَهَا زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۹۳ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَتْ لَا فِي بَيْتِي تَرْكُنِي وَ لَمَّا إِلَى بَيْتِكَ حَمَلْتَنِي فَوَّ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لَوْ فَعَلَ بِي هَذَا غَيْرُكَ لَمَّا شَكُوْتُهُ إِلَّا إِلَيْكَ فَإِذَا شَخْصٌ أَتَاهَا مِنَ الْفَيْفَاءِ وَ فِي يَدِهِ زِمَامٌ نَاقَهُ فَقَالَ لَهَا ارْكَبِي فَرَكِبَتْ وَ سَارَتِ النَّاقَةُ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ فَلَمَّا بَلَغَتْ الْمَطَافَ رَأَيْتُهَا تَطُوفُ فَحَلَفْتُهَا مَنْ أَنْتَ فَقَالَتْ أَنَا شُهْرَةُ بِنْتُ مُشَكَّةَ بِنْتِ فَضَّةَ خَادِمَةِ الزَّهْرَاءِ ع

ترجمه

: مالک بن دینار گوید: در موسم حج زن ضعیفی را دیدم که بر شتری نحیف سوار است، مردم او را نصیحت می کردند که با آن شتر به صحرا نرود و باز گردد ولی او توجهی نکرد و همراه بقیه مردم به راه افتاد. هنگامی که مقداری از راه را در بادیه طی کردیم شتر مذکور تحمل رفتن را از دست داده و ایستاد، آن زن شتر را سرزنش می کرد و نهیب می زد ولی فایده ای نداشت، پس سرش را

به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! نه مرا در خانه‌ام گذاشتی، و نه به خانه خودت رسانیدی، تو را به عزّت و جلالت سوگند می‌دهم که در کار من گشایشی دهی، و الله که اگر کسی غیر از تو این عمل را با من انجام داده بود شکایت او را به سوی تو می‌آوردم. مالک بن دینار گوید: در این حال ناگهان شخصی نزد او آمد که ناقه‌ای - شتری ماده به همراه داشت و به آن زن گفت: سوار شو! هنگامی که وی سوار شتر گردید آن حیوان با سرعت عجیبی حرکت کرد. زمانی که من مشغول طواف خانه خدا بودم، آن زن را دیدم که طواف می‌کرد، پس او را سوگند دادم و خواستم که خود را معرفی کند، گفت: من «شهره» دختر «مسکه» دختر «فضّه» خادم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام - یعنی نوه فضّه - هستم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵۴/.... - المناقب: (۱) «وَرَهْنَتْ عِ كِسْوَةَ لَهَا عِنْدَ امْرَأَةٍ زَيْدٍ الْيَهُودِيَّ فِي الْمَدِينَةِ وَاسْتَفْرَضَتِ الشَّعِيرَ فَلَمَّا دَخَلَ زَيْدٌ دَارَهُ قَالَ مَا هَذِهِ الْأَنْوَارُ فِي دَارِنَا قَالَتْ لِكِسْوَةِ فَاطِمَةَ فَأَسْلَمَ فِي الْحَالِ وَأَسْلَمَتِ امْرَأَتُهُ وَجِيرَانُهُ حَتَّى أَسْلَمَ ثَمَانُونَ نَفْسًا

ترجمه

: ابن شهر آشوب گوید: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۹۴ حضرت فاطمه علیها السلام یکی از لباسهایش را نزد زن یک یهودی به نام زید به عنوان وثیقه و ضمانت قرار داد و مقداری جو قرض گرفت. هنگامی که زید یهودی داخل خانه‌اش شد، نوری را مشاهده کرد و از همسرش پرسید: این نور از چیست؟ زن گفت: از این لباسی است که فاطمه نزد من گرو گذاشته است. پس آن یهودی و همسرش فوراً مسلمان شدند و با اسلام آوردن آنان هشتاد نفر از یهودیانی که همسایه وی بودند مسلمان شدند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵۵/.... - المناقب: (۱) «وَسَأَلْتُ عِ رَسُولِ اللَّهِ صِ خَاتِمًا فَقَالَ أَلَا أَعْلَمُكَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنَ الْخَاتَمِ إِذَا صِلَيْتِ صِلَاءَ اللَّيْلِ فَاطْلُبِي مِنَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا خَاتِمًا فَإِنَّكَ تَنَالِينَ حَاجَتِكَ قَالَ فَمَدَعْتُ رَبَّهَا تَعَالَى فَإِذَا بِهَا تَفِ يَهْتَفُ يَا فَاطِمَةُ الَّذِي طَلَبْتِ مِنِّي تَحْتَ الْمُصَلَّى فَرَفَعَتِ الْمُصَلَّى فَإِذَا الْخَاتَمُ يَأْقُوتُ لَا قِيَمَةَ لَهُ فَجَعَلْتُهُ فِي إِصْبَعِهَا وَفَرِحْتُ فَلَمَّا نَامَتْ مِنْ لَيْلَتِهَا رَأَتْ فِي مَنَامِهَا كَأَنَّهَا فِي الْجَنَّةِ فَرَأَتْ ثَلَاثَةَ قُصُورٍ لَمْ تُرْ فِي الْجَنَّةِ مِثْلُهَا قَالَتْ لِمَنْ هَذِهِ الْقُصُورُ قَالُوا لِفَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ قَالَتْ فَكَأَنَّهَا دَخَلَتْ قُصِيرًا مِنْ ذَلِكَ وَدَارَتْ فِيهِ فَرَأَتْ سَرِيرًا قَدْ مَيَّالَ عَلَى ثَلَاثِ قَوَائِمٍ فَقَالَتْ عِ مَا لِهَذَا السَّرِيرِ قَدْ مَالَتْ عَلَى ثَلَاثٍ قَالُوا لِأَنَّ صَاحِبَتَهُ طَلَبَتْ مِنَ اللَّهِ خَاتِمًا فَتَزَعَّ أَحَدُ الْقَوَائِمِ وَصَبَّغَ لَهَا خَاتِمًا وَبَقِيَ السَّرِيرُ عَلَى ثَلَاثِ قَوَائِمٍ فَلَمَّا أَصْبَحْتُ دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صِ وَقَصَّصْتُ الْقِصَّةَ فَقَالَ النَّبِيُّ صِ مَعَاشِرَ آلِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَيْسَ لَكُمْ الدُّنْيَا إِنَّمَا لَكُمْ الْآخِرَةُ وَمِعَادُكُمْ الْجَنَّةُ مَا تَصْنَعُونَ بِالدُّنْيَا فَإِنَّهَا زَائِلَةٌ غَرَارَةٌ فَأَمَرَهَا النَّبِيُّ صِ أَنْ تَرُدَّ الْخَاتَمَ تَحْتَ الْمُصَلَّى فَرَدَّتْ ثُمَّ نَامَتْ عَلَى الْمُصَلَّى فَرَأَتْ فِي الْمَنَامِ أَنَّهَا دَخَلَتْ الْجَنَّةَ فَدَخَلَتْ ذَلِكَ الْقُصِيرَ وَرَأَتْ السَّرِيرَ عَلَى أَرْبَعِ قَوَائِمٍ فَسَأَلَتْ عَنْ حَالِهِ فَقَالُوا رَدَّتِ الْخَاتَمَ وَرَجَعَ السَّرِيرُ إِلَى هَيْئَتِهِ

ترجمه

: ابن شهر آشوب به نقل از تفسیر ثعلبی گوید: حضرت فاطمه علیها السلام از رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم یک انگشت خواست، پیامبر به وی فرمود: آیا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۹۵ می‌خواهی چیزی را به تو تعلیم دهم که بهتر از آنچه می‌خواهی باشد؟ پس هر گاه نماز شب به جای آوردی از خدای عزّ و جلّ مطالبه انگشتی کن تا برایت برآورده سازد. راوی گوید: پس همان طور که پیامبر فرموده بود، حضرت فاطمه علیها السلام دعا کرد پس ندا آمد: ای فاطمه! آنچه خواستی در زیر جانماز تو حاضر است، هنگامی که فاطمه علیها السلام جانماز را کنار زد با انگشت یاقوتی مواجه گردید که بسیار گرانبها بود، آن را در دست کرد و خوشحال شد. هنگامی که شب شد و حضرت فاطمه علیها السلام به خواب رفت در خواب دید که گویا در بهشت است، پس سه قصر را مشاهده کرد که در میان قصرهای بهشت نظیر و مانند نداشتند، پرسید: این قصرها به چه کسی تعلق دارد؟ گفتند: به فاطمه دختر محمّد صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم. سپس دید که داخل یکی از آن قصرها شده و با تختی روبرو گردید که دارای سه پایه بود، پرسید: چرا این تخت سه پایه دارد؟ گفتند: زیرا صاحب آن از خداوند انگشتی خواست لذا یک پایه آن را در آورده و از آن انگشتی ساختند. وقتی صبح فرا رسید حضرت فاطمه نزد پیامبر رفته رؤیای خود را برای آن حضرت شرح داد، پیامبر فرمود: ای خاندان عبد المطلب! دنیا برای شما نیست و در مقابل آن آخرت را برای شما مهیا کرده‌اند، وعده گاه شما بهشت است، دنیا را برای چه می‌خواهید در حالی که از بین رفتنی و بسیار فریبنده است. پس پیامبر به فاطمه فرمود تا آن انگشت را در زیر مصلّا و جانماز قرار دهد، پس وی نیز چنان کرد، و هنگامی که به خواب رفت، در خواب دید که گویا وارد بهشت و آن قصر گردیده است، و آن تخت را مشاهده نمود در حالی که چهار پایه داشت، پس در باره آن سؤال کرد گفتند: آن انگشت بازگشت لذا این تخت به صورت اولی‌اش در آمده و دارای چهار پایه گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵۶/...- المناقب: (۱) أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ فِي اخْتِيارِ الرِّجَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ أَنَّهُ لَمَّا اسْتُخْرِجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مِنْ مَنَزِلِهِ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَى زَنْدِكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۲۹۶ الْقَبْرِ فَقَالَتْ خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِّي فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَئِنْ لَمْ تُخَلُّوا عَنْهُ لَأَنْشُرَنَّ شَعْرِي وَلَأَضَعَنَّ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ ص عَلَى رَأْسِي وَلَأَضْرِبَنَّ إِلَى اللَّهِ فَمَا نَافَقُهُ صَالِحٌ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ وَلَدِي قَالَ سَلْمَانُ فَرَأَيْتُ وَاللَّهِ أَسَاسَ حَيْطَانِ الْمَشِيجِ تَقَلَّعْتُ مِنْ أَشْفَلِهَا حَتَّى لَوْ أَرَادَ رَجُلٌ أَنْ يَنْفَعِدَ مِنْ تَحْتِهَا نَفَذَ فَنَدَنُوتُ مِنْهَا وَقُلْتُ يَا سَيِّدَتِي وَمَوْلَاتِي إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ أَبَاكَ رَحِمَةً فَلَا تُكُونِي نَقِمَةً فَرَجَعَتِ الْحَيْطَانُ حَتَّى سَطَعَتِ الْعَبْرَةُ مِنْ أَسْفَلِهَا فَدَخَلَتْ فِي خِيَاشِيمِنَا

ترجمه

: سلمان فارسی رحمه الله گوید: هنگامی که پس از بیعت سقیفه، علی علیه السلام را به زور از خانه‌اش خارج نموده و نزد ابو بکر می‌بردند تا بیعت نماید، حضرت فاطمه علیها السلام از خانه خارج شد و نزد قبر پدرش رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم آمده و گفت: پسر عموی مرا رها کنید، به حقّ خداوندی که محمّد را به حقّ مبعوث کرده، اگر علی را رها نکنید موهای سرم را پریشان می‌کنم و پیراهن رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم را بر سر می‌گذارم و شما را نفرین می‌کنم، به خداوند سوگند که نافه صالح

در نزد خدا، عزیزتر از فرزندان من نبود. سلمان می گوید: به خداوند سوگند دیدم که پایه های دیوار مسجد از جا کنده می شود به طوری که اگر کسی بخواهد می تواند از آنجا داخل مسجد گردد، پس به نزد حضرت فاطمه علیها السلام رفتم و به او گفتم: ای سرور و مولای من! ای بانوی بزرگ! خداوند متعال پدر شما را مبعوث فرمود تا رحمت برای عالمیان باشد، پس شما نعمت و عذاب را برای آنها نخواهید و نفرینشان نکنید. در این حال دیدم که پایه ها به جای خود بازگشتند و از زیر آنها چنان گرد و خاکی برخاست که داخل بینی های ما شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵۸/....- المناقب: «۱» بُرِيْدَةُ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ خَيَّرَنِي فَاسْتَنْظَرْتُهِ إِلَى نُزُولِ جِبْرِئِيلَ فَتَجَلَّى ابْنَتُهُ فَاطِمَةُ الْعُشَيْ فَقَالَ لَهَا يَا بِنْتِي اخْفِظِي عَلَيْكَ فَإِنَّكَ وَ بَعْلِكَ وَ ابْنَيْكَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ

ترجمه

: بریده اسلمی گوید: پیامبر فرمود: هنگامی که ملک الموت نزد من آمد و گفت که مرا انتخاب نموده، به او گفتم: منتظر بمان تا جبرئیل نازل شود. پس دخترش فاطمه علیها السلام غش کرد و رسول خدا به او فرمود: دخترم! خود را حفظ کن، زیرا تو و شوهر و فرزندان همراه من در بهشت خواهید بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵۸/....- المناقب: «۱» بُشِّرْتُ مَرْيَمَ بِوَلَدِهَا إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ «۲» وَ بُشِّرْتُ فَاطِمَةَ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ النَّبِيَّ ص بَشَّرَهَا عِنْدَ وَلَدَةِ كُلِّ مِنْهُمَا بِأَنْ يَقُولَ لَهَا لِيَهْنُتْكَ أَنْ وَلَدْتَ إِمَامًا يَسُودُ أَهْلَ الْجَنَّةِ وَ أَكْمَلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ فِي عَقِبِهَا قَوْلُهُ وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ «۳» يَعْنِي عَلِيًّا ع أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَتْ مُدَّةَ حَمْلِهَا تِسْعَ سَاعَاتٍ وَ وَلَدَتْ فَاطِمَةَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَ بَيْنَهُمَا سِتَّةُ أَشْهُرٍ عَلَى رِوَايَةٍ وَ رَدَّتْ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص وَ شَرَفَ النَّاسَ بِأَيَّائِهِمْ وَ نَذَرَتْ أُمُّ مَرْيَمَ لِلَّهِ مُحَرَّرًا وَ مُحَمَّدٌ ص أَكْثَرَ الْخَلْقِ تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ فِي سَائِرِ الْأَحْوَالِ وَ ذَلِكَ يُوجِبُ أَنْ يَكُونَ قَدْ أَتَى عِنْدَ أَنْ سَأَلَهُ الزَّهْرَاءُ ع بِأُضْعَافٍ مَا قَالَتْ أُمُّ مَرْيَمَ بِمُوجِبِ فَضْلِهِ عَلَى الْخَلَائِقِ وَ كَانَ نَذْرُهَا مِنْ قَبْلِ الْأُمِّ وَ هُوَ يَقْتَضِي تَنْصُفَ مَنْزِلَتِهِ مِمَّا يَنْذِرُهُ الْأَبُ قَوْلُهُ وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا «۴» وَ الزَّهْرَاءُ كَفَّلَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ لَا خِلَافَ فِي فَضْلِ كَفَالَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص عَلَى كُلِّ كَفَالَةٍ وَ كَفَالَةِ الْيَتِيمِ مَنْدُوبٍ إِلَيْهَا وَ كَفَالَةُ الْوَلَدِ وَاجِبَةٌ وَ لَدَتْ مَرْيَمُ بَعِيسَى ع فِي أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ وَلَدَتْ فَاطِمَةَ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ زَنْدْكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۹۸ وَ كَانَ اللَّهُ أَعْلَمَ مَرْيَمَ بِسِلَامَتِهَا وَ بِسِلَامَةِ مَا حَمَلَتْهُ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يَتَطَرَّقَ إِلَيْهَا خَوْفٌ وَ الزَّهْرَاءُ حَمَلَتْ بِهِمَا وَ هِيَ لَا تَعْلَمُ مَا يَكُونُ مِنْ حَالِهَا فِي الْحَمْلِ وَ الْوَضْعِ مِنَ السَّلَامَةِ وَ الْعَطَبِ فَيَتَبَغَى أَنْ يَكُونَ فِي ذَلِكَ مَثُوبَةٌ زَائِدَةٌ وَ لَذَلِكَ فَضَّلَ الْمُسْلِمُونَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْقِتَالِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا بَيْنَ الْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ فِي سِلَامَتِهِمْ وَ الْمَلَائِكَةُ لَيْسُوا كَذَلِكَ وَ قِيلَ لَهَا لَا تَحْزَنِي «۱» وَ - قَالَ النَّبِيُّ ص يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لِرِضَاكِ وَ قِيلَ لَهَا فَتَفَحَّنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا «۲» وَ فَاطِمَةُ ع حَامِسَةُ أَهْلِ الْعَبَاءِ وَ افْتِخَارُ جِبْرِئِيلَ بِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ قَوْلُهُ مَنْ مِثْلِي وَ أَنَا سَادِسُ خَمْسَةٍ وَ لَهَا تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِّيًّا فَكُلِي وَ اشْرَبِي «۳» يَحْتَمِلُ أَنَّ النُّحْلَةَ وَ النَّهْرَ كَانَا مُوجُودَيْنِ قَبْلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ لَمْ يَبْقَ لَهُمَا أَثَرٌ

مِثْلَ مَا بَقِيَ لِرَزْمٍ وَالْمَقَامَ وَمَوْضِعَ التَّنُورِ وَانْفِلَاقِ الْبَحْرِ وَرَدِّ الشَّمْسِ وَلِلزَّهْرَاءِ عَ حَدِيثِ النَّمْرِ الصَّيْحَانِي وَقُدُسِ الْمَاءِ - وَرَوَى أَنَّهُ بَكَتْ أُمُّ أَيْمَنَ وَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَاطِمَةُ زَوْجَتَهَا وَلَمْ تَنْتُرْ عَلَيْهَا شَيْئًا فَقَالَ يَا أُمَّ أَيْمَنَ لِمَ تَكْذِبِينَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا زَوَّجَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا أَمَرَ أَشْجَارَ الْجَنَّةِ أَنْ تَنْتُرَ عَلَيْهِمْ مِنْ حُلِيِّهَا وَحُلَلِهَا وَيَأْقُوتِهَا وَدُرِّهَا وَزُمُرِدَّهَا وَإِسْبَرَقِهَا فَأَخَذُوا مِنْهَا مَا لَا يَعْلَمُونَ وَتَكَلَّمَتِ الْمَلَائِكَةُ مَعَ مَرْيَمَ إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَاكَ وَطَهَّرَكَ وَاضْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ «۴» أَرَادَ نِسَاءَ عَالَمِ أَهْلِ زَمَانِهَا كَقَوْلِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَآتَى فَضْلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ «۵» وَلَيْسُوا بِأَفْضَلَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَوْلُهُ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ «۶» ثُمَّ إِنَّ الصِّفَاتِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ يُشَارِكُهَا غَيْرُهَا قَوْلُهُ إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَى آدَمَ إِلَى قَوْلِهِ ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ «۷» وَفَاطِمَةُ وَذُرِّيَّتُهَا مِنْ جُمْلَتِهِمْ - وَقَالَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَإِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مَحْرَابِهَا فَيَسْلُمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَقَرِّيِّينَ وَيَنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۹۹ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَاكَ وَطَهَّرَكَ وَاضْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ «۱» وَإِنَّهُ كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا «۲» وَلَيْسَ فِي نَفْسِ الْآيَةِ أَنَّ ذَلِكَ كَانَ اللَّهُ تَعَالَى يَخْلُقُهُ اخْتِرَاعًا أَوْ يَأْتِيهَا بِهِ الْمَلَكُ وَ إِنَّمَا هُوَ يُدَلُّ عَلَى كَثْرَةِ شُكْرِهَا لِلَّهِ تَعَالَى كَمَا تَقُولُ رَزَقَنِي اللَّهُ الْيَوْمَ دِرْهَمًا كَمَا قَالَ قُلْ كُلُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ «۳» وَلِلزَّهْرَاءِ مِنْ هَذَا الْبَابِ مَا لَا يُنْكِرُهُ مُسْلِمٌ مِنْ حَدِيثِ الْمُقَدَّادِ وَخَبَرِ الطَّائِرِ وَالرُّمَّانِ وَالْعَنْبِ وَالتُّفَاحِ وَالسَّفَرَجَلِ وَغَيْرِهَا وَذَلِكَ مِمَّا يُقَطَّعُ عَلَى أَنَّهَا كَانَتْ تَأْكُلُ مَا لَمْ يَكُنْ لِغَيْرِهَا مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بَعْدَ هُبُوطِ آدَمَ وَحَوَاءَ - وَفِي الْحَدِيثِ أَنَّ النَّبِيَّ ص دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ وَهِيَ فِي مُصَلَّاهَا وَخَلْفَهَا جَفْنَةٌ يَفُورُ دُخَانُهَا فَأَخْرَجَتْ فَاطِمَةُ الْجَفْنَةَ فَوَضَعَتْهَا بَيْنَ أَيْدِيهِمَا فَسَأَلَ عَلِيُّ ع أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَرِزْقِهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَرُزْقَ مَرْيَمَ مِنَ الْجَنَّةِ وَخَلِقَ فَاطِمَةَ مِنْ رِزْقِ الْجَنَّةِ - وَفِي الْحَدِيثِ فَنَاقَلَنِي جَبْرِئِيلُ رُطْبَةً مِنْ رُطْبِهَا فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صُلْبِي وَقَدْ مَدَحَ اللَّهُ تَعَالَى مَرْيَمَ فِي الْقُرْآنِ بِعِشْرِينَ مَدْحَةً وَصَحَّ فِي الْأَخْبَارِ لِفَاطِمَةَ عِشْرُونَ اسْمًا كُلُّ اسْمٍ يُدَلُّ عَلَى فَضْلِهِ ذَكَرَهَا ابْنُ بَابُوَيْهِ فِي كِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ ع وَقَالَ لَهَا وَ مَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا «۴» يُرِيدُ بِذَلِكَ الْعَفَافَ لَا الْمُلَامَسَةَ وَالدُّرِّيَّةَ لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ لَجَعَلَ حَمَلَهَا لَهُ وَوَضَعَهَا وَمَخَاضَهَا بِغَيْرِ مَا جَرَتْ بِهِ الْعَادَةُ فَلَمَّا جَعَلَهُ عَلَى مَجْرَى الْعَادَةِ دَلَّ عَلَى مَقَالِنَا وَيُؤَكِّدُ ذَلِكَ الْأَخْبَارُ الْوَارِدَةُ فِي مَدْحِ التَّزْوِيجِ وَطَلَبِ الْوَلَدِ وَذِمِّ الْعُزُوبَةِ وَقَالَ تَعَالَى لِلزَّهْرَاءِ وَلِأَوْلَادِهَا إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ «۵» حَسَنًا بُنْ ثَابِتٍ وَإِنَّ مَرْيَمَ أَحْصَتْ فَرْجَهَا وَجَاءَتْ بَعِيسَى كَبْدَرِ الدُّجَى زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۰۰ فَقَدْ أَحْصَتْ فَاطِمَةُ بَعْدَهَا وَجَاءَتْ بِسَبْطَى نَبِيِّ الْهُدَى

ترجمه

: به حضرت مریم راجع به حضرت عیسی بشارت داده شد و خداوند در این باره فرمود: «همانا خداوند تو را به کلمه «۱» بشارت می‌دهد، به حضرت فاطمه نیز در باره حسن و حسین (علیهما السلام) بشارت داده شد چنان که در روایت وارد شده که پیامبر اسلام به هنگام ولادت هر یک از ایشان به فاطمه مژده داده می‌فرمود: مبارک باشد، همانا فرزندی که از تو متولد گردید امامی خواهد بود که بر اهل بهشت سروری می‌نماید و خداوند متعال این امامت را در نسل او کامل می‌کند، و منظور از آیه و جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ، علی علیه السلام می‌باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مدّت حمل - حامله بودن - مریم نه ساعت بوده است، و فاصله بین تولّد حسن و حسین نیز طبق روایتی که وارد شده شش ماه بوده. مریم دختر عمران بود و فاطمه دختر محمّد (صلوات الله علیهم) و مردم به سبب پدرانشان شرافت و احترام یافتند. مادر حضرت مریم نذر کرده بود فرزندی بیاورد که به سبب عبادت به خداوند مقرب شود، و محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم در همه حال بیش از سایر مردمان به خداوند تقرب می‌جست و این حالت موجب می‌شود که در آن وقتی که فاطمه را از خدا خواست، به سبب برتری و فضلی که بر سایر مردمان داشت، بالاتر از آنچه را که مادر مریم خواسته بود تقاضا نماید، حضرت مریم را مادرش نذر کرد ولی حضرت فاطمه را پدرش، و منزلت مادر مریم نظیر مقام و منزلت پدر فاطمه علیها السلام نبوده است. بر اساس آیه: «زکریا متکفل نگهداری و تربیت مریم گردید»، حضرت زکریا

مسئولیت نگهداری از مریم را عهده‌دار شد در حالی که نگهداری و تربیت حضرت فاطمه علیها السلام به عهده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده و تردیدی نیست که افضل از همه مردم و حتی انبیا بوده‌اند پس کفالت ایشان نیز ارزشمندتر از کفالت سایرین خواهد بود، ضمن آنکه کفالت یتیم مستحب است ولی کفالت فرزند واجب. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۰۱ مریم عیسی را در زمان جاهلیت و حاکمیت کفر به دنیا آورد ولی فاطمه، حسن و حسین را پس از اسلام و بر فطرت اسلام به دنیا آورد. خداوند حضرت مریم را بر سلامتی خود و فرزندش آگاه نمود و لذا دلیلی برای اینکه مریم خائف و ترسان باشد وجود نداشت، در حالی که به هنگام باردار بودن فاطمه بر حسن و حسین، او نمی‌دانست که در هنگام بارداری و زایمان در چه حالی خواهد بود و این امر باعث می‌شود که ثواب فاطمه در این خصوص بیشتر باشد. و به همین سبب است که مقام مسلمانان در جنگ بدر از مقام ملائکه بالاتر بود زیرا آنان در باره سلامتی خود در خوف و رجا بودند در حالی که ملائکه چنین حالتی نداشتند و خطری آنها را تهدید نمی‌کرد. به حضرت مریم گفته شد: «محزون مباش»، و پیامبر اسلام نیز به فاطمه فرمود: ای فاطمه! همانا خداوند به خشنودی تو خشنود می‌گردد. و به مریم گفته شد: «ما از روح خود در او دمیدیم»، و فاطمه پنجمین نفر از اصحاب کساء بود به طوری که جبرئیل بر ششمین فرد بودن در میان ایشان افتخار می‌کرد. و خداوند در باره حضرت مریم فرمود: «درخت برای تو خرمای تازه می‌دهد، پس، از آن خرما بخود و از آب نهر نیز بیاشام» و احتمال می‌رود که آن نخل و نهر پیش از آن موجود بوده باشند زیرا اثری از آنها باقی نمانده است، در حالی که اثر زمزم، مقام ابراهیم، موضع تنور، شکافته شدن دریا و بازگشتن آفتاب برای علی علیه السلام باقی می‌باشند، و برای حضرت زهرا علیها السلام داستان خرمای صیحانی - نوعی خرمای سیاه و سخت - و آب مقدس اتفاق افتاد. و روایت شده که به هنگام ازدواج حضرت فاطمه، امّ ایمن گریه کرد و به پیامبر گفت: ای رسول خدا! فاطمه را شوهر می‌دهی و چیزی نثار او نمی‌نمایی؟ پس پیامبر فرمود: ای امّ ایمن! چرا تکذیب می‌کنی؟ به درستی که خدای تعالی آنگاه که فاطمه و علی ازدواج نمودند به درختان بهشت فرمان داد تا آنچه از زر و زیور و سایر چیزهای گرانقیمت دارند فرو ریزند، و آنها به قدری از این تحفه‌های بهشتی برگرفتند که کسی اندازه آن را نمی‌داند. ملائکه با حضرت مریم سخن گفتند و به او مژده دادند: «همانا خداوند تو را برگزید و تطهیر نمود و تو را برترین زنان عالم قرار داد» و مقصود خداوند از «نساء العالمین» زنان آن زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۰۲ زمان بوده است، نظیر قول خدای تعالی به بنی اسرائیل که فرمود: «من شما را بر اهل دو عالم برتری دادم» در صورتی که به فرموده خداوند متعال در قرآن: «ای مسلمانان! شما بهترین امت می‌باشید» معلوم می‌شود که بنی اسرائیل برتر از مسلمانان نیستند - پس معلوم می‌شود که سیادت و برتری حضرت مریم مربوط به زنان زمان خودش بوده کما اینکه برتری بنی اسرائیل بر سایر مردمان مربوط به زمان خودشان بوده است - و خداوند در قرآن کریم فرموده است: «خداوند حضرت آدم را برگزید ... [تا آنجا که می‌فرماید] خاندان و ذریه‌ای که بعضی از آنها از بعضی دیگر می‌باشند» و فاطمه و ذریه‌ی او از همین خاندان هستند که پیامبر در باره‌اش فرماید: «فاطمه علیها السلام سیده و سرور زنان دو عالم از اولین و آخرین آنان است، و او هر گاه برای عبادت در محراب می‌ایستد هفتاد هزار فرشته مقرب بر او سلام می‌کنند» و آنچه را که ملائکه به مریم گفته بودند در شأن فاطمه بیان کرده و می‌گوید: «خداوند تو را انتخاب نمود، تطهیر کرد و بر زنان دو عالم برتری و فضیلت بخشید». و بر اساس آیه: «هر گاه حضرت زکریا نزد مریم می‌رفت، در نزد او غذایی می‌یافت» معلوم نشده که خداوند غذای مذکور را در همان زمان خلق می‌کرد یا اینکه فرشته‌ای غذای او را حاضر می‌نمود و از این آیه فقط استفاده می‌شود که حضرت مریم بسیار شکرگزار بوده کما اینکه در آیه آمده است: «بگو همه این نعمتها از جانب خداوند است»، و از این قبیل فضائل و مناقب برای حضرت فاطمه علیها السلام آنقدر است که هیچ مسلمانی آنها را انکار نمی‌کند، مثل حدیث مقداد، خبر طبر، انار، انگور، سیب، گلابی، و غیره، و این یک امر مسلم است که حضرت فاطمه علیها السلام میوه‌هایی تناول فرمود که بعد از هبوط آدم و حوا، هیچ کس از آن میوه‌ها نخورده بود، کما اینکه در روایت آمده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نزد دخترش حضرت فاطمه رفت در حالی که

وی در محراب مشغول عبادت بود، و در پشت سر ایشان کاسه بزرگی بود که از آن بخار بر می‌خاست، و فاطمه پس از فراغت از عبادت آن کاسه را در مقابل پیامبر و علی (علیهم السّلام) نهاد و در مقابل سؤال علی که گفت: این غذا چگونه فراهم آمده است، فرمود: از فضل خداوند متعال که هر که را خواهد بی حساب روزی دهد. رزق حضرت مریم از بهشت بوده، در حالی که خلقت فاطمه از میوه‌های بهشتی بوده است کما اینکه در حدیث آمده است که رسول خدا فرمود: جبرئیل خرمایی از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۰۳ خرماهای بهشتی را به من داد که آن را خوردم و در اثر آن نطفه‌ای در صلب من ایجاد گردید. خداوند متعال مریم را بیست بار در قرآن مدح و تمجید نموده ولی فاطمه علیها السلام دارای بیست نام است که هر یک از آنها بر فضلی از فضائل او دلالت می‌کنند و شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) آن نامها را در کتاب مولد فاطمه آورده است. و خداوند در باره مریم فرموده: «مریم دختر عمران عفت خویش را محفوظ داشت و خداوند بهشت را به او عطا نمود» و منظور از این آیه «عفت داشتن» است نه ملاسمه، و بهشت نیز برای ذریّه‌اش نمی‌باشد بلکه فقط به خود او اعطا گردیده است، پس اگر مقصود خداوند عدم ملاسمه بود همانا حمل و زایمان او را غیر عادی قرار می‌داد، در حالی که خداوند در باره حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «جز این نیست که خداوند اراده نموده است تا هر گونه رجس و پلیدی را از شما اهل بیت پیامبر دور نماید» و در این آیه، عصمت را نه فقط برای فاطمه بلکه برای ذریّه او نیز قرار داده است. حسیان بن ثابت در مقایسه بین مقام مریم و فاطمه گوید: مریم عفت خود را حفظ کرد و عیسی را که مثل ماه شب چهارده بود به دنیا آورد و بعد از او فاطمه عفت خود را محفوظ داشت و دو سبط پیغمبر را که هدایتگر امت هستند به دنیا آورد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۷/۱۵۹- الفضائل «۱» وَالرَّوَضَةُ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى عَلِيٍّ فَوَجَدَهُ هُوَ وَفَاطِمَةُ ع يَطْحَنَانِ فِي الْجَارُوشِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص أَيُّكُمَا أَغْنَا فَقَالَ عَلِيٌّ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا قَوْمِي يَا بُنَيَّةُ فَقَامَتْ وَجَلَسَ النَّبِيُّ ص مَوْضِعَهَا مَعَ عَلِيٍّ ع فَوَاسَاهُ فِي طَحْنِ الْحَبِّ «۲»

ترجمه

در کتاب فضائل نوشته ابن شاذان و در کتاب الروضة نقل شده است: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۰۴ روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه علی علیه السلام شد و دید که او و فاطمه علیها السلام مشغول کار با آسیای دستی هستند، پیامبر خطاب به آنها فرمود: کدام یک از شما خسته هستید؟ علی علیه السلام پاسخ داد: فاطمه. پیامبر خطاب به او گفت: برخیز دخترم! پس فاطمه علیها السلام برخاست و پیامبر به جای وی نشسته و با علی علیه السلام مشغول آسیا کردن گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۸/۱۶۰- كشف الغمّة «۱» مِنْ كِتَابِ مَعَالِمِ الْعِتْرَةِ، لِعَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْأَخْضَرِ بِأَسَانِيدِهِ مَرْفُوعًا إِلَى قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ وَخَيْرُ نِسَائِهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص

ترجمه

انس بن مالک گوید: رسول خدا فرمود: بهترین زنان بنی اسرائیل مریم و بهترین زنان در این زمان فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۶۱/...- کشف الغمّه «۲» وَ يَاسِرِنَادِهِ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ حَبَلٍ «۳» يَرْفَعُهُ إِلَى أَنَسِ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ حَسْبُكَ «۴» مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ «۵»

ترجمه

از انس بن مالک روایت شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بزرگترین زنان عالم مریم، خدیجه، فاطمه، آسیه می باشند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۶۲/...- وَ مِنْهُ «۱» يَاسِرِنَادِهِ عَنْ أَنَسِ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص ۱۶۳/...- وَ مِنْهُ «۲» قَالَتْ عَائِشَةُ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَلَا أُبَشِّرُكَ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ لَسَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ

ترجمه

عایشه خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام گفت: بشارت باد تو را که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم: سرور زنان بهشت چهار نفر هستند: مریم، فاطمه، خدیجه، و آسیه.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۶۴/...- وَ مِنْهُ «۱» وَ مِنْ مُسَيِّدِ أَحْمَدَ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ أَقْبَلْتُ فَاطِمَةَ تَمْشِي كَأَنَّ مَشْيَهَا مَشْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ مَرْحَبًا يَا بِنْتِي ثُمَّ أَجْلَسَهَا عَنْ يَمِينِهِ أَوْ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ أَسَرَّ إِلَيْهَا حَدِيثًا قَبْلَ أَنْ يَخْصُصَكَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِحَدِيثِهِ ثُمَّ تَبَكَّتْ ثُمَّ أَسَرَّ إِلَيْهَا حَدِيثًا فَضَحِكَتْ فَقُلْتُ مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ فَرَحًا أَقْرَبَ مِنْ حُزْنٍ فَسَأَلْتُهَا عَمَّا قَالَ فَقَالَتْ مَا كُنْتُ لِأُفْشِيَ سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَأَلْتُهَا فَقَالَتْ أَسَرَّ إِلَيَّ فَقَالَ إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يُعَارِضُنِي بِالْقُرْآنِ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً وَ إِنَّهُ عَارِضُنِي بِهِ الْعَامَ مَرَّتَيْنِ وَ لَا أَرَاهُ

إِلَّا قَدْ حَضَرَ أَجْلِي وَإِنَّكَ أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِي لِحَقًّا بِي وَنِعَمَ السَّلَفُ أَنَا لَكَ فَبَكَيْتُ لِدَلِكِ فَقَالَ أَلَا تَرْضَيْنِ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَتْ فَصَحَّحْتُ لِدَلِكِ «۳»

ترجمه

عایشه گوید: فاطمه علیها السلام نزد پیامبر آمد در حالی که راه رفتن وی نظیر راه رفتن پیامبر بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با دیدن او گفت: دخترم! مرحبا بر تو! و سپس او را در طرف راست یا چپ خود نشانید، آنگاه در گوش او سخنی گفت که وی را گریان نمود، من به فاطمه گفتم: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۰۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تو را همراه و هم صحبت خود قرار می دهد و تو به جای خوشحالی گریه می کنی؟ در این حال پیامبر سخن دیگری در گوش او گفت و فاطمه خندان گردید، پس گفتم: هرگز ندیده بودم که خوشحالی و غم این قدر به هم نزدیک باشند. پس از آن، از فاطمه در باره آنچه پیامبر در گوش او گفته بود سؤال کردم، در جواب من گفت: هرگز سر رسول خدا را افشا نخواهم کرد. تا اینکه پیامبر رحلت نمود، و مجددا در این باره سؤال کردم، فاطمه گفت: پیامبر به من گفت: جبرئیل در هر سالی یک بار قرآن را به من عرضه می کرد «۱» ولی امسال دو بار این کار را انجام داده و این عمل نشانگر آن است که اجل من فرا رسیده و تو در میان خاندان من اولین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد، و من چه سلف نیکویی برای تو می باشم. و من وقتی این سخنان را از پیامبر شنیدم گریه ام گرفت، پس از آن پیامبر در دفعه دوم گفت: آیا راضی نیستی که سرور و سیده زنان این امت و زنان مؤمن باشی؟ و پدرم که این بشارت را داد، خنده ام گرفت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۶۵/... و مِنْهُ «۲» وَ رَوَى ابْنُ خَالَوَيْهِ فِي كِتَابِ الْأَلِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُتَيْلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ قُضَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسِيكَرِيِّ عَنْ أَبِيائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ حَوَاءَ تَبَخَّرَا فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ آدَمُ لِحَوَاءَ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ أَنْتَ بَعْدِي الْفَرْدَوْسَ الْأَعْلَى فَلَمَّا دَخَلَا الْفَرْدَوْسَ نَظَرَا إِلَى جَارِيَةٍ عَلَى دُرْنُوكٍ مِنْ دَرَانِيكِ الْجَنَّةِ وَ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ وَ فِي أُذُنَيْهَا قُرْطَانِ مِنْ نُورٍ قَدْ أَشْرَقَتِ الْجِنَانُ مِنْ حُسْنِ وَجْهِهَا فَقَالَ آدَمُ حَبِيبِي جِبْرِئِيلُ مَنْ هَذِهِ الْجَارِيَةُ الَّتِي قَدْ أَشْرَقَتِ الْجِنَانُ مِنْ حُسْنِ وَجْهِهَا فَقَالَ هَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ نَبِيٍّ مِنْ وَلَدِكَ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَالَ فَمَا هَذَا التَّاجُ الَّذِي عَلَى رَأْسِهَا قَالَ بَعْغُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ ابْنُ خَالَوَيْهِ الْبُغْلُ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ خَمْسَةُ أَشْيَاءَ الزَّوْجُ وَ الصَّنَمُ مِنْ قَوْلِهِ أَتَدْعُونَ زَنْدَگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۱۰ بَعْغًا «۱» وَ الْبُغْلُ اسْمُ امْرَأَةٍ وَ بِهَا سُمِّيَتْ بَعْغُكَ وَ الْبُغْلُ مِنَ النَّخْلِ مَا شَرِبَ بِعُرْوَقِهِ مِنْ غَيْرِ سَقِيٍّ وَ الْبُغْلُ السَّمَاءُ وَ الْعَرَبُ يَقُولُ السَّمَاءُ بَعْغُ الْأَرْضِ

ترجمه

ابن خالویه نحوی (۳۷۰ ه) به صورت مسند در کتاب «الآل» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده که فرمود: هنگامی که خداوند آدم و حوا را آفرید، آنها بر خویش مغرور شده و فخر فروشی نمودند، در این میان آدم به حوا گفت: خداوند تاکنون مخلوقی بهتر از ما را خلق ننموده است. و خداوند متعال به جبرئیل وحی نمود: این دو نفر را به «فردوس اعلی» ببر! هنگامی

که آن دو وارد فردوس شدند با دختری روبرو گردیدند که بر روی فرش نشسته، تاجی از نور بر سر، و دو گوشواره از نور در گوش داشت، و تمام بهشت از نور چهره وی روشن گردیده بود، آدم گفت: ای جبرئیل! این دختر کیست که بهشت از نیکویی چهره‌اش درخشان می‌باشد؟ جبرئیل گفت: او فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که فرزندان تو و پیامبر آخر الزمان است. آدم گفت: این تاج چیست که بر سر دارد؟ جبرئیل گفت: این شوهر او علی بن ابی طالب است. آدم گفت: این گوشواره‌ها که در گوش دارد چیست؟ جبرئیل گفت: آنها دو فرزند او حسن و حسین هستند. آدم گفت: ای جبرئیل! آیا ایشان قبل از من آفریده شده‌اند؟ جبرئیل گفت: آری! او چهار هزار سال قبل از تو آفریده شده است. ابن خالویه گوید: بعل، در زبان عرب به پنج چیز اطلاق می‌شود: ۱- زوج و شوهر ۲- بت، کما اینکه در سوره صافات: ۱۲۵ آمده است: «آیا بت را عبادت می‌کنید؟». ۳- نام زنی که اسم منطقه بعلبک «۲» از آن گرفته شده است. ۴- نوعی نخل که بدون نیاز به آبیاری رشد می‌کند. «۳» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۱۱-۵ سقف، کما اینکه عرب در محاورات خود گوید: «آسمان سقف زمین است».

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۶۶/... وَ مِنْهُ «۱» وَ عَنْ ابْنِ خَالَوَيْهِ مِنْ كِتَابِ الْأَلِّ يَرْفَعُهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص وَ زَادَ ابْنُ عَرَفَةَ عَنْ رِجَالِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ نَكُسُوا رُءُوسَكُمْ وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى الصِّرَاطِ فَتَمُرَّ وَمَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ جَارِيَةٍ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ «۲»

ترجمه

و باز ابن خالویه به سند مرفوع از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند: هنگامی که قیامت فرا می‌رسد منادی از عرش ندا می‌دهد: ای مردم! سرهای خود را پایین بیندازید و چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبور کند. و ابن عرفه همین روایت را به سند مرفوع از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده و در انتهای آن آورده: تا فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم از صراط عبور کند، و این در حالی است که هفتاد هزار حوریّه او را مشایعت نموده و همراهی می‌کنند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۶۷/... وَ مِنْهُ «۱» عَنْ نَافِعِ بْنِ أَبِي الْحَمْرَاءِ قَالَ شَهِدْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صِلَاءِ الْغَدَاةِ مَرَّ بِبَابِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ الصَّلَاةُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً «۲» «۳»

ترجمه

ابو الحمراء گوید: من شاهد بودم که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مدّت هشت ماه هر گاه برای نماز صبح می‌رفت از در خانه فاطمه که عبور می‌کرد، می‌گفت: سلام بر شما اهل بیت و رحمت خدا و برکات او نصیب شما باد، برای نماز برخیزید که خداوند در باره شما فرموده: «همانا خداوند اراده کرده است تا هر گونه رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور نماید و تطهیرتان فرماید».

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۶۸/... وَ مِنْهُ «۱» عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ زَنْدِگَانِي حَضْرَت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۱۵ اللَّهُ لَيَغْضَبُ لِعِصَابِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ «۱» ۱۶۹/... وَ مِنْهُ «۲» وَ مِنْ كِتَابِ أَبِي إِسْحَاقَ الثَّغَلَبِيِّ عَنْ جَمِيعِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ عَمَّتِهِ قَالَتْ سَأَلْتُ عَائِشَةَ مَنْ كَانَ أَحَبَّ «۳» إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قُلْتُ إِنَّمَا أَسْأَلُكَ عَنْ زَنْدِگَانِي حَضْرَت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۱۶ الرَّجَالِ قَالَتْ زَوْجُهَا وَ مَا يَمْنَعُهُ فَوَ اللَّهُ إِنْ كَانَ مَا عَلِمْتُ صَوَاماً قَوَاماً جَدِيراً أَنْ يَقُولَ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ يَرْضَى

ترجمه:

جمع بن عمیر از عمّه‌اش روایت کرده که گفت: از عایشه پرسیدم: چه کسی نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ محبوبتر از همه بود؟ عایشه گفت: فاطمه. گفتم: من در باره مردان سؤال کردم. گفت: شوهرش، به خداوند سوگند هیچ چیز مانع نمی‌شد از اینکه او در روزها روزه‌دار، و در شبها متهجد باشد و چیزی را بگوید که خداوند آن را دوست می‌دارد و به آن راضی می‌شود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷۰/... وَ مِنْهُ «۱» وَ عَنْ جَابِرٍ قَالَ مَا رَأَيْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَمْشِي إِلَّا ذَكَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَلَى جَانِبِهَا الْأَيْمَنِ مَرَّةً وَ عَلَى جَانِبِهَا الْأَيْسَرِ مَرَّةً ۱۷۱/... وَ عَنْ عَائِشَةَ «۲» وَ ذَكَرْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا رَأَيْتُ أَصْدَقَ مِنْهَا إِلَّا أَبَاهَا «۳»

ترجمه

عایشه در باره فاطمه علیها السلام می‌گفت: کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم مگر پدرش.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷۲/... وَ مِنْهُ «۱» وَ مِنْ كِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ لِابْنِ بَابَوَيْهِ رَوَى أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ أَشْتَقَّتِ الْجَنَّةُ إِلَيَّ أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ مَزِيمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ زَوْجَهُ فُزْعُونَ وَ هِيَ زَوْجَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الْآخِرَةَ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ

مُحَمَّدٍ ص

ترجمه

روایت شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفته: بهشت مشتاق پذیرفتن چهار زن می باشد: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷۳/... وَ مِنْهُ «۲» وَ رَوَى عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ فَعَيْنَا بِذَلِكَ كُلُّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَخْبَرْتُهَا الَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَّا عَلِمَهُ وَ لَا عَرَفَهُ فَقَالَتْ وَ لَكِنِّي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَزِينَ الرَّجَالُ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتُنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ وَ خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَزِينَ الرَّجَالُ وَ لَمَّا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ قَالَتْ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي قُلْتُ فَاطِمَةُ فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ زَنْدِ گَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۱۸ مِنْی «۱»

ترجمه

از علی علیه السلام روایت شد که فرمود: ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم که آن حضرت فرمود: به من بگویید که چه چیزی برای زنان بهتر است؟ همه ما از جواب بازماندیم و متفرق شدیم، و من نزد فاطمه آمدم و آنچه را که پیامبر از ما پرسیده بود و ما نتوانسته بودیم جواب دهیم، برای او باز گفتم. فاطمه گفت: ولی من جواب این سؤال را می دانم، بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۱۹ علی علیه السلام گوید: من به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باز گشتم و به آن حضرت گفتم: ای رسول خدا! من پاسخ آن سؤال را می دانم و آن این است که بهترین چیز برای زنان آن است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: چرا هنگامی که نزد من بودی این جواب را بیان نکردی، بگو بدانم چه کسی آن را به تو تعلیم داده است؟ گفتم: فاطمه علیها السلام، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این امر تعجب کردند و گفتند: همانا فاطمه پاره ای از تن من است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷۴/... وَ مِنْهُ «۱» وَ رَوَى عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ خَرَجَ النَّبِيُّ ص وَ هُوَ آخِذٌ بِيَدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ قَلْبِي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيَّ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ «۲»

ترجمه

از مجاهد روایت شده است: روزی پیامبر در حالی که دست فاطمه را در دست گرفته بود گفت: هر کس این دختر را می شناسد، که می شناسد و هر کس که نمی شناسد بداند که او فاطمه دختر محمد پیامبر خداست، و او پاره ای از وجود من، قلب من و روح من است، پس هر که زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۲۰ او را آزار دهد مرا آزرده است و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷۵/... وَمِنْهُ «۱» وَعَنْهُ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فَاطِمَةَ شَجَنَةُ مِنِّي يُسَخِّطُنِي مَا أَسَخَطَهَا وَيُضِيقُنِي مَا أَرْضَاهَا «۲»

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: فاطمه پاره ای از وجود من است، پس هر که او را به غضب آورد مرا غضبناک نموده و هر که او را خشنود نماید مرا خشنود نموده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷۶/... وَمِنْهُ «۳» وَنَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ أَبِي إِسْحَاقَ الثَّعْلَبِيِّ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَقَدْ أَخَذَ بِيَدِ فَاطِمَةَ وَقَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَهِيَ قَلْبِي الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيَّ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ ۱۷۷/... وَمِنْهُ «۴» وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فَاطِمَةَ شَعْرَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَى شَعْرَةً مِنِّي فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ لَعَنَهُ اللَّهُ مِلَّةَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ «۵»

ترجمه

رسول خدا فرمود: فاطمه جزئی از وجود من است، پس هر که او را آزار دهد مرا آزرده و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده و هر که موجب آزرده گی خداوند گردد، خدا او را به اندازه آسمانها و زمین لعنت خواهد نمود- یعنی او را از رحمت خود محروم خواهد ساخت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷۸/... وَمِنْهُ «۱» وَعَنْ حُذَيْفَةَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يَنَامُ حَتَّى يُقْبَلَ غُرْضٌ وَجَنَّةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَوْ بَيْنَ تَدْيِينِهَا ۱۷۹/... وَمِنْهُ «۲» وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ كَانَ النَّبِيُّ ص لَمَّا يَنَامُ لَيْلَتُهُ حَتَّى يَضَعَ وَجْهَهُ بَيْنَ تَدْيِينِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ۱۸۰/... وَمِنْهُ «۳» وَرَوَى أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ قَرَأَ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ «۴» وَلَا مُحَدِّثٍ قُلْتُ وَهَلْ تُحَدِّثُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا الْأَنْبِيَاءَ قَالَ مَرَّيْمَ لَمْ

تَكُنْ نَبِيَّةً وَ سَارَةَ امْرَأَةً اِبْرَاهِيمَ قَدْ عَايَنَتِ الْمَلَائِكَةَ وَ بَشَّرُوها بِاسْحَاقَ وَ مِنْ وَّرَاءِ اِسْحَاقَ يَعْقُوبَ «۵» وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُوْلُ اللهِ ص كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً «۶»

ترجمه

روایت شده که محمد بن ابی بکر رحمه الله آیه ۵۱ از سوره حج را چنین تلاوت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۲۲ می کرد: وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُوْلٍ وَ لَا نَبِيٍّ وَ لَا مُحَدَّثٍ «۱» راوی می گوید: از او پرسیدم: آیا ملائکه غیر از انبیا با کس دیگر نیز گفتگو می کنند؟ گفت: بله، حضرت مریم پیامبر نبود در حالی که ملائکه با او سخن گفتند، و ساره همسر حضرت ابراهیم ملائکه را دید و آنها به وی در باره اسحاق و پس از او در باره یعقوب بشارت دادند در صورتی که او نیز پیامبر نبود، و فاطمه علیها السلام نیز با وجود اینکه پیامبر نبود ولی فرشتگان با او سخن می گفتند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۸۱/... - وَ مِنْهُ «۲» وَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ كَانَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص أَشْبَهَ النَّاسِ وَجْهًا وَ شَبْهًا بِرَسُولِ اللَّهِ ص «۳»

ترجمه

ام سلمه گوید: حضرت فاطمه علیها السلام از نظر صورت و اندام شبیه ترین مردم به پیامبر اسلام بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۸۲/... - وَ مِنْهُ «۴» وَ رُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ ع عَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَتْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ أَلْحَقَهُ بِى حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ

ترجمه

حضرت فاطمه علیها السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای فاطمه! هر که بر تو درود فرستد خداوند او را می آمرزد و در هر جای بهشت که باشم او را به من ملحق می نماید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۸۳/... - وَ مِنْهُ «۱» وَ رُوِيَ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ سَأَلْتُ أَبَاكَ فِيمَا سَأَلْتَ

أَيُّنَ تَلَقَّيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَتْ نَعَمْ قَالَ لِي أَطْلُبْنِي عِنْدَ الْحَوْضِ قُلْتُ إِنْ لَمْ أَجِدْكَ هَاهُنَا قَالَ تَجِدُنِي إِذَنْ مُسْتِظِلًّا بِعَرْشِ رَبِّي وَلَنْ يَسْتِظِلَّ بِهِ غَيْرِي قَالَتْ فَاطِمَةُ فَقُلْتُ يَا أَبَتِ أَهْلُ الدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَرَاهُ فَقَالَ نَعَمْ يَا بَنِيَّ فَقُلْتُ وَأَنَا عُرْيَانَةٌ قَالَ نَعَمْ وَأَنْتِ عُرْيَانَةٌ وَإِنَّهُ لَا يَلْتَفِتُ فِيهِ أَحَدٌ إِلَى أَحَدٍ قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ وَاسْوَأَتَاهُ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَا خَرَجْتُ حَتَّى قَالَ لِي هَبْطِ عَلَيَّ جَبْرِئِلُ الرُّوحِ الْأَمِينُ عَ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَفَرِئِ فَاطِمَةَ السَّلَامَ وَأَعْلَمَهَا أَنَّهَا اسْتَحْيَتْ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَاسْتَحْيَا اللَّهُ مِنْهَا فَقَدْ وَعَدَهَا أَنْ يَكْسُوَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُلَّتَيْنِ مِنْ نُورٍ قَالَ عَلِيُّ عَ فَقُلْتُ لَهَا فَهَلَّا سَأَلْتِيهِ عَنِ ابْنِ عَمِّكَ فَقَالَتْ قَدْ فَعَلْتُ فَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُعْرِيه يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ترجمه

علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام گفت: آیا از پیامبر پرسیده‌ای که در روز قیامت وی را کجا ملاقات خواهی کرد؟ فاطمه گفت: بله پرسیدم و در جوابم فرمود: مرا در کنار حوض کوثر ملاقات نما. پس پرسیدم: اگر تو را در آنجا نیافتم؟ فرمود: مرا در سایه عرش پروردگارم خواهی دید در حالی که کسی غیر از من در آنجا نخواهد بود. فاطمه گفت: پرسیدم: ای پدر! آیا اهل دنیا در روز قیامت عریان خواهند بود؟ پیامبر گفت: آری، ای دخترم! پرسیدم: آیا من نیز برهنه خواهم بود؟ گفت: آری، ولی در آن روز هیچ کس به کس دیگر توجه ندارد. گفتم: وای بر برهنگی من در این روز. و هنوز از نزد پیامبر خارج نشده بودم که مرا خطاب قرار داده و گفت: اینک جبرئیل بر من نازل شده و می‌گوید: ای محمد! به فاطمه سلام برسان و او را آگاه کن که چون وی از خدا حیا می‌کند، خداوند نیز از اینکه او را برهنه محشور نماید حیا دارد و لذا وعده می‌کند که در آن روز او را با دو حجاب نورانی محشور زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۲۴ نماید. علی علیه السلام گفت: در این حال به فاطمه گفتم: چرا در باره پسر عمویت نپرسیدی؟ گفت: پرسیدم و پیامبر فرمود: همانا علی در نزد خداوند گرامی‌تر از آن است که وی را برهنه محشور نماید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۹ / ۱۸۴ - فَضَائِلُ شَهْرِ رَمَضَانَ، «۱» لِلصَّدُوقِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنِ الْمُنْذِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْخَرَّازِيِّ عَنِ الرُّضَا عَ قَالَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ يَغْلِبُ نُورُهَا الْهَلَالَ وَ يَخْفَى فَإِذَا غَابَتْ عَنْهُ ظَهَرَ

ترجمه

امام رضا علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی گوید: هر گاه هلال ماه رمضان طلوع می‌کرد - نام ماه در سه شب اول هر ماه را هلال گویند نورانیت فاطمه علیها السلام بر نور آن غلبه می‌کرد به طوری که نور هلال قابل مشاهده نبود، پس هنگامی که فاطمه غایب می‌گردید نور هلال مشاهده می‌شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴، ۱۵، ۱، ۲، ۳ - ۱۸۵... - بشاره المصطفی «۲» بِالْإِسْنَادِ إِلَى أَبِي عَلِيٍّ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْمَعْرُوفِ بِإِبْنِ الصَّقَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَعْقِلٍ الْعِجْلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الصُّهَيْرَانِ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ص صَلَاةَ الْعَصْرِ فَلَمَّا انْقَضَتْ جَلَسَ فِي قِبْلَتِهِ وَ النَّاسُ حَوْلَهُ فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ شَيْخٌ مِنْ مُهَاجِرَةِ الْعَرَبِ عَلَيْهِ سِمْلٌ قَدْ تَهَلَّلَ وَ أَخْلَقَ وَ هُوَ لَا يَكَادُ يَتِمَّالِكُ كِبَرًا وَ ضَمُغًا فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص يَسْتَحِثُّهُ الْخَبَرُ فَقَالَ الشَّيْخُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَنَا جَائِعٌ الْكَبِدُ فَأَطْعِمْنِي وَ عَارِي الْجَسَدِ فَكَسَيْنِي وَ فَقِيرٌ فَأَرِشْنِي فَقَالَ ص مَا أَجَدُ لَكَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ الدَّلَالَ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ انْطَلِقْ إِلَى مَنْزِلٍ مَنْ يُحِبُّ اللَّهَ زَنْدْكَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۲۵ وَ رَسُولُهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ انْطَلِقْ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ وَ كَانَ يَتْبُهَا مُلَاصِقَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص الَّذِي يَنْفَرِدُ بِهِ لِنَفْسِهِ مِنْ أَزْوَاجِهِ وَ قَالَ يَا بِلَالُ قُمْ فَقِفْ بِهِ عَلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ فَانْطَلِقِ الْأَعْرَابِيُّ مَعَ بِلَالٍ فَلَمَّا وَقَفَ عَلَى بَابِ فَاطِمَةَ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ جِبْرِئِلِ الرُّوحِ الْأَمِينِ بِالتَّنْزِيلِ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ فَمَنْ أَنْتَ يَا هَذَا قَالَ شَيْخٌ مِنَ الْعَرَبِ أَقْبَلْتُ عَلَى أَبِيكَ سَيِّدِ الْبَشَرِ مُهَاجِرًا مِنْ شَقِّهِ وَ أَنَا يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ عَارِي الْجَسَدِ جَائِعُ الْكَبِدِ فَوَسَّسَنِي يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَ كَانَ لِفَاطِمَةَ وَ عَلِيٍّ فِي تِلْكَ الْحَالِ وَ رَسُولِ اللَّهِ ص ثَلَاثًا مَا طَعَمُوا فِيهَا طَعَامًا وَ قَدْ عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَلِكَ مِنْ شَأْنِهِمَا فَعَمَدَتْ فَاطِمَةُ إِلَى جِلْدِ كَبِشٍ مِيدْبُوعٍ بِالْقَرْظِ كَانَ يَنَامُ عَلَيْهِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَقَالَتْ خُذْ هَذَا أَيُّهَا الطَّارِقُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَزُتَّاحَ لَكَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ قَالَ الْأَعْرَابِيُّ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ شَكُوتُ إِلَيْكَ الْجُوعَ فَنَاوَلْتَنِي جِلْدَ كَبِشٍ مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِ مَعَ مَا أَجَدُ مِنَ السَّعْبِ قَالَ فَعَمَدَتْ لَهَا سَمِعَتْ هَذَا مِنْ قَوْلِهِ إِلَى عَقْدٍ كَانَ فِي عُنُقِهَا أَهْدِيَتْ لَهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ عَمِّهَا حَمْرَةَ بِنْتُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَقَطَعَتْهُ مِنْ عُنُقِهَا وَ نَبَذَتْهُ إِلَى الْأَعْرَابِيِّ فَقَالَتْ خُذْهُ وَ بَعْهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يُعَوِّضَكَ بِهِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ فَأَخَذَ الْأَعْرَابِيُّ الْعَقْدَ وَ انْطَلَقَ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ وَ النَّبِيِّ ص جَالِسٍ فِي أَصْحَابِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَعْطَتْنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ هَذَا الْعَقْدَ بَعْهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَضِيْعَ لَكَ قَالَ فَكَبَى النَّبِيُّ ص وَ قَالَ وَ كَيْفَ لَا يَضِيْعَ اللَّهُ لَكَ وَ قَدْ أَعْطَتْكَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةُ بَنَاتِ آدَمَ فَقَامَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي بِشِرَاءِ هَذَا الْعَقْدِ قَالَ اشْتَرِهِ يَا عَمَّارُ فَلَوْ اشْتَرَكْتَ فِيهِ الثَّقَلَانِ مَا عَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِالنَّارِ فَقَالَ عَمَّارُ بِكُمْ الْعَقْدُ يَا أَعْرَابِي قَالَ بِشَبْعَةٍ مِنَ الْخُبْزِ وَ اللَّحْمِ وَ بُرْدَةٍ يَمَانِيَّةٍ اسْتُرْتُ بِهَا عَوْرَتِي وَ أَصْلَى فِيهَا لِرَبِّي وَ دِينَارٍ يُبْلَغُنِي إِلَى أَهْلِي وَ كَانَ عَمَّارٌ قَدْ بَاعَ سَهْمَهُ الَّذِي نَفَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ خَيْرٍ وَ لَمْ يَبْقَ مِنْهُ شَيْئًا فَقَالَ لَكَ عِشْرُونَ دِينَارًا وَ مِائَتَا دِرْهَمٍ هَجْرِيَّةٍ وَ بُرْدَةٌ يَمَانِيَّةٍ وَ رَاحِلَتِي تُبْلَغُكَ أَهْلَكَ وَ شَبْعُكَ مِنَ خُبْزِ الْبُرِّ وَ اللَّحْمِ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ مَا أَشِيخَاكَ بِالْمِيَالِ أَيُّهَا الرَّجُلُ وَ انْطَلِقْ بِهِ عَمَّارٌ فَوْقَاهُ مَا ضَمِنَ لَهُ زَنْدْكَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۲۶ وَ عَادَ الْأَعْرَابِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَشَبِعْتَ وَ اكْتَسَيْتَ قَالَ الْأَعْرَابِيُّ نَعَمْ وَ اسْتَيْغَيْتُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي قَالَ فَاجْزِ فَاطِمَةَ بِصَنِيعِهَا فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِلَهَ مَا اسْتَخْدَثْنَاكَ وَ لَا إِلَهَ لَنَا نَعْبُدُهُ سِوَاكَ وَ أَنْتَ رَازِقُنَا عَلَى كُلِّ الْجِهَاتِ اللَّهُمَّ اعْطِ فَاطِمَةَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ فَأَمَّنَ النَّبِيُّ ص عَلَى دُعَائِهِ وَ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى فَاطِمَةَ فِي الدُّنْيَا ذَلِكَ أَنَا أَبُوهَا وَ مَا أَحَدٌ مِنَ الْعَالَمِينَ مِثْلِي وَ عَلَيَّ بَعْلُهَا وَ لَوْ لَا عَلَيٌّ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ أَبَدًا وَ أَعْطَاهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ مَا لِلْعَالَمِينَ مِثْلُهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَسْبَاطِ الْأَنْبِيَاءِ وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كَانَ بِإِزَائِهِ مِقْدَادُ وَ عَمَّارٌ وَ سَلَمَانُ فَقَالَ وَ أَزِيدُكُمْ قَالُوا نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَتَأْنِي الرُّوحُ يَغْنَى جِبْرِئِلَ عَ أَنْهَا إِذَا هِيَ قُبِضَتْ وَ دُفِنَتْ يَسْأَلُهَا الْمَلَكَانِ فِي قَبْرِهَا مَنْ رَبُّكَ فَتَقُولُ اللَّهُ رَبِّي فَيَقُولَانِ فَمَنْ نَبِيِّكَ فَتَقُولُ أَبِي فَيَقُولَانِ فَمَنْ وَ لَيْتَكَ فَتَقُولُ هَذَا الْقَائِمُ عَلَى شَفِيرِ قَبْرِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع أَلَا وَ أَزِيدُكُمْ مِنْ فَضْلِهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِهَا رَعِيلًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَحْفَظُونَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ مِنْ خَلْفِهَا وَ عَنْ يَمِينِهَا وَ عَنْ شِمَالِهَا وَ هُمْ مَعَهَا فِي حَيَاتِهَا وَ عِنْدَ قَبْرِهَا وَ عِنْدَ مَوْتِهَا يُكْتَبُونَ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا فَمَنْ زَارَنِي بَعِيدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي وَ مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَكَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ وَ مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَكَأَنَّمَا زَارَ عَلِيًّا وَ مَنْ زَارَ ذُرِّيَّتَهُمَا فَكَأَنَّمَا زَارَهُمَا فَعَمَدَ عَمَّارٌ إِلَى الْعَقْدِ فَطَيَّبَهُ بِالْمِسْكِ وَ

لَفَّهُ فِي بُرْدَةٍ يَمَانِيَّةٍ وَكَانَ لَهُ عَبْدٌ اسْمُهُ سَيْهَمٌ اتَّبَاعَهُ مِنْ ذَلِكَ السَّهْمِ الَّذِي أَصَابَهُ بِخَيْبَرٍ فَدَفَعَ الْعَقْدَ إِلَى الْمَمْلُوكِ وَقَالَ لَهُ خُذْ هَذَا الْعَقْدَ فَادْفَعْهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَأَنْتَ لَهُ فَاحْذِ الْمَمْلُوكُ الْعَقْدَ فَأَتَى بِهِ رَسُولَ اللَّهِ ص وَأَخْبَرَهُ بِقَوْلِ عَمَّارٍ فَقَالَ النَّبِيُّ انْطَلِقْ إِلَى فَاطِمَةَ فَادْفَعْ إِلَيْهَا الْعَقْدَ وَأَنْتَ لَهَا فَجَاءَ الْمَمْلُوكُ بِالْعَقْدِ وَأَخْبَرَهَا بِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَخَذَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ الْعَقْدَ وَاعْتَقَتِ الْمَمْلُوكَ فَضَحِكَ الْغُلَامُ فَقَالَتْ مَا يُضْحِكُكَ يَا غُلَامُ فَقَالَ أَضْحَكَنِي عِظَمُ بَرَكَهٍ هَذَا الْعَقْدُ أَشْبَعَ جَائِعًا وَكَسَا عُرْيَانًا وَأَغْنَى فَقِيرًا وَأَعْتَقَ عَبْدًا وَرَجَعَ إِلَى رَبِّهِ بَيَانِ السَّمَلِ بِالتَّحْرِيكِ الثَّوْبَ الْخَلْقُ قَوْلُهُ قَدْ تَهَلَّلَ أَيْ الرَّجُلُ مِنْ قَوْلِهِمْ تَهَلَّلَ وَجْهَهُ إِذَا زَنْدِ گَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۲۷ استنار و ظهر فيه آثار السرور أو الثوب كناية عن انخراقه قوله يستحبه الخبر أى يسأله الخبر و يحثه و يرغبه على ذكر أحواله. قوله أرشنى قال الجزرى يقع الرياش على الخصب و المعاش و المال المستفاد و منه حديث عائشة و يريش مملقها أى يكسوه و يعينه و أصله من الريش كان الفقير المملق لا نهوض به كالمقصود الجناح يقال راشه يريشه إذا أحسن إليه و القرظ ورق السلم يدبغ به و يقال ارتاح الله لفلان أى رحمه و السغب الجوع و قال الجزرى يقال للقطعة من الفرسان رعله و لجماعة الخيل رغيل و منه حديث على ع سراعاً إلى أمره رعيلاً أى ركاباً على الخيل

ترجمه

جابر بن عبد الله انصاری گوید: روزی رسول خدا پس از به جای آوردن نماز عصر در محراب مسجد نشسته و مردم نیز اطراف او را گرفته بودند، در این حال پیر مردی از مهاجرین عرب که لباسهای کهنه‌ای بر تن داشت و از شدت ضعف قدرت حفظ خود را نداشت به نزد ایشان آمد، پیامبر که متوجه حضور وی شده بود به سوی او نگرسته و از احوالش سؤال کرد. پیر مرد گفت: ای محمد! گرسنه‌ام غذایی به من بده، برهنه‌ام لباسی در اختیارم بگذار، فقیرم بی‌نیازم کن. پیامبر فرمود: من چیزی ندارم که به تو بدهم ولی تو را به جایی راهنمایی می‌کنم که راهنمای به خیر مانند عامل به خیر است، برخیز و به سوی خانه آن کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارد، خدا و رسول هم وی را دوست می‌دارند، آن کسی که خدا را بر خود مقدم می‌دارد، به سوی خانه فاطمه برو. سپس رسول خدا به بلال فرمود: برخیز و این اعرابی را تا در خانه فاطمه راهنمایی کن. آن پیر مرد همراه بلال رفت تا به در خانه فاطمه رسیدند و با صدای رسا گفت: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و مختلف الملائكة و مهبط جبرئیل الروح الامین بالتنزیل من عند رب العالمین». فاطمه فرمود: و علیک السلام، تو کیستی؟ پیر مرد گفت: من پیر مردی از عرب هستم که از راه دور به سوی پدر تو آمده‌ام، ای دختر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۲۸ محمد! من برهنه‌ام و گرسنه‌ام، مرا یاری کن، خدا تو را رحمت کند. راوی گوید: آن زمان، هنگامی بود که پیامبر، علی و فاطمه سه روز بود که غذا نخورده بودند و رسول خدا هم از حال علی و زهرا آگاهی داشت. به هر حال حضرت فاطمه پوستینی را که حسن و حسین روی آن می‌خوابیدند به آن پیر مرد داده و گفت: این را بگیر شاید که خدا بهتر از آن را هم به تو عطا فرماید. پیر مرد گفت: ای دختر محمد! من از گرسنگی به تو شکایت می‌کنم و تو پوست گوسفندی را به من می‌دهی، من با وجود این ضعف و گرسنگی با این پوست چه کنم؟ و آن به چه درد من می‌خورد؟ راوی گوید: هنگامی که فاطمه این سخن را شنید گردن‌بند خود را که فاطمه بنت حمزه - دختر عمویش - برای وی هدیه کرده بود از گردن خویش باز کرد و به پیر مرد داد و گفت: این گردن‌بند را بفروش، شاید خداوند مهربان بهتر از این را به تو عطا فرماید. پیر مرد پس از آنکه گردن‌بند را گرفت به سوی مسجد بازگشت و خطاب به رسول خدا گفت: ای رسول خدا! این گردن‌بند را دخترت فاطمه به من بخشید و گفت: آن را بفروش، شاید خداوند بهتر از آن را نصیب تو فرماید. پیامبر با دیدن گردن‌بند گریه‌اش گرفت و گفت: چگونه خداوند به تو بهتر از آن نصیب نفرماید در حالی که فاطمه دختر بزرگترین پیامبر خدا آن را به تو عطا کرده است. در این حال عمّار یاسر برخاست و گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می‌دهی که من این گردن‌بند را بخرم؟ پیامبر فرمود: آن را خریداری کن، و الله اگر ثقلین در خریداری آن شرکت کنند خدا هرگز آنان را به آتش دوزخ عذاب نخواهد کرد.

عمار گفت: ای پیر مرد! این گردنبند را به چه قیمتی می فروشی؟ پیر مرد گفت: به یک شکم نان و گوشت و یک برد یمانی که عورت خود را به وسیله آن پوشانم و با آن برای خدا نماز بگزارم و یک دینار که به کمک آن به اهل و عیال خویش برسم. عمار که سهم خود از غنائم خیر را فروخته بود گفت: بیست دینار و دویست درهم، و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۲۹ یک برد یمانی، با شتری راهوار که به خودم تعلق دارد و تو را به آسانی به وطن می رساند، با یک شکم نان گندم و گوشت به تو می دهم و آن را از تو خریداری می نمایم. پیر مرد گفت: ای مرد، تو چقدر سخاوتمندی! سپس عمار آنچه را وعده کرده بود به او داد و گردنبند را گرفت، بعد از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اعرابی پیر گفت: آیا سیر شدی؟ آیا بدن خود را پوشانیدی؟ پیر مرد گفت: آری، پدر و مادرم به فدای تو، من دیگر بی نیاز گردیدم. پیامبر فرمود: اکنون که چنین است برای فاطمه دعای خیری کن و محبت او را نسبت به خود جبران فرما. پیر مرد فرمود: خداوند! تو پروردگاری هستی ازلی و ما غیر از تو را نمی پرستیم، تو رازق مطلق هستی، پس بار خدایا! به فاطمه چیزی عطا کن که تا امروز چشم هیچ کس مانند آن را ندیده باشد و گوش هیچ کس در باره آن چیزی نشنیده باشد. پیامبر آمین گفت و رو به اصحاب کرده فرمود: خداوند این دعا را در دنیا، نسبت به فاطمه اجابت نموده است زیرا پدری به او عطا فرموده که کسی مثل آن را نداشته است و همسری که کسی نظیر و همانند او نیست و پسرانی که هیچ کس چون آنها را ندیده است و آنها سرور جوانان بهشت خواهند بود. سپس به سوی مقداد، عمار و سلمان بازگشته و گفت: آیا می خواهید که بیش از این را برای شما بگویم؟ رسول خدا فرمود: جبرئیل نزد من آمده گفت: هنگامی که فاطمه رحلت نموده و دفن شود، دو فرشته از وی در باره خدا، پیغمبر و ولایتش سؤال می کنند و او جواب می دهد که پروردگار من خداوند یگانه، پیامبرم پدرم و ولیم شوهرم می باشد که اکنون بر بالای قبر من ایستاده است. و رسول خدا ادامه داد: بگذارید تا برخی دیگر از فضائل او را نیز برای شما بازگو کنم، خداوند متعال گروهی از فرشتگان را مأمور نموده که فاطمه را از هر چهار طرف محافظت نمایند، این فرشتگان در زمان حیات فاطمه، در قبر او، و هنگام رحلتش با او همراه می باشند و دروهای فراوانی را نثار او، پدر، شوهر و فرزندان می نمایند. پس کسی که مرا پس از فوت زیارت نماید مثل آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۳۰ نموده، و کسی که فاطمه را زیارت کند مثل آن است که مرا زیارت کرده، و کسی که علی را زیارت کند مانند آن است که فاطمه را زیارت کرده باشد، و کسی که حسن و حسین را زیارت کند گویا علی را زیارت کرده و کسی که فرزندان حسن و حسین را زیارت کند چنان است که آن دو را زیارت کرده است. پس از این سخنان عمار گردن بند فاطمه را با مشک خوشبو نمود و آن را در میان بردی یمانی پیچید و تحویل غلامی به نام سهیم داد و به او گفت: این را تحویل پیامبر بده، و خود آن غلام را نیز به پیامبر هدیه نمود. آن غلام گردن بند را نزد رسول خدا آورده و سخنان عمار را برای ایشان باز گفت، پیامبر به او گفت: من تو را با این گردن بند به فاطمه بخشیدم، سهیم به نزد فاطمه آمد و سخن پیامبر را برای او بیان نمود، و فاطمه علیها السلام آن گردنبند را گرفته و غلام را آزاد کرد. غلام مذکور پس از اینکه آزاد شد خندید و بسیار خوشحال بود، فاطمه گفت: ای مرد! برای چه می خندی؟ غلام گفت: عظمت برکت و خیر کثیر این گردن بند مرا خندان نموده است، زیرا گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشانید، فقیری را بی نیاز کرد، غلامی را آزاد نمود و در نهایت نیز به دست صاحب اصلیش باز گشت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۸۶/....- تفسیر فرائد «۱» عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ مُعْتَنًا عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ أَصْبَحَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ ذَاتِ يَوْمٍ سَاغِبًا فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ

هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ تُغْذِّيهِ قَالَتْ لَا وَالَّذِي أَكْرَمَ أَبِي بِالنُّبُوَّةِ وَأَكْرَمَكَ بِالْوَصِيَّةِ مَا أَصْبَحَ الْغَدَاةَ عِنْدِي شَيْءٌ وَمَا كَانَ شَيْءٌ أَطْعَمَنَاهُ مُذْ يَوْمَئِذٍ إِلَّا شَيْءٌ كُنْتُ أُوْثِرُكَ بِهِ عَلَى نَفْسِي وَعَلَى ابْنَتِي هَذَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَقَالَ عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ أَلَا كُنْتُ أَعْلَمْتِنِي فَأَبْغَيْتُكُمْ شَيْئًا فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِلَهِي أَنْ أَكْلَفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ فَخَرَجَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ عِنْدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَاتَّقَا بِاللَّهِ بِحُسْنِ الظَّنِّ فَاسْتَقْرَضَ دِينَارًا فَبَيْنَا الدِّينَارُ فِي يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ يُرِيدُ أَنْ يَبْتَاعَ لِعِيَالِهِ مَا يُضِلُّهُمْ فَتَعَرَّضَ لَهُ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۳۳۱ الْمَقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ فِي يَوْمٍ شَدِيدِ الْحَرِّ قَدْ لَوَحَتْهُ الشَّمْسُ مِنْ فَوْقِهِ وَآذَتْهُ مِنْ تَحْتِهِ فَلَمَّا رَأَاهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ أَتَكَرَّ شَأْنُهُ فَقَالَ يَا مَقْدَادُ مَا أَزْعَجَكَ هَذِهِ السَّاعَةُ مِنْ رَحْلِكَ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ خَلِّ سَبِيلِي وَلَا تَسْأَلْنِي عَمَّا وَرَأَيْتُ فَقَالَ يَا أَخِي إِنَّهُ لَمَّا يَسْأَلُنِي أَنْ تُجَاوِزَنِي حَتَّى أَعْلَمَ عَلَيْكَ فَقَالَ يَا أَيُّهَا الْحَسَنِ رَغِبْهُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ أَنْ تُخَلِّيَ سَبِيلِي وَلَا تَكْشِفْنِي عَنْ حَالِي فَقَالَ لَهُ يَا أَخِي إِنَّهُ لَمَّا يَسْأَلُنِي أَنْ تَكْتُمَنِي حَالَكَ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَمَا إِذْ آيَتْ فَوَالَّذِي أَكْرَمَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَأَكْرَمَكَ بِالْوَصِيَّةِ مَا أَزْعَجَنِي مِنْ رَحْلِي إِلَّا الْجُهْدُ وَقَدْ تَرَكْتُ عِيَالِي يَتَضَاعَوْنَ جُوعًا فَلَمَّا سَمِعْتُ بُكَاءَ الْعِيَالِ لَمْ تَحْمِلْنِي الْأَرْضُ فَخَرَجْتُ مَهْمُومًا رَاكِبَ رَأْسِي هَذِهِ حَالِي وَقِصَّتِي فَأَنْهَمَلْتُ عَيْنًا عَلَى الْبُكَاءِ حَتَّى بَلَثْتُ دَمْعَتَهُ لِحَيْتِهِ فَقَالَ لَهُ أَخْلِفْ بِالَّذِي حَلَفْتُ مَا أَزْعَجَنِي إِلَّا الَّذِي أَزْعَجَكَ مِنْ رَحْلِكَ فَقَدْ اسْتَقْرَضْتُ دِينَارًا فَقَدْ آثَرْتُكَ عَلَى نَفْسِي فَدَفَعَ الدِّينَارَ إِلَيْهِ وَرَجَعَ حَتَّى دَخَلَ مَسْجِدَ النَّبِيِّ ص فَصَلَّى فِيهِ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ وَالْمَغْرِبَ فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَغْرِبَ مَرَّ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ فَغَمَزَهُ بِرِجْلِهِ فَقَامَ عَلِيُّ عَ مُتَعَقِّبًا خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى لَحِقَهُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَردَّ رَسُولُ اللَّهِ ص السَّلَامَ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ نَتَعَشَّاهُ فَنَمِيلَ مَعَكَ فَمَكَثَ مُطَرِّقًا لَا يُجِيرُ جَوَابًا حَيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَهُوَ يَعْلَمُ مَا كَانَ مِنْ أَمْرِ الدِّينَارِ وَمِنْ أَيْنَ أَخَذَهُ وَآيْنِ وَجْهَهُ وَقَدْ كَانَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ص أَنْ يَتَعَشَّى اللَّيْلَةَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ فَلَمَّا نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى سُكُوتِهِ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا لَكَ لَا تَقُولَ لَا فَأَنْصِرِفَ أَوْ تَقُولَ نَعَمْ فَأَمْضِيَ مَعَكَ فَقَالَ حَيَاءً وَتَكْرُمًا فَادْهَبْ بِنَا فَآخِذْ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَ [ع] عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ فَانْطَلَقَا حَتَّى دَخَلَا عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَهِيَ فِي مَصِئَلَاهَا قَدْ قَضَتْ صِلَاتَهَا وَخَلَفَهَا جَفْنُهُ تَفُورُ دُخَانًا فَلَمَّا سَمِعَتْ كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي رَحْلِهَا خَرَجَتْ مِنْ مَصْلَاهَا فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ وَكَانَتْ أَعَزَّ النَّاسِ عَلَيْهِ فَردَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَمَسَحَ بِيَدِهِ عَلَى رَأْسِهَا وَقَالَ لَهَا يَا بِنْتَاهُ كَيْفَ أُمْسَيْتِ رَحِمَكَ اللَّهُ تَعَالَى عَشِينَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَقَدْ فَعَلْتَ فَآخِذَتِ الْجَفْنَةَ فَوَضَعَتْهَا بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ ص وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَلَمَّا نَظَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِلَى طَعَامٍ وَشَمِّ رِيحِهِ رَمَى فَاطِمَةَ بِبَصَرِهِ رَمِيًا شَحِيحًا قَالَتْ لَهُ فَاطِمَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا أَشَحَّ نَظْرَكَ وَأَشَدَّهُ هَلْ أَذْنُبْتُ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ ذَنْبًا اسْتَوْجَبْتُ بِهِ السَّخَطَ قَالَ وَآيُ ذَنْبٍ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِ أَصْبَتِيهِ أَلَيْسَ عَهْدِي إِلَيْكَ الْيَوْمَ الْمَاضِي وَأَنْتِ تَخْلِفِينَ بِاللَّهِ مُجْتَهِدَةً مَا طِعِمْتَ طَعَامًا مُذْ يَوْمَئِذٍ قَالَ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۳۳۲ فَنَظَرْتُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالْتُ إِلَهِي يَعْلَمُ فِي سَمَائِهِ وَيَعْلَمُ فِي أَرْضِهِ أَنِّي لَمْ أَقُلْ إِلَّا حَقًّا فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ أَنَّى لَكَ هَذَا الطَّعَامُ الَّذِي لَمْ أَنْظُرْ إِلَى مِثْلِ لَوْنِهِ قَطُّ وَلَمْ أَشَمِّ مِثْلَ رِيحِهِ قَطُّ وَمَا أَكُلْتُ أَطْيَبَ مِنْهُ قَالَ فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص كَفَّهُ الطَّيِّبَةَ الْمُبَارَكَةَ بَيْنَ كَتِفَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ فَغَمَزَهَا ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ هَذَا يَدُلُّ دِينَارَكَ وَهَذَا جِزَاءُ دِينَارِكَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَزُوقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ «۱» ثُمَّ اسْتَعْبَرَ النَّبِيُّ ص بَاكِيًا ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ أَبِي لَكُمْ أَنْ تَخْرُجَا مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَجْزِيَكُمَا وَيُجْزِيَكُ يَا عَلِيُّ مُجْرَى زَكْرِيَّا وَيُجْرَى فَاطِمَةَ مُجْرَى مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ كُلُّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكْرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا «۲» - كشف «۳» عن أبي سعيد مثله ما، «۴» جماعة عن أبي المفضل عن محمد بن جعفر بن مسكان عن عبد الله بن الحسين عن يحيى بن عبد الحميد الحماني عن قيس بن الربيع عن أبي هارون العبدى عن أبي سعيد مثله بيان قال الجوهري لوحت الشئ بالنار أحيمته وقال في النهاية فيه إن شئت دعوت الله أن يسمعك تضاعفهم في النار أى صياحهم وبكاءهم يقال ضغا يضغو ضغوا وضغاء إذا صاح ومنه الحديث وصييتي يتضاعفون حولي. قوله رميا شحيا الشح البخل مع حرص وهو لا يناسب المقام إلا بتكلف ويحتمل أن يكون أصله شحيا بالسين المهملة من السح بمعنى السيلان كناية عن المبالغة في النظر والتحديق بالبصر وعلى ما فى النسخ يحتمل أن يكون من الحرص كناية عن المبالغة فى النظر أو البخل كناية عن النظر بطرف البصر على وجه الغيظ

ترجمه

ابو سعید خدری روایت کرده است: در صبح یکی از روزها علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام گفت: آیا طعامی برای خوردن داریم؟ فاطمه گفت: نه، به حقّ خدایی که پدرم را به نبوّت و پیامبری گرامی داشت و تو را به وصایت و جانشینی او، چیزی در خانه نداریم و دو روز است که چیزی نخورده‌ایم و مقدار زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۳۳ کمی غذا در خانه بوده است که آن را هم برای تو و فرزندانمان اختصاص دادم و خود از خوردن آن خودداری نمودم. علی گفت: ای فاطمه! چرا مرا آگاه نمودی تا غذایی تهیّه نمایم؟ فاطمه گفت: ای ابو الحسن! من از خداوند شرم دارم از تو چیزی بخواهم که قدرت بر تهیّه آن نداشته باشی. علی علیه السلام با توکل و امید به کرم و بخشش خداوند متعال از خانه خارج گردید و یک دینار قرض کرد تا برای خرید طعام مصرف کند ولی در این هنگام مقدار را دید که مغموم و اندیشناک در زیر آفتاب سوزان راه می‌رود، پس به او نزدیک شده گفت: ای مقدار! در زیر این آفتاب سوزان و در این موقع از روز برای چه از خانه خارج شده‌ای؟ مقدار گفت: ای برادر! مرا واگذار و در باره اسرار من پرسش مکن! علی علیه السلام گفت: ای برادر! من نمی‌توانم از تو در گذرم مگر آنکه بدانم بر تو چه می‌گذرد. مقدار گفت: ای ابو الحسن! من رغبت دارم که مرا رها کنی و از احوال من جستجو نکنی. علی گفت: ای برادر! تو نباید احوال خود را از من کتمان کنی. مقدار گفت: ای ابو الحسن! اکنون که از من در نمی‌گذری و از پاسخ سؤالت معاف نمی‌داری، به حقّ آن خدایی که محمّد را به پیامبری و تو را به وصایت او گرامی داشته، غیر از گرسنگی چیزی مرا از خانه‌ام بیرون نکشیده، هنگامی که گریه خانواده را شنیدم، آنها را گرسنه رها کرده و بیرون آمدم در حالی که مغموم و سرافکنده می‌باشم، این است حال و وضع من. هنگامی که مقدار این را برای علی تعریف می‌کرد، علی علیه السلام گریه می‌کرد بدان گونه که محاسن او از اشک چشمش تر گردیده بود، پس به مقدار گفت: سوگند به حقّ آنکه تو به حقّش سوگند یاد نمودی، همان عاملی که تو را از خانه‌ات خارج کرده مرا نیز به بیرون از خانه کشانیده و من یک دینار قرض کرده‌ام ولی دوست دارم که تو را بر خود مقدّم داشته و آن را به تو تقدیم نمایم. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۳۴ پس علی علیه السلام آن دینار را به مقدار داد و خود به طرف مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم رفت و در آنجا بود تا نماز ظهر، عصر و مغرب را به جای آورد، هنگامی که نماز مغرب تمام شد رسول خدا متوجه علی علیه السلام که در صف اوّل نماز بود گردید و به آن حضرت اشاره نمود که برخیزد و هر دو برخاسته با هم از مسجد خارج شدند و پیامبر فرمود: ای علی! آیا غذایی داری که امشب ما را مهمان کنی؟ علی علیه السلام سر به زیر افکند و جوابی نداد، ولی پیامبر که توسط جبرئیل از قضایای آن روز اطلاع پیدا کرده بود و بر وی وحی شده بود که شام را میهمان علی علیه السلام باشد تسلیم نشده و به علی گفت: ای علی! یا بگو نه تا من باز گردم و یا بگو آری تا با تو بیایم. علی گفت: ای رسول خدا! از شما در خجالت و شرمندهام، بفرمایید و میهمان ما باشید. پیامبر دست علی را گرفت و با هم به سوی خانه فاطمه علیها السلام رفتند، وقتی به خانه رسیدند مشاهده کردند که فاطمه در محراب عبادت ایستاده و به راز و نیاز با خدا مشغول است و در پشت سر او کاسه‌ای پر از غذای داغ که بخارش مشهود بود قرار دارد. هنگامی که فاطمه صدای پیامبر را شنید از محراب خارج گردید و سلام نمود و پیامبر جواب وی را داده و دستی بر سر او کشید و گفت: دخترم! روز را چگونه گذراندی؟ خدا تو را رحمت کند، شامی برای ما بیاور. حضرت فاطمه آن کاسه غذا را برداشته و در مقابل پیامبر و علی گذارد، هنگامی چشم علی به کاسه غذا افتاد نگاهی توأم با سؤال و تعجب به فاطمه افکند، پس فاطمه گفت: ای علی! نگاه تندی به من می‌کنی، آیا گناهی کرده‌ام که مستوجب غضب تو شده باشم؟ علی فرمود: چه گناهی بزرگتر از این که سوگند خوردی مدّت دو روز است غذا نخورده‌ای؟ فاطمه نظری به آسمان افکنده و گفت: خداوندی که بر همه چیز آگاه است می‌داند که از من سخنی غیر از راستی و حقیقت صادر نشده است. علی علیه السلام گفت: پس این غذایی که از نظر رنگ، بو و مزه نظیر آن را ندیده‌ام از کجا فراهم شده

است؟ در این حال پیامبر دست خود را بر سینه علی گذارد و فرمود: ای علی! این غذا به عوض زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۳۵ آن دیناری است که تو به مقدار دادی، همانا خداوند هر کس را که خواهد بدون حساب روزی می‌دهد. سپس رسول خدا متأثر و گریان گردیده و فرمود: حمد و سپاس از آن خدایی است که شما را از دنیا نبرد و در همین دنیا جزای کار نیکویتان را عطا فرمود، ای علی! خدا تو را نظیر حضرت زکریا و فاطمه را مثل مریم قرار داده است چرا که خداوند می‌فرماید: «هر گاه زکریا در محراب عبادت نزد مریم می‌رفت، غذایی را در نزد او حاضر می‌دید». علامه مجلسی این روایت را در کشف الغمه و امالی شیخ طوسی نیز دیده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۸۷/.... - الکافی (۱) عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ جَاءَتْ فَاطِمَةُ تَشْكُو إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص بَعْضُ أَمْرٍ فَأَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص كَرِيَةً وَقَالَ تَعْلَمِي مَا فِيهَا فَإِذَا فِيهَا مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي حِرَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُقِلْ خَيْرًا أَوْ لَيْسَ كُتَّ بِيَانِ كَرْبِ النَّخْلِ أَصُولِ السَّعْفِ أَمْثَالِ الْكَتَفِ (۲)

ترجمه

امام صادق علیه السلام فرماید: روزی فاطمه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفته و در باره بعضی مشکلات زندگی خود شکوه نمود، پس رسول خدا لوحی در اختیار دخترش قرار داد و گفت: آنچه را که در آن نوشته شده بیاموز. و در آن لوح نوشته شده بود: کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد همسایه خود را آزار نمی‌دهد، و کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد میهمان خویش را گرامی می‌دارد، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۳۶ و کسی که به خداوند و آخرت ایمان دارد یا سخن نیکو و شایسته می‌گوید و یا سکوت می‌کند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴، ۱۵ - ۱۸۸ / ۵۳ - الکافی (۱) الْعِدَّةُ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ عَنْ سَيِّفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُرِيدُ فَاطِمَةَ ع وَأَنَا مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى الْبَابِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَمَدَّعَهُ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَذْخُلُ قَالَتْ أَذْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَذْخُلُ أَنَا وَمَنْ مَعِيَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ عَلَيَّ قِتَاعٌ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ خُذِي فَضْلَ مِلْحَفَتِكَ فَقَعِي بِهِ رَأْسَكَ فَفَعَلْتَ ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَذْخُلُ قَالَتْ نَعَمْ أَذْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَنَا وَمَنْ مَعِيَ قَالَتْ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ جَابِرٌ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَدَخَلْتُ أَنَا وَإِذَا وَجْهُ فَاطِمَةَ أَضْيَفَرُ كَأَنَّهُ بَطْنُ جَرَادٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا لِي أَرَى وَجْهَكَ أَضْيَفَرُ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْجُوعُ فَقَالَ اللَّهُمَّ مُشْبِعَ الْجُوعِ وَرَافِعَ الضَّيْعَةِ أَشْبِعْ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ فَقَالَ جَابِرٌ قَوْلَ اللَّهِ فَظَنَرْتُ إِلَى الدَّمِ يَنْحَدِرُ مِنْ قُصَاصِهَا حَتَّى عَادَ وَجْهَهَا أَحْمَرَ فَمَا جَاعَتْ بَعْدَ ذَلِكَ الْيَوْمِ

ترجمه

جابر بن عبد الله انصاری گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سوی خانه فاطمه علیها السلام رفت و من هم با او همراه بودم، پس هنگامی که به در خانه رسیدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زد و گفت: السّلام علیکم. فاطمه گفت: علیک السلام، ای رسول خدا! سؤال فرمود: داخل شوم؟ پاسخ داد: داخل شوید ای رسول خدا. پیامبر فرمود: آیا با این شخصی که همراه من است داخل شوم؟ فاطمه گفت: ای رسول خدا! من مقنعه‌ای بر سر ندارم. پیامبر فرمود: گوشه ملافه - یا روپوش - خود را مقنعه قرار بده و سرت را بپوشان. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۳۷ هنگامی که فاطمه چنان کرد، پیامبر مجددا سلام کرده اجازه ورود خواست و فاطمه گفت: ای رسول خدا! داخل شوید. پیامبر گفت: بله، آیا داخل شوم با کسی که همراه من است؟ فاطمه گفت: بله. جابر می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و من داخل شدیم و در این حال متوجه شدم که چهره فاطمه زرد است مثل شکم ملخ زرد، رسول خدا گفت: چرا صورتت رنگ پریده و زرد است؟ فاطمه گفت: ای رسول خدا! از گرسنگی. سپس پیامبر خدا دعا نموده و فرمود: ای خدایی که گرسنگان را سیر می کنی، و افتادگان را دستگیری می نمایی، فاطمه را سیر نما. جابر می گوید، به خداوند سوگند با این دعا خون در چهره فاطمه چنان جریان یافت که صورتش قرمز و گلگون گردید و بعد از آن روز هرگز گرسنه نشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۸۹/.... - تفسیر فرات «۱» الْحَسَنِ بْنُ سَعِيدٍ مَعْنَعًا عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنِ الْعَرْشِ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَمُرَّ بِنْتُ حَبِيبِ اللَّهِ إِلَى قَصْرِهَا فَتَمُرَّ إِلَى قَصْرِهَا فَاطِمَةُ ابْنَتِي وَعَلَيْهَا رِيطَتَانِ خَضِرَاوَانِ حَوَالَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ حُورَاءَ فَإِذَا بَلَغَتْ إِلَى بَابِ قَصْرِهَا وَجِدَتْ الْحَسَنَ قَائِمًا وَالْحُسَيْنَ نَائِمًا مَقْطُوعَ الرَّأْسِ فَتَقُولُ لِلْحَسَنِ مَنْ هَذَا فَيَقُولُ هَذَا أَخِي إِنَّ أُمَّهُ أَيْبَكَ قَتَلُوهُ وَقَطَعُوا رَأْسَهُ فَيَأْتِيهَا النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ إِنِّي إِنَّمَا أَرَيْتُكَ مَا فَعَلْتُ بِهِ أُمُّهُ أَيْبِكَ لِأَنِّي ادَّخَرْتُ لَكَ عِنْدِي تَغْزِيَةً بِمُصِيبَتِكَ فِيهِ إِنِّي جَعَلْتُ تَغْزِيَتَكَ الْيَوْمَ أَنِّي لَا أَنْظُرُ فِي مُحَاسِبَةِ الْعِبَادِ حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ أَنْتِ وَذُرِّيَّتُكَ وَشِيعَتُكَ وَمَنْ أَوْلَاكُمْ مَعْرُوفًا مِمَّنْ لَيْسَ هُوَ مِنْ شِيعَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَنْظُرُ فِي مُحَاسِبَةِ الْعِبَادِ فَتَدْخُلُ فَاطِمَةُ ابْنَتِي الْجَنَّةَ وَذُرِّيَّتُهَا وَشِيعَتُهَا وَمَنْ أَوْلَاهَا مَعْرُوفًا مِمَّنْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِهَا فَهُوَ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۳۸ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَخْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ «۱» قَالَ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ «۲» هِيَ وَاللَّهُ فَاطِمَةُ وَذُرِّيَّتُهَا وَشِيعَتُهَا وَمَنْ أَوْلَاهُمْ مَعْرُوفًا مِمَّنْ لَيْسَ هُوَ مِنْ شِيعَتِهَا

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: هنگامی که روز قیامت فرا می رسد منادی از عرش ندا می دهد: ای خلائق چشمان خود را ببندید تا دختر حبیب خدا به قصر خود برود. سپس فاطمه در حالی که دو چادر سبز بر سر کرده و هفتاد هزار فرشته او را همراهی می نمایند عبور می کند و هنگامی که بر در قصر می رسد مشاهده می کند که پسرش حسن ایستاده و حسین در حالی که سر ندارد خوابیده است. فاطمه به حسن می گوید: این کیست که خوابیده؟ حسن می گوید: برادرم حسین است که به دست امت پدر شما کشته و سرش را بریده اند. در همین موقع از طرف خدا خطاب می رسد: ای دختر حبیب من! من این ظلم و ستمی را که امت

پدرت مرتکب شده‌اند از آن جهت به تو نشان دادم تا آن تسلیت را که برای تو ذخیره نموده‌ام نشانت دهم، و تسلیت تو این است که امروز به حساب احدی رسیدگی نخواهم کرد مگر آنکه تو، فرزندان، شیعیان و آنهایی را که شیعه نبوده‌اند ولی به شما خدمتی کرده‌اند داخل بهشت شوید. پیامبر ادامه دادند: و در همین موقع آن اشخاص داخل بهشت می‌شوند و این همان معنای کلام خداوند است که فرمود: «در روز جزع و فزع بزرگ هیچ چیز آنها را محزون نخواهد کرد»، و منظور از «یوم الفزع الاکبر» روز قیامت است و هول و هراسی که در این روز وجود دارد، که در آن روز فاطمه، فرزندان، شیعیان و دوستانش «از کسانی هستند که در آنجا که دوست دارند داخل می‌شوند و اقامت می‌کنند».

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹۰/....- الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص لِفَاطِمَةَ يَا فَاطِمَةُ قُومِي فَأَخْرُجِي تِلْكَ الصَّحْفَةَ فَقَامَتْ فَأَخْرَجَتْ صِحْفَةً فِيهَا تَرِيدٌ وَ عَرَاقٌ يَفُورُ «۲» فَأَكَلَ النَّبِيُّ ص وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع ثَلَاثَةَ عَشَرَ يَوْمًا ثُمَّ إِنَّ أُمَّ أَيْمَنَ رَأَتْ الْحُسَيْنَ مَعَهُ شَيْءٌ فَقَالَتْ لَهُ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا قَالَ إِنَّا لَنَأْكُلُهُ مُنْذُ أَيَّامٍ فَأَتَتْ أُمَّ أَيْمَنَ فَاطِمَةَ ع فَقَالَتْ يَا فَاطِمَةُ إِذَا كَانَ عِنْدَ أُمَّ أَيْمَنَ شَيْءٌ فَإِنَّمَا هُوَ لِفَاطِمَةَ وَ لَوْلِهَا وَ إِذَا كَانَ عِنْدَ فَاطِمَةَ شَيْءٌ فَلَيْسَ لِأُمَّ أَيْمَنَ مِنْهُ شَيْءٌ فَأَخْرَجَتْ لَهَا مِنْهُ فَأَكَلَتْ مِنْهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ الصَّحْفَةُ عِنْدَنَا يَخْرُجُ بِهَا قَائِمُنَاعٌ فِي زَمَانِهِ بَيَانُ قَالَ الْجَوْهَرِيُّ الْعَرَقُ الْعِظَمُ الَّذِي أَخَذَ عَنْهُ اللَّحْمُ وَ الْجَمْعُ عَرَقٌ بِالضَّمِّ انْتَهَى. وَ الْمَرَادُ هُنَا الْعِظَمُ مَعَ اللَّحْمِ كَمَا وَرَدَ فِي اللَّغَةِ أَيْضًا قَالَ الْفَيْرُوزِآبَادِيُّ الْعَرَقُ وَ كَغَرَابِ الْعِظَمِ أَكَلَ لَحْمَهُ وَ الْجَمْعُ كَكِتَابٍ وَ غَرَابٍ نَادِرٌ أَوْ الْعَرَقُ الْعِظَمُ بِلَحْمِهِ فَإِذَا أَكَلَ لَحْمَهُ فَعَرَقَ أَوْ كَلَاهُمَا لِكُلِيهِمَا

ترجمه

امام محمد باقر علیه السلام فرماید: پیامبر به فاطمه گفت: ای فاطمه! برخیز و آن ظرف غذا را بیاور. فاطمه برخاست و ظرف غذایی که در آن نان ترید شده- تکه تکه شده- همراه با گوشت گوساله بود آورد، و پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین به مدت سیزده روز از آن ظرف غذا می‌خوردند تا اینکه امّ ایمن تکه‌ای از آن را در دست حسین دیده و پرسید: این طعام را از کجا آورده‌ای؟ و آن حضرت در پاسخ فرمود: چند روزی است که این گوشت گوساله را می‌خوریم. امّ ایمن نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمد و گفت: هر چه در نزد من باشد از آن شما و فرزندان شماست اما اگر در نزد شما چیزی باشد آیا امّ ایمن نمی‌تواند قسمتی از آن را داشته باشد؟ پس مقداری از آن غذا را به امّ ایمن داد و چون وی از آن طعام خورد، ظرف غذا ناپدید گردید و پیامبر در این باره به فاطمه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۰ فرمود: اگر از این غذا به امّ ایمن نداده بودی «۱»، همانا شما تا روز قیامت می‌توانستید از آن غذا مصرف نمایید. امام باقر گوید: آن ظرف هم اکنون نزد ماست و قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان خود آن را ظاهر نموده و از طعامش مصرف خواهد نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹۱/...- الکافی «۲» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ بَرِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ التَّمَجِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَ وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ «۳»

ترجمه

امام محمد باقر علیه السلام فرماید: خداوند به ذکرى بهتر و بالاتر از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام مورد تمجید و پرستش قرار نمی گیرد چرا که اگر چیزی بالاتر از آن وجود داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را به دخترش فاطمه علیها السلام تعلیم می داد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹۲/۵۷- تفسیر فرات «۴» سَهْلُ بْنُ أَحْمَدَ الدِّينَوَرِيُّ مُعْتَمِدًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ جَابِرٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ جُعِلَتْ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدَّثَنِي بِحَدِيثٍ فِي فَضْلِ جَدَّتِكَ فَاطِمَةَ إِذَا أَنَا حَدَّثْتُ بِهِ الشَّيْعَةَ فَرَحُوا بِذَلِكَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۱ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لِلْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ مِثْرَى أَعْلَى مَنَابِرِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ اخْطُبْ فَأَخْطُبُ بِخُطْبِهِ لَمْ يَسْمَعْ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ بِمِثْلِهَا ثُمَّ يُنْصَبُ لِلْأَوْصِيَاءِ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ وَيُنْصَبُ لِوَصِيِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي أَوْسَاطِهِمْ مِثْرٌ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ مِثْرُهُ أَعْلَى مَنَابِرِهِمْ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ يَا عَلِيُّ اخْطُبْ فَيَخْطُبُ بِخُطْبِهِ لَمْ يَسْمَعْ أَحَدٌ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِمِثْلِهَا ثُمَّ يُنْصَبُ لِأَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مَنَابِرٌ مِنْ نُورٍ فَيَكُونُ لِثَابِتِي وَسَجْطِي وَرِيحَانَتِي أَيَّامَ حَيَاتِي مِثْرٌ مِنْ نُورٍ ثُمَّ يَقَالُ لَهُمَا اخْطُبَا فَيَخْطُبَانِ بِخُطْبَتَيْنِ لَمْ يَسْمَعْ أَحَدٌ مِنَ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ بِمِثْلِهِمَا ثُمَّ يُنَادِي الْمُنَادِي وَهُوَ جَبْرِئِيلُ عَ أَيْنَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ أَيْنَ خَدِجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَيْنَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ أَيْنَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ أَيْنَ أُمُّ كُلْثُومٍ أُمُّ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فَيَقْمَنَّ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا أَهْلَ الْجَمْعِ لِمَنِ الْكُرْمُ الْيَوْمَ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَهْلَ الْجَمْعِ إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ الْكُرْمَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَفَاطِمَةَ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ طَاطَبُوا الرُّؤُوسَ وَغَضُّوا الْأَبْصَارَ فَإِنَّ هَذِهِ فَاطِمَةُ تَسِيرُ إِلَى الْجَنَّةِ فَيَأْتِيهَا جَبْرِئِيلُ بِنَاقِهِ مِنْ نَوْقِ الْجَنَّةِ مَدْبُجَةً الْجَنَّةِ خَطَامُهَا مِنَ اللَّوْلُؤِ الْمُخَفَّقِ الرَّطْبِ عَلَيْهَا رَحْلٌ مِنَ الْمَرْجَانِ فَتَنَاحُ بَيْنَ يَدَيْهَا فَتَرْكَبُهَا فَيُبْعَثُ إِلَيْهَا مَائَةٌ أَلْفِ مَائَةٍ أَلْفِ مَلَكٍ فَيَسِيرُونَ عَلَى يَمِينِهَا وَيُبْعَثُ إِلَيْهَا مَائَةٌ أَلْفِ مَلَكٍ فَيَصِيرُونَ عَلَى يَسَارِهَا وَيُبْعَثُ إِلَيْهَا مَائَةٌ أَلْفِ مَلَكٍ يَحْمِلُونَهَا عَلَى أَجْنِحَتِهِمْ حَتَّى يُسِيرُونَهَا عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَإِذَا صَارَتْ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ تَلْتَفَتُ فَيَقُولُ اللَّهُ يَا بِنْتَ حَبِيبِي مَا الْبَفَاتِكِ وَقَدْ أَمَرْتُ بِكَ إِلَى جَنَّتِي فَتَقُولُ يَا رَبِّ أَحْبَبْتُ أَنْ يُعْرَفَ قَدْرِي فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ فَيَقُولُ اللَّهُ يَا بِنْتَ حَبِيبِي ارْجِعِي فَأَنْظُرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لَكَ أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ خُذِي يَدَيْهِ فَأَدْخِلِيهِ الْجَنَّةَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ اللَّهُ يَا جَابِرُ إِنَّهَا ذَلِكَ الْيَوْمَ تَلْتَقِطُ شَيْعَتَهَا وَمُحِبِّهَا كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ الْجَيِّدَ مِنَ الْحَبِّ الرَّدِيِّ فَإِذَا صَارَ شَيْعَتُهَا مَعَهَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ يَلْقَى اللَّهُ فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۲ يَلْتَفِتُوا فَإِذَا انْتَفَتُوا فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَحِبَّائِي مَا الْبَفَاتِكُمْ وَقَدْ شَفَعْتُ فِيكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ حَبِيبِي فَيَقُولُونَ يَا رَبِّ أَحْبَبْنَا أَنْ يُعْرَفَ قَدْرُنَا فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ فَيَقُولُ اللَّهُ يَا أَحِبَّائِي ارْجِعُوا وَانْظُرُوا مَنْ أَحْبَبَكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ أَطْعَمَكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ كَسَاكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ سَقَاكُمْ شَرْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ رَدَّ عَنْكُمْ غِيَّةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ خُذُوا يَدَيْهِ وَأَدْخِلُوهُ الْجَنَّةَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ اللَّهُ لَا يَبْقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكٌّ أَوْ كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ فَإِذَا صَارُوا بَيْنَ الطَّبَقَاتِ نَادَوْا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صِدِّيقٍ حَمِيمٍ «۱» فَيَقُولُونَ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ «۲» قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ مُنْعُوا مَا طَلَبُوا وَ لَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهَوُا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

ترجمه

امام صادق علیه السلام فرماید: جابر بن عبد الله به امام باقر علیه السلام عرض کرد: جانم به فدای تو ای فرزند رسول خدا! از تو می‌خواهم تا در باره فضل و برتری جدّهات فاطمه علیها السلام حدیثی برایم نقل کنی که شیعیان از شنیدن آن خوشحال شوند. امام فرمود: اجدادم از رسول خدا نقل کرده‌اند که ایشان فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد منبرهایی از نور برای پیامبران بر پا خواهد شد، در آن روز منبر من از منبر همه انبیا بالاتر خواهد بود، پس خدای متعال خواهد گفت: ای محمد! برخیز و سخنرانی کن، من در آن روز خطبه‌ای ایراد خواهم نمود که هیچ یک از پیامبران شبیه آن را نشنیده باشند. سپس منبرهایی از نور برای اوصیای انبیا نصب خواهد شد که منبر وصی من علی بن ابی طالب در وسط آنها و بالاتر از همه خواهد بود، آنگاه خداوند می‌گوید: ای علی! خطبه‌ای بخوان، و علی علیه السلام خطبه‌ای ایراد خواهد نمود که تا آن زمان کسی از اوصیا شبیه آن را نشنیده باشند. سپس منبرهایی از نور برای فرزندان انبیا بر پا خواهند کرد پس دو منبر برای حسن و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۳ حسین بر پا می‌شود و سپس به آنها گفته می‌شود که برخیزند و خطبه‌ای ایراد نمایند و از آن دو خطبه‌ای صادر می‌شود که هیچ یک از فرزندان انبیا و مرسلین مثل آن را نشنیده‌اند. سپس جبرئیل ندا می‌دهد: فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم کجاست؟ خدیجه کجاست؟ مریم کجاست؟ آسیه کجاست؟ ام کلثوم مادر یحیی بن زکریا کجاست؟ وقتی آنها همه برخاستند خداوند متعال می‌فرماید: ای اهل محشر! در این روز کرامت از آن کیست؟ محمد، علی، حسن و حسین می‌گویند: کرامت مخصوص خداوندی است که یگانه و قهار می‌باشد. پس خداوند می‌فرماید: ای اهل محشر! من عزّت و کرامت را برای محمد، علی، حسن و حسین و فاطمه قرار دادم، پس سر خود را فرود آورید و چشم خود را ببندید تا فاطمه به سوی بهشت رود. در این هنگام جبرئیل ناله‌ای از بهشت، برای حضرت فاطمه آماده می‌کند و دو پهلوی آن را با بهترین پارچه‌ها و زینتهای بهشتی پوشانیده و آن را می‌نشانند و فاطمه بر آن سوار می‌شود. آنگاه در حالی که اطراف شتر را هزاران فرشته پر کرده‌اند، حضرت فاطمه علیها السلام به سوی بهشت می‌رود ولی هنگامی که بر در بهشت می‌رسد پشت سرش را می‌نگرد، و در این حال خطاب می‌رسد: ای دختر حبیب من! برای چه توقف کرده و پشت سرت را می‌نگری در حالی که من فرمان دادم تا داخل بهشت شوی؟ فاطمه می‌گوید: پروردگارا! دوست دارم در چنین روزی قدر و منزلت من شناخته شود. خداوند می‌فرماید: ای دختر حبیب من! بازگرد و در میان اهل محشر بنگر، و هر کسی که محبت تو یا یکی از فرزندان تو را در دل دارد دست او را بگیر و داخل بهشت نما. امام باقر علیه السلام فرماید: ای جابر! به خداوند سوگند که فاطمه در آن روز شیعیان خود را به گونه‌ای از میان اهل محشر جدا می‌کند و نجات می‌دهد که پرنده دانه‌های نیکو را از میان دانه‌های بی‌ارزش جدا می‌کند. هنگامی که فاطمه با شیعیانش بر در بهشت می‌رسند خداوند در دل شیعیان فاطمه القا می‌کند که بایستند، پس آنان می‌ایستند و پشت سر خود را می‌نگرند، خداوند عزیز و بزرگ می‌فرماید: ای دوستان من! برای چه پشت سر خود را می‌نگرید در حالی که من شفاعت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۴ فاطمه را در باره شما پذیرفته‌ام. شیعیان جواب می‌دهند: پروردگارا! ما دوست داریم که در این چنین روزی قدر و منزلت ما شناخته شود. خدا می‌فرماید: پس باز گردید و هر کسی را که شما را برای دوستی فاطمه دوست می‌داشته، و هر کسی را که برای محبت فاطمه شما را اطعام کرده و یا پوشانیده، و یا جرعه‌ای آب به شما داده، و یا در غیاب شما از شما دفاع و حمایت کرده، دست آنان را بگیرید و داخل بهشت نمایید. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: به خداوند سوگند که در محشر، از میان مردمان کسی باقی نمی‌ماند مگر اشخاص شکاک، کافر و منافق. پس وقتی این سه گروه می‌بینند که چگونه مؤمنان به شفاعت فاطمه و شیعیان نجات می‌یابند می‌گویند: «ما شفیع و دوست مهربانی نداریم، ای کاش چاره‌ای می‌داشتیم و از مؤمنین محسوب می‌شدیم». امام محمد باقر فرموده: هیئات، هیئات! که آنچه را می‌خواهند به آن نخواهند رسید و حتی اگر بازگردانده شوند و

فرصت دیگری به آنها داده شود باز همان اعمالی را انجام خواهند داد که پیش از آن انجام داده‌اند که خداوند متعال فرماید: «اگر برمی‌گشتند باز مشغول همان کاری می‌شدند که نباید بشوند، همانا ایشان دروغگویانند».

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۸ / ۱۹۳- تفسیر فرائد محمد بن القاسم بن عبید معن عن أبي عبد الله ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ «۱» اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا

ترجمه

امام صادق علیه السلام در تفسیر سوره قدر فرماید: در آیه: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ «۲» منظور از «اللیله» فاطمه علیها السلام، و منظور از «القدر» خداوند است، پس هر که فاطمه را به واقع بشناسد لیلۀ قدر را درک کرده است، و همانا او را زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۵ فاطمه نامیدند چون مردمان از کسب معرفت واقعی نسبت به وی عاجز هستند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۹ / ۱۹۴- مهج الدعوات «۱» عَنِ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْفَقِيهِ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ عَنِ أَبِي الْبَرَكَاتِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْجَوَازِيِّ عَنِ الصَّدُوقِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بُشَيْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ سَعِيدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ رُشَيْدٍ وَالْوَلِيدِ بْنِ شُجَاعٍ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ خَرَجْتُ مِنْ مَنْزِلِي يَوْمًا بَعِيدَ وَفَاءٍ رَسُولِ اللَّهِ ص بَعَثَهُ أَيَّامَ فَلَقِينِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع ابْنُ عَمِّ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ ص فَقَالَ لِي يَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ حَبِيبِي أَبَا الْحَسَنِ مِثْلَكُمْ لَا يُجَفَى غَيْرَ أَنَّ حُزْنِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص طَالَ فَهُوَ الَّذِي مَنَعَنِي مِنْ زِيَارَتِكُمْ فَقَالَ ع يَا سَلْمَانُ أَنْتَ مَنْزِلُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَإِنَّهَا إِلَيْكَ مُشْتَاقَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُتَحَفَّكَ بِتُحَفِّهِ قَدْ أُتِحِفْتُ بِهَا مِنَ الْجَنَّةِ قُلْتُ لِعَلِّي ع قَدْ أُتِحِفْتُ فَاطِمَةَ ع بِشَيْءٍ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدَ وَفَاءٍ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ نَعَمْ بِالْأَمْسِ قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَهَزَوْلْتُ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص فَإِذَا هِيَ جَالِسَةٌ وَ عَلَيْهَا قِطْعَةُ عَبَاءٍ إِذَا خَمَرَتْ رَأْسَهَا انْجَلَى سَاقُهَا وَإِذَا غَطَّتْ سَاقَهَا انْكَشَفَ رَأْسُهَا فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهَا اعْتَجَرْتُ ثُمَّ قَالَ يَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنِي بَعِيدَ وَفَاءٍ أَبِي ص قُلْتُ حَبِيبَتِي أَ أَجْفَاكُمْ قَالَتْ فَمَهْ أَجْلِسْ وَ أَغْضِلْ مَا أَقُولُ لَكَ إِنِّي كُنْتُ جَالِسَةً بِالْأَمْسِ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ وَ بَابُ الدَّارِ مُغْلَقٌ وَ أَنَا أَتَفَكَّرُ فِي انْقِطَاعِ الْوُحْيِ عَنَّا وَ انْصِرَافِ الْمَلَائِكَةِ عَنْ مَنْزِلِنَا فَإِذَا انْفَتَحَ الْبَابُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَفْتَحَهُ أَحَدٌ فَدَخَلَ عَلَيَّ ثَلَاثُ جَوَارٍ لَمْ يَرَ الرَّاوُونَ بِحُسْنِ بَهْنٍ وَ لَمَّا كَهَنِيَّتُهُنَّ وَ لَمَّا نَصَارَهُ وَجُوهُهُنَّ وَ لَمَّا أَرَكِي مِنْ رِيحِهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْتُهُنَّ قُمْتُ إِلَيْهِنَّ مُتَنَكِّرَةً لَهُنَّ فَقُلْتُ يَا أَبَتِي أَنْتَنْ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ أَمْ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فَقُلْنَ يَا بِنْتُ مُحَمَّدٍ لَسْنَا مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِيعًا غَيْرَ أَنَّنَا جَوَارٍ مِنَ الْخَوَرِ الْعَيْنِ مِنْ دَارِ السَّلَامِ أَرْسَلَنَا رَبُّ الْعِزَّةِ إِلَيْكَ يَا بِنْتُ مُحَمَّدٍ إِنَّا إِلَيْكَ مُشْتَاقَاتُ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۶ فَقُلْتُ لِتَنِي أَظُنُّ أَنَّهَا أَكْبَرُ سَنًا مَا اسْمُكِ قَالَتْ اسْمِي مَقْدُودَةُ قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّيَتْ مَقْدُودَةُ قَالَتْ خُلِقْتُ لِلْمَقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيِّ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ لِلثَّانِيَةِ مَا اسْمُكِ قَالَتْ دَرَّةٌ قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّيَتْ دَرَّةً وَ أَنْتِ فِي عَيْنِي نَبِيلَةٌ قَالَتْ خُلِقْتُ لِأَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ لِلثَّلَاثَةِ مَا اسْمُكِ قَالَتْ سَلْمَى قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّيَتْ سَلْمَى قَالَتْ أَنَا لِسَلْمَانَ

الْفَارِسِيِّ مَوْلَى أَبِيكَ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَتْ فَاطِمَةُ ثُمَّ أَخْرَجَنِي لِي رُطْبًا أَزْرَقَ كَأَمْثَالِ الْخُشْكَنْجِ الْكِبَارِ أُيُضَ مِنَ الثَّلَجِ وَ أَزْكَى رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ الْمَذْفَرِ فَأَخْضَرْتُهُ فَقَالَتْ لِي يَا سَلْمَانُ أَفْطِرُ عَلَيْهِ عَشِيَّتَكَ فَإِذَا كَانَ غَدًا فَجِئْنِي بِنَوَاءٍ أَوْ قَالَتْ عَجِمَهُ قَالَ سَلْمَانُ فَأَخَذْتُ الرُّطْبَ فَمَا مَرَزْتُ بِجَمْعٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَّا قَالُوا يَا سَلْمَانُ أَمَعَكَ مِسْكٌ قُلْتَ نَعَمْ فَلَمَّا كَانَ وَقْتُ الْإِفْطَارِ أَفْطَرْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ أَجِدْ لَهُ عَجْمًا وَلَا نَوَى فَمَضَيْتُ إِلَى بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الْيَوْمِ الثَّانِي فَقُلْتُ لَهَا إِنِّي أَفْطَرْتُ عَلَى مَا أَتَحَفَّتْنِي بِهِ فَمَا وَجَدْتُ لَهُ عَجْمًا وَلَا نَوَى قَالَتْ يَا سَلْمَانُ وَلَنْ يَكُونَ لَهُ عَجْمٌ وَلَا نَوَى وَإِنَّمَا هُوَ نَخْلٌ غَرَسَهُ اللَّهُ فِي دَارِ السَّلَامِ بِكَلَامِ عَلَمْنِيهِ أَبِي مُحَمَّدٍ ص كُنْتُ أَقُولُهُ غُدُوَّةً وَ عَشِيَّةً قَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ عَلِمْنِي [عَلِمْنِي الْكَلَامَ يَا سَيِّدَتِي فَقَالَتْ إِنْ سِرَّكَ أَنْ لَا يَمَسَّكَ أَذَى الْحُمَى مَا عِشْتَ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَوَاطِبُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ سَلْمَانُ عَلَّمْتَنِي هَذَا الْحِزْزَ فَقَالَتْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ التَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ التَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ عَلَى نُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ التَّوْرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ التَّوْرِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَشْطُورٍ فِي رَقٍّ مُشْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ قَالَ سَلْمَانُ فَتَعَلَّمْتُهُنَّ فَوَ اللَّهُ لَقَدْ عَلَّمْتُهُنَّ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ نَفْسٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ مَكَّةَ مِنْ بَيْنِهِمُ الْحُمَى فَكُلُّ بَرٍّ مِنْ مَرَضِهِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى بَيَانِ الْاِعْتِجَارِ لِفِ الْعِمَامَةِ عَلَى الرَّأْسِ قَوْلَهَا ع فَمَهْ أَى فَمَا السَّبَبُ فِي تَرْكِ زِيَارَتِنَا أَوْ اسْكُتَ وَ التَّنَكُّرُ التَّغْيِيرُ عَلَى وَجْهِ الْاِسْتِيحَاشِ وَ الْكِرَاهَةِ وَ لَمَّا كَانَتِ الذَّرَّةُ مَوْضِعَهُ زَنْدِ گَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۷ للصغيرة من النملة قالت ع أنت مع نبلک و شرفک لم سمیت باسم يدل على الحقارة و الخشکناج لعله معرب أى الخبز اليابس

(۱۱)

ترجمه

سلمان فارسی گوید: ده روز پس از رحلت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم از منزل خود خارج و با حضرت علی علیه السلام مواجه شدم، علی به من گفت: ای سلمان! تو بعد از پیامبر خدا بر ما جفا کردی. گفتم: حبیب من ای ابو الحسن! در باره شما جفا نشده است، بلکه حزن و اندوه شدید من در رحلت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم مانع زیارت شما شد. علی گفت: ای سلمان! بیا به منزل فاطمه دختر رسول خدا برویم زیرا او به تو لطف دارد و می خواهند از تحفه ای که از بهشت برایش آورده اند به تو بدهد. گفتم: آیا بعد از رحلت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم برای او از بهشت تحفه ای رسیده است؟ علی گفت: آری، دیروز تحفه ای از بهشت برای او آورده اند. سلمان می گوید: من به سوی خانه فاطمه حرکت کردم، پس از ورودم به خانه دیدم که فاطمه نشسته و یک قطعه عبا در بر دارد ولی هر گاه آن را روی سرش می کشد پاهایش بیرون زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۸ می ماند، و هر گاه پاهایش را می پوشاند سرش نمایان می شود. وقتی چشم وی به من افتاد آن عبا را به سرش کشید و گفت: ای سلمان! تو بعد از رحلت پدرم به ما جفا کردی؟ گفتم: ای دختر رسول خدا، آیا امکان دارد که من بتوانم به شما جفا کنم؟ فاطمه فرمود: پس بنشین و در باره آنچه که به تو می گویم خوب بیندیش، من دیروز در همین مکان نشسته بودم و در خانه بسته بود و در باره انقطاع وحی از خاندان پیامبر فکر می کردم و اینکه فرشتگان دیگر در این خانه رفت و آمد نمی کنند که ناگاه در خانه باز شد و سه دختر وارد شدند که در نیکویی جمال و خوشبویی مانند آنها را ندیده بودم، وقتی چشمم به آنها افتاد بدون اینکه آنان را بشناسم از جای برخاستم و گفتم: آیا از اهل مکه یا مدینه هستید؟ گفتند: ما حوریه هایی از بهشت می باشیم که خدای مهربان برای زیارت شما فرستاده است زیرا ما بهشتیان اشتیاق دیدار شما را داریم. فاطمه گفت: من به یکی از آنها که فکر می کردم به لحاظ سن بزرگتر است گفتم: نام تو چیست؟ گفت: مقدوده. گفتم: برای چه این نام را برای تو گذارده اند؟ گفت: زیرا من برای مقداد بن اسود کنده آفریده شده ام. سپس به دومی گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نام من ذره است. گفتم: برای چه تو را ذره نام نهاده اند؟ گفت: زیرا من برای ابو ذر آفریده شده ام. به سومی گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نام من سلمی است. گفتم: چرا تو

را به این نام می خوانند؟ گفت: برای اینکه مرا برای سلمان دوست رسول خدا خلق کرده اند. فاطمه گفت: آن سه حوریه خرمایی به من دادند که مانند آن را ندیده بودم، پس فاطمه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۴۹ برخاسته و آن خرما را برای من آورد و فرمود: امشب با این خرما افطار کن و فردا هسته آن را نزد من بیاور. سلمان می گوید: خرما را گرفتم و از خانه فاطمه خارج شدم، و از هر جا که عبور می کردم سؤال می کردند: آیا مشک و عنبر به همراه داری؟ می گفتم: آری. هنگامی که وقت افطار شد با آن خرما افطار کردم ولی هسته ای در میان آن ندیدم، پس روز بعد نزد دختر پیامبر خدا رفتم و واقعه را برایش بیان نمودم فرمود: ای سلمان! چنین خرمایی نباید هسته داشته باشد زیرا درخت آن را در بهشت با این دعایی که پدرم به من آموخته و من هر صبح و شام آن را می خوانم غرس شده است. سلمان گفت: آن دعا را به من یاد بده. فاطمه فرمود: اگر دوست داری که در دنیا دچار تب نشوی بر خواندن این دعا مداومت کن. سلمان دوباره گفت: آن را به من تعلیم بده. فاطمه گفت: می گویی: بسم الله النور، بسم الله نور النور، ... تا آخر. سلمان می گوید: من این دعا را فرا گرفتم و به بیش از هزار نفر از اهالی مدینه و مکه که دچار تب شده بودند تعلیم دادم و همه آنها به لطف خدا از تب نجات یافتند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹۵/ ۶۰- مِنْ بَعْضِ كُتُبِ الْمَنَاقِبِ، «۱» بِإِسْنَادِهِ عَنْ أُسَامَةَ قَالَ مَرَرْتُ بِعَلِيٍّ وَالْعَبَّاسِ وَهُمَا قَاعِدَانِ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَا يَا أُسَامَةُ اسْتَأْذِنْ لَنَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا عَلِيٌّ وَالْعَبَّاسُ يَسْتَأْذِنَانِ فَقَالَ هَلْ تَدْرِي مَا جَاءَ بِهِمَا قُلْتُ لَا وَاللَّهِ مَا أَدْرِي قَالَ لِكُنِّي أَدْرِي مَا جَاءَ بِهِمَا فَأَذِنَ لَهُمَا فَدَخَلَا فَسَلَّمَا ثُمَّ قَعَدَا فَقَالَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ أَهْلِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ فَاطِمَةُ «۲»

ترجمه

اسامه می گوید: از کنار علی و عباس که در مسجد نشسته بودند عبور می کردم که گفتند: ای اسامه! از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای ما اجازه ورود بگیر. پس من به پیامبر گفتم: ای رسول خدا! علی و عباس اجازه ورود می خواهند. پیامبر فرمود: آیا می دانی چه کار دارند؟ گفتم: به خداوند سوگند نمی دانم. پیامبر فرمود: ولی من می دانم، پس به آنها اجازه ورود بده. اسامه گوید: آن دو وارد شدند، سلام کردند و نشسته سپس گفتند: ای رسول خدا! کدام یک از افراد خانواده ات در نزد تو محبوبترند؟ پیامبر فرمود: فاطمه.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹۶/ ...- و منه «۱» وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا كَانَتْ إِذَا زِدَ كَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۵۱ ذَكَرَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ النَّبِيِّ ص قَالَتْ مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَصْدَقَ لَهْجَةٍ مِنْهَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ الَّذِي وَلَدَهَا «۱»

ترجمه

عایشه در باره حضرت فاطمه علیها السلام گوید: هیچ کس را راستگوتر از او [فاطمه علیها السلام] ندیدم مگر پدرش را.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹۷/... و منه «۲» و یاسیناده عن أحمد بن محمد الثعلبی عن عبد الله بن حامد عن أبي محمد المزني عن أبي يعلى الموصلي عن سهل بن زنجلة الرازي عن عبد الله بن صالح عن ابن لهيعة عن محمد بن المنكدر عن جابر بن عبد الله أن النبي ص أقام أياماً لم يطعم طعاماً حتى شق ذلك عليه و طاف في منازل أزواجه فلم يصب عند واحدة منهن شيئاً فأتى فاطمة فقال يا بنية هل عندك شيء آكله فإني جائع فقالت لا والله بأبي أنت و أمي فلما خرج من عندها بعث إليها جارة لها برغيفين و قطعة لحم فأخذته منها فوضعت في جفنه لها و عطت عليها و قالت لأوترن بها رسول الله ص على نفسي و من عندي و كانوا جميعاً محتاجين إلى شبعه طعام فبعثت حسناً أو حسيناً إلى رسول الله ص فرجع إليها فقالت بأبي أنت و أمي قد أتانا الله بشيء فخبأته قال هلمي فأتته فكشفت عن الجفنة فإذا هي مملوءة خبزاً و لحماً فلما نظرت إليه بهتت فعرفت أنها كرامة من الله عز و جل فحمدت الله و صلت على نبيه فقال ص من أين لك هذا يا بنية فقالت هو من عند الله إن الله يزق من يشاء بغير حساب فحمد الله عز و جل و قال الحمد لله الذي جعلك شبيهة بسيدة نساء العالمين في نساء بني إسرائيل في وقتهم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۵۲ فإنها كانت إذا رزقها الله تعالى فسلت عنه قالت هو من عند الله إن الله يزق من يشاء بغير حساب فبعث رسول الله ص إلى علي ثم أكل رسول الله ص و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و جميع أزواج النبي ص و أهل بيته جميعاً و سبغوا و بقيت الجفنة كما هي قالت فاطمة فأوسعت منها على جميع جيراني و جعل الله فيها البركة و الخير كما فعل الله بمریم ع - المناقب «۱» الثعلبی فی تفسیره و ابن المؤذن فی الأربعين بإسنادهما عن محمد بن المنكدر عن جابر مثله

مترجم

: متن و ترجمه این حدیث پیش از این آمده است و لذا از ترجمه مجدد آن خودداری می شود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹۸/۶۱- و من کتاب المناقب، المذکور «۲» عن أبي الفرج محمد بن أحمد المكي عن المظفر بن أحمد بن عبد الواحد عن محمد بن علي الحلواني عن كريمة بنت أحمد بن محمد المروزي و أخبرني أيضاً به عالياً قاضياً القضاء محمد بن الحسين البغدادي عن الحسين بن محمد بن علي الرضبي عن الكريمة فاطمة بنت أحمد بن محمد المروزي بمكة حرسها الله تعالى عن أبي علي زاهر بن أحمد عن معاذ بن يوسف الجرجاني عن أحمد بن محمد بن غالب عن عثمان بن أبي شيبة عن ابن نمير عن مجالد عن ابن عباس قال خرج أعرابي من بني سليم يتتبع في البرية فإذا هو بضرب قد نفر من بين يديه فسيى وراءه حتى اضطراده ثم جعله في كفه و أقبل يزلف نحو النبي ص فلما أن وقف بإزاره ناداه يا محمد يا محمد و كان من أخلاق رسول الله ص إذا قيل له يا محمد قال يا محمد و إذا قيل له يا أحمد قال يا أحمد و إذا قيل له يا أبا القاسم قال يا أبا القاسم و إذا قيل له يا رسول الله قال لبيك و سيدك و تهلل وجهه فلما أن ناداه الأعرابي يا محمد يا محمد قال له النبي ص يا محمد قال له أنت الساجر الكذاب الذي ما أظلت الخضراء و لا أقلت الغبراء من ذي لهجة هو أكذب منك أنت الذي تزعم أن لك في هذه الخضراء إليها بعث بك إلى الأسود و الأبيض و اللات و

الْعَزَى زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۵۳ لَوْ لَا أَنِّي أَخَافُ أَنَّ قَوْمِي يُسَيِّمُونَنِي الْعُجُولَ لَضَرَبْتُكَ بِسَيْفِي هَذَا ضَرْبَةً أَقْتُلُكَ بِهَا فَأَسْوَدَ بِكَ الْبَاقِينَ وَ الْآخِرِينَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لِيُطِشَ بِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص اجْلِسْ يَا أَبَا حَفْصٍ فَقَدْ كَادَ الْحَلِيمُ أَنْ يَكُونَ نَبِيًّا ثُمَّ التَفَتَ النَّبِيُّ ص إِلَى الْأَعْرَابِيِّ فَقَالَ لَهُ يَا أَخَا بَنِي سُلَيْمٍ هَكَذَا تَفْعَلُ الْعَرَبُ يَتَهَجَّمُونَ عَلَيْنَا فِي مَجَالِسِنَا يَجْهَرُونَ بِالْكَلَامِ الْغُلِظِ يَا أَعْرَابِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ مَنْ ضَرَبَ بِي فِي دَارِ الدُّنْيَا هُوَ غَدًا فِي النَّارِ يَتَلَطَّى يَا أَعْرَابِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ يُسَيِّمُونَنِي أَحْمَدَ الصَّادِقَ يَا أَعْرَابِي أَسْلِمَ تَسْلِمَ مَنْ النَّارِ يَكُونُ لَكَ مَا لَنَا وَعَلَيْكَ مَا عَلَيْنَا وَ تَكُونُ أَخَانًا فِي الْإِسْلَامِ قَالَ فَغَضِبَ الْأَعْرَابِيُّ وَقَالَ وَاللَّاتِ وَالْعَزَى لَا أُوْمِنُ بِكَ يَا مُحَمَّدُ أَوْ يُؤْمِنَ هَذَا الضُّبُّ ثُمَّ رَمَى بِالضُّبِّ عَنْ كُمِهِ فَلَمَّا أَنْ وَقَعَ الضُّبُّ عَلَى الْمَارِضِ وَلَّى هَارِبًا فَنَادَاهُ النَّبِيُّ ص أَيُّهَا الضُّبُّ أَقْبِلْ إِلَيَّ فَأَقْبَلَ الضُّبُّ يَنْظُرُ إِلَى النَّبِيِّ ص قَالَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص أَيُّهَا الضُّبُّ مَنْ أَنَا فَإِذَا هُوَ يَنْطِقُ بِلِسَانٍ فَصَحَّحَ دَرْبَ غَيْرِ قَطْعٍ فَقَالَ أَنْتَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمٍ بْنِ عَبْدِ مَنَافٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص مَنْ تَعْبُدُ قَالَ أَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِي فَلقَ الْجَنَّةَ وَ بَرَأَ النَّسِمَةَ وَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَ اضْطَفَاكَ يَا مُحَمَّدُ حَبِيبًا ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ أَلَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ صَادِقٌ فَبُورِكَ مَهْدِيًّا وَ بُورِكَ هَادِيًّا شَرَعْتَ لَنَا دِينَ الْحَنِيفَةَ بَعْدَ مَا عَبْدْنَا كَأَمْثَالِ الْحَمِيرِ الطَّوَاغِيَةِ فَيَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَ يَا خَيْرَ مُرْسَلٍ إِلَى الْجِنِّ بَعْدَ الْإِنْسِ لِنَبِيِّكَ دَاعِيًّا وَ نَحْنُ أَنَاسٌ مِنْ سُلَيْمٍ وَ إِنَّا أَتَيْنَاكَ نَزْجُو أَنْ نَنَالَ الْعَوَالِيَا أَتَيْتَ بِبُرْهَانٍ مِنَ اللَّهِ وَاضِحٍ فَاضْبَحْتَ فِينَا صَادِقَ الْقَوْلِ زَاكِيًا زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۵۴ فَبُورِكَ فِي الْمَآخِوَالِ حَيًّا وَ مَيِّتًا وَ بُورِكَ مَوْلُودًا وَ بُورِكَ نَاشِئًا قَالَ ثُمَّ أَطْبَقَ عَلَى فَمِ الضُّبِّ فَلَمْ يُجِزْ جَوَابًا فَلَمَّا أَنْ نَظَرَ الْأَعْرَابِيُّ إِلَى ذَلِكَ قَالَ وَاعْجَبَا ضُبُّ اضْطَدُّهُ مِنَ الْبَرِّيَّةِ ثُمَّ أَتَيْتُ بِهِ فِي كُمِي لَمَّا يَفْقَهُ وَ لَمَّا يَنْفَعُ وَ لَا يَغْفُلُ يَكْلُمُ مُحَمَّدًا ص بِهَذَا الْكَلَامِ وَ يَشْهَدُ لَهُ بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ أَنَا لَا أَطْلُبُ أَثَرًا بَعِيدَ عَيْنٍ مَدَّةَ يَمِينِكَ فَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ فَأَسْلِمَ الْأَعْرَابِيُّ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ ثُمَّ التَفَتَ النَّبِيُّ ص إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ عَلِّمُوا الْأَعْرَابِيَّ سُورَةَ الْقُرْآنِ فَقَالَ فَلَمَّا أَنْ عَلَّمَ الْأَعْرَابِيَّ سُورَةَ الْقُرْآنِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص هَلْ لَكَ شَيْءٌ مِنَ الْمَالِ قَالَ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّا أَرْبَعَةُ آلَافٍ رَجُلٍ مِنْ بَنِي سُلَيْمٍ مَا فِيهِمْ أَفْقَرُ مِنِّي وَ لَا أَقْلُ مَالًا ثُمَّ التَفَتَ النَّبِيُّ ص إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ مَنْ يَحْمِلُ الْأَعْرَابِيَّ عَلَى نَاقِهِ أَضْمَنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ نَاقَهُ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ قَالَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ قَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي عِنْدِي نَاقَةُ حَمْرَاءَ عَشْرَاءَ وَ هِيَ لِلْأَعْرَابِيِّ ثُمَّ التَفَتَ النَّبِيُّ ص إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ مَنْ يُتَوَجَّ الْأَعْرَابِيَّ أَضْمَنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ تَاجَ الثَّقَفِي قَالَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع وَ قَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا تَاجَ الثَّقَفِي فَمَذَكَرَ مِنْ صِفَتِهِ قَالَ فَتَرَعَ عَلِيُّ ع عِمَامَتَهُ فَعَمَّمَ بِهَا الْأَعْرَابِيَّ ثُمَّ التَفَتَ النَّبِيُّ ص فَقَالَ مَنْ يُزَوِّدُ الْأَعْرَابِيَّ وَ أَضْمَنَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ زَادَ الثَّقَوِي قَالَ فَوَثَبَ إِلَيْهِ سِلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَقَالَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا زَادَ الثَّقَوِي قَالَ يَا سِلْمَانُ إِذَا كَانَ آخِرُ يَوْمٍ مِنَ الدُّنْيَا لَقْنَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَوْلَ شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ أَنْتَ قُلْتَهَا لَقِيْتَنِي وَ لَقِيْتَكَ وَ إِنْ أَنْتَ لَمْ تَقُلْهَا لَمْ تَلْقِنِي وَ لَمْ أَلْقَكَ أَبَدًا قَالَ فَمَضَى سِلْمَانُ حَتَّى طَافَ تَسْعَةً أَيْبَاتٍ مِنْ بُيُوتِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمْ يَجِدْ عِنْدَهُمْ شَيْئًا فَلَمَّا أَنْ وَلَّى رَاجِعًا نَظَرَ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ ع فَقَالَ إِنْ يَكُنْ خَيْرٌ فَمِنْ مَنَزِلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص فَفَرَعَ الْبَابَ فَاجْتَابَتْهُ مِنْ وَرَاءِ الْبَابِ فَقَالَ لَهَا أَنَا سِلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَقَالَتْ لَهُ يَا سِلْمَانُ وَ مَا تَشَاءُ فَشَرَحَ قِصَّةَ الْأَعْرَابِيِّ وَ الضُّبِّ مَعَ النَّبِيِّ ص قَالَتْ لَهُ يَا سِلْمَانُ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا ص بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنْ لَنَا ثَلَاثًا مَا طَعِمْنَا وَ إِنْ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ قَدْ اضْطَرَبَا عَلَى مِنْ شَدَةِ الْجُوعِ ثُمَّ رَقَدَا كَانَهُمَا فَرَخَانِ مَتَوَفَايَا وَ لَكِنْ لَا أَرُدُّ الْخَيْرَ إِذَا نَزَلَ الْخَيْرُ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۵۵ بَابِي يَا سِلْمَانُ خُذْ دِرْعِي هَذَا ثُمَّ امْضُ بِهِ إِلَى شَمْعُونِ الْيَهُودِيِّ وَ قُلْ لَهُ تَقُولُ لَكَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ أَقْرَضَنِي عَلَيْهِ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ وَ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ أَرَدَهُ عَلَيْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى ... قَالَ فَأَخَذَ شَمْعُونُ الدَّرْعَ ثُمَّ جَعَلَ يَقْلِبُهُ فِي كَفِّهِ وَ عَيْنَاهُ تَذَرِفَانِ بِالْأُدمُوعِ وَ هُوَ يَقُولُ يَا سِلْمَانُ هَذَا هُوَ الزُّهْرِي فِي الدُّنْيَا هَذَا الَّذِي أَخْبَرَنَا بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ فِي التَّوْرَةِ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ فَأَسْلَمَ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ ثُمَّ دَفَعَ إِلَى سِلْمَانَ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ وَ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ فَآتَى بِهِ سِلْمَانُ إِلَى فَاطِمَةَ فَطَحَّتْهُ بِيَدِهَا وَ اخْتَبَرَتْهُ خُبْرًا ثُمَّ أَتَتْ بِهِ إِلَى سِلْمَانَ فَقَالَتْ لَهُ خُذْهُ وَ امْضُ بِهِ إِلَى النَّبِيِّ ص قَالَ فَقَالَ لَهَا سِلْمَانُ يَا فَاطِمَةُ خُذِي مِنْهُ قُرْصًا تُعَلِّينَ بِهِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَقَالَتْ يَا سِلْمَانُ هَذَا شَيْءٌ أَضْمِنَاهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَسْنَا نَأْخُذُ مِنْهُ شَيْئًا قَالَ فَأَخَذَهُ سِلْمَانُ فَآتَى بِهِ النَّبِيَّ ص فَلَمَّا نَظَرَ النَّبِيُّ ص إِلَى سِلْمَانَ

قَالَ لَهُ يَا سَلْمَانُ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا قَالَ مِنْ مَنَزِلِ بَيْتِكَ فَاطِمَةُ قَالَ وَكَانَ النَّبِيُّ ص لَمْ يَطْعَمْ طَعَامًا مُنْذُ ثَلَاثٍ قَالَ فَوَثَبَ النَّبِيُّ ص حَتَّى وَرَدَ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ فَقَرَعَ الْبَابَ وَكَانَ إِذَا قَرَعَ النَّبِيُّ ص الْبَابَ لَا يَفْتَحُ لَهُ الْبَابُ إِلَّا فَاطِمَةُ فَلَمَّا أَنْ فَتَحَتْ لَهُ الْبَابَ نَظَرَ النَّبِيُّ ص إِلَى صَفَارٍ وَجْهَهَا وَتَغَيَّرَ حِدَقَتَيْهَا فَقَالَ لَهَا يَا بَنِيَّةُ مَا الَّذِي أَرَاهُ مِنْ صِفَارٍ وَجْهِكَ وَتَغَيَّرَ حَدَقَتَيْكَ فَقَالَتْ يَا أَبَتِ إِنَّ لَنَا ثَلَاثًا مَا طَعَمْنَا طَعَامًا وَإِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ قَدْ اضْطَرَبَا عَلَيَّ مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ ثُمَّ رَفَدَا كَأَنَّهُمَا فَرْحَانٌ مُتَوَفَانِ قَالَ فَأَبْتَهُمَا النَّبِيُّ ص فَأَخَذَ وَاحِدًا عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْمَنِ وَالْآخَرَ عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْسَرِ وَأَجْلَسَ فَاطِمَةَ بَيْنَ يَدَيْهَا وَاعْتَنَقَهَا النَّبِيُّ ص وَدَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَاعْتَنَقَ النَّبِيُّ ص مِنْ وَرَائِهِ ثُمَّ رَفَعَ النَّبِيُّ ص طَرَفَهُ نَحْوَ السَّمَاءِ فَقَالَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا قَالَ ثُمَّ وَثَبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص حَتَّى دَخَلَتْ إِلَى مَخْدَعِ لَهَا فَصَفَتْ قَدَمَيْهَا فَصَلَّتْ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ رَفَعَتْ بَاطِنَ كَفِّهَا إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَتْ إِلَهِي وَسَيِّدِي هَذَا مُحَمَّدٌ نَبِيِّكَ وَهَذَا عَلِيُّ ابْنُ عَمِّ نَبِيِّكَ وَهَذَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سِبْطَا نَبِيِّكَ إِلَهِي أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَا يَدُّهُ مِنَ السَّمَاءِ كَمَا أَنْزَلْتَهَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكَلُوا مِنْهَا وَكَفَرُوا بِهَا اللَّهُمَّ أَنْزِلْهَا عَلَيْنَا فَإِنَّا بِهَا مُؤْمِنُونَ زِدْكَ كَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۵۶ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَاللَّهِ مَا اسْتَسَمَّتِ الدَّعْوَةُ إِذَا هِيَ بِصِخْفِهِ مِنْ وَرَائِهَا يَفُورُ قَتَارُهَا وَإِذَا قُتَارُهَا أَرْكَى مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ فَاحْتَضَتْهَا ثُمَّ أَتَتْ بِهَا إِلَى النَّبِيِّ ص وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَلَمَّا أَنْ نَظَرَ إِلَيْهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا وَلَمْ يَكُنْ عَهْدَ عِنْدَهَا شَيْئًا فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص كُلُّ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَلَا تَسْأَلِ الْحَمِيدَ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُمْنِي حَتَّى رَزَقَنِي وَلِئِدًا مِثْلَهَا مِثْلُ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۱ قَالَ فَكَلَّمَ النَّبِيُّ ص وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَخَرَجَ النَّبِيُّ ص وَتَرَوَدَّ الْأَعْرَابِيُّ وَاسْتَوَى عَلَى رَاحِلَتِهِ وَآتَى بَنِي سُلَيْمٍ وَهُمْ يَوْمَئِذٍ أَرْبَعَةُ آلَافٍ رَجُلٍ فَلَمَّا أَنْ وَقَفَ فِي وَسْطِهِمْ نَادَاهُمْ بَعْلُو صَوْتِهِ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ فَلَمَّا سَمِعُوا مِنْهُ هَذِهِ الْمَقَالَةَ أَسْرَعُوا إِلَى سُيُوفِهِمْ فَجَرَدُوهَا ثُمَّ قَالُوا لَهُ لَقَدْ صَبَوْتُ إِلَى دِينِ مُحَمَّدٍ السَّاحِرِ الْكَذَّابِ فَقَالَ لَهُمْ مَا هُوَ بِسَاحِرٍ وَلَا كَذَّابٍ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ بَنِي سُلَيْمٍ إِنَّ إِلَهَ مُحَمَّدٍ ص خَيْرٌ إِلَهٍ وَإِنَّ مُحَمَّدًا ص خَيْرٌ نَبِيٍّ أَتَيْتُهُ جَائِعًا فَأُطْعِمَنِي وَعَارِيًا فَكَسَانِي وَرَاجِلًا فَحَمَلَنِي ثُمَّ شَرَحَ لَهُمْ قِصَّةَ الضَّبِّ مَعَ النَّبِيِّ ص وَانْشَدَهُمُ الشَّعْرَ الَّذِي أُنْشَدَ فِي النَّبِيِّ ص ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ بَنِي سُلَيْمٍ أَسْلِمُوا تَسْلَمُوا مِنَ النَّارِ فَأَسْلِمُوا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ رَجُلٍ وَهُمْ أَصْحَابُ الرِّايَاتِ الْخَضِرِ وَهُمْ حَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص - أقول وجدت هذا الحديث في كتاب قديم من مؤلفات العامة قال حدثنا أبو بكر أحمد بن علي الطرشيشي ببغداد سنة أربع وثمانين وأربعمائة قال حدثنا كريمه بنت أحمد بن محمد بن حاتم المروزي بمكة حرسها الله بقراءتها علينا في المسجد الحرام في ذي الحجة سنة إحدى و ثلاثين وأربعمائة قالت أخبرنا أبو علي زاهر بن أحمد الفقيه بسرخس قال حدثنا معاذ بن يوسف الجرجاني قال حدثنا أحمد بن محمد بن محمد بن غالب عن عثمان بن أبي شيبة عن ابن نمير عن مجالد عن ابن عباس مثله بيان قال الجوهرى تبدى الرجل أقام بالبادية وازدلف أى تقدم وقطع كفره وكرم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۵۷ لم يقدر على الكلام ونقه الحديث كفره فهمه والعشراء من النوق بضم العين وفتح الشين التى مضى لحملها عشرة أشهر أو ثمانية أو هى كالنفساء من النساء وذرفت عينه أى سال دمعها ويقال علله بطعام وغيره أى شغله به والمخدع البيت الصغير الذى يكون داخل البيت الكبير وتضم ميمه وتفتح ويقال صبأ فلان إذا خرج عن دين إلى دين غيره وقد تقلب الهمزة واوا

ترجمه

ابن عباس گوید: یکی از صحرانشینان از قبیله بنی سلیم در بیابان سوسمارى دید و آن را گرفته در میان آستین لباس خویش جای داده به طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حرکت کرد و هنگامی که به او رسید با صدای بلند گفت: ای محمد! اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین بود که هر گاه به ایشان می گفتند: «یا محمد» در پاسخ می فرمودند: «یا محمد» و وقتی می گفتند: «یا احمد» در پاسخ می فرمودند: «یا احمد»، و همین طور بود در زمانی که به ایشان «ابو القاسم» می گفتند ولی هنگامی که

به ایشان گفته می‌شد: «یا رسول الله» می‌فرمودند: «لیک و سعدیک». هنگامی که صحرائشین مذکور پیامبر را به لفظ «یا محمد، یا محمد» صدا زدند، پیامبر در پاسخ او گفتند: یا محمد، یا محمد؟ آن صحرائشین خطاب به رسول خدا گفت: تو همان جادوگر و دروغگوی هستی که آسمان در زیر خود و زمین بر روی خویش دروغگوتر از او ندیده است؟ آیا تو همان کسی هستی که خیال می‌کنی در آسمان خدایی داری که تو را بر هر انسان سیاه و سفید و بر هر موجودی، و بر بتهای لات و عزّی مبعوث نموده است؟ اگر نمی‌ترسیدم که قبیله‌ام مرا عجول و کم صبر بنامند با این شمشیر ضربتی به تو می‌زدم و تو را به هلاکت می‌رساندم و بر همه سروری می‌نمودم. در این حال عمر بن خطاب از جا برخاست تا او را مورد حمله قرار دهد، ولی پیامبر مانع او شده و فرمود: بنشین، زیرا مقام شخص صبور نزدیک به مقام پیامبری است، سپس رو به سوی عرب صحرائشین نموده و به او گفت: ای عرب بنی سلیم! آیا کسی از عرب، چنین عملی را که تو انجام دادی انجام می‌دهد و این طور به ما و مجلس ما هجوم و توهین می‌کند و این گونه خشونت و درشتی می‌نماید؟ ای زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۵۸ اعرابی! سوگند به حقّ آن خدایی که مرا به پیامبری مبعوث کرده هر کس که در دنیا ضرری به من برساند در قیامت دچار آتش سوزاننده خواهد شد. ای مرد! سوگند به خداوندی که مرا به پیامبری مبعوث نموده، اهل آسمان هفتم مرا «احمد صادق» می‌نامند، ای مرد! اسلام بیاور تا از آتش در امان باشی، آنچه که مال ماست به تو تعلق خواهد داشت و تو برادر ما در دین اسلام خواهی بود. عرب بادیه‌نشین عصبانی شد و گفت: به لایت و عزّی سوگند تا این سوسمار به تو ایمان نیاورد من ایمان نخواهم آورد. آن سوسمار را از آستین خود بیرون آورده رها کرد. هنگامی که آن مرد سوسمار را رها کرد آن حیوان به سرعت از جمعیت دور می‌شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را صدا زده و فرمود: نزد من بیا. سوسمار باز گشت و نزد پیامبر آمده و به او نگاه کرد و ثابت ایستاد، پیامبر گفت: ای سوسمار، من کیستم؟ در این حال آن حیوان به زبانی فصیح گفت: تو محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف هستی. پیامبر فرمود: تو چه کسی را می‌پرستی؟ حیوان گفت: عبادت می‌کنم خدایی را که دانه را می‌شکافد و انسان را می‌آفریند، و ابراهیم را خلیل خود و تو را حبیب قرار داده است. ای رسول خدا! همانا که تو صادق و راستگو می‌باشی تو هدایت‌شده‌ای با برکت و هدایت‌کننده‌ای پر برکت هستی تو دین پاک و حنیفی را برای ما آوردی بعد از آنکه ما مانند دراز گوش بی‌عقل و فهم بت‌ها را عبادت می‌کردیم پس ای بهترین دعوت‌کننده، و ای بهترین فرستاده تو را لیک می‌گویم که تاکنون چون تویی به سوی جنّ و انس نفرستاده‌اند ما مردمانی از قبیله سلیم هستیم. و نزد تو آمده‌ایم تا به مقام برتر و بالاتری دست یابیم تو از جانب خداوند دلیل و برهانی واضح آورده‌ای و در نزد ما مردی راستگو و پاک هستی تو در حیات و مرگ موجب برکت هستی و در حال کودکی و نشو و نما نیز منشأ خیر و برکت بوده‌ای. و آنگاه دهان سوسمار بسته شد و دیگر سخنی نگفت. هنگامی که عرب صحرائشین این وضعیت را مشاهده کرد با خود گفت: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۵۹ و عجا! این حیوانی که من آن را از بیابانها شکار کردم و عقل و فهم ندارد با محمد صلی الله علیه و آله و سلم این گونه سخن می‌گوید و در باره نبوت او شهادت می‌دهد، بعد از آنچه که اکنون دیدم دیگر نیازی به نشانه برای اثبات حقانیت این مرد ندارم. و سپس به رسول خدا گفت: دست را دراز کن تا بیعت کنم، همانا شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا وجود ندارد و شهادت می‌دهم که تو فرستاده او هستی. مرد صحرائشین، بدین صورت اسلام آورد، و اسلامش نیز نیکو بود. پس از این سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رو به اصحاب خود نموده و فرمود: چند سوره از قرآن را به این فرد بیاموزید. چون چند سوره را آموخت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از او پرسید: آیا از مال دنیا چیزی داری؟ اعرابی گفت: سوگند به آنکه تو را به حق مبعوث نموده، در میان چهار هزار مرد از قبیله بنی سلیم، هیچ کس فقیرتر و نادارتر از من نیست. پس پیامبر رو به اصحاب خود نموده و فرمود: چه کسی یک شتر به این شخص می‌دهد تا به عوض آن شتری در بهشت به او داده شود؟ سعد بن عبادہ انصاری «۱» برخاست و گفت: پدر و مادرم به فدای تو، من شتری سرخ مو دارم که آن را به او می‌دهم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مجدداً خطاب به اصحابش فرمود: چه

کسی عمامه‌ای به این شخص می‌دهد تا خدای تعالی به عوض آن تاجی از تقوی را در روز قیامت به او عطا نماید؟ علی بن ابی طالب علیه السلام از جا برخاست و گفت: پدر و مادرم به فدای تو ای رسول خدا! تاج تقوی چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وصف آن تاج را برای علی علیه السلام بیان نمود و علی عمامه‌اش را از سر باز نموده و به سر آن شخص بست. سپس پیامبر به اصحابش فرمود: چه کسی به این مرد توشه راه می‌دهد تا خداوند توشه تقوی به او عطا کند؟ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۶۰ سلمان فارسی برخاسته و پرسید: ای رسول خدا! توشه تقوی چیست؟ پیامبر فرمود: ای سلمان! هنگامی که روز آخر عمرت فرا می‌رسد خداوند شهادتین - یعنی لا اله الا الله، و ان محمدا رسول الله - را به تو تلقین خواهد کرد و تو با گفتن آنها مرا ملاقات خواهی نمود و من نیز به ملاقات تو خواهم آمد. راوی می‌گوید: سلمان رفت و خانه‌های پیامبر را جستجو کرد و در نزد زنان پیامبر غذایی نبود تا به او بدهند لذا متوجه خانه فاطمه شد و با خود گفت: اگر خیری باشد در منزل فاطمه دختر رسول خدا خواهد بود. پس در خانه فاطمه را زد و فاطمه از پشت در گفت: کیست؟ چه حاجتی داری؟ سلمان قصه ایمان آوردن اعرابی و سایر وقایع را برای فاطمه علیها السلام بیان نمود و فاطمه فرمود: ای سلمان! سوگند به خداوندی که محمد را به حق مبعوث فرموده ما مدت سه روز است که غذایی نخورده‌ایم، حسن و حسین از شدت گرسنگی بهانه‌جویی می‌کنند و اکنون نیز به خواب رفته‌اند، ولی با وجود این اگر خیری بر در خانه من بیاید آن را رد نخواهم کرد، ای سلمان! این پیراهن را بگیر و نزد شمعون یهودی ببر و به او بگو: فاطمه دختر محمد می‌گوید: این پیراهن را رهن بردار و در مقابل آن یک من خرما و یک من جو بده تا به زودی به خواست خدا پول آن را می‌پردازم. سلمان پیراهن را گرفته و همان گونه که فاطمه فرموده بود عمل کرد، هنگامی که شمعون یهودی آن پیراهن را در دست گرفت به آن می‌نگریست و اشک می‌ریخت و می‌گفت: ای سلمان! این همان زهد و تقوای واقعی در دنیا است که حضرت موسی در تورات به ما وعده کرده است، و من اکنون شهادت می‌دهم که خدا یکی است و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده اوست. بدین وسیله آن یهودی سرشناس اسلام آورد و آنچه را که فاطمه خواسته بود به سلمان داد و سلمان آنها را نزد فاطمه آورده و تحویل وی نمود. حضرت فاطمه علیها السلام بلافاصله جو را آسیا نمود و خمیری ساخته و نان پخت، آنگاه همه آنها را به سلمان داد و به او فرمود: اینها را بگیر و به حضور پیامبر ببر. سلمان گفت: ای فاطمه! یکی از این نانها را برای حسن و حسین بردار که آرام شوند. فاطمه فرمود: ای سلمان! ما از چیزی که در راه خدا داده‌ایم، نمی‌خوریم. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۶۱ سلمان نانها را گرفت و نزد پیامبر آورد. وقتی چشم رسول خدا به سلمان افتاد، پرسید: ای سلمان! این نانها را از کجا آورده‌ای؟ سلمان گفت: از منزل دخترتان فاطمه. پیامبر خدا که خود نیز سه روز غذایی نخورده بود، برخاست و به سوی منزل فاطمه رفت، و چون در را به صدا درآورد فاطمه در را باز کرد و هنگامی که پیامبر چهره زرد فاطمه و چشمان فرورفته او را مشاهده کرد فرمود: دخترم! چرا رنگ چهره‌ات زرد شده و چشمانت در حدقه به گودی رفته است. فاطمه گفت: ای پدر! مدت سه روز است که طعامی نخورده‌ایم، و حسن و حسین از شدت گرسنگی بهانه‌گیری کردند و اکنون به خواب رفته‌اند. رسول خدا وارد منزل شده و حسن و حسین را از خواب بیدار کرده هر یک را بر یکی از زانوهایش نشاند و فاطمه در مقابل پدر بر زمین نشست و پیامبر در حالی که متأثر شده بود او را در آغوش گرفت، در این حال علی نیز وارد شده و در کنار پیامبر نشست و پیامبر با دستش او را به سوی خود کشیده و آنگاه به سوی آسمان نگریسته و گفت: ای خدا و مولای من! اینان اهل بیت من هستند، پروردگارا از تو می‌خواهم که هر گونه زشتی و پلیدی را از آنها دور کنی، و ایشان را از معاصی تطهیر و پاکیزه گردانی. راوی گوید: سپس فاطمه برخاست و داخل اطاق مخصوص خود شد و پس از به جای آوردن دو رکعت نماز دستش را به سوی آسمان بلند کرده و گفت: پروردگارا! این محمد پیامبر تو، و این علی پسر عموی او، و اینان حسن و حسین نوه‌های فرستاده و رسول تو هستند، خداوند! طعامی از آسمان برای ما فرو فرست مانند آن طعامی که بر بنی اسرائیل عطا نمودی، گر چه آنان کفران نعمت کردند، بار خدایا آن طعام را بر ما عطا کن، همانا خواهی دید که ما در مقابل آن شاکر و سپاسگزاریم. ابن عباس گوید:

سوگند به خداوند! هنوز دعای فاطمه به آخر نرسیده بود که کاسه‌ای پر از غذا، که از آن بخار متصاعد می‌شد فرود آمد و از آن بویی مانند مشک متصاعد گشت. فاطمه علیها السلام آن غذا را برداشت و در مقابل پیامبر، علی و فرزنداناش گذارد، وقتی چشم علی علیه السلام به آن غذا افتاد از فاطمه پرسید: این غذا را از کجا آوردی؟ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۶۲ پیامبر به علی علیه السلام فرمود: ای علی! بخور و جستجو مکن، سپاس خدایی را که مرا زنده نگاه داشت تا بینم که چگونه از دخترم همان معجزه‌ای صادر می‌شود که از مریم دختر عمران صادر شده بود همان مریمی که هر گاه زکریا در محراب عبادت نزد او می‌رفت طعامی می‌یافت و هنگامی که از او سؤال می‌کرد: این طعام از کجا آمده است؟ پاسخ می‌شنید: از طرف خدا، همان خدایی که هر که را خواهد بی حساب روزی دهد. پس همه ایشان از آن غذا خوردند و پیامبر از خانه فاطمه خارج گردید. ابن عباس در ادامه قصه اعرابی گوید: مرد بادیه‌نشین هنگامی که زاد و توشه راه را گرفت، بر شتر خویش سوار شد و نزد قبیله بنی سلیم بازگشت و هنگامی که به آنجا رسید با صدایی بلند فریاد برآورده و گفت: بگوئید که خداوند یکی است و محمد فرستاده اوست. مردان قبیله وقتی این سخنان را از او شنیدند شمشیرها را برهنه کرده و اطراف او را گرفته و گفتند: تو دین محمد را اختیار کرده‌ای در حالی که او فردی ساحر و دروغ‌گوست؟ اعرابی گفت: چنین نیست، ای قبیله بنی سلیم، به درستی که معبود و خدای محمد صلی الله علیه و آله و سلم بهترین معبود است و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بهترین پیامبر، من نزد او رفتم در حالی که گرسنه بودم و او سیرم کرد، برهنه بودم لباسم داد، پیاده بودم سوارم کرد، و آنگاه قصه سوسمار را برای آنان باز گفت و آن اشعاری را که برای رسول خدا سروده بود برای آنها بازخواند و در آخر گفت: ای قبایل بنی سلیم! اسلام بیاورید تا از آتش جهنم در امان باشید. پس در آن روز چهار هزار مرد شجاع اسلام آوردند و همیشه با پرچمهای سبز خود در خدمت پیامبر حاضر و آماده بودند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹۹/۶۲- وَ مِنَ الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ، «۱» رُؤْيٍ فِي الْمَرَاتِلِ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ كَانَ عَلَيْهِمَا ثِيَابٌ خَلَقَ وَقَدْ قَرَّبَ الْعِيدُ فَقَالَا لِأُمِّهِمَا فَاطِمَةَ ع إِنَّ بَنِي فُلَانٍ خِيطَتْ لَهُمُ الثِّيَابُ الْفَاحِرَةُ زَنْدِگَانِي حَضْرَت زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۶۳ أَمْ لَا تَخِيطِينَ لَنَا ثِيَابًا لِلْعِيدِ يَا أُمَّاهُ فَقَالَتْ يُخَاطُ لَكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْعِيدُ جَاءَ جَبْرِئِيلُ بِقَمِيصَيْنِ مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا هَذَا يَا أَخِي جَبْرِئِيلُ فَأَخْبَرَهُ بِقَوْلِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ لِفَاطِمَةَ وَ بِقَوْلِ فَاطِمَةَ يُخَاطُ لَكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ جَبْرِئِيلُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَمَّا سَمِعَ قَوْلَهَا لَا نَسْتَحْسِنُ أَنْ تُكَذِّبَ فَاطِمَةَ بِقَوْلِهَا يُخَاطُ لَكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

ترجمه

به صورت مرسل روایت شده است: امام حسن و حسین لباسهای کهنه و مندرسی بر تن داشتند، پس در نزدیکی یکی از اعیاد به مادرشان فاطمه گفتند: برای فرزندان فلان کس لباس‌های تازه و فاخر دوخته‌اند، ای مادر! آیا برای عید ما لباسی نمی‌دوزی؟ فاطمه گفت: برای شما هم لباس دوخته می‌شود، ان شاء الله. پس هنگامی که روز عید فرا رسید جبرئیل دو پیراهن از پارچه‌های بهشتی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد و پیامبر به او فرمود: ای جبرئیل! اینها چیست؟ جبرئیل ماجرای حسن و حسین و وعده مادر را به آنها برای پیامبر نقل کرد و گفت: خداوند هنگامی که سخنان فاطمه را در جواب کودکش شنید فرمود: ما دوست نمی‌داریم که فاطمه در نزد فرزنداناش بد قول شود زیرا فاطمه در وعده‌ای که به فرزنداناش داده بود گفته بود: «ان شاء الله» یعنی اگر خداوند بخواهد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰۰/... و منه «۱» وَ عَنْ سَعِيدِ الْحَقَّافِ [الْحَافِظِ الدَّيْلَمِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَيْنَمَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمُونَ وَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ يُعَذَّبُونَ إِذَا لِأَهْلِ الْجَنَّةِ نُورٌ سَاطِعٌ يَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ مَا هَذَا النُّورُ لَعَلَّ رَبَّ الْعِزَّةِ أَطْلَعَ فَنَظَرُوا إِلَيْنَا فَيَقُولُ لَهُمْ رِضْوَانٌ لَا وَلَكِنْ عَلَيَّ عَ مَا زَحَ فَاطِمَةُ فَتَبَسَّمَتْ فَأَضَاءَ ذَلِكَ النُّورُ مِنْ ثَنَائِهَا

ترجمه

ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ هـ) به صورت مسند از انس و او از رسول خدا نقل کرده: در زمانی که اهل بهشت متنعّم و اهل دوزخ در آتش عذاب می‌شوند، ناگهان مردم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۶۴ بهشت نوری را مشاهده می‌نمایند، برخی از آنها از بعضی دیگر می‌پرسند: این نور چیست؟ شاید خداوند عزیز نظر رحمتی به ما نموده باشد؟ در این حال «رضوان» به آنها گوید: نه چنین نیست، بلکه علی علیه السلام با فاطمه مزاح نمود فاطمه لبخندی زد، پس این نور از دندانهای ثنایای وی ساطع گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰۱/... و منه «۱» وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ لَمَّا أُسْرِى بِي وَ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ بَلَغْتُ إِلَى قَصْرِ فَاطِمَةَ فَرَأَيْتُ سَبْعِينَ قَصْرًا مِنْ مَرْجَانٍ حُمْرَاءَ مُكَلَّلَةٍ بِاللُّؤْلُؤِ أَبْوَابُهَا وَ حِيطَانُهَا وَ أُسْرَتُهَا مِنْ عِزْقٍ وَاحِدٍ

ترجمه

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمود: هنگامی که مرا به معراج بردند و داخل بهشت شدم و به قصر فاطمه رسیدم هفتاد قصر دیدم که از مرجان سرخ ساخته شده و با انواع جواهر زینت شده بودند، و درها، دیوارها و پنجره‌های آن از یک جنس بودند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰۲/... و منه «۲» وَ قَالَ الْحَسَنُ مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أُعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ عَ كَأَنْتَ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا «۳»

ترجمه

حسن بصری گوید: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۶۵ در دنیا هیچ کس عابدتر از فاطمه علیها السلام نبوده

است، او آنقدر برای عبادت خدا در محراب می ایستاد که پاهایش ورم می کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰۳/۶۳- تنبيه الخاطر «۱» بَيْنَمَا النَّبِيُّ ص وَالنَّاسُ فِي الْمَسْجِدِ يَنْتَظِرُونَ بِلَالًا أَنْ يَأْتِيَ فَيُؤَذِّنَ إِذْ أَتَى بَعِيدَ زَمَانٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص مَا حَبَسَكَ يَا بِلَالُ فَقَالَ إِنِّي اجْتَرْتُ بِفَاطِمَةَ ع وَهِيَ تَطْحَنُ وَاضِعَةً ابْنَهَا الْحَسَنَ عِنْدَ الرَّحَى وَهِيَ تَبْكِي فَقُلْتُ لَهَا أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ إِنْ شِئْتَ كَفَيْتُكَ ابْنِكَ وَإِنْ شِئْتَ كَفَيْتُكَ الرَّحَى فَقَالَتْ أَنَا أَرْفُقُ بِابْنِي فَأَخَذْتُ الرَّحَى فَطَحَنْتُ فَذَاكَ الَّذِي حَبَسَنِي فَقَالَ النَّبِيُّ ص رَحِمَتْهَا رَحِمَكَ اللَّهُ

ترجمه

روزی پیامبر و مردم در مسجد منتظر آمدن بلال بودند تا اذان بگویند ولی او تأخیر نمود. هنگامی که بلال آمد، پیامبر به او گفت: چه کاری برایت پیش آمده بود که تأخیر کردی؟ بلال گفت: از کنار خانه فاطمه علیها السلام عبور می کردم دیدم که وی مشغول کار با آسیا است و فرزندش حسن علیه السلام گریه می کند، پس به او گفتم: اجازه بدهید که یا بچه را نگهداری کنم و یا آسیا را بگردانم و شما به حسن رسیدگی کنید. فاطمه گفت: من بهتر می توانم از فرزند خود نگهداری کنم. پس من مشغول آسیا کردن شدم و این امر سبب تأخیرم گردید. پیامبر فرمود: خدا تو را رحمت کند که به دخترم فاطمه رحم کردی.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰۴/...- الْفِرْدَوْسِ «۲» عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَا خَلَا مَرْيَمَ بِنْتُ عِمْرَانَ «۳» زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۶۶ ۲۰۵/...- الْفِرْدَوْسِ «۱» وَ عَنِ الْمُسَوِّرِ بْنِ مَخْرَمَةَ عَنْهُ ص قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي أَوْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي

ترجمه

مسور بن مخرمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده: فاطمه جزئی از وجود من است، پس هر که او را به غضب آورد مرا غضبناک نموده، و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۶۷ هر که او را آزار دهد مرا آزرده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰۶/...- الْفِرْدَوْسِ «۱» وَ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْهُ ص فَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فِي قُبَّةٍ يَبْضَاءُ سَفْفُهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَ جَلَّ «۲»

ترجمه

عمر بن خطاب از رسول خدا روایت کرده که فرمود: فاطمه، علی، حسن و حسین در روز قیامت در فردوس برین، در قبه سفیدی که سقف آن عرش خداوند رحمان است جای می گیرند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰۷/... - «۳» قَالَ السَّيِّدُ ابْنُ طَاوُسٍ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ فِي كِتَابِ سَعْدِ السُّعُودِ قَالَ وَجَدْتُ فِي كِتَابِ مَا نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ فِي النَّبِيِّ ص وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ع تَأْلِيفِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدِ الْبُخَارِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ هَاشِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ قَالَ أُهْدِيَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قُطِيفَةٌ مَنُوشِيَّةٌ بِالذَّهَبِ أَهْدَاهَا لَهُ مَلِكُ الْحَبَشَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَأُعْطِيَنَهَا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ فَمَدَّ أَصْحَابُ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۶۸ رَسُولُ اللَّهِ ص أَعْنَقَهُمْ إِلَيْهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَيْنَ عَلِيٌّ قَالَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ فَلَمَّا سَمِعَتْ ذَلِكَ وَتَبَتْ حَتَّى أَتَيْتُ عَلِيًّا ع فَأَخْبَرْتُهُ فَجَاءَ فَدَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْقُطِيفَةَ إِلَيْهِ فَقَالَ أَنْتَ لَهَا فَخَرَجَ بِهَا إِلَى سُوقِ اللَّيْلِ فَتَقَصَّهَا سَلَكًا سَلَكًا فَفَسَّسَهَا فِي الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ مَا مَعَهُ مِنْهَا دِينَارٌ فَلَمَّا كَانَ مِنْ غَدٍ اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَخَذْتَ أَمْسَ ثَلَاثَ آلَافٍ مِثْقَالٍ مِنْ ذَهَبٍ فَأَنَا وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ نَتَّغِدِي عَنْكَ غَدًا فَقَالَ عَلِيٌّ ع نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَلَمَّا كَانَ الْغَدُ أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ حَتَّى قَرَعُوا الْبَابَ فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ وَ قَدْ عَرِقَ مِنَ الْحَيْاءِ لِأَنَّهُ لَيْسَ فِي مَنْزِلِهِ قَلِيلٌ وَ لَمَّا كَثُرَ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ دَخَلَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ حَتَّى جَلَسُوا وَ دَخَلَ عَلِيٌّ عَلَى فَاطِمَةَ فَإِذَا هُوَ بِجَفْنَةٍ مَمْلُوءَةٍ ثَرِيدًا عَلَيْهَا عِرَاقٌ يَقُورُ مِنْهَا رِيحُ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ فَضْرَبَ عَلِيٌّ يَدَيْهِ عَلَيْهَا فَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى حَمْلِهَا فَعَاوَنَهُ فَاطِمَةُ عَلَى حَمْلِهَا حَتَّى أَخْرَجَهَا فَوَضَعَهَا بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ فَدَخَلَ ص عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ أَيُّ بَنِيهِ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ يَا أَبَتِ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى رَأَيْتُ فِي ابْنَتِي مَا رَأَى زَكَرِيَّا فِي مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا أَبَتِ أَنَا خَيْرٌ أَمْ مَرْيَمُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْتِ فِي قَوْمِكَ وَ مَرْيَمُ فِي قَوْمِهَا «۱»

ترجمه

ابو سعید خدری گفته: قطیفه‌ای طلاباف از طرف پادشاه حبشه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هدیه شد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این قطیفه را به مردی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد، و خدا و رسول نیز او را دوست دارند، هر یک از اصحاب به طرف رسول خدا گردن کشیدند و خود را به ایشان نشان دادند ولی پیامبر فرمود: علی کجاست؟ عمار یاسر می گوید: هنگامی که من این سخن را از پیامبر شنیدم خود را به علی علیه السلام رسانده و آنچه را دیده و شنیده بودم برایش بیان کردم و هنگامی که علی علیه السلام به حضور رسول خدا آمد، پیامبر آن قطیفه را به وی عطا کرد و فرمود: تو لایق این قطیفه هستی. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۶۹ علی علیه السلام قطیفه را گرفته به بازار برده و فروخت، سپس پول آن را میان مهاجرین و انصار تقسیم کرد و در حالی که سوی خانه‌اش بازگشت که حتی یک دینار نیز برای خود نگاه نداشته بود. فردای آن روز پیامبر با علی علیه السلام مواجه گردید و خطاب به وی فرمود: ای علی! تو دیروز سه هزار مِثقال طلا نصیبت گردید، پس من با مهاجرین و انصار و فردا برای صرف صبحانه میهمان تو خواهیم بود. علی گفت: باشد ای رسول خدا!

فردای آن روز پیامبر با تعدادی از مهاجرین و انصار به سوی خانه علی علیه السلام حرکت کرده و در خانه علی را به صدا درآوردند، علی علیه السلام به استقبال آنها آمد ولی از شرم عرق بر پیشانی وی نشسته بود زیرا طعمی در منزل نداشت. به هر حال میهمانان داخل شده و نشستند. در این حال علی علیه السلام نزد فاطمه علیها السلام آمد و مشاهده نمود که ظرفی مملو از ترید با گوشت گوساله که بوی مشک از آن به مشام می‌رسید در نزد وی حاضر است، علی علیه السلام هنگامی که خواست آن ظرف را برداشته و نزد میهمانان برد دریافت که بسیار سنگین است لذا حضرت فاطمه علیها السلام نیز او را یاری داد تا غذا را آورده و در مقابل میهمانان قرار دادند. پس از صبحانه پیامبر نزد فاطمه آمده و گفت: دخترم! آن غذا را از کجا تهیه کرده بودی؟ فاطمه گفت: آن طعام از جانب خداوند نصیب ما گردید زیرا وی هر که را خواهد روزی بی حساب عطا فرماید. پیامبر فرمود: سپاس و حمد مخصوص خداوندی است که مرا زنده نگاه داشت تا از دخترم معجزه‌ای را ببینم که حضرت زکریا از مریم دیده بود. پس فاطمه فرمود: ای پدر! من بهتر هستم یا مریم؟ پیامبر فرمود: تو در میان قوم خودت و او در میان قوم خودش.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰۸/۶۴- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَقْبَلْتُ فَاطِمَةَ عَ إِلَى زَنْدِگَانِی حَضْرَتِ زَهْرَا عَلَیْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۳۷۰
رَسُولُ اللَّهِ ص فَعَرَفَ فِي وَجْهِهَا الْخَمَصَ قَالَ يَغْنَى الْجُوعَ فَقَالَ لَهَا يَا بِنْتِي هَاهُنَا فَأَجْلَسَتْهَا عَلَى فَحْذِهِ الْأَيْمَنِ فَقَالَتْ يَا أَبَتَاهُ إِنِّي جَائِعَةٌ فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اللَّهُمَّ رَافِعِ الْوَضْعَةَ وَمُشْبِعِ الْجَاعَةَ أَشْبِعْ فَاطِمَةَ بِنْتَ نَبِيِّكَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع فَوَاللَّهِ مَا جَاعَتْ بَعْدَ يَوْمِهَا حَتَّى فَارَقَتْ الدُّنْيَا «۱»

ترجمه

امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و پیامبر در چهره او آثار گرسنگی را تشخیص داد و به وی فرمود: دخترم! در اینجا بنشین، و او را روی زانوی راست خود نشانید- معلوم می‌شود که حضرت فاطمه علیها السلام در سنین کودکی بوده است- پس فاطمه گفت: ای پدر! من گرسنه‌ام. پس از آن، پیامبر دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: ای خدایی که افتادگان را رفعت می‌بخشی، و گرسنگان را سیر می‌کنی، فاطمه دختر پیامبرت را سیر کن. امام باقر علیه السلام فرماید: به خداوند سوگند حضرت فاطمه علیها السلام پس از این روز، هرگز گرسنه‌اش نشد- یعنی گرسنه نماند- تا زمانی که وفات نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۰۹/...- و منه «۲» وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَ حَدَّثَتْ عَلَّةً فَجَاءَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَائِدَةً فَجَلَسَ عِنْدَهَا وَ سَأَلَهَا عَنْ حَالِهَا فَقَالَتْ إِنِّي أَشْتَهِي طَعَامًا طَيِّبًا فَقَامَ النَّبِيُّ ص إِلَى طَاقٍ فِي الْبَيْتِ فَجَاءَ بِطَبَقٍ فِيهِ زَبِيبٌ وَ كَعْكٌ وَ أَقْطٌ وَ قِطْفٌ عَنِيبٌ فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْ فَاطِمَةَ ع فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَهُ فِي الطَّبَقِ وَ سَجَمَى اللَّهُ وَ قَالَ كُلُوا بِسْمِ اللَّهِ فَأَكَلَتْ فَاطِمَةُ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَبَيْنَمَا هُمْ يَأْكُلُونَ إِذْ وَقَفَ سَائِلٌ عَلَى الْبَابِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَطْعَمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ص اخْسَأْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا

رَسُولَ اللَّهِ مَا هَكَذَا تَقُولُ لِلْمَسْكِينِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّهُ الشَّيْطَانُ وَإِنَّ جِبْرِئِيلَ جَاءَكُمْ بِهَذَا الطَّعَامِ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَرَادَ الشَّيْطَانُ أَنْ يُصِيبَ مِنْهُ
وَمَا كَانَ ذَلِكَ يَتَّبَعِي لَهُ

ترجمه

علی علیه السلام فرماید زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۷۱ روزی فاطمه علیها السلام بیمار شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عیادتش آمده در نزد او نشست و حالش را جویا شد، فاطمه گفت: دلم می‌خواهد طعام پاکیزه‌ای را تناول نمایم. پس پیامبر برخاست و از زیر سقف خانه «۱» یک سینی آورد که در آن مقداری مویز، نان شیری «۲»، کشک و خوشه‌ای انگور بود و آن را در مقابل فاطمه گذارد. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستش را به سوی سینی برده بسم الله گفته فرمود: بخورید به نام خدا! فاطمه، رسول خدا، علی، حسن و حسین مشغول خوردن شدند که در این حال فقیری به در خانه آمده و پس از سلام گفت: از این غذایی که خدا به شما عطا کرده است به من هم بدهید. پیامبر آشفته گردیده گفت: دور شو!! فاطمه گفت: پدر جان، تاکنون با هیچ فقیری چنین سخن نگفته بودی؟! پیامبر فرمود: او شیطان است، این طعام را جبرئیل از بهشت آورده و او می‌خواهد که از آن نصیبی ببرد، در صورتی که چنین نصیبی عاید او نخواهد شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۱۰/...- و منه «۳» وَ عَنْ حُذَيْفَةَ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ص لَا يَنَامُ حَتَّى يُقْبَلَ عُرْضَ وَجْهِهِ فَاطِمَةُ ع أَوْ يَبْنَ ثَدْيِيهَا

مترجم

این حدیث را پیش از این آورده و ترجمه کرده‌ایم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۱۱/...- و منه «۴» وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يَنَامُ حَتَّى يَضَعَ وَجْهَهُ الْكَرِيمَ بَيْنَ ثَدْيَيْ فَاطِمَةَ ع

مترجم

این حدیث نیز پیش از این آمده و ما آن را ترجمه کرده‌ایم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۱۲/۶۵- علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ الشُّكْرِیِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقْدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّمَا سَمِعْتُ فَاطِمَةَ مُحَدِّثَةً لَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتَنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ أَضِطَّفَاكَ وَطَهَّرَكَ وَأَضِطَّفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ أَقْنَتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ «۲» فَتَحَدِّثُهُمْ وَيَحَدِّثُونَهَا فَصَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَلَيْسَتْ الْمُفْضَلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمَ بِنْتُ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَعَالَمِهَا وَسَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ كِتَابَ دَلَائِلِ الْإِمَامَةِ، للطبري عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري عن الصدوق مثله «۳»

ترجمه

راوی گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: فاطمه علیها السلام از آن جهت محدثه نامیده شد که فرشتگان بر او فرود می آمدند و با او گفتگو می کردند همان گونه که با مریم بنت عمران گفتگو می کردند، آنها به فاطمه می گفتند: ای فاطمه! همانا خداوند تو را برگزیده، و از پلیدی ها تطهیر نموده، و تو را بر زنان دو عالم برتری داده است، پس ای فاطمه! خدایت را سپاسگزار بوده وی را عبادت نما. آنها با یک دیگر گفتگو می کردند، شبی فاطمه به آنها گفت: آیا آنکه در این آیه، نسبت به زنان دو عالم، فضیلت و برتری داده شده، مریم دختر عمران نبوده است؟ فرشتگان گفتند: مریم بزرگ و برگزیده زنان زمان خود بوده ولی خداوند تو را بر تمامی زنان دو عالم از اولین تا آخرین ایشان برتری بخشیده است. علامه مجلسی گوید: ابو جعفر طبری این روایت را در دلائل الامامة نقل نموده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۱۳/۶۶- علل الشرائع «۴» أَبِي عَيْنٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُؤَدِّبِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصِيبِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَشَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ زَنْدْكَانِي حَضْرَتُ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۳۷۳ الْحَضَرَمِيُّ بِمَضَرٍ مُنْذُ ثَلَاثِينَ سَنَةً قَالَ حَدَّثَنَا سَلِيمَانُ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ لَمَّا قَرَأَ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ وَلَا مُحَدِّثٍ قُلْتُ وَهَلْ يُحَدِّثُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا الْأَنْبِيَاءَ قَالَ إِنَّ مَرْيَمَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً وَكَانَتْ مُحَدِّثَةً وَأُمُّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ كَانَتْ مُحَدِّثَةً وَلَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً وَسَارَةُ امْرَأَةُ إِبْرَاهِيمَ قَدْ عَايَنَتِ الْمَلَائِكَةَ فَبَشَّرُوها بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ وَلَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً وَفَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص كَانَتْ مُحَدِّثَةً وَلَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً «۱» قَالَ الصَّدُوقُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَدْ أَخْبَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ أَنَّ مَا أَرْسَلَ مِنَ النِّسَاءِ أَحَدًا إِلَى النَّاسِ فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ «۲» وَلَمْ يَقُلْ نِسَاءً وَالمحدثون ليسوا برسول ولا أنبياء

ترجمه

شیخ صدوق (۳۱۸ ه) گوید: خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است که از میان زنان هیچ کس را برای نبوت و پیامبری انتخاب نکرده است چرا که تصریح کرده: «ای محمّد! قبل از تو به کسی وحی نکردیم مگر آنکه مرد بود»، و زنان نامبرده در روایت «محدثه» بودند نه رسول یا نبی.

[متن عربی]

[متن عربی]

۶۷/۲۱۴- بصائر الدرجات الکافی «۳» أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رَبِثٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ الْجَفْرِ فَقَالَ هُوَ جِلْدٌ ثَوْرٍ مَمْلُوءٌ عِلْمًا فَقَالَ لَهُ مَا الْجَامِعَةُ قَالَ تِلْكَ صِيْفَةُ طَوْلُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي عَرْضِ الْأَدِيمِ مِثْلُ فَجْدِ الْفَالِاحِ فِيهَا كُلُّ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ لَيْسَ مِنْ قَضِيَّةٍ إِلَّا وَ فِيهَا حَتَّى أَرَشُ الْخَدَشِ قَالَ لَهُ فَمُصْحَفُ فَاطِمَةَ فَسَكَتَ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّكُمْ لَتَبْحَثُونَ عَمَّا تُرِيدُونَ وَ عَمَّا لَا تُرِيدُونَ إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا وَ قَدْ كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا وَ كَانَ جَبْرِئِيلُ يَأْتِيهَا فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا وَ يُطَيِّبُ نَفْسَهَا وَ يُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَ مَكَانِهِ وَ يُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَ كَانَ عَلِيُّ عَ يَكْتُبُ ذَلِكَ فَهَذَا زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۷۴ مُصْحَفُ فَاطِمَةَ «۱»

ترجمه

ابو عبیده گوید: برخی از دوستان ما از امام صادق علیه السلام در باره جفر سؤال کردند، امام فرمود: جفر عبارت از پوست گاوی است که علوم فراوانی بر آن نوشته شده است. کسی پرسید: جامعه چیست؟ امام فرمود: جامعه صحیفه‌ای است که طول آن هفتاد ذرع است و در آن هر چه که مورد نیاز مردم باشد نوشته شده است، حتی دیه خراشی کوچک. و پرسیدند: مصحف فاطمه چیست؟ امام پس از مدتی مکث فرمود: شما در باره هر چیزی که مورد نیازتان هست یا نیست سؤال می‌کنید. و سپس فرمود: فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر، هفتاد و پنج روز در حزن و اندوه شدید زندگی کرد، و در این مدت جبرئیل نزد او می‌آمد به او تسلیت می‌گفت و دل‌داری داده از محل نیکویی که پدرش در آن قرار دارد خبر می‌داد و از آنچه که پس از پیامبر اتفاق خواهد افتاد، و علی علیه السلام همه آن اخبار را می‌نوشت و بدین گونه مصحفی فراهم آمد و آن مصحف فاطمه است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۶۸/۲۱۵- بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ يَقُولُ تَظْهَرُ زَانِدَةٌ سَنَةً ثَمَانِيَةً وَ عَشْرِينَ وَ مَائَةً وَ ذَلِكَ لِأَنِّي نَظَرْتُ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ قَالَ فَقُلْتُ وَ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا قَبَضَ نَبِيَّهُ صَ دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ مِنْ وَفَاتِهِ مِنَ الْحُزَنِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا مَلَكًا يُسَلِّي عَنْهَا عَمَّهَا وَ يُحَدِّثُهَا فَشَكَتَ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَقَالَ لَهَا إِذَا أَحْسَسْتِ بِذَلِكَ وَ سَمِعْتِ الصَّوْتَ قُولِي لِي فَأَعْلَمْتُهُ فَجَعَلَ يَكْتُبُ كُلَّمَا سَمِعَ حَتَّى أَتُبْتَ مِنْ ذَلِكَ مُصْحَفًا قَالَ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ لَكِنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَكُونُ ۶۹- الکافی الْعِدَّةُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ مِثْلَهُ

ترجمه

امام صادق علیه السلام فرمودند: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۷۵ در سال ۱۲۸ هجری قمری زندیق‌هایی ظهور خواهند کرد. من با نگاه کردن در «مصحف فاطمه» این خبر را به دست آوردم. حماد بن عثمان گوید: به امام عرض کردم: مصحف فاطمه چیست؟ امام فرمود: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت فاطمه علیها السلام به شدت محزون و افسرده گردید، پس خداوند فرشته‌ای به سوی او می‌فرستاد تا وی را تسلی دهد و همدم او بوده با فاطمه هم صحبت شود. فاطمه علیها السلام این مطلب را برای علی علیه السلام فاش نمود و علی به او گفت: هر گاه آن فرشته آمد و با تو سخن گفت،

کلام او را برای من بازگو کن. و حضرت فاطمه علیها السلام شنیده‌هایش از آن فرشته را برای علی علیه السلام نقل می‌کرد و علی نیز آنها را می‌نوشت تا در نتیجه این مصحف فراهم آمد. حماد گوید: امام بلافاصله فرمود: مطالب این مصحف در باره احکام حلال و حرام نیست، بلکه اخبار غیبی و آنچه که در آینده واقع خواهد شد، در این مصحف نوشته شده است. علامه مجلسی گوید: کلینی (۳۲۸ هـ) نیز این روایت را در کافی نقل نموده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۶۹ / ۲۱۶- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ سُلَيْمَانَ فِي كِتَابِ الْمُحْتَضَرِ «۱» مِنْ تَفْسِيرِ الثَّغَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَقَدْ أَخَذَ بِيَدِ فَاطِمَةَ ع وَقَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَهِيَ قَلْبِي الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيَّ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ

مترجم

ترجمه این حدیث پیش از این آمده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۱۷ / ...- كِتَابُ الدَّلَائِلِ، «۲» لِلطَّبْرِيِّ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ الْمُعَاذِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمِّهِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَتْ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَلَا زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۷۶ أَبْشُرْكِ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُنْحِفَ زَوْجِيَّةً وَلِيَّهِ فِي الْجَنَّةِ بَعَثَ إِلَيْكَ تَبَعَيْنِ إِلَيْهَا مِنْ حُلِيِّكَ

ترجمه

حضرت فاطمه علیها السلام گفت: پدرم خطاب به من فرمود: به تو مژده می‌دهم هنگامی که خداوند اراده کند تا در بهشت، برای زوجه و همسر و لیش تحفه‌ای عطا کند از تو می‌خواهد که بخشی از زیورهای خود را برایش بفرستی.

[متن عربی]

[متن عربی]

أقول: قد أوردنا كثيرا من فضائلها و مناقبها و سيرها صلى الله عليها في باب غصب فدك و باب فضائل أصحاب الكساء صلى الله عليه و آله و سلم

ترجمه

در خاتمه این باب علامه مجلسی گوید: و بسیاری از فضائل و مناقب حضرت فاطمه علیها السلام را در باب «غصب فدک» و «فضائل اصحاب کساء» نقل کرده‌ام.

باب چهارم شیوه زندگی و برخی از مکارم اخلاق حضرت فاطمه علیها السلام

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۱۸ / ۱- قرب الإسناد «۱» السُّنْدِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ تَقَاضَى عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلَى فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَقَضَى عَلَى عَلِيٍّ بِمَا خَلْفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ الشُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِكْفَائِي رَسُولَ اللَّهِ ص تَحْمِلَ رِقَابَ الرِّجَالِ «۲» بیان تحمل رقاب الرجال ای تحمل امور تحملها رقابهم من حمل القرب و الحطب و یحتمل أن يكون كناية عن التبرز من بين الرجال أو المشى على رقاب النائمین عند خروجها ليلا للاستقاء أى التحمل على رقابهم و لا یبعد أن يكون أصله ما تحمل فأسقطت كلمه ما من النسخ. ثم اعلم أن المعروف فى اللغة كفاه لا أكفاه و لعل فيه أيضا تصحيفا

ترجمه

حمیری (ح ۳۱۰ه) در قرب الاسناد از امام محمد باقر علیه السلام روایت می‌کند: علی و فاطمه علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تقاضا کردند که آن حضرت کارهای خانه و بیرون خانه را بین آنها تقسیم نماید. پیامبر انجام کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه نهاد و امور خارج از منزل را به عهده علی علیه السلام گذاشت. امام باقر علیه السلام می‌گوید: فاطمه علیها السلام می‌گفت: هیچ کس جز خداوند نمی‌داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کارهای بیرون از خانه را به عهده من قرار نداد و مرا از مراوده با مردان نجات داد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵، ۱۴، ۱- ۲ / ۲۱۹- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ فَاطِمَةَ ع إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَفِي عُنُقِهَا قِلَادَةٌ مِنْ ذَهَبٍ كَانَ اشْتَرَاهَا لَهَا عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع مِنْ فَيْءٍ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ لَا يَقُولُ النَّاسُ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ تَلْبَسُ لِبَاسَ الْجَبَابِرَةِ فَقَطَعْتُهَا وَبَاعْتُهَا وَاشْتَرَتْ بِهَا رَقَبَةً فَأَعْتَقْتُهَا فَسَرَّ بِذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص «۲»

ترجمه

شیخ صدوق (۳۸۱ه) به سه سند از اسماء بنت عمیس روایت می‌کند: من نزد حضرت فاطمه بودم هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه آن بانو گردید و در گردن او گردنبندی از طلا دید که حضرت علی علیه السلام از سهم خمس خویش

برای فاطمه خریده بود، پس پیامبر به فاطمه علیها السلام فرمود: ای فاطمه! آیا دوست می داری که مردم بگویند فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است ولی لباس ستمگران و زیور زورگویان را مورد استفاده قرار می دهد؟ پس فاطمه آن گردنبند را باز کرد و فروخت و با پول آن برده ای را خریده و آزاد نمود، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این کردار فاطمه خوشحال گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵ - ۳/۲۲۰ - علل الشرائع «۳» ابْنُ مَقْبَرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ جُنْدَلِ بْنِ الْإِقِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْمَازِنِيِّ عَنْ عُبَادَةَ الْكَلْبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ الصُّغْرَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ ع قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمُعَتِهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّصَحَّ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَجَعَتْهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ تَسْتَمِيهِنَّ وَ تَكْثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو زَنْدِگَانِي حَضْرَت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۸۱ لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ فَقَالَتْ يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارَ «۱»

ترجمه

شیخ صدوق (۳۸۱ ه) در علل الشرائع از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده: شبهای جمعه مادرم فاطمه علیها السلام را می دیدم که تا طلوع صبح، در محرابش، مشغول رکوع و سجود و عبادت پروردگار است، و می شنیدم که برای مؤمنین دعا می کند و در دعایش نام آنها را ذکر می نماید ولی برای خود دعا نمی کند، به او گفتم: مادرم! چرا برای خود دعا نمی کنی؟ آن حضرت در جواب می فرمود: پسر! اول باید همسایه را دعا کرد و بعد خود را.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲۱/۴ - علل الشرائع «۲» أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَرْوَزِيُّ عَنْ جَعْفَرِ الْمُقَرِّي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَوْصِلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي زَيْدٍ الْكَحَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا فَقِيلَ لَهَا يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّكَ تَدْعِينَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ فَقَالَتْ الْجَارِ ثُمَّ الدَّارَ «۳»

ترجمه

شیخ صدوق در همین کتاب از ائمه طاهرين عليهم السلام روایت کرده: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۸۲ حضرت فاطمه علیها السلام هر گاه دعا می کرد، برای مردان و زنان مؤمن دعا می نمود ولی برای خودش دعایی نمی کرد، پس به آن حضرت گفته شد: ای دختر پیامبر! تو برای مردم دعا می کنی ولی برای خود دعایی نمی نمایی؟ حضرت فاطمه فرمود: اول همسایه، بعد اهل خانه.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲۲/۵- علل الشرائع (۱) «الْقَطَّانُ عَنِ الشُّكَّرِيِّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ ابْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَرِيرِيِّ عَنِ أَبِي الْوَرْدِ بْنِ ثُمَامَةَ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدٍ أَلَا أُحَدِّثُكَ عَنِّي وَعَنْ فَاطِمَةَ إِنَّهَا كَانَتْ عِنْدِي وَكَانَتْ مِنْ أَحَبِّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ وَأَنَّهَا اسْتَقْتَّ بِالْقَرْبَةِ حَتَّى أَثَرَتْ فِي صَدْرِهَا وَطَحَنَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجِلَتْ يَدَاهَا وَكَسَيْتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَأَوْقَدَتِ النَّارَ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكَنْتِ ثِيَابَهَا فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرْرٌ شَدِيدٌ فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكِ فَسَأَلْتِيهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ ضَرْرَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ فَأَتَتِ النَّبِيَّ ص فَوَحِيَتْ عَنْهُ خِدْمَانًا فَاسْتَحْتَفَتْ فَانْصَرَفَتْ قَالَتْ فَاعْلَمْ النَّبِيُّ ص أَنَّهَا خِيَاءَتْ لِحَاجَتِهِ قَالَ فَعَدَا عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَنَحْنُ فِي لِفَاعِنَا فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَسَيَكُنَّا وَاسْتَحْيَيْنَا لِمَكَانِنَا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَسَيَكُنَّا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَحَشِينَا إِنْ لَمْ نَزِدْ عَلَيْهِ أَنْ يَنْصَرِفَ وَقَدْ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ يُسَيِّلُ ثَلَاثًا فَإِنْ أَذِنَ لَهُ وَإِلَّا انْصَرَفَ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْخُلْ فَلَمْ يَغْدُ أَنْ جَلَسَ عِنْدَ رُءُوسِنَا فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ مَا كَانَتْ حَاجَتُكَ أَمْسَ عِنْدَ مُحَمَّدٍ قَالَتْ فَحَشَيْتُ إِنْ لَمْ نَجِبْهُ أَنْ يَقُومَ قَالَ فَأَخْرَجْتُ رَأْسِي فَقُلْتُ أَنَا وَاللَّهِ أَخْبَرْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهَا اسْتَقْتَّ بِالْقَرْبَةِ حَتَّى أَثَرَتْ فِي صَدْرِهَا وَجَرَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجِلَتْ يَدَاهَا وَكَسَيْتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَأَوْقَدَتِ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكَنْتِ ثِيَابُهَا فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكِ فَسَأَلْتِيهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ ضَرْرَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ قَالَ أَفَلَا أَعْلَمُكُمْ مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنَ الْخَادِمِ إِذَا أَخَذْتُمَا مِمَّا مَكُمَا فَسَبَّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَكَبَّرَا أَرْبَعَ وَثَلَاثِينَ قَالَ فَأَخْرَجْتُ رَأْسَهَا فَقَالَتْ رَضِيَتْ عَنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثَلَاثَ دَفْعَاتٍ زَنْدِ گَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۸۳ بیان قال الجزری مجلت یده تمجل مجلا إذا ثخن جلدھا فی العمل بالأشیاء الصلبة و منها حدیث فاطمه أنها شکت إلى علی ع مجل یدھا من الطحن و قال فی حدیث فاطمه أنها أوقدت القدر حتی دكنت ثيابھا دکن الثوب إذا اتسخ و اغبر لونه يدکن دکنا. و قال اللفاح ثوب يجلل به الجسد کله کساء کان أو غیره و منه حدیث علی و فاطمه و قد دخلنا فی لفاعنا أی لحافنا. و قال فی حدیث فاطمه إنها جاءت إلى النبی ص فوجدت عنده حدثا أی جماعه يتحدثون و هو جمع علی غیر قیاس حملا علی نظیره نحو سامر و سمار فإن السمار المحدثون. قوله فلم يعد أن جلس أی لم يتجاوز عن الجلوس من عدا يعدو قال الجوهری عداه أی جاوزه و ما عدا فلان أن صنع کذا

ترجمه

شیخ صدوق رحمه الله روایت کرده که حضرت علی علیه السلام به مردی از بنی سعد فرمود: بگذار تا قصه‌ای در باره خودم و فاطمه برایت بگویم: فاطمه همسر من در میان خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از محبوبترین افراد بود، او با مشک به قدری آب می‌آورد که اثر آن در سینه‌اش به جای مانده بود، و به قدری با آسیا کار می‌کرد که دستهایش پینه بسته بود، و به قدری خانه را جارو می‌کرد که گرد و غبار بر لباسهایش می‌نشست، و به قدری در زیر دیگ آتش می‌افروخت که لباسهایش سیاه و چرکین می‌شد، و او به سبب این کارها دچار زحمت و رنج شدیدی شده بود. یک روز به فاطمه گفتم: کاش نزد پیامبر می‌رفتی و از آن حضرت تقاضا می‌کردی که خادمی برایت در نظر بگیرد تا در کارهای خانه به تو کمک نماید. هنگامی که فاطمه برای بیان این تقاضا به حضور پیامبر رفت دید که عده‌ای در اطراف پیامبر نشسته و با او مشغول گفتگو هستند و لذا خجالت کشید و مراجعت نمود، پیامبر از این عمل فاطمه متوجه شد که فاطمه برای حاجتی نزد او آمده لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فردای آن روز صبح زود، در حالی که ما هنوز در بستر بودیم به خانه ما آمد و از پشت در گفت: السلام علیکم. ما سکوت کردیم زیرا به دلیل وضعمان حیا داشتیم که با پیامبر روبرو شویم، رسول خدا برای دومین بار گفت: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۸۴ السلام علیکم. و ما باز هم سکوت کردیم. وقتی مرتبه سوم گفت: السلام علیکم، ترسیدم که اگر جواب نگویم مراجعت نماید پاسخ ایشان را داده و گفتم: و علیک السلام یا رسول الله! وارد شوید. وقتی پیامبر وارد شد خطاب به فاطمه گفت: چه حاجتی داشتی که دیروز به نزد من آمدی؟ من پیشدستی کردم- زیرا فاطمه از شرم سر خود را زیر لحاف کرده بود- و گفتم: فاطمه به

قدری مشک آب آورده که اثر آن بر سینه‌اش مانده است، و به قدری آسیا کرده که دستهایش پینه بسته، و به قدری جارو کرده که گرد و خاک لباسهایش را غبار آلود نموده، و به قدری در زیر دیگ آتش افروخته که لباسهایش سیاه و چرک شده است، و به دلیل این مشقتی که او متحمل می‌شود، من به او گفتم که نزد شما بیاید و خادمی مطالبه نماید تا در این گونه کارها یاور او باشد. پیامبر فرمود: آیا بهتر نیست چیزی به شما تعلیم نمایم که از خادم برای شما بهتر باشد، پس هر گاه خواستید بخوابید سی و سه مرتبه سبحان الله، و سی و سه مرتبه الحمد لله، و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگویید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲۳/۶- الکافی مکارم الأخلاق «۱» عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَرَادَ السَّفَرَ سَلَّمَ عَلَى مَنْ أَرَادَ التَّسْلِيمَ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ ثُمَّ يَكُونُ آخِرُ مَنْ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ ع فَيَكُونُ وَجْهَهُ إِلَى سَفَرِهِ مِنْ بَيْتِهَا وَإِذَا رَجَعَ بَدَأَ بِهَا فَسَافِرَ مَرَّةً وَقَدْ أَصَابَ عَلِيُّ ع شَيْئًا مِنَ الْغَيْمَةِ فَدَفَعَهُ إِلَى فَاطِمَةَ فَخَرَجَ فَأَخَذَتْ سَوَارِينَ مِنْ فِضِّهِ وَعَلَقَتْ عَلَى بَابِهَا سِتْرًا فَلَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَتَوَجَّهَ نَحْوَ بَيْتِ فَاطِمَةَ كَمَا كَانَ يَصْنَعُ فَقَامَتْ فَرَحَهُ إِلَى أَبِيهَا صِبَابَةً وَشَوْقًا إِلَيْهِ فَنَظَرَ فَإِذَا فِي يَدِهَا سَوَارَانِ مِنْ فِضِّهِ وَإِذَا عَلَى بَابِهَا سِتْرٌ فَقَعَدَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَيْثُ يُنْظَرُ إِلَيْهَا فَبَكَتْ فَاطِمَةُ وَحَزِنَتْ وَقَالَتْ مَا صَنَعَ هَذَا بِي قَبْلَهَا زَنْدْكَانِي حَضْرَت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۳۸۵ فَدَعَتْ ابْنَتَهَا فَتَزَعَتِ السِّتْرَ مِنْ بَابِهَا وَخَلَعَتِ السَّوَارِينَ مِنْ يَدَيْهَا ثُمَّ دَفَعَتِ السَّوَارِينَ إِلَى أَحَدِهِمَا وَالسِّتْرَ إِلَى الْآخَرِ ثُمَّ قَالَتْ لَهُمَا انْطَلِقَا إِلَى أَبِي فَأَقْرِئَاهُ السَّلَامَ وَقُولَا لَهُ مَا أَحَدْنَا بَعْدَكَ غَيْرَ هَذَا فَشَأْنُكَ بِهِ فَجَاءَهُ فَأَبْلَغَاهُ ذَلِكَ عَنْ أُمِّهِمَا فَقَبَّلَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَالتَّرْمَهُمَا وَأَقَعَدَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَلَى فَخْذِهِ ثُمَّ أَمَرَ بِذَيْنِكَ السَّوَارِينَ فَكُسِرَا فَجَعَلَهُمَا قِطْعًا ثُمَّ دَعَا أَهْلَ الصُّفَّةِ وَهُمْ قَوْمٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَنَازِلُ وَلَا أَمْوَالٌ فَقَسَمَهُ بَيْنَهُمْ قِطْعًا ثُمَّ جَعَلَ يَدْعُو الرَّجُلَ مِنْهُمْ الْعَارِي الَّذِي لَا يَشْتَرِي بِشَيْءٍ وَكَانَ ذَلِكَ السِّتْرُ طَوِيلًا لَيْسَ لَهُ عَرْضٌ فَجَعَلَ يُؤَزِّرُ الرَّجُلَ فَإِذَا التَّقْيَا عَلَيْهِ قَطَعَهُ حَتَّى قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ أُرْأُ ثُمَّ أَمَرَ النِّسَاءَ لَا يَرْفَعْنَ رُءُوسَهُنَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ حَتَّى يَرْفَعَ الرِّجَالُ رُءُوسَهُنَّ وَذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا مِنْ صِغَرِ إِزَارِهِمْ إِذَا رَكَعُوا وَسَجَدُوا بَدَتْ عَوْرَتُهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ ثُمَّ جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ أَنْ لَا يَرْفَعَ النِّسَاءُ رُءُوسَهُنَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ حَتَّى يَرْفَعَ الرِّجَالُ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص رَحِمَ اللَّهُ فَاطِمَةَ لِيَكْسُوْنَهَا اللَّهُ بِهَذَا السِّتْرِ مِنْ كِسْوَةِ الْجَنَّةِ وَلِيَحْلِيَنَّهَا بِهِذَيْنِ السَّوَارِينَ مِنْ حِلْيَةِ الْجَنَّةِ-

ترجمه

محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ هـ) در کافی و طبرسی (۵۲۰ هـ) در مکارم الاخلاق از امام محمد باقر علیه السلام روایت می‌کنند: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌خواست مسافرت کند با اهل بیت خویش وداع می‌کرد و آخرین نفری را که وداع می‌نمود حضرت فاطمه علیها السلام بود، آنگاه از خانه فاطمه خارج شده و عازم مسافرت می‌شد، و هنگامی که از سفر برمی‌گشت اول وارد خانه دخترش، فاطمه می‌شد و او را دیدار می‌نمود. در یکی از مسافرتها رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام مقداری از غنیمتهایی را که نصیب آن حضرت شده بود به فاطمه داد و آن حضرت از مال مذکور دو انگوی نقره و یک پرده برای در اتاق خود خریداری نمود. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مسافرت بازگشت وارد مسجد شد و سپس طبق معمول به خانه دخترش فاطمه علیها السلام آمد و حضرت فاطمه نیز طبق معمول از جای برخاست و با شوق فراوان از پدر خود استقبال نمود، پیامبر همین طور که متوجه دخترش بود ناگاه چشمش به انگوها و پرده‌ها افتاد، و بلافاصله بر زمین نشست و حالتی که حکایت از تعجب داشت به حضرت فاطمه علیها السلام نگریست، وقتی که پیامبر از خانه فاطمه خارج شد، آن زندگانی حضرت

زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۸۶ بانو گریان و اندوهگین گردید و با خود گفت: پدرم قبلاً چنین برخوردی با من نداشته است. و دانست که علت آن برخورد چیست، لذا پرده و انگو را درآورد و حسن و حسین را صدا کرده، پرده را به یکی و انگوها را به دیگری داد و به آنها فرمود: اینها را نزد پدرم رسول خدا ببرید و سلام مرا به ایشان برسانید و بگویید: ما بعد از مسافرت شما چیزی غیر از اینها اضافه ننموده‌ایم، اکنون آنها در اختیار شماست و هر کار که مفید می‌دانید با آنها انجام دهید. هنگامی که حسن و حسین آمدند و پیام فاطمه را به پیامبر رسانیدند رسول خدا آنها را بوسید و به خود چسبانید و بر سر زانوهای خود جای داد و سپس دستور داد تا اجزای انگوها را از هم جدا نمودند و اهل صفه را که دسته‌ای از مهاجرین فقیر و بدون خانه بودند احضار کرده و آنها را بین ایشان تقسیم نمود و بعد از آن افرادی از اهل مدینه را که لباسی برای ستر عورت خود نداشتند خبر نمود و پرده را به تکه‌های مساوی - هر تکه به اندازه یک لنگ کوچک - تقسیم کرده به ایشان عطا کرد و به زنان دستور داد در حال نماز، پیش از مردان سر از رکوع و سجده برندارند زیرا مردان به علت کوچکی آن لنگی که عورت آنها را می‌پوشانید هر گاه به رکوع و سجده می‌رفتند عورت ایشان از پشت دیده می‌شد. و پس از این جریان رسول خدا فرمود: خدا فاطمه را رحمت کند، خدا در مقابل این پرده‌ای که او در راه خداوند انفاق نمود از لباسهای بهشتی و در عوض این دو انگویی که داد از زیورهای بهشت به او عطا می‌نماید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲۴/... - عَنْ الْكَأْظِمِ ع قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَى ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ ع وَفِي عُقْمِهَا قِلَادَةٌ فَأَعْرَضَ عَنْهَا فَقَطَعَتْهَا وَرَمَتْ بِهَا فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْتِ مِنِّي ابْنَتِي يَا فَاطِمَةُ ثُمَّ جَاءَ سَائِلٌ فَنَاولَتْهُ الْقِلَادَةَ

ترجمه

و طبرسی در مکارم الاخلاق «۱» از امام کاظم علیه السلام روایت کرده: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی بر دخترش فاطمه علیها السلام وارد شد و در گردن او گلوبندی را زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۸۷ مشاهده نمود، لذا از دخترش دوری نمود. فاطمه گردنبند را باز کرده و کنار نهاد، در این حال رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: دخترم! تو پاره‌ای از وجود من هستی، اکنون نزد من بیا! و در این حال فقیری به در خانه آمد و فاطمه آن گردنبند را به او انفاق نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲۵/۷ - المناقب «۱» حلیه اَبی نَعِیمٍ وَ مُسْنَدُ اَبی یَعْلَی قَالَتْ عَائِشَةُ مَا رَأَيْتُ أَحَدًا قَطُّ أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَةَ غَیْرِ اَبِیْهَا

ترجمه

ابن شهر آشوب (۵۸۸ ه) به نقل از حلیه الاولیاء تألیف ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ ه) و مسند ابو یعلی موصلی، از عایشه روایت کرده که او می‌گفت: هیچ کس را راستگوتر از فاطمه ندیدم مگر پدرش.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲۶/... وَ رَوَّيَا أَنَّهُ كَانَ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ فَقَالَتْ عَائِشَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلْهَا فَإِنَّهَا لَا تَكْذِبُ وَقَدْ رَوَى الْحَدِيثَيْنِ عَطَاءٌ وَعَمْرُو بْنُ دِينَارٍ

ترجمه

و نیز ابو نعیم و ابو یعلی در کتابهایشان روایت کرده‌اند: که بین فاطمه و عایشه مسأله‌ای پیش آمده بود و رسول خدا از عایشه در آن مورد سؤال کرد، پس عایشه در جواب گفت: ای رسول خدا از فاطمه بپرس زیرا او هرگز دروغ نمی‌گوید. ابن شهر آشوب گوید: و این دو روایت را عطا و عمرو بن دینار نقل نموده‌اند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲۷/...- الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ كَأَنَّتْ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا

ترجمه

ابن شهر آشوب (۲) گوید: حسن بصری (۱۱۰ هـ) گوید: هیچ کس در بین این امت عابدتر از حضرت فاطمه علیها السلام نبود، او آنقدر برای عبادت خدا برپا می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲۸/...- وَقَالَ النَّبِيُّ ص لَهَا أَيْ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ قَالَتْ أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ فَصَمَّهَا إِلَيْهِ وَقَالَ ذُرِّيَّةُ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ «۱»

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه فرمود: چه چیزی برای زن بهتر و نیکوتر است؟ فاطمه گفت: اینکه او مردی را نبیند، و مردی نیز او را نبیند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این پاسخ خوشنود گردید و او را در آغوش گرفته: فرمود. «خاندانی که برخی از آنها از بعضی دیگرند».

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۲۹/...- وَ فِي الْحَلِیَّةِ الْأَوْزَاعِي عَنْ الزُّهْرِيِّ قَالَ لَقَدْ طَحَنَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَاهَا وَ طَبَّ الرَّحَى فِي يَدَيْهَا بَيَانَ طَبِ أَيْ تَأْنَى فِي الْأُمُورِ وَ تَلَطَّفَ وَ لَعَلَّ الْمَعْنَى أَثَرْتُ فِيهَا قَلِيلًا قَلِيلًا وَ لَعَلَّ فِيهِ تَصْحِيفًا

ترجمه

و ابن شهر آشوب «۲» گوید: در حلیه الاولیاء آمده: اوزاعی از زهری روایت کرده است: فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنقدر با آسیا کار کرد که دستش تاول زد و لذا قطعه‌ای پوست را به دسته آسیا بسته بود و با دست آن را می‌گرفت و آسیا می‌کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۰ / ۸- فی الصَّحیحینِ إِنَّ عَلِیَّاً قَالَ أَشْتَكِی مِمَّا أُنْدَأُ بِالْقَرَبِ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع وَ اللَّهُ إِنِّی أَشْتَكِی یَدِی مِمَّا أَطْحَنُ بِالرَّحِی وَ كَانَ عِنْدَ النَّبِیِّ ص أَسِیَارِی فَأَمَرَهَا أَنْ تَطْلُبَ مِنَ النَّبِیِّ ص خَادِمًا فَمَدَّخَلَتْ عَلَی النَّبِیِّ ص وَ سَلَمَتْ عَلَیْهِ وَ رَجَعَتْ فَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع مَا لَکَ قَالَتْ وَ اللَّهُ مَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أَكَلِمَ رَسُولَ اللَّهِ ص مِنْ هِیْتِهِ فَانْطَلَقَ عَلَیَّی مَعَهَا إِلَى النَّبِیِّ ص فَقَالَ لَهُمَا لَقَدْ جَاءَتْ بِکُمَا حَاجِیَةٌ فَقَالَ عَلِیُّ مُجَارَاتُهُمَا فَقَالَ ص لَا وَ لَکِنِّی أُبِيعُهُمْ وَ أَنْفِقُ أَثْمَانَهُمْ عَلَی أَهْلِ الصُّفَّةِ وَ عَلَّمَهَا تَسْبِیحَ الزَّهْرَاءِ کِتَابَ الشَّیرَازِیُّ أَنَّهَا لَمَّا ذَكَرَتْ حَالَهَا وَ سَأَلَتْ جَارِیَّةً بَکِی رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ یَا فَاطِمَةُ زَنْدِگَانِی حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِیْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۸۹ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ إِنَّ فِی الْمَسْجِدِ أَرْبَعِمَائَةٍ رَجُلٍ مَا لَهُمْ طَعَامٌ وَ لَا ثِیَابٌ وَ لَوْ لَا خَشِیْتِی خَصْلَهُ لَأَعْطِیْتُکَ مَا سَأَلْتِ یَا فَاطِمَةُ إِنِّی لَا أُرِیدُ أَنْ یَنْفَکَ عَنْکَ أَجْرُکَ إِلَى الْجَارِیَةِ وَ إِنِّی أَخَافُ أَنْ یُخَصَّ مَکَ عَلِیُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع یَوْمَ الْقِیَامَةِ بَیْنَ یَدِی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا طَلَبَ حَقَّهُ مِنْکَ ثُمَّ عَلَّمَهَا صِلَاءَ التَّسْبِیحِ فَقَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ مَضَّیْتُ تَرِیدِینَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص الدُّنْیَا فَأَعْطَانَا اللَّهُ ثَوَابَ الْآخِرَةِ قَالَ قَالَ أَبُو هُرَیْرَةَ فَلَمَّا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ عِنْدِ فَاطِمَةَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَی رَسُولِهِ وَ إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّکَ تَرْجُوهَا «۱» یَعْنِی عَنْ قِرَائَتِکَ وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاهُ اللَّهُ یَعْنِی طَلَبَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّکَ یَعْنِی رِزْقًا مِنْ رَبِّکَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مِیسُورًا «۲» یَعْنِی قَوْلًا حَسَنًا فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَةُ أَنْفَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص جَارِیَّةً إِلَیْهَا لِلْخِدْمَةِ وَ سَمَّاهَا فِضَّةً

ترجمه

ابن شهر آشوب «۳» گوید: در صحیح بخاری و مسلم آمده: علی علیه السلام آنقدر با مشک آب کشیده بود که از دشواری این کار شکایت داشت پس حضرت فاطمه علیها السلام به او گفت: من هم از کثرت کار با آسیا و دشواری آن خسته گردیده‌ام. و از آن جهت که در آن ایام اسیرانی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام گفت: از پیامبر بخواه که یکی از این اسیران را به عنوان خادم در اختیارت قرار دهد. فاطمه علیها السلام به حضور پیامبر رفت، سلام کرد ولی از اظهار حاجت حیا نمود و لذا بدون آنکه سخنی بگوید مراجعت کرد. علی علیه السلام به او گفت: چه کردی؟ فاطمه علیها السلام گفت: به خداوند سوگند وقتی که هیبت پیامبر را دیدم نتوانستم با او سخن بگویم. پس علی و فاطمه علیهما السلام با یک دیگر نزد پیامبر رفتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آنها گفت: گویا شما دو نفر چیزی می‌خواهید؟ علی علیه السلام گفت: خادما می‌خواهیم. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۹۰ پیامبر فرمود: من این کار را انجام نمی‌دهم و تصمیم دارم آن اسیران را بفروشم و پول آن را برای اهل صفه انفاق نمایم. و به علی و فاطمه علیهما السلام تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را آموخت. ابن شهر آشوب گوید: در کتاب ابو بکر شیرازی آمده: هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام حال خود را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیان کرد و خادمه را مطالبه کرد، رسول خدا گریه کرد و گفت: دخترم! سوگند به آن که مرا مبعوث نموده، چهار صد مرد فقیر در مسجد زندگی می‌کنند که نه غذا دارند و نه لباس، و من اگر از

خصلتی نمی ترسیدم حتما آنچه را که خواستی به تو می بخشیدم، ای فاطمه! من نمی خواهم که اجر و ثواب تو نصیب کنیز گردد» همانا می ترسم که علی در روز قیامت حق خود را از تو مطالبه نماید. و سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز تسبیح را به فاطمه آموخت و علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! نزد رسول خدا آمدمی تا حاجت دنیوی را برآورده سازد ولی خدای مهربان ثواب اخروی را به ما عطا نمود. ابن شهر آشوب گوید: ابو هریره گفته: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از نزد حضرت فاطمه علیها السلام خارج شد آیه ۲۸ از سوره اسراء نازل شد که می فرماید: «اگر از ایشان اعراض کردی که رحمت پروردگار شامل حالت شود، پس لا اقل در جواب آنان سخن نیکو و شایسته بگو»، و منظور از رحمت پروردگار در این آیه همان رضایت خداوند است که رسول خدا برای جلب آن به دخترش پاسخ منفی داد، پس هنگامی که این آیه نازل گردید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم کنیزی را برای خدمت به فاطمه علیها السلام در نظر گرفته و به خانه دخترش فرستاد که نامش فضه بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۱/...- تَفْسِيرُ الثَّغَلْبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع وَ تَفْسِيرُ الْقَشِيرِيِّ عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ ص فَاطِمَةَ وَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ أَجَلَّةِ الْإِبِلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ بِيَدَيْهَا وَ تَرْضَعُ وَلَدَهَا فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا بِنْتَاهُ تَعْجَلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحُلَاوَةِ الْآخِرَةِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلَائِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ زِنْدَگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۹۱ فَتَرَضَى (۱) «۲»

ترجمه

ثعلبی (۴۳۷ هـ) در تفسیر خود از امام جعفر صادق علیه السلام و قشیری (۵۲۹ هـ) از جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را در حالی دید که عبایی از پوست شتر پوشیده و با یک دست مشغول آسیا کردن و به کمک دست دیگر مشغول شیر دادن به فرزندش می باشد. چشمان رسول خدا از مشاهده این امر پر از اشک شد و به فاطمه فرمود: دخترم! سختیها و تلخیهای دنیا را در مقابل حلاوت و شیرینی آخرت قرار بده. فاطمه گفت: ای رسول خدا! خدا را سپاس می گویم به سبب نعمتهای فراوانی که به من عطا فرموده، و او را در مقابل محبتهایش شکر می گزارم. و نقل کرده اند که در این هنگام آیه وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرَضَى (۳) بر پیامبر نازل گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۲/...- ابْنُ شَاهِينَ فِي مَنَاقِبِ فَاطِمَةَ وَ أَحْمَدُ فِي مُسْنَدِ الْأَنْصَارِ بِإِسْنَادِهِمَا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ ثَوْبَانَ أَنَّهُمَا قَالَا كَانَ النَّبِيُّ ص يَبْدَأُ فِي سَفَرِهِ بِفَاطِمَةَ وَ يَخْتِمُ بِهَا فَجَعَلَتْ وَقْتًا سِتْرًا مِنْ كِسَاءٍ خَيْرِيَّةٍ لِقُدُومِ أَبِيهَا وَ زَوْجِهَا فَلَمَّا رَأَاهُ النَّبِيُّ ص تَجَاوَزَ عَنْهَا وَ قَدْ عَرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ الْمِنْبَرِ فَتَرَعَتْ قَلَادَتُهَا وَ قُرْطُيُهَا وَ مَسِكَتِهَا وَ نَزَعَتْ السِّتْرَ فَبَعَثَتْ بِهِ إِلَى أَبِيهَا وَ قَالَتْ اجْعَلْ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَمَّا أَتَاهُ قَالَ عَ قَدْ فَعَلْتَ فِدَاهَا أَبُوهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مَا لَالِ مُحَمَّدٍ وَ لِلدُّنْيَا فَإِنَّهُمْ خُلِقُوا لِلْآخِرَةِ وَ خُلِقَتِ الدُّنْيَا لَهُمْ وَ فِي رِوَايَةٍ أَحْمَدُ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ لَا أَحِبُّ أَنْ يَأْكُلُوا طَيِّبَاتِهِمْ فِي حَيَاتِهِمُ الدُّنْيَا «۴»

ترجمه

ابن شاهین در کتاب فضائل فاطمه و احمد بن حنبل در کتاب مسند، به سندشان از ابو هریره و ثوبان روایت کرده‌اند: هر گاه پیامبر از مسافرت بازمی‌گشت اولین کسی که به دیدن او می‌رفت دخترش فاطمه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۹۲ بود و نیز هر گاه قصد سفر می‌نمود آخرین کسی که از او وداع می‌کرد فاطمه بود. حضرت فاطمه علیها السلام در یکی از مسافرت‌های پیامبر، به هنگام بازگشت آنها، برای استقبال از پدر و شوهرش عبایی خیبری بر تن پوشید، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مسافرت بازگشت و طبق عادت به خانه دخترش وارد شد از دیدن آن عبا آثار غضب در چهره‌اش مشاهده شد، پس از خانه وی خارج شده به مسجد رفته و در کنار منبر بر زمین نشست. حضرت فاطمه گردن‌بند و دو گوشواره و النگو و پرده را به حضور پدرش فرستاد و پیغام داد که آنها را در راه خدا مصرف نماید. هنگامی که آن اشیاء را به حضور پیامبر آوردند سه مرتبه فرمود: پدرش به فدای او باد، خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را با دنیا چه کار؟ به درستی که آنها برای آخرت آفریده شده‌اند و دنیا را برای ایشان خلق کرده‌اند. و در روایت احمد بن حنبل آمده است: اینان اهل بیت من هستند، و من دوست ندارم نعمتهای پاکیزه‌ای را که خدا برای آنها در نظر گرفته در زندگی دنیوی به مصرف برسانند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۳/.... - أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَدِّنُ فِي كِتَابِهِ بِالْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص دَخَلَ عَلَى ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ فَإِذَا فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً فَأَعْرَضَ عَنْهَا فَقَطَعَهَا [فَقَطَعْتُهَا فَرَمْتُ بِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَنْتِ مِنِّي يَا فَاطِمَةُ ثُمَّ جَاءَهَا سَائِلٌ فَنَاولَتْهُ الْقِلَادَةَ

ترجمه

ابو صالح مؤذن در کتاب اربعین خود، به سندش از علی علیه السلام روایت کرده: روزی پیامبر وارد منزل دخترش فاطمه گردید و چون گردن‌بندی را برگردان او مشاهده نمود از او دوری کرد. فاطمه علیها السلام گردن‌بند را از گردن خود باز کرده به کناری انداخت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: ای فاطمه! تو پاره‌ای از وجود من هستی. در این حال فقیری به در خانه فاطمه آمد و آن حضرت گردن‌بندش را به وی صدقه داد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۴/.... - أَبُو الْقَاسِمِ الْقُشَيْرِيُّ فِي كِتَابِهِ قَالَ بَعْضُهُمْ انْقَطَعَتْ فِي الْبَادِيَةِ عَنِ الْقَافِلَةِ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۹۳ فَوَجَدْتُ امْرَأَةً فَقُلْتُ لَهَا مَنْ أَنْتِ فَقَالَتْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ «۱» فَسَلَّمْتُ عَلَيْهَا فَقُلْتُ مَا تَصْنَعِينَ هَاهُنَا قَالَتْ مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ «۲» فَقُلْتُ أَمِنْ الْجِنَّ أَنْتِ أَمْ مِنَ الْإِنْسِ قَالَتْ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ «۳» فَقُلْتُ مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتِ قَالَتْ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ «۴» فَقُلْتُ أَيْنَ تَقْصِدِينَ قَالَتْ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ «۵» فَقُلْتُ مَتَى انْقَطَعْتِ قَالَتْ وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ... فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ «۶» فَقُلْتُ أَتَشْتَهِينَ طَعَامًا فَقَالَتْ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ «۷» فَأَطْعَمْتُهَا ثُمَّ قُلْتُ هَزُولِي وَلِمَا تَعْجَلِي قَالَتْ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا «۸» فَقُلْتُ أَرَدِفُكِ فَقَالَتْ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا «۹» فَتَرَلْتُ فَأَرْكَبْتُهَا فَقَالَتْ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا «۱۰»

فَلَمَّا أَدْرَكْنَا الْقَافِلَةَ قُلْتُ أَلَمْ يَكْ أَحَدٌ فِيهَا قَالَتْ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ «۱۱» وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ «۱۲» يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ «۱۳» يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا «۱۴» اللَّهُ فَصَحْتُ بِهِذِهِ الْأَسْمَاءَ فَإِذَا أَنَا بِأَرْبَعَةِ شَبَابٍ مُتَوَجِّهِينَ نَحْوَهَا فَقُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ مِنْكَ قَالَتْ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا «۱۵» فَلَمَّا أَتَوْهَا قَالَتْ يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ زَنَدگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۹۴ الْأَمِينُ «۱» فَكَافُونِي بِأَشْيَاءَ فَقَالَتْ وَاللَّهِ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ «۲» فَرَادُوا عَلَيَّ فَسَأَلْتُهُمْ عَنْهَا فَقَالُوا هَذِهِ أُمَّتُنَا فِضَّةٌ جَارِيَةُ الزَّهْرَاءِ مَا تَكَلَّمْتُ مُنْذُ عَشْرِينَ سَنَةً إِلَّا بِالْقُرْآنِ «۳»

ترجمه

ابو القاسم قشیری در تفسیر خود از شخصی روایت کرده: در بیابان از قافله‌ای که با آن همراه بودم دور افتادم و در این حال با زنی همراه شدم و به او گفتم: کیستی؟ گفت: وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ «۴». پس به او سلام کردم و گفتم: اینجا چه کار می‌کنی؟ گفت: مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ «۵». گفتم: جن هستی یا انسان؟ گفت: يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ «۶». گفتم: از کجا می‌آیی؟ گفت: يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ «۷». گفتم: به کجا می‌روی؟ گفت: وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ «۸». گفتم: چند روز است که از قافله دور افتاده‌ای؟ گفت: وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ «۹». گفتم: آیا گرسنه نشده‌ای؟ زنگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۹۵ گفت: وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَداً لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ «۱۰». پس به وی مقداری غذا داده و گفتم: آهسته‌تر برو و شتاب مکن. گفت: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا «۲». گفتم: آیا می‌خواهی بر پشت حیوان من سوار شوی؟ گفت: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا «۳». پس من پیاده شدم و او را به جای خود سوار کردم، وی در مقام تشکر گفت: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا. هنگامی که به قافله رسیدیم، به او گفتم: آیا کسی را در این قافله داری؟ گفت: يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ «۵»، وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ «۶»، يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ «۷»، مُوسَى إِنِّي أَنَا «۸» و بدین وسیله صاحبان این نامها را صدا زد و بلافاصله چهار جوان خود را به او رسانیدند. گفتم: اینجا چه نسبتی با تو دارند؟ گفت: الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا «۹»، هنگامی که آن جوانان به نزد او رسیدند گفت: يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ «۱۰»، پس آنان هدایایی را به من عطا کردند و او گفت: وَاللَّهِ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ «۱۱» و لذا فرزندان او چیزهایی دیگری نیز بر زنگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۹۶ آنچه داده بودند افزودند، و من از آنان پرسیدم: این زن کیست؟ گفتند: او مادر ما و نامش فِضَّة و خادم حضرت فاطمه بوده، و مدت بیست سال است که جز به کمک آیات قرآن سخن نمی‌گوید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۷/ الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَخْنَفٍ «۲» قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ بَقْلَةٌ أَشْرَفَ وَلَا أَنْفَعُ مِنَ الْفَرْخِ وَهُوَ بَقْلَةُ فَاطِمَةَ ع ثُمَّ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّيَّةَ هُمْ سَمَوْهَا بِقَلَّةِ الْحَمَقَاءِ بُغْضًا لَنَا وَ عَدَاوَةً لِفَاطِمَةَ ع

ترجمه

کلینی (۳۲۸ه) در کتاب کافی از امام صادق روایت می‌کند: در روی زمین هیچ گیاهی بهتر و مفیدتر از خرفه وجود ندارد، و این سبزی مورد علاقه حضرت فاطمه علیها السلام بوده است. خداوند بنی امیه را لعنت کند که به دلیل بغض و عداوتی که نسبت به

فاطمه و فرزندان او داشتند آن را «بقلة الحمقاء» می نامیدند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۸ / الکافی «۳» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصِحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ بَقِلَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص الْهِنْدَاءُ وَبَقِلَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع الْبَاذِرُوجُ وَبَقِلَةُ فَاطِمَةَ ع الْفَرْخُ

ترجمه

و نیز کلینی در همین کتاب از امام صادق علیه السلام روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از میان سبزیها به کاسنی علاقمند بود و علی علیه السلام به ریحان و فاطمه علیها السلام به خرفه.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۹ / ۱۳- التهذيب «۴» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَجْلُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۳۹۷ أَحْمَدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَنَابٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع كَانَتْ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ غَدَاةٍ سَبْتٍ فَتَأْتِي قَبْرَ حَمْزَةَ وَتَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَتَسْتَغْفِرُ لَهُ «۱»

ترجمه

شیخ طوسی (۴۶۰ ه) در کتاب تهذیب از امام صادق علیه السلام روایت کرده: در صبح هر روز شنبه، حضرت فاطمه علیها السلام به زیارت قبور شهدای احد می رفت و در میان آنها در کنار قبر حضرت حمزه توقف بیشتر می نمود و برای او طلب رحمت و مغفرت می کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۱ / ۱۵- تفسیر العیاشی عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَأَتْ فَاطِمَةُ ع فِي النَّوْمِ كَأَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ذُبِحَا أَوْ قُتِلَا فَأَخْرَجَتْهَا ذَلِكَ فَأَخْبَرَتْ بِهِ رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رُؤْيَا فَمَثَلْتَ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ أَنْتِ أَرَيْتِ فَاطِمَةَ هَذَا الْبَلَاءَ قَالَتْ لَا فَقَالَ يَا أَضْعَاثُ أَنْتِ أَرَيْتِ فَاطِمَةَ هَذَا الْبَلَاءَ قَالَتْ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَمَا أَرَدْتَ بِذَلِكَ قَالَتْ أَرَدْتُ أَنْ أَخْرِجَهَا فَقَالَ لِفَاطِمَةَ اسْمَعِي لَيْسَ هَذَا بِشَيْءٍ «۲»

ترجمه

عیاشی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام نقل نموده: حضرت فاطمه علیها السلام به خواب دید که گویا سر حسن و حسین را بریده اند و یا آنها را کشته اند، بنا بر این هنگامی که از خواب بیدار شد اندوهگین به نظر می رسید لذا آنچه را دیده بود برای پیامبر

نقل کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از رؤیا «۳» خواست تا مجسم شود سپس به او گفت: آیا تو چنین خواب خوفناکی را به فاطمه القا نموده‌ای؟ گفت: هرگز. پس پیامبر اضغاث «۴» را احضار نمود و به او گفت: آیا تو فاطمه علیها السلام را به این خواب مبتلا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۹۸ کرده‌ای؟ گفت: آری. پیامبر فرمود: مقصود تو از این کردار چه بود؟ گفت: قصد آزار و اندوه او را داشتم. پس از آن پیامبر به فاطمه فرمود: کلام او را بشنو و بدان که آنچه از نظر تو گذشته چیزی نیست.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۲/۱۶- نَوَادِرُ الرَّاَوْنِدِيِّ، «۱» بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ ع اسْتَأْذَنَ أَعْمَى عَلَى فَاطِمَةَ ع فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَهَا لِمَ حَجَبْتِيهِ وَهُوَ لَمَّا يَرَاكَ فَقَالَتْ ع إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأِنِّي أَرَاهُ وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي «۲»

ترجمه

قطب الدین راوندی (۵۷۳ هـ) در کتاب نوادر از علی علیه السلام نقل کرده: شخصی که نابینا بود از حضرت فاطمه اجازه خواست تا به حضور او برود، حضرت فاطمه اجازه داد ولی در طول ملاقات حجاب بر سر داشت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: چرا حجاب در بر نمودی در حالی که او تو را نمی‌دید؟ حضرت فاطمه گفت: اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌بینم، و او بوی تن مرا نیز حس می‌کند. پیامبر فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره‌ای از وجود من هستی.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۳/...- وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ قَالُوا عَوْرَةٌ قَالَ فَمَتَى تَكُونُ أَذْنَى مِنْ رَبِّهَا فَلَمْ يَدْرُوا فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ ع ذَلِكَ قَالَتْ أَذْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي

ترجمه

و باز در همین کتاب از علی علیه السلام روایت شده: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۳۹۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اصحابش پرسید: زن چیست؟ گفتند: زن «عورت» «۱» است. پیامبر سؤال فرمود: در چه هنگامی زن به خداوند نزدیکتر است؟ ولی اصحاب پیامبر نتوانستند به این سؤال وی پاسخ بگویند؛ هنگامی که این سؤال به فاطمه عرضه شد، گفت: هنگامی زن به خداوند نزدیکتر است که در کنج خانه‌اش قرار داشته و از اختلاط با نامحرم‌ان به دور باشد. چون این پاسخ به گوش رسول خدا رسید فرمود: همانا فاطمه پاره‌ای از وجود من است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۵ / ۹- الدروع الواقیه (۲) «مَنْ كَتَبَ زُهْدَ النَّبِيِّ صِ لِبَابِي جَعَفَرَ أَحْمَدَ الْقُمِّيَّ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى النَّبِيِّ صِ وَإِنْ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ» (۳) «بَكَى النَّبِيُّ صِ بُكَاءً شَدِيداً وَبَكَتْ صَحَابَتُهُ لِبُكَائِهِ- وَلَمْ يَدْرُوا مَا نَزَلَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عِ وَلَمْ يَسْتَطِيعْ أَحَدٌ مِنْ صَحَابَتِهِ أَنْ يُكَلِّمَهُ وَكَانَ النَّبِيُّ صِ إِذَا رَأَى فَاطِمَةَ عِ فَرِحَ بِهَا فَانْطَلَقَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ إِلَى بَابِ بَيْتِهَا فَوَجَدَ بَيْنَ يَدَيْهَا شَعيراً وَهِيَ تَطْحَنُ فِيهِ وَتَقُولُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (۴) «فَسَلَّمَ عَلَيْهَا وَأَخْبَرَهَا بِخَبَرِ النَّبِيِّ صِ وَبُكَائِهِ فَهَضَّتْ وَالتَفَّتْ بِشِمْلَةٍ لَهَا خَلَقَهُ قَدْ خِيطَتْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ مَكَاناً بِسَعْفِ النَّخْلِ فَلَمَّا خَرَجَتْ نَظَرَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ إِلَى الشِّمْلَةِ وَبَكَى وَقَالَ وَاحْزَنَاهُ إِنَّ بَنَاتِ قَيْصَرَ وَكَثِيرَ لَفَى السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَابْنَةُ مُحَمَّدٍ صِ عَلَيْهَا شِمْلَةٌ صُوفٍ خَلَقَهُ قَدْ خِيطَتْ فِي اثْنَيْ عَشَرَ مَكَاناً فَلَمَّا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَى النَّبِيِّ صِ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ لِبَاسِي فَوَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا لِي وَلِعَلِّي مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ إِلَّا مَسِكَ كَبْشٍ نَعْلِفُ عَلَيْهَا بِالنَّهَارِ بَعِيرُنَا فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ افْتَرَشْنَاهُ وَإِنْ مَرَفَقَتَنَا لِمَنْ أَدَمَ حَشْوُهَا لَيْفَ فَقَالَ النَّبِيُّ صِ يَا سَلْمَانُ إِنَّ ابْنَتِي نَزَلَ بِهِ جَبْرَائِيلُ مِنَ الْآيَتِينَ الْمُتَقَدِّمَتَيْنِ قَالَ فَسَقَطَتْ فَاطِمَةُ عِ عَلَى وَجْهِهَا وَهِيَ تَقُولُ الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ لِمَنْ دَخَلَ النَّارَ فَسَمِعَ سَلْمَانُ فَقَالَ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ كَبْشاً لِأَهْلِي فَأَكُلُوا لَحْمِي وَمَزَقُوا جُلْدِي وَلَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ وَقَالَ أَبُو ذَرٍّ يَا لَيْتَ أُمِّي كَانَتْ عَاقِراً وَلَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ وَقَالَ مِقْدَادُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ طَائِراً فِي الْقِفَارِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيَّ حِسَابٌ وَلَا عِقَابٌ وَلَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ وَقَالَ عَلِيُّ عِ يَا لَيْتَ السَّيَّاعِ مَزَقَتْ لَحْمِي وَلَيْتَ أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ النَّارِ ثُمَّ وَضَعَ عَلِيُّ عِ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَجَعَلَ يَبْكِي وَيَقُولُ وَابْعُدْ سَفَرَاهُ وَقَلِّ زَادَاهُ فِي سَفَرِ الْقِيَامَةِ يَذْهَبُونَ فِي النَّارِ وَيَنْخَطِفُونَ مَرْضَى لَا يُعَادُ سَقِيمُهُمْ وَجُرْحَى لَا يُدَاوَى جَرِيحُهُمْ وَأَسْرَى لَا يُفَكُّ أَسْرُهُمْ مِنَ النَّارِ يَا أَكُلُونَ وَمِنْهَا يَشْرَبُونَ وَيَنْ أَطْبَاقَهَا يَقْلَبُونَ وَابْعُدْ لُبْسِ الْقُطْنِ مُقَطَّعَاتِ النَّارِ يَلْبَسُونَ وَابْعُدْ مَعَانِقَهُ الْمَازُوجِ مَعَ الشَّيَاطِينِ مُقَرَّنُونَ» (۱)

ترجمه

سید بن طاوس (۶۴۴هـ) در کتاب الدروع الواقیه، به نقل از کتاب زهد النبی نوشته ابو جعفر احمد قمی (ق ۴هـ) روایت نموده: هنگامی که آیات و اِنْ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ (۲) نازل گردید پیامبر اسلام به شدت گریان شد و اصحاب آن حضرت نیز گریستند در حالی که نمی دانستند چه آیه ای بر پیامبر نازل شده و کسی نیز قدرت نداشت با آن حضرت سخن بگوید و علت گریه شدید او را جویا شود. چون پیامبر خدا هر گاه فاطمه را می دید خوشحال می شد لذا یکی از اصحاب پیامبر به سوی خانه فاطمه علیها السلام روان گردید، چون بر در خانه آن حضرت رسید مشاهده نمود که وی مشغول آسیا کردن جو می باشد و در آن حال این آیه را می خواند: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۰۱ و مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱)، آن شخص به فاطمه علیها السلام سلام کرد و آنچه را که برای رسول خدا رخ داده بود شرح داد، حضرت فاطمه دست از کار کشید و لباسی را که دوازده جای آن با برگ نخل وصله شده بود پوشید و از اطاق خارج شد تا به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برود، سلمان فارسی هنگامی که نظرش به لباس فاطمه علیها السلام افتاد منقلب شده به شدت گریان گردید و گفت: دختران قیصر و کسری غرق در ابریشم هستند در حالی که لباس دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پشمینه ای مندرس و پر از وصله است. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام نزد پیامبر رسید در باره تعجب سلمان فارسی از لباسش سخن گفت و فرمود: سوگند به خداوندی که تو را مبعوث فرموده مدت پنج سال است که من و علی غیر از یک پوست گوسفند که روزها شترمان روی آن علف می خورد و شبها آن را به جای تشک مورد استفاده قرار می دهیم چیز دیگری نداریم و متکای ما از جنس پوست است که درون آن را با لیف خرما پر کرده ایم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شنیدن این سخنان به سوی سلمان بازگشته فرمود: دخترم فاطمه از گروه «سابقین» است (۲). بعد از این سخنان فاطمه علیها السلام خطاب به رسول خدا صلی

اللَّهُ عليه و آله و سلم فرمود: جانم به فدای شما، چه چیزی باعث شده بود که شما آنقدر گریان شوید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن دو آیه‌ای را که بر وی نازل شده بود برای فاطمه تلاوت نمود، پس از شنیدن آن آیات، فاطمه سر خود را به زیر افکند و فرمود: وای بر آن کسی که داخل دوزخ شود. هنگامی که سلمان آن دو آیه را شنیده و سخنان فاطمه را در مورد آنها استماع نمود، گفت: کاش که من نسبت به خانواده‌ام گوسفندی می‌بودم و آنان گوشت مرا می‌خوردند و پوستم را پاره پاره می‌کردند ولی قصه جهنم را نمی‌شنیدم. و ابوذر غفاری گفت: ای کاش از مادر متولد نشده بودم و چنین سخنانی را نمی‌شنیدم. و مقدار گفت: ای کاش پرنده‌ای بودم و در بیابانها می‌زیستم و از حساب و عقاب آزاد زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۰۲ بودم و در باره جهنم و عذاب آن چیزی به گوشم نمی‌خورد. و علی علیه السلام فرمود: ای کاش درندگان مرا پاره پاره می‌کردند و مادرم مرا به دنیا نمی‌آورد، و چنین سخنانی به گوشم نمی‌رسید، سپس علی علیه السلام به شدت گریست و دست خود را بر سر نهاده و گفت: آه از دوری سفر آخرت، آه از کم بودن توشه راه! آنان که در این سفر وارد آتش می‌شوند چون بیمارانی هستند که از آنها عیادتی به عمل نمی‌آید، و مجروحینی هستند که زخمهای آنها مداوا نمی‌شود، و اسیرانی هستند که دوران اسارتشان پایان نمی‌پذیرد، از آتش می‌خورند، از آن می‌نوشند، و در میان طبقات جهنم رفت و آمد می‌کنند، در حالی که پیش از آن لباسهای نرم بر تن می‌پوشیدند، اکنون لباسهای آتشین بر تن می‌کنند و در حالی که قبل از آن همنشین زنان خود بودند، در آتش، همنشین شیاطین خواهند بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۳۶/۱۰- كشف الغمّة «۱» مِنْ مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ «۲» عَنْ ثَوْبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا سَافَرَ آخِرَ عَهْدِهِ يَأْتِيَانِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطِمَةُ وَأَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهِ إِذَا قَدِمَ فَاطِمَةُ ع قَالَ فَقَدِمَ مِنْ غَزَاةٍ فَأَتَاهَا فَإِذَا هُوَ بِمَسْجِدٍ عَلَى بَابِهَا وَرَأَى عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ع قُلْبَيْنِ مِنْ فَضَّةٍ فَرَجَعَ وَلَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهَا فَلَمَّا رَأَتْ ذَلِكَ فَاطِمَةُ ظَنَّتْ أَنَّهُ لَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهَا مِنْ أَجْلِ مَا رَأَى فَهَتَكَتِ السُّتْرَ وَنَزَعَتِ الْقُلْبَيْنِ مِنَ الصَّبِيِّينِ فَقَطَعَتْهُمَا فَبَكَى الصَّبِيَّانِ فَقَسَمَ مَتْنَهُ بَيْنَهُمَا فَأَنْطَلَقَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَهُمَا يَبْكِيَانِ فَأَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْهُمَا وَقَالَ يَا ثَوْبَانُ أَذْهَبَ بِهَذَا إِلَى بَنِي فُلَانٍ أَهْلِ بَيْتٍ بِالْمَدِينَةِ وَاشْتَرِ لِفَاطِمَةَ قِلَادَةً مِنْ عَصَبٍ وَسَوَارِينَ مِنْ عَاجٍ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَلَا أُحِبُّ أَنْ يَأْكُلُوا طَبِيبَاتِهِمْ فِي حَيَاتِهِمُ الدُّنْيَا بَيَانَ الْقَلْبِ بِالضَّمِّ السَّوَارِ قَالَ الْجَزْرِيُّ فِي حَدِيثِ ثَوْبَانَ أَنَّ فَاطِمَةَ حَلَّتِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ بِقُلْبَيْنِ مِنْ فَضَّةٍ الْقَلْبِ السَّوَارِ. وَقَالَ وَفِيهِ أَنَّهُ قَالَ لثَوْبَانَ اشْتَرِ لِفَاطِمَةَ قِلَادَةً مِنْ عَصَبٍ وَسَوَارِينَ مِنْ عَاجٍ قَالَ الْخَطَّابِيُّ فِي الْمَعَالِمِ إِنَّ لَمْ تَكُنِ الثِّيَابُ الِيمَانِيَّةُ فَلَا- أَدْرِي مَا هُوَ وَمَا أَرَى أَنَّ الْقِلَادَةَ تَكُونُ مِنْهَا وَقَالَ زَنْدَكَانِي حَضْرَتُ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۰۳ أَبُو مُوسَى يَحْتَمِلُ عِنْدِي أَنَّ الرِّوَايَةَ إِنَّمَا هِيَ الْعَصَبُ بِفَتْحِ الصَّادِ وَهُوَ أَطْنَابُ مَفَاصِلِ الْحَيَوَانِ وَهُوَ شَيْءٌ مَدُورٌ فَيَحْتَمِلُ أَنَّهُمْ كَانُوا يَأْخُذُونَ عَصَبَ بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ الطَّاهِرَةِ فَيَقْطَعُونَهُ وَيَجْعَلُونَهُ شَبْهَ الْخَرْزِ فَإِذَا يَبَسَ يَتَخَذُونَ مِنْهُ الْقِلَادَةَ وَإِذَا جَازَ وَأَمْكَنَ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ عِظَامِ السَّلْحَفَةِ وَغَيْرِهَا الْأَسُورَةِ جَازَ وَأَمْكَنَ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ عَصَبِ أَشْبَاهِهَا خَرْزٌ يَنْظُمُ الْقِلَادَةَ. قَالَ ثُمَّ ذَكَرَ لِي بَعْضُ أَهْلِ الْيَمَنِ أَنَّ الْعَصَبَ سَنَ دَابَّةٍ بَحْرِيَّةٍ تَسْمَى فَرَسَ فَرَعُونَ يَتَّخِذُ مِنْهَا الْخَرْزَ وَغَيْرَ الْخَرْزِ مِنْ نَصَابِ سَكِينٍ وَغَيْرِهِ وَيَكُونُ أَيْضًا «۱»

ترجمه

محقق اربلی (۶۹۴ ه) از مسند احمد بن حنبل، به سندش از ثوبان نقل کرده است: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مسافرت می‌رفت آخرین کسی را که از او وداع می‌کرد دخترش فاطمه علیها السلام بود و هر گاه باز می‌گشت اولین کسی را که

دیدار می کرد حضرت فاطمه بود. یک بار که رسول خدا از یکی از جنگها بازمی گشت، هنگامی که بر در خانه دخترش آمد حسن و حسین را دید که دستبندهای نقره به دست دارند و لذا نزد فاطمه نرفته از همان جا مراجعت نمود. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام با این صحنه روبرو شد و علت آن را دریافت، پرده‌ای را که تازه خریداری کرده بود، و دستبندهایی را که بر دستهای حسن و حسین بود در آورده به فرزندانش داد و آنها را به حضور رسول خدا فرستاد تا آن اشیاء را به پیامبر تحویل دهند که در باره آنها هر طور که صلاح می داند عمل کند، حسن و حسین در حالی که گریان بودند نزد رسول خدا آمدند. رسول خدا آنها را از آنان گرفت و به ثوبان داد و به او فرمود: اینها را نزد فلان قبیله ببر و در مقابل یک جامه یمانی و دو دستبند از جنس عاج خریداری کن. آنها اهل بیت من هستند و من دوست ندارم که در این دنیا از اشیاء نفیس و گرانبه استفاده نمایند. این روایت در مسند احمد به طریق دیگری از ثوبان روایت شده که در آن آمده: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۰۴ پیامبر به ثوبان فرمود: در مقابل اینها گردنبندی از جنس درختچه یمنی و دو دستبند از جنس عاج خریداری نما.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴/۲۴۰- تفسیر القمی إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ «۱» قَالَ فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ سَبَبُ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ أَنَّ فَاطِمَةَ ع رَأَتْ فِي مَنَامِهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص هَمَّ أَنْ يَخْرُجَ هُوَ وَ فَاطِمَةُ وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع مِنَ الْمَدِينَةِ فَخَرَجُوا حَتَّى جَاوَزُوا مِنْ حِيطَانِ الْمَدِينَةِ فَتَقَرَّضَ لَهُمْ طَرِيقَانِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ الْيَمِينِ حَتَّى انْتَهَى بِهِمْ إِلَى مَوْضِعٍ فِيهِ نَخْلٌ وَ مَاءٌ فَاشْتَرَى رَسُولُ اللَّهِ ص شَاةً كَثِيرًا وَ هِيَ الَّتِي فِي إِحْدَى أُذُنَيْهَا نَقْطٌ بَيْضٌ فَأَمَرَ بِذَبْحِهَا فَلَمَّا أَكَلُوا مَاتُوا فِي مَكَانِهِمْ فَانْتَبَهَتْ فَاطِمَةُ بِأَكْبَرَةٍ دَعَرَهُ فَلَمْ تُخْبِرْ رَسُولَ اللَّهِ ص بِذَلِكَ فَلَمَّا أَصْبَحَتْ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِحِمَارٍ فَأَرْكَبَ عَلَيْهِ فَاطِمَةَ ع وَ أَمَرَ أَنْ يَخْرُجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع مِنَ الْمَدِينَةِ كَمَا رَأَتْ فَاطِمَةُ فِي نَوْمِهَا فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ حِيطَانِ الْمَدِينَةِ عَرَضَ لَهُ طَرِيقَانِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ الْيَمِينِ كَمَا رَأَتْ فَاطِمَةُ حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى مَوْضِعٍ فِيهِ نَخْلٌ وَ مَاءٌ فَاشْتَرَى رَسُولُ اللَّهِ ص شَاةً كَمَا رَأَتْ فَاطِمَةُ ع فَأَمَرَ بِذَبْحِهَا فَذُبِحَتْ وَ شُوِيَتْ فَلَمَّا أَرَادُوا أَكْلَهَا قَامَتْ فَاطِمَةُ وَ تَنَحَّتْ نَاحِيَةً مِنْهُمْ تَبْكِي مَخَافَةَ أَنْ يَمُوتُوا فَطَلَبَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى وَقَعَ عَلَيْهَا وَ هِيَ تَبْكِي فَقَالَ مَا شَأْنُكَ يَا بِنْتِي قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَ كَذَا فِي نَوْمِي وَ قَدْ فَعَلْتَ أَنْتَ كَمَا رَأَيْتُهُ فَتَنَحَّيْتُ عَنْكُمْ فَلَمَّا أَرَاكُمْ تَمُوتُونَ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ نَاجَى رَبَّهُ فَنَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذَا شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ- الدَّهَارُ وَ هُوَ الَّذِي أَرَى فَاطِمَةَ هَذِهِ الرُّؤْيَا وَ يُؤْذِي الْمُؤْمِنِينَ فِي نَوْمِهِمْ مَا يَعْتُمُونَ بِهِ فَأَمَرَ جَبْرَائِيلُ فَجَاءَ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ أَنْتَ أَرَيْتَ فَاطِمَةَ هَذِهِ الرُّؤْيَا زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۴۰۵ فَقَالَ نَعَمْ يَا مُحَمَّدُ فَبَرَقَ عَلَيْهِ ثَلَاثَ بَرَاقَاتٍ فَشَجَّهَ فِي ثَلَاثَ مَوَاضِعَ ثُمَّ قَالَ جَبْرَائِيلُ لِمُحَمَّدٍ قُلْ يَا مُحَمَّدُ إِذَا رَأَيْتَ فِي مَنَامِكَ شَيْئًا تَكْرَهُهُ أَوْ رَأَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلْيَقُلْ أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَ مِنْ رُؤْيَايَ وَ يَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ وَ يَتَّقِلْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثَ تَفَلَّاتٍ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ مَا رَأَى وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ «۱» الْآيَةَ بَيَانِ مَا رَأَيْتَ كِبَرًا وَ أَشْكَالَهَا فِيمَا عِنْدَنَا مِنْ كُتُبِ اللُّغَةِ بِهَذَا الْمَعْنَى

ترجمه

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ «۲» فرمود: سبب نزول این آیه آن است که در شبی، حضرت فاطمه علیها

السلام در خواب دید که پیامبر، فاطمه، علی، حسن و حسین تصمیم به خروج از مدینه گرفته و پس از آنکه از دیوارهای مدینه عبور کردند، بر سر دو راهی رسیدند، رسول خدا راهی را که در سمت راست قرار داشت انتخاب کرد، سپس همگی ایشان رفتند تا به محلی که در آن نخلهای زیادی بود و آب فراوانی وجود داشت رسیدند، آنگاه پیامبر گوسفندی خریداری نمودند که در یکی از گوشه‌هایش خال و نقطه‌های سفیدی وجود داشت، و فرمان داد تا آن را ذبح کنند و بین مردم پخش کنند، و چون مردمان از آن قربانی خوردند همگی مسموم شده مردند. حضرت فاطمه از جای برخاست در حالی که ترسان و گریان بود، ولی در باره آنچه در خواب دیده بود چیزی به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نگفت. هنگام صبح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که الاغی به همراه داشت نزد فاطمه آمد و دخترش را بر آن سوار نمود و فرمود که با علی، حسن و حسین و خود پیامبر، از مدینه خارج شوند و آنان نیز همان طور که فاطمه علیها السلام در خواب دیده بودند از شهر خارج شدند، از دیوارهای مدینه که عبور کردند به یک دو راهی رسیدند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همان طور که فاطمه علیها السلام در خواب دیده بود راه دست راست را برگزیدند و پس از طی آن راه به نخلستان زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۰۶ و آب رسیدند؛ در آنجا پیامبر گوسفندی خرید و دستور داد آن را ذبح و کباب کنند. کباب که آماده شد حضرت فاطمه برخاست و از سایرین فاصله گرفت و از ترس اینکه مبادا در اثر خوردن آن کباب کسی از آنها بمیرد شروع به گریه کرد: در این حال پیامبر نیز برخاسته و به دنبال فاطمه رفت و چون او را گریان دید پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ فاطمه علیها السلام جریان خواب خود را در شب گذشته بیان نمود و گفت: می‌ترسم آن خواب تعبیر شود و جامه واقعیت بر تن کند و در اثر خوردن این کباب مرگ شما را دریابد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جای برخاست، دو رکعت نماز به جای آورد و با خداوند راز و نیاز کرد، و در این حال جبرئیل بر وی نازل شد و گفت: ای رسول خدا! آنچه باعث خواب شب گذشته فاطمه شده، شیطانی به نام «دهار» است، و اوست که مؤمنان را به سبب چنین خوابهایی آزار و اذیت می‌کند. و آن شیطان را به نزد پیامبر آورد. پیامبر از او پرسید: آیا تو بودی که فاطمه را به چنین خوابی مبتلا کردی؟ دهار گفت: آری. پیامبر سه مرتبه آب دهانش را به سوی او پرتاب کرد به طوری که سه قسمت از بدن او را خیس کرد. پس از آن جبرئیل به پیامبر گفت: هر گاه تو یا یکی از مؤمنین خوابی آشفته و ترسناک دیدید بگوئید: اعوذ بما عاذت به ملائکة الله المقربون و أنبیاء المرسلون و عباده الصالحون من شر ما رأیت و من رؤیای. و سپس سوره حمد و معوذتین - یعنی سوره فلق و ناس - و سوره قل هو الله احد را بخواند و سه مرتبه آب دهان خود را به طرف چپ بیندازد. پس اگر این اعمال را انجام دهد آسیبی به او نمی‌رسد. و امام صادق در پایان این سخن فرماید: و در این باره آیه إِنَّمَا النَّجْوَى ... نازل گردید (۲).

باب پنجم از دواج حضرت فاطمه علیها السلام

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۱ / ۱- إقبال الأعمال «۱» بِإِشْنَادِهِ إِلَى شَيْخِنَا الْمُفِيدِ فِي كِتَابِ حَدَائِقِ الرِّيَاضِ قَالَ لَيْلَةً زَنَدْكَانِي حَضْرَتُ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۴۱۱ إِحْدَى وَعِشْرِينَ مِنَ الْمُحَرَّمِ وَكَانَتْ لَيْلَةً حَمِيسَ سَبْتَةٍ ثَلَاثٍ مِنَ الْهَجْرَةِ كَانَ زَفَافُ فَاطِمَةَ ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَى مَنْزِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع يُسَيِّحُ صَوْمُهُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى لِمَا وَفَّقَ مِنْ جَمْعِ زَنَدْكَانِي حَضْرَتُ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۴۱۲ حُجَّتِهِ وَصَفْوَتِهِ

ترجمه

شیخ مفید در کتاب حدائق الریاض گوید: شب پنج شنبه ۲۱ محرم شب ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام بوده است و لذا مستحب است که روز بیست و یکم محرم را به شکرانه ازدواج آن دو روزه بگیریم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۲/... - إقبال الأعمال «۱» وَ مِنْ تَارِيخِ بَغْدَادَ «۲» بِإِسْنَادِهِ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمَّا زُفَّتْ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيَهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۴۱۳ فَاطِمَةُ عِ إِلَى عَلِيٍّ عَ كَانَ النَّبِيُّ صَ قَدَّامَهَا وَ جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهَا وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهَا وَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ خَلَفَهَا يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ

ترجمه

سید بن طاوس (۶۶۴ هـ) در اقبال الاعمال، به نقل از تاریخ بغداد نوشته خطیب بغدادی (۴۶۳ هـ)، به سندش از ابن عباس روایت کرده است: هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام را در شب ازدواج به خانه علی علیه السلام می بردند، پیامبر در مقابل او، و جبرئیل در سمت راست، و میکائیل در سمت چپ او، و هفتاد هزار فرشته در پشت سر او حرکت می کردند و در آن حال خدا را تسبیح می گفتند و تقدیس می کردند، و این تقدیس و تسبیح آنها تا صبح - طلوع فجر - ادامه داشته است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۳/۲ - مصباح، «۱» فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صَ فَاطِمَةَ عَ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَ رُوِيَ أَنَّهُ كَانَ يَوْمَ السَّادِسِ «۲»

ترجمه

شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) در مصباح المتهجدین می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز اول ماه ذی حجه، حضرت فاطمه علیها السلام را به ازدواج علی علیه السلام زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۱۴ در آورد و روایت شده است که در روز ششم ماه بوده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۴/۳ - عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» جَعَفَرُ بْنُ نُعَيْمٍ الشَّاذَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ ابْنِ هِشَامٍ «۲» عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُودٍ عَنِ الْخُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَ قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَ يَا عَلِيُّ لَقَدْ عَاتَبَنِي رِجَالٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ وَ قَالُوا خَطَبْنَاَهَا إِلَيْكَ فَمَنْعْتَنَا وَ زَوَّجْتَ عَلِيًّا فَقُلْتُ لَهُمْ وَ اللَّهُ مَا أَنَا مَنَعْتُكُمْ وَ زَوَّجْتُهُ بَلِ اللَّهُ مَنَعَكُمْ وَ زَوَّجَهُ فَهَيَّطَ عَلَيَّ جَبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ نَ، عیون أخبار الرضا علیه السلام الهمدانی عن علی عن أبيه عن علی بن معبد مثله «۳»

ترجمه

شیخ ابو جعفر صدوق (۳۸۱ هـ) در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام از علی علیه السلام روایت کرده است که: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به من گفت: ای علی! جمعی از مردان قبیله قریش مرا در باره فاطمه مورد عتاب قرار داده و گفتند: ما او را از تو خواستگاری کردیم ولی نپذیرفتی و او را به ازدواج علی علیه السلام در آوردی؟ در جواب آنها گفتم: به خداوند سوگند من نبودم که خواستگاری شما را رد کردم بلکه خدا خواستگاری شما را نپذیرفت و او را برای علی انتخاب کرد، زیرا جبرئیل بر من فرود آمد و گفت: همانا خدای جلیل می‌فرماید: اگر من علی را خلق نکرده بودم از آدم به بعد شوهری که شایسته او باشد در روی زمین یافت نمی‌شد.

[متن عربی]

متن عربی

۲۴۵/۴- الأمالی للطوسی «۱» الْمُفِيدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ هَاشِمٍ الْعَسَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ جَوَيْرِ بْنِ سَعْدٍ عَنِ الضَّحَّاكِ بْنِ مَزَاحِمٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع يَقُولُ أَتَانِي أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ فَقَالَا- لَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَذَكَرْتَ لَهُ فَاطِمَةَ قَالَا فَأَتَيْتُهُ فَلَمَّا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ص ضَحِكَ ثُمَّ قَالَ مَا جَاءَ بِكَ يَا أَبَا الْحُسَيْنِ حَاجَتُكَ قَالَ فَذَكَرْتُ لَهُ قَرَابَتِي وَ قَدَمِي فِي الْإِسْلَامِ وَ نُصِيرَتِي لَهُ وَ جِهَادِي فَقَالَ يَا عَلِيُّ صَدَقْتَ فَأَنْتَ أَفْضَلُ مِمَّا تَذَكَّرُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَاطِمَةُ تُزَوِّجُنِيهَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّهُ قَدْ ذَكَرَهَا قَبْلَكَ رَجُلٌ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهَا فَرَأَيْتُ الْكَرَاهِيَةَ فِي وَجْهِهَا وَ لَكِنْ عَلَى رِسْلِكَ حَتَّى أَخْرَجَ إِلَيْكَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَقَامَتْ فَأَخَذَتْ رِدَاءَهُ وَ نَزَعَتْ نَعْلَيْهِ وَ أَتَتْهُ بِالْوُضُوءِ فَوَضَّأَتْهُ بِيَدِهَا وَ غَسَلَتْ رِجْلَيْهِ ثُمَّ قَعِدَتْ فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ فَقَالَتْ لَيْتَكَ لَيْتَكَ حَاجَتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مَن قَدْ عَرَفْتَ قَرَابَتَهُ وَ فَضْلَهُ وَ إِسْلَامَهُ وَ إِنِّي قَدْ سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُزَوِّجَكَ خَيْرَ خَلْقِهِ وَ أَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ وَ قَدْ ذَكَرَ مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَمَا تَرَيْنَ فَسَيَكُنَّ وَ لَمْ تُؤَلَّ وَجْهَهَا وَ لَمْ يَرِ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص كَرَاهَةً فَقَامَ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ سُبُكُوتُهَا إِفْرَازُهَا زَنْدِگَانِي حَضْرَت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۴۱۶ فَاتَاهُ جَبْرِئِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ زَوِّجْهَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ رَضِيَ بِهَا لَهُ وَ رَضِيَ بِهَا لَهَا قَالَ عَلِيُّ فَرَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص ثُمَّ أَتَانِي فَأَخَذَ بِيَدِي فَقَالَ قُمْ بِسْمِ اللَّهِ وَ قُلْ عَلَى بَرَكَهَةِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ جَاءَنِي حَتَّى أَفْعِدَنِي عِنْدَهَا ع ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ خَلْقِكَ إِلَيَّ فَأَجِبْهُمَا وَ بَارِكْ فِي ذُرِّيَّتِهِمَا وَ اجْعَلْ عَلَيْهِمَا مِنْكَ حَافِظًا وَ إِنِّي أَعِيذُهُمَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بَيَان الرسل بالكسر الثانی و الفرق

ترجمه

شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) در امالی از استادش شیخ مفید (۴۱۳ هـ) به اسنادش از امام علی علیه السلام آورده است که گفت: ابو بکر و عمر پیش من آمدند و گفتند: کاش نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌رفتی و در باره ازدواج با فاطمه علیها السلام گفتگویی می‌کردی؟ علی علیه السلام گفت: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتم و آن حضرت تا مرا دید لبخندی زد و گفت: ای ابو الحسن! آیا چیزی می‌خواهی؟ من مراتب خویشی، و سبقت در ایمان به اسلام، یاری کردنم به او و جهادهایی که داشتم و تلاشهای که برای پیشرفت اسلام کرده بودم برای آن حضرت بازگو کردم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی! هر چه گفتی راست است و من آنها را تصدیق می‌کنم و شهادت می‌دهم که مقام تو برتر از آن است که گفتی. گفتم: یا رسول الله! حال که چنین است اجازه دهید تا فاطمه علیها السلام را به همسری خود برگزینم. پیامبر فرمود: ای علی قبل از

تو مردان دیگری نیز چنین خواسته‌ای داشتند، ولی هر گاه تقاضای آنها را با فاطمه در میان می گذاشتم در چهره او علامت عدم رضایت را مشاهده می کردم، حال نیز، تو باید چند لحظه‌ای صبر کنی تا نزد او بروم و خواسته تو را با او در میان گذارم و برگردم. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد فاطمه علیها السلام رفت، فاطمه برخاست و عبا و نعلین‌های پدرش را گرفت و برای او آب آورد تا وضو بگیرد و پاهایش را بشوید، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشست و به فاطمه گفت: دخترم! فاطمه گفت: هر چه می خواهید بگویید. پیامبر فرمود: علی بن ابی طالب که تو قرابت او را با ما می شناسی، و فضل و برتری او را بر دیگران می دانی، و چگونگی اسلام و ایمان او را دیده‌ای، و نیز می دانی که من از خدای خود زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۱۷ خواسته‌ام که تو را برای بهترین و محبوبترین بندگانش تزویج کند، همانا در باره ازدواج با تو گفتگویی با من داشته، نظر خودت در باره این امر چیست؟ فاطمه هنگامی که این سخن را شنید چیزی نگفته و سکوت کرد، و از خجالت چهره‌اش را برگردانید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برخاست در حالی که با خود می گفت: الله اکبر، خدا بزرگ است، همانا سکوت فاطمه نشانه رضایت اوست. در این حال جبرئیل بر رسول خدا فرود آمد و گفت: ای محمد! فاطمه را به ازدواج علی در آور که همانا خداوند از این وصلت خشنود است و آن دو نیز شایسته یک دیگر می باشند. علی علیه السلام می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دخترش را به ازدواج من در آورد و آنگاه نزد من آمده دستم را گرفته و فرمود: با یاد و نام خدا برخیز و این ذکر را بخوان که: «علی برکة الله، و ما شاء الله، و لا قوة إلا بالله، و توکلت علی الله» - یعنی: بر سفره برکت خدا می نشینم، و راضی می شوم بر آنچه او بخواهد، همانا قدرت و قوتی نیست مگر از جانب خدا، پس به او توکل می کنم و یاری می طلبم. سپس مرا کنار فاطمه نشانید و گفت: خداوند! اینان محبوبترین مردم در نزد من می باشند، پس آنان را دوست بدار، و خیر و برکت به فرزندان آنها عطا کن، و آنان را از هر آسیبی حافظ باش، من آنها و فرزندانشان را از شر شیطان فریبکار به تو می سپارم

[متن عربی]

متن عربی

۲۴۶/۵- الأمالی للطوسی جماعه عن أبي غالب أحمد بن محمد الزراري عن خاله عن الأشعري عن البرقي عن ابن أسباط عن داود عن يعقوب بن شعيب عن أبي عبد الله ع قال لما زوج رسول الله ص علياً فاطمة ع دخل عليها وهى تبكى فقال لها ما يبكيك فوالله لو كان فى أهل بيتي خير منه زوجتك وما أنا زوجتك ولكن الله زوجك وأصدق عنك الخمس ما دامت السماوات والأرض قال علي ع قال رسول الله ص قم فبع الدرع فقمت فبعته وأخذت الثمن ودخلت على رسول الله ص فسيكتب الدراهم فى حجره فلم يسألنى كم هى ولا أنا أخبرته ثم قبض قبضه ودعا بلالاً فأعطاه فقال ابتع لفاطمة طيباً ثم قبض رسول الله ص من الدراهم بكتلتا يديه فأعطاه أبا بكر وقال ابتع لفاطمة ما يضرلحها من ثياب وأثاث البيت وأردفه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۱۸ بعمار بن یاسر وبعده من أضيحابه فحضروا السوق فكانوا يعترضون الشيء مما يضرلح فلما يشترونه حتى يعرضوه على أبي بكر فإن استصلحه اشتروه فكان مما اشتروه قميص بسبعة دراهم وخمار بأربعة دراهم وقطيفة سوداء خيرية وسريز مرملة بشرط وراشين من خيش مضير خشو أحدهما ليف وخشو الآخر من جز الغنم وأربع مرافق من آدم الطائف خشوها إذخر وستر من صوف وحصير هجرى ورحى لليد ومخضب من نحاس وسقاء من آدم وقعب للبن وشن للماء ومطهرة مرفته وجرة خضراء وكيزان خزف حتى إذا استكمل الشراء حمل أبو بكر بعض المتاع وحمل أضيحاب رسول الله ص الذين كانوا معه الباقي فلما عرض المتاع على رسول الله ص جعل يقلبه بيده ويقول بارك الله لأهل البيت قال علي ع فأقمت بعد ذلك شهراً أصلى مع رسول الله ص وأرجع إلى منزلي ولما أذكر شيئاً من أمر فاطمة ع ثم قلن أزواج رسول الله ص ألما نطلب لِمَكَ من رسول الله ص دخول فاطمة عليك فقلت افعلن

فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَتْ أُمُّ أَيْمَنَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَنَّ خَدِيجَةَ بَاقِيَةُ لَقَرَّتْ عَيْنُهَا بِرَفَافِ فَاطِمَةَ وَإِنَّ عَلِيًّا يُرِيدُ أَهْلَهُ فَقَرَّ عَيْنَ فَاطِمَةَ بِبِعْلِهَا وَاجْتَمَعَ شَمْلُهَا وَقَرَّ عَيْنُونَا بِذَلِكَ فَقَالَ فَمَا بَالُ عَلِيٍّ لَا يَطْلُبُ مِنِّي زَوْجَتَهُ فَقَدْ كُنَّا نَتَوَقَّعُ ذَلِكَ مِنْهُ قَالَ عَلِيُّ فَقُلْتُ الْحَيَاءُ يَمْنَعُنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَالْتَفَتَ إِلَى النِّسَاءِ فَقَالَ مَنْ هَاهُنَا فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ أَنَا أُمُّ سَلَمَةَ وَهَيْدَةُ زَيْنَبُ وَهَيْدَةُ فَلَانَهُ وَفَلَانَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص هَيُّوْا لِابْنَتِي وَابْنِ عَمِّي فِي حُجْرِي بَيْتًا فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فِي أَيِّ حُجْرَةٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي حُجْرَتِكَ وَأَمَرَ نِسَاءَهُ أَنْ يُزَيِّنَ وَيُضِلِّحْنَ مِنْ شَأْنِهَا قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَسَأَلْتُ فَاطِمَةَ هَلْ عِنْدَكَ طِيبٌ أَذْخَرْتِهِ لِنَفْسِكَ قَالَتْ نَعَمْ فَأَتَتْ بِقَارُورَةٍ فَسَبَكَتْ مِنْهَا فِي رَاحَتِي فَشَجِمْتُ مِنْهَا رَائِحَةً مَا شِمَمْتُ مِثْلَهَا قَطُّ فَقُلْتُ مَا هَذَا فَقَالَتْ كَانَ دِخْيَةُ الْكَلْبِيِّ يَدْخُلُ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ص فَيَقُولُ لِي يَا فَاطِمَةُ هَاتِي الْوِسَادَةَ فَاطْرَحِيهَا لِعَمِّكَ فَاطْرَحُ لَهَا الْوِسَادَةَ فَيَجْلِسُ عَلَيْهَا فَإِذَا نَهَضَ سَقَطَ مِنْ بَيْنِ ثِيَابِهِ شَيْءٌ فَيَأْمُرُنِي بِجَمْعِهِ فَسَأَلَ عَلِيٌّ ع رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ هُوَ عَثَرْتُ بِسَقَطٍ مِنْ أَجْنَحِهِ جَبْرِئِيلُ قَالَ عَلِيُّ ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ اصْنَعْ لِأَهْلِكَ طَعَامًا فَاصْلُمْنَا ثُمَّ قَالَ مِنْ عِنْدِنَا زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۱۹ اللَّحْمُ وَالْخُبْزُ وَعَلَيْكَ التَّمَرُ وَالسَّمْنُ فَاشْتَرَيْتُ تَمْرًا وَسَيَمْنَا فَحَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ ذِرَاعِهِ وَجَعَلَ يَشْدُخُ التَّمَرَ فِي السَّمْنِ حَتَّى اتَّخَذَهُ حَيْسًا وَبَعَثَ إِلَيْنَا كَبْشًا سَيَمِينًا فَذَبَحَ وَخَبَزَ لَنَا خُبْزٌ كَثِيرٌ ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص ادْعُ مَنْ أَحْبَبْتَ فَأَتَيْتُ الْمَسِيحَ وَهُوَ مُشْحَنٌ بِالصَّحَابَةِ فَأُحْيِيَتْ [فَحْيِيَتْ أَنْ أَشْخَصَ قَوْمًا وَادْعَ قَوْمًا ثُمَّ صَاعَدْتُ عَلَى رَبْوَةٍ هُنَاكَ وَنَادَيْتُ أَجِيبُوا إِلَيَّ وَلَيْمَةَ فَاطِمَةَ فَاقْبَلِ النَّاسَ أَرْسَالًا فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْ كَثَرَةِ النَّاسِ وَقَلَهُ الطَّعَامَ فَعَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا تَدَاخَلْنِي فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنِّي سَادَعُوا اللَّهَ بِالْبَرَكَةِ قَالَ عَلِيُّ فَأَكَلَ الْقَوْمُ عَنْ آخِرِهِمْ طَعَامِي وَشَرِبُوا شَرَابِي وَدَعَوْا لِي بِالْبَرَكَةِ وَصَدَرُوا وَهُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعَةِ آلَافٍ رَجُلٍ وَلَمْ يَنْقُصْ مِنَ الطَّعَامِ شَيْءٌ ثُمَّ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِالصَّحَابِ فَمِلْتُ وَوَجَّهَ بَهَا إِلَى مَنَازِلِ أَزْوَاجِهِ ثُمَّ أَخَذَ صِخْفَةً وَجَعَلَ فِيهَا طَعَامًا وَقَالَ هَذَا لِفاطمَةَ وَبِعْلِهَا حَتَّى إِذَا انْصَرَفَتِ الشَّمْسُ لِلْعُغُوبِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أُمُّ سَلَمَةَ هَلُمِّي فَاطِمَةَ فَانْطَلَقْتُ فَأَتْتُ بِهَا وَهِيَ تَسِيحُ أَذْيَالَهَا وَقَدْ تَصَيَّبَتْ عَرَفًا حَيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَعَثَرَتْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَقَالُكَ اللَّهُ الْعَثَرَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَمَّا وَقَفَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ كَشَفَ الرِّدَاءَ عَنْ وَجْهِهَا حَتَّى رَأَاهَا عَلِيُّ ع ثُمَّ أَخَذَ يَدَهَا فَوَضَعَهَا فِي يَدِ عَلِيٍّ ع وَقَالَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ يَا عَلِيُّ نِعَمَ الزَّوْجَةِ فَاطِمَةَ وَ يَا فَاطِمَةَ نِعَمَ الْبُعْلِ عَلِيُّ انْطَلَقَا إِلَى مَنْزِلِكَمَا وَلَا تُحَدِّثَا أَمْرًا حَتَّى آتِيَكُمَا قَالَ عَلِيُّ فَأَخَذْتُ بِيَدِ فَاطِمَةَ وَانْطَلَقْتُ بِهَا حَتَّى جَلَسْتُ فِي جَانِبِ الصُّفَّةِ وَجَلَسْتُ فِي جَانِبِهَا وَهِيَ مُطْرِقَةٌ إِلَى الْأَرْضِ حَيَاءً مِنِّي وَأَنَا مُطْرِقٌ إِلَى الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْهَا ثُمَّ حَيَاءً رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ مَنْ هَاهُنَا فَقُلْنَا ادْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَرْحَبًا بِكَ زَائِرًا وَدَاخِلًا فَدَخَلَ فَأَجْلَسَ فَاطِمَةَ مِنْ جَانِبِهِ ثُمَّ قَالَ يَا فَاطِمَةُ آتِينِي بِمَاءٍ فَقَامَتْ إِلَى قَعْبٍ فِي الْبَيْتِ فَمَلَأَتْهُ مَاءً ثُمَّ أَتَتْ بِهِ فَأَخَذَ جُرْعَةً فَتَمَضَّضَ بِهَا ثُمَّ مَجَّهَا فِي الْقَعْبِ ثُمَّ صَبَّ مِنْهَا عَلَى رَأْسِهَا ثُمَّ قَالَ أَقْبَلِي فَلَمَّا أَقْبَلْتُ نَضَحَ مِنْهُ بَيْنَ ثَدْيَيْهَا ثُمَّ قَالَ أَذْبِرِي فَأَذْبَرْتُ فَنَضَحَ مِنْهُ بَيْنَ كَتِفَيْهَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَذِهِ ابْنَتِي وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُمَّ وَ هَذَا أَخِي وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَكَ وَلِيًّا وَ بِكَ حَفِيًّا وَ بَارِكْ لَهُ فِي أَهْلِهِ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ ادْخُلْ بِأَهْلِكَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ وَ رَحِمَتْ اللَّهُ وَ زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۲۰ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ ... إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ بَيَانِ مَزْمَلِ أَيِّ مَلْفُوفٍ وَ الشَّرِيطُ خَوْصٌ مَفْتُولٌ يَشْرَطُ بِهِ السَّرِيرُ وَ نَحْوُهُ وَ قَالَ الْفَيْرُوزُ آبَادِي الْخِيَشِ ثِيَابُ فِي نَسْجِهَا رَقَّةٌ وَ خِيوطُهَا غِلَظٌ مِنْ مَشَاقِّهِ الْكَتَانِ أَوْ مِنْ أَغْلَظِ الْعَصَبِ قَوْلُهُ مِنْ جِزِ الْغَنَمِ بِالْكَسْرِ أَيْ الصُّوفِ الَّذِي جِزٌ مِنَ الْغَنَمِ وَ الْمَخْضَبُ كَمَنْبَرِ الْمَرْكَنِ. قَوْلُهُ فَقَرَّ عَيْنَ فَاطِمَةَ ظَاهِرُهُ أَنَّهُ بِصِغَةِ الْأَمْرِ بِنَاءً عَلَى أَنْ مَجْرَدُهُ يَكُونُ مُتَعَدِّيًا أَيْضًا لَكِنَّهُ لَمْ يَرِدْ فِيمَا عِنْدَنَا مِنْ كُتُبِ اللَّغَةِ. وَ قَالَ الْجَوْهَرِيُّ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُمْ أَيْ مَا تَشْتَتِ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ شَتَّ اللَّهُ شَمْلَهُ أَيْ مَا اجْتَمَعَ مِنْ أَمْرِهِ وَ قَالَ الشَّدْخُ كَسْرُ الشَّيْءِ الْأَجُوفِ وَ قَالَ الْحَيْسُ هُوَ تَمْرٌ يَخْلُطُ بِسَمْنٍ وَ أَقْطُ وَ السَّحْبُ الْجَرُّ وَ الْقَعْبُ قَدَحٌ مِنْ خَشَبٍ قَوْلُهُ ص وَ بِكَ حَفِيًّا قَالَ الْجَوْهَرِيُّ تَقُولُ حَفِيَّةٌ بِهِ بِالْكَسْرِ أَيْ بِالْغَتِ فِي إِكْرَامِهِ وَ إِطَافِهِ انْتَهَى أَيْ مَطِيعًا لَكَ غَايَةَ الْإِطَاعَةِ أَوْ مَشْفِقًا عَلَى الْخَلْقِ نَاصِحًا لَهُمْ بِسَبَبِ إِطَاعَةِ أَمْرِكَ

ترجمه

در امالی شیخ طوسی به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام آمده است: آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را

به ازدواج علی علیه السلام در آورد، نزد دخترش آمد و دید که حضرت فاطمه علیها السلام گریه می کند، پس به او گفت: چرا گریه می کنی؟ به خداوند سوگند اگر در میان اهل بیت کسی بهتر از علی بود همانا تو را به ازدواج او در می آوردم، فکر نکنی که من تو را از پیش خود به ازدواج علی علیه السلام در آوردم، بلکه خدا تو را برای علی تزویج نموده و تا زمانی که آسمانها و زمین پا بر جا باشند، خمس اموال مردم را مهریه تو قرار داده است. علی علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به من فرمود: برخیز و زره خود را بفروش! برخاستم و زره را فروختم و پول آن را گرفته نزد پیامبر آوردم و آنها را در مقابل او نهادم، آن حضرت از من پرسید که آن پولها چه مقدار است و من نیز چیزی در این باره به آن حضرت نگفتم، سپس بلال را صدا کرد و مثنی از آن پولها را به وی داد و گفت: این پولها را بگیر و با آنها برای فاطمه [علیها السلام] عطر خریداری کن! و بعد از او ابو بکر را احضار نمود و دو مشت از آن پولها را به او داده و گفت: با این پولها، برای فاطمه [علیها السلام] لباس و اثاثیه منزل زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۲۱ خریداری کن. و آنگاه عمار یاسر و گروه آنها وارد بازار شدند و هر چیزی را که لازم می دانستند در نظر گرفتند ولی آنها را خریداری نمی کردند تا اینکه ابو بکر بیاید، سپس آنها را به وی نشان می دادند و اگر ابو بکر می پسندید آن را خریداری می نمودند. برخی از آنچه ایشان خریداری کردند عبارت است از: ۱- یک پیراهن به قیمت هفت درهم ۲- روبنده ای به قیمت چهار درهم، شاید منظور از «خمار» روسری، مقنعه یا چادر باشد. ۳- یک قطیفه مشکی خیری ۴- تختی که وسط آن را با لیف خرما بافته بودند. ۵- دو عدد تشک با روکشی از کتان مصری که یکی از آنها با لیف خرما و دیگری با پشم گوسفند پر شده بود. ۶- چهار بالش - یا مٹکا، یا پشتی - با رویه ای از پوست حیوانات طائف که درون آنها از علف اذخر (گیاه خشک و سبز رنگی شبیه کاه و نرم تر از آن است که دارای بوی خوش نیز می باشد) پر شده بود. ۷- پرده ای از جنس پشم ۸- حصیری بافت یمن ۹- یک آسیای دستی ۱۰- طشت مسی ۱۱- مشک آبی از جنس پوست ۱۲- ظرف مخصوص شیر - که از جنس چوب می تراشیدند. ۱۳- ظرفی برای آبخوری ۱۴- آفتابه ای قیراندود ۱۵- سبوی سبز رنگ - که در آن روغن، آرد یا چیزهای دیگر نگهداری می کردند. ۱۶- دو کوزه کوچک سفالی هنگامی که خرید آنها کامل شد، مقداری از اثاثیه را ابو بکر و باقی را سایر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حمل کرده به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بردند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۲۲ هنگامی که لوازم خریداری شده به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشان داده شد، پیامبر آنها را زیر و رو کرده و گفت: خدا اینها را برای اهل بیت مبارک کند. علی علیه السلام می گوید: من پس از این کارها، به مدت یک ماه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز می خواندم و بدون اینکه در باره فاطمه علیها السلام چیزی به آن حضرت بگویم به منزل خود بازمی گشتم. روزی زنان پیامبر به من گفتند: آیا می خواهی که ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخوایم تا فاطمه را به خانهات بیاورد و شما زندگی مشترکتان را شروع کنید؟ گفتم: بله. وقتی آنها نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتند ام ایمن «۱» گفت: ای رسول خدا! اگر خدیجه علیها السلام زنده بود چشمانش در اشتیاق دیدار ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام روشن می شد، همانا علی علیه السلام دوست دارد که فاطمه را به خانه اش ببرد، پس چشم آنها را دیدار یک دیگر روشن نما تا چشمهای ما نیز روشن شود. رسول خدا فرمود: چرا علی همسر خود را از من مطالبه نمی کند و شما را واسطه کرده است، در حالی که ما از خود او انتظار این کار را داشتیم. علی علیه السلام گفت: من گفتم: ای رسول خدا! من از شما خجالت کشیدم و حیا مانع از این امر می شد. پس پیامبر در این حال خطاب به همسران خود فرمود: کدام یک از شما حاضر هستید؟ ام سلمه گفت: من ام سلمه «۲» و این زینب «۳» و این فلان کس و فلان کس. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۲۳ فرمود: یکی از حجره های خانه را برای دخترم فاطمه و پسر عمویم علی آماده کنید. ام سلمه گفت: ای رسول خدا! کدام حجره را؟ پیامبر فرمود: حجره خودت را «۱»، و سپس به زنان خویش دستور داد تا فاطمه علیها السلام را زینت کنند و لوازم عروسی او را فراهم نمایند. ام سلمه گوید: به فاطمه گفتم: آیا عطری برای خودت ذخیره

نموده‌ای؟ گفت: آری. و یک شیشه عطر آورد و مقداری از آن را در میان دست من ریخت، چنان بویی از آن برخاست که تا آن زمان استشمام نکرده بودم، به فاطمه گفتم: این عطر را از کجا آورده‌ای؟ گفت: هر گاه دحیه کلبی «۲» به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌آمد، پیامبر به من می‌فرمود: برای عمویت پستی بگذار! من برای او پستی می‌گذاشتم و در این حال متوجه می‌شدم که چیزی از میان لباسهای او فرو می‌ریزد و او به من می‌فرمود که آنها را جمع کنم و این عطرها همانهاست که جمع می‌کردم. پس علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره سؤال کرد و آن حضرت فرمود: آن عبارت از عنبری است که از بالهای جبرئیل فرو می‌ریزد. علی علیه السلام گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من گفت: ای علی! غذای فراوانی برای عروسی و خانواده‌ات تدارک کن. و سپس فرمود: گوشت و نان را من می‌دهم، خرما و روغن به عهده تو. من خرما و روغن فراهم کردم و نزد پیامبر بردم، آن حضرت آستینهای لباسش را بالا زد و خرما را تمیز کرده در روغن ریخت و غذایی درست کرد که آن را «حیس» می‌گفتند، و گوسفند فربه‌ی ذبح کرد، و نان فراوانی تدارک نمود، سپس به من گفت: هر کس را که دوست داری دعوت کن. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۲۴ پس وارد مسجد شدم و دیدم که مسجد پر از صحابه پیامبر است، حیا کردم که در میان آن جمع عده‌ای را دعوت کنم و عده‌ای را دعوت ننمایم، پس بر یک بلندی قرار گرفتم و خطاب به همه گفتم: همه شما را به صرف ولیمه عروسی فاطمه [علیها السلام] دعوت می‌کنم. آنان پذیرفتند و گروه گروه به طرف خانه پیامبر حرکت کردند و من از کثرت جمعیت و قلت غذا خجالت می‌کشیدم، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آنچه که در ذهن من می‌گذشت مطلع گردید، گفت: ای علی! من دعا می‌کنم که خدا به غذای شما برکت بدهد. علی علیه السلام گفت: آن جمعیت که تعداد آنها بیش از چهار هزار نفر بود همگی از غذا و آبی که فراهم کرده بودیم خوردند و نوشیدند و سیر شدند ولی از غذا چیزی کم نشد. سپس پیامبر دستور داد تا کاسه‌هایی را پر از غذا کردند و آنها را برای زنان خویش فرستاد و کاسه‌ای نیز پر از غذا کرد و فرمود: این کاسه نیز برای علی و فاطمه بماند. هنگامی که غروب آفتاب نزدیک شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ام سلمه فرمود: فاطمه را بیاور! ام سلمه به دنبال حضرت فاطمه رفت و او را در حالی که پایین لباسش بر زمین کشیده می‌شد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنان حیا می‌کرد که یک بار بر زمین افتاد که در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: خداوند تو را در دنیا و آخرت از افتادن نگاهدارد. هنگامی که فاطمه به مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید، آن حضرت حجاب از چهره فاطمه برداشت تا علی علیه السلام او را ببیند، سپس دست فاطمه را گرفت و در دست علی علیه السلام قرار داد و فرمود: ای علی! خدا قدم دختر رسول خدا را برای تو مبارک کند، ای علی! همانا فاطمه خوب همسری، و ای فاطمه! همانا علی خوب شوهری است، پس به سوی خانه خود بروید و صبر کنید تا بیایم. علی علیه السلام گفت: دست فاطمه را گرفتم و با هم به خانه رفتیم و در آنجا او در گوشه‌ای نشست و من در کنار او نشستم، و هر دو از حیا و خجالت به زمین نگاه می‌کردیم تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و فرمود: چه کسانی در اینجا هستند؟ گفتیم: ای رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم]! بفرمایید، شما چه زائر خوب و نیکویی هستید! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد و نشست و فاطمه نیز در کنار او نشست، پیامبر به او فرمود: برخیز و مقداری آب برای من بیاور! فاطمه برخاست و ظرفی را پر از آب کرده به حضور پیامبر آورد، سپس پیامبر جرعه‌ای از آن آب زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۲۵ را بر گرفت و مضمضه کرده و داخل ظرف ریخت و فاطمه را به نزد خود خواند و کفی از آن آب را به سینه فاطمه پاشید و به او گفت: برگرد! و چون فاطمه برگشت کف دیگر از آب را در میان دو کتف وی پاشید و گفت: «خدایا! این دختر من است که محبوبترین مردم در نزد من می‌باشد، خدایا! این برادر من است که محبوبترین مردم در نزد من می‌باشد. پروردگارا! علی را ولی و مطیع خود قرار بده و اهل و عیالش را برایش مبارک گردان». و سپس گفت: ای علی! حال نزد همسرت برو، از خداوند می‌خواهم که برکت و رحمتش را نصیب شما نماید، همانا او حمید و مجید است «۱».

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۷ / ۶- الأمالی للطوسی جماعه عن أبي غالب الزراري عن الكليني عن عده من أصحابه عن أحمد بن محمد عن الوشاء عن الحيري عن يونس بن طيبان عن أبي عبد الله قال سمعته يقول لو لا أن الله خلق أمير المؤمنين لفاطمة ما كان لها كفو على الأرض

ترجمه

در امالی شیخ طوسی به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام آمده که آن حضرت فرمود: اگر خداوند متعال امیر المؤمنین علی علیه السلام را خلق نمی کرد، در تمام زمین انسانی که کفو و شایسته همسری با حضرت فاطمه علیها السلام باشد یافت نمی شد. «۲»

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۸ / ۷- الأمالی للطوسی «۱» روی أن أمير المؤمنين ع دخل بفاطمة بعید وفاء أختها رقیة زوجة عثمان بستمته عشر يوماً و ذلك بعد رجوعه من بدر و ذلك ليأتم خلت من سؤال و روی أنه دخل بها يوم الثلاثاء ليست خلون من ذي الحجة و الله تعالى أعلم

ترجمه

در امالی شیخ طوسی آمده: روایت شده است که عروسی علی و فاطمه علیها السلام بعد از بازگشت علی از جنگ بدر و در اوایل ماه شوال، در حالی که ۱۶ روز از وفات رقیه خواهر حضرت فاطمه می گذشت واقع شد. و روایت شده که این امر در روز سه شنبه ششم ذی حجه واقع شده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴۹ / ۸- الخصال «۱» الطالقانی عن الحسن بن علي العديوي عن عمرو بن المختار عن يحيى الحماني عن قيس بن الربيع عن الأعمش عن عباية بن ربعي عن أبي أيوب الأنصاري قال إن رسول الله ص مرض مرضه فأتته فاطمة ع تَعُوذُهُ وَ هُوَ نَافَهُ مِنْ مَرَضِهِ فَلَمَّا رَأَتْ مَا بِرَسُولِ اللَّهِ ص مِنَ الْجُهِدِ وَالضَّعْفِ خَفَّتْهَا الْعَبْرَةُ حَتَّى جَرَتْ دَمْعَتُهَا عَلَى خَدَّهَا فَقَالَ النَّبِيُّ ص لَهَا يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ أَطَّلَعَ إِلَيَّ الْأَرْضَ أَطْلَاعَهُ فَأَخْتَارَ مِنْهَا بَعْلَكَ فَأَوْحَى إِلَيَّ فَأَتَكَحْتُكَ أَمَا عَلِمْتَ يَا فَاطِمَةُ أَنَّ لِكْرَامَةِ اللَّهِ إِلَيْكَ زَوْجَكَ أَقْدَمَهُمْ سَلَمًا وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا قَالَ فَسِرْتُ بِذَلِكَ فَاطِمَةُ ع وَ اسْتَبْشَرْتُ بِمَا قَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَأَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَزِيدَهَا مَزِيدَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مِنَ الَّذِي قَسَمَهُ اللَّهُ لَهُ وَ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ لِعَلِّي تَمَانُ خَصِيَالِ إِيْمَانِهِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ عِلْمُهُ وَ حِكْمَتُهُ وَ زَوْجَتُهُ وَ سَبْطَاهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ قَضَاؤُهُ بِكِتَابِ اللَّهِ يَا فَاطِمَةُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ أُعْطِينَا سَبْعَ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ قَبْلَنَا وَ لَا يُدْرِكُهَا أَحَدٌ مِنَ الْآخِرِينَ بَعْدَنَا نَبِيْنَا خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ وَ هُوَ أَبُوكَ وَ وَصِيْنَا خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَ هُوَ بَعْلُكَ وَ شَهِدْنَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ وَ هُوَ حَمْرُهُ عَمَّ أَبْيَكُ وَ مِنَّا مَنْ لَهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهِمَا فِي الْجَنَّةِ وَ هُوَ جَعْفَرُ وَ مِنَّا سَبْطَا هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُمَا ابْنَاكَ

ترجمه

شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) در کتاب خصال از ابو ایوب انصاری روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیمار شده بود، به هنگام دوران نقاهت حضرت فاطمه علیها السلام به عیادت او آمد و چون حال پیامبر و ضعف او را مشاهده نمود گریه‌اش گرفت و قطره‌های اشک بر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۲۸ گونه‌اش جاری شد، پیامبر که حال او را مشاهده کرد به او فرمود: ای فاطمه! همانا خداوند جلیل در یکی از نظاره‌هایش بر زمین همسر تو را انتخاب کرد و سپس به من وحی کرد تا تو را به ازدواج او درآورم. ای فاطمه! آیا می‌دانی که این از کرم و موهبت خداوندی است که تو را به کسی تزویج نموده است که اولین مردم در اسلام آوردن، و بزرگترین آنها در حلم و صبوری است، و علم او از همه مردم بیشتر می‌باشد. ابو ایوب انصاری گوید: حضرت فاطمه علیها السلام وقتی این گفته‌ها را شنید خوشحال شد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواست تا خوشحالی او را بیشتر کند و لذا فرمود: ای فاطمه! همانا در علی هشت خصلت نیکو وجود دارد: ۱- ایمان به خداوند و رسولش دارد ۲- علم او فراوان است ۳- از نعمت حکمت برخوردار می‌باشد ۴- همسری چون تو دارد ۵- دو فرزند نیکو چون حسن و حسین دارد ۶- آمر به معروف است ۷ نهی کننده از منکرات می‌باشد ۸- بر اساس کتاب نازل شده از جانب خدا، قضاوتی شایسته دارد. ای فاطمه! همانا ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت خصلت نیکو به ما عطا کرده که آنها را به احدی قبل از ما عطا نکرده و به هیچ کس بعد از ما نیز عطا نخواهد کرد: ۱- پیامبر ما بهترین پیامبران است، و او پدر توست ۲- وصی ما بهترین اوصیا است، و او شوهر توست ۳- شهید ما سرور شهیدان است، و او حمزه عموی پدر توست ۴- از ماست آن کسی که دو بال دارد و با آنها در بهشت پرواز می‌کند، و او جعفر و از خانواده ماست ۵- دو سبط این امت نیز از ما هستند، و آنها دو پسران تو هستند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۵۰/۹- الأمالی للصدوق «۱» أَبِي وَالْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَيْبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عِكْرَمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى آخَى بَيْنِي وَبَيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَزَوْجَهُ ابْنَتِي مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ وَأَشْهَدُ عَلَى ذَلِكِ مُقَرَّبِي مَلَائِكَتِهِ وَجَعَلَهُ لِي وَصِيًّا وَخَلِيفَةً فَعَلَيْ مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ مُحِبُّهُ مُحِبِّي وَمُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِهِ

ترجمه

شیخ صدوق در امالی از ابن عباس، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی بین من و علی برادری برقرار کرد، و دخترم فاطمه را در بالای آسمانهای هفتگانه به او تزویج نمود، و ملائکه مقربش را بر آن ازدواج شاهد گرفت، و او را وصی و خلیفه من قرار داد، پس علی از من و من از علی هستم، دوست علی دوست من و دشمن وی دشمن من خواهد بود، و همانا ملائکه به واسطه علی به خداوند تقرّب می‌جویند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۵۱/ ۱۰- الامالی للصدوق (۲) ابْنُ الْوَلِيدِ عَنْ سَعْدِ بْنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع دَخَلْتُ أُمَّ أَيْمَنَ عَلَى النَّبِيِّ ص وَفِي مِلْحَفَتِهَا شَيْءٌ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مَعَكَ يَا أُمَّ أَيْمَنَ فَقَالَتْ إِنَّ فُلَانَةَ أَمَلَكُوهَا فَتَنَزَّوْا عَلَيْهَا فَأَخَذْتُ مِنْ ثَنَائِهَا ثُمَّ بَكَتُ أُمَّ أَيْمَنَ وَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَاطِمَةُ زَوْجَتُهَا وَلَمْ تَنْتَرْ عَلَيْهَا شَيْئًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أُمَّ أَيْمَنَ لِمَ تَكْذِبِينَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ عَلِيًّا ع أَمَرَ أَشْجَارَ الْجَنَّةِ أَنْ تَنْتَرْ عَلَيْهِمْ مِنْ حُلِيِّهَا وَحُلَلِهَا وَيَاقُوتِهَا وَدُرِّهَا وَزُمُرْدِهَا وَاسْتَبْرَقِهَا فَأَخَذُوا مِنْهَا مَا لَهَا يَغْلُمُونَ وَلَقَدْ نَحَلَ اللَّهُ طُوبَى فِي مَهْرِ فَاطِمَةَ ع فَجَعَلَهَا فِي مَنْزِلِ عَلِيٍّ ع زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۳۰ تفسیر العیاشی (۱) عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي جعفر ع مثله (۲)

ترجمه

شیخ صدوق در امالی از امام علی علیه السلام روایت کرده: روزی ام ایمن به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد در حالی که با خود پارچه‌ای داشت و در آن چیزی پیچیده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او گفت: ای ام ایمن! این چیست که با خود داری؟ ام ایمن گفت: به عروسی فلان دختر رفته بودم، از آن چیزهایی که نذر او کرده و نثارش می‌کردند مقداری برداشته‌ام. ام ایمن پس از این سخن به گریه افتاد و گفت: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۳۱ ای رسول خدا تو فاطمه را تزویج کردی ولی چیزی برایش نثار نکردی. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وی گفت: چرا سخن کذب می‌گویی؟ همانا خداوند تبارک و تعالی به هنگام ازدواج فاطمه با علی به درختان بهشت دستور داد تا از ثمره‌های نیکوی خود نثار آنها کنند، و آنان به قدری از آنها برگرفتند که حساب ندارد، و خداوند درخت طوبی را جزء مهریه فاطمه قرار داده و آن را در منزل علی نهاد. عیاشی سمرقندی (ح ۳۲۰ه) در تفسیر خود این روایت را از عمرو بن شمر، از جابر، از امام باقر، از پدرانش، از علی علیهم السلام نقل نموده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۵۲/ ۱۱- تفسیر علی بن ابراهیم (۱) «أَبِي عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ (۲) قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع لَا يَذْكُرُهَا أَحَدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ص إِلَّا أَعْرَضَ عَنْهُ حَتَّى آيَسَ النَّاسُ مِنْهَا فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يُزَوِّجَهَا مِنْ عَلِيٍّ أَسَرَّ إِلَيْهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْتَ أَوْلَى بِمَا تَرَى غَيْرَ أَنْ نِسَاءَ قُرَيْشٍ تُحَدِّثُنِي عَنْهُ أَنَّهُ رَجُلٌ دَخْدَاحُ الْبُطْنِ طَوِيلُ الدَّرَاعَيْنِ ضَعْفُ الْكَرَادِيسِ أَنْزَعُ عَظِيمُ الْعَيْنَيْنِ وَالسَّكْنَةُ [مَشَاشَارُ كَمَشَاشِيرِ الْبَعِيرِ] ضَاحِكُ السِّنِّ لَا مِالَ لَهُ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ أَشْرَفَ عَلَى الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ أَطْلَعَ فَاخْتَارَ عَلِيًّا عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ أَطْلَعَ فَاخْتَارَكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّهُ لَمَّا أُسْرِى بِي إِلَى السَّمَاءِ وَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَى صَخْرَةِ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيْدُتُهُ بِوَزِيرِهِ وَنَصِيرَتُهُ بِوَزِيرِهِ فَقُلْتُ لِجَبْرِئِيلَ وَمَنْ وَزِيرِي فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنتَهَى وَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَيْهَا إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا مُحَمَّدٌ صِفْوَتِي زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۳۲ أَيْدُتُهُ بِوَزِيرِهِ وَنَصِيرَتُهُ بِوَزِيرِهِ فَقُلْتُ لِجَبْرِئِيلَ وَمَنْ وَزِيرِي فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَلَمَّا حَازَوْتُ السِّدْرَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى عَرْشِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَجَدْتُ مَكْتُوبًا عَلَى قَوَائِمِ الْعَرْشِ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا مُحَمَّدٌ حَبِيبِي أَيْدُتُهُ بِوَزِيرِهِ وَنَصِيرَتُهُ بِوَزِيرِهِ فَلَمَّا دَخَلْتُ الْجَنَّةَ رَأَيْتُ فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةَ طُوبَى أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ وَفِي الْجَنَّةِ قَصْرٌ وَلَا مَنْزِلَ إِلَّا وَفِيهَا فِتْرٌ مِنْهَا وَأَعْلَاهَا أَشْفَاطُ حُلٍّ مِنْ سُندُسٍ وَاسْتَبْرَقٌ يَكُونُ لِلْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ أَلْفَ أَلْفِ سَفْطٍ فِي كُلِّ سَفْطٍ مِائَةُ أَلْفِ حُلَّةٍ مَا فِيهِ حُلَّةٌ تُشَبِّهُ الْأُخْرَى عَلَى أَلْوَانٍ مُخْتَلِفَةٍ وَهُوَ ثِيَابُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَسَطُهَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ عَرْضُ الْجَنَّةِ كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ يَسِيرُ الرَّائِبُ فِي ذَلِكَ الظِّلِّ مَسِيرَةَ مِائَةِ عَامٍ فَلَا يَقْطَعُهُ

وَذَلِكَ قَوْلُهُ وَ ظِلٌّ مَمْدُودٌ (١) وَ اسْفَلَهَا ثَمَارُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ طَعَامُهُمْ مُتَدَلِّلٌ فِي بُيُوتِهِمْ يَكُونُ فِي الْقَضِيبِ مِنْهَا مَائَةٌ لَوْنٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ مِمَّا رَأَيْتُمْ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ مَا لَمْ تَرَوْهُ وَ مَا سَمِعْتُمْ بِهِ وَ مَا لَمْ تَسْمَعُوا مِثْلَهَا وَ كُلَّمَا يُجْتَنَى مِنْهَا شَيْءٌ نَبَتْ مَكَانَهَا أُخْرَى لَا مَقْطُوعِيَّةٌ وَلَا مَمْنُوعَةٌ وَ يَجْرِي نَهْرٌ فِي أَصْلِ تِلْكَ الشَّجَرَةِ تَنْفَجِرُ مِنْهَا الْأَنْهَارُ الْأَرْبَعَةُ أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَ أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى (٢) يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي فِي عَلَيٍّ سَبْعَ خِصَالٍ هُوَ أَوَّلُ مَنْ يَنْشُقُّ عَنْهُ الْقَبْرِ مَعِيَ وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ يَقِفُ مَعِيَ عَلَى الصُّرَاطِ فَيَقُولُ لِلنَّارِ خُذِي ذَا وَ ذَرِي ذَا وَ أَوَّلُ مَنْ يُكْسِي إِذَا كُسِيَتْ وَ أَوَّلُ مَنْ يَقِفُ مَعِيَ عَلَى يَمِينِ الْعَرْشِ وَ أَوَّلُ مَنْ يَفْرُغُ مَعِيَ بَابَ الْجَنَّةِ وَ أَوَّلُ مَنْ يَسْكُنُ مَعِيَ عَلَيِّينَ وَ أَوَّلُ مَنْ يَشْرَبُ مَعِيَ مِنَ الرَّحِيقِ الْمُخْتَوِّمِ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (٣) يَا فَاطِمَةُ هَذَا مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَلَيًّا فِي الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُ فِي الْجَنَّةِ إِذَا كَانَ فِي الدُّنْيَا لَا مَالَ لَهُ فَأَمَّا مَا قُلْتُ إِنَّهُ بَطِينٌ فَإِنَّهُ مَمْلُوءٌ مِنْ عِلْمٍ خَصَّهُ اللَّهُ بِهِ وَ أَكْرَمَهُ مِنْ بَيْنِ أُمَّتِي وَ أَمَّا مَا قُلْتُ إِنَّهُ أَنْزَعَ عَظِيمِ الْعَيْنَيْنِ فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَهُ بِصَفَةِ آدَمَ ع وَ أَمَّا طَوْلُ يَدَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ طَوَّلَهَا لِيُقْتَلَ بِهَا أَعِدَاءَهُ وَ أَغْدَاءَ رَسُولِهِ وَ بِهِ يُظْهَرُ اللَّهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ بِهِ يَفْتَحُ اللَّهُ الْفُتُوحَ وَ يَقَاتِلُ الْمُشْرِكِينَ عَلَى تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ وَ الْمَنَافِقِينَ مِنْ أَهْلِ الْبَغْيِ وَ النَّكَثِ وَ الْفُسُوقِ زَنْدَكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحاني)، ص: ٤٣٣

عَلَى تَأْوِيلِهِ وَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ يُزَيِّنُ بِهِمَا عَرْشَهُ يَا فَاطِمَةُ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا جَعَلَ لَهُ ذُرِّيَّةً مِنْ صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ وَ لَوْ لَمَّا عَلَيٍّ مَا كَانَتْ لِي ذُرِّيَّةٌ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَخْتَارَ عَلَيْهِ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَرَوَّجَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ عِنْدَ ذَلِكَ وَ اللَّهُ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ غَيْرُ عَلِيٍّ ع إِيضاح الدحداح القصير السمين و اندح بطنه اندحاحا

اتسع و كل عظمين التقيا في مفصل فهو كردوس نحو المنكيين و الركبتين و الوركين و الأنزع هو الذي انحسر الشعر عن جانبي جبهته و السكنة كقرحة مقر الرأس من العنق و لم أجد لمشار معنى في اللغة و لعله كان في الأصل له مشاش كمشاش البعير و المشاش رءوس العظام و لم تكن تلك الفقرة في بعض النسخ و هو أصوب. قوله إلا- و فيها فتر بالفاء المكسورة ما بين طرف الإبهام و طرف المشيرة و في بعضها بالقاف قال الفيروزآبادي الفتر القدر و يحرك و في بعضها قنو بالكسر أى عذق و التدلل التدلى و الآسن الآجن المتغير و قد مر شرح سائر أجزاء الخبر في كتاب الفتن و كتاب أحوال أمير المؤمنين ع

ترجمہ

علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷هـ) در تفسیر خود، از پدرش و او از برخی اصحابش روایت کرده: کسی برای خواستگاری از فاطمه علیها السّلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم نمی‌رفت مگر اینکه پیامبر از او روی برمی‌گرداند و به وی جواب منفی می‌داد تا آنجا که عموم مردان از ازدواج با فاطمه علیها السّلام مأیوس شدند. آن هنگام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در نظر گرفت حضرت فاطمه علیها السّلام را برای علی علیه السّلام تزویج نماید و با فاطمه در این باره مشورت کرد ... رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به فاطمه فرمود: آیا نمی‌دانی آنگاه که خداوند نظری به زمین افکند، مرا از میان مردان عالم انتخاب کرد، و سپس نظری کرد و علی علیه السّلام را برگزید، سپس توجهی دیگر نمود و تو را از میان زنان دو عالم انتخاب کرد؟ ای فاطمه! وقتی مرا به معراج بردند دیدم بر سنگ بیت المقدّس نوشته شده: خدایی غیر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۳۴ از خدای یکتا نیست، محمّد رسول خداست، من او را به وسیله وزیرش تأیید و یاری نموده‌ام، به جبرئیل گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب. هنگامی که به سدره المنتهی رسیدم دیدم بر آن نوشته شده: من خداوندی هستم که غیر از او معبودی نیست، محمّد را که حبیب من است به وسیله وزیرش تأیید و نصرت کرده‌ام. به جبرئیل گفتم: وزیر من کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب. وقتی از سدره المنتهی گذشتم و به عرش پروردگار رسیدم دیدم که بر یکی از قائم‌های عرش نوشته شده: من خدایی هستم که غیر از او معبودی نیست، محمّد برگزیده و حبیب من است که او را به وسیله وزیرش تأیید و یاری نموده‌ام. وقتی داخل بهشت شدم درخت طوبی را دیدم که ریشه‌اش در خانه علی بود، و در آنجا هیچ قصر و منزلی نبود مگر اینکه در آن شاخه‌ای از این درخت وجود

داشت، بالای درخت سبدهایی پر از سندس و استبرق وجود داشت و هر سبدی را هزار هزار سبد بود و در هر سبدی صد هزار حله، و هیچ حله‌ای در آن نبود که به دیگری شباهت داشته باشد، زیرا آنها دارای رنگهای مختلف بودند و لباسهای اهل بهشت از آنهاست، در وسط بهشت سایه‌ای است ممتد که پهنای آن به قدر پهنای تمام آسمانها و زمین است و خداوند آن را برای ایمان آورندگان به خداوند و رسولش آماده کرده است. حال اگر شخص سواری مدت صد سال در آن سایه راه طی کند، آن سایه تمام نمی‌شود و همین است قول خداوند در قرآن که می‌فرماید: «و ظِلٌّ مَّمْدُودٌ» (۱)، و میوه‌های اهل بهشت از آن درخت آویزان است، و غذای هر کسی در خانه خود از شاخه آن آویزان شده است و در هر شاخه آن درخت صد رنگ میوه وجود دارد که بخشی از آن رنگها را هرگز در دنیا ندیده است. هر گاه آن میوه‌ها از درخت چیده شود میوه دیگری به جای آن به وجود می‌آید و آن میوه‌ها هرگز ممنوع نمی‌شوند و رشد آنها هرگز قطع نمی‌گردد. نه‌ری در زیر این درخت از کنار ریشه‌اش جریان دارد که چهار نهر دیگر از آن منشعب می‌شود و آن چهار نهر همان است که خداوند در قرآن فرموده: «نهرهایی از آبی که فاسد نمی‌شوند، نهرهایی از شیری از طعم آن تغییر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۳۵ نمی‌کند، نهرهایی از شربتهای گوارا، نهرهایی از عسل مصفاً». ای فاطمه! همانا خداوند به علی هفت خصلت عطا فرموده است: ۱- علی اولین کسی است که با من از قبر خارج می‌شود ۲- علی اولین کسی است که با من بر لبه صراط می‌ایستد و به آتش می‌گوید: این را بسوزان و آن را رها کن ۳- علی اولین کسی است که بدنش بعد از من پوشیده می‌شود ۴- علی اولین کسی است که با من در طرف راست عرش توقف خواهد کرد ۵- علی اولین کسی است که با من در بهشت را خواهد کوبید ۶- علی اولین کسی است که با من ساکن علّین خواهد شد ۷- علی اولین کسی است که با من از آشامیدنیهای دست ناخورده و ناب خواهد نوشید «همان آشامیدنی که مهر آن از مشک است و مشتاقین به آن رغبت فراوان دارند». ای فاطمه! اینها نعمتهایی هستند که خداوند آنها را برای علی در آخرت و بهشت اختصاص داده، در صورتی که در دنیا زاهد باشد. ... به وسیله مجاهدتهای علی است که خدا دین خود را ظاهر می‌کند و لو که مشرکان را خوش نیاید، و به وسیله اوست که خداوند فتح و پیروزی به اسلام عطا می‌فرماید و مشرکین بر اساس تنزیل، و منافقین از اهل بغی و پیمان‌شکنان و فاسقین بر اساس تأویل قرآن کشته می‌شوند، و خداوند از صلب او دو سرور جوانان بهشت را که بهشت به وسیله آنها زینت می‌شود، خارج می‌نماید. فاطمه جان! خدا هیچ پیامبری را مبعوث ننموده مگر اینکه ذریّه و نسل وی را از صلب او قرار داده ولی نسل مرا از صلب علی قرار داده است، اگر علی نبود ذریّه و نسلی برای من باقی نمی‌ماند. پس از این گفتگوها حضرت فاطمه علیها السلام گفت: ای رسول خدا! من احدی از اهل زمین را بر علی مقدم نخواهم کرد. پس رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ فاطمه علیها السلام را برای علی علیه السلام تزویج کرد. ابن عباس در این باره می‌گوید: به خداوند سوگند غیر از علی علیه السلام کسی لیاقت و شایستگی همسری با فاطمه علیها السلام را نداشت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۵۳/۱۲- الأُمّالی للصدوق (۱) «ابن الولید عن الصّفّار عن سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عن إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُقَاتِلٍ عن حَامِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عن عُمَرَ بْنِ هَارُونَ عن الصّادِقِ عن آبَائِهِ عن عَلِيٍّ ع قَالَ لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْوِيجِ فَاطِمَةَ ابْنَتِهِ مُحَمَّدٍ ص وَ لَمْ أَتَجَرَأْ أَنْ أَذْكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ وَ إِنَّ ذَلِكَ لَيَخْتَلِجُ فِي صِدْرِي لَيْلِي وَ نَهَارِي حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا عَلِيُّ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هَلْ لَكَ فِي التَّزْوِيجِ قُلْتُ رَسُولُ اللَّهِ أَغْلَمُ وَ إِذَا هُوَ يُرِيدُ أَنْ يُزَوِّجَنِي بَعْضَ نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ إِنِّي لَخَائِفٌ عَلَى فَوْتِ فَاطِمَةَ فَمَا شَعَرْتُ بِشَيْءٍ إِذْ أَتَانِي رَسُولُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لِي أَجِبِ النَّبِيَّ ص وَ أَشِيرْ فَمَا رَأَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ ص أَشَدَّ فَرَحًا مِنْهُ الْيَوْمَ قَالَ فَأَتَيْتُهُ مُسْرِعًا فَإِذَا هُوَ فِي حُجْرَةٍ أُمِّ سَلَمَةَ فَلَمَّا

نَظَرَ إِلَى تَهَلَّلَ وَجْهُهُ فَرَحًا وَ تَبَسَّمَ حَتَّى نَظَرْتُ إِلَى بَيَاضِ أَسْنَانِهِ يَبْرِقُ فَقَالَ أَبْشُرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ كَفَانِي مَا قَدْ كَانَ أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ تَزْوِيجِكَ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَتَانِي جِبْرِيلُ وَ مَعَهُ مِنْ سُتْبِلِ الْجَنَّةِ وَ قَرْنُفُلِهَا فَنَاقُولُ لِنِيهِمَا فَأَخَذْتُهُمَا وَ شَجَمْتُهُمَا فَقُلْتُ مَا سَبَبُ هَذَا السُّتْبِلِ وَ الْقَرْنُفُلِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمَرَ سَيِّكَانَ الْجَنَانِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ فِيهَا أَنْ يُزَيِّنُوا الْجَنَانَ كُلَّهَا بِمَعَارِسِهَا وَ أَشْجَارِهَا وَ ثِمَارِهَا وَ قُصُورِهَا وَ أَمَرَ رِيحَهَا فَهَبَّتْ بِأَنْوَاعِ الْعُطْرِ وَ الطَّيْبِ وَ أَمَرَ حُورَ عَيْنِهَا بِالْقِرَاءَةِ فِيهَا بِسُورَةِ طه وَ طَوَاسِينَ وَ يس وَ حَمِيسَ ثُمَّ نَادَى مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ أَلَا إِنَّ الْيَوْمَ يَوْمٌ وَلِيَمَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ أَلَا إِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ مَنِي بَعْضُهُمَا لِبَعْضٍ ثُمَّ بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَحَابَهُ بَيْضَاءَ فَقَطَرَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ لَوْلُئِهَا وَ زَبَرَجَدِهَا وَ يَوَاقِيَتِهَا وَ قَامَتِ الْمَلَائِكَةُ فَتَثَرَتْ مِنْ سُتْبِلِ الْجَنَّةِ وَ قَرْنُفُلِهَا هَذَا مِمَّا نَثَرَتِ الْمَلَائِكَةُ ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَلَكًا مِنْ مَلَائِكَةِ الْجَنَّةِ يُقَالُ لَهُ رَاحِيلُ وَ لَيْسَ فِي الْمَلَائِكَةِ أَتْلُغُ مِنْهُ فَقَالَ اخْطُبْ يَا رَاحِيلُ فَخَطَبَ بِخُطْبَةٍ لَمْ يَسْمَعْ بِمِثْلِهَا أَهْلُ السَّمَاءِ وَ لَا أَهْلُ الْأَرْضِ ثُمَّ نَادَى مُنَادٍ أَلَا يَا مَلَائِكَتِي وَ سَيِّكَانَ جَنَّتِي بَارِكُوا عَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَبِيبِ مُحَمَّدٍ وَ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ فَقَدْ بَارَكْتُ زَنْدِكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۳۷ عَلَيْهِمَا أَلَا إِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ أَحَبَّ النِّسَاءِ إِلَيَّ مِنْ أَحَبِّ الرِّجَالِ إِلَيَّ بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ رَاحِيلُ الْمَلِكُ يَا رَبِّ وَ مَا بَرَكَتُكَ فِيهِمَا بِأَكْثَرٍ مِمَّا رَأَيْنَا لَهُمَا فِي جَنَانِكَ وَ دَارِكَ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ يَا رَاحِيلُ إِنَّ مِنْ بَرَكَتِي عَلَيْهِمَا أَنْ أَجْمَعَهُمَا عَلَى مَحَبَّتِي وَ أَجْعَلَهُمَا حُجَّةً عَلَى خَلْقِي وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَخْلَقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا وَ لَأُنْشِئَنَّ مِنْهُمَا ذُرِّيَّةً أَجْعَلُهُمْ خُزَّانِي فِي أَرْضِي وَ مَعَادِنِ لِعِلْمِي وَ دُعَاءَ إِلَى دِينِي بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَى خَلْقِي بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ فَأَبْشُرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَكَ كَرَامَةً لَمْ يُكْرَمْ بِمِثْلِهَا أَحَدًا وَ قَدْ زَوَّجْتُكَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَى مَا زَوَّجَكَ الرَّحْمَنُ وَ قَدْ رَضِيَتْ لَهَا بِمَا رَضِيَ اللَّهُ لَهَا فَدُونَكَ أَهْلَكَ فَإِنَّكَ أَحَقُّ بِهَا مِنِّي وَ لَقَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ عَ أَنَّ الْجَنَّةَ مُشْتَقَّةٌ إِلَيْكُمْ وَ لَا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدَّرَ أَنْ يُخْرِجَ مِنْكُمْ مَا يَتَّخِذُهُ عَلَى الْخَلْقِ حُجَّةً لَأَجَابَ فِيكُمْ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَهَا فَيَعْمُ الْأَخُ أَنْتَ وَ نِعَمُ الْخَتَنُ أَنْتَ وَ نِعَمُ الصَّاحِبُ أَنْتَ وَ كَفَاكَ بِرَضَى اللَّهِ رَضَى قَالَ عَلِيُّ عَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَلِّغْ مِنْ قَدْرِي حَتَّى إِنِّي ذُكِرْتُ فِي الْجَنَّةِ وَ زَوَّجَنِي اللَّهُ فِي مَلَائِكَتِهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَكْرَمَ وَلِيَّهُ وَ أَحَبَّهُ أَكْرَمَهُ بِمَا لَمَّا عَيْنُ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ فَحَبَّاهَا اللَّهُ لَكَ يَا عَلِيُّ فَقَالَ عَلِيُّ عَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ - «۱» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص آمِينَ عِيُونَ أَخْبَارِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَام «۲» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُظْفَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ مَهْدِيٍّ عَنْ سَابِقِ عَنْ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَ مِثْلَهُ عِيُونَ أَخْبَارِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَام «۳» الدِّقَاقُ عَنْ ابْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانِ عَنْ ابْنِ حَبِيبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ أَبِي مَعَاوِيَةَ عَنْ الْأَعْمَشِ عَنْ الصَّادِقِ عَ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَ مِثْلَهُ

ترجمه

شیخ صدوق در امالی از علی بن ابی طالب علیه السّلام روایت کرده که فرمود: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۳۸ من عزم خود را جزم کردم که با فاطمه علیها السّلام ازدواج کنم ولی جرات نمی کردم این مطلب را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در میان بگذارم، این آرزو در هر شب و روز در سینه من شعله می کشید تا اینکه بالاخره به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدم. آن حضرت به من فرمود: ای علی! گفتیم: بفرماید ای رسول خدا! فرمود: تصمیم به ازدواج گرفته ای؟ گفتیم: رسول خدا بهتر می داند. و دانستم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قصد دارد بعضی از زنان قریش را برایم تزویج کند، ولی من نگران بودم که مبادا فاطمه علیها السّلام از دستم برود. روزی پیامبر شخصی را نزد من فرستاد و مرا احضار کرد، من که از شدت خوشحالی سر از پا نمی شناختم به حضور آن حضرت که در حجره ام سلمه مشرف شدم و دیدم که آن بزرگوار به قدری شادمان است و خوشحال که سابقه نداشت، و هنگامی که چشمم به ایشان افتاد، دیدم که چشمانش می درخشید و سفیدی دندانهایش از سرور و خنده ای که داشت مشاهده می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای علی! به تو مژده می دهم که خداوند آن غم که در باره ازدواج تو داشتم برطرف کرد. گفتیم: چگونه ای رسول خدا؟ گفت: جبرئیل نزد من آمد و

سنبل و قرنفل بهشتی به من داد، من آنها را گرفتم و بوییدم و به جبرئیل گفتم: این سنبل و قرنفل برای چیست؟ گفت: خدای توانا به ملائکه و ساکنین بهشت دستور داده که بهشت را با میوه‌های درختان، درخت‌ها و گیاهان زیبا و قصرها زینت کنند و باد بهشت را فرمان داده تا عطر و بوی آنها را در سراسر بهشت منتشر سازند، و حور العین بهشت را فرمان داده تا سوره طه، و طواسین و یس و حمعسق را تلاوت کند، سپس منادی از زیر عرش ندا در داده: آگاه باشید که امروز روز ولیمه و عروسی علی بن ابی طالب است، بدانید که من شما را شاهد می‌گیریم بر اینکه فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم را برای علی بن ابی طالب، به رضایت خود تزویج نمودم. آنگاه خداوند تبارک و تعالی ابر سفیدی را فرستاد تا قطرات خود را به صورت لؤلؤ و زبرجد و یاقوت بر سر آنان ببارد، و پس از آن ملائکه برخاستند و سنبل و قرنفل نثار اهل بهشت کردند، و این سنبل و قرنفل از آنها می‌باشد. پس از آن خداوند ملکی را که نامش راحیل است و در میان ملائکه خطیبی بلیغ‌تر و فصیح‌تر از او وجود ندارد مأموریت داد تا خطبه‌ای بخواند. راحیل خطبه‌ای ایراد نمود که اهل آسمان‌ها و زمین نظیر آن را نشنیده زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۳۹ بودند سپس منادی ندا داد: ای ملائکه و ساکنین بهشت، ازدواج علی را که حبیب محمد است با دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم تبریک بگوئید، زیرا من هم به ایشان تبریک گفته‌ام. آگاه و شاهد باشید که من بعد از پیامبران، محبوبترین زنان را برای محبوبترین مردان تزویج نمودم. راحیل گفت: خداوند! بیش از اینکه ما می‌بینیم و در بهشت به ایشان داده‌ای، چه چیز دیگری به آنها عطا خواهی کرد؟ خدای متعال فرمود: ای راحیل! برکت بیشتری که به آنها می‌دهم، این است که آنان با محبت من زندگی خواهند کرد و آنان را برای خلق خود حجت و دلیل قرار می‌دهم، به عزت و جلال سوگند، مخلوقی از آنان به وجود می‌آورم و از آن دو، نسلی ایجاد می‌کنم که خزانه داران من در زمین، و معدن علم من، و طرفداران و هدایت‌کنندگان مردم به سوی دین من خواهند بود و بعد از پیامبران و رسولان، به وسیله آنان بر خلق اتمام حجت خواهم نمود. [و رسول خدا ادامه داد:] ای علی! به تو مژده می‌دهم زیرا خداوند تو را به قدری گرامی داشته و اکرام کرده که احدی را چنان عزیز و گرامی نداشته. ای علی! من دخترم فاطمه را بر همان چیزی تزویج نمودم که خداوند رحمان او را تزویج نمود، و به آن چیزی برای فاطمه راضی شده‌ام که خدا راضی شده است، اکنون او زن توست و در اختیار تو می‌باشد و تو از من به وی سزاوارتری. و جبرئیل به من خبر داده که بهشت به شما دو نفر اشتیاق دارد و اگر نبود اینکه خداوند عز و جل مقدر نموده فرزندان از شما به وجود بیاید که بر خلق حجت باشند، در این صورت اشتیاق بهشت و اهل آن را پاسخ می‌داد و شما را هر چه زودتر داخل بهشت می‌نمود. پس ای علی! تو بهترین برادر و بهترین داماد و بهترین مصاحب هستی و برای تو همین بس که خداوند از تو راضی و خشنود است. علی می‌گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفتم: آیا مقام من به جایی رسیده که در بهشت نامی از من برده شود و خدا ملائکه را برای ازدواج من شاهد بگیرد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا خدای عز و جل هر گاه ولی و دوست خود را گرامی بدارد به گونه‌ای گرامی می‌دارد که چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد و خداوند این مقام را به تو عطا فرموده است. علی علیه السلام گفت: پروردگارا به من توفیق بده تا در برابر نعمت‌های تو شکر گزار باشم. و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۴۰ پیامبر فرمود: آمین. (۱)

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۳/۲۵۴- تفسیر فرات «(۱) عَقَبَةُ بْنُ مُكْرَمِ الضَّبِّيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَارُونَ الطُّوسِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آيَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع مِثْلَهُ وَ فِي آخِرِهِ فَإِنَّمَا حَيَّاكَ اللَّهُ

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۴۲ فی الْجَنَّةِ بِمَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع يَا رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي فَقَالَ النَّبِيُّ ص آمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ

ترجمه

فرات بن ابراهیم کوفی (حدود ۳۳۰ هـ) حدیث پیشین را در تفسیر خود نقل کرده و در آخر آن آورده است: همانا خداوند در بهشت تو را به گونه‌ای تکریم نموده که کسی به چشم ندیده و به گوش نشنیده است. پس علی علیه السلام گفت: پروردگارا! مرا از کسانی قرار ده که به خاطر نعمت‌هایی که به او و پدر و مادرش عطا فرموده‌ای تو را شکرگزار باشند، و عمل صالح و شایسته انجام دهم تا تو راضی و خشنود گردی، و ذریه مرا صالح قرار بده. سپس پیامبر فرمود: اجابت فرما ای پروردگار عالمیان و ای بهترین یاری کنندگان.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۵۵/۱۴- قرب الإسناد «۱» ابْنُ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ كَانَ فِرَاشُ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةُ حِينَ دَخَلَتْ عَلَيْهِ إِهَابُ كَبِشٍ إِذَا أَرَادَا أَنْ يَنَامَا عَلَيْهِ قَلْبَاهُ فَنَامَا عَلَى صُوفِهِ قَالَ وَ كَانَتْ وَ سَادَتْهُمَا أَدَمًا حَشَوْهَا لَيْفٌ قَالَ وَ كَانَ صَدَاقُهَا دِرْعًا مِنْ حَدِيدٍ

ترجمه

ابو العباس عبد الله بن جعفر حمیری قمی (ح ۳۱۰ هـ) در قرب الاسناد، از امام زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۴۳ باقر علیه السلام روایت کرده که گفت: هنگامی که فاطمه و علی علیهما السلام ازدواج کردند زیرانداز آنها پوست گوسفند بود که هر گاه می‌خواستند بخوابند آن را برمی‌گردانیدند و روی پشم آن می‌خوابیدند، و متکای آنان از پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند. و امام باقر علیه السلام می‌گفت: مهریه فاطمه علیها السلام یک زره آهنی بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۵۶/۱۵- الأُمَالِي الطُّوسِي «۱» أَبُو عَمْرٍو عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَرْزُوقِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حِزَابِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ أَتَاهُ أَنَاسٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا إِنَّكَ زَوَّجْتَ عَلِيًّا بِمَهْرٍ خَسِيسٍ فَقَالَ مَا أَنَا زَوَّجْتُ عَلِيًّا وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ زَوَّجَهُ لَيْلَةً أُسِيرَ بِي عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ السُّدْرَةَ أَنْ أَثَرِي مَا عَلَيْكَ فَتَنَرَتِ الدَّرُّ وَالْجَوْهَرُ وَالْمَرْجَانُ فَابْتَدَرَ الْحُورُ الْعَيْنُ فَالْتَقَطْنَ فَهْنً يَتَهَادَيْنَهُ وَيَتَفَاخَرْنَ وَيَقْلَنَ هَذَا مِنْ نِتَارِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ الزَّوَافِ أَتَى النَّبِيَّ بِبَغْلَتِهِ الشَّهْبَاءُ وَ ثَنَى عَلَيْهَا قَطِيفَةً وَقَالَ لِفَاطِمَةَ ارْكَبِي وَ أَمَرَ سَيِّمَانَ أَنْ يَقُودَهَا وَ النَّبِيُّ ص يَسُوقُهَا فَيَنِمَا هُوَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ إِذْ سَمِعَ النَّبِيَّ ص مَا أَهْبَطَكُمْ إِلَى الْأَرْضِ قَالُوا جِئْنَا نَرُفُ فَاطِمَةَ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَكَبَّرَ جَبْرِئِيلُ وَ كَبَّرَ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۴۴ مِيكَائِيلُ وَ كَبَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ وَ كَبَّرَ مُحَمَّدٌ ص فَوَقَعَ التَّكْبِيرُ عَلَى الْعَرَائِسِ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ بَيَانِ الْوَجْبَةِ السَّقَطَةِ مَعَ الْهَدَّةِ أَوْ صَوْتِ السَّاقَطِ وَ فِي بَعْضِ النُّسخ وَ حِيَةً بِالْحَاءِ الْمَهْمَلَةِ وَ الْيَاءِ الْمُثَنَاءِ وَ الْوَحْيِ الْكَلَامِ

الخفی

ترجمه

شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) در امالی از جابر بن عبد الله رحمه الله روایت کند که گفت: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را برای علی علیهما السلام تزویج نمود عده‌ای از قریشیان نزد آن حضرت آمده و گفتند: تو دختری را با مهریه کم به ازدواج علی علیه السلام در آوردی. پیامبر گفت: من او را برای علی تزویج نکردم بلکه خداوند عز و جل در شب معراج او را برای علی علیه السلام تزویج کرد و وحی کرد به «سدره المنتهی» که جواهرات خود را به پای ملائک بریزد، و حور العین از آن جواهرات جمع می‌کردند و به داشتن آنها مباحثات می‌کردند و می‌گفتند: اینها بر گرفته از جواهراتی است که به خاطر ازدواج فاطمه نثار کردند. هنگامی که عروسی علی و فاطمه فرا رسید رسول خدا اسب خود به نام «شهباء» را آورد و بر آن قطیفه‌ای افکند و به فاطمه گفت تا بر آن سوار شود، و به سلمان فرمان داد تا افسار آن را به دست گیرد در این حال ناگهان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متوجه جبرئیل و میکائیل شد که هر یک با هفتاد هزار فرشته دیگر به زمین آمده‌اند، پس از آنها سؤال فرمود: به چه دلیل از آسمان هبوط- فرود آمدن- کرده‌اید؟ گفتند: آمده‌ایم فاطمه را تا خانه علی بدرقه کنیم، پس در آن روز جبرئیل، میکائیل، و ملائکه و محمد صلی الله علیه و آله و سلم همگی تکبیر می‌گفتند و از آن تاریخ، گفتن تکبیر در عروسی‌ها رایج گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۵۷/۱۶- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِإِسْنَادِ التِّمِيمِيِّ عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص مَا زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ إِلَّا بَعْدَ مَا أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِتَزْوِيجِهَا

ترجمه

شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۴۵ فرمود: فاطمه را به ازدواج علی علیه السلام در نیاوردم مگر پس از آنکه خداوند عز و جل فرمان ازدواج او با علی علیه السلام را صادر نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۵۸/۱۷- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْإِسْنَادِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَرَوَّجَهَا مِنْهُ وَقَدْ أَمَرْتُ شَجَرَةَ طُوبَى أَنْ تَحْمِلَ الدُّرَّ وَالْيَاقُوتَ وَالْمَرْجَانَ وَإِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ قَدْ فَرَحُوا لَذَلِكَ وَسَيُؤَلَّدُ مِنْهَا وَلَدَانِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَبِهِمَا يُزَيَّنُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَأَبَشِّرْ يَا مُحَمَّدُ فَإِنَّكَ خَيْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ صح، «۲» عنه ع مثله «۳»

ترجمه

شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا، به سه سند از امام رضا علیه السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: فرشته‌ای به نزد من آمد و گفت: ای محمد! همانا خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: من فاطمه را برای علی تزویج نمودم، پس تو نیز زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۴۶ او را به ازدواج علی درآور، فرمان دادم تا شجره طوبی جواهرات خود را به پای آنها فرو ریزد، و اهل آسمان از این نثار خشنود شدند، و به زودی از او فرزندانی متولد می‌شود که سروران جوانان اهل بهشت هستند و اهل بهشت به آنها مباحثات می‌کنند. پس ای محمد! بشارت باد بر تو که همانا تو بهترین آدمیان از اولین و آخرین آنها هستی. همین حدیث در صحیفه الرضا نیز روایت شده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۸/۲۵۹- الأمالی الطوسی «۱» الْحَفَّارُ عَنِ الْجَعَابِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْعِجْلِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَطْلُبُنِي فَقَالَ أَيَنْ أَخِي يَا أُمَّ أَيْمَنَ قَالَتْ وَمَنْ أَخُوكَ قَالَ عَلِيٌّ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَزُوجُهُ ابْنَتَكَ وَهُوَ أَخُوكَ قَالَ نَعَمْ أَمَا وَاللَّهِ يَا أُمَّ أَيْمَنَ لَقَدْ زَوَّجْتُهَا كُفُؤًا شَرِيفًا وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

ترجمه

شیخ طوسی در امالی به سندش از علی علیه السلام روایت کرده: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دنبال من می‌گشت، پس گفتم: ای ام ایمن! آیا می‌دانی برادرم کجاست؟ ام ایمن گفت: برادرت چه کسی است؟ فرمود: علی علیه السلام، گفتم: ای رسول خدا! آیا دخترت را به ازدواج برادرت درآوردی؟! فرمود: بله، اما به خداوند سوگند ای ام ایمن، او را به همسری مردی درآوردم که کفوی شریف و آبرومند در دنیا و آخرت است و او از مقربان می‌باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹/۲۶۰- ما، الأمالی الطوسی «۲» الْحَسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ الْقُرَوِينِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُبَيْشٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي عُذْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمَّهَرَ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۴۷ فَاطِمَةَ ع رُبْعَ الدُّنْيَا فَرُبِعَهَا لَهَا وَ أَمَّهَرَهَا الْجَنَّةَ وَ النَّارَ تَدْخُلُ أَغْدَاءَهَا النَّارَ وَ تَدْخُلُ أَوْلِيَاءَهَا الْجَنَّةَ وَ هِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى

ترجمه

و نیز شیخ طوسی در امالی به سندش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی مهریه فاطمه را ربع دنیا قرار داد، پس یک چهارم دنیا به آن حضرت تعلق دارد، و مهریه او را بهشت و جهنم قرار داد، بنا بر این دشمنان او داخل جهنم و آتش می‌شوند و دوستانش داخل بهشت، و او صدیقه کبری است و بر محور معرفت او تاریخ صدر اسلام شکل گرفت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۶۱/۲۰- قرب الإسناد «۱» مُحَمَّدُ بْنُ الْوَلِيدِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ زَوْجَ رَسُولِ اللَّهِ ص عَلِيًّا فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا عَلَى دُرْعٍ لَهُ حُطْمِيَّةٍ تَسْوَى ثَلَاثِينَ دِرْهَمًا - ۲۶۱/۲۱- أَقُولُ سَيَأْتِي فِي تَزْوِيجِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى يَخْطُبُ أُمَّ الْفَضْلِ بِنْتَ عَبْدِ اللَّهِ الْمَأْمُونِ وَبَدَلَ لَهَا مِنْ الصَّدَاقِ مَهْرَ جَدَّتِهِ فَاطِمَةَ وَهُوَ خَمْسُمِائَةِ دِرْهَمٍ جَيَادٍ

ترجمه

عبد الله بن جعفر حمیری در کتاب قرب الاسناد از امام صادق علیه السلام روایت کرده: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را به ازدواج علی علیه السلام درآورد، مهر او را زره حطمیه قرار داد که ارزش آن سی درهم بود. علامه مجلسی می گوید: در کتاب تزویج امام محمد تقی از بحار الانوار آمده است که آن حضرت ام الفضل دختر عبد الله مأمون را به مهر جده اش حضرت فاطمه علیها السلام، یعنی ۵۰۰ درهم نقره سالم به عقد و ازدواج خود درآورد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۶۲/۲۱- الخرائج و الجرائح «۱» رَوَى أَنَّهُ لَمَّا كَانَ وَقْتُ زِفَافِ فَاطِمَةَ ع اتَّخَذَ النَّبِيُّ ص طَعَامًا وَ خَبِيصًا وَقَالَ لِعَلِيِّ ادْعُ النَّاسَ قَالَ عَلِيُّ ع جِئْتُ إِلَى النَّاسِ فَقُلْتُ أَجِيبُوا الْوَلِيْمَةَ فَأَقْبَلُوا فَقَالَ النَّبِيُّ ص ادْخُلْ عَشْرَةَ فَدَخَلُوا وَقَدَّمَ إِلَيْهِمُ الطَّعَامَ وَ الثَّرِيدَ فَأَكَلُوا ثُمَّ أَطْعَمَهُمُ السَّمْنَ وَ الثَّمَرَ فَلَا يَزْدَادُ الطَّعَامُ إِلَّا بَرَكَهً فَلَمَّا أَطْعَمَ الرَّجَالَ عَمِدَ إِلَى مَا فَضَلَ مِنْهَا فَتَقَلَّ فِيهَا وَ بَارَكَ عَلَيْهَا وَ بَعَثَ مِنْهَا إِلَى نِسَائِهِ وَ قَالَ قُلْ لَهُنَّ كُلْنَ وَ أَطْعِمْنَ مَنْ غَشِيَكُنَّ ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص دَعَا بِصُحُفَةٍ فَجَعَلَ فِيهَا نَصِيحًا فَقَالَ هَذَا لَكَ وَ لِأَهْلِكَ وَ هَبْطَ جَبْرِئِلُ فِي زُمْرَةِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ بِهَدِيَّةٍ فَقَالَ لَأُمِّ سَلَمَةَ امْلِكِي الْقُعْبَ مَاءً فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ اشْرَبْ نِصْفَهُ ثُمَّ قَالَ لِفَاطِمَةَ اشْرَبِي وَ أَبْقِي ثُمَّ أَخَذَ الْبَاقِي فَصَبَّهُ عَلَى وَجْهِهَا وَ نَحَرَهَا ثُمَّ فَتَحَ السَّلَّةَ فَإِذَا فِيهَا كَعُكٌ وَ مَوْزٌ وَ زَبِيبٌ فَقَالَ هَذَا هَدِيَّةُ جَبْرِئِلِ ثُمَّ أَقْلَبَ مِنْ يَدِهِ سَيْفَرَجَلَةً فَشَقَّهَا نِصْفَيْنِ وَ أَعْطَى عَلِيًّا وَقَالَ هَذِهِ هَدِيَّةٌ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَيْكُمَا وَ أَعْطَى عَلِيًّا نِصْفًا وَ فَاطِمَةَ نِصْفًا

ترجمه

قطب الدین سعید بن عبد الله هبة الله راوندی (۵۷۱هـ) در کتاب الخرائج و الجرائح به صورت مرسل روایت کرده است: هنگامی که وقت عروسی حضرت فاطمه فرا رسید پیغمبر اکرم غذایی از خرما و روغن که آن را خبیص می گویند، تهیه کرد و به حضرت علی فرمود: مردم را برای ولیمه فاطمه دعوت کن. امیر المؤمنین علیه السلام می گوید: من نزد مردم آمدم و گفتم: بیایید و از ولیمه عروسی استفاده نمایید! وقتی مردم آمدند، رسول خدا فرمود که ده نفر سر سفره حاضر شوند. پیامبر خدا پس از اینکه غذا به آنان داد روغن و خرما هم به ایشان عطا کرد. غذا همچنان برکت می کرد، هنگامی که غذای مردها را داد متوجه غذا شد و آب دهان مبارک خود را به آن زد و از خدا خواست که به آن برکت دهد و از آن غذا برای زنانش فرستاد و فرمود: بخورید. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۴۹ سپس پیغمبر خدا کاسه ای خواست و مقداری غذا در میان آن ریخت و به من فرمود: این غذا برای تو و زوجهات می باشد. آنگاه جبرئیل با گروهی از ملائکه نازل شدند و هدیه ای آوردند. رسول خدا به ام سلمه فرمود: این ظرف را پر از آب کن! بعدا به من فرمود: یا علی! نصف این آب را بیاشام! سپس به فاطمه فرمود: تو نیز مقداری از این آب را بیاشام! آنگاه پیامبر خدا باقیمانده آن آب را گرفت و به صورت و گلوی فاطمه پاشید. رسول خدا پس از این جریان سبدي

را باز کرد و مقداری نان قندی و موز و کشمش در میان آن بود پس از آن فرمود: اینها هدیه جبرئیل است. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک گلابی را که فرمود: هدیه بهشتی است، دو قسمت نمود، یک قسمت آن را به علی و قسمت دیگرش را به فاطمه زهرا عطا کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۶۳/۲۲- مناقب آل ابی طالب «۱» ابْنُ عَبَّاسٍ وَ ابْنُ مَسْعُودٍ وَ جَابِرٌ وَ الْبَرَاءُ وَ أَنَسٌ وَ أُمُّ سَلَمَةَ وَ الشَّدَّادِيُّ وَ ابْنُ سِيرِينَ وَ الْبَاقِرُ عَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا «۲» قَالُوا هُوَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا «۳» الْقَائِمُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لِأَنَّهُ لَمْ يَجْتَمِعْ نَسَبٌ وَ سَبَبٌ فِي الصَّحَابَةِ وَ الْقَرَابَةِ إِلَّا لَهُ فَلَاجِلِ ذَلِكَ اسْتَحَقَّ الْمِيرَاثَ بِالنَّسَبِ وَ السَّبَبِ وَ فِي رَوَايَةِ الْبَشَرِ الرَّسُولُ وَ النَّسَبُ فَاطِمَةُ وَ الصَّهْرُ عَلِيُّ ع تَفْسِيرُ التَّغْلِبِ، قَالَ ابْنُ سِيرِينَ نَزَلَتْ فِي النَّبِيِّ وَ عَلِيٍّ زَوْجِ فَاطِمَةَ وَ هُوَ ابْنُ عَمِّهِ وَ زَوْجُ ابْنَتِهِ فَكَانَ نَسَبًا وَ صِهْرًا ابْنُ الْحَجَّاجِ بِالْمُصْطَفَى وَ بِصِهْرِهِ وَ وَصِيَّهُ يَوْمَ الْعَدِيرِ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۵۰ كَعْبُ بْنُ زُهَيْرٍ صِهْرُ النَّبِيِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ كُلِّهِمُ الصَّادِقُ ع أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْ لِفَاطِمَةَ لَا تَعْصِي عَلَيَّ «۱» فَإِنَّهُ إِنْ غَضِبَ غَضِبَتْ لِغَضَبِهِ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۵۳ عَوْتَبُ النَّبِيِّ ص فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَوْ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ وَ فِي خَبَرٍ لَوْلَاكَ لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ «۱» الْمُفْضَلُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ «۲» وَ قَالُوا تَزَوَّجَ النَّبِيُّ ص مِنَ الشَّيْخَيْنِ وَ زَوْجَ مِنْ عُثْمَانَ بَنِيْنِ قُلْنَا التَّزْوِيجُ لَا يَدُلُّ عَلَى الْفَضْلِ وَ إِنَّمَا هُوَ مَبْنِيٌّ عَلَى إِظْهَارِ الشَّهَادَتَيْنِ ثُمَّ إِنَّهُ ص تَزَوَّجَ فِي جَمَاعَةٍ وَ أَمَّا عُثْمَانُ فَفِي زَوَاجِهِ خِلَافٌ كَثِيرٌ وَ أَنَّهُ كَانَ زَوْجَهُمَا مِنْ كَافِرِينَ قَبْلَهُ وَ لَيْسَتْ حُكْمُ فَاطِمَةَ مِثْلَ ذَلِكَ لِأَنَّهَا وَلِيدَةُ الْإِسْلَامِ وَ مِنْ أَهْلِ الْعِبَادَةِ وَ الْمُبَاهَلَةِ وَ الْمُهَاجَرَةِ فِي أَصْعَبِ وَقْتٍ وَ وَرَدَ فِيهَا آيَةُ التَّطْهِيرِ وَ افْتَخَرَ جَبْرئِيلُ بِكَوْنِهِ مِنْهُمْ وَ شَهِدَ اللَّهُ لَهُمْ بِالصَّدَقِ وَ لَهَا أُمُومِيَةُ الْأَيْمَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مِنْهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَقِبَ الرَّسُولِ ص وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ زَوْجُهَا مِنْ أَضِلِّهَا وَ لَيْسَ بِأَجَنَبِيٍّ وَ أَمَّا الشَّيْخَانِ فَقَدْ تَوَسَّلَا إِلَى النَّبِيِّ ص بِذَلِكَ وَ أَمَّا عَلِيُّ قَتَبُ الرَّسُولِ النَّبِيُّ ص إِلَيْهِ بَعْدَ مَا رَدَّ حُطْبَتَهُمَا وَ الْعَاقِدَةُ بَيْنَهُمَا هُوَ اللَّهُ تَعَالَى وَ الْقَابِلُ جَبْرئِيلُ وَ الْخَاطِبُ رَاحِلٌ وَ الشُّهُودُ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ صَاحِبُ الثَّنَائِ رِضْوَانٌ وَ طَبَقُ الثَّنَائِ شَجَرَةُ طُوبَى وَ الثَّنَائُ الدُّرُّ وَ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۵۴ أَلْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ وَ الرَّسُولُ هُوَ الْمَشَاطَةُ وَ أَشْيَاءُ صَاحِبَةِ الْحَبْلَةِ وَ وَلِيدَ هَذَا النِّكَاحِ الْأَيْمَةُ ع ابْنُ شَاهِينَ الْمُرُوزِيُّ فِي كِتَابِ فَضَائِلِ فَاطِمَةَ ع بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ أَبِي بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ الْبَلَاذُرِيُّ فِي التَّارِيخِ بِأَسَانِيدِهِ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ خَطَبَ إِلَى النَّبِيِّ ص فَاطِمَةَ ع فَقَالَ أَنْتَظِرْ لَهَا الْقَضَاءَ ثُمَّ خَطَبَ إِلَيْهِ عُمَرُ فَقَالَ أَنْتَظِرْ لَهَا الْقَضَاءَ الْخَبَرُ «۱» مُسْنَدُ أَحْمَدَ وَ فَضَائِلُهُ وَ سُنُّ أَبِي دَاوُدَ وَ إِبَانَةُ ابْنِ بَطَّةَ وَ تَارِيخُ الْخَطِيبِ وَ كِتَابُ ابْنِ شَاهِينَ وَ اللَّفْظُ لَهُ بِالْإِسْنَادِ عَنْ خَالِدِ الْحَذَاءِ وَ أَبِي أَيُّوبَ وَ عِكْرَمَةَ وَ أَبِي نَجِيجٍ وَ عُيَيْدَةَ بْنِ سُلَيْمَانَ كُلُّهُمْ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ لَمَّا زَوَّجَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةَ عَلِيًّا قَالَ لَهُ النَّبِيُّ أَعْطَهَا شَيْئًا قَالَ مَا عِنْدِي شَيْءٌ قَالَ فَأَيْنَ دِرْعُكَ الْخَطِيمَةُ وَ فِي رَوَايَةٍ غَيْرِهِ أَنَّهُ قَالَ عَلِيُّ عِنْدِي قَالَ فَأَعْطَهَا إِيَّاهَا «۲» تَارِيخِي الْخَطِيبِ وَ الْبَلَاذُرِيُّ وَ حَلِيَّةُ أَبِي نُعَيْمٍ وَ إِبَانَةُ الْعُسْكُرِيِّ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ عَنْ الْمَاعِمْشِيِّ عَنْ الثَّوْرِيِّ عَنْ عَلْقَمَةَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ أَصَابَ فَاطِمَةَ صَبِيحَةً يَوْمَ الْعُرْسِ رَغِيْدَةً فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص يَا فَاطِمَةُ زَوَّجْتُكَ سَيِّدًا فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمَنِ الصَّالِحِينَ * يَا فَاطِمَةُ لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ أُمْلِكَكَ [يُمْلِكُكَ بِعَلِيٍّ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى جَبْرئِيلَ فَقَامَ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَصَفَّ الْمَلَائِكَةَ صُفُوفًا ثُمَّ خَطَبَ عَلَيْهِمْ فَرَوَّجَكَ مِنْ عَلِيٍّ ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ شَجَرَ الْجَنَانِ فَحَمَلَتْ الْحُلِيَّ وَ الْحُلَّ ثُمَّ أَمَرَهَا فَتَنَرَّتْهُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَيْئًا أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَ غَيْرُهُ افْتَخَرَ بِهِ إِلَى يَوْمِ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۵۵ الْقِيَامَةِ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ لَقَدْ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع تَفْتَخِرُ عَلَى النِّسَاءِ لِأَنَّهَا مَنْ خَطَبَ عَلَيْهَا جَبْرئِيلُ ع «۱» زَنْدْكَانِي

حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۵۶ وَقَدْ اشْتَهَرَ فِي الصَّحَاحِ بِالسَّانِدِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَابْنِ عَبَّاسٍ وَابْنِ مَسْعُودٍ وَخِابِرِ الْأَنْصَارِيِّ وَآنَسِ بْنِ مَالِكٍ وَالْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ وَأُمِّ سَلَمَةَ بِالْقَاطِ مُخْتَلَفَةٍ وَمَعَانِي مُتَّفَقَةٍ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرُ خَطَبَا إِلَى النَّبِيِّ ص فَاطِمَةُ إِنَّهَا صَغِيرَةٌ (۱) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۵۷ وَرَوَى ابْنُ بَطَّةٍ فِي الْإِبَانَةِ أَنَّ خَطْبَهَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ فَلَمْ يُجِبْهُ وَفِي رِوَايَةٍ غَيْرِهِ أَنَّه قَالَ بِكَذَا مِنَ الْمَهْرِ فَغَضِبَ ص وَمَدَّ يَدَهُ إِلَى حَصِيٍّ فَرَفَعَهَا فَسَبَّحَتْ فِي يَدِهِ فَجَعَلَهَا فِي ذِيْلِهِ فَصَارَتْ دُرًّا وَ مَرْجَانًا يُعْرَضُ بِهِ جَوَابَ الْمَهْرِ وَلَمَّا خَطَبَ عَلِيٌّ ع قَالَ سَمِعْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَقُولُ كُلُّ سَبَبٍ وَنَسَبٍ مُنْقَطِعٌ إِلَّا سَبَبِي وَنَسَبِي (۱) فَقَالَ النَّبِيُّ ص أَمَّا السَّبَبُ فَقَدْ سَبَّبَ اللَّهُ وَ أَمَّا النَّسَبُ فَقَدْ قَرَّبَ اللَّهُ وَ هَشَّ وَ بَشَّ فِي زِنْدَاغَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۵۸ وَجْهَهُ وَقَالَ أَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ أَرْوَجُكَ مِنْهَا فَقَالَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ حَالِي إِنَّ لِي فَرَسًا وَبَعْلًا وَسَيْفًا وَدِرْعًا فَقَالَ بَعِ الدَّرْعَ وَرَوَى أَنَّهُ أَتَى سَلَمَانَ إِلَيْهِ وَقَالَ أَجِبْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهِ قَالَ أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ زَوَّجَكَ بِهَا فِي السَّمَاءِ قَبْلَ أَنْ أَرْوَجُكَهَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ أَتَانِي مَلَكٌ وَقَالَ أُبَشِّرُ يَا زِنْدَاغَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۵۹ مُحَمَّدٌ بِاجْتِمَاعِ الشَّمْلِ وَطَهَارَةِ النَّسْلِ قُلْتُ وَ مَا اسْمُكَ قَالَ نَسْطَائِيلُ مِنْ مُوَكَّلِي قَوَائِمِ الْعَرْشِ سَأَلْتُ اللَّهَ هَذِهِ الْبَشَارَةُ وَجَبْرَائِيلُ عَلَى أَثَرِي أَبُو بَرِيدَةَ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيًّا ع خَطَبَ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص مَرْحَبًا وَأَهْلًا فَقِيلَ لِعَلِيٍّ يَكْفِيكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص إِحْدَاهُمَا أَعْطَاكَ الْأَهْلَ وَ أَعْطَاكَ الرَّحْبَ ابْنُ بَطَّةٍ وَ ابْنُ الْمُؤَدِّ وَ السَّمْعَانِيُّ فِي كُتُبِهِم بِالْإِسْنَادِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ آنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَا يَتَنَمَّا رَسُولُ اللَّهِ ص جَالِسٌ إِذْ جَاءَ عَلِيٌّ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مَا جَاءَ بِكَ قَالَ جِئْتُ أُسَلِّمُ عَلَيْكَ قَالَ هَذَا جَبْرَائِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَأَشْهَدُ عَلَى تَرْوِيجِهَا أَرْبَعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ شَجَرَةَ طُوبَى أَنْ ائْتَرَى عَلَيْهِمُ الدَّرَّ وَ الْيَاقُوتَ فَتَثَرَتْ عَلَيْهِمُ الدَّرُّ وَ الْيَاقُوتُ فَابْتَدَرْنَ إِلَيْهِ الْخُورُ الْعَيْنُ يَلْتَقِطْنَ فِي أَطْبَاقِ الدَّرِّ وَ الْيَاقُوتِ وَ هُنَّ يَتَهَادَيْنَهُ بَيْنَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ كَانُوا يَتَهَادُونَ وَ يَقُولُونَ هَذِهِ تُحْفَةُ خَيْرِ النِّسَاءِ وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ بَطَّةٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ شَيْئًا أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَ صَاحِبُهُ أَوْ أَحْسَنَ افْتَخَرَ بِهِ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ابْنُ مَرْثُومٍ فِي كِتَابِهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلْقَمَةَ قَالَ لَمَّا تَزَوَّجَ عَلِيُّ فَاطِمَةَ تَنَاضَّرَ ثَمَارُ الْجَنَّةِ عَلَى الْمَلَائِكَةِ عَبْدُ الرَّزَّاقِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى أُمِّ أَيْمَنَ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ عَنِ النَّبِيِّ ص وَ عَقَدَ جَبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ فِي السَّمَاءِ نِكَاحَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ فَكَانَ جَبْرَائِيلُ الْمُتَكَلِّمَ عَنْ عَلِيٍّ وَ مِيكَائِيلُ الرَّادِّ عَنِّي وَ فِي حَدِيثِ خَبَّابِ بْنِ الْأَرْتِّ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى جَبْرَائِيلَ زَوْجَ الثُّورِ مِنَ الثُّورِ وَ كَانَ الْوَلِيُّ اللَّهُ وَ الْخَطِيبُ جَبْرَائِيلُ وَ الْمُنَادِي مِيكَائِيلُ وَ الدَّاعِي إِسْرَافِيلُ وَ النَّاثِرُ عِزْرَائِيلُ وَ الشُّهُودُ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ ثُمَّ أَوْحَى إِلَى شَجَرَةِ طُوبَى أَنْ ائْتَرِي مَا عَلَيْكَ فَتَثَرَتْ الدَّرُّ الْأَبْيَضُ وَ الْيَاقُوتُ الْأَحْمَرُ وَ الرَّبْرَجُ الْأَخْضَرُ وَ اللَّوْلُؤُ الرُّطْبُ فَبَادَرْنَ الْخُورُ الْعَيْنُ يَلْتَقِطْنَ وَ يَهْدِينَ بَعْضُهُنَّ إِلَى بَعْضٍ الصَّادِقُ ع فِي خَبَرٍ أَنَّهُ دَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ قَالَ أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ كَفَانِي مَا كَانَ هَمْنِي مِنْ تَرْوِيجِكَ ذَكَرَ ابْنُ شَهْرَآشُوبَ مُخْتَصَرًا مِمَّا مَرَّ بِرِوَايَةِ الصَّدُوقِ رَحِمَهُ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ وَقَدْ جَاءَ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ أَنَّهُ خَطَبَ رَاحِلُ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي جَمْعٍ مِنْ أَهْلِ زِنْدَاغَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶۰ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَوْلَى قَبْلَ الْأَوَّلِينَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْعَالَمِينَ نَحْمَدُهُ إِذْ جَعَلَنَا مَلَائِكَةً رُوحَانِيَّينَ وَ بَرُوبِيَّينَ مِدْعَيْنَ وَ لَهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْنَا شَاكِرِينَ حُجْبَنَا مِنَ الذُّنُوبِ وَ سَتَرْنَا مِنَ الْعُيُوبِ أَسْكَنَنَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ قَرَّبَنَا إِلَى السَّرَادِقَاتِ وَ حَجَبَ عَنَّا النَّهْمَ لِلشَّهَوَاتِ وَ جَعَلَ نَهْمَتَنَا وَ شَهْوَتَنَا فِي تَقْدِيسِهِ وَ تَشْيِيجِهِ الْبَاسِطِ رَحْمَتِهِ الْوَاهِبِ نِعْمَتُهُ حِلَّ عَنْ الْخِيَادِ أَهْلُ الْأَرْضِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ تَعَالَى بِعَظَمَتِهِ عَنْ إِفْكَ الْمُلْحِدِينَ ثُمَّ قَالَ بَعْدَ كَلَامِ اخْتَارَ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ صِفُوهُ كَرَمِهِ وَ عَبْدَ عَظَمَتِهِ لَأَمَتِهِ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ بِنْتَ خَيْرِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ فَوَصَلَ حَبْلَهُ بِحَبْلِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِهِ وَ صَاحِبِهِ الْمُصِصِّ دَقَّ دَعْوَتُهُ الْمُبَادِرِ إِلَى كَلِمَتِهِ - عَلِيُّ الْوُصُولِ بِفَاطِمَةَ الْبَتُولِ ابْنَتِ الرَّسُولِ وَ رَوَى أَنَّ جَبْرَائِيلَ رَوَى عَنِ اللَّهِ تَعَالَى عَقِيْبَهَا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَمْدُ رِدَائِي وَ الْعَظْمَةُ كِبْرِيَائِي وَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِبْدِي وَ إِمَائِي زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ أَمْتِي مِنْ عَلِيٍّ صِفُوْتِي أَشْهَدُوا مَلَائِكَتِي وَ كَانَ بَيْنَ تَرْوِيجِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ ع فِي السَّمَاءِ إِلَى تَرْوِيجِهَا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا زَوَّجَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ عَلِيٍّ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ رَوَى أَنَّهُ كَانَ يَوْمَ السَّادِسِ مِنْهُ

ابن شهر آشوب مازندرانی (۵۸۸ هـ) در کتاب مناقب آل ابی طالب به نقل از ابن عباس، ابن مسعود، جابر بن عبد الله انصاری، براء بن عازب، انس بن مالک، سدی، محمد بن سیرین و امام محمد باقر علیه السلام در باره آیه ۵۴ از سوره فرقان که می‌فرماید: «پروردگار شما هموست که از آب بشری خلق می‌کند و آن را نسبت و داماد قرار می‌دهد» نقل کرده که گفتند: منظور از این افراد: حضرت محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام و حضرت قائم در آخر الزمان است، زیرا در میان صحابه نسب و سبب و قرابت جمع نشد مگر برای آن حضرت، بدین جهت است که میراث به وسیله نسب و سبب به افراد می‌رسد. بنا به روایتی منظور از کلمه بشر که در آیه شریفه است، حضرت رسول و مقصود از نسب حضرت فاطمه و منظور از کلمه صهر (داماد) حضرت علی می‌باشد. و در تفسیر ثعلبی آمده که ابن سیرین گفته: این آیه در شأن پیامبر و علی علیهما السلام نازل شد که فاطمه علیها السلام را به همسری برگزید، و علی پسر عموی پیامبر و شوهر دخترش بود پس نسب و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶۱ صهر- دامادی- در او جمع شده است. ابن حجاج در شعری می‌گوید: سوگند به مصطفی و به دامادش و سوگند به وصی او که در روز غدیر معرفی کرد. و کعب بن زهیر گوید: داماد پیامبر بهترین مردم است. و امام صادق علیه السلام فرماید: خداوند متعال به پیامبرش وحی کرد: به فاطمه بگو که با علی مخالفت نداشته و از خواسته‌های او اطاعت کند، زیرا هر گاه او غضب کند، من نیز به سبب غضب او غضبناک می‌گردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در باره تزویج فاطمه به علی علیهما السلام مورد سرزنش قرار دادند و رسول خدا در پاسخ آنها فرمود: اگر خدای تعالی علی را خلق نمی‌کرد، کفوی برای فاطمه وجود نداشت و هیچ کس شایستگی ازدواج با فاطمه را نداشت. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: اگر خداوند تعالی علی علیه السلام را خلق نکرده بود کسی شایستگی همسری فاطمه علیها السلام را نداشت. و گفته‌اند: پیامبر عایشه دختر ابو بکر را به زنی گرفت و نیز حفصه دختر عمر بن خطاب را، و دو دخترش را نیز به ازدواج عثمان در آورد- منظور رقیه و زینب هستند که خواهران بزرگ فاطمه علیها السلام بودند. می‌گوییم: ازدواج هیچ فضلی را برای آنها اثبات نمی‌کند زیرا اساس در صحت آن، اظهار شهادتین توسط طرفین است، ضمن آنکه پیامبر فقط از اینها زن نگرفت بلکه اشخاص دیگری نیز وجود داشتند که دخترانشان را تزویج نمود- اگر در ازدواج فضلی باشد پس چرا فقط آن را به اینها نسبت می‌دهید؟- و امّا در باره ازدواج عثمان نیز اختلاف شدید وجود دارد ضمن آنکه دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قبل از ازدواج با او، با اشخاص دیگری که کافر بودند نیز ازدواج کرده بودند، در حالی که وضعیت حضرت فاطمه غیر از این بود. زیرا او در زمان ظهور اسلام به دنیا آمد، و او از اصحاب کساء و مباحله و از مهاجرینی است که در بدترین شرایط اقدام به مهاجرت نمودند، و در شأن او آیه تطهیر نازل شد، و جبرئیل بر اینکه جزء اصحاب کساء باشد افتخار می‌کرد، و خداوند بر صدق و درستی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶۲ آنها شهادت داده است و از بطن اوست تمامی ائمه اسلام تا روز قیامت، و از اوست حسن و حسین و سایر نواده گان پیامبر، و او سرور زنان دو عالم است، و او ازدواج کرد با کسی که چون خودش بود و از ارزشهای او فاصله نداشت. اما ابو بکر و عمر به واسطه دختری که به رسول خدا دادند خود را به پیامبر نزدیک کردند در حالی که در باره علی علیه السلام چنین نبوده زیرا خود رسول خدا پس از جواب رد دادن به آن دو، دخترش را به علی علیه السلام تزویج نمود. عقدکننده آنها برای یک دیگر خداوند متعال بوده است، و قابل جبرئیل بوده، و خواننده خطبه ملکی به نام راحیل، و شهود عقد حمل کنندگان عرش، و نثارکننده بهشت رضوان (خازن بهشت)، و طبق نثار شجره طوبی، و آنچه نثار کردند در و یاقوت و مرجان، و واسطه ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده و اسماء که از زنان مقدّس بود نگاهبان حجله عروسی- بعدا خواهیم گفت که در این تاریخ اسماء در مدینه نبوده است- و فرزندان و ثمره‌های این ازدواج ائمه طاهرين علیهم السلام بوده‌اند. ابن شاهین مروزی در فضائل فاطمه به اسنادش از بریده اسلمی، و بلاذری در انساب الاشراف به اسانیدش نقل کرده‌اند که ابو بکر فاطمه را خواستگاری کرد و پیامبر فرمود که در این رابطه منتظر فرمان الهی هستم و سپس عمر خواستگاری کرد و پیامبر به او نیز

همین پاسخ را داد. در مسند احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، سنن ابی داود سجستانی و ابانه ابن بطه، و تاریخ بغداد، و فضائل فاطمه ابن شاهین مروزی که لفظ حدیث در اینجا از آن است، از خالد حدّاء و ابو ایوب انصاری و عکرمه و ابو نجیح و عبیده بن سلیمان، و همه آنها از ابن عباس روایت کرده‌اند که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را به ازدواج علی علیهما السلام در آورد به او فرمود: چیزی به فاطمه هدیه کن! علی علیه السلام گفت: چیزی ندارم. پیامبر فرمود: زره خطمیه تو کجاست؟ و در روایات دیگری به جای زره چیزهای دیگر آمده است - علی گفت: همین جاست. پیامبر فرمود: همان را به او هدیه کن. در تاریخ بغداد، انساب الاشراف، حلیه الاولیاء و الابانه عکبری از سفیان ثوری از اعمش، از ثوری، از علقمه، از ابن مسعود روایت شده است که گفت: در صبح عروسی علی و فاطمه، به نوعی نگرانی برای فاطمه پیش آمد، پیامبر به او فرمود: ای فاطمه! تو را به ازدواج مردی در آوردم که در دنیا سرور و در آخرت از صالحان است. ای فاطمه! زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶۳

هنگامی که خداوند اراده نمود تا تو را به ازدواج علی در آورد، فرمان داد تا جبرئیل در آسمان چهارم ملائکه را در صف‌هایی منظم کند و برای آنها سخنرانی کند و سپس تو را به ازدواج علی در آورد. سپس خداوند فرمان داد تا درختان بهشت ثمره‌های خود را به پای ملائکه بریزند، پس هر که در این روز بیشتر از سایر ملائکه از این نثار خداوندی برمی‌گرفت بر دیگری افتخار می‌کند تا روز قیامت. امّ سلمه می‌گوید: فاطمه علیها السلام همواره بر سایر زنان برتری می‌جست و فخر می‌فروخت، برای اینکه او کسی بود که جبرئیل خطبه عقدش را خوانده بود. و مشهور است در صحاح اهل سنت به سندهای مختلف، از امام علی علیه السلام و ابن عباس، و ابن مسعود و جابر و انس و براء بن عازب و امّ سلمه، به الفاظ مختلف و معنی واحد به اینکه: ابو بکر و عمر از فاطمه خواستگاری کردند پیامبر فرمود: او هنوز کوچک است. ابن بطه در ابانه روایت کرده که عبد الرحمن نیز از فاطمه خواستگاری کرد و در روایتی آمده است که مهر سنگینی هم پیشنهاد کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم غضب کرد و مقدار زیادی جواهرات گران قیمت را به معجزه‌ای در مقابل او نهاد و با این بیان در واقع به او گفت که «ما را به پول و جواهرات نیازی نیست». ولی هنگامی که علی علیه السلام برای خواستگاری آمد، به پیامبر عرضه داشت: ای رسول خدا! شنیده‌ام که فرمودید: هر سبب و نسبی در روز قیامت منقطع خواهد بود جز سبب من. پیامبر فرمود: اما سبب که از جانب خداوند است، و اما نسب نیز چیزی است که خداوند اسباب آن را فراهم می‌کند. و سپس چهره پیامبر فروزان شد و بشّاش شد و گفت: آیا تصمیم داری که با فاطمه ازدواج کنی؟ علی گفت: حال من بر شما مخفی نیست و می‌دانید که فقط یک اسب، الاغ، شمشیر و زره دارم. پیامبر فرمود: زره را بفروش. و روایت شده که سلمان نزد علی علیه السلام آمد و گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تو را احضار کرده. سپس هنگامی که علی علیه السلام داخل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مژده باد ای علی که خداوند متعال فاطمه را در آسمان به تو تزویج نموده قبل از آنکه در زمین چنین ازدواجی رخ داده باشد و فرشته‌ای نزد من آمده و گفت: بشارت باد بر تو ای محمد به اجتماع و یگانگی آنها و طهارت و پاکی نسلشان، گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نسطائیل و یکی از موکلان عرش هستم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶۴ و از خدا خواستم تا به من اجازه دهد که بشارت این وصلت را من به تو بدهم. ابو بریده از پدرش روایت کرده: علی علیه السلام از فاطمه خواستگاری کرد و رسول خدا فرمود: مرحبا و اهلا. سپس به علی علیه السلام گفته شد: برای تو کافی بود که رسول خدا یکی از آنها را نثار کند: اهل و یا طاقت، توان فراخی سینه و صبوری را. ابن بطه، ابن مؤذن و سمعانی در کتابهایشان - یعنی الابانه، اربعین و فضائل الصحابه - با سندهایشان از ابن عباس و انس بن مالک روایت کرده‌اند: روزی رسول خدا نشسته بود که علی علیه السلام نزد او آمد، رسول خدا به او گفت: ای علی، برای چه کاری آمده‌ای؟ علی گفت: آمده‌ام تا بر شما سلام کنم. رسول خدا گفت: هم اکنون جبرئیل بر من نازل شده و خبر داد که خداوند فاطمه را برای تو تزویج نموده و بر ازدواج شما چهل هزار ملک را شاهد گرفته، و به شجره طوبی فرمان داده تا درّ و یاقوت خود را به پای ملائکه بریزد و او نیز چنان کرده و حوری‌های بهشتی از آن جواهرات بهشتی در طبق‌های مختلف جمع کرده‌اند و برداشتن آنها تا روز قیامت به

یک دیگر مباهات می کنند و به یک دیگر می گویند: اینها تحفه ازدواج بهترین زنان است. و در روایت ابن بطه از عبد الله بن عباس آمده است: هر کس در این روز جواهرات بیشتری جمع کرده باشد تا روز قیامت بر سایر فرشتگان مباهات خواهد کرد. ابن مردویه اصفهانی در کتابش، به سندش از علقمه روایت کرده: روزی که علی و فاطمه عروسی کردند ثمره های بهشتی به پای ملائک ریخته شد. و عبد الرزاق صنعایی به سندش از ام ایمن در خبری طویل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده است: خطبه ازدواج علی و فاطمه را جبرئیل و میکائیل در آسمانها خواندند و در آن هنگام جبرئیل وکیل علی و میکائیل وکیل فاطمه بود. و در حدیث خباب بن ارت آمده: خداوند به جبرئیل وحی نمود: نور را با نور تزویج کن! و پس ولی و صاحب اختیار خدا بود، و خطیب جبرئیل، و منادی میکائیل، داعی اسرافیل، و نثارکننده عزرائیل، و شهود عقد ملائکه آسمانها و زمین ها. سپس به شجره طوبی وحی کرد تا جواهراتش را نثار ملائکه کند و او نیز چنین کرد و حوریان آنها را جمع می کردند و به آنها مباهات می نمودند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶۵ و از امام صادق علیه السلام در خبری آمده است: رسول خدا علی را صدا زده و گفت: بشارت باد تو را که خداوند تو را از غمی که در باره ازدواج داشتی، کفایت کرد. و سپس ابن شهر آشوب، پس از ذکر مختصر آنچه گذشت، و آن را به روایت شیخ صدوق بیان کرد، می گوید: در بعضی از کتابها آمده است که راحیل - از فرشتگان مقرب الهی - خطبه عقد فاطمه را در آسمان هفتم خوانده است نه جبرئیل در آسمان چهارم، و در خطبه چنین گفته: حمد خدایی را که ازلی است و قبل از هر موجودی وجود داشته، و باقی است بعد از آنکه همه موجودات فانی می شوند، حمد و سپاس می گوئیم او را که ملائکه روحانی را آفرید و ما را از آنان قرار داد، و به ربوبیت و مقام الهی او اذعان می کنیم، و او را به دلیل نعمتهایی که به ما عطا فرموده شکر می گوئیم. سپاس می گزاریم به دلیل اینکه ما را از ارتکاب گناه نگاه داشته و عیب های ما را پوشانیده، و ما را در آسمانها جای داده، و به ملکوت خویش نزدیک فرموده، و میل به شهوات را از ما پوشانده، و تمام همت و شهوت ما را معطوف به تقدیس و تسبیح خود نموده است. همانا حمد و سپاس اختصاص به خدایی دارد که رحمتش را بسط داده، نعمتش را بی هیچ محدودیتی بخشش نموده، و بالاتر از آن است که الحاد مشرکین زمین و عناد و دشمنی ملحدین خدشهای در جلال و عظمت کبریائیش ایجاد نماید، - و سپس گفت: - خداوندی که مالک همه کس و همه چیز است فاطمه علیها السلام سرور زنان و دختر بهترین انبیا و سرور مرسلین و امام متقین را در نظر گرفته و او را به مردی از اهل رسول خدا و مصاحب او، که تصدیق کننده نبوت او بوده و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزیده پیوند می دهد و آنها را به ازدواج یک دیگر درمی آورد. سپس روایت می کند: جبرئیل در دنباله آن خطبه، قول خداوند عز و جل را نقل کرد: الحمد لله ردائی، و العظمه کبریائی، و الخلق کلهم عیبی و إمائی، زوجت فاطمه أمتی من علی صفوتی، اشهدوا ملائکتی. و بین تزویج فاطمه در آسمان و تزویج او در زمین چهل روز بوده است، و رسول خدا او را در اول ذی حجه و به روایتی در ششم ذی حجه به ازدواج علی علیه السلام درآورد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۶۴/۲۳ - معانی الأخبار (۱) الخصال (۲) و الامالی (۳) ابْنُ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنِ ابْنِ بَرْزَنْطِیٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ يَتَنَبَّأُ رَسُولُ اللَّهِ ص بِحَالِ مَنْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ لَهُ أَرْبَعَةٌ وَعَشْرُونَ وَجْهًا فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ لَمْ أَرَكَ فِي مِثْلِ هَذِهِ الصُّورَةِ فَقَالَ الْمَلَكُ لَسْتُ بِجَبْرَائِيلَ أَنَا مُحَمَّدٌ بَعَثَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أُزَوِّجَ النُّورَ مِنَ النُّورِ قَالَ مَنْ مِمَّنْ فَقَالَ فَاطِمَةُ مِنْ عَلِيٍّ قَالَ فَلَمَّا وَلَّى الْمَلَكُ إِذَا بَيْنَ كَتِفَيْهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَصِيُّهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مُنْذُ كَمْ كُتِبَ هَذَا بَيْنَ كَتِفَيْكَ فَقَالَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ بِاثْنَيْنِ وَعَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ وَفِي رِوَايَةٍ بِأَرْبَعَةٍ وَعَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ

ترجمه

شیخ ابو جعفر صدوق در کتاب معانی الاخبار از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت می کند که فرمود: زمانی رسول خدا نشسته بود، ملکی به حضور آن حضرت مشرف شد که دارای بیست و چهار صورت بود «۴». رسول اکرم به او فرمود: ای حبیب من جبرئیل! من تا به حال تو را با این صورت ندیده بودم؟ گفت: من جبرئیل نیستم، بلکه نام من «محمود» است. خدا مرا فرستاده که نور را برای نور تزویج نمایم. پیغمبر خدا فرمود: که را برای که تزویج کنی؟ گفت: فاطمه را برای علی، هنگامی که آن ملک مراجعت نمود، دیدند در میان دو کتف او نوشته بود: محمد رسول خدا و علی جانشین اوست. پیغمبر خدا به وی فرمود: چند وقت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶۷ است که این عبارت در میان دو کتف تو نوشته شده است؟ گفت: بیست دو هزار سال قبل از اینکه حضرت آدم آفریده شود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۴/۲۶۵- مناقب آل ابی طالب «۱» عَنِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ حَدَّثَنَا أَبُو هُرَيْرَةَ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ فِي حَدِيثٍ مَحْمُودٍ وَأَنْبَأَنِي أَبُو يَغْلَى الْعَطَّارُ وَأَبُو الْمُؤَيْدِ الْخَطِيبُ بَنَحُو هَذَا الْخَبْرَ إِلَّا أَنَّهُمَا رَوَيَا مَلَكٌ لَهُ عَشْرُونَ رَأْسًا فِي كُلِّ رَأْسٍ أَلْفُ لِسَانٍ وَكَانَ اسْمُ الْمَلِكِ صَرْصَائِلَ أَبُو بَكْرٍ مَزْدَوِيهِ فِي فَصَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِالسَّيْنَةِ بِالسَّيْنَةِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ وَكِتَابِ أَبِي الْقَاسِمِ سَلِيمَانَ الطَّبْرِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ شُعْبَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ ابْنِ مَسْرُودٍ كِلَاهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ «۲»

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶۸ كِتَابُ ابْنِ مَزْدَوِيهِ قَالَ ابْنُ سَيْرِينَ قَالَ عُبَيْدَةُ إِنَّ عَمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ ذَكَرَ عَلِيًّا فَقَالَ ذَاكَ صَهِرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ ابْنِ شَاهِينَ بِالسَّيْنَةِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَتَزْوِجِكَ مِنَ الْبَيْضَاءِ وَفِي رِوَايَةٍ مِنَ السَّمَاءِ الضَّحَّاكُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِفَاطِمَةَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مِمَّنْ قَدْ عَرَفْتَ قَرَابَتَهُ وَفَضْلَهُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَإِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُزَوِّجَكَ خَيْرَ خَلْقِهِ وَأَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ وَقَدْ ذَكَرَ مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَمَا تَرَيْنَ فَمَنْ كُنْتَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ سُبُكُوتُهَا إِفْرَارُهَا «۱»

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۶۹ وَرَوَى ابْنُ مَزْدَوِيهِ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِعَلِيٍّ تَكَلَّمَ خَطِيبًا لِنَفْسِكَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَرَّبَ مِنْ حَامِدِيهِ وَدَنَا مِنْ سَائِلِيهِ وَوَعَدَ الْجَنَّةَ مَنْ يَتَّقِيهِ وَأَنْذَرَ بِالنَّارِ مَنْ يَعْصِيهِ نَحْمَدُهُ عَلَى قَدِيمِ إِحْسَانِهِ وَآيَادِيهِ حَمِيدٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ خَالِقُهُ وَبَارِيهِ وَمُمِيتُهُ وَمُحْيِيهِ وَمَسْأَلُهُ عَنْ مَسْأُولِهِ وَنَسِيتُغِيْنُهُ وَنَسِيتُغِيْدُهُ وَتُؤْمِنُ بِهِ وَنَسِيتُغِيْفِيهِ وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهَادَةٌ تَبْلُغُهُ وَتُرْضِيهِ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَزَلُّفُهُ وَتُعْظِيهِ وَتَرْفَعُهُ وَتَضِيْطْفِيهِ وَالنَّكَاحُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَيَرْضِيهِ وَاجْتِمَاعُنَا مِمَّا قَدَّرَهُ اللَّهُ وَآذَنَ فِيهِ وَهَذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابْنَتُهُ فَاطِمَةُ عَلَى خَمْسَةِ مِائَةِ دِرْهَمٍ وَقَدْ رَضِيَتْ فَاسْأَلُوهُ وَاشْهَدُوا «۱» وَفِي خَبَرٍ وَقَدْ زَوَّجْتِكَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَى مَا زَوَّجَكَ الرَّحْمَنُ وَقَدْ رَضِيَتْ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ لَهَا فَدُونَكَ أَهْلَكَ فَإِنَّكَ أَحَقُّ بِهَا مِنِّي وَفِي خَبَرٍ فَنِعْمَ الْأَخُ أَنْتَ وَنِعْمَ الْخَتَنُ أَنْتَ وَنِعْمَ الصَّاحِبُ أَنْتَ وَكَفَاكَ بَرَضَى اللَّهُ رَضَى فَخَرَّ عَلَيَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى وَهُوَ يَقُولُ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ «۲»

الآيَةُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَارَكَ اللَّهُ عَلَيْكُمَا وَبَارَكَ فِيكُمَا وَاسْتَبَدَّ حَيْدُكُمَا وَجَمَعَ بَيْنَكُمَا وَأَخْرَجَ مِنْكُمَا الْكَثِيرَ الطَّيِّبَ ثُمَّ أَمَرَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۷۰ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِطَبَقِ بُسْرٍ وَأَمَرَ بِنَهْيِهِ وَدَخَلَ حُجْرَةَ النِّسَاءِ وَأَمَرَ بِضَرْبِ الدَّفِّ الْحُسَيْنِيِّ بْنِ عَلِيٍّ فِي خَبَرِ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا عَلَى أَرْبَعِ مِائَةٍ وَتَمَانِينَ دِرْهَمًا وَرَوَى أَنَّ مَهْرَهَا أَرْبَعِ مِائَةٍ مِثْقَالٍ فَضْضَهُ وَرَوَى أَنَّهُ كَانَ خَمْسَةَ مِائَةٍ دِرْهَمٍ وَهُوَ أَصَحُّ «۱»

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۷۱ وَنَسِيبُ الْخِلَافِ فِي ذَلِكَ مَا رَوَى عَمْرُو بْنُ أَبِي الْمِقْدَامِ وَجَابِرُ الْجُعْفِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ كَانَ صِدَاقُ فَاطِمَةَ بَرْدَ حَبْرَةٍ وَإِهَابُ شَاةٍ عَلَى عِرَارٍ وَرَوَى

عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ كَانَ صِدَاقُ فَاطِمَةَ دِرْعَ حُطَمِيَّةٍ وَإِهَابُ كَبْشٍ أَوْ خِذْيٍ رَوَاهُ أَبُو يَعْلَى فِي الْمُسْنَدِ عَنْ مُجَاهِدٍ كَافِيَ الْكَلْبِيِّ زَوْجَ النَّبِيِّ ص فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَى جَزْدٍ بُرْدٍ زَنْدَكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۴۷۲ وَقِيلَ لِلنَّبِيِّ ص قَدْ عَلِمْنَا مَهْرَ فَاطِمَةَ فِي الْأَرْضِ فَمَا مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ قَالَ سَلِّ عَمَّا يَعْنِيكَ وَدَعْ مَا لَا يَعْنِيكَ قِيلَ هَذَا مِمَّا يَعْنِينَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ كَانَ مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ خُمُسُ الْأَرْضِ فَمَنْ مَسَى عَلَيْهَا مُغْضَبًا لَهَا وَلَوْلِدَهَا مَسَى عَلَيْهَا حَرَامًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ وَفِي الْجَلَاءِ وَالشَّفَاءِ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ عَنِ الْبَاقِرِ ع وَجُعِلَتْ نَحْلَتُهَا مِنْ عَلِيٍّ خُمُسُ الدُّنْيَا وَثُلُثُ الْجَنَّةِ وَجُعِلَتْ لَهَا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ الْفَرَاتُ وَنَيْلٌ مُضِيرٌ وَنَهْرَوَانٌ وَنَهْرٌ بُلْخٌ فَزَوْجُهَا أَنْتَ يَا مُحَمَّدٌ بِخُمُسِ جَانَّةٍ دِرْهَمٍ تَكُونُ سِنَّةٌ لَأُمَّتِكَ وَفِي حَدِيثِ خَبَابِ بْنِ الْأَرْتِ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ص زَوْجْتُ فَاطِمَةَ ابْنَتِي مِنْكَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى صِدَاقِ خُمُسِ الْأَرْضِ وَأَرْبَعِمَائَةٍ وَثَمَانِينَ دِرْهَمًا الْأَجَلُ خُمُسُ الْأَرْضِ وَالْعَاجِلُ أَرْبَعِمَائَةٍ وَثَمَانِينَ دِرْهَمًا وَقَدْ رَوَى حَدِيثُ خُمُسِ الْأَرْضِ عَنِ الصَّادِقِ ع عَنْ يَغْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ وَأَبُو بَصِيرٍ قَالَ الصَّادِقُ ع إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَهْرَ فَاطِمَةَ رُبْعَ الدُّنْيَا فَرُبْعُهَا لَهَا وَمَهْرُهَا الْجَنَّةُ وَالنَّارُ فَتَدْخُلُ أَوْلِيَاءَهَا الْجَنَّةَ وَأَعْدَاءُهَا النَّارَ أَمَّا أَبِي جَعْفَرٍ الطُّوسِيِّ قَالَ الصَّادِقُ ع فِي خَبَرٍ وَ سَكَبَ الدَّرَاهِمَ فِي حَجَرِهِ فَأَعْطَى مِنْهَا قَبْضَةً كَانَتْ ثَلَاثَةً وَسِتِّينَ أَوْ سِتِّينَ إِلَى أُمِّ أَيْمَنَ لِمَتَاعِ الْبَيْتِ وَقَبْضَةً إِلَى أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ لِلطَّبِيبِ وَقَبْضَةً إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ لِلطَّعَامِ وَأَنْفَذَ عَمَّارًا وَأَيًّا بَكْرٍ وَبَلَالًا لِلنَّبِيَّاعِ مَا يُضِلُّ لِحُجَّهَا أَقُولُ ثُمَّ ذَكَرَ نَحْوًا مِمَّا نَقَلْنَا عَنْ أَمَالِي الشَّيْخِ إِلَى قَوْلِهِ وَجَرَّةُ خَضِرَاءَ وَكِزَانُ خَزَفٍ ثُمَّ قَالَ وَفِي رِوَايَةٍ وَنَطَعَ مِنْ أَدَمٍ وَعَبَاءُ قَطَوَانِي وَقَرْيَةُ مَاءٍ وَهَبُ بْنُ وَهْبٍ الْقَرَشِيُّ وَكَانَ مِنْ تَجْهِيْزِ عَلِيٍّ دَارَهُ انْتِشَارُ رَمْلِ لَيْنٍ وَنَضَبُ خَشَبَةٍ مِنْ حَائِطٍ إِلَى حَائِطٍ لِلثِّيَابِ وَبَسْطُ إِهَابِ كَبْشٍ وَمَحْدَةُ لَيْفِ أَبُو بَكْرٍ مَزْدَوِيَّةٍ فِي حَدِيثِهِ فَمَكَثَ عَلِيٌّ تِسْعًا وَعَشْرِينَ لَيْلَةً فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ وَعَقِيلٌ سَلِّهُ أَنْ يَدْخُلَ عَلَيْكَ أَهْلُكَ فَعَرَفَتْ أُمُّ أَيْمَنَ ذَلِكَ وَقَالَتْ هَذَا مِنْ أَمْرِ النِّسَاءِ وَخَلَّتْ بِهِ أُمُّ سَلَمَةَ فَطَالَبَتْهُ بِذَلِكَ فَدَعَا النَّبِيُّ ص وَقَالَ حُبًّا وَكَرَامَةً فَآتَى الصَّحَابِيَّةَ بِالْهَدَايَا فَأَمَرَ بِطَحْنِ الْبُرِّ وَخَبْزِهِ وَأَمَرَ عَلِيًّا بِذَبْحِ الْبَقَرِ وَالْعَنَمِ فَكَانَ النَّبِيُّ ص يَفْصَلُ وَلَمْ يَرِ عَلَى يَدِهِ أَثَرُ دَمٍ فَلَمَّا فَرَّغُوا مِنَ الطَّبْخِ أَمَرَ النَّبِيُّ ص أَنْ يُنَادَى عَلَى رَأْسِ دَارِهِ أَجِيبُوا رَسُولَ اللَّهِ وَذَلِكَ كَقَوْلِهِ وَزَنْدَكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۴۷۳ أَذْنٌ فِي النَّاسِ بِالْحَيِّجِ (۱) فَاجَابُوا مِنَ النَّخْلَاتِ وَالزُّرُوعِ فَبَسَطَ الطُّلُوعُ فِي الْمَسْجِدِ وَصَدَرَ النَّاسُ وَهُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعَةِ آلَافٍ رَجُلٍ وَسَائِرُ نِسَاءِ الْمَدِينَةِ وَرَفَعُوا مِنْهَا مَا أَرَادُوا وَلَمْ يَنْقُصْ مِنَ الطَّعَامِ شَيْءٌ ثُمَّ عَادُوا فِي الْيَوْمِ الثَّانِي وَآكَلُوا وَفِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ أَكَلُوا مَبْعُوثَةً أَبِي أَيُّوبَ ثُمَّ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِالصَّحَابِ فَمُلِثَ وَوَجَّهَ إِلَى مَنَازِلِ أَزْوَاجِهِ ثُمَّ أَخَذَ صِخْفَةً وَقَالَ هَذَا لِفَاطِمَةَ وَبَغْلَهَا ثُمَّ دَعَا فَاطِمَةَ وَأَخَذَ يَدَهَا فَوَضَعَهَا فِي يَدِ عَلِيٍّ وَقَالَ يَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ يَا عَلِيُّ نِعَمَ الزَّوْجِ فَاطِمَةُ وَ يَا فَاطِمَةُ نِعَمَ الْبُعْلِ عَلِيٍّ وَكَانَ النَّبِيُّ ص أَمَرَ نِسَاءَهُ أَنْ يُزَيِّنَهَا وَيُضِلِّحْنَ مِنْ شَأْنِهَا فِي حُجْرَةٍ أُمِّ سَلَمَةَ فَاسْتَدْعَيْنِ مِنْ فَاطِمَةَ ع طِيبًا فَأَتَتْ بِقَارُورَةٍ فَسِيلَتْ عَنْهَا فَقَالَتْ كَانَ دِخْيَةُ الْكَلْبِيِّ يَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَيَقُولُ لِي يَا فَاطِمَةُ هَاتِي الْوِسَادَةَ فَاطْرِحِيهَا لِعَمَّكَ فَكَانَ إِذَا نَهَضَ سَقَطَ مِنْ بَيْنِ ثِيَابِهِ شَيْءٌ فَيَأْمُرُنِي بِجَمْعِهِ فَسُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ هُوَ عَثَرٌ يَسْقُطُ مِنْ أَجْنَحِيهِ جَبْرِئِيلُ وَآتَتْ بِمَاءٍ وَرَدَ فَسَأَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَنْهُ فَقَالَتْ هَذَا عَرَقَ رَسُولُ اللَّهِ ص كُنْتُ آخِذُهُ عِنْدَ قَيْلُولَةِ النَّبِيِّ ص عِنْدِي وَرَوَى أَنْ جَبْرِئِيلَ أَتَى بِحُلَّةٍ قِيَمَتُهَا الدُّنْيَا فَلَمَّا لَبَسَتْهَا تَحَيَّرَتْ نِسْوَةُ قُرَيْشٍ مِنْهَا وَقُلْنَ مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا قَالَتْ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَارِيخُ الْخَطِيبِ وَكِتَابُ ابْنِ مَزْدَوِيَّةٍ وَابْنِ الْمُؤَدِّنِ وَشَيْرَوِيَّةِ الدَّيْلَمِيِّ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْجَعْدِ عَنْ ابْنِ بَسِيطٍ عَنْ شُعْبَةَ بْنِ الْحَجَّاجِ وَعَنْ عُلوَانَ عَنْ شُعْبَةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الضُّبَعِيِّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَجَابِرٍ أَنَّهُ لَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي رُفَّتْ فَاطِمَةُ إِلَى عَلِيٍّ كَانَ النَّبِيُّ ص أَمَامَهَا وَجَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهَا وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهَا وَسَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ خَلْفِهَا يَسْبُحُونَ اللَّهَ وَيَقْدُسُونَهُ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ كِتَابُ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ عَنِ ابْنِ بَابُوِيَّةٍ فِي خَبَرِ أَمْرِ النَّبِيِّ ص بَنَاتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَنِسَاءِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ أَنْ يَمُضِينَ فِي صُحْبَتِهِ - فَاطِمَةُ وَأَنْ يَفْرَحْنَ وَيَرْجُزْنَ وَيَكْبُرْنَ وَيَحْمَدْنَ وَلَا يَقُلْنَ مَا لَا يُرْضِي اللَّهَ قَالَ جَابِرٌ فَأَرْكَبَهَا عَلَى نَاقَتِهِ وَفِي رِوَايَةٍ عَلَى بَغْلَتِهِ الشَّهْبَاءِ وَأَخَذَ زَنْدَكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۴۷۴ سَلَّمَانَ زَمَامَهَا وَحَوْلَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ وَالنَّبِيُّ ص وَحَمْزَةُ وَعَقِيلٌ وَجَعْفَرٌ وَأَهْلُ الْبَيْتِ يَمْشُونَ خَلْفَهَا مُشْهَرِينَ سُيُوفَهُمْ وَنِسَاءَ النَّبِيِّ ص قُدَّامَهَا يَرْجُزْنَ فَانْشَأَتْ أُمُّ سَلَمَةَ شِعْرًا سَوْنًا بِعَوْنِ اللَّهِ حِمَارَاتِي وَاشْكُرْتُهُ فِي كُلِّ حَالٍ وَادْكُرْنَ مَا أَنْعَمَ رَبُّ الْعَالَمِينَ مِنْ كَشْفِ مَكْرُوهِهِ وَآفَاتٍ فَقَدْ هِدَانًا بَعِيدَ كُفْرٍ وَقَدْ أَنْعَشَنَا رَبُّ

السَّمَاوَاتِ وَ سِرْنَ مَعَ خَيْرِ نِسَاءِ الْوَرَى تَفْدَى بَعَمَاتٍ وَ خَالَاتٍ يَا بِنْتَ مَنْ فَضَّلَهُ دُو الْعَلَى بِالْوَحْيِ مِنْهُ وَ الرِّسَالَاتِ ثُمَّ قَالَتْ عَائِشَةُ شِعْرٌ يَا نِسْوَهُ اسْتُرْنَ بِالْمَعَاجِرِ وَ اذْكُرْنَ مَا يَحْسُنُ فِي الْمَحَاضِرِ وَ اذْكُرْنَ رَبَّ النَّاسِ إِذْ يَخْصُنَا بِدِينِهِ مَعَ كُلِّ عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى إِفْضَالِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ الْعَزِيزِ الْقَادِرِ سِرْنَ بِهَا فَاللَّهُ أَعْطَى ذِكْرَهَا وَ خَصَّهَا مِنْهُ بِطَهْرٍ طَاهِرٍ ثُمَّ قَالَتْ حَفْصَةُ شِعْرٌ فَاطِمَةُ خَيْرُ نِسَاءِ الْبَشَرِ وَ مَنْ لَهَا وَجْهٌ كَوْجِهِ الْقَمَرِ فَضْلَكَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ الْوَرَى بِفَضْلٍ مَنْ خَصَّ بِبَنَى الزُّمَرِ زَوْجِكَ اللَّهُ فَتَنَى فَاضِلًا أَعْنَى عَلِيًّا خَيْرَ مَنْ فِي الْحَضَرِ فَسِرْنَ جَارَاتِي بِهَا إِنَّهَا كَرِيمَةٌ بِنْتُ عَظِيمِ الْخَطَرِ ثُمَّ قَالَتْ مَعَاذَهُ أُمُّ سَعْدِ بْنِ مَعَاذٍ شِعْرٌ أَقُولُ قَوْلًا فِيهِ مَا فِيهِ وَ اذْكُرُ الْخَيْرَ وَ أَبْدِيهِ مُحَمَّدٌ خَيْرُ بَنِي آدَمَ مَا فِيهِ مِنْ كِبَرٍ وَ لَا تَبِيهِ بِفَضْلِهِ عَرَفْنَا رُشْدَنَا فَاللَّهُ بِالْخَيْرِ يُجَازِيهِ وَ نَحْنُ مَعَ بِنْتِ نَبِيِّ الْهُدَى ذِي شَرَفٍ قَدْ مَكَّنَتْ فِيهِ فِي ذُرْوَةِ شَامِخِهِ أَضْلُمَهَا فَمَا أَرَى شَيْئًا يُدَانِيهِ وَ كَانَتْ النَّسْوَةُ يُرْجَعْنَ أَوَّلَ بَيْتٍ مِنْ كُلِّ رَجَزٍ ثُمَّ يُكَبَّرُونَ وَ دَخَلْنَ الدَّارَ ثُمَّ أَنْفَذَ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۷۵ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى عَلِيٍّ وَ دَعَاهُ إِلَى الْمَسْجِدِ ثُمَّ دَعَا فَاطِمَةَ فَأَخَذَ يَدَيْهَا وَ وَضَعَهَا فِي يَدِهِ وَ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ فِي ابْنَتِهِ رَسُولِ اللَّهِ كِتَابُ ابْنِ مَرْدَوِيهِ أَنَّ النَّبِيَّ سَأَلَ مَاءً فَأَخَذَ مِنْهُ جُرْعَةً فَتَمَضَّمَصَ بِهَا ثُمَّ مَجَّهَا فِي الْقُعْبِ ثُمَّ صَبَّهَا عَلَى رَأْسِهَا ثُمَّ قَالَ أَقْبَلِي فَلَمَّا أَقْبَلَتْ نَضَحَ مِنْ بَيْنِ ثَدْيَيْهَا ثُمَّ قَالَ أَذْبِرِي فَلَمَّا أَذْبَرَتْ نَضَحَ مِنْ بَيْنِ كَتِفَيْهَا ثُمَّ دَعَا لَهَا كِتَابُ ابْنِ مَرْدَوِيهِ اللَّهُمَّ بَارِكْ فِيهِمَا وَ بَارِكْ عَلَيْهِمَا وَ بَارِكْ لَهَا فِي شَتَائِلَيْهِمَا وَ رَوَى أَنَّهُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ خَلْقِكَ إِلَيَّ فَأَجْزِلَيْهِمَا وَ بَارِكْ فِي ذُرِّيَّتَيْهِمَا وَ اجْعَلْ عَلَيْهِمَا مِنْكَ حَافِظًا وَ إِنِّي أُعِيدُهُمَا بِسُكِّ وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ رَوَى أَنَّهُ دَعَا لَهَا فَقَالَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكَ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكَ تَطْهِيرًا وَ رَوَى أَنَّهُ قَالَ مَرْحَبًا بِبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ وَ نَجْمَيْنِ يَقْتَرِنَانِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْبَابِ يَقُولُ طَهَّرْكُمْمَا وَ طَهَّرَ نَسْلَكُمْمَا أَنَا سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْمَا وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْمَا أَسْتَوْدِعُكُمْمَا اللَّهُ وَ أَسْتَخْلِفُهُ عَلَيْكُمْمَا وَ بَاتَتْ عِنْدَهَا أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ أُسْبُوعًا بِوَصِيَّتِهِ حَدِيثَهُ إِلَيْهَا فَدَعَا لَهَا النَّبِيُّ ص فِي دُنْيَاهَا وَ آخِرَتِهَا ثُمَّ أَتَاهُمَا فِي صَبِيحَتَيْهِمَا وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَذْخُلُ رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَفَتَحَتْ أَسْمَاءُ الْبَابَ وَ كَانَا نَائِمَيْنِ تَحْتَ كِسَاءٍ فَقَالَ عَلَى حَالِكُمَا فَادْخُلْ رَجُلَيْهِ بَيْنَ أَرْجُلَيْهِمَا فَأَخْبَرَ اللَّهُ عَنْ أَوْزَادِهِمَا تَتَجَانَفِي جُنُوبُهُمَا عَنِ الْمَضَاجِعِ «۱» الْآيَةُ فَسَأَلَ عَلِيًّا كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ قَالَ نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعِيَةِ اللَّهِ وَ سَأَلَ فَاطِمَةَ فَقَالَتْ خَيْرٌ بَعْلٌ فَقَالَ اللَّهُمَّ اجْمَعْ شَمْلَهُمَا وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمَا وَ اجْعَلْهُمَا وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ وَ ارْزُقْهُمَا ذُرِّيَّةً طَاهِرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً وَ اجْعَلْ فِي ذُرِّيَّتَيْهِمَا الْبَرَكَهَ وَ اجْعَلْهُمُ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِكَ إِلَى طَاعَتِكَ وَ يَأْمُرُونَ بِمَا يُرْضِيكَ ثُمَّ أَمَرَ بِخُرُوجِ أَسْمَاءَ وَ قَالَ جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا ثُمَّ خَلَا بِهَا بِإِشَارَةِ الرَّسُولِ ص وَ رَوَى شُرَحْبِيلُ بِإِشْنَادِهِ قَالَ لَمَّا كَانَ صَبِيحَةُ عُرْسِ فَاطِمَةَ جَاءَ النَّبِيُّ بِعُصٍّ فِيهِ لَبَنٌ فَقَالَ لِفَاطِمَةَ اشْرَبِي فِدَاكَ أَبُوكَ وَ قَالَ لِعَلِيٍّ اشْرَبْ فِدَاكَ ابْنُ عَمِّكَ

ترجمه

ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ)، به نقل از عبد الله بن میمون، از ابو هریره، و از ابو الزبیر، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۷۶ از جابر بن عبد الله انصاری در حدیث محمود، و ابو یعلی عطّار، و ابو المؤید خطیب خوارزمی مثل خبر فوق را روایت کرده‌اند. ابو بکر ابن مردویه اصفهانی در فضائل امیر المؤمنین به سندش از انس بن مالک، و از کتاب ابو القاسم سلیمان طبری به سندش از شعبه، از عمرو بن مرّه، از ابراهیم، از مسروق، از ابن مسعود، هر دو از پیامبر روایت کرده‌اند که فرمود: همانا خداوند متعال فرمان داده است تا فاطمه را به ازدواج علی در آورم. و در کتاب ابن مردویه آمده: ابن سیرین گفت: عییده گفت: عمر بن خطاب علی علیه السّلام را یاد کرد و گفت: او داماد رسول خداست که جبرئیل در باره او به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همانا خداوند به تو دستور داده که فاطمه را به ازدواج علی در آوری. و ابن شاهین مروزی به سندش از ابو ایوب انصاری از پیامبر گفته: خداوند به من فرمان داد تا تو را به ازدواج علی در آورم. و ضحاک از پیامبر نقل کرده که به فاطمه علیها السلام گفت: همانا علی بن ابی طالب علیه السّلام از کسانی است که مراتب قرابت و فضل او را در اسلام می‌شناسی، و من از خدا خواسته‌ام که تو را به بهترین خلقش تزویج کند و علی در باره ازدواج، تو سخن گفته است، نظر تو چیست؟ فاطمه سکوت کرد، پس رسول خدا

صلی الله علیه و آله و سلم خارج شد و گفت: الله اکبر، سکوت او اقرار اوست به رضایت. و ابن مردویه روایت کرده است که پیامبر به علی گفت: او را برای خودت عقد کن و خطبه بخوان، پس علی علیه السلام گفت: «حمد و سپاس از آن خداوندی است که به خود نزدیک می کند حمد کنندگانش را، و برمی آورد حاجتهای حاجتمندان در گاهش را، و وعده کرد بهشت را برای کسانی که تقوا پیشه کردند، و وعده عذاب با آتش داد به کسانی که او را معصیت می کنند، حمد و سپاس می گوئیم بر احسان دیرینه اش، حمد گفتن کسی که می داند خدا خالق و پرورش دهنده و میراننده و زنده کننده او، و نگهدارنده او از بدی هاست و یاری می جوئیم از او و طلب هدایت می کنیم، و به او ایمان داریم و به او توکل می کنیم، و شهادت می دهیم که معبودی غیر از خدای یگانه نیست، واحد است و شریکی ندارد، شهادتی که او را راضی می کند، و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۷۷ شهادت می دهیم که محمد بنده و فرستاده اوست، درودی که او را خشنود می سازد و رفعت مقامش را نشان می دهد. و نکاح از آن اموری است که خداوند به آن فرمان داده و از آن خشنود می شود، و ازدواج ما و اجتماعمان از اموری است که خداوند مقدر کرده و اجازه داده است، و این رسول خداست که دخترش فاطمه را به مهر پانصد درهم به ازدواج من درمی آورد، و من نیز راضی هستم و می پذیرم و از شما می خواهم که بر این امر شاهد و گواه باشید». و در خبری آمده است که پیامبر فرمود: دخترم فاطمه را به ازدواج تو درمی آورم به مهری که خداوند تعیین کرده، و راضی هستم به آنچه که رضای خدا در آن است، این تو و این خانواده و اهل تو، که همانا تو بر او سزاوارتر از من هستی. و در خبر دیگری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی! چه برادر نیکویی هستی تو، و چه قوم و خویشی، و چه مصاحب نیکویی، و کافی است که خدا از تو راضی باشد. پس علی علیه السلام در حالی که سجده کرده بود شکر خدای را به جای آورده و می گفت: پروردگارا مرا در مقابل نعمتهایی که ارزانی داشته ای شکر گزارم قرار ده! و رسول خدا فرمود: آمین! سپس وقتی علی علیه السلام سر برداشت، پیامبر به او گفت: مبارک باد بر شما، و خداوند در زندگی شما برکت قرار دهد و جد شما را خوشنود سازد و شما را نسبت به هم مهربان گرداند و از شما ثمره های پاک خارج نماید، سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد تا جشن بگیرند. از امام حسین علیه السلام روایت شده: پیامبر فاطمه را در مقابل ۴۸۰ درهم از مهر، به ازدواج علی علیه السلام درآورد، و روایت شده که مهر آن حضرت چهار صد مثقال طلا بوده است، و روایت شده که ۵۰۰ درهم بوده است و روایت اخیر صحیح تر است. و سبب اختلاف روایتی است از امام باقر علیه السلام که فرموده: مهر فاطمه یک برد یمانی و پوست دباغ نشده ای از گوسفند زرد رنگ بوده، و از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که فرمود: مهر فاطمه علیها السلام یک زره حطمیه و پوست دباغ نشده او جدی بود. که این روایت را ابو یعلی در مسندش از مجاهد نیز روایت کرده است. و کلینی در کافی نقل کرده که مهر فاطمه جامه ای گرانقیمت بوده است. و به پیامبر گفته شد: همانا دانستیم که مهر فاطمه در زمین چیست، مهر او در آسمان چه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۷۸ بوده است؟ پیامبر فرمود: سؤال کنید از آن چیزهایی که به نفع شماست نه از آن چیزهایی که خیری برای شما ندارد. گفته شد: این از اموری است که برای ما خیر دارد. پیامبر فرمود: مهر او در آسمان یک پنجم زمین است پس هر که در زمین راه برود در حالی که بر او و فرزندان او غضب کرده باشد، قدم زدن او در زمین حرام است تا روز قیامت. و در کتاب جلاء و شفاء در ضمن خبری طولانی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که گفت: مهر فاطمه یک پنجم دنیا و یک سوم بهشت بوده است و در زمین چهار نهر برای حضرت فاطمه علیها السلام است: نهرهای فرات، نیل، نهروان و بلخ. و خداوند به پیامبر فرمود: ای محمد! تو فاطمه را به مهریه پانصد درهم به ازدواج علی درآور تا سنتی در بین امت تو باشد. و در حدیث خباب بن ارت آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دخترم فاطمه را به مهریه یک پنجم زمین و ۴۸۰ درهم، به فرمان الهی به ازدواج تو درمی آورم، آنچه که بعدا به او تعلق می گیرد یک پنجم زمین است و آنچه از هم اکنون به او تعلق دارد همان ۴۸۰ درهم است. و حدیث یک پنجم زمین را به نقل از یعقوب بن شعیب، از امام صادق علیه السلام نیز روایت کرده اند. و از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند: خداوند

متعالم مهریه فاطمه را یک چهارم دنیا قرار داده است و در آخرت نیز مهر او را ورود دوستدارانش به بهشت و دشمنانش به جهنم. در امالی طوسی از امام صادق علیه السلام نقل شده: علی علیه السلام پول‌ها را در دامن پیامبر قرار داد و پیامبر مشتی از آن را که ۶۳ یا ۶۶ درهم بود به امّ ایمن داد تا لوازم ضروری زندگی را خریداری نماید، و مشتی از آن را به اسماء بنت عمیس داد تا با آن عطر خریداری کند، و مشتی را هم در اختیار امّ سلمه قرار داد تا با آن طعام فراهم کند و ابو بکر و عمار و بلال را فرستاد تا آنچه را که لازم است خریداری نمایند. علامه مجلسی گوید: روایت امالی طولانی است تا آنجا که جهیزیه فاطمه را برمی‌شمارد و می‌گوید: سبوی سبز رنگ و دو کوزه سفالی و سپس می‌گوید: و در روایتی آمده: زیراندازی به عنوان سفره، عبای قطوانی و مشکى برای آب. وهب بن وهب قرشی گوید: از چیزهایی که علی علیه السلام برای خانه‌اش فراهم کرد، عبارتند از: ۱- پخش کردن ماسه نرم در اتاق زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۷۹-۲ نصب چوبی بین دو دیوار که روی آن لباس پهن می‌کردند- رخت آویز افقی ۳- پهن کردن زیرانداز ۴- قرار دادن یک پستی در اتاق. ابو بکر ابن مردویه اصفهانی در حدیثش در باره ازدواج فاطمه علیها السلام گفته است: علی علیه السلام بیست و نه شب صبر کرد تا اینکه جعفر و عقیل به او گفتند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخواه تا همسرت را به تو تحویل دهد، و امّ ایمن از این موضوع آگاه شد و گفت: این کارها به زنان مربوط می‌شود. و این مطلب را با امّ سلمه در میان نهاد، و از پیامبر درخواست کردند و پیامبر پذیرفت و صحابه با هدایای خود در جشن عروسی آن دو شرکت کردند و از ولیمه عروسی که به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فراهم آمده بود، استفاده کردند و نقل کرده‌اند که در آن روز ۴۰۰۰ نفر از آن طعام خوردند و برای زنان خود نیز بردند در حالی که چیزی از آن غذا کم نشد و همچنان باقی ماند با وجود اینکه سه روز از آن تناول می‌کردند. «۱» و روایت شده که در آن شب- شب عروسی- جبرئیل لباسی برای فاطمه آورد که از کثرت زیبایی نمی‌شد قیمت‌گذاری کرد، به طوری که همسران پیامبر از مشاهده آن حیرت کرده بودند و می‌پرسیدند که این لباس از کجاست و او جواب می‌داد: از طرف خدا. در تاریخ خطیب بغدادی، و کتاب ابن مردویه اصفهانی و ابن مؤذن نیشابوری و ابن شیرویه دیلمی، به اسنادشان از علی بن جعد، از ابن بسطام، از شعبه بن حجاج، و از علوان، از شعبه، از ابو حمزه ضبعی، از ابن عباس و جابر بن عبد الله روایت کرده‌اند که در عروسی فاطمه پیامبر در مقابل او، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ و هفتاد هزار ملک در پشت سر فاطمه حرکت می‌کردند و تسبیح و تقدیس خداوند می‌گفتند تا آنکه صبح شد. در کتاب مولد فاطمه تألیف شیخ صدوق در خبری آمده: پیامبر به دختران عبد المطلب و زنان مهاجرین و انصار دستور داد تا همراه فاطمه باشند و شادی کنند و رجز بخوانند و تکبیر و تحمید خداوند را بگویند، و چیزی که رضای خدا در آن نباشد بر زبان نیاورند. جابر می‌گوید: فاطمه را بر ناقه‌ای سوار کردند- و در روایتی آمده او را بر شهباء اسب رسول خدا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۸۰ سوار نمودند- و سلمان زمام ناقه را بر دست گرفت و در اطراف فاطمه هفتاد هزار ملک بودند و پیامبر و حمزه و عقیل و جعفر و سایر اهل بیت پیامبر با او بودند و در پشت سرش حرکت می‌کردند و زنان پیامبر در مقابل او رجز می‌خواندند، امّ سلمه شعر می‌خواند: - ای هووهای من! به یاری خدا با من همراه شوید و خدا را در هر حال سپاس گویند. - به یاد آورید که خدای بزرگ بر ما ممت نهاد و ما را از بلاها و آفت‌ها رهایی بخشید. - کافر بودیم ما را راهنمایی و هدایت کرد، فرسوده بودیم ما را توانا نمود. - همراه بهترین زنان بروید که جان تمام خویشان و بستگان به فدای او باد. - ای دختر کسی که خدا او را به سبب پیامبری و وحی، او را بر دیگران برتری بخشید. سپس عایشه گفت: - ای زنان، خود را پوشیده دارید و جز سخنان نیکو سخنی بر زبان نرانید. - نام پروردگار جهان را بر زبان آورید که با دین خود ما و مسلمانان را گرامی داشت. - خدای بخشنده و پروردگار بزرگ و توانا را سپاسگزاریم. - ببرید این بانوی بزرگ را، که خدا با ارزانی داشتن همسری پاک و خوب او را محبوب خود گردانیده است. و بعد از او حفصه گفت: - فاطمه بهترین زنان است که چهره‌ای چون ماه تابان دارد. - خدای، تو را به سبب پدری که به آیتهای قرآنی مخصوص است بر دیگران برتری داده است. - مردی با فضیلت را شوهر تو قرار

داده که از همگان برتر و بالاتر است. - همسران رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّم، بیرید او را که او بزرگواری از تبار بزرگان است. و سپس معاذ، مادر سعد بن معاذ گفت: - سخن خیری را می گویم که در آن همه چیز مستور است. - مُحَمَّد بهترین آدمیان است که در او هیچ کبر و گمراهی وجود ندارد. - به برکت وجود او ما راه هدایت و رستگاری را شناختیم و خدا نیز ما را به خیر راهنمون کرده است. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۸۱ - و ما به همراه دختر پیامبر هدایت و شرف می رویم. - به سوی خانه ای که از آن نسلی پدید بیاید که ریشه اش بلند مرتبه باشد به طوری که کسی مانند آنها را ندیده باشد. در این حال دیگر زنانی که همراه فاطمه علیها السلام بودند، بیت اوّل هر رجز را تکرار می کردند و تکبیر گویان داخل خانه علی و فاطمه شدند، سپس رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّم به دنبال علی علیه السّلام فرستاد و او را از مسجد خواست و دست فاطمه را در دست علی علیهما السّلام قرار داد و گفت: خداوند این ازدواج را برای دختر رسولش مبارک گرداند. و در کتاب ابن مردویه اصفهانی آمده است که پیامبر آبی خواست و جرعه ای از آن را برگرفته مضمضه کرد و سپس به ظرف بازگردانید و کفی از آن را بر سر فاطمه پاشید و به او گفت: جلو بیا! و کفی نیز بر سینه اش پاشید و فرمود: باز گرد! و چون برگشت کفی دیگر از آب را بین دو کتف او پاشید و سپس برای آنها دعا کرد و گفت: خداوند! در آنها، بر آنها و برای آنها برکت قرار ده. و روایت شده است که فرمود: خدایا آنها محبوبترین مردم در نزد من هستند، پس آنان را دوست بدار و در فرزندانشان برکت قرار ده و خودت آنها را محافظت فرما، و من آنها را به تو می سپارم، پس از شرّ شیطان محفوظشان بدار. و نیز روایت شده که فرمود: خداوند! رجس و پلیدی را از آنها دور کن و ایشان را تطهیر نما. و نیز روایت شده که فرمود: درود بر دو رودی که با یک دیگر ملاقات می کنند و دو ستاره ای که با همدیگر جمع می شوند. و سپس بیرون خانه رفته و فرمود: خدایا! آنها را پاکیزه گردان و نسلشان را پاک قرار ده، من در صلح و سلامم با کسی که با شما در صلح و سازش باشد، و در ستیز هستم با کسانی که با شما بجنگند. از خدا برای شما طلب خیر می کنم و شما را به او می سپارم. و اسماء بنت عمیس بنا به وصیّت و قولی که به حضرت خدیجه علیها السلام داده بود، شب را در خانه آنها ماند تا مراقب فاطمه باشد و رسول خدا برای دنیا و آخرت او دعای خیر نمود. صبح روز بعد پیامبر نزد آن دو بازگشت و گفت: سلام بر شما، آیا اجازه می دهید داخل زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۸۲ شوم؟ اسماء در خانه را گشود ولی علی و فاطمه در خواب بودند، سپس پیامبر به اسماء گفت: بگذار بخوابند و با آنها کاری نداشته باش! و خود در گوشه ای از عبايي که آنها بر روی خویش کشیده بودند، قرار گرفت و خداوند به این امر خبر داد و فرمود: تتجافی جنوبهم عن المضاجع. بعدا رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّم از علی پرسید: همسرت چگونه زنی است؟ علی گفت: نیکو یآوری است برای اطاعت از خدا. رسول خدا همین سؤال را از فاطمه علیها السلام کرد، و آن حضرت گفت: شوهری خوب و شایسته است. سپس رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّم برای آنها دعا کرد و فرمود: خداوند! در میان آنها الفت برقرار نما، و آنان و فرزندانشان را نعمت بهشت نصیب فرما، به آنها فرزندانی پاک، طیب و مبارک روزی نما، و در ذرّیه آنها برکت قرار داده و آنها را امامانی هدایتگر به سوی اطاعت خود قرار ده، و آنان را به آنچه که رضایت تو در آن است، راهنمایی فرما. و سپس به اسماء دستور داد تا برود و به کارهای زندگی خودش رسیدگی کند و برای او دعای بسیار کرد. و شرحییل به سندش روایت کرده: صبح عروسی، پیامبر برای فاطمه و علی ظرفی شیر برد و به فاطمه گفت: پدر به فدایت باد، این را بنوش و به علی گفت: پسر عمویت به فدای تو، این شیر را بنوش.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۶۶/۲۵- مکارم الأخلاق «۱» عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ لَمَّا تَزَوَّجَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۸۳ بَسِطَ الثُّبْتَ كَثِيبًا وَكَانَ فِرَاشُهُمَا إِهَابَ كَبْشٍ وَ مِرْفَقُهُمَا مَحْشُوءَةٌ لِفَا وَ نَصَبُوا عُودًا يُوَضِّعُ عَلَيْهِ السَّقَاءُ فَسْتَرَهُ بِكِسَاءٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نُعَيْمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَدْخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ عَلَى عَلِيٍّ وَ سَتَرَهَا عِبَاءً وَ فَرَشَهَا إِهَابَ كَبْشٍ وَ وَسَادَتْهَا أَدَمٌ مَحْشُوءَةٌ بِمَسَدٍ بَيَانُ قَالَ الْفَيْرُوزِ أَدَى الْمَسَدِ حَبْلٌ مِنْ لَيْفٍ أَوْ لَيْفُ الْمَقْلِ أَوْ مِنْ أَى شَيْءٍ كَانَ

ترجمه

شیخ ابو نصر طبرسی در مکارم الاخلاق از امام باقر علیه السلام روایت کرده که گفت: هنگامی که علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را تزویج نمود در خانه‌اش فرشى از ماسه پهن کرد، و تشک آنها یک پوست گوسفند بود، و متکای آنها پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند، و رخت آویزی در خانه نصب کرد که بر آن مشک آب را آویزان می کردند، و بر درب خانه نیز پرده‌ای نصب نمود. و حسین بن نعیم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را در حالی به خانه علی فرستاد که روپوش او یک عبا، و زیر انداز او از پوست خرما و متکای او پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۶۷/۲۶- كشف الغمّة «۱» رَوَى الْحَافِظُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّجَّارُ عَنْ رِجَالٍ ذَكَرَهُمْ قَالَ سَمِعْتُ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ تَقُولُ سَمِعْتُ سَيِّدَتِي فَاطِمَةَ ع تَقُولُ لَيْلَةً دَخَلَ بِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع أَفْرَعَنِي فِي فِرَاشِي فَقُلْتُ أَفْرَعَتِ يَا سَيِّدَةَ النِّسَاءِ قَالَتْ سَمِعْتُ الْبَارِضَ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۸۴ تُحَدِّثُهُ وَ يُحَدِّثُهَا فَأُصِيبُحْتُ وَ أَنَا فَرَعُهُ فَأَخْبَرْتُ وَالِدِي ص فَسَجَدَ سَجْدَةً طَوِيلَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ يَا فَاطِمَةُ أَبْشِرِي بِطَيْبِ النَّسْلِ فَإِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ بَعْلَكَ عَلَى سَائِرِ خَلْقِهِ وَ أَمَرَ الْأَرْضَ أَنْ تُحَدِّثَهُ بِأَخْبَارِهَا وَ مَا يَجْرِي عَلَى وَجْهِهَا مِنْ شَرْقِ الْأَرْضِ إِلَى غَرْبِهَا

ترجمه

محقق اربلی (۶۹۴ ه) در كشف الغمّة به نقل از محمد بن محمود نجّار، به سندش از اسماء بنت عمیس روایت کرده که می گفت: از مولایم فاطمه علیها السلام شنیدم که می گفت: شبی که به خانه علی رفتم دچار جزع و فرع شدم، گفتم: ای بانوی زنان! ترسیدی؟! فرمود: آری، زیرا شنیدم که زمین با علی علیه السلام گفتگو می کرد و آن حضرت هم با زمین مشغول گفتگو بود، وقتی من این جریان را برای پدرم شرح دادم، آن بزرگوار سجده طولانی به جای آورد، آنگاه سرش را بلند کرد و به من فرمود: ای فاطمه! مژده باد تو را به پاکیزگی نسل، زیرا خدای توانا شوهر تو را بر سایر مردم فضیلت و برتری داده است و به زمین دستور فرموده که اخبار خود و آنچه را که در شرق و غرب آن رخ دهد برای او شرح دهد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۶۸/۲۷- إقبال الأعمال «۱» أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ النَّجَّارِ فِيمَا أَجَازَهُ لِي مِنْ كِتَابِ تَذْيِيلِهِ عَلَى تَارِيخِ الْخَطِيبِ فِي تَرْجَمَةِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ

الدَّلَالِ حَدَّثَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَطْرُوشِ وَأَبِي بَكْرِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ دُرَيْدٍ الْأَزْدِيِّ رَوَى عَنْهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ يُوسُفَ الْبَزَّازِ وَأَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْفَحَّامِ السَّامِرِيَّانِ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ ضَيْيَاءُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ وَأَبُو حَامِدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْلِمٍ بْنُ ثَابِتٍ وَيُوسُفُ بْنُ الْمَيْلِ بْنِ كَامِلٍ قَالُوا أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْبَاقِي الْبَزَّازُ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبُرْسِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاضِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يُوسُفَ السَّامِرِيُّ حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الشَّاهِدُ الْمَعْرُوفُ بِالْدَّلَالِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَعْرُوفُ بِالْأَطْرُوشِ أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو سُلَيْمَانُ بْنُ أَبِي مَعْشَرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ وَائِلَةَ بْنِ الْأَسْقَعِ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ مِثْلَهُ

ترجمه

سید بن طاوس حدیث پیشین را به سندی که در اینجا آمده است از اسماء بنت عمیس روایت کرده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۶۹/۲۸- كشف الغمّة «۱» مِنْ مَنَاقِبِ الْخَوَارِزْمِيِّ «۲» عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ خُطِبْتُ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ لِي مَوْلَاهُ هَلْ عَلِمْتَ أَنَّ فَاطِمَةَ قَدْ خُطِبَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْتُ لِمَا قَالَتْ فَقَدْ خُطِبْتُ فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَأْتِيَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَيَزَوِّجَكَ فَقُلْتُ وَعِنْدِي شَيْءٌ أَتَزَوَّجُ بِهِ قَالَتْ إِنَّكَ إِنْ جِئْتَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ زَوَّجَكَ فَوَاللَّهِ مَا زَالَتْ تُزَجِّنِي حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَكَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص جَلَالُهُ وَهَيْبُهُ فَلَمَّا قَعِدْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ أَفْحَمْتُ فَوَاللَّهِ مَا اسْتِطَعْتُ أَنْ أَتَكَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا جَاءَ بِكَ أَلَيْكَ حَاجَةٌ فَسَكَتُ فَقَالَ لَعَلَّكَ جِئْتَ تَخْطُبُ فَاطِمَةَ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ وَهَيْلٌ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ تَسْتَحِلُّهَا بِهِ فَقُلْتُ لَا وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَا فَعَلْتَ الدَّرْعَ الَّتِي سَلَحْتُكَهَا فَقُلْتُ عِنْدِي فَوَالَّذِي نَفْسُ عَلِيٍّ بِيَدِهِ إِنَّهَا لِحُطْمِيَّةٌ مَا نَمْنُهَا أَرْبَعُمِائَةٍ دَرَاهِمٍ فَقَالَ ص قَدْ زَوَّجْتُكَهَا فَأَبْعَثْ بِهَا إِلَيْهَا فَاسْتَحِلَّهَا بِهَا فَإِنْ كَانَتْ لَصَدَاقُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص «۳» بَيَانُ قَالَ الْجَزَرِيُّ - فِي حَدِيثٍ عَلَى ع مَا زَالَتْ تُزَجِّنِي حَتَّى دَخَلْتُ عَلَيْهِ أَيْ تَسَوَّقَنِي وَتَدْفَعَنِي

ترجمه

محقق اربلی در كشف الغمّة، به نقل از مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام تألیف خوارزمی، از علی علیه السلام روایت کرده که گفت: من به حضور رسول خدا رفتم و فاطمه را خواستگاری نمودم، یکی از کنیزان به من گفت: آیا می‌دانی که فاطمه را از رسول اکرم خواستگاری نموده‌اند؟ گفتم: نه. گفت: آری، او خواهان دارد، چه مانعی دارد که نزد پیغمبر خدا مشرف شوی تا فاطمه را برای تو تزویج نماید؟ من گفتم: آخر من چیزی ندارم که ازدواج نمایم؟ گفت: اگر تو نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شوی حتماً فاطمه را به تو خواهد داد. وی همچنان اصرار می‌نمود تا اینکه بالاخره من به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شدم. آن حضرت خیلی با عظمت و با ابهت بود، وقتی در حضور آن بزرگوار نشستم سکوت اختیار نمودم. به خداوند سوگند که قدرت سخن گفتن نداشتم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: برای چه نزد من آمدی، آیا حاجتی داری؟ من سکوت کردم. فرمود: شاید برای خواستگاری فاطمه آمده باشی؟ گفتم: آری. فرمود: آیا چیزی داری که با او ازدواج نمایی؟ گفتم: نه به خداوند سوگند، فرمود: آن زهری که سلاح تو بود، چه شد؟ گفتم: حاضر است، به حق آن خدایی که جان علی در دست قدرت او می‌باشد، آن زره قیمتش بیش از چهار صد درهم نیست. فرمود: مانعی ندارد، من فاطمه را با همان زره

برای تو تزویج می‌نمایم، آن را برای زهرا بفرست و با وی ازدواج کن.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷۰ / ۲۹- كشف الغمّة (۱) «وَعَنْهُ عَنْ أَنَسٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ لِي يَا أَنَسُ أَتَذَرُنِي مَا جَاءَنِي بِهِ جَبْرِئِيلُ مِنْ عِنْدِ صَاحِبِ الْعَرْشِ قَالَ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ أَمَرَنِي أَنْ أُرَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَأَنْطَلِقُ فَادْعُ لِي أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ وَعَلِيًّا وَطَلْحَةَ وَالزُّبَيْرَ وَبَعْدَهُمْ مِنَ الْأَنْصَارِ قَالَ فَأَنْطَلَقْتُ فَدَعَوْتُهُمْ لَهُ فَلَمَّا أَنْ أَخَذُوا مَجَالِسَهُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۴۸۷ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ بِنِعْمَتِهِ الْمَعْبُودِ بِقُدْرَتِهِ الْمُطَاعِ فِي سُلْطَانِهِ الْمَرْهُوبِ مِنْ عَذَابِهِ الْمَرْغُوبِ إِلَيْهِ فِيمَا عِنْدَهُ النَّافِذِ أَمْرُهُ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَمَيَّزَهُمْ بِأَحْكَامِهِ وَأَعَزَّهُمْ بِدِينِهِ وَأَكْرَمَهُمْ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُصَاحِرَةَ نَسَبًا لَاحِقًا وَأَمْرًا مُفْتَرَضًا وَشَجَّ بِهَا الْأَرْحَامَ وَأَلَزَمَهَا الْأَنَامَ فَقَالَ تَبَارَكَ اسْمُهُ وَتَعَالَى جَدُّهُ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (۱) فَأَمَرَ اللَّهُ يَجْرِي إِلَى قَضَائِهِ وَقَضَاؤُهُ يَجْرِي إِلَى قَدَرِهِ فَلِكُلِّ قَضَاءٍ قَدَرٌ وَلِكُلِّ قَدَرٍ أَجَلٌ وَلِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ يَمْحُوهُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۲) ثُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَى أَرْبَعِمَائَةٍ مِثْقَالِ فِضَّةٍ إِنْ رَضِيَ بِذَلِكَ عَلِيٌّ وَكَانَ غَائِبًا قَدْ بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَاجَةٍ ثُمَّ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِطَبْقٍ فِيهِ بُسْرٌ فَوَضَعَ بَيْنَ أَيْدِينَا ثُمَّ قَالَ اتَّهَبُوا فَبَيْنَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ عَلِيٌّ فَتَبَسَّمَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُرَوِّجَكَ فَاطِمَةَ وَقَدْ زَوَّجْتُكَهَا عَلَى أَرْبَعِمَائَةٍ مِثْقَالِ فِضَّةٍ أَرْضَيْتَ قَالَ رَضِيتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ قَامَ عَلِيٌّ فَخَرَّ لِلَّهِ سَاجِدًا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَعَلَ اللَّهُ فِيكُمْ الْخَيْرَ الْكَثِيرَ الطَّيِّبَ وَبَارَكَ فِيكُمْ يَا أَنَسُ وَاللَّهِ لَقَدْ أُخْرِجَ مِنْهَا الْكَثِيرُ الطَّيِّبُ (۴) لابن شهر آشوب: خطب النبي ص على المنبر في تزويج فاطمة خطبة رواها يحيى بن معين في أماليه و ابن بطة في الإبانة بإسنادهما عن أنس بن مالك مرفوعا: و روينا عن الرضا ع و ذكر نحوه (۵) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۸۸ بیان قال الجزری وشجت العروق والأغصان اشتبكت و منه حدیث علی ع و وشج بينها و بین أزواجها أى خلط و ألف

ترجمه

و نیز در همان کتاب از انس بن مالک روایت است که گفت: من در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم که وحی بر آن بزرگوار نازل شد، وقتی حال طبیعی خود را یافت به من فرمود: آیا می‌دانی جبرئیل از طرف خدای عرش چه دستوری برای من آورد؟ گفتم: خدا و رسول او بهتر می‌دانند. فرمود: خدا مرا مأمور نموده زهرا را برای علی تزویج نماید. سپس به من فرمود: برو ابو بکر، عمر، عثمان، علی، طلحه و زبیر و مطابق تعداد ایشان را از انصار نزد من بیاور! وقتی من ایشان را دعوت نمودم و در مجلس آن حضرت حاضر شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطبه مفصلی خواند سپس به اهل مجلس فرمود: من شما را شاهد می‌گیرم بر اینکه فاطمه را با مهریه چهار صد مثقال نقره برای علی بن ابی طالب اگر راضی باشد تزویج نمودم. زیرا آن موقع رسول خدا حضرت علی را به دنبال کاری فرستاده بود. بعد از این جریان رسول خدا دستور داد تا یک طبق بسر (خرمای کال) در پیش ما نهادند و به ما فرمود: از اینها بگیرید. در همین موقع بود که حضرت علی وارد شد، رسول خدا به صورت علی علیه السلام لبخندی زد و به وی فرمود: خدا مرا مأمور کرده که فاطمه را برای تو تزویج نمایم، من او را با مهریه چهار صد مثقال نقره برای تو عقد کردم، آیا راضی هستی؟ گفت: آری یا رسول الله! سپس علی برخاست و سجده شکر به جای آورد و پیغمبر خدا به او فرمود: خدا خیر فراوانی به شما عطا کرده و به شما برکت داده است. انس می‌گوید: به خداوند سوگند که از فاطمه خیر فراوان و کثیری به

ظهور رسید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷۱ / ۳۰- كشف الغمۃ «۱» و مِنَ الْمَنَاقِبِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ زَوْجُكَ سَيِّدًا فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمَنِ الصَّالِحِينَ لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ أُمْلِكَكَ مِنْ عَلِيٍّ أَمَرَ اللَّهُ جَبْرِئِيلَ فَقَامَ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ وَ صَفَّ الْمَلَائِكَةُ صُفُوفًا ثُمَّ خَطَبَ عَلَيْهِمْ فَرَوَّجَكَ مِنْ عَلِيٍّ ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ شَجَرَ الْجَنَانِ فَحَمَلَتِ الْحُلِيَّ وَ الْحُلُلَ ثُمَّ أَمَرَهَا فَتَثَرَتْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهَا شَيْئًا أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَهُ غَيْرُهُ افْتَخَرَ بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۹۰ وَ مِنْهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ «۱» قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ تُذَكِّرُ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَلَا يَذْكُرُهَا أَحَدٌ إِلَّا صَدَّ عَنْهُ زِدْكَ كَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۹۳ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۹۶ حَتَّى يَنْسُوا مِنْهَا فَلَقِيَ سَيِّدُ بْنُ مُعَاذٍ عَلِيًّا فَقَالَ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَرَى رَسُولَ اللَّهِ ص يَحْبِسُهَا إِلَّا زِدْكَ كَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۹۷ عَلَيْكَ فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ فَلَمْ تَرَى ذَلِكَ فَوَاللَّهِ مَا أَنَا بِوَاحِدِ الرَّجُلَيْنِ مَا أَنَا بِصَاحِبِ دُنْيَا يُلْتَمَسُ مِنِّي عِنْدِي وَقَدْ عَلِمَ مَا لِي صِيْفَرَاءُ وَ لَا بَيْضَاءُ قَالَ سَيِّدُ بْنُ مُعَاذٍ فَإِنِّي أَغْزِمُ عَلَيْكَ لَتَفَرَّجَهَا عَنِّي فَإِن لِي فِي ذَلِكَ فَرْجًا قَالَ فَأَقُولُ مَاذَا قَالَ تَقُولُ جِئْتُ خَاطِبًا إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص قَالِ فَأَنْطَلِقْ عَلَيَّ فَعَرَضَ لِلنَّبِيِّ ص وَ هُوَ ثَقِيلُ حَصْرٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص كَانَ لَكَ حَاجَةٌ يَا عَلِيٌّ قَالَ أَجَلُ جِئْتُكَ خَاطِبًا إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص مَرْحَبًا كَلِمَةً ضَعِيفَةً فَعَادَ إِلَى سَيِّدِهِ فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ أَنْكَحَكَ فَوَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ إِنَّهُ لَا خُلْفَ الْآنَ وَ لَا كَذِبَ عِنْدَهُ أَغْزِمُ عَلَيْكَ لَتَأْتِيَنَّهُ عَدَا وَ تَقُولَنَّ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَتَى تُبَيِّنُ لِي قَالِ عَلِيٌّ هَذَا أَشَدُّ عَلَيَّ مِنَ الْأُولَى أَوْ لَا أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ حَاجَتِي قَالَ قُلْ كَمَا أَمَرْتُكَ فَأَنْطَلِقْ عَلَيَّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى تُبَيِّنُ لِي قَالِ اللَّيْلَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ دَعَا بِلَالًا فَقَالَ يَا بِلَالُ إِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ ابْنَتِي مِنْ ابْنِ عَمِّي وَ أَنَا أُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنْ سَيِّئَةِ أُمَّتِي الطَّيِّمِ عِنْدَ النِّكَاحِ فَأَتِ الْغَنَمَ فَخُذْ شَاءَ مِنْهَا وَ أَرْبَعَةَ أُمْدَادٍ فَاجْعَلْ لِي قَصِيْعَةً لَعَلِّي أَجْمَعُ عَلَيْهَا الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارَ فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْهَا فَأَذْنِي بِهَا فَأَنْطَلِقْ فَفَعَلَ مَا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ أَتَاهُ بِقَصِيْعَةٍ فَوَضَعَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ فَطَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي رَأْسِهَا ثُمَّ قَالَ أَدْخِلْ عَلَيَّ النَّاسَ زُفَّةً زُفَّةً لَا تُغَادِرْ زُفَّةً إِلَى غَيْرِهَا يَعْنِي إِذَا فَرَعْتَ زُفَّةً لَمْ تَعُدْ ثَانِيَةً فَجَعَلَ النَّاسُ يَزْفُونَ كُلَّمَا فَرَعْتَ زُفَّةً وَرَدَتْ أُخْرَى حَتَّى فَرَعَ النَّاسُ ثُمَّ عَمِدَ النَّبِيُّ ص إِلَى فَضْلِ مِمَّا فِيهَا فَتَفَلَّ فِيهِ وَ بَارَكَ وَ قَالَ يَا بِلَالُ احْمِلْهَا إِلَى أُمِّهِاتِكَ وَ قُلْ لَهُنَّ كُلْنَ وَ أَطْعِمْنَ مَنْ غَشِيَكُنَّ ثُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ ص قَامَ حَتَّى دَخَلَ عَلَى النِّسَاءِ فَقَالَ إِنِّي زَوَّجْتُ ابْنَتِي ابْنَ عَمِّي وَ قَدْ عَلِمْتُنَّ مَنْزِلَتَهَا مِنِّي وَ إِنِّي لَدَافِعُهَا إِلَيْهِ أَلَا فَدُونُكُمْ ابْتَسَكَنَّ فَقَامَ النِّسَاءُ فَعَلَفْنَهَا مِنْ طَبِيْعٍ وَ حَلِيْعٍ وَ جَعَلْنَ فِي بَيْتِهَا فِرَاشًا حَسُوهُ لَيْفٌ وَ وَسَادَةً وَ كِسَاءً خَبِيرًا وَ مُحْضَبًا وَ اتَّخَذْنَ أُمَّ أَيْمَنَ بَوَابَهُ ثُمَّ إِنَّ النَّبِيَّ ص دَخَلَ فَلَمَّا رَأَى النِّسَاءَ وَثَبْنَ وَ بَيَّنَّهْنَ وَ بَيْنَ النَّبِيِّ ص سِيْرَتَهُ وَ تَخَلَّفَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص كَمَا أَنْتِ عَلَى رِسْلِكَ مَنْ أَنْتِ قَالَتْ أَنَا الَّتِي أَحْرَسُ ابْنَتِكَ إِنْ الْفِتْيَاءُ لَيَلِمَنَّ بِنِي بِهَا لِمَا بُدِّ لَهَا مِنْ أَمْرٍ أَنْ تَكُونَ قَرِيْبَةً مِنْهَا إِنْ عَرِضَتْ لَهَا حَاجَةٌ أَوْ أَرَادَتْ زِدْكَ كَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۴۹۸ شَيْئًا أَفْضَتْ بِذَلِكَ إِلَيْهَا قَالَ فَإِنِّي أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَحْرُسَكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ وَ مِنْ خَلْفِكَ وَ عَنْ يَمِيْنِكَ وَ عَنْ شِمَالِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ثُمَّ صِيْرَخَ بِفَاطِمَةَ فَأَقْبَلَتْ فَلَمَّا رَأَتْ عَلِيًّا جَالِسًا إِلَى جَنْبِ رَسُولِ اللَّهِ ص حَصْرَتْ وَ بَكَتْ فَاشْفَقَ النَّبِيُّ ص أَنْ يَكُونَ بُكَاءُهَا لِأَنَّ عَلِيًّا لَا مَالَ لَهُ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص مَا يُبْكِيكَ فَوَاللَّهِ مَا أَلُوْتُكَ وَ نَفْسِي فَقَدْ أَصَبْتُ لَكَ خَيْرَ أَهْلِي وَ أَيْمٍ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ زَوَّجْتُكَ سَيِّدًا فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمَنِ الصَّالِحِينَ فَلَانَ مِنْهَا وَ أَمَكْتَهُ مِنْ كَفِّهَا فَقَالَ النَّبِيُّ ص يَا أَسْمَاءُ اثْنِي بِالْمُخْضَبِ فَمَلَأَتْهُ مَاءً فَمَجَّ النَّبِيُّ ص فِيهِ وَ غَسَلَ قَدَمَيْهِ وَ وَجْهَهُ ثُمَّ دَعَا بِفَاطِمَةَ فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ مَاءٍ فَضَرَبَ بِهِ عَلَى رَأْسِهَا وَ كَفًّا بَيْنَ يَدَيْهَا ثُمَّ رَشَّ جِلْدَهُ وَ جِلْدَهَا ثُمَّ التَّرَمَّهَا فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهَا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهَا اللَّهُمَّ كَمَا أَذْهَبَتْ عَنِّي الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَنِي فَطَهِّرْهَا ثُمَّ دَعَا بِمُخْضَبٍ آخَرَ ثُمَّ دَعَا عَلِيًّا ع فَصَبَّ بِهِ كَمَا صَبَّ بِهَا ثُمَّ دَعَا لَهُ كَمَا دَعَا لَهَا ثُمَّ قَالَ قُومَا إِلَى بَيْتِكُمَا جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَكُمَا وَ بَارَكَ فِي

نَسِيْلُكُمْ وَ أَصْلَحَ بِالْكَمَا ثُمَّ قَامَ فَأَغْلَقَ عَلَيْهِ بَابَهُ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَأَخْبَرْتَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ أَنَّهَا رَمَقَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَمْ يَزَلْ يَدْعُو لَهُمَ يَا خَاصَّةً وَلَا يُشْرِكُهُمَا فِي دُعَائِهِ أَحَدًا حَتَّى تَوَارَى فِي حُجْرَتِهِ بَيَانُ قَوْلِهِ مَا أَنَا بِوَاحِدِ الرَّجُلَيْنِ أَيْ لَسْتُ مِمَّنْ يَشَارُ إِلَيْهِ وَيَعْرِفُ مِنْ بَيْنِ النَّاسِ حَتَّى يَقَالَ إِنَّهُ أَحَدُ الرَّجُلَيْنِ الْمَعْرُوفَيْنِ وَ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ قَوْلُهُ مَا أَنَا بِصَاحِبِ دُنْيَا تَفْصِيلاً لِلرَّجُلَيْنِ فَذَكَرَ أَحَدَهُمَا وَ أَحَالَ الْآخَرَ عَلَى الظُّهُورِ أَيْ لَسْتُ بِمَعْرُوفٍ بَيْنَ النَّاسِ أَوْ لَمْ يَمَهْلِهِ الْمَخَاطَبُ لَذِكْرِ الْآخَرِ. وَ قَالَ الْجَزْرِيُّ فِي حَدِيثٍ تَرْوِيحٍ فَاطِمَةَ ع أَنَّهُ صَنَعَ طَعَامًا وَ قَالَ لِبَلَالٍ أَدْخِلِ النَّاسَ عَلَى زَفَةِ زَفَةٍ أَيْ طَائِفَةٍ بَعْدَ طَائِفَةٍ وَ زَمْرَةٍ بَعْدَ زَمْرَةٍ سَمِيَتْ بِذَلِكَ لَزَيْفِهَا فِي مَشِيهَا وَ إِقْبَالِهَا بِسَرْعَةِ قَوْلِهِ لَا تَغَادِرْ زَفَةً أَيْ لَا تَتْرَكَ جَمَاعَةَ مَائِلاً إِلَى غَيْرِهِمْ وَ تَفْسِيرُهُ لَا يَخْلُو مِنْ بَعْدِ. وَ قَالَ فِي النِّهَايَةِ فِي حَدِيثِ زَوَاجِ فَاطِمَةَ ع فَلَمَّا رَأَتْ عَلَيْهَا جَالِسًا إِلَى جَنْبِ النَّبِيِّ ص حَصْرَتْ وَ بَكَتْ أَيْ اسْتَحْيَتْ وَ انْقَطَعَتْ كَأَنَّ الْأَمْرَ ضَاقَ بِهَا كَمَا يَضِيقُ الْحَبْسَ عَلَى الْمَحْبُوسِ. وَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص لِفَاطِمَةَ مَا يَبْكِيكَ فَمَا أَلُوتُكَ وَ نَفْسِي وَ قَدْ أَصَبْتَ لَكَ خَيْرَ أَهْلِي زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۴۹۹ اى ما قصرت فى امرک و امرى حيث اخترت لک علیا زوجا. قوله فلان منها من للتبعيض اى لان شىء منها و المعنى حصول بعض اللین و الانقياد منها. قوله ثم رش جلده و جلدها لعله ص رش أولا- عليهما ثم خص عليا ع بالرش و الأظهر ثم رش جلدها كما سیأتى

ترجمه

و نیز در کشف الغمّه از کتاب مناقب خوارزمی، از عبد الله بن مسعود روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام فرمود: شوهر تو در دنیا سرور و در آخرت از صالحان خواهد بود. وقتی خدا تصمیم گرفت که تو را برای علی تزویج کنم، به جبرئیل دستور داد تا در آسمان چهارم در میان صفوف ملائکه بایستد و برای آنان خطبه بخواند و تو را برای علی عقد نماید. آنگاه به درختان بهشت فرمود: تا زیور و حله‌های خود را بر سر ملائکه نثار نمایند، هر کسی بیشتر از آنها برگرفته باشد، تا روز قیامت به آن فخر و مباهات می‌نماید. نیز از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: در باره خواستگاری حضرت فاطمه به رسول خدا پیشنهاد می‌شد، احدی راجع به ازدواج فاطمه با رسول خدا مذاکره نمی‌کرد مگر اینکه از او اعراض می‌کرد تا اینکه مردم از ازدواج فاطمه زهرا مأیوس شدند. روزی سعد بن معاذ با حضرت علی ملاقات نمود و به وی گفت: به خداوند سوگند من جز این نمی‌بینم که رسول خدا فاطمه را برای تو نگاه داشته باشد. علی علیه السلام فرمود: چگونه یک چنین پیش بینی را می‌کنی؟ به خداوند سوگند من بیشتر از یک مرد نیستم، من ثروت دنیوی ندارم که کسی به آن طمع کند، رسول خدا می‌داند که من طلا و نقره‌ای ندارم. سعد گفت: من از تو تقاضا می‌نمایم این خواسته مرا انجام دهی، زیرا من خوشحال می‌شوم. علی فرمود: من به پیامبر خدا چه بگویم؟ گفت: به رسول خدا بگو: من آمده‌ام فاطمه را از خدا و رسول او خواستگاری نمایم، وقتی علی علیه السلام به حضور پیغمبر خدا مشرف شد، رسول خدا به وی فرمود: یا علی گویا حاجتی داشته باشی؟ گفت: آری، من آمده‌ام که فاطمه را از خدا و رسول او خواستگاری کنم. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۰۰ پیامبر خدا فرمود: مرحبا خوش آمدی. حضرت علی نزد سعد بازگشت و فرمود: رسول خدا فرموده: فاطمه را به عقد تو خواهم درآورد. سعد گفت: به حق آن خدایی که او را به پیغمبری مبعوث نموده آن حضرت خلف وعده نمی‌کند و دروغ نزد او نیست، من از تو خواهش می‌کنم که فردا به حضور آن حضرت بروی و بگویی: ای رسول خدا! این موضوع را برای من معلوم کن. علی علیه السلام فرمود: این مرتبه از مرتبه اول برای من مشکل تر است، آیا نه چنین است که من حاجت خود را به آن بزرگوار گفته‌ام. سعد گفت: اینکه می‌گویم قبول کن! حضرت علی برای دومین بار نزد پیامبر خدا آمد و گفت: یا رسول الله! وقت ازدواج مرا تعیین کن! فرمود: امشب است. پس از این جریان پیغمبر خدا بلال را خواست و به او فرمود: من دخترم فاطمه را برای پسر عمویم تزویج نمودم. من دوست دارم که اتمم در موقع عروسی غذا بدهند، برو یک گوسفند و چهار ظرف غذا و یک کاسه یا سینی بزرگ نزد من بیاور تا شاید مهاجرین و انصار را

دعوت کنم و غذا بدهم، هر گاه اینها را آماده نمودی مرا آگاه کن. بلال رفت و پس از اینکه مأموریت خود را انجام داد کاسه را در مقابل رسول خدا نهاد. پیامبر پس از اینکه دست مبارک خود را روی غذای آن کاسه نهاد به بلال فرمود: مردم را دسته دسته دعوت کن، مشروط بر اینکه دو مرتبه نیایند. مردم پیوسته دسته دسته می آمدند و غذا می خوردند تا اینکه عموم آنان از غذا خوردن فراغت حاصل نمودند. سپس پیغمبر اکرم متوجه ما بقی غذا شد و آب دهان مبارک خود را به آن زد و به بلال فرمود: این غذا را برای زنان من ببر و بگو: خودشان بخورند و به اطرافیان خود هم بدهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از این جریان برخاست و نزد زنان آمد و فرمود: من دخترم را برای پسر عموم تزویج نمودم، در صورتی که شما مقام و منزلت فاطمه را نزد من می دانید، شما هم به فکر دختر خود باشید- یعنی به او رسیدگی کنید. زنان برخاستند و حضرت فاطمه را با آن عطرهایی که داشتند، معطر و خوشبو نمودند و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۰۱ زر و زیور به وی دادند، فرش و متکای لیف و کساء خیری در میان خانه اش انداختند و خضاب برایش آوردند و ام ایمن را محافظ او قرار دادند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل شد، وقتی زنان آن حضرت را دیدند از جای برخاستند ولی بین رسول خدا و زنان یک پرده آویخته بودند. اسماء بنت عمیس به جای خود ماند، پیامبر به او فرمود: تو کیستی؟ گفت: من کسی هستم که دختر تو را مواظبت می نمایم، زیرا هر دختری باید در شب عروسی زنی را داشته باشد که مواظب او باشد، تا اگر احتیاجی رخ دهد یا منظوری داشته باشد وی انجام دهد. پیامبر خدا فرمود: من از خدا می خواهم که تو را از چهار طرف از شر شیطان رجیم حفظ فرماید ... سپس پیغمبر خدا به فاطمه فرمود: به خداوند سوگند که من در باره تو و خودم کوتاهی ننمودم، من بهترین اهل خود را برای تو انتخاب نمودم، سوگند به حق آن خدایی که جان من در دست اوست من تو را برای شخصی تزویج نمودم که در دنیا بزرگ و در آخرت از نیکوکاران به شمار می رود. سپس حضرت رسول به اسماء فرمود: طشت بیاور، اسماء طشت را پر از آب نمود و آورد، رسول خدا پس از اینکه آب دهان مبارک خود را در آن ریخت پاها و صورت حضرت علی را با آن شستشو داد. آنگاه فاطمه اطهر را صدا زد و یک مشت از آن آب را بر سر آن بانو ریخت و یک مشت هم در جلو او پاشید و سپس از آب آن به بدن علی و زهرا پاشید. رسول خدا پس از این جریان نزدیک فاطمه آمد و فرمود: پروردگارا! این فاطمه از من و من از او می باشم، بار خدایا! همچنان که پلیدیها را از من دور نمودی و مرا پاک و پاکیزه کردی فاطمه را هم پاکیزه بگردان. پیامبر خدا پس از این عمل طشت دیگری خواست و حضرت علی بن ابی طالب را احضار نمود و همان را که برای فاطمه انجام داده بود با علی نیز انجام داد. آنگاه همان دعایی را در حق علی کرد که در حق فاطمه کرده بود. سپس به علی و فاطمه علیهما السلام فرمود: برخیزید به سوی خانه خود بروید، خدا شما را خیر و برکت عطا نماید. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۰۲ رسول خدا بعد از این دعاها برخاست و در خانه آنها را بست. ابن عباس می گوید: اسماء بنت عمیس برایم گفت: پیامبر خدا پیوسته در حق علی و زهرا دعا می کرد و کسی را در دعاهای آنان شریک نمی کرد تا اینکه داخل حجره خویش گردید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷۲ / ۳۱- كشف الغمّة (۱) قَالَ الْخَوَارِزْمِيُّ «۲» وَ أَتَيْتُ أُنَى أَبَوِ الْعَلَاءِ الْحَافِظُ الْهَمْدَانِي يُزَفِّعُهُ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۰۳ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي بَيْتٍ أُمِّ سَلَمَةَ إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ مَلَكٌ لَهُ عِشْرُونَ رَأْسًا فِي كُلِّ رَأْسٍ أَلْفُ لِسَانٍ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَ يَقْدِّسُهُ بِلُغَةٍ لَا تُشَبِّهُ الْأُخْرَى وَ رَاحَتُهُ أَوْسَعُ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعَ أَرْضِينَ فَحَسِبَ النَّبِيُّ ص أَنَّهُ جِبْرِيلُ فَقَالَ يَا جِبْرِيلُ لَمْ تَأْتِنِي فِي مِثْلِ هَذِهِ الصُّورَةِ قَطُّ قَالَ مَا أَنَا جِبْرِيلُ أَنَا صِرْصَائِلُ بَعَثَنِي اللَّهُ إِلَيْكَ لِتَرْجِعَ النُّورَ مِنَ النُّورِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص

مَنْ مِمَّنْ قَالَ ابْتَنَكَ فَاطِمَةُ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَرَوَّجَ النَّبِيُّ ص فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ بِشَهَادَةِ جَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَصَرَصَائِلَ قَالَ فَنَظَرَ النَّبِيُّ ص فَإِذَا بَيْنَ كَتَفَيْ صَرَصَائِلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مُقِيمُ الْحُجَّةِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص يَا صَرَصَائِلُ مُنْذُ كَمْ هَذَا كُتِبَ بَيْنَ كَتَفَيْكَ قَالَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الدُّنْيَا بِأَتْنِي عَشَرَ أَلْفَ سِنَةٍ وَمِنْ كِتَابِ الْمَنَاقِبِ، «۱» عَنْ بَلَالِ بْنِ حَمَامَةَ قَالَ طَلَعَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ وَوَجْهُهُ مُشْرِقٌ كَدَارَةِ الْقَمَرِ فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذَا التُّورُ قَالَ بِشَارَةَ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۰۴ أَتْنِي مِنْ رَبِّي فِي أَخِي وَابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي وَأَنَّ اللَّهَ زَوَّجَ عَلِيًّا مِنْ فَاطِمَةَ وَ أَمَرَ رِضْوَانَ خَازِنَ الْجَنَانِ فَهَزَّ شَجَرَةَ طُوبَى فَحَمَلَتْ رِقَاعًا يَغْنَى صَ كَاكَأَ بِعَدَدِ مُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي وَأَنْشَأَ مِنْ تَحْتِهَا مَلَائِكَةً مِنْ نُورٍ وَدَفَعَ إِلَى كُلِّ مَلَكٍ صَ كَاكَأً فَإِذَا اسْتَوَتْ الْقِيَامَةُ بِأَهْلِهَا نَادَتْ الْمَلَائِكَةُ فِي الْخَلَائِقِ فَلَا يَبْقَى مُحِبٌّ لِأَهْلِ الْبَيْتِ إِلَّا دَفَعَتْ إِلَيْهِ صَ كَاكَأً فِيهِ فَكَأَهُ مِنَ النَّارِ بِأَخِي وَابْنِ عَمِّي وَابْنَتِي فَكَأَكَ رِقَابِ رِجَالٍ وَنِسَاءٍ مِنْ أُمَّتِي مِنَ النَّارِ الْخَرَاجِ «۱» عَنْ النَّبِيِّ ص مثله المناقب «۲» تَارِيخُ بَعْدَادَ بِإِلْشَادِ عَنْ بَلَالِ بْنِ حَمَامَةَ مِثْلَهُ ثُمَّ قَالَ وَفِي رِوَايَةٍ أَنَّهُ يَكُونُ فِي الصُّكُوكِ بَرَاءَةٌ مِنَ الْعَلِيِّ الْجَبَّارِ لِشَيْعِهِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ مِنَ النَّارِ

ترجمه

و نیز در کشف الغمه از مناقب خوارزمی از امام حسین بن علی علیهما السلام روایت کرده است که گفت: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه ام سلمه بود که فرشته‌ای بر آن حضرت نازل شد که بیست سر داشت و در هر سرش هزار زبان بود که با آنها خداوند را تسبیح و تقدیس می‌کرد، پیامبر فکر کرد که او جبرئیل است و لذا خطاب به او فرمود: ای جبرئیل چرا با این هیأت بر ما نازل شده‌ای؟ آن فرشته گفت: من جبرئیل نیستم بلکه صرصائیل می‌باشم و به سوی تو مأمور شده‌ام تا نور را با نور تزویج نمایم، پیامبر فرمود: چه کسی را به چه کسی؟ صرصائیل گفت: دخترم فاطمه علیها السلام را برای علی علیه السلام. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را برای علی علیه السلام تزویج نمود و جبرئیل و میکائیل و صرصائیل را بر این امر شاهد گرفت. سپس پیامبر به سوی صرصائیل نگاه کرد و دید که در میان دو کتف او نوشته شده: «نیست خدایی جز خدای یگانه، محمد رسول خداست، و علی بن ابی طالب در بهشت اقامت دارد». پیامبر به آن فرشته گفت: ای صرصائیل، در چه زمانی این نوشته در بین دو کتف تو نگاشته شده است؟ او گفت: دوازده هزار سال قبل از اینکه خداوند دنیا را خلق کند. و در کتاب مناقب خوارزمی از بلال بن حمّامه روایت شده است که گفت: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۰۵ یک روز پیغمبر خدا در حالی نزد ما آمد که صورت مبارکش نظیر قرص ماه روشن و نورانی بود، عبد الرحمن بن عوف برخاست و گفت: یا رسول الله! این چه نوری است؟! فرمود: برای مژده‌ای است که از طرف پروردگارم در باره برادر و پسر عمویم و دخترم به من داده شده، و آن مژده این است که خدا فاطمه را برای علی تزویج نموده است، و به خزانه‌دار بهشت دستور داده درخت طوبی را تکان دهد تا ورقه‌هایی به عدد دوستان اهل بیت من تدارک نماید و در زیر آن درخت ملائکه‌ای از نور آفرید و به هر یک از آنان یک ورقه عطا کرد، روزی که قیامت به پا شود ملائکه محبین اهل بیت را در میان خلایق ندا می‌کنند، و احدی از دوستداران اهل بیت من باقی نمی‌ماند مگر اینکه به وسیله شفاعت علی و فاطمه از جهنم نجات خواهند یافت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷۳ / ۳۲- کشف الغمه «۱» وَ مِنَ الْمَنَاقِبِ «۲» عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمَّا أَنْ كَانَتْ لَيْلَةُ زُفْتِ فَاطِمَةُ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَانَ النَّبِيُّ ص قَدْ آمَهَا وَ جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهَا وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهَا وَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ وَرَائِهَا يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يَقْدِّسُونَهُ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ «۳» وَ مِنَ

الْمَنَاقِبِ، «۴» عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَتَانِي مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ زَنْدَكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۰۶ عَزَّ وَجَلَّ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَرَوَّجَهَا مِنْهُ وَقَدْ أَمَرْتُ شَجَرَةَ طُوبَى أَنْ تَحْمِلَ الدَّرَّ وَالْيَاقُوتَ وَالْمَرْجَانَ وَإِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ قَدْ فَرَحُوا لِدَلِّكَ وَسَيُؤَلِّدُ مِنْهُمَا وَلَدَانِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَبِهِمَا يُزَيَّنُ الْجَنَّةُ فَأُبَشِّرُ يَا مُحَمَّدُ فَإِنَّكَ خَيْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ «۱» مِنَ الْمَنَاقِبِ، «۲» عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَكُلُّ قَالُوا إِنَّهُ لَمَّا زَنْدَكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۰۸ أَدْرَكَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص مُدْرَكَ النَّسَاءِ خَطْبَهَا أَكَابِرُ قُرَيْشٍ مِنْ أَهْلِ الْفَضْلِ وَالسَّابِقَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَالشَّرَفِ وَالْمَالِ وَكَانَ كُلُّهَا ذَكَرَهَا رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ لِرَسُولِ اللَّهِ ص أَعْرَضَ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ص بِوَجْهِهِ حَتَّى كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَظُنُّ فِي نَفْسِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص سَاخِطٌ عَلَيْهِ أَوْ قَدْ نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِيهِ وَحْيٌ مِنَ السَّمَاءِ وَلَقَدْ خَطَبَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمْرُهَا إِلَى رَبِّهَا وَخَطَبَهَا بَعِيدُ أَبِي بَكْرٍ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص كَمَقَالَتِهِ لِأَبِي بَكْرٍ قَالَ وَ إِنَّ أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرَ كَانَا ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسَيْنِ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَمَعَهُمَا سَعْدُ بْنُ مُعَاذٍ الْأَنْصَارِيُّ ثُمَّ الْأَوْسِيُّ فَتَدَاكَرُوا مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ قَدْ خَطَبَهَا زَنْدَكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۰۹ الْأَشْرَافُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ إِنَّ أَمْرَهَا إِلَى رَبِّهَا إِنْ شَاءَ أَنْ يُزَوِّجَهَا زَوْجَهَا وَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ لَمْ يَخْطُبَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَلَمْ يَذْكُرْهَا لَهُ وَ لَا أَرَاهُ يَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا قِلَّةُ ذَاتِ الْيَدِ وَإِنَّهُ لَيَقْعُ فِي نَفْسِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ ص إِنَّمَا يَحْسِنَانِيَا عَلَيْهِ قَالَ ثُمَّ أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَعَلَى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فَقَالَ هَلْ لَكُمَا فِي الْقِيَامِ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَتَّى نَذْكُرَ لَهُ هَذَا فَإِنْ مَنَعَهُ قِلَّةُ ذَاتِ الْيَدِ وَاسْتِنَاءُ وَ أَشِعْنَاهُ فَقَالَ لَهُ سَعْدُ بْنُ مُعَاذٍ وَفَقَكَ اللَّهُ يَا أَبَا بَكْرٍ فَمَا زِلْتُ مُوَفَّقًا قَوْمُوا بِنَا عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ وَ يُغْنِيهِ قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَخَرَجُوا مِنَ الْمَسْجِدِ وَ التَّمَسُّوا عَلَيَّ فِي مَنْزِلِهِ فَلَمْ يَجِدُوهُ وَ كَانَ يَنْصَحُ بِبَعِيرٍ كَانَ لَهُ الْمَاءُ عَلَى نَحْلٍ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ بِأَجْرِهِ فَانْطَلَقُوا نَحْوَهُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِمْ عَلِيٌّ ع قَالَ مَا وَرَاءَكُمْ وَمَا الَّذِي جِئْتُمْ لَهُ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ خَصِيلَةٌ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ إِلَّا وَلَكَ فِيهَا سَابِقَةٌ وَ فَضْلٌ وَأَنْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص بِالْمَكَانِ الَّذِي قَدْ عَرَفْتَ مِنَ الْقَرَابَةِ وَ الصُّحْبَةِ وَ السَّابِقَةِ وَ قَدْ خَطَبَ الْأَشْرَافُ مِنْ قُرَيْشٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ فَزَدَهُمْ وَقَالَ إِنَّ أَمْرَهَا إِلَى رَبِّهَا إِنْ شَاءَ أَنْ يُزَوِّجَهَا زَوْجَهَا فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَذْكُرَهَا لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَخْطُبَهَا مِنْهُ فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ ص إِنَّمَا يَحْسِنَانِيَا عَلَيْكَ قَالَ فَتَعَزَّوْغَتْ عَيْنَا عَلِيٍّ بِالْذُّمُوعِ وَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ لَقَدْ هَيَّجَتْ مِنِّي سَاكِنًا وَ أَتَقَطَّتْنِي لِأَمْرِ كُنْتُ عَنْهُ غَافِلًا وَاللَّهِ إِنْ فَاطِمَةَ لَمْ يَضَعْ رَغْبَةً وَمَا مِثْلِي قَعَدَ عَنْ مِثْلِهَا غَيْرَ أَنَّهُ يَمْنَعُنِي مِنْ ذَلِكَ قِلَّةُ ذَاتِ الْيَدِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ لِمَا تَقُولُ هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ فَإِنَّ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَرَسُولِهِ كَهَيَاءٍ مَثُورٍ قَالَ ثُمَّ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع حَلَّ عَنْ نَاضِحِهِ وَ أَقْبَلَ يَقُودُهُ إِلَى مَنْزِلِهِ فَشَدَّهُ فِيهِ وَ لَبَسَ نَعْلَهُ وَ أَقْبَلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي مَنْزِلِ زَوْجَتِهِ أُمِّ سَلَمَةَ ابْنَتِهِ أَبِي أُمَيَّةَ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْمُخَزُومِيِّ فَقَدَّ عَلِيٌّ ع الْبَابَ فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ مَنْ بِالْبَابِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ قَبْلِ أَنْ يَقُولَ عَلِيٌّ أَنَا عَلِيٌّ قَوْمِي يَا أُمُّ سَلَمَةَ فَاتَّحَى لَهُ الْبَابَ وَ مَرِيهِ بِالْدُخُولِ فَهَذَا رَجُلٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ يُحِبُّهُمَا فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَنْ هَذَا الَّذِي تَذْكُرُ فِيهِ هَذَا وَأَنْتَ لَمْ تَرَهُ فَقَالَ مَهْ يَا أُمُّ سَلَمَةَ فَهَذَا رَجُلٌ لَيْسَ بِالْخَرِقِ وَ لَا بِالنَّرِقِ هَذَا أَخِي وَ ابْنُ عَمِّي وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ زَنْدَكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۱۰ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَقُمْتُ مُبَادِرَةً أَكَادُ أَنْ أَغْثُرَ بِمِرْطَى فَفَتَحْتُ الْبَابَ فَإِذَا أَنَا بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ وَاللَّهِ مَا دَخَلَ حِينَ فَتَحْتُ حَتَّى عَلِمَ أَنِّي قَدْ رَجَعْتُ إِلَى خِدْرِي ثُمَّ إِنَّهُ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ اجْلِسْ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَجَلَسَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ جَعَلَ يَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ كَأَنَّهُ قَصِيدَ الْحَاجَةِ وَ هُوَ يَسْتَحْيِي أَنْ يُبْدِيَهَا فَهُوَ مُطَرِّقٌ إِلَى الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَكَانَ النَّبِيُّ ص عَلِيمٌ مَا فِي نَفْسِ عَلِيٍّ ع فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي أَرَى أَنَّكَ أَتَيْتَ لِحَاجَةٍ فَقُلْ حَاجَتَكَ وَ أَبْدِ مَا فِي نَفْسِكَ فَكُلُّ حَاجَةٍ لَكَ عِنْدِي مُقْضِيَّةٌ قَالَ عَلِيٌّ ع فَقُلْتُ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّكَ أَخَذْتَنِي مِنْ عَمِّكَ أَبِي طَالِبٍ وَ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ وَ أَنَا صَبِيٌّ لَا عَقْلَ لِي فَعَمَّذْتَنِي بِعَمِّكَ وَ أَدْبَيْتَنِي بِأَدَبِكَ فَكُنْتُ إِلَى أَفْضَلٍ مِنْ أَبِي طَالِبٍ وَ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ فِي الْبِرِّ وَ الشَّفَقَةِ وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هَدَانِي بِكَ وَ عَلَى يَدَيْكَ وَ اسْتَفْذَنِي مِمَّا كَانَ عَلَيْهِ آبَائِي وَ أَعْمَامِي مِنَ الْحَيْرَةِ وَ الشُّكِّ وَ إِنَّكَ وَاللَّهِ يَا

رَسُولَ اللَّهِ ذُخْرِي وَ دَخِيرَتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْ أَحْبَبْتُ مَعَ مَا شَدَّ اللَّهُ مِنْ عَصْدِي بِكَ أَنْ يَكُونَ لِي بَيْتٌ وَأَنْ يَكُونَ لِي زَوْجَةٌ أَشِيكُنُ إِلَيْهَا وَقَدْ أَتَيْتُكَ خَاطِبًا رَاغِبًا أَخْطُبُ إِلَيْكَ ابْنَتَكَ فَاطِمَةَ فَهَلْ أَنْتَ مُزَوَّجِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَتْ أُمِّ سَلَمَةَ فَرَأَيْتَ وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ ص يَتَهَلَّلُ فَرَحًا وَسُرُورًا ثُمَّ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ عَلِيٍّ ع فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَهَلْ مَعَكَ شَيْءٌ أَزَوِّجُكَ بِهِ فَقَالَ عَلِيٌّ ع فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَاللَّهِ مَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْ أَمْرِي شَيْءٌ أَمْلِكُ سَيْفِي وَ دِرْعِي وَ نَاصِحِي وَ مَا أَمْلِكُ شَيْئًا غَيْرَ هَذَا فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ أَمَا سَيْفُكَ فَلَا غَنَى بِكَ عَنْهُ تُجَاهِدُ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ تُقَاتِلُ بِهِ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ نَاصِحُكَ تَنْصَحُ بِهِ عَلَى نَحْلِكَ وَ أَهْلِكَ وَ تَحْمِلُ عَلَيْهِ رَحْلَكَ فِي سَفَرِكَ وَ لَكِنِّي قَدْ زَوَّجْتُكَ بِالْدَّرْعِ وَ رَضِيتُ بِهَا مِنْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَبَشْرُكَ قَالَ عَلِيٌّ ع قُلْتُ نَعَمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي بِشَرْنِي فَإِنَّكَ لَمْ تَزَلْ مَيِّمُونَ النَّفِيسَةَ مَيَّارَكَ الطَّائِرِ رَشِيدَ الْبَأْسِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص أَبَشِرْ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ زَوَّجَكُمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَزَوِّجَكَ فِي الْأَرْضِ وَ لَقَدْ هَبَطَ عَلِيٌّ فِي مَوْضِعِي مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنِي مَلَكَ مِنَ السَّمَاءِ لَهُ وَجُوهٌ شَتَّى وَ أَجْنِحَةٌ شَتَّى لَمْ أَرَقَبْلَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِثْلَهُ فَقَالَ لِي السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ أَبَشِرْ يَا مُحَمَّدُ بِاجْتِمَاعِ الشَّمْلِ وَ طَهَارَةِ النَّشْلِ فَقُلْتُ وَ مَا ذَاكَ أَتَيْهَا الْمَلِكُ فَقَالَ زَنْدْكَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۵۱۱ لِي يَا مُحَمَّدُ أَنَا سَيِّطَانُ الْمَلِكِ الْمُوَكَّلُ بِإِخْدَى قَوَائِمِ الْعَرْشِ سَأَلْتُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَأْذَنَ لِي فِي بَشَارَتِكَ وَ هَذَا جَبْرِئِيلُ ع فِي أَثَرِي يُخْبِرُكَ عَنْ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ بِكَرَامَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ النَّبِيُّ ص فَمَا اسْتَسَمَّ كَلَامُهُ حَتَّى هَبَطَ عَلَيَّ جَبْرِئِيلُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ ثُمَّ إِنَّهُ وَضَعَ فِي يَدِي حَرِيرَةً يَفْصَأُ مِنْ حَرِيرِ الْجَنَّةِ وَ فِيهِ سَاطِرَانِ مَكْتُوبَانِ بِالنُّورِ فَقُلْتُ حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ مَا هَذِهِ الْحَرِيرَةُ وَ مَا هَذِهِ الْخُطُوطُ فَقَالَ جَبْرِئِيلُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَطْلَعَ إِلَى الْبَارِضِ أَطْلَاعَةً فَاخْتَارَكَ مِنْ خَلْقِهِ فَبَعَثَكَ بِرِسَالَتِهِ ثُمَّ أَطْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ ثَانِيَةً فَاخْتَارَكَ لَكَ مِنْهَا أَخَا وَ وَزِيرًا وَ صَاحِبًا وَ خَتَنًا فَرَوَّجَهُ ابْنَتَكَ فَاطِمَةَ فَقُلْتُ حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ وَ مَنْ هَذَا الرَّجُلُ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَخُوكَ فِي الدُّنْيَا وَ ابْنُ عَمِّكَ فِي النَّسَبِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى الْجَنَانِ أَنْ تَزْخَرَفِي فَتَزْخَرَفَتِ الْجَنَانُ وَ إِلَى شَجَرَةِ طُوبَى إِحْمِلِي الْحُلِيَّ وَ الْحُلَّ وَ تَزَيَّنِي الْحُورُ الْعَيْنُ وَ أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ أَنْ تَجْتَمَعَ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ عِنْدَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فَهَبَطَ مِنْ فَوْقِهَا إِلَيْهَا وَ صَعِدَ مِنْ تَحْتِهَا إِلَيْهَا وَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رِضْوَانَ فَنَصَبَ مِثْبَرَ الْكِرَامَةِ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ الَّذِي خَطَبَ عَلَيْهِ آدَمُ عَرْضَ الْأَسْمَاءِ عَلَى الْمَلَائِكَةِ وَ هُوَ مِثْبَرٌ مِنْ نُورٍ فَأَوْحَى إِلَى مَلَكَ مِنْ مَلَائِكَةِ حُجْبِهِ يُقَالُ لَهُ - رَاحِلُ أَنْ يَغْلُو ذَلِكَ الْمِثْبَرُ وَ أَنْ يَحْمِدَهُ بِمَحَامِدِهِ وَ يُمَجِّدَهُ وَ يَتَمَجِّدِيهِ وَ أَنْ يُشَيِّ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ لَيْسَ فِي الْمَلَائِكَةِ أَحْسَنُ مَنْطِقًا وَ لَا أَخْلَى لَعْنَةً مِنْ رَاحِلِ الْمَلِكِ فَعَلَا الْمِثْبَرُ وَ حَمِدَ رَبَّهُ وَ مَجَّدَهُ وَ قَدَّسَهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ فَارْتَجَّتِ السَّمَاوَاتُ فَرَحًا وَ سُرُورًا قَالَ جَبْرِئِيلُ ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ أَنْ اعْقِدْ عُقْدَةَ النِّكَاحِ فَإِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ أَمْتِي فَاطِمَةَ بِنْتَ حَبِيبِي مُحَمَّدٍ عَبْدِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَعَقَدْتُ عُقْدَةَ النِّكَاحِ وَ أَشْهَدْتُ عَلَى ذَلِكِ الْمَلَائِكَةَ أَجْمَعِينَ وَ كُتِبَ شَهَادَتُهُمْ فِي هَذِهِ الْحَرِيرَةِ وَ قَدْ أَمَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَعْرِضَهَا عَلَيْكَ وَ أَنْ أَخْتَمَهَا بِخَاتَمِ مِسْكٍ وَ أَنْ أَذْفَعَهَا إِلَى رِضْوَانَ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا أَشْهَدَ الْمَلَائِكَةَ عَلَى تَزْوِيجِ عَلِيٍّ مِنْ فَاطِمَةَ أَمَرَ شَجَرَةَ طُوبَى أَنْ تَنْثُرَ حَمْلَهَا مِنَ الْحُلِيِّ وَ الْحُلَّ فَتَنْثُرَ مَا فِيهَا فَالْتَقَطَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ الْحُورُ الْعَيْنُ وَ إِنَّ الْحُورَ الْعَيْنَ لَيَتَهَيَّأْنَ لَهُ وَ يَفْخَرْنَ بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ أَنْ تُزَوِّجَ عَلِيًّا فِي الْبَارِضِ فَاطِمَةَ وَ تُبَشِّرَهُمَا زَنْدْكَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۵۱۲ بَعْلَمَائِي زَكِيَّيْنِ نَجِيَّيْنِ طَاهِرَيْنِ طَيِّبَيْنِ خَيْرَيْنِ فَاضِلَيْنِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَوَ اللَّهُ مَا عَرَجَ الْمَلِكُ مِنْ عِنْدِي حَتَّى دَقَّقْتُ الْبَابَ أَلَا وَ إِنِّي مُنْفِذُ فَيْكَ أَمْرَ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ امْنُ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَمَا مِي فَاِنِّي خَارِجٌ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ مُزَوِّجُكَ عَلَى رُءُوسِ النَّاسِ وَ ذَاكِرٌ مِنْ فَضْلِكَ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُكَ وَ أَعْيُنُ مُجِبِّكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ قَالَ عَلِيٌّ فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص مُسْرِعًا وَ أَنَا لَا أَغْقِلُ فَرَحًا وَ سُرُورًا فَاسْتَقْبَلَنِي أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ فَقَالَا مَا وَرَاءَكَ فَقُلْتُ زَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ زَوَّجَنِيهَا مِنَ السَّمَاءِ وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ ص خَارِجٌ فِي أَثَرِي لِيُظْهِرَ ذَلِكَ بِحَضْرَةِ النَّاسِ فَفَرَحَا بِذَلِكَ فَرَحًا شَدِيدًا وَ رَجَعَا مَعِيَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَمَا تَوَسَّطْنَاهُ حَتَّى لَحِقَ بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ إِنَّ وَجْهَهُ لَيَتَهَلَّلُ سُرُورًا وَ فَرَحًا فَقَالَ يَا بِلَالُ فَاجَابَهُ فَقَالَ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَجْمَعُ إِلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ فَجَمَعَهُمْ ثُمَّ رَفَى دَرَجَةً مِنَ الْمِثْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ قَالَ مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّ جَبْرِئِيلَ أَتَانِي آتِنَا فَأَخْبَرَنِي عَنْ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ جَمَعَ الْمَلَائِكَةَ عِنْدَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ أَنَّهُ أَشْهَدُهُمْ

جَمِيعاً أَنَّهُ زَوْجَ أُمَّتِهِ فَاطِمَةَ ابْنَتَهُ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عَبْدِهِ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَأَمَرَنِي أَنْ أَرْوِّجَهُ فِي الْأَرْضِ وَأَشْهَدُكُمْ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ جَلَسَ وَقَالَ لِعَلِّي ع قُمْ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَاحْطُبْ أَنْتَ لِنَفْسِكَ قَالَ فَقَامَ فَحَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ ص وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِلنَّعْمِ وَأَيَادِيهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شَهَادَةً تَبْلُغُهُ وَتَرْضِيهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صِلَامَةً تُزَلِّفُهُ وَتُحْطِيهِ وَالنِّكَاحُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ وَرَضِيَهُ وَمَجْلِسُنَا هَذَا مِمَّا قَضَاهُ اللَّهُ وَآذَنَ فِيهِ وَقَدْ زَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ وَجَعَلَ صَدَاقَهَا دَرْعِي هَذَا وَقَدْ رَضِيَتْ بِذَلِكَ فَاسْأَلُوهُ وَاشْهَدُوا فَقَالَ الْمُسْلِمُونَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص زَوْجَتُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالُوا بَارَكَ اللَّهُ لَهُمَا وَعَلَيْهِمَا وَجَمَعَ شَمْلَهُمَا وَانْصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى أَزْوَاجِهِ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَدْفَعْنَ لِفَاطِمَةَ فَضْرَتَيْنِ بِالْذُّفُوفِ قَالَ عَلَى فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ انْطَلِقِ الْآنَ فَبِعِ دِرْعِكَ وَأَثْنِي بِثَمَنِهِ حَتَّى أَهْبِي لَكَ وَلِابْنَتِي فَاطِمَةَ مَا يُصْلِحُكُمْ زَنْدِكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۱۳ قَالَ عَلَى فَأَنْطَلَقْتُ فَبِعْتُهُ بِأَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ سُودٍ هَجْرِيٍّ مِنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ فَلَمَّا قَبِضْتُ الدَّرَاهِمَ مِنْهُ وَقَبِضَ الدَّرْعَ مِنِّي قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ لَسْتُ أَوَّلِي بِالْأُخْتِ مِنْكَ وَأَنْتَ أَوَّلِي بِالْأُخْتِ مِنِّي فَقُلْتُ بَلَى قَالَ فَإِنَّ الدَّرْعَ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ فَأَخَذْتُ الدَّرْعَ وَالدَّرَاهِمَ وَأَقْبَلْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَطَرَحْتُ الدَّرْعَ وَالدَّرَاهِمَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَخْبَرْتُهُ بِمَا كَانَ مِنْ أَمْرِ عُثْمَانَ فَدَعَا لَهُ بِخَيْرٍ وَقَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْضَهُ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَدَعَا بِأَبِي بَكْرٍ فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ وَقَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ اشْتَرِ بِهَذِهِ الدَّرَاهِمَ لِابْنَتِي مَا يُصْلِحُ لَهَا فِي بَيْتِهَا وَبَعَثَ مَعَهُ سَلْمَانَ وَبِلَالًا لِيُعِينَاهُ عَلَى حَمْلِ مَا يَشْتَرِيهِ قَالَ أَبُو بَكْرٍ وَكَانَتِ الدَّرَاهِمُ الَّتِي أُعْطَانِيهَا ثَلَاثَةً وَسِتِّينَ دِرْهَمًا فَأَنْطَلَقْتُ وَاشْتَرَيْتُ فِرَاشًا مِنْ خَيْشٍ مِصْرَ مُحْشُواً بِالْصُوفِ وَنُطْعًا مِنْ أَدَمٍ وَسَادَةً مِنْ أَدَمٍ حَشَوْهَا مِنْ لَيْفِ النَّخْلِ وَعَبَاءَةً خَيْرِيَّةً وَقِرْيَةً لِلْمَاءِ وَكِبْرَانًا وَجِرَارًا وَمُطَهَّرَةً لِلْمَاءِ وَسِتْرَ صُوفٍ رَفِيقًا وَحَمْلِنَاءَ جَمِيعًا حَتَّى وَضَعْنَاهُ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ بَكَى وَجَرَتْ دُمُوعُهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمٍ جُلُّ آيَتِهِمُ الْخَزْفُ قَالَ عَلَى وَدَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَاقِيَ ثَمَنِ الدَّرْعِ إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ اتْرُكِي هَذِهِ الدَّرَاهِمَ عِنْدَكَ وَمَكَثْتُ بَعْدَ ذَلِكَ شَهْرًا لَا أُعَاوِدُ رَسُولَ اللَّهِ ص فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ بِشَيْءٍ اسْتَحْيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص غَيْرَ أَنِّي كُنْتُ إِذَا خَلَوْتُ بِرَسُولِ اللَّهِ يَقُولُ لِي يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا أَحْسَنَ زَوْجَتَكَ وَأَجْمَلَهَا أَبَشِّرْ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَدْ زَوَّجْتُكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ قَالَ عَلَى فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ شَهْرٍ دَخَلَ عَلَيَّ أَخِي عَقِيلُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ يَا أَخِي مَا فَرِحْتُ بِشَيْءٍ كَفَرَحِي بِتَزْوِيجِكَ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ ص يَا أَخِي فَمَا بِالْكَ لَا تَسْأَلُ رَسُولَ اللَّهِ ص يُدْخِلُهَا عَلَيْكَ فَتَقَرَّ عَيْنًا بِاجْتِمَاعِ شَمْلِكُمَا قَالَ عَلَى وَاللَّهِ يَا أَخِي إِنِّي لَأَحِبُّ ذَلِكَ وَمَا يَمْنَعُنِي مِنْ مَسْأَلَتِهِ إِلَّا الْحَيَاءُ مِنْهُ فَقَالَ أَفَسِمَتْ عَلَيْكَ إِلَّا قُمْتُ مَعِي فَقُمْنَا نُرِيدُ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَقِينَا فِي طَرِيقِنَا أُمَّ أَيُّمَنَ مَوْلَاهُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَذَكَرْنَا ذَلِكَ لَهَا فَقَالَتْ لَا تَفْعَلْ وَدَعْنَا نَحْنُ نُكَلِّمُهُ فَإِنَّ كَلَامَ النِّسَاءِ فِي هَذَا الْأَمْرِ أَحْسَنُ وَأَوْقَعُ بِقُلُوبِ الرِّجَالِ ثُمَّ انْتَشَتْ رَاجِعَةً فَدَخَلَتْ إِلَى أُمِّ سَلَمَةَ فَأَعْلَمَتْهَا بِذَلِكَ وَأَعْلَمَتْ نِسَاءَ النَّبِيِّ ص فَاجْتَمَعْنَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَكَانَ فِي بَيْتِ عَائِشَةَ فَأُخْرِدَقْنَ بِهِ وَقُلْنَ فَذَيْنَاكَ يَا بَابِئِنَّا وَأُمَهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ اجْتَمَعْنَا لِأَمْرٍ لَوْ أَنَّ خَدِيجَةَ فِي الْأَحْيَاءِ لَقَرَّتْ بِذَلِكَ عَيْنُهَا قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَلَمَّا ذَكَرْنَا خَدِيجَةَ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ ص ثُمَّ قَالَ خَدِيجَةُ وَآيَنَ مِثْلُ زَنْدِكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۱۴ خَدِيجَةُ صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَبَنِي النَّاسُ وَوَارَثَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَأَعَانَتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبِ الزُّمُرُودِ لَا صِخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَقُلْنَا فَذَيْنَاكَ يَا بَابِئِنَّا وَأُمَهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ لَمْ تَذْكُرْ مِنْ خَدِيجَةَ أَمْرًا إِلَّا وَقَدْ كَانَتْ كَذَلِكَ غَيْرَ أَنَّهَا قَدْ مَضَتْ إِلَى رَبِّهَا فَهَنَّاها اللَّهُ بِذَلِكَ وَجَمَعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهَا فِي دَرَجَاتِ جَنَّتِهِ وَرِضْوَانِهِ وَرَحْمَتِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَهَذَا أَخُوكَ فِي الدُّنْيَا وَابْنُ عَمِّكَ فِي النَّسَبِ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ يُحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ عَلَيْهِ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةَ ع وَتَجْمَعَ بِهَا شَمْلُهُ فَقَالَ يَا أُمُّ سَلَمَةَ فَمَا بَالُ عَلَى لَا يَسْأَلُنِي ذَلِكَ فَقُلْتُ يَمْنَعُهُ الْحَيَاءُ مِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَتْ أُمُّ أَيُّمَنَ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص انْطَلِقِي إِلَى عَلَى فَأَتِينِي بِهِ فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَإِذَا عَلَى يَتَنَظَّرُنِي لِيَسْأَلَنِي عَنْ جَوَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا رَأَى قَالَ مَا وَرَأَيْتُكَ يَا أُمُّ أَيُّمَنَ قُلْتُ أَجِبْ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ ع فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ وَقُمْتُ أَزْوَاجُهُ فَدَخَلْنَ الْبَيْتَ وَجَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مُطَرِّقًا نَحْوَ الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْهُ فَقَالَ أَتُحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ عَلَيْكَ زَوْجَتُكَ فَقُلْتُ وَأَنَا مُطَرِّقٌ نَعَمْ فَدَاكَ أَبِي وَأُمِّي فَقَالَ نَعَمْ وَكَرَامَةً يَا أَبَا الْحَسَنِ أَذْخِلُهَا عَلَيْكَ فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ أَوْ فِي لَيْلَةٍ غَدٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَقُمْتُ فَرِحًا مَسْرُورًا وَأَمَرَ ص أَزْوَاجَهُ أَنْ يُزَيِّنَ فَاطِمَةَ ع وَطَيَّبْنَاهَا وَيَفْرِشْنَ لَهَا بَيْتًا لِيَدْخُلْنَهَا عَلَى بَعْضِهَا فَفَعَلْنَ ذَلِكَ وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنَ الدَّرَاهِمِ الَّتِي سَلِمَهَا إِلَيَّ أُمُّ سَلَمَةَ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ

فَدَفَعَهَا إِلَيَّ وَقَالَ اشْتَرِ سِمْنًا وَتَمْرًا وَأَقِطًا فَاشْتَرَيْتُ وَأَقْبَلْتُ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَحَسِرَ عَنْ ذِرَاعِيهِ وَدَعَا بِسُفْرَةٍ مِنْ أَدَمٍ وَجَعَلَ يَشْدُخُ التَّمْرَ وَالسَّمْنَ وَيَخْلُطُهُمَا بِالْأَقِطِ حَتَّى اتَّخَذَهُ حَيْسًا ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ ادْعُ مَنْ أَحْبَبْتَ فَخَرَجْتُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَأَضْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص مُتَوَافِرُونَ فَقُلْتُ أَجِيبُوا رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَامُوا جَمِيعًا وَأَقْبَلُوا نَحْوَ النَّبِيِّ ص فَأَخْبَرْتُهُ أَنَّ الْقَوْمَ كَثِيرٌ فَجَلَلَ السُّفْرَةَ بِمَنْدِيلٍ وَقَالَ أَدْخِلْ عَلَى عَشْرَةِ بَعِيدٍ عَشْرَةَ فَفَعَلْتُ وَجَعَلُوا يَأْكُلُونَ وَيَخْرُجُونَ وَلَمَّا يَنْقُصُ الطَّعَامُ حَتَّى لَقَدْ أَكَلَ مِنْ ذَلِكَ الْحَيْسِ سَبْعِمِائَةَ رَجُلٍ وَامْرَأَةٍ بَرَكَهُ النَّبِيُّ ص قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ ثُمَّ دَعَا بِابْنَتِهِ فَاطِمَةَ وَدَعَا بِعَلِيِّ ع فَأَخَذَ عَلِيًّا بِيَمِينِهِ وَفَاطِمَةَ بِشِمَالِهِ وَجَمَعَهُمَا إِلَى صَدْرِهِ فَقَبَّلَ بَيْنَ أَغْنِيَهُمَا وَدَفَعَ فَاطِمَةَ إِلَيَّ عَلِيُّ وَقَالَ يَا عَلِيُّ نِعْمَ الزَّوْجَةُ زَوْجَتُكَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى فَاطِمَةَ وَقَالَ يَا فَاطِمَةُ نِعْمَ الْبُعْلُ بَعْلُكَ ثُمَّ قَامَ يَمْشِي بَيْنَهُمَا حَتَّى أَدْخَلَهُمَا بَيْتَهُمَا زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۱۵ الَّذِي هُيِيَ لَهُمَا ثُمَّ خَرَجَ مِنْ عِنْدِهِمَا فَأَخَذَ بَعْضَادَتِي الْبَابَ فَقَالَ طَهَّرْ كَمَا اللَّهُ وَطَهَّرْ نَسْلَكُمْ أَنَا سَلَمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَأَحْزَبَ لِمَنْ حَارَبَكُمْ أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَسْتَخْلِفُهُ عَلَيْكُمْ قَالَ عَلِيُّ وَكَثُرَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَعِيدَ ذَرِّكَ ثَلَاثًا لَمَّا يَدْخُلُ عَلَيْنَا فَلَمَّا كَانَ فِي صَبِيحَةِ الْيَوْمِ الرَّابِعِ جَاءَنَا لِيَدْخُلَ عَلَيْنَا فَصَادَفَ فِي حُجْرَتِنَا أَسْمَاءَ بِنْتُ عُمَيْسٍ الْخُثْعَمِيَّةَ فَقَالَ لَهَا مَا يَقْفِكَ هَاهُنَا وَفِي الْحُجْرَةِ رَجُلٌ فَقَالَتْ فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي إِنَّ الْفِتَاءَ إِذَا زُفَّتْ إِلَى زَوْجِهَا تَحْتَاجُ إِلَى امْرَأَةٍ تَعَاهِدُهَا وَتَقُومُ بِحَوَائِجِهَا فَأَقَمْتُ هَاهُنَا لِأَفْضَى حَوَائِجِ فَاطِمَةَ ع قَالَ ص يَا أَسْمَاءُ قَضَى اللَّهُ لَكَ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ قَالَ عَلِيُّ ع وَكَأَنْتَ غَدَاةَ قَرَّةٍ وَكُنْتُ أَنَا وَفَاطِمَةُ تَحْتَ الْعِيَاءِ فَلَمَّا سَمِعْنَا كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ ص لِأَسْمَاءَ ذَهَبْنَا لِلْقَوْمِ فَقَالَ بِحَقِّي عَلَيْكُمْ لَا تَفْتَرِقَا حَتَّى أَدْخُلَ عَلَيْكُمَا فَرجَعْنَا إِلَى حَالِنَا وَدَخَلَ ص وَجَلَسَ عِنْدَ رُءُوسِنَا وَأَدْخَلَ رِجْلَيْهِ فِيمَا بَيْنَنَا وَأَخَذَتْ رِجْلَهُ الْيُمْنَى فَضَمَّتْهَا إِلَى صَدْرِي وَأَخَذَتْ فَاطِمَةُ رِجْلَهُ الْيُسْرَى فَضَمَّتْهَا إِلَى صَدْرِهَا وَجَعَلْنَا نُدْفِي رِجْلَيْهِ مِنَ الثَّرِّ حَتَّى إِذَا دُفِنَا قَالَ يَا عَلِيُّ ائْتِنِي بِكُوزٍ مِنْ مَاءٍ فَأَتَيْتُهُ فَتَقَلَّ فِيهِ ثَلَاثًا وَقَرَأَ فِيهِ آيَاتٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ اشْرَبْهُ وَاتْرُكْ فِيهِ قَلِيلًا فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَرَشَ بَاقِيَ الْمَاءِ عَلَى رَأْسِي وَصَدْرِي وَقَالَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكَ الرَّجْسَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَطَهَّرَكَ تَطْهِيرًا وَقَالَ ائْتِنِي بِمَاءٍ جَدِيدٍ فَأَتَيْتُهُ بِهِ فَفَعَلَ كَمَا فَعَلَ وَسَلَّمَهُ إِلَيَّ ابْنَتُهُ ع وَقَالَ لَهَا اشْرَبِي وَاتْرُكِي مِنْهُ قَلِيلًا فَفَعَلْتُ فَرَشَهُ عَلَى رَأْسِهَا وَصَدْرِهَا وَقَالَ ص أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكَ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكَ تَطْهِيرًا وَآمَرَنِي بِالْخُرُوجِ مِنَ الْبَيْتِ وَخَلَا بِابْنَتِهِ وَهَلَالَ كَيْفَ أَنْتِ يَا بِنْتِي وَكَيْفَ رَأَيْتِ زَوْجِيكَ قَالَتْ لَهُ يَا أَبَتِ خَيْرَ زَوْجٍ إِلَّا أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيَّ نِسَاءً مِنْ قُرَيْشٍ وَقُلْنَ لِي زَوْجِيكَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ فَقِيرٍ لَا مَالَ لَهُ فَقَالَ لَهَا يَا بِنْتِي مَا أَبُوكَ بِفَقِيرٍ وَلَا بَعْلُكَ بِفَقِيرٍ وَلَقَدْ عُرِضْتُ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ فَاخْتَرْتُ مَا عِنْدَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ يَا بِنْتِي لَوْ تَعْلَمِينَ مَا عَلِمَ أَبُوكَ لَسَمِعْتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنَيْكَ وَاللَّهِ يَا بِنْتِي مَا أَلُوْتُكَ نُصْحًا إِنْ زَوْجَتِكَ أَقْدَمَهُمْ سَلْمًا وَآكَثَرَهُمْ عِلْمًا وَأَعْظَمَهُمْ حِلْمًا يَا بِنْتِي إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعًا فَاخْتَارَ مِنْ أَهْلِهَا رَجُلَيْنِ فَجَعَلَ أَحَدَهُمَا أَيْاكِ وَالْآخَرَ بَعْلُكَ يَا بِنْتِي نِعْمَ الزَّوْجُ زَوْجِيكَ لَمَّا تَعَصَّيَ لَهُ أَمْرًا زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۱۶ ثُمَّ صَدَّاحَ بِي رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلْ بَيْتَكَ وَالطُّفْ بِزَوْجَتِكَ وَارْزُقْ بِهَا فَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلِمُهَا وَيَسْرِئُنِي مَا يَسْرِئُهَا أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَسْتَخْلِفُهُ عَلَيْكُمْ قَالَ عَلِيُّ ع فَوَ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَّتْ لِي أَمْرًا وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْآخْزَانُ قَالَ عَلِيُّ ع ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِيَنْصَرِفَ فَقَالَتْ لَهُ فَاطِمَةُ يَا أَبَتِ لَا طَاقَةَ لِي بِخِدْمَةِ الْبَيْتِ فَأَخَذَ مِنِّي خَادِمًا تَخْدُمُنِي وَتُعِينُنِي عَلَى أَمْرِ الْبَيْتِ فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ أَوْ لَا تُرِيدِينَ خَيْرًا مِنَ الْخَادِمِ فَقَالَ عَلِيُّ ع فَتَسْبِّحِينَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً وَتُحَمِّدِينَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً وَتُكَبِّرِينَ اللَّهَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً فَذَلِكَ مَائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ حَسَنَةٌ فِي الْمِيزَانِ يَا فَاطِمَةُ إِنَّكَ إِنْ قُلْتِهَا فِي صَبِيحَةِ كُلِّ يَوْمٍ كَفَاكَ اللَّهُ مَا أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَيَانُ أَقُولُ رَوَى مِثْلَ تِلْكَ الرِّوَايَةِ مِنْ كِتَابِ كَفَايَةِ الطَّالِبِ تَأْلِيفَ مُحَمَّدِ بْنِ يَوْسُفَ الْكَنْجِي الشَّافِعِي بِإِسْنَادِهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ بِاخْتِصَارٍ وَتَغْيِيرٍ تَرْكَنَاهُ لِتَكَرُّرِ مَضَامِينِهِ ثُمَّ قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَوْسُفَ هَكَذَا رَوَاهُ ابْنُ بَطَّةٍ وَهُوَ حَسَنٌ عَالٍ وَذَكَرَ أَسْمَاءَ بِنْتُ عَمَيْسٍ فِي هَذَا الْحَدِيثِ غَيْرَ صَحِيحٍ لِأَنَّ أَسْمَاءَ هَذِهِ امْرَأَةُ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ تَزَوَّجَهَا بَعْدَهُ أَبُو بَكْرٍ فَوُلِدَتْ لَهُ مُحَمَّدًا فَلَمَّا مَاتَ أَبُو بَكْرٍ تَزَوَّجَهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع وَإِنَّ أَسْمَاءَ الَّتِي حَضْرَتِ فِي عَرَسِ فَاطِمَةَ ع إِنَّمَا هِيَ أَسْمَاءُ بِنْتُ يَزِيدَ بْنِ السَّكَنِ الْأَنْصَارِيِّ وَأَسْمَاءُ بِنْتُ عَمَيْسٍ كَانَ مَعَ زَوْجِهَا جَعْفَرُ بِالْحَبْشَةِ وَقَدِمَ بِهَا يَوْمَ

فتح خیر سنه سبع و کان زواج فاطمه ع بعد وقعه بدر بأیام سیره فصیح بهذا أن أسماء المذكورة فی هذا الحديث إنما هی بنت یزید و لها أحادیث عن النبی ص انتهى. أقول المرط کساء من صوف أو خز کان یؤترز بها و الخدر بالكسر الستر قوله ع مما کان علیه آبائی أى الحیره فی بعض الأمور التى اهتدى إلیه أمير المؤمنین و خص به من العلوم الربانیة و الشریک إنما هو للأعمام أو یکون المراد بعض الأجداد من جهة الأم و قال الجزری فی میمون النقیبة أى منجیح الفعال مظفر المطالب و النقیبة النفس و قیل الطبیعة و الخلیفة و قال طائر الإنسان ما حصل له فی علم الله مما قدر له و منه الحديث بالمیمون طائره أى زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۱۷ بالمبارک حظّه و یجوز أن یکون أصله من الطیر السانح و البارح قوله ع ترفه أى تقر به قوله و تحظیه من باب الإفعال یقال فلان أحظى منى أى أقرب إلیه منى قوله ثم اثنت أى انصرفت قال الجوهری ثنیته صرفته عن حاجته و قال الجزری الصخب الضجة و اضطراب الأصوات للخصام و منه حدیث خدیجة لا صخب فیّه و لا نصب قوله فجعل السفره أى ستر ما فیها بمنديل ثلاثا یرى الآکلون ما فیها فیحصل فیها البرکة و قد تکرر ذلك فی الأخبار المشتملة علی إعجاز البرکة

ترجمه

و نیز در کشف الغمه، به نقل از مناقب خوارزمی (۵۶۸ هـ) از عبد الله بن عباس روایت کرده است که گفت: زمان عروسی فاطمه و علی علیهما السلام پیامبر در مقابل آنها، و جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ و هفتاد هزار فرشته در پشت سر فاطمه علیها السلام او را بدرقه می کردند و تا طلوع فجر خداوند را به خاطر این وصلت مبارک تسبیح و تقدیس می نمودند. و باز هم از مناقب خوارزمی از علی علیه السلام روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرشته ای بر من نازل شد و گفت: خداوند بر تو سلام می رساند و می فرماید: من فاطمه را برای علی تزویج نمودم و فرمان دادم تا شجره طوبی جواهرات رنگارنگ خود را نثار اهل آسمان کند و اهل آسمان نیز از این کار خشنود و شادمان گردیدند، و به زودی از آنها دو پسر متولد می شود که سروران جوانان بهشت هستند و همانا بهشت به آنها مباحات می کند و آنها را زینت خود می شناسد، پس ای محمّد! بشارت بر تو باد که بهترین مردم از اولین و آخرین آنها هستی. و باز هم از مناقب خوارزمی از امّ سلمه، سلمان فارسی و علی علیه السلام روایت نموده که همگی گفته اند: هنگامی که فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سنّ بلوغ رسید بزرگان قریش که سبقت در اسلام داشتند و اهل فضل و کمال و جاه و جلال و دارای اموال بودند، خواستگار فاطمه شدند، ولی هر گاه یکی از آنان راجع به این موضوع با پیامبر خدا مذاکره می کرد آن حضرت بنحوی از او اعراض می نمود که بعضی گمان می کردند: رسول خدا با او خشمناک شده است! یا اینکه در این باره از آسمان وحی بر آن بزرگوار نازل گردیده! زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۱۸ ابو بکر فاطمه را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خواستگاری نمود، ولی پیامبر فرمود: اختیار فاطمه با خدای سبحان است. بعد از ابو بکر عمر بن خطاب به خواستگاری فاطمه علیها السلام آمد ولی رسول خدا همان جوابی را به وی داد که به ابو بکر فرموده بود. روزی ابو بکر و عمر و سعد بن معاذ در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودند، و راجع به فاطمه مذاکره می کردند. ابو بکر گفت: اشراف قریش در حضور پیامبر خدا خواستگار فاطمه زهرا شدند، آن بزرگوار فرمود: اختیار فاطمه با خداوند می باشد. هر گاه که بخواهد وسیله ازدواج وی را مهیا می نماید. علی بن ابی طالب فاطمه زهرا را از رسول خدا خواستگاری ننموده و با وی مذاکره نکرده. من علّت عدم خواستگاری علی را جز تهی دستی چیز دیگری نمی بینم من این طور دریافته ام که خدا و رسول خدا فاطمه را برای علی نگاه داشته اند. سپس ابو بکر متوجه عمر بن خطاب و سعد بن معاذ شد و گفت: آیا صلاح می دانید نزد علی بن ابی طالب برویم و راجع به این موضوع با وی مذاکره نماییم؟ چنانچه معلوم شود تهی دستی و فقر مانع علی است ما به وی کمک کنیم. سعد بن معاذ گفت: ای ابو بکر خداوند تو را موقّق نماید، برخیزید تا به امید خداوند برویم. سلمان فارسی می گوید: آنان از مسجد خارج و برای یافتن علی به سوی منزل آن روانه حضرت شدند ولی او را

نیافتند. علی با اشتر خود آب برای درخت خرما یکی از انصار می کشید و اجرت می گرفت. هنگامی که آنان به سوی علی رفتند و چشم آن حضرت به آنان افتاد، فرمود: چه خبر دارید و برای چه منظوری نزد من آمده‌اید؟ ابو بکر گفت: یا علی! هیچ خصلت نیکویی نیست مگر اینکه تو در آن سبقت گرفته‌ای، تو نزد پیامبر از نظر قرابت و رفاقت و سبقت مقامی داری که می‌دانی. گروهی از اشراف قریش برای خواستگاری فاطمه نزد ایشان رفتند و آن بزرگوار آنان را رد کرد و در جوابشان فرمود: «اختیار فاطمه در دست خداست اگر بخواهد او را شوهر دهد می‌دهد». یا علی! چه مانعی دارد که تو فاطمه را از پیامبر اسلام خواستگاری نمایی؟ زیرا من زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۱۹ امیدوارم که خدا و رسول خدا فاطمه را برای تو نگاه داشته باشند. راوی می‌گوید: چشمان مبارک حضرت امیر پر از اشک شدند و فرمود: ای ابو بکر! تو فکر آرام مرا به هیجان آوردی و مرا برای مطلبی که از آن غافل بودم بیدار کردی. به خداوند سوگند که من به فاطمه زهرا رغبت دارم و شخصی چون من البته نسبت به زهرا بی‌میل نیست. ولی تنها چیزی که مانع من است تهی دستی می‌باشد. ابو بکر گفت: یا علی! این سخن را مگوی زیرا دنیا و آنچه که در آن است به نظر خدا و رسول ناچیز می‌باشد. علی علیه السلام پس از این جریان شتر خود را باز نمود و آن را به منزل برد و بست. آنگاه نعلین‌های خود را پوشید و به سوی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که در خانه زوجه‌اش ام سلمه بود روانه شد. وقتی علی دق الباب نمود، ام سلمه گفت: کیست که دق الباب می‌کند؟ پیامبر اکرم قبل از اینکه حضرت بگوید: منم، فرمود: برخیز در را باز کن و به وی بگو که وارد شود. وی مردی است که خدا و رسول او را دوست دارند و او هم خدا و رسول را دوست دارد. ام سلمه گفت: پدر و مادرم به فدای تو یا رسول الله این کیست که تو هنوز او را ندیده‌ای و این چنین در باره‌اش می‌فرمایی؟ فرمود: ای ام سلمه آرام باش! این مردی است عاقل و خویشتن‌دار. وی برادر و پسر عمو و محبوبترین مردم نزد من است. ام سلمه می‌گوید: من با سرعت برای باز کردن در رفتم به طوری که پایم به دامنم پیچید و نزدیک بود بیفتم. هنگامی که در را گشودم با علی بن ابی طالب مواجه شدم. آن حضرت وارد خانه نشد تا زمانی که یقین پیدا کرد که من به جایگاه خود بازگشتم، آنگاه داخل شد بر رسول خدا و گفت: السلام علیک یا رسول الله! و پیامبر سلام او را پاسخ داد و فرمود: بنشین ای ابو الحسن. علی در حضور پیامبر خدا نشست و دیده به زمین دوخت، گویا حاجتی داشت ولی از اظهار آن خجالت می‌کشید، لذا سر خود را به زیر افکنده سخنی نمی‌گفت. چنین می‌نمود که پیامبر از قلب علی آگاه بود، لذا به وی فرمود: این طور گمان می‌کنم که حاجتی داشته باشی، چه مانعی دارد، حاجت قلبی خود را بگو، زیرا حاجت تو نزد من روا خواهد شد. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۰ علی گفت: پدرم و مادرم به فدایت ای رسول خدا! تو خودت مرا از عمویت ابو طالب و فاطمه بنت اسد گرفتی، من کودک بودم تو مرا با خویشتن هم غذا کردی، تو نسبت به من از لحاظ نیکویی و شفقت از پدرم ابو طالب و مادرم فاطمه بنت اسد افضل و برتری، خدای رثوف مرا به وسیله تو و در دست تو هدایت نمود، خداوند مرا از آن سرگردانیها و حیرتی که پدران و عموهایم به آن دچار بودند نجات داد. یا رسول الله تو در دنیا و آخرت برای من ذخیره و پناهگاه هستی. یا رسول الله من دوست دارم با این همه رعایتی که نسبت به من فرموده‌ای خانه و همسری داشته باشم که با او انس بگیرم. یا رسول الله! من نزد تو آمده‌ام تا تقاضا نمایم که دخترم فاطمه را برای من تزویج فرمایی، آیا این تقاضا را می‌پذیری؟ ام سلمه می‌گوید: دیدم صورت مبارک پیامبر خدا از شدت فرج و خوشحالی می‌درخشید. آنگاه به حضرت علی فرمود: آیا تو چیزی داری که من فاطمه را به تو بدهم؟ علی علیه السلام گفت: پدر و مادرم به فدایت! اوضاع زندگی من از تو مخفی نیست. من فقط یک شمشیر و یک زره و یک شتر دارم که با آن آب می‌کشم. من غیر از اینها چیزی ندارم. رسول خدا فرمود: علی جان! تو از شمشیرت مستغنی نیستی، زیرا می‌خواهی با آن در راه خداوند جهاد کنی و با دشمنان او بجنگی، شتر خود را برای اینکه آب از برای درختان خرما و خانهات بکشی و بار سفر را به پشت آن بگذاری لازم داری. آری من فاطمه را با همان زره‌ای که داری به همسری تو در می‌آورم. ای علی! میل داری که به تو مژده‌ای دهم؟ گفتم: آری، پدر و مادرم به فدای تو! تو همیشه در گفتار خود با برکت و هدایت کننده بوده‌ای، درود خداوند بر تو

باد. پیامبر فرمود: ای ابو الحسن! قبل از اینکه من فاطمه را در زمین به همسری تو درآورم خداوند وی را در آسمان برای تو تزویج کرده است. قبل از اینکه تو نزد من بیایی در باره همین موضوع ملکی نزد من آمد که دارای چندین صورت و چندین پر و بال بود و من در میان ملائکه نظیر او را ندیده بودم. او به من درود و سلام فرستاد و گفت: رحمت و برکات خداوند بر تو باد! سپس گفت: مژده باد تو را به یگانگی و پاکیزگی نسل. گفتم: این چه بشارتی است؟ گفت: نام من سیطائیل است، من موکل یکی از قائمه‌های عرش می‌باشم، از خداوند خواهش کردم به من اجازه دهد که به تو مژده دهم، این جبرئیل است که به دنبال من می‌آید و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۱ می‌خواهد تو را از کرامت پروردگار آگاه نماید. سخن وی تمام نشده بود که جبرئیل نازل شده گفت: سلام بر تو و رحمت و برکات خداوند نثار باد! سپس حریری سفید از حریر بهشتی که دو سطر از نور بر آن نوشته شده بود، در میان دست من نهاد. گفتم: ای حبیب من! این حریر و این خط چیست؟ گفت: ای محمد! خدای علیم توجّهی به زمین کرد و تو را از میان خلق خود برگزید و به پیامبری مبعوث نمود. بار دیگر توجّهی به زمین کرد و وزیر، همصحب و دامادی برای تو انتخاب نمود و دخترت فاطمه را برای او تزویج کرد. گفتم: این مرد کیست؟ گفت: ای محمد وی که در دنیا برادر و پسر عموی توست، علی بن ابی طالب می‌باشد. خدای توانا به بهشت دستور داد تا خود را زینت نماید. به درخت طوبی امر کرد تا زر و زیور خود را آماده کند. حور العین خویشان را زینت کنند. به ملائکه دستور داد که در آسمان چهارم نزد بیت المعمور اجتماع نمایند. ملائکه ما فوق بیت المعمور به جانب آن نزول و ملائکه پایین بیت المعمور به طرف آن صعود نمودند. خدای رحمان و رحیم به رضوان امر نموده که منبر کرامت را بر در بیت المعمور نصب نماید، این همان منبری است از نور که حضرت آدم بر فراز آن رفت و نامهای موجودات را بر ملائکه عرضه نمود. خدا به یکی از ملائکه حجب خویش که او را راحیل می‌گویند، وحی کرد تا بر فراز آن منبر رود و حمد و ثنای خداوند را آن طور که باید و شاید به جای آورد. در میان ملائکه از لحاظ نیکویی بیان و شیرین زبانی بهتر از راحیل وجود ندارد. راحیل بر فراز منبر رفت و به شایستگی حمد و ثنای خدا را به جای آورد و بدین جهت اهل آسمانها غرق سرور شدند. جبرئیل گفت: خدای سبحان به من دستور داده که عقد نکاح را جاری کنم، زیرا خداوند کنیز خودش فاطمه اطهر دختر حبیب خودش محمد را برای بنده‌اش علی بن ابی طالب تزویج کرده. من عقد نکاح را جاری کردم و جمیع ملائکه را بر آن شاهد گرفتم، شهادت آنان بر این پارچه حریر نوشته شده. خدای من دستور داد که این حریر را به تو عرضه نمایم و آن را به وسیله عطر و مشک مهر نمایم و به رضوان تحویل دهم. خدای جهان پس از اینکه ملائکه را بر این ازدواج شاهد گرفت به درخت طوبی امر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۲ فرمود تا زر و زیور و حله‌ها را نثار کند. ملائکه و حور العین آنها را برگرفتند و تا قیامت به آنها مباحثات می‌نمایند. ای محمد! خدای تعالی به من فرموده به تو بگویم که فاطمه را برای علی بن ابی طالب تزویج نمایی و ایشان را به دو پسری بشارت دهی که در دنیا و آخرت با ذکاوت، نجیب، طاهر، طیب، خیرخواه و با فضیلت خواهند بود. آنگاه پیامبر خدا به علی بن ابی طالب فرمود: به خداوند سوگند هنوز آن ملک از نزد من بالا نرفته بود که دقّ الباب نمودی. من امر پروردگارم را در باره تو اجرا خواهم کرد. ابو الحسن! تو قبل از من برو تا به مسجد پیام و فاطمه را در حضور مردم برای تو تزویج کنم و به قدری از فضایل تو بگویم که چشم تو و دوستان در دنیا و آخرت روشن شود. علی علیه السلام می‌فرماید: من از حضور آن حضرت با سرعت خارج شدم و از کثرت خوشحالی سر از پای نمی‌شناختم. عمر و ابو بکر به استقبال من آمدند و گفتند: چه خبر؟! گفتم: حضرت رسول دخترش فاطمه را برایم تزویج نمود و فرمود: خدا در آسمان فاطمه را برای تو تزویج کرده است. این پیغمبر است که می‌آید تا موضوع را در حضور مردم بگوید. آنان خوشحال شدند و با من به سوی مسجد بازگشتند. هنوز ما به وسط مسجد نرسیده بودیم که پیامبر خدا در حالی که از کثرت خوشحالی نور از صورت مبارکش می‌بارید، به ما ملحق شد. آنگاه بلال را خواست، بلال گفت: لَبَّیک یا رسول الله! فرمود: مهاجرین و انصار را نزد من بیاور! هنگامی که آنان حضور یافتند آن حضرت پا به پله منبر نهاد و پس از حمد و ثنای خدای جهانیان فرمود: ای مردم! جبرئیل

نزد من آمد و گفت: خدای سبحان ملائکه را از بیت المعمور جمع کرده و آنان را شاهد گرفته که فاطمه زهرا دختر محمد را برای علی بن ابی طالب تزویج نموده و مرا هم مأمور کرده که این امر را در زمین انجام دهم و شما را بر آن شاهد بگیرم. سپس آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نشست و به حضرت علی علیه السلام فرمود: برخیز و خطبه‌ای برای خویشتن بخوان. علی علیه السلام برخاست و پس از حمد و ثنای خداوند این خطبه را خواند: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۳ بدانید که پیغمبر معظم اسلام دخترش فاطمه را به عقد من در آورده و زره مرا مهریه وی قرار داده و من به این ازدواج راضی می‌باشم. مسلمانان به رسول خدا گفتند: ای رسول خدا! دخترت فاطمه را برای علی تزویج نمودی؟ فرمود: آری. گفتند: خداوند این ازدواج را مبارک و یگانگی بین ایشان را حفظ نماید! سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متوجه زنان خویش گردید و به ایشان دستور داد تا مراسم عروسی را شروع نمایند. حضرت علی می‌فرماید: رسول خدا باز گشت و به من فرمود: هم اکنون برو و زره خود را بفروش و پول آن را نزد من بیاور تا وسیله عروسی شما را مهیا نمایم. من رفتم و زره خود را به چهار صد درهم هجریه به عثمان بن عفان فروختم، هنگامی که من پول‌ها را گرفتم و زره را تحویل دادم، عثمان گفت: ای ابو الحسن! من از تو نسبت به این زره سزاوارتر نیستم، ولی تو نسبت به این پول‌ها از من سزاوارتری. گفتم: آری. گفت: پس من این زره را به تو هدیه می‌کنم. من زره را با پول‌ها از او گرفتم و به حضور پیغمبر خدا مشرف شدم و جریان عثمان را برایش شرح دادم. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یک مشت از آن پول‌ها را برگرفت و ابو بکر را احضار کرده آن پول‌ها را به وی داد و فرمود: این پول‌ها را ببر و برای دخترم فاطمه لوازم منزل خریداری نما. آنگاه سلمان و بلال را با وی فرستاد تا آنچه را که می‌خرد ایشان بیاورند. ابو بکر می‌گوید: آن پول‌هایی که رسول خدا به من داد مبلغ شصت و سه درهم بودند. من به بازار رفتم و یک نوع تشک با روکش کتان مصری که با پشم پر شده بود، سفره‌ای چرمی و یک پستی که از لیف خرما پر شده بود، و عبایی خیری، یک مشک آب، چند کوزه، ظرف آب سفالی بزرگ، یک آفتابه و چادری پشمی خریدم. آنگاه آنها را آوردم و به حضور پیغمبر اکرم تقدیم کردیم. وقتی چشم رسول خدا به آنها افتاد، اشکهایش جاری شد پس از آن سر مبارک خود را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود: بار خدایا! به خاندانی که ظرفهای ایشان سفالی است، خیر و برکت عطا کن! حضرت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۴ امیر می‌فرماید: پیامبر خدا باقیمانده پول زره را به ام سلمه داد و فرمود: این پول نزد تو باشد. مدت یک ماه بود که من راجع به فاطمه با رسول اکرم گفتگو نمی‌کردم. زیرا از ایشان خجالت می‌کشیدم. ولی آن بزرگوار هر گاه من به حضورش مشرف می‌شدم می‌فرمود: زوجه تو بسیار نیکوست! ای ابو الحسن! مژده باد تو را، زیرا من سرور زنان عالم را برای تو تزویج نموده‌ام. یک ماه بعد برادرم عقیل نزد من آمد و گفت: یا علی! برای هیچ نعمتی این قدر خوشحال نشدم که تو با فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرده‌ای. چرا از رسول خدا تقاضا نمی‌کنی که فاطمه را در اختیار تو بگذارد تا چشمان ما به وسیله جمع شما روشن شود؟ علی علیه السلام فرمود: آری من خیلی مایلیم که این آرزو برآورده شود، هیچ مانعی در کار نیست، ولی از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خجالت می‌کشم. عقیل گفت: تو را به خداوند سوگند، برخیز و با من به حضور رسول خدا بیا! وقتی برخاستیم که به حضور آن حضرت مشرف شویم در بین راه با ام ایمن خدمتکار پیامبر اکرم مواجه شدیم، و چون وی را از تصمیم خود آگاه نمودیم، گفت: شما این کار را انجام ندهید، بگذارید ما زنان این مطلب را با آن حضرت در میان بگذاریم زیرا سخن زنان در این باره بهتر در دل مردان جای خواهد گرفت. پس از این جریان من نزد ام سلمه رفتم و او را از این موضوع آگاه نمودم، وی هم زنان پیغمبر اکرم را آگاه و جمع نمود، آنان به حضور پیامبر که در خانه عایشه بود رفتند و پس از اینکه در اطراف آن حضرت حلقه زدند گفتند: ای رسول خدا! پدر و مادرمان به فدای تو! ما برای موضوعی نزد تو آمده‌ایم که اگر خدیجه زنده بود موجب روشنی چشمش می‌شد. ام سلمه می‌گوید: وقتی ما نام خدیجه کبری را بردیم آن حضرت گریان شد و فرمود: مثل خدیجه پیدا نخواهد شد. خدیجه در آن هنگام که مردم مرا تکذیب کردند، مرا تصدیق نمود، و مرا با ثروت خود برای پیشرفت دین خدا یاری نمود.

خدا به من دستور داد خدیجه را به قصر زمردی که در بهشت دارد و هیچ رنج و زحمتی در آن نیست بشارت دهم. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۵ ام سلمه می گوید: گفتم: پدر و مادرمان به فدای تو باد! آری خدیجه همین طور بود که می فرمایید، و اکنون او به جوار رحمت پروردگار خویشتن رفته، خدا این نعمت را برای او مبارک نماید و ما را هم با او در درجات بهشتی و رضوان و رحمت خود جای دهد. ای رسول خدا! این علی برادر و پسر عموی تو می باشد. او دوست دارد که تو اجازه دهی همسرش فاطمه را به منزل خویش برد تا با یک دیگر مأنوس شوند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ام سلمه فرمود: پس چرا علی این موضوع را با من در میان نمی گذارد؟ گفت: از شما خجالت می کشد. ام ایمن می گوید: پیغمبر خدا به من فرمود: برو علی را نزد من بیاور. وقتی من به سراغ علی رفتم دیدم آن حضرت در انتظار من می باشد تا جواب رسول خدا را برایش بگویم. وقتی مرا دید، سؤال فرمود: چه خبر؟ گفتم: پیامبر خدا تو را می خواهد. حضرت علی می فرماید: هنگامی که من به محضر آن برگزیده خدا مشرف شدم، زنان آن حضرت برخاستند و به حجره های خود رفتند. من در حالی در حضور رسول خدا نشستم که به زمین نگاه می کردم، زیرا از آن بزرگوار خجالت می کشیدم. پیغمبر خدا به من فرمود: آیا دوست داری که همسرت را به خانه ببری؟ من همان طور که به زمین می نگریستم، گفتم: آری، پدر و مادرم به فدایت باد. فرمود: بسیار خوب، امشب یا فردا شب این خواسته تو برآورده خواهد شد. و من با خوشحالی زاید الوصفی برخاستم. سپس آن حضرت به زنان خود دستور داد: فاطمه را زینت و معطر نمایند، یک اطاق برایش فرش کنید تا شوهرش نزد او بیاید. پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مبلغ ده درهم از آن پولهایی را که به ام سلمه داده بود، پس گرفت و به من داد و فرمود: برو روغن و خرما و کشک خریداری کن. من آنها را خریدم و به حضور پیامبر آوردم. ایشان آستین های خود را بالا زد و سفره ای خواست و خرما و کشک را با یک دیگر مخلوط نمود و غذایی درست کرد که آن را حیس می گویند. سپس فرمود: علی جان! هر که را دوست داری دعوت کن. من به سوی مسجد رفتم، اصحاب پیامبر اکثرا در مسجد بودند. به آنان گفتم: دعوت پیغمبر خدا را اجابت نمایید. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۶ ایشان عموما برخاستند و متوجه آن حضرت شدند. من به پیامبر خدا گفتم: مهمانها زیادند. رسول خدا پارچه ای روی سفره انداخت و به من فرمود: مهمانها را ده نفر ده نفر نزد من بفرست. من اطاعت نمودم، آنان پیوسته غذا می خوردند و خارج می شدند، ولی غذا کم نمی شد تا اینکه به برکت پیغمبر خدا تعداد هفتصد نفر مرد و زن از آن غذا خوردند. ام سلمه می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه و علی علیهما السلام را خواست، علی را سمت راست و فاطمه را طرف چپ خود جای داد و به سینه مبارک خویش چسبانید و میان چشم ایشان را بوسید، آنگاه پس از اینکه فاطمه را به حضرت علی سپرد، فرمود: ای علی! همسرت خوب همسری است. سپس متوجه فاطمه شد و فرمود: شوهرت خوب شوهری می باشد. آنگاه آن حضرت برخاست و میان ایشان راه رفت و آنان را داخل آن حجره ای کرد که برای ایشان مهیا شده بود. سپس از حجره خارج شد و گفت: خدا خود شما و نسل شما را پاک و پاکیزه نماید. من با کسی که با شما دوستی نماید، دوست هستم و دشمن هستم با کسی که با شما دشمنی کند. من شما را به خداوند می سپارم. حضرت امیر می فرماید: پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مدت سه روز نزد ما نیامد. وقتی صبح روز چهارم فرا رسید آن حضرت آمد که نزد ما بیاید با اسماء بنت عمیس روبرو شد. به وی فرمود: برای چه اینجا ایستاده ای، در صورتی که مردی در میان این حجره است؟ گفت: پدر و مادرم به فدایت! هر گاه دختری به خانه شوهر برود احتیاج به زنی دارد که خواسته های او را انجام دهد. من اینجا ایستاده ام که اگر فاطمه فرمانی داشته باشد انجام دهم. رسول اکرم به وی فرمود: خدا حوائج دنیوی و اخروی تو را روا نماید. حضرت علی علیه السلام می فرماید: اول صبح بود که من و فاطمه زیر عبا خوابیده بودیم. گفتگوی رسول خدا و اسماء را شنیدیم و تصمیم گرفتیم که برخیزیم ولی آن حضرت به ما فرمود: به حق آن حقی که من به گردن شما دارم از یک دیگر جدا نشوید تا من نزد شما بیایم. ما به جای خود باز گشتیم و آن حضرت آمد و بالای سر ما نشست و پاهای مبارک خود را زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۷ زیر عبا می داخل نمود. من

پای راست آن بزرگوار را به سینه خویش چسباندم و فاطمه پای او را به سینه خود چسبانید. ما بدین وسیله پاهای مبارک آن حضرت را گرم نمودیم. سپس پیغمبر خدا فرمود: علی جان! یک کوزه آب برای من بیاور. وقتی آب را برای آن حضرت آوردم سه مرتبه از آب دهان مبارک خود به آن آب زد و چندین آیه از قرآن مجید را بر آن خواند. سپس به من فرمود: از این آب بیاشام و مختصری از آن را باقی بگذار! من این امر را اطاعت نمودم و آن حضرت باقیمانده آن آب را بر سر و سینه من پاشید و فرمود: ای ابو الحسن! خداوند هر نوع پلیدی را از تو دور نمود و تو را پاک کرد. سپس فرمود: مقداری دیگر آب برایم بیاور. و من اطاعت نمودم، آن بزرگوار نیز همان عمل را انجام داد و آن آب را به فاطمه زهرا عطا کرد و به وی فرمود: بیاشام و مختصری از آن را باقی بگذار. فاطمه اطاعت کرد و رسول اکرم باقیمانده آن آب را بر سر و سینه او پاشید و به او فرمود: خداوند هر نوع پلیدی را از تو دور کرد و تو را پاک و پاکیزه نمود. آنگاه به من فرمود تا از حجره خارج شدم و آن حضرت با فاطمه داخل اطاق ماند و به فاطمه فرمود: شوهرت را چگونه یافتی؟ گفت: پدر جان! علی بهترین شوهر است ولی زنان قریش به من می گویند: شوهر تو تهی دست است. پیامبر به وی فرمود: ای دختر عزیزم! پدر و شوهر تو فقیر نیستند، زیرا خزانه های طلا و نقره زمین به من عرضه شد ولی من آنچه را که نزد پروردگارم مهیا شد انتخاب نمودم. اگر آنچه را که پدرت می داند تو نیز می دانستی دنیا در نظرت ناچیز می آمد، به خداوند سوگند من از خیرخواهی در حق تو کوتاهی نکرده ام، من تو را به علی دادم که از لحاظ اسلام بر همه مقدم و از نظر علم و حلم از همه برتر است. دختر عزیزم! خدای توانا توجهی به زمین کرد و دو نفر مرد را انتخاب نمود یکی از آنها را پدر تو و دیگری را شوهر تو قرار داده است. دخترم! شوهر تو خوب شوهری است. مبدا نسبت به وی نافرمانی کنی! سپس آن برگزیده خدا مرا صدا زد، گفتم: لبیک یا رسول الله! فرمود: داخل حجره خویشتن شو و در باره همسرت مهربانی و مدارا کن، زیرا فاطمه پاره تن من است. آنچه که وی را ناراحت کند مرا ناراحت می نماید و آنچه که او را مسرور نماید مرا مسرور می کند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۸ حضرت امیر می فرماید: به خداوند سوگند من فاطمه را غضبناک و ناراحت ننمودم تا از دنیا رحلت نمود. فاطمه هم مرا خشمناک نکرد و از من نافرمانی ننمود. هر گاه من محزون و اندوهناک می شدم برای رفع غم و اندوه خود به فاطمه نظر می کردم. علی علیه السلام می فرماید: و چون رسول خدا برخاست که برود، فاطمه به او گفت: پدر جان! من طاقت اداره کردن امور خانه را ندارم، کنیزی برای من بگیر تا در امور خانه معین و یاور من باشد. پیامبر در جوابش فرمود: آیا دوست نداری که چیزی بهتر از خدمتکار به تو عطا کنم؟ حضرت امیر به فاطمه فرمود: بگو: آری. فاطمه فرمود: آنچه از خادم بهتر است می خواهم. رسول خدا فرمود: در هر روزی سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگو. این صد مرتبه کار زبان است، ولی در میزان عمل دارای هزار ثواب خواهد بود. فاطمه جان! اگر تو این اذکار را هر روز صبح بگویی خداوند امور دنیوی و اخروی تو را عهده دار خواهد شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷۴ / ۳۳- كشف الغمّة «۱» وَ نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ الذُّرِّيَّةِ الطَّاهِرَةِ، تَصْنِيفِ أَبِي بَشِيرٍ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَمَادٍ الْأَنْصَارِيِّ الْمَعْرُوفِ بِالْأُولَائِيِّ مِنْ نُسَخِهِ بِخَطِّ الشَّيْخِ ابْنِ وَضَّاحٍ الْحَبَلِيِّ الشَّهْرَبَانِيِّ وَأَجَازَ لِي أَنْ أَرَوِي عَنْهُ كُلَّ مَا يَرَوِي عَنْ مَشَائِخِهِ وَهُوَ يَرَوِي كَثِيرًا وَأَجَازَ لِي السَّيِّدُ جَلَالُ الدِّينِ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ فَخَّارِ الْمُوسَوِيِّ الْحَائِرِيِّ أَدَامَ اللَّهُ شَرَفَهُ أَنْ أَرَوِي عَنْهُ عَنِ الشَّيْخِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْأَخْضَرِ الْمُحَدِّثِ إِجَازَةً فِي مُحَرَّمِ سَنَةِ عَشْرٍ وَ سِتِّمِائَةٍ وَ عَنِ الشَّيْخِ بُرْهَانَ الدِّينِ أَبِي الْحُسَيْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْغَزَنَوِيِّ إِجَازَةً فِي رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ أَرْبَعِ عَشْرَةٍ وَ سِتِّمِائَةٍ كِلَاهُمَا عَنِ الشَّيْخِ الْحَافِظِ أَبِي الْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ نَاصِرِ السَّلَامِيِّ بِإِسْنَادِهِ وَ السَّيِّدُ أَجَازَ لِي قَدِيمًا رِوَايَةً كَلَّمَا يَرَوِيهِ وَ

بِهَذَا الْكِتَابِ فِي ذِي الْحِجَّةِ مِنْ سَنَةِ سِتٍّ وَسَبْعِينَ وَ سِتِّمِائَةٍ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ خَطَبَ أَبُو بَكْرٍ وَ عَمَرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَبَى رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ عَمَرُ أَنْتَ لَهَا يَا عَلِيُّ فَقَالَ مَا لِي مِنْ شَيْءٍ إِلَّا دَرَعِي أَرْهَنْهَا فَرَوْجَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةُ فَلَمَّا بَلَغَ ذَلِكَ زَنْدْكَانِي حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۵۲۹ فَاطِمَةُ بَكَتْ قَالَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ مَا يُبْكِيكِ يَا فَاطِمَةُ قَوْ اللَّهِ لَقَدْ أَنْكَحْتُكَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَ أَفْضَلَهُمْ حِلْمًا وَ أَوْلَهُمْ سَلَمًا «۱» وَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ تَزَوَّجَ عَلِيُّ فَاطِمَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ بَنَى بِهَا فِي ذِي الْحِجَّةِ مِنَ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الْهِجْرَةِ وَ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ خَطَبْتُ فَاطِمَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ مَوْلَاهُ لِي هَلْ زَنْدْكَانِي حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۵۳۰ عَلِمْتُ أَنَّ فَاطِمَةَ قَدْ خُطِبَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْتُ لَا قَالَتْ فَقَدْ خُطِبْتُ فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَأْتِيَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَيَزَوِّجَكَ فَقُلْتُ وَ هَلْ عِنْدِي شَيْءٌ أَتَزَوَّجُ بِهِ فَقَالَتْ إِنَّكَ إِنْ جِئْتَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص زَوَّجَكَ قَوْ اللَّهِ مَا زَالَتْ تُزَجِّجُنِي [تُزَجِّجُنِي حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَانَتْ لَهُ جَلَالَةٌ وَ هَيْبَةٌ فَلَمَّا قَعَدْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ أَفْحَمْتُ قَوْ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أَتَكَلَّمَ فَقَالَ مَا جَاءَ بِكَ أَلَيْكَ حَاجَةٌ فَسَبَّحْتُ فَقَالَ لَعَلَّكَ جِئْتَ تَخُطِّبُ فَاطِمَةَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ تَسْتَحِلُّهَا بِهِ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَا فَعَلْتَ الدَّرْعَ الَّتِي سَلَحْتُكَهَا فَقُلْتُ عِنْدِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهَا لَحُطْمِيَّةٌ مَا ثَمَنُهَا إِلَّا أَرْبَعُمِائَةٍ دَرَاهِمٍ قَالَ قَدْ زَوَّجْتُكَهَا فَابْعَثْ بِهَا فَإِنْ كَانَتْ لَصِيدَاقٍ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص «۱» بَيَانِ تَقْوِلِ السِّلَاحَ إِذَا أُعْطِيَتْهُ سِلَاحًا وَ قَالَ الْجَزْرِي فِي حَدِيثِ زَوَاجِ فَاطِمَةَ أَنَّهُ قَالَ لَعَلِّي أَيْنَ دَرَعُكَ الْحُطْمِيَّةُ هِيَ الَّتِي تَحْطُمُ السِّيفُ أَيْ تَكْسِرُهَا وَ قِيلَ هِيَ الْعَرِيضَةُ الثَّقِيلَةُ وَ قِيلَ هِيَ مَنْسُوبَةٌ إِلَى بَطْنِ مَنْ عَبْدِ الْقَيْسِ يُقَالُ لَهُمْ حُطْمَةٌ بَنَ مُحَارِبٍ كَانُوا يَعْمَلُونَ الدَّرْعَ وَ هَذَا أَشْبَهُ الْأَقْوَالَ

ترجمه

محقق اربلی در کشف الغمه به نقل از کتاب ذَرِيَّةُ الطَّاهِرَةِ تألیف ابو بشر محمد بن احمد دولابی (۳۱۰ یا ۳۲۰ هـ) به سند متصل از علی علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: ابو بکر و عمر از پیغمبر اسلام خواهان فاطمه زهرا شدند. ولی رسول اکرم نپذیرفت. عمر به من گفت: ای علی! تو لیاقت فاطمه را داری. گفتم: من غیر از زهرام که آن را گرو می‌گذارم، چیزی ندارم. وقتی پیامبر خدا فاطمه را برای حضرت امیر تزویج نمود و این موضوع به گوش آن بانوی معظمه رسید، گریان شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد فاطمه علیها السلام آمد و گفت: برای چه گریه می‌کنی؟ به خداوند سوگند زنده‌گانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۳۱ من تو را برای شخصی تزویج نموده‌ام که علم و حلمش از همه بیشتر می‌باشد و از همه در اسلام سبقت گرفته است. و امام صادق علیه السلام فرموده است: ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام در ماه رمضان واقع شد و عروسی آنها در ذی حجه سال دوم هجری بوده است. و از مجاهد، از علی علیه السلام روایت کرده است که گفت: عده‌ای برای خواستگاری فاطمه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مراجعه می‌کردند، پس یکی از موالی من گفت: آیا می‌دانی که عده‌ای فاطمه را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواستگاری کرده‌اند؟ گفتم: نه. گفت: چه چیزی مانع می‌شود که تو فاطمه علیها السلام را خواستگاری کنی؟ گفتم: آیا من [از مال دنیا] چیزی دارم که بتوانم کسی را به همسری خود درآورم؟ گفت: من تردید ندارم که تو اگر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بروی فاطمه را برای تو تزویج خواهد نمود. به خداوند سوگند هیچ امیدی به پذیرفته شدن تقاضایم نداشتم ولی با وجود این نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتم تا خواسته‌ام را بیان کنم ولی آن حضرت چنان جلال و هیبتی داشت که نتوانستم تقاضایم را بیان نمایم ولی تا در حضور او نشستم خود آن حضرت فرمود: مثل اینکه آمده‌ای تا فاطمه را خواستگاری کنی؟ گفتم: بله. گفت: آیا از مال دنیا چیزی داری که مهریه او کنی تا خداوند او را بر تو حلال کند؟ گفتم: نه چیزی ندارم. فرمود: پس آن زهری را که در جنگها بر تن می‌کردی چه کرده‌ای؟ گفتم: آن در نزد من موجود است، ولی ای رسول خدا! جنس آن از آهن است و بیش از چهار صد درهم ارزش ندارد. فرمود: من او را به همین مقدار از مهریه به همسری تو در آوردم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷۵/۳۴- کشف الغمّه «۱» وَ عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ قَالَ لَمَّا خَطَبَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ أَتَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا قَدْ ذَكَرَكَ فَسَيَكْتُمُ فَخَرَجَ فَرَوَّجَهَا وَ عَنْ ابْنِ بُرَيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ نَفَرٌ مِنَ الْأَنْصَارِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع اخْطُبْ فَاطِمَةَ فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ مَا حَاجَتُهُ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَكَرْتُ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ مَرْحَبًا وَ أَهْلًا لَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا فَخَرَجَ عَلِيٌّ عَلَى أَوْلِيكَ الرَّهْطِ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۳۲ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ كَانُوا يَنْتَظِرُونَهُ قَالُوا مَا وَرَاكَ قَالَ مَا أَدْرِي غَيْرَ أَنَّهُ ص قَالَ مَرْحَبًا وَ أَهْلًا قَالُوا يَكْفِيكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ أَحَدُهُمَا أَعْطَاكَ الْأَهْلَ وَ الرَّحْبَ فَلَمَّا كَانَ بَعِيدَ ذَلِكَ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلْعُرْسِ مِنْ وَلِيمَةٍ فَقَالَ سَعِدُ عِنْدِي كَثِيرٌ وَ جَمَعَ لَهُ رَهْطٌ مِنَ الْأَنْصَارِ آصِيْعًا مِنْ ذُرَّةٍ فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةُ الْبِنَاءِ قَالَ لَا تُحَدِّثَنَّ شَيْئًا حَتَّى تَلْقَانِي فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِمَاءٍ فَتَوَضَّأَ مِنْهُ ثُمَّ أَفْرَغَهُ عَلَى عَلِيٍّ وَ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ فِيهِمَا وَ بَارِكْ عَلَيْهِمَا وَ بَارِكْ لَهُمَا فِي شَيْءٍ بَيْنَهُمَا وَ قَالَ ابْنُ نَاصِرٍ فِي نَسْلِيهِمَا «۱» وَ عَنْ أَسِيْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ «۲» قَالَتْ كُنْتُ فِي زِفَافِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَلَمَّا أَصْبَحْنَا جَاءَ النَّبِيُّ ص إِلَى الْبَابِ فَقَالَ يَا أُمَّ أَيْمَنُ ادْعِي لِي أَخِي قَالَتْ هُوَ أَخُوكَ وَ تُنَكِّحُهُ ابْنَتُكَ قَالَ نَعَمْ يَا أُمَّ أَيْمَنُ قَالَتْ وَ سَمِعَ النِّسَاءَ صَوْتَ النَّبِيِّ ص فَتَنَحَّيْنِ وَ اخْتَبَيْتُ أَنَا فِي نَاحِيَةٍ فَجَاءَ عَلِيٌّ ع فَضَضَ النَّبِيُّ ص مِنَ الْمَاءِ وَ دَعَا لَهُ ثُمَّ قَالَ ادْعِي لِي فَاطِمَةَ فَجَاءَتْ خَرَفَهُ مِنْ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۳۳ الْحَيَاءِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص اسْكُنِي لَقَدْ أَنْكَحْتُكَ أَحَبَّ أَهْلِ بَيْتِي إِلَيَّ ثُمَّ نَضَحَ عَلَيْهَا مِنَ الْمَاءِ وَ دَعَا لَهَا قَالَتْ ثُمَّ رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَرَأَى سَوَادًا بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ مَنْ هَذَا فَقُلْتُ أَنَا أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَ جِئْتِ فِي زِفَافِ فَاطِمَةَ تُكْرِمِينَهَا قُلْتُ نَعَمْ قَالَتْ فَدَعَا لِي قَالَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى وَ حَدَّثَنِي السَّيِّدُ جَلَالُ الدِّينِ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ فَخَّارٍ الْمُوسَوِيُّ بِمَا هَذَا مَعْنَاهُ وَ رَبَّمَا اخْتَلَفَ الْأَلْفَاظُ قَالَ قَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ هَذِهِ حَضَرَتْ وَفَاهُ خَدِيجَةُ ع فَبَكَتْ فَقُلْتُ أَ تَبْكِينَ وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ أَنْتِ زَوْجَةُ النَّبِيِّ ص مُبَشَّرَةٌ عَلَى لِسَانِهِ بِالْجَنَّةِ فَقَالَتْ مَا لِيْهِذَا بَكَيْتُ وَ لَكِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْلَةً زِفَافِهَا لَا يُدَّ لَهَا مِنْ امْرَأَةٍ تُفَضِّلُ إِلَيْهَا بِسَرِّهَا وَ تَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى حَوَائِجِهَا وَ فَاطِمَةُ خَدِيجَةُ عَهْدٍ بِصَبَا وَ أَخَافُ أَنْ لَا يَكُونَ لَهَا مَنْ يَتَوَلَّى أَمْرَهَا حِينَئِذٍ فَقُلْتُ يَا سَيِّدَتِي لَكَ عَلَى عَهْدِ اللَّهِ إِنْ بَقِيَتْ إِلَى ذَلِكَ الْوَقْتِ أَنْ أَقُومَ مَقَامِكَ فِي هَذَا الْأَمْرِ فَلَمَّا كَانَتْ تِلْكَ اللَّيْلَةُ وَ جَاءَ النَّبِيُّ ص أَمَرَ النِّسَاءَ فَخَرَجْنَ وَ بَقِيَتْ فَلَمَّا أَرَادَ الْخُرُوجَ رَأَى سَيَّوَادِي فَقَالَ مَنِ أَنْتِ فَقُلْتُ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ فَقَالَ أَلَمْ آمُرَكَ أَنْ تَخْرُجِي فَقُلْتُ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا دَاكَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا قَصِدْتُ خِلَافَكَ وَ لَكِنِّي أُعْطِيتُ خَدِيجَةَ عَهْدًا وَ حَدَّثْتُهُ فَبَكَى فَقَالَ بِاللَّهِ لِيْهِذَا وَقَفْتُ فَقُلْتُ نَعَمْ وَ اللَّهُ فَدَعَا لِي -عُودْنَا إِلَى مَا أُوْرَدَهُ الدُّوَلَابِيُّ وَ عَنْ أَسِيْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ قَالَتْ لَقَدْ جُهِزَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ مَا كَانَ حَشْوُ فَرْشِهِمَا وَ سَائِدِهِمَا إِلَّا لَيْفٌ وَ لَقَدْ أُوْلِمَ عَلِيٌّ لِفَاطِمَةَ ع فَمَا كَانَتْ وَلِيْمَةً ذَلِكَ الزَّمَانِ أَفْضَلَ مِنْ وَلِيْمَتِهِ رَهْنِ دِرْعِهِ عِنْدَ يَهُودِيٍّ وَ كَانَتْ وَلِيْمَتُهُ آصِعًا مِنْ شَعِيرٍ وَ تَمْرٍ وَ خَيْسٍ «۱» زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۳۴ بَيَانُ قَالَ الْجَزَرِيُّ فِي حَدِيثِ تَرْوِيجِ فَاطِمَةَ ع فَلَمَّا أَصْبَحَ دَعَاهَا فَجَاءَتْ خَرَفَهُ مِنَ الْحَيَاءِ أَى خَجَلُهُ مَدْهُوشُهُ مِنَ الْخَرَقِ التَّحِيرِ وَ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ بِالْحَاءِ الْمَهْمَلَةِ وَ الزَّاءِ الْمَعْجَمَةِ فَالْمُرَادُ تَقَارُبُ الْخَطْوِ فِي الْمَشْيِ قَالَ الْجَوْهَرِيُّ الْحَزَقُ الْقَصِيرُ الْمُتَقَارِبُ الْخَطْوِ وَ كَذَا الْحَزَقُ وَ رَوَى أَنَّهُا أَتَتْهُ تَعَثَّرَ فِي مَرِطِهَا مِنَ الْخَجَلِ وَ قَالَ الْجَوْهَرِيُّ وَ قَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَى أَنَّهُنَا إِلَيْهِ

ترجمه

محقق اربلی (۶۹۵هـ) در کشف الغمّه گفته است: و از عطاء بن ابی رباح روایت شده: هنگامی که علی از فاطمه علیهما السلام خواستگاری کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نزد فاطمه آمد و گفت: علی از تو خواستگاری کرده است. و فاطمه زنده گانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۳۵ به جای جواب سکوت کرد، و پیامبر از نزد او خارج شد و وی را به

همسری علی در آورد. و ابن بریده از پدرش بریده روایت کرده: یکی از انصار به علی علیه السلام گفت: فاطمه را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواستگاری کن! علی علیه السلام نزد پیامبر آمد و سلام کرد، آن حضرت به او گفت: چه می‌خواهی ای علی؟! علی گفت: آمده‌ام تا فاطمه را خواستگاری کنم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مرحبا و اهلا. و دیگر چیزی نگفت. علی علیه السلام از نزد ایشان خارج شد و از او سؤال گردید که چه شد. گفت: نمی‌دانم ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جواب خواسته من گفت: مرحبا و اهلا. پس گفتند: از کسی چون رسول خدا کافی است که به تو یکی از دو مورد اهل و رحب را عطا کند. چند روز که از این قضیه گذشت پیامبر به علی گفت: ای علی! لازم است که در عروسی ولیمه داده شود. در این حال سعد انصاری گفت: من برای این کار گوسفندی هدیه می‌کنم. و ولیمه‌ای فراهم آمد که انصار و سایر مسلمانان گروه گروه وارد می‌شدند و از آن می‌خوردند ولی ولیمه همچنان باقی بود و ذره‌ای از آن کاسته نمی‌شد. پس از آن در شبی که بنا بود فاطمه علیها السلام را به خانه علی علیه السلام ببرند پیامبر به آن دو فرمود: کاری از شما سر نزنند تا من نزد شما بیایم. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر آن دو وارد شد و با آبی که از آن وضو گرفته بود قطراتی بر روی علی علیه السلام پاشید و برای آنها دعا کرد و گفت: خدایا برکت را در آنها و برای آنها و در فرزندان‌شان قرار ده. و ابن ناصر گفته است: رسول خدا فرمود: خدایا در نسل آنها برکت قرار ده. و از اسماء بنت عمیس روایت شده که گفت: من در شب زفاف فاطمه حضور داشتم، هنگامی که صبح شد پیامبر در کنار در اطاق فاطمه قرار گرفت و خطاب به امّ ایمن که در آن شب در منزل فاطمه باقی مانده بود تا مراقب او باشد، گفت: ای امّ ایمن! برادرم علی را صدا بزن! امّ ایمن گفت: ای رسول خدا! او برادر توست در حالی که دختری را به همسری او در آورده‌ای؟ پیامبر فرمود: بله، او برادر دینی من است. اسماء گفت: در این حال همسران رسول خدا صدای او را شنیدند و خوشحالی کردند و علی علیه السلام به شنیدن صدای آنها از اطاق خارج شد و پیامبر برای او دعا کرد و سپس فرمود: فاطمه را صدا کن! فاطمه در حالی که کاملاً خود را پوشانیده بود و از پیامبر خجالت می‌کشید، خارج شد و پیامبر به او فرمود: آرام باش که تو را به محبوبترین اهل بیت تزویج نموده‌ام. و سپس قطراتی از آب را بر او زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۳۶ پاشید و برایش دعا کرد. سپس بازگشت و اسماء را دید و برایش دعا کرد که در رابطه با کار فاطمه کمک کرده است. محقق اربلی از سید بن فحّار موسوی شبیه این روایت را نقل کرده و گفته است: اسماء گفت: هنگامی که خدیجه وفات کرد گریه می‌نمود، به او گفتم: تو سرور زنان دو عالم هستی و گریه می‌کنی؟ تو همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستی که پیامبر با زبان خودش به تو وعده بهشت داده است ولی گریه می‌کنی؟ گفت: چرا گریه نکنم در حالی که هر دختری در شب زفافش نیاز به زنی دارد که مراقبش باشد و بدون سر و صدا نیازهایش را برآورده کند و من می‌ترسم فاطمه بزرگ شود و چنین کسی را نداشته باشد. و من به او اطمینان دادم: ای خاتون من! بر ذمه من این عهد باشد که اگر تا آن زمان زنده بودم، آنچه را که یک مادر برای دخترش انجام می‌دهد انجام دهم. پس هنگامی که رسول خدا به زنان دستور داد تا از منزل فاطمه خارج شوند من ماندم، و فردای آن روز که رسول خدا نزد علی و فاطمه آمده بود مرا دید و پرسید: تو کیستی؟ گفتم: اسماء. فرمود: مگر نگفته بودم که از منزل فاطمه خارج شوید؟ گفتم: پدر و مادرم به فدایت! گفته بودی، و من نیز قصد تخلف از فرمان شما را نداشتم، ولی با همسران خدیجه فلان عهد و پیمان را داشتم. وقتی پیامبر داستان عهد و پیمان مرا با خدیجه شنید، گریست و برای من دعا کرد «۱». و از اسماء بنت عمیس روایت شده: جهیزیه حضرت فاطمه را من تحویل علی دادم و آنها فرش خاصی نداشتند، و مٹکا- یا پشتی- آنها چیزی جز از جنس لیف خرما نبود، و ولیمه‌ای که علی علیه السلام در شب عروسی داد، بهترین ولیمه در آن زمان بود و آن را از پولی که از رهن زره‌اش در نزد شمعون یهودی به دست آمده بود، فراهم کرد. و ولیمه آن شب نان جو، خرما و خرما ی تفتیده در روغن بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷۶ / ۳۵- کشف الغمّه «۲» وَ مِنْ كِتَابِ كِفَايَةِ الطَّالِبِ «۳» فِي مَنَاقِبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۳۸ تَأْلِيفِ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ الْكُنْجِيِّ الشَّافِعِيِّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَتْ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَوَّجْتَنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ هُوَ فَقِيرٌ لَا مَالَ لَهُ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ أَمَا تَرْضَيْنَ أَنَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ إِلَيَّ الْأَرْضَ أَطَّلَاعَهُ فَاخْتَارَ مِنْهَا رَجُلَيْنِ أَحَدَهُمَا أَبُوكَ وَ الْآخَرُ بَعْلُكَ وَ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَنْتُمْ تَزْعُمُونَ أَنِّي أَنَا زَوَّجْتُهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ لَقَدْ خَطَبَهَا إِلَيَّ أَشْرَافُ قُرَيْشٍ فَلَمْ أَجِبْ كُلَّ ذَلِكَ أَتَوَقَّعُ الْخَبَرَ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّى جَاءَنِي جَبْرِئِيلُ لَيْلَةً أَرْبَعَ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ قَدْ جَمَعَ الرُّوحَانِيَّيْنَ وَ الْكَرُوبِيِّيْنَ فِي وَادٍ يُقَالُ لَهُ الْأَفْحِجُ تَحْتَ شَجَرَةٍ طُوبَى وَ زَوْجَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا وَ أَمَرَنِي فَكُنْتُ الْخَاطِبَ وَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَوْلَى وَ أَمَرَ شَجَرَةَ طُوبَى فَحَمَلَتِ الْحُلَى وَ الْحَمْلُ وَ الدَّرُّ وَ الْيَقُوتُ ثُمَّ نَثَرَتْهُ وَ أَمَرَ الْخُورَ الْعَيْنَ فَاجْتَمَعْنَ فَلَقَطْنَ فَهَنَ يَنْهَازِيْنَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ يَقْلَنَ هَذَا نِثَارُ فَاطِمَةَ وَ عَنْ عَلْقَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ أَصَابَ فَاطِمَةَ عَ لَيْلَهُ صَبِيحَةُ الْعُرْسِ رَغِيْدَةٌ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص زَوَّجْتِكَ سَيِّدًا فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمَنْ الصَّالِحِينَ يَا فَاطِمَةُ لَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أُمْلِكَكَ بِعَلِيٍّ أَمَرَ اللَّهُ شَجَرَ الْجَنَانِ فَحَمَلَتْ حُلِيًّا وَ حُلًّا وَ أَمَرَهَا فَنَثَرَتْهُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ شَيْئًا أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَ مِنْهُ صَاحِبُهُ أَوْ أَحْسَنَ افْتَحَرَ بِهِ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَلَقَدْ كَانَتْ فَاطِمَةُ تُفْتَحَرُ عَلَى النَّسَاءِ لِأَنَّ أَوَّلَ مَنْ خَطَبَ عَلَيْهَا جَبْرِئِيلُ وَ رَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ لَيْلَةَ عُرْسِهَا بِقَدَحٍ مِنْ لَبَنٍ فَقَالَ اشْرَبِي هَذَا فِذَاكَ أَبُوكَ ثُمَّ قَالَ لِعَلِيٍّ ع اشْرَبْ فِذَاكَ ابْنُ عَمِّكَ وَ رَوَى أَنَّهُ لَمَّا رُفِّتْ فَاطِمَةُ إِلَى عَلِيٍّ ع نَزَلَ جَبْرِئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ وَ مَعَهُمْ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ قَدِمَتْ بِعَلْمُ رَسُولِ اللَّهِ ص الدُّلْدُلُ وَ عَلَيْهَا فَاطِمَةُ ع مُسْتَمْلَةً قَالَ فَأَمْسَكَ جَبْرِئِيلُ بِاللِّجَامِ وَ أَمْسَكَ إِسْرَافِيلُ بِالرَّكَابِ وَ أَمْسَكَ مِيكَائِيلُ بِالثَّقَرِ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُسَوِّي عَلَيْهَا الثِّيَابَ فَكَبَّرَ جَبْرِئِيلُ وَ كَبَّرَ إِسْرَافِيلُ وَ كَبَّرَ مِيكَائِيلُ وَ كَبَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ وَ جَرَّتِ السُّنَّةُ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۳۹ بِالتَّكْبِيرِ فِي الزَّفَافِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بَيَانُ قَالَ فِي النِّهَايَةِ الْاِشْتِمَالُ افْتِعَالُ مِنَ الشَّمْلَةِ وَ هُوَ كَسَاءٌ يَتَغَطَّى بِهِ وَ يَتَلَفَفُ فِيهِ وَ قَالَ ثَفَرُ الدَّابَّةِ الَّذِي يَجْعَلُ تَحْتَ ذَنْبِهَا

ترجمه

و نیز در کشف الغمه، از کفایه الطالب تألیف محمد بن یوسف گنجی شافعی (۵۶۸ هـ)، از ابو هریره روایت شده است که گفت: فاطمه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا راضی می شوی به اینکه بدانی خداوند متعال از میان مردان زمین دو نفر را برگزیده است: یکی پدرت را و دیگری شوهرت را؟ و از جابر بن سمره روایت شده است: روزی پیامبر فرمود: این علی بن ابی طالب است، شما گمان می کنید که من خود دخترم را به او تزویج نمودم در حالی که تعدادی از اشراف و ثروتمندان قریش خواستگاری او را کرده بودند، من در باره ازدواج دخترم منتظر فرمان آسمانی بودم تا اینکه در شب بیست و چهارم ماه رمضان جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! خدای علی اعلی به تو سلام می رساند. همانا او ملائکه روحانی و کروبیین را در محلی به نام افیح در زیر درخت طوبی جمع کرده و فاطمه را به عقد علی بن ابی طالب در آورده است، و من خطبه عقد آنها را خواندم و خداوند خود متولی این امر بود. سپس خداوند تعالی به درخت طوبی دستور داد تا زر و زیور را نثار فاطمه و علی کنند و حور العین از آن زر و زیورها جمع کردند و تا روز قیامت به داشتن آنها افتخار خواهند کرد. و از علقمه، از عبد الله روایت شده است که گفت: صبح شب عروسی نوعی ناراحتی بر فاطمه عارض گردید و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: تو را به ازدواج مردی در آوردم که سرور است در دنیا و در آخرت نیز از صالحان خواهد بود، ای فاطمه! هنگامی که خواستم تو را به ازدواج علی در آورم خداوند به درختان بهشتی دستور داد تا زیورهای خود را نثار ملائکه کنند و در آن روز هر فرشته ای که بیشتر از سایرین، از آن زیورها برداشته است تا روز قیامت بر سایرین افتخار خواهد کرد. ام سلمه

می گوید: همانا فاطمه همواره بر سایر زنان مباحثات می کرد زیرا او اولین زنی بود که خطبه عقدش را جبرئیل خوانده بود. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۴۰ روایت شده که در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظرفی شیر آورد و به وی فرمود: پدرت به فدایت، از این شیر بیاشام. آنگاه به حضرت امیر هم فرمود: پسر عمویت به فدایت، از این شیر بیاشام. نیز روایت شده: در شب عروسی فاطمه جبرئیل و میکائیل و اسرافیل با هفتاد هزار ملک نازل شدند. فاطمه زهرا در حالی که بر استر پیامبر اکرم سوار، بود آمد. سپس جبرئیل مهار آن را گرفت. اسرافیل رکاب آن را گرفت و میکائیل به دنبال آن بود و پیغمبر خدا لباسهای فاطمه را می آراست. سپس جبرئیل و اسرافیل و میکائیل و ملائکه تکبیر گفتند: بدین جهت است که گفتن تکبیر در شب عروسی تا قیامت مرسوم و مستحب است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷۷/۳۶- كشف الغمّة «۱» وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ أَبَا بَكْرٍ أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص زَوِّجْنِي فَاطِمَةَ فَأَعْرَضَ عَنْهُ فَأَتَاهُ عُمَرُ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ فَأَعْرَضَ عَنْهُ فَأَتَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ فَقَالَ أَنْتَ أَكْثَرُ قُرَيْشٍ مَالًا فَلَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَخَطَبْتَ إِلَيْهِ فَاطِمَةَ زَادَكَ اللَّهُ مَالًا إِلَى مَالِكَ وَ شَرَفًا إِلَى شَرَفِكَ فَأَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ لَهُ ذَلِكَ فَأَعْرَضَ عَنْهُ فَأَتَاهُمَا فَقَالَ قَدْ نَزَلَ بِي مِثْلُ الَّذِي نَزَلَ بِكُمْ فَأَتَى عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ هُوَ يَسْقِي نَخْلَاتٍ لَهُ فَقَالَ قَدْ عَرَفْنَا قَرَابَتَكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدِّمْتَكَ فِي الْإِسْلَامِ فَلَوْ أَتَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَخَطَبْتَ إِلَيْهِ فَاطِمَةَ لَزَادَكَ اللَّهُ فَضْلًا إِلَى فَضْلِكَ وَ شَرَفًا إِلَى شَرَفِكَ فَقَالَ لَقَدْ تَبَهُّمْتَانِي فَانْطَلَقَ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ اغْتَسَلَ وَ لَبَسَ كِسَاءً قَطْرِيًّا وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ أَتَى النَّبِيَّ ص وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَوِّجْنِي فَاطِمَةَ قَالَ إِذَا زَوَّجْتُكَهَا فَمَا تُصَدِّقُهَا قَالَ أُصَدِّقُهَا سَيِّفِي وَ فَرَسِي وَ دَرْعِي وَ نَاضِحِي قَالَ أَمَّا نَاضِحُكَ وَ سَيْفُكَ وَ فَرَسُكَ فَلَا غَنَى بِكَ عَنْهَا تُقَاتِلُ الْمُشْرِكِينَ وَ أَمَّا دَرْعُكَ فَشَأْنُكَ بِهَا فَانْطَلَقَ عَلِيٌّ وَ بَاعَ دَرْعَهُ بِأَرْبَعِمِائَةٍ وَ ثَمَانِينَ دِرْهَمًا قَطْرِيًّا فَصَبَّ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ ص زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۴۱ فَلَمْ يَسْأَلْهُ عَنْ عِدْدِهَا وَ لَا هُوَ أَخْبَرَهُ عَنْهَا فَأَخَذَ مِنْهَا رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْضَةً فَدَفَعَهَا إِلَى الْمُقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ ابْتَغِ مِنْ هَذَا مَا تُجَهِّزُ بِهِ فَاطِمَةَ وَ أَكْثَرَ لَهَا مِنَ الطَّيِّبِ فَانْطَلَقَ الْمُقْدَادُ فَاشْتَرَى لَهَا رَحَى وَ قَرْيَةً وَ وَسَادَةً مِنْ أَدَمٍ وَ حَصَةً يَرَأَى قَطْرِيًّا فَجَاءَ بِهِ فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ ص وَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ مَعَهُ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ خُطِّبَ إِلَيْكَ ذَوُو الْأَسْنَانِ وَ الْأَمْوَالِ مِنْ قُرَيْشٍ وَ لَمْ تَزَوِّجْهُمْ فَزَوِّجْهَا مِنْ هَذَا الْغُلَامِ فَقَالَ يَا أَسْمَاءُ أَمَّا إِنَّكَ سَتَزَوِّجِينَ بِهَذَا الْغُلَامِ وَ تَلَدِينِ لَهُ غُلَامًا هَذَا مَعَ مَا رَوَى أَنَّهَا كَانَتْ فِي الْحَبَشَةِ غَرِيبًا فَإِنَّهَا تَزَوَّجَتْ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ وَلَدَتْ مِنْهُ كَمَا ذَكَرَ ص فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ قَالَ لِسَيِّمَانَ ابْنِي بِنْعَلَتِي الشَّهْبَاءِ فَأَتَاهُ بِهَا فَحَمَلَ عَلَيْهَا فَاطِمَةُ ع فَكَانَ سَيِّمَانُ يَقُودُهَا وَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُومُ بِهَا فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ سَمِعَ حَسًّا خَلْفَ ظَهْرِهِ فَالْتَفَتَ فَإِذَا هُوَ جَبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ فِي جَمْعٍ كَثِيرٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ يَا جَبْرَائِيلُ مَا أَنْزَلَكُمْ قَالَ نَزَفُ فَاطِمَةَ إِلَى زَوْجِهَا فَكَبَّرَ جَبْرَائِيلُ ثُمَّ كَبَّرَ مِيكَائِيلُ ثُمَّ كَبَّرَ إِسْرَافِيلُ ثُمَّ كَبَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ ثُمَّ كَبَّرَ النَّبِيُّ ص ثُمَّ كَبَّرَ سَيِّمَانُ الْفَارِسِيُّ فَصَارَ التَّكْبِيرُ خَلْفَ الْعَرَائِسِ سِنَّةً مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَجَاءَ بِهَا فَأَدْخَلَهَا عَلَى عَلِيٍّ ع فَاجْلَسَ بِهَا إِلَى جَنْبِهِ عَلَى الْحَصَةِ الْقَطْرِيَّةِ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ هَيْدِ بِنْتِي فَمَنْ أَكْرَمَهَا فَقَدْ أَكْرَمَنِي وَ مَنْ أَهَانَهَا فَقَدْ أَهَانَنِي ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهَا وَ بَارِكْ عَلَيْهَا وَ اجْعَلْ لَهَا دُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ثُمَّ وَثَبَ فَتَعَلَّقَتْ بِهِ وَ بَكَتْ فَقَالَ لَهَا مَا يُبْكِيكَ فَقَدْ زَوَّجْتُكَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا «۱» إِيضاح قال الجزري فيه أنه ع كان متوشحا بثوب قطري هو ضرب من البرود فيه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۴۲ حمرة و لها أعلام فيها بعض الخشونة و قيل هي حلل جياذ تحمل من قبل البحرين و قال الأزهري في أعراض البحرين قرية يقال لها قطر و أحسب الثياب القطرية نسبت إليها فكسروا القاف للنسبة و خففوا «۱» ۲۷۸/۳۷- كشف الغمّة «۲» قَدْ أُوْرِدَ صَاحِبُ كِتَابِ الْفَرْدَوْسِ «۳» فِي الْأَحَادِيثِ عَنِ النَّبِيِّ ص لَوْ لَا عَلِيٌّ لَمْ يَكُنْ لِفاطِمَةَ كُفُوٌ وَ رَوَى صَاحِبُ الْفَرْدَوْسِ «۴» أَيْضًا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ

النَّبِيِّ ص يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَجَعَلَ صَدَاقَهَا الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَكَ مَشَى حَرَامًا

ترجمه

ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ هـ) در فردوس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که گفت: اگر علی نبود، کفو و همتایی برای فاطمه پیدا نمی‌شد. و نیز از ابن عباس از پیامبر روایت کرده که فرمود: ای علی! همانا خداوند فاطمه را برای تو تزویج نمود و مهریه او را زمین قرار داد، پس هر که در زمین حرکت کند در حالی که بر تو غضبناک باشد، قدم زدنش در زمین حرام است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۷۹/... - كشف الغمّة «۵» - وَ رَوَى ابْنُ يَابَوَيْهٍ مِنْ حَدِيثِ طَوِيلٍ أَوْرَدَهُ فِي تَزْوِيجِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِفَاطِمَةَ عَ أَنَّهُ أَخَذَ فِي فِيهِ مَاءً وَ دَعَا فَاطِمَةَ فَأَجْلَسَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ مَجَّ الْمَاءَ فِي زَنْدِ كَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۴۳ الْمُخْضَبِ وَ هُوَ الْمُرْكَنُ وَ غَسَلَ قَدَمَيْهِ وَ وَجَّهَهُ ثُمَّ دَعَا فَاطِمَةَ عَ وَ أَخَذَ كَفًّا مِنْ مَاءٍ فَضَرَبَ بِهِ عَلَى رَأْسِهَا وَ كَفًّا بَيْنَ يَدَيْهَا ثُمَّ رَشَّ جِلْدَهَا ثُمَّ دَعَا بِمُخْضَبٍ آخَرَ ثُمَّ دَعَا عَلِيًّا فَصَنَعَ بِهِ كَمَا صَنَعَ بِهَا ثُمَّ التَزَمَهُمَا فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمَا اللَّهُمَّ كَمَا أَذْهَبَتْ عَنِّي الرَّجَسَ وَ طَهَّرْتَنِي تَطْهِيرًا فَأَذْهَبْ عَنْهُمَا الرَّجَسَ وَ طَهِّرْهُمَا تَطْهِيرًا ثُمَّ قَالَ قَوْمًا إِلَى بَيْتِكُمَا جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَكُمَا وَ بَارَكَ فِي سَيْرِكُمَا وَ أَصْلَحَ بِالْكُمَا ثُمَّ قَامَ فَأَغْلَقَ عَلَيْهِمَا الْبَابَ بِيَدِهِ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَأَخْبَرْتَنِي أَسْمَاءُ أَنَّهَا رَمَقَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَمْ يَزَلْ يَدْعُو لَهُمَا خَاصَّةً لَمَا يُشْرِكُهُمَا فِي دُعَائِهِ أَخِي حَتَّى تَوَارَى فِي حُجْرَتِهِ وَ فِي رِوَايَةٍ أَنَّهُ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ لَكُمَا فِي سَيْرِكُمَا وَ جَمَعَ شَمْلَكُمَا وَ أَلَفَ عَلَى الْإِيمَانِ بَيْنَ قُلُوبِكُمَا شَأْنُكَ بِأَهْلِكَ السَّلَامَ عَلَيْكُمَا «۱» ۲۸۰/... - كشف الغمّة «۲» - وَ رَوَى عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ عَ كَانَ اللَّهُ تَعَالَى مُزَوَّجَهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ وَ كَانَ جَبْرِئِيلُ الْخَاطِبُ وَ كَانَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ شُهُودًا وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى شَجَرَةِ طُوبَى أَنْ اثْرَى مِا فِيكَ مِنَ الدَّرِّ وَ الْيَاقُوتِ وَ اللَّوْلُؤِ وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْحُورِ الْعِينِ أَنْ التَّقِطْنَهُ فَهَنَّ يَنْتَهَادَيْنَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَرَحًا بِتَزْوِيجِ فَاطِمَةَ عَلِيًّا «۳» ۲۸۱/... - كشف الغمّة «۴» - وَ عَنْ شُرَحْبِيلَ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى فَاطِمَةَ فِي صَبِيحَةِ عَزْسِهَا بِقَدَحٍ فِيهِ لَبَنٌ فَقَالَ اشْرَبِي فِدَاكَ أَبُوكَ ثُمَّ قَالَ لِعَلِيٍّ عَ اشْرَبْ فِدَاكَ ابْنُ عَمِّكَ «۵» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۴۴ ۲۸۲/... - كشف الغمّة «۱» - وَ عَنْ شُرَحْبِيلَ بْنِ سَعِيدٍ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ لَمَّا كَانَتْ صَبِيحَةُ الْعَزْسِ أَصَابَ فَاطِمَةَ عَ رِعْدَةٌ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص زَوَّجْتُكَ سَيِّدًا فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمِنَ الصَّالِحِينَ «۲» ۲۸۳/... - كشف الغمّة «۳» - وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ قَالَ شَكَتْ فَاطِمَةُ عَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص عَلِيًّا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَدْعُ شَيْئًا مِنْ رِزْقِهِ إِلَّا وَرَعَهُ بَيْنَ الْمَسَاكِينِ فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ أَسْخِطْنِي فِي أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي إِنْ سَخَطُكَ سَخَطِي وَ إِنْ سَخَطِي لَسَخَطُ اللَّهِ فَقَالَتْ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ وَ سَخَطِ رَسُولِهِ ۲۸۴/... - كشف الغمّة «۴» - وَ رَوَى عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ يَقُولُ وَ اللَّهُ لَا تَكَلَّمَنَّ بِكَلَامٍ لَا يَتَكَلَّمُ بِهِ غَيْرِي إِلَّا كَذَّابٌ وَ رِثْتُ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ زَوْجَتِي خَيْرُ نِسَاءِ الْأُمَّةِ وَ أَنَا خَيْرُ الْوَصِيِّينَ

ترجمه

از اصبع بن نباته روایت شده: از حضرت امیر شنیدم که می‌فرمود: به خداوند سوگند سخنی می‌گویم که هر کس غیر از من بگوید، کذاب است: من وارث پیغمبر رحمت می‌باشم. همسرم بهترین زنان امت است، من بهترین اوصیا و جانشینان هستم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۸۵ / ۳۸- الکافی «۵» الْعِدَّةُ عَنْ سَهْلٍ عَنِ الْبَرْزَنْطِيِّ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا تَزَوَّجَ فَاطِمَةَ ع عَلَى جَرْدٍ بُرْدٍ وَدِرْعٍ وَفَرَّاشٍ كَانَ مِنْ إِهَابٍ كَبِشٍ بَيَانُ قَوْلِهِ عَلَى جَرْدٍ بُرْدٍ أَيْ بُرْدُ خَلْقٍ

ترجمه

محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ هـ) در کافی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که گفت: علی فاطمه علیهما السلام را به مهریه‌ای مرکب از سه چیز تزویج نمود: ۱- یک دست لباس نرم راه راه ۲- زره ۳- زیر اندازی از پوست قوچ.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۸۶ / ۳۹- الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ عَلَى دِرْعٍ حُطَمِيَّةٍ يَسْوَى ثَلَاثِينَ دِرْهَمًا

ترجمه

کلینی در کافی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را به زره‌ای حطمی که قیمتش برابر سی درهم بود، تزویج نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۸۷ / ۴۰- الکافی «۲» أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيًّا فَاطِمَةَ عَلَى دِرْعٍ حُطَمِيَّةٍ وَكَانَ فَرَّاشُهَا إِهَابٌ كَبِشٍ يَجْعَلَانِ الصُّوفَ إِذَا اضْطَجَعَا تَحْتَ جُنُوبِهِمَا

ترجمه

کلینی در کافی، از امام صادق علیه السلام روایت کرده: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را در ازای زره‌ای آهنی به عقد ازدواج علی علیه السلام در آورد. و زیرانداز آنها پوست قوچی بود که به هنگام خواب آن را برمی گرداندند و در روی نرم آن می خوابیدند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۸۸ / ۴۱- الکافی بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيًّا فَاطِمَةَ عَلَى دِرْعٍ حُطَمِيَّةٍ تُسَمَّى ثَلَاثِينَ دِرْهَمًا «۳» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۴۶ بیان ممکن الجمع بین تلك الروایات بوجوه الأول أن يكون المراد كون الدرع جزءا للمهر. الثاني أن يكون المعنى أنه لو كان هذا اليوم لساوى ثلاثين درهما وإن كانت قيمته فى ذلك الزمان أكثر. الثالث أن يقال إنه كان يسوى ثلاثين درهما لكن بيع بخمسائة درهم. الرابع أن يكون بعض الأخبار محمولا على التقيۀ ۲۸۹ / ۴۲- الکافی «۱» عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْخَزَّازِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ صِدَاقُ فَاطِمَةَ جَزْدَ بُرْدٍ جَبْرَةٍ وَدِرْعَ حُطَمِيَّةٍ وَكَأَنَّ فِرَاشَهَا إِهَابٌ كَبِشٌ يُلْقِيَانِهِ وَيَفْرِشَانِهِ وَيَنَامَانِ عَلَيْهِ

ترجمه

امام باقر علیه السلام فرموده: مهریه فاطمه دو چیز بود: ۱- یک دست لباس زرد راه راه. ۲- زره آهنی. و زیر انداز آنها پوست قوچی بود که به هنگام خواب آن را برمی گرداندند و بر روی نرمتر آن می خوابیدند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۹۰ / ۴۳- الکافی «۲» عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ دَاوُدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيًّا فَاطِمَةَ دَخَلَ عَلَيْهَا وَهِيَ تَبْكِي فَقَالَ لَهَا مَا يُبْكِيكِ فَوَلَّى اللَّهُ لَوْ كَانَ فِي أَهْلِي خَيْرٌ مِنْهُ مَا زَوَّجْتُكَ وَمَا أَنَا زَوَّجْتُكَ وَلَكِنَّ اللَّهَ زَوَّجَكَ وَأَصْدَقَ عَنْكَ الْخُمْسَ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

ترجمه

يعقوب بن شعيب گوید: هنگامی که رسول خدا فاطمه را به ازدواج علی علیه السلام درآورد، بر او وارد شد و فرمود: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۴۷ چرا گریه می کنی؟ به خداوند سوگند اگر بهتر از علی در خاندان من بود همانا تو را برای وی تزویج نمی کردم، و من تو را برای او تزویج نکردم بلکه خداوند تزویج نمود و مهریه تو را یک پنجم زمین قرار داد تا زمانی که زمین و آسمان برپا باشند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۹۱ / ۴۴- الکافی «۱» عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع قَالَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ ص زَوَّجْتَنِي بِالْمَهْرِ الْخَمْسِ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص مَا أَنَا زَوَّجْتُكَ وَلَكِنَّ اللَّهَ زَوَّجَكَ مِنَ السَّمَاءِ وَجَعَلَ مَهْرَكَ خُمُسَ الدُّنْيَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

ترجمه

امام صادق علیه السلام فرماید: فاطمه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مرا به مهریه اندک تزویج نمودی. رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: من تو را تزویج نکردم بلکه فرمان ازدواج تو از آسمان صادر شده است و خداوند مهریه تو را یک پنجم دنیا قرار داده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۹۲/۴۵- الکافی «۲» عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَا غَيْرَهُ فِي الْحَلَالِ بَعْدَ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَا تُحْدِثَا شَيْئًا حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكُمَا فَلَمَّا أَتَاهُمَا أَذْخَلَ رَجُلَيْهِ بَيْنَهُمَا فِي الْفِرَاشِ

ترجمه

امام صادق علیه السلام فرموده: غیرت ورزیدن در باره حلال جایز نیست بعد از آنکه رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به علی و فاطمه علیهما السلام فرمود: کاری از شما سر نزدند تا من به شما ملحق شوم و برایتان دعا کنم. و آنگاه که بر آنان وارد شد پایش را در رختخواب بین آن دو نفر قرار داد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۹۳/۴۶- الکافی «۱» عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ رَفَعَهُ قَالَ لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ قَالُوا بِالرِّفَاءِ وَالتَّيْنِ قَالَ لَا بَلْ عَلَى الْخَيْرِ وَالتَّيْنِ إِضْحَاحَ قَالَ الْجَزْزِيُّ فِيهِ نَهْيٌ أَنْ يَقَالَ لِلْمَتَزَوِّجِ بِالرِّفَاءِ وَالتَّيْنِ الرِّفَاءُ الْإِلْتِيَامُ وَالْإِتْفَاقُ وَالْبُرْكَهُ وَالنَّمَاءُ وَإِنَّمَا نَهَى عَنْه كَرَاهِيَةً لِأَنَّهُ كَانَ مِنْ عَادَتِهِمْ وَلِهَذَا سَنَّ فِيهِ غَيْرَهُ

ترجمه

کلینی به طور مرفوع از محمد بن خالد برقی روایت کرده است: هنگامی که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فاطمه را برای علی علیهما السلام تزویج نمود مردم گفتند: به امید همدلی و همسری و فرزندان بسیار، و رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: بلکه به امید خیر و برکت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۹۴/۴۷- الکافی «۲» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ ابْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَحْيَى الْيَزْبُوعِيِّ عَنْ أَبِيانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَتَزَوَّجُ فِيكُمْ وَأُزَوِّجُكُمْ إِلَّا فَاطِمَةَ فَإِنَّ تَزْوِيجَهَا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

ترجمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: همانا من نیز مثل شما بشر هستم و مانند شما ازدواج می کنم ولی فاطمه مانند شما نیست زیرا ازدواج او بر اساس فرمانی که از آسمان نازل شد صورت گرفت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۸ / ۲۹۵- تفسیر فرات «۳» عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَخْلَدٍ الْجُعْفِيُّ مُعْنَعًا عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا «۴» قَالَ خَلَقَ اللَّهُ نُطْفَةً يَبِضَاءَ مَكُونُهُ فَجَعَلَهَا فِي صُلْبِ آدَمَ ثُمَّ نَقَلَهَا مِنْ صُلْبِ آدَمَ إِلَى صُلْبِ شِيثَ وَمِنْ صُلْبِ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۴۹ شَيْثٌ إِلَى صُلْبِ أَنْوَشَ وَمِنْ صُلْبِ أَنْوَشَ إِلَى صُلْبِ قَيْنَانَ حَتَّى تَوَارَتْهَا كِرَامُ الْأَضِلَابِ فِي مُطَهَّرَاتِ الْأَرْحَامِ حَتَّى جَعَلَهَا اللَّهُ فِي صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ثُمَّ قَسَمَهَا نِصْفَيْنِ فَأَلْقَى نِصْفَهَا إِلَى صُلْبِ عَبْدِ اللَّهِ وَنِصْفَهَا إِلَى صُلْبِ أَبِي طَالِبٍ وَهِيَ سَلَالَةُ تَوْلَدَ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدًا وَمِنْ أَبِي طَالِبٍ عَلِيًّا عَلَيْهِمَا الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَزَوْجَ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عَلِيًّا فَعَلِيَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدٌ مِنْ عَلِيٍّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَفَاطِمَةُ نَسَبٌ وَعَلِيٌّ الصَّهْرُ

ترجمه

فرات بن ابراهیم در تفسیرش از ابن عباس در باره آیه: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا «۱» گفته: خداوند نطفه سفیدی آفرید و آن را در صلب آدم قرار داد، سپس از آدم به شیت و از او به انوش، و از وی به صلب قینان، و همین طور به وراثت در صلب مردان پاک و زنان پاکیزه منتقل کرد تا آن را در صلب عبد المطلب قرار داد و آن نطفه را به دو قسمت کرد و بخشی را در صلب عبد الله و بخش دیگر را در صلب ابو طالب قرار داد و از عبد الله محمد و از ابو طالب علی متولد گردید و این معنی قول خداوند در آیه مذکور است. و سپس پیامبر فاطمه را به ازدواج علی در آورد، پس علی از محمد و محمد از علی است و حسن و حسین و فاطمه نسب و علی علیهم السلام صهر است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۹ / ۲۹۶- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۲» وَكِتَابُ الْمُحْتَصَرِّ، «۳» لِلْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ الْفِرْدَوْسِ «۴» عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ لَوْ لَا عَلِيٌّ لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ

متن عربی

وَمِنْهُ رَفَعَهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ لِعَلِيٍّ ع يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَجَعَلَ صَدَاقَهَا الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَكَ مَشَى عَلَيْهَا حَرَامًا «۵» «۶»

باب ششم کیفیت معاشرت حضرت فاطمه با حضرت علی علیهما السلام

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۹۷/۱- علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ الشُّكْرِیِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَبْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ص الْفَجْرَ ثُمَّ قَامَ بِوَجْهِ كَثِيبٍ وَقُمْنَا مَعَهُ حَتَّى صَارَ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع فَأَبْصَرَ عَلِيًّا نَائِمًا بَيْنَ يَدَيِ الْبَابِ عَلَى الدَّقْعَاءِ فَجَلَسَ النَّبِيُّ ص فَجَعَلَ يَمْسَحُ التُّرَابَ عَنْ ظَهْرِهِ وَيَقُولُ قُمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا أَبَا تُرَابٍ ثُمَّ أَخَذَ يَدَهُ وَ دَخَلَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ فَمَكَثْنَا هُنَيْئَةً ثُمَّ سَمِعْنَا ضَجْجًا عَالِيًا ثُمَّ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِوَجْهِ مُشْرِقٍ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتَ بِوَجْهِ كَثِيبٍ وَ خَرَجْتَ بِخِلَافِهِ فَقَالَ كَيْفَ لِمَا أَفْرَحُ وَ قَدْ أَضِلَّحْتُ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبَّ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى أَهْلِ السَّمَاءِ بَيَانَ الدَّقْعَاءِ التُّرَابِ وَ الْأَخْبَارِ الْمَشْتَمَلَةِ عَلَى مَنَازِعَتِهِمَا مَأْوَلُهُ بِمَا يَرْجِعُ إِلَى ضَرْبٍ مِنَ الْمَصْلُحَةِ لظُهُورِ فَضْلِهِمَا عَلَى النَّاسِ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا خَفِيَ عَلَيْنَا جِهَتَهُ

ترجمه

شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) در کتاب علل الشرائع، از ابو هریره روایت کرده: روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نماز صبح را به جای آورد. آنگاه با چهره‌ای اندوهناک برخاست و ما هم با آن حضرت برخاستیم. آن بزرگوار به سوی منزل فاطمه رفت و حضرت علی را دید که جلوی در روی خاکها خوابیده است. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خاکها را از پشت امیر المؤمنین پاک نمود و فرمود: برخیز پدر و مادرم به فدای تو ای ابو تراب! سپس دست علی علیه السلام را گرفت و با یک دیگر داخل منزل حضرت زهرا شدند. ما مختصری مکث نمودیم آنگاه صدای خنده‌ای به گوش ما رسید. پس از آن دیدیم پیامبر خدا با صورتی خندان و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۵۴ درخشان از خانه فاطمه خارج شد. گفتیم: یا رسول الله! با صورتی و اندوهناک وارد و با چهره‌ای خوشحال بازگشتی؟! فرمود: چرا خوشحال نباشم، در این حال که بین دو نفر را که نزد اهل آسمان محبوب‌ترین مردم زمین هستند صلح و سازش دادم. علامه مجلسی می‌فرماید: این گونه اخباری را که مشتمل بر نزاع بین حضرت امیر و حضرت زهرا می‌باشند باید تأویل و تفسیر نمود، از قبیل اینکه منظور از آنها اظهار فضائل و مناقب ایشان باشد و امثال آن که برای من معلوم نیست.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۹۸/۲- علل الشرائع «۱» الْقَطَّانُ عَنِ الشُّكْرِیِّ عَنِ عُمَيَّانَ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ قَالَ كَانَ بَيْنَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ ع كَلَامٌ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ أُلْقِيَ لَهُ مِثَالُ فَاضْطَجَعَ عَلَيْهِ فَجَاءَتْ فَاطِمَةُ ع فَاضْطَجَعَتْ مِنْ جَانِبٍ وَ جَاءَ عَلِيٌّ ع فَاضْطَجَعَ مِنْ جَانِبٍ قَالَ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَ عَلِيٍّ فَوَضَّعَهَا عَلَى سِرَّتِهِ وَ أَخَذَ يَدَ فَاطِمَةَ فَوَضَّعَهَا عَلَى سِرَّتِهِ فَلَمْ يَزَلْ حَتَّى أَضِلَّحَ بَيْنَهُمَا ثُمَّ خَرَجَ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتَ وَ أَنْتَ عَلَى حَالٍ وَ خَرَجْتَ وَ نَحْنُ نَرَى الْبُشْرَى فِي وَجْهِكَ قَالَ وَ مَا يَمْنَعُنِي وَ قَدْ أَضِلَّحْتُ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبَّ مِنْ عَلَيَّ وَ وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَيَّ قَالَ الصَّدُوقُ رَحِمَهُ اللَّهُ لَيْسَ هَذَا الْخَبَرُ عِنْدِي بِمَعْتَمَدٍ وَ لَا هُوَ لِي بِمَعْتَمَدٍ فِي هَذِهِ الْعِلَّةِ لِأَنَّهُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ ع مَا كَانَ لِيَقَعَ بَيْنَهُمَا كَلَامٌ يَحْتَاجُ رَسُولَ اللَّهِ ص إِلَى الْإِصْلَاحِ بَيْنَهُمَا لِأَنَّهُ ع سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَقْتَدِيَانِ بِنَبِيِّ اللَّهِ ص فِي حَسَنِ الْخَلْقِ مُصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۲» عَنْ حَبِيبِ مِثْلِهِ بَيَانَ الْمِثَالِ بِالْكَسْرِ الْفَرَّاشِ ذَكَرَهُ الْفَيْرُوزِآبَادِي

ترجمه

و نیز در همان کتاب از حبیب بن ابی ثابت روایت می‌کند که گفت: بین زهرا و علی بن ابی طالب علیهما السلام گفتگویی درگرفت. پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر ایشان وارد شد، فرشی برای حضرتش گسترده و خوابید. علی نیز آمد و کنار آن بزرگوار قرار گرفت و پیامبر بین ایشان را صلح و سازش داد سپس خارج شد. به آن حضرت گفته شد: ای رسول خدا! زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۵۵ شما با حال مخصوصی وارد بر علی و زهرا شدی، ولی اکنون می‌بینیم با این همه خوشحالی خارج گردیدی؟! فرمود: چگونه شاد نباشم، در این حالی که بین دو نفر را که نزد من محبوب‌ترین اهل زمین می‌باشند، صلح و سازش دادم. شیخ صدوق می‌گوید: این خبر نزد من معتبر و مورد اعتماد نیست. زیرا بین علی و فاطمه سخنی در نمی‌گرفت که رسول خدا بیاید و بین ایشان را صلح و سازش بدهد. علی علیه السلام سید الوصیین می‌باشد و فاطمه سیده زنان عالم است و ایشان از نظر اخلاق به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اقتدا می‌کردند، پس دلیلی برای اختلاف در بین آنها وجود ندارد. این روایت در مصباح الانوار نیز از حبیب بن ابی ثابت نقل شده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۲۹۹/۳- علل الشرائع (۱) «أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَرْفَةَ عَنْ وَكِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْرَائِيلَ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ كُنْتُ أَنَا وَجَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مُهَاجِرَيْنِ إِلَى بِلَادِ الْحَبَشَةِ فَأُهِدِيَتْ لَجَعْفَرٍ جَارِيَةٌ قِيمَتُهَا أَرْبَعَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ فَلَمَّا قَدِمْنَا الْمَدِينَةَ أَهْدَاهَا لِعَلِيِّ ع تَخْدُمُهُ فَجَعَلَهَا عَلِيٌّ فِي مَنْزِلِ فَاطِمَةَ فَدَخَلَتْ فَاطِمَةُ ع يَوْمًا فَنَظَرْتُ إِلَى رَأْسِ عَلِيٍّ ع فِي حَجَرِ الْجَارِيَةِ فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَعَلْتَهَا فَقَالَ لَا وَاللَّهِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ مَا فَعَلْتُ شَيْئًا فَمَا الَّذِي تُرِيدِينَ قَالَتْ تَأْذُنُ لِي فِي الْمَصِيرِ إِلَى مَنْزِلِ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهَا قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَتَجَلَّلْتُ بِجَلَالِهَا [بِجَلَابِهَا وَتَبَرَّقَعْتُ بِرُقْعِهَا وَارَادَتِ النَّبِيَّ ص فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِنَّ هَذِهِ فَاطِمَةُ قَدْ أَقْبَلَتْ تَشْكُو عَلِيًّا فَلَا تَقْبَلْ مِنْهَا فِي عَلِيٍّ شَيْئًا فَدَخَلَتْ فَاطِمَةُ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص جِئْتِ تَشْكِينَ عَلِيًّا قَالَتْ إِي وَرَبِّ الْكَعْبَةِ فَقَالَ لَهَا ارْجِعِي إِلَيْهِ فَقُولِي لَهُ رَغِمَ أَنْفِي لِرِضَاكَ فَرَجَعْتُ إِلَى عَلِيٍّ ع فَقَالَتْ لَهُ يَا أَيُّهَا الْحَسَنِ رَغِمَ أَنْفِي لِرِضَاكَ تَقُولُهَا ثَلَاثًا فَقَالَ لَهَا عَلِيٌّ شَكَوْتَنِي إِلَى خَلِيلِي وَحَبِيبِي رَسُولِ اللَّهِ ص وَاسْوَأَاتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَشْهَدُ اللَّهَ يَا فَاطِمَةُ أَنَّ الْجَارِيَةَ حُرَّةٌ لِتُوجِبَ اللَّهُ وَ أَنَّ الْأَرْبَعِمِائَةَ دِرْهَمِ الَّتِي فَضَلْتَ مِنْ عَطَائِي صَدَقَةٌ عَلَى قُرَّاءِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۵۶ ثُمَّ تَلَبَّسَ وَانْتَعَلَ وَارَادَ النَّبِيَّ ص فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ ع فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ قُلْ لِعَلِّي قَدْ أَعْطَيْتُكَ الْجَنَّةَ بِعِتْقِكَ الْجَارِيَةَ فِي رِضَى فَاطِمَةَ وَ النَّارَ بِالْأَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمِ الَّتِي تَصَدَّقْتَ بِهَا فَأَدْخِلِ الْجَنَّةَ مَنْ شِئْتَ بِرَحْمَتِي وَ أَخْرِجْ مِنَ النَّارِ مَنْ شِئْتَ بِعَفْوِي فَعِنْدَهَا قَالَ عَلِيٌّ ع أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ قَبْ أَبُو مَنْصُورِ الْكَاتِبِ فِي كِتَابِ الرُّوحِ وَ الرِّيحَانِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ مِثْلَهُ بَشَاءً، (۱) «وَالِدِي أَبُو الْقَاسِمِ وَ عِمَارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ وَلَدُهُ سَعْدٌ جَمِيعًا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَصْرِ الْجَرَجَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَةَ الْمَرْعَشِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْخَلِيلِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ شَرِيكِ بْنِ لَيْثٍ عَنْ أَبِي سَلِيمٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ مِثْلَهُ بِأَدْنَى تَغْيِيرٍ وَ قَدْ أوردناه فِي بَابِ أَنَّهُ ع قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ «(۲) ۴/۳۰۰- المناقب ابن شهر آشوب (۳) «لَمَّا انْصَرَفَتْ فَاطِمَةُ مِنْ عِنْدِ أَبِي بَكْرٍ أَقْبَلَتْ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَتْ لَهُ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ اسْتَمَلْتَ شِمَةَ الْجَنِينِ وَ قَعِدْتَ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ فَتَقَضَّتْ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ فَخَانَكَ رِيْشُ الْأَعْزَلِ أَضْرَعْتَ خَدَّكَ يَوْمَ أَضَعْتَ جِدَّكَ افْتَرَسْتَ الذَّنَابَ وَ افْتَرَسْتَ التُّرَابَ مَا كَفَفْتَ قَائِلًا وَ لَا أَغْنَيْتَ بَاطِلًا هَذَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ يَبْتَرِنِي نُحَيْلَهُ أَبِي وَ بُلَيْغَةُ ابْنِي [ابْنِي] وَاللَّهِ لَقَدْ أَجْهَرَ فِي خِصَامِي وَ أَلْفَيْتُهُ أَلَدًا فِي كَلَامِي حَتَّى مَنَعَنِي الْقَلِيلَةُ نَصِيرَهَا وَ الْمُهَاجِرَةُ وَصِيلَهَا وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ خَرَجْتُ كَاطِمَةً وَ عُدْتُ رَاغِمَةً وَ لَمَّا خَيَّرَ لِي لَيْتِي مِثْ قَبْلَ هَيْتِي وَ دُونَ زَلَّتِي عَذِرِي اللَّهُ مِنْكَ عَادِيًّا وَ مِنْكَ حَامِيًّا وَيْلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ وَيْلَايَ مَاتَ

الْعَمَدُ وَوَهَبَ الْعَصْدُ وَشَكَوَايَ إِلَى أَبِي وَعُدَوَايَ زَنْدَگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۵۵۷ إِلَى رَبِّيَ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَشَدُّ قُوَّةً فَأَجَابَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَهَا وَيْلَ لِمَكَ بَيْلَ الْوَيْلِ لِمَا نَزَلَتْكَ نَهْنَهِي عَنْ وَجْدِكَ يَا بَيْتَةَ الصَّفْوَةِ وَبَقِيَّةَ الثُّبُوءِ فَمَا وَنَيْتُ عَنْ دِينِي وَلَا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي فَإِنْ كُنْتُ تُرِيدِينَ الْبُلْعَةَ فَرِزْقُكَ مَضْمُونٌ وَكَفَيْلُكَ مَأْمُونٌ وَمَا أُعْتَدَ لَكَ خَيْرٌ مِمَّا قُطِعَ عَنْكَ فَاسْتَسْبِي اللَّهَ فَقَالَتْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ بَيَانِ أَقُولُ قَدْ مَرَّ تَصْحِيحُ كَلِمَاتِهَا وَشَرْحُهَا فِي أَبْوَابِ فَدَكِ

ترجمه

هنگامی که فاطمه علیها السلام از نزد ابو بکر بازگشت پیش علی علیه السلام آمده گفت: ای فرزند ابو طالب! آیا همچون جنین پرده‌نشین شده‌ای و چون کسی که به او تهمت زده‌اند در گوشه خانه نشسته‌ای؟ تو آن کسی بودی که پره‌های بزرگ شاهین را شکستی، حال چه شده که این پره‌های بی‌ارزش دست و پای تو را بسته‌اند. ابو بکر هدیه پدرم را از من به زور گرفته آشکارا به دشمنی من برخاسته، و از لجاج و عناد خود روی برنمی‌تابد چندان که اوس و خزرج از من بریدند و مهاجران نیز از حمایت من خودداری کردند و مردم نیز یاری کردن را فراموش نمودند، و امروز برای دفع ستم‌های آن مرد نه یآوری دارم و نه مددکاری. امروز خشم خود را فرو خوردم و از خانه خارج شدم ولی با خواری بازگشتم. تو شیر مردی بودی که گرگ‌ها را در هم می‌کوبیدی، ولی امروز در را به روی خود بسته‌ای. آیا توان دفاع از حق را از تو گرفته‌اند؟ آیا قدرت برگرداندن این باطل را نداری؟ چرا که من دیگر قدرت دفاع از خود را ندارم. ای کاش قبل از امروز مرده بودم و شاهد این خواری و مذلت نبودم! اگر با تو به تندی سخن گفتم، و یا از یاری نکردنت برآشفتم، از خدا مطالبه عفو و بخشش می‌کنم. وای بر من از هر صبحی که سر برآورد در حالی که پناهگاه بزرگ من از دنیا رفته و نبودنش مرا این چنین پریشان و ناتوان ساخته است. امروز دیگر چه می‌توانم بکنم جز آنکه شکایت این مردم را به پدرم بکنم و از خداوند طلب یاری کنم؟ بار الها قدرت تو از همه کس بیشتر است پس خودت داد مرا از این نامردمان بستان. و علی علیه السلام به فاطمه گفت: ای دختر آنکه خداوند انتخابش کرد، و ای یادگار پیامبر، غم مخور، بلکه شایسته است آن که حق تو را پایمال نموده آه و ناله پیشه کند زیرا آن حق دامن او را خواهد سوزاند، اما بدان که من به دلیل سستی و ضعف گوشه‌نشین نشده‌ام، بلکه آنچه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۵۸ در توان داشتم به کار بستم ولی نتیجه‌ای نگرفتم و آنها را به خداوند واگذار کردم، که خداوند عهده‌دار امر آنهاست و از مکر و نیرنگ اینان نیز در امان است. پس فاطمه آرام گرفت و فرمود: خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل برای بندگان خویش است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۰۱/۵- مناقب ابن شهر آشوب «۱» مَعْقِلُ بْنُ يَسَارٍ وَأَبُو قُبَيْلٍ وَابْنُ إِسْحَاقَ وَحَبِيبُ بْنُ أَبِي ثَابِتٍ وَعِمْرَانُ بْنُ الْحُصَيْنِ وَابْنُ غَسَّانَ وَالباقِ عَمَّا اخْتَلَفَ الرِّوَايَاتِ وَاتَّفَقَ الْمَعْنَى أَنَّ النِّسْبَةَ قُلْنَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ خَطْبُكَ فُلَانٌ وَفُلَانٌ فَرَدَّهُمْ أَبُوكَ وَزَوَّجَكَ عَائِلًا فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَوَّجْتَنِي عَائِلًا فَهَؤُلَاءِ رَسُولُ اللَّهِ ص يَبْدُو مَعْصِيَةً هَا وَقَالَ لَا يَا فَاطِمَةُ وَلَكِنْ زَوَّجْتُكَ أَقْدَمَهُمْ سِلْمًا وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا مَا عَلِمْتُ يَا فَاطِمَةُ أَنَّهُ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَضَحِكَتْ وَقَالَتْ رَضِيْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ فِي رِوَايَةٍ أَبِي قُبَيْلٍ لَمْ أُزَوَّجِكَ حَتَّى أَمَرَنِي جَبْرِئِيلُ وَ فِي رِوَايَةِ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَيْنِ وَ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ أَمَا إِنِّي قَدْ زَوَّجْتُكَ خَيْرَ مَنْ أَعْلَمُ وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ غَسَّانَ زَوَّجْتُكَ خَيْرَهُمْ وَ فِي كِتَابِ ابْنِ شَاهِينَ «۲» عَبْدُ الرَّزَّاقِ عَنِ مُعَمَّرٍ عَنْ أَيُّوبَ عَنْ عِكْرِمَةَ قَالَ النَّبِيُّ ص أَنْكَحْتُكَ أَحَبَّ أَهْلِي إِلَيَّ

ترجمه

و نیز در مناقب ابن شهر آشوب، از معقل بن یسار، ابو قبیل، ابن اسحاق، حبیب بن ابی ثابت، عمران بن حصین و ابن غسان و امام باقر علیه السلام، به اختلاف جزئی در عبارات آمده است: زنان قریش به حضرت فاطمه گفتند: فلان و فلان خواستگار تو بودند، پدر تو آنان را رد کرد و تو را به مردی شوهر داد که تهی دست است. هنگامی که پیغمبر اکرم نزد دخترش زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۵۹ آمد، فاطمه علیها السلام سخن زنان قریش را به پدر عرض کرد. پیامبر اکرم به دست مبارک خود میچ دست فاطمه را تکان داد و به وی فرمود: نه! ای فاطمه! بلکه تو را به شخصیتی دادم که از لحاظ اسلام بر همه مقدم و از نظر علم از همه اعلم و از نظر حلم از همه بزرگتر است. ای فاطمه! آیا نمی دانی که علی در دنیا و آخرت برادر من است؟ فاطمه زهرا پس از این سخنان خندید و گفت: یا رسول الله! راضی شدم. و در روایت ابو قبیل آمده است: تو را به ازدواج علی علیه السلام در نیاوردم مگر پس از آنکه جبرئیل در این مورد به من فرمان داد. و در روایت عمران و حبیب آمده است که پیامبر فرمود: تو را به بهترین کسی که می شناسم تزویج نمودم. و در کتاب ابن شاهین از عکرمه آمده است: تو را به محبوبترین افراد در نزد خود تزویج نمودم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۰۲/۶- کتاب الروضة الفضائل «۱» فضائل ابن شاذان «۲» عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ يَرْفَعُهُ إِلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كُنْتُ وَاقِفًا بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ أَشْكِبُ الْمَاءَ عَلَى يَدَيْهِ إِذَا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ وَهِيَ تَبْكِي فَوَضَعَ النَّبِيُّ ص يَدَهُ عَلَى رَأْسِهَا وَقَالَ مَا يُبْكِيكِ لَا أَبْكِي اللَّهُ عَيْنَيْكِ يَا حُورِيَّةُ قَالَتْ مَرَرْتُ عَلَى مَلَأٍ مِنْ نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَهُنَّ مُخَضَّبَاتٌ فَلَمَّا نَظَرَنَ إِلَيَّ وَقَعُوا فِيَّ وَفِي ابْنِ عَمِّي فَقَالَ لَهَا وَمَا سَمِعْتِي مِنْهُنَّ قَالَتْ قُلْنَ كَذَانَ قَدْ عَزَّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَنْ يُزَوِّجَ ابْنَتَهُ مِنْ رَجُلٍ فَقِيرٍ قُرَيْشٍ وَأَقْلَهُمْ مَالًا فَقَالَ لَهَا وَاللَّهِ يَا بَنِيَّةُ مَا زَوَّجْتُكَ وَلَكِنَّ اللَّهَ زَوَّجَكَ مِنْ عَلِيٍّ فَكَانَ يَذُوهُ مِنْهُ وَذَلِكَ أَنَّهُ حَطَبُكَ فَلَانٌ وَفُلَانٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ جَعَلْتُ أُمْرَكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَامْسِكْتُ عَنِ النَّاسِ فَبَيْنَا صَلَّيْتُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ صِلَاءَ الْفَجْرِ إِذْ سَمِعْتُ خَفِيفَ الْمَلَائِكَةِ وَإِذَا بِحَبِيبِي جَبْرِئِيلَ وَمَعَهُ سَبْعُونَ صِفًّا مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُتَوَجِّينَ مُقَرَّبِينَ مُدْمِلَجِينَ فَقُلْتُ مَا هَذَا الْقَعْقَعَةُ مِنَ السَّمَاءِ يَا أَخِي جَبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ اطَّلَاعَةً فَاخْتَارَ مِنْهَا مِنَ الرِّجَالِ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۶۰ عَلِيًّا عَ وَ مِنَ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ عَ فَرَوَّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَرَفَعَتْ رَأْسَهَا وَ تَبَسَّمتْ بَعِيدَ بُكَائِهَا وَقَالَتْ رَضِيَتْ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَقَالَ ص أَلَا أَرِيدُكَ يَا فَاطِمَةُ فِي عَلِيٍّ رَغْبَةً قَالَتْ بَلَى قَالَ لَا يَرُدُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رُجْبَانِ أَكْرَمَ مِنَّا أَرْبَعَةً أَحَى صَالِحٍ عَلَى نَاقَتِهِ وَ عَمَى حَمْرُهُ عَلَى نَاقَتِي الْعُضْبَاءِ وَأَنَا عَلَى الْبَرَقِ وَ بَعْلُكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ فَقَالَتْ صِفْ لِي النَّاقَةَ مِنْ أَى شَيْءٍ خُلِقَتْ قَالَ نَاقَةُ خُلِقَتْ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَدْبَجَةُ الْجَبَّتِينَ صِفْرَاءُ حَمْرَاءُ الرُّؤْسِ سَوْدَاءُ الْحِدَقِ قَوَائِمُهَا مِنَ الذَّهَبِ خَطَامُهَا مِنَ اللُّؤْلُؤِ الرُّطْبِ عَيْنَاهَا مِنَ الْيَاقُوتِ وَ بَطْنُهَا مِنَ الرَّبْرِجِدِ الْأَخْضَرِ عَلَيْهَا قُبَّةٌ مِنْ لُؤْلُؤِهِ بَيْضَاءُ يُرَى بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا وَ ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا خُلِقَتْ مِنْ عَفْوِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تِلْكَ النَّاقَةُ مِنْ نُوقِ اللَّهِ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ رُكْنًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الرُّكْنِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِأَنْوَاعِ التَّسْبِيحِ لَا يَمُرُّ عَلَى مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَنْ هَذَا الْعَبْدُ مَا أَكْرَمَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَ تَرَاهُ نَبِيًّا مُرْسَلًا أَوْ مَلَكًا مُقَرَّبًا أَوْ حَامِلَ عَرْشٍ أَوْ حَامِلَ كُرْسِيِّ قَيْنَادِي مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ أَيُّهَا النَّاسُ لَيْسَ هَذَا بِنَبِيِّ مُرْسَلٍ وَلَا مَلَكٍ مُقَرَّبٍ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صِلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ فَيَبْدُرُونَ رِجَالًا رِجَالًا فَيَقُولُونَ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ خَدِّثُونَا فَلَمْ نُصَدِّقْ وَ نَصِيحُونَا فَلَمْ نَقْبَلْ وَ الَّذِينَ يُحِبُّونَهُ تَعَلَّقُوا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى كَذَلِكَ يَنْجُونَ فِي الْآخِرَةِ يَا فَاطِمَةُ أَلَا أَرِيدُكَ فِي عَلِيٍّ رَغْبَةً قَالَتْ زِدْنِي يَا أَبْنَاهُ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ عَلِيًّا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَارُونَ لِأَنَّ هَارُونَ أَغْضَبَ مُوسَى وَ عَلِيٌّ لَمْ يُغْضِبْنِي قَطُّ وَ الَّذِي بَعَثَ

أَيَاكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا غَضِبْتُ عَلَيْهِ يَوْمًا قَطُّ وَ مَا نَظَرْتُ فِي وَجْهِ عَلِيٍّ إِلَّا ذَهَبَ الْغَضَبُ عَنِّي يَا فَاطِمَةُ أَلَا أُرِيدُكَ فِي عَلِيٍّ رَغِيَّةً قَالَتْ
زِدْنِي يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ هَبْطُ عَلَيَّ جَبْرِئِيلُ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ اقْرَأْ عَلَيَّ مِنَ السَّلَامِ فَقَامَتْ وَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَرْضَيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِكَ يَا أَبْنَاهُ
نَبِيًّا وَبِابْنِ عَمِّي بَعْلًا وَوَلِيًّا

ترجمه

در کتاب الروضه، و فضائل ابن شاذان از سلمان فارسی روایت شده که گفت: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۶۱
روزی من در حضور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ایستاده بودم و آب به دستهای مبارک آن حضرت می ریختم
حضرت فاطمه در حالی وارد شد که گریان بود. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارک خود را روی سرفاطمه نهاد و
فرمود: چه باعث گریه تو شده؟ خدا چشم تو را گریان نکند ای حوریه! گفت: من به گروهی از زنان قریش رسیدم، چشم آنان که
به من افتاد راجع به پسر عموم طعنه زدند. فرمود: چه سخنی از ایشان شنیدی؟ گفت: می گویند: ناگوار است که محمد صلی الله
علیه و آله و سلم دختر خود را به مردی از قریش بدهد که فقیر است. فرمود: دختر جان! من تو را شوهر ندادم، بلکه خدا تو را برای
علی تزویج نموده است. زیرا فلانی و فلانی خواستگار تو بودند و من در آن هنگام سکوت اختیار نمودم و امر ازدواج تو را به
خداوند واگذار کردم، تا اینکه نماز صبح جمعه را خواندم و صدای ملائکه را شنیدم، ناگاه جبرئیل را با هفتاد هزار ملک از ملائکه
دیدم که تاج به سر نهاده اند و گوشواره به گوش کرده اند و النگو به دست کرده اند. گفتم: ای جبرئیل! این سر و صداها چیست که
از آسمان می شنوم؟ گفت: یا محمد! خدای توانا توجهی به زمین کرد و از میان مردان علی و از زنان فاطمه علیهما السلام را
برگزید. تو فاطمه را برای علی تزویج کن. حضرت فاطمه علیها السلام سر خود را به جانب آسمان بلند کرد و پس از گریستن
تبسمی کرد و گفت: راضی شدم به رضای خدا و رسول او. رسول خدا فرمود: آیا می خواهی بیش از این راجع به مقام علی بگویم
تا به وی رغبت پیدا کنی؟ گفت: آری. فرمود: در روز قیامت جز چهار نفر کسی دیگر به صورت سواره محشور نمی شود: ۱-
برادرم حضرت صالح که بر ناقه خود سوار است ۲- عموم حمزه که بر ناقه عضباء سوار می شود ۳- من که بر براق سوارم ۴- شوهر
تو علی بن ابی طالب که بر یکی از ناقه های بهشتی سوار خواهد شد. فاطمه گفت: وصف آن ناقه را برای من بگو که از چه چیزی
آفریده شده؟ رسول اکرم فرمود: شتری است که از نور خدا آفریده شده: دو پهلوی آن آراسته، زندگانی حضرت زهرا علیها
السلام (روحانی)، ص: ۵۶۲ زرد رنگ، سر آن قرمز، سیاه چشم، پاهای آن از طلا، پوزه آن از جواهر، چشمان آن از یاقوت، شکم
آن از زبرجد سبز، قبه ای از جواهر سفید بر پشت آن است، باطن آن از ظاهر آن، و ظاهر آن از باطن آن دیده می شود. آن ناقه از
عفو خدا آفریده شده است. این شتر که از شترهای خدا می باشد دارای هفتاد هزار رکن است. بین هر رکن تا رکن دیگر هفتاد هزار
ملک می باشد که مشغول انواع و اقسام تسبیح پروردگار جهان هستند. علی به هر یک از گروه ملائکه عبور می کند، می گویند: این
بنده کیست، چقدر خدای رئوف او را گرامی داشته است؟! گویا پیغمبری مرسل باشد یا ملکی مقرب یا حامل عرش و یا حامل
کرسی باشد. آنگاه منادی از وسط عرش ندا می کند: ای مردم! این شخص پیغمبر مرسل و ملک مقرب نیست. بلکه این علی بن ابی
طالب است. سپس گروهی دسته دسته به تعجیل می آیند و می گویند: انا لله و انا الیه راجعون. این مطالب را برای ما می گفتند ولی
ما تصدیق نمی کردیم، ما را نصیحت می نمودند ولی نمی پذیرفتیم، افرادی که این علی را دوست داشته باشند به دستاویزی محکم
چنگ زده اند و در آخرت این چنین نجات پیدا می کنند. ای فاطمه! دوست داری بیشتر از این راجع به علی بگویم تا رغبت تو به
وی بیشتر شود؟ گفت: آری. فرمود: علی از هارون (جانشین حضرت موسی) پیش خدا عزیزتر است، زیرا هارون موسی را به غضب
درآورد، اما علی بن ابی طالب هرگز مرا به غضب نیاورده است. ای فاطمه! باز هم دوست داری که از مقام علی برای تو شرح دهم؟
گفت: آری، ای رسول خدا! فرمود: جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! از طرف سلام (خداوند) به علی سلام برسان. فاطمه از

جای برخاست و گفت: راضی شدم که خداوند پروردگار من باشد و تو ای پدر جان، پیغمبر من باشی و پسر عمویم شوهر و ولی من باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۰۳/۷- الکافی «۱» عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَحْتَطِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْنُسُ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ ع تَطْحَنُ وَتَعْجِنُ وَتَخْبِزُ الْأَمَالِي لِلشَّيْخِ الطُّوسِيِّ «۲» الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْقَزْوِينِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ مِثْلَهُ

ترجمه

امام صادق علیه السلام می فرماید: علی و فاطمه علیهما السلام پس از ازدواج کارهای خود را چنین تقسیم کردند که علی علیه السلام هیزم جمع آوری می کرد، آب می آورد و جارو می کرد و فاطمه علیها السلام آسیا می کرد، خمیر درست می کرد و نان می پخت. مثل این روایت در امالی شیخ طوسی نیز نقل شده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۰۴/۸- امالی شیخ الطوسی «۳» الْحُسَيْنُ عَنْ ابْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُبَيْشٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي عُنْدَرٍ عَنْ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قُلْ لِفَاطِمَةَ لَا تَغْصِي عَلَيَّ فَإِنَّهُ إِنْ غَضِبَ غَضِبْتُ لِعُضْبِهِ

ترجمه

در امالی شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام روایت شده است: خداوند به پیامبر وحی کرد که به فاطمه بگوید: با علی مخالفت مکن زیرا اگر او غضب کند خداوند نیز به غضب او غضبناک می گردد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۰۵/۹- وَ فِي الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبَةِ «۱» أُبَيَاتُهَا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَّهُ قَالَ فِي مَرَضِهِ مُحَاطِبًا لِفَاطِمَةَ مَا رَوَى عَنْ أَبِي الْعَلَاءِ الْحَسَنِ الْعَطَّارِ عَنِ الْحَسَنِ الْمُقَرِّي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْمُقَرِّي عَنْ زَيْدِ بْنِ مُسِيكَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَلَوِيِّ أَنَّهُ ع أَنشَدَ هَذِهِ الْأَبْيَاتَ وَهُوَ مَحْمُومٌ يَرِثِي فَاطِمَةَ ع وَإِنَّ حَيَاتِي مِنْكَ يَا بِنْتَ أَحْمَدَ بِإِظْهَارِ مَا أَخْفَيْتَهُ لَشَدِيدٍ وَلَكِنْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَغْنُو رِقَابُنَا وَلَيْسَ عَلَى أَمْرِ إِلَهِ جَلِيلٍ أَ تُضِيرُ عَنِّي الْحُمَى لَدَيْكَ وَ أَشْتَكِي إِلَيْكَ وَ مَا لِي فِي الرِّجَالِ نَدِيدٌ أَصِرُّ عَلَى صَبْرٍ وَ أَقْوَى عَلَى مُتْنِي إِذَا صَبَرُ خَوَارِ الرِّجَالِ بَعِيدٌ وَ فِي هَذِهِ الْحُمَى دَلِيلٌ بِأَنَّهَا لِمَوْتِ الْبَرَايَا قَائِدٌ وَ بَرِيدٌ بَيَانٍ وَ إِنْ حَيَاتِي مِنْكَ أَى أَشَدَّتْ حَيَاتِي بِسَبِّكَ حَيْثُ لَا بَدَلَ لِي مِنْ

إظهار ما أخفيته من المرض كذا خطر بالبال و قيل منك أي من بعدك و قيل أي حياتي منك و بسبك و أنا شديد بإظهار ما أخفيته أي لا أظهره و لا يخفي بعدهما تعنو أي تخضع و الجليد الصلب و النديد المثل و النظر و الخوار الضعيف و الصياح

ترجمه

در دیوان منسوب به علی علیه السلام آمده است که در فراق فاطمه علیها السلام این شعر را سروده در حالی که از دوری فاطمه تب کرده بود: - حَقًّا که زندگی من بعد از تو ای دختر احمد به آشکار نمودن چیزی که مخفی کرده‌ام سخت است - ولی گردنهای ما برای تقدیر خداوند فروتنی می‌کند و برای انجام امر او هیچ عملی سخت نخواهد بود - آیا تب مرا از پای می‌اندازد و به شکایت وامی‌دارد، در صورتی که در میان مردان نظیر من وجود ندارد - من صبر می‌کنم و به حاجت خویشان نایل و پیروز می‌شوم آن هنگام که بسیار بعید است صبر بتواند مردان را سست نماید زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۶۵ - این تب علامت و دلیلی است و در آن برای مرگ و موت مردم یک نوع نشانه و قاصدی است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۰/۳۰۶ - دَعَوَاتُ الرَّائِدِي، «۱» عَنْ سُؤْيِدِ بْنِ غَفْلَةَ قَالَ أَصَابَتْ عَلِيًّا عَ شِدَّةٌ فَأَتَتْ فَاطِمَةَ عَ رَسُولَ اللَّهِ صَ فَدَقَّتِ الْبَابَ فَقَالَ أَسِمِعْ حَسَّ حَبِيبِي بِالْبَابِ يَا أُمَّ أَيْمَنَ قَوْمِي وَ انْظُرِي فَفَتَحَتْ لَهَا الْبَابَ فَدَخَلَتْ فَقَالَ صَ لَقَدْ جِئْتِنَا فِي وَقْتٍ مَا كُنْتَ تَأْتِينَا فِي مِثْلِهِ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَ مَا طَعَامُ الْمَلَائِكَةِ عِنْدَ رَبَّنَا فَقَالَ التَّحْمِيدُ فَقَالَتْ مَا طَعَامُنَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَقْبَسُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ شَهْرًا نَارًا وَ أَعْلَمُكَ خَمْسَ كَلِمَاتٍ عَلَّمْنِيهِنَّ جِبْرِيلُ عَ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْخَمْسُ الْكَلِمَاتُ قَالَ يَا رَبَّ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ وَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ رَجَعَتْ فَلَمَّا أَبْصَرَهَا عَلِيٌّ عَ قَالَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي مَا وَرَاءَكَ يَا فَاطِمَةُ قَالَتْ ذَهَبْتُ لِلدُّنْيَا وَ جِئْتُ لِلْآخِرَةِ قَالَ عَلِيٌّ عَ خَيْرٌ أَمَامَكَ خَيْرٌ أَمَامَكَ

ترجمه

در کتاب سلوة الحزین معروف به دعوات تألیف راوندی (۵۷۱ هـ) از سويد بن غفله روایت شده که گفت: علی علیه السلام دچار تهی دستی شدیدی شد. حضرت فاطمه علیها السلام برای این موضوع به حضور رسول اکرم مشرف شد. هنگامی که دق الباب نمود، رسول خدا فرمود: من احساس می‌کنم که حبیب‌ام پشت در باشد، ای امّ ایمن برخیز بین کیست؟ وقتی امّ ایمن در را باز کرد و فاطمه زهرا داخل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به وی فرمود: زمانی نزد ما آمدی که هیچ وقت نمی‌آمدی؟! گفت: یا رسول الله! غذای ملائکه نزد خدای ما چیست؟ فرمود: گفتن الحمد لله. گفت: غذای ما چیست؟ فرمود: سوگند به حقّ آن خدایی که جان من در دست قدرت اوست مدت یک ماه است که آتش در خانه ما روشن نشده (یعنی غذای پختنی نخورده‌ایم) ولی من آن پنج کلمه‌ای را به تو یاد می‌دهم که جبرئیل به زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۶۶ من تعلیم داده است. گفت: کدام پنج کلمه یا رسول الله؟ فرمود: بگو: یا رب الاولین و الآخرين، یا ذو القوة المتین، و یا راحم المساکین، و یا ارحم الراحمین. فاطمه پس از شنیدن این کلمات مراجعت نمود، وقتی چشم حضرت امیر به وی افتاد، گفت: پدر و مادرم به فدایت چه خبر آوردی؟ گفت: من به منظور کار دنیا رفتم، ولی با توشه‌ای اخروی باز گشتم. علی علیه السلام دو مرتبه فرمود: برای‌ت خیر باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۰۷/۱۱- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ شَكَتْ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَ عَلِيًّا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا يَدْعُ شَيْئًا مِنْ رِزْقِهِ إِلَّا وَزَعَهُ عَلَى الْمَسَاكِينِ فَقَالَ لَهَا يَا فَاطِمَةُ أَتُشِخِطُنِي فِي أَخِي وَابْنِ عَمِّي إِنَّ سَخَطَهُ سَخَطِي وَإِنَّ سَخَطِي سَخَطُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ۳۰۸/۱۲- أُمَالِي الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ «۲» جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي غَالِبٍ الزُّرَّارِيِّ عَنْ خَالِهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلٍ الْكَاتِبِ عَنْ أَبِي طَالِبٍ الْغَنَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَلِيٍّ النَّسَاءَ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً قُلْتُ وَكَيْفَ قَالَ لِأَنَّهَا طَاهِرَةٌ لَا تَحِيضُ بَيَانُ هَذَا التَّعْلِيلِ يَحْتَمِلُ وَجْهَيْنِ الْأَوَّلُ أَنْ يَكُونَ الْمُرَادُ أَنَّهَا لَمَّا كَانَتْ لَا تَحِيضُ حَتَّى يَكُونَ لَهُ عِذْرٌ فِي مَبَاشَرَةٍ غَيْرِهَا فَلِذَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَيْرَهَا رِعَايَةً لِحُرْمَتِهَا. الثَّانِي أَنْ يَكُونَ الْمَعْنَى أَنَّ جَلَالَتِهَا مَنَعَتْ مِنْ ذَلِكَ وَغَيْرِ عَنْ ذَلِكَ بَعْضُ مَا يُلْزِمُهُ مِنَ الصِّفَاتِ الَّتِي اخْتَصَتْ بِهَا

ترجمه

شیخ طوسی در امالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۶۷ تا زمانی که حضرت فاطمه زنده بود خداوند متعال زنان دیگر را برای علی علیه السلام حرام کرده بود. ابو بصیر اسدی که راوی این حدیث است، گوید: پرسیدم: چگونه؟ امام فرمود: چون فاطمه علیها السلام همیشه طاهر بود و هرگز حیض نشد. علامه مجلسی در باره این حدیث دو احتمال داده است: احتمال اول: چون حیض نمی شده لذا علی علیه السلام عذری برای ازدواج با زنان دیگر نداشته است. احتمال دوم: جلالت و عظمت شأن فاطمه مانع از ازدواج مجدد علی علیهما السلام بوده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۰۹/۱۳- مناقب ابن شهر آشوب «۱» سِئِلَ عَالِمٍ فَقِيلَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَنْزَلَ هَلْ أَتَى فِي أَهْلِ الْبَيْتِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ نَعِيمِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَ ذَكَرَ فِيهِ إِلَّا الْحُورَ الْعِينَ قَالَ ذَلِكَ إِجْلَالًا لِفَاطِمَةَ ع

ترجمه

از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال شد: سوره مبارکه: هل اتی که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده حاوی هر نعمتی هست، ولی نامی از حور العین در این سوره برده نشده؟ فرمود: این نوعی احترام و تجلیل است که خداوند از فاطمه زهرا نموده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۰/... مناقب ابن شهر آشوب «۲» سِيفِيَانُ الثَّوْرِيُّ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي صَالِحٍ فِي قَوْلِهِ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ «۳» قَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا إِذَا قُطِعَ الصِّرَاطُ زُوِّجَهُ اللَّهُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ بِأَرْبَعِ نِسْوَةٍ مِنْ نِسَاءِ الدُّنْيَا وَ سَبْعِينَ أَلْفَ حُورٍ مِنْ حُورِ الْجَنَّةِ إِلَّا عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ زُوِّجَ الْبُتُولَ فَاطِمَةَ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ زَوْجُهَا فِي الْآخِرَةِ فِي الْجَنَّةِ لَيْسَتْ لَهُ زَوْجَةٌ فِي الْجَنَّةِ غَيْرُهَا مِنْ نِسَاءِ الدُّنْيَا لَكِنْ لَهُ فِي

الْجَنَانِ سَبْعُونَ أَلْفَ حُورًا لِكُلِّ حُورٍ سَبْعُونَ أَلْفَ خَادِمٍ زَنَدْكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۶۸ أقول سیأتی بعض أخبار هذا الباب فی باب غسلها و دفنها ع

ترجمه

ابو صالح مفسر در تفسیر سخن خداوند که می فرماید: وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ «۱» گفته: در روز قیامت مؤمنی نیست مگر اینکه پس از عبور از صراط خداوند متعال چهار زن از زنان دنیا را برای او تزویج می کند و هفتاد هزار حوری از حوریّه های بهشتی را، مگر علی بن ابی طالب را، که او همان گونه که در دنیا همسر فاطمه بوده است در آخرت نیز همسرش خواهد بود و برای او همسر دیگری از زنان دنیا وجود نخواهد داشت ولی برایش هفتاد هزار حوریّه بهشتی خواهد بود که هر کدام از آنها هفتاد هزار خادم خواهند داشت.

باب هفتم ظلمها و ستمهایی که به حضرت فاطمه علیها السلام شد بیماری و شهادت وی

[متن احادیث و ترجمه آنها]

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۱/۱- الخصال «۱» ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهِيلٍ «۲» الْبَحْرَانِيُّ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع قَالَ الْبُكَاءُ وَنَ خَمْسَةُ آدَمَ وَيَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَفَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع فَأَمَّا آدَمُ فَبَكَى عَلَى الْجَنَّةِ حَتَّى صَارَ فِي خَدَّيْهِ أَمْثَالُ الْأُودِيَةِ وَأَمَّا يَعْقُوبُ فَبَكَى عَلَى يُوسُفَ حَتَّى ذَهَبَ بَصِيرُهُ وَحَتَّى قِيلَ لَهُ تَاللَّهِ تَفْتَتُوا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَمَّا يُوسُفُ فَبَكَى عَلَى يَعْقُوبَ حَتَّى تَأَذَى بِهِ أَهْلُ السَّجْنِ فَقَالُوا لَهُ إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ بِاللَّيْلِ وَتَسْكُتَ بِالنَّهَارِ وَإِمَّا أَنْ تَبْكِيَ بِالنَّهَارِ وَتَسْكُتَ بِاللَّيْلِ فَصَالَحَهُمْ عَلَى وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا وَأَمَّا فَاطِمَةُ فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى تَأَذَى بِهِ أَهْلُ الْمَدِينَةِ فَقَالُوا لَهَا قَدْ آذَيْنَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكَ فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى الْمَقَابِرِ الْمُقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَبَكَتْ حَتَّى تَقْضَى حَاجَتَهَا ثُمَّ تَنْصَرِفُ وَأَمَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَبَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ ع عَشْرِينَ سَنَةً أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً «۳» مَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامًا إِلَّا بَكَى حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ أَلْ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحَزْنِي إِلَى اللَّهِ وَاعْلَمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ إِنِّي لَمْ أَذْكُرْ مَضِرَّعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَفَقْتَنِي لِذَلِكَ عَجْرَةُ الْأَمَالِي «۴» الحسين بن أحمد بن إدريس عن أبيه عن ابن عيسى عن ابن معروف مثله

ترجمه

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب خصال، به سندش از امام صادق علیه السلام روایت کرده: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۷۲ افرادی که فوق العاده گریه کردند پنج نفر بودند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه، دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن الحسین علیهم السلام. حضرت آدم از فراق بهشت به قدری گریه کرد که اثر اشک در دو گونه مبارکش نظیر جوی باقی ماند. حضرت یعقوب به قدری از فراق یوسف نمود که چشمان خود را از دست داد و بدو گفتند: به خداوند سوگند یوسف را از خاطر نخواهی برد تا آنکه افسرده یا نابود گردی. حضرت یوسف به قدری برای پدرش یعقوب گریست که اهل زندان ناراحت شدند و به وی گفتند: یا باید شب گریان و روز ساکت شوی و یا اینکه روز گریان و شب

ساکت باشی. یوسف با یکی از پیشنهادهای ایشان موافقت نمود. حضرت فاطمه در فراق پیغمبر به قدری گریه کرد که اهل مدینه خسته و ناراحت شده به او گفتند: تو به واسطه کثرت گریهات ما را اذیت می کنی. لذا حضرت زهرا از مدینه خارج و به سوی قبر شهدا می رفت، وقتی ناراحتیهای قلبی خود را با گریستن خالی می کرد به سوی مدینه بازمی گشت. حضرت علی بن الحسین علیهما السلام مدت بیست یا چهل سال بر حضرت حسین گریست. هیچ غذایی در مقابل آن حضرت نمی گذاشتند مگر اینکه گریان می شد. کار آن حضرت به جایی رسید که یکی از غلامانش به وی گفت: ای پسر رسول خدا! فدای تو شوم، من می ترسم تو خود را (به واسطه کثرت گریه) هلاک نمایی! فرمود: چاره ای نیست جز اینکه از غم و اندوه خود به خداوند شکایت کنم. من چیزهایی را می دانم که شما نمی دانید. من یاد آور قتلگاه فرزندان فاطمه علیها السلام نمی شوم مگر اینکه گریه راه گلویم را مسدود می کند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۲/۲- اُمّالی شیخ طوسی «۱» الْمَفِيدُ عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۷۳ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ لَمَّا حَضَرَتْ رَسُولَ اللَّهِ ص الْوَفَاءُ بَكَى حَتَّى بَلَثَ دُمُوعُهُ لِحَيْتَهُ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ فَقَالَ أَبْكِي لِتَذَرِّيَّتِي وَمَا تَضَيُّعُ بِهِمْ شَرَارُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي كَأَنِّي بِفَاطِمَةَ بِنْتِي وَقَدْ ظَلَمْتُ بَعْدِي وَهِيَ تُنَادِي يَا أَبَتَاهُ فَلَا يُعِينُهَا أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي فَسَمِعَتْ ذَلِكَ فَاطِمَةُ ع فَبَكَتْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَبْكِينَ يَا بُنَيَّةُ فَقَالَتْ لَسْتُ أَبْكِي لِمَا يُضَيِّعُ بِي مِنْ بَعْدِكَ وَلَكِنِّي أَبْكِي لِفِرَاقِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا أَبْشِرِي يَا بِنْتُ مُحَمَّدٍ بِشُرْعَةِ اللَّهِ قَالَتْ بِي فَإِنَّكَ أَوَّلُ مَنْ يُلْحَقُ بِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي

ترجمه

شیخ طوسی در امالی به سندش از عبد الله بن عباس روایت کرده: هنگامی که وفات پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک گردید آن حضرت به قدری گریست که محاسن مبارکش تر شد. عرض شد: یا رسول الله! چرا گریه می کنی؟ فرمود: برای ذریه و فرزندانم و آن ستمهایی که از جفاکاران امتم بعد از من به ایشان می رسد، می گریم. گویا می بینم دخترم فاطمه زهرا بعد از من مظلوم واقع شده، هر چه صدا می زند: یا ابتاه! احدی از امت من به فریاد او نمی رسد. وقتی فاطمه این مطلب را شنید، گریان شد. پیغمبر اکرم به وی فرمود: دخترم، گریان مباش! فاطمه گفت: پدر جان! من برای ظلم هایی که بعد از تو خواهم دید گریه نمی کنم، بلکه برای فراق اشک می ریزم. پیغمبر فرمود: دخترم، مژده باد تو را! زیرا تو اولین کسی هستی که در میان اهل بیتم به من ملحق خواهد شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۳/۳- قصص الأنبياء عليهم السلام «۱» الصَّدُوقُ عَنِ السَّنَائِي عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنِ الْبُرْمَكِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَبَّادَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ دَخَلْتُ فَاطِمَةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ قَالَ نُعِثْ إِلَيَّ نَفْسِي فَبَكَتْ فَاطِمَةُ فَقَالَ لَهَا لَا تَبْكِينَ فَإِنَّكَ لَا تَمُكِّثِينَ مِنْ بَعْدِي إِلَّا اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَنِصْفَ يَوْمٍ حَتَّى تُلْحَقَنِي بِي وَلَا تُلْحَقَنِي بِحَتَّى

تُتَحَفَّى بِشَمَارِ الْجَنَّةِ فَضَحِكَتْ فَاطِمَةُ ع

ترجمه

در کتاب قصص الأنبياء، از شیخ صدوق، از عبد الله بن عباس روایت شده است زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۷۴ که گفت: فاطمه زهرا علیها السلام در آن بیماری که رسول خدا از دنیا رحلت نمود، به حضور آن حضرت آمد. پیامبر خدا فرمود: گریان مباش! زیرا تو بعد از من بیشتر از هفتاد و دو روز و نیم زنده نخواهی بود که به من ملحق می‌شوی و به من ملحق نمی‌شوی تا اینکه از میوه‌های بهشتی به عنوان تحفه به تو عطا شود. حضرت فاطمه پس از شنیدن این بشارت خندان شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۴/۴- الخرائج «۱» قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَمْسَةً وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَكَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا وَكَانَ جَبْرِئِيلُ يَأْتِيهَا وَيَطَيِّبُ نَفْسَهَا وَيُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَمَكَانِهِ فِي الْجَنَّةِ وَيُخْبِرُهَا مَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَكَانَ عَلِيُّ يَكْتُبُ ذَلِكَ

ترجمه

قطب الدین راوندی در الخرائج و الجرائح از امام صادق علیه السلام روایت کرده: حضرت فاطمه بعد از پدر بزرگوارش مدت هفتاد و پنج روز زنده بود و از فراق پدر خود دچار غم و اندوه شدیدی شده بود. جبرئیل نزد آن بانو می‌آمد و او را تسلی و از مکان پدرش که در بهشت است خبر می‌داد. و نیز او را از مصائبی که بعداً فرزندان‌ش به آن مبتلا می‌شدند آگاه می‌کرد و حضرت علی علیه السلام این گونه مطالب را می‌نوشت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۵/۵- المناقب «۲» دَخَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَلَى فَاطِمَةَ ع فَقَالَتْ لَهَا كَيْفَ أَصْبَحْتَ عَنْ لَيْلَتِكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَتْ أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَكَرْبٍ فَقَدْ فَقَدَ النَّبِيُّ وَظَلَمَ الْوَصِيَّ هَتَكَ وَاللَّهُ حَجَابُهُ مَنْ أَصْبَحَتْ إِمَامَتُهُ مَقْبُضَةً عَلَى غَيْرِ مَا شَرَعَ اللَّهُ فِي التَّنْزِيلِ وَسَنَّا النَّبِيَّ ص فِي التَّأْوِيلِ وَلَكِنَّهَا أَحْقَادُ بَدْرِيَّةٍ وَتَرَاتُ أُحُدِيَّةٍ كَأَنَّ عَلَى قُلُوبِ النَّفَاقِ مُكْتَمِنَةً لِإِمْكَانِ الْوُشَاةِ فَلَمَّا اسْتُهُدِفَ الْأَمْرُ أَرْسَلَتْ عَلَيْنَا شَايِبَ الْأَثَارِ مِنْ مَخِيلَةِ الشَّقَاقِ فَيَقْطَعُ وَتَرَزَّ زَنْدِگَانِي حَضْرَت زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۷۵ الْإِيمَانِ مِنْ قِسِي صُدُورِهَا وَلَبَسَ عَلَى مَا وَعَدَ اللَّهُ مِنْ حِفْظِ الرِّسَالَةِ وَكَفَالَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَحْرَزُوا عَائِدَتَهُمْ غُرُورَ الدُّنْيَا بَعْدَ اسْتِنْصَارِ مِمَّنْ فَتَكَ بِأَبَائِهِمْ فِي مَوَاطِنِ الْكَرْبِ وَمَنَازِلِ الشَّهَادَاتِ أَقُولُ كَانَ الْخَبَرُ فِي الْمَأْخُودِ مِنْهُ مَصْحُفًا مُحَرَّفًا وَلَمْ أَجِدْهُ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ أَصَحَّحَهُ بِهِ فَأُورِدْتُهُ عَلَى مَا وَجَدْتُهُ

ترجمه

... علامه مجلسی گوید: این حدیث تحریف شده و مغلوط است و من آن را در جای دیگر نیافتیم که بتوانم آن را تصحیح نمایم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۶/۶- مِنْ بَعْضِ كُتُبِ الْمَنَاقِبِ، «۲» عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى بْنِ مَرْدَوَيْهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَرُمِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَبَّةَ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ غَسَلْتُ النَّبِيَّ ص فِي قِمِيصِهِ فَكَانَتْ فَاطِمَةُ تَقُولُ أَرْنِي الْقَمِيصَ فَإِذَا شَمْتُهُ غُشِيَ عَلَيْهَا فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ غَشَيْتُهُ

ترجمه

در بعضی کتب که در باره مناقب و فضائل علی علیه السلام نوشته شده از علی علیه السلام روایت شده است: من بدن پیغمبر خدا را با پیراهنش غسل دادم. فاطمه زهرا می گفت: پیراهن پدرم را به من نشان بده. هنگامی که آن پیراهن را بویید غش کرد!! وقتی من با این منظره مواجه شدم پیراهن رسول خدا را پنهان نمودم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۷/۷- من لا يحضره الفقيه «۳» رَوَى أَنَّهُ لَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ ص اِمْتَنَعَ بِلَالٌ مِنَ الْأَذَانِ قَالَ لَا أُؤْذِنُ لِأَحَدٍ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَإِنَّ فَاطِمَةَ ع قَالَتْ ذَاتَ يَوْمٍ إِنِّي أَشْتَهِي أَنْ زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۷۶ أَسْمَعَ صَوْتِ مُؤَذِّنِ أَبِي ع بِالْأَذَانِ فَبَلَغَ ذَلِكَ بِلَالًا فَأَخَذَ فِي الْأَذَانِ فَلَمَّا قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ذَكَرَتْ أَبَاهَا وَ أَيَّامَهُ فَلَمْ تَتِمَّالِكُ مِنَ الْبُكَاءِ فَلَمَّا بَلَغَ إِلَى قَوْلِهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ سَهَقَتْ فَاطِمَةُ ع وَ سَقَطَتْ لَوَجْهِهَا وَ غَشِيَ عَلَيْهَا فَقَالَ النَّاسُ لِبِلَالٍ أُمْسِكْ يَا بِلَالُ فَقَدْ فَارَقَتْ ابْنَتَهُ رَسُولِ اللَّهِ ص الدُّنْيَا وَ طُنُّوا أَنَّهَا قَدْ مَاتَتْ فَقَطَعَ أَذَانَهُ وَ لَمْ يُتِمَّهُ فَأَفَاقَتْ فَاطِمَةُ ع وَ سَأَلَتْهُ أَنْ يُتِمَّ الْأَذَانَ فَلَمْ يَفْعَلْ وَ قَالَ لَهَا يَا سَيِّدَةُ النُّسْوَانِ إِنِّي أَخْشَى عَلَيْكَ مِمَّا تُنْزِلِينَهُ بِنَفْسِكَ إِذَا سَمِعْتَ صَوْتِي بِالْأَذَانِ فَأَعَفْتَهُ عَنْ ذَلِكَ

ترجمه

شیخ صدوق رحمه الله در من لا يحضره الفقيه روایت کرده است: وقتی پیغمبر خدا از دنیا رحلت نمود بلال از گفتن اذان خودداری کرد، و گفت: من بعد از پیامبر اسلام برای احدی اذان نخواهم گفت. روزی فاطمه زهرا فرمود: دوست دارم صدای اذان مؤذن پدرم را بشنوم. و چون این سخن به گوش بلال رسید، مشغول گفتن اذان شد. هنگامی که بلال دو مرتبه گفت: الله اکبر، حضرت فاطمه به یاد روزگار پدرش رسول خدا افتاد و نتوانست از گریه خودداری نماید. و زمانی که بلال گفت: اشهد أن محمدا رسول الله، فاطمه علیها السلام صیحه ای زد و با صورت خود سقوط و غش کرد!! مردم به بلال گفتند: از گفتن اذان خودداری کن! زیرا فاطمه دختر پیغمبر رحلت کرد. مردم فکر کردند که فاطمه از دار دنیا رفته است! بلال اذان را تمام نکرده قطع نمود. پس از آنکه فاطمه زهرا به هوش آمد به بلال گفت: اذان را تمام کن. ولی بلال نپذیرفت و به آن حضرت گفت: ای برترین زنان! من از اینکه هر گاه صدای اذان مرا می شنوی و این همه ناراحت می شوی می ترسم. لذا حضرت فاطمه علیها السلام وی را معاف نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۸/۸- معانی الاخبار حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسِينِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حُمَيْدٍ اللَّخْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُهَلَّبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ ع قَالَتْ لَمَّا اشْتَدَّتْ عَلَيَّ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ غَلَبَهَا اجْتِمَاعُ نِسَاءِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فَقُلْنَ لَهَا يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ كَيْفَ أَصْبَحْتَ عَنْ عَلَتِكَ فَقَالَتْ ع أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لَدُنْيَاكُمْ قَالِيَهُ زَنْدْكَانِي حَضْرَت زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۷۷ لِجَالِ كُمْ لَفَطْتُهُمْ قَبْلَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ شَنَأْتُهُمْ بَعِيدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَتَقَبَّحُوا لِلْفُلُولِ الْحَدِّ وَ خَوَرَ الْقَنَاءَ وَ خَطَلَ الرَّأْيَ وَ بَنَسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ لَا جَرَمَ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رَبَقَتَهَا وَ شَنَنْتُ عَلَيْهِمْ غَارَهَا فَجَدَعًا وَ عَقْرًا وَ سَخِطًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ يَحْتَمُّونَ أُنَى زَخْرُوحَهَا عَنْ رِوَايَةِ الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَ مَهَبِطِ الْوَحْيِ الْأَمِينِ وَ الطَّيِّبِينَ بِأَمْرِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ إِلَّا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ وَ مَا نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ نَقَمُوا وَاللَّهُ مِنْهُ نَكِيرٌ سَيُفِيهِ وَ شِدَّةٌ وَ طِيْهِ وَ نَكَالٌ وَ قَعْتُهُ وَ تَتَمَّرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اللَّهُ لَوْ تَكَافَوْا عَنْ زِمَامِ نَبِيِّهِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِلَيْهِ لَمَاعْتَلَقَهُ وَ لَسَارَ بِهِمْ سَرِيرًا سُجْحًا لَا يَكْلُمُ خِشَاشُهُ وَ لَا يَتَغَتَّعُ رَاكِبُهُ وَ لَا يُورِدُهُمْ مِنْهَا نَمِيرًا فَضْماً ضَفْطُحَ ضَفَّتَاهُ وَ لَأَصْدَرَهُمْ بِطَانًا قَدْ تَحَيَّرَ بِهِمُ الرَّيُّ غَيْرَ مُتَحَلٍّ مِنْهُ بِطَانِئِلٍ إِلَّا بِغَمْرِ الْمَاءِ وَ رَدْعِهِ شَرَرُهُ الشَّاعِبِ وَ لَفُتِحَتْ عَلَيْهِمْ بَرَكَاتُ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ سَيَأْخُذُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ إِلَّا هَلُمَّ فَاسْمِعْ وَ مَا عِشْتَ أَرَاكَ الدَّهْرَ الْعَجَبَ وَ إِنْ تَعَجَّبْتَ فَقَدْ أَعْجَبَكَ الْحَادِثُ إِلَى أَى سِتَادٍ اسْتَدُّوا وَ بِأَى عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا اسْتَبَدَّلُوا الدُّنْيَا بِاللَّهِ بِالْقَوَادِمِ وَ الْعَجَزَ بِالْكَاهِلِ فَرَعْمًا لِمَعَاطِسِ قَوْمٍ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صِينًا إِلَّا إِنَّهُمْ هُمْ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا- يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَمَا لَعَمْرُ إِلَهِك لَقَدْ لِمَحَتْ فَنِظَرُهُ رَيْثَمَا تَنْتَجِعُ ثُمَّ اخْتَبَأُوا طِلَاعَ الْقَعْبِ دَمًا عَيْطًا وَ دُعَاةً مُمَقِرًّا هُنَالِكَ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يُعْرِفُ التَّالُونَ غَيْبَ مَا سَنَّ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طَبِئُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ أَنْفُسًا وَ طَأْمِنُوا لِلْفِتْنَةِ جَاشًا وَ أَبْشَرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَ هَرَجٍ شَامِلٍ وَ اسْتَبَدَّ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيَنْتَكُمُ زَهِيدًا وَ زَرَعَكُمْ حَصِيدًا فَيَا حَسْرَتِي لَكُمْ وَ أَنَّى بِكُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ قُلُوبُكُمْ عَلَيْكُمْ أُنْزِلْ مُكْمُوها وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ «۱» زَنْدْكَانِي حَضْرَت زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۷۸ ثُمَّ قَالَ وَ حَدَّثَنَا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْحَسَنِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مَقْبَرَةِ الْقُرَوِينِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْهَاشِمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عِيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ لَمَّا حَضَرَتْ فَاطِمَةُ ع الْوَفَاةَ دَعَانِي فَقَالَ أَمْنَعُذْ أَنْتَ وَ صِيتِي وَ عَهْدِي قَالَ قُلْتُ بَلَى أَنْفَعُهَا فَأَوْصَتْ إِلَيْهِ وَ قَالَتْ إِذَا أَنَا مِتُّ فَادْفِنِي لَيْلًا وَ لَا تُؤْذِنَنَّ رَجُلَيْنِ ذَكَرْتُهُمَا قَالَ فَلَمَّا اشْتَدَّتْ عَلَتُهَا اجْتِمَاعُ إِلَيْهَا نِسَاءِ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ فَقُلْنَ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ عَلَتِكَ فَقَالَتْ ع أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُمْ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ نَحْوَهُ قَالَ الصَّدُوقُ رَحِمَهُ اللَّهُ سَأَلْتُ أَبَا أَحْمَدَ الْحُسَيْنِ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدِ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ مَعْنَى هَذَا الْحَدِيثِ فَقَالَ أَمَا قَوْلُهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا عَائِفَةٌ إِلَى آخِرِ مَا ذَكَرَهُ وَ سَنُورِدُهَا فِي تَضَاعِيفٍ مَا سَنَذْكُرُهُ فِي شَرْحِ الْخُطْبَةِ عَلَى اخْتِلَافِ رَوَايَاتِهَا

ترجمه

شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار از عبد الله بن حسن مثنی، از فاطمه بنت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص:

۵۷۹ حسین روایت کرده: ... «۱»

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۱۹ / ۹ - الإحتجاج «۲» قَالَ سُؤْدَةُ بْنُ غَفْلَةَ لَمَّا مَرَضَتْ فَاطِمَةُ ع الْمَرْضَةَ الَّتِي تُوفِّيَتْ فِيهَا اجْتَمَعَ إِلَيْهَا نِسَاءُ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ يُعَدُّنَهَا فَقُلْنَ لَهَا كَيْفَ أَصِيبَتْ مِنْ عِلَّتِكَ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ فَحَمِدَتِ اللَّهَ وَصَلَّتْ عَلَى أَبِيهَا ص ثُمَّ قَالَتْ أَصِيبَتْ وَاللَّهِ عَائِقَةً لِدُنْيَاكَنَّ قَالِيَةً لِرِجَالِكُنَّ لَفْظَتُهُمْ بَعِيدٌ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَشَنَأَتْهُمْ بَعِيدٌ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحًا لِقُلُولِ الْحَدِّ وَاللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ وَقَرَعَ الصَّفَاءَ وَصَدَعَ الْقَنَاءَ وَخَطَلَ الْأَرَاءَ وَزَلَلَ الْأَهْوَاءَ وَبُسَسَ مَا قَدَمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَيَّخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ لَا جَرَمَ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رِبْقَتَهَا وَحَمَلْتُهُمْ أَوْقَتَهَا وَشَنَنْتُ عَلَيْهِمْ غَارَهَا فَجِدَعًا وَعَفْرًا وَبُعِيدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَيَحْتُمُّ أُنَى زَعَزَعُوهَا عَنْ رِوَاسِي الرِّسَالَةِ وَقَوَاعِدِ الثَّبُوءِ وَالِدَلَالَةِ وَمَهْبِطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَالطَّبِينِ بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَالْدِّينِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ وَمَا الَّذِي نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ نَقَمُوا مِنْهُ وَاللَّهُ نَكِيرٌ سَيْفِهِ وَقِلَّةٌ مُبَالَاغَتِهِ بِحَنَفِهِ وَشِدَّةٌ وَطَأْتِهِ وَنَكَالٌ وَقَعَتِهِ وَتَنَمَّرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَتَالَلَهُ لَوْ مَالُوا عَنِ الْمَحَجَّةِ اللَّائِحَةِ وَزَالُوا عَنْ قَبُولِ الْحُجَّةِ الْوَاضِحَةِ لَرَدُّهُمْ إِلَيْهَا وَحَمَلْتُهُمْ عَلَيْهَا وَلَسَارَ بِهِمْ سَيْرًا سَاجِحًا لَا يَكْلُمُ خَشَاشُهُ وَلَا يَكِلُ سَائِرُهُ وَلَا يُمَلُّ رَاكِبُهُ وَلَا وَرَدُهُمْ مِنْهَا نَمِيرًا صَافِيًا رَوِيًّا تَطْفُحُ ضَفَّتَاهُ وَلَا يَتَرَقُّ جَانِبَاهُ وَلَا ضَدْرَهُمْ بِطَانًا وَنَصَحَ لَهُمْ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۵۸۰ سِرًّا وَإِغْلَانًا وَلَمْ يَكُنْ يُحَلِّي مِنَ الْغَنَى بِطَائِلٍ وَلَمْ يَحْطِ مِنَ الدُّنْيَا بِنَائِلٍ غَيْرَ رَى النَّاهِلِ وَشُبْعَةِ الْكَلِّ وَلَبَانَ لَهُمُ الرَّاهِدُ مِنَ الرَّاغِبِ وَالصَّادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيَصِفُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ أَلَا هَلُمَّ فَاسْتَمِعْ وَمَا عَشَتْ أَرَاكَ الدَّهْرَ عَجَبًا وَإِنْ تَعَجَّبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ لَيْتَ شِعْرِي إِلَى أَيِّ سَنَادٍ اسْتَنْدُوا وَعَلَى أَيِّ عِمَادٍ اعْتَمَدُوا وَبِأَيِّهِ عُرُوهُ تَمَسَّكُوا وَعَلَى أَيِّهِ ذُرِّيَّةٌ أَقْدَمُوا وَاحْتَنَكُوا لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ وَبِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا اسْتَبَدَّلُوا وَاللَّهُ الذَّنَابِيُّ بِالْقَوَادِمِ وَالْعُجْزَ بِالْكَاهِلِ فَرَعْمًا لِمَعَاطِسِ قَوْمٍ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ ضِعْمًا أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ وَيَحْتُمُّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَمَا لَعَمْرِي لَقَدْ لَقِيتُ فَرْطَرَةً رَيْثِمًا تُتْتِجُ ثُمَّ اخْتَلَبُوا مِلءَ الْقَعْبِ دَمًا عَيْطًا وَدُعَا فَا مَبِيدًا هُنَالِكَ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يُعْرِفُ التَّالُونَ غَبَّ مَا أُسِّسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طَبِئُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُسًا وَاطْمَنُّوا لِلْفِتْنَةِ جَاشًا وَأَبْتَرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَسَيْطَوَةٍ مُعْتَدٍ غَاشِمٍ وَبَهْرَجَ شَامِلٍ وَاسْتَبَدَّ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدْعُ فَيْتَكُمْ زَهِيدًا وَجَمَعَكُمْ حَصِيدًا فَيَا حَسِيرَةً لَكُمْ وَأُنَى بِكُمْ وَقَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ أَنْزَلُكُمْ مُكْمُوهاً وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ قَالَ سُؤْدَةُ بْنُ غَفْلَةَ فَأَعَادَتِ النِّسَاءُ قَوْلَهَا ع عَلَى رِجَالِهِنَّ فَجَاءَ إِلَيْهَا قَوْمٌ مِنْ وُجُوهِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ مُعْتَذِرِينَ وَ قَالُوا يَا سَيِّدَةَ النِّسَاءِ لَوْ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ذَكَرَ لَنَا هَذَا الْأَمْرَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُبْرِمَ الْعَهْدَ وَنَحْكُمَ الْعَقْدَ لَمَا عَدَلْنَا عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَقَالَتْ ع إِلَيْكُمْ عَنِّي فَلَا عُدْرَ بَعْدَ تَغْذِيرِكُمْ وَلَا أَمْرَ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ

ترجمه

در کتاب احتجاج از سوید بن غفله روایت شده است: چون فاطمه علیها السلام بیمار شد به آن بیماری که موجب رحلت آن حضرت گردید به هنگام شدت یافتن بیماریش گروهی از زنان مهاجر و انصار به عیادتش جمع شدند و بر آن حضرت سلام کرده گفتند: ای دختر رسول خدا! وضع بیماریت چگونه است و با آن چه می کنی؟ آن حضرت ستایش خداوند سبحان کرده بر پدرش درود فرستاد، و سپس گفت: حالم به گونه ای است که از دنیای شما بسی بیزار و مردانتان را دشمن می دارم! حال و قالشان را آزمودم و از آنچه کردند، بسی ناخشنودم و آنان را به کناری نهادم. چرا که چون زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۸۱ تیغ زنگار خورده نابرا و چون نیزه از قد دو نیم شده، و صاحبان اندیشه های تیره و نارسایند. چه بد ذخیره ای از پیش برای

خود فرستادند. خشم خداوند را به جان خریدند و در آتش و نیران پاینده‌اند. از سر ناچاری ریسمان امور و وظایف را به گردن آنان انداخته، سنگینی و مسئولیت کار را بدانها واگذاردم و ننگ عدالت کشی را بر آنها بار کردم. نفرین ابد بر این مکاران، دور باشند از رحمت حق این ستمکاران، وای بر آنان! از چه رو تمرکز حق را در مرکز خود سبب نگشتند؟ و از این راه خلافت را از پایه‌های نبوت دور داشتند و از سرایی که محل نزول جبرئیل بود، به دیگر سرا بردند و از ید قدرت کاردانان دین و دنیا خارج ساختند! به هوش! که زبانی بس بزرگ است! چه چیزی سبب گردید تا از علی علیه السلام عیجویی کنند؟ عیب او گفتند؛ زیرا شمشیرش، خویش و بیگانه، شجاع و ترسو نمی‌شناخت. دریافتند که او به مرگ توجهی ندارد. دیدند که او چگونه بر آنها می‌تازد و آنان را به وادی فنا می‌افکند. و برخی را برای عقوبت و سرمشق دیگران باقی می‌گذارد. به کتاب خدا مسلط و دانا، و خشم او در راه خوشنودی خداوند بود. به خداوند سوگند اگر از طریق آشکار و نمایان حق منحرف شده از قبول دلایل و حجت‌های روشن و مبین، امتناع می‌نمودند، آنان را به راه مستقیم، هادی و رهنمون می‌شد و از انحراف و اعوجاج آنان جلوگیری می‌نمود. به خداوند سوگند، اگر مردانتان در خارج نشدن زمام امور، از دستان علی پای می‌فشرده و تدبیر کار را آنچنان که پیامبر بدو سپرده بود، تحویل او می‌دادند علی آن را به سهولت راه می‌برد و این شتر را به سلامت به مقصد می‌رساند، آن گونه که حرکت این شتر رنج آور نمی‌شد. علی آنان را به آبشخوری صاف و مملو و وسیع هدایت می‌کرد که آب از اطرافش سرازیر می‌شد و هرگز رنگ کدورت به خود نمی‌گرفت. او آنان را از این آبشخور سیراب به در می‌آورد. علی خیر و نیکی را در نهان و آشکار برای آنان خوش می‌دارد. او اگر بر مسند می‌نشست هرگز بهره‌ای فراوان از بیت المال را به خود اختصاص نمی‌داد و از فزونی و ثروت دنیا جز به مقدار نیاز برداشت نمی‌کرد، به مقدار آبی که تشنگی را فرو نشاند و خوراکی که گرسنگی را برطرف نماید. (در آن هنگام مرد پارسا، از تشنه حطام دنیا باز شناخته می‌شد و راستگو از دروغگو متمایز می‌گشت، در این صورت ابواب برکات آسمانی و زمین بر آنان گشوده زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۸۲ می‌شد. و خداوند به زودی آنان را به سبب اعمال و کردارشان مؤاخذه خواهد کرد. زیرا اگر ساکنان قریه‌ای ایمان آورده خدا ترسی پیشه می‌ساختند برکات زمین و آسمان را بر آنان فرو می‌ریختیم. اما آنان دروغ گفتند و ما آنان را در برابر آنچه که به دست آورده بودند، گرفتار آوردیم «و کسانی از اینان که ستم روا داشتند نتیجه سوء کردارشان را به زودی خواهند یافت. آنان هرگز بر ما چیرگی نخواهند یافت». بیایید! و بشنوید! روزگار چه طرفه معجونی در نهان دارد و چه بازیچه‌ها یکی از پس دیگری آشکار می‌سازد. ای کاش می‌دانستم به چه پناهگاهی تکیه داده‌اند؟ و کدامین ستون را پشتیبان گرفته‌اند؟ و به کدامین ریسمان تمسک جسته‌اند؟ و بر چه خاندانی پیشقدم شده، استیلا جسته‌اند؟ شگفتا! که بد سرپرستی انتخاب کرده و بد دوستانی برگزیده‌اند. و ستمکاران [که به جای خداوند شیطان را اطاعت نمودند] چه بد مبادله کردند. اینان روی بال، به جای پرهای بزرگ، دم را قرار داده‌اند، سر واگذارده دم اختیار نمودند. به خاک مذلت ساییده باد بینی قومی که «خیال کردند با این اعمال کار خوبی را انجام داده‌اند. بدانید که آنان فاسدند، ولی خود نمی‌دانند». وای بر آنان! «آیا آن کس که مردم را به راه راست فرا می‌خواند، سزاوار پیروی است یا آنکه خود راه نمی‌داند؟ وای بر شما! چه بد داوری می‌کنید». اما به جان خود سوگند که نطفه این بسته شده است. [و شتر این فتنه آبتن شده به همین زودی خواهد زایید] انتظار کشید تا این فساد در پیکر اجتماع اسلامی منتشر شود. از پستان شتر پس از این خون و زهری که زود هلاک کننده است، بدوشید. «در اینجاست که پویندگان راه باطل زیان بینند» و مسلمانانی که در پی خواهند آمد، در می‌یابند که احوال مسلمانان صدر اسلام چگونه بوده است. قلبتان با فتنه‌ها آرام خواهد گرفت. بشارتتان باد به شمشیرهای کشیده و بڑا، و حمله جائر و متجاسر ستمکار، و درهم شدن امور همگان و خود رأیی ستمگران! غنایم و حقوق شما را اندک خواهند داد. و جمع شما را با شمشیرهایشان دور خواهند کرد. و شما جز میوه حسرت برداشت نخواهید نمود. کارتان به کجا خواهد انجامید؟ در حالی که «حقایق امور بر شما مخفی گردیده است. آیا شما را به کاری وادارم که از آن زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۸۳ کراحت دارید؟». زنان حاضر در

مجلس سخنان حضرت فاطمه علیها السلام را پیش مردان خود بازگو و تکرار کردند. متعاقب آن، گروهی از بزرگان و رؤسای مهاجرین و انصار در حالی که اعتذار می‌جستند و اظهار ندامت، نزد حضرت زهرا علیها السلام آمدند و به آن حضرت گفتند: ای سرور زنان عالم! اگر ابو الحسن (علی علیه السلام) برای ما حقایق را عنوان می‌کرد قبل از آنکه ما با دیگری (ابو بکر) عهد وثیق و پیمان استوار و محکم بسته باشیم، هرگز از او روی بر نداشتیم به دیگری میل نمی‌کردیم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: من مسئولیت بازگویی حقایق را داشتم (نصیحتی بود از من به شما) حجت را بر شما تمام کردم. عذر شما، عذر مقبول و پسندیده‌ای نیست و تقصیر و کوتاهی شما مسلم و هیچ بهانه و توجیهی بعد از آن متصور نیست.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۲۰/۱۰- أمالی طوسی (۱) «الْحَفَّارُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَلِيٍّ الدُّعْلِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي سَهْلٍ الدَّقَّاقِ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ وَ قَالَ الدُّعْلِيُّ وَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدَّيْرِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عُثَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْبَةَ بْنِ مَسْعُودٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ دَخَلَ نِسْوَةٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص يَعِدْنَهَا فِي عِلَّتِهَا فَقُلْنَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص كَيْفَ أَصْبَحْتَ فَقَالَتْ أَصْبَحْتُ وَ اللَّهُ عَائِضَةً لِدُنْيَاكَ قَالِيَةً لِرَجَالِكُنْ لَفْظَتْهُمْ بَعْدَ إِذْ عَجَمْتُهُمْ وَ سَيَّمْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحًا لِأَفْوَنِ الرَّأْيِ وَ خَطَلِ الْقَوْلِ وَ خَوَرَ الْقَنَاءَ وَ لَبِسَ مَا قَدَمْتَ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ لَا جَرَمَ وَ اللَّهُ لَقَدْ قَلَّدْتُهُمْ رَبِّقَتَهَا وَ شَنَنْتُ عَلَيْهِمْ غَارَهَا فَجِدَعًا وَ رَغَمًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۸۴ وَ يَحِبُّهُمْ أَنِّي زَخَرْتُهَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مَا نَقَمُوا وَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا نَكِيرٌ سَيِّفِهِ وَ نِكَالٌ وَفِعِهِ وَ تَمَرُّهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ تَالَلِهُ لَوْ تَكَافُوا عَلَيْهِ عَنْ زِمَامِ نَبِيِّهِ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمَا عَتَلَقَهُ ثُمَّ لَسَارَ بِهِمْ سَيِّرَةٌ سُبُحًا فَإِنَّهُ قَوَاعِدُ الرِّسَالَةِ وَ رَوَاسِي الثُّبُوتِ وَ مَهْبُطُ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَ الطَّبِيبُ بِأَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَلَمَّا ذَلِكْ هُوَ الْخَيْرَانِ الْمُسِينِ وَ اللَّهُ لَمَّا يَكْتَلِمُ خِشَاشُهُ وَ لَا يُتَعَنَّ رَاكِبُهُ وَ لَا وَرَدَهُمْ مِنْهَا رَوِيًّا فَضًّا فَاضًا تَطْفُحُ ضِفَّتُهُ وَ لَا أَصِدَرَهُمْ بِطَانًا قَدْ خَثَرُ بِهِمُ الرُّيُّ غَيْرُ مُتَحَلٍّ بِطَائِلٍ إِلَّا تَعَمَّرَ النَّاهِلِ وَ رَدَعَ سُورَةَ سِغَبٍ وَ لَفْتِحَتْ عَلَيْهِمْ بَرَكَاتُ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ سَيَأْخُذُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ فَهَلُمَّ فَاسْمَعْ فَمَا عَشْتُ أَرَاكَ الدَّهْرَ عَجَبًا وَ إِنْ تَعَجَّبْتَ بَعْدَ الْحَادِثِ فَمَا بَالُهُمْ بِأَيِّ سَنَدٍ اسْتَدُّوا أَمْ بِأَيِّهِ عُرُوهُ تَمَسَّكُوا لِبَنَسِ الْمَوْلَى وَ لِبَنَسِ الْعَشِيرَةِ وَ بَنَسِ لِلظَّالِمِينَ يَدَلًّا اسْتَبَدَّلُوا الدُّنْيَا بِالْقَوَادِمِ وَ الْحُرُونَ بِالْقَاحِمِ وَ الْعَجَزُ بِالْكَاهِلِ فَتَعَسَّأَ لِقَوْمٍ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ لَقَحْتُ فَنَظَرُهُ رِيئِيًّا تَنْتَجِ ثُمَّ اخْتَلَبُوا طِلَاعَ الْقَعْبِ دَمًا عَيْطًا وَ دُعَا فَمِيدًا هُنَالِكَ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يَعْرِفُ التَّالُونَ غَبَّ مَا أَسَسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طَبَّيُوا بَعْدَ ذَلِكَ عَنْ أَنْفُسِكُمْ لَفَنَتْهَا ثُمَّ اطمَنُّوا لِلْفِتْنَةِ جَاشًا وَ أَبْشَرُوا بِسَيِّفِ صَارِمٍ وَ هَزَجِ دَائِمٍ شَامِلٍ وَ اسْتَبَدَّادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ فَرَزَعَ فَيُنْكَمُ زَهِيدًا وَ جَمَعَكُمْ حَصِيدًا فَيَا حَسِيرَةً لَهُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ أُنْزِلْ مُكْمُوها وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ بَيَانِ أَقُولُ رَوَى صَاحِبُ كَشْفِ الْغَمَةِ الرَّوَايَتَيْنِ اللَّتَيْنِ أَوْرَدَهُمَا الصَّدُوقُ عَنْ كِتَابِ السَّقِيفَةِ بِحَذْفِ الْإِسْنَادِ وَ رَوَاهُ ابْنُ أَبِي الْحَدِيدِ فِي شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ إِلَى آخِرِ مَا أَوْرَدَهُ الصَّدُوقُ وَ إِنَّمَا أَوْرَدْتُهَا مَكْرَرَةً لِلَاخْتِلَافِ الْكَثِيرِ بَيْنَ رَوَايَاتِهَا وَ شِدَّةِ الْاعْتِنَاءِ بِشَأْنِهَا وَ لِنَشْرَحِهَا لِاحْتِيَاجِ جُلِّ فُقَرَاتِهَا إِلَى الشَّرْحِ وَ الْبَيَانِ زِيَادَةً عَلَى مَا أَوْرَدَهُ الصَّدُوقُ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ. قولها عائفه أى كارهه يقال عاف الرجل الطعام يعافه عيفا إذا كرهه و القالية زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۸۵ المبغضة قال تعالى ما وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى (۱) و لفظت الشيء من فمى أى رميته و طرحته و العجم تقول عجمت العود أعجمه بالضم إذا عضضته و شناه كمنعه و سمعه أبغضه و سبرتهم أى اختبرتهم فعلى ما فى أكثر الروايات المعنى طرحتهم و أبغضتهم بعد امتحانهم و مشاهدۀ سيرتهم فطرحتهم ثم لما اختبرتهم شنتهم و أبغضتهم أى تأكد

إنكارى بعد الاختبار و يحتمل أن يكون الأول إشارة إلى شناعه أطوارهم الظاهرة و الثانى إلى خبث سرائرهم الباطنة. قولها ع فقبحا لفلول الحد إلى قولها خالدون قبحا بالضم مصدر حذف فعله إما من قولهم قبحه الله قبحا أو من قبح بالضم قباحه فحرف الجر على الأول داخل على المفعول و على الثانى على الفاعل و الفلول بالضم جمع فل بالفتح و هو الثلمة و الكسر فى حد السيف و حكى الخليل فى العين أنه يكون مصدرا و لعله أنسب بالمقام و حد الشئ شباته و حد الرجل بأسه و الخور بالفتح و التحريك الضعف و القناة الرمح و الخطل بالتحريك المنطق الفاسد المضطرب و خطل الرأى فساده و اضطرابه. قولها ع اللعب بعد الجد أى أخذتم دينكم باللعب و الباطل بعد أن كنتم مجدين فيه آخذين بالحجة. قولها ع و قرع الصفاة الصفاة الحجر الأملس أى جعلتم أنفسكم مقرعا لخصامكم حتى قرعوا صفاتكم أيضا قال الجزرى فى حديث معاوية يضرب صفاتها بمعوله و هو تمثيل أى اجتهد عليه و بالغ فى امتحانه و اختباره و منه الحديث لا يقرع لهم صفاة أى لا ينالهم أحد بسوء انتهى. أقول لا يبعد أن يكون كناية عن عدم تأثير حيلتهم بعد ذلك و فلول حدهم كما أن من يضرب السيف على الصفاة لا يؤثر فيها و يفل السيف. و صدع القناة شقها و السامة الملأل و - قَالَ الْجَزَرِيُّ فِي حَدِيثٍ عَلَى إِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النَّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنِ الْأَفْنِ النِّقْصِ وَ رَجُلٌ أَفْنٌ وَ مَأْفُونٌ أَيْ نَاقِصُ الْعَقْلِ وَ قَوْلُهُ تَعَالَى أَنْ سَيَخِطُ اللَّهُ «٢» هُوَ الْمَخْصُوصُ بِالْذَّمِّ أَوْ عِلَّةُ الذَّمِّ وَ الْمَخْصُوصُ مُحذُوفٌ أَيْ لِبَسِّ شَيْئَا زَنْدِكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحاني)، ص: ۵۸۶ ذلك لأن كسبهم السخط و الخلود. قولها ع لا جرم لقد قلدتهم ربقتها لا جرم كلمة تورد لتحقيق الشئ و الربقة فى الأصل عروة فى حبل تجعل فى عنق البهيمة أو يدها تمسكها و يقال للجل الذى تكون فيه الربقة ربق و تجمع على ربق و رباق و أرباق و الضمير فى ربقتها راجع إلى الخلافة المدلول عليه بالمقام أو إلى فذك أو حقوق أهل البيت ع أى جعلت إثمها لازمة لرقابهم كالقلائد. قولها ع و شنت عليهم غارها الشن رش الماء رشا متفرقا و السن بالمهملة الصب المتصل و منه قولهم شنت عليهم الغارة إذا فرقت عليهم من كل وجه. قولها ع و حملتهم أوقتها قال الجوهري الأوق الثقل يقال ألقى عليه أوقه و قد أوقته تأويقا أى حملته المشقة و المكروه. قولها ع فجعدا و عقرا الجعد قطع الأنف أو الأذن أو الشفة و هو بالأنف أخص و يكون بمعنى الحبس و العقر بالفتح الجرح و يقال فى الدعاء على الإنسان عقرا له و حلقا أى عقر الله جسده و أصابه بوجع فى حلقة و أصل العقر ضرب قوائم البعير أو الشاة بالسيف ثم اتسع فيه فاستعمل فى القتل و الهلاك و هذه المصادر يجب حذف الفعل منها و السحق بالضم البعد. قولها ع و يحهم أنى زحزحوها عن رواسى الرسالة و يح كلمة تستعمل فى الترحم و التوجع و التعجب و الزحزحة التنحية و التباعد و الزعزعة التحريك و الرواسى من الجبال الثوابت الرواسخ و قواعد البيت أساسه. قولها ع و الطيين هو بالطاء المهملة و الباء الموحدة الفطن الحاذق. قولها ع و ما نقموا من أبى الحسن إلى قولها فى ذات الله و فى كشف الغمة و ما الذى نقموا من أبى الحسن يقال نقمت على الرجل كضربت و قال الكسائى كعلمت لغة أى عتبت عليه و كرهت شيئا منه و التنكير الإنكار و التنكر التغير عن حال يسرك إلى حال تكرهها و الاسم النكير و ما هنا يحتمل المعنيين و الأول أظهر أى إنكار سيفه فإنه ع كان لا يسلم سيفه إلا لتغيير المنكرات و الوطأة الأخذة الشديدة و الضغطة و أصل الوطء الدوس بالقدم و يطلق على الغزو و القتل لأن من يطأ الشئ برجليه فقد استقصى فى هلاكه و إهانتة و النكال العقوبة التى تنكل الناس و الوقعة صدمة الحرب و تنمر فلان أى تغير زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ۵۸۷ و تنكر و أوعد لأن النمر لا تلقاه أبدا إلا متنكرا غضبان. قولها فى ذات الله قال الطيبى ذات الشئ نفسه و حقيقته و المراد ما أضيف إليه و قال الطبرسى فى قوله تعالى وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ «١» كناية عن المنازعة و الخصومة و الذات هى الخلقة و البنية يقال فلان فى ذاته صالح أى فى خلقة و بنيته يعنى أصلحو نفس كل شئ بينكم أو أصلحو حال كل نفس بينكم و قيل معناه و أصلحو حقيقة و صلحكم و كذلك معنى اللهم أصلح ذات البين أى أصلح الحال التى بها يجتمع المسلمون انتهى. أقول فالمراد بقولها فى ذات الله أى فى الله و لله بناء على أن المراد بالذات الحقيقة أو فى الأمور و الأحوال التى تتعلق بالله من دينه و شرعه و غير ذلك كقوله تعالى إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ «٢» أى المضمورات التى فى الصدور. قولها ع و تالله لو مالوا أى بعد أن مكنوه فى الخلافة قولها ع و تالله لو تكافوا إلى قولها بما كانوا يكسبون التكاف تفاعل من الكف و هو الدفع و الصرف و الزمام ككتاب الخيط

الذى يشد فى البرة أو الخشاش ثم يشد فى طرفه المقود و قد يسمى المقود زماما و نبذه أى طرحه و فى الصحاح اعتلقه أى أحبه و لعله هنا بمعنى تعلق به و إن لم أجد فيما عندنا من كتب اللغة. و السجح بضمين اللين السهل و الكلم الجرح و الخشاش بكسر الخاء المعجمة ما يجعل فى أنف البعير من خشب و يشد به الزمام ليكون أسرع لانتقياده و تعتت الرجل أى أفلقتة و أزعجته. و المنهل المورد و هو عين ماء ترده الإبل فى المراعى و تسمى المنازل التى فى المفاوز على طرق السفار مناهل لأن فيها ماء قاله الجوهري و قال ماء نمير أى ناجع عذبا كان أو غيره و قال الصدوق نقلا عن الحسين بن عبد الله بن سعيد العسكري النمير الماء النامى فى الجسد و قال الجوهري الروى سحابة عظيمة القطر شديدة الوقع و يقال شربت شربا رويا و الفضفاض الواسع يقال ثوب فضفاض و عيش فضفاض و درع فضفاضة و ضفتا النهر بالكسر و قيل و بالفتح أيضا جانباه و تطفح أى تمتلئ حتى تفيض. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۵۸۸ و رنق الماء كفرح و نصر و ترنق كدر و صار الماء رونقة غلب الطين على الماء و الترنوق الطين الذى فى الأنهار و المسيل فالظاهر أن المراد بقولها و لا- يترنق جانباه أنه لا ينقص الماء حتى يظهر الطين و الحمأ من جانبى النهر و يتكدر الماء بذلك و بطن كعلم بطنه من الشبع و منه الحديث تغدو خماسا و تروح بطانا و المراد عظم بطنهم من الشرب. و تحير الماء أى اجتمع و دار كالمتحير يرجع أقصاه إلى أدناه و يقال تحيرت الأرض بالماء إذا امتلأت و لعل الباء بمعنى فى أى تحير فيهم الرى أو للتعديء أى صاروا حيارى لكثرة الرى و الرى بالكسر و الفتح ضد العطش. و فى رواية الشيخ قد خثر بالخاء المعجمة و الثاء المثلثة أى أثقلهم من قولك أصبح فلان خاثر النفس أى ثقل النفس غير طيب و لا نشيط و حلى منه بخير كرضى أى أصاب خيرا و قال الجوهري قولهم لم يحل منها بطائل أى لم يستفد منها كثير فائدة و التحلى التزين و الطائل الغناء و المزية و السعة و الفضل و التغمر هو الشرب دون الرى مأخوذ من الغمر بضم الغين المعجمة و فتح الميم و هو القدح الصغير. و الناهل العطشان و الريان و المراد هنا الأول و الردع الكف و الدفع و الردعة الدفعة منه و فى جميع الروايات سوى معانى الأخبار سورة الساعب و فيه شررة الساعب و لعله من تصحيف النساخ و الشرر ما يتطاير من النار و لا يبعد أن يكون من الشره بمعنى الحرص. و سورة الشىء بالفتح حدثه و شدته و السغب الجوع. و قال الفيروز آبادى الحظوة بالضم و الكسر و الحظوة كعددة المكانة و الحظ من الرزق و حظى كل واحد من الزوجين عند صاحبه كرضى و النائل العطية و لعل فيه شبه القلب. و قال الفيروز آبادى الكافل العائل و الذى لا يأكل أو يصل الصيام و الضامن انتهى. أقول يمكن أن يكون هنا بكل من المعنيين الأولين و يحتمل أن يكون بمعنى كافل اليتيم فإنه لا يحل له الأكل إلا بقدر البلغة و حاصل المعنى أنه لو منع كل منهم الآخرين عن الزمام الذى نبذه رسول الله ص و هو تولى أمر الأمة لتعلق به أمير المؤمنين ع أو أخذه محبا له و لسلوك بهم طريق الحق من غير أن يترك شيئا من أوامر الله أو يتعدى حدا من حدوده و من غير أن يشق على الأمة و يكلفهم فوق طاقتهم و وسعهم و لافازوا بالعيش الرغيد فى الدنيا و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۵۸۹ الآخرة و لم يكن ينتفع من دنياهم و ما يتولى من أمرهم إلا بقدر البلغة و سد الخلّة. قولها ع ألا هلم فاسمع فى رواية ابن أبى الحديد ألا هلمن فاسمعن و ما عشتن أراكن الدهر عجا إلى أى لجا لجئوا و استندوا و بأى عروة تمسكوا لِبَسَ المولى و لِبَسَ العشير و لِبَسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا قال الجوهري هلم يا رجل بفتح الميم بمعنى تعال يستوى فيه الواحد و الجمع و التأنيث فى لغة أهل الحجاز و أهل نجد يصرفونها فيقولون للثنتين هلم و للجمع هلموا و للمرأة هلمى و للنساء هلمن و الأول أفصح و إذا أدخلت عليه النون الثقيلة قلت هلمن يا رجل و للمرأة هلمن بكسر الميم و فى التثنية هلمان للمؤنث و المذكر جميعا و هلمن يا رجال بضم الميم و هلمنان يا نسوة انتهى و على الروايات الآخر الخطاب عام. قولها و ما عشتن أى أراكن الدهر شيئا عجيبا لا يذهب عجه و غرابته مدة حياتكن أو يتجدد لكن كل يوم أمر عجيب متفرع على هذا الحادث الغريب. و قال الجوهري شعرت بالشىء أشعر به شعرا أى فطنت له و منه قولهم ليت شعرى أى ليتنى علمت و اللجا محركة الملاذ و المعقل كالملجأ و لجأت إلى فلان إذا استندت إليه و اعتضدت به و السناد ما يستند إليه. و قال الجوهري احتكك الجراد الأرض أى أكل ما عليها و أتى على نبتها و قوله تعالى حاكيا عن إبليس لَأَخْتِكَنَ ذُرِّيَّتَهُ «۱» قال الفراء يريد لأستولين عليهم و المراد بالذرية ذرية الرسول ص. و المولى الناصر و المحب و العشير الصاحب المخالط المعاصر

وَلِئَلَّا يَبْشُرَ لِلظَّالِمِينَ يَدًا أَى بَشْرَ الْبَدَلِ مِنْ اخْتَارُوهُ عَلَى إِمَامِ الْعَدْلِ وَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع. قولها ع استبدلوا إلى قولها كيف تحكمون الذنابي بالضم ذنب الطائر و منبت الذنب و الذنابي في الطائر أكثر استعمالا من الذنب و في الفرس و البعير و نحوهما الذنب أكثر و في جناح الطائر أربع ذنابي بعد الخوافي و هي ما دون الريشات العشر من مقدم الجناح التي تسمى قوادم و الذنابي من الناس السفلة و الأتباع. و الحرون فرس لا- ينقاد و إذا اشتدت به الجري وقف و قحم في الأمر قحوما رمى بنفسه زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۵۹۰ فيه من غير روية استعير الأول للجبان و الجاهل و الثاني للشجاع و العالم بالأمر الذي يأتي بها من غير احتياج إلى ترو و تفكر و العجز كالعضد مؤخر الشيء يؤنث و يذكر و هو للرجل و المرأة جميعا و الكاهل الحارك و هو ما بين الكتفين و كاهل القوم عمدتهم في المهمات و عدتهم للشدائد و الملمات و رغما مثلثة مصدر رغم أنفه أى لصق بالرغام بالفتح و هو التراب و رغم الأنف يستعمل في الذل و العجز عن الانتصار و الانقياد على كره و المعاطس جمع معطس بالكسر و الفتح و هو الأنف و قرئ في الآية يهدى بفتح الهاء و كسرهما و تشديد الدال فأصله يهتدى و بتخفيف الدال و سكون الهاء. قولها ع أما لعمر إلهك إلى آخر الخبر و في بعض نسخ ابن أبي الحديد أما لعمر الله و في بعضها أما لعمر إلهك و العمر بالفتح و الضم بمعنى العيش الطويل و لا يستعمل في القسم إلا العمر بالفتح و رفعه بالابتداء أى عمر الله قسمي و معنى عمر الله بقاءه و دوامه. و لقحت كعلمت أى حملت و الفاعل فعلتهم أو فعالهم أو الفتنة أو الأزمنة و النظرة بفتح النون و كسر الظاء التأخير و اسم يقوم مقام الإنظار و نظرة إما مرفوع بالخبرية و المبتدأ محذوف كما في قوله تعالى فَظَرُّهُ إِلَى مَيْسَرَةٍ «۱» أى فالواجب نظرة و نحو ذلك و إما منصوب بالمصدرية أى انتظروا أو انظروا نظرة قليلة و الأخير أظهر كما اختاره الصدوق. و ريثما تنتج أى قدر ما تنتج يقال نتجت الناقة على ما لم يسم فاعله تنتج نتاجا و قد نتجها أهلها نتجا و أنتجت الفرس إذا حان نتاجها. و القعب قدح من خشب يروى الرجل أو قدح ضخمة و احتلاب طلاع القعب هو أن يمتلئ من اللبن حتى يطلع عنه و يسيل و العبيط الطرى و الذعاف كغراب السم و المقر بكسر القاف الصبر و ربما يسكن و أقمر أى صار مرا و المبيد المهلك و أمضه الجرح أوجعه و غب كل شيء عاقبه و طاب نفس فلان بكذا أى رضى به من دون أن يكرهه عليه أحد و طاب نفسه عن كذا أى رضى ببذله. و نفسا منصوب على التميز و في كتاب ناظر عين الغريين طمأنته سكتته فاطمأن و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۵۹۱ الجأش مهموزا النفس و القلب أى اجعلوا قلوبكم مطمئنة لنزول الفتنة و السيف الصارم القاطع و الغشم الظلم و الهرج الفتنة و الاختلاط و في رواية ابن أبي الحديد و قرح شامل فالمراد بشمول القرح إما للأفراد أو للأعضاء. و الاستبداد بالشئ التفرد به و الضمير المرفوع فى يدع راجع إلى الاستبداد و الفى الغنيمه و الخراج و ما حصل للمسلمين من أموال الكفار من غير حرب و الزهيد القليل و الحصيد المحصود و على رواية زرعكم كناية عن أخذ أموالهم بغير حق و على رواية جمعكم يحتمل ذلك و أن يكون كناية عن قتلهم و استئصالهم. و أنى بكم أى و أنى تلحق الهداية بكم و عميت عليكم بالتخفيف أى خفيت و التبتت و بالتشديد على صيغة المجهول أى لبست و قرئ في الآية بهما. و الضمائر فيها قيل هى راجعة إلى الرحمة المعبر عن النبوة بها و قيل إلى البينة و هى المعجزة أو اليقين و البصيرة فى أمر الله و فى المقام يحتمل رجوعها إلى رحمة الله الشاملة للإمامة و الاهتداء إلى الصراط المستقيم بطاعة إمام العدل أو إلى الإمامة الحققة و طاعة من اختاره الله و فرض طاعته أو إلى البصيرة فى الدين و نحوها و إليكم عنى أى كفوا و أمسكوا و قولها بعد تعذيركم أى تقصيركم و المعذر المظهر للعذر اعتلالا من غير حقيقة «۱» ۱۱- كِتَابُ دَلَائِلِ الْإِمَامَةِ لِلطَّبَرِيِّ، «۲» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَيَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَحْمَدَ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ ابْنِ سِتَّانٍ عَنْ ابْنِ مُشْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُبِضَتْ فَاطِمَةُ ع فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لثَلَاثَ خَلَوْنَ مِنْهُ سِنَةٍ إِخْدَى عَشْرَةَ مِنَ الْهِجْرَةِ وَ كَانَ سَبَبٌ وَفَاتِهَا أَنْ قُتِفَدَا مَوْلَى عُمَرَ لَكَرْهِيَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ فَأَشَقَقَتْ مُحَسَّنًا وَ مَرَضَتْ مِنْ ذَلِكَ مَرَضًا شَدِيدًا وَ لَمْ تَدَعْ أَحَدًا مِمَّنْ آذَاهَا يَدْخُلُ عَلَيْهَا

زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۵۹۲ وَ كَانَ الرَّجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ص سَأَلَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ص أَنْ يَشْفَعَ لَهُمَا إِلَيْهَا فَسَأَلَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَلَمَّا دَخَلَا عَلَيْهَا قَالَا لَهَا كَيْفَ أَنْتِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ بِخَيْرٍ بِحَمْدِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَتْ لَهُمَا مَا سَمِعْتُمَا النَّبِيَّ

يَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِّنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ قَالَا بَلَى قَالَتْ فَوَ اللَّهُ لَقَدْ آذَيْتُمَانِي قَالَ فَخَرَجَا مِنْ عِنْدَهَا وَ هِيَ سَاخِطَةٌ عَلَيْهِمَا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ وَ رَوَى أَنَّهَا قُبِضَتْ لِعَشْرِ بَقِيْنَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ وَقَدْ كَمَلَ عُمْرُهَا يَوْمَ قُبِضَتْ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَ خَمْسًا وَ ثَمَانِينَ يَوْمًا بَعِيدَ وَفَاهُ أَبْيَهَا فَعَسَيْلَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَ لَمْ يَخْضُرْهَا غَيْرُهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كُلثُومُ وَ فِضَّةُ جَارِيَّتُهَا وَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عَمَيْسٍ وَ أَخْرَجَهَا إِلَى الْبُقْعِ فِي اللَّيْلِ وَ مَعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ صَلَّى عَلَيْهَا وَ لَمْ يَعْلَمْ بِهَا وَ لَا حَضَرَ وَفَاتَهَا وَ لَا صَلَّى عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ سَائِرِ النَّاسِ غَيْرُهُمْ وَ دَفَنَهَا بِالرَّوَضَةِ وَ عَمَّى مَوْضِعَ قَبْرِهَا وَ أَصْبَحَ الْبُقْعُ لَيْلَةً دُفِنَتْ وَ فِيهِ أَرْبَعُونَ قَبْرًا جُدُودًا وَ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ لَمَّا عَلِمُوا وَفَاتَهَا جَاءُوا إِلَى الْبُقْعِ فَوَجَدُوا فِيهِ أَرْبَعِينَ قَبْرًا فَاشْكَلَ عَلَيْهِمْ قَبْرُهَا مِنْ سَائِرِ الْقُبُورِ فَضَجَّ النَّاسُ وَ لَامَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ قَالُوا لَمْ يُخْلَفْ نَبِيُّكُمْ فِيكُمْ إِلَّا بِنْتًا وَاحِدَةً تَمُوتُ وَ تَدْفَنُ وَ لَمْ تَخْضُرُوا وَفَاتَهَا وَ الصَّلَاةُ عَلَيْهَا وَ لَا تَعْرِفُوا قَبْرَهَا ثُمَّ قَالَ وَلَاءُ الْأَمْرِ مِنْهُمْ هَاتِمٌ مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ مَنْ يَبْشُرُ هَذِهِ الْقُبُورَ حَتَّى نَجِدَهَا فَنُصَلِّيَ عَلَيْهَا وَ نَزُورَ قَبْرَهَا فَبَلَغَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَخَرَجَ مُغْضَبًا قَدْ احْمَرَّتْ عَيْنَاهُ وَ دَرَّتْ أَوْدَاجُهُ وَ عَلَيْهِ قَبَاهُ الْأَصْفَرُ الَّذِي كَانَ يَلْبَسُهُ فِي كُلِّ كَرِيهَةٍ وَ هُوَ مُتَوَكِّئٌ عَلَى سَيْفِهِ ذِي الْفَقَارِ حَتَّى وَرَدَ الْبُقْعَ فَسَارَ إِلَى النَّاسِ النَّذِيرُ وَ قَالُوا هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَدْ أَقْبَلَ كَيْمَا تَرَوْنَهُ يُقْسِمُ بِاللَّهِ لَنْ حَوْلَ مِنْ هَذِهِ الْقُبُورِ حَجَرٌ لِيَضَعَ عَلَى السَّيْفِ عَلَى غَايِرِ الْآخِرِ فَتَلْقَاهُ عَمْرٌ وَ مَنْ مَعَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ وَ قَالَ لَهُ مَا لَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ اللَّهُ لَنُبَشِّرَنَّ قَبْرَهَا وَ لَنُصَلِّيَنَّ عَلَيْهَا فَضَرَبَ عَلِيُّ عَ بِيَدِهِ إِلَى جَوَامِعِ ثَوْبِهِ فَهَرَّهَ ثُمَّ ضَرَبَ بِهِ الْأَرْضَ وَ قَالَ لَهُ يَا ابْنَ السَّوْدَاءِ أَمَا حَقِّي فَقَدْ تَرَكْتُهُ مَخَافَةً أَنْ يَزِيدَ النَّاسُ عَنْ دِينِهِمْ وَ أَمَا قَبْرُ فَاطِمَةَ فَوَ الَّذِي نَفْسُ عَلِيٍّ بِيَدِهِ لَنْ رُمْتُ وَ أَصْحَابُكَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ لِأَسْقِيَنَّ الْأَرْضَ مِنْ دِمَائِكُمْ فَإِنْ شِئْتُ فَأَعْرِضْ يَا عَمْرُ فَتَلْقَاهُ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ بِحَقِّ رَسُولِ اللَّهِ وَ بِحَقِّ مَنْ فَوْقَ الْعَرْشِ إِلَّا خَلَيْتَ عَنْهُ فَإِنَّا غَيْرُ فَاعِلِينَ شَيْئًا تَكْرَهُهُ قَالَ فَخَلَّى عَنْهُ وَ تَفَرَّقَ النَّاسُ وَ لَمْ يَعُودُوا إِلَى ذَلِكَ

ترجمه

ابو جعفر طبری امامی در دلائل الامامة از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: حضرت فاطمه علیها السلام روز سه شنبه، سوم ماه جمادی الثانی سال یازدهم هجری از دنیا رحلت نمود. علت وفات آن حضرت همان ضربه‌ای بود که قنفذ غلام عمر به امر او وارد کرده بود. حضرت زهرا به علت آن ضربه محسن را سقط نمود و بدین جهت به شدت بیمار شد و اجازه نداد احدی از آن افرادی که وی را اذیت کرده بودند نزد او وارد شوند. آن دو نفر که از اصحاب پیامبر خدا بودند (ابو بکر و عمر) از حضرت علی علیه السلام تقاضا نمودند نزد فاطمه برای ایشان شفاعت نماید. حضرت امیر برای آنان اجازه گرفت و به حضور آن حضرت رفتند و گفتند: ای دختر پیغمبر! حال شما چطور است؟ فرمود: خدای را شکر، خوبم. آنگاه به ایشان فرمود: آیا نشنیدید که پیامبر خدا می فرمود: فاطمه پاره‌ای از تن من است، کسی که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند خداوند را اذیت کرده؟ گفتند: شنیده ایم. فرمود: به خداوند سوگند که شما مرا اذیت کرده‌اید. آنان از نزد فاطمه خارج شدند در حالی که آن بانو همچنان بر آنان خشمناک بود. محمد بن همام می گوید: روایت شده: حضرت فاطمه در روز بیستم ماه جمادی الآخر از دنیا رحلت نمود. عمر مبارکش هجده سال و هشتاد و پنج روز بود. حضرت علی علیه السلام آن بانو را غسل داد. به هنگام غسل دادن وی غیر از حضرت علی علیه السلام، حسنین علیهما السلام، زینب، ام کلثوم، فضه خادمه و اسماء بنت عمیس کسی دیگر حضور نداشت. آنگاه جنازه آن بانو را شبانه با حضور حسنین علیهما السلام به جانب بقیع حمل نمودند و نماز بر بدن مبارک خواندند، کسی از فوت ایشان مطلع نشد، احدی از مردم بر بدن آن بانو نماز نخواند مگر آن افرادی که گفته شد. علی علیه السلام بدن مبارکش را در روضه مقدسه دفن و موضع قبرش را پنهان کرد. صبح آن شبی که فاطمه علیها السلام را دفن نمودند اثر چهل قبر جدید در قبرستان بقیع مشاهده می شد. هنگامی که مسلمانان از رحلت حضرت فاطمه آگاه و متوجه بقیع شدند با چهل قبر جدید مواجه گردیدند، نتوانستند قبر حضرت زهرا را از میان آن چهل قبر تشخیص دهند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۹۴ عموم

مردم از این مصیبت ضجه کردند و یک دیگر را ملامت نمودند و گفتند: پیغمبر شما بیش از یک دختر یادگاری نهاد، فاطمه رحلت کرد و دفن شد و شما به هنگام مردنش حاضر نشدید، نماز بر جنازه‌اش نگذاشتید و محل قبر او را هم نمی‌دانید! زعمای قوم گفتند: گروهی از زنان مسلمان را احضار کنید که این قبرها را بشکافند تا جنازه فاطمه را به دست بیاوریم و بر بدن او نماز بخوانیم و قبرش را زیارت کنیم. هنگامی که خبر این توطئه به گوش حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام رسید، در حالی آمد که خشمناک، چشمان مبارکش سرخ، رگهای گردنش بیرون زده، قبای زرد رنگی پوشیده بود که آن را به هنگام غضب و ناراحتی می‌پوشید و دست بر ذوالفقار گرفته بود، آمد تا وارد بقیع شد. شخصی به میان مردم رفت و گفت: این علی بن ابی طالب است که با این حالت آمده و سوگند می‌خورد که اگر یک سنگ از این قبور جابجا شود شمشیر را در میان همه شما بگذارد و تا آخرین نفر شما را نابود نماید. عمر در حالی که با یارانش بود، با حضرت امیر علیه السلام ملاقات کرد و گفت: ای ابو الحسن! چه منظور داری؟ به خداوند سوگند ما قبر فاطمه را می‌شکافیم و بر جنازه‌اش نماز می‌گزاریم. حضرت امیر لباسهای وی را گرفت و او را از جای بر کند و بر زمین زد و فرمود: ای ابو السوداء! من حقّ (یعنی مقام خلافت) خود را بدین جهت از دست دادم که مبادا مردم از دین خویش برگردند. اما در باره قبر فاطمه: به حقّ آن خدایی که جان علی در دست قدرت اوست اگر تو و یارانت راجع به این قبرها عملی انجام دهید زمین را از خون شما سیراب خواهم کرد. عمر! از این خیال در گذر! پس از عمر ابو بکر با حضرت امیر ملاقات نمود و گفت: ای ابو الحسن! تو را به حقّ پیغمبر اسلام و آن کسی که بالای عرش است سوگند می‌دهم که از عمر دست برداری، زیرا ما از انجام دادن عملی که تو نمی‌پسندی خودداری می‌کنیم. راوی می‌گوید: علی علیه السلام عمر را رها کرد و مردم پراکنده شدند و به دنبال مقصود خود بازنگشتند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۲/۳۲۲- أمالی الطوسی «۱» ابْنُ حَمَّوَيْهِ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي خَلِيفَةَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي رَجَاءٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَلَمَى امْرَأَةِ أَبِي رَافِعٍ قَالَتْ مَرَضْتُ فَاطِمَةَ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمَ الَّذِي مَيَاتُ فِيهِ قَالَتْ هَيَّئِي لِي مَاءً فَصَبَّيْتُ لَهَا فَاعْتَسَلْتُ كَأَحْسَنِ مَا كَانَتْ تَغْتَسِلُ ثُمَّ قَالَتْ ائْتِنِي بِثِيَابٍ جُدُودٍ فَلَبِسْتُهَا ثُمَّ أَتَيْتُ الْبَيْتَ الَّذِي كَانَتْ فِيهِ فَقَالَتْ افْرِشِي لِي فِي وَسْطِهِ ثُمَّ اضْطَجَعْتُ وَاسْتَقْبَلَتِ الْقَبْلَةَ وَوَضَعْتُ يَدَهَا تَحْتَ حَذِّهَا وَقَالَتْ إِنِّي مَقْبُوضَةٌ الْآنَ فَلَا أُكْشَفَنَّ فَإِنِّي قَدْ اعْتَسَلْتُ قَالَتْ وَمَيَاتُ فَلَمَّا جَاءَ عَلِيُّ أَخْبَرْتُهُ فَقَالَ لَمَّا تُكْشَفُ فَحَمَلَهَا يَغْسِلُهَا بِبَيَانٍ لَعَلَّهَا عَ إِنَّمَا نَهَتْ عَنْ كَشْفِ الْعَوْرَةِ وَالْجَسَدِ لِلتَّطْيِيفِ وَلَمْ تَنْهَ عَنِ الْغَسْلِ

ترجمه

شیخ طوسی از سلمی همسر ابو رافع روایت کرده: در آن روزی که حضرت زهرا می‌خواست از دنیا رحلت کند به من فرمود: آبی برای من بیاور. آب را حاضر کردم و او با آن غسل نیکویی به جای آورد و سپس گفت: لباسهای جدیدی نزد من بیاور. وقتی من لباسها را آوردم و او آنها را پوشید وارد خانه شد و فرمود: بستر من را در میان خانه بینداز. آنگاه آن بانو رو به قبله خوابید و دستهای مبارک خود را زیر گونه خویش نهاد و فرمود: من به زودی قبض روح می‌شوم، مبادا لباس من در آورده شود، زیرا من غسل کرده‌ام. این بفرمود و از دنیا رفت. هنگامی که حضرت علی آمد و من جریان را برایش شرح دادم فرمود: آری مبادا بدن فاطمه باز و بدون لباس باشد. آنگاه آن بزرگوار جسد زهرا را طهر را برد و غسل داد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۲۳/۱۳- أمالی الصدوق «۲» الدَّقَاقُ عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنِ النَّحَعِيِّ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ زَنْدِكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۵۹۶ ابْنُ الْبَطَّائِنِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ قَدْ أَثْبَتْنَاهُ فِي بَابِ مَا أَخْبَرَ النَّبِيُّ ص بِظُلْمِ أَهْلِ الْبَيْتِ قَالَ ص وَ أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ مَتَى قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى أُمْتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي فَاتِمَّةٌ بَيْنَ يَدَيِ تَزْعُدُ فَرَائِضُهَا مِنْ خِيفَتِي وَ قَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَ إِنِّي لَمَّا رَأَيْتُهَا ذَكَرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهَا بَعْدِي كَأَنِّي بِهَا وَ قَدْ دَخَلَ الدُّلُّ بَيْتَهَا وَ انْتَهَكَتْ حُرْمَتَهَا وَ غَصَبَتْ حَقَّهَا وَ مُنِعَتْ إِرْثَهَا وَ كَسَرَتْ جَنْبَهَا وَ اسْتَفْطَتْ جَنِينَهَا وَ هِيَ تُنَادِي يَا مُحَمَّدَاهُ فَلَا تُجَابُ وَ تَسْتَعِثُ فَلَا تُعَاثُ فَلَا تَزَالُ بَعْدِي مَحْزُونَةً مَكْرُوبَةً بِأَكْبَرِ تَذَكُّرِ انْقِطَاعِ الْوَحْيِ عَنْ بَيْتِهَا مَرَّةً وَ تَذَكُّرِ فِرَاقِي أُخْرَى وَ تَسْتَوْحِشُ إِذَا جَنَّهَا اللَّيْلُ لِفَقْدِ صَوْتِي الَّذِي كَانَتْ تَسْتَمِعُ إِلَيْهِ إِذَا تَهَجَّدَتْ بِالْقُرْآنِ ثُمَّ تَرَى نَفْسَهَا ذَلِيلَةً بَعْدَ أَنْ كَانَتْ فِي أَيَّامِ أَبِيهَا عَزِيزَةً فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤْنِسُهَا اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِالْمَلَائِكَةِ فَتَادُّهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ أَضِطَّفَاكَ وَ طَهَّرَكَ وَ اصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ «۱» يَا فَاطِمَةَ أَقْبَتِي لِرَبِّكَ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ «۲» ثُمَّ يَتَّيَدِي بِهَا الْوَجِيعُ فَتَمْرُضُ فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهَا مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ تُمَرِّضُهَا وَ تُؤْنِسُهَا فِي عِلَّتِهَا فَتَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا رَبِّ إِنِّي قَدْ سَيِّمْتُ الْحَيَاةَ وَ تَبَرَّمْتُ بِأَهْلِ الدُّنْيَا فَالْحَقْنِي بِأَبِي فَيُلْحِقُهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِي فَتَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُلْحِقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدَمُ عَلَيَّ مَحْزُونَةً مَكْرُوبَةً مَغْمُومَةً مَغْصُوبَةً مَقْتُولَةً فَأَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ مَنْ ظَلَمَهَا وَ عَاقِبِ مَنْ غَصَبَهَا وَ ذَلِّلْ مَنْ أَذَلَّهَا وَ خَلِّدْ فِي نَارِكَ مَنْ ضَرَبَ جَنْبَهَا حَتَّى أَلْقَتْ وَلَدَهَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ ذَلِكَ زَنْدِكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۵۹۷ آمین

ترجمه

شیخ صدوق در امالی از ابن عباس رحمه الله روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه دختر من برترین زنان از اولین تا آخرین آنهاست. فاطمه زهرا پاره تن من است. زهرا نور دو چشم من است. زهرا میوه قلب من است. زهرا روح و جان من است. زهرا حوریه‌ای است که به قیافه انسان در آمده. هنگامی که فاطمه در مقابل پروردگار خود در میان محراب عبادت می‌ایستد نور او برای ملائکه آسمان نظیر نور ستارگان از برای اهل زمین می‌درخشد. خداوند به ملائکه خود می‌فرماید: ای ملائکه من! به فاطمه که برترین کنیزان من است نظر کنید که چگونه در مقابل من قرار گرفته است. اعضاء و جوارح او از خوف من می‌لرزد. فاطمه با توجه قلبی مشغول عبادت من شده است من شما را شاهد می‌گیرم که شیعیان وی را در امان می‌گذارم. سپس پیامبر خدا فرمود: هر گاه زهرا را مشاهده می‌کنم، آن ستمهایی به یادم می‌آید که بعد از من در حق او خواهد شد. گویا می‌بینم که ذلت داخل خانه وی شده باشد. احترامش از دست رفته باشد. حقش را غصب کرده باشند. از دریافت ارث خود ممنوع شده باشد. پهلوی او شکسته شده باشد. جنین وی سقط شده باشد و او فریاد می‌زند: وا محمده! ولی کسی به دادش نمی‌رسد، استغاثه می‌کند ولی کسی به فریادش نخواهد رسید. لذا بعد از من دائماً محزون، غصه‌دار و گریان خواهد بود، گاهی یادآور می‌شود که وحی از خانه‌اش قطع شده، گاهی مفارقت مرا به خاطر خواهد آورد، شبها برای اینکه صدای تلاوت قرآن مرا در نماز شب نمی‌شنود دچار وحشت خواهد شد. سپس خویشتن را بعد از آنکه در ایام پدر عزیزترین افراد بود ذلیل خواهد دید. در همین زمان است که خدای

رثوف ملائکه را مونس فاطمه قرار می دهد. ایشان فاطمه را به همان گونه ندا می کنند که حضرت مریم را ندا کردند و به وی می گویند: ای فاطمه! خداوند تو را از میان زنان جهانیان انتخاب کرده است. ای فاطمه! فرمانبردار پروردگار خویش باش و با افراد سجده کننده و رکوع کننده سجود و رکوع نمای. سپس درد و بیماری بر او غلبه خواهد کرد. آنگاه خداوند سبحان مریم بنت عمران را می فرستد تا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۹۸ پرستار و مونس فاطمه باشد. در همین حال است که فاطمه می گوید: پروردگارا! من از زندگی سیر شده و از مردم دنیا بیزارم، مرا به پدرم ملحق نما! خدای توانا او را به من ملحق می نماید، زهرا اول کسی است از اهل بیت من که به من ملحق خواهد شد. فاطمه زهرا در حالی که محزون، غصه دار، مغموم، با حقی غصب گشته و شهید شده، بر من وارد خواهد شد. من در آن هنگام می گویم: بار خدایا! هر کسی را که به فاطمه ظلم کرده باشد لعن کن! آن کسی را که حق زهرا را غصب نموده باشد عقاب و عذاب کن! آن کسی را که فاطمه را ذلیل کرده باشد، ذلیل کن! آن کسی را که ضربه به پهلوی فاطمه زد به طوری که بچه خود را سقط نمود، او را در دوزخ جاودانی کن! ملائکه می گویند: آمین!

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۴، ۱، ۱۵- ۱۴/۳۲۴- اُمّالی الصدوق «۱» ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَقَالَ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَبِيلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ سَلَامٍ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرِّيحَانَتَيْنِ أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَوُ رُكْنَاكَ وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ عَلِيُّ ع هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ ع قَالَ عَلِيُّ هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص - مع أبي عن سعد عن ابن عيسى عن محمد بن يونس عن حماد مثله

ترجمه

شیخ صدوق در کتاب امالی خود از جابر بن عبد الله روایت کرده که گفت: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سه روز قبل از رحلت خود به علی علیه السلام می فرمود: ای پدر دو نوگل من! سلام بر تو باد، من در باره دو نوگل دنیوی خود به تو توصیه و سفارش می نمایم، طولی نمی کشد که تو دو رکن زندگی خویش را از دست خواهی داد، من تو را به خداوند می سپارم. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۹۹ هنگامی که پیامبر اسلام از جهان رحلت کرد، علی بن ابی طالب فرمود: این یکی از آن دو رکن من بود که رسول خدا به من خبر داد. و پس از آنکه حضرت فاطمه از دنیا رفت، فرمود: این دومین رکنی بود که پیغمبر خدا به من خبر داد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵/۳۲۵- أَقُولُ وَخِذْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ خَبْرًا فِي وَفَاتِهَا ع فَأَحْبَبْتُ إِيرَادَهُ وَ إِنْ لَمْ أَخُذْهُ مِنْ أَصْلٍ يُعَوَّلُ عَلَيْهِ رَوَى وَرَقَةُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبَارِزِيُّ قَالَ خَرَجْتُ حَاجًّا إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ رَاجِيًا لِثَوَابِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَبَيْنَمَا أَنَا أَطُوفُ وَإِذَا أَنَا بِجَارِيَةٍ سَمْرَاءَ وَمَلِيحَةٍ الْوَجْهِ عَذِيَّةِ الْكَلَامِ وَ هِيَ تُنَادِي بِفَصَاحَةٍ مَنطِقِهَا وَ هِيَ تَقُولُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْكَعْبَةِ الْحَرَامِ وَالْحَفْظَةِ الْكَرَامِ وَ زَمَرَمَ وَالْمَقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَ

رَبِّ مُحَمَّدٍ خَيْرَ الْأَنَامِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَرَّةِ الْكَرَامِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَحْشُرَنِي مَعَ سَادَاتِي الطَّاهِرِينَ وَآبَائِهِمُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْيَمَامِينَ أَلَا فَاشْهَدُوا يَا جَمَاعَةَ الْحُجَّاجِ وَالْمُعْتَمِرِينَ أَنَّ مَوَالِيَّ خَيْرُهُ الْأَخْيَارُ وَصِفْوُهُ الْأَبْرَارُ وَالَّذِينَ عَلَّمَهُمُ عَلَى الْأَقْدَارِ وَارْتَفَعَ ذِكْرُهُمْ فِي سَائِرِ الْأُمَمِ الْمُرْتَدِينَ بِالْفَخَارِ قَالَ وَرَقَهُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَقُلْتُ يَا جَارِيَّةُ إِنِّي لَأُطْنِكُ مِنْ مَوَالِي أَهْلِ الْبَيْتِ فَقَالَتْ أَجَلٌ قُلْتُ لَهَا وَمَنْ أَنْتِ مِنْ مَوَالِيهِمْ قَالَتْ أَنَا فَضُّهُ أُمُّهُ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ الْمُضِيظِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَى آبَيْهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا فَقُلْتُ لَهَا مَرْحَبًا بِكَ وَأَهْلًا وَسَهْلًا فَلَقَدْ كُنْتُ مُشْتَقًا إِلَى كَلَامِكَ وَمَنْطِقِكَ فَأَرِيدُ مِنْكَ السَّاعَةَ أَنْ تُجِيبَنِي مِنْ مَسْأَلَةٍ أَسْأَلُكَ فَإِذَا أَنْتِ فَرَعْتَ مِنَ الطَّوْفِ قَفَيْ لِي عِنْدَ سُوقِ الطَّعَامِ حَتَّى آتِيكَ وَأَنْتِ مَثَابِيَةٌ مَأْجُورَةٌ فَافْتَرَقْنَا فَلَمَّا فَرَعْتُ مِنَ الطَّوْفِ وَارْدَتُ الرُّجُوعَ إِلَى مَنْزِلِي جَعَلْتُ طَرِيقِي عَلَى سُوقِ الطَّعَامِ وَإِذَا أَنَا بِهَا جَالِسَةً فِي مَغْزَلٍ عَنِ النَّاسِ فَأَقْبَلْتُ عَلَيْهَا وَاعْتَرَلْتُ بِهَا وَأَهْدَيْتُ إِلَيْهَا هِدْيَةً وَلَمْ أَغْتَبِدْ أَنَّهَا صَدَقَةٌ ثُمَّ قُلْتُ لَهَا يَا فَضُّهُ أَخْبِرْنِي عَنْ مَوْلَاتِكَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَمَا الَّذِي رَأَيْتَ مِنْهَا عِنْدَ وَفَاتِهَا بَعْدَ مَوْتِ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ ص قَالَ وَرَقَهُ فَلَمَّا سَمِعْتُ كَلَامِي تَغَرَّعَتْ عَيْنَاهَا بِالْأُذْمُوعِ ثُمَّ انْتَحَبَتْ نَادِبَةً وَقَالَتْ يَا وَرَقَهُ بْنُ زَنْدْكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۶۰۰

عَبْدُ اللَّهِ هَيَّجَتْ عَلَى حُزْنًا سَاكِئًا وَأَشْجَانًا فِي فَوَادِي كَانَتْ كَامِيَةً فَاسْمَعَ الْآنَ مَا شَاهَدْتُ مِنْهَا عِظَمَ حُزْنِهَا وَأَنَّهَا لَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ افْتَجَعَ لَهُ الصَّغِيرُ وَالْكَبِيرُ وَكَثُرَ عَلَيْهِ الْبُكَاءُ وَقَلَّ الْعَزَاءُ وَعَظُمَ رُزُّهُ عَلَى الْأَقْرَبَاءِ وَالْأَصْغِيَاءِ وَالْأُولِيَاءِ وَالْأَحْبَابِ وَالْغُرَبَاءِ وَالْأَنْسَابِ وَلَمْ تَلْقُ إِلَّا كُلَّ بَاكِ وَبَاكِئَةٍ وَنَادِبٍ وَنَادِبَةٍ وَلَمْ يَكُنْ فِي أَهْلِ الْأَرْضِ وَالْأَقْرَبَاءِ وَالْأَصْغِيَاءِ وَالْأُولِيَاءِ وَالْأَحْبَابِ أَشَدَّ حُزْنًا وَأَعْظَمَ بُكَاءً وَانْتِحَابًا مِنْ مَوَالِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَكَانَ حُزْنُهَا يَتَجَدَّدُ وَيَزِيدُ وَبُكَاءُهَا يَشْتَدُّ فَجَلَسْتُ سَبْعَةَ أَيَّامٍ لَا يَهْدَأُ لَهَا أَيْنٌ وَلَا يَسْكُنُ مِنْهَا الْحَيْنُ كُلُّ يَوْمٍ حَيَاءً كَانَ بُكَاءُهَا أَكْثَرَ مِنَ الْيَوْمِ الْأَوَّلِ فَلَمَّا فِي الْيَوْمِ الثَّامِنِ أَبْدَتْ مَا كَتَمَتْ مِنَ الْحُزْنِ فَلَمْ تُطِقْ صَبْرًا إِذْ خَرَجَتْ وَصَرَخَتْ فَكَانَتْهَا مِنْ فَمِ رَسُولِ اللَّهِ ص تَنْطِقُ فَتَبَادَرَتِ السَّمَوَاتُ وَخَرَجَتِ الْوَلَدَاتُ وَالْوَلَدَانُ وَضَجَّ النَّاسُ بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ وَحَيَاءِ النَّاسِ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَأُطْفِئَتِ الْمَصَابِيحُ لِكَيْلَا تَبْيِّنَ صَفَحَاتُ النِّسَاءِ وَخُيِّلَ إِلَى السَّمَوَاتِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدْ قَامَ مِنْ قَبْرِهِ وَصَارَتِ النَّاسُ فِي دَهْشَةٍ وَخَيْرَةٍ لِمَا قَدْ رَهَقَهُمْ وَهِيَ عِ تَنَادَى وَتَنَدَّبَ أَبَاهُ وَأَبْنَاهُ وَصَفِيَّاهُ وَمُحَمَّدَاهُ وَأَبَا الْقَاسِمَاهُ وَارْبِعَ الْأَرَامِلِ وَالتَّيْمَامِيَّ مِنَ اللَّقْبَلَةِ وَالْمُصِيلِيَّ وَ مَنْ لَابِتَتْكَ الْوَالِهَةُ الثُّكْلَى ثُمَّ أَقْبَلْتُ تَعْتُرُ فِي أَذْيَالِهَا وَهِيَ لَا تُبْصِرُ شَيْئًا مِنْ عَبْرَتِهَا وَمِنْ تَوَاتُرِ دَمْعَتِهَا حَتَّى دَنَتْ مِنْ قَبْرِ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ ص فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَى الْحُجْرَةِ وَقَعَ طَرْفُهَا عَلَى الْمِنْدَنَةِ فَقَضَرَتْ خُطَاهَا وَدَامَ نَحِيْبُهَا وَبُكَاءُهَا إِلَى أَنْ أَعْمَى عَلَيْهَا فَتَبَادَرَتِ السَّمَوَاتُ إِلَيْهَا فَنَضَحْنَ الْمَاءَ عَلَيْهَا وَعَلَى صَدْرِهَا وَجَبِينَهَا حَتَّى أَفَاقَتْ فَلَمَّا أَفَاقَتْ مِنْ غَشِيَّتِهَا قَامَتْ وَهِيَ تَقُولُ رُفِعَتْ قُوَّتِي وَخَانَنِي جِلْدِي وَشِمْتُ بِبِي عِدْوِي وَالْكَمِيدُ قَاتِلِي يَا أَبْنَاهُ بَقِيْتُ وَالْهَةُ وَحِيدَةٌ وَخَيْرَانَةٌ فَرِيدَةٌ فَقَدْ انْحَمَدَ صَوْتِي وَانْقَطَعَ ظَهْرِي وَتَغَصَّ عَيْشِي وَتَكَدَّرَ دَهْرِي فَمَا أَجِدُ يَا أَبْنَاهُ بَعْدَكَ أُنِسًا لَوْحَشْتِي وَلَا رَادًّا لِدَمْعَتِي وَلَا مُعِينًا لِمُغْنِي فَقَدْ فَنِيَ بَعْدَكَ مُحْكَمُ التَّنْزِيلِ وَمُهَبِّطُ جَبْرِئِيلِ وَمَحَلُّ مِيكَائِيلِ انْقَلَبْتُ بَعْدَكَ يَا أَبْنَاهُ الْأَسِيْبَابُ وَتَغَلَّقَتْ دُونِي الْأَبْوَابُ فَأَنَا لِلدُّنْيَا بَعْدَكَ قَالِيَةٌ وَعَلَيْكَ مَا تَرَدَّدَتْ أَنْفَاسِي بِأَكِيَّةٍ لَا يَنْفِدُ شَوْقِي إِلَيْكَ وَلَا حُزْنِي عَلَيْكَ زَنْدْكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۶۰۱ ثُمَّ نَادَتْ يَا أَبْنَاهُ وَالْبُأَةُ ثُمَّ قَالَتْ إِنَّ حُزْنِي عَلَيْكَ حُزْنٌ جَدِيدٌ وَفَوَادِي وَاللَّهِ صَبٌّ عَيْنِدُ كُلِّ يَوْمٍ يَزِيدُ فِيهِ شُجُونِي وَكِتَابِي عَلَيْكَ لَيْسَ يَبِيدُ جَلَّ خَطْبِي فَبَانَ عَنِّي عَزَائِي فَبُكَائِي كُلِّ وَقْتٍ جَدِيدٌ إِنَّ قَلْبًا عَلَيْكَ يَا أَلْفَ صَبْرًا أَوْ عَزَاءً فَإِنَّهُ لَجَلِيدٌ ثُمَّ نَادَتْ يَا أَبْنَاهُ انْقَطَعَتْ بِسْكَ الدُّنْيَا بِأَنْوَارِهَا وَزَوَتْ زَهْرَتُهَا وَكَانَتْ بِنَهْجَتِكَ زَاهِرَةً فَقَدْ اسْوَدَّ نَهَارُهَا فَصَارَ يَحْكِي حَنَادِسَهَا رَطْبُهَا وَيَابِسَهَا يَا أَبْنَاهُ لَا زَلْتُ آسِفَةً عَلَيْكَ إِلَى التَّلَاقِ يَا أَبْنَاهُ زَالَ غَمَضِي مُنْذُ حَقِّ الْفِرَاقِ يَا أَبْنَاهُ مِنَ الْأَرَامِلِ وَالْمَسَاكِينِ وَمَنْ لِلْأُمَّةِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ يَا أَبْنَاهُ أَمْسَيْنَا بَعْدَكَ مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ يَا أَبْنَاهُ أَصْبَحَتِ النَّاسُ عَنَّا مُعْرِضِينَ وَلَقَدْ كُنَّا بِكَ مُعْظَمِينَ فِي النَّاسِ غَيْرِ مُسْتَضْعَفِينَ فَأَيُّ دَمْعَةٍ لِفِرَاقِكَ لَا تَنْهَمِلُ وَأَيُّ حُزْنٍ بَعْدَكَ عَلَيْكَ لَا يَتَّصِلُ وَأَيُّ جَفْنٍ بَعْدَكَ بِالنُّومِ يَكْتَحِلُ وَأَنْتِ رَبِيعُ الدِّينِ وَنُورُ النَّبِيِّنِ فَكَيْفَ لِلْجِبَالِ لَا تَمُورُ وَلِلْبَحَارِ بَعْدَكَ لَا تَغُورُ وَالْأَرْضُ كَيْفَ لَمْ تَتَرَزَّلْ رُمِيَتْ يَا أَبْنَاهُ بِالْخَطْبِ الْجَلِيلِ وَلَمْ تَكُنِ الرِّزْيَةُ بِالْقَلِيلِ وَطُرِفَتْ يَا أَبْنَاهُ بِالمُصَابِ الْعَظِيمِ وَبِالْفَادِحِ الْمُهُولِ بِكَتْكَ يَا أَبْنَاهُ الْأُمَلَاكُ وَوَقَفَتْ الْأُلْفَاكُ فَمِيزُوكَ بَعْدَكَ مُسْتَوْحَشٌ وَمِخْرَابُكَ خَالٍ مِنْ مُنَاجَاتِكَ وَقَبْرُكَ فَرِحَ بِمُؤَارَاتِكَ وَالْجَنَّةُ مُشْتَاقَةٌ إِلَيْكَ وَإِلَى دُعَائِكَ وَصَلَاتِكَ يَا أَبْنَاهُ مَا أَعْظَمَ ظُلْمَةَ مَجَالِسِكَ فَوَا أَسِفَاهُ عَلَيْكَ إِلَى أَنْ أَقْدِمَ عَاجِلًا عَلَيْكَ وَأُنْكِلَ أَبُو الْحَسَنِ الْمُؤْتَمَنُ أَبُو وَلَدِيكَ الْحَسَنِ

وَالْحَسَنِ وَآخُوكَ وَوَلِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَمَنْ رَبَّيْتَهُ صَغِيرًا وَوَاحِشَتَهُ كَبِيرًا وَأَخْلَى أَحْبَابِكَ وَأَصْدَحَابِكَ إِلَيْكَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ سَابِقًا وَ مُهَاجِرًا وَ نَاصِرًا وَ التُّكُلُ شَامِلًا وَ الْبُكَاءُ قَاتِلًا وَ الْأَسَى لَازِمًا ثُمَّ زَفَرَتْ زُفْرَةً وَ أَنْتَ أَنْتَ كَادَتْ رُوحُهَا أَنْ تَخْرُجَ ثُمَّ قَالَتْ قَلَّ صَبْرِي وَ بَيَانَ عَنِّي عَزَائِي بَعِيدَ فَقْدِي لِحَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ عَيْنُ يَا عَيْنُ اسْكُبِي الدَّمْعَ سَيْحًا وَبَكَكِ لَا تَبْخَلِي بِفَيْضِ الدَّمْعِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَ كَهْفَ الْأَيْتَامِ وَ الصُّعْفَاءِ قَدْ بَكَتِكَ الْجِبَالُ وَ الْوَحْشُ جَمْعًا وَ الطَّيْرُ وَ الْمَارِضُ بَعْدُ بَكَى السَّمَاءُ زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا

السلام (روحانی)، ص: ۶۰۲ وَ بَكَكَ الْحُجُونُ وَ الرُّكْنُ وَ الْمَشْعَرُ يَا سَيِّدِي مَعَ الْبُطْحَاءِ وَ بَكَكَ الْمِخْرَابُ وَ الدَّرْسُ لِلْقُرْآنِ فِي الصُّبْحِ مُعْلِنًا وَ الْمَسَاءِ وَ بَكَكَ الْإِسْلَامُ إِذْ صَارَ فِي النَّاسِ غَرِيبًا مِنْ سَائِرِ الْعَرَبَاءِ لَوْ تَرَى الْمُنْتَبِرَ الَّذِي كُنْتَ تَعْلُوهُ عِلَاهُ الظَّلَامُ بَعِيدَ الضِّيَاءِ يَا إِلَهِي عَجَلْ وَفَاتِي سَرِيعًا فَلَقَدْ تَغَصَّتِ الْحَيَاءُ يَا مَوْلَايَ قَالَتْ ثُمَّ رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِهَا وَ أَخَذَتْ بِالْبُكَاءِ وَ الْعَوِيلِ لَيْلَهَا وَ نَهَارَهَا وَ هِيَ لَا تَرْفَأُ دَمْعُهَا وَ لَا تَهْدَأُ زُفْرَتُهَا وَ اجْتَمَعَ شُيُوخُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ أَقْبَلُوا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالُوا لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ فَاطِمَةَ ع تَبَكَى اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ فَلَا أَحَدٌ مِنَّا يَنْتَهَنُ بِالنَّوْمِ فِي اللَّيْلِ عَلَى فُرْشَتِنَا وَ لَا بِالنَّهَارِ لَنَا قَرَارٌ عَلَى أَشْغَالِنَا وَ طَلَبِ مَعَاشِنَا وَ إِنَّا نُخْبِرُكَ أَنْ تَسْأَلَهَا إِمَّا أَنْ تَبَكَى لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَقَالَ ع حُبًّا وَ كَرَامَةً فَأَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع حَتَّى دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَ هِيَ لَا تَفِيْقُ مِنَ الْبُكَاءِ وَ لَا يَنْفَعُ فِيهَا الْعَزَاءُ فَلَمَّا رَأَتْهُ سَكَتَتْ هُنَيْئَةً لَهُ فَقَالَ لَهَا يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّ شُيُوخَ الْمَدِينَةِ يَسْأَلُونِي أَنْ أَسْأَلَكَ إِمَّا أَنْ تَبَكَى أَبَاكَ لَيْلًا وَ إِمَّا نَهَارًا فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا أَقَلَّ مَكْنِي بَيْنَهُمْ وَ مَا أَقْرَبَ مَغِيبِي مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِهِمْ فَوَ اللَّهِ لَا أَسْكُتُ لَيْلًا وَ لَا نَهَارًا أَوْ أَلْحَقُ بِأَبِي رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهَا عَلَيَّ ع أَفْعَلِي يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ مَا يَدَا لَكَ ثُمَّ إِنَّهُ بَنَى لَهَا بَيْتًا فِي الْبُقْعِ نَازِحًا عَنِ الْمَدِينَةِ يُسَمَّى بَيْتَ الْأَخْزَانِ وَ كَانَتْ إِذَا أَصْبَحَتْ قَدِمَتْ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع أَمَامَهَا وَ خَرَجَتْ إِلَى الْبُقْعِ بَاكِئَةً فَلَا تَزَالُ بَيْنَ الْقُبُورِ بَاكِئَةً فَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَيْهَا وَ سَاقَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِلَى مَنْزِلِهَا وَ لَمْ تَزَلْ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ مَضَى لَهَا بَعِيدَ مَيُوتٍ أَبْيَهَا سَبْعَةً وَ عِشْرُونَ يَوْمًا وَ اغْتَلَّتِ الْعِلَّةُ الَّتِي تُوَفِّتُ فِيهَا فَبَقِيَتْ إِلَى يَوْمِ الْأَرْبَعِينَ وَ قَدْ صَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع صَلَاةَ الظُّهْرِ وَ أَقْبَلَ يُرِيدُ الْمَنْزِلَ إِذَا اسْتَقْبَلَتْهُ الْجَوَارِي بِاِكْيَاتِ حَزِينَاتٍ فَقَالَ لَهُنَّ مَا الْخَبْرُ وَ مَا لِي أَرَاكِنَّ مُتَعَيِّرَاتِ الْوُجُوهِ وَ الصُّوَرِ فَقُلْنَ يَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَذْرَكَ ابْنَةَ عَمِّكَ الرَّهْرَاءَ ع وَ مَا نَظُنُّكَ تُدْرِكُهَا فَأَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مُسْرِعًا حَتَّى دَخَلَ عَلَيْهَا وَ إِذَا بِهَا مُقَفَّاهَ عَلَى فِرَاشَتِهَا وَ هُوَ مِنْ قَبَاطِي مُضِرٍّ وَ هِيَ تَقْبِضُ يَمِينًا وَ تَمُدُّ شِمَالًا فَالْقَى الرَّدَاءَ عَنْ عَاتِقِهِ وَ الْعِمَامَةَ عَنْ رَأْسِهِ وَ حِلَّ أَرْزَارِهِ وَ أَقْبَلَ حَتَّى أَخَذَ رَأْسَهَا وَ تَرَكَهُ فِي حَجَرِهِ وَ نَادَاهَا يَا زَهْرَاءُ فَلَمْ تُكَلِّمْهُ فَنَادَاهَا زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا

السلام (روحانی)، ص: ۶۰۳ يَا بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى فَلَمْ تُكَلِّمْهُ فَنَادَاهَا يَا بِنْتُ مَنْ حَمَلَ الرِّكَاهَ فِي طَرْفِ رِدَائِهِ وَ بَدَّلَهَا عَلَى الْفُقَرَاءِ فَلَمْ تُكَلِّمْهُ فَنَادَاهَا يَا ابْنَةَ مَنْ صَلَّى بِالْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ مَثْنَى مَثْنَى فَلَمْ تُكَلِّمْهُ فَنَادَاهَا يَا فَاطِمَةَ كَلِّمْنِي فَأَنَا ابْنُ عَمِّكَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ فَفَتَحَتْ عَيْنَيْهَا فِي وَجْهِهِ وَ نَظَرَتْ إِلَيْهِ وَ بَكَتْ وَ بَكَى وَ قَالَ مَا الَّذِي تَجِدِينِي فَأَنَا ابْنُ عَمِّكَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَتْ يَا ابْنَ الْعَمِّ إِنِّي أَجِدُ الْمَوْتَ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ وَ لَا مَحِيصَ عَنْهُ وَ أَنَا أَعْلَمُ أَنَّكَ بَعِيدِي لَا تَصْبِرُ عَلَى قَلْبِ التَّرْوِيجِ فَإِنْ أَنْتَ تَرَوَّجْتَ امْرَأَةً أَجْعَلْ لَهَا يَوْمًا وَ لَيْلَةً وَ أَجْعَلْ لَأَوْلَادِي يَوْمًا وَ لَيْلَةً يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ لَا تَصْخُ فِي وَجْهِهِمَا قَبِيضَ بَحَانٍ يَتِيمَيْنِ غَرِيبَيْنِ مُنْكَسِرَيْنِ فَإِنَّهُمَا بِالْأَمْسِ فَقَدَا جَدَّهُمَا وَ الْيَوْمَ يَفْقِدَانِ أُمَّهُمَا فَالْوَيْلُ لَأُمِّهُ تَقْتُلُهُمَا وَ تَبْغِضُهُمَا ثُمَّ أَنْشَأَتْ تَقُولُ ابْنُكِ إِنْ بَكَيتَ يَا خَيْرَ هَادٍ وَ اسْبِلِ الدَّمْعَ فَهُوَ يَوْمَ الْفِرَاقِ يَا قَرِينَ الْبُتُولِ أَوْصِيكَ بِالنَّسِيلِ فَقَدْ أَصْبَحَا حَلِيفَ اسْتِيقَاقِ ابْنُكِ وَ ابْنِكَ لِلْيَتَامَى وَ لَا تَنْسَ قَتِيلَ الْعِدَى بَطْفَ الْعِرَاقِ فَارْقُوا فَاصْبِرُوا يَتَامَى حَيَارَى يَحْلِفُ اللَّهُ فَهُوَ يَوْمَ الْفِرَاقِ قَالَتْ فَقَالَ لَهَا عَلِيٌّ ع مِنْ أَيْنَ لَكَ يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا الْخَبْرُ وَ الْوَحْيُ قَدْ انْقَطَعَ عَنَّا فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ رَقَدْتُ السَّاعَةَ فَرَأَيْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ ص فِي قَصِيرٍ مِنَ الدَّرِّ الْأَبْيَضِ فَلَمَّا رَأَيْتُ قَالَ هَلُمَّ إِلَيَّ يَا بَنِيَّ فَإِنِّي إِلَيْكَ مُسْتَتَاقٌ فَقُلْتُ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَشُدُّ شَوْقًا مِنْكَ إِلَى لِقَائِكَ فَقَالَ أَنْتِ اللَّيْلَةُ عِنْدِي وَ هُوَ الصَّادِقُ لِمَا وَعَدَ وَ الْمُوفَى لِمَا عَاهَدَ فَإِذَا أَنْتَ قَرَأْتَ يَسَ فَاعْلَمْ أَنِّي قَدْ قَضَيْتُ نَحْيِي فَغَسِّلْنِي وَ لَمَّا تَكَشَّفَ عَنِّي فَإِنِّي طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ وَ لِيَصِلَ عَلَيَّ مَعَكَ مِنْ أَهْلِي الْأَذْنَى فَالْأَذْنَى وَ مَنْ رُزِقَ أَجْرِي وَ اذْفَنِي لَيْلًا فِي قَبْرِى بِهَذَا أَخْبَرَنِي حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ عَلِيٌّ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَخَذْتُ فِي أَمْرِهَا وَ غَسَلْتُهَا فِي قَمِيصَةٍ هَا وَ لَمْ أَكْشِفْ عَنْهَا فَوَ اللَّهُ لَقَدْ كَانَتْ مَيْمُونَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً ثُمَّ حَنَطَتْهَا مِنْ فَضْلِهِ حَنُوطِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَفَّنَتْهَا وَ أَذْرَجَتْهَا فِي أَكْفَانِهَا فَلَمَّا هَمَمْتُ أَنْ أَغِيدَ الرَّدَاءَ نَادَيْتُ يَا أُمَّ كُلُّوْمَ يَا زَيْنَبُ يَا سَيِّدَتِي يَا فَضَّةُ يَا حَسَنُ يَا حُسَيْنُ هَلُّمُوا تَزَوَّدُوا مِنْ أَمِّكُمْ فَهَذَا الْفِرَاقُ وَ اللَّقَاءُ فِي الْجَنَّةِ فَأَقْبَلَ

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ع وَهُمَا يُنَادِيَانِ وَاحِسِرَتَا لَا تَنْطَفِئُ أَبَدًا مِنْ فَقْدِ جَدَّنَا مُحَمَّدٍ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۰۴ الْمُصْطَفَى وَ أُمَّنَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَا أُمَّ الْحَسَنِ يَا أُمَّ الْحُسَيْنِ إِذَا لَقِيتِ جَدَّنَا مُحَمَّدًا الْمُصْطَفَى فَأَقْرِئِيهِ مِنَّا السَّلَامَ وَقُولِي لَهُ إِنَّا قَدْ بَقَيْنَا بَعِيدَكَ يَتِيمَيْنِ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ أَنَّهَا قَدْ حَتَّتْ وَأَنْتَ وَمَدَّتْ يَدَيْهَا وَصَمَّتُهُمَا إِلَى صَدْرِهَا مَلِيًّا وَإِذَا بِهِاتِفٍ مِنَ السَّمَاءِ يُنَادِي يَا أَبَا الْحَسَنِ ارْفَعُوهمَا عَنْهَا فَلَقَدْ أَبْكِيَا وَاللَّهِ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ فَقَدْ اشْتَاقَ الْحَبِيبُ إِلَى الْمُحِبُّوبِ قَالَ فَرَفَعَتْهُمَا عَنْ صَدْرِهَا وَجَعَلَتْ أَعْقَدُ الرِّدَاءِ وَأَنَا أَنْشِدُ بِهِذِهِ الْأَبْيَاتِ فِرَاقُكَ أَعْظَمُ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي وَفَقْدُكَ فَاطِمَةَ أَذْهَى التُّكُولِ سَابَّكَ حَسِرَةً وَ أَنْوَحُ شَجْوًا عَلَى خَلِّ مَضَى أَسْنَى سَبِيلِ أَلَا يَا عَيْنُ جُودِي وَ أَسْعِدْنِي فَحُزْنِي دَائِمَ أَبْكِي خَلِيلِي ثُمَّ حَمَلَهَا عَلَى يَدِهِ وَأَقْبَلَ بِهَا إِلَى قَبْرِ أَبِيهَا وَ نَادَى السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ مِنِّي السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ التَّحِيَّةُ وَاصِلَةٌ مِنِّي إِلَيْكَ وَ لَدَيْكَ وَ مِنْ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ عَلَيْكَ بِفَنَائِكَ وَ إِنَّ الْوَدِيعَةَ قَدْ اشْتَرَدَتْ وَ الرَّهِيْنَةَ قَدْ أَخَذَتْ فَوَا حُزْنَاهُ عَلَى الرَّسُولِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى التَّبَوُّلِ وَ لَقَدْ اسْوَدَّتْ عَلَى الْغَبَاءِ وَ بَعْدَتْ عَنِّي الْخَضِرَاءُ فَوَا حُزْنَاهُ ثُمَّ وَ أَسْفَاهُ ثُمَّ عَدَلَ بِهَا عَلَى الرُّوْضَةِ فَصَلَّى عَلَيْهِ فِي أَهْلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ أَحِبَّائِهِ وَ طَائِفَتِهِ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ فَلَمَّا وَارَاهَا وَ الْحَيْدَهَا فِي لَحْدِهَا أَنْشَأَ بِهِذِهِ الْأَبْيَاتِ يَقُولُ أَرَى عِلْمَ الدُّنْيَا عَلَى كَثِيرَةٍ وَ صَاحِبُهَا حَتَّى الْمَمَاتِ عِلِيلٌ لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةً وَ إِنَّ بَقَائِي عِنْدَكُمْ لَقَلِيلٌ وَ إِنَّ اقْتِنَادِي فَاطِمًا بَعْدَ أَحْمَدٍ ذَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلُ

ترجمه

علامه مجلسی گوید: در بعضی از کتابها روایتی در باره وفات حضرت فاطمه علیها السلام یافتیم که دوست دارم آن را بنویسم: ورقه بن عبد الله از دی می گوید: من برای رضای خداوند به مکه مشرف شدم، در آن زمانی که مشغول طواف بودم با کنیزکی که گندمگون و خوش صورت و خوش کلام بود زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۰۵ مواجه شدم، وی با فصاحت و بلاغتی که داشت این دعا را می خواند: اللهم رب الكعبة الحرام، و ... ای گروه حجاج! آگاه باشید که آقایان من خوبترین خوبان و برگزیدگان نیکان می باشند، افرادی هستند که قدر و منزلت آنان از دیگران برتر است و نام ایشان در همه شهرها مشهور و این لباس افتخار را بر تن کرده اند. ورقه بن عبد الله می گوید: من به آن کنیزک گفتم: من این طور گمان می کنم که تو از دوستان اهل بیت باشی؟ گفت: آری، گفتم: از کدام دوستان ایشان هستی؟ گفت: من فضّه کنیز فاطمه زهرا دختر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می باشم. گفتم: خوش آمدی! و از دیدارت خوشحال هستم که من مشتاق سخن و گفتار تو بودم، اکنون از تو خواهش می کنم هنگامی که از طواف فراغت حاصل کردی در بازار طعام توقف کن تا من بیایم، این عمل برای تو ثواب دارد. پس از این گفتگوها از یک دیگر جدا شدیم. پس از آنکه من از طواف فراغت حاصل نمودم و به سوی منزل خود روانه شدم و از طریق بازار طعام می رفتم دیدم فضّه در کناری نشسته است. به سوی او رفتم و او را به کناری بردم و هدیه ای به وی دادم که صدقه نبود. سپس به او گفتم: مرا از بانویت فاطمه زهرا آگاه کن و آنچه را که وی بعد از فوت پدرش دید، برایم شرح بده! ورقه بن عبد الله می گوید: وقتی او سخن مرا شنید چشمانش پر از اشک شد، آنگاه با ناله و ندبه گفت: ای ورقه بن عبد الله! غم و اندوه مرا تجدید کردی، اندوهی را که در قلب من نهان بود برانگیختی! اکنون بشنو تا آنچه را که از حضرت فاطمه مشاهده نمودم بگویم: بدان موقعی که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رحلت کرد مردم از صغیر و کبیر برای آن حضرت ضجّه و گریه کردند، مصیبت رحلت پیامبر خدا برای نزدیکان و یاران، و دوستان بسیار بزرگ بود، هیچ زن و مردی دیده نمی شد مگر اینکه مشغول گریه و ناله و ندبه بود. در میان اهل زمین و اصحاب و خویشاوندان و دوستان کسی نبود که حزن و غم و اندوه وی از بانوی من فاطمه زهرا شدیدتر باشد. غم و غصه بانوی من همچنان زیاد می شد و گریه اش شدت می گرفت. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۰۶ هفت روز بود که ناله فاطمه علیها السلام آرام نمی شد هر روزی که می گذشت گریه حضرت زهرا از

روز گذشته بیشتر می‌شد، در روز هشتم فاطمه کلیه غم و اندوه درونی خود را ظاهر کرد و به علت کم طاقتی خارج شد و فریاد کشید، گویا با دهان مبارک پیامبر سخن می‌گوید. در همین موقع بود که زنان مدینه دویدند، کودکان از جایگاه خود خارج شدند، صدای مردم به گریه و ضجه بلند شد، مردم از هر طرف آمدند، چراغها را خاموش کردند که صورت زنان پیدا نباشد، زنان خیال می‌کردند که پیغمبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سر از قبر بیرون آورده! مردم به علت آن منظره دلخراش دچار وحشت و حیرت شده بودند. حضرت زهرا برای پدر بزرگوارش ناله و ندبه می‌کرد و می‌فرمود: وا ابتاه! وا صفیاه! وا محمده! وا ابا القاسماه! وا ربیع الارامل و الیتامی! من للقبلة و المصلی! من لا بتتک الوالهة و الثکلی! سپس در حالی که دامن لباسش به زمین کشیده می‌شد به سوی قبر پدر بزرگوارش روانه گردید. او از شدت اشک چیزی را نمی‌دید و همچنان می‌آمد تا نزدیک قبر پدر فقیدش رسید. و چون به سوی حجره رفت و چشمش به محلی که در آنجا اذان گفته می‌شود افتاد پاهایش از رفتن باز ماند، ناله و گریه وی همچنان ادامه داشت تا اینکه غش کرد. آنگاه زنان دویدند و آب بر بدن و سینه و صورت او پاشیدند تا به هوش آید آن هنگام که به هوش آمد، برخاست و فرمود: قدرت و قوت من تمام شد، طاقتم به سر آمد، دشمن من مرا شماتت و سرزنش کرد، غم و اندوه مرا می‌کشد، پدر جان! من سرگردان و تنها و حیران مانده‌ام، زبان و صدای من ساکت شد، پشت من خم و زندگی من ناگوار و روزگارم تیره و تار گردید. پدر جان! بعد از تو انیس و مونس ندارم، کسی نیست که مرا از گریه آرام نماید و به هنگام ناتوانی یار و معین من باشد. پدر جان! بعد از تو مکان نزول قرآن از بین رفت، محل هبوط جبرئیل و میکائیل ناپدید شد. پدر جان! بعد از تو اسباب (خیر و برکت) دگرگون شد، درهای چاره به روی من بسته شد! بعد از تو دنیا را ترک نموده‌ام. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۰۷ پدر جان! تا نفس می‌کشم برای تو گریه می‌کنم و مشتاق تو می‌باشم و غم و اندوه من برای تو ادامه دارد. سپس ندا سر داد: پدر جان! پدر جان! و بعد این اشعار را خواند: ۱- حقا که غم و اندوه من برای تو تجدید می‌شود. به خداوند سوگند که قلب من فرو می‌ریزد. ۲- و در هر روزی آه و افسوس من افزون خواهد شد، رنجی که برای فقدان تو می‌برم، تمام نخواهد شد. ۳- این پیش آمد ناگوار عزا و مصیبت مرا بزرگ نمود، گریه من همه وقت تجدید می‌شود. ۴- حقا آن قلبی که در عزا و مصیبت تو صبور باشد بسیار شکیا و پر طاقت خواهد بود. آنگاه فرمود: پدر جان! بعد از رفتن تو نورهای دنیا منقطع شد، دنیا آن تر و تازگی را که با بودن تو داشت از دست داد و روزگار تیره و تار گردید. تاریکی‌های دنیا تر و خشک آن را فرا گرفت. پدر جان! من تا آن هنگام که تو را ملاقات نمایم تأسف می‌خورم. پدر جان! پس از مفارقت تو چشم من به خواب نرفته. پدر جان! کیست که به داد بیوه زنان و بینوایان برسد؟ کیست که تا روز قیامت به داد امت تو برسد؟ پدر جان! ما بعد از تو ضعیف و ناتوان شدیم. پدر جان! مردم از ما روگردان شده‌اند، در صورتی که ما به واسطه تو در میان مردم معظم و بزرگ به شمار می‌رفتیم. کدام اشک است که در فراق تو فرو نریزد؟! کدام غم و اندوه است که بعد از تو برای مصیبت تو دائمی نباشد؟! کدام چشم است که بعد از تو به خواب رود؟! در صورتی که تو بهار دین و نور پیامبران بودی، چگونه است که کوهها خراب نشدند و دریاها فرو نرفتند و زمین طعمه زلزله نگردید؟! پدر جان! من دچار مصیبت بزرگی شدم، این مصیبت من مصیبت کوچکی نیست. پدر جان! من مغلوب این عزای بزرگ و این پیش آمد هولناک گردیدم. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۰۸ پدر جان! ملائکه برای تو گریان شدند و افلاک از حرکت ایستادند، منبرت بعد از تو دچار وحشت و محرابت از وجود تو خالی شد، قبر تو برای اینکه تو را در بر گرفته خوشحال و بهشت به تو و دعا و نماز تو مشتاق گردید. پدر جان! آن مجالسی که تو داشتی (با رفتن تو) دچار ظلمت بزرگی شده‌اند. برای تو متأسفم تا اینکه به همین زودی نزد تو بیایم. ابو الحسن تو را از دست داد، همان ابو الحسنی که: مؤتمن، پدر دو فرزند تو حسن و حسین، برادر تو دوست تو و محبوب تو می‌باشد. همان علی که تو او را از زمان کودکی پرورش دادی در زمان بزرگسالی او با وی برادر شدی، همان علی که محبوبترین دوستان و اصحاب تو بود، همان علی که در اسلام آوردن و هجرت نمودن و یاری کردن تو بر همه سبقت گرفت، ما تو را از دست دادیم، گریه قاتل ما خواهد بود، تأسف همراه و مونس ما گردید.

سپس آن بانو فریادی زد و ناله‌ای کرد که نزدیک بود روح از بدنش مفارقت نماید، آنگاه این اشعار را قرائت کرد: ۱- صبر من کم و عزای من آشکار شد بعد از آنکه خاتم انبیا را از دست دادم. ۲- ای چشم من، اشک فراوان بریز! ای چشم من، وای بر تو، بخل مکن و خون گریه کن! ۳- ای رسول خدا! ای برگزیده خدا! ای پناهگاه یتیمان و ضعیفان! ۴- حَقّاً که کوه‌ها و وحوش و پرندگان و زمین بعد از گریه آسمان برای تو گریان شدند. ۵- محراب عبادت و مجلس درس قرآن که در هر صبح و شام تشکیل می‌شد برای تو گریه می‌کنند. ۶- دین اسلام که در میان مردم یکی از غربا به شمار می‌رود در مصیبت تو گریان شد. ۷- کاش آن منبری را که بر فراز آن می‌رفتی می‌دید که چگونه بعد از نور وجودت، اکنون ظلمت آن را فرا گرفته. ۸- ای خدای زهرا اجل مرا به زودی برسان! زیرا زندگی من تیره و تار گردید. سپس به جانب منزل خود بازگشت و شب و روز شروع به گریه و ناله کرد، اشک وی خشک نمی‌شد و ناله و ضججه‌اش آرام نمی‌گرفت. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۰۹ بزرگان اهل مدینه اجتماع کردند و به حضور امیر المؤمنین علی علیه السلام آمدند و گفتند: ای ابو الحسن! فاطمه شب و روز گریه می‌کند، هیچ کدام از ما شب در رختخواب به خواب نمی‌رویم، در حالی که روزها به علت مشغله و طلب معاش قرار و آرام نداریم، ما از تو تقاضا می‌کنیم که فاطمه یا شب گریه کند و یا روز. حضرت امیر فرمود: مانعی ندارد. علی علیه السلام این موضوع را با فاطمه علیها السلام در میان نهاد ولی متوجه شد که آن حضرت از گریه ساکت نمی‌شود و تسلیت گفتن برای او ثمری ندارد. در این حال فاطمه علیها السلام گفت: ای ابو الحسن! من چندان مکشی در میان این مردم نخواهم کرد و به زودی از میان این مردم می‌روم، علی جان به خداوند سوگند من شب و روز از گریه آرام نخواهم گرفت تا اینکه به پدرم ملحق شوم. حضرت امیر فرمود: باشد، هر طور که میل داری انجام بده. علی علیه السلام بعد از آن، اطافی خارج از شهر مدینه برای حضرت فاطمه علیها السلام ساخت که آن را بیت الاحزان می‌گفتند. به هنگام صبح فاطمه حسن و حسین علیهم السلام را برمی‌داشت و به بقیع می‌رفت و همچنان تا شب مشغول گریه بود. و چون شب فرا می‌رسید حضرت امیر می‌آمد و فاطمه را به منزل باز می‌گردانید. حضرت فاطمه پس از فوت پدر بزرگوارش مدت بیست و هفت روز این برنامه را انجام می‌داد، آنگاه مریض شد و تا چهل روز زنده بود و سپس از دنیا رحلت کرد. به هنگام رحلت آن حضرت، علی علیه السلام نماز ظهر را خوانده به سوی منزل بازگشت. کنیزان را دید در حالی به استقبال آن حضرت آمدند در حالی که گریان و محزون بودند. امام علیه السلام به ایشان فرمود: چه خبر شده، چرا شما را ناراحت و مضطرب می‌بینم؟! گفتند: یا امیر المؤمنین! دختر عموی خود زهرا را دریاب، گر چه گمان نمی‌کنیم حاصلی داشته باشد. حضرت علی به سرعت به سوی اطاق فاطمه رفت و بر آن بانو وارد شد، ناگاه دید فاطمه در میان بستر خویش (کتان سفید مصری) افتاده و به طرف راست و چپ می‌غلطد. علی علیه السلام ردا را از دوش خود و عمامه را از سر مبارک خویش افکند و لباس خود را درآورد، آنگاه آمد و سر مبارک حضرت زهرا را به دامن گرفت و فرمود: ای زهرا! زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۱۰ ولی حضرت فاطمه سخنی نگفت. برای دومین بار فرمود: ای دختر محمد مصطفی! فاطمه زهرا باز جوابی نداد! علی علیه السلام برای سومین بار صدا زد: ای دختر آن کسی که زکات را در دامن عبای خود برای فقرا می‌برد! جوابی نشنید. ای دختر آن کسی که با ملائکه نماز خواند! حضرت زهرا علیها السلام جوابی نداد. علی علیه السلام صدا زد: ای فاطمه، با من سخن بگو! من پسر عموی تو علی بن ابی طالب هستم. فاطمه چشمان خود را به روی او باز کرد، آنگاه آن بانو گریست و علی علیه السلام هم گریان شد و به زهرای اطهر فرمود: مگر تو را چه شده؟ من پسر عمویت علی هستم. فاطمه گفت: ای پسر عمو! من اکنون آن مرگی را مشاهده می‌کنم که نمی‌توان از دست آن گریخت. من می‌دانم که تو بعد از من نمی‌توانی ازدواج نکنی، یا علی! اگر ازدواج کردی یک شب و یک روز نزد همسرت و یک شب و یک روز پیش فرزندان من باش. علی جان! به صورت حسن و حسین سلی نرنی، زیرا ایشان یتیم و دل شکسته‌اند، دیروز بود که آنان جدّ بزرگوار خود را از دست دادند، امروز هم مادر خود را از دست می‌دهند. وای بر آن امتی که آنان را می‌کشند و با ایشان بغض و دشمنی می‌ورزند!! آنگاه اشعاری را بدین ترتیب خواند: ۱- اگر

گریه می‌کنی بر من گریه کن ای بهترین هدایت‌کنندگان، و اشک بریز که روز فراق رسید. ۲- ای همسر بتول! من در باره نسل خود به تو سفارش می‌کنم، زیرا که ایشان ملازم اسلام می‌باشند. ۳- برای من و یتیم‌های من گریه کن، مخصوصاً کشته و قتل کربلا را فراموش نکنی. ۴- ایشان مفارقت می‌کنند و یتیمانی حیران و سرگردان می‌شوند، خداوند مقرر کرده که روز فراق است. حضرت امیر به زهرای اطهر فرمود: ای دختر رسول خدا! تو این مطلب را از کجا می‌گویی، در صورتی که وحی خدا از خاندان ما قطع شده است؟! فاطمه گفت: ای ابو الحسن! من امروز خواب دیدم که پدر بزرگوارم در میان قصری از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۱۱ جواهرات سفید است، چون مرا دید فرمود: دخترم! نزد من بیا، زیرا من مشتاق تو هستم. گفتم: پدر جان! به خداوند سوگند که من بیشتر شوق ملاقات تو را دارم. پدر فرمود: تو امشب نزد من خواهی بود. گفتار پدرم همیشه راست است و به وعده خود وفا خواهد کرد. علی جان! هنگامی که دیدی من سوره یس را قرائت نمودم بدان که اجلم فرا رسیده، مرا غسل بده، ولی بدنم را برهنه نکن، زیرا من پاک و مطهر می‌باشم. علی جان! خودت و اهل خانه‌ام که به من نزدیک هستند بر جنازه‌ام نماز بخوانید. علی جان! مرا شبانه به خاک بسپار، این نحوه را پدرم پیغمبر خدا به من خبر داده. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: به خداوند سوگند من متصدی امر آن بانو شدم و بدن وی را از زیر پیراهن غسل دادم، به خداوند سوگند که بدن فاطمه زهرا پاک و مطهر بود، آنگاه بدن مقدس او را از باقیمانده حنوط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حنوط کردم، سپس پیکر مبارکش را در میان کفنهایش جای دادم و چون تصمیم گرفتم کفن او را گره بزنم، صدا زدم: ای امّ کلثوم، زینب، سکینه، فضّه، حسن و حسین! بیایید و مادر خود را برای آخرین بار ببینید، روز فراق آمد و ملاقات شما در بهشت خواهد بود. حسنی و حسین علیهما السلام در حالی آمدند که فریاد می‌زدند: آه از این حسرتی که هیچ وقت به علت از دست دادن جدّمان، پیامبر خدا و مادرمان، فاطمه زهرا از بین نخواهد رفت. ای مادر حسن و حسین! هنگامی که جدّ ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را ملاقات نمودی سلام ما را به آن حضرت برسان و به آن بزرگوار بگو: ما بعد از تو در دار دنیا یتیم ماندیم! حضرت علی می‌فرماید: من خداوند را شاهد می‌گیرم که فاطمه زهرا آه و ناله کرد، دستهای خود را دراز نمود و حسنین را چند لحظه‌ای به سینه خود چسبانید. ناگاه هاتفی از آسمان ندا در داد: ای ابو الحسن! حسین را از روی سینه فاطمه بردار، به خداوند سوگند که ملائکه آسمانها را گریان کردند، زیرا دوست مشتاق لقای دوست است. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۱۲ حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: من حسنین را از روی سینه زهرا برداشتم و در حال بستن بندهای کفن این اشعار را سرودم: ۱- مفارقت تو برایم بزرگترین امور است، و از دست دادن تو سخت‌ترین مصیبت. ۲- من برای حسرت و غم آن کسی گریه و ناله می‌کنم که بهترین راه را برای مرگ پیمود. ۳- ای چشم من! با من مساعدت و همراهی کن که محزون دائمی هستم و برای دوست خودم گریان. سپس امیر المؤمنین علی علیه السلام جسد فاطمه زهرا را روی دست خویشتن گرفت و به سوی قبر پدرش رسول خدا آورد و فرمود: سلام بر تو ای رسول خدا! سلام بر تو ای حبیب خدا! سلام بر تو ای نور خدا! سلام بر تو ای برگزیده خدا! درود و تحیت من و دخترت فاطمه که بر تو وارد می‌شود بر تو باد. حقّا که امانت مسترد گردید. آه از حزن رسول! آه از حزن بتول! دنیا برای من تیره و تار شد. خوشحالی و سرور از من دور شد. آه از حزن و تأسف من! آنگاه جنازه آن بانو را نزدیک قبر پیغمبر خدا آورد و با گروهی از اهل خانه خود و اصحاب و دوستان و برخی از مهاجرین و انصار بر بدن مبارک حضرت زهرا نماز خواند. و چون پیکر فاطمه را به خاک سپرد و در لحد جای داد اشعاری خواند بدین مضمون: ۱- مصایب و مشکلات دنیا برای من زیاد است، همنشین دنیا که دنیا طلب باشد تا زمان مرگ علیل خواهد بود. ۲- بعد از آنکه دو نفر با هم دوستی نمودند البته فراقی وجود خواهد داشت، حقّا که بقای من نزد شما قلیل و اندک خواهد بود. ۳- حقّا از دست دادن فاطمه زهرا که بعد از رسول خدا برای من اتفاق افتاد دلیل بر این است که هیچ دوستی تا ابد برقرار نخواهد بود.

[متن عربی]

۳۲۶/۱۶- المناقب (۱) قُبِضَ النَّبِيُّ ص وَ لَهَا يَوْمَئِذٍ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَاشَتْ بَعْدَهُ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا وَ يُقَالُ خَمْسَةٌ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا وَ قِيلَ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَ قَالَ الْقُرْبَانِيُّ قَدْ قِيلَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ هُوَ أَصْحَحُ وَ تُوَفِّتُ عَ لَيْلَةَ الْأَحَدِ لثَلَاثَ عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلَّتْ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَخْرِ سَنَةً إِحْدَى عَشْرَةَ مِنَ الْهَجْرَةِ وَ مَشْهُدُهَا بِالْبَقِيعِ وَ قَالُوا إِنَّهَا دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا وَ قَالُوا قَبْرُهَا بَيْنَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مِثْرِهِ السَّمْعَانِيُّ فِي الْخَصَائِصِ وَ ابْنُ مَرْذُوقٍ فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ الزَّمْخَشَرِيُّ فِي الْفَتَاوِي عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِغُلَامٍ قَبِيلَ مَوْتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحَانَيْنِ أَوْصِيكَ بِرَيْحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا فَعَن قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ عَلَيْكَ قَالَ فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ عَلِيُّ هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ قَالَ عَلِيُّ هَذَا هُوَ الرُّكْنُ الثَّانِي الْبُخَارِيُّ وَ مُسْلِمٌ وَ الْحَلِيقِيُّ وَ مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ رَوَتْ عَائِشَةُ أَنَّ النَّبِيَّ ص دَعَا فَاطِمَةَ فِي شَكْوَاهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ فَسَارَهَا بِشَيْءٍ فَبَكَتْ ثُمَّ دَعَاهَا فَسَارَهَا فَضَحِكَتْ فَسَأَلَتْ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ أَخْبَرَنِي النَّبِيُّ ص أَنَّهُ مَقْبُوضٌ فَبَكَتْ ثُمَّ أَخْبَرَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لُحُوقًا بِهِ فَضَحِكْتُ بِهَ لُحُوقًا بِهِ فَضَحِكْتُ ضَحِكُهَا قَالَتْ أَخْبَرَنِي النَّبِيُّ ص أَنَّهُ مَقْبُوضٌ ثُمَّ أَخْبَرَ أَنَّ بَنِي سَيْصِيئِهِمْ بَعْدِي شِدَّةً فَبَكَتْ ثُمَّ أَخْبَرَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لُحُوقًا بِهِ فَضَحِكْتُ وَ فِي رِوَايَةٍ أَبِي بَكْرٍ الْجَعْفَابِيُّ وَ أَبِي نُعَيْمٍ الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ وَ الشَّعْبِيُّ عَنْ مَسْرُوقٍ وَ فِي السُّنَنِ عَنْ الْقُرَوَيْنِيِّ وَ الْإِبَانَةِ عَنْ الْعُكْبَرِيِّ وَ الْمُسْنَدِ عَنْ الْمُوصِطِيِّ وَ الْفَضَائِلِ عَنْ أَحْمَدَ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَتْ عَائِشَةُ أَقْبَلْتُ فَاطِمَةَ تَمْشِي كَأَنَّ مَشْيَهَا مَشْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَرْحَبًا بِابْنَتِي فَأَجْلَسَهَا عَنْ يَمِينِهِ وَ أَسَرَ إِلَيْهَا حَدِيثًا فَبَكَتْ ثُمَّ أَسَرَ إِلَيْهَا حَدِيثًا فَضَحِكَتْ فَسَأَلْتُهَا عَنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ مَا أَفْشَى سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى إِذَا قُبِضَ سَأَلْتُهَا فَقَالَتْ إِنَّهُ أَسَرَ إِلَيَّ فَقَالَ إِنَّ جَبْرِئِيلَ كَانَ يُعَارِضُنِي بِالْقُرْآنِ كُلَّ سَنَةٍ مَرَّةً وَ إِنَّهُ عَارِضُنِي بِهِ الْعَامَ مَرَّتَيْنِ وَ لَا أَرَانِي إِلَّا وَ قَدْ حَضَرَ أَجْلِي وَ إِنَّكَ لَأَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِي زَنْدْكَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلَيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۱۴ لُحُوقًا بِي وَ نِعَمَ السَّلَفِ أَنَا لَكَ بَكِيْتُ لِذَلِكَ ثُمَّ قَالَ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ فَضَحِكْتُ لِذَلِكَ وَ رَوَى أَنَّهَا مَا زَالَتْ بَعِيدَ أَبِيهَا مُعَصِّبَةَ الرَّأْسِ نَاحِلَةَ الْجِسْمِ مُنْهَذَةً الرُّكْنَ بَاكِئَةً الْعَيْنِ مُخْتَرِقَةً الْقَلْبَ يُعْشَى عَلَيْهَا سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ وَ تَقُولُ لَوْلَاكِهَا أَيْنَ أَبُو كَمَا الَّذِي كَانَ يُكْرِمُكُمْ مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ أَيْنَ أَبُو كَمَا الَّذِي كَانَ أَشَدَّ النَّاسِ شَفَقَةً عَلَيْكُمْ فَلَا يَدْعُكُمْ تَمْشِيَانِ عَلَى الْأَرْضِ وَ لَمَّا أَرَاهُ يَفْتِيحُ هَذَا الْبَابَ أَبَدًا وَ لَا يَحْمِلُكُمْ عَلَى عَاتِقِهِ كَمَا لَمْ يَزَلْ يَفْعَلُ بِكُمْ ثُمَّ مَرَضَتْ وَ مَكَثَتْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ دَعَتْ أُمَّ أَيْمَنَ وَ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ وَ عَلِيًّا وَ أَوْصَتْ إِلَى عَلِيٍّ بِثَلَاثٍ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِابْنَتِهِ أُخْتِهَا أَمَامِيَةَ لِحُبِّهَا أَوْلَادَهَا وَ أَنْ يَتَّخِذَ نَعَشًا لِأَنَّهَا كَانَتْ رَأَتْ الْمَلَائِكَةَ تَصَوَّرُوا صُورَتَهُ وَ وَصَفَتَهُ لَهُ وَ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جَنَازَتَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ أَنْ لَا يَتْرَكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ ذَكَرَ مُسْلِمٌ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ يَذْكُرُ فِيهِ أَنَّ فَاطِمَةَ أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ الْقِصَّةَ قَالَ فَهَجَرْتَهُ وَ لَمْ تُكَلِّمْهُ حَتَّى تُوَفِّتَ وَ لَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبُو بَكْرٍ يُصَلِّيَ عَلَيْهَا الْوَاقِدِيُّ أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا حَضَرَ رَتُّهَا الْوَفَاةَ أَوْصَتْ عَلِيًّا أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ فَعَمِلَ بِوَصِيَّتِهَا عِيسَى بْنُ مِهْرَانَ عَنْ مُخَوَّلٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عُمَرَ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ ابْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَوْصَتْ فَاطِمَةُ أَنْ لَمَّا يَعْلَمَ إِذَا مَاتَ أَبُو بَكْرٍ وَ لَا عُمَرُ وَ لَا يُصَلِّيَانِ عَلَيْهَا قَالَ فَدَفَنَهَا عَلِيُّ عَ لَيْلًا وَ لَمْ يَعْلَمْهُمَا بِذَلِكَ تَارِيخُ أَبِي بَكْرٍ بْنِ كَامِلٍ قَالَتْ عَائِشَةُ عَاشَتْ فَاطِمَةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تُوَفِّتَ دَفَنَهَا عَلِيُّ لَيْلًا وَ صَلَّى عَلَيْهَا عَلِيُّ وَ رَوَى فِيهِ عَنْ سَيْفِيَّانَ بْنِ عُيَيْنَةَ وَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ الْقَطَّانِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ أَنَّ فَاطِمَةَ عَ دُفِنَتْ لَيْلًا وَ عَنْهُ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَ دَفَنُوهَا لَيْلًا وَ غَيَّبُوا قَبْرَهَا تَارِيخُ الطَّبْرِيِّ إِنَّ فَاطِمَةَ دُفِنَتْ لَيْلًا وَ لَمْ يَحْضُرْهَا إِلَّا الْعَبَّاسُ وَ عَلِيُّ وَ الْمَقْدَادُ وَ الزُّبَيْرُ وَ زَنْدْكَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلَيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۱۵ فِي رِوَايَاتِنَا أَنَّهُ صَلَّى عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَقِيلٌ وَ سَلْمَانَ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمَقْدَادُ وَ عَمَّارٌ وَ بُرَيْدَةُ وَ فِي رِوَايَةٍ وَ الْعَبَّاسُ وَ ابْنُهُ الْفَضْلُ وَ فِي رِوَايَةٍ وَ حُذَيْفَةُ وَ ابْنُ مَسْعُودٍ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ أَنَّهُ سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ عَنْ دَفْنِهَا لَيْلًا فَقَالَ إِنَّهَا كَانَتْ سَاخِطَةً عَلَى قَوْمٍ كَرِهَتْ حُضُورَهُمْ جَنَازَتَهَا وَ حَرَامٌ عَلَى مَنْ يَتَوَلَّاهُمْ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ وَلَدِهَا وَ رَوَى أَنَّهُ سَوَّى قَبْرَهَا مَعَ الْأَرْضِ مُسْتَوِيًّا وَ قَالُوا سَوَّى حَوَالَيْهَا قُبُورًا

مَرْوَرَهُ مَقْدَارَ سَبْعَةٍ حَتَّى لَمَّا يُعْرِفَ قَبْرَهَا وَ رَوَى أَنَّهُ رَسَّ أَرْبَعِينَ قَبْرًا حَتَّى لَمَّا يَبِينَنَّ قَبْرَهَا مِنْ غَيْرِهِ مِنَ الْقُبُورِ فَبَصَّ لَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ حَمَّوَهُ بَنُ عَلِيٍّ الْبَصِيرُ وَأَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنُ بَطَّةٍ بِأَسَانِيدِهِمْ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ امْرَأَةُ أَبِي رَافِعٍ اشْتَكَتْ فَاطِمَةَ شَكَاةً الَّتِي قُبِضَتْ فِيهَا وَ كُنْتُ أَمْرُضُهَا فَأَصْبَحْتُ يَوْمًا أُسَكِّنُ مَا كَانَتْ فَخَرَجَ عَلَيَّ إِلَى بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَقَالَتْ اسْكُبِي لِي غَسِيلًا فَسَكَبْتُ فَقَامَتْ وَ اغْتَسَلَتْ أَحْسَنَ مَا يَكُونُ مِنَ الْغُسْلِ ثُمَّ لَبِسَتْ أَثَوَابَهَا الْجَدِيدَ ثُمَّ قَالَتْ افْرُشِي فِرَاشِي وَسَطَ الْبَيْتِ ثُمَّ اسْتَقْبَلَتِ الْقَبْلَةَ وَ نَامَتْ وَ قَالَتْ أَنَا مَقْبُوضَةٌ وَ قَدْ اغْتَسَلْتُ فَلَا يَكْشِفُنِي أَحَدٌ ثُمَّ وَضَعَتْ خَدَّهَا عَلَى يَدِهَا وَ مَاتَتْ وَ قَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ أَوْصَتْ إِلَيَّ فَاطِمَةَ أَنْ لَا يُغْسَلَهَا إِذَا مَاتَتْ إِلَّا أَنَا وَ عَلَيَّ فَأَعَنْتُ عَلَيْهَا عَلَى غَسْلِهَا كِتَابُ الْبَلَاذُرِيِّ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ غَسَلَهَا مِنْ مَعْقِدِ الْإِزَارِ وَ إِنَّ أَسْمَاءَ بِنْتُ عُمَيْسٍ غَسَلَتْهَا مِنْ أَسْفَلِ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ الْخَزَّازُ الْقُمِّيُّ فِي الْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ سَيَّلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ فَاطِمَةَ عَنْ غَسْلِهَا فَقَالَ غَسَلَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِأَنَّهَا كَانَتْ صِدِّيقَةً وَ لَمْ يَكُنْ لِيُغْسَلَهَا إِلَّا صَدِّيقٌ وَ رَوَى أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ عِنْدَ دَفْنِهَا السَّلَامُ عَلَيْكَ إِلَى آخِرِ مَا سَيَأْتِي نَقْلًا مِنَ الْكَافِي وَ رَوَى أَنَّهُ لَمَّا صَارَ بِهَا إِلَى الْقَبْرِ الْمُبَارَكِ خَرَجَتْ يَدٌ فَتَنَاوَلَتْهَا وَ انْصَرَفَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْهُمْدَانِيُّ وَ حُمَيْدُ الطَّوِيلُ أَنَّهُ ع أَنْشَأَ عَلَى شَفِيرِ قَبْرِهَا ذِكْرُتُ أَبَا وَدَى فَبِتْ كَأَنِّي بَرَدُ الْهُمُومِ الْمَاضِيَّاتِ وَ كَيْلُ لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةً وَ كُلُّ الَّذِي دُونَ الْفِرَاقِ قَلِيلٌ وَ إِنَّ افْتِقَادِي فَاطِمَةَ بَعِيدٌ أَحْمَدٌ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ لَا يَدُومُ خَلِيلٌ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۱۶ فَاجَابَ هَاتِفٌ يُرِيدُ الْفَتَى أَنَّ لَا يَمُوتُ خَلِيلُهُ وَ لَيْسَ لَهُ إِلَّا الْمَمَاتُ سَبِيلٌ فَلَا بُدَّ مِنْ مَوْتٍ وَ لَا بُدَّ مِنْ بَلَى وَ إِنَّ بَقَائِي بَعْدَكُمْ لَقَلِيلٌ إِذَا انْقَطَعَتْ يَوْمًا مِنَ الْعَيْشِ مِيدَتِي فَإِنَّ بُكَاءَ الْبَاكِاتِ قَلِيلٌ سَتُعْرَضُ عَنْ ذِكْرِي وَ تَنْسَى مَوَدَّتِي وَ يَحْدُثُ بَعْدِي لِلْخَلِيلِ بَدِيلٌ بَيَانُ أَبَا وَدَى أَى مِنْ كَانَ يَلَازِمُ وَدَى وَ حَبِي وَ الْحَاصِلُ أَنِي ذَكَرْتُ مَحَبُوبِي فَبِتْ كَأَنِّي لَشَدَّةِ هُمُومِي ضَامِنٌ لِرَدِّ كُلِّ هَمٍّ وَ حَزَنٍ كَانَ لِي قَبْلَ ذَلِكَ وَ قَوْلُهُ فَلَا بَدَّ مِنْ مَوْتٍ لَعَلَّهُ مِنْ تَتَمُّهُ آيَاتُهُ ع لَا كَلَامَ الْهَاتِفِ وَ لَوْ كَانَ مِنْ كَلَامِ الْهَاتِفِ فَلَعَلَّهُ الْقَاهِ عَلَى وَجْهِ التَّلْقِينِ

ترجمه

در مناقب ابن شهر آشوب روایت شده است: موقعی که پیغمبر اسلام از دنیا رحلت کرد از عمر حضرت فاطمه هجده سال و هفت ماه گذشته بود، بعد از پدر بزرگوارش مدت هفتاد و دو روز زنده بود. هفتاد و پنج روز و چهار ماه هم گفته شده. قربانی گفته: چهل روز زنده بود و این قول صحیح است. فاطمه زهرا در شب یکشنبه، سیزدهم ماه ربیع الاول سال یازدهم پس از هجرت از دنیا رحلت نمود. قبر مقدسش در بقیع است. گفته اند: قبرش در خانه خودش می باشد. قول دیگر آن است که قبرش ما بین قبر و منبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. گروهی از علمای اهل تسنن از جابر نقل نموده اند که گفت: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قبل از رحلت خود به حضرت علی بن ابی طالب فرمود: سلام بر تو باد، ای پدر دو نوگل من! من در باره این دو گل دنیوی خود به تو توصیه می کنم، طولی نمی کشد که دو رکن تو از بین خواهد رفت. جابر می گوید: هنگامی که رسول خدا از دنیا رفت حضرت علی فرمود: این یکی از آن دو رکن من بود که پیغمبر خدا فرمود. هنگامی که فاطمه از دنیا رفت علی علیه السلام فرمود: این دومین رکن من بود. روایت شده که حضرت زهرا بعد از فوت پدر بزرگوارش دائما سر خود را می بست، جسمش ناتوان بود، قوت خود را از دست داده بود، چشمانش گریان و قلبی سوخته داشت، ساعت به ساعت غش می کرد و به حسنین علیهما السلام می فرمود: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۱۷ پدر (یعنی جد) شما که شما را گرمی می داشت و مرتب شما را در آغوش می گرفت کجاست؟ کجاست آن جد شما که از همه مردم بیشتر به شما مهربان بود، نمی گذاشت که روی زمین راه بروید، افسوس که هرگز نخواهم دید جد شما در خانه مرا باز نماید و شما را به دوش خود بگیرد، در صورتی که دائما این عمل را انجام می داد. سپس حضرت زهرا مریض شد و مدت چهل شب بیماری او ادامه پیدا کرد. آنگاه ام ایمن و اسماء بنت عمیس و علی علیه السلام را خواست و به علی سه وصیت کرد: ۱- با امامه دختر خواهرش ازدواج نماید، زیرا که او فرزندان حضرت زهرا را دوست می داشت. ۲- از برای حضرت فاطمه تابوت بسازد، زیرا ملائکه صورت تابوت را به او نشان داده بودند و آن بانو اوصاف

آن را برای حضرت امیر شرح داد. ۳- احدی از آن افرادی که در حق آن بانو ظلم کرده بودند در تشیع جنازه‌اش حاضر نشوند و بر جنازه‌اش نماز نخوانند. مسلم و واقدی و ابن عباس و دیگران روایت کرده‌اند که حضرت فاطمه وصیت کرد: ابو بکر و عمر به جنازه‌اش نماز نخوانند و جنازه‌اش را شبانه به خاک بسپارند. در تاریخ طبری می‌نگارد: فاطمه علیها السلام شبانه دفن شد، و غیر از عتّاس و علی و مقداد و زبیر کسی در تشیع جنازه آن بانو حاضر نشد. در روایت ما نقل شده که: حضرت علی، حسن، حسین، عقیل، سلمان، ابو ذر، مقداد عمار و بریده، بنا به روایتی: عتّاس و پسرش فضل و طبق روایت دیگر حذیفه و ابن مسعود به جنازه آن حضرت نماز خواندند. اصیغ بن نباته می‌گوید: از حضرت علی در باره اینکه فاطمه شبانه دفن گردید جويا شدند، فرمود: به علت اینکه فاطمه زهرا بر گروهی خشمناک بود و راضی نبود که آنان برای تشیع جنازه‌اش حاضر شوند. و بر کسانی که آنان را دوست نداشته باشند حرام است که بر جنازه احدی از فرزندان فاطمه نماز بخوانند. روایت شده: حضرت علی قبر فاطمه علیها السلام را با زمین یکسان نمود. گفته‌اند: علی علیه السلام تعداد هفت قبر شبیه به قبر فاطمه تشکیل داد که قبر آن بانو شناخته زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۱۸ نشود. روایت شده که چهل قبر برای حضرت زهرا ترتیب داد تا قبر واقعی آن بانو تشخیص داده نشود و کسی حتی بر قبر او نماز نخواند. از سلمی زوجه ابو رافع روایت شده که گفت: من حضرت فاطمه را در آن بیماری که از دنیا رفت پرستاری می‌کردم، یک روز حضرت علی به دنبال کار خود رفت و حضرت زهرا به من فرمود: آب بیاور تا غسل کنم. وقتی آب آوردم آن بانو برخاست و نیکوترین غسل را به جای آورد، آنگاه لباسهای جدید خود را پوشید، سپس به من فرمود: رختخواب مرا در میان اطاق بینداز. وقتی رختخواب وی را انداختم او رو به قبله خوابید و فرمود: من قبض روح می‌شوم. مبدا کسی بدنم را برهنه کند چون غسل کرده‌ام. این بفرمود و صورت خود را روی دست خویش نهاد و از دنیا رحلت کرد. ابو الحسن خزاز قمی می‌نگارد: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند: چه کسی فاطمه زهرا را غسل داد؟ فرمود: علی علیه السلام. زیرا حضرت زهرا صدّیقه بود و غیر از شخص صدّیق کسی حق نداشت وی را غسل بدهد. روایت شده: هنگامی که حضرت علی بن ابی طالب جنازه مبارک فاطمه علیها السلام را نزدیک قبر آورد، دستی از قبر بیرون آمد و آن جنازه را برگرفت و بازگشت. عبد الرحمن همدانی و حمید طویل نقل کرده‌اند: حضرت امیر المؤمنین اشعاری را کنار قبر فاطمه زهرا علیها السلام سرود بدین مضمون: من دوست خود را به خاطر آوردم، گویا من برای به دوش کشیدن غم و اندوههای گذشته وکیل می‌باشم. بعد از اجتماع هر دو نفر بر دوستی یک دیگر، البتّه فراق و جدایی خواهد بود، و کلیه دردها در مقابل فراق و جدایی قلیل و اندک می‌باشد. اینکه من فاطمه را بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم از دست می‌دهم دلیل بر این است که هیچ دوستی دائمی نخواهد بود. هاتفی در جواب آن حضرت این اشعار را گفت: جوانمرد چنین می‌پسندد که دوستش هرگز نمیرد، در صورتی که غیر از مردن راهی برای وی نخواهد بود. پس مرگ و نابود شدن را چاره‌ای نیست، و بقای من بعد از شما قلیل و اندک است. چون مدتی از مرگ گذشت، گریه‌گریه کنندگان کاهش می‌یابد. به زودی از یاد زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۱۹ من خواهی رفت و دوستی مرا فراموش خواهی کرد و دوست دیگری در عوض من خواهد آمد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۷/۳۲۷- المناقب (۱) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيّ الْأَصَوْبُ أَنَّهَا مَدْفُونَةٌ فِي دَارِهَا أَوْ فِي الرَّوْضَةِ يُؤَيَّدُ قَوْلَهُ النَّبِيُّ ص إِنَّ بَيْنَ قَبْرِي وَ مِثْرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ فِي الْبُخَارِيِّ بَيْنَ بَيْتِي وَ مِثْرِي وَ فِي الْمُوطَّاءِ وَ الْحَلْبِيِّ وَ التِّرْمِذِيِّ وَ مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِثْرِي وَ قَالَ ص مِثْرِي عَلَى تُرْعِ الْجَنَّةِ وَ قَالُوا خَيْدُ الرَّوْضَةِ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ إِلَى الْمِثْرِ إِلَى الْأَسَاطِينِ الَّتِي تَلِي صِحْنِ الْمَشْرِجِ

ترجمہ

[متن عربی]

[متن عربی]

www.noorfatemah.org

يُقْبَلُهَا مَرَّةً وَيَقُولُ يَا أُمَّاهُ كَلِّمْنِي قَبْلَ أَنْ تُفَارِقَ رُوحِي بَدَنِي قَالَتْ وَأَقْبَلَ الْحُسَيْنُ يُقْبَلُ رَجُلَهَا وَيَقُولُ يَا أُمَّاهُ أَنَا ابْنُكَ الْحُسَيْنُ كَلِّمْنِي قَبْلَ أَنْ يَتَصَدَّعَ قَلْبِي فَأَمُوتَ قَالَتْ لَهُمَا أَسِمَاءُ يَا ابْنَتِي رَسُولُ اللَّهِ أَنْطَلِقَا إِلَى أَبِيكُمَا عَلَى فَأَخْبِرَاهُ بِمَوْتِ أُمُّكُمَا فَخَرَجَا حَتَّى إِذَا كَانَا قُرْبَ الْمَسْجِدِ رَفَعَا أَصْوَاتَهُمَا بِالْبُكَاءِ فَأَبْتَدَرَهُمَا جَمِيعُ الصَّحَابَةِ فَقَالُوا مَا يُبْكِيكُمَا يَا ابْنَتِي رَسُولِ اللَّهِ لَا أَبُكِي اللَّهُ أَعْيَنُكُمَا لَعَلَّكُمَا نَظَرْتُمَا إِلَى مَوْقِفِ جَدِّكُمَا فَبَكَيْتُمَا شَوْقًا إِلَيْهِ فَقَالَا لَا أَوْ لَيْسَ قَدْ مَاتَتْ أُمُّنَا فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا قَالَ فَوَقَعَ عَلَيَّ عَ عَلَى وَجْهِهِ يَقُولُ بَيْنَ الْعَزَاءِ يَا بِنْتُ مُحَمَّدٍ كُنْتُ بِحُكِّ أَنْعَزَى فِيمَ الْعَزَاءِ مِنْ بَعِيدِكَ ثُمَّ قَالَ لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ وَكُلُّ لَذِي دُونَ الْفِرَاقِ قَلِيلٌ وَإِنْ افْتَقَدَا فَاطِمًا بَعِيدًا أَحْمَدَ دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ ثُمَّ قَالَ عَ يَا أَسِمَاءُ غَسَلِيهَا وَخَنَطِيهَا وَكَفْنِيهَا قَالَ فَعَسَلُوهَا وَكَفَنُوهَا وَخَطُّوهَا وَصَلُّوهَا عَلَيْهَا لَيْلًا وَدَفَنُوهَا بِالْبُقْعِ وَمَاتَتْ بَعِيدَ الْعَصْرِ وَقَالَ ابْنُ بَابُوَيْه رَحِمَهُ اللَّهُ جَاءَ هَذَا الْخَبَرُ كَذَا وَالصَّحِيحُ عِنْدِي أَنَّهَا دَفِنَتْ فِي بَيْتِهَا فَلَمَّا زَادَ بَنُو أُمَيَّةٍ فِي الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِي الْمَسْجِدِ. قُلْتُ الظَّاهِرُ وَالْمَشْهُورُ مِمَّا نَقَلَهُ النَّاسُ وَأَرْبَابُ التَّوَارِيخِ وَالسِّيَرِ أَنَّهَا دَفِنَتْ بِالْبُقْعِ كَمَا تَقْدِمُ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۲۲ وَرَوَى مَرْفُوعًا إِلَى سَيْلَمَى أُمِّ بَنِي رَافِعٍ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَ فِي شَكْوَاهَا الَّتِي مَاتَتْ فِيهَا قَالَتْ فَلَمَّا كَانَ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ وَهِيَ أَحْفَ مَا تَرَاهَا فَغَدَا عَلَيَّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ فِي حَاجَتِهِ وَهُوَ يَرَى يَوْمَئِذٍ أَنَّهَا أَمِثَلُ مَا كَانَتْ فَقَالَتْ يَا أُمَّاهُ اسْكِبِي لِي غَسِلًا فَفَعَلْتُ فَاعْتَسَلْتُ كَأَشَدِّ مَا رَأَيْتُهَا ثُمَّ قَالَتْ لِي أَعْطِنِي ثِيَابِي الْجُدُدَ فَأَعْطَيْتُهَا فَلَبِسَتْ ثُمَّ قَالَتْ ضَمِّي فِرَاشَتِي وَاسْتَقْبِلْنِي ثُمَّ قَالَتْ إِنِّي قَدْ فَرَعْتُ مِنْ نَفْسِي فَلَا أُكْشِفَنَّ إِنِّي مَقْبُوضَةٌ الْآنَ ثُمَّ تَوَسَّدَتْ يَدَهَا الْيُمْنَى وَاسْتَقْبَلَتِ الْقَبْلَةَ فَقَبِضَتْ فِرَاشَ عَلِيٍّ عَ وَنَحْنُ نَصِيحُ فَيَا أَلْ عَنُهَا فَأَخْبِرْتُهُ فَقَالَ إِذَا وَاللَّهِ لَا تُكْشِفُ فَاحْتُمَلَتْ فِي ثِيَابِهَا فُعْيِيتُ أَقُولُ إِنَّ هَذَا الْحَدِيثَ قَدْ رَوَاهُ ابْنُ بَابُوَيْه رَحِمَهُ اللَّهُ كَمَا تَرَى وَقَدْ رَوَى أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِي مُسْنَدِهِ عَنْ أُمِّ سَيْلَمَى قَالَتْ اسْتَكْتَتْ فَاطِمَةُ عَ شَكْوَاهَا الَّتِي قُبِضَتْ فِيهِ فَكُنْتُ أَمْرُضُهَا فَأَصْبَحْتُ يَوْمًا كَأَمِثَلِ مَا رَأَيْتُهَا فِي شَكْوَاهَا ذَلِكَ قَالَتْ وَخَرَجَ عَلَيَّ عَ لِبَعْضِ حَاجَتِهِ فَقَالَتْ يَا أُمَّاهُ اسْكِبِي لِي غَسِلًا فَيَا كَبْتُ لَهَا غَسِلًا فَاغْتَسَلَتْ كَأَحْسَنِ مَا رَأَيْتُهَا تَغْتَسِلُ ثُمَّ قَالَتْ يَا أُمَّاهُ أَعْطِنِي ثِيَابِي الْجُدُدَ فَأَعْطَيْتُهَا فَلَبِسَتْهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أُمَّاهُ قَدِّمِي لِي فِرَاشَتِي وَسَطَ الْبَيْتِ فَفَعَلْتُ فَاضْطَجَعْتُ وَاسْتَقْبَلَتِ الْقَبْلَةَ وَجَعَلْتُ يَدَهَا تَحْتَ خَدِّهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أُمَّاهُ إِنِّي مَقْبُوضَةٌ الْآنَ وَقَدْ تَطَهَّرْتُ فَلَا يَكْشِفْنِي أَحَدٌ فَقَبِضْتُ مَكَانَهَا قَالَتْ فَجَاءَ عَلِيٌّ عَ فَأَخْبِرْتُهُ وَاتَّفَقَهُمَا مِنْ طَرُقِ الشَّيْعَةِ وَالسُّنَّةِ عَلَى نَقْلِهِ مَعَ كَوْنِ الْحُكْمِ عَلَى خِلَافِهِ عَجِيبٌ فَإِنَّ الْفُقَهَاءَ مِنَ الطَّرِيقَيْنِ لَا-يَجِيزُونَ الدَّفْنَ إِلَّا بَعْدَ الْغَسْلِ إِلَّا فِي مَوَاضِعَ لَيْسَ هَذَا مِنْهُ فَكَيْفَ رَوَى هَذَا الْحَدِيثَ وَلَمْ يَلْعَلْهُ وَلَا-ذَكَرَافِقْهُ وَلَا-نَهَى عَلَى الْجَوَازِ وَلَا-الْمَنْعَ وَلَعَلَّ هَذَا أَمْرٌ يَخْصُصُهَا عَ وَإِنَّمَا اسْتَدَلَّ الْفُقَهَاءُ عَلَى أَنَّهُ يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْسِلَ زَوْجَتَهُ بِأَنْ عَلِيَا غَسَلَ فَاطِمَةَ عَ وَهُوَ الْمَشْهُورُ وَرَوَى ابْنُ بَابُوَيْه مَرْفُوعًا إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ أَنَّ عَلِيًّا غَسَلَ فَاطِمَةَ عَ وَ عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ صَلَّى عَلَى فَاطِمَةَ وَكَبَّرَ عَلَيْهَا خَمْسًا وَدَفَنَهَا لَيْلًا وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَ أَنَّ فَاطِمَةَ عَ دُفِنَتْ لَيْلًا بَيْنَا قَدْ بَيْنَا فِي كِتَابِ الْمَزَارِ أَنَّ الْأَصْحَ أَنَّهَا مَدْفُونَةٌ فِي بَيْتِهَا وَأَمَّا مَا ذَكَرَهُ مِنْ تَرْكِ غَسْلِهَا زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۲۳ فَلَاوَلَى أَنْ يُوَلَّ بِمَا ذَكَرْنَا سَابِقًا مِنْ عَدَمِ كَشْفِ بَدَنِهَا لِلتَّنْظِيفِ فَلَا تَنَافِي لِلْأَخْبَارِ الْكَثِيرَةِ الدَّالَّةِ عَلَى أَنَّ عَلِيَا غَسَلَهَا وَيُؤَيِّدُ مَا ذَكَرْنَا مِنَ التَّأْوِيلِ مَا مَرَّ فِي رِوَايَةِ وَرَقَةٍ فَلَا تَغْفَلْ

ترجمه

و در کتاب کشف الغمه روایت شده است: امام باقر علیه السلام کیسه‌ای آورد و نامه‌ای از میان آن درآورد که وصیت حضرت فاطمه بدین شرح در آن نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحيم، این وصیت نامه فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. فاطمه وصیت کرده که بستانهای هفتگانه‌اش برای علی بن ابی طالب باشد. چنانچه علی از دنیا رفت مال حسن بن علی و اگر حسن از دنیا رحلت نماید مال حسین باشد و اگر حسین از دنیا رفت مال بزرگترین فرزندانم باشد. مقداد بن اسود و زبیر بن عوام شهود این وصیت نامه و علی بن ابی طالب آن را نوشته است. گفته شده: فاطمه علیها السلام پس از اینکه برای نماز وضو گرفت به اسماء بنت عمیس فرمود: آن عطری را که من استعمال می‌کنم بیاور و آن لباسهایی را که با آنها نماز می‌خوانم حاضر

کن! آنگاه سر مبارک خود را به زمین گذاشت و به اسماء فرمود: بالای سر من بنشین، هنگامی که وقت نماز فرا رسید مرا صدا کن، اگر بلند شدم که هیچ، و الا شخصی را به دنبال حضرت علی بفرست. هنگامی که وقت نماز شد اسماء صدا زد: ای دختر رسول خدا! وقت نماز است. ناگاه اسماء دریافت که آن جگر گوشه پیغمبر اسلام قبض روح شده. وقتی حضرت امیر آمد اسماء به آن حضرت گفت: فاطمه زهرا از دنیا رحلت کرده. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: کی؟! گفت: آن هنگام که به دنبال تو فرستادم. علی علیه السلام به اسماء دستور داد تا فاطمه را غسل داد و به حسن و حسین علیهما السلام امر کرد تا آب آوردند. آنگاه جنازه آن بانو را شبانه به خاک سپرد. و چون به آن حضرت برای این عمل اعتراض کردند، فرمود: حضرت زهرا خودش این طور وصیت کرده است. روایت شده: حضرت فاطمه بعد از فوت پدر بزرگوارش مدت چهل روز زنده بود. به هنگام رحلت به اسماء فرمود: در زمان فوت پدرم جبرئیل کافور بهشتی آورد. پدرم آن را سه قسمت کرد. یک قسمت برای خودش، یک قسمت برای علی و یک قسمت هم برای زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۲۴ من. آنگاه به اسماء فرمود: باقیمانده حنوط پدرم را که در فلان موضع است بیاور و نزد سرم بگذار. اسماء می گوید: وقتی من امر آن بانو را اجرا نمودم لباس خود را روی خویشتن کشید و به من فرمود: پس از چند لحظه مرا صدا بزن، اگر جواب تو را گفتم که هیچ و الا بدان که نزد پدر بزرگوارم رفته‌ام. اسماء بعد از چند لحظه‌ای آن بانوی مظلومه را صدا زد، ولی جوابی نشنید، دوباره صدا زد: ای دختر محمّد مصطفی، ای دختر بهترین کسی که مادرش وی را حمل کرد، ای دختر بهترین کسی که بر روی سنگریزه‌ها پا نهاد، ای دختر آن کسی که مقامش به قاب قوسین او ادنی رسید! اما جوابی نگرفت. وقتی اسماء لباس آن حضرت را از روی بدنش برداشت ناگاه دید از دنیا رفته است. اسماء بدن آن بانو را حرکت می‌داد و می‌گفت: ای فاطمه! زمانی که نزد پدر بزرگوارت رفتی سلام اسماء بنت عمیس را به آن حضرت برسان. در همان حینی که اسماء این سخن را می‌گفت حسنین علیهما السلام از راه رسیدند و گفتند: اسماء! مادر ما در چنین ساعتی به خواب نمی‌رفت؟! گفت: مادر شما خواب نرفته، بلکه از دنیا رفته است. امام حسن روی بدن مادر افتاد و پیکر مقدّس او را حرکت می‌داد و می‌فرمود: مادر جان! قبل از اینکه روح از بدن من مفارقت کند با من تکلم کن! آنگاه امام حسین آمد و پاهای مبارک مادر را حرکت می‌داد و می‌بوسید و می‌فرمود: مادر جان! من فرزند تو حسینم. قبل از اینکه هلاک شوم و بمیرم با من صحبت کن! اسماء به ایشان گفت: ای فرزندان پیغمبر اسلام نزد پدرتان علی بروید و آن حضرت را از فوت مادرتان آگاه نمایید. حسنین علیهما السلام از خانه خارج و به سوی مسجد روانه شدند، هنگامی که نزدیک مسجد رسیدند صدا به گریه بلند کردند. گروهی از صحابه به حضور ایشان آمدند و گفتند: برای چه گریانید؟! خدا چشم شما را نگریاند! شاید نظر شما به جای جدّتان رسول خدا افتاد و از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۲۵ کثرت علاقه‌ای که به او دارید گریان شدید؟ فرمودند: نه، آیا نه چنین است که مادر ما از دنیا رحلت کرده است؟ حضرت امیر علیه السلام پس از شنیدن این خبر جانگداز به رو درافتاد و فرمود: ای دختر حضرت محمّد! من غم و اندوه خود را بعد از تو به که بگویم؟ من درد دل‌های خود را برای تو می‌گفتم، اکنون برای چه کسی درد دل کنم؟ آنگاه اشعاری «۱» سرود. سپس به اسماء فرمود: فاطمه زهرا را غسل بده، حنوط کن، کفن بپوشان. موقعی که غسل و کفن آن بانوی بزرگ خاتمه یافت نماز بر بدنش خواندند و شبانه او را در بقیع دفن کردند. فوت آن بانو بعد از عصر واقع شد. ابن بابویه می‌گوید: گر چه این روایت می‌گوید: حضرت فاطمه را در بقیع دفن کردند، ولی آنچه را که من صحیح می‌دانم این است که آن بانو در میان خانه خود دفن شد. پس از آنکه بنی امیه مسجد حضرت رسول را توسعه دادند آن قبر جزء مسجد شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۹/۳۲۹- کشف الغمه (۲) وَ نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ الذَّرِّيَّةِ الطَّاهِرَةِ لِلدُّوَلَابِيِّ (۳) فِي وَفَاتِهَا مَا نَقَلَهُ مِنْ رِجَالِهِ قَالَ لَبِثْتُ فَاطِمَةَ بِعِدِّ النَّبِيِّ ص ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَقَالَ ابْنُ شَهَابٍ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَقَالَ الزُّهْرِيُّ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ مِثْلُهُ عَنْ عَائِشَةَ وَ مِثْلُهُ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع خَمْسًا وَ تِسْعِينَ لَيْلَةً فِي سِنِّهِ إِحْدَى عَشْرَةَ وَقَالَ ابْنُ قُتَيْبَةَ فِي مَعْرِفِهِ مِائَةَ يَوْمٍ وَقِيلَ مَاتَتْ فِي سِنِّهِ إِحْدَى عَشْرَةَ لَيْلَةً ثَلَاثَاءَ لَيْلَاتٍ لَيْالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ هِيَ بِنْتُ تِسْعٍ وَ عِشْرِينَ سِنًّا أَوْ نَحْوَهَا وَقِيلَ دَخَلَ الْعَبَّاسُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَحَدُهُمَا يَقُولُ لِصَاحِبِهِ أَتَيْنَا أَكْبَرَ فَقَالَ الْعَبَّاسُ وُلِدْتَ يَا عَلِيُّ قَبْلَ بِنَاءِ قُرَيْشِ الْبَيْتِ بِسَنَوَاتٍ وَ وُلِدَتْ ابْنَتِي وَ قُرَيْشُ تَبْنِي الْبَيْتِ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص ابْنُ خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ سِنًّا قَبْلَ الثُّبُوءِ بِخَمْسٍ سَنِينَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۲۶ وَ رَوَى أَنَّهُمَا أَوْصَتْ عَلِيًّا ع وَ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ أَنْ يُغَسِّلَاهَا وَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَرَضَتْ فَاطِمَةُ مَرَضًا شَدِيدًا فَقَالَتْ لِأَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ أَلَا تَرَيْنِ إِلَى مَا بَلَغْتُ فَلَا تَحْمِلِينِي عَلَى سَرِيرٍ ظَاهِرٍ فَقَالَتْ لَا لَعَمْرِي وَ لَكِنْ أَصْنَعُ نَعْشًا كَمَا رَأَيْتُ يُصْنَعُ بِالْحَبَشَةِ قَالَتْ فَأَرْسَلَتْ إِلَى جَزَائِدٍ رَطْبِهِ فَقَطَّعَتْ مِنَ الْأَشْوَاقِ ثُمَّ جَعَلَتْ عَلَى السَّرِيرِ نَعْشًا وَ هُوَ أَوَّلُ مَا كَانَ النَّعْشُ قَتَبَسَمَتْ وَ مَا رُئِيتُ مُتَبَسِّمَةً إِلَّا يَوْمَئِذٍ ثُمَّ حَمَلْنَاهَا فَدَفَنَاهَا لَيْلًا وَ صَيَّمِي عَلَيْهَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ نَزَلَ فِي حُفْرَتِهَا هُوَ وَ عَلِيٌّ وَ الْفَضْلُ بْنُ عَبَّاسٍ وَ عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَتْ لِأَسْمَاءَ إِنِّي قَدْ اسْتَقْبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ أَنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْأَةِ الثُّوبُ فَيَصْفُهَا لِمَنْ رَأَى فَقَالَتْ أَسْمَاءُ يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا أَرِيكَ شَيْئًا رَأَيْتُهُ بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ قَالَ فَدَعَتْ بِجَرِيدَةٍ رَطْبَةٍ فَحَسَنَتْهَا ثُمَّ طَرَحَتْ عَلَيْهَا ثُوبًا فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع مَا أَحْسَنَ هَذَا وَ أَجْمَلَهُ لَا تُعْرِفُ بِهِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجُلِ قَالَ قَالَتْ فَاطِمَةُ فَإِذَا مِتُّ فَاعْبِئْ لِي نِيْلًا أَنْتِ وَ لَا يَدْخُلَنَّ عَلَيَّ أَحَدٌ فَلَمَّا تُوُفِّيتْ فَاطِمَةُ ع جَاءَتْ عَائِشَةُ تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَقَالَتْ أَسْمَاءُ لَا تَدْخُلِي فَكَلَّمْتُ عَائِشَةَ أَبَا بَكْرٍ فَقَالَتْ إِنَّ هَذِهِ الْخُتُمِيَّةَ تَحُولُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدْ جَعَلَتْ لَهَا مِثْلَ هَوْدَجِ الْعُرُوسِ فَقَالَتْ أَسْمَاءُ لِأَبِي بَكْرٍ أَمَرْتَنِي أَنْ لَا يَدْخُلَ عَلَيْهَا أَحَدٌ وَ أَرَيْتُهَا هَذَا الَّذِي صَنَعْتَ وَ هِيَ حَيَّةٌ فَأَمَرْتَنِي أَنْ أَصْنَعَ لَهَا ذَلِكَ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ اصْنَعِي مَا أَمَرْتُكَ فَانْصَرَفَ وَ غَسَلَهَا عَلِيٌّ ع وَ أَسْمَاءُ وَ رَوَى الدُّوَلَابِيُّ حَدِيثَ الْغُسْلِ الَّذِي اغْتَسَلَتْهُ قَبْلَ وَفَاتِهَا وَ كَوْنُهَا دُفِنَتْ بِهِ وَ لَمْ تُكْشَفْ وَ قَدْ تَقَدَّمَ ذِكْرُهُ وَ رَوَى مِنْ غَيْرِ هَذَا أَنَّ أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرُ عَاتَبَا عَلِيًّا ع كَوْنَهُ لَمْ يُؤْذِنْهُمَا بِالصَّلَاةِ عَلَيْهَا فَاعْتَذَرَ أَنَّهَا أَوْصِيَتْهُ بِذَلِكَ وَ حَلَفَ لَهُمَا فَصَدَّقَاهُ وَ عَذَّرَاهُ وَ قَالَ عَلِيٌّ ع عِنْدَ دَفْنِ فَاطِمَةَ ع كَأَلْمُنَاجِي بِذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ص عِنْدَ قَبْرِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ عَنْ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جَوَارِكَ إِلَى آخِرِ مَا سَيَأْتِي ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ بْنُ عِيْسَى الْحَدِيثُ ذُو شُجُونٍ أَنَشَدَنِي بَعْضُ الْأَصِيحَابِ لِلْقَاضِي أَبِي بَكْرٍ بْنِ أَبِي قُرَيْبَةَ يَا مَنْ يُسَائِلُ دَائِبًا عَنْ كُلِّ مُعْصِيَةٍ لَمْ يَخْفِ لَهَا تَكْشِيفُ مُعْطَى فَلَرُبَّمَا كَشَفْتَ جِيفَةً زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۲۷ وَ لَرُبَّ مَسْئُورٍ بَدَا كَالطُّبْلِ مِنْ تَحْتِ الْقَطِيفَةِ إِنَّ الْجَوَابَ لِحَاضِرٍ لَكِنِّي أَخْفِيهِ خِيفَةً لَوْ لَا اعْتِدَاءُ رَعِيَّتِهِ أُلْقَى سِيَاسَتَهَا الْخَلِيفَةُ وَ سَيُؤَفُّ أَعْدَاءُ بِهَا هَامَاتِنَا أَبَدًا نَقِيفَةً لَنَشْرُتُ مِنْ أَسِرَارِ آلِ مُحَمَّدٍ جَمَلًا طَرِيفَةً تُغْنِيكُمْ عَمَّا رَوَاهُ مَالِكٌ وَ أَبُو حَنِيفَةَ وَ أَرَيْتُكُمْ أَنَّ الْحَسَيْنَ أَصِيبَ فِي يَوْمِ السَّقِيفَةِ وَ لِأَيِّ حَالٍ لَحْدَتْ بِاللَّيْلِ فَاطِمَةُ الشَّرِيفَةُ وَ لِمَا حَمَتْ شَيْخِيكُمْ عَنْ وَطْءِ حُجْرَتِهَا الْمُنِيفَةِ أَوْهٍ لَبِثْتُ مُحَمَّدًا مَاتَتْ بِغَضَّتِهَا أَسِيفَةً وَ قَدْ وَرَدَ مِنْ كَلَامِهَا فِي مَرَضِ مَوْتِهَا مَا يَدُلُّ عَلَى شِدَّةِ تَأْلَمِهَا وَ عَظَمِ مَوْجِدَتِهَا وَ فِرَطِ شَكَايَتِهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ مَنَعَهَا حَقَّهَا أَعْرَضَتْ عَنْ ذِكْرِهِ وَ أَلْغَيْتِ الْقَوْلَ فِيهِ وَ نَكَبْتُ عَنْ إِيرَادِهِ لِأَنَّهُ غَرَضِي مِنْ هَذَا الْكِتَابِ نَعْتِ مَنَاقِبِهِمْ وَ مَزَايَاهُمْ وَ تَنْبِيهِ الْغَافِلِ عَنْ مَوَالِيَتِهِمْ فَرُبَّمَا تَنَبَّهَ وَ وَالَاهُمْ وَ وَصَفَ مَا خَصَّهُمُ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْفَضَائِلِ الَّتِي لَيْسَتْ لِأَحَدٍ سِوَاهُمْ فَأَمَّا ذِكْرُ الْغَيْرِ وَ الْبَحْثُ عَنِ الشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فَلَيْسَ مِنْ غَرَضِ هَذَا الْكِتَابِ وَ هُوَ مَوْكُولٌ إِلَى يَوْمِ الْحِسَابِ وَ إِلَى اللَّهِ تَصَدَّقُوا بِالْأُمُورِ. بيان النقص كسر الهامة عن الدماغ أو ضربها أشد ضرب أو برمح أو عصا

ترجمه

و نیز در کشف الغمه، از کتاب الذرّیّة الطاهره تألیف دولابی روایت شده: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مدت سه ماه بعد از پدر خود زنده بود. ولی ابن شهاب زهری و عایشه و عروّه بن زبیر گفته‌اند: آن بانو شش ماه بعد از رحلت پدر خود زنده بود. حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: فاطمه زهرا مدت نود و پنج روز بعد از پدر بزرگوارش زنده بود و در سال یازدهم

هجری از دنیا رفت. ابن قتیبه می گوید: مدت صد روز زنده بود. گفته شده: حضرت زهرا اطهر در سال یازدهم هجری، شب سه شنبه، سوم ماه رمضان در سن بیست و نه سالگی رحلت نمود. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۲۸ ابن عباس می گوید: آن هنگام که بیماری حضرت فاطمه شدت یافت، به اسماء بنت عمیس فرمود: آیا نمی بینی من در چه حالی هستم؟ مبادا مرا روی تخته ای بگذارید که جنازه ام ظاهر باشد! اسماء گفت: نه به جان خودم سوگند، بلکه نظیر آن تابوتی را برای تو درست می کنم که در حبشه دیده ام. حضرت زهرا به وی فرمود: پس نمونه آن را به من نشان بده! اسماء فرستاد تا از بازار شاخه های تازه خرما آوردند. آنگاه آن تابوتی را که در حبشه دیده بود، ساخت و آن اولین تابوتی بود که ساخته شد. حضرت زهرا پس از دیدن آن تابوت خندان شد و هیچ وقت غیر از آن موقع خندان نشده بود. سپس پیکر آن بانو را شبانه بردیم و دفن نمودیم و عباس بن عبد المطلب بر جنازه آن بانو نماز خواند. عباس و علی و فضل بن عباس در قبر آن بانو وارد شدند. از اسماء بنت عمیس روایت شده که گفت: فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به وی فرمود: من این عمل را زشت می دانم که یک پارچه روی جنازه زنان می اندازند زیرا هر کسی از حجم و وصف آن جنازه آگاه می شود. اسماء گفت: ای دختر رسول خدا! من نظیر آن تابوتی را که در سرزمین حبشه دیده ام، به تو نشان می دهم. آنگاه فرستاد تا شاخه های تازه خرما آوردند و او تابوتی نیکو ساخت و یک پارچه روی آن انداخت. حضرت زهرا فرمود: چقدر این تابوت خوب است، زیرا جنازه ای که در میان آن باشد تشخیص داده نمی شود که جنازه زن یا جنازه مرد است. سپس حضرت فاطمه به اسماء فرمود: پس از آنکه من مردم تو مرا غسل بده، احدی حق ندارد نزد من بیاید. و هنگامی که فاطمه از دنیا رحلت نمود، عایشه آمد که نزد جنازه اش برود، اسماء به وی گفت: مبادا نزد فاطمه بروی! عایشه به ابو بکر شکایت کرد و گفت: اسماء نمی گذارد من نزد دختر رسول خدا بروم، اسماء یک هودج نظیر هودج عروس برای فاطمه ساخته است. اسماء در جواب ابو بکر گفت: فاطمه به من دستور داده که کسی نزد جنازه اش نرود، من زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۲۹ این را در زمان حیات فاطمه طبق دستور شخص آن بانو ساخته ام. ابو بکر گفت: مانعی ندارد، آنچه را که فاطمه دستور داده انجام بده. ابو بکر این بگفت و باز گشت. آنگاه بدن آن حضرت را علی و اسماء غسل دادند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۰ / ۲۰- روضه الواعظین (۱) «مَرَضَتْ فَاطِمَةُ عَ مَرَضًا شَدِيدًا وَ مَكَثَتْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فِي مَرَضِهَا إِلَى أَنْ تُوفِّيَتْ صِلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا فَلَمَّا نُعِيَتْ إِلَيْهَا نَفْسُهَا دَعَتْ أُمَّ أَيْمَنَ وَ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ وَ وَجَّهَتْ خَلْفَ عَلِيٍّ وَ أَحْضَرَتْهُ فَقَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ إِنَّهُ قَدْ نُعِيْتُ إِلَى نَفْسِي وَ إِنِّي لَا أَرَى مَا بِي إِلَّا أَنَّنِي لَأَحِقُّ بِأَبِي سَاعَةً بَعِيدَ سَاعَةٍ وَ أَنَا أُوصِيكَ بِأَشْيَاءَ فِي قَلْبِي قَالَ لَهَا عَلِيٌّ عَ أَوْصِيْنِي بِمَا أَحْبَبْتَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهَا وَ أَخْرَجَ مِنْ كَانٍ فِي الْبَيْتِ ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ عَمٍّ مَا عَهْدْتَنِي كَذِبَةً وَ لَا خَائِنَةً وَ لَا خَالَفْتَكِ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي فَقَالَ عَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَكْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوبِخَكَ بِمُخَالَفَتِي قَدْ عَزَّ عَلَيَّ مُفَارَقَتُكَ وَ تَفَقُّدُكَ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ اللَّهُ جَدَّدَتْ عَلَيَّ مَصِيبَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدْ عَظُمَتْ وَفَاتُكَ وَ قَفْدُكَ فِإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مِنْ مَصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَ أَلَمَهَا وَ أَمْضَهَا وَ أَخْرَجَهَا هَذِهِ وَ اللَّهُ مَصِيبَةُ لَا عَزَاءَ لَهَا وَ زَرِيَّةٌ لَا خَلْفَ لَهَا ثُمَّ بَكَيَا جَمِيعًا سَاعَةً وَ أَخَذَ عَلِيٌّ رَأْسَهَا وَ ضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ أَوْصِيْنِي بِمَا شِئْتَ فَإِنَّكَ تَجِدُنِي فِيهَا أَمُصِّي كَمَا أَمَرْتَنِي بِهِ وَ اخْتَارَ أَمْرُكَ عَلَيَّ أَمْرِي ثُمَّ قَالَتْ جَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ يَا ابْنَ عَمٍّ رَسُولِ اللَّهِ أَوْصِيْكَ أَوَّلًا أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعِيدِي بِابْنِهِ أَخْتِي أُمَامَةَ فَإِنَّهَا تَكُونُ لَوَلَدِي مِثْلِي فَإِنَّ الرِّجَالَ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ قَالَ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَرْبَعٌ لَيْسَ لِي إِلَى فِرَاقِهِ سَبِيلٌ - بِنْتُ أَبِي الْعَاصِ أُمَامَةُ أَوْصِيْتَنِي بِهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص ثُمَّ قَالَتْ أَوْصِيْكَ يَا ابْنَ عَمٍّ أَنْ تَتَّخِذَ لِي نَعْشًا فَقَدْ رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ صَوَّرُوا صُورَتَهُ فَقَالَ لَهَا صِفِي لِي فَوَصَفَتْهُ فَاتَّخَذَهَا لَهَا فَأَوَّلُ نَعْشٍ عَمِلَ عَلَى

ترجمہ

www.noorfatemah.org

زمین ساخته شد، کسی قبلاً نظیر آن را ندیده بود و بعداً هم ساخته نشد. حضرت فاطمه پس از این جریان به حضرت علی رو کرد و گفت: مبادا احدی از این گروهی که در حق من ظلم روا داشتند و حق مرا غصب کردند برای تشییع جنازه‌ام حاضر شوند!! زیرا ایشان دشمن من و دشمن رسول خدا می‌باشند. مبادا بگذاری احدی از آنان و پیروانشان به جنازه‌ام نماز بخوانند!! مرا شبانه در آن هنگام که چشمها همه به خواب رفته باشند، دفن کن. پس از این وصیت بود که فاطمه زهرا از دنیا رفت. آنگاه اهل مدینه عموماً صدا به ضجه و فریاد بلند کردند، زنان بنی هاشم در میان خانه حضرت فاطمه اجتماع نمودند و به نحوی صدا به صیحه و گریه بلند کردند که نزدیک بود مدینه طیبه به علت گریه آنان از جا کنده شود! مردم فریاد می‌زدند: یا سیدتاه! یا بنت رسول الله! مردم همچنان پشت سر یکدیگر به حضور حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام شدند و آن بزرگوار نشسته بود و حسنین علیهما السلام در حضور آن حضرت مشغول گریه بودند و مردم به واسطه گریه آنان اشک می‌ریختند! ام کلثوم در حالی خارج شد که روبنده به صورت داشت و دامن لباسش به زمین کشیده می‌شد، فریاد می‌زد و می‌گفت: ای پدر بزرگوارم، یا رسول الله! گویا که هم اکنون تو را به نحوی از دست دادیم که بعداً ملاقاتی در کار نخواهد بود! مردم مدینه اجتماع کردند و نشستند، در انتظار بودند که جنازه حضرت فاطمه خارج شود و بر آن نماز بخوانند. ولی ابوذر بیرون آمد و به مردم گفت: برگردید، زیرا خارج کردن جنازه دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به تأخیر افتاد. مردم برخاستند و رفتند. هنگامی که چشم مردم به خواب رفت و قسمتی از شب گذشته بود علی بن ابی طالب و حسنین علیهم السلام با عمار، مقداد، عقیل، زبیر، ابوذر، سلمان، بریده و گروهی از بنی هاشم جنازه مبارک حضرت زهرا را خارج نمودند و بر بدن آن بانو نماز خوانده او را شبانه به خاک سپردند. آنگاه حضرت علی در اطراف قبر فاطمه علیها السلام صورت هفت قبر تشکیل داد که قبر مطهر فاطمه تشخیص داده نشود. بعضی از خواص گفته‌اند که قبر حضرت زهرا را با زمین یکسان زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۳۳ نمودند تا محل قبر مشخص نباشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۱/ ۲۱- الکافی (۱) «أَخْبَدُ بْنُ مِهْرَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ وَأَخْبَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَرَمَزَانِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ عَ دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ سِرًّا وَعَمَّا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَزَائِرَتِكَ وَالْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِقُبْعَتِكَ وَالْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَن صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَعَفَا عَنْ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلَّدِي إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ لِي بِسَيِّئَتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعٌ تَعَزُّ فَلَقَدْ وَسَدْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ وَفَاضَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَخْرِي وَصَدْرِي بَلَى وَفِي كِتَابِ اللَّهِ لِي أَنْعَمُ الْقَبُولُ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ قَدْ اسْتَرْجَعَتِ الْوَدِيعَةُ وَأُخِذَتِ الرَّهْنَةُ وَأُخْلِصَتِ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَفْبَحَ الْخَضْرَاءُ وَالْغُبْرَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا حُزْنِي فَسِرْمَدٌ وَأَمَّا لَيْلِي فَمَسِيْهَةٌ وَهَمٌّ لَا يَبْرُحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ كَمَا مُقِيمٌ وَهُمْ مُهَيَّجٌ سِرْعَانَ مَا فَزَقَ بَيْنَنَا وَإِلَى اللَّهِ أَشْكُو وَسَيُّئَتُكَ ابْنَتُكَ بِتَطَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ وَاسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلَجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَثِّ سَبِيلًا وَسَيَقُولُ وَيَحْكُمُ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمَا سَلَامٌ مُودَعٌ لَا قَالٍ وَلَا سَيِّمٌ فَإِنْ أَنْصَرِفَ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَإِنْ أَقِمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ وَاهَا وَاهَا وَالصَّبْرُ أَيْمُنٌ وَأَجْمَلٌ وَلَوْ لَا غَلِيَّةُ الْمُسَيِّتُولِينَ لَجَعَلْتُ الْمَقَامَ وَاللَّبَثَ لِرَأْمًا مَعْكُوفًا وَلَا عَوْلَتْ إِعْوَالَ الثُّكْلَى عَلَى جَلِيلِ الرَّزِيَّةِ فَيَعِينِ اللَّهُ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ سِرًّا وَتُهَضَّمُ حَقُّهَا وَيُمْنَعُ إِرْثُهَا وَلَمْ يَتْبَاعِدِ الْعَهْدُ وَلَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ الذُّكْرُ وَإِلَى اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَكَى وَفِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْسَنَ الْغَزَاءِ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْكَ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۳۴ وَ عَلَیْهَا السَّلَامُ وَ الرِّضْوَانُ بَیَانِ الْعَفْوِ الْمَحْوِ وَ الْإِنْجَاءِ وَ التَّجَلُّدِ الْقُوَّةُ قَوْلُهُ عِلاَّ أَنْ فِی التَّأْسِی لِی بَسَنْتُكَ أِیْ بَسْنَهُ فَرَقْتُكَ وَ الْمَعْنَى أَنَّ الْمَصِیْبَةَ بِفِرَاقِكَ كَانَتْ أَعْظَمَ فَكَمَا صَبَرْتَ عَلَى تِلْكَ مَعَ كَوْنِهَا أَشَدَّ فَلَأَنْ أَصْبَرَ عَلَى هَذِهِ أَوَّلَى وَ التَّأْسِی الْإِقْتِدَاءُ بِالصَّبْرِ فِی هَذِهِ الْمَصِیْبَةِ كَالصَّبْرِ فِی تِلْكَ وَ فَاضَتْ نَفْسُهُ خَرَجَتْ رُوحُهُ. قَوْلُهُ عِ فِی كِتَابِ اللَّهِ أَنْعَمَ الْقَبُولُ أِیْ فِیهِ مَا یَصِیْرُ سَبِیلاً لِقَبُولِ الْمَصَائِبِ أَنْعَمَ الْقَبُولُ وَ اسْتِعَارَ لَفْظَ الْوَدِیْعَةِ وَ الرِّهْنِ لِتِلْكَ النَّفْسِ الْكَرِیْمَةِ لِأَنَّ الْأَرْوَاحَ كَالْوَدِیْعَةِ وَ الرِّهْنِ فِی الْأَبْدَانِ أَوْ لِأَنَّ النِّسَاءَ كَالْوَدَائِعِ وَ الرِّهَائِنِ عِنْدَ الْأَزْوَاجِ وَ یُمْكِنُ أَنْ یَقْرَأَ اسْتَرْجَعْتَ وَ قَرَأْتَهُ عَلَى بِنَاءِ الْمَعْلُومِ وَ الْمَجْهُولِ. وَ التَّخَالُصُ التَّسَالُبُ وَ السُّهُودُ قَلَّةُ النَّوْمِ أَوْ یَخْتَارُ أِیْ إِلَى أَنْ یَخْتَارَ وَ الْكَمْدُ بِالْفَتْحِ وَ بِالْتَّحْرِیكِ الْحُزْنُ الشَّدِیدُ وَ مَرَضُ الْقَلْبِ مِنْهُ وَ هُوَ إِمَّا خَبَرٌ لِقَوْلِهِ هُمْ أَوْ كُلٌّ مِنْهُمَا خَبَرٌ مُبْتَدِئٌ مَحْذُوفٌ وَ الْهَضْمُ الظُّلْمُ وَ الْإِحْفَاءُ الْمُبَالَغَةُ فِی السُّؤَالِ وَ الْغَلِیلُ حَرَارَةُ الْجَوْفِ وَ اعْتَلَجَتْ الْأَمْوَاجُ التَّطَلُّمَتْ - وَ فِی نَهْجِ الْبَلَاغَةِ وَ كَشَفِ الْغَمَّةِ وَ السَّلَامُ عَلَیْكَمَا سَلَامٌ مُودَعٌ. وَ عَكَفَهُ یَعْكُفُهُ حَبْسُهُ وَ الْإِعْوَالُ رَفْعُ الصَّوْتِ بِالْبُكَاءِ وَ الصِّیَاحِ قَوْلُهُ فَبَعِیْنِ اللَّهُ أِیْ تَدْفِنُ ابْتِئَاكَ سِرّاً مُتَبَسِّساً بِعَلَمٍ مِنْ اللَّهِ وَ حُضُورِهِ وَ شُهُودِهِ قَوْلُهُ عِ وَ فِیْكَ أِیْ فِی إِطَاعَةٍ أَمْرِكَ

ترجمه

در کتاب کافی از امام حسین علیه السلام روایت شده است: هنگامی که فاطمه زهرا قبض روح شد، حضرت علی آن بانو را مخفیانه به خاک سپرد و موضع قبر مقدسش را محو نمود. آنگاه برخاست و رو به سوی قبر مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کرد و گفت: یا رسول الله! سلام من و سلام دخترت فاطمه بر تو باد، همان دخترت که به زیارت تو آمده و در بقعه تو خوابیده و خداوند خواست که به سرعت به تو ملحق شود. ای رسول خدا! از فراق دختر برگزیده تو صبر و شکیبایی من قلیل و اندک شده، قدرت من از دوری برترین زنان فاطمه ضعیف گردید، ولی برای مقاومت تأسی نمودن به تو موجب تسلیت من خواهد شد. من تو را به دست خود به خاک سپردم، در صورتی که جان مقدس تو در گلو و سینه من بود. آری آنچه که در قرآن است می‌پذیرم و می‌گویم: اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا الیه زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۳۵ راجعون، یا رسول الله! آن امانتی را که به من دادی پس گرفته شد! سپرده باز گرفته شد! فاطمه زهرا را بردی، یا رسول الله چقدر این آسمان سبز و زمین غبار آلود در نظر من تیره و تار است!! غم و اندوه من همیشگی گردیده! شب من با بیخوابی می‌گذرد! این غم از قلب من خارج نمی‌شود تا آن زمانی که خداوند مرا در آن خانه‌ای که تو در آن هستی وارد نماید! در دلم دردی است که آن را جریحه‌دار می‌کند و هم و غمی است تکاندهنده! چه زود بین ما جدایی افتاد!! من درد دل خود را برای خداوند می‌گویم. دخترت به زودی تو را از اینکه اُمّت تو متحد شدند و حقّ او را پایمال کردند آگاه خواهد کرد! جریان را از فاطمه‌ات جویا شود و شرح حال را از وی بخواه! چه غم و غصه‌هایی که در دل او جایگزین شدند! او نمی‌توانست برای کسی درد دل کند. وی همه آنها را برای تو خواهد گفت. خداوند که بهترین حکم‌کنندگان است حکم خواهد کرد. سلام من بر شما باد، سلامی که به منزله وداع من باشد، نه آن سلامی که شما را ترک نمایم، اگر باز گردم از ملالت و خستگی نیست و اگر نزد قبر تو اقامت گزینم به علّت بدگمانی نیست که خداوند به صابرين وعده ثواب داده است. صبر و شکیبایی مبارکتر و نیکوتر است. اگر برای غلبه افرادی که بر او مستولی شدند نبود بر خود لازم می‌دانستم که نزد قبر تو اقامت گزینم و معتکف گردم و برای این مصیبت بزرگ نظیر زن جوان مرده ناله و فریاد می‌کردم. خداوند می‌بیند که دختر تو مخفیانه دفن می‌شود! حقّ وی غصب شد! از گرفتن ارث ممنوع گردید! در صورتی که از زمان تو تا به حال چندان مدتی نگذشته و ذکر تو متروک نشده است! یا رسول الله من به خداوند شکایت می‌کنم و پیمودن راهی که تو رفتی برای من بهترین تسلیت است. یا رسول الله صلوات خداوند بر تو و سلام و خشنودی خداوند بر فاطمه باد!

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۲ / ۲۲- الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَجْلُوبٍ عَنْ ابْنِ رَبَاطٍ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۳۶ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ الْجَفْرِ فَقَالَ هُوَ جِلْدٌ ثَوْرٍ مَمْلُوءٌ عِلْمًا قَالَ لَهُ فَالْجَامِعَةُ قَالَ تِلْكَ صَاحِبَةُ طَوْلِهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي عَرْضِ الْأَدِيمِ مِثْلُ فَخِذِ الْفَالِجِ فِيهَا كُلُّ مَا يَخْتَانُجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ لَيْسَ مِنْ قَضِيَّتِهِ إِلَّا وَ هِيَ فِيهَا حَتَّى أُرْشُ الْخَدَّشِ قَالَ فَمُصْطَفَى فَاطِمَةَ عَ قَالَ فَسَبَّكَ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ إِنَّكُمْ لَتَبْتَخُونُ عَمَّا تُرِيدُونَ وَ عَمَّا لَا تُرِيدُونَ إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا وَ كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا وَ كَانَ جَبْرِئِلُ يَأْتِيهَا فَيُحَسِّنُ عَزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا وَ يُطِيبُ نَفْسَهَا وَ يُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَ مَكَانِهِ وَ يُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَ كَانَ عَلِيُّ عَ يَكْتُبُ ذَلِكَ فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَ

ترجمه

در کتاب کافی آمده است که ابو عبیده گفته: یکی از شیعیان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام راجع به جفر جویا شد حضرت صادق فرمود: جفر پوست گاوی است که مملو از علم است. گفت: معنی جامعه چیست؟ فرمود: جامعه صحیفه‌ای است که طول آن هفتاد ذراع «۱» است و به پهنای یک پوست و به ضخامت یک طناب خیلی ضخیم است. در آن صحیفه آنچه را که مردم احتیاج داشته باشند موجود و مرقوم است. هیچ قضیه و مطلبی نیست که در آن نباشد، حتی دیه و جریمه خراشیدگی در آن نوشته شده است. راوی جویا شد: مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ امام صادق علیه السلام پس از سکوتی طولانی فرمود: شما در باره مطالب اعم از آنکه بدانها احتیاج دارید و یا ندارید، سؤال و جستجو می‌کنید؟! حضرت فاطمه مدت هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پدر بزرگوارش زنده و به علت از دست دادن پدر خویش دچار غم و اندوه شدیدی بود. جبرئیل نزد آن بانوی معظم می‌آمد و به وی تسلیت می‌گفت و خاطر او را آرام می‌کرد، وی را از مقام و مکان پدر بزرگوارش آگاه می‌نمود. و آن حضرت را از مصایبی که بعد از فرزندانش بدانها دچار می‌شوند، مطلع می‌کرد و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام آن مطالب را می‌نوشت و این زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۳۷ مصحف فاطمه است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۳ / ۲۳- الکافی «۱» الْعَمَدَةُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ إِنَّ أَسْقَاطَكُمْ إِذَا لَقَوْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ تَسْمُوهُمْ يَقُولُ السَّقَطُ لِأَبِيهِ أَلَا سَمَّيْتَنِي وَ قَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ صَ مُحَسِّنًا قَبْلَ أَنْ يُؤَلَّدَ بَيَانٌ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ وَ قَدْ سَمَى كَلَامُ السَّقَطِ

ترجمه

و در همان کتاب از امام علی علیه السلام روایت شده است که گفت: آن کودکانی که از شما سقط می‌شوند و نامی برای آنان نمی‌گذارید روز قیامت که شما را ملاقات می‌کنند خواهند گفت: چرا نام ما را تعیین نکردید، در صورتی که رسول خدا صلی الله

علیه و آل و سلم کودک حضرت فاطمه را قبل از اینکه متولد شود محسن نامید؟!

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۴ / ۲۴- الکافی «۲» الْعِدَّةُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَاشَتْ فَاطِمَةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا لَمْ تَرَ كَاشِرَةً وَلَا ضَاحِكَةً تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسَ فَتَقُولُ ع هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ وَ هَاهُنَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ وَ فِي رِوَايَةٍ أَبَانٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهَا كَانَتْ تُصَلِّي هُنَاكَ وَ تَدْعُو حَتَّى مَاتَتْ ع - کا، علی عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام مثله

ترجمه

و در کتاب کافی از هشام بن سالم روایت شده که گفته: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: حضرت فاطمه بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آل و سلم مدت هفتاد و پنج روز زنده بود و کسی در این مدت وی را خندان و خوشحال ندید! در هر هفته ای دو مرتبه که روزهای دو شنبه و پنج شنبه بود کنار قبر شهیدان می آمد و می فرمود: پیامبر خدا در اینجا بود و مشرکین در آنجا بودند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۳۸ در روایت ابان از حضرت صادق نقل می کند که فرمود: حضرت فاطمه بر سر قبر شهدا نماز خواند و دعا کرد تا از دنیا رحلت نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۵ / ۲۵- الکافی «۱» حُمَيْدٌ عَنِ ابْنِ سَيِّمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ جَاءَتْ فَاطِمَةُ ع إِلَى سَارِيَةِ فِي الْمَسْجِدِ وَ هِيَ تَقُولُ وَ تُخَاطِبُ النَّبِيَّ ص قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَ هَبْنَتْهُ لَوْ كُنْتُ شَاهِدَهَا لَمْ يَكُنْ الْخُطْبُ إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَابِلَهَا وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَ لَا تَغِبْ بَيَانِ قَالَ الْجَزْرِيُّ الْهَنْبَةُ وَاحِدَةُ الْهَنَابِثِ وَ هِيَ الْأُمُورُ الشَّدَادُ الْمُخْتَلَفَةُ وَ الْهَنْبَةُ الْإِخْتِلَاطُ فِي الْقَوْلِ وَ الشُّهُودِ الْحُضُورِ وَ الْخُطْبُ بِالْفَتْحِ الْأَمْرُ الَّذِي تَقَعُ فِيهِ الْمُخَاطَبَةُ وَ الشَّأْنُ وَ الْحَالُ وَ الْوَابِلُ الْمَطَرُ الشَّدِيدُ

ترجمه

در کافی از حمید بن مفضل از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: فاطمه زهرا نزد یکی از ستون های مسجد حضرت رسول آمد و به پیغمبر خدا این چنین خطاب کرد و این دو شعر را خواند: ۱- پدر جان! بعد از تو قیل و قال ها و سر و صداهایی به پا شد که اگر تو می بودی و مشاهده می کردی این اختلافات زیاد نمی شد. ۲- ما تو را آن طور از دست دادیم که زمین باران رحمت خود را از دست بدهد، امور امت تو مختل و نامنظم شد، بیا و مشاهده کن و غایب مباش!

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۶ / ۲۶- إقبال الأعمال «۲» رَوَيْنَا عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا ذَكَرْنَاهُمْ فِي كِتَابِ التَّعْرِيفِ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۳۹ لِمَوْلِدِ الشَّرِيفِ أَنَّ وَفَاةَ فَاطِمَةَ ع صَارَتْ يَوْمَ ثَالِثِ جُمَادَى الْآخِرَةِ

ترجمه

در اقبال الاعمال از کتاب التعریف للمولد الشریف روایت شده: وفات حضرت فاطمه در روز سوم جمادی الثانی بوده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۷ / ۲۷- المناقب أَنشَدَتِ الزَّهْرَاءُ ع بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهَا ص وَقَدْ رُزِنَا بِهِ مَحْضًا خَلِيقَتُهُ صَافِي الضَّرَائِبِ وَالْأَعْرَاقِ وَالنَّسَبِ وَكُنْتُ بَدْرًا وَنُورًا يُشِيعُ تَضَاءُ بِهِ عَلَيْكَ تَنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ وَكَأَنَّ جَبْرِيْلَ رُوحَ الْقُدُسِ زَائِرُنَا فَغَابَ عَنَّا وَكُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجِبٌ فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادَفَنَا لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتِ دُونَكَ الْحُجُبُ إِنَّا رُزِنَا بِمَا لَمْ يُرَزْ دُو شَجِنٍ مِنَ الْبَرِيَّةِ لَا عُجْمٌ وَلَا عَرَبٌ ضَاقَتْ عَلَيَّ بِلَادُ بَعِيدٍ مَا رَحُبْتُ وَسَيِّمَ سَبْطَاكَ خَسِفًا فِيهِ لِي نَصَبُ فَأَنْتَ وَاللَّهِ خَيْرُ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ وَأَصْدَقُ النَّاسِ حَيْثُ الصَّدْقُ وَالْكَذِبُ فَسَوْفَ نَبْكِيكَ مَا عَشْنَا وَمَا بَقِيَتْ مِنَّا الْعُيُونُ بِتَهْمَالٍ لَهَا سَكْبُ عَمْرُو بْنُ دِينَارٍ عَنِ الْبَاقِرِ ع قَالَ مَا رُئِيَ فَاطِمَةُ ع صَاحِكَةً قَطُّ مُنْذُ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَتَّى قُبِضَتْ بَيَانَ الرِّزْءِ بِالضَّمِّ وَالهَمْزَةُ الْمَصِيبَةُ بِفَقْدِ الْأَعْزَةِ وَرُزْنًا عَلَى صَيْغَةِ الْمَجْهُولِ أَيْ أَصَبْنَا وَأَسْقَطْتَ الْهَمْزَةَ لِلتَّخْفِيفِ وَقَوْلُهُ مَحْضًا خَلِيقَتُهُ مَفْعُولٌ ثَانٍ لِرُزْنِنَا عَلَى التَّجْرِيدِ كَقَوْلِهِمْ لَقِيتُ بَزِيدَ أَسَدًا أَيْ رُزِنْتُ بِهِ بِشَخْصٍ مَحْضٍ الْخَلِيقَةُ لَا يَشُوبُهَا كَدْرٌ وَسُوءٌ وَالضَّرِيبَةُ الطَّبِيعَةُ وَالسَّجِيَّةُ وَالْأَعْرَاقُ جَمْعُ عِرْقٍ بِالْكَسْرِ وَهُوَ الْأَصْلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَالشَّجْنُ بِالتَّحْرِيكِ الْهَمُّ وَالْحُزْنُ وَالْعَجْمُ بِالضَّمِّ وَبِالتَّحْرِيكِ خِلَافُ الْعَرَبِ وَقَالَ الْجَزْرِيُّ الْخَسْفُ النِّقْصَانُ وَالْهُوَانُ وَسِيمٌ كَلْفٌ وَأَلْزَمٌ وَهَمَلْتُ عَيْنَهُ فَاضْتُ

ترجمه

در مناقب ابن شهر آشوب آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مرثیه او سرود: ۱- حَقًّا که ما دچار مصیبت شخصی شدیم که مخلوقی منحصر به فرد و دارای طبیعت و رگ و ریشه و حسب و نسب صاف و پاکی بود. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۴۰ ۲- پدر جان! تو همان ماه شب چهارده و نوری بودی که موجودات از نور آن بهره‌مند می‌شدند، از طرف خداوند با عزت کتبی به تو نازل می‌گردید. ۳- جبرئیل که روح القدس است به زیارت ما می‌آمد، ولی اکنون از نظر ما غایب شده و کلیه اخبار آسمانی بر ما پوشیده و نامعلوم است. ۴- پدر جان! ای کاش مرگ قبل از تو ما را ربوده بود، در آن هنگام که تو در گذشتی و پرده‌ها بین ما و تو حایل شدند. ۵- پدر جان! ما به مصیبتی مبتلا شدیم که هیچ مصیبت زده‌ای در میان خلق عرب و عجم به آن مبتلا نشد. ۶- دنیا با آن وسعتی که برای من داشت اکنون تنگ شده، دو سبط تو حسن و حسین در نظر مردم دچار نقص و ذلتی شده‌اند که مرا رنج می‌دهد. ۷- پدر جان! به خداوند سوگند که تو بهترین خلق بودی، هر کجا که راست و دروغی در کار بود تو راست‌گوترین مردم بودی. ۸- پدر جان! تا ما زنده و چشمان ما باقی و دارای اشک باشند برای تو گریه می‌کنیم. و عمرو بن دینار از امام صادق علیه السلام نقل کرده: بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگز حضرت فاطمه علیها السلام خندان و خوشحال دیده نشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۸ / ۲۸- الإحتجاج «۱» فِيمَا اخْتَجَّ بِهِ الْحَسَنُ عَلَى مُعَاوِيَةَ وَأَضْيَحَاهُ أَنَّهُ قَالَ لِمُغِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ أَنْتَ ضَرَبْتَ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى أَدْمَيْتَهَا وَأَلْقَتْ مِأً فِي بَطْنِهَا اسْتِذْلَالًا مِنْكَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَمُخَالَفَةً مِنْكَ لِأَمْرِهِ وَأَنْتِهَاكَ لِحُزْمَتِهِ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَاللَّهُ مُصَيِّرُكَ إِلَى النَّارِ

ترجمه

در کتاب احتجاج آمده است: امام حسن علیه السلام در احتجاجاتی که با معاویه و اصحابش داشت خطاب به مغیره بن شعبه گفت: تو همان کسی هستی که فاطمه دختر پیغمبر خدا را زدی و بدنش را خون آلود نمودی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۴۱ او بدین جهت جنین خود را سقط کرد. تو این عمل را به علت اینکه رسول خدا را ذلیل شمری و با امر آن حضرت مخالفت کنی و نسبت به آن بزرگوار هتک حرمت کرده باشی انجام دادی. در صورتی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا ای اطهر می فرمود: ای فاطمه! تو برترین زنان اهل بهشت می باشی. ای مغیره! بدان که خداوند تو را طعمه آتش جهنم خواهد کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۹ / ۲۹- أَقُولُ، وَجَدْتُ فِي كِتَابِ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهَلَالِيِّ «۱» بِرَوَايَةِ أَبَانِ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سَلْمَانَ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَا تُوَفِّي رَسُولُ اللَّهِ ص يَوْمَ تُوَفِّي فَلَمْ يُوضَعْ فِي حُفْرَتِهِ حَتَّى نَكُثَ النَّاسُ وَارْتَدُّوا وَاجْتَمَعُوا عَلَى الْخِلَافِ وَاشْتَغَلَ عَلِيٌّ ع بِرَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى فَرَغَ مِنْ غَسِيلِهِ وَتَكْفِينِهِ وَتَحْنِيطِهِ وَوَضَعِهِ فِي حُفْرَتِهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى تَأْلِيفِ الْقُرْآنِ وَشَغِلَ عَنْهُمْ بِوَصِيَّتِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ عُمَرُ لِأَبِي بَكْرٍ يَا هَذَا إِنْ النَّاسَ أَجْمَعِينَ قَدْ بَايَعُوكَ مَا خَلَا هَذَا الرَّجُلَ وَأَهْلَ بَيْتِهِ فَابْعَثْ إِلَيْهِ فَبَعَثَ إِلَيْهِ ابْنَ عَمِّ لِعُمَرَ يُقَالُ لَهُ قُنْفُذٌ فَقَالَ لَهُ يَا قُنْفُذُ انْطَلِقْ إِلَيَّ فَقُلْ لَهُ أَجَبْتُ خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ فَبَعَثْنَا مَرَارًا وَابْنُ عَلِيٍّ ع أَنْ يَأْتِيَهُمْ فَوَثَبَ عُمَرُ غَضَبًا وَنَادَى خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ وَقُنْفُذًا فَأَمَرَهُمَا أَنْ يَحْمِلَا حَطَبًا وَنَارًا ثُمَّ أَقْبَلَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى بَابِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ ص لَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَفَاطِمَةُ قَاعِدَةٌ خَلْفَ الْبَابِ قَدْ عَصَبَتْ رَأْسَهَا وَنَحَلَ جِسْمُهَا فِي وَفَاهِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَقْبَلَ عُمَرُ حَتَّى ضَرَبَ الْبَابَ ثُمَّ نَادَى يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ افْتَحِ الْبَابَ فَقَالَ فَاطِمَةُ يَا عُمَرُ مَا لَنَا وَلِمَكَ لِمَا تَدْعُنَا وَمَا نَحْنُ فِيهِ قَالَ افْتَحِيَ الْبَابَ وَإِلَّا أَحْرَقْنَا عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ يَا عُمَرُ أَمَا تَتَّقِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ تَدْخُلُ عَلَى بَيْتِي وَتَهْجُمُ عَلَى دَارِي فَأَبَى أَنْ يَنْصَرِفَ ثُمَّ دَعَا عُمَرَ بِالنَّارِ فَأَضْرَمَهَا فِي الْبَابِ فَأَحْرَقَ الْبَابَ ثُمَّ دَفَعَهُ عُمَرُ فَاسْتَقْبَلَتْهُ فَاطِمَةُ ع وَصَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَرَفَعَ السَّيْفَ وَهُوَ فِي غَمْدِهِ فَوَجَّأَ بِهِ جَنْبَهَا فَصَرَحَتْ فَفَرَّقَ السُّوْطَ فَضْرَبَ بِهِ ذِرَاعَهَا فَصَاحَتْ يَا أَبَتَاهُ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۴۲ فَوَثَبَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَأَخَذَ بِنَلَّابِ عُمَرَ ثُمَّ هَرَّهَ فَصَرَعَهُ وَجَأَ أَنْفَهُ وَرَقَبَتَهُ وَهَمَّ بِقَتْلِهِ فَذَكَرَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَمَا أَوْصَاهُ بِهِ مِنَ الصَّبْرِ وَالطَّاعَةِ فَقَالَ وَالَّذِي كَرَّمَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ يَا ابْنَ صِيْهَاكَ لَوْ لَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَعَلِمْتُ أَنَّكَ لِمَا تَدْخُلُ بَيْتِي فَأَرْسَلَ عُمَرَ يَسْتَعِثُّ فَأَقْبَلَ النَّاسُ حَتَّى دَخَلُوا الدَّارَ فَكَاثَرُوهُ وَالْقَوَا فِي عُنُقِهِ حَبَلًا فَحَالَتْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ فَاطِمَةُ ع عِنْدَ بَابِ الْبَيْتِ فَضَرَبَهَا قُنْفُذُ الْمَلْعُونِ بِالسُّوْطِ فَمَاتَتْ حِينَ مَاتَتْ وَإِنَّ فِي عَضْدِهَا كِمِثْلِ الدُّمْلُجِ مِنْ ضَرْبَتِهِ لَعَنَهُ اللَّهُ فَالْجَأَهَا إِلَى عِصَادَةِ بَيْتِهَا وَدَفَعَهَا فَكَسَرَ رِجْلَهَا مِنْ جَنْبِهَا فَالْقَتْ جَنِينًا مِنْ بَطْنِهَا فَلَمْ تَزَلْ صَاحِبَةً فَرَّاشٍ حَتَّى مَاتَتْ صِلَى اللَّهِ عَلَيْهَا مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً وَسَاقَ

ترجمہ

www.noorfatemah.org

قنفذ بود، خواست و به او گفت: نزد علی برو، به وی بگو: خلیفه پیغمبر تو را خواسته! چندین مرتبه قنفذ این مأموریت را انجام داد ولی حضرت امیر نزد آنان نیامد. عمر در حالی که خشمناک بود برجست و خالد بن ولید و قنفذ را خواست، به آنان دستور داد تا هیزم و آتش برداشتند و به سوی خانه حضرت روانه شدند. در آن هنگام حضرت زهرا علیها السلام پشت در نشسته بود و جسم آن بانو پس از رحلت رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ ناتوان شده بود. عمر به در خانه علی که رسید دقّ الباب کرد و فریاد زد: ای پسر ابی طالب! در را باز کن! حضرت زهرا فرمود: ما را با تو چه کار که نمی‌گذاری به عزاداری خویشتن مشغول باشیم؟! عمر به حضرت فاطمه گفت: در را باز کن! و آلا آتش به جان شما می‌زنیم! فاطمه زهرا در جوابش فرمود: آیا از خدای توانا نمی‌ترسی که داخل خانه من می‌شوی و به خانه‌ام حمله و هجوم می‌کنی؟! ولی او حاضر نشد که برگردد! آتش خواست و در خانه را آتش زد. وقتی در سوخت، او در را باز کرد! در همین لحظه بود که حضرت زهرا در مقابل وی قرار گرفت و فریاد زد: پدر جان! ای رسول خدا! او شمشیر خود را همان طور که در غلاف بود، بلند کرد و به پهلوی فاطمه علیها السلام زد، وقتی ناله آن بانوی مظلومه بلند شد با تازیانه به نحوی به ساق دست آن حضرت نواخت که صیحه‌ای زد و پدر خود رسول خدا را به فریاد طلبید. هنگامی که حضرت امیر با این منظره مواجه شد از جای برجست و کمر بند او را گرفت و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۴۵ او را از جای کند و بر زمین افکند آنگاه بینی و گردن وی را کوبید و تصمیم گرفت که او را به قتل رساند! ولی دستور پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ را به یاد آورد که به آن حضرت فرموده بود: باید صبور و شکیا باشی، لذا فرمود: ای پسر صهاک! سوگند به حقّ آن خدایی که حضرت محمّد را به مقام نبوّت گرامی داشت اگر نه چنین بود که من به خاطر امر خداوند باید صبر کنم تو می‌دیدی که نمی‌توانستی داخل خانه من شوی! و عمر پیوسته استغاثه می‌کرد! در این هنگام مردم به میان خانه علی ریختند و بر آن حضرت غلبه یافته ریسمان به گردن مقدّسش انداختند! فاطمه زهرا نزدیک در آمد که حضرت امیر را از دست آنان رها کند، ولی قنفذ آن بانوی مظلومه را هدف تازیانه قرار داد! و اثر آن تازیانه نظیر یک بازوبند به بازوی آن حضرت بود تا زمانی که رحلت فرمود. آنگاه آن بانو را به نحوی به در کوبید که دنده و پهلوی شکست و جنین خود را که در رحم داشت سقط کرد! پس از آن زهرا علیها السلام چنان در بستر بیماری افتاد که دیگر برنخاست و به شهادت رسید. سپس حضرت فاطمه مَطَّلَع گشت که ابو بکر فدک را گرفته! آن مظلومه با گروهی از زنان نزد ابو بکر آمد و فرمود: آیا می‌خواهی زمینی را که پدرم پیغمبر خدا به من عطا فرموده بگیری؟! ابو بکر دوات خواست تا بنویسد که فدک مال فاطمه باشد. عمر وارد شد و به او گفت: ای خلیفه پیامبر خدا! مبادا سند فدک را برای زهرا بنویسی مگر اینکه برای ادّعی خود شاهد بیاورد. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: علی و امّ ایمن برای مدّعی من شهادت می‌دهند. عمر گفت: شهادت زن عجمی که فصاحت ندارد قبول نیست. علی هم روی خمیر خود آتش می‌کشد «۱»!! زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۴۶ حضرت فاطمه با حالتی خشمناک مراجعت کرد و بیمار گردید. یک روز علی بن ابی طالب علیه السلام در مسجد نمازهای پنج‌گانه را به جای می‌آورد که ابو بکر و عمر به آن حضرت گفتند: دختر رسول خدا در چه حال است؟ چون از آن جریانی که بین ما و او گذشت آگاهی، چنانچه صلاح بدانی از آن بانو کسب اجازه کن تا ما نزد او بیاییم و از گناه خود عذرخواهی نماییم؟ حضرت امیر فرمود: اختیار با شما. آنان برخاستند و بر در خانه حضرت زهرا آمدند. حضرت علی نزد فاطمه آمد و گفت: ای بانوی آزاده! فلانی و فلانی آمده‌اند و تصمیم دارند سلامی به تو بگویند، نظرت چیست؟ فاطمه زهرا فرمود: خانه خانه تو می‌باشد و من همسر تو. هر عملی که می‌خواهی انجام بده. حضرت علی به فاطمه زهرا گفت: مقنعه خود را بر سر کن. آن بانو مقنعه خویش را در بر کرد و صورت خود را به سمت دیوار نمود. سپس آنان به حضور آن بانو آمدند و پس از اینکه سلام کردند به حضرت زهرا گفتند: از ما راضی باش تا خداوند از تو راضی شود. ما قبول داریم که به تو ستم کردیم و تقاضای عفو و بخشش داریم. فرمود: اگر شما راست می‌گویید این موضوعی را که من از شما می‌پرسم جواب بگویید و میدانم که جواب آن را می‌دانید. اگر جواب مرا درست گفتید یقین دارم برای این مطلبی که گفتید آمده‌اید. گفتند: آنچه

در نظر داری پیرس. فرمود: شما را به خداوند سوگند می‌دهم آیا نشنیدید که پدرم پیغمبر خدا در باره من می‌فرمود: فاطمه پاره تن من است، کسی که او را اذیت کند مرا اذیت کرده است. گفتند: چرا. آن حضرت دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا! این دو نفر مرا اذیت کردند، من شکایت ایشان را به تو و به پیامبرت می‌کنم!! نه، به خداوند سوگند من هرگز از شما راضی نخواهم شد تا اینکه نزد پدر بزرگوارم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۴۷ بروم و او را از این ظلم و ستمی که در باره من کردید آگاه نمایم و آن حضرت در باره شما قضاوت نماید! ابو بکر پس از شنیدن این مطلب صدا به واویلا بلند کرد و دچار جزع و فرع شدیدی شد! عمر گفت: ای خلیفه پیامبر خدا! آیا جا دارد که تو از سخن یک زن این طور جزع و فرع کنی؟! راوی می‌گوید: حضرت زهرا مدت چهل روز بعد از رحلت پدر بزرگوارش زنده بود. هنگامی که بیماری آن بانو شدید شد، حضرت علی بن ابی طالب را خواست و به آن حضرت فرمود: پسر عمو! من خودم را آماده سفر آخرت می‌بینم. به تو وصیت می‌کنم که با دختر خواهرم ازدواج نمایی، زیرا او برای فرزندانم نظیر خودم می‌باشد. یک تابوت برای من پیش بینی کن، زیرا ملائکه اوصاف آن را برای من شرح داده‌اند. مبادا در موقع تشییع جنازه و دفن و نماز خواندن بر بدن من احدی از دشمنان خدا حاضر گردند!! ابن عباس می‌گوید: حضرت زهرا همان روز از دنیا رحلت کرد. مردان و زنان مدینه عموماً غرق ضجه و گریه شدند و مردم دچار مصیبتی گردیدند که در روز رحلت پدرش حضرت رسول دچار شده بودند. ابو بکر و عمر نزد حضرت امیر آمدند و پس از اظهار تسلیت به آن حضرت گفتند: مبادا قبل از ما بر جسد دختر پیامبر نماز بگذاری! ولی هنگامی که شب شد علی بن ابی طالب علیه السلام عباس، فضل، مقداد، سلمان، ابو ذر و عمار را خواست. آنگاه بر بدن مبارک آن مظلومه نماز خواندند و او را به خاک سپردند. و چون صبح شد ابو بکر و عمر با مردم مدینه آمدند که بر بدن فاطمه زهرا نماز بخوانند. ولی مقداد گفت: فاطمه را شب گذشته به خاک سپردیم. عمر به ابو بکر گفت: قبلاً- گفتم که ایشان کار خودشان را خواهند کرد!! عباس گفت: فاطمه زهرا خودش وصیت کرد که شما بر بدنش نماز نخوانید! عمر گفت: ای بنی هاشم! شما آن حسدی را که از قدیم الایام با ما داشتید هرگز ترک نخواهید کرد، آن دشمنی و کینه‌هایی که در سینه شماست از بین نخواهد رفت؟! به خداوند سوگند تصمیم دارم که قبر فاطمه را نبش کنم و بر جنازه‌اش نماز بخوانم! حضرت علی علیه السلام فرمود: ای پسر صهاک! به خداوند سوگند اگر چنین عملی را زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۴۸ انجام دهی سوگندی را که خورده‌ای به تو بازمی‌گردانم و اگر این شمشیرم را از غلاف بکشم آن را غلاف نمی‌کنم تا اینکه تو را هلاک نمایم. عمر جا خورد و ساکت شد، زیرا می‌دانست علی هر گاه سوگند بخورد طبق سوگند خود عمل خواهد کرد. آنگاه علی فرمود: آیا تو آن کسی نیستی که پیامبر تصمیم گرفت تو را بکشد، آن حضرت به دنبال من فرستاد، من با شمشیر کشیده به سوی تو آمدم که تو را به قتل برسانم و خدای علیم این آیه را نازل کرد: بر علیه آنان عجله منمائی، زیرا ما آنچه را که باید برای آنان آماده کنیم آماده کرده‌ایم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۴۰/۳۰- مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ مَاتَتْ فَاطِمَةُ ع مَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص لَمَّا اخْتَضَعَتْ نَظَرَتْ نَظَرًا حَيَادًا ثُمَّ قَالَتْ السَّلَامُ عَلَى جَبْرِئِيلَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ اللَّهُمَّ مَعَ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ فِي رِضْوَانِكَ وَجَوَارِكَ وَدَارِكَ دَارِ السَّلَامِ ثُمَّ قَالَتْ أ تَرَوْنَ مَا أَرَى فَقِيلَ لَهَا مَا تَرَى قَالَتْ هَذِهِ مَوَاقِبُ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَهَذَا جَبْرِئِيلُ وَهَذَا رَسُولُ اللَّهِ وَيَقُولُ يَا بَنِيَّ أَقْدِمِي فَمَا أَمَامَكَ خَيْرٌ لَكَ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّ فَاطِمَةَ ع لَمَّا اخْتَضَعَتْ سَلَّمَتْ عَلَى جَبْرِئِيلَ وَعَلَى النَّبِيِّ ص وَسَلَّمَتْ عَلَى مَلِكِ الْمَوْتِ وَسَمِعُوا حِسَّ الْمَلَائِكَةِ وَوَجِدُوا زَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَطْيَبِ مَا يَكُونُ مِنَ

الطَّيِّبِ وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ عَاشَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ مَكَثَتْ فَاطِمَةُ ع فِي مَرَضِهَا خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا وَتُوُفِّيَتْ وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ شَهِدَ دَفْنَهَا سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَأَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَابْنُ مَسْعُودٍ وَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ الزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص عَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ ص سِتَّةَ أَشْهُرٍ مَا رُئِيَ ضَاحِكَةً وَ عَنْهُ ع أَنَّ فَاطِمَةَ كُفِّنَتْ فِي سَبْعَةِ أَنْوَافٍ زَنَدْكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۴۹ وَعَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ بُدِّئُ مَرَضَ فَاطِمَةَ بَعْدَ خَمْسِينَ لَيْلَةً مِنْ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَعَلِمْتُ أَنَّهَا الْوَفَاةُ فَاجْتَمَعَتْ لِذَلِكَ تَأْمُرُ عَلِيًّا بِأَمْرِهَا وَتُوصِيهِ بِهِ بِوَصِيَّتِهَا وَتَعْهَدُ إِلَيْهِ عَهْدَهَا وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَجْزَعُ لِذَلِكَ وَ يُطِيعُهَا فِي جَمِيعٍ مَا تَأْمُرُهُ فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص عَهْدَ إِلَيَّ وَ حَدَّثَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لِحُوقًا بِهِ وَ لَا يُدَّ مِمَّا لَا بُدَّ مِنْهُ فَاصْبِرْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ اَرْضَ بِقَضَائِهِ قَالَ وَ أَوْصِيَّتُهُ بِغُسْلِهَا وَ جَهَازِهَا وَ دَفْنِهَا لَيْلًا فَفَعَلَ قَالَ وَ أَوْصِيَّتُهُ بِصَدَقَتِهَا وَ تَرَكْتِهَا قَالَ فَلَمَّا فَرَغَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ دَفْنِهَا لَقِيَهِ الرَّجُلَانِ فَقَالَا لَهُ مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ قَالَ وَصِيَّتُهَا وَ عَهْدُهَا

ترجمه

در کتاب مصباح الانوار از امام جعفر صادق، از پدران مقدسش علیهم السَّلام روایت شده است: حضرت زهرا ما بین نماز مغرب و عشا از دنیا رفت. عبد الله بن حسن روایت می کند که هنگامی که رحلت حضرت زهرا نزدیک شد، نظری خاص کرد و فرمود: سلام بر جبرائیل، سلام به رسول خدا، بار خدایا! مرا با رسول خود محشور کن. پروردگارا! مرا در بهشت و جوار خود جای بده. خانه تو خانه سلامتی است. سپس فرمود: آیا آنچه را که من می بینم شما هم می بینید؟ زیرا این مرکبهای اهل آسمانهاست، این جبرئیل و این پیغمبر خداست که به من می فرماید: دخترم بیا، زیرا این نعمتهایی که تو در پیش داری برای بهتر است. زید بن علی علیه السَّلام می گوید: زمانی که وفات حضرت فاطمه نزدیک شد آن بانو به جبرئیل و حضرت رسول و ملک الموت سلام کرد: حاضرین احساسات ملائکه را شنیدند و بهترین بوی مشک را استشمام نمودند. و امام باقر علیه السَّلام گفت: فاطمه علیها السَّلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شش ماه زندگی کرد. و در روایت دیگر از آن حضرت آمده است: فاطمه پانزده روز بیمار بود و سپس وفات نمود. و امام صادق فرموده است: شاهدان دفن حضرت فاطمه سلمان فارسی، مقداد بن اسود، ابو ذر غفاری، عبد الله بن مسعود، عباس بن عبد المطلب و زبیر بن عوام بودند. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۵۰ و امام باقر علیه السَّلام از پدراناش روایت نمود که حضرت فاطمه در دوره شش ماهه زندگانی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگز نخندید. و از امام باقر علیه السَّلام روایت است که فاطمه علیها السَّلام را در هفت قطعه پارچه کفن کردند. و باز از امام باقر روایت شده: ابتدای بیماری حضرت فاطمه پنجاه شب بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و وقتی آن حضرت دریافت که از این بیماری بهبود نخواهد جست لذا توصیه هایش را به علی علیه السَّلام فرمود، و در این حال علی علیه السَّلام بسیار ناله و زاری می کرد و پس از آن نیز به همه توصیه ها و سفارش های فاطمه علیها السَّلام عمل کرد. و فاطمه علیها السَّلام به علی علیه السَّلام گفت: ای ابو الحسن! رسول خدا به من خبر داده که اولین شخص از خانواده او هستم که به حضرتش خواهم پیوست، پس گریزی از مرگ نیست، در مقابل امر خداوند صبر پیشه کن و به رضای او راضی باش. و امام باقر علیه السَّلام فرموده: و علی علیه السَّلام را به غسل، کفن و دفن شبانه خویش سفارش کرد و علی نیز اطاعت نمود، و او را در باره صدقات و ارثیه اش توصیه هایی کرد. هنگامی که علی علیه السَّلام از دفن فاطمه علیها السَّلام فراغت یافت، دو نفر او را ملاقات کرده و پرسیدند: آن دو چیزی که با خود حمل می کنی چیست؟ علی علیه السَّلام فرمود: وصیت فاطمه و سفارش های اوست.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۴۱/۳۱- علل الشرائع (۱) حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ وَزِيَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَا أَتَى رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ هَلْ تُسَبِّحُ الْجَنَازَةَ بِنَارٍ وَيُمْسِي مَعَهَا بِمَجْمَرَةٍ وَفَنَدِيلٍ أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يُضَاءُ بِهِ قَالَ فَتَغَيَّرَ لَوْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِنْ ذَلِكَ وَاسْتَوَى جَالِسًا ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ جَاءَ شَقِيقِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ إِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص فَقَالَ لَهَا أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَلِيًّا قَدْ خُطِبَ بِنْتِ أَبِي جَهْلٍ فَقَالَتْ حَقًّا مَا تَقُولُ فَقَالَ حَقًّا مَا أَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَدَخَلَهَا مِنَ الْغَيْزَةِ مَا لَا تَمْلِكُ نَفْسَهَا وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَتَبَ عَلَى النِّسَاءِ غَيْرَهُ وَكَتَبَ عَلَى الرِّجَالِ جِهَادًا وَجَعَلَ لِلْمُحْتَسِبَةِ الصَّابِرَةِ زِدْكَ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلام (روحانی)، ص: ۶۵۱ مِنْهُمْ مِنَ الْمَاجِرِ مَا جَعَلَ لِلْمُرَابِطِ الْمُهَاجِرِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ فَاشْتَدَّ غَمُّ فَاطِمَةَ ع مِنْ ذَلِكَ وَبَقِيَتْ مُتَفَكِّرَةً هِيَ حَتَّى أُمِسَّتْ وَحِجَاءَ اللَّيْلِ حَمَلَتْ الْحَسَنَ عَلَى عَاتِقِهَا الْأَيْمَنِ وَالْحُسَيْنَ عَلَى عَاتِقِهَا الْأَيْسَرِ وَأَخَذَتْ بِيَدِ أُمِّ كُلثُومِ الْيُسْرَى بِيَدِهَا الْيُمْنَى ثُمَّ تَحَوَّلَتْ إِلَى حُجْرَةِ أَبِيهَا فَجَاءَ عَلِيُّ ع فَدَخَلَ فِي حُجْرَتِهِ فَلَمْ يَرَ فَاطِمَةَ ع فَاشْتَدَّ لِذَلِكَ غَمُّهُ وَعَظُمَ عَلَيْهِ وَلَمْ يَعْلَمْ الْقِصَّةَ مَا هِيَ فَاسْتَحْيَا أَنْ يَدْعُوَهَا مِنْ مَنْزِلِ أَبِيهَا فَخَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَصَلَّى فِيهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ جَمَعَ شَيْئًا مِنْ كَثِيبِ الْمَسْجِدِ وَاتَّكَأَ عَلَيْهِ فَلَمَّا رَأَى النَّبِيَّ ص مَا بِفَاطِمَةَ مِنَ الْحُزَنِ أَفَاضَ عَلَيْهِ الْمَاءَ ثُمَّ لَبَسَ ثَوْبَهُ وَدَخَلَ الْمَسْجِدَ فَلَمْ يَزَلْ يُصَلِّي بَيْنَ رَاكِعٍ وَسَاجِدٍ وَكُلَّمَا صَلَّى رَكَعَتَيْنِ دَعَا اللَّهَ أَنْ يُذْهِبَ مَا بِفَاطِمَةَ مِنَ الْحُزَنِ وَالْغَمِّ وَذَلِكَ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِهَا وَهِيَ تَتَقَلَّبُ وَتَتَنَفَّسُ الصُّعْدَاءَ فَلَمَّا رَأَاهَا النَّبِيُّ ص أَنَّهَا لَا يَهْنُؤُهَا النَّوْمُ وَلَيْسَ لَهَا قَرَارٌ قَالَ لَهَا قُومِي يَا بِنْتِي فَقَامَتْ فَحَمَلَ النَّبِيُّ ص الْحَسَنَ وَحَمَلَتْ فَاطِمَةُ الْحُسَيْنَ وَأَخَذَتْ بِيَدِ أُمِّ كُلثُومِ فَانْتَهَى إِلَى عَلِيٍّ ع وَهُوَ نَائِمٌ فَوَضَعَ النَّبِيُّ رِجْلَهُ عَلَى رِجْلِ عَلِيٍّ فَعَمَزَهُ وَقَالَ قُمْ يَا أَبَا تُرَابٍ فَكُمُ سَاكِنٍ أَرْعَجْتَهُ ادْعُ لِي أَبَا بَكْرٍ مِنْ دَارِهِ وَعَمَرَ مِنْ مَجْلِسِهِ وَطَلَحَهُ فَخَرَجَ عَلِيُّ ع فَاسْتَخْرَجَهُمَا مِنْ مَنْزِلِهِمَا وَاجْتَمَعُوا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهَا فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي قَالَ فَقَالَ عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا كَانَ مِنِّي مِمَّا بَلَغَهَا شَيْءٌ وَلَا حَدَّثْتُ بِهَا نَفْسِي فَقَالَ النَّبِيُّ ص صِدَقْتَ وَصَدَقْتَ فَفَرَحَتْ فَاطِمَةُ ع بِذَلِكَ وَتَبَسَّمتْ حَتَّى رَأَى نَعْرَهَا فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ إِنَّهُ لَعَجَبٌ لِحَيْنِهِ مَا دَعَاهُ إِلَى مَا دَعَانَا هَذِهِ السَّاعَةَ قَالَ ثُمَّ أَخَذَ النَّبِيُّ ص بِيَدِ عَلِيٍّ ع فَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ بِأَصَابِعِهِ فَحَمَلَ النَّبِيُّ ص الْحُسَيْنَ وَحَمَلَ فَاطِمَةَ ع أُمُّ كُلثُومِ وَأَدْخَلَهُمُ النَّبِيُّ ص بَيْتَهُمْ وَوَضَعَ عَلَيْهِمُ قَطِيفَةً وَاسْتَوْدَعَهُمُ اللَّهُ ثُمَّ خَرَجَ وَصَلَّى بَقِيَّةَ اللَّيْلِ فَلَمَّا مَرَضَتْ فَاطِمَةُ ع مَرَضَهَا الَّذِي مَاتَتْ فِيهِ أَتِيَاهَا عَائِدِينَ وَاسْتَأْذَنَ عَلَيْهَا فَأَبَتْ أَنْ تَأْذَنَ لَهُمَا فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ أَبُو بَكْرٍ أَعْطَى اللَّهَ عَهْدًا لَا يُظْلَهُ سَقْفُ بَيْتٍ حَتَّى يَدْخُلَ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَيَتَرَضَّاهَا فَبَاتَ لَيْلَهُ فِي الصَّقِيعِ مَا أَظْلَهُ شَيْءٌ ثُمَّ إِنَّ عَمَرَ أَتَى عَلِيًّا ع فَقَالَ لَهُ إِنَّ أَبَا بَكْرٍ شَيْخُ رَفِيقِ الْقَلْبِ وَقَدْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الْغَارِ فَلَهُ صُحْبَةٌ وَقَدْ أَتَيْنَاهَا غَيْرَ هَذِهِ الْمَرَّةِ مِرَارًا نُرِيدُ الْإِذْنَ عَلَيْهَا وَهِيَ تَأْتِي أَنْ تَأْذَنَ لَنَا حَتَّى نَدْخُلَ عَلَيْهَا فَتَتَرَضَّى فَإِنْ رَأَيْتَ زِدْكَ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلام (روحانی)، ص: ۶۵۲ أَنْ تَشِئْتُمْ أَنْ تَأْذَنَ لَنَا عَلَيْهَا فَافْعَلْ قَالَ نَعَمْ فَدَخَلَ عَلِيُّ ع عَلَى فَاطِمَةَ ع فَقَالَ يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ كَانَ مِنْ هَذَيْنِ الرَّجُلَيْنِ مَا قَدْ رَأَيْتَ وَقَدْ تَرَدَّدَا مِرَارًا كَثِيرَةً وَرَدَّدْتَهُمَا وَلَمْ تَأْذَنِي لَهُمَا وَقَدْ سَأَلَانِي أَنْ أَسْتَأْذِنَ لَهُمَا عَلَيْكَ فَقَالَتْ وَاللَّهِ لَا آذَنُ لَهُمَا وَلَا أَكُلُهُمَا كَلِمَةً مِنْ رَأْسِي حَتَّى أَلْقَى أَبِي فَأَشْكُوهُمَا إِلَيْهِ بِمَا صَنَعَاهُ وَارْتَكَبَاهُ مِنِّي قَالَ عَلِيُّ ع فَإِنِّي ضَمِنْتُ لَهُمَا ذَلِكَ قَالَتْ إِنْ كُنْتُ قَدْ ضَمِنْتُ لَهُمَا شَيْئًا فَالْبَيْتُ بَيْنَكَ وَالنِّسَاءُ تَسُبُّ الرِّجَالَ لَا أُخَالِفُ عَلَيْكَ بِشَيْءٍ فَأَذَنُ لِمَنْ أَحْبَبْتُ فَخَرَجَ عَلِيُّ ع فَأَذَنَ لَهُمَا فَلَمَّا وَقَعَ بَصِيرُهُمَا عَلَى فَاطِمَةَ ع سَلَّمَا عَلَيْهَا فَلَمْ تَرُدَّ عَلَيْهِمَا وَحَوَّلَتْ وَجْهَهَا عَنْهُمَا فَتَحَوَّلَا وَاسْتَقْبَلَا وَجْهَهَا حَتَّى فَعَلَتْ مِرَارًا وَقَالَتْ يَا عَلِيُّ جَافِ الثُّوبَ وَقَالَتْ لِنِسْوَةٍ حَوَّلَهَا حَوْلُنَّ وَجْهِي فَلَمَّا حَوَّلْنَ وَجْهَهُمَا حَوْلًا إِلَيْهَا فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا أَتَيْنَاكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَاجْتِنَابَ سَيِّئِ خَطِّكَ نَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَتَضِفَحِي عَمَّا كَانَ مِنَّا إِلَيْكَ قَالَتْ لَا أَكُلُمُكُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً وَاحِدَةً حَتَّى أَلْقَى أَبِي وَأَشْكُوَكُمَا إِلَيْهِ وَأَشْكُو صُنْعَكُمَا وَفِعَالَكُمَا وَمَا ارْتَكَبْتُمَا مِنِّي قَالَا إِنَّا جِئْنَا مُعْتَذِرِينَ مَبْتَغِينَ [مُبْتَغِينَ مَرْضَاتِكَ فَاعْفِرْ وَاصْفَحْ] عَنَّا وَلَا تُؤَاخِذِنَا بِمَا كَانَ مِنَّا

فَالْتَفَتَتْ إِلَى عَلِيٍّ عَ وَ قَالَتْ إِنِّي لَا أَكَلُمُهُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً حَتَّى أَسْأَلَهُمَا عَنْ شَيْءٍ سَمِعَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَإِنْ صَدَّقَانِي رَأَيْتُ رَأْيِي قَالَا اللَّهُمَّ ذَلِكَ لَهَا وَإِنَّا لَا نَقُولُ إِلَّا حَقًّا وَلَا نَشْهَدُ إِلَّا صِدْقًا فَقَالَتْ أَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ أَ تَذْكُرَانِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص اسْتَخْرَجَكُمْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ بِشَيْءٍ كَانَ حَدَثٌ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ فَقَالَا اللَّهُمَّ نَعَمْ فَقَالَتْ أَنْشُدْكُمْ بِاللَّهِ هَلْ سَمِعْتُمَا النَّبِيَّ ص يَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهَا مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي فَكَانَ كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي قَالَا اللَّهُمَّ نَعَمْ فَقَالَتْ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ قَالَتْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ فَاشْهَدُوا يَا مَنْ حَضَرَنِي أَنْهُمَا قَدْ آذَيَانِي فِي حَيَاتِي وَعِنْدَ مَوْتِي وَاللَّهِ لَا أَكَلُمُكُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً حَتَّى أَلْقَى رَبِّي فَأَشْكُوكُمْ إِلَيْهِ بِمَا صَبَّغْتُمَا بِهِ وَبِي وَارْتَكَبْتُمَا مِنِّي فَدَعَا أَبُو بَكْرٍ بِالْوَيْلِ وَالتُّبُورِ وَ قَال لَيْتَ أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي فَقَالَ عُمَرُ عَجَبًا لِلنَّاسِ كَيْفَ وَلَوْ كَ أُمُورُهُمْ وَأَنْتَ شَيْخٌ قَدْ خَرَفْتَ تَجْزَعُ لِعُضْبِ امْرَأَةٍ وَتَفْرَحُ بِرِضَاهَا وَمَا لِمَنْ زَنْدگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۵۳ أَغْضَبَ امْرَأَةً وَقَامَا وَخَرَجَا قَالَ فَلَمَّا نَعَى إِلَى فَاطِمَةَ ع نَفْسُهَا أَرْسَلَتْ إِلَى أُمِّ أَيْمَنَ وَكَانَتْ أَوْثَقَ نِسَائِهَا عِنْدَهَا وَفِي نَفْسِهَا فَقَالَتْ يَا أُمُّ أَيْمَنُ إِنَّ نَفْسِي نُعِيَتْ إِلَيَّ فَادْعِي لِي عَلِيًّا فَدَعَتْهَا لَهَا فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهَا قَالَتْ لَهُ يَا ابْنَ الْعَمِّ أَرِيدُ أَنْ أَوْصِيَّكَ بِأَشْيَاءَ فَاحْفَظْهَا عَلَيَّ فَقَالَ لَهَا قَوْلِي مَا أَحْبَبْتَ قَالَتْ لَهُ تَزَوَّجْ فَلَانَهُ تَكُونُ مَرْبِيَّةً لَوْلَدِي مِنْ بَعْدِي مِثْلِي وَاعْمَلْ نَعْمًا رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ قَدْ صَوَّرْتَهُ لِي فَقَالَ لَهَا عَلِيٌّ أَرِينِي كَيْفَ صُورَتُهُ فَأَرَتْهُ ذَلِكَ كَمَا وَصَفَتْ لَهُ وَكَمَا أَمَرَتْ بِهِ ثُمَّ قَالَتْ فَإِذَا أَنَا قَضَيْتُ نَحْيِي فَأَخْرِجْنِي مِنْ سَاعَتِكَ أَيْ سَاعِيهِ كَانَتْ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَلَا يَحْضُرُنَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِهِ لِلصَّلَاةِ عَلَيَّ قَالَ عَلِيٌّ ع أَفْعَلُ فَلَمَّا قَضَتْ نَحْبَهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَهُمْ فِي ذَلِكَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَخَذَ عَلِيٌّ ع فِي جَهَازِهَا مِنْ سَاعِيهِ كَمَا أَوْصَيْتُهُ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ جَهَازِهَا أَخْرَجَ عَلِيٌّ الْجَنَازَةَ وَ أَشْعَلَ النَّارَ فِي جَرِيدِ النَّخْلِ وَ مَشَى مَعَ الْجَنَازَةِ بِالنَّارِ حَتَّى صَلَّى عَلَيْهَا وَ دَفَنَهَا لَيْلًا فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ عَاوَدَا عَائِدِينَ لِفَاطِمَةَ فَلَقِيَا رَجُلًا مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالَا لَهُ مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ قَالَ عَزَيْتُ عَلِيًّا بِفَاطِمَةَ قَالَا وَقَدْ مَاتَ قَالَ نَعَمْ وَ دُفِنَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ فَجَزَعًا جَزَعًا شَدِيدًا ثُمَّ أَقْبَلَا إِلَى عَلِيٍّ ع فَلَقِيَاهُ فَقَالَا لَهُ وَاللَّهِ مَا تَرَكْتَ شَيْئًا مِنْ غَوَائِلِنَا وَمَسَائِتِنَا وَمَا هَذَا إِلَّا مِنْ شَيْءٍ فِي صَدْرِكَ عَلَيْنَا هَلْ هَذَا إِلَّا كَمَا غَسَلْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص دُونَنَا وَلَمْ تُدْخِلْنَا مَعَكَ وَ كَمَا عَلَّمْتَ ابْنَكَ أَنْ يَصْبِحَ بِأَبِي بَكْرٍ أَنْ انْزِلَ عَنْ مِثْبَرِ أَبِي فَقَالَ لَهُمَا عَلِيٌّ ع أَ تُصَدِّقَانِي إِنْ حَلَفْتُ لَكُمْ قَالَا نَعَمْ فَحَلَفَ فَادْخُلْهُمَا عَلَى الْمَسْجِدِ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَقَدْ أَوْصَانِي وَ قَدْ تَقَدَّمَ إِلَيَّ أَنَّهُ لَمَّا يَطْلُعُ عَلَى عَوْرَتِهِ أَحْيَدٌ إِلَّا ابْنُ عَمِّهِ فَكُنْتُ أُغْسِلُهُ وَالْمَلَائِكَةُ تُقَلِّبُهُ وَالْفَضْلُ بْنُ الْعَبَّاسِ يُبَاوِلُنِي الْمَاءَ وَهُوَ مُرْبُوطُ الْعَيْنَيْنِ بِالْخِرْقَةِ وَ لَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْزِعَ الْقَمِيصَ فَصَاحَ بِي صَائِحٌ مِنَ الْبَيْتِ سَمِعْتُ الصَّوْتَ وَ لَمْ أَرِ الصُّورَةَ لَا تَنْزِعَ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ لَقَدْ سَمِعْتُ الصَّوْتَ يُكْرَرُهُ عَلَيَّ فَادْخُلْتُ يَدِي مِنْ بَيْنِ الْقَمِيصِ فَعَسَلْتُهُ ثُمَّ قَدَّمْتُ إِلَى الْكَفَنِ فَكَفَّنْتُهُ ثُمَّ نَزَعْتُ الْقَمِيصَ بَعْدَ مَا كَفَّنْتُهُ وَ أَمَّا الْحَسَنُ ابْنِي فَقَدْ تَعَلَّمَانِ وَيَعْلَمُ أَهْلَ الْمَدِينَةِ أَنَّهُ كَانَ يَنْخَطِي الصُّفُوفَ حَتَّى يَأْتِيَ النَّبِيَّ ص وَهُوَ سَاجِدٌ فَيَرْكَبُ ظَهْرَهُ فَيَقُومُ النَّبِيُّ ص وَيَدُهُ عَلَى ظَهْرِ الْحَسَنِ وَ الْمَآخِرَى عَلَى رُكْبَتِهِ حَتَّى يُتِمَّ الصَّلَاةَ قَالَا- نَعَمْ قَدْ عَلِمْنَا ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ تَعَلَّمَانِ وَيَعْلَمُ أَهْلَ الْمَدِينَةِ أَنَّ الْحَسَنَ كَانَ يَسْعَى إِلَى النَّبِيِّ ص وَيَرْكَبُ عَلَى رَقَبَتِهِ وَيُدْلِي الْحَسَنُ رِجْلَيْهِ عَلَى صَدْرِ النَّبِيِّ ص حَتَّى يُرَى بِرِيقِ خَلْخَالِهِ مِنْ أَقْصَى زَنْدگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۵۴ الْمَسْجِدِ وَ النَّبِيُّ ص يَخْطُبُ وَ لَمَّا يَزَالُ عَلَى رَقَبَتِهِ حَتَّى يَقْرَأَ النَّبِيُّ ص مِنْ حُطْبَتِهِ وَ الْحَسَنُ عَلَى رَقَبَتِهِ فَلَمَّا رَأَى الصَّبِيَّ عَلَى مِثْرَ أَبِيهِ غَيْرَهُ شَقَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَ اللَّهُ مَا أَمَرْتُهُ بِذَلِكَ وَ لَمَّا فَعَلَهُ عَنْ أَمْرِي وَ أَمَّا فَاطِمَةُ فَهِيَ الْمَرْأَةُ الَّتِي اسْتَأْذَنْتُ لَكُمْ عَلَيْهَا فَقَدْ رَأَيْتُمَا مَا كَانَ مِنْ كَلَامِهَا لَكُمْ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَوْصَانِي أَنْ لَا تَحْضُرَا جَنَازَتَهَا وَ لَا الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ مَا كُنْتُ الَّذِي أُخَالِفُ أَمْرَهَا وَ وَصِيَّتُهَا إِلَيَّ فَيُكْمَا فَقَالَ عُمَرُ دَعْ عَنْكَ هَذِهِ الِاهْتِمَامَةَ أَنَا أَمْضِي إِلَى الْمَقَابِرِ فَأَتَبَشُّهَا حَتَّى أَصَلِّيَ عَلَيْهَا فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ ع وَاللَّهِ لَوْ ذَهَبَتْ تَرُومُ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا وَ عَلِمْتُ أَنَّكَ لَمَّا تَصَلُّ لِي إِلَى ذَلِكَ حَتَّى يَنْدِرَ عَنْكَ الَّذِي فِيهِ عَيْنَاكَ فَإِنِّي كُنْتُ لَا أَعَامِلُكَ إِلَّا بِالسَّيْفِ قِيلَ أَنْ تَصَلِّ إِلَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَوَقَعَ بَيْنَ عَلِيٍّ ع وَ عُمَرَ كَلَامٌ حَتَّى تَلَاخِيَا وَ اسْتَبَسَّلَا وَ اجْتَمَعَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ فَقَالُوا وَاللَّهِ مَا نَرْضَى بِهَذَا أَنْ يُقَالَ فِي ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَخِيهِ وَ وَصِيِّهِ وَ كَادَتْ أَنْ تَقَعَ فِتْنَةٌ فَتَفَرَّقَا بَيَانِ الصَّعْدَاءِ بِالْمَدَنِيِّينَ مَمْدُودِ قَوْلِهِ ص وَ صَدَقَتْ إِمَّا تَأْكِيدَ لِلأَوَّلِ أَوْ عَلَى بِنَاءِ الْمَجْهُولِ مِنَ الْمُخَاطَبِ أَوْ عَلَى الْغَيْبَةِ أَيْ صَدَقَتْ فَاطِمَةُ ع لِأَنَّهَا لَمْ تَذْكُرْ إِلَّا مَا سَمِعَتْ وَ الصَّقِيعَ الَّذِي يَسْقُطُ مِنَ السَّمَاءِ بِاللَّيْلِ شَبِيهَ بِالثَّلْجِ وَ يَقَالُ أَجْفَيْتَ السَّرِجَ مِنْ ظَهْرِ الْفَرَسِ إِذَا رَفَعْتَهُ عَنْهُ وَ جَافَاهُ عَنْهُ أَيْ أَبْعَدَهُ وَ

لعل المعنى خذ الثوب و ارفعه قليلا حتى أتحوّل من جانب إلى جانب و الهمهمة تنويم المرأة الطفل بصوتها و ندر الشیء یندر ندرا سقط و شذ و الملاحة المنازعة و المباسلة المصاولة فی الحرب و المستبسل الذى یوطن نفسه على الموت و استبسل أى طرح نفسه فی الحرب و هو یرید أن یقتل لا محالة

ترجمه

در کتاب علل الشرائع روایت شده که شخصی نزد امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت: آیا مشروع است در موقع تشییع جنازه منقل و چراغ و امثال اینها که روشنی داشته باشند، ببرند؟ رنگ حضرت صادق علیه السلام از شنیدن این مطلب تغییر کرد، آنگاه پس از اینکه برخاست و نشست، فرمود: یکی از افراد شقی و پست فطرت نزد فاطمه زهرا آمد و به وی گفت: آیا نمی دانی که حضرت امیر دختر ابو جهل را خواستگاری نموده؟ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۵۵ حضرت فاطمه فرمود: این سخنی که تو می گویی، آیا حقیقت دارد؟ سه مرتبه گفت: آری حقیقت دارد. حضرت زهرا فوق العاده ناراحت شد، ... هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه زهرا را محزون و مغموم دید، لباس خود را پوشید و متوجه مسجد گردید و پی در پی به نماز می ایستاد و هر گاه دو رکعت نماز به جای می آورد دعا می کرد که خدای توانا غم و اندوه زهرا را برطرف نماید. زیرا آن هنگام که پیغمبر خدا از نزد فاطمه خارج شد، آن بانو ناراحت بود و آه عمیق و طولانی می کشید. پس از آنکه پیامبر خدا دید چشم فاطمه به خواب نمی رود و قرار و آسایش ندارد، فرمود: دخترم برخیز! حضرت زهرا برخاست، رسول خدا امام حسن را برداشت و فاطمه اطهر امام حسین را برداشت و دست امّ کلثوم را گرفت تا به نزد حضرت علی بن ابی طالب بروند، حضرت امیر در آن زمان خواب بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با پای مبارک خود پای علی را فشار داد و به وی فرمود: ای ابو تراب! ... برخیز! ابو بکر را از خانه خود و عمر را از مجلس خود با طلحه نزد من حاضر کن! حضرت امیر رفت و آنان را از منزلشان به حضور پیغمبر اعظم اسلام آورد. وقتی آنان نزد رسول خدا اجتماع نمودند، آن حضرت به علی بن ابی طالب فرمود: آیا نمی دانی فاطمه پاره تن من است و من از او می باشم، کسی که فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده و کسی که وی را بعد از موت من اذیت کند مثل این است که او را در زمان حیات من اذیت کرده باشد و کسی که فاطمه را در زمان حیات من اذیت کرده باشد مثل این است که وی را بعد از موت من اذیت کرده باشد؟! علی علیه السلام گفت: چرا یا رسول الله! فرمود: پس چه باعث شد که تو این عمل را انجام دادی؟! حضرت امیر گفت: سوگند به آن خدایی که تو را به پیغمبری مبعوث نموده چنین مطلبی که به گوش فاطمه رسیده از من سر نزده و اصلا یک چنین خیالی هم نداشته ام. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۵۶ حضرت رسول فرمود: فاطمه راست گفت و تو نیز راست گفتی «۱». پس از این جریان حضرت زهرا خوشحال گردید و به نحوی لبخند زد که دندانهایش دیده شد. یکی از آن دو نفر به رفیق خود گفت: خیلی تعجب می کنم! چه باعث شد که رسول خدا ما را در این ساعت خواست؟! «۲» سپس پیامبر خدا دست علی را گرفت و انگشتهای مبارک خود را در میان انگشتان حضرت امیر نهاد، آنگاه حسن را برداشت و علی علیه السلام حسین را برگرفت و حضرت زهرا امّ کلثوم را، و داخل خانه علی شدند. و پیغمبر خدا یک قطیفه روی ایشان انداخت و آنان را به خداوند سپرد و برگشت و بقیه شب را به نماز مشغول شد. زمانی که حضرت فاطمه دچار آن بیماری گشت که از دنیا رفت، ابو بکر و عمر برای عیادت حضرت زهرا علیها السلام آمدند و اذن ورود خواستند، ولی آن حضرت اجازه نداد. ابو بکر که با این منظره مواجه شد، با خدا عهد کرد که زیر سایه و سقف نرود تا اینکه نزد حضرت فاطمه برود و از آن حضرت رضایت حاصل کند. لذا یک شب در زیر آسمان خوابید و زیر سقف و سایه نرفت. پس از این جریان عمر به حضور حضرت امیر آمد و گفت: ابو بکر پیر مردی است دل نازک، ابو بکر در غار با پیغمبر بوده، افتخار رفاقت با آن حضرت را دارد، ما غیر از این مرتبه مکررا نزد فاطمه آمدیم و اذن ورود خواستیم ولی وی به ما اجازه نداد تا

مَشْرِفَ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۵۷ شویم و رضایت او را حاصل نماییم، اگر صلاح می‌دانی که از آن حضرت برای ما اجازه ملاقات بگیری به موقع است. حضرت امیر فرمود: مانعی ندارد. امیر المؤمنین علی علیه السّلام نزد حضرت زهرا آمد و به وی فرمود: ای دختر رسول خدا! تو از جریان این دو نفر با اطلاعی که چند مرتبه به نزد تو آمدند و تو ایشان را رد کرده‌ای و اذن ورود به آنان نداده‌ای. ایشان از من خواسته‌اند که از تو برای آنان اذن ورود بگیرم. حضرت فاطمه زهرا فرمود: به خداوند سوگند من به ایشان اجازه ورود نخواهم داد و با آنان یک کلمه تکلم نخواهم کرد تا اینکه پدرم را ملاقات کنم و از این عملی که ایشان با من انجام دادند به آن حضرت شکایت نمایم. علی علیه السّلام فرمود: من برای آنان ضمانت داده‌ام. فاطمه علیها السّلام فرمود: اکنون که ضمانت کردی مانعی ندارد، زیرا خانه خانه تو است، زنان باید تابع مردان باشند، من راجع به هیچ موضوعی با تو مخالفت نخواهم کرد، به هر کسی که دوست داری اجازه ورود بده. علی علیه السّلام خارج شد و به آن دو نفر اذن ورود داد. آنان وارد شدند و پس از آنکه چشمشان به حضرت زهرا افتاد، سلام کردند. ولی آن حضرت جواب سلام آنان را نداد و صورت مبارک خود را از آن دو برگردانید. آنان برخاستند و در مقابل صورت آن حضرت قرار گرفتند و این عمل را چند مرتبه انجام دادند. حضرت فاطمه به زنانی که در اطراف آن بانو بودند، فرمود: صورت مرا برگردانید! وقتی صورت او را برگردانیدند، آن دو نفر برخاستند و در مقابل صورت حضرت زهرا نشستند. ابو بکر گفت: ای دختر رسول خدا! ما آمده‌ایم که از تو رضایت حاصل نمایم و از خشم تو بر حذر باشیم. تقاضا داریم که تو ما را در باره آن اجحافی که نسبت به تو کرده‌ایم عفو فرمایی؟ زهرای اطهر فرمود: من اصلا با شما یک کلمه سخن نمی‌گویم تا اینکه پدرم را ملاقات زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۵۸ کنم و از شما راجع به این رفتاری که با من داشتید، به آن حضرت شکایت نمایم. گفتند: ما آمده‌ایم که از تو پوزش بطلبیم و رضایت حاصل کنیم. خواهش می‌کنیم که از ما در گذری و از ما مؤاخذه‌نمایی. حضرت زهرا متوجه حضرت امیر شد و فرمود: من با اینان یک کلمه تکلم نمی‌کنم تا در باره یک موضوعی که ایشان از رسول خدا شنیده‌اند جويا شوم، اگر راست بگویند من صلاح خود را بهتر می‌دانم. آنان گفتند: بار خدا! تو شاهد باش که هر چه فاطمه جويا شود ما جواب وی را راست خواهیم گفت. حضرت زهرا فرمود: شما را به خداوند سوگند می‌دهم آیا به خاطر دارید که پیغمبر خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ نیمه شبی شما را از منزل خودتان احضار کرد؟ گفتند: آری و اللّٰه! حضرت فرمود: شما را به خداوند سوگند می‌دهم آیا نشنیدید که پیغمبر خدا فرمود: فاطمه پاره تن من است و من از فاطمه می‌باشم، کسی که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده، کسی که زهرا را بعد از موت من اذیت کند مثل این است که در زمان حیات من او را اذیت نموده باشد، کسی که در زمان حیات من او را اذیت نماید مثل کسی است که وی را بعد از فوت من اذیت کرده باشد؟ گفتند: آری و اللّٰه! چنین بوده است. سپس حضرت فاطمه فرمود: پروردگارا! من تو را شاهد می‌گیرم و این افرادی را که حضور دارند شهود قرار می‌دهم که این دو نفر مرا در زمان حیات و موقع مردن اذیت و آزار نمودند. به خداوند سوگند که من اصلا یک کلمه با شما تکلم نخواهم کرد تا آنکه خدای خود را ملاقات نمایم و راجع به این رفتاری که شما با من داشتید، به پروردگار خود شکایت کنم. ناگاه صدای ابو بکر به «وا ویلا» بلند شد و گفت: ای کاش مادر مرا نمی‌زاد!! عمر گفت: تعجب می‌کنم از این مردم که چگونه تو را سرپرست و متصدی امور خود قرار دادند، در صورتی که تو پیر مردی ضعیف و خرفت هستی و برای غضب یک زن جزع و فزع می‌کنی و برای خوشنودی او خوشحال می‌شوی! چه مانعی دارد که شخصی یک زن زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۵۹ را خشنماک کند. آنگاه برخاستند و خارج شدند. هنگامی که حضرت فاطمه به فرا رسیدن مرگ خویشان یقین پیدا کرد به دنبال امّ ایمن که نزد آن حضرت از موثقت‌ترین زنان محسوب می‌شد فرستاد، پس از آنکه حاضر شد، حضرت زهرا به وی فرمود: اجل من فرا رسیده، علی علیه السّلام را نزد من بیاور! هنگامی که حضرت امیر آمد فاطمه زهرا به آن حضرت گفت: پسر عمو! من در نظر دارم وصیتی بکنم، وصیت مرا گوش کن. امیر المؤمنین علی علیه السّلام پاسخ داد: هر چه دوست داری بگو. حضرت فاطمه فرمود: فلان زن را که برای

فرزندانم نظیر خود من می باشد تزویج نما. یک تابوت که ملائکه شکل آن را به من نشان دادند از برایم درست کن. حضرت امیر فرمود: شکل آن تابوت چگونه است؟ حضرت اوصاف آن تابوت را برای علی علیه السلام شرح داد و فرمود: موقعی که من از دنیا رحلت کردم هر ساعتی از شب و روز که بود، جنازه مرا بردار. مبدا احدی از دشمنان خدا و رسول برای نماز خواندن به جنازه ام حاضر شوند!! علی علیه السلام فرمود: مانعی ندارد. هنگامی که فاطمه زهرا از دنیا رفت علی بن ابی طالب علیه السلام بنا به وصیت آن حضرت جنازه اش را شبانه برداشت. آنگاه شاخه های خرما را آتش زدند و به دنبال جنازه آوردند و از روشنایی آن آتش استفاده کردند تا اینکه نماز بر بدن حضرت فاطمه خواندند و جسد مقدس آن حضرت را شبانه دفن کردند. وقتی صبح شد ابو بکر و عمر به منظور عیادت حضرت فاطمه حرکت کردند. در بین راه با مردی از قریش مصادف شدند و از او سؤال کردند: از کجا می آیی؟ گفت: به مناسبت فوت حضرت زهرا به علی بن ابی طالب تسلیت گفتم. گفتند: آیا فاطمه مرد؟! گفت: آری، او را شبانه دفن نمودند. آنان به شدت ناراحت شدند و به طرف علی علیه السلام رفتند و به آن حضرت گفتند: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۶۰ به خداوند سوگند که تو چیزی از عیوب ما را باقی نهدی، این کارهای تو حاکی از آن کینه ای است که در سینه خود داری. آیا نه چنین است که در موقع غسل پیامبر اسلام هم ما را خبر نکردی و با خویشتن همدست نمودی و نیز به پسر تادادی که پای منبر ابو بکر آمد و فریاد زد: از منبر پدرم فرود آی!! حضرت امیر علیه السلام در جواب ایشان فرمود: اگر من سوگند بخورم شما حرف مرا تصدیق می نمایید؟ گفتند: آری. حضرت علی علیه السلام پس از اینکه سوگند خورد ایشان را داخل مسجد کرد و به آنان فرمود: پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به من وصیت کرد و فرمود: مبدا غیر از تو که پسر عمومی من می باشی احدی در غسل من شرکت کند، لذا من جسد آن بزرگوار را غسل می دادم و ملائکه آن جسد مقدس را حرکت می دادند و فضل بن عباس در حالی که چشمانش به وسیله دستمالی بسته بود آب غسل را می ریخت. من تصمیم گرفتم که پیراهن رسول خدا را از بدن مبارکش بیرون آورم، ناگاه صدایی از خانه بلند شد که من صاحب آن صدا را ندیدم ولی به طور مکرر به من تذکر می داد: مبدا پیراهن پیامبر خدا را از بدن مقدسش خارج نمایی! لذا من دست خود را زیر پیراهن آن حضرت کردم و جسد شریفش را غسل دادم، آنگاه کفن به من تقدیم شد و بدن مبارک او را کفن نمودم، سپس پیراهن وی را از جسدش خارج نمودم. اما فرزندم حسن (که می گوید: پای منبر آمد و به ابو بکر گفت: از منبر پدرم فرود آی!): آیا غیر از این است که شما و عموم اهل مدینه می دانید که حسن در میان صف نماز جماعت راه می رفت تا نزد پیغمبر معظم اسلام که در حال سجده بود می آمد و بر پشت مبارک آن حضرت سوار می شد و چون سر از سجده برمی داشت یک دست خود را به پشت حسن و دست دیگرش را روی زانوی مبارک خود می نهاد تا اینکه نماز را به این کیفیت تمام می کرد؟ گفتند: آری ما این موضوع را کاملاً می دانیم. آنگاه حضرت امیر فرمود: شما و اهل مدینه عموماً قبول دارید که فرزندم حسن به جانب پیامبر معظم اسلام می شتافت و پس از اینکه بر گردن مقدس آن حضرت سوار می شد پاهای خود را به نحوی بر سینه مبارک آن بزرگوار آویزان می نمود که برق خلخالهای حسن از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۶۱ انتهای مسجد مشاهده می شد، و حسن همچنان در آغوش رسول خدا بود تا آن حضرت از خواندن خطبه و سخنرانی فراغت حاصل می نمود؟ زمانی که آن کودک، دیگری را به جای جدّ خود بر فراز منبر بیند طبعی است که ناراحت می شود و این منظره برایش ناگوار خواهد شد. به خداوند سوگند من این مطلبی را که شما می گوید به وی تعلیم ندادم و او را مأمور ننمودم. اما فاطمه زهرا: فاطمه همان زنی بود که (به شما اجازه عیادت نداد و) من برای شما از او اجازه گرفتم و شما سخنانی را که وی با شما گفت دیدید و شنیدید، به خداوند سوگند فاطمه زهرا خودش به من وصیت کرد که شما در تشییع جنازه اش حاضر نشوید و نماز بر جسدش نخوانید. من هم شخصی نبودم که با وصیتی که او در باره شما کرده بود مخالفت نمایم. عمر به حضرت علی گفت: این توجیهات را کنار بگذار! من می روم قبر فاطمه زهرا را می شکافم و بر بدنش نماز می خوانم. حضرت علی علیه السلام فرمود: به خداوند سوگند اگر به دنبال یک چنین منظوری بروی به

آن نمی‌رسی تا اینکه چشمانت از کاسه سرت خارج شوند! زیرا من قبل از اینکه تو به این منظور بررسی جز با شمشیر با تو معامله‌ای نخواهم کرد! سپس بین حضرت امیر و عمر سخنانی درشت رد و بدل شد و علی علیه السلام تصمیم نبرد گرفت. آنگاه گروهی از مهاجرین و انصار اجتماع نمودند و گفتند: به خداوند سوگند ما راضی نیستیم که این گونه سخنان در باره پسر عمو و برادر و وصی پیغمبر خدا گفته شود. نزدیک بود فتنه‌ای پیا شود، ولی پراکنده شدند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۲/۳۴۲- و منه «۱» أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْبَزْطِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ مَنْ غَسَلَ فَاطِمَةَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۶۲ قَالَ ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ فَكَأَنِّي اسْتَعْظَمْتُ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِهِ فَقَالَ كَأَنَّكَ ضَيَّعْتَ مِمَّا أَخْبَرْتُكَ بِهِ قُلْتُ قَدْ كَانَ ذَلِكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ لَا تَضَيِّقَنَّ فَإِنَّهَا صَدِيقَةٌ لَا يُغَسَّلُهَا إِلَّا صَدِيقٌ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَرْيَمَ لَمْ يُغَسَّلْهَا إِلَّا عِيسَى ع - الكافي محمد بن يحيى عن ابن عيسى عن عبد الرحمن بن سالم مثله

ترجمه

و در کتاب علل الشرائع و کافی از مفضل روایت شده است که گفت: به امام جعفر صادق عرض کردم: فدایت شوم چه کسی فاطمه زهرا را غسل داد؟ فرمود: حضرت علی علیه السلام. ولی من از سخن آن بزرگوار تعجب کردم. امام فرمود: گویا از سخن من شکفت زده شدی؟ گفتم: آری، فدای تو گردم. فرمود: تعجب منماید! زیرا چون حضرت فاطمه صدیقه بود غیر از شخص صدیق کسی دیگر نباید او را غسل دهد. آیا نمی‌دانی که حضرت مریم را غیر از عیسی علیه السلام کسی غسل نداد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳/۳۴۳- قرب الإسناد «۱» ابْنُ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ عُلوَانَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ عَلِيًّا ع غَسَلَ امْرَأَتَهُ فَاطِمَةَ ع بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص

ترجمه

در قرب الاسناد از امام باقر علیه السلام روایت شده که علی علیه السلام خودش فاطمه را غسل داد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۴/۳۴۴- علل الشرائع «۲» عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنِ النَّخَعِيِّ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ ابْنِ الْبَطَّائِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع لَأَيِّ عِلَّةٍ دُفِنَتْ فَاطِمَةُ ع بِاللَّيْلِ وَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۶۳ لَمْ تُدْفَنَ بِالنَّهَارِ قَالَ لِأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا يُصَلَّى عَلَيْهَا الرَّجُلَانِ الْأَعْرَابِيَانِ الْكَافِرَانِ لِقَوْلِهِ تَعَالَى الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا «۱»

ترجمه

در علل الشرائع از بطائنی روایت شده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام جویا شدم که: برای چه حضرت زهرا شبانه دفن شد و او را روز به خاک نسپردند؟ فرمود: به علت اینکه آن دو نفر مرد اعرابی - ابو بکر و عمر - به جنازه اش نماز نگزارند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۴۵ / ۳۵- علل الشرائع أمالی الصدوق «۲» ابْنُ مُوسَى عَنِ ابْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانِ عَنِ ابْنِ حَبِيبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ الْجَحْدَرِيِّ قَالَا حَدَّثَنَا ابْنُ عَائِشَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الهمداني عَنْ أَبِيهِ قَالَ لَمَّا دَفِنَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ فَاطِمَةَ ع قَامَ عَلَى شَفِيرِ الْقَبْرِ وَ ذَلِكَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ لِأَنَّهُ كَانَ دَفَنَهَا لَيْلًا ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ وَ كُلُّ الَّذِي دُونَ الْمَمَاتِ قَلِيلٌ وَ إِنَّ افْتِقَادِي وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ سَتَعْرِضُ عَنْ ذِكْرِي وَ تَنْسَى مَوَدَّتِي وَ يَحْدُثُ بَعْدِي لِلْخَلِيلِ خَلِيلٌ

ترجمه

در علل الشرائع و امالی صدوق از عبد الرحمن همدانی روایت شده که وقتی علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را دفن می کرد شب بود، پس بر فراز قبر آن حضرت ایستاد و این اشعار را قرائت کرد: برای هر اجتماعی جدایی است و آنچه نمردنی است بسیار قلیل است از دست دادن من یکی بعد از دیگری را، دلیل بر آن است که هیچ دوستی دوام نخواهد داشت و با مرگ از بین خواهد رفت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۶۴-۳ آیا به زودی از یاد من می روی و محبت تو از یاد من می رود، و آیا بعد از تو کس دیگری پیدا می شود که جای تو را بگیرد؟

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۴۶ / ۳۶- كِتَابُ الدَّلَائِلِ لِلطَّبْرِيِّ، «۱» عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخَشَّابِ عَنِ زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ أَبِي زَائِدَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا تَرَكَ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ - كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتَهُ أَهْلَ بَيْتِهِ وَ كَانَ قَدْ أَسِيرَ إِلَى فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا أَنَّهَا لَأَحَقُّ بِهِ أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِهِ لِحُوقًا قَالَتْ بَيْنَا أَنِّي بَيْنَ النَّائِمَةِ وَ الْيَقْظَانَةِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِي بَايَامٍ إِذْ رَأَيْتُ كَأَنَّ أَبِي قَدْ أَشْرَفَ عَلَيَّ فَلَمَّا رَأَيْتُهُ لَمْ أَمْلِكْ نَفْسِي أَنْ نَادَيْتُ يَا أَبَتَاهُ انْقَطَعَ عَنَّا خَبَرُ السَّمَاءِ فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ أَتَتْنِي الْمَلَائِكَةُ صِفُوفًا يَقْدُمُهَا مَلَكَانِ حَتَّى أَخَذَانِي فَصَبَّحَا بِي إِلَى السَّمَاءِ فَرَفَعَتْ رَأْسِي فَإِذَا أَنَا بِقُصُورٍ مُشِيدَةٍ وَ بَسَاتِينَ وَ أَنْهَارٍ تَطْرُدُ وَ قَصِيرٍ بَعْدَ قَصْرِ وَ بُسْتَانٍ بَعْدَ بُسْتَانٍ وَ إِذَا قَدْ أَطْلَعَ عَلَيَّ مِنْ تِلْكَ الْقُصُورِ جَوَارٍ كَأَنَّهُنَّ اللَّعْبُ فَهَنَ يَتَبَاشَرُونَ وَ يَضْحَكُونَ إِلَيَّ وَ يَقْلَنُ مَرْحَبًا بِمَنْ خُلِقَتِ الْجَنَّةُ وَ خُلِقْنَا مِنْ أَجْلِ أَبِيهَا فَلَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَصْبِحُ بِي حَتَّى أَذْخُلُونِي إِلَى دَارٍ فِيهَا قُصُورٌ فِي كُلِّ قَصْرِ مِنَ الْجَنُوتِ مِثْلُ مَا رَأَيْتُ فِيهَا مِنَ السُّنْدُسِ وَ الْإِسْتَبْرَقِ عَلَى أَسْرِهِ وَ عَلَيْهَا أَلْحَافٌ مِنَ أَلْوَانِ الْحَرِيرِ وَ الدِّيْبَاجِ وَ آتِيَهُ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ وَ فِيهَا مَوَائِدُ عَلَيْهَا مِنَ أَلْوَانِ الطَّعَامِ وَ فِي تِلْكَ الْجَنَانِ نَهْرٌ مُطَرَّدٌ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبُ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ فَقُلْتُ لِمَنْ هَذِهِ الدَّارُ وَ مَا هَذَا النَّهْرُ فَقَالُوا هَذِهِ الدَّارُ الْفِرْدَوْسُ الْأَعْلَى الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهُ جَنَّةٌ وَ هِيَ دَارُ أَبِيكَ وَ مَنْ مَعَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهُ قُلْتُ فَمَا هَذَا النَّهْرُ قَالُوا هَذَا الْكَوْثَرُ الَّذِي

وَعِدَهُ أَنْ يُعْطِيَهُ إِيَّاهُ فَقُلْتُ فَأَيْنَ أَبِي قَالُوا السَّاعِيَةَ يَدْخُلُ عَلَيْكَ فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ بَرَزَتْ لِي قُصُورٌ هِيَ أَشَدُّ بَيَاضاً وَأَنُورُ مِنْ تِلْكَ وَ فَرُشٌ هِيَ أَحْسَنُ مِنْ تِلْكَ الْفُرُشِ وَإِذَا بِفُرُشٍ مُزْتَفِعَةٍ عَلَيَّ أَسْرَرَةٍ وَإِذَا أَبِي صَحَابِيٍّ عَلَى تِلْكَ الْفُرُشِ وَمَعَهُ جَمَاعَةٌ فَلَمَّا رَأَيْتِي أَخَذَنِي فَضَمَّنِي وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيَّ وَقَالَ مَرْحَباً بِابْنَتِي وَأَخَذَنِي وَأَقْعَدَنِي فِي حَجَرِهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا حَبِيبَتِي أَمَا تَرَيْنَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ وَمَا تَقْدِمِينَ عَلَيْهِ فَأَرَانِي قُصُوراً زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۶۵ مُشْرِقَاتٍ فِيهَا أَلْوَانُ الطَّرَائِفِ وَالْحُلِيِّ وَالْحُلَلِ وَقَالَ هَذِهِ مَسْكَنُكَ وَمَسْكَنُ زَوْجِكَ وَلَمَدَيْكَ وَمَنْ أَحَبَّكَ وَأَحَبَّهُمَا فَطِيبِي نَفْساً فَإِنَّكَ قَادِمَةٌ عَلَيَّ إِلَى أَيَّامٍ قَالَتْ فَطَارَ قَلْبِي وَ اشْتَدَّ شَوْقِي وَ انْتَبَهْتُ مِنْ رَقَدَتِي مَرْغُوبَةً قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَلَمَّا انْتَبَهْتُ مِنْ مَرْقَدِهَا صَاحَتْ بِي فَاتَيْتُهَا فَقُلْتُ لَهَا مَا تَسْتَكِينُ فَجَبَّرْتَنِي بِخَبَرِ الرُّؤْيَا ثُمَّ أَخَذَتْ عَلَيَّ عَهْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ أَنَّهَا إِذَا تَوَفَّتْ لَا أُغْلِمُ أَحَدًا إِلَّا أُمُّ سَلَمَةَ زَوْجَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أُمُّ أَيْمَنَ وَ فَضَّةَ وَ مِنْ الرِّجَالِ ابْنَيْهَا وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ وَ الْمُقَدَّادَ وَ أَبُو [أَبَا ذَرٍّ وَ حَدِثْتُهُ وَ قَالَتْ إِنِّي أَخْلَلْتُكَ مِنْ أَنْ تَرَانِي بَعْدَ مَوْتِي فَكُنْ مَعَ النِّسْوَةِ فِيمَنْ يُغَسِّلُنِي وَ لَا تُدْفِنُنِي إِلَّا لَيْلًا وَ لَا تُغْلِمُ أَحَدًا قَبْرِي فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُكْرِمَهَا وَ يَقْبِضَهَا إِلَيْهِ أَقْبَلْتُ تَقُولُ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ هِيَ تَقُولُ لِي يَا ابْنَ عَمٍّ قَدْ أَتَانِي جَبْرِئِيلُ مُسَلِّماً وَ قَالَ لِي السَّلَامُ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ يَا حَبِيبَةَ حَبِيبَ اللَّهِ وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ الْيَوْمَ تَلْحَقِينَ بِالرَّفِيعِ الْأَعْلَى وَ جَنَّةِ الْمَأْوَى ثُمَّ انْصَرَفَ عَنِّي ثُمَّ سَمِعْنَاهَا ثَانِيَةً تَقُولُ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ فَقَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ هَذَا وَ اللَّهُ مِكَايِيلُ وَ قَالَ لِي كَقَوْلِ صَاحِبِهِ ثُمَّ تَقُولُ وَ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ رَأَيْنَاهَا قَدْ فَتَحَتْ عَيْنَيْهَا فَتَحًّا شَدِيداً ثُمَّ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ هَذَا وَ اللَّهُ الْحَقُّ وَ هَذَا عِزْرَائِيلُ قَدْ نَشَرَ جَنَاحَهُ بِالْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ قَدْ وَصَفَهُ لِي أَبِي وَ هَذِهِ صِفَتُهُ فَسَمِعْنَاهَا تَقُولُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قَابِضَ الْأَرْوَاحِ عَجَّلْ بِي وَ لَا تُعَذِّبْنِي ثُمَّ سَمِعْنَاهَا تَقُولُ إِلَيْكَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا النَّارُ ثُمَّ غَمَضَتْ عَيْنَيْهَا وَ مَدَّتْ يَدَيْهَا وَ رَجَلَيْهَا كَأَنَّهَا لَمْ تَكُنْ حَيَّةً قَطْ

ترجمه

ابو جعفر طبری در کتاب دلائل الامامه، و از امام صادق علیه السلام روایت می کند: هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رحلت نمود، غیر از ثقلین یعنی قرآن و عترت و اهل بیت خود چیزی به یادگار ننهاد. آن حضرت آهسته به فاطمه زهرا فرمود: تو اولین کسی هستی که از اهل بیتم به من ملحق خواهی شد. حضرت زهرا می فرماید: چند روز بعد از رحلت پدر بزرگوارم در بین خواب و بیداری بودم که پدرم را در عالم خواب دیدم. وقتی آن حضرت را دیدم نتوانستم خودداری کنم لذا به وی گفتم: پدر جان! وحی و اخبار آسمانی از ما بریده شد. در همان حینی که من سخن می گفتم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۶۶ ناگاه دیدم چند صف از ملائکه که دو ملک در جلو آنها بودند نزد من آمدند و مرا گرفته به جانب آسمان بردند، و چون سر خود را بلند کردم مواجه شدم با قصرهایی برافراشته و بستانها و نهلهایی فراوان. پس از هر قصر، قصری دیگری و پس از هر بستان، بستان دیگری به چشم می خورد. ناگاه دیدم دخترانی از آن قصرها به سوی من می آیند در حالی که مزاح می کردند و به یک دیگر مژده می دادند و به من لبخند می زدند و می گفتند: مرحبا به کسی که بهشت برای او خلق شده و ما برای خاطر پدرش آفریده شده ایم! و ملائکه همچنان مرا بالا می بردند تا اینکه مرا داخل محلی نمودند که دارای قصرهایی بود، در هر قصری خانه هایی بود که هیچ چشمی ندیده بود. سندس و استبرق هایی بر فراز تخت هایی بود. انواع و اقسام لحافهای رنگارنگ حریر و دیبا بر فراز آنها گسترده بودند. ظرفهایی از طلا و نقره وجود داشت، سفره هایی در آنجا بود که حاوی غذاهای رنگارنگ بودند. در آن بهشت نهری بود که از شیر سفیدتر و از مشک اذفر خوشبو تر بود. من گفتم: این خانه مال کیست و این نه چيست؟ گفتند: این فردوس اعلی است که بالاتر از آن بهشتی وجود ندارد. این خانه به پدرت رسول خدا و پیغمبرانی که با آن حضرت باشند و آن افرادی که محبوب خدا هستند تعلق دارد. گفتم: پس این نه چيست؟ گفتند: این همان کوثری است که خدا به پدر بزرگوارت وعده داده است. گفتم: پدرم کجاست؟ گفتند: هم اکنون نزد تو می آید. در همین حال بودیم که قصرهایی بر من نمودار شد که از قصرهای

قبلی سفیدتر و نورانی تر بودند، فرش آنها از فرش قصرهای سابق بهتر بود. فرشی را دیدم که بر فراز تختی انداخته بودند و پدرم رسول خدا روی آن نشسته بود و گروهی در حضور آن حضرت بودند. هنگامی که پدرم مرا دید میان چشمانم را بوسید و فرمود: مرحبا به دخترم! آنگاه مرا گرفت و در کنار خود جای داد و به من فرمود: ای حبیبه من! آیا نمی بینی که خدا چه نعمت ها برای تو آماده کرده و نزد چه نعمت هایی خواهی آمد؟ سپس قصرهایی نورانی به من نشان داد که حاوی زر و زیور و حله هایی الوان زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۶۷ و رنگارنگ بودند. آنگاه به من فرمود: اینجا مسکن تو و شوهرت و دو فرزندت و کسی که تو و ایشان را دوست داشته باشد می باشد، خوشحال باش زیرا تا چند روز دیگر نزد من خواهی آمد. پس از این جریان قلب من تپید و شوقم زیاد گردید و در حالی که دچار ترس شده بودم از خواب پریدم. امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: حضرت امیر علیه السلام فرمود: وقتی فاطمه زهرا علیها السلام از خواب پرید مرا صدا زد، من نزد او آمدم و گفتم: تو را چه شده؟! وی جریان خواب خود را شرح داد و از من تعهد گرفت هر گاه او از دنیا برود من از زنان غیر از ام سلمه زوجه رسول خدا، ام ایمن، فضه، و از مردان غیر از دو فرزندش، عبد الله بن عباس، سلمان فارسی، عمار بن یاسر، مقداد، ابو ذر و حذیفه کسی را آگاه ننمایم. فاطمه به من گفت: من به تو اجازه می دهم که پس از فوت جسمم را مشاهده کنی، تو با زنان بدن مرا غسل بده و شبانه مرا به خاک بسپار، و کسی را از محل قبر من آگاه منماید. وقتی آن شبی فرا رسید که خدای مهربان فاطمه را گرامی داشت و او را قبض روح نمود، حضرت زهرا می فرمود: علیکم السلام، و به من می گفت: ای پسر عمو! این جبرئیل است که به من سلام می کند و می گوید: این حبیبه حبیب خدا و میوه قلب اوست! خدا به تو سلام می رساند، تو امروز در بهشت وارد خواهی شد. این مژده را به من داد و رفت. حضرت امیر می فرماید: برای دومین بار شنیدم که حضرت زهرا فرمود: و علیکم السلام. آنگاه به من فرمود: ای پسر عمو! این میکائیل است که نظیر جبرئیل به من مژده می دهد. برای سومین بار فاطمه علیها السلام فرمود: و علیکم السلام. آنگاه چشمان خود را به سرعت باز کرد و به من فرمود: ای پسر عمو! به خداوند سوگند که این حق است، این عزرائیل است که پر و بال خود را در مشرق و مغرب گسترده است. پدرم این اوصاف او را برای من شرح داده بود. سپس شنیدیم که حضرت زهرا می فرمود: و علیکم السلام یا قابض الارواح! زودتر مرا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۶۸ قبض روح کن و اسباب ناراحتی مرا فراهم نکن! پس از این جریان شنیدیم که می فرمود: خداوند! به سوی تو می آییم، نه به سوی آتش. سپس چشمان خود را بست و دست و پای خود را کشید و گویا اصلا فاطمه هرگز زنده نبوده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۷/۳۴۷- أَمَالِي الصَّدُوقِ «۱» الْمَكْتَبُ عَنِ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْفَزَارِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الزِّيَّاتِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ بُنَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ دَفْنُهُ لِفَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَيْلًا فَقَالَ إِنَّهَا كَانَتْ سَاحِطَةً عَلَى قَوْمٍ كَرِهَتْ حُضُورَهُمْ جَنَازَتَهَا وَحَرَامٌ عَلَى مَنْ يَتَوَلَّاهُمْ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ وَلَدِهَا

ترجمه

اصبغ بن نباته گوید: از علی علیه السلام در باره اینکه چرا فاطمه را شبانه دفن کرد، پرسیدم. آن حضرت در جواب من گفت: حضرت فاطمه علیها السلام بر برخی از مردم به شدت غضبناک بود و نمی خواست که تحت هیچ شرایطی آنها بر جنازه او حاضر شوند و یا کسی از فرزندان و هواداران آنها بر او نماز بگزارند، به همین دلیل او را شبانه و مخفیانه دفن کردم.

[متن عربی]

ترجمہ

در امالی شیخ طوسی از عَمَّار یاسر روایت شده است که گفت: در آن بیماری که فاطمه زهرا از دنیا رفت و حال او وخیم شد و عبّاس بن عبد المطلب برای عیادت آن حضرت آمد، به عبّاس گفتند: حال فاطمه مساعد نیست و کسی نزد او نمی‌رود. عبّاس به سوی خانه خویش بازگشت و شخصی را نزد حضرت علی فرستاد و گفت: از قول من به حضرت امیر بگو: عموی تو به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: به خداوند سوگند که غم و اندوه حبیبه و نور چشم رسول خدا و نور چشم من مرا به شدّت رنج می‌دهد، من این طور گمان می‌کنم آن بانو زودتر از همه ما به رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ ملحق شود و خدا او را برمی‌گزیند و به رحمت خود نزدیک می‌کند. فدایت شوم! اگر فاطمه علیها السّلام رحلت کرد مهاجرین و انصار را آگاه و جمع کن تا برای تشییع جنازه‌اش و نماز خواندن بر بدنش حاضر شوند و ثواب ببرند، زیرا این عمل باعث سرافرازی دین می‌شود. راوی می‌گوید: من در حضور حضرت امیر بودم که به فرستاده عبّاس بن عبد المطلب فرمود: سلام مرا به عمویم برسان و به وی بگو: لطف و مرحمت تو زیاد باد! من از مشورت تو آگاه شدم، رأی و نظریه تو بسیار نیکوست. ولی فاطمه دختر پیغمبر خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ دائماً زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۷۰ مظلوم، از حق خود ممنوع، از میراث خویشتن محروم بوده است. ملا-حظه آن وصیّتی را که پیامبر در باره‌اش کرده ننمودند. حق آن حضرت و حق خدا را رعایت نکردند، کافی است که خدا بین ما و آنان حکم کند و از ظالمین انتقام بگیرد. ای عمو جان! من از تو خواهش می‌کنم از این مطلبی که گفתי، صرف نظر فرمایی، زیرا فاطمه به من وصیّت کرده که امر فوت او را پوشیده بدارم. فرستاده عبّاس نزد او بازگشت و جواب حضرت امیر را برای وی شرح داد. عبّاس گفت: خدا برادرزاده مرا پیامزد، زیرا رأی برادرزاده من محکم و صحیح است، غیر از رسول خدا نوزادی برای عبد المطلب

متوَلَّد نشد که از لحاظ خیر و برکت از علی علیه السَّلام برتر باشد، حَقًّا که علی در هر بزرگواری و فضیلتی بر همه آنان سبقت گرفت، علی از همه شجاع تر است، علی برای نصرت و یاری دین خدا از همه بیشتر با دشمنان جهاد نمود. علی اولین کسی است که به خداوند و رسول او ایمان آورد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۴۹ / ۳۹- الخصال «۱» مُحَمَّدُ بْنُ عُمَيْرٍ الْبَغْدَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ عَبْدِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُعَمَّرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ خُلِقَتِ الْأَرْضُ لِسَبْعَةٍ بِهِمْ يُرْزَقُونَ وَبِهِمْ يُمَطَّرُونَ وَبِهِمْ يُنْصَرُونَ أَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانُ وَ الْمِقْدَادُ وَ عَمَّارٌ وَ حَدِيثُهُ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ عَلِيُّ ع وَ أَنَا إِمَامُهُمْ وَ هُمُ الَّذِينَ شَهِدُوا الصَّلَاةَ عَلَى فَاطِمَةَ - الكشي جبرئیل بن أحمد عن الحسين بن خرزاد عن ابن فضال عن ثعلبة عن زرارة عن أبي جعفر عن أبيه عن جده ع مثله

ترجمه

در کتابهای خصال و رجال کشی از علی علیه السَّلام روایت شده که گفت: زمین به خاطر هفت نفر خلق شده که مردم به واسطه آنان رزق و روزی داده می شوند و باران برای آنان می آید و یاری می شوند (آن هفت نفر عبارتند از): ابو ذر، سلمان، مقداد، عمار، حذیفه، و عبد الله بن مسعود. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۷۱ حضرت امیر می فرماید: من امام آنان هستم، ایشان بودند که بر بدن فاطمه علیها السلام نماز خواندند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۵۰ / ۴۰- أُمَالِي مُفِيدٌ «۱» عَنِ أُمَالِي طَوْسِي «۲» الْمَفِيدُ عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَرَمَرَازِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ لَمَّا مَرَضَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَصَّتْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَنْ يَكْتُمَ أَمْرَهَا وَ يُخْفِيَ خَبَرَهَا وَ لَا يُؤْذِنَ أَحَدًا بِمَرَضَتِهَا فَفَعَلَ ذَلِكَ وَ كَانَ يَمْرُضُهَا بِنَفْسِهِ وَ تَعِينُهُ عَلَى ذَلِكَ أَسْمَاءُ بِنْتُ عَمَيْسٍ رَحِمَهُمَا اللَّهُ عَلَى اسْتِيسَارٍ بِذَلِكَ كَمَا وَصَّتْ بِهِ فَلَمَّا خَضَرَتْهَا الْوَفَاةُ وَصَّتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنْ يَتَوَلَّى أَمْرَهَا وَ يَدْفِنَهَا لَيْلًا وَ يَعْفَى قَبْرَهَا فَتَوَلَّى ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ دَفَنَهَا وَ عَفَى مَوْضِعَ قَبْرِهَا فَلَمَّا نَفَضَ يَدُهُ مِنْ تُرَابِ الْقَبْرِ هَاجَ بِهِ الْحُزْنُ فَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدَّيْهِ وَ حَوْلَ وَجْهِهِ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ ابْنَتِكَ وَ حَبِيبَتِكَ وَ قُرَّةِ عَيْنِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِثَةِ فِي الثَّرَى بِبِقِيعِكَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سِرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ ضَعْفَ عَنْ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ تَجَلْدِي إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ لِي بِسَيِّئَتِكَ وَ الْحُزْنِ الَّذِي حَلَّ بِي لِفِرَاقِكَ مَوْضِعَ التَّعَزُّي وَ لَقَدْ وَصَّيْتُكَ فِي مَلْحُودِ قَبْرِكَ بَعْدَ أَنْ فَاضَتْ نَفْسُكَ عَلَى صَدْرِي وَ غَمَضْتُكَ بِيَدِي وَ تَوَلَّيْتُ أَمْرَكَ بِنَفْسِي نَعَمْ وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْعَمَ الْقَبُولُ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ «۳» قَدْ اسْتَرْجَعْتَ الْوَدِيعَةَ وَ أَخَذْتَ الرَّهْنَةَ وَ اخْتَلَسْتَ الزَّهْرَاءَ فَمَا أَفْجَحَ الْخَضِرَاءُ وَ الْغُبَرَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا حُزْنِي فَسَرَمَدٌ وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسْهَدٌ لَا يَبْرُحُ الْحُزْنُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي فِيهَا أَنْتَ مُقِيمٌ كَيْدٌ مُقْتِيحٌ وَ هُمْ مُهَيِّجٌ سِرْعَانِ مَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو وَ سُبُّنُوكَ ابْنَتُكَ بِنِّظَاهِرِ أُمَّتِكَ عَلَيَّ وَ عَلَى هَضْمِهَا حَقَّهَا فَاسْتَخْبَرَهَا الْحَالُ فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَنِّهِ سَبِيلًا وَ سَتَقُولُ

وَيَحْكُمُ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ زَهِرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۷۲ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلَامٌ مُودَعٌ لَنَا سَنِمٌ وَلَا قَالٍ فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَإِنْ أَقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنِّي بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ الصَّبْرُ أَيْمَنُ وَأَجْمَلُ وَلَوْ لَا غَلَبَهُ الْمُسْتَوَلِينَ عَلَيْنَا لَجَعَلْتُ الْمَقَامَ عِنْدَ قَبْرِكَ لَزَامًا وَالتَّلَبُّثُ عِنْدَهُ مَعْكُوفًا وَلَأَعُولْتُ إِعْوَالَ الثَّكَلَى عَلَى جَلِيلِ الرَّزِيَّةِ فَبَعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ بَشْتِكَ سِرًّا وَ يُهْتَضَمُ حَقُّهَا قَهْرًا وَ يُنْمَعُ إِزْنُهَا جَهْرًا وَلَمْ يَطْلُبِ الْعَهْدُ وَلَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ الذِّكْرُ فَالِيَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَكَى وَفِيكَ أَجْمَلُ الْعَزَاءِ فَصَلَّوْا اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ «۱»

ترجمه

در امالی مفید معروف به المجالس و امالی ابن الشیخ معروف به امالی طوسی از امام حسین علیه السّلام روایت شده: هنگامی که فاطمه دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بیمار شد به حضرت علی علیه السّلام وصیت کرد که موضوع بیماری وی را مخفی بدارد و احدی را از آن مطلع ننماید. علی علیه السّلام به وصیت او عمل کرد. و شخصا پرستاری فاطمه زهرا را عهده دار بود و اسماء بنت عمیس در این کار کمک می کرد. چون هنگام رحلت فاطمه فرا رسید وصیت کرد که حضرت امیر متصدی امر آن بانو شود، شبانه او را دفن کند و قبر مطهرش را مخفی نماید. علی علیه السّلام این وصیت را پذیرفت و شبانه او را به خاک سپرد و قبرش را مخفی نمود. هنگامی که از دفن فاطمه فارغ شد، ناگهان حزن و اندوه شدیدی به حضرتش هجوم آورد و اشک از چشمانش سرازیر شد، و چهره خود را به سوی قبر رسول خدا بازگردانید و گفت: سلام من بر تو باد ای رسول خدا! و سلام بر تو از سوی دخترت و نور چشمت که به زیارت آمده، همو که در بقعات زیر خاک آرمیده است و خداوند برای او چنان خواست که هر چه زودتر به تو ملحق شود. ای رسول خدا! صبرم از فراق دختر برگزیده ات کاهش یافته و شکیبایی من از دوری سرور زنان از دست رفته، (ولی چاره ای نیست) جز آنکه همان گونه که در مصیبت جانگدازت شکیبایی ورزیدم در اینجا نیز صبر پیشه کنم. چرا که من خود با دست خویش تو را در قبر نهادم و (به هنگام جان دادن سر در زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۷۳ آغوش من داشتی آن طور که) جان تو از میان سینه و گلوی من گذشت. آری در کتاب خدا برای من برترین پذیرش و تحمّل آمده است که فرموده: «ما همه از خداییم و همگی به سوی او بازمی گردیم». امانت بازگردانده و گروگان تحویل داده و زهرا از دستم ربوده شد، ای رسول خدا! چقدر این آسمان نیلگون و زمین تیره در نظرم زشت جلوه می کند. راجع به اندوهم چه بگویم که همیشگی است و شبم که به بیداری می گذرد، و غم از دلم رخت نمی بندد تا خداوند خانه ای را که تو در آن اقامت داری برایم برگزیند. غصه ای دارم جگر سوز و اندوهی شورانگیز، چه زود میان ما جدایی افتاد، و تنها به خدا شکایت می برم. به زودی دخترت تو را خبر می دهد از همدست شدن امتت علیه من، پس به اصرار از او پرس و احوال را از او جویا شو که چه بسا سوزها داشت که در سینه اش می جوشید و راهی برای شرح و بیرون ریختن آن نداشت و اکنون خواهد گفت، و خدا داوری خواهد کرد و او بهترین داوران است. سلام بر شما سلام وداع کننده ای که نه خشمگین است و نه دلتنگ، که اگر باز گردم از روی دلتنگی نیست و اگر بمانم از بدگمانی نسبت به آنچه خداوند به صابران وعده داده، نمی باشد. آه، آه! باز هم شکیبایی مبارک تر و زیباتر است که اگر بیم غلبه چیره شوندگان نمی بود برای همیشه در اینجا می ماندم و درنگ می نمودم و بر این مصیبت بزرگ چونان زنان عزیز مرده شیون می کردم، (چرا که) همچنان که خداوند نظاره می فرماید، دخترت پنهانی (و دور از چشم بیگانگان) به خاک سپرده می شود و (اما آشکارا در پیش چشم همگان) حَقّش پایمال و از ارتش ممنوع می گردد با آنکه دیر زمانی نگذشته و یاد تو کهنه نگشته است. ای رسول خدا، شکایت نزد خداوند بلند مرتبه برده می شود و بهترین صبر و دلداری و عزاداری در باره توس، درود و رحمت و برکات خداوند یکتا و آفریدگار جهانیان بر تو و او باد!

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۵۱/۴۱- عُيُونُ الْمُعْجَزَاتِ، لِلسَّيِّدِ الْمُرتَضَى رَحِمَهُ اللَّهُ رَوَى أَنَّ فَاطِمَةَ ع تُوفِّيَتْ وَلَهَا ثَمَانُ عَشْرَةَ سَنَةً وَ شَهْرَانِ وَأَقَامَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ ص خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا وَ رَوَى أَرْبَعِينَ يَوْمًا زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۷۴ وَ تَوَلَّى غُسْلَهَا وَ تَكْفِينَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ أَخْرَجَهَا وَ مَعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فِي اللَّيْلِ وَ صَلُّوا عَلَيْهَا وَ لَمْ يَعْلَمْ بِهَا أَحَدٌ وَ دَفَنَهَا فِي الْبَقِيعِ وَ حِدَّدَ أَرْبَعِينَ قَبْرًا فَاسْتَشْكَلَ عَلَى النَّاسِ قَبْرَهَا فَأَصْبَحَ النَّاسُ وَ لَمْ يَعْصُهُمْ بَعْضًا وَ قَالُوا إِنَّ نَبِيَّنَا ص خَلَفَ بَنَاتًا وَ لَمْ نَحْضُرْ وَفَاتَهَا وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ دَفَنَهَا وَ لَا نَعْرِفُ قَبْرَهَا فَتَزَوَّرَهَا فَقَالَ مَنْ تَوَلَّى الْأَمْرَ هَاتُوا مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ مَنْ تَبَشُّ هَذِهِ الْقُبُورَ حَتَّى نَجِدَ فَاطِمَةَ ع فَنُصَلِّيَ عَلَيْهَا وَ نَزُورَ قَبْرَهَا فَبَلَغَ ذَلِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَخَرَجَ مُغَضَّبًا قَدْ احْمَرَّتْ عَيْنَاهُ وَ قَدْ تَقَلَّدَ سَيْفَهُ ذَا الْفَقَارِ حَتَّى بَلَغَ الْبَقِيعَ وَ قَدْ اجْتَمَعُوا فِيهِ فَقَالَ ع لَوْ تَبَشَّسْتُمْ قَبْرًا مِنْ هَذِهِ الْقُبُورِ لَوَضَعْتُ السَّيْفَ فِيكُمْ فَتَوَلَّى الْقَوْمُ عَنِ الْبَقِيعِ

ترجمه

سید مرتضی رحمه الله در کتاب عیون المعجزات گوید: روایت شده که سن حضرت زهرا به هنگام وفات هجده سال و دو ماه بود و بعد از پیغمبر خدا مدت هفتاد و پنج روز و به روایتی چهل روز زنده بود. حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام متصدی غسل و کفن آن بانو شد. با امام حسن و امام حسین جنازه آن بانوی مظلومه را شبانه خارج نمود، نماز بر بدنش خواندند کسی را از این جریان آگاه ننمودند، علی علیه السلام جسد مقدسش را در بقیع دفن کرد، صورت چهل قبر تشکیل داد تا قبر او تشخیص داده نشود. و هنگامی که مردم شنیدند یک دیگر را ملامت و سرزنش کردند و گفتند: پیغمبر ما یک دختر به جای نهاد و ما موقع فوت و نماز و دفن او حاضر نشدیم و محل قبر او را نمی شناسیم که زیارتش کنیم! ابو بکر گفت: زنان مسلمین را بیاورید تا این قبرها را بشکافند و ما جنازه فاطمه را پیدا کنیم و بر آن نماز بخوانیم و قبرش را زیارت نماییم. و چون این سخن به گوش حضرت علی علیه السلام رسید، در حالی خارج شد که خشمناک و چشمان مبارکش سرخ و شمشیر خود ذو الفقار را حمایل کرده بود. با همین حالت آمد تا وارد بقیع که آنان اجتماع کرده بودند شد، آنگاه فرمود: اگر یکی از این قبرها را بشکافید این شمشیر را در میان شما می گذارم (و همه را از دم شمشیر می گذرانم). پس از این جریان بود که آن گروه از بقیع خارج شدند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۵۲/۴۲- التهذيب «۱» سَلِمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسَيْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ أَوَّلِ مَنْ جُعِلَ لَهُ النَّعْشُ فَقَالَ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص

ترجمه

شیخ طوسی در کتاب تهذیب از سلیمان بن خالد روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: در اسلام اولین تابوت برای چه کسی ساخته شد؟ فرمود: برای فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۵۳/۴۳- التهذیب (۲) «سَلِمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَبِيهِ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَوَّلُ نَعْسٍ أُحْدِثَ فِي الْإِسْلَامِ نَعْسُ فَاطِمَةَ إِنَّهَا اسْتَكْتَتْ شَكْوَتَهَا الَّتِي قُبِضَتْ فِيهَا وَقَالَتْ لِأَسْمَاءَ إِنِّي نَحِلْتُ وَذَهَبَ لَحْمِي أَلَّا تَجْعَلِينَ لِي شَيْئًا يَسْتُرُنِي قَالَتْ أَسْمَاءُ إِنِّي إِذْ كُنْتُ بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ رَأَيْتُهُمْ يَصْنَعُونَ شَيْئًا أَفَلَا أَصْنَعُ لَكَ فَإِنْ أَعْجَبَكَ أَصْنَعُ لَكَ قَالَتْ نَعَمْ فَدَعَتْ بِسَرِيرٍ فَأَكْبَتُهُ لَوَجْهِهِ ثُمَّ دَعَتْ بِجَرَائِدٍ فَشَدَّدَتْهُ عَلَى قَوَائِمِهِ ثُمَّ جَلَلَتْهُ ثَوْبًا فَقَالَتْ هَكَذَا رَأَيْتُهُمْ يَصْنَعُونَ فَقَالَتْ أَصْنَعِي لِي مِثْلَهُ اسْتُرْنِي سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ

ترجمه

در تهذیب از ابو عبد الرحمن حداء، از امام صادق روایت شده که گفت: اولین تابوتی که در اسلام ساخته شد، تابوت فاطمه علیها السلام بود. زیرا آن بانو در آن بیماری که از دنیا رفت، به اسماء، فرمود: من لاغر شده‌ام و گوشت بدنم از بین رفته است، آیا چیزی که بدنم را بپوشاند، برای من درست نمی‌کنی؟ اسماء گفت: زمانی که من در حبشه بودم نوعی تابوت می‌ساختند. مایل هستی من شکل آن را نشان دهم؟ فرمود: مانعی ندارد. اسماء گفت تا تختی را آوردند، آنگاه آن تخت را وارونه بر روی زمین نهاد، دستور داد تا شاخه‌های خرمایی هم آوردند، آن شاخه‌های خرما را به پایه‌های آن تخت تابید و یک پارچه روی آنها انداخت و گفت: این شکل همان تابوتی است که من دیدم. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۷۶ فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: نظیر این تابوت را برای من بساز و بدنم را به وسیله آن بپوشان! خدا بدن تو را از آتش محفوظ بدارد!

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۵۴/۴۴- مِنْ بَعْضِ كُتُبِ الْمَنَاقِبِ الْقَدِيمَةِ، «(۱) اِخْتَلَفَ الرُّوَايَاتُ فِي وَقْتِ وَفَاتِهَا فَفِي رِوَايَةٍ أَنَّهَا بَقِيَتْ بَعِيدَ رَسُولِ اللَّهِ ص شَهْرَيْنِ وَ فِي رِوَايَةٍ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ فِي رِوَايَةٍ مِائَةَ يَوْمٍ وَ فِي رِوَايَةٍ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْعَاصِمِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ ع عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا تُوُفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ ص كَانَتْ تَقُولُ وَ أَبْتِيَاهُ مِنْ رَبِّهِ مَا أَذْنَاهُ وَ أَبْتَاهُ جَنَّانُ الْخُلْدِ مَثْوَاهُ وَ أَبْتَاهُ يُكْرِمُهُ رَبُّهُ إِذَا أَتَاهُ يَا أَبْتَاهُ الرَّبُّ وَ الرُّسُلُ تُسَلِّمُ عَلَيْهِ حِينَ تَلْقَاهُ فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ ع قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَزُيْثُهَا لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةُ الْأَبْيَاتِ وَ ذَكَرَ الْحَاكِمُ أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا مَاتَتْ أَشْأَ عَلِيُّ ع نَفْسَهُ عَلَى زَفَرَاتِهَا مَحْبُوسَةً يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفَرَاتِ لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَ إِنَّمَا أَبْكِي مَخَافَهُ أَنْ تَطُولَ حَيَاتِي وَ عَنْ سَيِّدِ الْحِفَاطِ أَبِي مَنْصُورٍ الدَّيْلَمِيِّ بِإِسْنَادِهِ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْحَسَنِ دَخَلَ عَلَى هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ عِنْدَهُ الْكَلْبِيُّ فَقَالَ هِشَامٌ لِعَبِيدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ كَمْ بَلَغَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ مِنَ السِّنِّ فَقَالَ بَلَغَتْ ثَلَاثِينَ فَقَالَ لِلْكَلْبِيِّ مَا تَقُولُ قَالَ بَلَغَتْ خَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ فَقَالَ هِشَامٌ لِعَبِيدِ اللَّهِ أَلَا تَسْمَعُ مَا يَقُولُ الْكَلْبِيُّ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ سَلْنِي عَنْ أُمِّي فَأَنَا أَعْلَمُ بِهَا وَ سَلِ الْكَلْبِيَّ عَنْ أُمِّهِ فَهُوَ أَعْلَمُ بِهَا وَ عَنِ الْعَاصِمِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ قَالَ تُوُفِّيَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص لِثَلَاثِ لَيَالٍ خَلَوْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ هِيَ بِنْتُ تِسْعٍ وَ عِشْرِينَ أَوْ نَحْوَهَا وَ ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُنَدَّةٍ الْأَصِفَهَانِيُّ فِي كِتَابِ الْمَعْرِفَةِ أَنَّ عَلِيًّا تَزَوَّجَ فَاطِمَةَ بِالْمَدِينَةِ بَعْدَ سِنِّهِ مِنَ الْهَجْرَةِ وَ بَنَى بِهَا بَعْدَ ذَلِكَ بَنَحْوٍ مِنْ سِنِّهِ وَ وَلَدَتْ لِعَلِيِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْمُحَسَّنِ وَ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۷۷ أُمُّ كُلْثُومِ الْكُبْرَى وَ زَيْنَبُ الْكُبْرَى وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ تُوُفِّيَتْ وَ لَهَا ثَمَانٌ وَ عِشْرُونَ سِنًّا وَ قِيلَ

سَمِعَ وَعَشَرُونَ سَنَةً وَفِي رِوَايَةٍ أَنَّهَا وُلِدَتْ عَلَى رَأْسِ سَنَةٍ إِحْدَى وَارْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ صَ فَيَكُونُ سَنُهَا عَلَى هَذَا ثَلَاثًا وَعَشْرِينَ وَ
 الْأَكْثَرُ عَلَى أَنَّهَا كَانَتْ بِنْتُ تِسْعٍ وَعَشْرِينَ أَوْ ثَلَاثِينَ عَ وَذَكَرَ وَهْبُ بْنُ مُثَنٍّ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهَا بَقِيَتْ أَرْبَعِينَ يَوْمًا بَعْدَهُ وَفِي رِوَايَةٍ سِتَّةَ
 أَشْهُرٍ وَسَاقَ ابْنُ عَبَّاسٍ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ لَمَّا تُوفِّيَتْ عَ شَقَّتْ أَسْمَاءُ جَبِيهَا وَخَرَجَتْ فَتَلَقَّاهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فَقَالَا أَيْنَ أُمُّنَا فَسَكَتَتْ
 فَدَخَلَا الْبَيْتَ فَإِذَا هِيَ مُمْتَدَّةٌ فَحَرَّكَهَا الْحُسَيْنُ فَإِذَا هِيَ مَيِّتَةٌ فَقَالَ يَا أَخَاهُ أَجْرَكَ اللَّهُ فِي الْوَالِدَةِ وَخَرَجَا يُنَادِيَانِ يَا مُحَمَّدَاهُ يَا أَحْمَدَاهُ
 الْيَوْمَ جُيِّدَ لَنَا مَوْتُكَ إِذْ مَاتَتْ أُمُّنَا ثُمَّ أَخْبَرَا عَلِيًّا وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ فَعُشِيَ عَلَيْهِ حَتَّى رُشَّ عَلَيْهِ الْمَاءُ ثُمَّ أَفَاقَ فَحَمَلَهَا حَتَّى أَذْخَلَهَا
 بَيْتَ فَاطِمَةَ وَعِنْدَ رَأْسِهَا أَسْمَاءُ تَبْكِي وَتَقُولُ وَآيَتَامَى مُحَمَّدٍ كُنَّا نَتَعَزَّى بِفَاطِمَةَ بَعْدَ مَوْتِ جَدِّكُمَا فَمِمَّنْ نَتَعَزَّى بَعْدَهَا فَكَشَفَ عَلَيٌّ عَنْ
 وَجْهِهَا فَإِذَا بِرُقْعَةٍ عِنْدَ رَأْسِهَا فَنَظَرَ فِيهَا فَإِذَا بِسَمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَ أَوْصَتْ وَهِيَ
 تَشْهَدُ أَنْ لِمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي
 الْقُبُورِ يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجَتِي اللَّهُ مِنْكَ لَا كُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي حَنْطُنِي وَ غَسِّلْنِي وَ كَفِّنِي
 بِاللَّيْلِ وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ اذْفِنِي بِاللَّيْلِ وَ لَا تَعْلَمْ أَحَدًا وَ أَسْتَودِعُكَ اللَّهُ وَ أَفْرَأُ عَلَى وُلْدِي السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَمَّا جَنَّ اللَّيْلُ غَسَّلَهَا عَلِيُّ وَ
 وَضَعَهَا عَلَى السَّرِيرِ وَ قَالَ لِلْحَسَنِ ادْعُ لِي أَبَا ذَرٍّ فَدَعَاهُ فَحَمَلَاهُ إِلَى الْمُصَلَّى فَصَلَّى عَلَيْهَا ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَنَادَى
 هَيْدِهِ بِنْتُ نَبِيِّكَ فَاطِمَةُ أَخْرَجْتَهَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ فَأَضَاءَتْ الْأَرْضُ مِثْلًا فِي مِثْلِ فَلَمَّا أَرَادُوا أَنْ يَذْفُوَهَا نُودُوا مِنْ بَقْعَةٍ مِنَ الْبَقِيعِ
 إِلَيَّ إِلَيَّ فَقَدْ رُذِّعَ تُرْبَتُهَا مِنِّي فَنَظَرُوا فَإِذَا هِيَ بِقَبْرِ مُحْفُورٍ فَحَمَلُوا السَّرِيرَ إِلَيْهَا فَذَفُّوَهَا فَجَلَسَ عَلِيُّ عَلَى شَفِيرِ الْقَبْرِ فَقَالَ يَا أَرْضُ
 اسْتِودِعْتِكِ وَدِيعَتِي هَيْدِهِ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَنُودِيَ مِنْهَا يَا عَلِيُّ أَنَا أَرْفُقُ بِهَا مِنْكَ فَارْجِعْ وَ لَا تَهْتَمَّ فَارْجِعْ وَ انْسِدِّ الْقَبْرَ وَ اسْتِوَى بِالْأَرْضِ
 فَلَمْ يَعْلَمْ أَيْنَ كَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

ترجمه

در بعضی کتابهای قدیمی مناقب آمده: در باره زمان وفات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اختلاف است. در یک روایت می گوید: آن بانوی معظم بعد از پدر بزرگوارش مدّت دو ماه زنده بود. در روایت دیگری می گوید: مدّت سه ماه زنده بود. در یک روایت است که مدّت صد روز و در حدیث دیگری می گوید: مدّت هشت ماه بعد از رحلت پدرش و حاکم نیشابوری روایت می کند: هنگامی که حضرت فاطمه از دنیا رحلت نمود حضرت امیر این اشعار را سرود: - جان من با ناله های خود حبس شده، ای کاش جان من با ناله هایم خارج می شد. - بعد از تو خیری در زندگانی نخواهد بود، جز این نیست که از خوف طولانی شدن زندگیم می گریم. - و وهب بن متبه از ابن عباس نقل می کند که گفت: حضرت زهرا مدّت چهل روز و به قولی شش ماه بعد از پدر بزرگوارش زنده بود، تا آنجا که می گوید: پس از آنکه فاطمه علیها السلام رحلت کرد اسماء گریبان خود را پاره کرد و خارج شد، آنگاه با حسنین علیهما السلام مصادف شد، ایشان به وی فرمودند: مادر ما کجاست؟ اسماء جوابی نداد. آنان وارد خانه شدند دیدند مادر بزرگوارشان خوابیده است. امام حسین مادر خود را حرکت داد دید از دنیا رفته است. آنگاه در حالی خارج شدند که می فرمودند: یا محمّده! یا احمداه! امروز به علّت فوت مادرمان مصیبت تو برای ما تجدید شد. پس از این جریان متوجه حضرت امیر که در مسجد بود شدند و آن حضرت را از رحلت مادرشان آگاه نمودند. امیر المؤمنین علی علیه السلام بعد از شنیدن این خبر دلخراش غش کرد، آب به صورت آن حضرت پاشیدند تا به هوش آمد، آنگاه حسنین علیهما السلام را برداشت و داخل خانه حضرت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۷۹ زهرا علیها السلام شد. اسماء را دید که بالای سر زهرا نشسته گریه می کند و می گوید: یتیمان حضرت محمّد چه کنند، بعد از فوت جدّ شما دل ما به فاطمه خوش بود! بعد از فاطمه به چه کسی دل خوش کنیم! آنگاه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام صورت مبارک فاطمه زهرا را باز کرد رقعته ای نزد سر آن بانوی معظمه یافت که در آن نوشته بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، این وصیّتی است که فاطمه دختر پیغمبر خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

کرده است: فاطمه شهادت می دهد که خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد، حضرت محمد بنده و پیامبر خدا می باشد. بهشت بر حق و دوزخ بر حق است، قیامت خواهد آمد و شکی در آن نخواهد بود، خداوند کلیه افرادی را که در قبرها مدفونند بر خواهد انگیزد. یا علی! من فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشم. خدا مرا در دنیا و آخرت برای تو ترویج نمود. یا علی! تو از دیگران برای (غسل و کفن) من مقدم هستی، مرا حنوط کن غسل بده، شبانه مرا دفن کن، شبانه بر بدنم نماز بگذار، شبانه به خاکم بسپار، احدی را از فوت من آگاه ننمای، من تو را به خداوند می سپارم، و فرزندانم به درود تا روز قیامت! و چون شب فرا رسید حضرت علی علیه السلام پیکر مقدس حضرت فاطمه را غسل داد و در میان تابوت نهاد و به حضرت حسن فرمود: ابو ذر را بیاور! هنگامی که ابو ذر آمد بدن مبارک آن بانوی مظلومه را به محل نماز آوردند و بر آن نماز خواندند، آنگاه علی علیه السلام دستهای مبارک خود را به جانب آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا! این جنازه دختر پیغمبر توست که او را از دنیای ظلمانی به طرف نور بردی و نور وجودش وجب به وجب به وسعتی تا تمام زمین را درنوردید و روشن و منور نمود. هنگامی که تصمیم گرفتند جنازه آن بانو را دفن کنند صدایی از یکی از بقعه های بقیع شنیدند که می گفت: بیا به سوی من! به سوی من! زیرا تربت و خاک وی از من گرفته شده است. و چون نگاه کردند با قبری حفر شده و آماده مواجه شدند. تابوت را به سوی آن قبر بردند و جنازه را در آن دفن نمودند. سپس حضرت امیر بر فراز قبر نشست و فرمود: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۸۰ ای قبر! من امانت خود را به تو می سپارم، این جنازه دختر رسول خدا است. ناگاه ندایی شنیدند که می گفت: یا علی! من از تو به وی مهربانترم. برگرد و مغموم و مهموم مباش! علی علیه السلام باز گشت و قبر را مسدود و با زمین هم سطح نمود. آن قبر تا قیام قیامت معلوم نخواهد شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۱۵- ۳۵۵/۴۵- أَقُولُ قَالَ أَبُو الْفَرَجِ فِي مَقَاتِلِ الطَّالِبِينَ «۱»، كَانَتْ وَفَاةُ فَاطِمَةَ عَ بَعِيدَ وَفَاةِ النَّبِيِّ ص بِمُدَّةٍ يُخْتَلَفُ فِي مَبْلَغِهَا فَالْمَكْثَرُ يَقُولُ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَالْمَقْلُّ يَقُولُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا أَنَّ الثَّبْتَ فِي ذَلِكَ مَا رَوَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّهَا تُوفِّيَتْ بِعِيدَةِ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ حَدَّثَنِي بِذَلِكَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنِ الْحَارِثِ عَنِ ابْنِ سَعْدٍ عَنِ الْوَاقِدِيِّ عَنِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع

ترجمه

ابو الفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبیین می نویسد: در باره اینکه حضرت فاطمه علیها السلام چقدر بعد از پدر بزرگوارش زنده بود اختلاف است، حد اکثر آن را هشت ماه و حد اقل آن را چهل روز نوشته اند. ولی آنچه که صحیح و ثابت به نظر می رسد این است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: آن بانوی مظلومه مدت هفتاد و پنج روز زنده بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۵۶/۴۶- مصباح طوسی «۲» و کفعمی «۳»، المصباحین فی الثَّالِثِ مِنْ جُمَادَى الْأَخْرَةِ كَانَ وَفَاةُ فَاطِمَةَ ع سَنَةً إِحْدَى عَشْرَةَ

ترجمه

در مصباح کفعمی و مصباح المتهجدین آمده است: در سوم جمادی الثانی سال یازده هجری وفات حضرت فاطمه علیها السلام واقع شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۵۷/۴۷- مصباح المتهجد «۱» فی الْیَوْمِ الْحَادِی وَالْعَشْرَیْنِ مِنْ رَجَبٍ کَدَانَتْ وَفَاةُ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ ع فی قَوْلِ ابْنِ عَبَّاسٍ بیان أقول لا يمكن التطبيق بين أكثر تواريخ الولادة و الوفاة و مدة عمرها الشريف و لا بين تواريخ الوفاة و بين ما مر فی الخبر الصحيح أنها عاشت بعد أبيها خمسة و سبعين يوما إذ لو كان وفاة الرسول ص فی الثامن و العشرين من صفر كان على هذا وفاتها فی أواسط جمادی الأولى و لو كان فی ثانی عشر ربیع الأول كما ترويه العامة كان وفاتها فی أواخر جمادی الأولى و ما - رواه أبو الفرج عن الباقر ع من كون مكثها بعده ص ثلاثة أشهر يمكن تطبيقه على ما هو المشهور من كون وفاتها فی ثالث جمادی الآخرة و يدل عليه أيضا ما مر من خبر أبي بصير عن أبي عبد الله ع برواية الطبري بأن يكون ع لم يتعرض للأيام الزائدة لقلتها و الله يعلم

ترجمه

در مصباح شیخ طوسی آمده است: وفات حضرت زهرا بنا بر قول ابن عباس در روز بیست و یکم ماه رجب بود. مؤلف گوید: اکثر تواریخ راجع به ولادت و وفات و مدت عمر شریف حضرت زهرا علیها السلام با یک دیگر قابل تطبیق نیستند. نیز تواریخ وفات آن بانو با آن روایت صحیحی که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام قبلا گذشت که فرمود: مدت عمر آن حضرت بعد از پدر بزرگوارش هفتاد و پنج روز بود تطبیق نمی کنند. زیرا اگر وفات پیامبر خدا در روز بیست و هشتم ماه صفر بوده باشد وفات حضرت زهرا علیها السلام در اواسط ماه جمادی الاولی بوده و اگر رحلت رسول خدا چنانچه اهل سنت می گویند، در روز دوازدهم ماه ربیع الاول بوده باشد وفات فاطمه علیها السلام اواخر ماه جمادی الاولی بوده است. آن روایتی را که ابو الفرج از امام محمد باقر نقل کرده که حضرت فاطمه علیها السلام مدت سه ماه بعد از پدرش زنده بود می توان با اینکه مشهور است شهادت آن حضرت در سوم جمادی الآخر بوده تطبیق کرد و آن روایتی که ابو بصیر به روایت طبری از حضرت صادق نقل نموده است نیز این موضوع را تأیید می نماید و ممکن است که متعرض آن چند روز زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۸۲ اضافی نشده باشد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۵۸/۴۸- أَقُولُ فِي الدِّيَوَانِ الْمُنْسُوبِ إِلَيْهِ ع، أَنَّهُ أَنْشَدَ بَعْدَ وَفَاةِ فَاطِمَةَ ع أَلَا هَلْ إِلَى طُولِ الْحَيَاةِ سَبِيلٌ وَأَنِّي وَهَذَا الْمَوْتُ لَيْسَ يَحُولُ وَإِنِّي وَإِنْ أَضِيبَحْتُ بِالْمَوْتِ مُوقِنًا فَلِي أَمَلٌ مِنْ دُونِ ذَاكَ طَوِيلٌ وَلِلدَّهْرِ أَلْوَانٌ تَرَوْحُ وَتَعْتَدِي وَإِنْ نَفُوسًا يَبْنِهِنَّ تَسِيلُ وَمَنْزِلٌ حَقٌّ لَا مُعَرَّجٌ دُونَهُ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهَا إِلَيْهِ سَبِيلٌ قَطَعْتُ بِأَيَّامِ التَّعَزُّزِ ذِكْرَهُ وَكُلُّ عَزِيزٍ مَا هُنَاكَ ذَلِيلٌ أَرَى عِلَلَ الدُّنْيَا عَلَى كَثِيرَةٍ وَصَاحِبُهَا حَتَّى الْمَمَاتِ عَلِيلٌ وَإِنِّي لَمُشْتَاقٌ إِلَى مَنْ أَحْبَبْتُهُ فَهَلْ لِي إِلَى مَنْ قَدْ هَوَيْتُ سَبِيلٌ وَإِنِّي وَإِنْ شَطَطَتْ بِيَ الدَّارُ نَارِحًا وَقَدْ مَاتَ قَبْلِي بِالْفِرَاقِ

جَمِيلٌ فَقَدْ قَالَ فِي الْأَمْثَالِ فِي الْبَيْنِ قَاتِلٌ أَضَرَّ بِهِ يَوْمَ الْفِرَاقِ رَحِيلٌ لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ وَ كُلُّ الَّذِي دُونَ الْفِرَاقِ قَلِيلٌ وَإِنْ افْتِقَادِي فَاطِمًا بَعِيدًا أَحْمَدَ دَلِيلٌ عَلَى أَنْ لَمَّا يَدُومُ خَلِيلٌ وَ كَيْفَ هُنَاكَ [هُنَاكَ الْعَيْشُ مِنْ بَعِيدٍ فَقَدْ هُمْ لَعْمُكَ شَيْءٌ مَا إِلَيْهِ سَبِيلٌ سَيُعْرَضُ عَنْ ذِكْرِي وَ تَنْسِي مَوَدَّتِي وَ يَظْهَرُ بَعِيدِي لِلْخَيْلِ عَدِيلٌ وَ لَيْسَ خَلِيلِي بِالْمُلُولِ وَ لَا الَّذِي إِذَا غَبْتُ يَرْضَاهُ سِوَايَ يَدِيلٌ وَ لَكِنْ خَلِيلِي مَنْ يَدُومُ وَصَالُهُ وَ يَحْفَظُ سِرِّي قَلْبُهُ وَ دَخِيلٌ إِذَا انْقَطَعَتْ يَوْمًا مِنَ الْعَيْشِ مُدَّتِي فَإِنَّ بَكَاءَ الْبَاكِاتِ قَلِيلٌ يُرِيدُ الْفَتَى أَنْ لَا يَمُوتَ حَبِيبُهُ وَ لَيْسَ إِلَيَّ مَا يَنْتَغِيهِ سَبِيلٌ وَ لَيْسَ جَلِيلًا رُزْءَ مَالٍ وَ فَقْدُهُ وَ لَكِنْ رُزْءَ الْأَكْرَمِينَ جَلِيلٌ لَذَلِكَ جَنَّبِي لَا يُؤَاتِيهِ مَضْجَعٌ وَ فِي الْقَلْبِ مِنْ حَرِّ الْفِرَاقِ غَلِيلٌ بَيَانُ خَبَرِ أَنِّي مُحَذُوفٌ وَ مَنْزِلُ عَطْفٍ عَلَى أَلْوَانِ وَ الْمَعْرَجُ مَحَلُّ الْإِقَامَةِ وَ شَطْتُ الدَّارِ وَ نَزَحْتُ بَعْدَتْ وَ الْبَاءُ لِلتَّعْدِيَةِ وَ التَّضْرِيبِ مَبَالِغَةٌ فِي الضَّرْبِ وَ الْبَيْنِ الْفِرَاقِ أَيْ أَضْرَبُ الْمَثَلَ الَّذِي قَالَهُ الْقَائِلُ فِي يَوْمِ الْفِرَاقِ الَّذِي هُوَ رَحِيلٌ وَ الْمَثَلُ قَوْلُهُ لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ وَ زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۸۳ فاطمہ مرخم فاطمہ لضرورۃ الشعر و البدیل البدل و دخیل الرجل الذی یداخله فی أمورہ و یختص به لا یؤاتیه ائی لا یوافقہ و الغلیل العطش و منہ، قَوْلُهُ ع عِنْدَ رَحْلَتِهَا ع حَبِيبٌ لَيْسَ يَعْدِلُهُ حَبِيبٌ وَ مَا لِسِوَاهُ فِي قَلْبِي نَصِيبٌ حَبِيبٌ غَابَ عَنْ عَيْنِي وَ جِسْمِي وَ عَنْ قَلْبِي حَبِيبِي لَا يَغِيبُ بَيَانُ حَبِيبٍ فِي الْمَوْضِعِينَ خَبَرُ مُبْتَدَأٍ مُحَذُوفٍ أَوْ الثَّانِي خَبَرُ الْأَوَّلِ وَ مِنْهُ، مُخَاطَبًا لَهَا بَعِيدَ وَفَاتِهَا مَا لِي وَ قَفْتُ عَلَى الْقُبُورِ مُسَلِّمًا قَبْرَ الْحَبِيبِ فَلَمْ يَرُدَّ جَوَابِي أَحَبِّبْ مَا لَكَ لَا تَرُدُّ جَوَابَنَا أُنَسِّيتَ بَعِيدِي خُلَّةَ الْأَحْيَاءِ وَ مِنْهُ، مُجِيبًا لِنَفْسِهِ مِنْ قِيلِهَا ع قَالَ الْحَبِيبُ وَ كَيْفَ لِي بِجَوَابِكُمْ وَ أَنَا رَهِيْنُ جَنَادِلٍ وَ تُرَابٍ أَكَلُ التُّرَابَ مَحَاسِنِي فَتَسِيَّتُكُمْ وَ حَجَّيْتُ عَنْ أَهْلِي وَ عَنِ أَتْرَابِي فَعَلَيْكُمْ مِنْ السَّلَامِ تَقَطَّعَتْ عَنِّي وَ عَنْكُمْ خُلَّةُ الْأَحْيَاءِ بَيَانُ الْجَنَادِلِ الْأَحْجَارِ وَ التُّرَابِ الْمَوَافِقِ فِي السَّنِ. وَ فِي شَرْحِ الدِّيَوَانِ رَوَى أَنَّ الْأَبْيَاتِ الْأَخِيرَةَ سَمِعْتُ مِنْ هَاتِفٍ

ترجمہ

علامہ مجلسی گوید: در دیوان شعری کہ بہ علی علیہ السلام منسوب شدہ است نوشتہ: بعد از وفات حضرت فاطمہ، علی علیہ السلام اشعاری در مرثیہ فاطمہ سرود، آن اشعار این است: ۱- آیا بہ سوی زندگانی طولانی راہ و طریقی هست؟ از کجا خواہد بود در صورتی کہ (چیزی بین انسان و مرگ) حایل نخواہد شد. ۲- حقًّا کہ من اگر چہ بہ مرگ یقین دارم، ولی در عین حال امیدوی بسیار برای زندہ ماندن در من وجود دارد. ۳- روزگار دارای رنگہایی است کہ شب را صبح می کند، و نفوس در بین آنہا جاری زندگانی حضرت زهرا علیہا السلام (روحانی)، ص: ۶۸۴ است. ۴- روزگار را منزل بر حقّی می باشد کہ محل اقامت نزد آن نیست، و برای ہر مردی از روزگار بہ طرف آن راہی خواہد بود. ۵- من یاد او را بہ وسیلہ روزہای عزّت قطع نمودم، و ہر عزیزی در اینجا ذلیل و خوار خواہد شد. ۶- مرضہای دنیا را برای خود فراوان می بینم، صاحب آن امراض تا موقع مردن علیل خواہد بود. ۷- من مشتاق آن کسی ہستم کہ او را دوست می دارم، آیا بہ سوی آن کس کہ او را دوست دارم راہی هست؟ ۸- خانہ مرا دور کردہ است، ولی در عین حال آن شخصی کہ قبل از من از فراق مردہ است نیکو بود. ۹- گویندہای در داستانہا راجع بہ جدایی مثلی زدہ و من آن را در روز کوچ نمودن زیاد مثل می زنم. ۱۰- حقًّا کہ از دست دادن من فاطمہ را بعد از احمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم دلیلی است بر اینکہ هیچ دوستی دائمی نخواہد بود. ۱۱- بعد از نایافتن آنان زندگی در اینجا چگونہ خواہد بود، بہ جان تو سوگند این مطلبی است کہ راہی بہ سوی آن نخواہد بود. ۱۲- بہ زودی از یاد نمودن من اعراض می شود و دوستی فراموش می گردد، و بعد از من دوستی برای دوست نظیر من ظاہر خواہد شد. ۱۳- شخص ملول و آن کسی کہ چون من غایب شوم وی را راضی کند دوست من نخواہد بود. ۱۴- ولی دوست من آن است کہ وصال او دائمی باشد، قلب او مرا حفظ کند و برای کارہای من دخیل باشد. ۱۵- ہنگامی کہ یک روز از فوت بگذرد یقیناً گریہ افراد گریہ کننده قلیل خواہد شد. ۱۶- ارادہ جوانمرد آن است کہ دوست او نمیرد، در حالی کہ راہی بہ سوی آنچه کہ زندگانی حضرت زهرا علیہا السلام (روحانی)، ص: ۶۸۵ می خواہد وجود ندارد. ۱۷- مصیبت مال و مفقود شدن آن بزرگ نخواہد بود ولی مصیبت اشخاص بزرگوار بزرگ است. ۱۸- برای این جہت

است که پهلوی و پیکرم موافق آرام گرفتن در خوابگاهی نیست، و در دل من از حرارت فراق تشنگی جایگزین است. و نیز به هنگام رحلت حضرت زهرا می‌فرماید: - دوستی که نظیر او دوستی نخواهد بود، و در قلب من غیر از او بهره‌ای وجود ندارد. - دوستی که از پیش چشم و جسم من غایب شد، ولی از قلب من غایب نخواهد بود. و خطاب به حضرت زهرا بعد از فوت او می‌فرماید: - مرا چه شده که بر روی قبرها توقف می‌نمایم، و بر قبر دوست سلام می‌کنم ولی او جواب سلام مرا نمی‌دهد. - ای دوست تو را چه شده که جواب سلام ما را نمی‌دهی، آیا بعد از من دوستی دوستان را فراموش کردی. جواب از زبان حضرت زهرا: - دوست در جواب گفت: من چگونه جواب شما را بگویم، در صورتی که رهین سنگهای فراوان و خاک قرار گرفتم. - حقا که خاک اعضای نیکوی بدنم را خورد و من شما را فراموش کردم و از نظر اهل خانه و همسالهایم ناپدید شدم. - از من بر شما سلام باد که رشته دوستی و محبت من و شما با بازماندگانم قطع شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴۹ / ۳۵۹ - مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، «۱» عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص مَكَثَتْ بَعِيدَ رَسُولِ اللَّهِ ص سِتِّينَ يَوْمًا ثُمَّ مَرَضَتْ فَاشْتَدَّتْ عَلَيْهَا فَكَانَ مِنْ دُعَائِهَا فِي شَكْوَاهَا يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ فَاعْثِنِي اللَّهُمَّ زَحْزَحْنِي عَنِ النَّارِ وَ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ الْحَقْنِي زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۸۶ بِأَبِي مُحَمَّدٍ ص فَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ لَهَا يُعَافِيكَ اللَّهُ وَ يُبْقِيكَ فَتَقُولُ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا أَسْرَعَ الْحَقَّ بِاللَّهِ وَ أَوْصَتْ بِصِدْقَتِهَا وَ مَتَاعِ الْبَيْتِ وَ أَوْصَتْهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ أُمَامَةَ بِنْتَ أَبِي الْعَاصِ وَ قَالَتْ بِنْتُ أُخْتِي وَ تَحَنُّنٌ عَلَى وُلْدِي قَالَ وَ دَفَنَهَا لَيْلًا وَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ رَأَتْ فَاطِمَةَ فِي مَنَامِهَا النَّبِيَّ ص قَالَتْ فَشَكَّوْتُ إِلَيْهِ مَا نَأَلْنَا مِنْ بَعْدِهِ قَالَتْ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص لَكُمْ الْآخِرَةُ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ وَ إِنَّكَ قَادِمَةٌ عَلَيَّ عَنْ قَرِيبٍ وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ لَمَّا خَضَرَتْ فَاطِمَةَ الْوَفَاةَ بَكَتْ فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا سَيِّدَتِي مَا يُبْكِيكَ قَالَتْ أَبْكِي لِمَا تَلَقَّيْتُ بَعْدِي فَقَالَ لَهَا لَا تَبْكِي فَوَاللَّهِ إِنْ ذَلِكَ لَصَغِيرٌ عِنْدِي فِي ذَاتِ اللَّهِ قَالَ وَ أَوْصَتْهُ أَنْ لَا يُؤْذَنَ بِهَا الشَّيْخَيْنِ فَفَعَلَ

ترجمه

در مصباح الانوار از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: فاطمه اطهر بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مدت شصت روز زنده بود، هنگامی که بیماری آن بانو شدید شد، در دعای خود گفت: یا حی! یا قیوم، به رحمت تو چنگ می‌زنم پس به فریادم برس! خداوند، مرا از آتش رهایی بخش و در بهشت داخل فرما و به پدرم محمد صلی الله علیه و آله و سلم ملحق نما! حضرت امیر به وی می‌فرمود: خدا تو را عافیت می‌دهد و باقی می‌دارد. فاطمه اطهر می‌گفت: ای ابا الحسن! من به سرعت به سوی خداوند می‌روم، آنگاه راجع به صدقه‌ها و اثاث خانه وصیت نمود، و نیز وصیت کرد که امیر المؤمنین با امامه که دختر خواهرش بود ازدواج کند که با فرزندانش مهربانی می‌نماید. سپس آن حضرت را شبانه دفن کرد. ابن عباس می‌گوید: حضرت فاطمه زهرا فرمود: پدر خود را در خواب دیدم و راجع به آن ظلم و ستمهایی که به ما شد به آن حضرت شکایت کردم. رسول خدا در جوابم فرمود: آن آخرتی که برای پرهیزکاران آماده شده برای شماست و تو به زودی نزد من خواهی آمد. حضرت امام جعفر صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت می‌کند که فرمودند: هنگامی که فوت حضرت زهرا نزدیک شد گریه کرد، حضرت علی علیه السلام از وی سؤال کرد: ای بانوی من! چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: برای آن مصیبت‌هایی که تو بعد از من خواهی دید. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۸۷ امیر المؤمنین فرمود: گریان مباش، به خداوند سوگند آن مصائب نزد

من برای رضای خداوند کوچک و ناچیزند، آنگاه فاطمه به علی وصیت کرد که به ابو بکر و عمر اجازه تشییع جنازه و نماز ندهد، و حضرت علی وصیت آن بانو را اجرا نمود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵۰- كِتَابُ الدَّلَائِلِ لِلطَّبَرِيِّ، «۱» عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْبَاقِرِ حَى عَنْ فَلَاحِجَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَعْدَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي جَرِيحٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَاطِمَةَ ع أَنَّهَا أَوْصَتْ لِأَزْوَاجِ النَّبِيِّ ص لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِأَثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَوْقِيَةً وَلِإِنْسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ مِثْلَ ذَلِكَ وَأَوْصَتْ لِأُمَامَةَ بِنْتِ أَبِي الْعَاصِ بِشَيْءٍ وَيَسْنَادٌ آخَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَنِ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّ فَاطِمَةَ ع تَصَدَّقَتْ بِمَالِهَا عَلَى بَنِي هَاشِمٍ وَبَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَأَنَّ عَلِيًّا ع تَصَدَّقَ عَلَيْهِمْ وَأَدْخَلَ مَعَهُمْ غَيْرَهُمْ

ترجمه

در کتاب دلایل الامامه از امام باقر علیه السلام در باره حضرت فاطمه روایت شده: حضرت فاطمه وصیت کرد که به هر یک از زنان پیغمبر خدا و زنان بنی هاشم دوازده اوقیه بدهند. نیز وصیت کرده که به امامه هم چیزی بپردازند. طبق روایت دیگری زید بن علی می‌فرماید: حضرت زهرا اطهر علیها السلام کلیه اموال خود را به بنی هاشم و فرزندان عبد المطلب صدقه داد. حضرت امیر هم کلیه اموال خود را به ایشان و دیگران صدقه داد.

ضمائم باب هفتم

اشاره

خطبه حضرت فاطمه علیها السلام این خطبه در جلد ۲۹ بحار الانوار، صفحات ۲۱۵-۳۳۳، با تحقیق و پاورقی شیخ عبد الزهراء علوی نقل شده است که آن را عینا از آنجا نقل می‌کنیم، و سپس توضیحاتی در باره اسناد و مصادر این خطبه ارائه خواهد شد و متن تصحیح شده آن را با ترجمه به فارسی تقدیم می‌نماییم.

خطبه حضرت فاطمه علیها السلام در بحار الانوار با شرح علامه مجلسی

اعلم أنَّ هذه الخطبة من الخطب المشهورة التي روتها الخاصة والعامة بأسانيد متضافرة. ۱- قال عبد الحميد بن أبي الحديد «۱» في شرح كتابه عليه السلام إلى عثمان بن حنيف عند ذكر الأخبار الواردة في فدك، حيث قال: الفصل الأول فيما ورد من الأخبار والسير المنقولة من أفواه أهل الحديث وكتبهم لا من كتب الشيعة ورجالهم. وجميع ما نورد في هذا الفصل من كتاب أبي بكر أحمد بن عبد العزيز الجوهري في السقيفة وفدك- و أبو بكر الجوهري هذا عالم محدث كثير الأدب ثقة ورع أثني عليه المحدثون ورووا عنه مصنفاته و غير مصنفاته ثم قال: - قَالَ أَبُو بَكْرٍ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عُمَارَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: حَدَّثَنِي ابْنُ خَالَاتٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ «۲» عَنِ زَيْنَبِ بِنْتِ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَ: وَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُمَارَةَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ «۳» بِنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ. قَالَ أَبُو بَكْرٍ: وَحَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عِمْرَانَ الْعُجْفِيُّ، عَنْ نَائِلِ بْنِ نَجِيحٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، «۴» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۹۲ عَنْ حَبِيبِ الْجُعْفِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ

عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قَالَ أَبُو بَكْرٍ: وَحَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدٍ، «١» عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ «٢» بْنِ الْحَسَنِ. قَالُوا جَمِيعًا: لَمَّا بَلَغَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِجْمَاعُ أَبِي بَكْرٍ عَلَىٰ مَنَعِهَا فَدَكَ، لَأَنَّ «٣» خِمَارَهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَةِ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا تَطًّا ذُيُولَهَا، «٤» مَا تَحْرُمُ مَشِيَّتُهَا مَشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ - وَقَدْ حَشَدَ النَّاسُ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ - فَضَرَبَتْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهَا «٥» رِبْطَةً بَيْضَاءُ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: فَنَطِئُهُ، وَقَالُوا: فَنَطِئُهُ - بِالْكَسْرِ وَالصَّمِّ - .. ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ «٦» لَهَا الْقَوْمُ بِالْبُكَاءِ، ثُمَّ أَهْمَلَتْ طَوِيلًا حَتَّى سَكَتُوا مِنْ فُورَتِهِمْ، ثُمَّ قَالَتْ: أَبْتَدِئُ بِحَمْدِ مَنْ هُوَ أَوْلَىٰ بِالْحَمْدِ وَالطُّوْلِ وَالْمَجْدِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَنْعَمَ وَلَهُ الشُّكْرُ بِمَا أَلْهَمَ .. وَذَكَرَ خُطْبَتَهُ طَوِيلَةً جَدًّا ثُمَّ «٧» قَالَتْ فِي آخِرِهَا: فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَأَطِيعُوهُ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ .. إِلَى آخِرِ الْخُطْبَةِ، انْتَهَى كَلَامُ ابْنِ أَبِي الْحَدِيدِ «٨» - ٢ - وَقَدْ أوردَ الْخُطْبَةَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى الْإِرْبِلِيُّ فِي كِتَابِ كَشْفِ الْعُمَةِ، «٩» قَالَ: نَقَلْتُهَا مِنْ كِتَابِ السَّقِيفَةِ تَأْلِيفِ أَحْمَدَ «١٠» بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْجَوْهَرِيِّ مِنْ نُسَخِهِ قَدِيمَةٍ «١١» مَقْرُوءَةٍ عَلَى مُؤَلِّفِهَا زَنْدْكَانِي حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۶۹۳ الْمَذْكُورُ، قُرِئَتْ عَلَيْهِ فِي رَبِيعِ الْآخِرِ سَنَةِ اثْنَيْنِ وَعَشْرِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ، رَوَى عَنْ رِجَالِهِ مِنْ عَدَدِهِ طُرُقًا: أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ لَمَّا بَلَغَهَا إِجْمَاعُ أَبِي بَكْرٍ .. إِلَى آخِرِ الْخُطْبَةِ. وَقَدْ أَشارَ إِلَيْهَا الْمَسْعُودِي فِي مَرْجِ الذَّهَبِ. «١» - وَقَالَ السَّيِّدُ الْمُزْتَضِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي الشَّافِي، «٢» أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْمَرْزُبَانِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ «٣» الْكَاتِبِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّحْوِيِّ، «٤» عَنِ الزِّيَادِيِّ، عَنْ شَرَفِيِّ «٥» بْنِ قُطَامِيٍّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ كَيْسَانَ، عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ. قَالَ الْمَرْزُبَانِيُّ: وَحَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَكِّيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ الْيَمَانِيِّ، «٦» قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ عَائِشَةَ قَالُوا: لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي لَمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا إِلَى أَبِي بَكْرٍ .. - وَفِي الرِّوَايَةِ الْأُولَى: قَالَتْ عَائِشَةُ: لَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةَ (ع) إِجْمَاعُ أَبِي بَكْرٍ عَلَىٰ مَنَعِهَا فَدَكَ لَاتِ «٧» خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجَلْبَابِهَا، وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا - ثُمَّ اتَّفَقَتِ الرِّوَايَتَانِ مِنْ هَاهُنَا - وَنِسَاءِ قَوْمِهَا .. وَسَاقَ الْحَدِيثَ نَحْوَ مَا مَرَّ إِلَى قَوْلِهِ: افْتَسَحَتْ كَلَامُهَا بِالْحَمْدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ قَالَتْ: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ ... إِلَى آخِرِهَا. أَقُولُ: وَسَيَأْتِي أُسَانِيدُ أُخْرَى سَنُورِدُهَا مِنْ كِتَابِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي طَاهِرٍ. ٣ - وَرَوَى الصَّدُوقُ رَحِمَهُ اللَّهُ بَعْضَ فَقَرَاتِهَا الْمُتَعَلِّقَةِ بِالْعَمَلِ فِي عَمَلِ الشَّرَائِعِ «٨» عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدِ أَبِي دَاوُدَ، عَنِ الزُّبُرِيِّ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ زَنْدْكَانِي حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۶۹۴ مُحَمَّدُ بْنُ حَبِيبٍ عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. ٤ - قَالَ: وَأَخْبَرَنَا «١» عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُسَيْمٍ عَنْ عَبْدِ الْجَلِيلِ الْبَاقَطَانِيِّ «٢» عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعُلُوِّيِّ عَنْ رِجَالٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ عَنْ زَيْنَبِ بِنْتِ عَلِيٍّ عَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِمِثْلِهِ. ٥ - وَأَخْبَرَنِي «٣» عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ «٤» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمِيَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمِصْرِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ يَحْيَى «٥» عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبْسِيِّ عَنْ حَفْصِ الْأَحْمَرِ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمَّتِهِ زَيْنَبِ بِنْتِ عَلِيٍّ عَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَزَادَ «٦» بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي اللَّفْظِ. أَقُولُ: قَدْ أوردت ما رواه في المجلد الثالث، «٧» وَإِنَّمَا أوردت الْأُسَانِيدَ هُنَا لِيَعْلَمَ أَنَّهُ رَوَى هَذِهِ الْخُطْبَةَ بِأُسَانِيدٍ جَمَّةٍ. ٦ - وَرَوَى الشَّيْخُ الْمُفِيدُ الْأَبِيَّاتِ الْمَذْكُورَةَ فِيهَا بِالسَّنَدِ الْمَذْكُورِ فِي أَوَائِلِ الْبَابِ. «٨» ٧ - وَرَوَى السَّيِّدُ ابْنُ طَاوُسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِ الطَّرَائِفِ «٩» مَوْضِعَ الشُّكُوى وَالِاخْتِجَاجِ مِنْ هَذِهِ الْخُطْبَةِ عَنِ الشَّيْخِ أَسْعَدَ بْنِ شَفَرُوهَ «١٠» فِي كِتَابِ الْفَائِقِ «١١» عَنِ الشَّيْخِ الْمُعْظَمِ عِنْدَهُمُ الْحَافِظِ الثَّمَّةِ بَيْنَهُمْ أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى بْنِ مَرْدَوَيْهِ الْأَصْفَهَانِيِّ فِي كِتَابِ الْمَنَاقِبِ قَالَ: أَخْبَرَنَا إِسْحَاقُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ «١٢» شَرَفِيِّ بْنِ قُطَامِيٍّ عَنْ صَالِحِ بْنِ كَيْسَانَ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ. زَنْدْكَانِي حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۶۹۵ ٨ - وَرَوَاهَا الشَّيْخُ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرَسِيُّ فِي كِتَابِ الْإِحْتِجَاجِ «١» مُرْسَلًا، وَنَحْنُ نُورِدُهَا بِلَفْظِهِ، ثُمَّ نُشِيرُ إِلَى مَوْضِعِ التَّخَالُفِ بَيْنَ الرِّوَايَاتِ فِي أَثْنَاءِ شَرْحِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. قَالَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى: رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ «٢» عَلَىٰ مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَدَكَ، وَبَلَغَهَا ذَلِكَ لَاتِ «٣» خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجَلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا تَطًّا ذُيُولَهَا، مَا تَحْرُمُ مَشِيَّتُهَا مَشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ - وَهُوَ فِي حَشَدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ - فَيَطُّ دُونَهَا مَلَاءً، فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ الْقَوْمُ لَهَا بِالْبُكَاءِ،

فَارْتَجَعَ الْمَجْلِسُ، ثُمَّ أَهْمَلْتُ هُنَيْئَةً حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيْجُ الْقَوْمِ وَهَدَأَتْ فَوْرَتُهُمْ، افْتَتَحَ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالنَّائِةِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص)، «۴» فَعَيَّادَ الْقَوْمِ فِي بُكَائِهِمْ فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَيَّادَتِي فِي كَلَامِهَا. فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَالنَّائِةُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمُومِ نِعَمِ ابْتِدَآهَا، وَسَيُبُوحُ آلَاءِ أَسَدَآهَا، وَتَمَامُ مَنِّ وَالَاهَا، «۵» جَمَّ عَنِ الْإِخْصَاءِ عَدَدُهَا، وَنَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمِيدُهَا، وَتَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا، وَنَدَبُهُمْ لَاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَاسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَتَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جُعِلَ الْإِخْلَاصُ تَأْوِيلُهَا، وَضُمِّنَ الْقُلُوبُ مَوْصُولُهَا، وَانَّارَ فِي الْفِكْرَةِ «۶» مَعْقُولُهَا، الْمُتَمَتِّعُ مِنَ الْبَاصِرِ رُؤْيَاهُ، وَمِنَ الْاللِّسَنِ صَفَتُهُ، وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ، ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلُهَا، وَأَنْشَأَهَا بِلَا اخْتِدَاءٍ أَمْثَلُهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَذَرَاهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَا فَايْدُهُ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَشْيِيتًا لِحُكْمَتِهِ، وَتَنْبِيْهَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ، زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۹۶ و «۱» تَعْبُدَا لِجَبْرِئِيَّتِهِ، وَإِعْزَازًا لِإِدْعَاوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، زِيَادَةً «۲» لِعِبَادِهِ عَنْ «۳» نِقْمَتِهِ وَحِيَاشَهُ مِنْهُ «۴» إِلَى جَبَّتِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا (ص) عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اخْتَارَهُ وَاسْتَجَبَهُ «۵» قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، «۶» وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَنَهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَبَسْتَرِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةٌ، وَبِنَهَايَةِ الْعَيْدِ مَقْرُونَةٌ، عَلِمَا مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، «۷» وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ، «۸» ابْتَعَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى «۹» إِيْتِمَامًا لِأَمْرِهِ، وَعَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَإِنْفَادًا لِمَقَادِيرِ حُكْمِهِ، «۱۰» فَرَأَى الْأُمَمَ فِرْقًا فِي أَذْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِزِّهَا، فَانَّارَ اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ «۱۱» صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ظُلْمَهَا، وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَجَلَّى عَنِ الْبُصَارِ غُمَمَهَا، وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهِدَايَةِ، وَأَنْفَذَهُمْ «۱۲» مِنَ الْغَوَايَةِ، وَبَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ، وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ، ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافِعٍ وَاخْتِيَارٍ، وَرَغِيَةٍ وَإِثَارٍ بِمُحَمَّدٍ «۱۳» صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ «۱۴» تَعَبٍ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَرِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَمُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيٍّ وَآمَنِهِ عَلَى الْوَحْيِ وَصَفِيَّتِهِ «۱۵» وَخَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَرَضِيَّتِهِ، «۱۶» وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَزَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۹۷ بَرَكَاتِهِ. ثُمَّ التَفَتَتْ «۱۷» إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ، وَقَالَتْ: أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصِبَ أَمْرُهُ وَنَهْيُهُ، وَحَمَلَهُ دِينُهُ وَوَحْيُهُ، وَأُمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبَلَاغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، وَزَعَمْتُمْ حَقَّ لَكُمْ لِلَّهِ «۱۸» فَيَكُنْ عَهْدُ «۱۹» قَدَمِهِ إِلَيْكُمْ، وَبَقِيَّةُ اسْتِخْلَافِهَا عَلَيْكُمْ، كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالنُّورُ الشَّاطِعُ، وَالضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سِرَائِرُهُ، مُتَجَلِّيةٌ «۲۰» طَوَاهِرُهُ، مُعْتَبِطَةٌ «۲۱» بِهِ أَشْيَاعُهُ، فَإِنْدَ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ إِسْمَاعُهُ، «۲۲» بِهِ تَنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُتَوَرَّةُ، وَغَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَمَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَبَرَآئِيَّتُهُ الْكَافِيَّةُ، وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَرُخْصَتُهُ الْمُؤْهُوبَةُ، وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ، فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشُّرُكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيْهَاً لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَنْبِيْيًا لِلْإِخْلَاصِ، وَالْحِجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ، وَالْعَدْلَ تَنْسِيْقًا لِلْقُلُوبِ، وَطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفِرْقَةِ، «۲۳» وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ، وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ، وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السَّخَطِ، وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَامًا «۲۴» لِلْعَدَدِ، وَالْفِقْصَاصَ حَقْنًا لِلدَّمَاءِ، وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيزًا لِلْمَغْفِرَةِ، وَتَوْفِيَةَ الْمَكَايِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبُخْسِ، وَالتَّهَيُّ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيْهَاً عَنِ الرَّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَصْدِ حِجَابًا عَنِ اللَّغْنَةِ، وَتَرْكَ السَّرِقَةِ إِيْجَابًا لِلْعَفَةِ، «۲۵» وَحَرَّمَ اللَّهُ الشُّرُكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، «۲۶» وَأَطِيعُوا اللَّهَ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۶۹۸ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. «۱» ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اْعْلَمُوا أَنَّي فَاطِمَةُ وَآبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَقُولُ عَوْدًا وَبَيْدَاءً، «۲» وَلَمَّا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ «۳»، فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَتَعَرَّفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونِ نِسَائِكُمْ، وَأَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَلِنِعْمِ الْمَغْرُزِيُّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلِّمْ، فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ، صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ، مَائِلًا عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا تَبَجُّهْمَ، آخِذًا بِأَكْطَامِهِمْ، ذَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَكْبِتُ «۴» الْأَضْنَامَ، وَيَنْكُثُ الْهَوَامَ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَلَوُوا الدُّبُرَ، حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْصِيهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَخَرَسَتْ شَقَاشِقُ

الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ وَشَيطُ النَّفَاقِ، وَانْحَلَّتْ عُقْدَةُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ، وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخَمَاصِ، وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ، مُدَقَّعَةَ الشَّارِبِ، وَنُفْزَةَ الطَّامِعِ، وَقَبَسَةَ الْعَجَلَانِ، وَمَوْطِئَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَتَقْتَاتُونَ الْوَرَقَ، «۵» أَذَلَّةَ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَتَقَذَّكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِغَيْدِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَبَعِيدِ أَنْ مَيِّ بِبِهِمُ الرِّجَالِ، وَذُوبَانِ الْعَرَبِ، وَمَرَدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ كُلِّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، «۶» أَوْ نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّيْطَانِ، وَفَعَرَتْ فَاعِرَةٌ مِنْ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِي حَتَّى يَطَأَ صَمَاحَهَا «۷» بِأَخْمَصِهِ، وَيُخِمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَ «۸» مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، «۹» مُشْمَرًا نَاصِحًا، مُجِدِّدًا كَادِحًا، «۱۰» وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيهِ مِنَ الْعَيْشِ، زَنْدِ كَانِي

حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۶۹۹: وَادْعُونَ فَمَا كُفُّوا آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِّ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْيَارَ، وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَتَفْرُونَ عِنْدَ «۱» الْقِتَالِ، فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَمَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكُهُ «۲» النَّفَاقِ، وَسَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَنَطَقَ كَاطِمُ الْعَاوِينَ، وَنَبَغَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَهَيْدَرُ فَنِيْقِ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَأَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِادْعَوْتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَلِلْغَرَّةِ «۳» فِيهِ مُلَاحِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجِدَكُمْ خِفَافًا، وَأَحْمَسَكُمْ «۴» فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبْلِكُمْ، وَأَوْرَدْتُمْ غَيْرَ شَرِّ بَكْمِ، «۵» هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدِمُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، ابْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ، «۶» فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ! وَكَيْفَ بِكُمْ؟! وَأَنْتِ تُوَفِّكُونَ؟ وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَزَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَأَوَامِرُهُ وَاضِعَةٌ، قَدْ «۷» خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرْغَبَهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ ..؟ «۸» أَمْ بَعِيرُهُ تَحْكُمُونَ؟! بَسْ لِلظَّالِمِينَ بَيِّنَاتٌ، وَمَنْ يَبْنِغْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ، «۱۰» ثُمَّ «۱۱» لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ أَنْ تَشِكَنَ نَفَرَتُهَا، وَيَسْلَسَ قِيَادُهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تَوَرُونَ وَقَدْتُمُهَا، وَتَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَتَشْتَجِبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْعُغُورِيِّ، وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَإِهْمَادِ «۱۲» سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسْرُونَ حَصَوًا «۱۳» فِي ارْتِغَاءٍ، وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ فِي الْخَمْرِ «۱۴» وَالضَّرَاءِ، زَنْدِ كَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۰۰: وَنَضِيرُ «۱۵» مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَرِّ الْمَيْدَى، وَخَزِ السَّنَانِ فِي الْحَشَا، وَأَنْتُمْ «۱۶» تَرْعُمُونَ أَلَا ارْثَ لَنَا أَفْحُكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ يَبْعُونَ وَمَنْ أَحْسَنَ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقُونَ «۱۷» أَلَمْ تَعْلَمُونَ؟! بَلَى، تَجَلَّى «۱۸» لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنْتِ ابْنَتُهُ أَتَيْهَا الْمُسْلِمُونَ، أَعْطَبَ عَلَى إِرْثِيهِ «۱۹»؟! يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ، أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَيْيَاكَ وَلَا ارْثَ أَبِي؟! لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا قَرِيبًا «۲۰» أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَتَبَذَرْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ؟! «۲۱» وَقَالَ فِيمَا افْتَضَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا (ع) إِذْ قَالَ: رَبِّ «۲۲» هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثْنِي وَيَرِثَ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ، «۲۳» وَقَالَ: وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، «۲۴» وَقَالَ: يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْإُنْثَى، «۲۵» وَقَالَ: إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ، «۲۶» وَزَعَمْتُمْ أَلَّا «۲۷» حُظُّهُ لِي وَلَا ارْثَ مِنْ أَبِي وَلَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَفَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ مِنْهَا أَبِي (ص)؟! «۲۸» أَمْ هَلْ تَقُولُونَ أَهْلُ «۲۹» مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؟! أَوْ لَسْتُ «۳۰» أَنَا وَأَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟! أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَغُومِيهِ زَنْدِ كَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۰۱: وَمِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟! «۱» فَدُونُكُمْ مَخْطُومَةٌ «۲» مَرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنِعَمَ الْحَكَمُ اللَّهُ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَعِنْدَ السَّاعَةِ مَا تَحْسَرُونَ، «۳» وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، وَلِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ «۴» وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ. «۵» ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ: يَا مَعَاشِرَ الْفِتْنَةِ «۶» وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ، وَأَنْصَارَ الْإِسْلَامِ، «۷» مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي، وَالسَّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي، أَمَّا كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وَلَدِهِ، سِرْعَانِ مَا أَخَذْتُمْ، وَعَجَلَانِ ذَا إِهَالِهِ، وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحْزَاوُلُ، وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأَزَاوُلُ، أَتَقُولُونَ مَيَاتَ مُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَطَبُ جَلِيلٍ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، «۸» وَاسْتَنْهَرَ فَنَقُّهُ، وَانْفَتَقَ رَفْقُهُ، وَأَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ، وَكُتِبَتْ «۹» النُّجُومُ لِمَصِّبَتِهِ، وَأَكْثَدَتِ الْأَمْيَالُ، وَخَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَأَضْيَعَ الْحَرِيمُ، وَأَزِيلَتِ الْخُرْمَةُ «۱۰» عِنْدَ مَمَاتِهِ، فَيَلْكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى، وَالْمَصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَا «۱۱» مِثْلَهَا نَازِلَةٌ، وَلَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْتِيَّتِكُمْ «۱۲» فِي «۱۳» مُمَسَاكُمِ وَمُضْيَبِحِكُمْ، هُنَافًا «۱۴» وَصَيْرَاحًا، وَتِلَاوَةً وَإِلْحَانًا، وَلَقَبْلُهُ مَا حَلَّ «۱۵» بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ،

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۰۲ حُكْمُ فَضْلٍ وَقَضَاءُ حَتْمٍ: وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ. (۱) «إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ! أَأَهْضِمُ تَرَاثُ أَبِي (۲) وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مَنِي وَمَسْمَعٍ، وَامْتَدَّ (۳) وَمَجْمَعٌ؟ تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ، وَتَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ، وَأَنْتُمْ ذَا (۴) الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ، وَالْأَدَاةِ وَالْقُوَّةِ، وَعِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجُنَّةُ، تُؤَفِّقُكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَتَأْتِيَكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ، وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ، وَالتَّجَبُّةِ الَّتِي انْتَجَبَتْ، (۵) وَالْخَيْرَةِ الَّتِي اخْتَبِرَتْ، (۶) قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَتَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَالتَّعَبَ، وَنَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ، وَكَافَحْتُمُ الْبُهْمَ، فَلَا تَبْرَحُ (۷) أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَدَرَ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَخَضَعَتْ ثَغْرُهُ [ثَغْرَةُ الشُّرُكِ، وَ سَكَنْتْ قُوَّةُ الْإِفْكِ، وَخَمِدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَهَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ، وَاسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حُرُتُمْ (۸) بَعْدَ الْبَيَانِ، وَاسِيرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَنَكَضَيْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا (۹) نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ (۱۰) وَهَمُّوْا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ يَدُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۱) أَلَا قَدْ (۱۲) أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَأَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْقَبْضِ، وَخَلَّوْتُمْ بِالْإِدْعَاءِ، وَنَجَّوْتُمْ مِنَ الصَّيْقِ بِالسَّعَةِ، (۱۳) فَمَجَجْتُمْ مَاءَ وَعَيْتُمْ، زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۷۰۳ وَدَسَعْتُمُ الَّذِي تَسَوَّغْتُمْ، ف: إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (۱) أَلَا وَقَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ (۲) عَلَى مَعْرِفَةِ مَنِي بِالْخَذَلَةِ (۳) الَّتِي خَامَرْتُكُمْ، وَالْغُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتُهَا قُلُوبُكُمْ، وَلَكِنَّهَا فَيَضُهُ النَّفْسَ، وَنَفَثَةُ الْغَيْظِ، وَخُورُ الْقَنَا، (۴) وَبَثَّةُ الصَّدْرِ، وَتَقْدِيمَةُ الْحُجَّةِ، فَدُونُكُمْوَهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَفْيَةَ الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَغْضِ اللَّهِ (۵) وَشَنَارِ الْأَيْدِ، مَوْصُومَةً بِ: نَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْنَدَةِ (۶) فَبَعَيْنِ اللَّهِ مَاءِ تَفْعَلُونَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَىُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. (۷) وَأَنَا ابْنُهُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ف: اْعْمَلُوا* ... إِنَّا عَامِلُونَ (۸) وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ. (۹) فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُثْمَانَ فَقَالَ: يَا ابْنَةُ (۱۰) رَسُولِ اللَّهِ (ص)! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَعُوفًا رَحِيمًا، وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا، وَعِقَابًا عَظِيمًا، فَإِنَّ (۱۱) عَزُوفَاهُ وَحِدَانَاهُ أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَأَخَا لِيُعْلِكَ (۱۲) دُونَ الْأَخْلَاءِ، (۱۳) آثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ، وَسَاعِدُهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا كُلُّ (۱۴) سَعِيدٍ، وَلَا يَغْضُكُمُ [يُبْغِضُكُمْ إِلَّا كُلُّ شَقِيٍّ، (۱) فَاتَّخَذْتُمْ عِثْرَهُ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۷۰۴ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الطَّيِّبُونَ، وَالْخَيْرَةُ الْمُتَنَجِّبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدِلَّتْنَا، وَإِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَأَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وُفُورِ عَقْلِكَ، غَيْرُ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَلَا مُضْدُودَةٍ عَنْ صِدْقِكَ، وَ (۱) وَاللَّهُ مَا عَدَوْتُ رَأَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمَّا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَإِنْ (۲) الرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَكَفَى بِهِ شَهِيدًا أَنِّي سَجِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ ذَهَابًا وَلَا فَضَّةً وَلَا دَارًا وَلَا عَقَارًا وَإِنَّمَا نُورِثُ الْكُتُبَ (۳) وَالْحِكْمَةَ وَالْعِلْمَ وَالثَّبَوَّةَ، وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طَعْمَةٍ فَلَوْلِي الْأَمْرُ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ، وَقَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَالسَّلَاحِ يُقَاتِلُ بِهِ (۴) الْمُسْلِمُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَيَجَالِدُونَ الْمَرَدَّةَ، ثُمَّ (۵) الْفَجَارَ، وَذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَتَفَرَّدُ بِهِ (۶) وَخَدِي، وَلَمْ أَشْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ فِيهِ (۷) عِنْدِي، وَهَذِهِ حَالِي وَمَالِي هِيَ لَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ لَا تَزُودِي (۸) عَنْكَ وَلَا نَذِيرُ دُونِكَ، وَأَنْتِ سَيِّدَةٌ (۹) أُمِّهِ أَيْبِكَ، وَالسَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ، لَا يُدْفَعُ (۱۰) مَا لَكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا يُوضَعُ مِنْ (۱۱) فَرْعِكَ وَأَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرَيْنَ أَنْ أُخَالِفَ فِي ذَلِكَ أَبَاكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم؟! فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ (۱۲) رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَارِفًا، (۱۳) وَلَمَّا لَأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ، وَيَقْفُو سُورَهُ، أَفَتَجْمَعُونَ إِلَى الْعُدْرِ اغْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۷۰۵ وَفَاتِهِ شَيْبَةً بِمَا بُغِيَ لَهُ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا، (۱) وَنَاطِقًا فَضْلًا، يَقُولُ: يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ (۲) (۳) وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ (۴) فَبَيَّنَ (۵) عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا وُزِعَ عَلَيْهِ (۶) مِنَ الْأَقْسِيَّاطِ، وَشَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالْمِيرَاثِ، وَأَبْيَاحَ مِنْ حِطِّ الذُّكْرَانِ وَالْإِنَاثِ مَا أَزَاحَ (۷) عِلَّةَ الْمُعْطِلِينَ، وَأَزَالَ التَّنَظُّنَ وَالشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا! يَلِ سَوَلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِّرْ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ. (۸) فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ (۹) رَسُولُهُ وَصَدَقَتْ (۱۰) ابْنَتُهُ، أَنْتِ مَعِدِنُ الْحِكْمَةِ، وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَالرَّحْمَةِ، وَرُكْنُ الدِّينِ، وَعَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا أَبْعُدُ صَوَابَكَ، وَلَا أَنْكَرُ

خَطَابِكَ، هُوَ لَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَبَيْنِكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدٍّ وَلَا مُسْتَأْثِرٍ، وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ. فَاتَّفَقَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ النَّاسَ «۱۱» وَقَالَتْ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْمُسْرِعَةَ «۱۲» إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفْقَالُهَا، «۱۳» كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ، وَلَبَّسَ مَا تَأَوَّلْتُمْ، وَسَاءَ مَا بِهِ أَشْرُتُمْ، وَشَرَّ مَا مِنْهُ اعْتَصَمْتُمْ «۱۴»، لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمَلَةً ثَقِيلًا، وَغَبَةً وَيَلِيلًا، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغَطَاءُ، وَ زَنْدگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۰۶ بَانَ مَا وَرَاءَهُ «۱» الصُّرَاءُ، وَبَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ. «۲» ثُمَّ عَطَفْتُ «۳» عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَتْ: قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَبْتُهُ لَوْ كُنْتُ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْبِرِ «۴» الْخُطْبُ إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَابِلَهَا وَاخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَقَدْ نَكَبُوا «وَكُلُّ أَهْلِ لَهُ قُرْبَى وَمَنْزِلَةٌ» «۶» عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَذْنَيْنِ مُقْتَرَبٌ أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجَوَى ضِدُّوَرِهِمْ لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتِ دُونَكَ الثَّرْبُ تَجَهَّمْتَنَا رِجَالٌ وَاسْتُخِفَّ بِنَا لَمَّا فُقِدَتْ وَكُلُّ الْأَرْضِ مُعْتَصَبٌ وَكُنْتُ بَدْرًا وَنُورًا يَسْتَضَاءُ بِهِ عَلَيْكَ تَنْزِلُ «۷» مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ وَكَانَ جَبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا فَقَدْ فُقِدَتْ فَكُلُّ «۸» الْخَيْرِ مُحْتَجِبٌ فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادَفَنَا لَمَّا مَضَيْتِ وَحَالَتِ دُونَكَ الْكُتُبُ إِنَّا رُزِينَا بِمَا لَمْ يُرَزْ دُونِ شَجْنٍ مِنَ الْبَرِيَّةِ لَا عَجْمٌ وَلَا عَرَبٌ «۹» ثُمَّ انْكَفَأَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ - وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَوَقَّعُ رُجُوعَهَا إِلَيْهِ وَيَتَطَلَّعُ طُلُوعَهَا عَلَيْهِ - فَلَمَّا اسْتَفَرَّتْ بِهَا الدَّارُ، قَالَتْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْكَ السَّلَامُ: «۱۰» اسْتَمَلْتُ شَمْلَةَ الْجَنِينِ، وَقَعِدْتُ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ، نَقَضْتُ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانِكَ رِيَشُ الْأَعْرَلِ، هَذَا زَنْدگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۰۷ ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ يَبْتَزُّنِي نَحِيلَةَ «۱» أَبِي وَبُلْغَةَ «۲» ابْنِي، لَقَدْ أَجْهَرَ «۳» فِي خِصَامِي، وَالْفَيْتُهُ أَلَدَ فِي كَلَامِي، حَتَّى حَبَسْتَنِي قَيْلَةً نَصْرَهَا، وَالْمُهَاجِرَةَ وَصَلَهَا، وَغَضَّتِ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعَ وَلَا مَانِعَ، خَرَجْتُ كَاطِمَةً، وَعُدْتُ رَاغِمَةً، أَضْرَعْتُ خَدَّكَ يَوْمَ أَضْعَعْتُ خَدَّكَ، أَفْتَرَسَتِ الدَّنَابُ وَأَفْتَرَشَتِ الثَّرَابُ، مَا كَفَفَتْ قَائِلًا، وَلَا أَعْنَيْتِ بَاطِلًا، «۴» وَلَمَّا خَيَّرَ لِي، لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هِنِيئَتِي «۵»، وَدُونِ زَلَّتِي، «۶» عِذِيرِي اللَّهُ مِنْكَ «۷» عَادِيًا، وَمِنْكَ حَامِيًا، وَيَلَاي! فِي كُلِّ شَارِقٍ، «۸» مَاتَ الْعَمَدُ، وَهَتِ «۹» الْعَصْدُ، شَكَاوَى إِلَى أَبِي، وَعَدَاوَى إِلَى رَبِّي، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَشَدُّ «۱۰» قُوَّةً وَحَوْلًا، وَ أَحَدُ «۱۱» بَأْسًا وَتَكْيَلًا. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَبِلَ عَلَيْكَ، «۱۲» الْوَيْلُ لِسَانِكَ، نَهْنِيهِ «۱۳» عَنْ وَجْدِكَ يَا ابْنَةَ الصَّفْوَةِ، وَ بَقِيَّةَ النَّبُوَّةِ، فَمَا وَنَيْتُ عَنْ دِينِي، وَلَا أَخْطَأْتُ مَقْصُودِي، فَإِنْ كُنْتُ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ، فِرْزُوكَ مَضْمُونٌ، وَكَفَيْلِكَ مَأْمُونٌ، وَمَا أَعَدَّ لَكَ أَفْضَلَ مِمَّا قُطِعَ عَنْكَ، فَاحْتَسِبِي اللَّهَ. فَقَالَتْ: حَسْبِيَ اللَّهُ .. وَآمَسَّ كَتَّ. أَقُولُ: وَجَدْتُ هَذِهِ الْخُطْبَةَ فِي كِتَابِ بَلَاغَاتِ النِّسَاءِ لِأَبِي الْفَضْلِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي طَاهِرٍ، «۱۴» زَنْدگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۰۸ فَأَحْبَبْتُ إِيرَادَهَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْاِخْتِلَافِ، مَعَ مَا أوردنا سابقا. ۹- قال أبو الفضل: ذكرت لأبي الحسين زيد بن علي بن الحسين «۱» بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب صلوات الله عليهم كلام فاطمة عليها السلام عند منع أبي بكر إياها فذك، وقلت له: إن هؤلاء يزعمون أنه مصنوع، وأنه من كلام أبي العيناء - الخبر منسوق على «۲» البلاغة على الكلام - فقال لي: رأيت مشايخ آل أبي طالب يروونه عن آبائهم، ويعلمونه أبناءهم، وقد حدَّثني أبي عن جدِّي يبلغ به فاطمة (ع) على هذه الحكاية، ورواه مشايخ الشيعة و تدارسوه بينهم قبل أن يولد جدُّ أبي العيناء، وقد حدَّث به الحسن بن علوان عن عطية العوفى أنه سمع عبد الله بن الحسن يذكر «۳» عن أبيه، ثم قال أبو الحسين: وكيف يذكر هذا من كلام فاطمة فينكر، وهم يروون «۴» من كلام عائشة عند موت أبيها ما هو أعجب من كلام فاطمة، فيحقِّقونه «۵» لولا عداوتهم لنا أهل البيت .. ثم ذكر الحديث، قال: لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهَا فَذَكَ، وَ بَلَغَ ذَلِكَ فَاطِمَةَ (ع) لَأَنَّهُ «۶» خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لَمُءٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا «۷» تَطَأُ ذُبُولَهَا، مَا تَحْرِمُ مِنْ مِشْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَيْئًا حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ - وَهُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فَنِيَطَتْ دُونَهَا مَلَاءَةً، ثُمَّ أَنْتَ أَنَّهُ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ، وَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ، وَآمَهَلَتْ حَتَّى سَكَنَ نَشِيْجُ الْقَوْمِ وَهَدَأَتْ فَوَرَّتْهُمْ، فَافْتَسَحَتِ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَعَادَ الْقَوْمُ فِي بُكَائِهِمْ، فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ فِي كَلَامِهَا فَقَالَتْ: لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ «۸» فَإِنْ تَعَزَّوْهُ «۹» زَنْدگانی حضرت زهرا علیها

السلام (روحانی)، ص: ۷۰۹ تَجِدُوهُ أَبِي دُونِ نِسَائِكُمْ، «۱۰» وَأَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رَحِيكِكُمْ، فَبَلَغَ النَّذَارَةَ، صَادِعًا بِالرَّسَالَةِ، مَاثِلًا عَلَى «۱۱» مَذْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا لِشَجَبِهِمْ، آخِذَا بِكَطْمِهِمْ، يَجِدُ «۱۲» الْأَصْنَامَ، وَ يَنْكُثُ «۱» الْهَامَ، حَتَّى هَزَمَ الْجَمْعَ وَ وَلَّوْا الدُّبْرَ، وَ تَفَرَّى «۱۴» اللَّيْلُ عَنْ ضِيَعِهِ، وَ أَشْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ خَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ: وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ «۱۵» مَذْقَةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَ قَبَسَةَ الْعَجَلَانِ، وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرِيقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْوَرْقَ، أَذِلَّةَ خَاشِعِينَ تَخَافُونَ أَنْ يَنْخَطِفَكُمْ النَّاسُ «۱۶» مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمْ اللَّهُ بِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَ آلِهِ] وَ سَلَّمَ بَعِيدَ اللَّيْلِ وَ اللَّيْلِ، وَ بَعِيدَ مَا مِئِي بِهِمُ الرِّجَالِ، وَ ذُوْيَانِ الْعَرَبِ، «۱۷» كُلَّمَا حَشَوْا نَارًا لِلْحَرْبِ «۱۸» وَ نَجَمَ قَرْنٌ لِلضُّلَالِ، وَ فَعَرَتْ فَاعِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ بِأَخِيهِ فِي لَهَوَاتِهَا، وَ لَا يَنْكُفِي حَتَّى يَطَأَ سِمَاحَهَا «۱۹» بِأَخْمَصِهِ، وَ يُخِمِدَ لَهَبَهَا «۲۰» بِحَدِّهِ، «۲۱» مَكْدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَ أَنْتُمْ فِي بُلْهَيْتِهِ «۲۲» وَادِعُونَ آمِنُونَ، حَتَّى إِذَا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَ آلِهِ] دَارَ أَنْبِيَائِهِ، ظَهَرَتْ حَسِيكُهُ «۲۳» النَّفَاقِ، وَ سَمَلُ «۲۴» جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاطِمُ الْعَاوِينَ، وَ نَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، «۲۵» وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۷۱۰ يَخْطُرُ «۲۶» فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ «۲۷» صَارِحًا بِكُمْ، فَوَجَدَكُمْ لِدُعَائِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ، فَاسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خَفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ «۲۸» فَالْفَاكُمُ غَضَابًا، فَوَسَّيْتُمْ غَيْرَ إِبْلِكُمْ، وَ أَوْرَدْتُمُوهَا غَيْرَ شَرِبِكُمْ، هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلْمُ رَحِيبٌ، وَ الْجُرُوحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، بِدَارًا زَعَمْتُمْ «۲۹» خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ «۳۰» فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ وَ أَنَّى بِكُمْ «۳۱» وَ أَنَّى تُؤَفِّكُونَ، وَ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ، زَوَاجِرُهُ بَيِّنَةٌ، وَ شَوَاهِدُهُ لَائِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِعَةٌ، أَرْغَبُهُ عَنْهُ تُدْبِرُونَ، أَمْ بَعِيرُهُ تَحْكُمُونَ بِسُلْطَانِ الْظَّالِمِينَ بَدَلًا «۳۲» وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ، «۳۳» ثُمَّ لَمْ تَرِيثُوا أُخْتَهَا «۳۴» إِلَّا رَيْثَ أَنْ تَشِيَكْنَ نَفَرْتَهَا، «۳۵» تَسْتَرُونَ حُشْوًا فِي ارْتِقَاءِ، «۳۶» وَ نَضَبُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمِدَى، وَ أَنْتُمْ الْآنَ «۳۷» تَزْعُمُونَ أَنْ لَمَّا إِرْثَ لَنَا، أَفَحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةُ يَبْعُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِفُونَ، «۳۸» وَيَهَا! يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرَةِ أُبْتُزُّ «۳۹» إِرْثَ أَبِيهِ؟! أَفِي الْكِتَابِ أَنْ تَرِثَ أَبْيَاكَ وَ لَمَّا إِرْثَ أَبِي؟! لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا «۴۰» فَدُونَكُهَا مَخْطُومَةٌ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۷۱۱ مَرْحُولُهُ تَلْفَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنِعَمَ الْحَكَمُ اللَّهُ، وَ الزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمُوعِدُ الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ «۱» وَ لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ. «۲» ثُمَّ انْحَرَفَتْ إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَ آلِهِ] وَ سَلَّمَ وَ هِيَ تَقُولُ: قَدْ كَانَ بَعِيدَكَ أَتْبَاءَ وَ هَبْنِي لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكُنْ الْخَطْبُ إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَ إِبْلَهَا وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدْهُمْ وَ لَا تَغِبْ قَالَ: فَمَا رَأَيْنَا يَوْمًا كَانَ أَكْثَرُ بَاكِيًا وَ لَا بَاكِئَةً مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ. «۳» ثُمَّ قَالَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي طَاهِرٍ: «۴» حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ- رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ دِيَارِ مِصْرَ لَقِيْتُهُ بِالرَّافِقَةِ- «۵» قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: أَخْبَرَنَا مُوسَى بْنُ عِيسَى قَالَ: أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُونُسَ قَالَ: أَخْبَرَنَا جَعْفَرُ الْأَخْمَرُ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَنْ عَمَّتِهِ زَيْنَبِ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَتْ: لَمَّا بَلَغَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِجْمَاعُ أَبِي بَكْرٍ عَلَى مَنَعِهَا فَدَكَ لَأَتْ «۶» حِمَارَهَا وَ خَرَجَتْ فِي حَشْدَةِ نِسَائِهَا وَ لَمِيَةٍ مِنْ قَوْمِهَا، تَجُرُّ أَذْرَاعَهَا، «۷» مَا تَخْرُمُ مِنْ مِشْيَةٍ «۸» رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَ آلِهِ] شَيْئًا، حَتَّى وَقَفَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ- وَ هُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ- فَأَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ لَهَا الْقَوْمُ بِالْبُكَاءِ، فَلَمَّا سَكَتَتْ فَوَرَّتْهُمْ قَالَتْ: أَبْدَأُ بِحَمْدِ اللَّهِ- ثُمَّ أَشْبَلْتُ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُمْ سَجْفًا- «۹» ثُمَّ قَالَتْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهَا «۱۰» زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۷۱۲ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمُومٍ نِعَمَ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوحُ آلَاءِ أَسَدَاهَا، وَ إِحْسَانِ مَنْنِ وَالَاهَا، «۱» جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عِيدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْمَجَازَاهِ أَمِيدُهَا، وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ آمَالُهَا، وَ اسْتَيْشَتْ «۲» الشُّكْرَ بِفَضَائِلِهَا، وَ اسْتَحَمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ ثَنَّى بِالذُّبِّ إِلَى أَمْثَالِهَا، وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، كَلِمَةً جُعِلَ الْإِخْلَاصُ تَأْوِيلُهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبُ مَوْصُولُهَا، وَ أَنْارَ «۳» فِي الْفِكْرَةِ مَعْقُولُهَا، الْمُتَمَتِّعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيُهَا، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ الْإِحَاطَةُ بِهِ، ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ، وَ اخْتَدَاهَا بِلَا مِثَالٍ لَعِيرٍ فَائِدُهُ زَادَتْهُ، إِلَّا إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعَبُّدًا لِبَرِّيَّتِهِ، وَ إِغْرَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ «۴» الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ الْعِقَابَ «۵» عَلَى مَعْصِيَتِهِ، زِيَادَةً «۶» لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ، وَ حِيَاشًا لَهُمْ إِلَى «۷» جَنَّتِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ يَجْنِبَهُ، وَ اضْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَدِعْتَهُ، «۸» وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اسْتَنْجَبَهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغُيُوبِ مَكْنُونُهُ، وَ بَسْتَرِ الْأَهَاوِيلِ مَصُونُهُ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونُهُ، عِلْمًا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَائِلِ الْأُمُورِ،

وَإِحَاطَةُ بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَمَعْرِفَةُ بِمَوَاضِعِ الْمَقْدُورِ، ابْتِغَاءَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «۹» إِنْ تَمَاماً لِأَمْرِهِ «۱۰» وَعَزِيمَةً عَلَى إِفْضَاءِ حُكْمِهِ، فَرَأَى الْأَمَمَ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] فِرْقاً فِي أَذْيَانِهَا، عُكُفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِزِّهَا، فَأَنَارَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] ظُلْمَتَهَا، وَفَرَّجَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَجَلَمَا عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا، ثُمَّ قَبَضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، رَغْبَةً بِأَبِي صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] عَنْ «۱۱» هَذِهِ الدَّارِ، مَوْضُوعٌ عَنْهُ الْعَبْدُ وَ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۱۳ الْأَوَزَارُ، مُحْتَفٍ «۱» بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَ مُجَاوِرَةَ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، صَلَّيَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ أَمِينِهِ عَلَى وَحْيِهِ، وَ صِفَتِهِ مِنَ الْخَلَائِقِ، وَ رَضِيَّتِهِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] وَ سَلَمَ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ. ثُمَّ أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ - تُرِيدُ أَهْلَ الْمَجْلِسِ - نَضَبُ أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلُهُ دِينَهُ وَ وَحْيِهِ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بَلَاغُهُ إِلَى الْأَمَمِ، زَعَمْتُمْ حَقُّ لَكُمْ «۲» لِلَّهِ «۳» فِيكُمْ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ نَحْنُ «۴» بَقِيَّةُ اسْتِخْلَافِنَا عَلَيْكُمْ، وَ مَعْنَا كِتَابِ اللَّهِ، بَيِّنَةُ بَصَائِرُهُ، وَ آيَةُ «۵» فِينَا مُنْكَشِفَةُ سِرَائِرِهِ، وَ بَرْهَانُ مُنْجَلِيَّةِ ظَوَاهِرِهِ، مُدِيمٌ لِلْبَرِيَّةِ «۶» زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۱۴ الشُّرُكُ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ ف: اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا - تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ «۱» وَ أَطِيعُوهُ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. «۲» ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! أَنَا فَاطِمَةُ، وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] أَقُولُهَا بَدْءاً عَلَى عَوْدِي «۳» لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ «۴» ثُمَّ سَأَلَ الْكَلَامَ عَلَى مَا رَوَاهُ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رِوَايَةِ أَبِيهِ. ثُمَّ قَالَتْ - فِي مُتَّصِلِ كَلَامِهَا -: أَفَعَلَى مُحَمَّدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ، وَ نَبَذْتُمُوهُ وَ رَأَى ظُهُورَكُمْ، إِذْ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: وَ وَرَثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ، «۵» وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - فِيمَا قَصَّ «۶» مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ، «۷» وَ قَالَ عَزَّ ذِكْرُهُ: وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ*، «۸» وَ قَالَ: يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ خِطِّ الْأُنثِيَيْنِ، «۹» وَ قَالَ: إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَدْنَى وَ الْآخِرِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ «۱۰» وَ زَعَمْتُمْ أَلَّا حُظُّوهُ لِي وَ لَا إِرْثَ مِنْ أَبِي، «۱۱» وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَفَحَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ أُخْرَجَ نَبِيُّهُ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] مِنْهَا؟! أَمْ تَقُولُونَ أَهْلُ مَلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثُونَ؟! أَوَلَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ «۱۲» لَعَلَّكُمْ أَعْلَمَ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ]؟! أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَنْعُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ «۱۳» أَوَلَيْتُمْ عَلَى إِرْثِي ظُلماً وَ جَوَراً؟! «۱۴» زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۱۵ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. «۱» وَ ذَكَرَ أَنَّهَا لَمَّا فَرَعَتْ مِنْ كَلَامِ أَبِي بَكْرٍ وَ الْمُهَاجِرِينَ عَيَّدَتْ إِلَى مَجْلِسِ الْأَنْصَارِ، فَقَالَتْ: مَعْشَرَ الْبَقِيَّةِ، وَ أَعْضَاءَ الْمِلَّةِ، وَ حُصُونِ الْإِسْلَامِ: مَا هَذِهِ الْعَمِيرَةُ [الْعَمِيرَةُ فِي حَقِّي وَ السَّنَةِ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وَلَدِهِ؟ سِرِّعَانِ مَا أَجِدْتُمْ فَأَكْدَيْتُمْ، وَ عَجَلَانِ ذَا إِهَالَةٍ، أَ تَقُولُونَ «۲» مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] فَخَطَبَ جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْيُهُ، وَ اسْتَنْهَرَ فَتَقَهُ، وَ بَعْدَ وَقْتِهِ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ، وَ اكْتَأَبَتْ خَيْرُهُ لِلْمَصِيبَةِ، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَ أَكْذَبَتِ الْأَمَالُ، وَ أَضَيَعَ الْحَرِيمُ، وَ أَزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ]؟! وَ تِلْكَ نَازِلَةُ عَلَنَ بِهَا «۳» كِتَابُ اللَّهِ فِي أَفْتِيَتِكُمْ فِي مُمَسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتَفُ بِهَا «۴» فِي أَسْمَاعِكُمْ، وَ لِقَلْبِهِ مَا حَلَّتْ «۵» بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ رُسُلِهِ وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ «۶» إِيَّاهُ بَنِي قَيْلَةَ! أَوَلَمْ تَرَ أَنَّ أَبِيكَ وَ أَنْتُمْ بِمَرَأَى مِنْهُ وَ مَشِيعَةٍ؟! تَلْبِشُكُمْ الدَّعْوَةَ، وَ تَشْمَلُكُمْ «۷» الْحَيْرَةَ، وَ فِيكُمْ الْعَيْدُ وَ الْغَيْدَةُ، وَ لَكُمْ الدَّارُ، وَ عِنْدَكُمْ الْجَنُّ، وَ أَنْتُمْ الْأَوَّلَى يَحِبُّهُ اللَّهُ «۸» الَّتِي اسْتَجَبَ «۹» لِدِينِهِ وَ أَنْصَارُ رَسُولِهِ، وَ أَهْلُ الْإِسْلَامِ، وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتَارَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَبَادَيْتُمُ الْعَرَبَ، وَ نَاهَضْتُمُ الْأَمَمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبُهْمَ، لَا تَبْرَحُ نَأْمُرُكُمْ وَ تَأْتِمُرُونَ، «۱۰» حَتَّى دَارَتْ لَكُمْ بَنَاتُ رَحَى «۱۱» الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَنَامِ، وَ خَضَعَتْ نَعْرَةُ الشُّرُكِ، وَ بَاخَتْ نِيرَانُ الْحَرْبِ، وَ هَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْتَقَ «۱۲» نِظَامُ زَنْدِگَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۱۶ الَّذِينَ، فَأَنَّى جُرْتُمْ «۱» بَعْدَ الْبَيَانِ، وَ نَكَضْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَامِ، لِقَوْمٍ نَكُثُوا أَيْمَانَهُمْ: أَ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. «۲» أَلَا قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفَضِ، وَ رَكَنْتُمْ إِلَى الدَّعْيَةِ، فَعَجَبْتُ مِنَ الدِّينِ، وَ مَجَبَّيْتُ «۳» الدِّينَ وَ عَيْتُمُ، وَ وَسَعْتُمْ «۴» الدِّينَ سِيُوعْتُمْ ف: إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ. «۵» أَلَا وَ قَدْ قُلْتُ الدِّينَ قُلْتُهُ عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخِذْلَانِ الدِّينِ خَامَرَ صُدُورَكُمْ، وَ اسْتَسَعَرَتْهُ قُلُوبُكُمْ، وَ

لَكِنْ قُلْتُهُ فَيَضَهُ النَّفْسَ، وَ نَفْثَةُ الْغَيْظِ، وَ بَثَّةُ الصَّدْرِ، وَ مَعْدِرَةُ الْحُجَّةِ، فَدُونَكُمْوَهَا فَاحْتَقَبُوهَا مُدْبِرَةَ الظَّهْرِ، نَاقِبَةَ الْخُفِّ، «۶» بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْصُولَةً بِشَنَارِ الْأَيْدِ، مَوْصُولَةً بِ: نَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْآفِئْدَةِ. «۷» فَبَعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ: وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَى مُتَقَلِّبٍ يَنْقَلِبُونَ! «۸» وَ أَنَا ابْنُهُ نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، «۹» فَ اَعْمَلُوا ... إِنَّا عَامِلُونَ وَ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ. «۱۰» قال أبو الفضل: و قد ذكر قوم أن أبا العيناء ادعى هذا الكلام، و قد رواه قوم و صححوه و كتبناه على ما فيه. وَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الْعَبْدِيُّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا بَكْرٍ يَوْمَئِذٍ يَقُولُ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَ آلِهِ] وَ سَلَّمَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا، «۱۱» وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا، وَ إِذَا عَزَوْنَاهُ كَانَ أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّكَ دُونَ الرِّجَالِ، آثَرُهُ عَلَى كُلِّ حِمِيمٍ، وَ سَاعِدُهُ عَلَى الْأَمْرِ الْعَظِيمِ، لَا يُجِبُكُمْ إِلَّا الْعَظِيمُ السَّعَادَةُ، وَ لَا يُغْنِيكُمْ إِلَّا الرَّدِيُّ زَنْدِغَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۷۱۷ الْوَلَادَةِ، وَ أَنْتُمْ عَتَرَةُ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، وَ خَيْرَةُ اللَّهِ الْمُتَجَبِّونَ، «۱» عَلَى الْآخِرَةِ أَذَلَّتْنَا، وَ بَابُ الْجَنَّةِ لِسَالِكِنَا، وَ أَمَّا مَنَعُكَ مَا سَأَلْتَ فَلَا ذَلِكَ لِي، وَ أَمَّا فَدُكَ وَ مَا جَعَلَ أَبُوكَ لَكَ، «۲» فَإِنْ مَنَعْتُكَ فَأَنَا ظَالِمٌ، وَ أَمَّا الْمِيرَاثُ فَصَدَّ تَعْلَمِينَ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَ آلِهِ] قَالَ: لَمَّا تَوَرَّثَ مَا «۳» أَبَقَيْنَاهُ صَدَقَةً. قَالَتْ: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ عَنْ نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ: يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ، «۴» وَ قَالَ: وَ رِثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ، «۵» فَهَذَانِ «۶» نَبِيَّانِ، وَ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ الثُّبُوهَ لَا تَوَرَّثُ وَ إِنَّمَا يُوَرَّثُ مَا دُونَهَا، فَمَا لِي أُمْنَعُ إِرْثَ أَبِي؟ أ! أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ إِلَّا فَاطِمَةَ (ع) بِنْتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَ آلِهِ] فَتَدَلَّنِي عَلَيْهِ فَأَقْبَعَ بِهِ؟ فَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَ آلِهِ]! أَنْتِ عَيْنُ الْحُجَّةِ، وَ مَنَاطِقُ الرِّسَالَةِ، لَمَّا يَدُ لِي بِجَوَابِكَ، وَ لَمَّا أَذْفُوكَ عَنْ صَوَابِكَ، وَ لَكِنْ هَذَا أَبُو الْحَسَنِ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ هُوَ الَّذِي أَخْبَرَنِي بِمَا تَفَقَّدْتَ، وَ أَنْبَأَنِي بِمَا أَخَذْتَ وَ تَرَكْتَ. قَالَتْ: فَإِنْ يَكُنْ ذَلِكَ كَذَلِكَ فَصَبِّرْ لِمُرِّ الْحَقِّ، وَ الْحَقِيدُ لِلَّهِ إِلَهُ الْحَقِّ. «۷» وَ مَا وَجَدْتُ هَذَا الْحَدِيثَ عَلَى التَّمَامِ إِلَّا عِنْدَ أَبِي هَفَّانَ. «۸» أقول: لا يخفى على ذى عينين أن ما ألحقوه فى آخر الخبر لا يوافق شيئا من الروايات، و لا يلائم ما مر من الفقرات و التظلمات و الشكايات، و سنوضح القول فى ذلك إن شاء الله تعالى. و لنوضح تلك الخطبة الغراء الساطعة عن سيده النساء صلوات الله عليها التى تحير من العجب منها و الإعجاب بها أحلام الفصحاء و البلغاء، و بنى الشرح على رواية الإحتجاج و نشير أحيانا إلى الروايات الأخر. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۱۸ قوله: أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ .. أَى أَحْكَمَ التَّيَّةِ وَ الْعَزِيمَةِ عَلَيْهِ. «۱» لَأَثَّ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا .. أَى عَصْبَتِهِ وَ جَمْعَتِهِ، «۲» يقال: لَأَثَ الْعِمَامَةُ عَلَى رَأْسِهِ يَلُوْثُهَا لَوْثًا أَى شَدَّهَا وَ رَبَطَهَا .. «۳» وَ الْجِلْبَابُ - بِالْكَسْرِ - يَطْلُقُ عَلَى الْمَلْحَفَةِ «۴» وَ الزِّدَاءُ وَ الْإِزَارُ «۵» وَ الثَّوْبُ الْوَاسِعُ لِلْمَرْأَةِ دُونَ الْمَلْحَفَةِ، «۶» وَ الثَّوْبُ كَالْمَقْنَعَةِ تَغْطِي بِهَا الْمَرْأَةُ رَأْسَهَا وَ صَدْرَهَا وَ ظَهْرَهَا، «۷» وَ الْأَوَّلُ هُنَا أَظْهَرَ. أَقْبَلْتُ فِي لَمِيَةٍ مِنْ حَصَدَتِهَا .. اللَّمَّةُ - بَضْمُ اللَّامِ وَ تَخْفِيفُ الْمِيمِ - الْجَمَاعَةُ، «۸» قَالَ فِي النَّهَايَةِ: فِي حَدِيثِ فَاطِمَةَ (ع) أَنَّهَا خَرَجَتْ فِي لَمَةٍ مِنْ نَسَائِهَا تَتَوَطَّأُ ذَيْلَهَا إِلَى أَبِي بَكْرٍ فَعَاتَبَتْهُ .. أَى فِي جَمَاعَةٍ مِنْ نَسَائِهَا، قِيلَ: هِيَ مَا بَيْنَ الثَّلَاثَةِ إِلَى الْعَشْرَةِ، وَ قِيلَ: اللَّمَّةُ: الْمَثَلُ فِي السَّنِّ وَ التَّرَبِّ. وَ «۹» قَالَ الْجَوْهَرِيُّ: الْهَاءُ عَوْضٌ مِنْ الْهَمْزَةِ الذَّاهِبَةِ مِنْ وَسْطَةٍ، «۱۰» وَ هُوَ مِمَّا أَخَذَتْ عَيْنُهُ كَسْرَ «۱۱» وَ مَذَّ وَ أَصْلُهَا فَعْلَةٌ مِنَ الْمَلَاءَمَةِ، وَ هِيَ الْمَوَافَقَةُ. انْتَهَى. «۱۲» أقول: وَ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ بِتَشْدِيدِ الْمِيمِ. قَالَ الْفَيْرُوزْ أَدَادِي: «۱۳» اللَّمَّةُ بِالضَّمِّ - الصَّاحِبُ وَ زَنْدِغَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۷۱۹ الْأَصْحَابُ فِي السَّفَرِ وَ الْمُنَسَّاسُ لِلوَاحِدِ وَ الْجَمْعِ. «۱» وَ الْحَفْدَةُ - بِالْتَحْرِيكِ -: الْأَعْوَانُ وَ الْخُدَمُ. «۲» تَطَّأُ ذَيْلُهَا .. أَى كَانَتْ أَثْوَابَهَا طَوِيلَةً تَسْتُرُ قَدَمَيْهَا، وَ تَضَعُ عَلَيْهَا قَدَمَهَا عِنْدَ الْمَشْيِ، وَ جَمْعُ الذَّيْلِ بِاعْتِبَارِ الْأَجْزَاءِ أَوْ تَعَدُّدِ الثِّيَابِ. مَا تَخَرَّمُ مَشْيُهَا مَشْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .. وَ فِي بَعْضِ النُّسخ: مِنْ مَشْيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ الْخَرْمُ: التَّرَكُّ، «۳» وَ التَّنْقِصُ وَ الْعَدُولُ، «۴» وَ الْمَشْيَةُ - بِالْكَسْرِ - الْأَسْمُ مِنْ مَشَى يَمْشِي مَشْيًا، «۵» أَى لَمْ تَنْقُصْ مَشْيَهَا مِنْ مَشْيِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شَيْئًا كَأَنَّهُ هُوَ بَعِينُهُ، قَالَ فِي النَّهَايَةِ: «۶» فِيهِ مَا خَرَمَتْ مِنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ .. شَيْئًا: أَى مَا تَرَكْتَ، وَ مِنْهُ الْحَدِيثُ: «لَمْ أَخْرَمْ مِنْهُ حَرْفًا» أَى لَمْ أَدْعُ. وَ الْحَشْدُ - بِالْفَتْحِ وَ قَدْ يَحْرَكُ -: الْجَمَاعَةُ. «۷» وَ فِي الْكُشْفِ: «۸» إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ لَمَّا بَلَغَهَا إِجْمَاعُ أَبِي بَكْرٍ عَلَى مَنَعِهَا فَدَكَ لَأَثَ خِمَارِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لَمِيمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نَسَاءِ قَوْمِهَا، تَجَرَّ أَذْرَاعُهَا، وَ تَطَّأُ فِي ذَيْلِهَا، مَا تَخَرَّمُ مِنْ مَشْيِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ... حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ - وَ قَدْ حَشَدَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارَ - فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بَرِيضَةً بِيضَاءَ، وَ قِيلَ قَبْطِيَّةٌ ... فَأَنَّ أَثَرَهُ أَجْهَشَ لَهَا الْقَوْمَ بِالْبُكَاءِ،

ثم أمهلت طويلا حتى سكنوا من فورتهم ...، ثم قالت (ع): أبتدئ بحمد من هو أولى بالحمد وال طول والمجد، الحمد لله على ما أنعم .. فنيطت دونها ملاءة .. الملاءة - بالضم والمد - الرِيطة «٩» والإزار، ونيطت بمعنى علقت «١٠» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۰ أى ضربوا بينها عليها السلام وبين القوم سترا وحجابا، والرِيطة - بالفتح - الملاءة إذا كانت قطعة واحدة، ولم تكن لفقين، «١» أو هي كل ثوب لين رقيق. «٢» والقَبِيْطَةُ - بالكسر -: ثياب بيض رفاق من كتان تتخذ بمصر، وقد يضم لأنهم يغيثون في النسبة. «٣» والجَهْشُ: أن يفرغ الإنسان إلى غيره وهو مع ذلك يريد البكاء كالصبي يفرغ إلى أمه وقد تهيأ للبكاء، «٤» يقال: جهش إليه كمنع وأجهش. «٥» والَارْتِجَاجُ: الاضطراب. «٦» قوله: هُنَيْئَةً .. أى صبرت زمانا قليلا. «٧» والنَّشِيْجُ: صوت معه توجع وبكاء كما يردد الصبي بكاءه في صدره. «٨» وهذأت - كمنعت -: أى سكنت. «٩» وفَوْزَةُ الشَّيْءِ شِدَّتُهُ، وَفَارَ الْقَدْرُ أى جاشت. «١٠» قولها صلوات الله عليها: بِمَا قَدَّمَ .. أى بنعم أعطاه العباد قبل أن يستحقوها، ويحتمل أن يكون المراد بالتقديم الإيجاد والفعل من غير ملاحظة معنى الابتداء، فيكون تأسيسا. والشُّبُوحُ: الكمال. «١١» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۱ والآلاء: النعماء جمع ألى - بالفتح والقصر وقد يكسر الهمزة - «١» وأَشَدَى وَأَوْلَى وَأُعْطَى بمعنى واحد. «٢» قولها: وَالْأَهِاءُ .. أى تابعها، «٣» بإعطاء نعمة بعد أخرى بلا فصل. وَجَمَّ الشَّيْءُ أى كثر، «٤» والجَمَّ: الكثير، «٥» والتعديء بعن لتضمين معنى التعدى والتجاوز. قولها عليها السلام: وَنَأَى «٦» عن الجزاء أمدها .. الأَمْدُ - بالتحريك -: الغاية المنتهى، «٧» أى بعد عن الجزاء بالشكر غايتها، فالمراد بالأمد إما الأمد المفروض، إذ لا أمد لها على الحقيقة، أو الأمد الحقيقي لكل حد من حدودها المفروضة، ويحتمل أن يكون المراد بأمدتها ابتداؤها، وقد مر في كثير من الخطب بهذا المعنى. وقال في النهاية في حديث الحجاج: «قال للحسن: مَا أَمِدُّكَ؟ قال: سنتان من خلافة «٨» عمر»، أراد أنه ولد لسنتين من خلافته، وللإنسان أمدان، مولده وموته. انتهى. «٩» وإذا حمل عليه يكون أبلغ، ويحتمل - على بعد - أن يقرأ بكسر الميم، قال الفيروز آبادي: «١٠» الأَمْدُ: «١١» المملو من خير وشر، والسَّيْفِيَّةُ المشحونة. «١٢» وتفاوتت عن الإدراك أبدا .. التفاوت: البعد، «١٣» والأبد: الدهر والدائم «١٤» والفديم زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۲ الأزل، وبعده عن الإدراك لعدم الانتهاء. وَنَدَبُهُمْ لاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا .. يقال: نَدَبُهُ لِلْأَمْرِ وَإِلَيْهِ فَانْتَدَبَ .. أى دعاه فأجاب، «١» واللام في قولها: لاتصالها .. لتعليل الندب .. أى رَغَبُهُمْ فى استزادة النعمة بسبب الشكر لتكون نعمة متصلة لهم غير منقطعة عنهم، وجعل اللام الأولى للتعليل والثانية للصلة بعيد، وفي بعض النسخ: لإفضالها، فيحتمل تعلقه بالشكر. وَاسْتَحَمَدَ إِلَى الْخَلْقِ بِإِجْزَالِهَا .. أى طلب منهم الحمد بسبب إجزال النعم وإكمالها عليهم، يقال: أجزلت له من العطاء .. أى أكثرته، «٢» وأجزاك النعم كأنه طلب الحمد أو طلب منهم الحمد حقيقة لإجزال النعم، وعلى التقديرين: التعديء بإلى لتضمين معنى الانتهاء أو التوجه، وهذه التعديء فى الحمد شائع بوجه آخر، يقال: أحمد إليك الله، قيل: أى أحمده معك، وقيل: أى أحمد إليك نعمة الله بتحديثك إيها، «٣» ويحتمل أن يكون استحمد بمعنى تحمد، يقال: فلان يتحمد على .. أى يمتن، «٤» فيكون إلى بمعنى على، وفيه بعد. وثنى بالندب إلى أمثالها .. أى بعد أن أكمل لهم النعم الدنيوية ندبهم إلى تحصيل أمثالها من النعم الأخروية أو الأعم منها ومن مزيد النعم الدنيوية، ويحتمل أن يكون المراد بالندب إلى أمثالها أمر العباد بالإحسان والمعروف، وهو إنعام على المحسن إليه وعلى المحسن أيضا، لأنه به يصير مستوجبا للأعواز والمثوبات الدنيوية والأخروية. كلمة جعل الإخلاص تأويلها .. المراد بالإخلاص جعل الأعمال كلها خالصة لله تعالى، وعدم شوب الرياء والأغراض الفاسدة، وعدم التوسل بغيره تعالى فى شىء من الأمور، فهذا تأويل كلمة التوحيد، لأن من أيقن بأنه الخالق والمدبر، وأنه لا شريك له فى الإلهية فحق له أن لا يشرك فى العبادة غيره، ولا يتوجه فى شىء من الأمور إلى غيره. وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا .. هذه الفقرة تحتل وجوها: زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۳ الأول: أن الله تعالى ألزم وأوجب على القلوب ما تستلزمه هذه الكلمة من عدم تركه تعالى، وعدم زيادة صفاته الكمالية الموجودة وأشباه ذلك ممّا يؤول إلى التوحيد. الثانى: أن يكون المعنى جعل ما يصل إليه العقل من تلك الكلمة مدرجا فى القلوب ممّا أراهم من الآيات فى الآفاق وفى أَنْفُسِهِمْ، أو بما فطرهم عليه من التوحيد. الثالث: أن يكون المعنى لم يكلف العقول الوصول إلى منتهى دقائق

کلمه التوحید و تأویلها، بل إنما کلف عامة القلوب بالإذعان بظاهر معناها، و صریح مغزاها، و هو المراد بالموصول. الرابع: أن يكون الضمير في موصولها راجعا إلى القلوب، أي لم يلزم القلوب إلّا ما يمكنها الوصول إليها من تأويل تلك الكلمة الطيبة، و الدقائق المستنبطة منها أو مطلقها، و لو لا التفكيك لكان أحسن الوجوه بعد الوجه الأول، بل مطلقا. و أنار في الفكر مَقُولَهَا .. أي أوضح (۱) في الأذهان ما يتعلّق من تلك الكلمة بالتفكير في الدلائل و البراهين، و يحتمل إرجاع الضمير إلى القلوب أو الفكر - بصيغته الجمع - أي أوضح بالتفكير ما يعقلها العقول، و هذا يؤيد الوجه الرابع من وجوه الفقرة السابقة. الْمُتَمَنِّع مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيُئِهِ .. يمكن (۲) أن يقرأ الأبصار - بصيغته الجمع و المصدر -، و المراد بالرؤية العلم الكامل و الظهور التام. و مِنَ الْأَلْسِنِ صَفَتُهُ .. الظاهر أن الصفة هنا مصدر، و يحتمل المعنى المشهور بتقدير أي بيان صفته. لَأَمِنْ شَيْءٍ .. أي مادة. بَلَا اخْتِدَاءٍ أُمْتَلَأَ امْتَلَأَهَا .. احتذى مثاله اقتدى به (۳) و امتثلها .. أي تبعها. (۴) و لم يتعدّ عنها .. أي لم يخلقها على وفق صنع غيره. و تنبئها على طاعته .. لأنّ ذوى العقول يتنبهون بمشاهدة مصنوعات بأن شكر خالقها و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۴ المنعم بها واجب، أو أنّ خالقها مستحقّ للعبادة، أو بأنّ من قدر عليها يقدر على الإعادة و الانتقام. و تعبدا لبريئته .. أي خلق البريئة ليتعبدهم، أو خلق الأشياء ليتعبّد البرايا بمعرفته و الاستدلال بها عليه. و إعزازا لدعوته. أي خلق الأشياء ليغلب و يظهر دعوة الأنبياء إليه بالاستدلال بها. زيادة لعباده عن نقمته، و حياشة لهم إلى جنته .. الذود و الدّيات - بالدال المعجمة - .. السّوق و الطرد و الدّفع (۱) و الإبعاد. و حشت الصّيد أحوشه إذا جثته من حوالیه لتصرفه إلى الحباله. (۲) و لعلّ التعبير بذلك لنفور الناس بطباعهم عمّا يوجب دخول الجنّة. قبل أن اجتبله .. الجبل: الخلق، يقال: جبلهم الله .. أي خلقهم، و جبله على الشّء .. أي طبعه عليه، (۳) لعلّ المعنى أنه تعالى سمّاه لأنبيائه قبل أن يخلقه، و لعلّ زيادة البناء للمبالغة تنبئها على أنه خلق عظيم، و في بعض النسخ - بالحاء المهملة - يقال: اجتبل الصّيد .. أي أخذه بالحباله، (۴) فيكون المراد به الخلق أو البعث مجازا، و في بعضها: قبل أن اجتباه .. أي اصطفاه (۵) بالبعثه، و كل منها لا يخلو من تكلف. و بَسَّرَ الْأَهَاوِيلَ (۶) مَصُونَةٌ .. لعلّ المراد بالستر ستر العدم أو حجب الأصلاب و الأرحام، و نسبته إلى الأهوايل لما يلحق الأشياء في تلك الأحوال من موانع الوجود و عوائقه، و يحتمل أن يكون المراد أنها كانت مصنوعة عن الأهوايل بستر العدم، إذ هي إنّما تلحقها بعد الوجود، و قيل: التعبير من قبيل التعبير عن درجات العدم بالظلمات. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۵ بِمَائِلٍ (۱) الْأُمُورِ - على صيغته الجمع - .. أي عواقبها، و في بعض النسخ بصيغته المفرد. وَ مَعْرِفَةٌ بِمَوَاقِعِ الْمُقْدُورِ .. أي لمعرفته تعالى بما يصلح و ينبغى من أزمته الأمور الممكنة المقدور و أمكنتها، و يحتمل أن يكون المراد بالمقدور: المقدر، بل هو أظهر. إِتِمَامًا لِأَمْرِهِ .. أي للحكمة التي خلق الأشياء لأجلها، و الإضافة في مقادير حتمه من قبيل إضافة الموصوف إلى الصفة .. أي مقاديره المحتملة. و قولها عليها السلام: عَكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا .. تفصيل و بيان للفرق بذكر بعضها، يقال: عكف على الشّء - كضرب و نصر - أي أقبل عليه مواظبا (۲) و لازمه فهو عاكف، و يجمع على عكف - بضم العين و فتح الكاف المشددة - كما هو الغالب في فاعل الصفة نحو شَهِدَ وَ غَيَّبَ. وَ النَّيْرَانُ .. جمع نار، و هو قياس مطرد في جمع الأجوف، نحو: تيجان و جيران. مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِزِّهَا .. لكون معرفته تعالى فطرية، أو لقيام الدلائل الواضحة الدالة على وجوده سبحانه، و الضمير (في ظلمها) راجع إلى الأمم، و الضميران التاليان له يمكن إرجاعهما إليها و إلى القلوب و الأبصار. وَ الظُّلْمُ - بضمّ الظاء و فتح اللام - جمع ظلمة (۳) استعيرت هنا للجهالة. وَ الْبُتْهُمُ جمع بهمة - بالضم - و هي مشكلات الأمور. (۴) وَ جَلَوْتُ الْأَمْرَ .. أوضحت و كشفته. (۵) وَ الْعَمِيْمُ جمع غَمَّةٍ يقال أمر غَمِيَّةٍ أي مبهم ملتبس، (۶) قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً، (۷) زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۶ قَالَ أَبُو عبيدة: مجازها ظلمة و ضيق، (۱) و تقول: غممت الشّء: إذا غطيته و سترته. (۲) وَ الْعَمَايَةُ: الْعَوَايَةُ وَ اللَّجَاجُ، ذكره الفيروز آبادي. (۳) و اختيار .. أي من الله له ما هو خير له، أو باختيار منه صَلَّى الله عليه و آله و رضى و كذا الإيثار، و الأول أظهر فيهما. بِمُحَمَّدٍ صَلَّى الله عليه و آله عن تعب هذه الدار .. لعلّ الطرف متعلّق بالإيثار بتضمين معنى الضنّة أو نحوها، و في بعض النسخ: مُحَمَّد - بدون الباء فتكون الجملة استثنائية أو مؤكدة للفقرة السابقة، أو حالية بتقدير الواو، و في بعض كتب المناقب القديمة: فَمُحَمَّدٌ صَلَّى الله عليه و آله، و هو أظهر، و في رواية كشف الغمّة: رغبته بِمُحَمَّدٍ صَلَّى الله عليه و

آله عن تعب هذه الدار، و في رواية أحمد بن أبي طاهر: بِأبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَزَّتْ هَذِهِ الدَّارُ .. وَهُوَ أَظْهَرُ، وَ لَعَلَّ الْمُرَاد بِالْدار: دار القرار، و لو كان المراد الدنيا تكون الجملة معترضة، و على التقادير لا- يخلو من تكلف. نُصِبَ أَمْرُهُ .. قال الفيروز آبادي: «٤» النَّصْب- بالفتح: العلم المنسوب و يحرك .. و هذا نصب عيني- بالضم و الفتح- .. أى نصبكم الله لأوامره و نواهيه، و هو خبر الضمير، و عباد الله منصوب على النداء. و بلغاؤه إلى الأمم .. أى تؤدون الأحكام إلى سائر الناس لأنكم أدرتم صحبة الرسول صلى الله عليه و آله. زَعَمْتُمْ حَقَّ لَكُمْ .. أى زعمتم أن ما ذكر ثابت لكم، و تلك الأسماء صادقة عليكم بالاستحقاق، و يمكن أن يقرأ على الماضى المجهول، و فى إيراد لفظ الزعم إشعار بأنهم ليسوا متصفين بها حقيقة، و إنما يدعون ذلك كذبا، و يمكن أن يكون حق لكم .. جملة أخرى مستأنفة .. أى زعمتم أنكم كذلك و كان يحق لكم و ينبغي أن تكونوا كذلك لكن قصرتم، و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۷ فى بعض النسخ: و زعمتم حق لكم «١» فيكم و عهد، و فى كتاب المناقب القديم: زعمتم أن لا حق لى فيكم عهدا قدمه إليكم .. فيكون عهدا منصوبا ب اذكروا و نحوه، و فى الكشف: إلى الأمم خولكم «٢» الله فيكم عهد. قولها عليها السلام: لله فيكم عهد و بقیة .. العهد: الوصية، «٣» و بقیة الرجل ما يخلفه فى أهله، و المراد بهما القرآن، أو بالأول ما أوصاهم به فى أهل بيته و عترته، و بالثانى القرآن. و فى رواية أحمد بن أبي طاهر: و بقیة استخلفنا عليكم، و معنا كتاب الله .. فالمراد بالبقية أهل البيت عليهم السلام، و بالعهد ما أوصاهم به فيهم. و البصائر- جمع بصيرة- و هى الحجة، «٤» و المراد بانكشاف السرائر: وضوحها عند حملة القرآن و أهله. مغتبط به أشياعه .. الغبطة أن يتمنى المرء مثل حال المغبوط من غير أن يريد زوالها منه، تقول: غبطته فاغبط، «٥» و الباء للشيبة .. أى أشياعه مغبوطون بسبب اتباعه، و تلك الفقرة غير موجودة فى سائر الروايات. مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ إِسْمَاعُهُ ..- على بناء الإفعال- .. أى تلاوته، و فى بعض نسخ الإحتجاج و سائر الروايات: استماعه. و المراد بالعزائم: الفرائض، و بالفصائل: السنن، و بالرخص: المباحات، بل ما يشمل المكروهات، و بالشرائع: ما سوى ذلك من الأحكام كالحدود و الديات أو الأعم، «٦» و أما الحجج و البينات و البراهين فالظاهر أن بعضها مؤكدة لبعض، و يمكن تخصيص كل منها ببعض ما يتعلق بأصول الدين لبعض المناسبات، و فى رواية ابن أبي طاهر: و بيناته الجالية، و جملة الكافية .. فالمراد بالبينات: المحكمات، و بالجمال: المتشابهات، و وصفها بالكافية زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۸ لدفع توهم نقص فيها لإجمالها، فإنها كافية فيما أريد منها، و يكفى معرفة الراسخين فى العلم بالمقصود منها، فإنهم المفسرون لغيرهم، و يحتمل أن يكون المراد بالجمال العمومات التى يستنبط منها الأحكام الكثيرة. تركية للنفس .. أى من دنس الذنوب، أو من رذيلة البخل، إشارة إلى قوله تعالى: تُطَهَّرُهُمْ وَ تَزَكِّيهِمْ بِهَا. «١» وَ نَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ .. إيماء إلى قوله تعالى: وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغَفُونَ «٢» على بعض التفاسير. «٣» تثبينا للإخلاص .. أى لتشييد الإخلاص و إبقائه، أو لإثباته و بيانه، و يؤيد الأخير أن فى بعض الروايات: تبيننا، و تخصيص الصوم بذلك لكونه أمرا عدميا لا يظهر لغيره تعالى، فهو أبعد من الرياء، و أقرب إلى الإخلاص، و هذا أحد الوجوه فى تفسير الحديث المشهور: الصوم لى و أنا أجزى به، و قد شرحناه فى حواشى الكافي، «٤» و سيأتى فى كتاب الصوم إن شاء الله تعالى. «٥» تَشْيِيداً لِلدِّينِ .. إنما خص التشييد به لظهوره و وضوحه و تحمل المشاق فيه، و بذل النفس و المال له، فالإتيان به أدل دليل على ثبوت الدين، أو يوجب استقرار الدين فى النفس لتلك العلل و غيرها «٦» ممّا لا نعرفه، و يحتمل أن يكون إشارة إلى ما ورد فى الأخبار الكثيرة من أن علمه الحجج التشريف بخدمة الإمام و عرض النصره عليه، و تعلم شرائع الدين منه، «٧» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۲۹ فالتشييد لا يحتاج إلى تكلف. و فى العلل و رواية ابن أبي طاهر: تسلياً للدين، فلعل المعنى تسلياً للنفس، بتحمل المشاق و بذل الأموال بسبب التقيد بالدين، أو المراد بالتسلي: الكشف «١» و الإيضاح، فإنها كشف الهم، أو المراد بالدين: أهل الدين، أو «٢» أسند إليه مجازاً، و الظاهر أنه تصحيف: تسنية، «٣» و كذا فى الكشف. و فى بعض نسخ العلل أى يصير سببا لرفعة الدين و علوه. و التنسيق: التنظيم. «٤» و فى العلل: مسكا للقلوب أى ما يمسكها، و فى القاموس: المسكة بالضم:- ما يتمسك به و ما يمسك الأبدان من الغذاء و الشراب، .. و الجمع كصرد .. و المسك- محركة الموضع يمسك الماء. «٥» و فى رواية ابن أبي طاهر و الكشف: تنسكا للقلوب .. أى عبادة لها،

«۶» لأن العدل أمر نفساني يظهر آثاره على الجوارح. و الصبر معونة على استيجاب الأجر .. إذ به يتم فعل الطاعات و ترك السيئات. وقاية من السخط .. أى سخطهما، أو سخط الله تعالى، و الأول أظهر. منماة للعدد .. المنماة: اسم مكان أو مصدر ميمي .. أى يصير سببا لكثرة عدد الأولاد و العشائر كما أن قطعها يذر الديار بلاقع «۷» من أهلها. تغييرا للبخس .. و فى سائر الروايات: للبخسة .. أى لثلا ينقص مال من ينقص المكيال و الميزان، إذ التوفية موجبة للبركة و كثرة المال، أو لثلا ينقصوا أموال الناس فيكون المقصود أن هذا أمر يحكم العقل بقبحه. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۳۰ عن الرجس .. أى النجس، «۱» أو ما يجب التنزه عنه عقلا و الأول أوضح فى التعليل، فيمكن الاستدلال على نجاستها. حجابا عن اللعنة .. أى لعنة الله، أو لعنة المقذوف أو القاذف، فيرجع إلى الوجه الأخير فى السابقة، و الأول أظهر، إشارة إلى قوله تعالى: لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. «۲» إيجابا للعة .. أى للعة عن التصرف فى أموال الناس مطلقا، أو يرجع إلى ما مرّ، و كذا الفقرة التالية. و فى الكشف - بعد قوله - للعة: و التنزه عن أموال الأيتام، و الاستئثار بفيئهم إجارة من الظلم، و العدل فى الأحكام إيناسا للرعية، و التبرى من الشرك إخلاصا للربوبية. عودا و بدءا .. أى أولا و آخر، «۳» و فى رواية ابن أبى الحديد و غيره: أقول عودا على بدء .. و المعنى واحد. و الشطط - بالتحريك - البعد عن الحق، «۴» و مجاوزة الحد فى كل شىء. «۵» و فى الكشف: ما أقول ذلك سرفا و لا شططا من أنفسكم .. أى لم يصبه شىء من ولادة الجاهلية بل عن نكاح طيب، كما روى عن الصادق عليه السلام، «۶» و قيل: أى من جنسكم من البشر ثم من العرب ثم من بنى إسماعيل. «۷» عزيز عليه ما عنتم .. أى شديد «۸» شاق عليه عنتم، «۹» و ما يلحقكم من الضرر بترك زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۳۱ الإيمان أو مطلقا. حريص علىكم .. أى على إيمانكم و صلاح شأنكم. بالمؤمنين رؤف رحيم .. أى رحيم بالمؤمنين منكم و من غيركم، و الزافة: شدة الرحمة، «۱» و التقديم لرعاية الفواصل. و قيل: رؤوف بالمطيعين رحيم بالمذنبين. و قيل: رؤوف بأقربائه رحيم بأوليائه. و قيل: رؤوف بمن رآه رحيم بمن لم يره، فالتقديم للاهتمام بالمتعلق. فإن تغزوه .. يقال: عزوته إلى أبيه .. أى نسبته إليه، «۲» أى إن ذكرت نسبته و عرفتموه تجدوه أبى و أخا ابن عمى، فالأخوة ذكرت استطرادا، و يمكن أن يكون الانتساب أعم من النسب، و ميا طرا أخيرا، و يمكن أن يقرأ: و أخى - بصيغة الماضى -، و فى بعض الروايات: فإن تعزروه و توقروه. صادعا بالندارة .. الصدىع: الإظهار، تقول: صدعت الشىء، أى أظهرته، و صدعت بالحق: إذا تكلمت به جهارا، «۳» قال الله تعالى: فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ. «۴» و الندارة - بالكسر الإنذار «۵» و هو الإعلام على وجه التخويف. «۶» و المدرجة: المذهب و المسلك، «۷» و فى الكشف: ناكبا «۸» عن سنن مدرجة المشركين، و فى رواية ابن أبى طاهر: ماثلا على مدرجة .. أى قائما للرد عليهم، و هو تصحيف. «۹» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۳۲ ضاربا بجمعهم آخذاً بأقطامهم .. التبيج - بالتحريك - وسط الشىء و معظمه، «۱» و الكظم بالتحريك - مخرج النفس من الحلق .. «۲» أى كان صلى الله عليه و آله لا يبالى بكثرة المشركين و اجتماعهم و لا يداريهم فى الدعوة. داعيا إلى سبيل ربه .. كما أمره سبحانه: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. «۳» و قيل: المراد بالحكمة: البراهين القاطعة و هى للخواص، و بالموعظة الحسنة: الخطابات المقنعة و العبر النافعة، و هى للعوام، و بالمجادلة بالتي «۴» هى أحسن .. إلزام المعاندين و الجاحدين بالمقدمات المشهورة و المسلمة، و أما المغالطات و الشرعيات فلا يناسب درجة أصحاب النبوات. يكسر الأصنام و ينكت الهام .. النكت: «۵» إلقاء الرّجل على رأسه، «۶» يقال: طعنه فنكته، و الهام جمع الهامة - بالتخفيف فيهما - و هى الرّأس، «۷» و المراد قتل رؤساء المشركين و قمعهم و إذلالهم، أو المشركين مطلقا، و قيل: أريد به إلقاء الأصنام على رؤوسها، و لا يخفى بعده لا سيما بالنظر إلى ما بعده، و فى بعض النسخ: ينكس الهام، و فى الكشف و غيره: يجذ زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۳۳ الأصنام، من قولهم: جذدت الشىء .. أى كسّرتة، «۱» و منه قوله تعالى: فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا. «۲» حَتَّى تَفْرَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَ أَشْفَرُ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ .. و الواو مكان حتى - كما فى رواية ابن أبى طاهر - أظهر، و تفرى الليل .. أى انشق «۳» حتى ظهر ضوء الصباح، و أسفر الحق عن محضه و خالصه، «۴» و يقال: أسفر الصبح .. أى أضاء. «۵» و نطق زعيم الدين .. زعيم القوم سيدهم و المتكلم عنهم، و الزعيم أيضا - الكفيل «۶» و الإضافة لامية، و يحتمل البيانية .. و خروست

شقاشق الشیاطین .. خرس - بکسر الراء - و الشقاشق جمع شقشقه بالكسر - و هی شیء کالریه یخرجها البعیر من فیه إذا هاج، و إذا قالوا للخطیب ذو شقشقه، فإنما یشبه بالفحل، «۷» و إسناد الخرس إلى الشقاشق مجازی. وَ طَاحَ وَ شَیْطَ النَّفَاقِ .. یقال: طاح فلان یطوح إذا هلك أو أشرف على الهلاك و تاه فی الأرض و سقط، «۸» و الوشیط - بالمعجمتين: - الرّذل و السّفلة من النّاس، و منه قولهم: إِيّاكم و الوشائظ، «۹» و قال الجوهری: «۱۰» الوشیط: لفیف من النّاس لیس أصلهم واحدا، و بنو فلان وشیطه فی قومهم .. أى هم حشو فیهم. و الوشیط - بالمهملتین: - أشرف القوم نسبا و أرفعهم محلا، «۱۱» و کذا فی بعض النسخ، و هو أيضا مناسب. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۳۴ و فہتم بکلمه الإخلاص فی نفر من البیض الخماص .. یقال: فاه فلان بالكلام کقال .. أى لفظ به کتفوه. «۱» و کلمه الإخلاص: کلمه التوحید، و فیه تعریض بأنه لم یکن إیمانهم عن قلوبهم، و البیض جمع أبيض و هو من النّاس خلاف الأسود، «۲» و الخِماص - بالكسر - جمع خميص، و الخماصة تطلق على دقة البطن خلقه و على خلوه من الطّعام، یقال: فلان خميص البطن من أموال النّاس أى عفیف عنها، و فی الحدیث: کالطّیر تغدو خماصا و تروح بطانا. «۳» و المراد بالبیض الخماص: إمّا أهل البيت علیهم السلام - و یؤیدہ ما فی کشف الغمّة: فی نفر من البیض الخماص، الذین أذهب اللّٰه عنهم الرّجس و طہرهم تطهیرا «۴» و وصفهم بالبیض لیباض وجوہهم، أو هو من قبیل وصف الرجل بالأغرّ، و بالخماص لکونهم ضامری البطون بالصوم و قلّة الأکل، أو لعفّتهم «۵» عن أکل أموال النّاس بالباطل، أو المراد بهم من آمن من العجم کسلمان رضی اللّٰه عنه و غیره، و یقال لأهل فارس: بیض، لغلبه البیاض على ألوانهم و أموالهم، إذ الغالب فی أموالهم الفضة، کما یقال لأهل الشام: حمر، لحمرة ألوانهم و غلبه الذهب فی أموالهم، و الأول أظهر. و یمكن اعتبار نوع تخصیص فی المخاطبین، فیکون المراد بهم غیر الراسخین الکاملین فی الإیمان، و بالبیض الخماص: الکمل منهم. وَ کُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ .. «۶» شفا کلّ شیء طرفه «۷» و شفیره .. أى کتم على شفیر جهنم مشرفین على دخولها لشركکم و کفرکم. مُدَقَّةُ الشَّارِبِ وَ نَهْزَةُ الطَّامِعِ .. مذقه الشّارب: شربته، «۸» و النّهزة - بالضم الفرصة .. «۹» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۳۵ أى محل نهزته .. أى کتم قلیلین أدلاء یتخطفکم النّاس بسهولة، و کذا قولها علیها السلام: وَ قَبَسَهُ الْعُجْلَانِ وَ مَوَطِئُ الْأَقْدَامِ .. و الْقَبَسَةُ - بالضم [بافتح] - شعله من نار یقتبس من معظمها، «۱» و الإضافة إلى العجلان لیان القلّة و الحقارة، و وطء الأقدام مثل مشهور فی المغلووبیة و المذلة. تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ وَ تَفْتَانُونَ «۲» الْوَرَقَ .. الطَّرْقُ - بالفتح -: ماء السّماء الّذی تبول فیه الإبل و تبر، «۳» و الورق - بالتحریک - ورق الشّجر، «۴» و فی بعض النسخ: و تفتانون الْقِدَّ، و هو - بکسر القاف و تشدید الدال - سِیرٌ یَقْدُ مِنْ جلد غیر مدبوغ، «۵» و المقصود وصفهم بخبائث المشرب و جشوبه «۶» المأکل، لعدم اهتدائهم إلى ما یصلحهم فی دنیاہم، و لفقرهم و قلّة ذات یدہم، و خوفهم من الأعداء. أَدْلَهُ حَاسِیْنِ تَخَافُونَ أَنْ یَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ .. الخاسی: المبعد المطرود، «۷» و التخطّف: استلاب الشّیء «۸» و أخذه بسرعة، اقتبس من قوله تعالى: وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِی الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ یَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ زَوَّجَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. «۹» - فی نَهْجِ الْبَلَاغَةِ: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ الْخُطَابَ فِی تِلْكَ الْآيَةِ لِقُرَيْشٍ خَاصَّةً، وَ الْمُرَادُ بِالنَّاسِ سَائِرِ الْعَرَبِ أَوْ الْأَعَمِّ. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۳۶ و اللَّتِيَا .. بفتح اللام و تشدید الیاء تصغیر التی، «۱» و جَوَزَ بعضهم فیه ضَمَّ اللام، «۲» و هما کنایتان عن الداهیه الصّیغرة و الکبیره. «۳» وَ بَعِيدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالِ، وَ ذُوِيَانِ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَةُ أَهْلِ الْكِتَابِ .. یقال: مُنِيَ بِكَذَا على صیغته المجهول - أى ابْتَلَى، «۴» وَ بِهِمُ الرِّجَالِ - كَصِرْدٍ - الشّجعان منهم لأنّهم لشدة بأسهم لا یدری من أين یؤتون، «۵» وَ ذُوبَانُ الْعَرَبِ: لُصُوصُهُمْ وَ صَعَالِيكُهُمْ «۶» الذین لا مال لهم و لا اعتماد علیهم، و الْمَرَدَةُ: العتاة «۷» المتکبرون المجاوزون للحد. أَوْ نَجَمَ «۸» قَرْنٌ لِلشَّيْطَانِ، وَ فَعَرَتْ فَاعِرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَدَفَ أَخَاهُ فِی لَهَوَاتِهَا .. نَجَمَ الشّیء - کنصر - نجوما: ظهر و طلع، «۹» و المراد بالقرن: القوّة، و فسّر قرن الشّیطان بأمته و متابعیه، «۱۰» و فغرفاه .. أى فتحه، و فغرفوه .. أى انفتح - یتعدّی و لا یتعدّی، «۱۱» و الفاعرة من المشركین: الطائفة العادیة منهم تشبیها بالحيّة أو السبع، و یمكن تقدير الموصوف مذكرا على أن یكون التاء للمبالغة. و القذف: الرّمی، و یستعمل فی الحجارة کما أنّ الحذف یستعمل فی الحصا، یقال هم بین حاذف و قاذف. «۱۲» زندگانی حضرت زهرا عليها

السلام (روحانی)، ص: ۷۳۷ و اللَّهَوَاتُ - بالتحريك - جمع لَهَا، و هي اللَّحْمَةُ في أقصى سقف الفم، «۱» و في بعض الروايات: في مَهْوَاتِهَا - بالضم - «۲» و هي بالتسكين: الحفرة «۳» و ما بين الجبلين و نحو ذلك. «۴» و على أى حال، المراد أنه صَلَّى الله عليه و آله كلما أرادَه طائفة من المشركين أو عرضت له داهية عظيمة بعث عليها عليه السلام لدفعها و عَرَضَ للمهالك. و في رواية الكشف و ابن أبي طاهر: كلما حشوا نارا للحرب، و نجم قرن للضلال. قال الجوهرى: «۵» حششت النار .. أوقدتها. فلا ينكفى حتى يطاء صماخها بأخمصه، و يحمد لهبها بسيفه .. انكفأ - بالهمزة - أى رجع، من قولهم: كفأت القوم كفأ: إذا أرادوا وجها فصرفتهم عنه إلى غيره فانكفئوا .. أى رجعوا. «۶» و الصِّمَاحُ - بالكسرة - ثقب الأذن، و الأذن نفسها، و بالسين - كما في بعض الروايات لغة فيه. «۷» و اللَّخْمَصُ: ما لا يصيب الأرض من باطن القدم «۸» عند المشى، و وطء الصماخ بالأخمص عبارة عن القهر و الغلبة على أبلغ وجه، و كذا إخماد اللهب بماء السيف استعاره بليغة شائعة. مَكْدُوداً في ذات الله .. الْمَكْدُودُ: مَنْ بَلَغَ التَّعَبُ «۹» و الْبَآذَى، و ذات الله: أمره و دينه، و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۳۸ كلما يتعلّق به سبحانه، و في الكشف: مكدودا دءوبا «۱» في ذات الله. سَيِّدُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ .. بالجر - صفة الرسول (ص) أو بالنصب عطفًا على الأحوال السابقة، و يؤيد الأخير ما في رواية ابن أبي طاهر: سيداً في أولياء الله. و التّشْمِيرُ في الأمر: الجَدُّ و الاهتمام فيه. «۲» و الْكَدْحُ: العمل و السَّعي، «۳» و قال الجوهرى: «۴» الدَّعَةُ: الخفض .. تقول: منه ودع الرجل .. فهو وديع أى ساكن و وادع أيضاً، .. يقال: نال فلان المكارم وادعا من غير كلفة. و قال: الْفُكَاهِيَةُ - بالضم - المزاح، .. و بالفتح - مصدر - فَكِهَ الرَّجُلُ بالكسر - فهو فَكِهٌ إذا كان طيب النفس مزاحاً، و الْفِكَةُ - أيضاً - الْأَشْرُ «۵» و الْبَطْرُ، و قرىء: وَ نَعْمَةُ كَانُوا فِيهَا زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۳۹ فَكِهَيْنِ «۱» أى أَشْرَيْنِ، و فَكِهَيْنِ .. أى ناعمين، و المفاهية: الممازحة. «۲» و في رواية ابن أبي طاهر: و أنتم في بلهنية وادعون آمنون .. قال الجوهرى: «۳» هو في بُلْهَنِيَّةٍ من العيش أى سعة و رفاهية، و هو ملحق بالخماسى بألف فى آخره، و إنما صارت ياء لكسرة «۴» ما قبلها، و فى الكشف: و أنتم فى رفهنية .. و هى مثلها لفظاً و معنى. «۵» ترتبصون بنا الدوائر .. الدَّوائر: صروف الزَّمان «۶» و حوادث الأيام و العواقب المذمومة، و أكثر ما تستعمل الدائرة فى تحوّل النعمة إلى الشدة، أى كنتم تنتظرون نزول البلى علينا و زوال النعمة و الغلبة عنا. تَتَوَكَّفُونَ الأخبار .. التَّوَكَّفُ: التَّوَقُّع، «۷» و المراد أخبار المصائب و الفتن، و فى بعض النسخ: تتواكفون الأخبار، يقال: واكفه فى الحرب أى واجهه. «۸» و تَتَكَصُّونَ عِنْدَ النَّزَالِ .. التَّكْوُصُ: الإحجام و الرجوع عن الشىء، «۹» و النزال - بالكسر - أن ينزل القرنان عن إبلهما إلى خيلهما فيتضاربا، «۱۰» و المقصود من تلك الفقرات أنهم لم يزالوا منافقين لم يؤمنوا قط. ظهر فيكم حسيكة النفاق، و سَمَلٌ جلبابُ الدين، و نَطَقَ كاظمُ الغاوين، و نَبَغَ خاملُ زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۰ الأقلين، و هَيَدَرَ فَنِيْقُ الْمَبْطِلِينَ .. الحسيكة: العداوة، قال الجوهرى: «۱» الحسك: حسك السِّعدان، الواحدة حسكة، .. و قولهم فى صدره على حسيكة و حساكة .. أى ضغن و عداوة .. و فى بعض الروايات: حسيكة النفاق .. فهو على الاستعارة. و سَمَلُ الثَّوْبِ - كَنَصِيرَ - صار خَلْقاً. «۲» و الجلباب - بالكسر - الملحفة، «۳» و قيل: ثوب واسع للمرأة غير الملحفة. «۴» و قيل: هو إزار و رداء. و قيل: هو كالمقنعة تغطى به المرأة رأسها و ظهرها و صدرها. «۵» و الْكُظُومُ: السُّكُوت. «۶» و نَبَغَ الشىءُ - كمنع و نصر - أى ظهر - «۷» و نبغ الرجل: إذا لم يكن فى إرث الشَّعر، ثم قال و أجاد. «۸» و الخامل: من خفى ذكره و صوته و كان ساقطاً لا نباهة له. «۹» و المراد بالأقلين: الأذَلُّونَ، و فى بعض الروايات: الأولين. و فى الكشف: فنطق كاظم و نبغ خامل، و هدر فنيق الكفر، يخطر فى عرصاتكم .. و الْهَذَرُ: ترديد البعير صوته فى حنجرتة. «۱۰» و الفنيق: الفحل المكزَم من الإبل الْبَذَى لا - يركب و لا يهان لكرامته على أهله. «۱۱» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۱ فخطر فى عرصاتكم، و أطلع الشيطان رأسه من مغرزه هاتفا بكم، فألفاكم لدعوته مستجيبين، و للعرّة فيه ملاحظين .. يقال: خطر البعير بذنبه يخطر بالكسر - خطراً و خطرانا إذا رفعه مرّة بعد مرّة و ضرب به فخذيه، «۱» و منه قول الْحِجَاج - لَمَّا نَصَبَ الْمَنْجَنِيْقَ عَلَى الْكَعْبَةِ - .. خَطَّارَةٌ كَالْجَمَلِ الْفَنِيْقِ ..، «۲» شبه رميها بخطر الفنيق. «۳» و مغرز الرأس - «۴» بالكسر: - ما يختفى فيه، و قيل: لعلّ فى الكلام تشبيهاً للشيطان بالقنفذ، فإنه إنما يطلع رأسه عند زوال الخوف، أو بالرجل الحريص المقدم على أمر فإنه يمدّ عنقه إليه. و الْهَتَّافُ: الصَّيَّاح. «۵» و

ألفاكم .. أى وجدكم. «٦» والغزّة- بالكسر- الاغترار «٧» والانخداع، «٨» والضمير المجرور راجع إلى الشيطان. و ملاحظة الشيء: مراعاته، وأصله من اللحظ وهو النظر بمؤخر العين، «٩» وهو إنما يكون عند تعلق القلب بشيء، أى وجدكم الشيطان لشدة قبولكم للانخداع كالذى كان مطمح نظره أن يغتر بأباطيله. و يحتمل أن يكون للغزّة- بتقديم المهملة على المعجمة-. و فى الكشف: و للغزّة ملاحظين .. أى وجدكم طالبين للغزّة. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۲ ثم استنهضكم فوجدكم خفافا، «١» و أحمشكم فألفاكم غضابا، فوسستم غير إبلکم، و أوردتم غير شربکم .. النهوض: القيام، و استنهضه لأمر .. أى أمره بالقيام إليه. «٢» فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا .. أى مسرعين إليه. و أَحْمَشْتُ الرَّجُلَ: أَعْصَبْتُهُ، و أَحْمَشْتُ النَّارَ أَلْهَبْتُهَا، «٣» أى حملكم الشيطان على الغضب فوجدكم مغضبين لغضبه أو من عند أنفسكم، و فى المناقب القديم: عطا- بالعين المهملة و الفاء- من العطف بمعنى الميل و الشفقة، «٤» و لعله أظهر لفظا و معنى. و التَّوَسُّمُ: أثر الكي، يقال وسمته- كوعدته- وسما. «٥» و التَّوَزُّؤُ: حضور الماء للشرب، و الإيراد: الإحضار. «٦» و الشُّرْبُ- بالكسر-: الحظ من الماء، «٧» و هما كنايةتان عن أخذ ما ليس لهما بحق من الخلافة و الإمامة و ميراث النبوة. و فى الكشف: و أوردتموها شربا ليس لكم. هذا و العهد قريب، و الكلم رحيب، و الجرح لَمَّا يندمل، و الرسول لَمَّا يقبر .. الكَلْمُ: الجرح. «٨» و الرُّحْبُ- بالضم- السعة. «٩» و الْجُرْحُ- بالضم- الاسم، و بالفتح: المصدر، «١٠» و لَمَّا يندمل .. أى لم يصلح «١١» بعد. و قبرته: دفتته. «١٢» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۳ ابتدارا زعمتم خوف الفتنة أَلَا فى الْفِتْنَةِ سَقَطُوا و إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ .. «١» ابتدارا مفعول له للأفعال السابقة، و يحتمل المصدر بتقدير الفعل، و فى بعض الروايات: بدارا زعمتم خوف الفتنة .. أى ادعيتهم و أظهرتم للناس كذبا «٢» و خديعة إنا إِنَّمَا اجتمعنا فى السقيفة دفعا للفتنة مع أن الغرض كان غضب الخلافة عن أهلها، و هو عين الفتنة. و الالتفات فى- سقطوا- لموافقة «٣» الآية الكريمة. فهيهات منكم، و كيف بكم، و أتى توفكون، و كتاب الله بين أظهركم ... هيهات للتباعد «٤» و فيه معنى التعجب كما صرح به الشيخ الرضى، «٥» و كذلك كيف «٦» و أتى تستعملان فى التعجب. «٧» و أَفَكُهُ- كَضَرْبُهُ-: صرفه عن الشيء و قلبه، «٨» أى إلى أين يصرفكم الشيطان و أنفسكم و الحال إن كتاب الله بينكم، و فلاذن بين أظهر قوم و بين ظهرانهم .. أى مقيم بينهم محفوف من جانبيه أو من جوانبه بهم. «٩» و الزَّاهِر: المتلألئ المشرق. «١٠» و فى الكشف: بين أظهركم قائمة فرائضه، واضحة دلائله، نيرة شرائعه، زواجره واضحة، و أوامره لائحة. أرغبه عنه، بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا .. أى من الكتاب ما اختاروه من الحكم الباطل. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۴ ثم لم تلبثوا إلَّا ريث أن تسكن نفرتها، و يسلس قيادها، ثم أخذتم تورون و قدتها، و تهيجون جمرتها، و تستجيبون لهتاف الشيطان الغوى، و إطفاء أنوار الدين الجلى، و إهماد سنن النبى الصفى .. رِيْثٌ- بالفتح- بمعنى قَدْر «١» و هى كلمة يستعملها أهل الحجاز كثيرا، و قد يستعمل مع ما يقال: لم يلبث إلَّا ريثما فعل كذا، «٢» و فى الكشف هكذا: ثم لم تبرحوا ريثا، و قال بعضهم: هذا و لم تریثوا «٣» إلَّا ريث. و فى رواية ابن أبى طاهر: ثم لم تریثوا .. «٤» أختها، و على التقديرين ضمير المؤنث راجع إلى فتنة وفاة الرسول صلى الله عليه و آله. و حت الورق من الغصن: «٥» نثرها .. أى لم تصبروا إلى ذهاب أثر تلك المصيبة. و نفرت «٦» الدابة- بالفتح-: ذهابها «٧» و عدم انقيادها. و السِّلْسُ- بكسر اللام-: السهل اللين المنقاد، ذكره الفيروز آبادى. «٨» و فى مصباح اللغة: «٩» سَيْلَسٌ سَيْلَسًا من باب تعب: سهل و لان. و الْقِيَادُ- بالكسر-: ما يقاد به الدابة من حبل «١٠» و غيره. و فى الصحاح: «١١» وَرَى الرَّئِدُ يَرَى وَرِيًّا: إذا خرجت ناره، و فيه لغة أخرى: وَرَى الرَّئِدُ زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۵ يَرَى- بالكسر- فيهما و أَوْرِيْتُهُ أنا و كذلك وَرِيْتُهُ توريه و فلاذن يستورى زناد الضلالة. و وَقْدَةُ النَّارِ- بالفتح-: وقودها، «١» و وقدها: لهبها، «٢» الجمرة: الْمُتَوَقَّد من الحطب، «٣» فإذا برد فهو فحم، و الْجَمْرُ- بدون التاء- جمعها [كذا]. و الْهَتَافُ- بالكسر [بالضم- الصِّيَاح، و هَتَفَ بِهِ .. أى دعاه، «٤» و إهماد النار إطفائها «٥» بالكسبة. و الحاصل، أنكم إنما صبرتم حتى استقرت الخلافة المغصوبة عليكم، ثم شرعتم فى تهيج الشرور و الفتن و اتباع الشيطان، و إبداع البدع، و تغيير السنن. تُسَيِّرُونَ حَشَوًّا فى ارتغاء، و تمشون لأهله و ولده فى الخمر و الضراء، و نصبر منكم على مثل حظ المدى، و وخز السنن فى الحشا .. الإسرار ضد الإعلان. «٦» و الْحَسُو- بفتح الحاء و سكون السين المهملتين-: شرب المرق و غيره شيئا بعد شيء. «٧»

و الارتغاء: شرب الرغوة، و هو زبد اللبن، قال الجوهري: «۸» الرغوة- مثله... زبد اللبن .. و ارتغيت شربت الرغوة. و في المثل- يسر حسوا في ارتغاء يضرب لمن يظهر أمرا و يريد غيره، قال الشعبي- لمن سأله عن رجل قبل أم امرأته قال: «۹» يسر حسوا في ارتغاء، و قد حرمت عليه امرأته. و قال الميداني: قال أبو زيد و الأصمعي: أصله الرجل يؤتى باللبن فيظهر أنه يريد الرغوة خاصة و لا يريد غيرها فيشربها و هو في ذلك ينال من اللبن، زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۶ يضرب لمن يريك أنه يعينك و إنما يجزّ التفع إلى نفسه. «۱» و الخمر- بالتحريك-: ما وراك من شجر و غيره، يقال توارى الصيّد عني في خمر الوادي، و منه قولهم دخل فلان في خمار الناس- بالضم- أي ما يواريه و يستره منهم. «۲» و الضراء- بالضاد المعجمة المفتوحة و الزاء المخففة-: الشجر الملتف في الوادي، و يقال لمن ختل صاحبه و خادعه: يدب له الضراء و يمشي له الخمر «۳»، و قال الميداني: قال ابن الأعرابي: الضراء ما انخفض من الأرض. «۴» و الخز- بفتح الحاء المهملة-: القطع، أو قطع الشيء من غير إبانة «۵» و المدي- بالضم-: جمع مديّة و هي السكين و الشفرة، «۶» و الوخز: الطعن بالرمح و نحوه لا يكون نافذا، يقال و خزه بالخنجر. «۷» و في رواية ابن أبي طاهر: و بها معشر المهاجرة! ابتز إرث أبيه؟ .. قال الجوهري: «۸» إذا أغريته بالشيء قلت و بها يا فلان و هو تحريض، انتهى. «۹» و لعل الأنسب هنا التعجب. و الهاء في (أبيه) في الموضعين. و إرثيه- بكسر الهمزة- بمعنى الميراث «۱۰» للسكت، كما في سورة الحاقة: «كِتَابِيَّة» و «حِسَابِيَّة» و «مَالِيَّة» و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۷ «سُلْطَانِيَّة»، «۱» تثبت في الوقف و تسقط في الوصل، و قرئ بإثباتها في الوصل أيضا. و في الكشف: ثُمَّ أَنْتُمْ أَوْلَا تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لِيْهِ ... «۲» فهو أيضا كذلك. كالشمس الضاحية .. أي الظاهرة البينة، يقال: فعلت ذلك الأمر ضاحية .. أي علانية. «۳» شَيْئًا فَرِيًّا .. أي أمرا عظيما «۴» بديعا، و قيل: أي أمرا منكرا قبيحا، و هو مأخوذ من الافتراء بمعنى الكذب. «۵» و اعلم: أنه قد وردت الروايات المتضاربة- كما ستعرف- في أنها عليها السلام ادّعت أن فدا كانت نحلة لها من رسول الله صلى الله عليه و آله، فلعلّ عدم تعرّضها صلوات الله عليها في هذه الخطبة لتلك الدعوى ليأسها عن قبولهم إيّاها، إذ كانت الخطبة بعد ما ردّ أبو بكر شهادة أمير المؤمنين عليه السلام و من شهد معه، و قد كانت «۶» المنافقون الحاضرون معتقدين لصدقه، فتمسّكت بحديث الميراث لكونه من ضروريات الدين. و زَعَمْتُمْ أَنْ لَا حُظُوَّةَ لِيْ .. الحظوة- بكسر الحاء و ضمّها و سكون الظاء المعجمة-: المكانة و المنزل، «۷» و يقال: حظيت المرأة عند زوجها إذا دنت من قلبه. «۸» و - في الكشف: فَزَعَمْتُمْ أَنْ لَا حِظَّ لِيْ وَ لَا إِرْثَ لِيْ مِنْ أَبِييْ، أَفَحَكَمَ اللَّهُ بِأَيِّهِ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟! أَمْ تَقُولُونَ أَهْلُ مِلَّتَيْنِ لَمَّا يَتَوَارَتَانِ؟! أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي؟! أَفَحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةُ ... «۹» الآية. إِيَّهَا مَعَاشِرَ الْمُسْلِمَةِ، أَتُبْتَزُّ إِرْثِيهِ! اللَّهُ أَنْ تَرْتَأْبَاكَ وَ لَا أَرْتَأِيَّهَ زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۸ لَقَدْ جِئْتُ شَيْئًا فَرِيًّا. «۱» فدونها مخطومة مرحولة .. الضمير راجع إلى فداك المدلول عليها بالمقام، و الأمر بأخذها للتهديد. و الخِطَامُ- بالكسر- كلّ ما يوضع «۲» في أنف البعير ليقاد به. «۳» و الرحل- بالفتح- للناقة كالسرج للفرس، و رحل البعير- كمنع- شدّ على ظهره الرحل. «۴» شبهتها عليها السلام في كونها مسلمة لا يعارضه في أخذها أحد بالناقة المتقادة المهيأة للركوب. و الزعيم محمد- «۵» في بعض الروايات- و الغريم .. أي طالب الحق. «۶» و عند الساعة ما تخسرون .. «۷» كلمة (ما) مصدرية .. أي في القيامة يظهر خسرانكم. و: لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّشْتَقَرٌّ ... «۸» أي لكلّ خبر، «۹»- يريد نبأ «۱۰» العذاب أو الإيعاد به- وقت استقرار و وقوع. و سوف تعلمون- عند وقوعه- من يأتيه عذاب يخزيه .. الاقتباس من موضعين: أحدهما: سورة الأنعام، و الآخر: في سورة هود في قصة نوح عليه السلام حيث قال: إِنَّ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحْلُلْ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ، «۱۱» فالعذاب الذي يخزيهم الغرق، و العذاب المقيم عذاب النار. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۴۹ ثم رمت بطرفها .. الطرف- بالفتح- مصدر طرفت عين فلان: إذا نظرت و هو أن ينظر ثم يغمض، و الطرف- أيضا- العين. «۲» و المعشر: الجماعة. «۳» و الفتية- بالكسر-: جمع فتى و هو الشاب و الكريم السخي. «۴» و في المناقب: يا معشر البقية، و أعضاء الملة، و حصنة الإسلام .. و في الكشف: يا معشر البقية، و يا عماد الملة، و حصنة الإسلام. و الأعضاء: جمع عضد- بالفتح- الأعوان، يقال: عضدته كنصرته لفظا و معنى. «۵» ما هذه الغمزة في حقّي و السنة عن ظلامتي .. قال

الجوهري: ليس في فلان غمزة أي مطعن، و نحوه ذكر الفيروزآبادي، «٦» و هو لا- يناسب المقام إلّا بتكلف. و قال الجوهري: «٧» رجل غمز أي ضعيف. و قال الخليل في كتاب العين: «٨» الغمزة- بفتح الغين المعجمة و الزاى ضعفة في العمل و جهلة في العقل و يقال: «٩» سمعت كلمة فاعتمزتها في عقله أي علمت أنه أحق. و هذا المعنى أنسب. و في الكشف: ما هذه الفترة- بالفاء المفتوحة و سكون التاء- و هو السكون، «١٠» و هو أيضا مناسب. و في رواية ابن أبي طاهر بالراء المهملة، و لعله من قولهم غمر على أخيه .. أي حقد و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ٧٥٠ ضغن، أو من قولهم: غمر عليه .. أي أغمر عليه، أو من الغمر بمعنى الستر، «١» و لعله كان بالضاد المعجمة فصحف، فإن استعمال إغماض العين- في مثل هذا المقام- شائع. و السينة- بالكسر- مصدر و سن يوسن- كعلم يعلم- و سنا و سنه، و السنة: أول النوم أو النوم الخفيف، و الهاء عوض عن الواو. «٢» و الظلامة- بالضم- كالمظلمة- بالكسر- ما أخذه الظالم منك فتطلبه عنده، «٣» و الغرض تهيج الأنصار لنصرتها أو توبيخهم على عدمها. - و في الكشف- بعد ذلك:- أ ما كان لرسول الله صلى الله عليه و آله أن يحفظ ...؟! سرعان ما أحدثتم و عجلان ذا إهالة .. سرعان- مثلثة السين- و عجلان- بفتح العين كلاهما من أسماء الأفعال بمعنى سرعت و عجل، و فيهما معنى التعجب أي ما أسرع و أعجل. «٤» و في رواية ابن أبي طاهر: سرعان ما أجديتم فأكدبتم، يقال: أجذب القوم أي أصابهم الجذب، «٥» و أكدى الرجل إذا قلّ خيرُه «٦» و الإهالة- بكسر الهمزة الودك «٧» و هو دسم اللحم، «٨» و قال الفيروزآبادي: «٩» قولهم «١٠» سرعان ذا إهالة أصله أن رجلا كانت له نعمة عجيبة و كانت، «١١» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ٧٥١ رعامها يسيل من منخريها لهزالها، فقيل له: ما هذا الذي يسيل؟ «١» فقال: ودكها، فقال السائل: سرعان ذا إهالة، «٢» و نصب إهالة على الحال، و ذا إشارة إلى الرعام، «٣» أو تمييز على تقدير نقل الفعل، كقولهم تصبب زيد عرقا، و التقدير سرعان إهالة هذه، و هو مثل «٤» يضرب لمن يخبر بكيونة الشيء قبل وقته، انتهى. و الرعام- بالضم- ما يسيل من أنف الشاة و الخيل، «٥» و لعل المثل كان بلفظ عجلان فاشتبه على الفيروزآبادي أو غيره، أو كان كل منهما مستعملا في هذا المثل، و غرضها صلوات الله عليها التعجب من تعجيل الأنصار و مبادرتهم إلى إحداث البدع و ترك السنن و الأحكام، و التخاذل عن نصره عترة سيد الأنام مع قرب عهدهم به، و عدم نسيانهم ما أوصاهم به فيهم، و قدرتهم على نصرتها و أخذ حقها ممن ظلمها، و لا يبعد أن يكون المثل إخبارا مجملا بما يترتب على هذه البدعة من المفاسد الدينية و ذهاب الآثار النبوية. فخطب جليل استوسع وهيه، و استنهر فتقه، و انفتق رتقه، و اظلمت الأرض لغيبته، و كسفت النجوم لمصيبته .. الخطب- بالفتح:- الشأن و الأمر عظم أو صغر. «٦» و الوهي- كالزمي:- الشق و الخرق، «٧» يقال: و هي التوب إذا بلى و تخرق. «٨» و استوسع و استنهر- استفعل- من التهر- بالتحريك- بمعنى السعة «٩» أي اتسع «١٠» و الفتق: الشق «١١» و الرتق ضده، «١» و انفتق .. أي انشق، و الضمائر المجزورات زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ٧٥٢ الثلاثة راجعة إلى الخطب بخلاف المجزورين بعدها فإنهما راجعان إلى النبي صلى الله عليه و آله. و كسفت النجوم: ذهاب نورها، «١» و الفعل منه يكون متعديا و لازما، و الفعل كضرب. و في رواية ابن أبي طاهر مكان الفقرة الأخيرة: و اكتأبت خيرة الله لمصيبته .. و الاكتئاب- افتعال- من الكأبة بمعنى الحزن. «٢» و في الكشف: و استنهر فتقه، و فقد راتقه، و اظلمت الأرض و اكتأبت لخيرة الله .. إلى قولها: و أدلت الحرمه- من الإدالة بمعنى الغلبة- «٣» و أكدت الآمال، و خشعت الجبال، و أضيع الحريم، و أزيلت الحرمه عند مماته .. يقال: أكدى فلان أي بخل أو قلّ خيرُه، «٤» و حريم الرجل ما يحميهِ و يقاتل عنه، و الحرمه ما لا يحل انتهاكه، «٥» و في بعض النسخ: الرحمه مكان الحرمه. فتلك- و الله- النازلة الكبرى و المصيبة العظمى، لا مثلها نازلة و لا باقية عاجلة، أعلن بها كتاب الله جل ثناؤه في أفئتيكم و في ممساكم و مصبحكم هتافا و صراخا و تلاوة و ألحانا .. النازلة: الشديدة. «٦» و الباقية: الداهية. «٧» و فناء الدار- ككساء:- العرصة المتسعة أمامها. «٨» و المُمسى و المُصْبَح- بضم الميم فيهما- مصدران و موضعان من الإصباح و الإمساء. و الهتاف- بالكسر:- الصياح. «٩» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ٧٥٣ و الصراخ كغراب: الصوت أو الشديد منه. «١» و التلاوة- بالكسر- القراءة. «٢» و الإلحان: الإفهام، يقال: ألحنه القول .. أي أفهمه إيّاه، «٣» و يحتمل أن يكون من اللحن بمعنى الغناء و الطرب، قال الجوهري: «٤» اللحن واحد الألحان و

اللَّحُونِ، وَ مِنْهُ الْحَدِيثُ: (اقْرَءُوا الْقُرْآنَ بِلُحُونِ الْعَرَبِ). وَ قَدْ لَحِنَ فِي قِرَاءَتِهِ إِذَا طَرَبَ بِهَا وَ غَرَّدَ، وَ هُوَ الْحَنُّ النَّاسُ إِذَا كَانَ أَحْسَنَهُمْ قِرَاءَةً أَوْ غَنَاءً، انْتَهَى. وَ يُمْكِنُ أَنْ يَقْرَأَ عَلَى هَذَا بَصِيعَةُ الْجَمْعِ أَيْضًا، وَ الْأَوَّلُ أَظْهَرَ. وَ فِي الْكَشْفِ: فَتِلْكَ نَازِلُهُ أَعْلَنَ بِهَا كِتَابَ اللَّهِ فِي قِبَلَتِكُمْ، مِمَّا كُمْ وَ مَصْبَحَكُمْ، هَتَافًا هَتَافًا، وَ لِقَبْلِهِ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رَسَلِهِ .. حَكَمَ فَصْلَ وَ قَضَاءَ حَتْمَ وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ إِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ .. «۵» الْحَكَمُ الْفَصْلُ: هُوَ الْمَقْطُوعُ بِهِ الَّذِي لَا رَيْبَ فِيهِ وَ لَا مَرَدَّ لَهُ، وَ قَدْ يَكُونُ بِمَعْنَى الْقَاطِعِ الْفَارِقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ. «۶» وَ الْحَتْمُ - فِي الْأَصْلِ -: إِحْكَامُ الْأُمُورِ «۷». وَ الْقَضَاءُ الْحَتْمُ: هُوَ الَّذِي لَا يَتَطَرَّقُ إِلَيْهِ التَّغْيِيرُ. وَ خَلَتْ .. أَيُّ مُضَتْ. «۸» وَ الْإِنْقِلَابُ عَلَى الْعَقَبِ: الرَّجُوعُ الْقَهْقَرِيُّ، أَرِيدَ بِهِ الْإِرْتِدَادُ بَعْدَ الْإِيمَانِ، وَ الشَّاكِرُونَ الْمُطِيعُونَ الْمُعْتَرِفُونَ بِالنِّعَمِ الْحَامِدُونَ عَلَيْهَا. «۹» قَالَ بَعْضُ الْأَمْثَلِ: وَ أَعْلَمُ أَنَّ الشَّبْهَةَ الْعَارِضَةَ لِلْمَخَاطِبِينَ بِمَوْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِمَّا عَدَمَ تَحْتَمُّ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (رُوحَانِي)، ص: ۷۵۴ الْعَمَلُ بِأَوَامِرِهِ وَ حِفْظُ حَرَمَتِهِ فِي أَهْلِهِ لَغِيْبَتِهِ، فَإِنَّ الْعُقُولَ الضَّعِيفَةَ مُجْبُولَةً عَلَى رَعَايَةِ الْحَاضِرِ أَكْثَرَ مِنَ الْغَائِبِ، وَ أَنَّهُ إِذَا غَابَ عَنْ أَبْصَارِهِمْ ذَهَبَ كَلَامُهُ عَنْ أَسْمَاعِهِمْ، وَ وَصَايَاهُ عَنْ قُلُوبِهِمْ، فَدَفَعَهَا مَا أَشَارَتْ إِلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا مِنْ إِعْلَانِ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ إِخْبَارِهِ بِوُقُوعِ تِلْكَ الْوَاقِعَةِ الْهَائِلَةِ قَبْلَ وَقُوعِهَا، وَ إِنَّ الْمَوْتَ مِمَّا قَدْ نَزَلَ بِالْمَاضِينَ مِنْ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رَسَلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تَثْبِيْتُ لِلْأُمَّةِ عَلَى الْإِيمَانِ، وَ إِزَالَةُ لَتِلْكَ الْخَصْلَةِ الذَّمِيمَةِ عَنْ نَفُوسِهِمْ. وَ يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ مَعْنَى الْكَلَامِ أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ لَيْسَ لَنَا زَاجِرٌ وَلَا مَانِعٌ عَدِمًا نَرِيدُ، وَلَا نَخَافُ أَحَدًا فِي تَرْكِ الْإِنْقِيَادِ لِلْأَوَامِرِ وَ عَدَمِ الْإِنْجَارِ عَنِ النَّوَهِى، وَ يَكُونُ الْجَوَابُ مَا يَسْتَفَادُ مِنْ حِكَايَةِ قَوْلِهِ سُبْحَانَهُ: إِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ ... «۱۰» الْآيَةُ، لَكِنْ لَا يَكُونُ حِينَئِذٍ لِحَدِيثِ إِعْلَانِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ إِخْبَارِهِ بِمَوْتِ الرَّسُولِ مَدْخُلٌ فِي الْجَوَابِ إِلَّا بِتَكْلُفٍ. وَ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ شَبْهَتُهُمْ عَدَمَ تَجْوِيزِهِمُ الْمَوْتَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَمَا أَفْصَحَ عَنْهُ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ - وَ سَيَأْتِي فِي مَطَاعَنِهِ - فَبَعْدَ تَحَقُّقِ مَوْتِهِ عَرِضَ لَهُمْ شَكٌّ فِي الْإِيمَانِ وَ وَهْنٌ فِي الْأَعْمَالِ، فَلِذَلِكَ خَذَلُوهَا وَ قَعَدُوا عَنْ نَصْرَتِهَا، وَ حِينَئِذٍ مَدْخِلِيَّةُ حَدِيثِ الْإِعْلَانِ وَ مَا بَعْدَهُ فِي الْجَوَابِ وَاضِحٌ. وَ عَلَى التَّقَادِيرِ لَا يَكُونُ قَوْلُهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا: فَخُطْبُ جَلِيلٍ .. دَاخِلًا - فِي الْجَوَابِ، وَ لَا - مَقُولًا - لِقَوْلِ الْمَخَاطِبِينَ عَلَى الْإِسْتِفْهَامِ التَّوْبِيخِي، بَلْ هُوَ كَلَامٌ مُسْتَأْنَفٌ لِبَثِّ الْحُزَنِ وَ الشُّكُوى، بَلْ يَكُونُ الْجَوَابُ بِمَا بَعْدَ قَوْلِهَا: فَتِلْكَ وَ اللَّهُ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى .. وَ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ مَقُولًا لِقَوْلِهِمْ، فَيَكُونُ حَاصِلُ شَبْهَتِهِمْ أَنَّ مَوْتَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الَّذِي هُوَ أَعْظَمُ الدَّوَاهِي قَدْ وَقَعَ، فَلَا يَبَالِي بِمَا وَقَعَ بَعْدَهُ مِنَ الْمُحْظُورَاتِ، فَلِذَلِكَ لَمْ يَنْهَضُوا بِنَصْرِهَا وَ الْإِنْصَافِ مِمَّنْ ظَلَمَهَا، وَ لَمَّا تَضَمَّنَ مَا زَعَمُوهُ كَوْنُ مَمَاتِهِ (ص) أَعْظَمَ الْمَصَائِبِ سَلَّمَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَوَّلًا فِي مَقَامِ جَوَابِ «۲» تِلْكَ الْمَقْدَمَةِ، لَكُونِهَا مُحَضُّ الْحَقِّ، ثُمَّ نَبَّهَتْ عَلَى خَطْئِهِمْ فِي أَنَّهَا مُسْتَلْزِمَةٌ لِقَلَّةِ الْمَبَالَاةِ بِمَا وَقَعَ، وَ الْقَعُودِ عَنْ نَصْرَةِ الْحَقِّ، وَ عَدَمِ اتِّبَاعِ أَوَامِرِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِقَوْلِهَا: أَعْلَنَ بِهَا كِتَابَ اللَّهِ .. إِلَى آخِرِ الْكَلَامِ، فَيَكُونُ حَاصِلُ الْجَوَابِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْلَمَكُمْ بِهَا قَبْلَ الْوُقُوعِ، وَ أَخْبَرَكُمْ بِأَنَّهَا سَنَّةٌ مَاضِيَةٌ فِي السَّلَفِ مِنْ أَنْبِيَائِهِ، وَ حَذَّرَكُمْ الْإِنْقِلَابَ عَلَى أَعْقَابِكُمْ كَى لَا تَتْرَكُوا الْعَمَلَ بِلَوَازِمِ الْإِيمَانِ بَعْدَ وَقُوعِهَا، وَ لَا تَهْنُوا عَنْ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (رُوحَانِي)، ص: ۷۵۵ نَصْرَةِ الْحَقِّ وَ قَعَمِ الْبَاطِلِ، وَ فِي تَسْلِيمِهَا مَا سَلَّمَتْهُ أَوَّلًا دَلَالَةً عَلَى أَنَّ كَوْنَهَا أَعْظَمَ الْمَصَائِبِ مِمَّا يُؤِيدُ وَجُوبَ نَصْرَتِي، فَإِنِّي أَنَا الْمَصَابُ بِهَا حَقِيقَةٌ، وَ إِنْ شَارَكْنِي فِيهَا غَيْرِي، فَمَنْ نَزَلَتْ بِهِ تِلْكَ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى فَهُوَ بِالرَّعَايَةِ أَحَقُّ وَ أُخْرَى. وَ يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ قَوْلُهَا عَلَيْهَا السَّلَامُ: فَخُطْبُ جَلِيلٍ .. مِنْ أَجْزَاءِ الْجَوَابِ، فَتَكُونُ شَبْهَتُهُمْ بَعْضَ الْوُجُوهِ الْمَذْكُورَةِ، أَوْ الْمَرْكَبِ مِنْ بَعْضِهَا مَعَ بَعْضٍ، وَ حَاصِلُ الْجَوَابِ حِينَئِذٍ أَنَّهُ إِذَا نَزَلَ بِي مِثْلُ تِلْكَ النَّازِلَةِ الْكُبْرَى - وَ قَدْ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْبَرَكُمْ بِهَا وَ أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تَرْتَدُّوا بَعْدَهَا عَلَى أَعْقَابِكُمْ - فَكَانَ الْوَاجِبُ عَلَيْكُمْ دَفْعُ الضَّيْمِ عَنِّي وَ الْقِيَامُ بِنَصْرَتِي، وَ لَعَلَّ الْأَنْسَبَ بِهَذَا الْوُجُوهِ مَا فِي رِوَايَةِ ابْنِ أَبِي طَاهِرٍ مِنْ قَوْلِهَا: وَ تِلْكَ نَازِلَتُهُ أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ .. بِالْوَاوِ دُونَ الْفَاءِ، وَ يَحْتَمِلُ أَنْ لَا تَكُونَ الشَّبْهَةُ الْعَارِضَةُ لِلْمَخَاطِبِينَ مَقْصُورَةً عَلَى أَحَدِ الْوُجُوهِ الْمَذْكُورَةِ، بَلْ تَكُونَ الشَّبْهَةُ لِبَعْضِهِمْ بَعْضُهَا وَ لِلْآخِرِ «۱» أُخْرَى، وَ يَكُونُ كُلُّ مَقْدَمَةٍ مِنْ مَقْدَمَاتِ الْجَوَابِ إِشَارَةً إِلَى دَفْعِ وَاحِدَةٍ مِنْهَا. أَقُولُ: وَ يَحْتَمِلُ أَنْ لَا تَكُونَ هُنَاكَ شَبْهَةٌ حَقِيقَةٌ، بَلْ يَكُونُ الْغَرَضُ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُمْ فِي ارْتِكَابِ تِلْكَ الْأُمُورِ الشَّنِيعَةِ حِجَّةٌ وَ مَتَمَسِّكٌ، إِلَّا أَنْ يَتَمَسَّكَ أَحَدٌ بِأَمْثَالِ تِلْكَ الْأُمُورِ الْبَاطِلَةِ الْوَاهِيَةِ الَّتِي لَا يَخْفَى عَلَى أَحَدٍ بَطْلَانَهَا، وَ هَذَا شَائِعٌ فِي الْإِحْتِجَاجِ.

إيها بنی قیلة! أأهضم تراث أبی و أنتم بمرأی منی و مسمع، و مبتدأ و مجمع، تلبسکم الدعوة، و تشملکم الخبرة .. أيها- بفتح الهمزة و التنوين- بمعنى هيهات. «۲» و بنو قیلة: الأوس و الخزرج- قبيلتا الأنصار،- و قیلة- بالفتح- اسم أم لهم قديمة: و هی قیلة بنت كاهل. «۳» و الهضم: الكسر، يقال: هضمت الشيء .. أي كسرتة، و هضمه حقّه و اهتضمه إذا ظلمه و كسر عليه حقّه. «۴» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۵۶ و التراث- بالضم- الميراث، و أصل التاء فيه واو. «۱» و أنتم بمرأی منی و مسمع .. أي بحيث أراكم و أسمعكم «۲» كلامكم [كذا]. و فی رواية ابن أبي طاهر: منه- أي من الرسول صلى الله عليه و آله،- و المبتدأ فی أكثر النسخ بالباء الموحدة مهموزا، فلعلّ المعنى أنكم فی مكان يتبدأ منه الأمور و الأحكام، و الأظهر أنه تصحيف الممتدى- بالنون غير مهموزة- بمعنى المجلس، «۳» و كذا فی المناقب القديم، فيكون المجمع كالتفسير له، و الغرض الاحتجاج عليهم بالاجتماع «۴» الذي هو من أسباب القدرة على دفع الظلم، و اللفظان غير موجودين فی «۵» رواية ابن أبي طاهر. و تلبسكم- على بناء المجرد- أي تغطيتكم و تحيط بكم. و الدّعوة: المرة من الدعاء أي التّداء «۶» كالخبرة- بالفتح- من الخبر- بالضم بمعنى العلم، «۷» أو الخبرة- بالكسر- بمعناه، و المراد بالدعوة: نداء المظلوم للنصرة، و بالخبرة علمهم بمظلوميّتها صلوات الله عليها، و التعبير بالإحاطة و الشمول للمبالغة، أو للتصريح بأنّ ذلك قد عمّم جميعا، و ليس من قبيل الحكم على الجماعة بحكم البعض أو الأكثر. و فی رواية ابن أبي طاهر: الحيرة- بالحاء المهملة- و لعلّه تصحيف، و لا يخفى توجيهه. و أنتم موصوفون بالكفاح، معروفون بالخير و الصلاح و النجبة «۹» التي انتجت، و الخيرة التي اختيرت .. الكفاح: استقبال العدو فی الحرب بلا ترس و لا جنّة، و يقال: «۱۰» فلان يكافح زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۵۷ الأمور .. أي يباشرها بنفسه. «۱» و النّجبة- كهَمْزَة- النّجيب الكريم، «۲» و قيل: يحتمل أن يكون بفتح الخاء المعجمة أو سكونها بمعنى المنتخب المختار، «۳» و يظهر من ابن الأثير أنّها بالسّكون تكون جمعا. «۴» و الخيرة- كعنبه: المفضل من القوم المختار منهم. «۵» قاتلتكم العرب- فی المناقب: لنا أهل البيت قاتلتكم- و ناطحتكم الأمم، و كافحتكم البهيم، فلا نبرح أو تبرحون نأمركم فتأتمرون .. ناطحتكم الأمم .. أي حاربتم الخصوم و دافعتوهم بجدّ و اهتمام كما يدافع الكبش قرنه بقرنه. «۶» و البهيم: الشّجعان- «۷» كما مرّ-. «۸» و مكافحتكما: التعرّض لدفعها من غير توان و ضعف. و قولها عليها السلام: أو تبرحون .. معطوف على مدخول النفي، فالمنفي أحد الأمرين، و لا- ينتفى إلّا بانتفائهما معا، فالمعنى لا نبرح و لا تبرحون نأمركم فتأتمرون .. أي كنّا لم نزل أمرين و كنتم مطيعين لنا في أوامرنا. و فی كشف الغمّة: و تبرحون- بالواو- فالعطف على مدخول النفي أيضا و يرجع إلى ما مرّ، و عطفه على النفي- إشعارا بأنّه قد كان يقع منهم براح عن الإطاعة كما فی غزوة أحد و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۵۸ غيرها، بخلاف أهل البيت عليهم السلام إذ لم يعرض لهم كلال عن الدعوة و الهداية- بعيد عن المقام، و الأظهر ما فی رواية ابن أبي طاهر من ترك المعطوف رأسا. لا- نبرح نأمركم .. أي لم يزل عادتنا الأمر و عادتكُم الائتمار. و فی المناقب: لا- نبرح و لا- تبرحون نأمركم .. فيحتمل أن يكون أو فی تلك النسخة أيضا بمعنى الواو .. أي لا نزال نأمركم و لا تزالون تأتمرون، و لعلّ ما فی المناقب أظهر النسخ و أصوبها. حتى إذا دارت بنا رحي الإسلام، و درّ حلب الأيام، و خضعت نعة الشرك، و سكنت فورة الإفك، و خمدت نيران الكفر، و هدأت دعوة الهرج، و استوثق نظام الدين .. دوران الرحي كناية عن انتظام أمرها، و الباء للسببية. و درّ اللبن: جريانه و كثرته. «۱» و الحل- بالفتح- استخراج ما فی الضّرع من اللبن، و بالتحريك اللبن المحلوب، «۲» و الثاني أظهر للزوم ارتكاب تجوّز فی الإسناد و فی المسند إليه على الأول. و النّعة- بالنون و العين و الراء المهملتين- مثال همزة: الخيشوم و الخيلاء و الكبير «۳» أو بفتح النون من قولهم: نعر العرق بالدم .. أي فار، «۴» فيكون الخضوع بمعنى السكون، أو بالغين المعجمة من نغرت القدر .. أي فارت. «۵» و قال الجوهري: نغر الرّجل- بالكسر- أي اغتاض، قال الأصمعي: هو الذي يغلى جوفه من الغيظ. و قال «۶» ابن السّكيت: يقال: ظلّ فلان يتنّغر على فلان .. أي يتذمر عليه، «۷» و فی أكثر النسخ بالتاء المثلثة المضمومة و الغين المعجمة، و هي نغرة النحر بين الترقوتين، «۸» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۵۹ فخضوع نغرة الشرك كناية عن محقه و سقوطه كالحيوان الساقط على الأرض، نظيره - قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَنَا وَصَّيْتُ، كُلَّكَ

الْعَرَبِ - أى صدورهم. «۱» و الإفك - بالكسر - الكذب، «۲» و فورة الإفك غليانه و هيجانه. «۳» و خمدت النار .. أى سكن لهبها و لم يطفأ جمرها، «۴»، و فيه إشعار بنفاق بعضهم و بقاء مادة الكفر فى قلوبهم. و فى رواية ابن أبى طاهر: و باخت نيران الحرب .. قال الجوهري: باخ الحَرْ و النار و الغضب و الحمى .. أى سكن و فتر، «۵» و هدأت أى سكنت. «۶» و الهرج: الفتنة و الاختلاط، «۷» و فى الحديث: الهرج: القتل. «۸» و استوسق .. أى اجتمع و انضم من الوسق - بالفتح - و هو ضمّ الشئ إلى الشئ، و اتساق الشئ: انتظامه. «۹» و فى الكشف: فناوitem العرب و بادهتم الأمور .. إلى قولها عليها السلام: حتى دارت لكم بنا رحى الإسلام، و درّ حلب البلاد، و خبت نيران الحرب .. يقال: بدهه بأمر .. أى استقبله به، و بادهه: فاجأه. «۱۰» فأنى حرتم بعد البيان، و أسررتهم بعد الإعلان، و نكصتم بعد الإقدام و أشركتم بعد الإيمان .. كلمة: أنى، ظرف مكان بمعنى أين، و قد يكون بمعنى كيف «۱۱» أى من أين حرتم، و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۶۰ ما كان منشؤه. و جرتم: إما - بالجيم - من الجور و هو الميل عن القصد «۱» و العدول عن الطريق، «۲» أى لما ذا تركتم سبيل الحق بعد ما تبين لكم؟، أو بالحاء المهملة المضمومة من الحور بمعنى الرجوع أو التقصان، «۳» بعد الزيادة، «۴» و أما بكسرها من الحيرة. و النكوص: الرجوع إلى خلف. «۵» أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ يَدْعُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَوْ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. «۶» نكث العهد - بالفتح نقضه. «۷» و الأيمان - جمع اليمين - و هو القسم. «۸» و المشهور بين المفسرين أن الآية نزلت فى اليهود الذين نقضوا عهودهم و خرجوا مع الأحزاب و هموا بإخراج الرسول من المدينة، و بدءوا بنقض العهد و القتال. و قيل: «۹» نزلت فى مشركى قريش و أهل مكّة حيث نقضوا أيمانهم التى عقدوها مع الرسول و المؤمنين على أن لا يعاونوا عليهم أعداءهم، فعاونوا بنى بكر على خزاعة، و قصدوا إخراج الرسول صلى الله عليه و آله من مكّة حين تشاوروا بدار الندوة، و أتاهاهم إبليس بصورة شيخ نجدى .. إلى آخر ما مرّ من القصة، «۱۰» فهم بدءوا بالمعاداة و المقاتلة فى هذا الوقت، أو يوم بدر، أو بنقض العهد، و المراد بالقوم الذين نكثوا أيمانهم فى كلامها صلوات الله عليها، أما الذين نزلت فيهم الآية فالغرض بيان وجوب قتال الغاصبين للإمامة و لحقها، الناكثين لما عهد إليهم زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۶۱ الرسول صلى الله عليه و آله فى وصيته عليه السلام و ذوى قريبه و أهل بيته، كما وجب بأمره سبحانه قتال من نزلت الآية فيهم، أو المراد بهم الغاصبون لحق أهل البيت عليهم السلام، فالمراد بنكثهم أيمانهم: نقض ما عهدوا إلى الرسول صلى الله عليه و آله حين بايعوه من الانقياد له فى أوامره و الانتهاء عند نواهيهِ و أن لا يضمروا له العداوة، فنقضوه و ناقضوا ما أمرهم به، و المراد بقصدهم إخراج الرسول صلى الله عليه و آله عزمهم على إخراج من هو كنفس الرسول صلى الله عليه و آله و قائم مقامه بأمر الله و أمره عن مقام الخلافة و على إبطال أوامره و وصاياه فى أهل بيته النازل منزلة إخراجهِ من مستقرّه، و حينئذ يكون من قبيل الاقتباس. و فى بعض الروايات: لقوم نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ يَدْعُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَوْ تَخْشَوْنَهُمْ .. «۱» فقلوه: لقوم متعلق بقوله: تخشونهم. ألا قد أرى أن قد أخذتم إلى الخفض، و أبعدتم من هو أحقّ بالسط و القبض و خلوتم بالدعة، و نجوتم من الضيق بالسعة، فمجبتم ما وعيتم، و دسعتم الذى تسوغتم ف إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ .. «۲» الرؤية هنا بمعنى العلم أو النظر بالعين. «۳» و أخلد إليه: ركن و مال. «۴» و الخفض - بالفتح -: سعة العيش. «۵» و المراد بمن هو أحقّ بالسط و القبض أمير المؤمنين صلوات الله عليه، و صيغة التفضيل مثلها فى قوله تعالى: قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ. «۶» و خلوت بالشئ: انفردت به «۷» و اجتمعت معه فى خلوة. «۸» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۶۲ و الدعة: الراحة و السكون. «۱» و مَجَّ الشَّرَاب من فيه: رمى به. «۲» و وعيتم .. أى حفظتم. «۳» و الدسع - كالمنع - الدفع و القىء، «۴» و إخراج البعير جرّته إلى فيه. «۵» و ساغ الشَّرَاب يسوغ سوغا .. إذا سهل مدخله فى الحلق، «۶» و تسوّغه: شربه بسهولة. و صيغته تكفروا فى كلامها عليها السلام إما من الكفران و ترك الشكر - كما هو الظاهر من سياق الكلام المجيد حيث قال تعالى: إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ وَ قَالَ مُوسَى إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ، «۷» أو من الكفر بالمعنى الأخص، و التغيير فى المعنى لا ينافى الاقتباس، مع أن فى الآية أيضا يحتمل هذا المعنى، و المراد إن تكفروا أنتم و من فى الأرض جميعا من الثقلين فلا يضرّ ذلك إلّا

أنفسكم فإنه سبحانه غني عن شكركم و طاعتكم، مستحق للحمد في ذاته، أو محمود تحمده الملائكة بل جميع الموجودات بلسان الحال، و ضرر الكفران عائد إليكم حيث حرمتكم من فضله تعالى و مزيد إنعامه و إكرامه. و الحاصل، أنكم إنما تركتم الإمام بالحق و خلعتكم بيعته من رقابكم و رضيتم ببيعة أبي بكر لعلمكم بأن أمير المؤمنين عليه السلام لا يتهاون و لا يدهن في دين الله، و لا تأخذه في الله لومة لائم، و يأمركم بارتكاب الشدائد في الجهاد و غيره، و ترك ما تشتهون من زخارف الدنيا، و يقسم الفء بينكم بالسوية، و لا يفضل الرؤساء و الأمراء، و إن أبا بكر رجل سلس القياد، مداهن في الدين لإرضاء العباد، فلذا رفضتم الإيمان، و خرجتم عن طاعته سبحانه إلى طاعة الشيطان، و لا يعود وباله إلا إليكم. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۶۳ و في الكشف: ألا و قد أرى و الله أن قد أخلدتم إلى الخفض، و ركنتم إلى الدعة، فمجتهم الذي أوعيتهم، و لفظتم الذي سوغتم. و في رواية ابن أبي طاهر: فعجتكم عن الدين .. يقال: ركن إليه - بفتح الكاف و قد يكسر - أي مال إليه و سكن. و قال الجوهری: عجت بالمكان أعوج .. أي أقمت به و عجت غيري .. يتعدى و لا يتعدى، و عجت البعير .. عطفت رأسه بالزمام .. و العائج: الواقف .. و ذكر ابن الأعرابي: فلاذن ما يعوج من «۱» شيء: أي ما يرجع عنه. «۲» ألا - و قد قلت ما قلت على معرفته متى بالخذلة التي خامرتكم، و الغدرة التي استشعرتها قلوبكم، و لكنها فيضة النفس، و نفثة الغيظ، و خور القنا، و بثه الصدر، و تقدمه الحجة .. الخذلة: ترك النصير. «۳» و خامرتكم .. أي خالطتكم. «۴» و الغدر: ضد الوفاء. «۵» و استشعره: «۶» أي لبسه، و الشعار: الثوب الملاصق للبدن. «۷» و الفيض - في الأصل - كثرة الماء و سيلانه، يقال: فاض الخبر .. أي شاع، و فاض صدره بالسِرِّ .. أي باح به و أظهره، و يقال: فاضت نفسه .. أي خرجت روحه، «۸» و المراد به هنا إظهار المضمر في النفس لاستيلاء الهم و غلبة الحزن. و التفت بالفم شبيه بالنفخ، «۹» و قد يكون للمغتاط تنفس عال تسكيناً لحز القلب و إطفاء لاثرة الغضب. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۶۴ و الخور - بالفتح و التحريك -: الضعف. «۱» و القنا: جمع قنأ و هي الرُمح، «۲» و قيل كل عصا مستوية أو معوجة قنأ، «۳» و لعل المراد بخور القنا ضعف النفس عن الصبر على الشدة و كتمان الضر، أو ضعف ما يعتمد عليه في النصر على العدو، و الأول أنسب. و البث: النشر و الإظهار، «۴» و الهم الذي لا - يقدر صاحبه على كتمانها فيبثه .. أي يفترقه. «۵» و تقدمه الحجة: إعلام الرجل قبل وقت الحاجة قطعاً لاعتذاره بالغفلة. و الحاصل، أن استنصاري منكم، و تظلمي لديكم، و إقامة الحجة عليكم، لم يكن رجاء للعون و المظاهرة بل تسلياً للنفس، و تسكيناً للغضب، و إتماماً للحجة، لئلا تقولوا يوم القيامة: إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ. «۶» فدو نكموها فاحتقبوها دبرة الظهر، نقبة الخف، باقية العار، موسومة بغضب الله و شنار الأبد، موصولة ب نار الله الموقدة التي تطلع على الأفئدة، «۷» فبعين الله ما تفعلون و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون .. «۸» و الحقب - بالتحريك - جبل يشد به الرحل إلى بطن البعير، يقال: احقبت البعير .. أي شدته به، «۹» و كل ما شد في مؤخر رحل أو قتب فقد احتقب، و منه قيل: احتقب فلان الإثم كأنه جمعه و احتقبه من خلفه، «۱۰» فظهر أن الأنسب في هذا المقام أحقبوها - بصيغة الإفعال - أي شدوا عليها ذلك و هيئوها للركوب، لكن فيما وصل إلينا من الروايات على بناء الافتعال. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۶۵ و الدبر - بالتحريك - الجرح في ظهر البعير، و قيل: جرح الدابة مطلقاً. «۱» و النقب - بالتحريك -: رقة خف البعير. «۲» و العار الباقي: عيب لا يكون في معرض الزوال. و ستمته و سما و سمة: إذا أثرت فيه بسمه و كى. «۳» و الشنار: العيب و العار. «۴» و نار الله الموقدة .. المؤججة على الدوام. و الاطلاع على الأفئدة .. إشرافها على القلوب بحيث يبلغها ألمها كما يبلغ ظواهر البدن، و قيل معناه: أن هذه النار تخرج من الباطن إلى الظاهر بخلاف نيران الدنيا. و في الكشف: إِنَّمَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ - و الموصدة: المطبقة «۵». و بعين الله ما تفعلون .. أي متلبس بعلم الله أعمالكم، و يطلع عليها كما يعلم أحدكم ما يراه و يبصره، و قيل في قوله تعالى: تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا «۶» أن المعنى تجري بأعين أوليائنا من الملائكة و الحفظة. و المنقلب: المرجع و المنصرف، «۷» و أي منصوب على أنه صفة مصدر محذوف و العامل فيه ينقلبون، لأن ما قبل الاستفهام لا يعمل فيه، و إنما يعمل فيه ما بعده، و التقدير سيعلم الذين ظلموا ينقلبون انقلاباً أي انقلاباً؟ و أنا ابنه نذير لكم .. أي أنا ابنه من أنذركم بعذاب الله على ظلمكم، فقد تمت الحجة عليكم، و الأمر في اعملوا و انتظروا للتهديد. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)،

ص: ۷۶۶ و أما قول الملعون: و الرائد لا يكذب أهله .. فهو مثل «١» استشهد به في صدق الخبر الذي افتراه على النبي صلى الله عليه و آله، و الرائد: من يتقدم القوم يبصر لهم الكلا و مساقط الغيث، «٢» جعل نفسه- لاحتماله الخلافة التي هي الرئاسة العامة- بمنزلة الرائد للأمة الذي يجب عليه أن ينصحهم و يخبرهم بالصدق. و المجالدة: المضاربة بالسيف. «٣» و استبد فلان بالرأى .. أى انفرد به «٤» و استقل. و لا نزوى عنك .. أى لا- نقبض و لا نصرف. و لا نوضع من فرعك و أصلك .. أى لا نحط درجتك «٥» و لا ننكر فضل أصولك و أجدادك و فروعك و أولادك. و ترين- من الرأى- بمعنى الاعتقاد. «٦» و - قَوْلُهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَ لَمَّا لَأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلَّ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ وَ يَقْفُو سُورَهُ، أَفْتَجَمَعُونَ إِلَى الْغُدْرِ اغْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ!؟. الصّادف عن الشّئ: المعرض عنه. «٧» و الأثر- بالتحريك و بالكسر-: أثر القدم. «٨» و القفو: الاتّباع. «٩» و السُّور- بالضم- كلّ مرتفع عال، و منه سور المدينة، «١٠» و يكون جمع سورة، و هى زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۶۷ كلّ منزلة من البناء و منه سورة القرآن، لأنها منزلة بعد منزلة، و تجمع «١» على: سُور- بفتح الواو- «٢» و فى العبارة يحتملها، «٣» و الضمائر المجرورة تعود إلى الله تعالى أو إلى كتابه، و الثانى أظهر. و الاعتلال: إبداء العلّة و الاعتذار. «٤» و الزور: الكذب. «٥» و هذا بعد وفاته شبيه بما بغى له من الغوائل فى حياته .. البغى: الطّلب. «٦» و الغوائل: المهالك «٧» و الدّواهى، «٨» أشارت عليها السلام بذلك إلى ما دبروا- لعنهم الله- فى إهلاك النبى صلى الله عليه و آله و استئصال أهل بيته عليهم السلام فى العقبتين و غيرهما ممّا أوردناه فى هذا الكتاب متفرقا. «٩» هذا كتاب الله حكما عدلا، و ناطقا فصلا، يقول: يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنِّي آلِ يَعْقُوبَ «١٠» وَ وَرَثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ «١١» فَبَيْنَ عَزَّ وَ جَلَّ فيما وزع عليه من الأقساط، و شرع من الفرائض و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۶۸ الميراث، و أباح من حظّ الذكران و الإناث، ما أزاح علّة المبطلين، و أزال التظنى و الشبهات فى الغابرين، كَلِمَا بَلَّ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُشِيعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ. «١» أقول: سيأتى الكلام فى موارث الأنبياء فى باب المطاعن- إن شاء الله تعالى- و التوزيع: التقسيم. «٢» و القسط- بالكسر- الحصّة و التّصيب. «٣» و الإزاحة: الإذهاب و الإبعاد. «٤» و التّظنى: إعمال الظّن، و أصله: التّظنن. «٥» و الغابر: الباقي. «٦» و قد يطلق على الماضى. «٧» و التّسويل: تحسين ما ليس بحسن و تزيينه و تحبيبه إلى الإنسان ليفعله أو يقوله، «٨» و قيل: هو تقدير معنى فى النفس على الطمع فى تمامه. فَصَبْرٌ جَمِيلٌ .. أى فصبرى جميل، أو الصبر الجميل أولى من الجزع الذى لا- يغنى شيئا، و قيل: إنّما يكون الصبر جميلا- إذا قصد به وجه الله تعالى، و فعل للوجه الذى وجب، ذكره السيد المرتضى «٩» رضى الله عنه، و خطابك- فى قول أبى بكر- من المصدر المضاف إلى الفاعل و مراده بما تقلدوا ما أخذ «١٠» فدك أو الخلافة .. أى أخذت الخلافة بقول المسلمين و اتّفاقهم فلزمنى القيام بحدودها التى من جملتها أخذ فدك، للحديث المذكور. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۶۹ و المكابرة: المغالبة. «١» و الاستبداد: الاستئثار. «٢» و الانفراد بالشّئ. «٣» - قَوْلُهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا: مَعَاشِرَ النَّاسِ الْمُسْرِعَةِ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ «٤» الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا. «٥» كَلَّا بَلَّ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ، «٦» مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِثَ مَيَا تَأَوَّلْتُمْ، وَ سَاءَ بِهِ مَا أَسْرَرْتُمْ، وَ شَرَّ مَا مِنْهُ اغْتَضَتْكُمْ .. القيل: بمعنى القول و كذا القول. «٧» و قيل: القول فى الخير، و القيل و القال اسمان له. «٨» و الإغضاء: إدناء الجفون، «٩» و أغضى على الشّئ أى سكت «١٠» و رضى به، - وَ رَوَى عَنِ الصَّادِقِ وَ الْكَاطِمِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الْآيَةِ أَنَّ الْمَعْنَى أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ * «١١» فَيَقْضُوا بِمَا عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَقِّ. «١٢» وَ تَنْكِيْرُ الْقُلُوبِ لِإِرَادَةِ قُلُوبِ هَؤُلَاءِ وَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ مِنْ غَيْرِهِمْ. و الرّين: الطّبع، و التّغطية «١٣» و أصله: الغلبة. «١٤» و التّأوّل و التّأويل: التّصيير و الإرجاع و نقل الشّئ عن موضعه، و منه تأويل زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۰ الألفاظ .. أى نقل اللفظ عن الظاهر. «١» و الإشارة: الأمر بأحسن الوجوه فى أمر. «٢» و شَرَّ- كَفَرَّ- بمعنى ساء. «٣» و الاعتياض: أخذ العوض «٤» و الرضا به، و المعنى ساء ما أخذتم منه عوضا عمّا تركتم. لَتَجِدَنَّ وَ اللَّهِ مَحْمِلَهُ ثَقِيلًا، وَ غَبَّةً وَبِيلًا، إِذَا كَشِفَتْ لَكُمْ الْغَطَاءُ وَ يَانَ مَيَا وَرَاءَهُ الصُّرَاءُ، وَ يَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَيَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ .. الْمُحْمِلُ- كَمَجْلِسٍ- مصدر. و الغب- بالكسر-: العاقبة. «٥» و الويّال- فى الأصل-: الثقل و

المكروه، و يراد به في عرف الشَّرع: عذاب الآخرة، «٦» و العذاب الويل: الشديد. «٧» و الضَّراءُ - بالفتح و التَّخفيف -: الشَّجر الملتفّ - كما مرّ - «٨» يقال: توارى الصَّيْد مني في ضراء. «٩» و الوَرَاءُ: يكون بمعنى قدام كما يكون بمعنى خلف «١٠» و بالأول فُسِّر قوله تعالى: زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۱ وَ كَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَضْبًا «١» و يحتمل أن تكون الهاء «٢» زيدت من النساخ أو الهمزة، فيكون على الأخير بتشديد الراء من قولهم: وَرَى الشَّيْء توريه .. أي أخفاه، «٣» و على التقادير فالمعنى: و ظهر لكم ما ستره عنكم الضراء. و بدا لكم من ربكم ما لم تكونوا تحتسبون .. أي ظهر لكم «٤» من صنوف العذاب ما لم تكونوا تنتظرونه، و لا تظنونه واصلاً إليكم، و لم يكن في حسابكم. و المبطل: صاحب الباطل من أبطل الرّجل إذا أتى بالباطل. «٥» قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَ هَنْبَةٌ لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ يَكْبِرِ الْخَطْبُ. إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَ أَيْلَهَا وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدَهُمْ فَقَدْ نَكَبُوا «٦» في الكشف: ثم التفتت إلى قبر أبيها متمثلة بقول هند ابنة أئاثه .. ثم ذكر الأبيات. و قال في النهاية: الهمزة واحدة الهنابث و هي الأمور الشَّداد المختلفة، و الهنبة: الاختلاط في القول و التّون زائدة، «٧» و ذكر فيه: أَنَّ فَاطِمَةَ (ع) قالت بعد موت النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [و آله]: قد كان بعدك أبناء .. إلى آخر البيتين، «٨» إلّا أنّه قال: فاشهدهم و لا تغب. «٩» و الشَّهود: الحضور. «١٠» و الخطب - بالفتح -: الأمر الذي تقع فيه المخاطبة، و الشَّان و الحال. «١١» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۲ و الوابل: المطر الشديد. «١» و نكب فلان عن الطّريق كنصر - و فرح - «٢» أي .. عدل و مال. «٣» و كلّ أهل له قربي و منزله عند الإله على الأدين مقرب القربي - في الأصل - القرابة في الرّحم. «٤» و المنزلة: المرتبة «٥» و الدّرجة و لا تجمع. «٦» و الأدين: هم الأقربون، «٧» و اقترَب أي تقارب. «٨» و قال في مجمع البيان: «٩» في اقترَب زيادة مبالغة على قرب، كما أنّ في اقتدر زيادة مبالغة على قدر. و يمكن تصحيح تركيب البيت و تأويل معناه على وجوه: الأول: و هو الأظهر، أن جملة (له قربي) صفة لأهل، و التّونين في (منزلة) للتّعظيم، و الظرفان متعلقان بالمنزلة لما فيها من معنى الزيادة و الرجحان، و (مقرب) خبر لكل، أي ذو القرب الحقيقي، أو عند ذی الأهل، كلّ أهل كانت له مزیّة و زيادة على غيره من الأقربين عند الله تعالى. و الثاني: تعلّق الظرفين بقولها: (مقرب)، أي كلّ أهل له قرب و منزلة من ذی الأهل، فهو عند الله تعالى مقرب مفضل على سائر الأدين. و الثالث: تعلّق الظرف الأول ب (المنزلة) و الثاني (بالمقرب)، أي كلّ أهل اتّصف بالقربي بالرجل و بالمنزلة عند الله، فهو مفضل على من هو أبعد منه. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۳ و الرابع: أن يكون جملة: (له قربي) خبراً لكل، (و مقرب) خبراً ثانياً، و في الظرفين يجرى الاحتمالات السابقة، و المعنى أن كلّ أهل نبي من الأنبياء له قرب و منزلة عند الله، و مفضل على سائر الأقارب عند الأئمة. أبدت رجال لنا نجوى صدورهم لما مضيت و حالت دونك التّرب بدا الأمر بدوّ: ظهر، و أبداه أظهره. «١» و التّجوى: الاسم من نجوته إذا ساورته، «٢» و نجوى صدورهم: ما أضمره في نفوسهم من العداوة و لم يتمكنوا من إظهاره في حياته صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، و في بعض النسخ: فحوى صدورهم، و فحوى القول: معناه، «٣» و المآل واحد. و قال الفيروز آبادي: التّربّ و التّرابّ و التّريّة .. معروف، و جمع التّراب: أتربه و تربان، و لم يسمع لسائرهما «٤» بجمع، انتهى «٥». فيمكن أن يكون بصيغة المفرد، و التّانيث بتأويل الأرض كما قيل، و الأظهر أنه - بضم التاء و فتح الراء جمع تربة، قال في مصباح اللّغة: التّربة: المقبرة، و الجمع ترب مثل غرفة و غرف. «٦» و حال الشّيء بيني و بينك .. أي من معنى من الوصول إليك. «٧» و دون الشّيء: قريب منه، «٨» يقال: دون النهر جماعة .. أي قبل أن تصل إليه. و التّهجم: الاستقبال بالوجه الكريه. «٩» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۴ و الْمُعْتَصَبُ - على بناء المفعول - المعضوب. «١» و الْمُحْتَجِبُ - على بناء الفاعل - و صَادَقَهُ: وجده و لقيه. «٢» و الكُتْبُ - بضمين -: جمع كتيب و هو التّلّ من الرّمل. «٣» و الرّزء - بالضم مهموزا: المصيبة بفقد الأعزّة. «٤» و رزئنا - على بناء المجهول - و الشّجن - بالتحريك -: الحزن. «٥» و في القاموس: العُجم - بالضم و بالتحريك - «٦» خلاف العرب. «٧» قوله: ثم انكفأت .. أقول: - وجدت في نسخة قديمة لكشف الغمّة منقولة من خطّ المصنف مكتوبا على هامشها بعد إيراد خطبتها صلوات الله عليها ما هذا لفظه: وجد بخطّ السيد المرتضى علم الهدى الموسوى قدس الله روحه أنّه لما خرجت فاطمة عليها السلام من عند أبي بكر - حين ردّها عن فدك استقبلها أمير المؤمنين عليه السلام فجعلت تعفّفه، ثم قالت: اشتملت .. إلى آخر كلامها

عليها السلام. و الانكفاء: الرجوع. «۸» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۵ و توقعت الشيء و استوقعته .. أى انتظرت وقوعه. «۱» و طلعت على القوم: أتيتهم، «۲» و طلّع الطلوع: انتظاره. فلما استقرت بها الدار .. أى سكنت «۳» كأنها اضطربت و تحركت بخروجها، أو على سبيل القلب، و هذا شائع، يقال: استقرت نوى القوم و استقرت بهم النوى .. أى أقاموا. «۴» اشتملت شملة الجنين و قعدت حجرة الظنين .. اشتمل بالثوب .. أى أداره على جسده كله، و الشملة - بالفتح - كساء يشتمل به، و الشملة - بالكسر - هيئة الاشتمال، «۵» فالشملة إمّا مفعول مطلق من غير الباب كقوله تعالى: نَبَاتًا * «۶» أو فى الكلام حذف و إيصال. و فى رواية السيد: مشيمة الجنين .. و هى محلّ الولد فى الرحم، «۷» و لعله أظهر. و الجنين: الولد ما دام فى البطن. «۸» و الحجرة - بالضم - حظيرة الإبل، و منه حجرة الدار. «۹» و الظنين: المتهم، «۱۰» و المعنى اختفيت عن الناس كالجنين، و قعدت عن طلب الحق، و نزلت منزله الخائف المتهم. و فى رواية السيد: الحجرة - بالراء المعجمة -، و فى بعض النسخ: قعدت حجرة زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۶ الظنين، و قال فى النهاية: «۱» الحجرة: موضع شدّ الإزار، ثم قيل للإزار: حجرة للمجاورة، و فى القاموس: «۲» الحجرة - بالضم - معقد الإزار .. و من الفرس مركب مؤخر الصفاق بالحقو، و قال: شدة الحجرة: كناية عن الصبر. نقضت قادمة الأجل فخانك ريش الأعزل. قوادم الطير: مقادير ريشه و هى عشرٌ فى كلّ جناح، «۳» واحدها قادمة. «۴» و الأعزل: الصقر. «۵» و الأعزل: الذى لا سلاح معه. «۶» قيل: لعلها صلوات الله عليها شبت الصقر الذى نقضت قوادمه بمن لا سلاح له، و المعنى تركت طلب الخلافة فى أول الأمر قبل أن يتمكنوا منها و يشيدوا أركانها، و ظننت أن الناس لا يرون غيرك أهلا للخلافة، و لا يقدمون عليك أحدا، فكنت كمن يتوقع الطيران من صقر منقوضة القوادم. أقول: و يحتمل أن يكون المراد أنك نازلت الأبطال، و خضت الأهوال، و لم تبال بكثرة الرجال حتى نقضت شوكتهم، و اليوم غلبت من هؤلاء الضعفاء و الأردال، و سلمت لهم الأمر و لا تنازعهم، و على هذا، أظهر أنه كان فى الأصل: خاتك - بالتاء المثناة فوقانية - فصحف، قال الجوهري: خات البازى و اختات أى انقضت .. «۷» ليأخذه، و قال الشاعر: «۸» يخوتون أخرى القوم خوت الأجدال و الخاتنة: العقاب إذا انقضت فسمعت صوت انقضاضها، و الخوات .. دوى جناح العقاب .. و الخوات - بالتشديد - الرجل الجرى، «۹» و فى رواية السيد: نقضت - بالفاء - و هو زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۷ يؤيد المعنى الأول. هذا ابن أبى قحافة يترنئ نحيلة أبى، و بلغه ابنى، لقد أجهر فى خصامى، و ألفتىه الد فى كلامى ... قحافة - بضم القاف و تخفيف المهملة - «۱» و الابتزاز: الاستلاب، «۲» و أخذ الشيء بقر «۳» و غلبه من البرز بمعنى السلب. «۴» و النحيلة - فعيلة بمعنى مفعول - من النحلة - بالكسر - بمعنى الهبة «۵» و العطية عن طيبة نفس من غير مطالبة «۶» أو من غير عوض. «۷» و البلغة - بالتصغير - فالتصغير فى النحيلة أيضا أنسب. و ابنى إمّا بتخفيف الياء فالمراد به الجنس، أو تشديدها على الشبهة. و إظهار الشيء: إعلانه. «۸» و الخصام - مصدر - كالمخاصمة، و يحتمل أن يكون جمع خصم «۹» أى أجهر العداوة أو الكلام لى بين الخصام، و الأول أظهر. و ألفتيه .. أى وجدته. «۱۰» و الألد: شديد الخصومة، «۱۱» و ليس فعلا - ماضيا، فإن فعله على بناء المجرد، و الإضافة فى (كلامى) إما من قبيل الإضافة إلى المخاطب أو إلى المتكلم، و فى: للظرفية أو السببية. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۸ و فى رواية السيد: هذا بنى «۱» أبى قحافة .. إلى قوله: «۲» لقد أجهد فى ظلامتى و الد فى خصامتى. قال الجزرى: يقال جهد الرجل فى الأمر: إذا جدّ و بالغ فيه، «۳» و أجهد دابته: إذا حمل عليها فى السير فوق طاقتها. «۴» حتى حبستنى قيلة نصرها، و المهاجرة وصلها، و غصت الجماعة دونى طرفها، فلا دافع و لا مانع .. قيلة - بالفتح - اسمٌ أمٌ قديمة لِقِيلَتِي «۵» الأنصار، «۶» و المراد: بنو قيلة. و فى رواية السيد: حين منعنى الأنصار نصرها .. و موصوف المهاجرة: الطائفة أو نحوها، و المراد بوصلها: عونها. و الطرف - بالفتح - العين. «۷» و غصه: خفضه. «۸» و فى رواية السيد - بعد قولها: و لا مانع -: و لا ناصر و لا شافع. خرجت كاظمة و عدت راغمة .. كظم الغيظ: تجرعه و الصبر عليه. «۹» و رغم فلان - بالفتح -: إذا ذلّ، «۱۰» و عجز عن الانتصاف ممن ظلمه، «۱۱» و الظاهر من زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۷۹ الخروج: الخروج من البيت و هو لا يناسب كاظمة، إلا أن يراد بها الامتلاء من الغيظ فإنه من لوازم الكظم، و يحتمل أن يكون المراد الخروج من المسجد المعبر عنه ثانيا بالعود، كما قيل. و «۱» فى

روایه السيد مكان عدت: رجعت. أَصْرَعْتَ حَدَّكَ يَوْمَ أَصْغَتْ حَدَّكَ، أَفْتَرَسَتْ الذُّنَابُ، وَافْتَرَشَتْ التُّرَابَ .. : ضَرَعَ الرَّجُلُ - مثلثة - «۲» خضع و ذلّ و أضرعه غيره، «۳» و إسناد الضراعة إلى الخذلان أظهر أفرادها وضع الخدّ على التراب، أو لأن الذلّ يظهر في الوجه. و إضاعة الشّيء و تضييعه: إهماله و إهلاكه. «۴» و حدّ الرجل - بالحاء المهملة -: بأسه «۵» و بطشه، و في بعض النسخ بالجيم .. أى تركت اهتمامك و سعيك. و في رواية السيد: فقد أضعت جدك يوم أصرعت حدّك. و فرس الأسد فريسته - كضرب - و افترسها: دقّ عنقها، و يستعمل في كلّ قتل، «۶» و يمكن أن يقرأ بصيغة الغائب، فالذئب مرفوع، و المعنى: قعدت عن طلب الخلافة و لزمت الأرض مع أنّك أسد الله، «۷» و الخلافة كانت فريستك حتى افترسها و أخذها الذئب الغاصب لها، و يحتمل أن يكون بصيغة الخطاب .. أى كنت تفترس الذئب و اليوم افترشت التراب، و في بعض النسخ: الذباب - بالباءين الموحدين - جمع ذبابة، «۸» فيتعين الأول، و في بعضها: افترست الذئب و افترستك الذئب. و في رواية السيد مكانهما: و توسدت وراء كالوزغ و مستك الهنا و النزغ .. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۸۰ و وراء بمعنى خلف. «۱» و الهنا: الشدة و الفتنة. «۲» و النزغ: «۳» الطعن و الفساد. «۴» ما كففت قائلاً، و لا أغنيت باطلا و لا خيار لى، ليتنى متّ قبل هينتى و دون زلتى. الكفّ: المنع. «۵» و الإغناء: الصّرف و الكفّ، يقال: أغن عني شريك .. أى أصرفه و كفّه، «۶» و به فسر قوله سبحانه: إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً. «۷» و في رواية السيد: و لا أغنيت طائلاً .. و هو أظهر، قال الجوهري: يقال: هذا أمر لا طائل فيه، إذا لم يكن فيه غناء و مزية. «۸» فالمراد بالغناء: النّفع، «۹» و يقال: ما يغني عنك هذا .. أى ما يجديك و ما ينفعك. «۱۰» و الهينة - بالفتح -: العادة في الرّفق و السّكون، «۱۱» و يقال: امش على هينتك .. أى على رسلك، «۱۲» أى ليتنى متّ قبل هذا اليوم الذى لا بدّ لى من الصبر على ظلمهم، و لا محيص زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۸۱ لى عن الرّق. و الزلّة - بفتح الزاى - كما فى النسخ: الاسم «۱» من قولك: زللت فى طين أو منطق: إذا زلقت، «۲» و يكون بمعنى السّقطه، «۳» و المراد بها عدم القدرة على دفع الظلم، و لو كانت الكلمة بالذال المعجمة كان أظهر و أوضح، كما فى رواية السيد، فإنّ فيها: وا لهفتاه! «۴» ليتنى متّ قبل ذلتى، و دون هينتى، عذيرى الله منك عادياً، و منك حامياً .. العذير: بمعنى العاذر «۵» كالسميع، أو بمعنى العذر «۶» كالأليم. و قولها: منك .. أى من أجل الإساءة إليك و إيذائك. و عذيرى الله .. مرفوعان بالابتدائية و الخبرية. و عادياً .. إمّا من قولهم: عدوت فلاناً عن الأمر .. أى صرفته عنه، «۷» و يحتمل أن يكون فى إعانتي و الذبّ عني، و الحماية عن الرجل: الدّفع عنه، «۸» و يحتمل أن يكون عذيرى منصوباً - كما هو الشائع فى هذه الكلمة -، و (الله) مجروراً بالقسم، يقال: عذيرك من فلان .. أى هات من يعذرك فيه، و منه - قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ نَظَرَ إِلَى ابْنِ مُلْجَمَ لَعَنَهُ اللَّهُ: عَذِيرَكَ مِنْ خَلِيلِكَ مِنْ مُرَادٍ ..، «۹» و الأول أظهر. زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۸۲ و يلاى إلى ربّى اللهم أنت أشدّ قوّة و حولا، و أحدّ بأساً و تنكيلاً .. قال الجوهري: ويل: كلمة مثل: ويح، إلّا أنّها كلمة عذاب يقال: و يله و ويلك و ويلي، و فى النّدبة و يلاه. «۱» و لعله جمع فيها بين ألف النّدبة و ياء المتكلم، و يحتمل أن يكون بصيغة التّثنية فيكون مبتدأ و الظرف خبره، و المراد به تكرر الويل. و فى رواية السيد: و يلاه فى كلّ شارق، و يلاه فى كلّ غارب، و يلاه! مات العمدة و ذلّ العضد .. إلى قولها عليها السلام: اللهم أنت أشدّ قوّة و بطشا. و الشارق: الشمس .. أى عند كلّ شروق و طلوع صباح كل يوم. قال الجوهري: «۲» الشّرق: المشرق، و الشّرق: الشّمس، يقال طلع الشّرق و لا آتيك ما ذرّ شارق .. و شرقت الشّمس تشرق شروقاً و شرقاً - أيضاً - أى طلعت، و أشرقت أى .. أضاءت. و العميد - بالتحريك و بضمتين -: جمع العمود، «۳» و لعلّ المراد هنا ما يعتمد عليه فى الأمور. و الشّكوى: الاسم من قولك: شكوت فلاناً شكايه. «۴» و العدوى: طلبك إلى وال لينتقم لك ممّن ظلمك. «۵» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۸۳ و الحول: القوّة و الحيلة و الدّفع و المنع، «۱» و الكل هنا محتمل. و البأس: العذاب. «۲» و التّنكيل: العقوبة، و جعل الرجل نكالا «۳» و عبرة لغيره. «۴» الويل لشانك .. أى العذاب، و الشّرّ «۵» لمبغضك، و الشّناءة: البغض. «۶» و فى رواية السيد: لمن أحرزك. و نهنت الرجل عن الشّيء فتنهه .. أى كففته و زجرته فكفّ. «۷» و الوجّد: الغضب. «۸» أى امنع نفسك عن غضبك. و فى بعض النسخ: تنهه، و هو أظهر. و الصّيفوة - مثلثة «۹» خلاصة الشّيء و خياره. «۱۰» و الونى - كفّتى - الضّعف و

الفتور و الكلال، و الفعل - كوقى يقى .. «۱۱» أى ما عجزت عن القيام بما أمرنى به ربى و ما تركت ما دخل تحت قدرتى. و البلغة - بالضم - ما يتبلغ «۱۲» به من العيش. «۱۳» زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۸۴ و الضامن و الكفيل للرزق هو الله تعالى، و ما أعد لها هو ثواب الآخرة. و الاحتساب: الاعتداد، و يقال لمن ينوى بعمله وجه الله تعالى: احتسبه .. «۱» أى اصبرى و ادخرى ثوابه عند الله تعالى. و فى رواية السيد: فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمَّا وَئِلَ لَكَ بَلِ الْوَيْلُ لِمَنْ أَخَزَنَكَ، نَهْنَهَى عَنْ وَجْدِكَ يَا بُنَيَّةَ الصَّفْوَةِ، وَ بَقِيَّةَ الثُّبُوءِ، فَمَا وَئَيْتَ عَنْ حَظِّكَ، وَ لَا أَخْطَأْتُ فَقَدْ تَرَيْنِ مَقْدَرَتِي، «۲» فَإِنْ تَرَزَّنِي حَقَّكَ فَرَزُقْكَ مَضْمُونٌ، وَ كَفِيلُكَ مَأْمُونٌ، وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكَ مِمَّا قُطِعَ عَنْكَ. فَرَفَعَتْ يَدَهَا الْكَرِيمَةَ فَقَالَتْ: رَضَيْتُ وَ سَلِمْتُ. قال فى القاموس: رَزَاهُ ماله كجعله و عمله رُزاً - بالضم - أصاب منه شيئا .. «۳» أقول: روى الشيخ «۴» كلامها الأخير مع جوابه قريبا مما رواه السيد، و لنذكره بسنده: ۹- قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ «۵» بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَاذَانَ، عَنْ «۶» مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْمُفَضَّلِ، «۷» عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ، «۸» عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الزِّيَّاتِ، «۹» عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ، «۱۰» عَنْ أَبِيانَ بْنِ تَغْلِبٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا انْصَرَفَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ عِنْدِ أَبِي بَكْرٍ أَقْبَلَتْ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَتْ لَهُ: «۱۱» يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ! اشْتَمَلَتْ مَشِيَمَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعِدَتْ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ، نَقَضْتَ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيْشُ الْأَعْزَلِ، هَذَا ابْنُ أَبِي قَحَافَةَ قَدْ ابْتَزَنِي نُحَيْلَةَ أَبِي وَ بُلَيْغَةَ ابْنِي، وَ اللَّهُ لَقَدْ زَنْدَكَانِي حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۸۵ أَجَدَّ فِي ظُلَامَتِي، «۱» وَ أَلَدَّ فِي خِصَامِي، حَتَّى مَنَعْتَنِي قَيْلَهُ نَصِيرَهَا، وَ الْمَهَاجِرَةَ وَ ضَلَهَا، وَ غَضَبَتِ الْجَمَاعَةَ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا مَانِعَ وَ لَا دَافِعَ، خَرَجْتُ - وَاللَّهِ - كَاطِمَةً، وَ عُدْتُ رَاغِمَةً، وَ لَيْتَنِي لَا خِيَارَ «۲» لِي، لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ ذَلِكَ «۳» مِتُّ قَبْلَ ذَلَّتِي! «۴» وَ تَوَفَّيْتُ قَبْلَ مَرِيَّتِي! عَذِيرِي فِيكَ اللَّهُ حَامِيًا، وَ مِنْكَ عَادِيًا، وَيْلَاةٌ فِي كُلِّ شَارِقٍ! وَيْلَاةٌ! مَاتَ الْمُعْتَمَدُ وَ وَهَنَ الْعُصْدُ! شَكُوَايَ إِلَى رَبِّي، وَ عَذُوَايَ إِلَى أَبِي، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَشَدُّ قُوَّةً. فَأَجَابَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَئِلَ لَكَ، بَلِ الْوَيْلُ لِسَانِكَ، نَهْنَهَى مِنْ غَرْبِكَ «۵» يَا بِنْتَ الصَّفْوَةِ وَ بَقِيَّةَ الثُّبُوءِ، قَوْلَ اللَّهِ مَا وَئَيْتَ فِي دِينِي، وَ لَا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي، فَإِنْ كُنْتُ تَرَزَّيْنِ الْبُلْغَةَ فَرَزُقْكَ مَضْمُونٌ، وَ لَعَلَّتْكَ مَأْمُونٌ، وَ مَا أَعَدَّ لَكَ خَيْرٌ مِمَّا قُطِعَ عَنْكَ، فَاحْتَسِبِي. فَقَالَتْ: حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعَمَ الْوَكِيلُ. و لندفع الإشكال الذى قلما لا يخطر بالبال عند سماع هذا الجواب و السؤال، و هو: أن اعتراض فاطمة عليها السلام على أمير المؤمنين عليه السلام فى ترك التعرض للخلافة، و عدم نصرتها، و تخطئته فيهما - مع علمها بإمامته، و وجوب اتباعه و عصمته، و أنه لم يفعل شيئا إلّا بأمره تعالى و وصية الرسول صلى الله عليه و آله - ممتا ينافى عصمتها و جلالتها. فأقول: يمكن أن يجاب عنه: بأن هذه الكلمات صدرت منها عليها السلام لبعض المصالح، و لم تكن واقعا منكرا لما فعله، بل كانت راضية، و إنما كان غرضها أن يتبين للناس قبح أعمالهم و شناعة أفعالهم، و أن سكوته عليه السلام ليس لرضاه بما أتوا به. و مثل هذا كثيرا ما يقع فى العادات و المحاورات، كما أن ملكا يعاتب بعض خواصه فى أمر بعض الرعايا، مع علمه ببراءته من جنائيتهم، ليظهر لهم عظم جرمهم، و أنه مما استوجب به أخص الناس بالملك منه المعاتبة. و نظير ذلك ما فعله موسى عليه السلام - لما رجع إلى قومه غَضَبَانِ أَسْفَا* من إلقاءه الألواح، و زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۷۸۶ أخذه برأس أخيه يجزه إليه - و لم يكن غرضه الإنكار على هارون، بل أراد بذلك أن يعزف القوم عظم جنائيتهم، و شدة جرمهم، كما مر الكلام فيه. «۱» و أمّا حمله على أن شدة الغضب و الأسف و الغيظ حملتها على ذلك - مع علمها بحقية ما ارتكبه عليه السلام فلا ينفع فى دفع الفساد، و ينافى عصمتها و جلالتها التى عجزت عن ادراكها أحلام العباد. بقى هاهنا إشكال، و هو: أن طلب الحق و المبالغة فيه و إن لم يكن منافيا للعصمة، لكن زهدا صلوات الله عليها، و تركها للدنيا، و عدم اعتدادها بنعيمها و لذاتها، و كمال عرفانها و يقينها بفناء الدنيا، و توجه نفسها القدسية، و انصراف هممتها العالية دائما إلى اللذات المعنوية و الدرجات الأخروية، لا تناسب مثل هذا الاهتمام فى أمر فدك، و الخروج إلى مجمع الناس، و المنازعة مع المنافقين فى تحصيله. و الجواب عنه من وجهين: الأول: أن ذلك لم يكن حقا مخصوصا لها، بل كان أولادها البررة الكرام مشاركين لها فيه، فلم يكن يجوز لها المداهنة و المساهلة و المحاباة و عدم المبالاة فى ذلك، ليصير سببا لتضييع حقوق جماعة من الأئمة الأعلام و الأشراف الكرام نعم لو كان مختصا بها كان لها تركه و الزهد فيه و عدم التأثر من فوته. الثانى: «۲»

أَنَّ تِلْكَ الْأُمُورَ لَمْ تَكُنْ لِمَحَبَّةِ فَدَكَ وَحُبِّ الدُّنْيَا، بَلْ كَانَ الْغَرَضُ إِظْهَارَ ظَلَمِهِمْ وَجَوْرِهِمْ وَكَفْرِهِمْ وَنِفَاقِهِمْ، وَهَذَا كَانَ مِنْ أَمَمٍ
 أُمُورِ الدِّينِ وَأَعْظَمِ الْحَقُوقِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ. وَيُؤَيِّدُهُ أَنَّهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا صَرَّحَتْ فِي آخِرِ الْكَلَامِ حَيْثُ قَالَتْ: قُلْتُ مَا قُلْتُ عَلَى
 مَعْرِفَةٍ مَنَى بِالْخِذْلَةِ .. وَكَفَى بِهَذِهِ الْخُطْبَةِ بَيِّنَةً عَلَى كَفْرِهِمْ وَنِفَاقِهِمْ. وَنَشِيدُ ذَلِكَ بِإِيرَادِ رَوَايَةِ بَعْضِ الْمُخَالَفِينَ فِي ذَلِكَ: زَنْدِگَانِي
 حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۷۸۷ ۱۰- رَوَى ابْنُ أَبِي الْحَدِيدِ- «۱» فِي سِيَاقِ أَخْبَارِ فَدَكَ- عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ
 الْجَوْهَرِيِّ: أَنَّ أَبَا بَكْرٍ لَمَّا سَمِعَ خُطْبَةَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي فَدَكَ شَقَّ عَلَيْهِ «۲» مَقَالَتَهَا، فَصَدَّ عَدِ الْمُنْبَرِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! مَا هَذِهِ الرَّعَّةُ
 إِلَيَّ كُلِّ قَالَةٍ! أَيْنَ كَانَتْ هَذِهِ الْأَمَانِيُّ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ أَلَا مَنْ سَمِعَ فَلْيَقُلْ، وَ مَنْ شَهِدَ فَلْيَتَكَلَّمْ، إِنَّمَا هُوَ
 تُعَالَةُ شَهِيدُهُ ذَنْبُهُ، مُرَبِّ بِكُلِّ «۳» فِتْنَةٍ، هُوَ الَّذِي يَقُولُ: كَرَّوْهَا جَذَعَةً بَعْدَ مَا هَرَمَتْ، تَسْتَعِينُونَ بِالضَّعْفَةِ وَتَسْتَنْصِرُونَ «۴» بِالنِّسَاءِ، كَأَمَّ
 طِحَالٍ أَحَبَّ أَهْلُهَا إِلَيْهَا الْبُغْيَ. أَلَا إِنِّي لَوْ أَشَاءُ أَنْ أَقُولَ لَقُلْتُ، وَلَوْ قُلْتُ لَبُحْتُ، إِنِّي سَاكِتٌ مَا تَرَكْتُ. ثُمَّ اتَّقَتْ إِلَى الْأَنْصَارِ فَقَالَ: قَدْ
 بَلَّغْنِي يَا مَعَاشِرَ «۵» الْأَنْصَارِ مَقَالَتَهُ سِفْهَائِكُمْ، وَ أَحَقُّ مَنْ لَزِمَ عَهْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْتُمْ، فَقَدْ جَاءَكُمْ فَأَوْثَيْتُمْ وَ
 نَصَرْتُمْ، أَلَا وَإِنِّي لَسْتُ بِأَسِطًا يَدًا وَلِسَانًا «۶» عَلَى مَنْ لَمْ يَسْتَحِقَّ ذَلِكَ مِنَّا .. ثُمَّ نَزَلَ. فَانْصَرَفَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَى مَنْزِلِهَا. ثُمَّ قَالَ
 ابْنُ أَبِي الْحَدِيدِ: «۷» قَرَأْتُ هَذَا الْكَلَامَ عَلَى النَّقِيبِ يَحْيَى بْنِ أَبِي زَيْدٍ الْبَصْرِيِّ. فَقُلْتُ لَهُ: «۸» بَمَنْ يَعْزُضُ؟ فَقَالَ: بَلْ يَصْرَحُ. قُلْتُ: لَوْ
 صَرَّحَ لَمْ أَسْأَلْكَ؟ فَضَحِكَ وَقَالَ: بَعْلِي بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. قُلْتُ: أَلَا هَذَا الْكَلَامُ كُلُّهُ لَعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ؟! قَالَ: «۹» نَعَمْ إِنَّهُ
 الْمَلِكُ يَا بَنِي! قُلْتُ: فَمَا مَقَالَةُ الْأَنْصَارِ؟ قَالَ: هَتَفُوا بِذِكْرِ عَلِيٍّ فَخَافَ مِنْ اضْطِرَابِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ «۱۰» فَهَاجَمَ. فَسَأَلْتُهُ عَنْ غَرِيبِهِ. زَنْدِگَانِي
 حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۷۸۸ فَقَالَ: مَا هَذِهِ الرَّعَّةُ- «۱» بِالْتَخْفِيفِ- أَى: الْاسْتِمَاعَ وَالْإِصْغَاءَ. «۲» وَالْقَالَةُ: الْقَوْلُ. «۳»
 وَ تُعَالَةُ: اسْمٌ لِلتَّعْلَبِ «۴» عِلْمٌ غَيْرُ مُصْرُوفٍ، مِثْلُ ذُوَالَةِ اللَّذْبِ. وَ شَهِيدُهُ ذَنْبُهُ .. أَى: لَا شَاهِدَ عَلَى مَا يَدْعَى إِلَّا بَعْضُهُ وَ جُزْءُ مِنْهُ، وَ أَصْلُهُ
 مِثْلُ، قَالُوا: إِنَّ الثَّعْلَبَ أَرَادَ أَنْ يَغْرَى الْأَسَدَ بِالذَّبِّ، فَقَالَ: إِنَّهُ أَكَلَ الشَّاءَ الَّتِي أَعْدَدْتَهَا لِنَفْسِكَ، قَالَ: «۵» فَمَنْ يَشْهَدُ لَكَ بِذَلِكَ؟ فَرَفَعَ
 ذَنْبَهُ وَ عَلَيْهِ دَمٌ، وَ كَانَ الْأَسَدُ قَدْ افْتَقَدَ الشَّاءَ، فَقَبِلَ شَهَادَتَهُ وَ قَتَلَ الذَّبَّ. وَ مُرَبِّ: مَلَاظِمٌ، أَرَبٌّ، لَازِمٌ «۶» بِالْمَكَانِ. وَ كَرَّوْهَا جَذَعَةً:
 أَعِيدُوهَا إِلَى الْحَالِ الْأَوَّلِيِّ، يَعْنِي: الْفِتْنَةَ وَ الْهَرَجَ. وَ أَمَّ طِحَالٍ: امْرَأَةٌ بَغِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَضَرَبَ بِهَا الْمَثَلَ، يُقَالُ: «۷» أَزْنَى مِنْ أَمَّ طِحَالٍ،
 انْتَهَى. أَقُولُ: الرَّعَّةُ- بِالرَّاءِ- كَمَا فِي نَسْخِ الشَّرْحِ، بِمَعْنَى: الْاسْتِمَاعَ، لَمْ نَجِدْهُ فِي كَلَامِ اللُّغَوِيِّينَ، «۸» وَ يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ بِالْدَّالِ الْمَهْمَلَةِ
 بِمَعْنَى السَّكُونِ، «۹» وَ يَكُونُ الْغَلَطُ مِنَ النَّسَاحِ، وَ يَكُونُ تَفْسِيرُ النَّقِيبِ بَيَانًا لِحَاصِلِ الْمَعْنَى. ۱۱- وَ رَوَى «۱۰» أَيْضًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ
 الْعَزِيزِ الْجَوْهَرِيِّ، عَنْ هِشَامِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۷۸۹ قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ
 لِأَبِي بَكْرٍ: إِنَّ أُمَّ أَيْمَنَ تَشْهَدُ لِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْطَانِي فَدَكَ. فَقَالَ لَهَا: يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ، وَاللَّهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا
 أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَيْبَكُ، وَ لَوْدِدْتُ أَنَّ السَّمَاءَ وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ يَوْمَ مَاتَ أَبُوكَ، وَ اللَّهُ لَأَنَّ تَفْتَقِرَ عَائِشَةُ أَحَبُّ
 إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَفْتَقِرِي، أَمْ تَرَانِي أُعْطِيَ الْأَسْوَدَ وَ الْأَحْمَرَ «۱» حَقَّهُ وَ أَظْلَمَكَ حَقَّكَ وَ أَنْتِ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟! إِنَّ
 هَذَا الْمَالَ لَمْ يَكُنْ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّمَا كَانَ مِنْ «۲» أَمْوَالِ الْمُسْلِمِينَ يَحْمِلُ النَّبِيُّ بِهِ الرِّجَالَ وَ يَنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،
 فَلَمَّا تُوُفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَلِيَّتُهُ كَمَا كَانَ لِيْلِهِ. قَالَتْ: وَ اللَّهُ لَا كَلِمَتَكَ أَبَدًا. قَالَ: وَ اللَّهُ لَا هَجْرَتِكَ أَبَدًا. قَالَتْ: وَ
 اللَّهُ لَا دُعُونَ اللَّهِ عَلَيْكَ. قَالَ: وَ اللَّهُ لَا دُعُونَ اللَّهِ لَكَ. فَلَمَّا حَضَرَتْهَا الْوَفَاةُ أَوْصَتْ أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا، فَدُفِنَتْ لَيْلًا، وَ صَلَّى عَلَيْهَا الْعَبَّاسُ
 «۳» بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، وَ كَانَ بَيْنَ وَفَاتِهَا وَ وَفَاةِ أَبِيهَا اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ لَيْلَةً. وَ مِنْ رَوَايَاتِهِمُ الصَّحِيحَةِ الصَّرِيحَةِ فِي أَنَّهَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا
 اسْتَمَرَّتْ عَلَى الْغَضَبِ حَتَّى مَاتَتْ: مَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ «۴» وَ أَبُو دَاوُدَ «۵» فِي صَحَاحِهِمَا، وَ أَوْرَدَهُ فِي جَامِعِ الْأُصُولِ «۶» فِي الْفَصْلِ الثَّالِثِ مِنْ
 كِتَابِ الْمَوَارِيثِ فِي حَرْفِ الْفَاءِ، عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: إِنَّ فَاطِمَةَ (ع) بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَأَلَتْ أَبَا بَكْرٍ الصَّدِيقَ بَعْدَ
 وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنْ يَقْسِمَ لَهَا مِيرَاثَهَا مِمَّا تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ. فَقَالَ لَهَا أَبُو بَكْرٍ: «۷» إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا نُورَثُ، مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةٌ. فَعَصَيْتُ فَاطِمَةَ فَهَجَرْتُهُ، فَلَمْ تَزَلْ بِذَلِكَ حَتَّى تُوُفِّيَتْ، وَ عَاشَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ إِلَّا لَيَالِي. زَنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۷۹۰ وَ كَانَتْ تَسْأَلُهُ أَنْ يَقْسِمَ لَهَا نَصِيبَهَا

مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ * مِنْ خَيْبَرَ وَفَدَكَ، «۱» وَ مِنْ صِدْقَتِهِ بِالْمَدِينَةِ. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: لَسْتُ بِالَّذِي أَقْسَمُ مِنْ ذَلِكَ، «۲» وَلَسْتُ تَارِكًا شَيْئًا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَعْمَلُ بِهِ فِيهَا إِلَّا عَمَلْتُهُ، فَإِنِّي أَحْشَى أَنْ تَرَكْتُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِهِ أَنْ أَزِيعَ. ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ عُمَرُ، فَأَمَّا صِدْقَتُهُ بِالْمَدِينَةِ فَدَفَعَهَا عُمَرُ إِلَى عَلِيٍّ وَ الْعَبَّاسِ، وَ أَمْسَكَ خَيْبَرَ وَ فَدَكَ، وَ قَالَ: هُمَا صِدْقَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ وَسَلَّمَ كَانَتَا لِحَقُوقِهِ «۳» وَ نَوَائِبِهِ، وَ أَمْرُهُمَا إِلَى مَنْ وَلِيَ الْأَمْرَ. قَالَ: فَهُمَا عَلَى ذَلِكَ إِلَى الْيَوْمِ. وَ قَالَ فِي جَامِعِ الْأُصُولِ: أَخْرَجَهُ مُسْلِمٌ، وَ لَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ «۴» الْبُخَارِيُّ «۵» إِلَّا - قَوْلُهُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا نُورُثُ، مَا تَرَكَناه صِدْقَةً. وَ لَقَلَّه مَا أَخْرَجَ مِنْهُ لَمْ تَعْلَمْ «۶» لَهُ عِلَامَةٌ، وَ أَخْرَجَ أَبُو دَاوُدَ نَحْوَ مُسْلِمٍ، أَنْتَهَى. تَبَيَّنَ: «۷» أَغْلَمَ أَنَّ الْمُخَالَفِينَ فِي صَحَائِهِمْ رَوَوْا أَخْبَارًا كَثِيرَةً: فِي أَنَّ مَنْ خَالَفَ الْإِمَامَ، وَ خَرَجَ مِنْ طَاعَتِهِ، وَ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ، وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. «۸» وَ رَوَى «۹» الْبُخَارِيُّ وَ مُسْلِمٌ «۱۰» فِي صَحِيحِهِمَا، وَ رَوَى فِي جَامِعِ الْأُصُولِ «۱۱» أَيْضًا عَنْهُمَا، عَنْ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۷۹۱ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: [وَأَلِيهِ]: مَنْ «۱» كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيَصْبِرْ، فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنْ طَاعَةِ «۲» السُّلْطَانِ شِبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: «۳» فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَمَاتَ فَمِيتَتُهُ «۴» جَاهِلِيَّةً. وَ رَوَى مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ «۵» وَ ذَكَرَهُ فِي جَامِعِ الْأُصُولِ «۶» أَيْضًا، عَنْ نَافِعٍ قَالَ: لَمَّا خَلَعُوا يَزِيدَ وَ اجْتَمَعُوا عَلَى ابْنِ مُطِيعٍ أَتَاهُ ابْنُ عُمَرَ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ «۷»: اطْرُحُوا لِأَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَسِيَادَةً، فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ: إِنِّي لَمْ آتِكَ لِاجْلِسَ، أَتَيْتُكَ لِأَحْدِثْكَ حَدِيثًا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «۸» يَقُولُ: مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَتِهِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا حُجَّةَ لَهُ، وَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. «۹» وَ أَمَّا مِنْ طَرَفِ أَصْحَابِنَا فَلَاخْبَارَ فِيهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَحْصِيَ، وَ سَتَأْتِي فِي مِظَانِهَا. «۱۰» فَنَقُولُ: لَا أَظُنُّكَ تَرْتَابَ بَعْدَ مَا أَسْلَفْنَا مِنْ الرِّوَايَاتِ الْمُنْقُولَةِ مِنْ طَرَفِ الْمُخَالَفِ وَ الْمُؤَالِفِ فِي أَنَّ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا كَانَتْ سَاخِطَةً عَلَيْهِمْ، حَاكِمَةٌ بِكُفْرِهِمْ وَ ضَلَالِهِمْ، غَيْرَ مُدْعِنَةٍ بِإِمَامَتِهِمْ وَ لَا مُطِيعَةٌ لَهُمْ، وَ أَنَّهَا قَدْ اسْتَمَرَّتْ عَلَى تِلْكَ الْحَالَةِ حَتَّى سَبَقَتْ إِلَى كِرَامَةِ اللَّهِ وَ رِضْوَانِهِ. فَمَنْ قَالَ بِإِمَامَةِ أَبِي بَكْرٍ لَا مُحِيطَ لَهُ عَنِ الْقَوْلِ بِأَنَّ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ مَنْ طَهَّرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ كُلِّ رَجَسٍ، وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي فَضْلِهَا مَا قَالَ، قَدْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً! وَ مِيتَةُ كُفْرٍ وَ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۷۹۲ ضَلَالٍ وَ نِفَاقٍ! وَ لَا أَظُنُّ مُلْحِدًا وَ زَنْدِيقًا رَضِيَ بِهَذَا الْقَوْلِ الشَّنِيعِ. وَ مِنْ الْغَرَائِبِ أَنَّ الْمُخَالَفِينَ لَمَّا اضْطَرُّوا وَ انْسَدَّتْ عَلَيْهِمُ الطَّرِيقُ، لَجُّوا إِلَى مَنَعَ دَوَامِ سَخَطِهَا عَلَيْهَا السَّلَامَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ، مَعَ رِوَايَتِهِمْ «۱» تِلْكَ الْأَخْبَارَ فِي كِتَابِهِ الْمَعْتَبَرَةِ. وَ رِوَايَتُهُمْ: «۲» أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُبَايِعْ أَبَا بَكْرٍ فِي حَيَاةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَ لَمَّا بَايَعَهُ أَحَدٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ إِلَّا بَعِيدَ مَوْتِهَا، وَ أَنَّهُ كَانَ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجْهٌ فِي النَّاسِ حَيَاةَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَلَمَّا تُوُفِّيَتْ انْصَرَفَتْ وَجُوهُ النَّاسِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ ضَرَعَ إِلَى مُصَالَحَةِ أَبِي بَكْرٍ، رَوَى ذَلِكَ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ، «۳» وَ ذَكَرَهُ «۴» فِي جَامِعِ الْأُصُولِ «۵» فِي الْبَابِ الثَّانِي مِنْ كِتَابِ الْخِلَافَةِ فِي حَرْفِ الْخَاءِ. وَ لَا يَخْفَى وَهْنُ هَذَا الْقَوْلِ بَعْدَ مِلَاحَظَةٍ مَا تَقَدَّمَ عَلَى ذِي مَسْكَةٍ.

سیری در مصادر و اسناد خطبه فدکیه حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

آنچه در این بخش از کتاب می‌خوانید، خلاصه کتابی تحقیقی به نام «سیری در مصادر و اسناد خطبه حضرت فاطمه سلام الله علیها» نوشته نگارنده (محمد روحانی علی آبادی) است.

بخش اول مصادر خطبه فدکیه

۱- بلاغات النساء: ابن طیفور احمد بن ابی طاهر مروزی (۲۰۴-۲۸۰ هـ) ۲- السقیفه و فدک: ابو بکر احمد بن عبد العزیز جوهری

(ت ۳۲۳ هـ) ۳- شرح الاخبار: قاضی ابو حنیفه نعمان بن محمد تمیمی مغربی (ت ۳۶۳ هـ) ۴- المناقب: ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی، ابن مردویه (ت ۴۱۱ هـ) ۵- الفائق: اسعد بن شقروه (ق ۴ هـ) ۶- الشافی فی الامامة: سید مرتضی علم الهدی، علی بن الحسین موسوی، ابو القاسم (۳۵۵-۴۳۶ هـ) ۷- تلخیص الشافی: شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی طوسی (ت ۴۶۰ هـ) ۸- دلائل الامامة: ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری، طبری صغیر (ق ۵ و ۶ هـ) ۹- الاحتجاج علی اهل اللجاج: ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی (ح ۵۲۰ هـ) ۱۰- مقتل الحسین علیه السلام: خطیب خوارزمی، ابو المؤید موفق بن احمد مکی (ت ۵۶۸ هـ) ۱۱- نثر الدر: ابو سعید آبی (ت ۴۲۲ هـ) ۱۲- شرح نهج البلاغة: ابن ابی الحدید، عز الدین عبد الحمید بن محمد مدائنی معتزلی (۵۸۶-۶۵۶ هـ) ۱۳- کشف الغمة: ابو الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی (ت ۶۹۳) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۹۶ ۱۴- الطرائف: سید رضی الدین علی بن طاوس حلی (۵۸۹-۶۶۴ هـ) ۱۵- من لا یحضر الفقیه: شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (۳۱۱-۳۸۱ هـ)، بخشی از خطبه ۱۶- علل الشرائع: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ)، بخشی از خطبه ۱۷- امالی: شیخ مفید، ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (۳۸۸-۴۱۳ هـ)، بخشی از خطبه ۱۸- امالی: شیخ ابو جعفر طوسی (۴۶۰ هـ)، بخشی از خطبه ۱۹- تذکره الخواص: سبط ابن الجوزی، ابو المظفر یوسف بن فرغلی بن عبد الله بغدادی (۵۸۱-۶۵۴ هـ)، بخشی از خطبه ۲۰- مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی (ت ۵۸۸ هـ)، بخشی از خطبه ۲۱- مصباح الانوار: هاشم بن محمد (ق ۶ و ۷ هـ)، بخشی از خطبه ۲۲- الفائق: جار الله زمخشری، ابو القاسم محمود بن عمر زمخشری خوارزمی (۴۶۷-۵۳۸ هـ)، بخشی از خطبه ۲۳- غریب الحدیث: ابن قتیبہ دینوری، ابو محمد عبد الله بن مسلم (۲۱۳-۲۷۶ هـ)، بخشی از خطبه ۲۴- الاستغاثه فی بدع الثلاثة: ابو القاسم کوفی، علی بن احمد بن موسی (فرزند امام جواد علیه السلام- (ت ۳۵۲ هـ) ۲۵- تفسیر کنز الدقائق: مشهدی، محمد بن محمد رضا قمی (ق ۱۲ هـ) ۲۶- مرآة العقول: علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ هـ)، بخشهایی از خطبه ۲۷- نفحات اللاهوت: محقق کرکی، شیخ علی بن الحسین (۸۶۸-۹۴۰ هـ) ۲۸- جلاء العیون: علامه مجلسی (۱۱۱۰ هـ)، بخشی از خطبه ۲۹- بحار الانوار: علامه مجلسی (۱۱۱۰ هـ) ۳۰- تفسیر نور الثقلین: ابن جمعه عبد علی بن جمعه عروسی هویزی (ت ۱۱۱۲ هـ)، بخشهایی از خطبه ۳۱- تفسیر برهان: سید هاشم بحرانی، هاشم بن سلیمان حسینی کتکانی (۱۱۰۷ هـ)، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۹۷ بخشهایی از خطبه ۳۲- معادن الحکمه: ملا محسن فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۱۰۰-۱۰۹۱ هـ)، بخشهایی از خطبه ۳۳- تفسیر لاهیجی: بهاء الدین محمد شریف لاهیجی (۱۰۸۸ هـ) ۳۴- الدمعه الساکبه فی احوال العتره الطاهره: ملا محمد باقر بهبهانی (ت ۱۲۰۵ هـ) ۳۵- کشکول شیخ بهایی: شیخ بهاء الدین محمد بن الحسین عاملی (۹۵۳-۱۰۰۳ هـ)، بخشی از خطبه ۳۶- وصول الاخبار الی اصول الاخبار: حسین بن عبد الصمد العاملی (۹۸۴ هـ)، بخشی از خطبه ۳۷- نهج الحق و کشف الصدق: علامه حلی، حسن بن یوسف (۷۳۶ هـ)، بخشی از خطبه ۳۸- الطبقات الکبیر: محمد بن سعد کاتب واقدی (۲۳۰ هـ)، بخشی از خطبه ۳۹- تاریخ المدینه المنوره: ابن شبة النمیری، ابو زید (۱۷۳-۲۶۲ هـ)، بخشهایی از خطبه ۴۰- صحیح بخاری: ابو عبد الله بخاری (۲۵۶ هـ)، اشاره به خطبه ۴۱- صحیح مسلم: ابو الحسین مسلم بن حجاج نیشابوری (۲۶۱ هـ)، اشاره به خطبه ۴۲- مسند احمد: احمد بن حنبل (۲۴۱ هـ)، بخشهایی از خطبه ۴۳- مسند فاطمة الزهراء: جلال الدین عبد الرحمن السیوطی (۹۱۱ هـ)، بخشهایی از خطبه ۴۴- تاریخ الاسلام: شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (۷۴۸ هـ)، بخشی از خطبه ۴۵- عوالم العلوم و المعارف: شیخ عبد الله بحرانی (ق ۱۱ و ۱۲ هـ) ۴۶- بصائر الدرجات: ابو القاسم سعد بن عبد الله اشعری قمی (۳۰۰ هـ)، بخشی از خطبه ۴۷- مختصر بصائر الدرجات: محمد بن سلیمان (ق ۸ و ۹ هـ)، بخشی از خطبه ۴۸- فتوح البلدان: احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (۲۷۹ هـ)، اشاره به خطبه ۴۹- کافی: محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ هـ)، بخشی از خطبه ۵۰- کتاب الشمائل: ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (۲۷۹ هـ)، بخشی از خطبه ۵۱- اختصاص: شیخ مفید (۴۱۳ هـ)، بخشی از خطبه ۵۲- اثبات الهداه: شیخ محمد بن حر العاملی (۱۱۰۴ هـ) ۵۳- صواعق المحرقة: ابن حجر هیتمی (۹۷۳ هـ)، بخشی از خطبه ۵۴- صوارم

المحرقة: قاضی نور الله شوشتری (۱۰۱۹ هـ)، بخشی از خطبه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۹۸-۵۵- تاریخ ابن کثیر: ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۷۷۴ هـ)، بخشی از خطبه ۵۶- اهل البیت: توفیق ابو علم ۵۷- اعلام النساء: عمر رضا کحاله، بخشی از خطبه ۵۸- تفسیر علی بن ابراهیم قمی (ق ۳ و ۴ هـ)، بخشی از خطبه ۵۹- تفسیر عیاشی: ابو النضر محمد بن مسعود عیاشی (ق ۳ هـ)، بخشی از خطبه ۶۰- الغدیر: علامه عبد الحسین احمد امینی (۱۳۵۲ هـ)

بخش دوم معرفی اجمالی اسناد خطبه فدکیه

خطبه حضرت فاطمه علیها السلام به اسناد متصل از اشخاص ذیل روایت شده است: ۱- امام سجاد علیه السلام، از عمه اش زینب بنت علی علیه السلام ۲- احمد بن محمد بن جابر، از زینب علیها السلام ۳- عبد الله بن محمد علوی، از زینب ۴- زید بن علی علیه السلام، از زینب ۵- حسن بن صالح بن حی، از زینب ۶- سلیمان بن جعفر هاشمی، از زینب ۷- عکرمه، از عبد الله بن عباس رحمه الله ۸- سلیم بن قیس هلالی، از ابن عباس ۹- عروه بن زبیر، از عایشه (چند روایت) ۱۰- حسن بن الحسن مجتبی علیه السلام ۱۱- عبد الله بن الحسن مثنی رحمه الله ۱۲- امام باقر علیه السلام ۱۳- شعبی ۱۴- عطیه عوفی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۹۹-۱۵- زید بن علی ۱۶- ابن عایشه ۱۷- عوانه بن حکم ۱۸- محمد بن سائب کلبی ۱۹- محمد بن سلام ۲۰- حسین بن زید بن علی بن الحسین بن زید شهید ۲۱- جرمی بن ابی العلاء ۲۲- امام جعفر صادق علیه السلام ۲۳- ابو القاسم علی بن احمد کوفی ۲۴- امام علی بن ابی طالب علیه السلام ۲۵- انس بن مالک ۲۶- عمر بن خطاب ۲۷- ابو البختری ۲۸- ابو طفیل عامر بن واثله ۲۹- ابو هریره ۳۰- جعونه ۳۱- عمر بن عبد العزیز ۳۲- ام هانی ۳۳- ابو سلمه

بخش سوم کتابشناسی خطبه فدکیه

۱- آیات البینات: مجهول، اردو ۲- احتجاج الزهراء فاطمه علیها السلام: حجة الله نجفی رضوی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۰۰ ۳- احتجاج بانوی بزرگ اسلام، یا سیاست شوم و دفاع مقدس: محمد علی مردانی ۴- اضواء الدرر الغوالی: برخی از علمای امامیه (بخارا، ۱/ ۲۱) ۵- البلاغة الفاطمية: مجهول، نجف ۶- الخطب للثلاثة: فاطمة و ام کلثوم و زینب علیها السلام: عبد المهدی بن الحسن بلاغی ۷- الدرّة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام: محمد تقی رضوی قمی ۸- الدرّة الحیدریة: سید محمد حسین نوکانوی الزیدی ۹- الشواهد الفدکیة: سید اکرم علی هندی ۱۰- اللمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء: محمد علی انصاری (شرح خطبة اللمعة) ۱۱- المقلّة العبراء فی تظلم الزهراء علیها السلام: شیخ عبد علی الجزائری ۱۲- انوار الهدایة: مولوی محمد انور ۱۳- تبصرة المسلمین: سلامت علی خان بنارسی (مطالب انتقادی و تعصب آلوده در آن بسیار است) ۱۴- ترجمه خطبه فدک: احمد معصومی ۱۵- تفسیر خطبة فاطمه علیها السلام: ابن عبدون- شرح خطبة اللمعة (۴۲۳ هـ) ۱۶- حدیث خطبة الزهراء: سید مرتضی (۴۳۶ هـ) ۱۷- حقیقت جاویدان، شرح خطبه فاطمه زهرا علیها السلام: محمد باقر ملبوبی ۱۸- حماسه بزرگ: ناصر مکارم شیرازی ۱۹- خطابه فاطمه زهرا: محمد باقر انصاری زنجانی ۲۰- خطب فاطمة الزهراء علیها السلام: شیخ مسلم جابری ۲۱- خطبة فاطمة الزهراء علیها السلام: شبر الکاظمی الحسینی، سید عبد الله (۱۲۱۴ هـ) ۲۲- خطبه های حضرت زهرا: سید علی فانی ۲۳- خطبه های حضرت زهرا: علی اسلامی ۲۴- خطبه های روشنگرانه حضرت فاطمه علیها السلام: بخش تحقیقات بنیاد بعثت ۲۵- خطبه آتشین بانوی اسلام: علی کاظمی ۲۶- خطبه حضرت زهرا علیها السلام: غلامحسین حسین زاده ۲۷- خطبه فاطمة الزهراء علیها السلام: حسین علی منتظری ۲۸- خطبه فاطمة الزهراء علیها السلام: حسین عماد زاده (۱۴۱۰ هـ) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۰۱-۲۹- خطبه فاطمة الزهراء علیها السلام: سید ابو الفضل موسوی گرامرودی ۳۰- خطبه فاطمة الزهراء علیها

السّلام: عبد الرحمن انصاری ۳۱- خطبه فاطمة الزهراء علیها السّلام: محمّد علی شمشیری میلانی ۳۲- خطبه فدک: گروه فرهنگی منیر ۳۳- خطبه فدکيه حضرت زهرا علیها السّلام- مصحح: محمّد روحانی علی آبادی ۳۴- خطبه منظوم فاطمه زهرا: محمّد افتخاری ساوجی ۳۵- خطبة الزهراء: علی بن هارون ۳۶- خطبة الزهراء: مؤسسه البلاغ ۳۷- خطبه الزهراء علیها السّلام: هاشم محمّد طبع ۳۸- در اللّثالی فی حجة دعوی البتول لفدک و العوالی: حسین بن یحیی بن ابراهیم دیلمی ۳۹- رساله فی اثبات أن فدک لفاطمة الزهرا علیها السّلام: محمّد کرم الحویزی ۴۰- رساله فی حکم ابی بکر فی فدک: مجهول ۴۱- رساله فی فدک: سید علی رضوی نصیرآبادی ۴۲- رساله فی فدک: شیخ محمّد مهدوی لاهیجی ۴۳- رساله فی قصه فدک: جعفر بن بکیر بن جعفر الخياط ۴۴- روضه الزهراء فی تفسیر خطبة فاطمة الزهراء علیها السّلام: محمّد بن احمد الخزاعی نیشابوری ۴۵- سخنرانی حضرت فاطمه علیها السّلام جلوه گاه ایده آل اسلام: توران انصاری ۴۶- سخنرانی حضرت فاطمه علیها السّلام در مسجد مدینه: علی رضا اللهیاری ۴۷- سوگنامه فدک: محمّد تقی نقوی ۴۸- سیری اجمالی در مصادر و اسناد خطبه حضرت فاطمه علیها السّلام: محمّد روحانی علی آبادی ۴۹- شرح الخطبة: میرزا خلیل کمره ای ۵۰- شرح خطبه حضرت زهرا علیها السّلام: الیاس شریفی اشکوری ۵۱- شرح خطبه حضرت زهرا علیها السّلام: سید علی اکبر حسنی حسینی یزدی (حدود ۱۲۸۸ ه) ۵۲- شرح خطبه حضرت فاطمه علیها السّلام: احمد بن عبد الرحیم تبریزی ۵۳- شرح خطبه حضرت فاطمه علیها السّلام: میرزا آقا بن میرزا حاجی ۵۴- شرح خطبه فدک: سید محمّد تقی قائنی خراسانی ۵۵- شرح خطبه حضرت زهرا: سید احمد امامی حسینی عریضی (۱۴۱۴ ه) زندگانی حضرت زهرا علیها السّلام (روحانی)، ص: ۵۶۸۰۲- شرح خطبة الزهراء: سید ابو القاسم خوانساری (۱۱۵۸ ه) ۵۷- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: سید عبد الله شبر الکاظمی- کشف المحجّة (۱۲۴۲ ه) ۵۸- شرح خطبة الزهراء: سید عزّ الدین حسینی زنجانی ۵۹- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: سید علی محمّد تاج العلماء ۶۰- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: سید محمّد حسن شوشتری موسوی ۶۱- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: سید محمّد حسن شوشتری ۶۲- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: سید محمّد سعید عبقاتی (۱۳۷۸ ه) ۶۳- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: سید محمّد موسوی لکنهوی ۶۴- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: سید هاشم رسولی محلّاتی ۶۵- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: علامه محمّد باقر مجلسی ۶۶- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: قاضی ابو حنیفه نعمان مغربی تمیمی ۶۷- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: مجهول، چاپ نجف ۶۸- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: محمّد نجف مشهدی ۶۹- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: محمّد هادی امینی ۷۰- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: میرزا فضل علی قزوینی (۱۳۶۷ ه) ۷۱- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: میرزا محمّد علی قره داغی ۷۲- شرح خطبة الزهراء علیها السّلام: هادی البنانی ۷۳- شرح خطبة الصدیقه فاطمة الزهراء علیها السّلام: شیخ محمّد طاهر آل شبیر خاقانی ۷۴- شرح خطبة الکبيرة للزهراء البتول علیها السّلام: شیخ مسلم جابری (۱۳۷۴ ه) ۷۵- شرح خطبة اللّمة: محمّد علی انصاری قره چه داغی ۷۶- شرح خطبة اللّمة: محمّد نجف کرمانی مشهدی (۱۲۹۰ ه) ۷۷- شرح خطبة فاطمة علیها السّلام: احمد بن عبد الرحیم ۷۸- شرح خطبة فاطمة الزهراء علیها السّلام: شیخ جعفر سبحانی ۷۹- شرح خطبة فاطمة الزهراء علیها السّلام: شیخ نزیه قمیحه ۸۰- شرح خطبة فاطمة الزهراء علیها السّلام: فی مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلّم: سید محمّد باقر موحد ابطحی ۸۱- طعن الرماح: سید محمّد بن دلدار علی نقوی نصیرآبادی (بعد ۱۳۰۰ ه) ۸۲- عین الیقین فی بحث فدک و غضبها: مجهول، هندی زندگانی حضرت زهرا علیها السّلام (روحانی)، ص: ۸۳۸۰۳- فدک: ابراهیم بن محمّد بن سعید ثقفی کوفی (۲۸۳ ه) ۸۴- فدک: ابو الجیش مظفر بن محمّد خراسانی بلخی (۳۶۷ ه) ۸۵- فدک: حسن بن علی اطروش (۳۰۴ ه) ۸۶- فدک: سید احمد حسینی ۸۷- فدک: سید ظفر حسن نقوی آمروهی (قبل ۱۴۰۰ ه) ۸۸- فدک: سید محمّد واحدی ۸۹- فدک: شیخ محمّد حسن نجفی، صلاح الدین (۱۹۴۸ م) ۹۰- فدک: طاهر بن علی جرجانی ۹۱- فدک: عبد الرحمن بن کثیر هاشمی ۹۲- فدک: عید الله انباری (۳۵۶ ه) ۹۳- فدک: علی اکبر حسنی ۹۴- فدک فی التاریخ: سید حیدر علی موسوی عاملی کاظمی ۹۵- فدک فی التاریخ: سید محمّد باقر صدر ۹۶- فدک فی التاریخ: علی بن رجبعی روحانی نجف آبادی ۹۷-

فدک: محمد بن الحسین مهدوی سعیدی لاهیجی (۱۴۰۳ هـ) ۹۸- فدک: محمد حسن موسوی قزوینی حائری (۱۳۸۰ هـ) ۹۹- فدک: نذیر علی انصاری ۱۰۰- فدک و حوائط سبعة: سید حسین واعظی سبزواری ۱۰۱- فدک: یحیی بن زکریا توماشیری ۱۰۲- کتاب فدک و الکلام فيه: شیخ طاهر ۱۰۳- کشف الظلمات: مجهول، اردو ۱۰۴- کلام فاطمه فی فدک: ابو الفرج اصفهانی (۳۵۴ هـ) ۱۰۵- لؤلؤلالا- در تاریخ و خطبه حضرت زهرا علیها السلام: سید علی اکبر برقی ۱۰۶- ماجرای فدک: سید احمد فالی ۱۰۷- ماجرای فدک: کانون انتشارات شریعت ۱۰۸- مروری بر خطبه کم نظیر از بانویی بی همتا: احمد بهشتی ۱۰۹- ملکه اسلام فاطمه زهرا در مسجد نبوی: حسین حق شنوا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۰۴ ۱۱۰- ملکه اسلام: میرزا خلیل کمره‌ای (۱۴۰۵ هـ) ۱۱۱- ملکیت فدک: غلامحسین بن محمد حیات ۱۱۲- هدی المله الی أن فدک من النحلة: حسن بن ابو المعالی حائری قزوینی

بخش چهارم راویان خطبه فدکته

فصل ۱: راویان خطبه فدکته در قرن اول هجری

۱- ابو الاسود ۲- ابو البختری، عاص بن وائل ۳- ابو الطفیل عامر بن واثله لیثی ۴- ابو سلمه ۵- ابو هریره ۶- اسلم عدوی ۷- امّ هانی ۸- امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ۹- انس بن مالک ۱۰- جابر بن عبد الله انصاری ۱۱- جعونه ۱۲- حسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام (ح ۹۰ هـ) ۱۳- زینب بنت علی بن ابی طالب علیه السلام ۱۴- سلیم بن قیس (ح ۹۰ هـ) ۱۵- عایشه بنت ابی بکر (۹- ۵۸ هـ) ۱۶- عبد الله بن عباس بن عبد المطلب ۱۷- عروه بن زبیر (۲۲- ۹۳ هـ) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۰۵ ۱۸- عکرمه بن عبد الله بربری مدنی (۲۵- ۱۰۵ هـ) ۱۹- علی بن الحسین علیهما السلام ۲۰- عمر بن خطاب ۲۱- عمرو بن مرّه ۲۲- محمد بن عمر بن علی علیه السلام ۲۳- ولید بن جمیع ۲۴- یزید الرقاشی

فصل ۲: راویان خطبه فدکته در قرن دوم هجری

۱- ابان بن ابی عیاش ۲- ابان بن تغلب بن رباح بکری (۱۴۱ هـ) ۳- ابان بن عثمان احمر بجلی (ح ۲۰۰ هـ) ۴- ابراهیم بن ابی یحیی ۵- ابراهیم بن عمر یمانی صنعانی ۶- ابن لهیعه ۷- ابو النضر محمد بن السائب کلبی مفسر (۱۴۶ هـ) ۸- ابو برقان ۹- ابو علی عمرو بن عثمان جعفی خزاز کوفی ۱۰- ابو منیع رصافی ۱۱- احمد بن محمد ۱۲- احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی ۱۳- اسماعیل بن عباس ۱۴- امام ابو جعفر محمد بن علی علیهما السلام ۱۵- امام ابو عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام ۱۶- جابر بن یزید جعفی ۱۷- جعفر احمر ۱۸- حرب بن میمون بصری زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۰۶ ۱۹- حسن بن صالح بن حی ۲۰- حسن بن علوان کلبی کوفی (حسین) ۲۱- حسین بن زید شهید ۲۲- حفص احمر ۲۳- حماد بن سلمه ۲۴- حماد بن عیسی ۲۵- خالد بن طهمان ۲۶- زهری، محمد بن مسلم (۱۲۴ هـ) ۲۷- زید بن اسلم ۲۸- زید بن علی بن الحسین علیهما السلام (۲۱۲ هـ) ۲۹- شرقی بن القطامی، ابو المثنی (ح ۱۵۵ هـ) ۳۰- شعبه ۳۱- شعبی، عامر بن شراحیل (۱۰۴ هـ) ۳۲- صالح بن کیسان غفاری (ح ۱۴۰ هـ) ۳۳- عتّاس بن عبد الله بن معبد ۳۴- عبد الرحمن بن کثیر هاشمی علوی ۳۵- عبد العزیز بن محمد ۳۶- عبد الله بن الحسن بن الحسن علیه السلام (۷۰- ۱۴۵) ۳۷- عبد الله بن محمد بن عمر بن علی علیه السلام ۳۸- عبد الله بن محمد علوی ۳۹- عبد الله بن یونس ۴۰- عبید الله بن موسی عمری ۴۱- عثمان بن عیسی ۴۲- عطیه بن سعد عوفی (۱۱ هـ) ۴۳- عقیل ۴۴- عمر بن اذنیه ۴۵- عمر

بن عبد العزیز زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۰۷ ۴۶- عوانه بن الحکم کوفی ضریر (۱۴۷ هـ) ۴۷- عیسی بن عبد الله بن محمد بن عمر بن علی علیه السلام ۴۸- فضیل بن عیاض ۴۹- لیث ۵۰- محمد بن ابی عمیر ازدی ۵۱- محمد بن اسحاق- ابن اسحاق کاتب (۱۵۱ هـ) ۵۲- محمد بن سلیمان ۵۳- محمد بن عبد الرحمن بن ابی بکر ۵۴- محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الرحمن بن ابی بکر ۵۵- محمد بن عماره کندی ۵۶- محمد بن عمر بن علی علیه السلام ۵۷- محمد بن عمرو ۵۸- محمد بن فضیل ۵۹- محمد بن مفضل ۶۰- معمر بن راشد بصری ۶۱- مفضل بن عمر ۶۲- ولید ۶۳- ولید بن محمد ۶۴- هشام بن سعد ۶۵- هشام بن محمد بن السائب کلبی (۲۰۴ هـ)

فصل ۳: راویان خطبه فدکیه در قرن سوم هجری

۱- ابراهیم بن محمد ثقفی (۲۸۳ هـ) ۲- ابراهیم بن میمون ۳- ابراهیم بن هاشم قمی ۴- ابن الجارود ۵- ابن حبان زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۰۸ ۶- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (۲۸۰ هـ) ۷- ابن عایشه، عیید الله بن محمد بن حفص بن معمر تمیمی (۲۲۸ هـ) ۸- ابن نمیر ۹- ابو العیناء محمد بن قاسم بن خلاد هاشمی (۱۹۱-۲۸۳ هـ) ۱۰- ابو النضر محمد بن مسعود عیاشی (ح ۳۲۰ هـ) ۱۱- ابو بکر احمد بن عبد العزیز جوهری ۱۲- ابو بکر احمد بن منذر بن احمد صنعانی ۱۳- ابو بکر بن ابی شیهه ۱۴- ابو داود ۱۵- ابو شعیب محمد بن نصر ۱۶- ابو عبد الله بخاری (۲۵۶ هـ) ۱۷- ابو عوانه ۱۸- ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی (۲۷۹ هـ) ۱۹- احمد بن ابی عبد الله برقی (۲۷۴ هـ) ۲۰- احمد بن حنبل شیبانی (۲۴۱ هـ) ۲۱- احمد بن عیید بن ناصح کوفی (۲۷۳ هـ) ۲۲- احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی سکونی (۲۲۱ هـ) ۲۳- احمد بن محمد بن عیسی ۲۴- احمد بن محمد بن یزید هاشمی ۲۵- احمد بن یحیی بلاذری (۲۷۹ هـ) ۲۶- اسحاق بن ابراهیم بن عمر یمانی ۲۷- اسماعیل بن عباس ۲۸- جعفر بن محمد بن عماره کندی ۲۹- جعفر بن محمد بن رافقی ۳۰- حجاج بن ابی منیع رصافی ۳۱- حجاج بن محمد ۳۲- حجین زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۰۹ ۳۳- حسن بن عثمان ۳۴- حسن بن علی حلوانی ۳۵- حسن بن موسی خشاب ۳۶- حسین بن حمدان ۳۷- روح الکرایسی ۳۸- زهیر بن حرب ۳۹- زید بن الحباب ۴۰- زید بن علی بن الحسین بن زید شهید ۴۱- سعد بن عبد الله بن ابی خلف اشعری (۳۰۰ هـ) ۴۲- سدید بن سعید ۴۳- صدقه بن ابی معاویه عمرو ۴۴- عباس بن بکار الضبی (۱۲۹-۲۸۳ هـ) ۴۵- عبد الجلیل باقلانی ۴۶- عبد الجلیل باقلانی ۴۷- عبد الرزاق بن همام صنعانی ۴۸- عبد العزیز بن محمد ۴۹- عبد الله بن احمد بن حنبل ۵۰- عبد الله بن احمد عبری ۵۱- عبد الله بن الضحاک ۵۲- عبد الله بن جعفر حمیری ۵۳- عبد الله بن محمد بن ابی شیهه ۵۴- عبد الله بن محمد بن سلیمان ۵۵- عبد الله بن میمون مکتب ۵۶- عبد الوهاب بن عطاء ۵۷- عیید الله بن موسی عیسی ۵۸- عثمان بن عمران عجیفی ۵۹- علی بن ابراهیم بن هاشم قمی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۱۰ ۶۰- علی بن الحسین سعدآبادی ۶۱- علی بن حسان بن کثیر هاشمی واسطی ۶۲- علی بن عبد الله حسنی ۶۳- عمر بن الفرات ۶۴- عمر بن شیهه نمیری (۲۶۲ هـ) ۶۵- عمر بن عبد الواحد ۶۶- عمرو الناقد ۶۷- عمرو بن شمر بن یزید جعفی کوفی ۶۸- عمرو بن عاصم ۶۹- عمرو بن مرزوق ۷۰- محمد بن ابی عمیر ۷۱- محمد بن احمد صفوانی ۷۲- محمد بن اسماعیل حسنی ۷۳- محمد بن الضحاک ۷۴- محمد بن الضحاک حزامی ۷۵- محمد بن المثنی ۷۶- محمد بن الحسین بن ابی الخطاب ۷۷- محمد بن الحسین بن زیات همدان (۲۶۲ هـ) ۷۸- محمد بن الحسین غضبانی ۷۹- محمد بن حفص بن معمر تمیمی ۸۰- محمد بن رافع ۸۱- محمد بن زکریا بن دینار غلابی (۲۹۸ هـ) ۸۲- محمد بن زیاد بن زبّار زیادی کلبی ۸۳- محمد بن سعد کاتب (۲۳۰ هـ) ۸۴- محمد بن علی صیرفی ۸۵- محمد بن عمر واقدی ۸۶- محمد بن محمد بن یزید زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۱۱ ۸۷- محمد بن یحیی ۸۸- مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (۲۶۱ هـ) ۸۹- مفضل بن ابراهیم بن مفضل بن قیس اشعری، ابن رمانه ۹۰- موسی بن اسماعیل ۹۱-

موسی بن عیسی ۹۲- نائل بن نجیح بصری ۹۳- نسائی، ابو عبد الرحمن ۹۴- نصر بن مزاحم منقری (۲۱۲ هـ) ۹۵- ولید بن مسلم ۹۶- هارون بن یحیی ناشب ۹۷- یحیی بن بکیر ۹۸- یعقوب بن ابراهیم ۹۹- یعقوب بن یزید

فصل ۴: راویان خطبه فدکیه در قرن چهارم هجری

۱- ابن ابی جید ۲- ابو اسحاق ابراهیم بن مخلد بن جعفر بن سهل بن حرمان دقاق ۳- ابو العباس احمد بن محمد بن سعید همدانی (۳۳۳ هـ) ۴- ابو القاسم علی بن احمد کوفی (۳۵۲ هـ) ۵- ابو المفضل محمد بن عبد الله شیبانی (۳۸۷ هـ) ۶- ابو بشر محمد بن احمد کاتب رازی دولابی (۳۱۰ هـ) ۷- ابو بکر احمد بن عبد العزيز جوهری (۳۲۳ هـ) ۸- ابو بکر احمد بن مردویه اصفهانی (۳۵۲ هـ) ۹- ابو جعفر محمد بن الحسن بن الولید قمی (۳۴۳ هـ) ۱۰- ابو طالب محمد بن صبیح بن رجاء ۱۱- ابو عبد الله محمد بن احمد صفوانی ۱۲- ابو عبد الله محمد بن عماره مرزبانی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۱۲ ۱۳- ابو عیید الله محمد بن عمران بن موسی مرزبانی (۳۸۴ هـ) ۱۴- ابو علی بن همام بن سهیل ۱۵- ابو عمر عصمه بن ابی عصمه بخاری ۱۶- ابو عمرو کشی ۱۷- احمد بن محمد بن ابی الموت مکی ۱۸- احمد بن محمد بن موسی بن الصلت اهوازی ۱۹- اسعد بن شقروه ۲۰- ام الفضل، خدیجه بنت محمد بن احمد بن ابی الثلج ۲۱- جرمی بن ابی العلاء ۲۲- جعفر بن محمد بن قولویه ۲۳- حسن بن علی بن کیسان ۲۴- شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه (۳۸۱ هـ) ۲۵- عبد العزيز بن یحیی جلودی (۳۳۲ هـ) ۲۶- عبد الله بن احمد بن طیفور ۲۷- عبد الله بن اسحاق ۲۸- عثمان بن سعید العمری زیات همدانی ۲۹- علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (۳۰۷ هـ) ۳۰- علی بن حاتم ۳۱- علی بن الحسین سعدآبادی ۳۲- علی بن الحسین مسعودی (۳۴۶ هـ) ۳۳- علی بن هارون (۳۵۲ هـ) ۳۴- قاضی نعمان بن محمد مغربی (۳۶۳ هـ) ۳۵- محمد بن ابی القاسم ماجیلویه ۳۶- محمد بن احمد کاتب ۳۷- محمد بن اسلم ۳۸- محمد بن الحسن برانی ۳۹- محمد بن الحسن بن احمد بن ولید زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۱۳ ۴۰- محمد بن سلام ۴۱- محمد بن عیید ۴۲- محمد بن عمر جعابی ۴۳- محمد بن مفضل بن ابراهیم اشعری ۴۴- محمد بن موسی بن المتوکل ۴۵- محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ هـ) ۴۶- هارون بن موسی بن احمد تلکبری (۳۵۸ هـ)

فصل ۵: راویان خطبه فدکیه در قرن پنجم هجری

۱- ابن شهریار خازن ۲- ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری ۳- ابو عبد الله حسین بن عیید الله غضائری ۴- سلیمان بن ابراهیم حافظ ۵- سید مرتضی، علی بن الحسین موسوی (۴۳۶ هـ) ۶- شهر آشوب مازندرانی ۷- شیخ طوسی- ابو جعفر- حسن بن محمد ۸- شیخ عماد الدین محمد بن ابی القاسم طبری ۹- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۴۱۳ هـ) ۱۰- مفید ثانی، ابو علی حسن بن محمد طوسی

فصل ۶: راویان خطبه فدکیه در قرن ششم هجری

۱- ابو البقاء هبه الله بن نما ۲- ابو الحسن عریضی ۳- ابو الفضل شاذان بن جبرئیل قمی ۴- ابو المؤید موفق بن احمد مکی (۵۶۸ هـ) ۵- ابو النجیب سعد بن عبد الله همدانی ۶- ابو عبد الله حسن بن هبه الله بن رطبه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۱۴ ۷- ابو عبد الله حسین بن احمد بن طحال ۸- ابو عبد الله محمد بن علی بن شهر آشوب (۵۸۸ هـ) ۹- ابو عبد الله محمد بن

کال ۱۰- ابو منصور احمد بن علی طبرسی (ح ۵۲۰ هـ) ۱۱- شیخ هاشم بن محمد

فصل ۷: راویان خطبه فدکیه در قرن هفتم هجری

اشاره

۱- ابن ابی الحدید معتزلی، عزّ الدین عبد الحمید (۶۵۶ هـ) ۲- ابو القاسم جعفر بن الحسن بن سعید حلّی ۳- سبط ابن الجوزی (۶۵۴ هـ) ۴- سید علی بن طاوس حلّی (۶۶۴ هـ) ۵- فخار بن معدّ موسوی

راویان خطبه از قرن هشتم به بعد

۱- ابن ابی الفوارس، عمید الدین عبد المطلب بن مجد الدین عیبدلی ۲- ابن زهره حلبی، احمد بن محمّد بن زهره ۳- ابن عبد العالی، محمّد بن نجده ۴- ابن معینه، ابو عبد الله محمّد بن قاسم حسنی دیباجی ۵- ابن مؤذن جزینی، شمس الدین محمّد بن محمّد ۶- ابو الحسن علی بن طراد مطارآبادی ۷- ابو عبد الله حسین بن الحسن بن یونس بن ظهیر الدین عاملی (ق ۱۱ هـ) ۸- احمد بن فهد حلّی ۹- بهاء الدین محمّد بن الحسین بن عبد الصمد عاملی (۱۰۰۳ هـ) ۱۰- جلال الدین عبد الرحمن سیوطی (۹۱۱ هـ) ۱۱- جمال الدین احمد بن فهد ۱۲- حسین بن عبد الصمد عاملی (۹۸۴ هـ) ۱۳- زید الدین بن محمّد بن الحسن بن شهید ثانی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۱۵ ۱۴- زین الدین علی بن خازن حائری ۱۵- سید علی بن دقماق حسنی ۱۶- سید محمّد بن علی بن ابی الحسن حسینی عاملی ۱۷- شمس الدین محمّد بن احمد ذهبی (۷۴۸ هـ) ۱۸- شهید اول، شمس الدین محمّد بن مکی عاملی ۱۹- شهید ثانی ۲۰- شیخ حسن بن شهید ثانی ۲۱- شیخ ضیاء الدین علی عاملی ۲۲- شیخ محمّد بن حرّ عاملی (۱۱۰۴ هـ) ۲۳- عز الدین حسن بن عشره ۲۴- علامه ابو منصور حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (۷۲۶ هـ) ۲۵- علی بن ابی الحسن عاملی ۲۶- علی بن احمد مزیدی ۲۷- علی بن فخر الدین هاشمی عاملی ۲۸- فخر الدین ابو طالب محمّد بن علامه حلّی ۲۹- محمّد امین استرآبادی ۳۰- محمّد باقر مجلسی (۱۱۱۰ هـ) ۳۱- محمّد بن سلیمان (ق ۸ هـ) ۳۲- محمّد بن شجاع قطّان ۳۳- محمّد بن علی عاملی تبینی ۳۴- محمّد بن محمّد رازی ۳۵- محمّد بن مکی عاملی ۳۶- مقداد بن عبد الله سیوری اسدی ۳۷- ملا محسن فیض کاشانی (۱۱۱۵ هـ) ۳۸- مهنا بن سنان مدنی ۳۹- میر حامد حسین لکنهوی (۱۳۰۶ هـ) ۴۰- میرزا حسین نوری طبرسی (۱۳۲۰ هـ) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۱۶ ۴۱- نجیب الدین علی بن محمّد بن مکی عاملی ۴۲- نور الدین علی بن عبد العالی میسی عاملی ۴۳- نور الدین علی بن علی بن ابی الحسن الموسوی عاملی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۱۷

بخش پنجم متن اصلاح شده خطبه فدکیه

لَمَّا بَلَغَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَدَكَ، إِجْمَاعُ أَبِي بَكْرٍ عَلَى مَنْعِهَا فَدَكَ لَأَنَّ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجَلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لُحْمِهِ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُيُولَهَا، مَا تَحْرُمُ مَشِيئَتُهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَهُوَ فِي حَسَدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ فَنِيطَتْ دُونَهَا مَلَاءَهُ، فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَتَتْ أَنَّهُ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ، فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ، ثُمَّ أَفْهَلَتْ هُنَيْئَةً حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيجُ الْقَوْمِ وَهَدَأَتْ فَوَرْتُهُمْ، افْتَتَحَتِ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَعَادَ الْقَوْمَ فِي بُكَائِهِمْ فَلَمَّا أَمْسَوْا عَادَتْ فِي كَلَامِهَا. فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمومِ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَشَيْبُوعِ آلَاءِ أَسَدَاهَا، وَتَمَامِ مَنِّ وَالْإِخْصَاءِ عَدَدُهَا، وَنَائِي عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَتَفَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا،

وَنَدَبُهُمْ لِاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَاسْتَحَمَدَ إِلَى الْخَلِيقِ بِاجْزَالِهَا، وَتَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى امْتِثَالِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةُ جُعِلَ الْإِخْلَاصُ تَأْوِيلُهَا، وَضَمَّنَ الْقُلُوبُ مَوْصُولُهَا، وَأَنَارَ فِي الْفِكْرَةِ مَعْقُولُهَا، الْمُتَمَتِّعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَاهُ، وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ، وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ، ابْتِدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلُهَا، وَأَنْشَأَهَا بِلَا اخْتِدَاءٍ أَمِثْلَهُ امْتِثَالُهَا، كَوْنُهَا بِقُدْرَتِهِ، وَذَرَاهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَمَّا فَاتَمَدَ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ، وَتَثْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ، وَتَعَبُّدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَزِنَادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نَقَمَتِهِ وَحِيَاشَهُ مِنْهُ إِلَى جَنَّتِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا (ص) عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اخْتَارَهُ وَاتَّجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ يَجْتَبِيَهُ، وَأَصِطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَهُ، إِذِ الْخَلِيقُ بِالْغَيْبِ مَكُونُهُ، وَبَشَرُ الْأَهَاوِيلِ مَصُونُهُ، وَبِنَهَايَةِ الْعِدَمِ مَقْرُونُهُ، عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْصُورِ. ابْتَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِيْمَانًا لِأَمْرِهِ، وَغَرِيْمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَإِنْفَادًا لِمَقَادِيرِ حُكْمِهِ، فَرَأَى الْأُمَمَ فِرَاقًا فِي أَذْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا، فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي ظَلَمَهَا، وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بَهْمَهَا، وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غَمَمَهَا، وَقَامَ فِي النَّاسِ بِالْهَدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَبَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ، وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَدَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ، ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَافَةٍ وَاخْتِيَارٍ، وَرَغَبٍ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حُفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُبَرَّارِ، وَرِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَمُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ صَفِيَّةً وَخَيْرَتَهُ مِنَ الْخَلْقِ وَرَضِيَّتَهُ، وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ثُمَّ التَّفَتَّ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ، وَقَالَتْ: أَنتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصَبُ أَمْرُهُ وَنَهْيُهُ، وَحَمَلُهُ دِينَهُ وَوَحْيُهُ، وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَبَلَاغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، وَزَعْمُكُمْ حَقٌّ لَكُمْ لِلَّهِ فَيَكُنْ عَهْدُ قَدَمِهِ إِلَيْكُمْ، وَبَقِيَّةُ اسْتِخْلَافِهَا عَلَيْكُمْ، كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَالتُّورُ السَّاطِعُ، وَالصِّبْيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةُ بَصَائِرِهِ، مُنْكَشِفَةُ سِرَائِرِهِ، مُتَجَلِّيةُ ظَوَاهِرِهِ، مُدِيمَا لِلْبَرِيَّةِ اسْتِمَاعَهُ قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ أَشْيَاعُهُ، بِهِ تُمَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُتَوَرَّةُ، وَغَزَائِمُهُ الْمَفْسَرَةُ، وَمَحَارِمُهُ الْمَحْذَرَةُ، وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَرُخْصَةُ الْمُؤَهَّبَةِ، وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ، فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشُّرُكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَرْكِيبًا لِلنَّفْسِ، وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ، وَالْعِيْدَ تَنْسِيْقًا لِلْقُلُوبِ، وَطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ، وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ، وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ، وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السَّخَطِ، وَصَلَاةَ الْأَرْحَامِ مَنَامًا لِلْعِيْدِ، وَالْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدَّمَاءِ، وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَغْرِيسًا لِلْمَغْفِرَةِ، وَتَوْفِيَةَ الْمَكَائِيلِ وَالْمِوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبُخْسِ، وَالنَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا مِنْ زِنْدِگَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۸۱۹ الرَّجْسِ، وَاجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّغْوِ، وَتَرْكَ السَّرِيقَةِ إِيْجَابًا لِلْعِفَّةِ، وَحَرَمَ اللَّهُ الشُّرُكَ إِيْخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اْعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَابْنُ أَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَقُولُ عُودًا وَبَدَأًا، وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ، فَإِنْ تَغَرَّوْهُ وَتَعَرَّفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ آيَاتِكُمْ، وَأَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رَحِيالِكُمْ، وَلِنَعْمَ الْمَعْرِزُ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ، صَادِعًا بِالنَّذَارَةِ، مَائِلًا عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا بَجَبْهِمْ، أَخَذًا بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَكْسِرُ (۲) فِي الْمُضِيدِ: يَجْفُ. الْأَصْيَانَمَ، وَيَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَلَوْ الدُّبُرُ، حَتَّى تَفْرَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَأَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَخْصِيهِ، وَنَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَخَرَسَتْ شَفَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَطَاحَ وَشِيْطُ النِّفَاقِ، وَانْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ، وَفُتِّمَتْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخَمَاصِ، وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَنَهْزَةَ الطَّامِعِ، وَقَبْسَةَ الْعَجْلَانِ، وَمَوْطِئَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَتَقْتَاتُونَ الْوَرَقَ، أَذَلُّهُ خَاسِيَيْنَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ اللَّيْلِ وَالنَّهْيِ، وَبَعْدَ أَنْ مَنَى بِهِمُ الرِّجَالِ، وَدُؤْيَانِ الْعَرَبِ، وَمَرَدَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ كُلِّمَا أَوْفَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّيْطَانِ، وَفَعَرَتْ فَاعِرُهُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكُفِي حَتَّى يَطَّأ صِمَاحَهَا بِأَحْمَصِهِ، وَيُخِمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُودًا دُؤُوبًا فِي ذَاتِ اللَّهِ،

وَمُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدًا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، مُشِيرًا نَاصِحًا، مُجِدًّا كَادِحًا، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيهِ مِنَ الْعَيْشِ، وَادْعُونَ فَمَا كُفُّوا آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ، وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَتَقْرَوْنَ مِنَ الْقِتَالِ، فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَمَأْوَى أَصِيفِيَّائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ، وَسَحَلُ جَلْبَابِ الدِّينِ، وَنَطَقَ كَاطِمُ الْعَاوِينَ، وَنَبَغَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَهَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَأَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَلِلْغَرَةِ فِيهِ مَلَا حِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَأَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا، فَوَسَّيْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَأَوْرَدْتُمْ غَيْرَ شَرِبِكُمْ، زَنْدِ كَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۸۲۰ هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يَقْبُرُ، ائْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ، فَهَيَّوَاتِ مِنْكُمْ! وَكَيْفَ بِكُمْ؟! وَأَنَّى تُؤْفِكُونَ؟ وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَزَوَاجِرُهُ لَانِحَةٌ، وَأَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَقَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرْغَبَ عَنْهُ تُرِيدُونَ، أَمْ بَعِيرُهُ تَحْكُمُيُونَ؟! بَنَسَ لِلظَّالِمِينَ يَدَلًا، وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ، ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ أَنْ تَسِيَكُنَ نَفَرَتُهَا، وَيَسْلَسَ قِيَادُهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تَوَرُونَ وَقَدْتُمَا، وَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَتَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْعَوِيِّ، وَإِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَإِهْمَادِ سِيَرِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تَشْرَبُونَ حَسَوًا فِي ارْتِغَاءٍ، وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوُلْدِهِ فِي الْخُمُرَةِ وَالضَّرَاءِ، وَنَصِيرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَرِّ الْمِيدَى، وَخَزِ السَّنَانِ فِي الْحَشَا، وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَلَا إِرْثَ لَنَا أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَنْعُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ أَلَا تَعْلَمُونَ؟! بَلَى، تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةُ أَنَّى ابْتَنَتْ أَهْيَا الْمُسْلِمُونَ، أَغْلَبَ عَلَى إِرْثِيهِ؟! يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ، أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا أَرِثَ أَبِي؟! لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا قَرِيبًا أَفَعَلَى عَمِدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ «۱»؟! وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا (ع) إِذْ قَالَ: فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثْنِي وَيَرِثَ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ «۲»، وَقَالَ: وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ «۳»، وَقَالَ: يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ لَلْأُنثَيْنِ «۴»، وَقَالَ: إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ «۵»، وَزَعَمْتُمْ أَنْ لَنَا حُطُوءَ لِي وَلَنَا أَرِثَ مِنْ أَبِي وَلَنَا رَحِمَ يَبْنِيْنَا، أَفَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِأَيِّهِ أَخْرَجَ أَبِي (ص) مِنْهَا؟! أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ الْمِلَّتَيْنِ لَمَّا يَتَوَارَثَانِ؟! أَوْ لَسْتُ أَنَا وَابْنُ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟! أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمَ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَعُجُومِهِ مِنْ زَنْدِ كَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۸۲۱ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟! فَدُونُكُمْ مَخْطُومَةٌ مَرْحُولَةٌ تُلْفَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنِعْمَ الْحُكْمُ لِلَّهِ، وَالرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَعِنْدَ السَّاعَةِ يَحْشُرُ الْمُبْطِلُونَ، وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ، وَلِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ قَالَ وَمَا رَأَيْتُ أَكْثَرَ بَاكِيَةً وَبَاكَ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ: يَا مَعَاشِرَ النَّفْسِيَّةِ. يَا عِمَادَ الْمِلَّةِ وَحِصْنَةَ الْإِسْلَامِ، مَا هَذِهِ الْغَمِيرَةُ فِي حَقِّي، وَالسَّيِّئَةُ عَنْ ظُلَامَتِي، أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبِي يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وَلَدِهِ، سِرْعَانِ مَا أَخَذْتُمْ، وَعَجَلَانِ ذَا إِهَالَةٍ، وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوِلُ، وَقُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَأَزَاوِلُ، أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَطَبُ جَلِيلٍ اسْتَوْسَعَ وَهْنُهُ، وَاسْتَنْهَرَ فَنَقُّهُ، وَانْفَتَقَ رَتْقُهُ، وَأَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ، وَكَسَفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَانْتَشَرَتِ النُّجُومُ لِمَصِيبَتِهِ، وَأَكْدَتِ الْأَمَالُ، وَخَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَأَضْيَعَ الْحَرِيمُ، وَأَزِيلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ، فَلَيْسَ بَكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى، وَالْمُصِيبَةُ الْعَظْمَى، لَمَّا مِثْلُهَا نَارِلَةٌ، وَلَمَّا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْئِيتِكُمْ مُمَسِيَاكُمْ وَمُضِيجِكُمْ، هَتَافًا وَصِيْرَاخًا، وَتِلَاوَةً وَإِلْحَانًا، وَلَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيََاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ وَقَضَاءٌ حَتْمٌ: وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ. «۱» إِيهَا بَنِي قَيْلَه! أَأَهْضَمَ تَرَاثَ أَبِي وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مِنِّي وَمَسْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ، وَتَسْمَلُكُمُ الْخَبْرَةُ، وَأَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَالْعِيْدَةِ، وَعِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجُنَّةُ، تَوَافِيكُمُ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَتَأْتِيكُمُ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ، وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ، وَالنُّخْيَةِ الَّتِي انْتَخَبْتُ، وَالْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرْتُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. فَمَا تَلْكُمُ الْعَرَبُ، وَتَحَمَلْتُمُ الْكَدَّ وَالتَّعَبَ، وَنَاطَحْتُمُ الْأَمَمَ، وَكَافَحْتُمُ الْبُهَمَ، لَمَّا تَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَدَرَ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَخَصَّعَتْ نَعْرَةَ الشُّرُكِ، وَسَكَنْتْ فُورَةَ الْإِفْكِ، وَخَمِدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَهَيَّأَتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ، وَاسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حُرُوتُكُمْ بَعِيدَ الْبَيَانِ، وَأَسِيرَرْتُمْ بَعْدَ

الْإِغْلَانِ، وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ زِدْكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۲۲ الْإِيمَانِ بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكُتُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمُومُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ يَدُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَحْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَحْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ أَلَا وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالِدَّعَى، وَ نَجَوْتُمْ بِالْصِّيقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ، وَ دَسَّعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، ف: إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ أَلَا وَ قَدْ قُلْتُ الذِي قُلْتُ عَلَى مَعْرِفَةِ مَنِّي بِالْخَذْلَةِ الَّتِي خَافَرْتَكُمْ، وَ الْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتُهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنِّهَا فَنَضَهُ النَّفْسِ، وَ نَفَثَهُ الْغَيْظِ، وَ خَوَّرُ الْقَنَاءِ، وَ بَنَنُ الصَّدْرِ، وَ تَقَدَّمَةُ الْحُجَّةِ، فَدُونَكُمْ مَوَاهَا فَاحْتَقِبُوا دَبْرَهُ الظَّهْرِ، نَقِيَّةَ الْخَفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومِيَّةَ بَغْضِ اللَّهِ مَوْصُولَهُ ب: نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَى مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. وَ أَنَا ابْنُهُ نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ف: اَعْمَلُوا ... إِنَّا عَامِلُونَ وَ انْتِظَرُوا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَانَ وَ قَالَ: يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ (ص)! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَعُوفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا، وَ عِقَابًا عَظِيمًا، إِنْ عَزَوْنَاهُ وَ حِدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النَّسَاءِ، وَ أَخَا الْفِكَ، دُونَ الْأَخِلَاءِ آثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ، وَ سَاعِدُهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ، وَ لَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ، فَأَنْتُمْ عِترَةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الطَّيِّبُونَ، وَ الْخَيْرَةُ الْمُتَجَبُّونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدْلَتْنَا، وَ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَ أَنْتِ يَا خَيْرَةَ النَّسَاءِ وَ ابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وَفْوَرِ عَقْلِكَ، غَيْرُ مَزْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَ لَمَّا مَضَى دُودُهُ عَنْ صِدْقِكَ، وَ اللَّهُ مَا عِدُّوتُ رَأَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ إِنْ الرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ، وَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ كَفَى بِهِ شَهِيدًا أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ ذَهَبًا وَ لَا فِضَّةً وَ لَا دَارًا وَ لَا عَقَارًا وَ إِنَّمَا نُورِثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ الثُّبُوءَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طَعْمِهِ فَلَوْلِي الْأَمْرِ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ، وَ قَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهُ فِي الْكِرَاعِ وَ السَّلَاحِ يُقَاتِلُ بِهَا الْمُشْلِمُونَ وَ يُجَاهِدُونَ الْكُفَّارَ، وَ يُجَالِدُونَ الْمَرْدَةَ الْفُجَّارَ، وَ ذَلِكَ بِإِجْمَاعِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، لَمْ أَنْفَرِدْ بِهِ وَخِدِي، وَ لَمْ أَشْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي، وَ هِذِهِ حَالِي وَ مَالِي هِيَ لَكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ لَا نَزْوَى عَنْكَ وَ لَمَّا نَدَخِرْ دُونَكَ، وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ أُمَمٍ أَيْسِكَ، وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيكَ، لَمَّا نَدَفَعَ مَا لَكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا نُوضِعُ مِنْ فَرْعِكَ وَ أَصْلِكَ، حُكْمَكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ، فَهَلْ تَرَيْنَ أَنْ أَخَالَفَ فِي ذَلِكَ أَبَاكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؟! زِدْكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۲۳ فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: شَيْبَحَانَ اللَّهُ! مَا كَانَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا وَ لَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالَفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ آثَرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ، أَفْتَجْمَعُونَ إِلَى الْعُدْرِ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ وَ الْبَهْتَانِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَيْبَةً بِمَا بُعِيَ لَهُ مِنَ الْغَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا، وَ نَاطِقًا فَضْلًا، يَقُولُ: يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ «۱» وَ يَقُولُ وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ «۲» فَبَيْنَ عَزٍّ وَ جَلٍّ فِيمَا وَزَعَ مِنَ الْأَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ الْمِيرَاثِ، وَ أَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذُّكْرَانِ وَ الْإِنَاثِ مَا أَرَاخَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلِينَ، وَ أَزَالَ التَّطَنِّيَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ، كَلَّا! بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَ صَدَقَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ ابْنَتُهُ، أَنْتِ مَعِينَةُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدَى وَ الرَّحْمَةِ، وَ رُكْنُ الدِّينِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَمَّا أَبْعَدَ صَوَابِكَ، وَ لَا أَكْبَرَ خَطَابِكَ، هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمُونَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَلْدُونِي مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مُكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدٍّ وَ لَا مُسْتَأْثِرٍ، وَ هُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ. فَالْتَفَتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ النَّاسَ وَ قَالَتْ: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ! الْمُسْرَعَةُ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ، الْمَغْضِيَّةُ عَلَى الْفَعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفْغَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبَسَ مَا تَأَوَّلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرُتُمْ، وَ شَرَّ مَا اغْضَبْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَ اللَّهَ مَحْمَلَةً ثَقِيلًا، وَ غَبَةً وَبِيلًا، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغُطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ مِنَ الْبَاسَاءِ وَ الضَّرَائِ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ثُمَّ عَطَفَتْ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَالَتْ: قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَ هَبْنَاهُ لَوْ كُنْتُ شَاهِدَهَا لَمْ تَكُنْ الْخُطْبُ إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْمَارِضُ وَ الْبَلْهَى وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدَهُمْ وَ لَا تَغِبْ. وَ كُلُّ أَهْلٍ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَذْنَيْنِ مُقْتَرِبٌ أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجَوَى صُدُورِهِمْ لَمَّا مَضَتْ وَ حَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ تَجْهَمْتَنَا رِجَالٌ وَ اسْتَيْخَفَ بَنَا لَمَّا فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْأَرْضِ مُعْتَصَبٌ زِدْكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۲۴ وَ كُنْتُ يَدْرًا وَ نُورًا يُشِيتُضَاءُ بِهِ عَلَيْكَ يَنْزِلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ وَ كَانَ جَبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤَنِّسُنَا فَقَدْ فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُخْتَجَبٌ فَلَيْتَ

قَبْلَكَ كَإِنْ الْمَوْتُ صَادَفَنَا لَمَّا مَضَيْتَ وَحَالَتْ دُونَكَ الْكُثْبُ إِنَّا زُرِينَا بِمَا لَمْ يُوزَ دُو شَجِنٍ مِنَ الْبَرِيَّةِ لَا عُجْمٌ وَلَا عَرَبٌ ثُمَّ انْكَفَأَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ - وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَوَقَّعُ رُجُوعَهَا إِلَيْهِ وَ يَتَطَلَّعُ طُلُوعَهَا عَلَيْهِ - فَلَمَّا اسْتَقَرَّتْ بِهَا الدَّارُ، قَالَتْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْكَ السَّلَامُ: اشْتَمَلْتُ شَمْلَةَ الْجَنِينِ، وَقَعَدْتُ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ، نَفَضْتُ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيَشُ الْأَعْزَلِ، هَذَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةٍ يَبْتَزُّنِي نَحْلَهُ أَبِي وَ بُلْعَهُ ابْنِي، لَقَدْ أَجْهَدَ فِي خِصَامِي، وَ أَلْفَيْتُهُ أَلَدَّ فِي كَلَامِي، حَتَّى حَبَسَ ثَنِي قَيْلَهُ نَصِيرَهَا، وَ الْمُهَاجِرَةُ وَ ضِلَمَهَا، وَ غَضَبَ الْجَمَاعَةَ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ، خَرَجْتُ كَاطِمَةً، وَ عُدْتُ رَاغِمَةً، أَضْرَعْتُ خَدَّكَ يَوْمَ أَضَعْتُ خَدَّكَ، افْتَرَسَتِ الدُّنَابُ وَ افْتَرَشَتِ التُّرَابُ، مَا كَفَفْتُ قَائِلًا، وَ لَمَّا أَغْنَيْتَ طَائِلًا، وَ لَمَّا خَيَّرَ لِي، لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَيْبَتِي وَ دُونَ ذِلَّتِي، عَذِيرِي اللَّهُ مِنْكَ عَادِيًّا، وَ مِنْكَ حَامِيًّا، وَيْلَايَ! فِي كُلِّ شَارِقٍ وَبِلَايَ فِي كُلِّ غَارِبٍ مَاتَ الْعَمِيدُ، وَ وَهَنَ الْعُضْدُ، شَكُوَايَ إِلَى أَبِي، وَ عَدُوَايَ إِلَى رَبِّي، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ حَوْلًا وَ أَشَدُّ بَأْسًا وَ تَنَكِيلًا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَئِلَ لَكَ بَلِ الْوَيْلُ لِيَشَانِكَ، نَهْنَهِي عَنْ وَجْدِكَ يَا ابْنَهُ الصَّفْوَةِ، وَ بَقِيَّةَ الثُّبُوءِ، فَمَا وَئَيْتَ عَنْ دِينِي، وَ لَا أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي، فَإِنْ كُنْتَ تُرِيدِينَ الْبُلْعَةَ، فَرَزَقُكَ مَضْمُونٌ، وَ كَفِيلُكَ مَأْمُونٌ، وَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ أَفْضَلَ مِمَّا قُطِعَ عَنْكَ، فَاخْتَسِبِي اللَّهَ. فَقَالَتْ: حَسْبِيَ اللَّهُ .. وَ نِعَمَ الْوَكِيلُ وَ أَمْسَكَتْ.

بخش ششم ترجمه خطبه

عبد الله بن الحسن مثنی به اسناد خود از پدران گرامش - درود خداوند بر آنان باد - نقل می کند: ابو بکر عزم خود را بر گرفتن فدک از فاطمه زهرا علیها السلام جزم کرد. چون خبر به سمع و نظر حضرت رسید، سرپوش بر سر افکند و خود را در چادری پیچیده با گروهی از زنان به جانب مسجد به راه افتاد. حضرت خود را سخت مستور داشته بود و همچون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بدون هیچ کاستی قدم برمی داشت، تا اینکه بر ابو بکر وارد شد. ابو بکر در مسجد نشسته بود و گروهی از مهاجرین و انصار بر گردش جمع شده بودند. برای دور ماندن حضرت از نگاه نامحرمان پرده ای در مسجد آویخته شد و فاطمه علیها السلام در پس آن قرار گرفتند. در ابتدا فاطمه زهرا علیها السلام صدای خود را به ناله ای دلخراش بلند کرد، مسجد لرزید و حاضران به گریه افتادند. سپس لختی سکوت کرد تا مجلس از جنب و جوش خود باز ایستاد. فریادها و همه ها چون به سکوت گرایید، کلام خود را با سپاس و ستایش از خداوند و درود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آغاز نمود. بار دیگر ناله ها به اوج خود رسید. با برقراری آرامش مجدد، فاطمه علیها السلام این گونه ادامه داد: خداوند را بر آنچه ارزانی داشت، سپاسگزار و بر اندیشه نیکو که در دل نهاد، شاکر و بر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۲۶ نعمتهای فراگیرش ثنا می گویم. نعمتهایی که از چشمه لطفش جوشید و عطاهای فراوانی که بخشید و احسانی که پیایی پراکند. نعمتهایی که از شمار بیرون است و شکر و جبران (نعمتها) از توان افزون، و درک نهایتش نه در حد اندیشه ناموزون. بندگان را برای فزونی نعمتها و استمرار عطایا به شکر خویش فراخوانده برای تکمیل به ستایش آن متوجه نموده آنان را برای نعمتها دو چندان تشویق فرموده است. گواهی می دهم که معبودی جز او نیست و یکتایی است بی انباز و شریک. روح این گواهی، دوستی بی آلایش و خلوص است، که دلهای مشتاقان با آن در آمیخته آثارش در افکار پرتو افکن شده است. خدایی که دیدگان را توانایی دیدن، زبان را یارای بیان، و گمانها را قدرت بر ادراک او نیست. همه چیز را از نیستی به هستی در آورد، و آنان را بدون وجود الگو و نمونه ای ایجاد نمود. باید قدرت خود همه را بالندگی داد و با اراده اش به خلق موجودات دست یازید، بی آنکه به آفرینش آنها نیازمند باشد و از این صورتگری طرفی ببندد. او می خواست حکمتش را آشکار سازد و مردم را به فرمانبرداریش هشیار کند و بندگان را به عبودیتش رهنمون گرداند و برای دعوتش موجب سرافرازی باشد پس آنگاه پاداش را در اطاعت و کیفر را در نافرمانی نهاد تا بندگان را از خشم و عذاب خود رهانیده به سوی بهشت و کانون رحمتش سوق دهد. گواهی می دهم که پدرم، محمد، بنده و فرستاده اوست. او را برگزید و انتخاب کرد قبل از آنکه به سوی مردم برای هدایت آنان بفرستد و پیش از انتخاب کردن، نامی نیکو بر او نهاد و قبل از آنکه او را

به پیامبری برانگیزاند، از میان مردم انتخاب کرد و برگزید و این در آن هنگام بود که بندگان در حجاب غیب مستور، در پس پرده نیستی و در پهنه بیابان عدم، سرگردان بودند. پروردگار بزرگ بر پایان هر کار دانا و بر دگرگوئیها محیط و به انجام هر چیز بینا بود. محمد صلی الله علیه و آله و سلم را برانگیخت تا فرمانش را کامل، حکمش را نافذ و آنچه را مقدر ساخته بود، به انجام رساند. پیامبر مشاهده نمود که هر گروه آیینی را پذیرا گشته‌اند. دسته‌ای بر گرد آتش در طواف، گروهی در برابر بت به نماز، و همگان یاد خدایی را که می‌شناسند، از خاطر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۲۷ زده‌اند. پس خداوند به نور محمد بساط ظلمت را برچید، و دلها را از تیرگی کفر رها کنید، و ابرهای تیره و تار را از مقابل دیدگان به یک سو فکند. او (پیامبر خدا) برای هدایت مردم به پای خاست و آنها را از گمراهی و ناراستی رهایی بخشید و چشمانشان را بینا ساخت. آنان را به آیین پا بر جای اسلام رهنمون و به راه راست دعوت نمود. سپس از روی اختیار و مهربانی، و میل و ایثار، جوار رحمت خود را به او ارزانی داشت، و او را از رنج این جهان دل آسوده و راحت نمود و فرشتگانی مقرب بر او گماشت. چتر دولتش را در همسایگی خود افراشت و طومار مغفرت و رضوان را به نام او نگاشت. درود و برکات بی‌پایان خداوندی بر محمد پیام آور رحمت، امین وحی و رسالت و برگزیده امت باد. سپس فاطمه علیها السلام نگاهی به اهل مجلس افکند و این چنین به سخنان خود ادامه داد: شما بندگان خدا، نگاهبانان حلال و حرام، حاملان دین و احکام، امینان خداوند بر خویش و پیام آوران او به سوی امتها هستید. حقی از سوی خداوند بر عهده دارید و پیمانی را که با او بسته‌اید، پذیرفته‌اید. و آنچه که پیامبر خدا پس از خود در میان شما باقی گذارده، کتاب گویای خداوند و قرآن صادق می‌باشد که نور او فروزان و شعاع او درخشان است. قرآن کتابی است که دلایلش روشن، لطایف و دقایقش آشکار، ظواهرش نورانی، پیروانش پر افتخارند و جهانیان بدیشان غبطه خورند و حسد برند. کتابی که پیرویش راهگشای روضه رحمت الهی است و شنونده‌اش رستگار در دو سرا، در پرتوی آن، دلیلهای روشن الهی را می‌توان دید و نیز تفسیر احکام و واجبات او را دریافت. قرآن حرامهای خداوندی را بازدارنده، حلالهای او را رخصت دهنده و مستحبات را نمایانده است و بیانگر شریعت اسلام می‌باشد. خداوند ایمان را سبب زدودن زنگار شرک از دلها تان قرار داد و نماز را موجدی برای دوری شما از خودپرستی، و زکات را دستمایه بی‌آلایشی نفس و افزایش روزی بی‌دریغ و روزه را عامل تثبیت دوستی و اخلاص و حج را وسیله تقویت دین، و عدالت را مایه پیوند قلوب، و پیروی ما را سبب نظم و پیشوایی ما را مانع جدایی و افتراق، جهاد را وسیله عزت شما و خواری و ذلت کفار و منافقین، و شکیبایی و صبر را موجدی برای جلب پاداش، فرمان به حلال و نهی از حرام را برای مصلحت مردم، و نیکی به پدر و مادر را موجب زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۲۸ پیشگیری از خشم الهی قرار داد. صله رحم را باعث افزایش جمعیت، قصاص را سبب بقای زندگانی، وفای به نذر را موجب آموزش و تمام پرداختن پیمان و وزن را مانع از کم فروشی و کاهش (نعمات) قرار داد. بر کنار بودن از می‌خوارگی را سبب پاکی از پلیدیها و پرهیز از تهمت و نسبتهای ناروا را مانعی در برابر لعن و نفرین الهی و منع از دزدی را موجدی برای پویدن راه عفت ساخت و پاکی و اجتناب از خوردن مال یتیمان و خودداری از اختصاص غنیمت به خود و تقسیم آن در میان اصحاب استحقاق را باعث در امان ماندن از ظلم، و عدالت پیشگی در اجرای احکام را موجب راحتی و آرامش و ملایمت در امور مردم قرار داد. شرک را حرام نمود تا از سر اخلاص ره رستگاری پویند «پس چنان که شایسته ترس از خداست از او بترسید و تن به مرگ مدهید جز آنکه در طریق اسلام باشید» از خداوند در آنچه که شما را فرموده و یا از آنچه که بازداشته، فرمان برید که «از میان بندگان تنها دانایان از خداوند می‌ترسند». سپس فرمود: ای مردم بدانید من فاطمه‌ام، و پدرم محمد است - که صلوات و درود خداوند بر او و خاندانش باد - آنچه که در آغاز گفته‌ام، در پایان هم از آن سخن خواهم راند. در گفتارم ناراست نگویم و در کردارم راه خطا نپویم «همانا پیامبری از میان شما به سوی شما آمد که رنج و محنت شما او را گران آمد، سخت به شما دل بسته است و برای مؤمنین مهربان و غمخوار است». اگر او را بشناسید خواهید دید که او پدر من است و نه پدر زنان شما. و برادر پسر عموی من بوده، نه برادر مردان شما. چه پر افتخار است

این نسب - درود خداوند او و خاندانش را شامل باد. او رسالت خود را به مردم ابلاغ و آنان را از عذاب خداوندی بر حذر داشت. از روش مشرکان روی گرداند و گردنهایشان را به ضرب تازیانه توحید کوفت و حلقومشان را به سختی فشرد. او مردم را با دلیل و برهان و اندرز سودمند به راه خداوند رهنمون بود. شوکت بت و بت پرستان را در هم شکست تا جمع آنها از هم گسیخت و ظلمت شب تار زدوده شد و صبح ایمان دمید و برقع و نقاب از چهره حقیقت به یک سو فکند. زبان پیشوای دین به گفتار زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۲۹ باز شد و عربده جویهای شیاطین به خاموشی گرایید. افسر و تاج نفاق بر زمین فرو افتاد، گره های کفر و اختلاف گشوده شد و شما به همراه گروهی از سپید رویان پاک نهاد (پارسایان آبرومندی که از شدت خویشتن داری و گرسنگی روزه سپید روی و رنگ پریده بودند) گویای کلمه اخلاص (لا اله الا الله) شدید و حال آنکه بر لب پرتگاه گودال جهنم بودید. به خاطر ضعف و ناتوانی شما، هر کس از راه می رسید، می توانست شما را نابود کند، همچون جرعه ای برای تشنه و لقمه ای برای خورنده و شکار هر درنده و لگدکوب هر رونده و پایمال هر رهگذری می شدید. از آب گندیده و ناگوار می نوشیدید و از پوست جانور و مردار سدّ جوع می کردید. پست و ناچیز بودید و «از هجوم همسایه و همجوار در هراس». در چنین حالی خداوند تبارک و تعالی محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیام آور خود را به سوی شما گسیل داشت. او پس از آن همه رنجها که دید و سختی ها که کشید، شما را از ذلت و خواری رهایی بخشید. رزم آوران ماجراجو، سرکشان درّنده خو، جهودان دین به دنیا فروش و ترسایان دور از حق از هر سو به او تاختند و با او به مخالفت برخاستند. «چون هر زمان آتش اخگر به هیزم و هیمة فتنه افکندند، خداوند آن را خاموش ساخت» و هر گاه شاخ شیطان نمایان می گشت و یا مشرکی دهان به یاوه گویی می گشود، او برادرش علی علیه السلام را در کام آن می افکند. علی علیه السلام هم در مقابل تا آن زمان که بر مغز و سر مخالفان نمی کوبید و بینی آنها را به خاک مذلت نمی مالید، ترک امر نمی نمود. او در راه خداوند کوشا، به رسول خدا نزدیک، و مهتر اولیای نصیحتگر، تلاشگر و کوشنده بود، و شما در آن هنگام در آسایش می زیستید و از امنیت برخوردار بودید. مترصد تغییر جهت چرخ گردون علیه ما و گوش به زنگ اخبار بودید. به هنگام کارزار عقب گرد می کردید و در میدان نبرد فرار را بر قرار ترجیح می دادید. چون خداوند سرای پیمبرانش را برای پیامبر خود برگزید و جایگاه برگزیدگان را منزلگاه او ساخت، کینه ها و دورویی ها آشکار و پرده دین دریده شد. هر گمراهی مدّعی و هر گمنامی سالار و هر یاوه گویی در پی گرمی بازار خویش، شیطان سر از کمینگاه خود به درآورد و شما را به سوی خود فراخواند، و بسیاری از شما را آماده پذیرفتن دعوتش و منتظر فریبش یافت! شما هم سبکبار در پی او دویدید و به آسانی در دام فریبش خزیدید. و او آتش انتقام را در دلها تان برافروخت. آثار خشم در چهره شما نمایان گردید و سبب شد زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۳۰ که بر غیر شتر خود داغ نهید و در غیر آبشخور خود وارد شوید. این در حالی بود که هنوز دو روزی از مرگ پیامبرتان نگذشته، سوز سینه ما خاموش نشده، جراح قلب ما التیام نیافته، و هنوز پیامبر خدا در دل خاک جای نگرفته بود. بهانه شما این بود که از بروز فتنه ها جلوگیری می کنید «راهی جز راه حق می پویند» و گر نه کتاب خدا در میان شماست! مطالب و موضوعاتش معلوم و احکام و دلایل آن روشن و درخشان، نشانه های نورانی و هویدا، نواهی آشکار و اوامر گویاست. اما شما آن را به پشت سرافکندید. آیا از کتاب خدا روی برتافته از آن اعراض می کنید؟ آیا داوری جز قرآن می گیرید؟ یا به غیر آن حکم می کنید؟ «ستمکاران بد جانشینی را برای قرآن برگزیده اند» و هر کسی کیشی جز آیین اسلام را پذیرا گردد، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت در زمره زیانکاران خواهد بود». حتی شما آن مقدار درنگ و تأمل نکردید تا ستور و اسب سرکش خلافت رام گردد و تسلیمتان شود که به راحتی بتوانید از آن سواری بگریید و کینه و نفرتتان فروکش کند. هیزم در آتش فتنه افکنده آن را برای شعله ور شدن برهم زدید. ندای شیطان فریبکار را لَبیک گفتید و به خاموش ساختن آیین حق و دین نورانی و از میان برداشتن سنت پیامبر برگزیده کمر بستید. چنین ماند که زدودن کف از روی شیر را بهانه کرده آن را پنهانی تا به آخر سر کشیدید. برای گوشه نشین کردن خاندان و فرزندان پیامبر در کمینگاه خزیدید. ما چاره ای جز

شکیبایی ندیدیم، و همچون خنجر به گلو فرو رفته و تیغ بران بر دل نشسته سکوت نمودیم. شما می‌پندارید که ما ارثی نداریم؟ «مگر رسم جاهلیت را می‌جوئید؟ برای مردم دارای یقین چه حکمی از حکم خداوند بهتر است؟» آیا آگاه نیستید؟ چرا، آگاهید و همچون آفتاب درخشان برای شما روشن است که من دختر آن پیامبر هستم. شما ای مسلمانان! آیا رواست که میراث پدرم به زور از من ستانده شود؟ آه! درد! ای گروه مهاجر! چقدر عجیب و در عین حال سخیف است که ارث پدرم مورد دستبرد و تجاوز قرار گیرد و من از آن محروم بمانم؟ ای فرزند ابو قحافه! خداوند گفته که تو از پدرت ارث بری و من از پدرم ارث نبرم؟ «چه سخن ناروایی!» آیا از سر عناد و لجاج کتاب خدا را ترک و به پشت سر افکنده‌ای؟ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۳۱ در حالی که او می‌فرماید: «سلیمان از پدرش داود ارث برد.» و یا آنجا که داستان یحیی فرزند زکریا- که درود خداوندی شاملشان باد- را بازگو می‌کند، می‌فرماید: «مرا از جانب خود فرزندی عطا کن که وارث من و خاندان یعقوب باشد» و نیز می‌فرماید: «هر گاه یکی از شما را مرگ فرا رسد و مالی بر جای نهد در باره پدر و مادر و خویشان به دیده انصاف سفارش کند که این شایسته پرهیزگاران است». شما به خیال باطل خود چنین پنداشتید که من هیچ بهره و ارثی از پدر ندارم؟ و هیچ خویشاوندی و قربتی میان ما وجود ندارد؟ آیا خداوند آیه‌ای در خصوص شما فرو فرستاده که پدرم از آن خارج است؟ یا بر این رأی و نظریه که من و پدرم هر یک به آیینی جدا سر نهاده‌ایم؟ یا اینکه دعوی آن دارید که از پدرم و پسر عمویم به خاص و عام قرآن آگاهتر هستید؟ حال که چنین است بگیر آن شتری را که آماده است و مهار زده و بر آن سوار شو! لیکن بدان در روز برپایی رستاخیز تو را دیدار می‌کند و بازخواست می‌نماید و آن روز چه روزیست! در آن ساعت «گمراهان زیان خواهند دید» اما چه سود که پشیمانی فایده‌ای نخواهد داشت. «که برای هر خبر زمانی معین است و به زودی خواهد دانست که چه کسی به عذابی که خوارش می‌سازد، گرفتار می‌آید و یا عذاب جاوید بر سر او فرود می‌آید». سپس حضرت فاطمه علیها السلام گروه انصار را مخاطب قرار داده فرمودند: ای جوانان و ای بازوان توانمند ملت و یاران اسلام، این سهل‌انگاری شما در ستاندن حق من از چیست؟ این چه سستی است که در برابر ستمی که بر من شده، روا می‌دارید؟ آیا پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌فرمود: «بزرگداشت مرد را در باره فرزندان هم باید پاس داشت؟» چه زود اوضاع را واژگون نمودید و به بیراهه گام نهادید، با اینکه توانایی بر احقاق حقوق مرا در بازو و عده کافی در اختیار دارید. آیا می‌گویید که محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت و با رفتن او همه چیز تمام شد؟ آری مرگ او ضربه هولناکی بر پیکره اسلام بود، فاجعه بزرگی است که بر همه غبار غم فرو ریخت که شکافش هر روز فراختر و گسستگیش دامنه‌دارتر و وسعتش فزونی‌تر می‌گردد. زمین از نبود او زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۳۲ تاریک و ظلمانی و در مصیبت حضرتش بهترین بندگان او محزون و اندوهگین شدند و خورشید و ماه پشت ابرهای تیره و تار پنهان، و به خاطر این مصیبت ستارگان از هم جدا و پراکنده شدند. امیدها ناامید، کوهها متزلزل، حریم افراد شکسته، و گرامیداشت و حرمتها پایمال شد. به خداوند سوگند مرگ او حادثه‌ای بزرگ، مصیبتی دهشتناک و ضایعه‌ای جبران ناپذیر بود که هیچ بلیه‌ای بدان پایه نمی‌رسد. اما به یاد داشته باشید که قرآن از پیش این واقعه را گوشزد نموده بود. همان کتابی که پیوسته در خانه‌های شماست و صبح و شامگاه با صدای بلند و زمانی آهسته و با الحان مختلف به تلاوت آن می‌پردازید. در این مسیر انبیای پیشین هم واقع شدند چرا که مرگ فرمان تخلف ناپذیر الهی است: «جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبران دیگری هم بوده‌اند، اگر او بمیرد و یا کشته شود شما به آیین پیشین خود باز می‌گردید؟ باز گشت هر کس زیانی را متوجه ذات حق نخواهد کرد. و خداوند سپاسگزاران را پاداش خواهد داد». هیئات! پسران قبیله (ای قبیله‌های اوس و خزرج) پیش چشمان شما میراث پدرم را ببرند! حرمتم بشکنند! در حالی که شما آشکارا می‌بینید و می‌شنوید و اخبارش به شما می‌رسد. اما شما بیهوش و خاموش نشسته‌اید؟ در حالی که سرباز و نیروی بسیار دارید. ساز و برگ فراوان دارید و سلاح و سپر بی‌شمار. دعوتم را می‌شنوید و پاسخ نمی‌گویید! فریاد من در میان شما طنین افکن است اما چه سود که به فریاد نمی‌رسید! در حالی که شما در شجاعت زبانزد خاص و

عام، در خیر و صلاح شهره آفاق، و برگزیدگان قبایل و اقوامید. و نزد ما اهل بیت از بهترین مردمان محسوب می شدید. با عرب درگیر شده، رنج و محنت فراوان تحمل کردید. شاخهای گردنکشان را شکستید و با جنگجویان قدر دست و پنجه نرم نمودید. شما بودید که پیوسته در راه ما، و سر به فرمان ما داشتید، تا اینکه آسیای اسلام بر محور وجود ما به گردش در آمد و شیر مادر روزگار رو به فزونی نهاد. نعره مشرکان گلوگیرشان شد، لهیب دروغ فروکش کرد، آتش کفر بی فروغ شد، فراخوانی به جدایی و تفرقه بازایستاد، و دین نظام یافت. اکنون پس از آن همه زبان آوری چرا دم فرو بستید؟ و حقایق را پس از آشکار شدن مکتوم می دارید؟ آنهم برابر مردمی که پیمان خود را شکستند؟ و پس از قبول ایمان راه شرک پیشه کردند «آیا با مردمی که سوگند زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۳۳ خود را شکستند و آهنگ اخراج رسول کردند و بر ضد شما دشمنی آغاز کردند نمی جنگید؟ آیا از آنها می ترسید؟ و حال آنکه اگر ایمان آورده باشید سزاوارتر است که از خداوند بترسید و بس». اما می بینم که به تن آسایی خو گرفته اید، و کسی را که از همه برای زعامت و اداره امور مسلمانان شایسته تر است دور ساخته اید، و به آسودن در گوشه ای دنج و خلوت تن داده اید، و از فشار و تنگنای مسئولیت به بی تفاوتی روی آورده اید. آری آنچه از ایمان و آگاهی در درون داشتید، بیرون افکندید، و آب گوارایی که نوشیده بودید، به سختی از گلو بر آوردید. «اگر شما و همه روی زمین کافر گردند خداوند بی نیاز و در خور ستایش است». من آنچه شرط بلاغ است، با شما گفتم. اما می دانم مردمی خوار، و در چنگال زبونی گرفتار، و خیانت پیشه هستید و قلبهای شما بدان گواه است. چه کنم که دلی پر خون دارم. و از این رو بازداشتن زبان شکایت از طاقتم بیرون است! اندوهی که در سینه ام موج می زند، بیرون ریختم، تا با شما اتمام حجت کنم و عذری برای کسی باقی نماند. اکنون که چنین است این مرکب خلافت ارزانی شما، به آن محکم در آویزید و هرگز رهایش مسازید. ولی آگاه باشید که پشت این شتر مجروح و پای آن تاول زده و سوراخ است. داغ ننگ بر خود دارد و نشانی از خشم خداوند و رسوایی ابدی با او همراه است. اما شما را آسوده نخواهد گذارد تا به آتش خشم خداوندی بیازارد «آتشی که هر دم می افزود و دل و جان را می سوزد». آنچه می کنید در نزد خداوند حاضر است «و ستمکاران به زودی درمی یابند که به چه مکانی بازمی گردند» من دختر پیامبری هستم که شما را از عذاب الهی بر حذر می داشت. آنچه در توان دارید انجام دهید. «ما نیز به وظیفه خود عمل می کنیم. شما انتظار بکشید ما نیز منتظر می مانیم». پس از سخنان فاطمه علیها السلام ابو بکر عبد الله بن عثمان در آن جمع پاسخ دختر پیامبر را چنین داد: ای دختر پیامبر خدا! پدرت غمخوار مؤمنین بود و بر آنان چون دایه ای مهربان، و دشمن کافران بود و نشانی از قهر یزدان. اگر نسبت به او دقیق گردیم می یابیم که او پدر توست، و نه پدر دیگر زنان، برادر پسر عموی توست نه دیگر مردان، در دیده پیامبر، او زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۳۴ (علی) از همه خویشان برتر و در کارهای بزرگ او را یاور. جز سعادتمند شما را دوست نمی دارد و جز بدکار شما را دشمن نمی دارد، چرا که شما خاندان پاک رسولید و برگزیده خوشنامان جهان. شما ما را به خیر و صلاح راهبر و به سوی جنت و رضوان راهنما بودید. و تو، ای برگزیده بانوان ای دختر بهترین فرستادگان! در گفتارت راستگو و در وفور عقلت پیشگام هستی، هرگز از حقت بر کنار نخواهی بود و در راستی گفتارت شک نخواهیم نمود. امّا به خداوند سوگند که من گامی فراتر از آنچه که رسول خدا فرمود، ننهادم و جز به رخصتی که او فرموده بود، اقدام نکردم. بدان که راهبر قبیله به خیل و خویشان خود از سر دروغ چیزی نمی گوید. من خداوند را به شهادت می طلبم، که خداوند بر این گواهی مرا کفایت می کند. من از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: «ما پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی گذاریم، بلکه آنچه بر جای می نهیم، کتاب و حکمت و دانش و نبوت است و آنچه طعمه، و وسیله ارتزاق داریم بر دوش ولی امر بعد از ما می باشد، که هر گونه بخواهد در باره اش حکم می کند». و ما آنچه را که تو در طلب آن هستی، در مصرف خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن به میدان کارزار رفته به جهاد با کفار برخیزند و بر سرکشان بدکار پیروز شوند. من این کار را به اتفاق تمامی مسلمانان به انجام رساندم و در این کار یک تنه وارد نگردیدم و بر رأی و نظر خود مستبدانه عمل ننمودم. اینک این

حال من و این مال من، برای تو و در اختیار تو. نه از تو دریغ داشته و نه برای دیگری انباشته‌ام. تو بانوی اُمّت پدر خود و درخت بارور و پاک، برای فرزندان خود هستی. انکار فضایی که خاصّه توست، نخواهد شد و از شاخه و ساقه تو فروگذار نتوان نمود. حکم تو در آنچه که من آن را مالکم، نافذ است. امّا تو خود روا می‌داری در این باب خلاف گفتار پدرت عمل نمایم؟ حضرت علیها السّلام در پاسخ او فرمود: هرگز پیامبر خدا از کتاب الهی رویگردان نبود و نسبت به احکام آن مخالف نبود و مخالف احکامش حکمی نمی‌فرمود، بلکه پیوسته، او پیرو قرآن بود و در طریق سوره‌های قرآن راه می‌پیمود. آیا در سر دارید مکر و غدر را به زور پیرایه او کنید؟ مشی شما پس از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۳۵ رحلت او همچون دامهایی است که در زمان حیات برای هلاکتش گسترده می‌شد. این کتاب خداست که میان من و شما به دیده انصاف حکم خواهد نمود، چرا که مبین حق و باطل است. این کتاب می‌گوید: «... که وارث من و خاندان یعقوب باشد» و «سلیمان از پدرش داود ارث برد» (می‌بینید که) خداوند در آنچه که مربوط به سهمیه وارث است، بیانی روشن دارد، و در باب واجبات و میراث و آن بهره‌هایی که از برای مردان و زنان مقرّر فرموده، به تفصیل سخن رانده است، و جای بهانه‌گیری برای پیروان باطل ننهاد و گمان و شبهه را از ذهن گمراهان زدوده است. پس این چنین نیست که شما می‌گویید «بلکه نفس شما کاری را در نظارتان آراسته است. اکنون برای من صبر جمیل بهتر است و خداوند را در این باره باید به مدد طلبید». ابو بکر پاسخ داد: خداوند راست گفته و فرستاده او راستگو بود و دختر پیامبرش هم نیز گفتاری از سر صدق دارد. تو گنج حکمت، قلب هدایت و رحمت، و ستون دین هستی. سخن حق تو را دور از حقیقت نمی‌دانم و در مقام انکار و عیب‌جویی از آن بر نمی‌آیم. اینک، این مسلمانان حکم میان من و تو. این مسئولیتی که به گردن گرفته‌ام، آنان به گردن انداخته‌اند و آنچه را که تصرف کرده‌ام، به اتفاق ایشان بوده است. نه اظهار کبر و بزرگی می‌نمایم و نه بر رأی خویش پای می‌فشارم و نه آنچه را که به تصرف در آورده‌ام، از برای خود برداشته‌ام، که اینان شاهد صدق ادعایم هستند. پس از اتمام سخن ابو بکر، حضرت فاطمه علیها السّلام نگاهی به مردم افکنده چنین فرمودند: ای مردم! که برای شنیدن سخن بیهوده در شتاب هستید، و کردار زشت و زیانبار را نادیده می‌گیرید. «آیا در قرآن نمی‌اندیشند (نمی‌اندیشید) یا بر دل‌هایشان (دل‌هایتان) قفل است؟» خیر، بلکه این کردار زشت شماست که بر صفحه دل‌هایتان تیرگی کشیده، گوشها و چشم‌هایتان را فرا گرفته است. شما مآل اندیشی کردید و آیات قرآن را تأویل نمودید و به بد راهی رهنمون شدید و بد معارضه کردید به خداوند سوگند تحلیّل این بار برایتان سنگین و سرانجامی مالا مال از وزر و وبال در پیش دارید. آنگاه که پرده‌ها به کناری رود، خسران این امر برای شما آشکار می‌گردد. «و از خداوند بر ایشان چیزهایی آشکار شود که هرگز زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۳۶ حسابش را نمی‌کردند» «و آنجا آنان که بر باطل بوده‌اند، زیان خواهند دید.» سپس به قبر پدر نگریسته فرمودند: قد کان بعدک أنباء و هنبه* لو كنت شاهدا لم تكثر الخطب ... ۱) رفتی و پس از تو فتنه‌ها برخاست، که اگر تو می‌بودی آنچنان بزرگ رخ نمی‌نمودند. ۲) همچون زمینی از باران گرفته شده، ما تو را از کف دادیم. (قوم و ملت تو از هم پاشیدند) و ارزشها در قومت به هم ریخت. بیا و ببین که چگونه از راه مستقیم منحرف شده‌اند. ۳) هر خاندانی اگر در نزد خداوند قرب و منزلتی داشت نزد بیگانگان هم محترم بود، جز خاندان ما. ۴) تا از این سرا به دیگر سرای رخت بر بستی و خاک میان ما و تو جدایی افکند، مردانی از قومت راز دل خود را بر ملا ساختند. ۵) چون فقدان تو را مشاهده کردند بر ما یورش آورده خفیلمان داشتند و هر چه از تو ارث برده بودیم، غصب شد. ۶) پدر، تو ماه شب چهارده و چراغ فروزان زندگانی ما بودی، که از جانب خداوند بر تو کتبی چند فرود می‌آمد. ۷) جبرئیل با آیاتی از قرآن همدم و مونس ما بود. امّا تو رفتی و خیرها از ما پوشیده شد. ۸) ای کاش پیش از آنکه تو از میان ما رخت بر بندی و خاک تو را در درون خود پنهان نماید، ما مرده بودیم. ۹) به راستی ما بلا دیدگان در دام مصیبتی گرفتار آمدیم که هیچ مصیبت زده‌ای در عرب و عجم بدان مبتلا نگردیده بود. در حالی که امیر المؤمنین علیه السّلام به انتظار نشسته بود و برای بازگشت فاطمه علیها السّلام لحظه شماری می‌کرد، بانوی بانوان علیها السّلام به خانه مراجعت نمود و با مشاهده امیر مؤمنان

علیه السلام چنین فرمود: ای پسر ابو طالب! آیا همچون جنین پرده نشین شده‌ای و چون مظنونین، در گوشه خانه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۳۷ نشسته‌ای؟ (تو همانی که) شاه‌پره‌های شاهین را شکستی، حال چه شد که دستخوش پره‌های کوچک شده‌ای؟ پسر ابو قحافه عطیه پدر را از من و نان خورش از دو فرزندم سلب کرد. آشکارا به دشمنی من برخاست و از لجاج و عناد خود روی برتافت. چندان که انصار از من بریدند و مهاجرین دیده از حمایت من پوشیدند. مردم نیز از یاوریم فروگذار کردند. در دفع ترکتازی از او نه یآوری دارم و نه مددکاری. خشم فرو خورده، از خانه بیرون شدم و خوار باز گشتم. آن روز که منزلت خویش را نادیده گرفتی، همان روز خود را در مضیق ذلت افکندی و چهره فروتنی و خواری بر خاک ساییدی. تو شیری بودی که گرگها را در هم شکستی، در حالی که امروز در به روی خود بسته‌ای. آیا نمی‌توانی گوینده‌ای را از گفتار بیهوده‌اش بازداري، و یا با ابطال باطل نفع و فایده‌ای به من عاید گردانی؟ چرا که قدرت حمایت از خود ندارم. ای کاش پیش از این خواری مرده بودم. اگر سخن به تندی گفتم و یا از یاری نکردنت بر آشفتم خداوند را پوزش می‌طلبم. وای بر من! هر بامدادی که خورشید سر از بام خاور برمی‌دارد و به هنگام غروب خورشید، این کلام در وجودم طنین‌انداز است که پناه من از دنیا رفت و بازویم ناتوان گردید. چه کنم جز آنکه شکایت به نزد پدر برم و رعایت و یاری از حق طلبم؟ بار الها نیرویت از همه کس فروتر و عذاب تو از حوصله بیرون است، تو خود داد من بستان! امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرمود: ای دختر برگزیده عالمیان! و یادگار بهترین پیمبران! افسوس برای تو نیست بلکه برای دشمن توست. غم مخور (آه و ناله کردن تو را به حق خود نمی‌رساند بلکه دشمن تو را شادمان نیز خواهد کرد). من از سستی گوشه نشین نشدم، بلکه آنچه در توانم بود، به کار بستم. اگر نان خورش می‌خواهی روزی تو نزد خداوند محفوظ است و او خود عهده‌دار آن می‌باشد، آرام گیر و آنان را به خداوند واگذار. فاطمه علیها السلام فرمود: آنها را به خداوند وانهادم.

باب هشتم تظلم خواهی حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت و کیفیت حشر آن حضرت

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۶۱/۱- الأمالی للصدوق «۱» الطالقانی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَلِيٍّ السُّدِّيِّ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عِيسَى بْنِ مُوسَى عَنْ جَعْفَرِ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تُقْبَلُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مُدَبَّجَةٍ الْجَبَّيْنِ خِطَامُهَا مِنْ لَوْلُؤٍ رَطْبٍ قَوَائِمُهَا مِنَ الزُّمُرِّدِ الْأَخْضَرِ ذُبَّيْهَا مِنَ الْمِسْكِ الْمَذْفَرِ عَيْنَاهَا يَاقُوتَتَانِ حَمْرَاوَانِ عَلَيْهَا قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا دَاخِلُهَا عَفْوُ اللَّهِ وَخَارِجُهَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ لِلتَّاجِ سَبْعُونَ رُكْنًا كُلُّ رُكْنٍ مَرْصَعٌ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ يُضِيءُ كَمَا الْكُوكَبُ الدَّرِّيُّ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ وَعَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَعَنْ شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَجَبْرِئِيلُ آخِذٌ بِخِطَامِ النَّاقَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ فَلَمَّا بَقِيَ يَوْمُ مَجْدِ نَبِيِّ وَلَمَّا رَسُولٌ وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا غُضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ فَتَسِيرُ حَتَّى تُحَادِيَ عَرْشَ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ فَتَنْزُحُ بِنَفْسِهَا عَنْ نَاقَتِهَا وَتَقُولُ إِلَهِي وَسَيِّدِي احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ ظَلَمَنِي اللَّهُمَّ احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ قَتَلَ وَلَدِي فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ يَا حَبِيبَتِي وَابْنَتَهُ حَبِيبَتِي سَلِّبْنِي تُعْطَى وَاشْفَعِي تُشَفَّعِي فَوْعَزَّتِي وَجَلَالِي لَا جَازَنِي ظُلْمُ ظَالِمٍ فَتَقُولُ إِلَهِي وَسَيِّدِي ذُرِّيَّتِي وَشَيْعَةُ ذُرِّيَّتِي وَمُحِبَّتِي وَمُحِبِّي ذُرِّيَّتِي زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۸۴۲ فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فَاطِمَةَ وَشَيْعَتُهَا وَمُحِبُّوْهَا وَمُحِبُّو ذُرِّيَّتِهَا فَيَقْبَلُونَ وَقَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ حَتَّى تُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ تَوْضِيحُ قَالَ الْفَيْرُوزِآبَادِي الْمَدْبُجُ الْمَزِينُ وَقَالَ الْجَزْرِي فِيهِ كَانَ لَهُ طِيلَسَانٌ مَدْبُجٌ هُوَ الَّذِي

زینت اطرافه بالیدیاج قوله الأذفر أى طیب الريح قوله داخلها عفو الله كناية عن أنها مشموله بعفو الله و رحمته و تجيء إلى القيامة شفيعه للعباد معها رحمه الله و عفوه لهم و قال الفيروز آبادی زخه دفعه فی وهده و زید اغتاظ و وثب انتهى و التشفیع قبول الشفاعة

ترجمه

شیخ صدوق در کتاب امالی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده است: هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد دخترم فاطمه در حالی می‌آید که بر یکی از ناقه‌های بهشتی سوار است و از دو پهلوی آن ناقه حریرهای بهشتی آویزان، مهار آن از مروارید تازه، پاهایش از زمرد سبز، دم آن از مشک ناب، دیدگانش از درّ و یاقوت سرخ خواهد بود. قبه‌ای از نور بر پشت آن ناقه نصب شده که اندرون آن از بیرون آشکار، میان آن حاوی عفو پروردگار و بیرون آن رحمت خداوند رحیم است. فاطمه تاجی از نور بر سر دارد که دارای هفتاد پایه باشد، هر پایه‌ای از آن به وسیله مرواریدی مرصع و نظیر ستاره‌ای درخشان خواهد بود. در طرف راست و چپ فاطمه هر کدام هفت هزار ملک خواهد بود. جبرئیل که در آن هنگام مهار ناقه فاطمه را گرفته است با صدای بلند خواهد گفت: چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر حضرت محمد عبور نماید. در آن روز هیچ پیغمبر و رسول و صدیق و شهیدی نیست مگر اینکه دیدگان خویشان را می‌بندد تا اینکه زهرا از صحرای محشر عبور نماید. هنگامی که آن بانو به زیر عرش پروردگار می‌رسد، از آن ناقه فرود می‌آید و می‌گوید: ای پروردگار! بین من و آن افرادی که در حق من ظلم نمودند و فرزندان مرا شهید کرده‌اند قضاوت کن. آنگاه از طرف خداوند رثوف ندا می‌رسد: ای حبیب و فرزند رسول من از من بخواه تا عطا نمایم، شفاعت کن تا من بپذیرم. به عزت و جلال خودم که امروز ظلم و ستم هیچ ستمگری از نظر من محو نخواهد شد. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۴۳ در همین زمان است که می‌گوید: بار خدایا! فرزندان، شیعیان، دوستان، و دوستان دوستان فرزندان مرا به من ببخش! آنگاه از طرف پروردگار جهان منادی ندا می‌کند: فرزندان، شیعیان، دوستان، و دوست دوستان ذریه فاطمه کجایند؟ ایشان عموماً در حالی که ملائکه رحمت پروردگار آنان را احاطه کرده باشند می‌آیند. سپس فاطمه جلو می‌رود تا ایشان را داخل بهشت می‌نماید.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۶۲/۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» أَحْمَدُ بْنُ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَيْهَقِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْجُرْجَانِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْقُطَّانِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ الطَّائِيِّ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ ع يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَصْبُوعَةٌ بِالْدمَاءِ تَتَعَلَّقُ بِقَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ تَقُولُ يَا عَدْلُ احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وَلَدِي قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَيَحْكُمُ اللَّهُ لِابْنَتِي وَرَبِّ الْكَعْبَةِ

ترجمه

در عیون اخبار الرضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: دخترم فاطمه در حالی وارد صحرای محشر می‌شود که لباسهایی غرقه به خون همراه خود دارد. وی پایه عرش را می‌گیرد و می‌گوید: ای خدای عادل و عالم! بین من و آن افرادی که فرزندان مرا کشتند، حکم کن! به حق خدای کعبه که آن روز پروردگار عادل برای دخترم [به حق] قضاوت خواهد کرد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳/۳۶۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۲» بِأَلْسَانِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَصْبُوغَةٌ بِالْدَّمِ فَتَتَلَقَّى بِقَائِمِهِ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ فَتَقُولُ يَا عِدْلُ احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وَلَدِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَيَحْكُمُ لِابْنَتِي وَرَبِّ الْكَعْبَةِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَغْضِبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا - صح، عن الرضا عن آبائه ع مثله

ترجمه

شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده است: هنگامی که روز قیامت فرا رسد دخترم فاطمه در حالی محشور می شود که لباسهای خون آلودی با وی خواهد بود. آنگاه یکی از پایه های عرش را می گیرد و می گوید: ای خدای عادل! بین من و قاتل فرزندانم حکم کن! سپس پیامبر اکرم فرمود: به حق خدای کعبه سوگند که خداوند برای دخترم [به حق] قضاوت می کند، زیرا خداوند برای غضب فاطمه غضب می نماید و با رضایت وی راضی خواهد شد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِأَلْسَانِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص

ترجمه

و نیز در همان کتاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا می رسد منادی ندا می دهد: ای خلائق! چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمد عبور کند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵/۳۶۵- صحیفه الرضا علیه السلام «۲» عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ ع: مِثْلُهُ ثُمَّ قَالَ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قِيلَ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَمُرَّ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص فَتَمُرُّ وَعَلَيْهَا رِطَانٌ حَمْرًا وَانِ بِيَانِ قَالَ الْفَيْرُوزِ أِبَادِي الرِّيطَةُ كُلُّ مَلَاءَةٍ غَيْرِ ذَاتِ لَفْقَيْنِ كُلُّهَا نَسَجَ وَاحِدٌ وَ قِطْعُهُ وَاحِدَةٌ أَوْ كُلُّ ثَوْبٍ لِنِ رَقِيقٍ

ترجمه

و در صحیفه الرضا نیز مثل روایت پیشین نقل شده است و سپس گفته شده: در روایت دیگری آمده که رسول خدا فرمود: فاطمه در حال عبور لباسی سرخ رنگ بر تن خواهد داشت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۳۶/۶- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَةِ عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تُحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ وَعَلَيْهَا حُلَّةُ الْكِرَامَةِ قَدْ عُجِنَتْ بِمَاءِ الْحَيَوَانِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا الْخَلَائِقُ فَيَتَعَجَّبُونَ مِنْهَا ثُمَّ تُكْسَى أَيْضًا مِنْ حُلِّ الْجَنَّةِ أَلْفَ حُلَّةٍ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حُلَّةٍ بِخَطِّ أَخْضَرَ أَذْخُلُوا بِنْتَ مُحَمَّدٍ الْجَنَّةَ عَلَى أَحْسَنِ الصُّورَةِ وَأَحْسَنِ الْكِرَامَةِ وَأَحْسَنِ مَنَظَرٍ فَتَرَفُّ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تَرَفُّ الْعُرُوسُ وَيُوكَّلُ بِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ جَارِيَةٍ - صح، عنه عن آبائه ع مثله بیان قوله ع قد عجت فی بعض النسخ بالباء الموحدة علی بناء المفعول من باب التفعیل أى جعلت عجبیه لغسلها بماء الحيوان و فی بعض النسخ بالنون کنایه عن الغسل به أو كونها بحيث لا يموت أبدا من یلبسها - وقال الجزری فی الحديث یزف علی بنی و بین ابراهیم إلى الجنة إن كسرت الزاء فمعناه یسرع من زف فی مشیه و أزف إذا أسرع و إن فتحت فهو من زفت العروس أزفها إذا أهديتها إلى زوجها

ترجمه

شیخ صدوق رحمه الله در عیون اخبار الرضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: فاطمه در روز حشر در حالی محشور می شود که لباس زیبایی بر تن دارد به گونه ای که تعجب همه خلائق برانگیخته می شود. آنگاه هزار لباس دیگر بر تن می کند که بر هر کدام آنها به خط سبز نوشته شده: دختر محمد را با بهترین صورت وارد بهشت کنید! آنگاه فاطمه در حالی که هفتاد هزار ملک او را مشایعت می کنند، مانند نوعرسان وارد بهشت می شود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۴۷/۷- ثواب الأعمال «۲» مَا جِلاَوِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لِفَاطِمَةَ ع قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ وَأَقْبَلَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَأْسُهُ فِي يَدِهِ فَإِذَا رَأَتْهُ شَهَقَتْ شَهَقَةً لَمْ يَبْقَى فِي الْجَمْعِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ إِلَّا زَنْدَكَانِي حَضَرَتْ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۸۴۶ بَكَى لَهَا فَيَمْتَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا لَهَا فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ وَهُوَ يَخَاصِمُ قَتْلَهُ بِمَا رَأَى فَيَجْمَعُ اللَّهُ قَتْلَهُ وَ الْمُجَهِّزِينَ عَلَيْهِ وَ مَنْ شَرِكَ فِي قَتْلِهِ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ يُنْشَرُونَ فَيَقْتُلُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ثُمَّ يُنْشَرُونَ فَيَقْتُلُهُمُ الْحَسَنُ ع ثُمَّ يُنْشَرُونَ فَيَقْتُلُهُمُ الْحُسَيْنُ ع ثُمَّ يُنْشَرُونَ فَلَا يَبْقَى مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أَحَدٌ إِلَّا قَتَلَهُمْ قَتْلَةً فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكْشِفُ اللَّهُ الْغَيْظَ وَيُنْسِي الْحُزْنَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع رَحِمَ اللَّهُ شَيْعَتَنَا شَيْعَتَنَا وَ اللَّهُ هُمْ الْمُؤْمِنُونَ فَقَدْ وَ اللَّهُ شَرُّكُونَا فِي الْمُصِيبَةِ بِطُولِ الْحُزْنِ وَ الْحَسْرَةِ بَيَانِ قَوْلِهِ ص بَلَا رَأْسَ لَعَلَّهُ حَالِ عَنِ الضَّمِيرِ فِي قَوْلِهِ قَتْلَهُ

ترجمه

شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: زمانی که روز قیامت فرا می رسد قبه ای از نور برای فاطمه علیها السلام بر پا خواهد شد. امام حسین علیه السلام در حالی می آید که سر بریده خود را در دست گرفته باشد. وقتی چشم فاطمه زهرا به حسین علیه السلام بیفتد گریه و ضجه ای می کند که هیچ ملک و پیغمبر و مؤمنی در محشر نیست

مگر اینکه گریان خواهد شد. در همین هنگام است که خدای توانا مرد نیک صورتی را به نظر آن بانو جلوه می دهد که با قاتلان حضرت حسین شهید مخاصمه نماید. آنگاه خداوند سبحان قاتلین امام حسین را با آن افرادی که مددکار آنان بودند و آن اشخاصی که در ریختن خون آن حضرت شرکت نمودند حاضر می کند و آن مرد تا آخرین نفر آنان را می کشد. سپس آنها را زنده می کند تا حضرت امیر علیه السلام برای دومین بار آنان را بکشد. نیز آنان را زنده می کند که امام حسن علیه السلام آنان را بکشد و سپس آنان را زنده می کند تا امام حسین علیه السلام آنان را به قتل برساند و همین طور همه ذریه ما. بعد از این جریان است که غضب ما و شیعیان ما فرو خواهد نشست. آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند شیعیان ما را رحمت کند، زیرا ایشان با غم و اندوه طولانی ما شریک می باشند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۸/۳۶۸- ثواب الأعمال (۱) ابن المَوَكَّل عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ شَرِيكِ يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَاءَتْ فَاطِمَةُ ص لَمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهَا فِي لَمَةِ مِنْ نِسَائِهَا فَيَقَالُ لَهَا ادْخُلِي الْجَنَّةَ فَتَقُولُ لَا أَدْخُلُ حَتَّى أَعْلَمَ مَا صَنَعَ بَوْلَدِي مِنْ بَعْدِي فَيَقَالُ لَهَا انْظُرِي فِي قَلْبِ الْقِيَامَةِ فَتَنْظُرُ إِلَى الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَائِمًا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ رَأْسٌ فَتَصْرِخُ صِرْخَةً وَ أَصْرِخُ لَصْرَاحٍ وَ تَصْرِخُ الْمَلَائِكَةُ لَصْرَاحًا فَيَغْضَبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَنَا عِنْدَ ذَلِكَ فَيَأْمُرُ نَارًا يُقَالُ لَهَا هَبْهُبْ قَدْ أُوقِدَ عَلَيْهَا أَلْفَ عَامٍ حَتَّى اسْوَدَّتْ لَمَّا يَدْخُلُهَا رَوْحٌ أَبَدًا وَ لَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّ أَبَدًا فَيَقَالُ لَهَا اتَّقِي قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ حَمَلَةَ الْقُرْآنِ فَتَلْقُطُهُمْ فَإِذَا صَارُوا فِي حَوْصِ لَتِهَا صَهِلَتْ وَ صَهَلُوا بِهَا وَ شَهَقَتْ وَ شَهَقُوا بِهَا وَ زَفَرَتْ وَ زَفَرُوا بِهَا فَيَنْطَفُونَ بِاللَّسِنَةِ ذَلْفَهُ طَلْقَهُ يَا رَبَّنَا أَوْجَبَتْ لَنَا النَّارَ قَبْلَ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ فَيَأْتِيهِمُ الْجَوَابُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ مَنْ عَلِمَ لَيْسَ كَمَنْ لَا يَعْلَمُ إِيضاح اللمة بضم اللام و فتح الميم المخففة الجماعة و قال الجوهري لمة الرجل تربه و شكله و الهاء عوض و اللمة الأصحاب ما بين الثلاثة إلى العشرة انتهى و المراد بحملة القرآن الذين ضيعوه و حرفوه

ترجمه

و نیز در ثواب الاعمال از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: هنگامی که قیامت بر پا می شود فاطمه زهرا در حالی وارد صحرای محشر می شود که گروهی از زنان شیعیان در اطراف آن بانو خواهند بود. و به حضرت زهرا گفته می شود: داخل بهشت شو! وی می فرماید: وارد بهشت نمی شوم تا بدانم بعد از من با فرزندانم چه عملی انجام داده اند. به آن حضرت می گویند: در میان جمعیت قیامت نگاه کن. وقتی نظر می کند امام حسین علیه السلام را خواهد دید که با بدن بی سر ایستاده است! زهرا فریادی می زند که من به واسطه فریاد او فریاد خواهم زد و عموم ملائکه نیز به فریاد می آیند. در چنین حالی است که خداوند قهار به خاطر ما غضب می کند و آتشی را که مدت هزار سال افروخته اند تا سیاه شده و آن را هبهب می گویند و هرگز نسیمی داخل آن نشده دستور زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۴۸ می دهد تا قاتلین امام حسین و آن افرادی را که حامل قرآن و تارک اهل بیت پیغمبر بوده اند برباید. وقتی داخل آتش شوند آتش نعره ای می زند و آنان ناله و زاری می نمایند، آتش می خروشد و آنان هم به خروش می آیند، آتش زبانه می کشد و ایشان به زبان فصیح می گویند: پروردگارا! به چه علت آتش را قبل از بت پرستان به ما مسلط کرده ای؟! خطاب می رسد: کسی که از روی جهالت عملی را انجام دهد با آن کسی که بداند و عملی را انجام دهد، فرق دارد.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۶۹/۹- ثواب الأعمال «۱» ابْنُ الْبَرَقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ يَرْفَعُهُ إِلَى عُبَيْسَةَ الطَّائِي عَنْ أَبِي خَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُمَثَّلُ لِفَاطِمَةَ ع رَأْسُ الْحَسَنِ ع مُشَدَّحًا بِدَمِهِ فَتَصِيحُ وَاءٌ وَلَمَدَاهُ وَاءٌ ثَمَرَةٌ فَوَادَاهُ فَتَصِيحُ الْمَلَائِكَةُ لِصَبِيحَةِ فَاطِمَةَ ع وَيُنَادِي أَهْلُ الْقِيَامَةِ قَتَلَ اللَّهُ قَاتِلَ وَلَدِكِ يَا فَاطِمَةُ قَالَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ أَفْعَلُ بِهِ وَبِشِيعَتِهِ وَآحِبَّائِهِ وَآتِبَاعِهِ وَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مَدْبُجَةً الْجَنِّيِّينَ وَاضَّةً حَتَّى الْخَدَّيْنِ شَهْلَاءَ الْعَيْنَيْنِ رَأْسُهَا مِنَ الذَّهَبِ الْمُصَفَّى وَاعْنَاقُهَا مِنَ الْمَشِيكِ وَالْعَنْبَرِ خِطَامُهَا مِنَ الزَّبَرَجَدِ الْأَخْضَرِ رَحَائِلُهَا دُرٌّ مُفَضَّضٌ بِالْجَوْهَرِ عَلَى النَّاقَةِ هُودَجٌ غِشَاؤُهَا مِنْ نُورِ اللَّهِ وَحَشْوُهَا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ خِطَامُهَا فَرَسِيخٌ مِنْ فَرَسِيخِ الدُّنْيَا يُحْفُ بِهَوْدَجِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّائِبِ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ يَا أَهْلَ الْقِيَامَةِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ فَهَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ص تَمُرُّ عَلَى الصَّرَاطِ فَتَمُرُّ فَاطِمَةُ ع وَشَبِيحَتُهَا عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ قَالَ النَّبِيُّ ص وَيُلْقَى أَعْيَادُهَا وَأَعْيَادُ ذُرِّيَّتِهَا فِي جَهَنَّمَ تَوْضِيحُ ذَلِكَ أَفْعَلُ بِهِ أَى بِالْحَسَنِ ع أَى أَقْتَلَ قَاتِلِهِ وَكَاتِلَى شِيعَتِهِ وَآحِبَّائِهِ وَيَحْتَمِلُ إِجْرَاعَ الضَّمَائِرِ جَمِيعًا إِلَى الْقَاتِلِ وَقَالَ الْجَوْهَرِيُّ الشَّهْلَةُ فِي الْعَيْنِ أَنْ يَشُوبَ سَوَادُهَا زُرْقَةً وَعَيْنِ شَهْلَاءَ قَوْلُهُ رَحَائِلُهَا الْأَصُوبُ رَحَالُهَا جَمْعُ رَحْلٍ وَكَأَنَّهُ جَمْعُ رَحَالِهِ كَكِتَابَةٍ وَزَنْدِ گَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۴۹ هی السرج

ترجمه

و نیز در ثواب الاعمال از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: هنگامی که روز قیامت فرا رسد سر مبارک و غرقه به خون امام حسین علیه السلام در نظر زهرا جلوه گر خواهد شد. وقتی نظر فاطمه به سر بریده امام حسین بیفتد فریاد می زند: ای فرزند مظلوم من! ای میوه قلب محزون من! به جهت ناله و فریاد زهراست که ملائکه مدهوش می شوند و اهل محشر عموماً فریاد می زنند و می گویند: ای فاطمه! خداوند قاتلین فرزندان حسین را بکشد!! در این حال از طرف پروردگار ندا می رسد: من این عمل را انجام می دهم و از قاتلین حسین و پیروان و دوستان آنان انتقام خواهم کشید. فاطمه زهرا در آن روز بر یکی از ناقه های بهشتی سوار است که: پهلوه های آن به وسیله حریرهای بهشتی زینت شده، صورت آن زیبا، چشمانش شهلا، سرش از طلا، گردنش از مشک و عنبر، مهارش از زبرجد سبز، جهازش از مروارید که با جواهر زینت شده باشد، خواهد بود! بر پشت آن ناقه هودجی نصب شده که پرده اش از نور خداوند، میان آن پر از رحمت پروردگار، بلندی مهار آن به قدر یک فرسخ از فرسخهای دنیا خواهد بود. تعداد هفتاد هزار ملک اطراف هودج آن بانو را احاطه خواهند کرد که به تسبیح و تهلیل و تکبیر حضرت پروردگار مشغول خواهند بود. آنگاه از طرف خداوند رثوف منادی ندا می کند: ای اهل قیامت! چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از صراط عبور نماید. پس از آن بانوی معظمه شیعیان و دوستانش مانند برق جهنده از صراط می گذرند. ولی آن حضرت دشمنان ذریه خود را به دوزخ خواهد انداخت.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۷۰/۱۰- المناقب «۱» السَّمْعَانِيُّ فِي الرَّسَالَةِ الْقَوَامِيَّةِ وَالرَّغْفَرَانِيُّ فِي فَصَائِلِ الصَّحَابَةِ وَ زَنْدِ گَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)،

ص: ۸۵۰ الْأَشْنَهِي فِي اعْتِقَادِ أَهْلِ السُّنَّةِ وَالْعُكْبَرِيِّ فِي الْإِبَانَةِ وَأَحْمَدُ فِي الْفَضَائِلِ وَابْنُ الْمُؤَدِّ فِي الْأَرْبَعِينَ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ أَبِي جُحَيْفَةَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْأَصْبَغِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ وَقَدْ رَوَى حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ عَنِ الْقَزْوِينِيِّ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ كُلُّهُمْ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَوَقَفَ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى نَادَى مُنَادٍ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَيُّهَا النَّاسُ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَنَكِّسُوا رُءُوسَكُمْ فَإِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ ص تَجُوزُ عَلَى الصَّرَاطِ وَفِي حَدِيثِ أَبِي أَيُّوبَ فَتَمُرُّ مَعَهَا سَبْعُونَ جَارِيَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ «(۱) ۳۷۱/۱۱-، أمالي المفيد «(۲) الصَّدُوقُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِيانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَيَنَادِي مُنَادٍ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَنَكِّسُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص الصَّرَاطَ قَالَتْ فَتَغْضُ الْخَلَائِقُ أَبْصَارَهُمْ فَيَأْتِي فَاطِمَةَ ع عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نَجَبِ الْجَنَّةِ يُشَيِّعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَتَقِفُ مَوْقِفًا شَرِيفًا مِنْ مَوَاقِفِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَنْزِلُ عَنْ نَجِيبِهَا فَتَأْخُذُ قَمِيصَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع بِيَدِهَا مُضْمًا بِدَمِهِ وَتَقُولُ يَا رَبِّ هَذَا قَمِيصُ وَلَدِي وَ قَدْ عَلِمْتَ مَا ضَيَعَ بِهِ فَيَأْتِيهَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا فَاطِمَةُ لَكَ عِنْدِي الرِّضَا فَتَقُولُ يَا رَبِّ انْتَصِرْ لِي مِنْ قَاتِلِهِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى عُتْقًا مِنَ النَّارِ فَتَخْرُجُ مِنْ جَهَنَّمَ فَتَلْتَقِطُ قَتْلَهُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ ثُمَّ يَعُودُ الْعُنُقُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَيَعِدُّونَ فِيهَا بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ ثُمَّ تَوَكَّبُ فَاطِمَةُ ع نَجِيبَهَا حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَمَعَهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُشَيِّعُونَ لَهَا وَذَرِيَّتُهَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَأَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ النَّاسِ عَنْ يَمِينِهَا وَشِمَالِهَا بَيَانُ قَالَ الْجَزَرِيُّ فِيهِ يَخْرُجُ عَنْقُ مِنَ النَّارِ أَى طَائِفُهُ مِنْهَا

ترجمه

شیخ مفید در امالی خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده: روز قیامت که فرا رسد خداوند توانا خلق اولین و آخرین را در یک زمین جمع می کند. آنگاه منادی ندا می نماید: چشمان خود را ببندید و سرهای خود را به زیر افکنید تا فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبور کند. مردم چشمان خود را می بندند و حضرت فاطمه زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۵۱ در حالی که بر یکی از ناقه های بهشتی سوار است می آید و تعداد هفتاد هزار ملک آن بانوی با عظمت را مشایعت می نمایند. آنگاه حضرتش در یکی از مکانهای شریف قیامت توقف می کند و پیراهن خون آلود حضرت امام حسین را به دست می گیرد و می گوید: بار خدایا! این پیراهن فرزند من حسین است، تو می دانی با او چه عملی انجام دادند. پس از آن از طرف خداوند رثوف خطاب می رسد: من هر عملی که موجب خوشنودی تو باشد انجام خواهم داد. حضرت زهرا اطهر خواهد گفت: پروردگارا انتقام مرا از قاتلین فرزندم بگیر! خداوند قهار دستور می دهد: گروهی از آتش جهنم بیرون می آیند و کشندگان امام حسین را نظیر مرغی که دانه برچیند از صحرای محشر می ربایند و به طرف دوزخ بازمی گردند و آنان را دچار انواع عذاب می نماید. سپس فاطمه اطهر بر ناقه خویشان سوار و داخل بهشت می گردد. آن ملائکه ای که حضرت فاطمه را مشایعت می کردند و فرزندان بزرگوار آن حضرت نزد آن بانو خواهند بود و دوستان ایشان طرف راست و چپ آنان قرار می گیرند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۷۲/۱۲- تفسیر فرات الکوفی «(۱) أَبُو الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ الْحَسَنِيُّ مُعَنَّأً عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَمُرَّ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص فَتَكُونَ أَوَّلَ مَنْ تُكْسَى وَيَسْتَقْبِلُهَا مِنَ الْفِرْدَوْسِ اثْنَا عَشْرَةَ أَلْفَ حَوْرَاءَ لَمْ يَسْتَقْبِلُوا أَحَدًا قَبْلَهَا وَلَا أَحَدًا بَعْدَهَا عَلَى نَجَائِبٍ مِنْ يَاقُوتٍ أَجْنَحَتْهَا وَأَزْمَتْهَا اللَّوْلُؤُ عَلَيْهِمَا رَحَائِلُ مِنْ دُرٍّ عَلَى كُلِّ رَحَالَةٍ مِنْهَا نُمْرُقَةٌ مِنْ سِيْنَدُسٍ وَرَكَابُهَا زَبْرَجِدٌ فَيَجُوزُونَ بِهَا الصَّرَاطَ حَتَّى يَنْتَهُونَ بِهَا إِلَى الْفِرْدَوْسِ فَيَتَبَاشَرُ بِهَا أَهْلُ الْجَنَانِ وَفِي بَطْنَانِ الْفِرْدَوْسِ قُصُورٌ بَيْضٌ وَ

قُصُورٌ صُفْرٌ مِنْ لَوْلُؤِهِ مِنْ غَرَزٍ وَاحِدٍ وَإِنَّ فِي الْقُصُورِ الْبَيْضِ لَسَبْعِينَ أَلْفَ دَارٍ مَنَازِلُ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَإِنَّ فِي الْقُصُورِ الصُّفْرِ لَسَبْعِينَ أَلْفَ دَارٍ مَسَاكِنُ إِبْرَاهِيمَ وَآلِهِ عَ فَتَجَلَسُ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ نُورٍ فَيَجْلِسُونَ حَوْلَهَا وَيُبْعَثُ إِلَيْهَا مَلَكٌ لَمْ يُبْعَثْ إِلَى أَحَدٍ قَبْلَهَا وَلَا يُبْعَثُ إِلَى أَحَدٍ بَعْدَهَا فَيَقُولُ إِنَّ رَبَّكَ يُفَرِّقُكَ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۵۲ السَّلَامَ وَيَقُولُ سَلِّمْنِي أُعْطِكَ فَتَقُولُ قَدْ أَتَمَّ عَلَيَّ نِعْمَتَهُ وَهَنَانِي كَرَامَتَهُ وَأَيَّاحِنِي جَنَّتَهُ أَسْأَلُهُ وَلِدِي وَذُرِّيَّتِي وَمَنْ وَدَّهُمْ فَيُعْطِيهَا اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا وَوَلَدَهَا وَمَنْ وَدَّهُمْ لَهَا وَحَفَظَهُمْ فِيهَا فَيَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ وَأَقَرَّ بَيْنِي قَالِ جَعْفَرٌ كَانَ أَبِي يَقُولُ كَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ إِذَا ذَكَرَ هَذَا الْحَدِيثَ تَلَا هَذِهِ آيَةَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ «۱» تبیین قال الفیروزآبادی النمرقه مثلثه الوساده الصغیره أو المیثره أو الطنفسه فوق الرحل - وقال الجزری فیہ ینادی منادی من بطنان العرش أى من وسطه وقیل من أصله وقیل البطنان جمع بطن و هو الغامض من الأرض یرید من دواخل العرش انتهى قوله من غرز واحد أى من محل واحد من قولهم غرزت الشیء بالإبره

ترجمه

فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیرش از ابن عباس رحمه الله روایت کرده: زمانی که روز قیامت به پا شود، منادی ندا می‌کند: ای مردم! چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبور کند، فاطمه اولین کسی است که دوازده هزار حوریه از فردوس او را استقبال خواهند کرد. آنان احدی را قبل از فاطمه و بعد از آن بانو استقبال نکرده و نخواهند کرد. آن حوریه‌ها بر ناقه‌هایی سوارند که بالهای آن از یاقوت، مهار آنها از لؤلؤ و رحل‌هایی از درّ بر پشت آنهاست که بر هر یک از آنها بالشی از سندش قرار دارد و رکاب‌های آنها زبرجد است. آنان از صراط می‌گذرند تا فاطمه زهرا را وارد فردوس می‌نمایند و اهل بهشت با آن بانو ملاقات خواهند کرد. در وسط فردوس قصرهای سفید و زردی است از لؤلؤ که در یک محل می‌باشد. در آن قصرهای سفید هفتاد هزار خانه است که منزل حضرت محمد و آل طاهر آن بزرگوار است. در آن قصرهای زرد هفتاد هزار خانه است که مسکن حضرت ابراهیم و آل آن حضرت علیهم السّلام خواهد بود. فاطمه زهرا بالای مسندی از نور می‌نشیند و ایشان در اطرافش می‌نشینند. آنگاه ملکی نزد آن بانو فرستاده می‌شود که قبل از آن حضرت و بعد از او نزد کسی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۵۳ فرستاده نشده و نخواهد شد. آن ملک به فاطمه می‌گوید: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: آنچه را که می‌خواهی از من بخواه تا به تو عطا کنم. حضرت فاطمه می‌گوید: خداوند رئوف نعمت خود را برای من تمام و بهشت خود را برای من مباح نموده است. من از خداوند می‌خواهم که فرزندان و ذریّه من و افرادی که ایشان را دوست داشته‌اند به من عطا فرماید، خداوند منان ذریّه و فرزندان و آن اشخاصی را که فرزندان فاطمه را برای خاطر آن حضرت حفظ کرده باشند، به آن حضرت عطا می‌فرماید. سپس آن بانوی معظمه می‌گوید: سپاس آن خداوندی را که غم و اندوه مرا برطرف و چشم مرا روشن کرد. راوی می‌گوید: هر گاه ابن عباس این حدیث را نقل می‌کرد این آیه را تلاوت می‌نمود: وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ «۱»

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۷۳/۱۳- تفسیر فرات «۲» سَلِّمَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ مَعْنَعًا عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع يَقُولُ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى فَاطِمَةَ ع وَهِيَ حَزِينَةٌ فَقَالَ لَهَا مَا حُزْنُكَ يَا بَنِيَّ قَالَتْ يَا أَبَتِ ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَوُقُوفَ النَّاسِ عُرَاءَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

قَالَ يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَيَوْمٌ عَظِيمٌ وَلَكِنْ قَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ قَالَ أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا ثُمَّ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ثُمَّ بَعْلُجِكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْكَ جِبْرِيلَ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ فَيَضْرِبُ عَلَى قَبْرِكَ سَبْعَ قَبَابٍ مِنْ نُورٍ ثُمَّ يَأْتِيكَ إِسْرَافِيلُ بِثَلَاثِ حُلُلٍ مِنْ نُورٍ فَيَقِفُ عِنْدَ رَأْسِكَ فَيَنَادِيَنَّكَ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ قُومِي إِلَى مَحْشَرِكَ فَتَقُومِينَ آمِنَةً رَوْعَتِكَ مَسِيئَتُورَةً عَوْرَتِكَ فَيَنَالُوكَ إِسْرَافِيلُ الْحُلُلَ فَتَلْبَسَينَهَا وَيَأْتِيكَ زُوقَائِلُ بِنَجِيَّةٍ مِنْ نُورٍ زِمَامُهَا مِنْ لَوْلُورٍ رَطْبٍ عَلَيْهَا مَحْفَةٌ مِنْ ذَهَبٍ فَتَرْكَبِينَهَا وَ يَقُودُ زُوقَائِلُ بِزِمَامِهَا وَ بَيْنَ يَدَيْكَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِأَيْدِيهِمْ أَلْوِيَةُ التَّشْيِيعِ زَنْدْكَانِي حَضْرَتُ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۸۵۴

فَإِذَا جَدَّ بِكَ السَّيْرُ اسْتَقْبَلْتِكَ سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ يَسْتَبِشِرُونَ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ بِيَدِ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مِجْمَرَةٌ مِنْ نُورٍ يَسْطَعُ مِنْهَا رِيحُ الْعُودِ مِنْ غَيْرِ نَارٍ وَ عَلَيْهِنَّ أَكَالِيلُ الْجَوْهَرِ الْمُرْصَعِ بِالزَّبَرْجَدِ الْأَخْضَرِ فَيَسْرَنَ عَنْ يَمِينِكَ فَإِذَا سَرَتْ مِثْلَ الَّذِي سَرَتْ مِنْ قَبْرِكَ إِلَى أَنْ لَقِيَنَّكَ اسْتَقْبَلْتِكَ مَرَّتُماً بِنْتُ عِمْرَانَ فِي مِثْلِ مَنْ مَعَكَ مِنَ الْحُورِ فَتَسَلَّمَ عَلَيْكَ وَ تَسِيرُ هِيَ وَ مَنْ مَعَهَا عَنْ يَسَارِكَ ثُمَّ تَسْتَقْبِلُكَ أُمُّكَ حَدِيحَةُ بِنْتُ حُوَيْلِدٍ أَوَّلُ الْمُؤْمِنَاتِ بِإِلَهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِأَيْدِيهِمْ أَلْوِيَةُ التَّكْبِيرِ فَإِذَا قَرَّبَتْ مِنَ الْجَمْعِ اسْتَقْبَلْتِكَ حَوَاءُ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ حَوْرَاءَ وَ مَعَهَا آسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ فَتَسِيرُ هِيَ وَ مَنْ مَعَهَا مَعَكَ فَإِذَا تَوَسَّطَ الْجَمْعُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ يَجْمَعُ الْخَلَائِقَ فِي صِيْعِدٍ وَاحِدٍ فَيَسْتَوِي بِهِمُ الْأَقْدَامُ ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يَسْمِعُ الْخَلَائِقَ غَضُوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ الصَّدِيقَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ مَعَهَا فَلَا يَنْظُرُ إِلَيْكَ يَوْمَئِذٍ إِلَّا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ صِلَاوَاتُ اللَّهِ وَ سِلَامُهُ عَلَيْهِ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ يَطْلُبُ آدَمُ حَوَاءَ فَيَرَاهَا مَعَ أُمِّكَ حَدِيحَةَ أَمَامَكَ ثُمَّ يُنْصَبُ لَكَ مِثْبَرٌ مِنَ النُّورِ فِيهِ سَبْعُ مَرَاقِي بَيْنَ الْمَرْقَافَةِ إِلَى الْمَرْقَافَةِ الْمَلَائِكَةُ بِأَيْدِيهِمْ أَلْوِيَةُ النُّورِ وَ يَضِيْطُ طُفُ الْحُورِ الْعَيْنُ عَنْ يَمِينِ الْمِثْبَرِ وَ عَنْ يَسَارِهِ وَ أَقْرَبُ النِّسَاءِ مَعَكَ عَنْ يَسَارِكَ حَوَاءُ وَ آسِيَّةُ فَإِذَا صَرَّتْ فِي أَعْلَى الْمِثْبَرِ أَتَاكَ جِبْرِيلُ عَ فَيَقُولُ لَكَ يَا فَاطِمَةُ سَلِي حَاجَتَكَ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ أَرْنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَيَأْتِيَانِكَ وَ أَوْدَاجُ الْحُسَيْنِ تَشْحُبُ دَمًا وَ هُوَ يَقُولُ يَا رَبِّ خُذْ لِي الْيَوْمَ حَقِّي مِمَّنْ ظَلَمْنِي فَيَغْضَبُ عِنْدَ ذَلِكَ الْجَلِيلُ وَ يَغْضَبُ لِعُضْبِهِ جَهَنَّمُ وَ الْمَلَائِكَةُ أَجْمَعُونَ فَتَرْفُزُ جَهَنَّمُ عِنْدَ ذَلِكَ زَفْرَةً ثُمَّ يَخْرُجُ فَوْجٌ مِنَ النَّارِ وَ يَلْتَقِطُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ وَ أَبْنَاءَهُمْ وَ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَقُولُونَ يَا رَبِّ إِنَّا لَمْ نَحْضَرْ الْحُسَيْنَ فَيَقُولُ اللَّهُ لَزَبَانِيَّةِ جَهَنَّمُ خُذْوهُمْ بِسَيِّمَاهُمْ بِزُزْمَةِ الْمَاعِئِينَ وَ سَوَادِ الْوُجُوهِ خُذْوْا بِنَوَاصِيهِمْ فَهَالِقُوهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ فَإِنَّهُمْ كَانُوا أَشَدَّ عَلَى أَوْلِيَاءِ الْحُسَيْنِ مِنَ آبَائِهِمُ الَّذِينَ حَارَبُوا الْحُسَيْنَ فَقَتَلُوهُ ثُمَّ يَقُولُ جِبْرِيلُ عَ يَا فَاطِمَةُ سَلِي حَاجَتَكَ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ شِيعَتِي فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ شِيعَتِي فَيَقُولُ اللَّهُ انْطَلِقِي فَمَنْ اعْتَصَمَ بِكَ فَهُوَ مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَوْدُ الْخَلَائِقُ أَنَّهُمْ زَنْدْكَانِي حَضْرَتُ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۸۵۵

كَانُوا فَاطِمِيَّينَ فَتَسِيرِينَ وَ مَعَكَ شِيعَتِكَ وَ شِيعَةُ وَلَدِكَ وَ شِيعَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ آمِنَةً رَوْعَاتِهِمْ مَسِيئَتُورَةً عَوْرَاتِهِمْ قَدْ ذَهَبَتْ عَنْهُمْ الشَّدَائِدُ وَ سَهَلَتْ لَهُمُ الْمَوَارِدُ يَخَافُ النَّاسُ وَ هُمْ لَا يَخَافُونَ وَ يَظْمَأُ النَّاسُ وَ هُمْ لَا يَظْمَأُونَ فَإِذَا بَلَغَتْ بَابَ الْجَنَّةِ تَلَقَّتْكَ اثْنَا عَشْرَةَ أَلْفَ حَوْرَاءَ لَمْ يَلْتَقِينَ أَحَدًا قَبْلَكَ وَ لَا يَتَلَقَّيْنَ أَحَدًا كَانَ بَعْدَكَ بِأَيْدِيهِمْ حِرَابٌ مِنْ نُورٍ عَلَى نَجَائِبِ مِنْ نُورٍ رَحَائِلُهَا مِنَ الذَّهَبِ الْأَصْفَرِ وَ الْبَاقُوتِ أَرْمَتُهَا مِنْ لَوْلُورٍ رَطْبٍ عَلَى كُلِّ نَجِيبٍ نُمُرْقَةٌ مِنْ سُنْدُسٍ مَنْصُودٍ فَإِذَا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ تَبَاشَّرُ بِكَ أَهْلُهَا وَ وَضِعَ لِشِيعَتِكَ مَوَائِدُ مِنْ جَوْهَرٍ عَلَى أَعْمَدَةٍ مِنْ نُورٍ فَيَأْكُلُونَ مِنْهَا وَ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ وَ هُمْ فِي مَا اسْتَهْتَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ وَ إِذَا اسْتَقَرَّ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الْجَنَّةِ زَارَكَ آدَمُ وَ مَنْ دُونَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ إِنَّ فِي بَطْنَانِ الْفِرْدَوْسِ لَوْلُوتَانِ [لَوْلُوتَيْنِ مِنْ عِزِّ وَاحِدٍ لَوْلُوتٌ بَيْضَاءُ وَ لَوْلُوتٌ صَفْرَاءُ فِيهِمَا قُصُورٌ وَ دُورٌ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ دَارٍ فَلْيَبْضَاءُ مَنَازِلُ لَنَا وَ لَشَيْعَتَنَا وَ الصَّفْرَاءُ مَنَازِلُ لِإِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ صِلَاوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَتْ يَا أَبَتِ فَمَا كُنْتُ أُحِبُّ أَنْ أَرَى يَوْمِيكَ وَ لَمَّا أَبْقَى بَعْدَكَ قَالَ يَا ابْنَتِي لَقَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّكَ أَوَّلُ مَنْ تَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَالْوَيْلُ كُلُّهُ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَ الْفُوزُ الْعَظِيمُ لِمَنْ نَصَرَكَ قَالَ عَطَاءٌ كَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ إِذَا ذَكَرَ هَذَا الْحَدِيثَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ «۱» بَيَانٌ وَ مَا أَلْتَنَاهُمْ أَى وَ مَا نَقَصْنَاهُمْ

در تفسیر فرات کوفی از علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: روزی پیامبر گرامی اسلام نزد حضرت زهرا رفت و آن بانو را محزون یافت. به فاطمه فرمود: دختر عزیز من! سبب غم و اندوه تو چیست؟ فاطمه گفت: روز محشر و برهنگی مردم به خاطر آمدن زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۵۶ رسول خدا فرمود: آری آن روز روز بسیار بزرگی است. ولی جبرئیل از طرف خداوند رئوف به من خبر داد: هنگامی که در آن روز زمین شکافته شود، اول کسی که از زمین خارج شود من هستم، بعد از من ابراهیم خلیل، بعد از او شوهر تو علی بن ابی طالب، آنگاه خداوند مهربان جبرئیل را با هفتاد هزار ملک نزد قبر تو خواهد فرستاد، بر قبر تو هفت قبه نور نصب خواهد شد، اسرافیل سه حله نور برای تو می آورد و نزد سر تو توقف می کند و صدا می زند: ای دختر حضرت محمد بیا به صحرای محشر! تو در حالی از قبر بیرون می آیی که بدنت پوشیده باشد و از خوف آن روز در امان خواهی بود، اسرافیل آن حله ها را به تو می دهد و تو آنها را می پوشی، آنگاه ملکی که او را زوقائیل می گویند ناقه ای برای تو می آورد که مهار آن از مروارید و کجاوه ای از طلا بر پشت آن نصب شده باشد. تو بر آن ناقه سوار می شوی و زوقائیل در حالی که در پیش تو هفتاد هزار ملک باشد و علم های تسبیح در دست داشته باشند مهار آن را خواهد کشید. هنگامی که حرکت کنی تعداد هفتاد هزار ملک به استقبال تو می آیند و از نظر کردن به تو خوشحال می شوند، هر یک از آنان منقلی از نور بدون آتش در کف دارند که عود از آن ساطع می شود، هر یک از ایشان تاجی مرصع از زبرجد بر سر خواهد داشت، آنان در طرف راست تو خواهند بود. و چون مقداری از راه را طی کنی، مریم بنت عمران با هفتاد هزار حوریه به استقبال تو می آیند و بر تو سلام می کنند و در طرف چپ تو خواهند بود. آنگاه مادرت خدیجه دختر خویلد که در میان زنان عالم اول کسی است که به خداوند و رسول ایمان آورده است، با هفتاد هزار ملک که علم های تکبیر در دست دارند به استقبال تو می آیند. پس از آنکه نزدیک محشر رسیدی، حوا با هفتاد هزار ملک و آسیه زن فرعون به استقبال تو خواهند آمد و با تو حرکت می نمایند. هنگامی که وارد صحرای محشر شوی منادی از زیر عرش ندایی می کند که خلائق عموماً می شنوند و می گوید: چشمان خود را ببندید تا فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و این زنان مطهره که با او می باشند عبور نمایند! در آن روز غیر از ابراهیم و شوهرت علی بن ابی طالب کسی به تو نظر نخواهد کرد. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۵۷ سپس آدم حوا را طلب می کند و با مادرت خدیجه نزد تو می آیند. آنگاه منبری از نور برای تو نصب می شود که هفت پایه داشته باشد، در میان هر پایه تا پایه دیگری صفه ای از ملائکه ایستاده اند، علمهائی از نور در دست خواهند داشت. حوریه ها در طرف چپ و راست منبر تو صف می کشند. نزدیکترین زنان از طرف چپ به تو حوا و آسیه خواهند بود. هنگامی که بر فراز منبر روی، جبرئیل از طرف خداوند سبحان نزد تو می آید و می گوید: ای فاطمه! حاجت خویشان را بخواه! تو خواهی گفت: پروردگارا! حسن و حسینم را به من نشان بده! حسنین در حالی نزد تو می آیند که خون از رگهای گردن حسین فرو می ریزد. حسین می گوید: بار خدایا! امروز حق مرا از آن افرادی که به من ظلم و ستم کردند بگیر. در همین زمان است که دریای غضب حضرت پروردگار به جوش می آید، برای غضب خداوند است که ملائکه و جهنم نیز به خروش می آیند. جهنم نعره می زند و زبانه می کشد و به صحرای محشر می آید. آنگاه قاتلین حسین را با فرزندان و فرزندان فرزندان آنان می رباید. ایشان می گویند: پروردگارا! ما که در زمان قتل حسین خلق نشده بودیم؟! خداوند قهار به زبانه آتش دستور می دهد: این گونه افراد را که چشمشان کبود و صورتشان سیاه است بگیرید! موهای جلوی سر ایشان را بگیرید و بکشید و به صورت در طبقات پایین جهنم بیفکنید! زیرا سختگیری ایشان بر دوستان حسین از جنگیدن پدرانشان با خود حسین شدیدتر بوده است. پس از این جریان جبرئیل به تو می گوید: حاجت خود را بخواه! تو می گویی: پروردگارا! من شیعیان خود را می خواهم. خداوند رئوف می فرماید: من گناه آنان را آمرزیدم. تو می گویی: بار خدایا! من شیعیان خود و دوستان ایشان را می خواهم. خداوند سبحان می فرماید: برو هر کدام از آنان را که دست به دامن تو شود، او را وارد بهشت کن! در آن روز عموم خلائق آرزو می کنند: کاش از شیعیان و دوستان فاطمه بودند! آنگاه تو با شیعیان و دوستان و فرزندان خویشان و شیعیان علی در

حالی حرکت می کنید که خوف و بیم آنان بر طرف شده باشد، عورت های ایشان پوشیده شده، سختی های قیامت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۵۸ بر ایشان آسان می شود و از هول و ترسهای قیامت به آسانی خواهند گذشت، در آن روز مردم عموماً دچار ترس می شوند ولی ایشان نمی ترسند، مردم عموماً در آن روز تشنه اند ولی ایشان سیراب خواهند بود. آن زمان که نزدیک در بهشت می رسی تعداد دوازده هزار حوریه به استقبال تو می شتابند، آن حوریه ها قبل از تو از کسی استقبال ننموده اند: ظرفهایی از نور در دست دارند، و بر ناقه هایی از نور سوارند که جهاز آنها از طلای زرد و یاقوت خواهد بود. مهار آنها از مروارید تازه، رکاب آنها از زبرجد سبز، در میان جهاز هر ناقه ای یک بالش از سندس و استبرق بهشتی می باشد. و چون وارد بهشت شوی عموم اهل بهشت مسرور و خوشحال می شوند و به یک دیگر بشارت می دهند. برای شیعیان تو خانه هایی از جواهر الوان بر فراز ستونهایی از نور نصب می نمایند، آنان در آن هنگامه ای که مردم مشغول حساب باشند از آن خانه ها غذا می خورند، شیعیان تو وقتی داخل شوند دائماً به نعمت های بهشتی منتعم خواهند بود. عموم پیامبران از آدم تا خاتم به زیارت تو می آیند. دو مروارید هست که از یک رشته به وجود آمده اند، یکی از آنها سفید و دیگری زرد رنگ است، در هر یک از آنها هفتاد هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار خانه می باشد. آن قصرهای سفید منزل ما و شیعیان ما خواهند بود، قصرهای زرد منزل ابراهیم و آل ابراهیم است. فاطمه علیها السلام گفت: پدر جان! من نمی توانم مرگ تو را ببینم و بعد از تو زنده بمانم. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل از طرف خداوند رئوف به من خبر داده: اول کسی که از اهل بیت من به من ملحق می شود تو خواهی بود. وای بر آن کسی که در حق تو ظلم کند. رستگاری از آن شخصی است که تو را یاری نماید.

باب نهم اولاد و ذریه حضرت فاطمه علیها السلام و فضل آنها و اینکه فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۷۴/۱- وَحَدَّثَ فِي بَعْضِ كُتُبِ الْمَنَاقِبِ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْعَاصِي عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِيِّ عَنْ أَبِيهِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ أَبِي الْعَوَّامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ شَيْبَةَ بْنِ نَعَامَةَ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحَسَنِ عَنْ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كُلُّ بَنِي أُمَّ يَتَّمُونَ إِلَّا عَصِيَّةَ بَنِيهِمْ إِلَّا وَُلِدَ فَاطِمَةَ فَإِنِّي أَنَا أَبُوهُمْ وَ عَصَبَتُهُمْ وَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ بْنُ بُشَيْرَانَ الْعَدْلُ بِعَدَادٍ عَنْ أَبِي عَمْرٍو بْنِ السَّمَاكِ عَنْ حَبْلِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَمْرٍو عَنْ صَالِحِ بْنِ مُوسَى عَنْ عِاصِمِ بْنِ بَهْدَلَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْمَرَ الْعِمَارِيِّ قَالَ بَعَثَ إِلَيَّ الْحَجَّاجُ فَقَالَ يَا يَحْيَى أَنْتَ الَّذِي تَزْعُمُ أَنَّ وَُلِدَ عَلِيٌّ مِنْ فَاطِمَةَ وَ وُلِدَ رَسُولُ اللَّهِ ص قُلْتُ لَهُ إِنَّ أَمْتَنِي تَكَلَّمْتُ قَالَ فَأَنْتَ آمِنٌ قُلْتُ لَهُ نَعَمْ أَقْرَأُ عَلَيْكَ كِتَابَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا إِلَى أَنْ قَالَ وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى وَ إِيَّاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ «۱» وَ عِيسَى كَلِمَةُ اللَّهِ وَ رُوحُهُ أَلْقَاهَا إِلَى الْعَذْرَاءِ الْبُتُولِ وَ قَدْ نَسَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ مَا دَعَاكَ إِلَى نَشْرِ هَذَا وَ ذَكَرِهِ قُلْتُ مَا اسْتَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ فِي عِلْمِهِمْ لَكِبْنُهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ الْآيَةُ «۲» قَالَ صَدَقْتَ وَ لَا تَعُودَنَّ لِذِكْرِ هَذَا وَ لَا نَشْرِهِ وَ جَاءَ الْحَدِيثُ مُرْسِلًا أَطْوَلَ مِنْ هَذَا عَنْ عَامِرِ الشَّعْبِيِّ أَنَّهُ قَالَ بَعِثَ إِلَيَّ الْحَجَّاجُ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَخَشَيْتُ فَقُمْتُ فَتَوَضَّأْتُ وَ أَوْصَيْتُ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَنَظَرْتُ فَإِذَا نَطَعٌ مَنشُورٌ وَ السَّيْفُ مَسْلُومٌ

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۶۲ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ فَقَالَ لَا تَخَفْ فَقَدْ آمَنْتَكَ اللَّيْلَةَ وَ عَدَا إِلَى الظُّهْرِ وَ أَجْلَسَنِي عِنْدَهُ ثُمَّ أَشَارَ فَأَتَنِي بِرَجُلٍ مُقَيَّدٍ بِالْكُؤُولِ وَ الْأَغْلَالِ فَوَضَعُوهُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ إِنَّ هَذَا الشَّيْخَ يَقُولُ إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحَسَيْنَ كَانَا ابْنَي رَسُولِ اللَّهِ ص لِأَيَّتَيْنِي بِحُجَّتِهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ إِلَّا لَأُضْرِبَنَّ عُنُقَهُ فَقُلْتُ يَجِبُ أَنْ تَحِلَّ قَيْدُهُ فَإِنَّهُ إِذَا احْتَجَّ فَإِنَّهُ لَا مَحَالَةَ يَذْهَبُ وَ إِنْ لَمْ يَحْتَجَّ فَإِنَّ السَّيْفَ لَا يَقْطَعُ هَذَا الْحَدِيدَ فَحَلُّوا قَيْدَهُ وَ كُؤُولَهُ فَنَظَرْتُ فَإِذَا هُوَ سَعِيدٌ بْنُ جُبَيْرٍ فَحَزَنْتُ بِذَلِكَ وَ قُلْتُ كَيْفَ يَجِدُ حُجَّةً

عَلَى ذَلِكَ مِنَ الْقُرْآنِ فَقَالَ لَهُ الْحَجَّاجُ ائْتِنِي بِحُجَّتِهِ مِنَ الْقُرْآنِ عَلَى مَا ادَّعَيْتَ وَإِلَّا أَضْرِبُ عَنْقَكَ فَقَالَ لَهُ اانْتَظِرْ فَسَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ قَالَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ إِلَى قَوْلِهِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ «۱» ثُمَّ سَكَتَ وَقَالَ لِلْحَجَّاجِ اقْرَأْ مَا بَعْدَهُ فَقَرَأَ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى فَقَالَ سَعِيدٌ كَيْفَ يَلِيقُ هَاهُنَا عِيسَى قَالَ إِنَّهُ كَانَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ قَالَ إِنْ كَانَ عِيسَى مِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ أَبٌ بَلْ كَانَ ابْنُ ابْنَتِهِ فَانْسَبْ إِلَيْهِ مَعَ بُعْدِهِ فَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ أَوْلَى أَنْ يُنسَبَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص مَعَ قُرْبِهِمَا مِنْهُ فَأَمَرَ لَهُ بِعَشْرَةِ آلَافٍ دِينَارٍ وَأَمَرَ بِأَنْ يَحْمِلُوهَا مَعَهُ إِلَى دَارِهِ وَأَذَنَ لَهُ فِي الرُّجُوعِ قَالَ الشَّعْبِيُّ فَلَمَّا أَصْبَحْتُ قُلْتُ فِي نَفْسِي قَدْ وَجَبَ عَلَيَّ أَنْ آتِيَ هَذَا الشَّيْخَ فَاتَّعَلَّمُ مِنْهُ مَعَانِيَ الْقُرْآنِ لِأَنِّي كُنْتُ أَظُنُّ أَنِّي أَعْرِفُهَا فَإِذَا أَنَا لَا أَعْرِفُهَا فَاتَّيْتُهِ فَإِذَا هُوَ فِي الْمَسْجِدِ وَتِلْكَ الدَّنَانِيرُ بَيْنَ يَدَيْهِ يُفَرِّقُهَا عَشْرًا وَعَشْرًا وَيَتَصَدَّقُ بِهَا ثُمَّ قَالَ هَذَا كُلُّهُ بِبَرَكَهِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ع لَئِنْ كُنَّا أَغْمَمْنَا وَاحِدًا لَقَدْ أَفْرَحْنَا أَلْفًا وَأَرْضَيْنَا اللَّهُ وَرَسُولَهُ ص كِتَابَ الدَّلَائِلِ، لِمُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرٍ الطَّبْرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الطَّبْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَاضِي التَّوْحِيْدِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ جَرِيرٍ عَنْ شَيْبَةَ بْنِ نَعَامَةَ عَنْ فَاطِمَةَ الصُّغْرَى عَنْ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى قَالَتْ قَالَ النَّبِيُّ ص لِكُلِّ نَبِيٍّ عَصْبَةٌ يَنْتُمُونَ إِلَيْهِ وَإِنَّ فَاطِمَةَ عَصَبَتِي الَّتِي تَنْتُمِي إِلَيَّ

ترجمه

: در بعضی از کتب مناقب یافتیم که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرزندان هر مادری به پدر و خویشاوندان پدری خود منسوب می‌شوند غیر از فرزندان فاطمه که من پدر و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۶۳ خویشاوندان ایشان می‌باشم. یحیی بن عمر عامری می‌گوید: حجاج بن یوسف مرا خواست و به من گفت: ای یحیی! تو آن کسی هستی که گمان می‌کنی آن فرزندان علی که از فاطمه دارد فرزندان پیامبر اسلام هستند. گفتم: اگر در امان باشم جواب تو را خواهم داد. گفت: تو در امان هستی. گفتم آری، این آیه را که می‌خوانم این مطلب را ثابت می‌نماید: وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هِدَايْنَا «۱» تا آنجا که می‌فرماید: وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ «۲» در صورتی که عیسی روح الله است و خداوند او را به حضرت مریم عطا کرد و مع ذلک خدای علیم عیسی را به حضرت ابراهیم نسبت می‌دهد و او را از فرزندان ابراهیم به شمار می‌آورد. حجاج گفت: چه باعث شده که تو این موضوع را تبلیغ نمایی؟! گفتم: خداوند بر اهل علم واجب کرده که علم خود را نشر دهند، چنان که در قرآن مجید می‌فرماید: لَنُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ «۳». حجاج گفت: راست می‌گویی ولی در عین حال مبادا بعد از این موضوع را تکرار نمایی و نشر دهی؟! این حدیث را عامر شعبی مفصلتر از این نقل کرده، چنان که می‌گوید: یک شب حجاج مرا خواست، من وضو گرفتم و وصیت خود را کردم و نزد حجاج رفتم، وقتی نگاه کردم دیدم سفره‌ای چرمی گسترده و شمشیری برهنه نزد حجاج است. من سلام کردم و او جواب داد، آنگاه به من گفت: خائف مباش زیرا من تو را تا فردا ظهر امان داده‌ام. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۶۴ پس از اینکه مرا نزد خود نشانید، دستور داد تا مردی را آورند که وی را غل و زنجیر کرده بودند و او را در مقابل حجاج قرار دادند. حجاج گفت: این پیر مرد می‌گوید: حسن و حسین علیهما السلام فرزندان پیغمبر خدایند، اگر برای این مدعا دلیلی از قرآن نیاورد گردن او را خواهم زد. من گفتم: پس باید این غل و زنجیر را از گردن وی باز کرد، زیرا که او آزاد خواهد شد، و اگر دلیلی از قرآن نیاورد و بخواهی گردن وی را بزنی شمشیر این غل و زنجیر را قطع نمی‌کند. هنگامی که غل و زنجیر را از گردنش باز نمودند دیدم از سعید بن جبیر است. من فوق العاده محزون شدم و با خود گفتم: چگونه از قرآن دلیل خواهد آورد؟! حجاج به وی گفت: دلیل خود را از قرآن بیاور و الا گردن تو را خواهم زد. سعید بن جبیر گفت: مهلتم بده. وی ساعتی صبر کرد و گفت: حجت و دلیل خود را بیاور! سعید گفت: صبر کن. او ساعتی صبر کرد و گفت: دلیل و برهان خویش را بیاور! سعید بن جبیر گفت: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ

وَيَقُوبُ «۱» تا آنجا که می فرماید: وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ «۲». سعید پس از خواندن این آیه ساکت شد. حجاج به وی گفت: ما بعد آیه را بخوان! سعید گفت: وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَى «۳» آنگاه سعید گفت: ای حجاج! عیسی چه نسبتی به حضرت ابراهیم دارد؟ حجاج گفت: عیسی از فرزندان ابراهیم محسوب می شود. سعید گفت: عیسی که بدون پدر خلق شده و از نواده های دختری حضرت ابراهیم به شمار می رود، با اینکه فاصله بین عیسی و حضرت ابراهیم خیلی زیاد است مع ذلک از فرزندان حضرت ابراهیم محسوب می شود. پس حضرات حسنین علیهما السلام با توجه به اینکه با رسول خدا چندان فاصله ای ندارند به طریق اولی فرزندان پیغمبر اکرم محسوب خواهند شد. حجاج پس از این گفتگوها مبلغ ده هزار اشرفی به سعید بن جبیر جایزه داد و دستور داد زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۶۵ تا او را به خانه اش باز گردانیدند. شعبی می گوید: من با خودم گفتم: بر من واجب است که نزد این مرد عالم یعنی سعید بن جبیر بروم و معانی قرآن را از او بیاموزم، زیرا من گمان می کردم که معانی قرآن را می دانم، ولی اکنون معلوم شد که نمی دانم. هنگامی که متوجه سعید بن جبیر شدم دیدم وی در مسجد نشسته و آن اشرفی ها را در مقابل خود ریخته و پیوسته آنها را ده اشرفی ده اشرفی صدقه می دهد و می گوید: اینها از برکت حسن و حسین علیهما السلام است. اگر ما یک نفر (یعنی حجاج) را ناراحت کردیم هزار نفر را برای پرداخت این پولها خوشحال نمودیم و خداوند و رسول را راضی نمودیم. در کتاب دلائل الامامه طبری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمود: فرزندان هر پیغمبری به خود او منسوب هستند، فاطمه فرزند من است که به من منسوب است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۷۵ / ۲- معانی الاخبار «۱» الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَشَّارٍ مَعَا عَنْ الْمُظَفَّرِ بْنِ أَحْمَدَ الْقُرَوَيْنِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْوَشَّاءِ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ كُنْتُ بِخُرَاسَانَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَاعِ فِي مَجْلِسِهِ وَزَيْدُ بْنُ مُوسَى حَاضِرٌ وَقَدْ أَقْبَلَ عَلَيَّ جَمَاعَةٌ فِي الْمَجْلِسِ يَفْتَحِرُونَ عَلَيْهِمْ وَيَقُولُونَ نَحْنُ وَنَحْنُ وَأَبُو الْحَسَنِ ع مُقْبِلٌ عَلَيَّ قَوْمٌ يُحَدِّثُهُمْ فَسَمِعَ مَقَالَهُ زَيْدٌ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا زَيْدُ أَعَرَكَ قَوْلُ بَقَالِي الْكُوفَةِ إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ وَاللَّهُ مَا ذَلِكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَوُلَدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً فَأَمَّا أَنْ يَكُونَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ يُطِيعُ اللَّهَ وَيَصُومُ نَهَارَهُ وَيَقُومُ لَيْلَهُ وَتَغْصِيهِ أَنْتَ ثُمَّ تَجِيئَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَوَاءً لَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع كَانَ يَقُولُ لِمُحْسِنِينَ كِفْلَانِ مِنَ الْأَجْرِ وَلِمُسِيئِينَ ضِعْفَانِ مِنَ الْعَذَابِ وَقَالَ الْحَسَنُ الْوَشَّاءُ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيَّ وَقَالَ يَا حَسَنُ كَيْفَ تَقْرَأُونَ هَذِهِ الْآيَةَ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ «۲» فَقُلْتُ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ وَنَفَاهُ عَنْ أَبِيهِ فَقَالَ عَ كُلَّا لَقَدْ كَانَ ابْنُهُ وَلَكِنْ لَمَّا عَصَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ نَفَاهُ اللَّهُ عَنْ أَبِيهِ كَذَآءَ مَنْ كَانَ مِنْهُ لَمْ يُطِيعِ اللَّهَ فَلَيْسَ مِنَّا وَأَنْتَ إِذَا أَطَعْتَ اللَّهَ فَأَنْتَ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ

ترجمه

: شیخ صدوق در معانی الاخبار از حسن بن موسی الوشاء روایت کرده: من در خراسان در مجلس حضرت رضا علیه السلام بودم، زید بن موسی (برادر حضرت رضا) هم در آن مجلس حضور داشت. زید متوجه گروهی از اهل مجلس شد و گفت که ما چنین و چنانیم. حضرت رضا متوجه آن گروه شد و گفته زید را شنید، به وی فرمود: ای زید! آیا قول بقال های کوفه را که می گویند: فاطمه خویشتن را حفظ کرد و خداوند فرزندان او را به آتش جهنم حرام کرد، تو را مغرور نموده است! به خداوند سوگند که این مطلب

جز برای حسن و حسین علیهما السلام و فرزندانی که از رحم آن بانو متولد شده‌اند نخواهد بود. آیا می‌شود گفت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خداوند را اطاعت کند، روزها روزه‌دار و شبها به تهجد و شب‌زنده‌داری و نماز شب مشغول باشد و تو معصیت خداوند را انجام دهی و فردای قیامت نزد خداوند با او مساوی باشی و یا اینکه تو نزد خداوند عزیزتر باشی؟! در صورتی که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام می‌فرماید: اجر نیکوکاران ما هر چه باشد عذاب گنهکاران ما دو برابر خواهد بود. حسن می‌گوید: حضرت رضا علیه السلام سپس متوجه من شد و فرمود: ای حسن! این آیه را چگونه قرائت می‌کنید که خداوند می‌فرماید: قال یا نوح انه لیس من اهلک، انه عمل غیر صالح؟ گفتیم: بعضی از مردم می‌خوانند: انه عمل [بفتح عین و لام و کسر میم] غیر صالح و بعضی می‌خوانند: انه عمل [بفتح عین و میم و دو پیش لام] غیر صالح بنا بر قرائت دوم پسر نوح را از پدرش ندانسته است. حضرت رضا فرمود: ابا این طور نیست، بلکه وی پسر حضرت نوح بود. ولی عصیان کرد خداوند او را از پدرش ندانست. همین طور هر کس از خاندان ما که اطاعت از خداوند نکند از ما نخواهند بود. و تو اگر حضرت حق را اطاعت نمایی از ما اهل بیت خواهی بود.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳/۳۷۶- معانی الأخبار «۱» أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ هَلْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَخَصَيْتُ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ قَالَ نَعَمْ عَنِّي بِذَلِكَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَزَيْنَبُ وَأُمُّ كُلثُومٍ ع

ترجمه

: شیخ صدوق رحمه الله از محمد بن مروان روایت کرده که گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا این سخن آن فاطمه أحصنت ... الخ: «همانا فاطمه علیها السلام عفت خود را حفظ کرد پس خداوند ذریه او را بر آتش حرام کرد»، از سخنان رسول خداست؟ امام صادق در جواب فرمود: بله، و منظور از ذریه حضرت فاطمه، حسن و حسین و زینب و ام کلثوم هستند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۴/۳۷۷- معانی الأخبار «۲» ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَخَصَيْتُ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ فَقَالَ الْمُعْتَقُونَ مِنَ النَّارِ هُمْ وَلَدُ بَطْنِهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَزَيْنَبُ وَأُمُّ كُلثُومٍ «۳» ۳/۳۷۸- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۴» بِإِسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ عَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَخَصَّتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ - مصباح الأنوار، عن أبي عبد الله ع عن النبي ص مثله «۵» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۶۸ ۶/۳۷۹- عیون أخبار الرضا علیه السلام «۱» مَا جَلَوِيهِ وَابْنُ الْمُتَوَكِّلِ وَالْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرٍ قَالَ خَرَجَ زَيْدُ بْنُ مُوسَى أَخُو أَبِي الْحَسَنِ عَ بِالْمَدِينَةِ وَآخَرَقَ وَ قَتَلَ وَ كَانَ يُسَمَّى زَيْدَ النَّارِ فَبَعَثَ إِلَيْهِ الْمُأْمُونُ فَأَسْرَ وَ حَمَلَ إِلَى الْمُأْمُونِ فَقَالَ الْمُأْمُونُ أَذْهَبُوا بِهِ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ قَالَ يَاسِرٌ فَلَمَّا أُدْخِلَ إِلَيْهِ قَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ يَا زَيْدُ أَعَرَكَ قَوْلُ سِفْلَةٍ أَهْلِ الْكُوفَةِ إِنَّ فَاطِمَةَ أَخَصَّتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ ذَاكَ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

خَاصَّةً إِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّكَ تَعْصِي اللَّهَ وَتَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أَطَاعَ اللَّهَ وَدَخَلَ الْجَنَّةَ فَأَنْتَ إِذَا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَاللَّهُ مَا يَنْأَلُ أَحَدٌ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِطَاعَتِهِ وَزَعَمْتَ أَنَّكَ تَنَالُهُ بِمَعْصِيَتِهِ فَبُئْسَ مَا زَعَمْتَ فَقَالَ لَهُ زَيْدٌ أَنَا أَخُوكَ وَابْنُ أَبِيكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ أَنْتَ أَخِي مَا أَطَعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِنْ نُوحَاكَ قَالَ رَبِّ إِنْ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنْ وَعِدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (۲) فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ (۳) فَأَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَهْلِهِ بِمَعْصِيَتِهِ

ترجمه

شیخ صدوق در عیون الاخبار روایت کرده: زید بن موسی بن جعفر علیه السلام در مدینه خروج کرد، گروهی را آتش زد و گروهی را به قتل رسانید. بدین لحاظ او را زید النار نامیدند. مأمون فرستاد تا او را گرفتند و اسیر نمودند و نزد مأمون بردند، دستور داد: وی را نزد امام رضا علیه السلام ببرید. یاسر می گوید: وقتی زید به حضور حضرت رضا آمد امام به او فرمود: ای زید! قول مردمان پست کوفه که می گویند: فاطمه عفت خود را حفظ نمود و خداوند ذریه او را به آتش جهنم حرام کرد تو را مغرور کرد! به خداوند سوگند که این مطلب جز برای حسن و حسین علیهما السلام نخواهد بود. تو این طور گمان می کنی که اگر خداوند را معصیت کنی داخل بهشت خواهی شد و موسی بن جعفر هم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۶۹ اطاعت پیشه کند و داخل بهشت شود، آنگاه تو نزد خداوند از آن بزرگوار عزیزتر باشی؟ به خداوند سوگند کسی از ما نزد خداوند به مقامی نخواهد رسید مگر به اطاعت نمودن پروردگار، ولی تو گمان می کنی که اگر عصیان بورزی به این مقام خواهی رسید؟! زید در جواب حضرت رضا گفت: من هم برادر و پسر پدر تو می باشم. امام رضا فرمود: آری، تو مادامی برادر من خواهی بود که خداوند را اطاعت نمایی. حضرت نوح گفت: پروردگارا! پسر من هم از اهل من محسوب می شود، وعده تو حق و تو بهترین حکم کنندگان خواهی بود. خداوند حکیم فرمود: ای نوح! او از اهل تو نیست، او معصیت کار است. خداوند او را برای اینکه مرتکب معصیت شد از اهل نوح ندانست.

[متن عربی]

[متن عربی]

۷/۳۸۰- المناقب «۱» لابن شهر آشوب تاریخ بغداد «۲» وَ كِتَابُ السَّمْعَانِيِّ وَ أَرْبَعِينَ الْمُؤَذِّنِ وَ مَنَاقِبُ فَاطِمَةَ عَنِ ابْنِ شَاهِينَ بِإِسْنَادِهِمْ عَنْ حُذَيْفَةَ وَ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَيْتُ فَوْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ قَالَ ابْنُ مَنْدَةَ خَاصٌّ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ يُقَالُ أَيْ مَنْ وَلَدَتْهُ بِنَفْسِهَا وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنِ الرَّضَاعِ وَ الْأُولَى كُلُّ مُؤْمِنٍ مِنْهُمْ «۳» ۸/۳۸۱- الإحتجاج «۴» عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ يَا أَبَا الْجَارُودِ مَا يَقُولُونَ فِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ قُلْتُ يُنْكِرُونَ عَلَيْنَا أَنَّهُمَا ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ فَبِأَيِّ شَيْءٍ اخْتَجَجْتُمْ عَلَيْهِمْ قُلْتُ بِقَوْلِ اللَّهِ فِي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ إِلَى قَوْلِهِ كُلُّ مَنْ الصَّالِحِينَ «۵» فَجَعَلَ عِيسَى مِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ اخْتَجَجْنَا عَلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ تَعَالَى فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ زَنْدَكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۷۰ أَبْنَاءَنَا وَ أَنْبَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ «۱» قَالَ فَأَيُّ شَيْءٍ قَالُوا قَالَ قُلْتُ قَالُوا قَدْ يَكُونُ وَلَدُ الْبَنَاتِ مِنَ الْوَلَدِ وَ لَا يَكُونُ مِنَ الصُّلْبِ قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَاللَّهِ يَا أَبَا الْجَارُودِ لَا أُعْطِيَنَّكَهَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ آيَةً تُسَمَّى لِصُلْبِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَا يَرُدُّهَا إِلَّا كَافِرٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَتَيْنَ قَالَ حَيْثُ قَالَ اللَّهُ حَرَّمْتُ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ أَخَوَاتُكُمْ إِلَى قَوْلِهِ وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ «۲» فَسَلُّهُمْ يَا أَبَا الْجَارُودِ هَلْ يَحِلُّ لِرَسُولِ اللَّهِ ص نِكَاحُ حَلِيلَتَيْهَا فَإِنْ قَالُوا نَعَمْ فَكَذَبُوا وَاللَّهِ وَ إِنْ قَالُوا لَا فَهَذَا وَ اللَّهُ ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ لِيُصْلِحَ لَهُ وَ مَا حَرَّمْتُ عَلَيْهِ إِلَّا لِلصُّلْبِ بَيَانُ أَقُولُ

إطلاق الابن و الولد عليهم كثير و قد مضى الأخبار المفصلة في باب احتجاج الرضاع عند المأمون في الإمامة و سيأتي في احتجاج موسى بن جعفر مع خلفاء زمانه و لعل وجه الاحتجاج بالآية الأخيرة هو اتفاقهم على دخول ولد البنت في هذه الآية و الأصل في الإطلاق الحقيقة أو أنهم يستدلون بهذه الآية على حرمة حليلة ولد البنت و لا يتم إلا بكونه ولدا حقيقة للصلب و سيأتي تمام القول في ذلك في أبواب الخمس إن شاء الله

ترجمه

در کتاب احتجاج طبرسی از ابو الجارود روایت شده است که امام باقر علیه السلام خطاب به او فرمود: مردم در باره امام حسن و امام حسین چه می گویند؟ گفتیم: انکار می کنند که حسنین علیهما السلام فرزندان پیامبر خدا باشند. فرمود: شما چه دلیلی برای آنان می آورید؟ گفتیم: به آیه قرآن در باره عیسی بن مریم که می فرماید: وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ «۳»، تا آنجا که می فرماید: وَكُلُّ مِنَ الصَّالِحِينَ «۴». زیرا خداوند در این آیه حضرت عیسی را از فرزندان حضرت ابراهیم قرار داده است. نیز به آیه: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۷۱ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ «۱». بر آنان استدلال می کنیم. فرمود: آنان چه می گویند. گفتیم: می گویند: گاهی می شود که فرزند دختر، فرزند می باشد. ولی از صلب انسان نخواهد بود. راوی می گوید: حضرت باقر علیه السلام به من فرمود: به خداوند سوگند دلیلی از قرآن می آورم که فرزندان زهرا از صلب پیغمبر خداوند، این دلیل را جز شخص کافر رد نخواهد کرد. گفتیم: فدایت شوم از کجای قرآن؟ فرمود: این آیه که می فرماید: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ «۲» تا آنجا که می فرماید: وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ «۳». ای ابو الجارود! از ایشان جویا شو و بگو: آیا برای پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم حلال بود که با زنان حضرات حسنین ازدواج نماید؟ اگر بگویند: آری، معلوم است که دروغ می گویند، و اگر بگویند: نه، پس ثابت می شود که ایشان فرزندان پیامبرند و به همین جهت زنان ایشان بر رسول خدا حرام بودند.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۸۲/۹- تفسیر القمی «۴» أَبِي عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ يَا أَبَا الْجَارُودِ مَا يَقُولُونَ فِي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ع قُلْتُ يَنْكَرُونَ عَلَيْنَا أَنَّهُمَا ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ فَبِأَيِّ شَيْءٍ اخْتَجَجْتُمْ عَلَيْهِمْ قُلْتُ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِلَى قَوْلِهِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ «۵» وَجَعَلَ عِيسَى مِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ فَأَيُّ شَيْءٍ قَالُوا لَكُمْ قُلْتُ قَالُوا قَدْ يَكُونُ وَلَهُ الْبَتَّةُ مِنَ الْوَلَدِ وَلَمَا يَكُونُ مِنَ الصُّلْبِ قَالَ فَبِأَيِّ شَيْءٍ اخْتَجَجْتُمْ عَلَيْهِمْ قُلْتُ اخْتَجَجْنَا عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ «۱» الْآيَةَ- قَالَ فَأَيُّ شَيْءٍ قَالُوا لَكُمْ قُلْتُ قَالُوا قَدْ يَكُونُ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ ابْنِي رَجُلٍ وَاحِدٍ يَقُولُ أَبْنَاؤُنَا وَنِسَاءُ هُمَا ابْنُ [ابْنَا وَاحِدٍ] قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَاللَّهِ يَا أَبَا الْجَارُودِ لَأُعْطِيَنَّكَهَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَسْمِي لَصُلْبِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَا يَرُدُّهَا إِلَّا كَافِرٌ قَالُوا قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَآيِنَ قَالَ حَيْثُ قَالَ اللَّهُ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى قَوْلِهِ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ «۲» فَسَلُّهُمْ يَا أَبَا الْجَارُودِ هَلْ حَلَّ لِرَسُولِ اللَّهِ ص نِكَاحَ حَلِيلَتَيْهِمَا فَإِنْ قَالُوا نَعَمْ فَكَذَّبُوا وَاللَّهِ وَفَجَرُوا وَإِنْ قَالُوا لَا فَهُمَا وَاللَّهِ ابْنَاهُ لَصُلْبِهِ وَمَا حَرَّمَ عَلَيْهِ إِلَّا لِلصُّلْبِ - الكافي «۳» العدة عن البرقي عن الحسن بن ظريف عن عبد الصمد مثله

ترجمه

در تفسیر علی بن ابراهیم از ابو الجارود روایت می کند که گفت: حضرت امام محمد باقر علیه السلام به من فرمود: این مردم در باره امام حسن و امام حسین علیهما السلام چه می گویند؟ گفتم: منکر می شوند که ایشان فرزندان پیغمبر خدا باشند. فرمود: شما برای این موضوع چه دلیلی می آورید؟ گفتم: به این آیه که خداوند در باره عیسی بن مریم می فرماید: وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ «۴» تا آنجا که می فرماید: وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ «۵». زیرا خداوند حضرت عیسی را در این آیه از فرزندان حضرت ابراهیم معرفی نموده است. حضرت باقر فرمود: آنان چه می گویند؟ گفتم: آری همین طور است که شما می گوید، ولی در عین حال ایشان فرزند صلبی نیستند. فرمود: شما در جواب آنان چه گفتید؟ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۷۳ گفتم: به این آیه استدلال نمودم که خداوند می فرماید: فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ «۱». فرمود: آنان چه گفتند؟ گفتم: می گویند: در کلام عرب گاهی به دو نفر فرزند که از یک نفر باشند می گویند: فرزندان ما، و ایشان فرزند یک نفرند. حضرت باقر به من فرمود: به خداوند سوگند من از قرآن دلیلی برای تو می آورم و ثابت می کنم که آنان فرزندان صلبی پیامبر خدایند، و این دلیل را جز شخص کافر رد نخواهد کرد. گفتم: فدایت شوم از کجای قرآن؟ فرمود: آنجا که می فرماید: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ «۲» تا آنجا که می فرماید: وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْنَابِكُمْ «۳». ای ابو الجارود! تو از ایشان بپرس: آیا برای رسول خدا حلال بود که با زنان حضرات حسنین علیهما السلام ازدواج نماید یا نه؟ اگر بگویند: آری، به خداوند سوگند که دروغ گفته اند و گناه کرده اند. و اگر بگویند: نه پس ثابت می شود که حسنین فرزندان صلبی رسول خدایند و بدین لحاظ است که زنان ایشان به پیغمبر خدا حرام بودند و ...

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۸۳/۱۰- المناقب «۴» وَلَمَدَتِ الْحَسَنَ عَ وَلَهَا اثْنَتَا عَشْرَةَ سَنَةً وَأَوْلَادُهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمُحَسَّنُ سَقَطَ وَفِي مَعَارِفِ الْقُتَيْبِيِّ أَنَّ مُحَسَّنًا فَسَدَ مِنْ زَحْمِ قُنْفُذِ الْعِدْوِيِّ وَزَيْنَبُ وَأُمُّ كُلْثُومٍ تَذْنِيبٌ -- قَالَ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ أَبِي الْحَدِيدِ فِي شَرْحِ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فِي بَعْضِ أَيَّامِ صَفِّينَ حِينَ رَأَى ابْنَهُ الْحَسَنَ عَ يَتَسَرَّعُ إِلَى الْحَرْبِ أَمْلِكُوا عَنِّي هَذَا الْغُلَامَ لِمَا يَهْدِينِي فَإِنِّي أَنَفْسُ بِهِدَيْنٍ يَغْنَى الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَنِ الْمَوْتِ لَوْلَا يَنْقُطِعَ بِهِمَا نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَ زَنْدِگَانِی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۷۴ فَإِنْ قُلْتُ أَيْجُوزُ أَنْ يُقَالَ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَوُلِدَهُمَا أَبْنَاءُ رَسُولِ اللَّهِ وَوُلِدَ رَسُولِ اللَّهِ وَذُرِّيَّةُ رَسُولِ اللَّهِ وَنَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَ قُلْتُ نَعَمْ لَأَنَّ اللَّهَ سَمَّاَهُمْ أَبْنَاءَهُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ «۱» وَإِنَّمَا عَنَى الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَ لَوْ أَوْصَى لَوْلِدِ فُلَانٍ بِمَالٍ دَخَلَ فِيهِ أَوْلَادُ الْبَنَاتِ وَ سَمَّى اللَّهُ تَعَالَى ذُرِّيَّةَ إِبْرَاهِيمَ وَلَمْ يَخْتَلِفْ أَهْلُ اللُّغَةِ فِي أَنَّ وَلِدَ الْبَنَاتِ مِنْ نَسْلِ الرَّجُلِ. فَإِنْ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ «۲» قُلْتُ أَسْأَلُكَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَارِيَةَ فَكَلِمَةً تُجِيبُ بِهِ عَنْ ذَلِكَ فَهُوَ جَوَابِي عَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَ وَ الْجَوَابُ الشَّامِلُ لِلْجَمِيعِ أَنَّهُ عَنَى زَيْنَدَ بْنِ الْحَارِثَةِ لِأَنَّ الْعَرَبَ كَانَتْ تَقُولُ زَيْنَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَى عَادَتِهِمْ فِي تَبْنِي الْعَبِيدِ فَأَبْطَلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ وَ نَهَى عَنْ سُنَّةِ الْجَاهِلِيَّةِ وَقَالَ إِنَّ مُحَمَّدًا لَيْسَ أَبًا لِوَاحِدٍ مِنَ الرِّجَالِ الْبَالِغِينَ الْمَعْرُوفِينَ بَيْنَكُمْ وَ ذَلِكَ لَا يَنْفِي كَوْنَهُ أَبًا لِأَطْفَالٍ لَمْ يُطْلَقْ عَلَيْهِمْ لَفْظُهُ الرِّجَالِ كإِبْرَاهِيمَ وَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ ع. أَقُولُ ثُمَّ ذَكَرَ بَعْضُ الْإِعْْرَاضَاتِ وَالْأَجَوِبَةِ الَّتِي لَيْسَ هَذَا الْبَابُ مَوْضِعَ ذِكْرِهَا.

ترجمه

در کتاب مناقب آمده است: حضرت فاطمه زهرا دوازده ساله بود که امام حسن را زایید. فرزندان فاطمه علیها السلام عبارتند از: ۱- حسن، ۲- حسین، ۳- محسن، (بضم میم و فتح حاء و سین با تشدید). ابن قتیبہ در کتاب معارف می نگارد: محسن از آن ضربتی که

قنغد به حضرت زهرا زد، سقط شد. ۴- زینب، ۵- امّ کلثوم. ابن ابی الحدید در شرح خطبه‌ای می‌گوید: وقتی حضرت امیر در جنگ صفّین دید امام حسن به سرعت به جنگ می‌رود، فرمود: این پسر را در عقب من قرار دهید، زیرا من از مردن این دو پسر یعنی: حسن و حسین مضایقه دارم. اگر ایشان بمیرند نسل پیامبر خدا قطع خواهد شد. اگر بگویی: آیا جایز است که به حضرات حسنین و فرزندان ایشان گفته شود: فرزندان و ذرّیه و نسل پیغمبر خدا؟ من می‌گویم: آری، زیرا منظور خدای علیم که در این زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۷۵ آیه شریفه می‌فرماید: نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَکُمْ «۱» حضرت حسن و حضرت حسین است. (جواب دیگر اینکه: اگر کسی وصیت کند: مالی را به فرزندان فلانی بدهید فرزندان دختری او هم داخل فرزندان وی خواهند بود. دیگر اینکه: خداوند حضرت عیسی را از ذرّیه حضرت ابراهیم قرار داده است. دیگر اینکه: اهل لغت عرب در اینکه فرزند دختر از نسل مرد (یعنی پدر آن دختر) به شمار می‌روند اختلافی ندارند. اگر بگویی: جواب این آیه را که خداوند می‌فرماید: «حضرت محمّد پدر هیچ یک از مردان شما نبود «۲»» من در جواب می‌گویم: تو در اینکه پیغمبر خدا پدر ابراهیم بن ماریه است چه می‌گویی؟ هر جوابی که در این باره بگویی من هم همان را در باره حضرت حسنین خواهم گفت: جوابی که شامل همه اینها بشود این است که: منظور از آیه سابق الذکر زید بن حارثه است. زیرا رسم عرب در زمان جاهلیت این بود که غلام زر خرید را برای خود در حکم پسر می‌دانستند، لذا به زید بن حارثه هم می‌گفتند: زید بن محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم. بدین جهت خداوند این رسم را باطل کرد و فرمود: حضرت محمّد پدر مردانی که بالغ و معروفند نیست. این مطلب با اینکه آن بزرگوار پدر کودکانی از قبیل: ابراهیم و حسنین باشد منافاتی ندارد.

باب دهم موقوفات و صدقات حضرت فاطمه علیها السلام

[متن احادیث و ترجمه آنها]

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۸۴/ ۱- الکافی «۱» مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي مَرْیَمَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ صَدَقَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ صَدَقَةِ عَلِيٍّ ع فَقَالَ هِيَ لَنَا حَلَالٌ وَقَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع جَعَلَتْ صَدَقَتَهَا لِبَنِي هَاشِمٍ وَ بَنِي الْمُطَّلِبِ

ترجمه

در کافی از ابو مریم روایت شده: از امام صادق در باره صدقات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و علی علیه السلام سؤال کردم، فرمود: آنها برای ما حلال است، همچنین صدقات فاطمه زهرا که برای بنی هاشم و بنی مطلب قرار داده است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳۸۵/ ۲- الکافی «۲» عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع أَلَا أُفَرِّقُكَ وَصِيَّةَ فَاطِمَةَ قَالَ قُلْتُ بَلَى فَأَخْرَجَ حَقًّا أَوْ سَيْفًا فَأَخْرَجَ مِنْهُ كِتَابًا فَقَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ص

أَوْصَتْ بِحَوَائِطِهَا السَّبْعِيَّةِ الْعَوَافِ وَالِدَّلَالِ وَالْبُرْقَةِ وَالْمَيْتِ وَالْحَسَنِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ فَإِنْ مَضَى عَلِيٌّ فَإِلَى الْحَسَنِ فَإِنْ مَضَى الْحَسَنُ فَإِلَى الْحُسَيْنِ فَإِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وَلَدِي شَهِدَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكِ وَالْمَقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَالزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ وَكَتَبَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۸۸۰ - الكافي عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ مِثْلَهُ وَلَمْ يَذْكُرْ حَقًّا وَلَا سَفْطًا وَقَالَ إِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وَلَدِي دُونَ وَلَدِكَ

ترجمه

در کافی از امام باقر علیه السلام روایت شده که به ابو بصیر فرمود: آیا وصیت فاطمه علیها السلام را برای بخوانم؟ ابو بصیر گفت: آری. آن حضرت از حقه‌ای نوشته‌ای بیرون آورد و خواند: بسم الله الرحمن الرحيم، این وصیت نامه فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای علی بن ابی طالب علیه السلام است: بستانها و مزرعه‌های هفتگانه‌ام را که عبارتند از: عواف، دلال، برقه، مبيت، حسنی، صافیه و مزرعه ام ابراهیم همه در اختیار علی است و پس از او در اختیار حسن و سپس حسین و پس از او بزرگترین فرزندانم متولی آنها خواهند بود. بر این وصیت نامه مقداد و زبیر را شاهد می گیرم. نویسنده وصیتنامه: علی بن ابی طالب.

[متن عربی]

[متن عربی]

۳/۳۸۶- الکافی «۱» عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ لَا أَفْرِيكَ وَصِيَّةَ فَاطِمَةَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَأَخْرَجَ إِلَيَّ صَحِيفَةً هَذَا مَا عَهَدْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَ فِي أَمْوَالِهَا إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنْ مَاتَ فَإِلَى الْحَسَنِ فَإِنْ مَاتَ فَإِلَى الْحُسَيْنِ فَإِنْ مَاتَ فَإِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وَلَدِي دُونَ وَلَدِكَ - الدَّلَالُ وَالْعَوَافُ وَالْمَيْتُ وَالْبُرْقَةُ وَالْحَسَنِيُّ وَالصَّافِيَّةُ وَمَا لَأُمِّ إِبْرَاهِيمَ شَهِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ذَلِكِ وَالْمَقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَالزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ «۲» ۴/۳۸۷- الکافی «۳» عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى الْمُزَنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالِ الْمَيْتُ هُوَ الَّذِي كَتَبَ عَلَيْهِ سَلْمَانُ فَأَفَاءَهُ اللَّهُ عَلَى زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ (روحانی)، ص: ۸۸۱ رَسُوْلُهُ فَهُوَ فِي صَدَقَتِهَا

ترجمه

در کافی آمده که مبيت «۱» همانی است که سلمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هدیه کرد و خداوند آن را جزو اموال رسول خدا قرار داد و آن از صدقات حضرت فاطمه است.

[متن عربی]

[متن عربی]

۵/۳۸۸- الکافی «۲» مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي عَ قَالِ سَأَلْتُهُ عَنِ الْخِيَطَانِ السَّبْعِيَّةِ الَّتِي كَانَتْ مِيرَاثَ رَسُولِ اللَّهِ صَ لِفَاطِمَةَ عَ فَقَالَ إِنَّمَا كَانَتْ وَقَفًا فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَ يَأْخُذُ إِلَيْهِ مِنْهَا مَا يُنْفِقُ عَلَى أَضْيَافِهِ وَالتَّابِعَةِ تَلَزَمُهُ فِيهَا فَلَمَّا قَبِضَ جَاءَ الْعَبَّاسُ يُخَاصِمُ فَاطِمَةَ فِيهَا فَشَهِدَ عَلِيٌّ وَغَيْرُهُ أَنَّهَا وَقَفٌ عَلَى فَاطِمَةَ عَ وَهِيَ الدَّلَالُ وَالْعَوَافُ وَالْحَسَنِيُّ وَالصَّافِيَّةُ وَمَا لَأُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَالْمَيْتُ وَالْبُرْقَةُ

ترجمه

و در کتاب کافی از احمد بن محمد روایت شده که گفت: از امام ابو الحسن ثانی در باره حوائط سبعة سؤال کردم که آیا آنها ارث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای فاطمه علیها السلام بوده است؟ فرمود: آنها وقف بودند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از محل در آمد آنها مخارج مهمانهای خود را تأمین می کرد و هنگامی که رحلت نمود عباس عموی پیامبر در باره آنها با حضرت فاطمه به خصومت پرداخت و حضرت علی علیه السلام و سایرین شهادت دادند که آنها وقف حضرت فاطمه علیها السلام بوده است و آنها عبارتند از: دلال، عواف، حسنی، صافیه، مال ام ابراهیم، میت و برقه.

ضمائم باب دهم

ضمیمه اول آیه مباحله

اشاره

آیه مباحله و اینکه بر اساس آن، حضرت فاطمه علیها السلام محبوبترین اشخاص در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مقام ربوبی بوده است. این آیه یکی از بزرگترین فضائل را برای حضرت فاطمه علیها السلام که همانا در اوج محبوبیت در نزد خداوند و پیامبرش می باشد به اثبات می رساند.

برخی از مصادر مربوط به آیه مباحله

۴۴- صحیح مسلم، ج ۷ ص ۱۲۰، از سعد بن ابی وقاص ۴۵- مسند احمد، ج ۱ ص ۱۸۵، از سعد ۴۶- تفسیر طبری، ج ۳ ص ۱۹۲، از زید بن علی، از پدرانش ۴۷- تفسیر طبری، ج ۳ ص ۱۹۲، از قتاده، ابن عباس، علباء بن احمد یشکری ۴۸- تفسیر جصاص، ج ۲ ص ۱۶ ۴۹- مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۱۵۰ ۵۰- معرفة علوم الحديث، حاکم، ص ۵۱ ۵۰- العمده، ص ۵۲ ۹۵- دلائل النبوة، ج ۱۰ ص ۲۹۷، از جابر و ابن عباس ۵۳- اسباب النزول واحدی، ص ۷۴، از حسن بن علی علیهما السلام ۵۴- مناقب ابن مغازلی، ص ۹۶، از جابر بن عبد الله زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۵ ۸۸۶- معالم التنزیل، ج ۱ ص ۵۶ ۳۰۲- مصابیح السنة، ج ۲ ص ۲۰۴ ۵۷- تفسیر کشاف، ج ۱ ص ۱۹۳ ۵۸- احکام القرآن: ابن عربی، ج ۱ ص ۵۹ ۱۱۵- تفسیر فخر رازی، ج ۸ ص ۸۵ ۶۰- جامع الاصول، ج ۹ ص ۴۷۰ ۶۱- جامع الاصول، ج ۱۰ ص ۱۰۰ ۶۲- مطالب السؤل، ص ۶۳ ۷- اسد الغابة ج ۴ ص ۲۵، از سعد بن وقاص ۶۴- تذکره الخواص، ص ۱۷، از جابر بن عبد الله ۶۵- تفسیر قرطبی، ج ۳ ص ۱۰۴ ۶۶- تفسیر بیضاوی، ج ۲ ص ۲۲ ۶۷- ذخائر العقبی، ص ۲۵، از ابو سعید خدری ۶۸- الریاض النضره، ج ۲ ص ۱۸۸، از ابو سعید خدری ۶۹- تفسیر نسفی، ج ۱ ص ۱۳۶ ۷۰- تبصیر الرحمن، مهایی (ق ۸ و ۹ ه)، ج ۱ ص ۱۱۴ ۷۱- مشکاة المصابیح، ص ۵۶۸ (ج ۳ ص ۲۵۴) ۷۲- تفسیر نیشابوری، ج ۳ ص ۲۰۶ ۷۳- تفسیر خازن، (۷۴۱ ه)، ج ۱ ص ۳۰۲ ۷۴- البحر المحیط: ابو حیان توحیدی (۷۵۴ ه)، ج ۲ ص ۴۷۹ ۷۵- تفسیر ابن کثیر، ج ۱ ص ۳۷۰ ۷۶- مناقب ابن مردویه، به نقل تفسیر فوق ۷۷- البدایه و النهایه، ج ۵ ص ۵۲، از حذیفه ۷۸- مشارق الازهار فی شرح مشارق الانوار، ج ۲ ص ۳۵۶ (ابن الملک [۷۹۷ ه]) ۷۹- اصابه، ج ۲ ص ۵۰۳ ۸۰- الفصول المهمه، ص ۱۰۸ ۸۱- تفسیر کاشفی (المواهب)، ج ۱ ص ۷۱ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۲ ۸۸۷- معارج النبوة: ملا- معین الدین کاشفی، ج ۱ ص ۳۱۵ ۸۳- الدر المنثور، ج ۴ ص ۳۸، به نقل از ۱۴ صحابی ۸۴- مصنف ابن ابی شیبہ، به نقل سیوطی ۸۵- مسند

سعید بن منصور، به نقل سیوطی ۸۶- مسند عبد بن حمید، به نقل سیوطی ۸۷- سنن ترمذی، ج ۴ ص ۸۸۸۲- صحیح ابن منذر، به نقل سیوطی ۸۹- سنن بیهقی، به نقل سیوطی ۹۰- الامامة و السياسة، ص ۱۱۵ ۹۱- تفسیر جلالین، ج ۱ ص ۳۳ ۹۲- صواعق المحرقة، ص ۱۱۹ و ۷۲، از علی علیه السلام ۹۳- تفسیر ابو السعود (۹۸۲ هـ)، ج ۲ ص ۱۴۳ ۹۴- سیره الحلیه، ج ۳ ص ۳۵ ۹۵- الاتحاد بحب الاشراف، ص ۵ ۹۶- فتح القدير، ج ۱ ص ۳۱۶ ۹۷- تفسیر روح المعانی، ج ۳ ص ۱۶۷ ۹۸- تفسیر طنطاوی، ج ۲ ص ۱۲۰ ۹۹- رشفة الصادی، ص ۳۵ ۱۰۰- کفایة الخصام، ص ۳۸۸ ۱۰۱- التاج الجامع للاصول، ج ۳ ص ۳۲۹ ۱۰۲- فرائد السمطين، و نیز در کفایة الخصام ۱۰۳- کتاب الشفاء: قاضی عیاض، ج ۲ ص ۴۱ ۱۰۴- منهاج السنة: ابن تیمیه، ج ۴ ص ۳۴ ۱۰۵- نزول القرآن: ابو نعیم اصفهانی (۴۰۵ هـ) خطی، از جابر ۱۰۶- المنتقى فى سيرة المصطفى: شافعی، ص ۱۸۸ ۱۰۷- المختار فى مناقب الاخيار، ص ۳ ۱۰۸- تفسیر ابن کثیر، ج ۲ ص ۲۳۶، از جابر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۸۸ ۱۰۹- لباب النقول، سیوطی (۹۱۱)، از جابر ۱۱۰- انتهاء الافهام: ابو محمد حسینی بصری، از علی علیه السلام ۱۱۱- اغانی، ج ۱۰ ص ۲۹۵، از علی علیه السلام، ابو رافع، ابن عباس، الحصین، زید بن علی، حسین بن علی علیهما السلام، امام باقر علیه السلام، شریک، شعبی و عده‌ای دیگر ۱۱۲- تاریخ الاسلام، ج ۳ ص ۱۹۴ ۱۱۳- مرآة الجنان، ج ۱ ص ۱۰۹ ۱۱۴- فتوح البلدان: بلاذری، ص ۷۵ ۱۱۵- شرح المقاصد، ج ۲ ص ۲۱۹ ۱۱۶- امتاع الاسماع، ص ۵۰۲ ۱۱۷- شرح ابن ابی الحدید، ج ۴ ص ۱۰۸ ۱۱۸- مواقف: جرجانی، ج ۲ ص ۶۱۴ ۱۱۹- شرح دیوان امیر المؤمنین: میبدی، ص ۱۸۴ ۱۲۰- سیر اعلام النبلاء، ج ۳ ص ۱۹۲ ۱۲۱- مناقب خوارزمی، ص ۱۲۶ ۱۲۲- ینابیع المودة، ص ۵۲ ۱۲۳- شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۱۲۴، از تعدادی روات احادیث ۱۲۴- زاد المسیر: ابن جوزی، ج ۱ ص ۳۹۹ ۱۲۵- العقيدة الطحاویة، ص ۳۱۱ ۱۲۶- محاضرات الادباء، ج ۱ ص ۳۴۵ ۱۲۷- تفسیر حبری، ص ۶ ۱۲۸- معترك الاقران: سیوطی، ج ۲ ص ۵۲ ۱۲۹- مناقب ابن مغزلی، ص ۱۱۵ ۱۳۰- تاریخ الخمیس، ج ۲ ص ۱۹۶ ۱۳۱- نور المشتعل، ص ۴۹ ۱۳۲- مختصر تاریخ دمشق، ج ۱۷ ص ۱۳۰ ۱۳۳- غایة المرام: ابن بازلی، (۹۲۵ هـ)، ص ۲۱۱ ۱۳۴- تحفة الاشراف: ابن زکی (۷۴۷ هـ)، ج ۳ ص ۲۹۱ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۸۹ ۱۳۵- مراح لیید: نووی، ص ۱۰۲ ۱۳۶- حدائق: ابن جوزی، ج ۱ ص ۳۹۶ ۱۳۷- اختلاف: ابن قتیه، ص ۴۳

برخی از مصادر و منابع شیعه

۱- مجمع البیان، ج ۲ ص ۴۵۱- مجمع البیان، ج ۲ ص ۴۵۲ و ۴۵۳- سعد السعود، ص ۹۱ ۴- بحار الانوار، ج ۲۱ ص ۲۷۷ ۵- بحار الانوار، ج ۲۱ ص ۲۷۸ و ۲۷۹ ۶- بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۵۰ ۷- بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۷۹ ۸- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۳ ۹- بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۸۹ ۱۰- بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۴۹ ۱۱- بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۲۷ ۱۲- بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۵۷ ۱۳- بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۶۱ ۱۴- بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۴۹ ۱۵- بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۱۶ ۱۶- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۲۳ ۱۷- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۴۱ و

ضمیمه دوم آیه مودت

اشاره

این آیه تصریح دارد بر اینکه محبت فاطمه علیها السلام و ذوی القربی در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فوق حد تصور و درک است به گونه‌ای که آن را مزد رسالت و رنجهای دوران پیامبری خویش قرار می‌دهد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این آیه به فرمان مقام الهی می‌گوید: جز ابراز محبت و مودت نسبت به خاندان کوچکی که از خود باقی می‌گذارم، امید

سپاس و تقدیر دیگری را از شما نمی‌دارم.

برخی از مصادر مربوط به آیه مودت

تعداد خیلی از مصادر و منابع حدیثی که بر ضرورت مودت و محبت فاطمه و سایر خاندان پیامبر تصریح کرده‌اند و پرهیز از آن را خروج از فرمان خداوند و رسولش دانسته‌اند. ۱- صحیح بخاری، ج ۶ ص ۲۹۲- تفسیر طبری، ج ۲۵ ص ۱۴ و ۱۵- مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۱۷۲- تفسیر کشاف، ج ۳ ص ۴۰۲- مقتل الحسین، ج ۱ ص ۱ و ۶۷۵- جامع الاصول، ج ۲ ص ۴۱۵- تفسیر فخر رازی، ج ۲۷ ص ۱۶۶ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۹۱- العمده، ص ۲۳، به نقل از مسند احمد، تفسیر ثعلبی و ابو الدیلم ۹- مطالب السؤل، ص ۸، به نقل از ثعلبی و واحدی در اسباب النزول ۱۰- تفسیر بیضاوی (۶۸۳ه)، ج ۴ ص ۱۲۳- ذخائر العقبی (۶۹۴ه)، ص ۲۵۱۲- تفسیر نسفی (۷۰۱ه)، ص ۹۵۱۳- فرائد السمطین، حموی (۷۲۳ه)، به نقل کفایه الخصام ۱۴- کفایه الخصام، ص ۳۹۶۱۵- البحر المحیط: ابو حیان (۷۵۴ه)، ج ۷ ص ۵۱۶۱۶- تفسیر ابن کثیر (۷۷۴ه)، ج ۴ ص ۱۱۲، به چندین طریق ۱۷- مجمع الزوائد، ج ۹ ص ۱۶۸، به چندین طریق ۱۸- تفسیر تبصیر الرحمن: علاء الدین مهایی (۸۳۵ه)، ج ۲ ص ۲۴۷۱۹- الکاف الشاف، ص ۱۴۵۲۰- الفصول المهمه، ص ۱۱۲۱- الدرر المثلث، ج ۶ ص ۷، از ابن منذر نیشابوری (۳۱۰ه) و ابن ابی حاتم رازی (۳۲۷ه) و طبرانی (۳۶۰ه) و ابن مردویه اصفهانی (۳۵۲ه) و ابن جریر طبری (۳۱۰ه) و ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ه) و دیلمی، ابن شیویه (۵۰۹ه) و مجاهد مخزومی (۱۰۴ه) ۲۲- الاکلیل: سیوطی، ص ۱۹۰، از صحیح مسلم (۲۶۰ه) و ترمذی (۲۷۶ه) و نسائی (۳۰۳ه) و ابن ابی حاتم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۹۲ و ابن الانباری (۳۲۸ه) فی المصاحف و بیهقی (۴۵۸ه) فی شعب الایمان و بخاری (۲۵۶ه) و ابن عدی جرجانی (۳۶۴ه) و طبرانی (۳۶۰ه) و ابن حبان بستی (۳۵۴ه) و حاکم نیشابوری (۴۰۵ه) و خطیب بغدادی (۳۶۴ه) ۲۳- احیاء المیت، ص ۱۱۰۲۴- حیب السیر: خواندمیر (۹۴۲ه)، ص ۱۱۲۵- صواعق، ص ۱۰۱، به نقل از ابو الشیخ و بزاز بصری (۲۹۲ه) و احمد بن حنبل و غیر او ۲۶- سراج المنیر: خطیب شربینی (۹۷۷ه)، ج ۳ ص ۴۶۳۲۷- العلماء الدوله العثمانیه، البرکوی (۹۸۱ه)، ص ۴۰۲۲۸- مناقب مرتضوی: کشفی ترمذی، ص ۴۹۲۹- اتحاف الاشراف، ص ۵۳۰- شرح المقاصد، ج ۲ ص ۲۱۹۳۱- مواهب اللدنیة: قسطلانی، ج ۷ ص ۳ و ۱۲۳۳۲- تفسیر نیشابوری، ج ۲۵ ص ۳۱۳۳- ینابیع الموده، به نقل از: المعجم الکبیر تألیف طبرانی (۳۶۰ه)، تفسیر ابن ابی حاتم، فلك النجاء و تفسیر وسیط واحدی (۴۶۸ه) حلیه الاولیاء تألیف ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ه) نظم درر السمطین تألیف زرندی حنفی (۷۵۰ه) در صفحه‌های ۱۹۲ و ۲۰۶۳۴- شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۱۱۰، به اسناد متعدد ۳۵- شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۴۲ و ۱۴۰۳۶- نور المشتعل، ص ۲۰۷۳۷- عیون الاخبار فی مناقب الاخیار، ص ۳۹

برخی از مصادر شیعه

۱- بحار الانوار، ج ۲ ص ۱۷۳۲- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۵۰۳- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۵۷۴- بحار الانوار، ج ۲۴ ص ۳۱۷۵- بحار الانوار، ج ۲۴ ص ۴۱۶- بحار الانوار، ج ۲۴ ص ۴۴۷- بحار الانوار، ج ۲۴ ص ۸۴ و ۸۵۸- بحار الانوار، ج ۲۶ ص ۲۵۲۹- بحار الانوار، ج ۲۷ ص ۹۱ و ۱۰۱ و ۱۷۰ و ۱۹۳۱۰- بحار الانوار، ج ۶۵ ص ۱۰۱۱۱- تأویل الآیات الظاهره، ج ۲ ص ۵۴۴- ۵۴۹- ۱۲- تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲ ص ۲۷۸۱۳- برهان، ج ۴ ص ۱۲۰ ح ۱، از کافی ۱۴- برهان، ج ۴ ص ۱۲۱ ح ۲، از کافی ۱۵- برهان، ج ۴ ص ۱۲۲ ح ۳، از قرب الاسناد ۱۶- برهان، ج ۴ ص ۱۲۲ ح ۴، از آن ۱۷- برهان، ج ۴ ص ۱۲۲ ح ۷، از بصائر الدرجات سعد بن عبد الله ۱۸- برهان، ج ۴ ص ۱۲۳ ح ۹، از عیون الاخبار و سایر کتابهای او ۱۹- برهان، ج ۴ ص ۱۲۴ ح ۱۳، از

محاسن ۲۰- برهان، ج ۴ ص ۱۲۴ ح ۱۴ از قرب الاسناد ۲۱- برهان، ج ۴ ص ۱۲۴ ح ذیل ح ۱۴، از اختصاص ۲۲- برهان، ج ۴ ص ۱۲۵ شماره ۱۶، از امالی شیخ طوسی ۲۳- برهان، ج ۴ ص ۱۲۵ شماره ۱۷، از مجمع البیان ۲۴- برهان، ج ۴ ص ۱۲۵ شماره‌های ۱۸- ۲۲، از مجمع البیان ۲۵- تفسیر برهان، ج ۴ ص ۱۲۵- ۱۲۶، از: - مسند احمد بن حنبل (۲۴۰ هـ) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۹۴ - صحیح بخاری (۲۵۶ هـ) - تفسیر ثعالبی نیشابوری (۴۲۹ هـ) - صحیح مسلم (۲۶۱ هـ) - تفسیر ثعلبی (۴۲۷ هـ) - از مقاتل بن سلیمان بلخی (۱۵۰ هـ) - از کعبی نسابه (۱۴۶ هـ) - از ابو الفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین - که سید هاشم بحرانی او را سنی می‌داند ۲۶- مجمع البیان، ج ۹ ص ۲۸ و ۲۷ ۲۹- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۸۲ ۲۵۲- بحار الانوار، ج ۲ ص ۱۶۰ ۲۹- بصائر الدرجات کبری، ص ۴۹۱ ۳۰- مختصر البصائر، ص ۷۲ ۳۱- کافی، ج ۱ ص ۳۹۱ ۳۲- کافی، ج ۸ ص ۳۷۹ ۳۳- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۱۰۰ ۳۴- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۱۷۱ ۳۵- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۲۸ ۳۶- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۳۰ و ۲۳۱ ۳۷- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۳۲ ۳۸- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۳۶ ۳۹- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۳۷ ۴۰- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۳۸ ۴۱- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۳۹ و ۴۲ ۲۴۰- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۴۱ ۴۳- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۴۲ ۴۴- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۴۴ ۴۵- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۴۶ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۹۵ ۴۶- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۴۷ و ۲۴۸ ۴۷- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۴۸ ۴۸- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۴۹ ۴۹- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۵۰ و ۲۵۱ ۵۰- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۵۱ ۵۱- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۵۲ ۵۲- بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۲۵۸ ۵۳- بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۲۲۵ ۵۴- بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۲۲۶ ۵۵- بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۲۲۷ ۵۶- بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۲۲۸ ۵۷- بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۲۳۰ ۵۸- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۱۱۷ ۵۹- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۱۱۹ ۶۰- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۱۲۱ ۶۱- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۱۶۶ ۶۲- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۱۷۹ ۶۳- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۱۸۰ ۶۴- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۶۵ ۶۵- بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۱۰۰ ۶۶- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۲۹۰ ۶۷- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۳۶۲ و

ضمیمه سوم

اشاره

در بیان تعداد خیلی از مصادر حدیث کساء و شأن نزول آیه تطهیر، که اثبات عصمت پنج تن آل کساء را می‌نماید. نویسنده و محقق این اثر به کمک این آیه عصمت حضرت فاطمه علیها السلام را در رساله‌ای مستقل به نام عصمت حضرت فاطمه علیها السلام در آیه تطهیر و حدیث کساء از بیش از یک هزار و سیصد عنوان کتاب اثبات نموده است ولی با برخورد به کتابهای فراوانی که در این زمینه نوشته شده از انتشار آن خودداری کرده است.

فهرست

اشاره

مصادر روایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام از حدیث کساء مصادر روایت انس بن مالک مصادر روایت عایشه مصادر روایت ام سلمه مصادر روایت ابو سعید خدری مصادر روایت واثله بن الاصقع مصادر روایت ابن عباس مصادر روایت ابو الحمراء مصادر روایت عمر بن ابی سلمه مصادر روایت عامر بن سعد زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۹۷ مصادر روایت سعد بن مالک کتابهایی که حدیث کساء را به صورت مرسل روایت کرده‌اند برخی مصادر دیگر شأن نزول آیه

تطهیر و حدیث کساء حدیث کساء در برخی از کتابهای شیعه

مصادر روایت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

۱- عمدة الاخبار، ص ۸۷، به نقل از مسلم بن ابی مریم و غیر او، و به نقل ابن زباله از مسلم و غیر او ۲- سمهودی در خلاصه وفاء الوفاء، ص ۲۱۳/ خطی ۳- ینابیع المودة، ص ۱۷۴ به نقل از زید بن علی، از علی بن الحسین، از جدش علی علیهم السلام ۴- مودة القربی، ص ۱۷۴ به نقل از زید بن علی، از علی بن الحسین، از جدش علی علیهم السلام ۵- وفاء الوفاء، ج ۱ ص ۲۳۱، از ابن نجار، از علی علیه السلام ۶- تحقیق النضرة، ص ۷۵، به نقل از وی، از علی علیه السلام ۷- مواهب العلیه، به نقل از تیسیر الوصول ۸- تیسیر الوصول، به نقل مواهب العلیه از آن.

مصادر روایت انس بن مالک

۱- مسند عبد بن حمید (۲۴۹ هـ)، ص ۱۶۱، مسند ۲- کامل ابن عدی (۳۶۵ هـ)، ج ۵ ص ۱۸۴۲، مسند ۳- تفسیر طبری، ج ۵ ص ۲۲، مسند ۴- اللوامع فی الجمع بین الصحیح و الجوامع: سبط ابن جوزی (۶۵۴ هـ)، ص ۱۰۱/ خطی ۵- تفسیر آیه المودة: خفاجی، ص ۳۳/ خطی، مسند از عبد بن حمید ۶- تهذیب الکمال: ابن زکی (۷۴۲ هـ)، ج ۲۲ ص ۷۴۴، مسند ۷- المتفق و المفترق: خطیب بغدادی (۴۶۳ هـ)، ج ۱۰ ص ۱۵۱، مسند زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۸۹۹-۸ فضائل فاطمة الزهراء: ابن شاهین، ص ۹ و ۳۹، مسند ۹- سنن ترمذی، ج ۴ ص ۱۶۴، مسند ۱۰- کنز العمال، ج ۱۶، به نقل از سنن ترمذی ۱۱- مرقاة المفاتیح، ج ۱۱ ص ۳۷۱، به نقل از مسند احمد ۱۲- مسند احمد، ج ۳ ص ۲۵۹، مسند ۱۳- شفاء الغرام: فاسی (۸۳۲ هـ)، ج ۲ ص ۱۴۳۵۹-اسد الغابة، ج ۵ ص ۵۲۱، مسند ۱۵- تاریخ الاسلام: ذهبی (۷۴۸ هـ)، ج ۲ ص ۱۶۹۷-اربعین قاری، ص ۱۷۶۲-منتخب کنز العمال، ج ۵ ص ۱۸۹۶-تفسیر ابن کثیر، ج ۸ ص ۱۹۷۲-البداية و النهایة، ج ۸ ص ۲۰۵ ۲۰- تیسیر الوصول، ص ۱۶۰ ۲۱- ینابیع المودة، ص ۱۰۸ و ۱۹۳ و ۲۶۰، به نقل از مسند احمد و مصنف ابن ابی شیبہ ۲۲- شرف المؤید، ص ۲۳۷۰۶-شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۱۸ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴۲۲-مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۱۷۲ ۲۵-المعجم الکبیر، ج ۳ ص ۲۶۵۶-انساب الاشراف، ج ۲ ص ۱۰۴ ۲۷-مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۶ ص ۱۸۱ ۲۸-جمع الجوامع، ج ۲ ص ۲۷۲ ۲۹-سیر اعلام النبلاء، ج ۲ ص ۱۳۴ ۳۰-تفسیر طبری، ج ۲۲ ص ۶ ۳۱-معرفة ما يجب لأهل البيت، مقریزی (۸۴۵ هـ)، ص ۲۰ ۳۲-کشف الغمة، ج ۱ ص ۴۵ ۳۳-جامع الاصول، ج ۱ ص ۱۰۱ ۳۴-مسند طيالسی (۲۴۰ هـ)، ج ۸ ص ۲۷۴ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۰۰-۳۵ مشارق الانوار، ص ۱۱۳

مصادر روایت عایشه

۱- صحیح مسلم، ج ۷ ص ۱۳۰ ۲- تفسیر طبری، ج ۲۲ ص ۳۶ ۳- الجامع الصحیح، ج ۱۳ ص ۲۴۸ ۴- تاریخ مدینه دمشق، ج ۲ ص ۱۶۴ ۵- حدائق: ابن جوزی، ج ۱ ص ۳۹۶ ۶- الجمع بین الصحیحین: حمیدی، ج ۴ ص ۱۱۴ ۷- المحاسن و المساوی، ص ۲۹۷ ۸- معالم التنزیل، ج ۵ ص ۲۱۳ ۹- البداية و النهایة، ج ۵ ص ۲۱۳ ۱۰- ذخائر العقبی، ص ۲۴ ۱۱- مصابیح السنة، ج ۲ ص ۲۰۴ ۱۲- تفسیر کشاف، ج ۱ ص ۱۹۳ (زمخشری: ۵۲۸ هـ) ۱۳- جامع الاصول، ج ۱ ص ۱۰۱ ۱۴- مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۱۲ ص ۷۲ ح

۱۲۵۱- المستدرک علی الصحیحین، ج ۴ ص ۱۸۸۳ ح ۱۶۲۴۲۴- تفسیر ابن کثیر، ج ۳ ص ۱۷۴۹۳- استجلاب ارتقاء الغرف: سخاوی (۹۰۲ هـ)، ص ۱۸۲۶- مختصر تاریخ دمشق: ابن مکرم، ج ۱۷ ص ۱۹۱۴۷- تفسیر آیه الموده: شیخ شهاب الدین (۱۰۶۹ هـ)، ص ۲۰۳۱- معرفه ما یجب لآل البیت: مقریزی (۸۴۵ هـ)، ص ۲۱۲۰- حدائق: ابن جوزی (۵۹۷ هـ)، ج ۱ ص ۲۲۳۹۶- الجمع بین الصحیحین: ابن ابی نصر حمیدی اندلسی (۴۸۸ هـ)، ج ۴ ص ۲۳۱۱۴- ذخائر العقبی، ص ۲۴۲۴- نظم درر السمطین، ص ۱۳۳ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۲۵۹۰۱- مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی، ص ۲۶۵۶۸- تفسیر خازن، ج ۵ ص ۲۷۲۱۳- المنتقى من منهاج الاعتدال، ص ۱۶۸ (ذهبی) ۲۸- منهاج السنّة: ابن تیمیّه، ج ۳ ص ۴، ۴/۲۹۲۰- تفسیر نیشابوری، ج ۳ ص ۲۰۶ (حاشیه جامع البیان) ۳۰- سنن بیهقی، ج ۲ ص ۳۱۱۴۹- تفسیر طبری، ۲۲/۳۲- البدایه و النهایه، ۸/۳۳۳۴- تفسیر بغوی، ۵/۲۱۳۳۴- المحاسن و المساوی: بیهقی ص ۲۹۷ ۳۵- تفسیر ثعلبی / خطی ۳۶- فرائد السمطین ۳۷- شرح دیوان امیر المؤمنین: میبدی یزدی ص ۱۸۵/خ ۳۸- صواعق المحرقه، ص ۲۲۷ ۳۹- جمع الوسائل: ملا علی هروی، ج ۱ ص ۱۴۷ ۴۰- نفحات اللاهوت، ص ۵۲ ۴۱- جامع الاصول: جزری (۶۰۶ هـ)، ج ۱ ص ۱۰۱ ۴۲- العمده، ص ۱۶ ۴۳- کفایه الطالب، ص ۲۳۲ (۱۳)

مصادر روایت ام سلمه

۱- تفسیر حبری، ص ۲۹۷ به ۴ سند ۲- تفسیر طبری، ج ۲۲ ص ۶ و ۷ و ۸ به پنج سند ۳- الجامع الصحیح، ج ۵ ص ۶۹۹ ح ۳۸۷۱ ۴- السنن الکبری، ج ۲ ص ۱۵۰ و ۱۵۲ ۵- مسند احمد، ج ۴ ص ۱۷۰ ۶- تاریخ بغداد، ج ۹ ص ۱۲۶ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۷۹۰۲- تفسیر ثعلبی، ج ۳ ص ۲۲۸ (ثعالبی) ۸- عیون الاخبار فی مناقب الاخیار، ص ۴۳ ۹- شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۸۶ ح ۸۶۲ و ۹۷: ۷۲۲ ۱۰- شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۶۵ ح ۷۲۶ و ۸۲ شماره ۱۱۷۰۲- معجم الشیوخ، ص ۱۳۲ ح ۱۲۸۵- اخلاق النبی، ص ۱۱۶ ۱۳- الکامل: ابن عدی، ج ۳ ص ۱۱۰۷ و ج ۵ ص ۱۹۱۷ و ۱۴۱۹۶۳- المعجم الصغیر، ۱/۱۵۶۵- تبصره المبتدی، ص ۲۰۰/خ ابن جوزی (۵۹۷ هـ) ۱۶- التاریخ الکبیر، ۱/۱۱۰: بخاری (۳۵۶ هـ) ج ۱ ص ۱۱۰ ۱۷- مسند احمد، ۶/۲۹۸ و ۱۸ ۳۰۴- اخبار اصبهان، ۱/۱۰۸ ۱۹- اخبار اصبهان، ۲/۲۵۳ ۲۰- اسباب النزول: واحدی، ص ۲۶۷ ۲۱- مناقب ابن سلیمان، ۲/۱۶۱: ۲۲ ۶۳۸- تاریخ حلب، ص ۳۹: ۲۳ ۵۴- معجم الشیوخ: ابن الاعرابی، ۲/۲۴۷- نور المشتعل، ص ۱۷۵: ۴۶ و ص ۱۷۸ و ۱۷۹ به سه سند ۲۵- مشکل الآثار، ۱/۳۳۲ ۲۶- کتاب الکنی: دولابی، ۲/۱۲۱ به سه سند ۲۷- الاوائل: ابن مخلد، ص ۵۴ ۲۸- تفسیر جصاص (احکام القرآن) (۳۷۰ هـ)، ج ۳ ص ۴۳۳ ۲۹- تاریخ جرجان، ص ۴۶ ۳۰- تفسیر فخر رازی، ۲/۳۱۷۰۰- جامع الاصول، ۱/۱۰۱ ۳۲- مطالب السؤل، ص ۸ ۳۳- تفسیر قرطبی، ۱۴/۱۸۲ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۰۳ ۳۴- تفسیر بیضاوی، ص ۳۸۷ ۳۵- تفسیر ابن کثیر، ۳/۴۸۳ ۳۶- کشف الغمه، ۱/۳۷ ۴۶- شرح الاخبار، ۲/۴۹۱: ۳۸ ۸۷۲- امالی صدوق، ص ۳۸۱ ۳۹- خصال، ۲/۴۰۳: ۴۰ ۱۱۳- تفسیر فرات، ص ۳۳۴: ۴۱ ۴۵۴- ترجمه الامام الحسین علیه السلام: ابن عساکر، ص ۹۸ شماره ۹۸ و ص ۸۷ شماره ۸۳ ۴۲- عیون الاخبار فی مناقب الاخیار، م ۱۳ ص ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ به چهار سند ۴۳- شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۸۷ شماره های ۷۱۰- ۷۱۲ ۴۴- شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۸۸ و ۸۹ شماره های ۷۱۳- ۷۱۷ ۴۵- وسیله المال، ص ۷۳ ۴۶- مناقب ابن مغازلی، ص ۱۱۰/خ ۴۷- الفصول المهمه، ص ۲۳ ۴۸- المعجم الکبیر، ۳/۵۲: ۴۹ ۲۶۶۲- الدر المنثور، ج ۵ ص ۱۹۸ و ۱۹۹ ۵۰- مناقب ابن مردویه، به نقل الدر المنثور ۵۱- تأویل الآیات، ۲/۴۵۹: ۵۲ ۲۴- برهان، ۳/۳۱۳: ۱۷ ۵۳- فضائل الصحابه: احمد بن حنبل ۵۴- حدائق: ابن جوزی (۵۹۷ هـ)، ج ۱ ص ۳۹۶، ۱۹۴ ۵۵- المعجم الکبیر، طبرانی (۳۶۰ هـ)، ج ۲۳ ص ۲۴۹ و ۳۲۷ و ص ۳۳۳ و ۳۳۶ و ۳۵۷ و ۳۳۴ و ۲۸۱ ۵۶- تاریخ دمشق: ابن عساکر (۵۷۱ هـ)، ج ۲ ص ۴۶۰ و ۴ ص ۲۰۴ ۵۷- تهذیب الکمال: ابن زکی مزی (۷۴۲ هـ) ج ۶ ص ۲۲۹، ج ۲ ص ۸۱ ۵۸- ذخائر العقبی، ص ۲۳ ۵۹- اسد الغابه، ج ۴ ص ۲۹ زندگانی حضرت زهرا علیها

السلام (روحانی)، ص: ۹۰۴-۶۰-المنتفی من منهاج الاعتدال: ذهبی، ص ۱۶۸ ۶۱-رشفة الصادی: حضرمی، ص ۱۴ ۶۲-اصابه، ج ۴ ص ۳۶۶-۶۳-جلال العینین: سید نعمان خیر الدین ابن آلوسی، ص ۳۹ ۶۴-موضح اوهام الجمع و التفريق: خطیب بغدادی ج ۲ ص ۲۸۱ ۶۵-تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف: ابن زکی (۷۴۲ هـ) ج ۸ ص ۱۳۰ ۶۶-البداية و النهاية: ابن کثیر، ج ۷ ص ۳۳۸ ۶۷-سير اعلام النبلاء ۳/ ۱۹۰، ۵ و ۱۶۸، ۲/ ۸۹ ۶۸-التبيان: خضر بن عبد الرحمن ازدی، ص ۱۲۵/ خ ۶۹-البيان و التعريف: ابن حمزة الحسینی، ۱/ ۱۵۰ و ۱۴۹ ۷۰-المواهب اللدنیة: قسطلانی ۷/ ۴ ۷۱-سنن بیهقی: ۲/ ۱۵۰ ۷۲-تاریخ ذهبی: ج ۲ ص ۷۳۶-الرياض النضرة: ۲/ ۱۸۸ ۷۴-مفہمات الاقران فی مبہمات القرآن: سیوطی ص ۳۲ ۷۵-نفحات اللہوت، ص ۵۳ و ۷۶ ۵۹-تیسیر الوصول: ابن دیع، ص ۱۶۰ ۷۷-المواهب العلیة: ملا حسین کاشفی. خ ۷۸-تہذیب التہذیب، ۲/ ۲۹۷ ۷۹-القول الفصول: حضرمی ۲/ ۱۶۴، ۱۶۵ و ۱۷۴ و ۱۷۷ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۷ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۷ ۸۰-الاوائل: ابن فحلہ شیبانی (۲۸۷ هـ) ص ۵۴ ۸۱-معرفة ما يجب لآل البيت: مقریزی، ص ۲۰ و ۲۶ و ۳۳ ۸۲-الاشراف علی فضل الاشراف: سمهودی، ص ۸۳ ۷-تفسير آية المودة: شيخ شهاب الدين حنفي (۱۰۶۹ هـ) ص ۱۱ و ۳۱ و ۳۲ ۸۴-نظم درر السمطين، ص ۲۳۸ ۸۵-مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۱۴۶ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۰۵ ۸۶-مستدرک حاکم، ج ۲ ص ۴۱۶ ۸۷-مستدرک حاکم، ج ۲ ص ۱۵۰ ۸۸-جامع الاصول، ج ۱ ص ۱۰۱ (ابن اثیر جزری: ۶۰۶ هـ) ۸۹-العمدة، ص ۱۶ ۹۰-ذخائر العقبی، ص ۲۱ ۹۱-المدارک، نسفی (۷۰۱ هـ) معروف به تفسیر نسفی در حاشیہ تفسیر خازن، ج ۳ ص ۴۸ و ۹۲ ۹۵-تفسیر خازن (۷۴۱ هـ)، ج ۳ ص ۳۶۶ ۹۳-تفسیر خازن (۷۴۱ هـ)، ج ۴ ص ۹۵۵

مصادر روایت ابو سعید خدری

۱-الکامل: ابن عدی، ج ۷ ص ۲۵۸۸، ج ۶/ ۲۰۸۷ و ۵/ ۱۹۲۱ ۲-مناقب ابن مغزلی، ص ۳۰۴ ح ۳۴۹-۳-بغیة الطلب، ص ۴ ح ۵۸ (ابن العدیم) ۴-استیعاب، ۲/ ۴۶۰ ۵-تاریخ بغداد، ۱۰/ ۲۷۸، ۵۳۹۶ ۶-طبقات المحدثین، ابن الشیخ، ص ۱۴۹ ۷-المتفق و المفرق، ۱۰/ ۶۲ و ص ۸۳-صواعق المحرقة، ص ۲۲۷ ۹-تفسیر ابن کثیر، ۳/ ۴۸۳ ۱۰-شرح الاخبار، ۲/ ۵۱۵: ۱۱ ۹۱۱-تاریخ دمشق، ج ۱ ص ۲۵۰ ۱۲-الکامل فی الرجال، ج ۵ ص ۱۹۲۱ ۱۳-الکامل فی الرجال، ج ۶ ص ۲۰۸۷ ۱۴-الکامل فی الرجال، ج ۷ ص ۲۵۸۸ ۱۵-استجلاب ارتقاء الغرف: سخاوی (۹۰۲ هـ)، ص ۲۶ ۱۶-معرفة ما يجب لآل البيت: مقریزی (۸۴۵ هـ)، ص ۲۰ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۰۶ ۱۷-تفسير آية المودة: شيخ شهاب الدين حنفي (۱۰۶۹ هـ) ص ۳۱ ۱۸-مختصر تاریخ دمشق: ابن مکرّم (۷۱۰ هـ)، ج ۷ ص ۱۹۵-النور المشتعل، ابو نعیم اصفهانی، ص ۱۸۰ و ۱۸۱ ۲۰-تفسير ثعلبی/ خطی ۲۱-المعجم الكبير ۳/ ۵۶: ۲۲ ۲۶۷۳-مجمع الزوائد، ج ۷ ص ۲۳۹۱-مجمع الزوائد، ج ۹ ص ۱۶۷ و ۲۴ ۱۶۹-نظم درر السمطين، ص ۲۵ ۲۳۸-صواعق المحرقة: ابن حجر هيثمي ۲۶-تاریخ دمشق، ج ۴ ص ۲۰۴ ۲۷-تفسير حبري، ص ۲۳/ خ ۲۸-اسباب النزول واحدي، ص ۲۶۶ و ۲۶۷ (۴۶۵ هـ) ۲۹-المواهب اللدنیة: قسطلانی، ج ۷ ص ۳۰۴ ۳۰-تاریخ الاسلام ذهبی، ج ۳ ص ۳۱۶ ۳۱-مناقب خوارزمی، ص ۳۴ ۳۲-مودة القربی: سید علی همدانی علوی حسینی (۷۸۲ هـ)، ص ۲۸ ۳۳-الوسيط واحدي/ خطی ۳۴-طبقات المحدثین: ابن الشیخ، ص ۱۴۹ ۳۵-المعجم الصغير، ۱/ ۱۳۴ ۳۶-ترجمة الامام الحسين عليه السلام: ابن عساكر، ص ۷۵ (۱۰۹ شماره ۱۰۹) ۳۷-الاشراف علی فضل الاشراف، ص ۶ ۳۸-شواهد التنزيل، ۲/ ۳۹: ۶۵۹-۳۹ ۶۶۴-ترجمة الامام الحسن، شماره ۱۲۴ ۴۰-مناقب صنعانی ۱/ ۱۴۸: ۸۳ ۴۱-الحکم القرآن: جصاص (۳۷۰ هـ)، ج ۳ ص ۴۴۳ ۴۲-مستدرک حاکم (۴۰۵ هـ)، ج ۲ ص ۴۱۶ ۴۳-العمدة، ص ۱۶ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۰۷ ۴۴-کفاية الطالب، ص ۲۳۲ ۴۵-ذخائر العقبی، ص ۲۴ ۴۶-تفسیر ابن کثیر، ج ۳ ص ۴۸۳

مصادر روایت وائله بن الاصقع

- ۱- تذکره الخواص، ص ۲۴۴-۲ سیر اعلام النبلاء، ۳/ ۳۸۵-۳ المستدرک علی الصحیحین، ۲/ ۴۱۶ و ۳/ ۱۴۷-۴ صحیح ابن حبان، ۹/ ۶۱: ۶۹۳۷-۵ تاریخ دمشق، ۳/ ۱۱-۶ السنن الکبری، ۲/ ۱۵۲-۷ تفسیر ابی یعلی، ۱۳: ۴۷۰: ۷۴۸۶-۸ تفسیر ابن کثیر، ۳/ ۴۸۳
- ۹- معرفه ما یجب لآل البيت: مقریزی، ص ۲۳-۱۰ مسند فاطمه الزهراء: سیوطی، ص ۶۶-۱۱ سنن دارمی، به نقل سیوطی از آن
- ۱۲- العمده، ص ۱۶-۱۳ اسد الغابه، ج ۲ ص ۱۴۲۰- مسند احمد، ج ۴ ص ۱۵۷- مشکل الآثار، ج ۱ ص ۳۳۳

مصادر روایت ابن عباس

- ۱- کشف الغمّه، ج ۱ ص ۸۰ و ۸۱-۲ دلائل النبوه، ج ۱ ص ۱۷۰ (بیهقی: ۴۲۸ هـ)-۳ تفسیر حبری (تنزیل الآیات)، ص ۲۴/ عکسی
- ۴- الرياض النضرة، ص ۷-۵ ۲۰۳- تاریخ جرجان: سهمی (۴۲۷ هـ)، ص ۴۶ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۰۸
- ۶- العمده، ص ۱۶

مصادر روایت ابو الحمراء

- ۱- کشف الحق، ج ۱ ص ۸۸-۲ تفسیر ابن کثیر، ۳/ ۴۸۳-۳ الجامع الصحیح، ج ۱۳ ص ۲۴۸-۴ مسند عبد بن حمید کشی (۲۴۹ هـ)، ص ۷۰-۵ تلخیص المتشابه فی الرسم: خطیب بغدادی، ج ۱ ص ۵۹۵-۶ مختصر تاریخ دمشق: ابن مکرم (۷۱۰ هـ)، ج ۱۷ ص ۱۳۶-۷ الکامل فی الرجال: ابن عدی (۳۶۵ هـ)، ج ۷ ص ۲۵۲۴-۸ معرفه ما یجب لآل البيت: مقریزی (۸۴۵ هـ)، ص ۲۰-۹ تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۱ ص ۲۵۱-۱۰ تفسیر آیه الموده: شیخ شهاب الدین حنفی (۱۰۶۹)، ص ۳۳-۱۱ مجمع الزوائد، ج ۹ ص ۱۲۱ و ۱۲۱۶-۱۲ اربعین ملا- علی قاری، ص ۶۲-۱۳ وفاء الوفاء: سمهودی، ج ۱ ص ۳۱۹-۱۴ البدايه و النهايه، ج ۵ ص ۳۲۱-۱۵
- تفسیر طبری، ج ۲۲ ص ۱۶۶- اسد الغابه، ج ۵ ص ۱۷۴ و ۱۷۶- تاریخ الاسلام ذهبی، ج ۲ ص ۱۸۹۷- میزان الاعتدال، ج ۲ ص ۱۷-۱۹ کتاب الکنی: بخاری، ص ۲۵-۲۰ منتخب ذیل المزیل: طبری، ص ۸۳ (ص ۵۸۹)-۲۱ مناقب صنعانی، ۲/ ۱۷۴: ۶۵۲-۲۲
- العمده، ص ۱۶-۲۳ کفایه الطالب، ص ۲۳۲-۲۴ ذخائر العقبی، ص ۲۴ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۰۹
- ۲۵- الرياض النضرة، ج ۳ ص ۲۰۳ (۱۸۸)

مصادر روایت عمر بن ابی سلمه

- ۱- احکام القرآن: ابن عربی، ج ۲ ص ۱۶۶ (۵۴۲ هـ)-۲ الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ۲/ ۴۱ (قاضی عیاضی مغربی: ۵۴۴ هـ)-۳
- جامع الاصول، ج ۱ ص ۱۰۱-۴ تفسیر ابن کثیر، ۳/ ۴۸۳-۵ الجامع الصحیح ترمذی، ۵/ ۶۶۹: ۳۷۸۷-۶ ترجمه الامام الحسین علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق، ص ۱۰۳ و ۱۰۴ (ص ۱۸)-۷ تفسیر جامع البیان، ۲۲/ ۸۸-۸ المعجم الکبیر، ۹/ ۱۱-۹ فضل آل البيت (معرفه ما یجب آل البيت): مقریزی (۸۴۵ هـ)، ص ۲۶-۱۰ ابتسام البرق: یمانی زیدی، ص ۲۱۱-۱۱ سنن ترمذی: ۵/ ۶۶۳: ۳۷۸۷
- ۱۲- مناقب صنعانی: ۱/ ۱۵۷: ۱۳۹۲- امالی سید یحیی بن موفق بالله، ص ۱۵۱ شماره ۱۶-۱۴ اسد الغابه، عز الدین ابن اثیر (۶۳۰ هـ)

ج ۲ ص ۱۵۱۲ - ذخائر العقبی، ص ۲۱

مصادر روایت عامر بن سعد

- ۱- کفایه الطالب، ص ۵۶- مناقب خوارزمی، ص ۶۴- صحیح مسلم، ج ۲ ص ۱۱۹-۴- اصابه، ۲/۵۰۳-۵- مرآة الجنان، ۱/۱۰۹-۶- مستدرک، ۳/۱۰۸ (۳/۱۴۷) ۷- السنن الکبری، ۷/۶۳ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۱۰-۸- مسند فاطمه الزهراء علیها السلام: سیوطی (ص ۶۶) ۹- تهذیب خصائص نسائی (۳۰۳ه)، ص ۲۳ و ۵۶

مصادر روایت سعد بن مالک

- ۱- تفسیر ابن کثیر، ۳/۴۸۳-۲- خصائص: نسائی، ص ۳۴- جامع البیان، ۲۲/۴۸- مسند احمد، ۱/۱۸۵-۵- مستدرک، ۳/۱۰۸

کسانی که حدیث کساء را به طور مرسل روایت کرده‌اند

اشاره

- ۱- تحفه الاشراف بمعرفة الاطراف: ابن مزی (۷۴۲ه)، ج ۸ ص ۱۳۰-۲- بغیة المرتاج إلى طلب الارباح: زرنندی (۷۵۰ه)، ص ۳۹۰- الابتهاج فی شرح المنهاج: سبکی (۷۵۶ه)، ج ۲ ص ۳۶۵-۴- مناهج العقول فی شرح منهاج الاصول: بدخشی، ج ۲ ص ۳۹۸-۵- الاشراف علی فضل الاشراف: سمهودی، ص ۵-۶- امالی المؤید بالله (۴۱۱ه)، ص ۲۳-۷- فتح الباری: ابن حجر (۸۵۲ه)، ج ۳ ص ۴۲۲ از ام سلمه ۸- الکاف الشاف: ابن حجر (۸۵۲ه)، ص ۲۶ ح ۲۱۶ از عایشه ۹- اصابه: ابن حجر (۸۵۲ه)، ج ۲ ص ۵۰۲ از ابن عباس ۱۰- روضة الاحباب: سید عطاء الله حسینی دشتکی (۹۰۳ه) از عایشه ۱۱- حبيب السیر: خواند میر (۹۴۲ه)، ج ۱ ص ۴۰۷-۱۲- صواعق: هیتمی (۹۷۴ه)، ص ۸۵-۱۳- مناقب مرتضوی: ترمذی کشفی، ص ۴۳ (ق ۱۰ ه) ۱۴- سراج المنیر: خطیب شربینی (۹۷۷ه) ۱۵- شرح الفقه الاکبر: ملا علی قاری (۱۰۱۴ه) ۱۶- السیره الحلبیة: برهان الدین الحلبي (۱۰۴۴ه) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۱۱-۱۷- الاتحاف: شبرای (۱۱۷۲ه) ص ۵ عمر بن ابی سلمه ۱۸- اسعاف الراغبین: صبعان (۱۲۰۶ه)، ص ۱۰۵ هامش نور الابصار ۱۹- الروض النضیر: سیاغی صنعانی (۱۲۲۱ه) ج ۱ ص ۱۰۶-۲۰- تفسیر روح المعانی: آلوسی (۱۲۷۰ه)، ج ۲۲ ص ۱۴-۲۱- مشارق الانوار: حمزروی (۱۳۰۳ه)، ص ۸۴ و ۲۲۹۲- العمدہ، ص ۱۶، از زید بن ارقم ۲۳- اسد الغابة، ج ۳ ص ۱۱، از زید بن ارقم ۲۴- تفسیر ابن کثیر، ج ۳ ص ۴۸۳، از زید بن ارقم ۲۵- تفسیر الدر المنثور، ج ۵ ص ۱۹۸ و ۱۹۹، از زید بن ارقم ۲۶- تفسیر الدر المنثور، ج ۵ ص ۱۹۹، از ضحاک بن مزاحم ۲۷- ترجمه امام الحسین علیه السلام، ص ۹۰، از ام سلمه ۲۸- شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۸۲-۹۲ به دوازده سند

برخی از مصادر دیگر آیه تطهیر و حدیث کساء

- ۱- مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۱۵۹ و ۱۶۰، از عبد الله بن جعفر رحمه الله ۲- مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۱۷۲، از علی بن الحسین سجاد علیهما السلام ۳- مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۱۴۷، از جعفر بن ابی طالب رحمه الله ۴- مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۱۳۲، از عمرو بن میمون ۵- مستدرک حاکم، ج ۳ ص ۱۷۲، از امام حسن مجتبی علیه السلام ۶- استیعاب، ج ۲ ص ۴۶۰، از سهل بن سعد

۷- استیعاب، ج ۲ ص ۴۶۰، از ابو هریره ۸- استیعاب، ج ۲ ص ۴۶۰، از بریده اسلمی ۹- استیعاب، ج ۲ ص ۴۶۰، از سلمه بن اکوع
 ۱۰- استیعاب، ج ۲ ص ۴۶۰، از عمران بن حصین ۱۱- استیعاب، ج ۲ ص ۴۶۰، از عبد الله بن عمر ۱۲- اسد الغابه، ج ۳ ص ۴۱۳، از
 عطیه عوفی ۱۳- کفایه الاثر، ص ۶۰۵، از جابر بن عبد الله رحمه الله زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۴۹۱۲-
 اصابه، ج ۲ ص ۱۶۹، از صبیح ۱۵- کفایه الطالب، ص ۳۲، از امام حسن مجتبی علیه السلام ۱۶- مناقب ابن مغازلی، ص ۱۱۰ از امام
 حسن مجتبی علیه السلام ۱۷- تفسیر طبری، ج ۲۲ ص ۶، از ابو دیلم ۱۸- تفسیر طبری، ج ۲۲ ص ۷، از عمرو بن ابی سلمه و یونس
 بن ابی اسحاق ۱۹- تفسیر طبری، ج ۲۲ ص ۷، از ابو عمار ۲۰- اسباب النزول واحدی (۴۶۸ هـ)، ص ۲۶۷، از ام سلمه ۲۱- العمده،
 ص ۱۶، از امام صادق علیه السلام ۲۲- العمده، ص ۱۶، از جعفر بن ابی طالب رحمه الله

آیه تطهیر در برخی از کتابهای شیعه

۱- بحار الانوار، ج ۱۰ ص ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۴۲۵-۲ بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۱۲۰ و ۲۰۳ و ۳۱۵-۳ بحار الانوار، ج ۲۱ ص ۴۲۸۱-
 بحار الانوار، ج ۲۲ ص ۵۵۰۳-۵ بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۱۷۱ و ۳۳۰-۶ بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۲۰۹ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و
 ۲۲۳ و ۲۳۷ و ۲۵۵-۷ بحار الانوار، ج ۳۳ ص ۱۴۹ و ۲۱۹-۸ بحار الانوار، ج ۳۵، ۲۰۶-۹ بحار الانوار، ج ۳۵، ۲۱۱ و ۲۱۳-
 ۱۰-۲۲ بحار الانوار، ج ۳۵، ۲۲۲ و ۲۲۳-۱۱ بحار الانوار، ج ۳۵، ۲۲۶-۱۲ بحار الانوار، ج ۳۵، ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۵۹-۱۳ بحار
 الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۹ و ۳۳۶-۱۴ بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۱۵۳۶-۱۵ بحار الانوار، ج ۳۸ ص ۶۲ و ۱۳۱ و ۲۴۲-۱۶ بحار الانوار، ج
 ۳۹ ص ۱۲۲ و ۱۳۰ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۱۳-۱۷ بحار الانوار، ج ۴۰ ص ۵۰ و ۱۸۶۷-۱۸ بحار الانوار،
 ج ۴۳ ص ۱۹۵۳-۱۹ بحار الانوار، ج ۴۵ ص ۱۲۹ و ۱۵۵ و ۱۶۶-۲۰ بحار الانوار، ج ۴۹ ص ۱۵۸-۲۱ بحار الانوار، ج ۶۹ ص ۱۵۴
 ۲۲- بحار الانوار، ج ۷۹ ص ۱۹۶-۲۳ بحار الانوار، ج ۸۳ ص ۲۴۷-۲۴ بحار الانوار، ج ۸۹ ص ۱۱۰-۲۵ بحار الانوار، ج ۹۹ ص
 ۱۰۵-۲۶ التبیان، ج ۸ ص ۲۷۳۰۸-۲۷ مجمع البیان، ج ۸ ص ۲۸۳۵۶-۲۸ دلائل الصدق، ج ۲ ص ۲۹۹۴-۲۹ التحفه الاثنی عشریه، ص ۲۰۲
 ۳۰- تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۲ ص ۱۹۳ و ۱۹۴-۳۱ عباقات الانوار، ج ۲ ص ۶۷ و ۳۷۱-۳۲ نهج الحق و کشف الصدق، ص ۱۷۳
 ۳۳- کتاب سلیم بن قیس، ص ۵۲ و ۵۳ و ۱۰۵ و ۱۵۰ و ... ۳۴- تفسیر جوامع الجامع، ص ۳۵۳۷۲-۳۵ تأویل الآیات الظاهره، ج ۲ ص
 ۴۵۶-۴۵۹-۳۶ تفسیر برهان، ج ۳ ص ۳۲۰-۳۷ تفسیر برهان، ج ۳ ص ۳۱۲ و ۳۱۳-۳۸ الطرائف، ص ۱۲۲-۳۹ سعد
 السعود، ص ۱۰۶ و ۱۰۷-۴۰ سعد السعود، ص ۲۰۴-۴۱ الايضاح، ص ۱۷۰-۴۲ الصراط المستقیم، ج ۱ ص ۱۸۴ به بعد ۴۳- تفسیر
 نور الثقلین، ج ۴ ص ۲۷۰-۲۷۷ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۱۴-۴۴ کشف الیقین، ص ۴۰۵-۴۵ امالی
 صدوق، ص ۲۵۷-۴۶ تفسیر فرات، ص ۳۳۸ و ۳۳۹-۴۷ امالی مفید، ص ۳۱۸-۴۸ امالی شیخ طوسی، ص ۸۸ و ۳۷۸-۴۹ حبیب
 السیر، ج ۱ ص ۳۰۴-۵۰ حبیب السیر، ج ۲ ص ۱۱-۵۱ کافی، ج ۱ ص ۳۱۶-۵۲ کافی، ج ۲ ص ۲۸۷-۵۳ تفسیر عیاشی، ج ۱ ص
 ۲۵۰-۲۵۲-۵۴ خصال، ج ۲ ص ۴۰۳-۵۵ علل الشرائع، ج ۱ ص ۱۹۱-۵۶ احتجاج، ج ۱ ص ۱۲۳-۵۷ ارشاد شیخ مفید، ص ۱۰۷
 ۵۸- العمده ص ۳۵-۵۹ الفوائد الطوسیة، ص ۴۷-۶۰ کنز جامع الفوائد، ص ۱۶۱ و ۱۶۲-۶۱ کنز جامع الفوائد، ص ۲۰۳ و ۲۰۴
 ۶۲- کنز جامع الفوائد، ص ۱۷۸-۶۳ فضائل ابن شاذان، ص ۹۹

ضمیمه چهارم بحثی کوتاه در باره شخصیت عبادی و ایمان حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

یکی از اساسی ترین فضایل و مناقب حضرت فاطمه علیها السلام بعد عبادی شخصیت آن حضرت و اوج ایمان اوست. در این بخش از کتاب مقاله کوتاهی در باره این دو بعد از شخصیت ایشان را مطالعه خواهید کرد. این نوشته رساله مستقّلی است که نگارنده در سال ۱۳۷۴ نوشته ولی خلاصه‌ای از آن را به عنوان یکی از مهمترین مناقب و ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه علیها السلام در این بخش نقل می‌نماید.

فهرست محتویات

اشاره

فصل اول: ایمان و یقین حضرت فاطمه علیها السلام فصل دوم: شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السلام فصل سوم: برخی از خصوصیات نمازها و عبادتهای حضرت فاطمه علیها السلام فصل چهارم: آشنایی با برخی از نمازهای حضرت فاطمه علیها السلام ۱- خلاصه ۲- نمازهای دو رکعتی ۳- نمازهای چهار رکعتی ۴- سایر نمازها ۵- نماز توسل و استغاثه به حضرت فاطمه علیها السلام زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۱۶ فصل پنجم: آشنایی با تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و اقسام آن فصل ششم: آشنایی با برخی حرزها و تعویذهای حضرت فاطمه علیها السلام فصل هفتم: آشنایی با برخی دعاها حضرت فاطمه علیها السلام مصادر و منابع تحقیق و تعلیق زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۱۷

فصل اول ایمان و یقین حضرت فاطمه علیها السلام

رسول گرامی اسلام در باره دخترش حضرت فاطمه علیها السلام می‌گوید: إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةُ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيْمَانًا وَ يَقِينًا إِلَىٰ مَشَاشِهَا. «۱» ترجمه: به تحقیق دخترم فاطمه، قلب و تمام جوارحش مملوّ از ایمان و یقین گشته، به طوری که بالاتر از آن مرتبه، ایمان و یقینی قابل تصوّر نیست. در تفسیر و توضیح این حدیث شریف به چند نکته مهم باید توجه داشته باشیم: ۱- ایمان دارای دو مرتبه است: اول: ایمان قلبی دوم: ایمان عملی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۱۸ ایمان قلبی و باطنی آن است که در درون انسان پدید می‌آید و از آن با تعبیراتی چون اعتقاد، باور درونی و معرفت یاد می‌شود. وجود ایمان و باور درونی از ضروریات زندگی بشر است به طوری که تصوّر این امر که فردی بدون اعتقاد و باور قلبی وجود داشته باشد مستحیل و غیر قابل قبول می‌نماید. می‌دانیم که خداوند متعال از اهل اسلام اعتقاد و باور درونی نسبت به امور ضروری «۱» مانند وجود خداوند، پیامبران، روز حساب و بسیاری امور دیگر را خواسته است اما وجود منحصر اعتقاد قلبی را برای یک مسلمان کافی نمی‌داند و از او می‌خواهد که ایمان باطنی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۱۹ خود را با عمل توأم نماید. پیامبر گرامی اسلام در این مورد فرماید: الْإِيْمَانُ مَا خَلَصَ فِي الْقَلْبِ وَ صَدَّقَتْهُ الْأَعْمَالُ. «۱» ترجمه: ایمان آن است که در قلب ایجاد شود و عمل انسان بر اساس آن انجام پذیرد. یعنی ایمانی که فقط در باطن انسان جای گیرد و عمل انسان را تحت تأثیر خود قرار ندهد، آن ایمان حقیقی نبوده و مقبول حق تعالی قرار نمی‌گیرد. علی علیه السلام در تعریف ایمان می‌فرماید: الْإِيْمَانُ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ. «۲» ترجمه: ایمان قلبی عبارت از اقرار در زبان، باور داشتن در قلب، و عمل کردن بر اساس آن است. از همین روست که در جای دیگر می‌فرماید: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲۰ الْإِيْمَانُ وَ الْعَمَلُ أَخَوَانٌ تَوَآمَوَانِ وَ رَفِيقَانِ لَا يَفْتَرِقَانِ، لَا- يَقْبَلُ اللَّهُ أَحَدَهُمَا إِلَّا بَصَاحِبِهِ. «۱» ترجمه: ایمان و عمل چون دو برادر به هم پیوسته‌اند و از یک دیگر جدایی

نمی پذیرند، و خداوند عزّ و جلّ هیچ یک از آنها را به تنهایی نمی پذیرد و هر دو را با هم می خواهد. و امام صادق علیه السلام می فرماید: الایمان عمل کله. «۲» ترجمه: تمام ایمان عمل است و چیزی که در آن عمل نباشد ایمان نیست. حال به حدیث رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در باره حضرت فاطمه بازمی گردیم و درمی یابیم که ایمان فاطمه علیها السلام نه صرفا ایمان قلبی است که در حدّ یک باور و اعتقاد درونی باشد و اعمال او تحت تأثیر شرایط، محیط، عادت، تربیت و ... و نه صرفا جنبه فعلی و عملی دارد بلکه رسول خدا در باره ایمان وی می گوید: ... ملأ الله قلبها و جوارحها إيمانا و یقینا خداوند قلب و عمل او را مملوّ از ایمان کرده است. ۲- ایمان فزونی و کاستی می پذیرد: امام صادق علیه السلام در این مورد فرماید: الایمان حالات و درجات و طبقات و منازل. «۳» ترجمه: ایمان دارای حالات مختلف، درجات متعدد، طبقات و منازل متفاوت است. و نیز فرموده است: إنّ المؤمنین بعضهم أفضل من بعض. «۴» ترجمه: اشخاص دارای ایمان از نظر ایمانی برخی بر برخی دیگر برتری دارند. پیامبر اسلام در این زمینه فرموده است: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲۱ الایمان یزید و ینقص. «۱» ترجمه: ایمان زیادت پذیر و کاستی پذیر است. و از این روایات معلوم می گردد که تحت تأثیر برخی علل و عوامل، ایمان انسان قوی یا ضعیف می گردد تا آنجا که در برخی به اوج می رود و به مرتبه «یقین» می رسد و یا چنان حسیض می پذیرد که کفر، شرک یا نفاق جایگزین آن می شود. گاهی نیز چنین است که ایمان در مدارج پایین تر قرار می گیرد، و همان تحت تأثیر عواملی ممکن است اوج گرفته و در درجات بالاتر استقرار می یابد. اما فاطمه علیها السلام چه در زمان حیات پیامبر و چه در مدّت کوتاه زندگانش پس از رحلت او، از ایمانی در اوج برخوردار بود و از این رهگذر است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در باره او فرمود: ... ملأ الله قلبها و جوارحها إيمانا و یقینا إلی مشاشها. ترجمه: قلب و اعضاء و جوارح فاطمه از یقین او مملوّ گردیده و او در اوج مراتب ایمان و یقین قرار گرفته است. ۳- امام علی علیه السلام فرماید: غایه الایمان الیقان. «۲» ترجمه: نهایت ایمان یقین است. یعنی اگر ایمان در وجود انسان راسخ گردید و به واسطه «عمل آگاهانه» تثبیت شد، «۳» دارنده آن به مقام یقین که بالاترین رتبه ایمان است دست می یابد. و یقین چیزی است که در دنیا بالاتر از آن را نمی توان کسب کرد، رسول بزرگوار اسلام در این مورد فرموده است: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲۲ خیر ما القی فی القلب الیقین. «۱» ترجمه: برترین چیزی که در قلب انسان نهاده می شود یقین است. و آن که به درک مرتبه یقین توفیق یافت نجات می یابد و رستگار می شود: بالیقین تدرك الغایه القصوی. «۲» ترجمه: با یقین «غایت قصوی» به دست می آید. علی علیه السلام در این باره می فرماید: من أیقن أفلح. «۳» ترجمه: هر که به مرتبه یقین رسید رستگار می شود و نجات می یابد. آری، ایمان فاطمه علیها السلام به اوج خود رسیده بود تا آنجا که مرتبه یقین را ادراک کرده، و در یقین نیز از آن جهت که دارای مراتب و درجاتی است، در برترین منزل قرار گرفته بود، از این روست که پیامبر اسلام در باره او فرمود: ملأ الله قلبها و جوارحها إيمانا و یقینا إلی مشاشها. فاطمه به مقامی رسیده که بالاتر از آن متصوّر نیست، ایمان به خداوند و روز رستاخیز چنان سراسر وجود مبارک دختر پیامبر را در بر گرفته بود که در میان زنان زمان خود و پس از او هیچ زنی نبوده که همتا و همپای او باشد و در میان تمام زنان جهان در طول دوران هستی فقط سه زن توانسته بودند به مقامات بسیار والایی نایل شوند- مریم و مادر بزرگوار فاطمه حضرت خدیجه علیها السلام و آسیه همسر فرعون. «۴» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲۳ تمام وجود فاطمه علیها السلام در ذات ربوبی ذوب گردیده بود و جز وجه پروردگار و لقای الهی چیز دیگری نظر او را به خود جلب نمی کرد، هنگامی که پیامبر از او در باره کمبود و نیازهایش می پرسد جوابی می دهد که برای ما تکان دهنده است، می گوید: شغلنی عن مسألته لذّة خدمته، لا حاجة لی غیر النظر إلی وجهه الکریم. ترجمه: لذّتی که از بودن در محضر حضرت حق نصیب من می گردد چنان مرا در خود غرقه می نماید که از هر خواهش و حاجتی غافل و بی نیاز می گردم، و شوق وصال او همه نیازها را و کاستی ها را از یادم می برد و مرا جز به تماشای وجه مقام ربوبی به چیزی دیگر فرصت نمی دهد. آری! عشق و ایمان فاطمه به خدایش چنان عمیق و ریشه دار بود که پس از یک کار سخت روزانه، تمام شب را بیدار می ماند و به

راز و نیاز با محبوب سپری می نمود و آنقدر در محراب عبادت بر پای می ایستاد و دعا می کرد که پاهایش تاول می زد. تازه عروسان را دیده اید که چگونه در شبها و روزهای اول زندگی، بلکه تا هفته ها و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲۴ ماهها، سبکبال و بی خیال پا در خانه همسر می گذارند و ایام متمادی را به شادمانی و خوشی سپری می سازند، اما ایمان فاطمه چنان است که در اولین شب زندگانی مشترکش با علی علیه السلام اشک او را جاری می سازد و در مقابل سؤال همسرش پاسخ می دهد: ورود امروز من به خانه تو، مرا به یاد منزلگاه بعد از این، و به یاد ورود در قیامت افکنده است و اینکه در آن روز باید قیام کنم و به سؤالات ربوبی پاسخ گویم. فاطمه علیها السلام از چنین ایمانی برخوردار بود که شایستگی آن را پیدا کرده بود که پدرش در باره وی بگوید: اشتاقت الجنة إلى أربع من النساء: مريم و آسیه و خديجه و فاطمه. «۱» ترجمه: بهشت مشتاق چهار زن است: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. و یا آنکه بگوید: فاطمة سيده نساء هذه الامة. «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲۵ ترجمه: فاطمه سرور زنان این امت و برترین آنهاست. یا بگوید: ابنتي فاطمة سيده نساء العالمين. «۱» ترجمه: دخترم فاطمه سرور زنان دو عالم و برترین آنهاست. یا آنکه بگوید: إن الله ليغضب لغضب فاطمة و يرضى لرضاها. «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲۶ ترجمه: همانا خداوند غضب می کند به سبب غضب و خشم فاطمه، و راضی می شود به سبب رضا و خشنودی او.

فصل دوم شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

حسن بصری (متوفی به سال ۱۱۰ هـ) گوید: ما كان في هذه الامة أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتى تورم قدمها. «۱» ترجمه: در بین امت اسلام، هیچ کس عابدتر از فاطمه نبود، او آنقدر برای راز و نیاز و نماز خواندن بر روی پاهایش می ایستاد که پاهایش ورم کرده تاول می زد. این روایت میزان علاقه حضرت فاطمه را به مقام ربوبی، و درجه ایمان و خلوص یقین او را بطور کامل نمایان می سازد، و از سوی دیگر جلوه ای از شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السلام را به نمایش می گذارد. فرزند بزرگوار حضرت فاطمه، امام حسن مجتبی علیه السلام در این مورد گوید: رأيت أمي فاطمة عليها السلام قامت في محرابها ليلة جمعتها، فلم تزل راکعة ساجدة حتى اتضح زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲۸ عمود الصبح. «۱» ترجمه: مادرم فاطمه علیها السلام را دیدم که در شب جمعه از بستر خویش جدا شده تا طلوع خورشید مشغول عبادت، و راز و نیاز با پروردگار بود و لحظه ای از رکوع و سجود دست برنمی داشت. او آنقدر به عبادت پروردگارش علاقمند و وابسته است که در شب اول زندگانی مشترکش با علی علیه السلام او را به عبادت و نماز گزاری فرا می خواند و سه روز بعد که پیامبر از علی علیه السلام می پرسد که فاطمه چگونه همسری است، پاسخ می دهد: نعم العون على طاعة الله. «۲» ترجمه: او بسیار مددکار و یاری کننده به عبادت و طاعت خداوندست. اساسا راز عزت و سربلندی حضرت فاطمه را باید در مقام عرفانی و عبادی او جستجو کرد، او با وجود اینکه سنش کم و جوان ولی در عرفان و عبادت پیری بود که جز لقای ربوبی چیزی او را راضی نمی ساخت، و از همین روست که در دعاهايش می گفت: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۲۹ اللهم إني أسألك لذة النظر إلى وجهك. ترجمه: خداوند! از تو می خواهم که همواره لذت نظر به وجه خود را نصیب من فرمایی. آری، فاطمه، به تمامی عاشق و شیدای خدای خویش است و او را با همه ذرات وجودش می پرستد و لذا أعبد الناس می گردد. سؤالی که وجود دارد این است که چرا فاطمه به این مقام می رسد؟

نگارنده را نظر بر این است که در تحقیق شخصیت هر فرد انسانی، امور ذیل تأثیری انکار ناپذیر دارند:

اشاره

- ۱- امور تکوینی ۲- شخصیت و افکار پدر و مادر در زمان نطفه فرزند و روحیه آنها ۳- روح و رفتار مادر در دوران بارداری ۴- تربیت ۵- انتخاب شخصی

از جهت تکوینی،

در عالم ذر، نور فاطمه از نور پدر و از شجره طوبی «۱» و نطفه او از میوه‌های درختان بهشتی که خداوند متعال آنها را توسط جبرئیل برای پیامبر تحفه فرستاده است. «۲»

از جهت امور غیر تکوینی،

نیز ضرورت ندارد که سخنی به درازا گفته شود، فقط همین مقدار کافی است که بگویم: فاطمه دختر خدیجه و محمّد است، خدیجه که یکی از «چهار زن برتر در جهان» است و خداوند ربوبی به او مباحثات می‌نماید، و محمّد صلی الله علیه و آله و سلم که برترین پیامبر الهی و خاتم ایشان است، و فاطمه در دامن چنین پدر و مادری پای بر عرصه گیتی می‌گذارد و پرورش می‌یابد. او از همان روز اول که چشمش گشوده می‌شود و گوشش شنوا می‌گردد و عرفان پدر و مادرش را می‌بیند، و در هر روز و شب عبادت خالصانه و تضرّع آنها را به درگاه ربوبی مشاهده می‌کند، و پدر را می‌بیند که در میان شب برمی‌خیزد و ساعتهای متمادی با خدای جهانیان به راز و نیاز می‌پردازد، و و هنگامی که قوه درک این کودک به کمال می‌رسد ادراک می‌کند که آنچه از پدر و مادر خود می‌بیند و می‌شنود و آنچه پیامبر به آن عمل می‌کند و توصیه می‌نماید حقّ حقیقی است که از عمق جان برمی‌خیزد و در عمق دلها نفوذ می‌کند، پس جز آن را بر خود نمی‌پسندد و پای در جای پای پدر می‌نهد، و از این روست که فاطمه، فاطمه می‌شود و لیاقت آن را پیدا می‌کند که سیده نساء العالمین من الأولین و الآخرين خوانده شود. پس بنا بر عوامل تکوینی و تربیتی و خواست آگاهانه فاطمه است که او را شخصیتی متکامل و برخوردار از همه صفات عالی، از آن جمله: زهد، ورع، عرفان و عبادت به بار می‌آورد و الگوی کسانی می‌سازد که می‌خواهند مقام واقعی انسانیت را بشناسند و چنان باشند.

فصل سوم برخی از خصوصیات نمازها و عبادتهای حضرت فاطمه علیها السلام

اول یکی از خصوصیات ویژه در نماز و عبادت حضرت فاطمه علیها السلام خوف و خشیت وی بوده است.

ابو محمّد دیلمی در ارشاد القلوب روایتی را در این باره نقل نموده و گوید: و روی: کانت فاطمة تنهج فی صلواتها من خوف الله. «۱» ترجمه: و روایت شده که حضرت فاطمه به هنگام نماز نفسش به شماره می‌افتاد. سبب این حالت که در نماز و دعا برای فاطمه علیها السلام پیش می‌آمد «خوف و خشیت» وی از حضرت باری تعالی بوده است. ممکن است پرسیده شود که: «خوف از چه چیزی؟»، مگر حضرت فاطمه معصوم نبوده و آیه تطهیر در شأن او نازل نشده است؟ پس کسی که خداوند او را از معاصی و پلیدی‌ها تطهیر نموده و گناهی از او صادر نمی‌شود چرا باید خائف و ترسان باشد؟ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۳۳ در پاسخ گوئیم: خوف اسباب متعدد دارد، گاهی به سبب گناه و سوء عمل است و اینکه فردی می‌داند در محضر کسی ایستاده که او را به دلیل گناهش مجازات خواهد کرد، و گاهی منشأ خوف اطلاع و یقین نسبت به نقص خود و کمال معبود است، و ناقص وقتی خود را در محضر کامل بیند البته نفسش به شماره می‌افتد، رنگش متغیّر می‌شود و حتی غش به او دست می‌دهد. در

روایتی آمده است: کان امیر المؤمنین إذا أخذ بالوضوء يتغير وجهه من خيفة الله. ترجمه: علی علیه السلام هر گاه وضو می ساخت، رنگ چهره اش از خوف الهی تغییر می کرد. و در روایت دیگری آمده است: امام حسن مجتبی علیه السلام هر گاه سجده شکر به جای می آورد از خشیت و خوف مقام ربوبی حالت غش به او دست می داد. و در روایت دیگر، در باره امام حسن علیه السلام آمده است: امام وقتی از وضو فارغ می گردید رنگ چهره اش تغییر می کرد، هنگامی که از وی در باره علت این حالت سؤال کردند، فرمود: حق آن است که وقتی در برابر کسی چون او (پروردگار عالمیان) می ایستیم رنگ از چهره ما پریده باشد. و شبیه این روایات را در باره سایر امامان شیعه و صدیقین نیز نقل نموده اند، در روایتی آمده است که از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: چرا وقتی برای وضو حاضر می شوید رنگ چهره شما زرد می گردد؟ فرمود: چه می دانید که به حضور چه کسی می روم! بنا بر این معلوم می شود که علت خوف و خشیت حضرت فاطمه علیها السلام معرفت تمام نسبت به خداوند متعال می باشد. حال اگر کسی بگوید: جایگاه خوف و خشیت در قلب است؟ گوییم: امام مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام در این باره گوید: بنده خداوند طعم ایمان را وقتی می چشد که دارای خوف و رجا باشد و اگر خوف و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۳۴ رجا او صحیح و کامل باشد، اثر آن، در جسد و عمل مؤمن دیده می شود.

دوم امام حسن مجتبی علیه السلام در باره چگونگی دعا کردن مادرش حضرت فاطمه علیها السلام گوید

كانت فاطمة إذا دعت تدعو للمؤمنين والمؤمنات ولا تدعو لنفسها، فقلت لها: يا أمّاه لم لا تدعين لنفسك كما تدعين لغيرك؟ فقلت: يا بنی! الجار ثم الدار. (۱) ترجمه: فاطمه علیها السلام هر گاه دعا می کرد زنان و مردان مؤمن را دعا می نمود و برای خود دعایی نمی کرد، به او گفتم: ای مادر! چرا همان طور که برای آنها دعا می کنی، برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: فرزندم! اول همسایه بعد خودت.

سوم یکی دیگر از خصوصیات عبادت حضرت فاطمه علیها السلام مراقبت بر اوقات مخصوصه بود،

برای مثال روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دخترش فرمود: در روز جمعه ساعتی وجود دارد که هر کس در آن ساعت چیزی را از خداوند بخواهد، عطایش می نماید. حضرت فاطمه از پدرش در باره این ساعت پرسید و پیامبر فرمود: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۳۵ آن هنگامی است که نصف خورشید غروب کرده و نیمه دیگر آن نمایان است. هنگامی که فاطمه علیها السلام این سخن را شنید به یکی از خدمتکاران خود فرمود که به هنگام غروب خورشید در روز جمعه مراقبت نماید، و هر گاه مشاهده کرد که نیمی از خورشید غروب کرده وی را مطلع نماید، و چون از این موضوع اطلاع پیدا می کرد به دعا و راز و نیاز با خداوند می پرداخت. مراقبت بر اوقات خاصه اختصاص به شخص فاطمه علیها السلام نداشته بلکه در روایتی آمده که آن بانو می فرماید: ما در شب قدر بچه هایمان را بیدار نگاه می داشتیم - آنها را روزها می خوابانیدیم تا بتوانند در این شبها بیدار باشند - تا از برکات لیلۃ القدر بهره مند شوند. شما خواننده گرامی در فصلهای بعدی این نوشته، با ابعاد دیگری از شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السلام آشنا خواهید شد.

فصل چهارم آشنایی با برخی از نمازهای حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

کثرت ارتباط حضرت فاطمه علیها السلام با خداوند متعال به روشهای مختلف، که نماز یکی از مهمترین آنها می باشد، بزرگترین

فضیلت برای دختر گرامی پیامبر اسلام صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم می‌باشد. تنوع نمازهای حضرت فاطمه علیها السَّلام و اشتیاق ایشان در به جای آوردن این نمازهای مستحبی، که فقط برخی از آنها در ضمن روایات به دست ما رسیده است، نشانگر شوق و فور علاقه آن حضرت به مقام ربوبی است. او با به جای آوردن این نمازها آرامش خود را به دست می‌آورد و خود را هر چه بیشتر به خداوند متعال نزدیک می‌نمود. نگارنده رساله مستقلى تحت عنوان شخصیت عبادی حضرت فاطمه علیها السَّلام و نمازهای او به رشته تحریر درآورده، اعراب‌گذاری و ترجمه کرده و به زودی در اختیار خوانندگان عزیز قرار خواهد داد، آنچه در اینجا می‌خوانید خلاصه‌ای از آن نوشته است.

۱- خلاصه

۱- دو رکعت نماز که آن حضرت در روزهای جمعه ماه رمضان به جای می‌آورده است. «۱» ۲- دو رکعت نماز که آن حضرت به هنگام بروز مشکلات بزرگ به جای می‌آورده است. «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۳۸-۳ دو رکعت نماز که آن حضرت آن را از جبرئیل آموخته بود و در رکعت اول آن حمد و صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم یک بار حمد و صد مرتبه سوره توحید را به جای می‌آورد و سپس یکی از تسبیحات مخصوص به خود یعنی سبحان ذی العزّ ... تا آخر قرائت می‌نمود. «۱» ۴- دو رکعت نماز که آن حضرت و علی علیهما السَّلام از رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم آموختند. «۲» ۵- دو رکعت نماز که حضرت فاطمه علیها السَّلام آن را در هنگام خوف و مواجهه با مشکلات به جای می‌آورد و این نماز دارای تعقیبی طولانی است که ابتدای آن چنین می‌باشد: اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُتَوِّجُّهُ اِلَیْکَ ... تا آخر. «۳» ۶- چهار رکعت نماز که در هر رکعت آن بعد از حمد، پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد را به جای می‌آورد. «۴» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۳۹-۷ چهار رکعت نماز که آن حضرت در شبهای جمعه به جای می‌آورده است. «۱» ۸- چهار رکعت نماز که آن حضرت در صبح جمعه به جای می‌آورده و آن، دو نماز دو رکعتی است و تفصیل آن در منابع مربوطه آمده است و ما نیز در کتاب نمازهای حضرت فاطمه علیها السَّلام «۲» چگونگی این نماز و سایر نمازهای آن حضرت را به طور مستند ذکر کرده‌ایم. «۳» ۹- شش رکعت نماز مخصوص آن حضرت برای شبهای چهارشنبه. «۴» ۱۰- بیست رکعت نماز آن حضرت برای آخر شبهای شنبه در ماه رمضان. «۵»

۲- نمازهای دو رکعتی حضرت فاطمه علیها السلام

دو رکعت نماز برای روزهای جمعه در ماه رمضان

قال الشيخ المفید «۱»: صلاة فاطمة علیها السَّلام رکعتان فی کل جمعة من رمضان «۲». «۳» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴۱ ترجمه: شیخ مفید رحمه الله گوید: نماز حضرت فاطمه علیها السَّلام در روزهای جمعه ماه رمضان، دو رکعت است.

دو رکعت نماز برای حل مشکلات بزرگ

قال الصادق علیه السَّلام: للأمر المخوف العظيم رکعتان، و هی الّتی كانت الزَّهراء علیها السَّلام تصلّیها: تقرأ فی الرّکعة الأولى الحمد مرّة، و خمسين مرّة قل هو الله أحد، و فی الثّانیة مثل ذلك، فإذا سلّمت صلّیت علی النّبی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم مائة مرّة. «۱» ترجمه: امام صادق علیه السَّلام فرماید: هر گاه مشکل بزرگی بروز کرد دو رکعت نماز به جای می‌آوری، و این نمازی بوده که حضرت زهرا علیها السَّلام به جای می‌آورده، در رکعت اول یک بار حمد و پنجاه بار سوره قل هو الله احد خوانده و در رکعت دوم نیز همین طور، و بعد از سلام نماز صد بار بر پیامبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم صلوات می‌فرستی.

دو رکعت نماز به روایت دیگر

قال السيد علي بن طائوس رحمه الله: صلاة فاطمة عليها السلام ركعتان: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴۲ تقرأ فی کلّ رکعة «الحمد» مرّة، و «قل هو الله أحد» ستین مرّة. «۱» ترجمه: سید علی بن طائوس گوید: نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است که در هر رکعت پس از سوره حمد شصت مرتبه سوره قل هو الله احد خوانده می شود.

نماز دیگر

قال الصادق عليه السلام: كانت لامی فاطمة عليها السلام ركعتان تصليهما علمها جبرئيل. تقرأ فی الاولى «الحمد» مرّة و «إنا أنزلناه فی ليلة القدر» مائة مرّة، فی الثانية «الحمد» مرّة و مائة مرّة «قل هو الله أحد» فإذا سلّمت سجّحت التّسبیح و هو: سبحان ذی العزّ الشّامخ المنیف، سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم، سبحان ذی الملک الفخر القدیم، سبحان من لبس البهجة و الجمال، سبحان من تردی بالثّور و الوقار، سبحان من یری أثر النّمل فی الصّیفاء، سبحان من یری وقع الطّیر فی الهواء، سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره. «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴۳ ترجمه: امام صادق علیه السلام فرماید: مادرم فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز به جای می آورد که جبرئیل به او آموخته بود و در رکعت اول آن یک بار سوره حمد و صد بار سوره إنا أنزلنا فی ليلة القدر، و در رکعت دوم نیز یک بار حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد را قرائت می کرد، سپس بعد از اتمام نماز این تسبیح را تلاوت می نمود: پاک و منزّه است او که دارنده عزّت، بلندی مرتبه و مقام رفیع است، پاک و منزّه است او که دارنده عظمت و بزرگی می باشد، پاک و منزّه است او که حکومت مطلق جاوید برای اوست، پاک و منزّه است او که لباس بهجت و زیبایی بر تن کرده، پاک و منزّه است او که جامه نور و وقار بر تن پوشیده است، پاک و منزّه است او که اثر پای مورچه را بر سنگ صاف می بیند، پاک و منزّه است خدایی که چگونگی پرواز پرنده را در هوا مشاهده می کند، پاک و منزّه است خداوندی که این چنین است و کسی چون او نمی باشد.

نماز دیگر

قال الصّادق علیه السلام: كانت لامی فاطمة عليها السلام صلاة تصليها علمها جبرئيل: ركعتان: تقرأ فی الاولى «الحمد» مرّة و «إنا أنزلناه فی ليلة القدر» مائة مرّة، فی الثانية «الحمد» مرّة و مائة مرّة «قل هو الله أحد» فإذا سلّمت سجّحت تسبیح الطّاهرة علیها السلام و هو: سبحان ذی العزّ الشّامخ المنیف، سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم، سبحان ذی الملک زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴۴ الفخر القدیم، سبحان من لبس البهجة و الجمال، سبحان من تردی بالثّور و الوقار، سبحان من یری أثر النّمل فی الصّیفاء، سبحان من یری وقع الطّیر فی الهواء، سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره. و ینبغی لمن صلّی هذه الصّلاة و فرغ من التّسبیح أن یدعو و یسأل حاجته و ما شاء من الدّعاء و یقول و هو ساجد: یا من لبس غیره ربّ یدعی، یا من لبس فوقه إله یخشی، یا من لبس دونه ملک یتقی، یا من لبس له وزیر یؤتی، یا من لبس له حاجب یرشی، یا من لبس له بواب یغشی، یا من لا یزداد علی کثرة السّؤال إلّا کرما و جودا، و علی کثرة الدّنوب إلّا عفوا و صفحا، صلّ علی محمّد و آل محمّد. «۱» ترجمه: مادرم فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز به جای می آورد که جبرئیل، به او آموخته بود، و در رکعت اول آن یک بار سوره حمد و صد بار سوره إنا أنزلناه فی ليلة القدر، و در رکعت دوم نیز یک بار حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد را قرائت می کرد، سپس بعد از اتمام نماز تسبیح زیر را تلاوت می نمود: پاک و منزّه است خداوندی که دارنده عزّت، بلندی مرتبه و مقام رفیع است، پاک و منزّه است او که دارنده عظمت و بزرگی می باشد، پاک و منزّه است او که حکومت مطلق جاوید برای اوست، پاک و منزّه است او که لباس بهجت و زیبایی بر تن

کرده، پاک و منزّه است او که جامه نور و وقار بر تن پوشیده است، پاک و منزّه است کسی که اثر پای مورچه را بر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴۵ سنگ صاف می بیند؛ پاک و منزّه است خدایی که چگونگی پرواز پرنده را در هوا مشاهده می کند؛ پاک و منزّه است خداوندی که این چنین است و کسی چون او نمی باشد. و بر کسی که این نماز را به جای می آورد لازم است هنگامی که از تسبیح فارغ می شود، دعا کند و حاجت خود را از خداوند بخواهد، و آنگاه به سجده رود و بگوید: ای کسی که غیر او پروردگاری نیست که او را بخوانند؛ ای کسی که به جز او اله و معبودی نیست که از وی ترسیده شود؛ ای کسی که غیر حکومت او حکومتی نیست که از آن پرهیز شود؛ ای کسی که برای او وزیر و معاونی نیست که بخشی از اختیارات خود را به وی تفویض نموده و بنده اش را به درگاه او براند؛ ای کسی که حاجب و درباری ندارد که لازم باشد به رشوه و جلب رضایت آن حاجب و دربان با او ملاقات شود؛ ای کسی که درباری ندارد که درها را به روی بندگان ببندد؛ ای کسی که از شدت کرم و جود هر گاه که از او تقاضایی شود اجابت می کند؛ و ای کسی که از بسیاری و شدت عفو و بزرگواری هر گاه که از او طلب مغفرت و بخشش شود می بخشاید؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست. و سپس هر آنچه خواهی از او تقاضا کن.

نماز دیگر

۵۹- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص - لِعَلِيٍّ ع وَابْنَتَيْهِ فَاطِمَةَ ع - إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَخْصُكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ مِمَّا عَلَّمَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَاطَّلَعَنِي اللَّهُ عَلَيْهِ - فَاخْتَفَظَا بِهِ قَالَا نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص فَمَا هُوَ قَالَ يُصَلِّي أَحَدُكُمَا رَكْعَتَيْنِ - يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - وَقُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - وَ آخِرَ الْحَشْرِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَوْلِهِ لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ (۱) إِلَى آخِرِهِ - فَإِذَا جَلَسَ فَلْيَتَشَهَّدْ وَلْيُثْنِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ص وَلْيَدْعُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ - ثُمَّ يَدْعُو عَلَى أَثَرِ ذَلِكَ - فَيَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ - يَحَقُّ عَلَيْكَ فِيهِ إِجَابَةُ الدُّعَاءِ إِذَا دُعِيَ بِهِ - وَ أَسْأَلُكَ زَنْدگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴۶ بِحَقِّ كُلِّ ذِي حَقٍّ عَلَيْكَ - وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى جَمِيعِ مَا هُوَ دُونُكَ - أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا - (۱) ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام و دخترش فاطمه علیها السلام گفت: دوست دارم به شما دو نفر چیزی را بیاموزم که خداوند آن را بر من تعلیم فرموده، پس بر شماست که به آن مداومت داشته محافظت کنید. پس آن دو عرضه داشتند: ای رسول خدا چنین خواهد بود، پس آن را به ما بیاموز. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کدام از شما دو رکعت نماز می خوانید و در هر رکعت آن یک بار سوره حمد و سه بار آیه الکرسی و سه بار قل هو الله احد و سه بار آیات آخر سوره حشر را از آیه لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ (۲) می خوانید، سپس بعد از نشستن تشهد و سلام می گوید و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر او را به جای می آورید و سپس برای مؤمنین دعا می کنید و در پایان این دعا را می خوانید: خدایا، به حق هر اسمی که تعلق به تو دارد و آنگاه که بدان اسم خوانده شوی اجابت دعا بر تو زبیده و شایسته می گردد، و به حق هر کسی که حقی بر تو دارد، و نیز به تمام حقی که تو بر بندگان خویش داری تمنا دارم که حاجتها و نیازهای مرا بر آورده سازی.

نماز دیگر به هنگام مواجه شدن با مشکلات بزرگ

رَوَى إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُمَرَ الصَّنَعَانِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لِلْأَمْرِ الْمُخَوِّفِ الْعَظِيمِ تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ - وَ هِيَ الَّتِي كَانَتْ الزَّهْرَاءُ ع تُصَلِّيهَا - تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَقُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خَمْسِينَ مَرَّةً - وَ فِي الثَّانِيَةِ مِثْلَ ذَلِكَ - فَإِذَا سَلِمْتَ صَلَّيْتَ عَلَى النَّبِيِّ ص ثُمَّ تَرْفَعُ يَدَيْكَ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمْ - وَ أَتَوْسَلُ إِلَيْكَ بِحَقِّهِمُ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ - وَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى - وَ كَلِمَاتِكَ النَّامَاتِ الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوَكَ بِهَا - وَ أَسْأَلُكَ بِأَسْمِكَ الْعَظِيمِ - الَّذِي أَمَرْتَ إِبْرَاهِيمَ ع أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَاجِبَتْهُ - وَ بِأَسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي زَنْدگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴۷ قُلْتُ لِلنَّارِ - كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ (۱)

فَكَانَتْ - وَ بِأَحَبِّ أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ وَ أَشْرَفَهَا عِنْدَكَ - وَ أَعْظَمَهَا لَدَيْكَ وَ أَشْرَعَهَا إِجَابَةً وَ أَنْجَحَهَا طَلِبَةً - وَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحِقُّهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ - وَ اتَّوَسَّلَ إِلَيْكَ وَ أَرْغَبَ إِلَيْكَ وَ أَتَصَدَّقُ مِنْكَ وَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَسْتَمْنَحُكَ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ - وَ أَخْضَعُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ أَخْشَعُ لَكَ - وَ أَقِرُّ لَكَ بِشَوْءٍ صَدِيعَتِي - وَ أَتَمَلَّقُ وَ أُلْبَحُّ عَلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - مِنَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ - مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ وَ بِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعُظْمَى أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ - وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ - وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ - وَ تَجْعَلَ فَرْجِي مَقْرُونًا بِفَرْجِهِمْ - وَ تُقَدِّمَهُمْ فِي كُلِّ خَيْرٍ وَ تَبْدَأَ بِهِمْ فِيهِ - وَ تَفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي فِي هَذَا الْيَوْمِ - وَ تَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِفَرْجِي - وَ إِعْطَانِي سُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ - فَقَدْ مَسَّنِيَ الْفَقْرُ وَ نَالَنِي الضُّرُّ - وَ سَلَمْتَنِي الْخَصَاصَةُ وَ أَلْجَأْتَنِي الْحَاجَةَ - وَ تَوَسَّمتُ بِالذِّلَّةِ وَ غَلَبْتَنِي الْمَسِيكَةُ وَ حَقَّتْ عَلَيَّ الْكَلِمَةُ وَ أَحَاطَتْ بِي الْخَطِيئَةُ وَ هَذَا الْوَقْتُ الَّذِي وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِيهِ الْإِجَابَةَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ امْسَحْ مَا بِي بِيَمِينِكَ الشَّافِيَةَ - وَ انْظُرْ إِلَيَّ بِعَيْنِكَ الرَّاحِمَةِ - وَ ادْخُلْنِي فِي رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ وَ أَقْبِلْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الَّذِي إِذَا أَقْبَلْتَ بِهِ عَلَى أَسِيرٍ فَكَكَّنْتَهُ - وَ عَلَى ضَالٍّ هَدَيْتَهُ وَ عَلَى حَائِرٍ أَذَيْتَهُ وَ عَلَى مُقْتِرٍ أَعْنَيْتَهُ - وَ عَلَى ضَعِيفٍ قَوَيْتَهُ وَ عَلَى خَائِفٍ أَمِنْتَهُ - وَ لَا تُخْلِنِي لِقَاءَ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ - يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ وَ حَيْثُ هُوَ وَ قُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ - يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ - وَ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ - يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي بِهِ - يَقْضَى حَاجَةُ كُلِّ طَالِبٍ يَدْعُوهُ بِهِ - وَ أَسْأَلُكَ بِذَلِكَ الْإِسْمِ فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ - وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَتُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ - وَ أَنْ تُقْضَى لِي حَوَائِجِي وَ تُسَمِّعَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ - وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا - وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَ بَرَكَاتُكَ وَ رَحْمَتُكَ صَوْتِي - فَيُشْفَعُوا لِي إِلَيْكَ وَ تُشَفِّعَهُمْ فِيَّ وَ لِمَا تَرْضَوْنِي خَائِبًا - بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ - وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا يَا كَرِيمُ «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴۸ ترجمه: امام صادق علیه السلام فرماید: هر گاه گرفتاری عظیم و مشکل بزرگی به تو روی آورد دو رکعت نماز بگزار، همان نمازی که حضرت زهرا علیها السلام آن را می خوانده، و آن به این ترتیب است که در رکعت اول و دوم آن یک بار حمد و پنجاه مرتبه قل هو الله احد را می خوانی و پس از نماز بر پیامبر صلوات فرستاده، سپس دستهایت را بلند نموده و این دعا را می خوانی: بار خدایا، من به وسیله آنان به تو روی آوردم و به حق آنان به تو توسل می جویم، همان حقی که اساس و پایه آن را کسی جز تو نمی شناسد، و به حق آن کس که حقیقت در نزد تو عظیم است، و به نامهای نیکو و پسندیده ات، و به کلمات و سخنان تام و کامل که دستور نفرومودی مرا مگر اینکه تو را به وسیله آنها بخوانم، و از تو تقاضا می کنم به همان اسم بزرگی که به ابراهیم علیه السلام آموختی تا پرنده را به آنها صدا کند و پرنده او را اجابت کرد؛ و به آن اسم عظیمی که به سبب آن به آتش گفתי: «بر ابراهیم سرد، و او را سالم بدار» پس چنین شد؛ و محبوبترین نامهایی که داری، و شریفترین آنها در نزد، و برترین آنها، و به آنهایی که اگر تو را به آنها بخوانند به سرعت اجابت می کنی، و به آن نامهایی که نجات بخش ترین می باشند، و به هر آنچه که اهل آن، سزاوار آن و شایسته آنی: به تو متوسل می شوم، و به تو روی می آورم، و آنچه را که از تو باشد تصدیق می کنم، و از تو آمرزش می خواهم، و از تو بخشش می جویم، و به پیشگاه تو ناله و زاری می کنم؛ و در برابر تو سر تواضع و تسلیم فرود می آورم؛ و از تو می ترسم، و در نزد تو به بد عملی خود اقرار می کنم، و از تو خواهش و تمنا می نمایم. از تو می خواهم، به حق کتابهایی که بر پیامبران نازل فرمودی - که درود و رحمت الهی بر آنان باد - به حق تورات، انجیل و تمام قرآن عظیم از اول تا به آخر آن که در آن، نامهای اعظم تو گردآوری شده است، و به هر چه که نامهای اعظم تو در آن وجود دارد به تو تقرّب می جویم. از تو می خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستی و مشکلات و سختی ها را از سر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۴۹ راه ایشان برداری، و گشایش در کار مرا با گشایش در کار آنان همراه سازی و در هر خیری آنان را مقدم داشته و از آنان آغاز کنی، و از تو می خواهم که در چنین روزی درهای آسمان را برای دعای من بگشایی، و در این روز و شب، اجازه گشایش و بخشش مرا در دنیا و آخرت صادر فرمایی، چرا که فقر به من روی آورده و

آسیب‌ها مرا فرا گرفته، نیازمندی بیچاره‌ام کرده، ذلت و خواری نشانه‌ام گرفته، تهیدستی بر من غالب شده، و عذاب بر من محقق گشته، و گناهان مرا احاطه نموده؛ و این همان وقتی است که به اولیائت وعده اجابت داده‌ای. پس بر محمد و آل او درود فرست، و دست شفا بخش خود را بر سر و روی من بکش و با دیده رحمت به من بنگر، و مرا در رحمت واسعه خود داخل نما، و با آن چهره (و روش و صفتی) که اگر با آن به اسیر و کنی آزادش سازی، و اگر با آن به گمشده‌ای بنگری هدایت شود، و اگر با آن به آواره و سرگردانی بنگری به قصد رسد، و اگر بر فقیری نظر کنی غنی و بی‌نیازش سازی، و اگر به آن صفت بر ضعیفی توجه کنی قوت یابد، و اگر بر ترسان و خائفی بنگری ایمن گردد، ای دارنده جلال و بزرگواری! به این روی و صفت بر من نظری کن و مرا به هنگام برخورد و رویارویی با دشمن و دشمنم تنها مگذار. ای کسی که، کس نمی‌داند چگونه‌ای، کجایی و کسی قدرت درک قدرت را ندارد، ای کسی که هوا را در آسمان مسدود نمودی، و زمین را بر روی آب گسترده‌ای و برای خود بهترین و برترین نامها را برگزیده‌ای، ای کسی که خود را به اسمی نامیده‌ای که هر که تو را به آن نام خواند اجابت می‌کنی، من از تو به حق آن اسم که شفیع برتر و بالاتر از آن ندارم، و به حق محمد و خاندان محمد می‌خواهم که بر محمد درود فرستی و حوائج مرا برآورده سازی و صدای مرا به گوش محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجت - که درود و رحمت و برکات تو بر همه آنها باد- برسانی تا مرا در نزد تو شفاعت کنند و تو نیز شفاعت آنان را در حق من پذیری و مرا مأیوس و ناامید برنگردانی، به حق تو که معبودی غیر از تو نیست، و به حق محمد و خاندان محمد این درخواستها برای من انجام بده، ای بخشنده مهربان.

۳- نمازهای چهار رکعتی حضرت فاطمه علیها السلام

چهار رکعت نماز معروف حضرت فاطمه علیها السلام

قَالَ الصَّادِقُ ع مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَقَرَأَ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَانَتْ صَلَاةَ فَاطِمَةَ ع وَهِيَ صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ «۱» «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۵۱ ترجمه: امام صادق علیه السلام فرماید: هر که چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند، نماز حضرت فاطمه علیها السلام را به جای آورده، و آن نماز اوّابین است.

نماز شب جمعه هر هفته

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ- مَنْ قَرَأَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ أَوْ يَوْمِهَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ- مَا تَنَى فِي أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً- غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَيْدِ الْبَحْرِ- وَيَسْبَحُ عَقِيْبَهَا يَقُولُ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ- سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ- سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ- سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ- سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ- سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا- سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ- سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۵۲ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمْ- وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ- الَّذِي أَمَرْتَ إِبْرَاهِيمَ ع أَنْ يَدْعُو بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ- وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ- الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ «۱» فَكَانَتْ- وَ بِحَقِّ أَحَبِّ أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ- وَ أَشْرَفِهَا وَأَعْظَمِهَا إِجَابَةً وَ أَنْجَحِهَا طَلِبَةً- وَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَجِبُهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ- وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ أَتَضَلَّقُ مِنْكَ- وَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَسْتَمْنِحُكَ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ وَ أَخَضَعُ لَكَ- وَ أَقْرِبُ بِسُوءِ صَنِيعِي وَ أَتَمَلَّقُكَ وَ أُلْحِقُ عَلَيْكَ- وَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ- صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ- مِنَ التَّوَرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ- مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى آخِرِهَا فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ- وَ بِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعُظْمَى أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ- وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي آلِ مُحَمَّدٍ- وَ تُقَدِّمَ بِهِمْ إِلَى كُلِّ

خَيْرٍ وَتَبْدَأُ بِهِمْ فِيهِ- وَتُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِدُعَائِي وَتَرْفَعُ عَمَلِي فِي عِلِّيْنِ- وَتُعَجَّلُ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فَرَجِي- وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ- يَا مَنْ لَا يَغْلُمُ كَيْفَ هُوَ وَحَيْثُ هُوَ وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ- يَا مَنْ سَيَدَّ السَّمَاءَ بِالْهَوَاءِ وَدَحَى الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ- وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ الْخُسْنَى- يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي يَقْضِي بِهِ حَاجَتَهُ مَنْ يَدْعُوهُ- أَسْأَلُكَ بِهَذَا الْإِسْمِ فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى مِنْهُ- أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ- وَأَنْ تُقْضِيَ حَاجَتِي وَتَسْمَعَ دَعْوَاتِي- وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ- وَأَوْصِيَهُمْ صَلَوَاتِكَ وَسَلَامِكَ عَلَيْهِمْ- فَيَشْفَعُوا لِي إِلَيْكَ فَشَفِّعْهُمْ فِيَّ- وَلَا تَزِدْنِي خَائِبًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ- ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ- «۲» ترجمه:

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که ایشان فرمودند: هر کس در شب جمعه یا روز آن چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت آن یک مرتبه سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد را قرائت کند گناهان او بخشوده می شود هر چند که بسیار باشد، سپس در خاتمه نماز این تسبیح را می گوید: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۵۳ پاک و منزّه است او که دارنده عزّت، بلندی مرتبه و مقام رفیع است؛ پاک و منزّه است او که دارنده عظمت و بزرگی می باشد؛ پاک و منزّه است او که حکومت مطلق جاوید برای اوست؛ پاک و منزّه است او که لباس بهجت و زیبایی بر تن کرده؛ پاک و منزّه است او که جامه نور و وقار بر تن پوشیده است؛ پاک و منزّه است کسی که اثر پای مورچه را بر سنگ صاف می بیند؛ پاک و منزّه است خدایی که چگونگی پرواز پرند را در هوا می داند؛ پاک و منزّه است خداوندی که این چنین است و کسی چون او نمی باشد. و سپس این دعا را می خواند: خداوند، من به وسیله آنان به تو روی آوردم، و از تو می خواهم به آن اسم عظیم که به ابراهیم علیه السلام آموختی تا پرند را به وسیله آن صدا کند و پرند او را اجابت کرد، و به آن اسم عظیمی که به سبب آن به آتش گفתי: «بر ابراهیم سرد، و او را سالم بدار» و اجابت نمود، و به حقّ محبوبترین نامهایی که داری و شریف ترین و برترین آنها که اگر تو را به آنها بخوانند اجابت می کنی و نجات می بخشی، و به هر اسمی که اهل، سزاوار و شایسته آنی و به تو توسّل می جویم، و به تو روی می آورم، و آنچه را که از تو باشد تصدیق می کنم، و از تو آموزش می طلبم، و از تو بخشش می جویم، و به پیشگاه تو ناله و زاری می کنم، و دست تضرّع به درگاهت دراز می کنم، و در برابر تو سر تواضع و تسلیم فرود می آورم، و فقط از تو می ترسم، و در نزد تو به بد عملی خود اعتراف می کنم، و تو را تملّی می گویم و فقط تو را بزرگ می دارم و از تو تمّنّا دارم. و به حقّ کتابهایی که بر پیامبران نازل فرمودی، به حقّ تورات، انجیل، زبور و تمام قرآن عظیم از اوّل تا آخر آن، که در آنها نامهای اعظم خود را قرار داده ای و به حقّ هر چه که نامهای اعظم تو در آن قرار دارد، به تو تقرّب می جویم. و از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و مشکلات و سختی ها را از راه ایشان برداری، و گشایش در کار مرا با گشایش در کار آنان همراه سازی، و در هر خیری آنان را مقدّم داشته و از ایشان آغاز کنی، و از تو می خواهم که درهای آسمان را برای دعای من بگشایی، و اعمال شایسته و صالح مرا در آسمانها بالا-بری، و در رهایی من در این ساعت و در این شب تعجیل فرمایی، و گشایش و بخشش مرا در دنیا و آخرت امضا نمایی. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۵۴ ای خدایی که، کس نمی داند چگونه ای، کجایی و قدرتت به چه اندازه است، ای کسی که هوا را به واسطه آسمان مسدود نموده ای، و زمین را بر روی آب گسترده ای، و برای خود بهترین و برترین نامها را برگزیده ای، ای خدایی که خود را به اسمی نامیده ای که هر که تو را به آن نام خواند اجابت می کنی، من از تو به حقّ آن اسم که شفیع برتر و بالا-تر از آن ندارم تقاضا دارم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، و حوایج مرا بر آورده سازی، و دعاهای مرا اجابت نمایی، و به حقّ محمّد، علی، فاطمه، حسن، حسین، و جانشینان آنها- که صلوات و سلام تو بر آنها باد- تقاضا دارم که چنان کنی که تا آنها مرا در نزد تو شفاعت کنند و تو نیز شفاعت آنان را در حقّ من بپذیری و مرا ناامید برنگردانی، ای خدایی که معبودی غیر از تو نیست. و پس از این دعا، نیازها و حاجتهای خود را از خداوند تبارک و تعالی می خواهی.

۶۴- قَالَ صِفْوَانُ بْنُ يَحْيَى دَخَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلْبِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع- فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَقَالَ لَهُ تَعَلَّمْنِي أَفْضَلَ مَا أَصْنَعُ فِي هَذَا الْيَوْمِ- فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ- مَا أَعْلَمُ أَنْ أَحِيداً كَانَ أَكْبَرَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ فَاطِمَةَ ع- وَ لَا أَفْضَلَ مِمَّا عَلَّمَهَا أَبُوهَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ- قَالَ مَنْ أَصْبَحَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَاعْتَسَلَ وَ صَفَّ قَدَمَيْهِ- وَ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ مَثْنَى مَثْنَى- يَقْرَأُ فِي أَوَّلِ رَكْعَةِ الْحَمْدِ وَ الْإِخْلَاصِ خَمْسِينَ مَرَّةً- وَ فِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْعَادِيَّاتِ خَمْسِينَ مَرَّةً وَ فِي الثَّالِثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ خَمْسِينَ مَرَّةً- وَ فِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ- خَمْسِينَ مَرَّةً- وَ هَذِهِ سُورَةُ النَّصْرِ وَ هِيَ آخِرُ سُورَةٍ نَزَلَتْ- فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا دَعَا- فَقَالَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي- مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعْيَدَ أَوْ اسْتَعَدَّ لِوَفَادَةِ إِلَيَّ مَخْلُوقٍ- رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ قَوَائِدِهِ وَ نَائِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ جَوَائِزِهِ- فَإِلَيْكَ يَا إِلَهِي كَانَتْ تَهَيُّتِي وَ تَعَبُّتِي- وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي- رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ مَعْرِفِكَ وَ نَائِلِكَ وَ جَوَائِزِكَ- فَلَا تَخَيِّبِي [تُخَيِّبُنِي مِنْ ذَلِكَ يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَسْأَلَةً سَائِلٍ- وَ لَا تَنْقُصُهُ عَطِيَّةٌ نَائِلٍ- لَمْ آتِكَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا بِشَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ- أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِشَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ- صِلْمَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ- أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَلَى الْخَاطِئِينَ- عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَخَارِمِ- فَلَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَخَارِمِ- أَنْ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۹۵۵ عُدَّتْ عَلَيْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ- وَ أَنْتَ سَيِّدِي الْعَوَاذُ بِالْغَمَاءِ وَ أَنَا الْعَوَاذُ بِالْخَطَا- أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ- فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ ذَنْبِي الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ- يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ «۱» ترجمه: صفوان بن يحيی گفته: محمد بن علی حبلی بر امام صادق علیه السلام در روز جمعه وارد شده گفت: بهترین کاری را که می توانم در این روز انجام دهم، به من بیاموز امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عزیزتر و گرامی تر از فاطمه علیها السلام و چیزی را بهتر از آنچه که به وی آموخت، نمی یابم: روز جمعه غسل کرده و دو نماز دو رکعتی بگزار و در رکعت اول آنها یک بار سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم پس از حمد پنجاه مرتبه سوره و العاديات، و در رکعت سوم بعد از حمد پنجاه بار سوره اذا زلزلت، و در رکعت چهارم نیز پس از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره اذا جاء نصر الله و الفتح بخوان، و سپس این دعا را بخوان: ای معبود و مولای من، هر کس آماده می شود یا عبا بر دوش می اندازد یا تدارک می بیند و مهیا می شود تا به سوی مخلوقی، به امید عطا، فایده، منفعت، کرم و احسانش برود؛ ولی بار خدایا، آماده شدن من، عبا بر تن کردنم، تدارک دیدنم و مهیا شدنم به امید عطا، نیکی، دستگیری، و جوایز توست؛ پس مرا از اینها محروم مگردان ای کسی که درخواست کننده را در اجابت خواسته اش ناامید نمی کنی و عطای گیرنده را کم نمی گذاری، بلکه به شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او- که درود بر همه آنان باد- به تو نزدیکی می جویم و امید عفو بزرگ را دارم، همان عفو بزرگی که بر خطاکاران به هنگامی که بر گناهان اصرار می ورزند ارزانی می کنی و پافشاری آنان بر معصیت تو را از اینکه آنان را بیامری باز نمی دارد، و تو ای آقای من، با نعمت و لطف به آنان روی می آوری؛ ولی ای مولا، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۵۶ بازگشت من به خطاها و گناهان است، پس به حق محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاک او از تو می خواهم گناه عظیم مرا ببخشایی که گناه بزرگ مرا جز بزرگ نمی بخشاید، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ!

۴- سایر نمازهای حضرت فاطمه علیها السلام

نماز شبهای چهار شنبه

قَالَتْ فَاطِمَةُ ع- عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص صَلَاةَ لَيْلَةِ الْأَرْبَعَاءِ فَقَالَ مَنْ صَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ الْحَمْدَ وَ قُلَ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ إِلَى قَوْلِهِ بِغَيْرِ حِسَابٍ «۱» فَإِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ قَالَ جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا مَا هُوَ أَهْلُهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ إِلَى سَبْعِينَ سَنَةً وَ أَعْطَاهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا لَا يُحْصَى- «۲» ترجمه: حضرت فاطمه علیها السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

نمازی را برای شب چهارشنبه به من آموخت و گفت: هر کس شش رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی پس از سوره حمد، دو آیه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ ... «۳» و تَزُوقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ «۴» را بخواند، و هنگامی که از نماز فارغ شد بگوید: جزای الله محمدا ما هو أهله- یعنی خداوند محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به چیزهایی که شایسته اوست جزای خیر دهد- خداوند گناهان او را می بخشد و آنقدر ثواب به او عطا می کند که قابل شمارش نباشد.

نماز آخر شبهای شنبه از ماه رمضان

قال الشيخ المفید «۱» صلاة فاطمة ع عشرين ركعة في آخر ليلة ليلة السبت من شهر رمضان «۲» ترجمه: شیخ مفید رحمه الله گوید: نماز حضرت فاطمه علیها السلام برای آخر شبهای شنبه از ماه رمضان، بیست رکعت بوده است.

۵- نماز توسل و استغاثه به حضرت فاطمه علیها السلام

نماز اول

حسن بن فضل طبرسی گوید: به هنگام حاجت و نیاز به حضرت فاطمه علیها السلام متوسل شوید، برای توسل به حضرتش ابتدا دو رکعت نماز به جای آورید و پس از سلام سجده کرده صد مرتبه بگویید: یا فاطمه، و سپس سمت راست صورت را بر زمین بگذارید و صد مرتبه یا فاطمه بگویید و بعد از آن، سمت چپ صورت را بر زمین گذاشته صد مرتبه دیگر یا فاطمه می گوید و پس از آن این دعا را می خوانید: یا آمانا من کل شیء، و کل شیء منك خائف حذر، و أسألك بأمنك من کل شیء و خوف کل شیء منك: أن تصلي على محمد و آل محمد، و أن تعطيني أمانا لنفسي و أهلي و مالي و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۵۸ ولدی حتی لا أخاف أحدا، و لا أحمز من شیء أبدا، إنك على كل شیء قدير.

نماز دوم

سید بن طاوس گوید: مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده: به هنگام حاجت و بروز مشکلات به فاطمه علیها السلام متوسل شوید و ابتدا دو رکعت نماز به جای آورید و پس از سلام سه مرتبه تکبیر بگویید و بعد از آن تسبیح حضرت فاطمه را به جای آورده سپس سجده کرده صد مرتبه بگویید: یا مولاتی فاطمة أغثینی، و سپس سمت راست صورت خود را بر زمین گذارید و صد مرتبه مثل آن را گفته و بعد سمت چپ صورت را بر زمین گذارید و همان را می گوید و سپس سجده نموده همان ذکر را صد و ده مرتبه دیگر بر زبان می آورید و پس از آن حاجتهای خود را از خداوند طلب می کنید. «۲»

فصل پنجم آشنایی با تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و اقسام آن

اشاره

تسبیح از دیدگاه ائمه طاهرين عليهم السلام عبارت از ذکرى است که در همه حال و همراه با هر کارى می توان آن را زمزمه کرد و به وسیله آن به خداوند متعال تقرب جست، زیرا نه محتاج مقدمات است و نه آداب ویژه ای می طلبد. فاطمه زهرا علیها السلام جزء نادر کسانی است که به سبب اطلاع از موضع قرآن در باره تسبیح و شناخت عظمت مقام خداوندی، لحظه ای از یاد خداوند غافل نبود، و لذا در هر حال و ضمن همه کار، خداوند متعال را به وسیله ذکرهایی که در این فصل و فصل بعد فهرست کرده ایم، تسبیح و

تمجید می نمود. حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می فرماید: خداوند متعال به چیزی برتر از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام عبادت نشده است، همانا اگر چیزی با فضیلت تر و برتر از آن وجود داشت، رسول خدا آن را به دخترش تعلیم می نمود. «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۶۰ و امام صادق علیه السلام در این باره فرماید: هر کس خداوند را به وسیله تسبیح حضرت زهرا علیها السلام مورد ستایش قرار دهد، همانا خداوند را به ذکر کثیر- برترین ذکر- یاد نموده است. «۱» و هم ایشان فرمایند: ما فرزندانمان را به تسبیح حضرت زهرا علیها السلام فرمان می دهیم، همان طور که آنها را به نماز فرا می خوانیم. «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۶۱ ذکر برخی تسبیحات که حضرت فاطمه علیها السلام به وسیله آنها با خداوند راز و نیاز می نمود: ۱- تسبیحی که ابتدایش عبارت سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم است. «۱» ۲- تسبیحی که ابتدایش عبارت سبحان من استتار بالحوال و القوه است. «۲» ۳- تسبیحی که ابتدایش عبارت سبحان من تواضع کل شیء لعظمه است. «۳» ۴- تسبیحی که ابتدایش عبارت سبحان من يعلم جوارح القلوب است. «۴» ۵- تسبیحی که مشهورترین و رایج ترین تسبیحات آن حضرت است که در آن ذکرهای الله اکبر (سی و چهار مرتبه) و سبحان الله (سی و سه مرتبه) و الحمد لله (سی و سه مرتبه) گفته می شود. «۵»

تذکر

: هر یک از این اقسام را تفصیل و توضیحاتی است که منابع ذکر شده در پاورقی حاوی آنها می باشد. و نیز توضیحات شافی را در کتابی که به نام «تحقیقی در تسبیح و تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام» نوشته ایم آورده و در هر مورد بحثهای مستندی ارائه نموده ایم. و جهت مزید اطلاع خوانندگان گرامی، آن را به عنوان ضمیمه پنجم همین کتاب آورده ایم که امید است مورد استفاده قرار گیرد.

فصل ششم آشنایی با برخی حرزها و تعویذهای حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

انسان همیشه در معرض هجوم شیاطین قرار دارد و همواره توسط نفس اماره خویش تهدید می شود، یکی از راههای مقابله، با این دو پدیده اغواگر و گمراه کننده، به یاد خداوند بودن، پناه بردن به او، و استغاثه به درگاه بی بدیل باری تعالی است. فاطمه صدیقه علیها السلام با حرزها و تعویذهایی که برخی از آنها را در این فصل ملاحظه می کنید، در هر فراغتی که پیش می آمده، به وسیله این حرزها و تعویذها، به ریسمان محکم الهی چنگ می زده و از او برای سلامت و سعادت خود طلب مساعدت و یاری می نموده است.

۱- حرز مشهور حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

بسم الله الرحمن الرحيم يا حيّ يا قيوم، برحمتك استغيث فأعثنى، و لا تكلني إلى نفس طرفه عين أبدا، و أصلح لي شأنی کله. «۱»

۲- حرز دیگر

بسم الله الرحمن الرحيم يا حيّ يا قيوم، برحمتك استغيث فأعثنى، اللهم زحزحني عن النار، و أدخلني الجنة، و ألقني بابي محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) «۱»

۳- حرز دیگر

بسم الله الرحمن الرحيم يا ربّ الأولين و الآخريين، و يا خير الاولين و الآخريين، و يا ذو القوة المتين، و يا راحم المساكين، يا أرحم الراحمين. «۲»

۴- حرز دیگر

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انّی استهدیک لإرشاد امری، و أعوذ بک من شرّ نفسی، اللهم عملت سوءا و ظلمت نفسی، فاغفر لی إنّہ لا یغفر الذنوب إلّا أنت. «۱»

۵- حرز دیگر

أسألك اللهم أن تصلی علی محمد و آل محمد، و أن تعطينی من الخیر ما سئلوا، و أن تعیذنی من شر ما استعاذوا. و أسئلك اللهم من الخیر كلّ عاجله و آجله، ما علمت منه و ما لم أعلم، و أعوذ بک یا ربّ من همزات الشیاطین، و أعوذ بک ربّ أن یحضرون. «۲»

۶- حرز دیگر

ربّ استجیرک من النار فأجرنی، ربّ أعوذ بک من النار فأعذنی، أفرغ إلیک من النار فأبعدنی، رب استرحمک مکروبا فارحمنی، ربّ استغفرک لما جهلت فاغفر لی، قد أبرزنی الدّعاء للحاجة إلیک فلا تؤیسنی، یا کریم ذا الآلاء و الاحسان و التجاوز. «۳» و حرزها و تعویذها دیگری که برای پرهیز از تطویل ذکر آنها را ترک می کنیم.

فصل هفتم آشنایی با برخی دعاهاى حضرت فاطمه علیها السلام

۱- دعاهاى حضرت فاطمه علیها السلام برای روزهای هفته (هفت مورد) «۱» ۲- دعاهاى حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نمازهای پنج گانه (پنج مورد) «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۶۸ ۳- دعای آن حضرت برای کسب خلیقات نیکو و شایسته «۱» ۴- دعای آن حضرت برای برآورده شدن حاجات «۲» ۵- دعای آن حضرت برای آسان شدن کارها و پرداخت دیون «۳» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۶۹ ۶- دعای آن حضرت برای هنگام خواب «۱» ۷- دعای آن حضرت برای هنگام رؤیت هلال ماه رمضان «۲» ۸- دعای آن حضرت برای رفع تب «۳» ۹- دعای آن حضرت برای کسب مکارم اخلاق «۴» ۱۰- دعای آن حضرت برای دفع خوابهای پریشان «۵» ۱۱- دعای آن حضرت برای رهایی از آفات و هلاکات «۶» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۷۰ ۱۲- دعای آن حضرت برای رفع بی خوابی «۱» ۱۳- دعای آن حضرت در روزهای جمعه، روز عرفه و عید فطر «۲» ۱۴- دعای دیگر آن حضرت برای برآورده شدن حاجات «۳» ۱۵- دعای حضرت فاطمه به هنگام نزول بلاها و سختی ها «۴» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۷۱ ۱۶- دعای حضرت فاطمه برای شیعیان و دوستانشان «۱» ۱۷- دعای حضرت فاطمه برای مطالبه روزی از خداوند متعال «۲» ۱۸- دعای نور که آن حضرت به سلمان تعلیم فرمود «۳» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۷۲ ۱۹- دعای تأمین «۱» ۲۰- دعای هنگام احتضار «۲» ۲۱- آخرین دعا و راز و نیاز آن حضرت قبل از رحلت. «۳» لازم به یادآوری است که مشروح این ادعیه و اذکار و حرزها را در ضمایم ششم، هفتم و هشتم همین کتاب خواهید یافت.

مصادر و منابع تحقیق و تعلیق

- ۱- اتحاف السائل: مناوی (۱۰۳۵ هـ) ۲- احتجاج: طبرسی ۳- احیاء علوم الدین: غزالی (۵۰۵ هـ) ۴- اخبار اصبهان: ابو نعیم اصفهان (۴۳۰ هـ) ۵- اخبار فاطمه: ابو علی صولی ۶- اختصاص: شیخ مفید (۴۱۳ هـ) ۷- ادعیه و اذکار حضرت فاطمه علیها السلام: محمد روحانی علی آبادی ۸- ارشاد القلوب دیلمی (ق ۵ و ۶ هـ) ۹- استبصار: شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) ۱۰- استیعاب: ابن عبد البر (۴۶۳ هـ) ۱۱- اسد الغابۀ: ابن اثیر جزری (۶۰۶ هـ) ۱۲- اسرار و آثار تسیح حضرت زهرا علیها السلام: علیرضا رجالی تهرانی ۱۳- اصابه: ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ هـ) ۱۴- اعلام الدین ۱۵- اقبال الاعمال: سید بن طاوس (۶۶۴ هـ) ۱۶- اقتصاد: شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) ۱۷- امالی ابو المفضل شیبانی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۷۴ ۱۸- امالی شجری (ق ۴ هـ) ۱۹- امالی شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) ۲۰- امالی شیخ مفید (۴۱۳ هـ) ۲۱- امالی صدوق (۳۸۱ هـ) ۲۲- الامامۀ و السیاسة: ابن قتیبہ دینوری (۲۷۶ هـ) ۲۳- انتصار: سید مرتضی (۴۳۶ هـ) ۲۴- انساب الاشراف: بلا ذری (۲۷۶ هـ) ۲۵- ایضاح الفوائد: سید بن طاوس (۶۶۴ هـ) ۲۶- الايقاظ من الهجعة: شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴ هـ) ۲۷- باقیات الصالحات: شیخ عباس قمی ۲۸- بحار الانوار: علامه مجلسی (۱۱۱۰ هـ) ۲۹- البدایة و النهایة: ابن کثیر (۷۷۴ هـ) ۳۰- بشارۀ المصطفی: ابو جعفر طبری (ق ۴ و ۵ هـ) ۳۱- بلد الامین: شیخ بهائی (۱۰۳۱ هـ) ۳۲- تاریخ الاسلام: ذهبی (۷۴۸ هـ) ۳۳- تاریخ الخميس: حلبی (۱۰۴۴ هـ) ۳۴- تاریخ بغداد: خطیب بغدادی (۴۶۳ هـ) ۳۵- تاریخ دمشق: ابن عساکر (۵۷۳ هـ) ۳۶- تأویل الآیات الظاهرة: سید شرف الدین حسینی (بعد ۹۵۰ هـ) ۳۷- تحف العقول: ابن شعبه حرّانی (ق ۴ هـ) ۳۸- تحفۀ الاشراف: ابن زکی ۳۹- التدوین: رافعی قزوینی (ق ۵ و ۶ هـ) ۴۰- تذکرۀ الخواص: ابن جوزی (۵۹۷ هـ) ۴۱- الترغیب و الترہیب: ابن المنذر ۴۲- تسیحات حضرت فاطمه علیها السلام: محمد روحانی علی آبادی ۴۳- تفسیر ابن کثیر (۷۷۴ هـ) ۴۴- تفسیر ابو الفتوح رازی (قبل ۵۸۸ هـ) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۷۵ ۴۵- تفسیر الدر المنثور: سیوطی (۹۱۱ هـ) ۴۶- تفسیر برهان: سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ هـ) ۴۷- تفسیر بغوی (۵۱۶ هـ) ۴۸- تفسیر صافی: فیض کاشانی ۴۹- تفسیر طبری (۳۱۰ هـ) ۵۰- تفسیر عیاشی (ح ۳۲۰ هـ) ۵۱- تفسیر فرات کوفی (۳۳۰ هـ) ۵۲- تفسیر قمی: علی بن ابراهیم (ق ۳ هـ) ۵۳- تفسیر کنز الدقائق: شیخ محمد بن محمد رضا قمی (ق ۱۲ هـ) ۵۴- تفسیر لاهیجی ۵۵- تفسیر نور الثقلین: حوزی ۵۶- تقریب المعارف: ابو الصلاح حلبی (بعد ۳۷۴ هـ) ۵۷- توحید: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۵۸- تهذیب التهذیب: ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ هـ) ۵۹- تهذیب: شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) ۶۰- الثاقب فی المناقب: ابن حمزه طوسی (۵۸۵ هـ) ۶۱- ثواب الاعمال: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۶۲- جلاء العیون: علامه مجلسی (۱۱۱۰ هـ) ۶۳- جمال الأسبوع: سید بن طاوس (۶۶۴ هـ) ۶۴- جمع الجوامع: سیوطی (۹۱۱ هـ) ۶۵- حلیۀ الاولیاء: ابو نعیم اصفهانی (۴۳۰ هـ) ۶۶- الخرائج و الجرائح: قطب الدین راوندی (۵۷۳ هـ) ۶۷- خصائص نسائی (۳۰۳ هـ) ۶۸- خصال: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۶۹- دستور معالم الحکم: قاضی قضای (۴۵۴ هـ) ۷۰- دعائم الاسلام: قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ هـ) ۷۱- دعوات: قطب الدین راوندی (۵۷۳ هـ) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۷۶ ۷۲- دلائل الامامۀ: ابو جعفر طبری (ق ۴ و ۵ هـ) ۷۳- الدمعۀ الساکبۀ: محقق بهبهانی ۷۴- ذخائر العقبی: محب الدین طبری (۶۹۴ هـ) ۷۵- الذریۀ الطاهرة: دولابی (۳۱۰ هـ) ۷۶- ربیع الابرار: زمخشری ۷۷- روضۀ الواعظین: ابن قتال نیشابوری (۵۰۸ هـ) ۷۸- زوائد مسند بزاز ۷۹- سرائر: ابن ادريس حلی ۸۰- سنن ابن ماجه قزوینی (۲۷۳ هـ) ۸۱- سنن ابو داود سجستانی ۸۲- سنن بیهقی (۴۲۸ هـ) ۸۳- سنن ترمذی (۲۷۹ هـ) ۸۴- سنن نسائی (۳۰۳ هـ) ۸۵- سیر اعلام النبلاء: ذهبی (۷۴۸ هـ) ۸۶- شرایع الاسلام: محقق حلی ۸۷- شرح الاخبار: قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ هـ) ۸۸- شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید (۶۵۵ هـ) ۸۹- صحیح ابن حبان (۳۵۴ هـ) ۹۰- صحیح بخاری (۲۵۶ هـ) ۹۱- صحیح مسلم (۲۶۱ هـ) ۹۲- صحیفۀ الرضا علیه السلام: علی بن موسی علیهما السلام (۲۰۳ هـ) ۹۳- صحیفۀ الزهراء علیها السلام: جواد قیومی اصفهانی ۹۴- صفۀ الصفوة، ابن جوزی (۵۹۷ هـ) ۹۵- صواعق المحرقة: ابن حجر هیتمی ۹۶- طبقات الکبری: ابن سعد کاتب (۲۳۰ هـ) ۹۷- الطرائف: سید بن طاوس (۶۶۴ هـ) ۹۸- عدۀ الدّاعی

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۹ ۹۷۷- علل الشرائع: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۱۰۰- عمل الیوم و اللیلة: ابن السنّی ۱۰۱- عوالی اللثالی: ابن ابی جمهور، محمّد بن علی احسائی (۹۴۰ هـ) ۱۰۲- عیون اخبار الرضا علیه السّلام: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۱۰۳- عیون المعجزات: ابن عبد الوهاب (بعد ۴۴۷ هـ) ۱۰۴- غایة المرام: سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ هـ) ۱۰۵- غرر الحکم: آمدی (ق ۵ و ۶ هـ) ۱۰۶- فرائد السمطين: حموی (۷۲۲ هـ) ۱۰۷- فردوس: ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ هـ) ۱۰۸- فضائل الاشهر الثلاثة: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۱۰۹- فضائل العشرة: ابو السعادات ۱۱۰- فقه الرضا علیه السّلام: شلمغانی (۳۲۲ هـ) ۱۱۱- فلاح السائل: سید رضی الدین بن طاوس (۶۶۴ هـ) ۱۱۲- فیض القدير: مناوی (۱۰۳۵ هـ) ۱۱۳- کافی: محمّد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ هـ) ۱۱۴- الکامل: ابن عدی (۳۶۳ هـ) ۱۱۵- کامل الزیارات: ابن قولویه ۱۱۶- کامل بهائی: شیخ بهاء الدین عاملی ۱۱۷- کتاب الادب: عباس عنبری ۱۱۸- کتاب المعراج: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۱۱۹- کشف الغمّة: محقق اربلی (۶۹۴ هـ) ۱۲۰- کشف الیقین: علامه حلی (۷۲۶ هـ) ۱۲۱- کفایة الطالب: گنجی شافعی (۶۵۸ هـ) ۱۲۲- کنز العمال: ابن متقی هندی ۱۲۳- کنز جامع الفوائد: سید علی نجفی (بعد ۹۵۰ هـ) ۱۲۴- لسان المیزان: ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ هـ) ۱۲۵- اللمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهرا علیها السلام: حاج محمّد علی بن احمد قراچه داغی اونساری ۱۲۶- زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۷۸ (وفات: بعد ۱۳۰۶) ۱۲۶- مبسوط: شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) ۱۲۷- مجمع البیان: ابو علی طبرسی (۵۲۰ هـ) ۱۲۸- مجمع الزوائد: هیثمی (۸۰۷ هـ) ۱۲۹- مجموع الغرائب: تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی عاملی (۹۰۵ هـ) ۱۳۰- محاسن: احمد بن محمّد بن خالد برقی (۲۷۴ هـ) ۱۳۱- المحتضر: حسن بن سلیمان ۱۳۲- محبّة البيضاء: ملا محسن فیض کاشانی ۱۳۳- مختصر النافع: محقق حلی ۱۳۴- مختصر تاریخ دمشق: ابن منظور (۷۱۰ هـ) ۱۳۵- مختلف الشیعة: علامه حلی (۷۲۶ هـ) ۱۳۶- المدهش ۱۳۷- مدارک الاحکام ۱۳۸- مدینة المعاجز: سید هاشم بحرانی ۱۳۹- مرآت العقول: علامه مجلسی (۱۱۱۰ هـ) ۱۴۰- المراسم: سلار ۱۴۱- مستدرک الوسائل: میرزا حسین نوری ۱۴۲- مستدرک حاکم نیشابوری (۴۰۵ هـ) ۱۴۳- مسند احمد بن حنبل (۲۴۱ هـ) ۱۴۴- مسند حمیدی ۱۴۵- مسند طرابلسی (۲۵۹ هـ) ۱۴۶- مسند عبد بن حمید ۱۴۷- مسند علی بن ابی طالب علیه السّلام: سیوطی (۹۱۱ هـ) ۱۴۸- مسند فاطمة الزهراء علیها السّلام: سیوطی (۹۱۱ هـ) ۱۴۹- مشکاة المصابیح: خطیب تبریزی ۱۵۰- مشکل الآثار: طحاوی (۳۲۱ هـ) ۱۵۱- مصابیح السنة: بغوی (۵۱۶ هـ) ۱۵۱- زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۷۹ ۱۵۲- مصباح الانوار: شیخ هاشم بن محمّد (ق ۶ هـ) ۱۵۳- مصباح المبتدی ۱۵۴- مصباح المتهجد: شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) ۱۵۵- مصنف ابن ابی شیبہ (۲۳۵ هـ) ۱۵۶- مصنف عبد الرزاق صنعانی (۲۱۱ هـ) ۱۵۷- معالم التنزیل: بغوی (۵۱۶ هـ) ۱۵۸- معالم الزلفی: سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ هـ) ۱۵۹- معانی الاخبار: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۱۶۰- مفتاح الفلاح: شیخ بهائی ۱۶۱- مقتل الحسين: خطیب خوارزمی (۵۶۸ هـ) ۱۶۲- المعجم الكبير: طبرانی (۳۶۰ هـ) ۱۶۳- مقنعه: شیخ مفید (۴۱۳ هـ) ۱۶۴- مکارم الاخلاق ۱۶۵- مناقب ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ) ۱۶۶- مناقب ابن مغازلی (۴۸۳ هـ) ۱۶۷- مناقب امیر المؤمنین: ابن سلیمان صنعانی کوفی (ق ۳ هـ) ۱۶۸- منتقى الجمال: شیخ حسن بن شهبان (۱۶۹ هـ) من لا یحضره الفقیه: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۱۷۰- موارد الظمآن: نور الدین علی بن ابی بکر هیثمی (۸۰۷ هـ) ۱۷۱- الموجز الحاوی ۱۷۲- موضح اوهام الجمع و التفريق: خطیب بغدادی (۴۶۳ هـ) ۱۷۳- مولد فاطمة: شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۱۷۴- مهج الدعوات: سید بن طاوس (۶۶۴ هـ) ۱۷۵- میزان الاعتدال: ذهبی (۷۴۸ هـ) ۱۷۶- نزہة المجالس: صفوری (بعد ۸۸۴ هـ) ۱۷۷- نزہة الناظر: حلوانی ۱۷۸- نفحات اللماهوت: محقق کرکی (۹۳۷ هـ) ۱۷۸- زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۸۰ ۱۷۹- نمازهای حضرت فاطمه علیها السّلام: محمّد روحانی علی آبادی ۱۸۰- نهایه: شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) ۱۸۱- نهج البلاغه: سید رضی (۴۰۶ هـ) ۱۸۲- وسائل الشیعة: شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴ هـ) ۱۸۳- الوسيلة إلى نيل الفضيلة: ابن حمزه ۱۸۴- وفاة فاطمة الزهراء: بلادی بحرانی ۱۸۵- هداية الامة: شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴ هـ).

اشاره

نگارنده کتابی به نام «پژوهشی در باره تسبیح و تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام» نگاشته که بخش سوم آن کتاب تماماً در باره تسبیحات آن حضرت می‌باشد، و چون هر آنچه لازم بوده که گفته شود، در این بخش از کتاب مذکور یادآور شده‌ام لذا آن را عیناً در اینجا می‌آورم.

فصل اول آیا تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام برترین ذکر است؟

در باره برترین ذکر و اینکه در میان اذکار رایج، کدام یک از آنها افضل و برتر می‌باشد، روایات و احادیث فراوانی وجود دارد و به چند گروه تقسیم می‌شود:

گروه اول

: روایاتی که تصریح دارند بر اینکه مجموع تسبیحات اربعه یعنی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر برترین ذکر می‌باشد. روایات این گروه فراوان بوده و از طریق شیعه و اهل سنت، متفقاً نقل شده‌اند «۱».

گروه دوم

: روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم برترین و بالاترین ذکر است. این گروه روایات نیز، هم از طریق شیعه نقل شده‌اند و هم از طریق اهل سنت «۲».

گروه سوم

: روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر لا اله الا الله برترین و بالاترین ذکر است. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۸۳ روایات این گروه نیز فراوان بوده و از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده‌اند «۱».

گروه چهارم

: روایاتی که تصریح و تأکید دارند که ذکر الحمد لله به تنهایی، برترین و بالاترین اذکار است. «۲»

گروه پنجم

: روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر الله اکبر برترین ذکر است. «۳»

گروه ششم

: روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر صلوات بر پیامبر و خاندان ایشان برترین ذکر است. «۴»

گروه هفتم

: روایاتی که تصریح دارند بر اینکه ذکر تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام برترین و بالاترین ذکر است. و ... نگارنده معتقد است هر یک از اقسام یاد شده از آن جهت که ذکر خداوند متعال هستند دارای فضیلت می‌باشند، البته تسبیحات اربعه به دلیل اینکه در بر دارنده چهار ذکر مهم و نیز به آن توصیه شده، نسبت به سایر اقسام ذکر دارای نوعی برتری است خصوصاً آنکه روایات تصریح کننده بر برتری تسبیحات اربعه از جهت تعداد بیشتر و از جهت قوت سند و متن قابل توجه تر می‌باشند. اما تأکید شیعه بر افضل بودن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام- در حالی که یک ذکر نیز نسبت به تسبیحات اربعه کمتر دارد- دلیل دیگری دارد و آن این است که این تسبیح منسوب به دختر گرامی پیامبر یعنی حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد و آن حضرت تا آخرین لحظات حیات بر انجام آن مداومت داشته در هیچ حال آن را ترک نمی‌کرده است.

برترین ذکر در کلام امام محمد باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرماید: ما عبد الله بشيء أفضل من تسبيح الزهراء، لو كان شيء أفضل منه لنحله رسول الله فاطمة «۱». ترجمه: خداوند متعال به چیزی برتر از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام عبادت نشده است، همانا اگر چیزی با فضیلت تر و برتر از آن وجود داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را به حضرت فاطمه علیها السلام تعلیم می‌نمود. و در جای دیگر فرماید: من سبح تسبيح فاطمة الزهراء عليها السلام فقد ذكر الله ذكراً كثيراً. «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۸۵ ترجمه: هر کس برای تسبیح خداوند، از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام استفاده کند، محققاً خداوند متعال را ذکر کثیر گفته است- یا بگویند: خداوند را به برترین ذکر یاد نموده است.

برترین ذکر در کلام امام جعفر صادق علیه السلام

از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر آیه و اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا «۱» سؤال کردند، ایشان فرمود: من سبح تسبيح فاطمة عليها السلام فقد ذكر الله الذكر الكثير. «۲» ترجمه: هر کس خداوند را با تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام ذکر بگوید، ذکر کثیر گفته است. و یونس بن یعقوب گویند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: اگر کسی صد مرتبه سبحان الله بگوید، آیا او از مصادیق کسانی است که ذکر کثیر گفته‌اند؟ امام علیه السلام فرمود: بله. «۳»

فصل دوم آثار و ثمرات تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام

آثار تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در کلام امام باقر علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام در این مورد فرماید: من سبح تسبيح الزهراء ثم استغفر غفر له، و هي مائة باللسان و ألف في الميزان، و يطرد الشيطان، و يرضى الرحمن. «۱» ترجمه: هر کس تسبیح حضرت زهرا را به جای آورد و سپس از گناهش استغفار کند، خداوند آن گناه را بر او می‌بخشد. زیرا تسبیح زهرا علیها السلام گر چه صد ذکر در زبان است ولی هزار بار ترازوی اعمال انسان را سنگین تر می‌کند و شیطان را می‌رانند، و خداوند بخشایشگر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۸۷ را خشنود می‌سازد. نکته بسیار مهمی که تذکر آن را در اینجا ضروری می‌دانم این است که طبق روایت نقل شده برخی چنین تصوّر کرده و

اظهار نموده‌اند که علت غفران و بخشش خداوند متعال تسبیح فاطمه علیها السلام است بنا بر این گفته‌اند: «هر کس تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را به جای آورد و در حال تسبیح حضور قلب داشته باشد خداوند متعال گناهان او را می‌بخشد». این نتیجه‌گیری از روایتی که در برخی کتابهای مربوط به حضرت فاطمه علیها السلام آمده است، نتیجه‌گیری شتابزده و حاصل غفلت از متن روایت می‌باشد، زیرا در روایت آمده است: هر کس خداوند را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام یاد کند و سپس استغفار نماید، خداوند متعال گناهی را که از آن استغفار نموده می‌بخشد. بنا بر این با اندک تأملی معلوم می‌شود که تسبیح حضرت زهرا علیها السلام در قلب و روح انسان ایجاد آمادگی برای توبه و استغفار کرده، و خداوند متعال نیز به دلیل استغفار حقیقی شخص، گناه او را بخشیده است، نه آنکه تسبیح، رأساً و مستقلاً دلیل غفران و بخشش گناهان باشد زیرا خداوند متعال برای بخشش گناهان سه شرط اساسی قرار داده که عبارتند از: ۱- معصیت و گناه را ترک کنیم ۲- بر گناهان گذشته خود نادم و پشیمان باشیم ۳- عزم خود را جزم کنیم که پس از آن، هرگز مرتکب آن گناه نشویم، حال اگر آن گناه حقّ انسانی را از بین برده باشد، شرط چهارمی نیز وجود دارد و آن اینکه: ۴- حق او به وی بازگردانده شود، و یا از او طلب حلالیت و گذشت نماییم.

آثار تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در کلام امام جعفر صادق علیه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام در باره آثار تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام گوید: من سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبْرِ الْفَرِيضَةِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِائَةً وَ مَرَّةً وَ أَتْبَعَهَا بِ (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) مَرَّةً، غُفِرَ لَهُ. «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۸۸ ترجمه: هر کس پس از به جای آوردن نماز واجب، خداوند متعال را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام - که مجموعاً صد مرتبه است - مورد تقدیس و تحمید قرار دهد و آن را با ذکر لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - یک مرتبه - به اتمام برساند، مورد عفو و آمرزش خداوند قرار می‌گیرد. و نیز در جای دیگر فرماید: من سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ قَبْلَ أَنْ يَتَنَى رَجْلَيْهِ، بَعْدَ انْصِرَافِهِ مِنْ صَلَاةِ الْغَدَاةِ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ، وَ يَبْدَأُ بِالْتَكْبِيرِ. «۱» ترجمه: هر که بعد از نماز واجب و قبل از آنکه روی از قبله برگرداند، خداوند متعال را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام مورد تقدیس قرار دهد و تسبیح را با اللَّهُ اکبر آغاز نماید، خداوند او را مورد عفو و بخشش قرار می‌دهد. سید رضی الدین علی بن طاووس (۶۶۴هـ) زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۸۹ در کتاب فلاح السائل روایت دیگری را از کتاب مُحَمَّد بن عَلِي بن محبوب، به نقل از عبد الله بن سنان، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمود: من سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ فِي دُبْرِ الْمَكْتُوبَةِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسُطَّ رَجْلَيْهِ، أَوْ جَبَّ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ. «۱» ترجمه: هر که پس از اتمام نماز واجب و قبل از [روی برگرداندن از جانب قبله]، آنکه زانوهای خود را از حالت [تشهد] نماز تغییر دهد، خداوند او را به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام تقدیس نماید، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند - یعنی او را در بهشت جای می‌دهد. و قاضی نعمان مغربی (۳۶۳هـ) در کتاب دعائم الاسلام، از امام صادق علیه السلام روایت نموده: من سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ قَبْلَ أَنْ يَتَنَى رَجْلَيْهِ مِنْ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ غُفِرَ لَهُ. «۲» ترجمه: هر کس پس از اتمام نماز واجب و قبل از آنکه حالت نماز را بر هم بزند - در همان حالت نشسته و رو به قبله - تسبیح حضرت فاطمه را به جای آورد گناهان او بخشیده می‌شود. همان طور که پیش از این گفتیم، ذکر - هر چه که باشد - رأساً نمی‌تواند موجب بخشش گناهان و ورود در بهشت باشد و به نظر نگارنده چنین امری با مسلمات شریعت همخوانی ندارد زیرا خداوند متعال در قرآن کریم، برای غفران و بخشش گناهان بندگان ترتیب خاصی معین نموده و در آیات متعدّد تصریح کرده است که بعد از تحقق آن امور غفران و بخشش الهی نصیب گناهکاران می‌گردد. برخی از این آیات عبارتند از: فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ، إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ «۳»، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۹۰ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءاً بِجَهَالَةٍ، ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ، وَ أَصْلَحَ، فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ «۱»، الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ، ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا، وَ آمَنُوا، إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا

لَعْفُورٌ رَحِيمٌ» ۲، ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا، إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعْفُورٌ رَحِيمٌ» ۳، إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» ۴. همان گونه که مشاهده می کنید در این آیات دو مرحله خاص برای بخشش گناهان پیش بینی شده است: ۱- توبه ۲- اصلاح اعمال و افعال و در صورت تحقق این دو امر است که خداوند متعال گناهان ما را می بخشد، مقام ربوبی خودش در همین آیات بر این ترتیب تأکید و تصریح نموده سپس می فرماید: إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعْفُورٌ رَحِيمٌ» ۵. و یا می فرماید: إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ...» ۶. بنا بر این ملاک غفران و چگونگی آن در کلام قرآن مجید کاملاً واضح و مشخص است.

فصل سوم آموختن تسبیح به کودکان

امام صادق علیه السلام فرماید: إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ، فَالزَّهْرَا، فَإِنَّهُ مَا يَلْزَمُهُ عَبْدٌ فَشَقِيٌّ. «۱» ترجمه: ما به کودکانمان همان طور به ذکر تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام امر می کنیم که به نماز امر می کنیم.

فصل چهارم زنان و تسبیح

حدیث پیامبر

رسول خدا به زنان مهاجر فرمودند: علیکن بالتسبیح و التهلیل و التقدیس، و لا تغفلن فتنسین الرحمه، و أعقدن بالأنامل، فإنهن مسئولات مستنطقات «۱» ترجمه: بر شما باد اذکار تسبیح و تهلیل و تقدیس و از آن غفلت نکنید تا رحمت شما را فراگیرد و با انگشتان آنها را شمارش کنید که مورد سؤال واقع می شوید و باید پاسخگوی آن باشید.

سخن امام باقر علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام فرماید: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۹۳ إذا سبحت المرأة عقدت على الأنامل لأنهن مسئولات. «۱» ترجمه: هر گاه زنی به تسبیح خداوند مشغول شد آنها را به وسیله انگشتان خود شمارش کند، زیرا در باره کم و زیاد و تعداد آنها مسئول می باشد.

فصل پنجم وسیله شمارش اذکار و تسبیحات

اشاره

قدر متیقن از مجموعه روایات این باب آن است که حضرت فاطمه علیها السلام در ابتدا به وسیله گره هایی که بر نخ پشمینه زده بود تعداد اذکار را شمارش می نمود، و بعد از شهادت حمزه سید الشهداء، از تربت آن حضرت دانه هایی ساخته و با نخ به یک دیگر متصل نموده، شمارش اذکار را بدان وسیله انجام می داده است. پس از شهادت جانشوز امام حسین علیه السلام دوستداران آن حضرت، برای اظهار محبت خود به آن بزرگ مرد تاریخ بشریت، وسیله شمارش اذکار را از تربت آن حضرت ساختند.

احادیث امام صادق علیه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام در این مورد فرماید: مَنْ سَبَّحَ بِسُبْحَةٍ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَ تَسْبِيحَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعَمِائَةِ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَرْبَعَمِائَةِ سَيِّئَةٍ وَقَضَيْتُ لَهُ أَرْبَعَمِائَةَ حَاجَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَرْبَعَمِائَةَ دَرَجَةٍ ثُمَّ قَالَ وَتَكُونُ السُّبْحَةُ بِخُيُوطِ زُرْقٍ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ خَرْزَةً وَهِيَ سُبْحَةُ مَوْلَاتِنَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ لَمَّا قُتِلَ حَمْزَةُ عَ عَمِلْتُ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ سُبْحَةً تُسَبِّحُ بِهَا بَعْدَ كُلِّ صِلَاءٍ - «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۹۵ ترجمه: هر که تسبیح را به وسیله آنچه که از تربت امام حسین علیه السلام ساخته شمارش کند، خداوند چهار صد حسنه برای او ثبت می کند و چهار صد گناه از او می بخشد و چهار صد حاجت او را برآورده می سازد و درجات او را چهار صد مرتبه بالا می برد. سپس امام علیه السلام می فرماید: تسبیح در ابتدا تاییده شده از رشته ای پشم بود که حضرت فاطمه علیها السلام گره هایی در آن زده بود ولی هنگامی که عموی پیامبر حمزه بن عبد المطلب به شهادت رسید آن حضرت از تربت آن شهید تسبیحی ساخت.

سخن امام کاظم علیه السلام

امام موسی کاظم علیه السلام فرماید: لَا يَسْتَعْنِي شَيْعَتُنَا عَنْ أَرْبَعِ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۹۹۶ حُمْزَةُ يُصَلِّي عَلَيْهَا وَخَاتَمٌ يَتَخَتَّمُ بِهِ وَسَوَاكٍ يَسْتَاكُ بِهِ وَسُبْحَةٍ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَ فِيهَا ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ حَبَّةً مَتَى قَلْبُهَا فَذَكَرَ اللَّهُ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ أَرْبَعُونَ حَسَنَةً وَإِذَا قَلْبُهَا سَاهِيًا يَعْبُثُ بِهَا كُتِبَ لَهُ عِشْرُونَ حَسَنَةً «۱» ترجمه: شیعۀ ما از چهار چیز بی نیاز نمی باشد: سجاده ای که در آن نماز بگزارد، انگشتری که در دست کند، مسواکی که با آن به نظافت دندانها پردازد، و تسبیحی که از تربت امام حسین علیه السلام ساخته باشد و در آن سی و سه دانه باشد، پس اگر با آن ذکر بگوید برای هر دانه اش چهل حسنه نوشته می شود و اگر ذکر نگوید و آن را فقط بگرداند، برای او بیست حسنه نوشته می شود.

سخن صاحب الامر حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف

ملا محسن فیض کاشانی می گوید: ففي التهذيب بسند صحيح عن صاحب الأمر: [أن السبحة من التربة الحسينية] أفضل شيء يسبح به، و أن المسبح بها ينسى التسبيح و يدير السبحة فيكتب له ذلك التسبيح «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۹۷ ترجمه: در کتاب تهذیب تألیف شیخ طوسی (۴۶۰ هـ)، به سند صحیح از حضرت بقیه الله الاعظم روایت شده: تسبیحی که دانه های آن از تربت امام حسین علیه السلام باشد، بهترین وسیله ای است که می توان اذکار را با آن شمارش کرد زیرا کسی که آن را در دست داشته باشد، حتی اگر ذکر تسبیح را فراموش کند و آن را در دستانش بچرخاند، ثواب تسبیح برای او نوشته می شود.

فصل ششم تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام**اشاره**

برخی از تسبیحات منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام در این فصل گر چه به سند صحیح و معتبر روایت نشده اند و به لحاظ فنی،

در باره صحت انتساب آنها به حضرت فاطمه علیها السلام تردید وجود دارد، ولی با توجه به محتوا و مضامین عالی آنها- نه به عنوان تسبیح حضرت زهرا علیها السلام، بلکه به عنوان ذکر از اذکار خداوند متعال که می تواند یاد خداوند را در دلها زنده کند- به جای آوردن آنها را، در هر حال و موقعیتی که مقدور بود، توصیه می کنم.

تسبیح اول

ابو سعید مدائنی از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام رفته و از آن حضرت خواستم تا «تسبیح حضرت فاطمه و علی علیهما السلام» را به من بیاموزد، امام فرمود: آن تسبیح عبارت است از: سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا وَوَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۹۹ ترجمه: پاک و منزّه است خداوندی که جلال و بزرگی از آن اوست؛ پاک و منزّه است خداوندی که عزّت و سربلندی و سرافرازی از آن اوست؛ پاک و منزّه است خداوندی که بهجت و جمال و زیبایی از آن اوست؛ پاک و منزّه است آنکه نور و وقار تعلق به او دارد؛ پاک و منزّه است آنکه ردّ پای مورچه را روی سنگ صاف، و گذر پرنده را در آسمان بیکران می بیند و همه چیز در محضر و منظر او قرار دارد.

تسبیح دوم

این تسبیح جزء اذکاری است که روایت شده حضرت فاطمه علیها السلام در روزهای سوم هر ماه به جای می آورده است: سُبْحَانَ مَنْ اسْتَنَارَ بِالْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ سُبْحَانَ مَنْ اخْتَجَبَ فِي سَبْعِ سَمَاوَاتٍ فَلَا عَيْنٌ تَرَاهُ سُبْحَانَ مَنْ أَذَلَّ الْخَلَائِقَ بِالْمَوْتِ وَأَعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَيَاةِ سُبْحَانَ مَنْ يَفْقَى كُلَّ شَيْءٍ سِوَاهُ سُبْحَانَ مَنْ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَارْتَضَاهُ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْعَلِيمِ سُبْحَانَ الْكَرِيمِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۰۰ ترجمه: پاک و منزّه است کسی که با نیرو و قوت خویش جهان را منور ساخت؛ پاک و منزّه است کسی که در آسمانهای هفتگانه مستور شده و چشمی قدرت دیدار او را ندارد؛ پاک و منزّه است کسی که بندگان را با مرگ ذلیل ساخت و خود را با زندگی جاویدش عزّت بخشید؛ پاک و منزّه است کسی که باقی می ماند و هر آنچه غیر اوست فانی می گردد؛ پاک و منزّه است کسی که حمد و ستایش مخصوص اوست و از آن راضی و خشنود می گردد؛ پاک و منزّه است خداوند زنده دانا به همه اسرار؛ پاک و منزّه است کسی که مالک همه چیز و مقدّس است؛ پاک و منزّه است خداوندی که برتر و بزرگتر از هر چیز می باشد؛ و حمد و ستایش فقط مخصوص اوست.

تسبیح سوم

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَالْعَمَلُ لَهُ وَالرَّغْبَةُ إِلَيْهِ وَالطَّاعَةُ لَأَمْرِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي جَا حِدًا لَشَيْءٍ مِنْ كِتَابِهِ وَلَا مُتَحَيِّرًا فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَيَّأَنِي لِدِينِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي أَعْبُدُ شَيْئًا غَيْرَهُ «۱» ترجمه: پاک و منزّه است خداوندی که عزّت و سربلندی و سرافرازی از آن اوست؛ پاک و منزّه است خداوندی که جلال و بزرگی از آن اوست؛ پاک و منزّه است خداوندی که فرمانروایی

بزرگ و دیرینه از آن اوست. حمد و سپاس برای خداوندی است که به سبب نعمتهای بیکرانش علم پیدا کردم، به آنها عمل کردم، و به سوی او رغبت نمودم، و امر او را اطاعت کردم. حمد و سپاس برای خداوندی است که مرا از مخالفت با آنچه که در کتابش به آن فرمان داده بازداشت، و در هیچ امر خود متحیر و سرگردانم نساخت. و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا به سوی دینش هدایت کرد و از عبادت و پرستش غیر خودش بازداشت.

تسبیح چهارم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت فاطمه و علی علیهما السلام فرمودند: سخنانی است که جبرئیل به من آموخته و من آن را به شما می آموزم و فرمود: تسبیحان فی دبر کل صلاة عشرا، و تحمدان عشرا، و تکبران عشرا. «۱» ترجمه: پس از اتمام نمازهای واجب، ده مرتبه سبحان الله، و ده مرتبه الحمد لله و ده مرتبه الله اکبر بگویید.

تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

امام علی بن ابی طالب و امام جعفر صادق علیهما السلام گویند: تسبیح فاطمه ع هو: الله اکبر أربع و ثلاثون مرة، و سبحان الله ثلاث و ثلاثون مرة، و الحمد لله ثلاث و ثلاثون مرة «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۰۳ ترجمه: تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام عبارت است از: الله اکبر سی و چهار مرتبه سبحان الله، سی و سه مرتبه الحمد لله، سی و سه مرتبه.

تذکراتی در باره تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام

تذکر اول

: در تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام ابتدا از الله اکبر آغاز می کنیم و سپس الحمد لله و در آخر ذکر سبحان الله به جای می آوریم. در اکثر روایات، خصوصاً روایاتی که از طریق امام صادق علیه السلام نقل شده چنین آمده است، برخی از این روایات عبارتند از: قال الصادق ع عند السؤال عن التسبیح. تبدأ بالتکبیر، ثم التحمید، ثم التسبیح. «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۰۴ ترجمه: شروع کن با الله اکبر و سپس الحمد لله و بعد سبحان الله.

تذکر دوم

: در برخی روایات تعداد هر سه ذکر، سی و سه مرتبه ذکر شده است که به نظر می رسد ناشی از اشتباه راوی یا ناسخ باشد زیرا اکثر روایات تکبیر را سی و چهار مرتبه ذکر کرده اند و تمام علما نیز تکبیر را سی و چهار مرتبه دانسته اند.

تذکر سوم

: در برخی روایات آمده است که ابتدا- پس از تکبیر- حمد و سپس سبحان الله گفته می شود، در حالی که در برخی روایات دیگر، تسبیح بر تحمید مقدم شده است، و به نظر نگارنده و با توجه به اینکه در بین هر دو گروه از روایات، احادیث صحیح و معتبر وجود

دارد، لذا فرقی نمی‌کند که کدام یک از این دو قبل از دیگری گفته شود. و الله العالم.

تذکر چهارم

: توصیه می‌شود که به هنگام تسبیح حضور دل و قلب داشته باشیم تا از آثار پر خیر تسبیح حضرت زهرا بهره‌مند شویم.

تذکر پنجم

: به هنگام تسبیح، در شمارش تعداد ذکرها دقت شود تا حتماً به همان تعدادی که گفته شده ادا گردد.

تذکر ششم

: چنانچه پس از اتمام تسبیح شک کردیم که آیا تعداد اذکار را درست گفته‌ایم یا نه، با توجه به «قاعده فراغ» به شک مذکور توجه نکرده و بنا را بر صحت می‌گذاریم، گرچه در برخی از روایات ضعیف توصیه شده که تسبیح تکرار شود. و خداوند عالم تر است.

تذکر هفتم

: در اثنای تسبیح از انجام کارهای دیگر خودداری شود تا مبدا تمرکز ما در حال ذکر از بین رفته و فواید ذکر منتفی شود.

تذکر هشتم

: توصیه شده است که «تسبیح بعد از نماز»، بلافاصله پس از سلام گفته شود، و این توصیه در روایات متعدّد وارد شده است.

تذکر نهم

: در روایات توصیه شده است که بعد از اتمام تسبیح، ذکر لا اله الا الله نیز گفته شود.

تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بهترین تعقیب برای نمازهای واجب

امام صادق علیه السلام در این باره فرماید: من سبح الله فی دبر الفریضة قبل أن یشئ رجله تسبیح فاطمة، و أتبعها ب «لا إله إلا الله» مرّة واحدة، غفر له. «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۰۶ ترجمه: هر که پس از به جای آوردن نماز واجب خود و قبل از دراز کردن پاهایش - یعنی بر هم زدن حالت نماز - تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را به جای آورد و در انتهای آن یک مرتبه لا اله الا الله بگوید، مشمول مغفرت خداوند واقع می‌شود. شیخ طوسی گوید: هر گاه پس از نماز واجب، سلام دادی، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را ترک مکن «۱». زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۰۷ و شیخ بهائی گوید: بهترین تعقیب‌ها برای نماز واجب، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام است «۱». و نظیر این سخنان از تمامی فقهای شیعه صادر شده است. امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرماید: تسبیح فاطمة الزهراء ع فی دبر کل صلاة أحب إلی من ألف رکع فی کل یوم. «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۰۸ ترجمه: تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بعد از نماز واجب در نزد من محبوبتر است از هزار رکعت نماز در هر روز.

تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام قبل از خواب

اشاره

روایت شده که علی علیه السلام به مردی از قبیله بنی سعد به نام ابن عبد فرمود: آیا می‌خواهی مقداری از حالات فاطمه را در آن زمانی که در خانه من بود، برای تو بیان کنم؟ او با وجود اینکه از محبوبترین اشخاص در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود ولی خدمتکاری نداشت و خود کارهای منزل را انجام می‌داد، او با مشک آب می‌آورد تا آنجا که اثر بند آن در شانه و سینه او باقی مانده بود و آنقدر خانه را جارو کرد که غبار تمام لباسهایش را در بر گرفته بود، و آنقدر در زیر دیگ غذا آتش افروخته بود که لباسهایش رنگ عوض کرده و بوی دود می‌داد، هنگامی که سختی‌های او بیشتر شد، به او گفتم: چرا نزد پیامبر نمی‌روی و از او کنیزی نمی‌خواهی تا در کارهای خانه به تو کمک کند؟ فاطمه علیها السلام به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت تا در این باره با وی سخن بگوید، ولی از آن جهت که اشخاصی نزد پیامبر بودند، چیزی نگفته به خانه بازگشت. پیامبر که دریافته بود فاطمه برای عرض حاجتی به نزد وی آمده، صبح روز بعد به نزد ما آمد و از فاطمه در باره علت مراجعه روز گذشته‌اش سؤال نمود. و من آنچه را که بین خودم و فاطمه صحبت شده بود، به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فعلا کنیزی در اختیار ندارم، اگر خدا بخواهد به زودی به جنگ می‌رویم و اگر کنیزی غنیمت گرفتیم به تو خواهم داد ولی بهتر از خدمتکار آن است که هر گاه می‌خواهید در بستر خویش بخوابید، سی و چهار بار الله اکبر و سی و سه بار الحمد لله و سی و سه بار سبحان الله بگویید که آن برای شما بهتر است. در این حال فاطمه سه بار گفت: از خدا و رسولش راضی شدم و چنین خواهم کرد. (۱)

روایات مربوط به توصیه به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام قبل از خواب

شیخ بهائی گوید: مشهور است که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در دو هنگام مستحب است: ۱- بعد از نمازهای واجب ۲- قبل از خواب. (۱) امام صادق علیه السلام در باره تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام به هنگام خواب فرماید: من بات علی تسبیح فاطمه ع کان من الذاکرین الله کثیرا. (۲) ترجمه: هر که به هنگام خواب تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را به جای آورد از کسانی محسوب می‌شود که خداوند را ذکر کثیر گفته‌اند.

علت اشتها این تسبیح به نام حضرت فاطمه علیها السلام

قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ هـ) گوید: علت اشتها این تسبیح به نام حضرت فاطمه علیها السلام آن است که آن حضرت پس از آموختن تسبیح از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همواره بر آن مداومت می‌نمود و هرگز آن را ترک نمی‌کرد و همین امر باعث گردید که این تسبیح به نام حضرت فاطمه مشهور شود. (۱)

تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام، برای رهایی از گرفتاریها و فقر

از امام صادق علیه السلام روایت شده: من سبح الله کل یوم ثلاثین مره، دفع الله تبارک و تعالی عنه سبعین نوعا من البلاء أدناها الفقیر. (۲) ترجمه: هر کس در روز سی مرتبه خداوند را تسبیح گوید، خدای تبارک و تعالی هفتاد نوع بلا را از او دفع می‌کند که کمترین آنها فقر است. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۱۲ از ابو هریره روایت شده است: فقیران نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌آمدند و از ناداری خویش گلایه می‌کردند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آنان می‌فرمود: بعد از هر نماز سی مرتبه سبحان الله و سی مرتبه الحمد لله و سی مرتبه الله اکبر بگویید. ابو هریره می‌گوید: بین مسلمان اختلاف واقع شد زیرا برخی از آنها می‌گفتند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تکبیر را سی و چهار مرتبه فرموده‌اند. پس

نزد رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم برگشتیم و از ایشان در این باره سؤال کردیم آن حضرت فرمود: هر یک از سبحان اللّٰه، و الحمد للّٰه، و لا اله الاّ اللّٰه، و اللّٰه اکبر، را سی و سه مرتبه بگویند. «۱»

تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام به هنگام خروج برای سفر

از امام صادق علیه السّلام روایت شده است: برادران رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم به نزد او آمده و گفتند: قصد کرده‌ایم برای تجارت به شام عزیمت کنیم، به ما بیاموز که چگونه بگوییم. رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم فرمود: در هر شب پس از به جای آوردن نماز عشا، هنگامی که برای خواب به بستر می‌روید تسبیح فاطمه زهرا را خوانده و پس از آن آیه الكرّسی را تلاوت کنید تا از همه گزندها در امان باشید. برادران رسول خدا پس از سفر می‌گفتند: با عمل به این آموزش، از همه آسیب‌ها نجات یافته گزندی به ما نرسید. «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۱۳ این روایت طولانی است و ما بخش مورد نیازمان را ترجمه کردیم و تمام متن را برای استفاده محققین در پاورقی می‌آوریم. و سید علی بن طاوس (۶۶۴ هـ) در کتاب الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان گوید: مستحب است به هنگام خروج از منزل برای سفر، خواندن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام، و قرائت حمد و آیه الكرّسی. «۱»

تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بعد از به جای آوردن نمازهای نافله در ماه رمضان

از امام صادق علیه السّلام روایت شده است: «بعد از به جای آوردن نمازهای نافله در ماه رمضان، مستحب است که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را به جای آوری، و آن سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه سبحان اللّٰه، و سی و سه مرتبه الحمد للّٰه است. به خداوند سوگند اگر چیزی بهتر از این تسبیح وجود داشت، همانا رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم او را به فاطمه علیها السلام می‌آموخت. «۲»

تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بعد از به جای آوردن نوافل نماز مغرب در اوّل هر ماه (هجری)

امام صادق علیه السّلام می‌فرماید «۱»: در شب اوّل از هر ماه، بعد از به جای آوردن نماز مغرب و نافله آن، مستحب است که چهار نماز دو رکعتی به جای آوری، و بعد از اتمام هر نماز تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوانی و سپس این دعا را تلاوت کنی: اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخِلْتِ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

موارد دیگر توصیه شده به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام

اوّل: بعد از نماز عید فطر

سید بن طاوس حلی (۶۶۴ هـ) در اقبال الاعمال، پس از سخن در باره نماز عید فطر گوید: ثمّ سبح تسبیح فاطمه الزهراء ع «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۱۵ ترجمه: پس از نماز عید، تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را به جای آور.

دوم: برای رفع سنگینی گوش

روایت شده که مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و امام علیه السلام به او چیزی گفت ولی آن مرد نشنید و از سنگینی گوش شکایت کرد، پس امام صادق علیه السلام به او فرمود: چرا تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را نمی‌خوانی؟ آن مرد پرسید: تسبیح زهرا علیها السلام چیست؟ امام علیه السلام فرمود: سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه الحمد لله، و سی و سه مرتبه سبحان الله می‌گویی که مجموعاً صد مرتبه می‌باشد. راوی گفته: پس از مدتی که این کار را انجام دادم، سنگینی شنوایم از بین رفت و بهبود یافتم. (۱)

خاتمه و توصیه

همان طور که پیش از این مکرر یادآور شدیم، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام از ذکرهای مجرب و مشهور است که به جای آوردن آن در همه حال و همه جا مطلوب است و اینکه در برخی از موارد خاص مانند بعد از اقسام نمازها، قبل از خواب، به هنگام سفر، بعد از به جای آوردن نمازهای نافله و غیره توصیه شده است مانع از آن نمی‌شود که با به جای آوردن آن در سایر مواقع و در همه حال، از فواید و آثار مترتب بر تسبیح که همان فواید و آثار مترتب بر ذکر است بهره‌مند نباشیم، بنا بر این به جای آوردن تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را در همه حال توصیه می‌کنیم.

ضمیمه ششم دعا‌های حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نمازهای پنجگانه

دعای حضرت فاطمه علیها السلام برای بعد از نماز صبح و مغرب

قال النبی ص لفاطمه: إذا صلیت الصبح فقلی «لا إله الا الله، وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد، یحیی و یمیت، بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر». عشر مرات بعد صلاة الصبح، و عشر مرات بعد صلاة المغرب. (۱) ترجمه: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام فرمودند: پس از نماز صبح و نماز مغرب، ده بار این ذکر را بگو: «لا إله الا الله، وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد، یحیی و یمیت، بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر». (۲)

دعای تعقیب نماز صبح، معروف به دعای حریق

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ سَيِّدَانَ سَمَواتِكَ وَ أَرْضِيكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ خَدَّكَ لِمَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنْ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ دُونِ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ زَندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۱۷ الشُّفْلَى بَاطِلٌ مَا خَلَا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَ أَكْرَمُ وَ أَجَلُّ مَنْ أَنْ يَصِفَ الْوَاصِئُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتِدَى الْقُلُوبُ لِكُلِّ عَظَمَتِهِ يَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ فَخَرُّ مَدْحِهِ وَ عِدَا وَصَفَ الْوَاصِئِينَ مَا ثَرَّ حَمِيدِهِ وَ جَلَّ عَنْ مَقَالَةِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَقُولُ ذَلِكَ ثَلَاثاً ثُمَّ تَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَّه لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ تَقُولُ ذَلِكَ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَةَ عَرْشِهِ وَ مِلْءَ سَمَواتِهِ وَ أَرْضِهِ وَ عَدَدَ مَا جَرَى بِهِ قَلَمُهُ وَ أَحْصَاءَ كِتَابِهِ وَ رِضَا نَفْسِهِ تَقُولُ ذَلِكَ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْمُبَارَكِينَ وَ صَلِّ عَلَى جَبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ

www.noorfatemah.org

السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۲۰ ترجمه: پروردگارا، (شب را) صبح کردم و در این صبحگاه تو را شاهد می گیرم- و مرا شهادت و گواهی تو کفایت می کند- همچنین فرشتگان، و حاملان عرش و ساکنان آسمانها و زمینها، پیامبران و رسولان، بندگان صالح و تمام مخلوقات را شاهد می گیرم به اینکه شهادت دهم که معبودی جز تو نیست، یگانه و بی شریکی؛ و آنچه غیر از تو عبادت شود همگی موهوم و باطل است. همانا برتر و بزرگوارتر و بالاتر از آن است که توصیف کنندگان قادر به وصف واقعیت بزرگی و جلالش باشند و یا قلبها عظمت آن را دریابند. سپس سه مرتبه می گوئی: «ای آنکه مدح و توصیف او بالاتر از وصف مداحان، و اسباب ثنا و سپاسش فراتر از ستایش ستایشگران، و عظمت و کبریای او بالاتر از گفتار گویندگان است، بر محمد و خاندان او درود فرست، و برای من آن را انجام ده که از چون تویی انتظار می رود». و بعد از آن یازده مرتبه می گوئی: «نیست معبودی جز خدای یگانه بی شریک، حکومت مطلق و تمام حمد و ستایش مخصوص اوست، زندگی می بخشد و می میراند، اوست که حیات دائم دارد و مرگ در او راه ندارد، کلید همه خیرها به دست اوست و او بر همه چیز قادر و تواناست». و سپس یازده مرتبه می گوئی: «پاک و منزّه است خداوند، حمد و ستایش مخصوص اوست، نیست معبودی به جز او و بزرگتر از آن است که در وصف آید، هر چه بخواهد همان می شود، نیرو و توانی نیست مگر به خواست و اراده او که بردبار، کریم، برتر و بزرگ است. بخشنده و مهربان است، هو که زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۲۱ فرمانرواست، حق است و بیان کننده حق و باطل و جداکننده آنها از هم، به تعداد آفریدگان و سنگینی عرش و تمام آسمان و زمین، و هر آنچه که قلمش بر آن جاری، و کتابش آن را شمرده و برای خود پسندیده، او را تسبیح می گویم». و بعد می گوئی: خداوندا! بر محمد و خاندان با برکت او درود فرست، و جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، حاملان عرش و فرشتگان مقرب را نیز درود فرست، خدایا، بر همگی آنان درود و رحمت خود را نثار فرما تا آنجا که آنان را به مقام «رضا» برسانی و بعد از آن، به هر اندازه که خود شایسته آنی بر آن بیفزا، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. خداوندا! بر فرشته مرگ و دستیاران او، و بر رضوان و نگهبانان بهشت، و بر مالک و مأموران دوزخ درود فرست، خداوندا، بر همگی آنان درود و رحمت خود را نثار فرما تا آنجا که آنان را به مقام «رضا» برسانی و پس از رضا به هر اندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزا، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. خداوندا! بر فرشته مرگ و دستیاران او، و بر رضوان و نگهبانان بهشت، و بر مالک و مأموران دوزخ درود فرست، خداوندا، بر همگی آنان درود و رحمت خود را نثار فرما تا آنجا که آنان را به مقام «رضا» برسانی، و پس از رضا به هر اندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزا، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. خداوندا! و بر پدرمان حضرت آدم و مادرمان حوا و پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحان درود فرست تا آنجا که آنان را به مقام «رضا» برسانی که راضی شوند، و پس از رضا به هر اندازه که خود شایسته آن هستی بر آن بیفزا، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. خداوندا! بر محمد و اهل بیت پاک او، و بر یاران برگزیده اش، و همسران پاکش، و بر ذریه محمد، و بر هر پیامبری که به آمدن محمد صلی الله علیه و آله و سلم نوید داده، و پیامبرانی که در سلسله اجداد او قرار می گیرند، و بر هر بانوی صالحه ای که سرپرستی و کفالت محمد را بر عهده زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۲۲ گرفت، درود فرست و بر آنانی درود فرست که در فرستادن درود بر آنان خوشنودی تو و پیامبرت محمد حاصل شود، خدایا بر ایشان درود و رحمت خود را نثار نما تا آنجا که راضی شوند، و بعد از آن به هر اندازه که شایسته توست بر آن بیفزا، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. خداوندا! همانند درود، برکت و رحمتی که نثار ابراهیم علیه السلام نمودی، بر محمد و خاندان او درود فرست، و همان طور بر محمد و خاندان محمد برکت ده. و همانند آنان

رحمت خود را نثار ایشان فرما همانا تو ستایش شده و بزرگوار هستی. خدایا، بر محمد وسیله «۱»، برتری، فضیلت و مقام رفیع عطا بفرما. خداوند! بر محمد و خاندان او درود فرست همان طور که به ما دستور داده‌ای بر او درود فرستیم، خداوند! بر محمد و خاندان او درود فرست به تعداد همه کسانی که بر او درود فرستادند، خداوند! بر محمد و خاندان او درود فرست به تعداد همه درودهایی که تو بر او فرستاده‌ای. خداوند! بر محمد و خاندان او به تعداد حروف به کار رفته در درودی که تو بر او می‌فرستی درود فرست، خداوند! به تعداد موهای کسانی که بر او درود فرستاده‌اند، بر محمد و خاندانش درود خود را نثار نما، خداوند! به تعداد موهای کسانی که بر او درود و صلوات نثار نمی‌کنند، بر محمد و خاندانش درود فرست. خداوند! به عدد نفسهای کسانی که بر او صلوات فرستادند و به عدد نفس‌آنجایی که از صلوات بر او خودداری می‌کنند، بر محمد و خاندانش درود بیکران نثار بفرما؛ و به تعداد سکون کسانی که بر او درود فرستاده‌اند و نیز به تعداد سکون کسانی که بر او درود نمی‌فرستند، بر محمد و خاندانش درود بیکران نثار بفرما؛ خداوند! بر محمد و خاندانش به تعداد حرکات آنها و دقایق و ساعاتی که بر آنها گذشته، و به وزن کارهایی که انجام داده یا نداده‌اند، و به اندازه کارهایی که از آنها صادر شده یا تا روز قیامت خواهد شد، درود فرست. خداوند! حمد و شکر، تقدیر و تفضیل، بخشش و نعمت، بزرگی و شکوه، فرمانروایی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۲۳ و پیروزی، شدت و آقایی، سروری و سلطه، بزرگواری و کرم، عظمت و قدرت و جبر، توحید و تمجید، تهلیل و تکبیر، پاکی و رحمت، آمرزش و بزرگی، همه‌اش از آن توست، و هر گونه ثنا و ستایش خالص، مدح شایسته، و سخن نیکو که از مدعی و گوینده‌اش راضی شوی به تو اختصاص دارد. پس حمد و ستایش مرا بپذیر همراه با حمد اولین ستایشگر، و ثنای مرا بپذیر همراه ثنای اولین سپاسگزار، و تهلیل مرا به همراه تهلیل اولین گوینده، و تکبیر مرا به همراه تکبیر اولین تکبیر گوینده، و گفتار زیبایم را به همراه اولین ثناگو و گوینده سخن نیکو در باره آفریدگار عالمیان، در حالی که از اولین روز دنیا تا روز قیامت ادامه داشته باشد، و به تعداد و وزن ذرات شن‌ها و تپه‌ها و کوه‌ها، و به تعداد جرعه‌های آب دریاها، و به تعداد قطرات بارانها و برگ درختان، و به تعداد ستارگان و وزن آنها، و به تعداد خاکها و دانه‌ها و سنگریزه‌ها، و به تعداد ذرات آسمانها و زمین و آنچه در آنها و بین آنها و زیر آنها و بالای آنهاست از عرش تو تا ژرفای زمینهای هفت گانه، و به تعداد حروف الفاظی که اهل زمین و آسمان به کار می‌برند، و به تعداد زمانها، دقیقه‌ها، حرکت و سکونها و موها و پوستهای آنان و به تعداد اعمالی که انجام داده و یا نداده‌اند، یا آنچه از آنان صادر شده و یا تا روز قیامت از آنان صادر می‌شود. خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، جان، مال، فرزندان، خویشان و اهل بیت، و هر فردی از بستگانم که مسلمان شده، و همسایگان و برادرانم، و هر که از زنان و مردان مؤمن که برای من دعا کرده، یا کار نیکی در حق من انجام داده، یا نعمتی را به من ارزانی داشته، همگی اینها را به خداوند و به اسماء تامش که کامل و شامل همه چیز است و هیچ خوب و بدی بر آنها راه ندارد، پناهنده می‌دارم، و به قرآن کریم و خاتمیت آن و آنچه که در آن است از سوره شریفه و آیه محکم و شفا و رحمت و پناه و برکت، و به تورات و انجیل و زبور، و به مصحف ابراهیم و موسی، و به هر کتابی که خداوند نازل کرده، و به هر پیامبر که خدا فرستاده، و به هر حجّتی که برپا داشته، و هر برهانی که ظاهر نموده، و به هر نوری که آن را متور نموده، و به تمام نعمتهایی که عطا فرموده و بزرگی آن به خداوند پناه می‌برم، و پناه می‌برم و پناه می‌جویم از شرّ هر شروری و آنکه از او می‌ترسم و هراسانم، و از شرّ آنچه که خداوند از آنها برتر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۲۴ است، و از شرّ جنّ و انس فاسق، و شیاطین، و پادشاهان، و ابلیس و سربازان و دوستان و پیروانش، و از شرّ آنچه در نور و ظلمت است، و از شرّ آنچه هجوم آورد، و از شرّ هم و غم و آفت و پشیمانی، و از شرّ آنچه از آسمان فرود می‌آید یا به آسمان می‌رود، و از شرّ آنچه داخل زمین شده و از آن خارج می‌شود، و از شرّ هر جنبه‌ای که خداوند متعال زمام او را در دست دارد، به او پناه می‌برم، پس به درستی که پروردگارم بر صراط مستقیم است، پس اگر روی گرداندند بگو: خداوند مرا کفایت کند، معبودی جز او نیست، بر او توکل می‌کنم که او پروردگار عرش عظیم است.

دعای حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نماز ظهر

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاحِشِ الْقَدِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَالْعَمَلِ لَهُ وَالرَّغْبَةِ إِلَيْهِ وَالطَّاعَةِ لِأَمْرِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي جَا حِدًا لَشَيْءٍ مِنْ كِتَابِهِ وَلَا مُتَحَيِّرًا فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لِدِينِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي أَعْبُدُ شَيْئًا غَيْرَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَعَمَلَهُمْ وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَثَوَابَهُمْ وَتَضْيِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَتَوَكُّلَهُمْ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ أَنْتَظَرُهُ وَخَيْرَ مُطْلِعٍ يَطْلُعُ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَعِنْدَ نُزُولِهِ وَفِي عَمْرَاتِهِ وَحِينَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ السَّرَاقِي وَحِينَ تَبْلُغُ الْحُلُقُومَ وَفِي خِلَالِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَتِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي فِيهَا ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا شِدَّةً وَلَا رَخَاءً رَوْحًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَحَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ وَبُشْرَى مِنْ كَرَامَتِكَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّى نَفْسِي وَتَقْبِضَ رُوحِي وَتَسْلُطَ مَلَكُ الْمَوْتِ عَلَيَّ إِخْرَاجَ نَفْسِي بِبُشْرَى مِنْكَ يَا رَبِّ لَيْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِكَ تَتَلَجُّ بِهَا صِدْرِي وَتَسِيرُ بِهَا نَفْسِي وَتَقْرُبُ بِهَا عَيْنِي وَيَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِي وَيَسْفُرُ بِهَا لَوْنِي وَيَطْمَئِنُّ بِهَا قَلْبِي وَيَتَبَاشَرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِي يَغْبِطُنِي بِهَا مَنْ حَضَرَنِي مِنْ خَلْقِكَ وَمَنْ سَمِعَ بِي مِنْ عِبَادِكَ تَهَوَّنَ بِهَا عَلَيَّ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَتَفَرَّجَ عَنِّي بِهَا كُرْبَتُهُ وَتَخَفَّفَ بِهَا عَنِّي شِدَّتُهُ وَتَكْشِفَ عَنِّي بِهَا سِقْمُهُ وَتَذْهَبَ عَنِّي بِهَا هَمُّهُ وَحَسِيرَتُهُ وَتَغْصَهُ مُنِي بِهَا مِنْ أَسَفِهِ وَفِتْنِهِ وَتُجِيرَنِي بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا يَحْضُرُ أَهْلُهُ وَتَرْزُقْنِي بِهَا خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا يَحْضُرُ عِنْدَهُ وَخَيْرَ مَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَهُ زِدْكَ زَنْدَكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۰۲۵ ثُمَّ إِذَا تَوَفَّيْتَ نَفْسِي وَاقْبَضْتَ رُوحِي فَاجْعَلْ رُوحِي فِي الْأَرْوَاحِ الرَّائِحَةِ وَاجْعَلْ نَفْسِي فِي الْأَنْفُسِ الصَّالِحَةِ وَاجْعَلْ جَسَدِي فِي الْأَجْسَادِ الْمُطَهَّرَةِ وَاجْعَلْ عَمَلِي فِي الْأَعْمَالِ الْمُتَقَبَّلَةِ ثُمَّ ارْزُقْنِي فِي خَطِيئِي مِنَ الْأَرْضِ وَمَوْضِعَ جَنَّتِي حَيْثُ يَرْفُتُ لَحْمِي وَيُدْفَنُ عَظْمِي وَأُتْرِكَ وَحِيدًا لَا حِيلَةَ لِي قَدْ لَفَظْتَنِي الْبِلَادُ وَتَخَلَّا مِنِّي الْعِبَادُ وَافْتَقَرْتُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَاحْتَجْتُ إِلَى صَالِحِ عَمَلِي وَأَلْقَى مَا مَهَّدْتُ لِنَفْسِي وَقَدَّمْتُ إِخْرَجَتِي وَعَمَلْتُ فِي أَيَّامِ حَيَاتِي فَوْزًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَضِيَاءً مِنْ نُورِكَ وَتَشْيِئًا مِنْ كَرَامَتِكَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ تَضِلُّ الظَّالِمِينَ وَتَفْعِلُ مَا تَشَاءُ ثُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْبُعْثِ وَالْحِسَابِ إِذَا انْشَقَّتِ الْأَرْضُ عَنِّي وَتَخَلَّا الْعِبَادُ مِنِّي وَغَشِيَتِنِي الصَّيْحَةُ وَأَفْرَعَتِنِي النَّفْخَةُ وَنَشَرْتَنِي بَعْدَ الْمَوْتِ وَبَعَثْتَنِي لِلْحِسَابِ فَأَبْعَثْ مَعِيَ يَا رَبِّ نُورًا مِنْ رَحْمَتِكَ يَسِيرُ بَيْنَ يَدَيَّ وَعَنْ يَمِينِي تُؤْمِنُنِي بِهِ وَتَرْبُطُ بِهِ عَلَى قَلْبِي وَتُظْهِرُ بِهِ عُذْرِي وَتُبَيِّضُ بِهِ وَجْهِي وَتَصْدِّقُ بِهِ حَدِيثِي وَتُفْلِحُ بِهِ حُجَّتِي وَتُبَلِّغُنِي بِهِ الْعُرْوَةَ الْقُصْوَى مِنْ رَحْمَتِكَ وَتُحِلَّنِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ وَتَرْزُقْنِي بِهِ مُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ عِبْدِكَ وَرَسُولِكَ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ دَرَجَةً وَأَبْلَغَهَا فَضْلِيلَةً وَأَبْرَهَا عَطِيَّةً وَارْفَعْهَا نَفْسِيَّ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى أَيْمَتِهِ الْهُدَى أَجْمَعِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا نَصَرْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْلِ كَعْبَهُ وَأَفْلَاجِ حُجَّتَهُ وَأَتِمِّمْ نُورَهُ وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَأَفْسَحْ لَهُ حَتَّى يَرْضَى وَبَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَسَيِّلَةً وَأَقْصَصْ بِنَا أَثَرَهُ وَاسْقِنَا بِكَاسِهِ وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ وَاحْشُرْنَا فِي زُمرَتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَاسْلُكْ بِنَا سُبُلَهُ وَاسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ غَيْرَ خَرَايَا وَلَا نَادِمِينَ وَلَا شَاكِينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ زِدْكَ زَنْدَكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۰۲۶ يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيِهِ وَحِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِزَاجِيهِ يَا سَائِرَ الْأُمَرِ الْقَبِيحِ وَمِيدَاوِي الْقَلْبِ الْجَرِيحِ لَا تَفْضَحْنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ الْأَنَامِ وَلَا تُغْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ يَا غَايَةَ الْمُضْطَرِّ الْفَقِيرِ وَيَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ هَبْ لِي مُوبِقَاتِ الْجَزَائِرِ وَأَغْفُ عَنِّي فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ وَأَغْسِلْ قَلْبِي مِنْ وَزْرِ الْخَطَايَا وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِسْتِعْدَادِ لِلزُّلُولِ الْمَنَائِيَا يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَمُنْتَهَى أُمْنِيَةِ السَّائِلِينَ أَنْتَ مَوْلَايَ فَتَحْتَ لِي بَابَ الدُّعَاءِ وَالْإِنَابَةِ فَلَا تَغْلِقْ عَنِّي بَابَ الْقَبُولِ وَالْإِجَابَةِ وَنَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَبَوِّئِي عُزْفَاتِ الْجَنَانِ وَاجْعَلْنِي مُتَمَسِّكًا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَاحْتِمِ لِي بِالسَّعَادَةِ وَأَخِينِي

بِالسَّلَامَةِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَمَالِ وَالْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ سُلْطَانًا غَنِيْدًا وَلَا شَيْطَانًا مَرِيْدًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «۱» ترجمه: پاک و منزّه است او که دارای عزّت والا بوده، مقامش بلند و رفیع است؛ پاک و منزّه است آن که دارنده جلال، عظمت و بزرگی می باشد؛ پاک و منزّه است همو که حکومت مطلق و جاوید برای اوست؛ حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به سبب نعمتهایش، موفّق به شناخت او، و عمل برای او و توجّه به سوی او، و اطاعت اوامر او گردیدم؛ او را سپاس می گزارم که مرا منکر آیات کتابش و متحیر در برابر اوامرش قرار نداد؛ و او را ستایش می کنم که مرا به دین راستین هدایت نمود، و مرا چنان کرد که چیزی جز او را نپرستم. خداوند! گفتار توبه کنندگان و عمل آنان را، رستگاری مجاهدان و ثواب آنان را، یقین مؤمنان و توکل آنان را، و راحتی در هنگام مرگ، و در امان بودن به هنگام حسابرسی را از تو خواستارم؛ و از تو می خواهم که مرگ مرا بهترین غایبی که در انتظار او هستم، و بهترین چیزی که با آنان روبرو می گردم قرار دهی، و هنگام مرگ، و زمانی که مرا در خود فرو می برد، و آنگاه که آخرین نفسها در سینه ام می تپد، و هنگامی که جان بر لبانم می رسد، و در آن حال که از دنیا می روم، و در آن ساعتی که هیچ اختیاری از خود نداشته، و هیچ نفع و ضرر، و هیچ سختی و آسایشی را نمی توانم برای خود فراهم سازم، در آن هنگام نسیمی از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۲۷ رحمت خود، و بهره ای از خشنودی و رضای خود را به من عطا فرما؛ و قبل از آنکه جانم را بگیری، و روحم را قبض نمایی، و فرشته مرگ مرا بر من مسلّط نمایی، مژده ای از کرامت خود را به من ارزانی نما، بشارتی که فقط تو بر آن توانایی، بشارتی که قلبم را مطمئن کند، و جانم را خشنود سازد، و دیدگانم را نورانی کند، و چهره ام را مسرور سازد، و رنگ رخسارم را درخشندگی عطا کند و جانم را آرامش بخشد، مژده ای که تمام اعضای بدنم را آسوده کند به طوری که هر مخلوقی از مخلوقات که مرا می بیند، و هر بنده ای از بندگانت که توصیف مرا می شنود بر آن غبطه خورد و سختیهای مرگ را بر من آسان گرداند، و رنج آن را از من برطرف سازد، و شدّت آن را از من دور گرداند، و بیماری آن را از من برطرف نماید، و گرفتاری و حسرت آن را از من دور کند، و مرا از تأسف و بلاهای آن بر حذر دارد، و از شرّ آن و شرّ کسانی که در آن هنگام حضور دارند پناه دهد. و بهره مند سازد از خیری که در مرگ وجود دارد و خیر کسانی که در آن زمان حاضر هستند و خیر آنچه که بعد از آن واقع گردد. و آنگاه که جانم گرفته شد و روحم از کالبدم خارج گردید، روحم را در میان ارواح پاک، و جانم را در بین جانهای صالح، و جسدم را در میان جسدهای پاکیزه، و عملم را در بین اعمال مقبول قرار ده. از جایگاه قبرم در زمین، و محلّ پوشانده شدن بدنم، آنجا که گوشته ایم کوبیده شده و استخوانهایم دفن می گردد، و تنها و بی کس رها شده و هیچ قدرتی بر خود ندارم، شهرها مرا از خود دور ساخته، و بندگان مرا رها کرده اند، و در آن حال محتاج رحمت تو و اعمال شایسته و صالح خود هستم، و آنچه را برای خود آماده ساخته و برای سفر آخرت خود پیش فرستاده و در زندگی دنیوی انجام داده ام را درمی یابم، بهره ای از رحمت، و پرتوی از نورت را به من ارزانی دار، و مرا از کرامت خود، با سخن ثابت و محکم، در زندگی دنیا و آخرت ثابت قدم گردان، به درستی که تو ظالمان را گمراه کرده و بر هر کار قادر هستی. و آنگاه که در قیامت و موقع حسابرسی، قبرم شکافته شده، و بندگان از من دور می شوند، و صیحه آسمانی مرا فرا گرفته، و نفخه صور مرا به وحشت انداخته، و بعد از مرگ مرا مبعوث ساخته و برای حساب اعمالم برانگیخته ای، آن روز را بر من مبارک گردان و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۲۸ خداوند! همراه من نوری از رحمت را برانگیز، تا پیشاپیش و از طرف راست من حرکت کند، و مرا در امنیت خود قرار داده، قلبم را مطمئن سازد، و عذرم را ظاهر کرده، چهره ام را درخشان نموده، گفتارم را تصدیق و دلیل را قاطع گرداند، و مرا به آخرین درجه رحمت برساند، و به برترین مرتبه بهشت نایل گرداند، و مرا همنشین محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم که بنده و رسول توست قرار دهد، و در با فضیلت ترین قسمت آن، و نیکوترین مرتبه آن، و بالاترین بخش آن ساکن گرداند، و مرا با کسانی که نعمت را بر آنان ارزانی نموده ای، از پیامبران و صدّیقین و شهدا و صالحین همنشین ساز، که اینان بهترین دوستان هستند. پروردگارا! بر محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم خاتم

پیامبرانت، و بر تمام انبیا و فرستادگانت، و بر تمامی فرشتگانت، و بر خاندان پاک و مطهر پیامبرت، و بر تمامی پیشوایان هدایت درود فرست، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان. خداوندا! بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم که ما را به وسیله او هدایت کردی درود فرست، بر او که به سبب او به ما رحم کردی، و به خاطر او ما را گرمی داشتی، و برتری دادی، و شرافت بخشیدی، پس بر او درود فرست که ما را به وسیله او یاری نمودی، و از پرتگاه آتش نجات دادی؛ خداوندا! چهره او را درخشان، مقامش را افزون، دلیلش را قاطع، نورش را کامل، میزان اعمالش را سنگین، برهانش را برتر، و نعمت را بر او گسترده تر ساز به گونه ای که خوشنود گردد، و او را به برترین مقام در بهشت و «وسیله» برسان، و به مقام محمودی که وعده کرده ای مفتخر نما، و او را برترین پیامبران و رسولانت از حیث مقام و منزلت قرار ده، و ما را پیرو راه او قرار ده، از جام او سیراب گردان، و بر حوض کوثر وارد ساز، و در گروه او محشور نما، و بر دین او بمیران، و ما را در راه او، و عامل به دستورات او قرار ده، بدون آنکه تحقیر شده، پشیمان شویم، و مشکوک گردیده و راه خود را تغییر دهیم. ای آن که درهای اجابت را به روی دعاکنندگان باز گذاشته ای، و موانع اجابت را برای امیدواران برطرف نموده ای، ای پوشاننده کارهای زشت، و ای مداواکننده قلبهای مجروح، در روز قیامت آبروی مرا به دلیل گناهانی که به درگاه تو مرتکب شده ام مریز، و در بین مردم چهره بزرگوارانه و با کرامت خویش را از من نگردان، ای غایت آمال من درمانده و مضطر و فقیر، گناهان بزرگ را بر من ببخشی، و از کارهای زشت در گذر، و جانم را از عواقب زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۲۹ خطاها پاک گردان، و آمادگی نیکو برای مرگ را به من ارزانی دار. ای بخشنده ترین بخشنندگان، و ای منتهای آرزوی حاجتمندان، تو مولای من هستی، حال که درهای دعا و نیایش را بر من گشودی، پس درهای قبول و اجابت را به روی من مبنده، به رحمت بی کرانت مرا از آتش دوزخ نجات ده، و در غرفه های بهشت ساکن گردان، و مرا از متمسکین به ریسمان محکم خودت قرار ده، و عاقبت مرا سعادت و رستگاری قرار ده، و مرا در زندگی سلامتی عطا فرما، ای آنکه فضیلت و کمال و عزت و جلالت و بزرگی از آن توست، و با من چنان مکن که مورد شماتت و سرزنش دشمنان و حسودان قرار گیرم، و حاکمان کینه توز و شیطان رانده شده را بر من مسلط منما، به رحمت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

دعای حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نماز عصر

سُبْحَانَ مَنْ يَغْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عِدَدَ الذُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِرًا لَأَنْعِمِهِ وَلَا جَاحِدًا لِفَضْلِهِ فَالْخَيْرُ فِيهِ وَهُوَ أَهْلُهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ مِمَّنْ أَطَاعَهُ وَمِمَّنْ عَصَاهُ فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنِّهِ وَإِنْ عَاقَبَ فَبِمَا قَدَّمْتُ أَيْدِيَهُمْ وَمَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْمَكَانِ وَالرَّفِيعِ الْبُتَيْنِ الشَّدِيدِ الْأَرْكَانِ الْعَزِيزِ السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ الشَّانِ الْوَاضِحِ الْبُرْهَانِ الرَّحِيمِ الرَّحْمَنُ الْمُنِيعُ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَجَبَ عَنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَةِ الرُّبُوبِيَّةِ وَقُدْرَةِ الْوَحْدَانِيَّةِ فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ وَلَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَخْبَارُ وَلَمْ يُعَيَّنْهُ مَقْدَارٌ وَلَمْ يَتَوَهَّمْهُ اغْتِبَارُ اللَّهِ قَدْ تَرَى مَكَانِي وَتَسْمَعُ كَلَامِي وَتَطْلُعُ عَلَى أَمْرِي وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَيْسَ يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي وَقَدْ سَعَيْتُ إِلَيْكَ فِي طَلِبَتِي وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ فِي حَاجَتِي وَتَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فِي مَسْأَلَتِي وَسَأَلْتُكَ لِفَقْرٍ وَحَاجَةٍ وَذِلَّةٍ وَضِيقَةٍ وَبُؤْسٍ وَمَسْكَنَةٍ وَأَنْتَ الرَّبُّ الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِي وَلَمَّا أَجِدُ مَنْ يَغْفِرُ لِي غَيْرَكَ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَأَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَأَسْأَلُكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَغَنَاكَ عَنِّي وَبِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَقَلْبِي امْتِنَاعِي مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي هَذَا دُعَاءَ وَافَقٍ مِنْكَ إِبْجَائِيَّةً وَمَجْلِسِي هَذَا مَجْلِسًا وَافَقٍ مِنْكَ زَنْدْكَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۰۳۰ رَحْمَةً وَطَلِبَتِي هَذِهِ طَلِبَةٌ وَافَقَتْ نَجَاحًا وَمَا خِفْتُ عُسْرَتَهُ مِنَ الْأُمُورِ فَيَسِّرْهُ وَمَا خِفْتُ عَجْزَهُ مِنَ الْأَشْيَاءِ فَوَسِّعْهُ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ فَأَغْلِبْهُ آمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَهُوَ عَلَى مَا خَشِيتُ شِدَّتَهُ وَاكْشِفْ عَنِّي مَا خَشِيتُ كُرْبَتَهُ وَيَسِّرْ لِي مَا خَشِيتُ عُسْرَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ انْزِعِ الْعُجْبَ وَالرِّيَاءَ وَالْكَِبْرَ وَالْبَغْيَ وَالْحَسَدَ وَالضُّعْفَ وَالشَّكَّ وَالْوَهْنَ وَالضَّرَّ وَالْأَسْقَامَ وَالْجَذْلَانَ وَالْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ وَالْبَلِيَّةَ وَالْفَسَادَ مِنْ سَمْعِي وَبَصِيرِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَخُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَا

تُحِبُّ وَ تَرْضَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ ذَنْبِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ آمِنْ رَوْعَتِي وَ اجْبُرْ مُصِيبَتِي وَ اغْنِ فَقْرِي وَ يَسِّرْ حَاجَتِي وَ أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَ اجْمَعْ شَمْلِي وَ اكْفِنِي مَيَا أَهْمَنِي وَ مَيَا غَابَ عَنِّي وَ مَيَا حَضَرَ نِي وَ مَيَا أَتَخَوَّفُهُ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ قَوِّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَ الْخَبَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَ اسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَيْهَا فَرَقًا مِنْكَ وَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَ لَا يُخَيِّبُ الدُّعَاءَ فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ مُوسَى كَلِيمِكَ وَ عِيسَى رُوحِكَ وَ مُحَمَّدٍ ص صَفِيكَ وَ نَبِيِّكَ أَلَّا تُضَيِّرَ وَ جَهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ تَرْحَمَ عَثْرَتِي وَ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ ثَارِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ عَادَانِي اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَ مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَ لَا تَجْعَلَ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هِمَّتِي وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِي إِلَهِي أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي وَ اجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي وَ تَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي وَ أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ الْعِدَلِ فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا وَ أَسْأَلُكَ الْقَضِيَّةَ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى وَ أَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَمْ يَبْسُدْ وَ قَرَّةَ عَيْنٍ لَمْ يَنْقُطْ وَ أَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعِيدَ الْقَضَاءِ وَ أَسْأَلُكَ لَهْذَةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِإِزْشَادِ أَمْرِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي اللَّهُمَّ عَمِلْتُ سُوءَ وَ ظَلَمْتُ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۰۳۱ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَمْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ وَ صَبْرًا عَلَى بِلَيَّتِكَ وَ خُرُوجًا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ أَشْهَدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ خِدَّكَ لَمْ شَرِيكَ لَمْكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَدْبِغُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا كَائِنٌ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ وَ الْمَكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْكَائِنُ بَعْدَ مَا لَا يَكُونُ شَيْءٌ اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ رَفَعْتُ بَصْرِي وَ إِلَى جُودِكَ بَسَطْتُ كَفِّي فَلَمَّا تَحَرَّمْنِي وَ أَنَا أَسْأَلُكَ وَ لَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ فَاعْفِرْ لِي فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ وَ لَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قَادِرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَ الصَّلَاةِ النَّافِعَةِ الرَّافِعَةِ صَلِّ عَلَى أَكْرَمَ خَلْقِكَ عَلَيَّكَ وَ أَحَبِّهِمْ إِلَيْكَ وَ أَوْجَهَهُمْ لَدَيْكَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الْمَخْصُوصِ بِفَضَائِلِ الْوَسَائِلِ أَشْرَفَ وَ أَكْمَلَ وَ أَرْفَعَ وَ أَعْظَمَ وَ أَكْرَمَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مُبْلَغٍ عَنْكَ مُؤْتَمِنٍ عَلَى وَحْيِكَ اللَّهُمَّ كَمَا سَدَدْتَ بِهِ الْعَمَى وَ فَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى فَاجْعَلْ مَنَاجِيحَ شَيْئِهِ لَنَا سُبُلًا وَ حُجَجَ بُرْهَانِهِ لَنَا سَبِيلًا نَأْتِمُّ بِهِ إِلَى الْقُدُومِ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ لَمْكَ الْحَمْدُ مِثْلُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مِثْلُ طَبَاقِهِنَّ وَ مِثْلُ الْأَرْضِ السَّبْعِ وَ مِثْلُ مَا بَيْنَهُمَا وَ مِثْلُ عَرْشِ رَبَّنَا الْكَرِيمِ وَ مِيزَانِ رَبَّنَا الْغَفَّارِ وَ مِتَادِ كَلِمَاتِ رَبَّنَا الْقَهَّارِ وَ مِثْلُ الْجَنَّةِ وَ مِثْلُ النَّارِ وَ عِدَدِ الْمَاءِ وَ الثَّرَى وَ عِدَدَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ صِلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ مَنِّكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ فَضْلِكَ وَ سِلَاقَتِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ تَوَرُّكَ وَ شَرَفَكَ وَ نِعْمَتَكَ وَ خَيْرَتَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ الْعُظْمَى وَ كَرِيمَ جَزَائِكَ فِي الْعُقْبَى حَتَّى تُشَرِّفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا إِلَهَ الْهُدَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ سَلَامًا عَلَى جِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ الْكُرُوبِيِّينَ وَ سَلَامًا عَلَى أَيْبَنَا آدَمَ وَ عَلَى أُمَّنَا حَوَاءَ وَ سَلَامًا عَلَى النَّبِيِّينَ أَجْمَعِينَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ زَنْدِگَانِي حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَام (روحانی)، ص: ۱۰۳۲ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ سَلَامًا عَلَى الْمُرْسَلِينَ أَجْمَعِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ صَلَّيْ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا «۱» ترجمه: پاک و منزّه است او که به آنچه در قلب می گذرد آگاهی دارد، پاک و منزّه است او که شماره گناهان را می داند، پاک و منزّه است همو که هیچ امری در آسمان و زمین بر او پوشیده نیست؛ سپاس پروردگاری را سزااست که مرا آن گونه قرار نداد که نسبت به نعمتهایش کفر بورزم و فضل او را انکار نمایم، پس خیر و برکت در اوست و او اهل آن می باشد؛ و سپاس خداوندی را سزااست که حجت و برهانش بر تمامی انسانها، همه فرمانبرداران و گناهکاران، گسترده است، اگر شخص را مورد رحمت خود قرار دهد از جود و بخشش اوست، و اگر مجازات نماید در مقابل اعمالی است که خود آن شخص انجام داده، و او بر بندگانش ستم روا نمی دارد؛ و سپاس شایسته خداوندی است که مکانش فراز، بنیانش برتر،

ارکانش محکم، سلطنتش پایدار، مقامش رفیع، برهانش روشن، بخشنده، مهربان، منعم، و مَنّان است؛ سپاس و حمد از آن خداوندی است که از هر مخلوقی که او را حقیقتاً پروردگار و برخوردار از قدرت یگانگی شناخت، مستور مانده و کسی نتوانسته حقیقت وجود او را ادراک نماید، چرا که دیدگان از دیدار او عاجز، و اخبار از احاطه بر او ناتوان هستند، و تعیین مقدار و اندازه برای او غیر ممکن، و به تصویر کشیدن او به کمک قوه وهم و خیال نامقدور است. خداوندا، مکانی را که در آن قرار دارم می بینی و کلامم را می شنوی، و بر کارهایم اشراف و اطلاع داری، و بر آنچه که در نفس من می گذرد آگاهی داری و هیچ یک از کارهایم از تو مخفی نیست، پس میدانی که نیازمند تو هستم، و حاجتهایم را از تو می خواهم، و به سوی تو تضرّع و زاری می کنم، و با فقر و نیاز و ذلّت و تنگدستی و شدّت و مسکنت از تو یاری می جویم؛ و تو پروردگاری هستی که گناهان را می بخشی، به غیر از من کسانی را خواهی یافت که عذاب کنی، ولی من جز تو آمرزنده ای را نمی یابم، آری تو از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۳۳ عذاب کردن من بی نیازی، و این در حالی است که من نیازمند رحمت و لطف تو هستم؛ پس به سبب نیاز من به سوی تو، و بی نیازی تو از من، و به قدرت و تسلّطی که بر من داری و من بر آن معترفم، از تو می خواهم که این دعای مرا اجابت کنی، و جایگاهم را محل نزول رحمت خود قرار دهی و حاجت مرا روا نمایی: کارهایی را که از سختی آنها در هراس هستم آسان فرما، و برای کارهایی که از انجام آنها ناتوانم به من قدرت و نیرو ارزانی دار، و هر یک از بندگان را که نسبت به من قصد سویی دارد مغلوب ساز، دعایم را اجابت فرما ای رحم کننده ترین رحم کنندگان! پروردگارا، هر چه را که از سختی آن نگران هستم آسان فرما، و رنج آنچه را که مرا به هراس افکنده برطرف ساز، و هر چه را که دشواری آن مرا هراسان ساخته آسان قرار ده، اجابت نما ای برترین پروردگار جهانیان! خداوندا، خودبینی، ریا، تکبر، تجاوز، حسد، ضعف، شک، سستی، ضرر، همه بیماریها، خذلان، مکر، خدعه و نیرنگ، بلاها و فساد را از گوش و چشم و تمام اندام دور دار و مرا به سوی آنچه دوست می داری و تو را خشنود می سازد راهنمایی کن، ای برترین رحم کنندگان! خدایا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و گناهانم را ببخش، و عیبهایم را بپوشان، و ترسم را ایمنی بخش، و مصیبتهای مرا جبران فرما، و فقرم را به بی نیازی مبدل ساز، رفع نیازمندیم را سهل و لغزشم را ناچیز قرار ده، و کارهای پراکنده مرا جمع نما، و مرا در آنچه که به دنبال آن هستم، و نیز در آنچه که از من پنهان است، و در آنچه که در نزد من حاضر است، و مواردی که در رابطه با آنها از تو در هراسم کفایت فرما، ای برترین رحم کنندگان! خداوندا، کارهایم را به تو واگذار کردم و خود را در پناه تو قرار دادم، و به سبب جنایات و گناهانی که انجام داده ام، و بیم و امیدی که به تو دارم، خود را به تو می سپارم، و می دانم که تو آن بزرگوار و کریمی هستی که امید هیچ کس را قطع نکرده و دعای او را بدون پاسخ نمی گذاری؛ پس به حقّ خلیلت ابراهیم، و کلیمت موسی، و روح عیسی و برگزیده و پیامبرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم از تو می خواهم که از من روی نگردانی، و بزرگواری کرده توبه ام را بپذیری، برای اشکهایی که ریخته ام به من رحم نمایی، و از اشتباهم در گذری، ای بهترین زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۳۴ رحم کنندگان و ای عادلترین حکم کنندگان! پروردگارا، از کسی که بر من ستم روا می دارد انتقام گیر، و مرا بر هر که با من دشمن است یاری فرما؛ خداوندا، مصیبت و گرفتاری مرا در دینم قرار مده، و دنیای فانی را مهمترین هدف و نهایت علمم قرار نده. خدایا، دینم را که مهمترین چیزم است، و دنیایم را که راه به دست آوردن معاشم است، و آخرتم را که سرانجامم به سوی آن است، اصلاح گردان، و زندگیم را راهی به سوی به دست آوردن هر خیر و برکت، و مرگم را راه رهایی از هر شرّ و بدی قرار ده! پروردگارا! تو آمرزنده ای هستی که بخشیدن را دوست داری، پس مرا عفو کن؛ خدایا، مرا زنده نگاه دار تا آن زمانی که می دانی زندگانی برایم خیر و برکت در بر دارد، و مرا بمیران آن هنگام که می دانی مرگم برایم نیکو و شایسته است، و از تو می خواهم که در آشکار و نهان، خشیت و خوف از خودت را بر من ارزانی کنی، و در غضب و رضا، عدل و انصاف به من عطا فرمایی، و از تو می خواهم در فقر و بی نیازی میانه روی عطایم کنی، و از تو نعمت مداوم، روشنی چشمی که هرگز به تاریکی نکشد، رضا به قضا و لذّت دیدارت را خواهانم.

خداوند! برای درستی و راستی در کارهایم از تو هدایت می‌جویم، و از شرّ نفسم به تو پناه می‌برم. خداوند! کارهای زشت انجام داده و بر نفس خود ستم کرده‌ام؛ پس مرا ببخش که جز تو بخشنده‌ای برای گناهان وجود ندارد. پرورد گارا! از تو تعجیل در سلامتی، صبر بر بلاها و مصائب، و خروج از دنیا به سوی رحمت را خواستارم. پرورد گارا! تو، فرشتگانت، حاملان عرش، و هر آنچه در آسمانها و زمین است را شاهد می‌گیرم که جز تو معبودی نیست و شریکی برای تو وجود ندارد، و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده توست؛ و از تو می‌خواهم که حاجت‌هایم را برآورده سازی، ای تویی که حمد و ستایش مخصوص تو بوده و معبودی جز تو وجود ندارد، تو آفریننده آسمانها و زمینی، ای کسی که قبل از وجود هر موجودی وجود داشته، و همه چیز را خلق کرده، و بعد از آنکه همه موجودات از بین می‌روند باقی خواهی بود! خداوند! چشمانم را به رحمت تو دوخته‌ام، و دستانم را به سوی جود و کرم تو دراز کرده‌ام، پس مرا محروم مکن آنگاه که از تو درخواست می‌کنم، و مرا عذاب منما آنگاه که زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۳۵ از تو طلب بخشایش دارم. خدایا، مرا ببخشای چرا که تو به همه چیزم عالم و دانایی، و مرا عذاب مکن چرا که تو بر من قادر و توانایی، تو را سوگند می‌دهم به رحمت ای برترین رحم‌کنندگان! پرورد گارا، ای دارنده رحمت واسعه، و ای دارنده درودها و رحمت‌های نافع و بالا برنده، بر گرامیترین، محبوبترین و ارزشمندترین بندهات، بنده و پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم درود فرست، شریفترین، کاملترین، برترین، بزرگترین و گرامیترین درودی که بر مبلغین فرامینت و بر امینان وحیت فرستاده‌ای؛ خداوند! همچنان که جهالت و نادانی را به وسیله او برطرف نمودی، و درهای هدایت را به وسیله او گشودی، ما را در راههای هدایت او قرار ده، و حجت‌های روشن او را برای ما اسبابی قرار ده که برای رسیدن به تو از آنها پیروی کنیم! پرورد گارا! ستایش برای توست، به اندازه آسمانهای هفتگانه و طبقه‌های آن، و به گنجایش زمینهای هفت گانه و آنچه در بین آنهاست، و به گنجایش عرش پروردگار با کرامت و ترازوی آفریدگار بخشنده و غفار و کلمات پروردگار توانا، و به تعداد مخلوقات، و به گنجایش بهشت و جهنم، و ذرات آب و خاک، و به میزان آنچه دیده شده و دیده نمی‌شود. خداوند! درودها و برکات، و منت و بخشش و رحمت، خشنودی و فضل و سلامت، یاد و نور و شرف و نعمت خود را بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندانش قرار ده، همچنان که درود و برکت و رحمت خود را بر ابراهیم و خاندان او ارزانی داشتی، به درستی که تو ستوده و بزرگوار می‌باشی. پرورد گارا، «وسيله عظمی» و بهترین پاداشت را در قیامت، به محمد صلی الله علیه و آله و سلم ارزانی دار، تا او را شرافت و برتری عطا فرموده باشی، ای معبود هدایت‌کننده! پرورد گارا! بر محمد و خاندان او، و بر جمیع ملایک، پیامبران و فرستادگانت درود فرست، و سلام مرا بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و حاملان عرش و فرشتگان مقرب، و نویسندگان اعمال و بهشتیان برسان؛ و سلام بر پدر ما انسانها آدم، و مادر ما حوا، و سلام بر تمامی پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحان؛ و سلام بر تمامی فرستادگان؛ و حمد و ستایش مخصوص به پروردگار جهانیان است و هیچ قدرت و توانایی وجود ندارد مگر از جانب زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۳۶ خداوند یکتا که برتر و والا-تر از همگان است، و چنین خداوندی مرا کفایت می‌کند و او بهترین کفایت‌کنندگان است. و درود و سلام بسیار بر محمد و خاندان او باد!

دعای حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نماز مغرب

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخَصِّى مَدْحَهُ الْقَائِلُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخَصِّى نَعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُؤَدِّى حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَلَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَلَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الطُّوْلِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْبَقَاءِ الدَّائِمُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ الْعَالَمُونَ عِلْمَهُ وَلَا يَسْتَخِفُّ الْجَاهِلُونَ حِلْمَهُ وَلَا يَبْلُغُ الْمَادِحُونَ مَدْحَتَهُ وَلَا يَصِفُ الْوَاصَةُ فَوْنَ صِفَتِهِ وَلَا يُحْسِنُ الْخَلْقُ نِعَتَهُ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْعِزِّ وَالْكَبَرِيَاءِ وَالْبَهَاءِ وَالْجَلَالِ وَالْمَهَابَةِ وَالْجَمَالِ وَالْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ وَالْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْمِنَّةِ وَالْغَلِيَّةِ وَالْفَضْلِ وَالطُّوْلِ وَالْعِزِّ وَالْحَقِّ وَالْخَلْقِ وَالْعَلَاءِ وَالرِّفْعَةِ وَالْمَجْدِ وَالْفَضِيْلَةِ وَ

الْحِكْمِيَّةَ وَالْغِنَاءَ وَالسَّعْيَ وَالْبَسْطَ وَالْقَبْضَ وَالْحِلْمَ وَالْعِلْمَ وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ وَالنَّعْمَةَ السَّابِغَةَ وَالنَّشَاءَ الْحَسَنَ الْجَمِيلَ وَالْأَلَاءَ الْكَرِيمَةَ
 مَلَائِكَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَمَا فِيهِنَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَ أَسْرَارَ الْغُيُوبِ وَأَطْلَعَ عَلَى مَا تَجُنُّ الْقُلُوبُ فَلَيْسَ
 عَنْهُ مَذْهَبٌ وَلَا مَهْرَبٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَكَبِّرِ فِي سُلْطَانِهِ الْعَزِيزِ فِي مَكَانِهِ الْمُتَجَبَّرِ فِي مُلْكِهِ الْقَوِيُّ فِي بَطْشِهِ الرَّفِيعِ فَوْقَ عَرْشِهِ الْمُطَّلِعِ عَلَى
 خَلْقِهِ وَالْبَالِغِ لِمَا أَرَادَ مِنْ عِلْمِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِكَلِمَاتِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ الشَّدَادُ وَتَبَتِ الْأَرْضُونَ الْمِهَادُ وَانْتَصَبَتِ الْجِبَالُ الرُّوَاسِي
 الْأَوْتَادُ وَجَرَّتِ الرِّيَّاحُ اللُّوَاقِحُ وَسَارَ فِي جَوِّ السَّمَاءِ السَّحَابُ وَقَفَّتْ عَلَى حُدُودِهَا الْبِحَارُ وَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِهِ وَانْقَمَعَتِ
 الْأَرْيَابُ لِزُبُوبِئِهِ تَبَارَكَتْ يَا مُحْصِي قَطْرِ الْمَطَرِ وَرَقِ الشَّجَرِ وَمُحْيِي أَجْسَادِ الْمَوْتَى لِلْحَشْرِ سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مَا فَعَلْتَ
 بِالْغَرِيبِ الْفَقِيرِ إِذَا أَتَاكَ مُسْتَجِيرًا مُسْتَغِيثًا مَا فَعَلْتَ بِمَنْ أَنَاخَ بِفَنَائِكَ وَتَعَرَّضَ لِرِضَاكَ وَغَدَا إِلَيْكَ فَجَنَّا بَيْنَ يَدَيْكَ يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا
 يَخْفَى عَلَيْكَ فَلَمَّا يَكُونَنَّ يَا رَبِّ حَظِي مِنْ دُعَائِي الْجُزْمَانِ وَلَا نَصِي بِي مِمَّا أَرْجُو مِنْكَ الْجِدْلَانِ يَا مَنْ لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزُولُ كَمَا لَمْ يَزَلْ
 قَائِمًا عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ جَعَلَ أَيَّامَ زِدْكَ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامَ (روحانی)، ص: ۱۰۳۷ الدُّنْيَا تَزُولُ وَشُهُورُهَا
 تَحُولُ وَسَنِينَهَا تَدُورُ وَأَنْتَ الدَّائِمُ لَا تُبْلِيكَ الْأَزْمَانُ وَلَا تُغَيِّرُكَ الدُّهُورُ يَا مَنْ كُلُّ يَوْمٍ عِنْدَهُ جَدِيدٌ وَكُلُّ رِزْقٍ عِنْدَهُ عَيْدٌ لِلضَّعِيفِ وَ
 الْقَوِيُّ وَالشَّدِيدُ قَسَمَتْ الْمَارْزَاقُ بَيْنَ الْخَلَائِقِ فَسَوَّيْتَ بَيْنَ الذَّرَّةِ وَالْعُصْفُورِ اللَّهُمَّ إِذَا ضَاقَ الْمَقَامُ بِالنَّاسِ فَنَعُوذُ بِكَ مِنْ ضَيْقِ الْمَقَامِ
 اللَّهُمَّ إِذَا طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ عَلَى الْمُجْرِمِينَ فَقَصِّرْ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْنَا كَمَا بَيْنَ الصَّلَاةِ إِلَى الصَّلَاةِ اللَّهُمَّ إِذَا أَذْنَيْتَ الشَّمْسَ مِنَ الْجَمَاجِمِ فَكَانَ
 بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْجَمَاجِمِ مَقْدَارُ مِيلٍ وَزَيْدٌ فِي حَرِّهَا حَرٌّ عَشْرِ سَنِينَ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تُظِلَّنَا بِالْغَمَامِ وَتَنْصِبَ لَنَا الْمَنَابِرَ وَالْكَرَاسِي نَجْلِسُ
 عَلَيْهَا وَالنَّاسُ يَنْطَلِقُونَ فِي الْمَقَامِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْمَحَامِدِ إِلَّا غَفَرْتَ لِي وَتَجَاوَزْتَ عَنِّي وَأَلْبَسْتَنِي الْعَافِيَةَ
 فِي يَدَيَّ وَرَزَقْتَنِي السَّلَامَةَ فِي دِينِي فَهَإِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَنَا وَاثِقٌ بِإِجَابَتِكَ إِيَّايَ فِي مَسْأَلَتِي وَأَدْعُوكَ وَأَنَا عَالِمٌ بِاسْتِمَاعِكَ دَعْوَتِي
 فَاسْتَمِعْ دُعَائِي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَلَا تَرُدِّ ثَنَائِي وَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رِضْوَانِكَ وَفَقِيرٌ إِلَى غُفْرَانِكَ وَأَسْأَلُكَ وَلَا آيِسُ مِنْ
 رَحْمَتِكَ وَأَدْعُوكَ وَأَنَا غَيْرُ مُحْتَزٍ مِنْ سَخَطِكَ يَا رَبِّ وَاسْتَجِبْ لِي وَآمِنُنَّ عَلَى بَعْفِكَ وَتَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَالْحَقِّقْنِي بِالصَّالِحِينَ رَبِّ
 لَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ يَا مَنْنًا وَلَا تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي مَخْذُولًا يَا حَنَّانُ رَبِّ ارْحَمْنِي عِنْدَ فِرَاقِ الْأَحِبَّةِ صَرَعْتِي وَعِنْدَ سُكُونِ الْقَبْرِ وَخَدَتِي وَفِي
 مَفَازَةِ الْقِيَامَةِ غُرْبَتِي وَبَيْنَ يَدَيْكَ مَوْقُوفًا لِلْحِسَابِ فَاقْتِي رَبِّ أَسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَجْزِنِي رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِزَّنِي رَبِّ أَفْرُغْ
 إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَأَبْعِدْنِي رَبِّ أَسْتَرْحِمُكَ مَكْرُوبًا فَارْحَمْنِي رَبِّ أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا جَهَلْتُ فَأَغْفِرْ لِي رَبِّ قَدْ أَهْرَظَنِي الدُّعَاءَ لِلْحَاجَةِ إِلَيْكَ فَلَا
 تُؤَيِّسْنِي يَا كَرِيمُ ذَا الْأَلَمِ وَالْإِحْسَانِ وَالْتَحَاوُزِ سَيِّدِي يَا بُرِّ يَا رَحِيمُ اسْتَجِبْ بَيْنَ الْمُتَضَرِّعِينَ إِلَيْكَ دَعْوَتِي وَارْحَمْنِي مِنَ الْمُسْتَجِبِينَ
 بِالْعَوِيلِ عَبْرَتِي وَاجْعَلْ فِي لِقَائِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ مِنَ الدُّنْيَا رَاحَتِي وَاسْتُرْ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ عَوْرَتِي وَاعْطِفْ عَلَيَّ عِنْدَ التَّحَوُّلِ
 وَجِدًا إِلَى حُفْرَتِي إِنَّكَ أَمَلِي وَمَوْضِعُ طَلِبَتِي وَالْعَارِفُ بِمَا أُرِيدُ فِي تَوْجِيهِ مَسْأَلَتِي فَاقْضِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ حَاجَتِي فَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي
 وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْمُرْتَجَى أَفَرُّ إِلَيْكَ هَارِبًا مِنَ الذُّنُوبِ فَاقْبَلْنِي وَالتَّجِيُّ مِنْ عَذَابِكَ إِلَى مَغْفِرَتِكَ فَأَذْرِ كُنِي وَأَلْتَأَذْ بِعَفْوِكَ مِنْ
 بَطْشِكَ فَامْنَعْنِي وَأَسْتَرْوِحْ رَحْمَتِكَ مِنْ عِقَابِكَ فَجَنِّبْنِي زِدْكَ زَهْرًا عَلَيْهَا السَّلَامَ (روحانی)، ص: ۱۰۳۸ وَأَطْلُبُ الْقُرْبَةَ
 مِنْكَ بِالسَّلَامِ فَفَرِّجْنِي وَمِنَ الْفَرْعِ الْمَأْكُورِ فَمَا مَنِيَّ وَفِي ظِلِّ عَرْشِكَ فَظَلِّلْنِي وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ فَهَبْ لِي وَمِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا فَجَنِّبْنِي وَمِنَ
 الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ فَأَخْرِجْنِي وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُبِضْ وَجْهِي وَحَسَابًا يَسِيرًا فَحَاسِبْنِي وَبَسْرًا يَرَى فَلَا تَفْضَحْنِي وَعَلَى بَلَائِكَ فَصَبِّرْنِي وَ
 كَيْمَا صِرَفْتَ عَنْ يُوسُفَ الشَّوْءَ وَالْفَحْشَاءَ فَاصْبِرْهُ عَنِّي وَمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَلَا تُحْمِلْنِي وَإِلَى دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِي وَبِالْقُرْآنِ فَانْفَعْنِي وَ
 بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَثَبِّتْنِي وَمِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَاحْفَظْنِي وَبِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ فَاعْصِمْنِي وَبِحِلْمِكَ وَعِلْمِكَ وَسِعَةِ رَحْمَتِكَ
 مِنْ جَهَنَّمَ فَجَنِّبْنِي وَجَنَّتِكَ الْفِرْدَوْسَ فَاسْكِنْنِي وَالنَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ فَارْزُقْنِي وَبَنِيكَ مُحَمَّدٍ ص فَالْحَقِّقْنِي وَمِنَ الشَّيَاطِينِ وَأَوْلِيَائِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ
 مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ فَافْكِنْنِي اللَّهُمَّ وَأَعْدَائِي وَمَنْ كَادَنِي إِنْ أَتَوْا بَرًّا فَجَبِّنْ شَجْعَهُمْ فَضْ جُمُوعَهُمْ كُلِّ سَلَاحَهُمْ عَزِّقْ دَوَائِهِمْ سَلِّطْ
 عَلَيْهِمُ الْعَوَاصِفَ وَالْقَوَاصِفَ أَبَدًا حَتَّى تُضْلِيَهُمُ النَّارُ أَنْزِلْهُمْ مِنْ صِيَاصِهِمْ وَأَمْكِنَّا مِنْ نَوَاصِيهِمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ يَشْهَدُ الْأَوَّلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَمِفْتَاحِ الرَّحْمَةِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ

وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِجْلِ وَالْإِحْرَامَ بَلَّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَهُوَ كَمَا وَصَّيْتُهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ أَفْضَلُ مَا سَأَلْتُكَ وَأَفْضَلُ مَا سُئِلْتُ لَهُ وَأَفْضَلُ مَا أَنْتَ مُشْتَوِلٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱)

ترجمه: حمد و سپاس خداوندی را سزااست که مداحان از عهده مدح و ستایش او، شمارشگران از عهده شمارش نعمتهای او، و تلاش کنندگان از عهده ادای حق او برنمی آیند، و جز او معبودی نیست، او اول و او آخر است، او ظاهر و او باطن است، او زنده کننده و میراننده است، و او برتر از همه، صاحب فضل، و بقای او دائمی و ابدی است. حمد مخصوص خداوندی است که عالمان عمق علم او را درک نکرده، و جاهلان حلم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۳۹ او را اندک نشمارند، و ستایشگران به مدح او دست نمی یابند، و توصیف کنندگان در توصیف او عاجز، و مخلوقات از دست یافتن به کمالات او ناتوان می باشند. و حمد از آن خداوندی است که دارای ملک و ملکوت، عظمت و جبروت، عزت و بزرگی و شکوه، زیبایی و بزرگی، توانمندی و زیبایی و جمال، قدرت و قوت، منت و غلبه، فضل و رحمت، عدل و حق، آفرینش و برتری مقام، رفعت و بلندی جایگاه و مجد، فضیلت و حکمت، بی نیازی و سعه، بسط و قبض، و حلم و علم می باشد کسی که دارای دلیل روشن، و نعمت فراوان، و اوصاف نیکو و زیبا، و نعمتهای فراوان و فراگیر است، و مالک دنیا و آخرت، بهشت و جهنم، و آنچه در بین آنهاست می باشد. سپاس خداوندی را سزااست که رازهای نهانی را آگاه است و بر آنچه که بر دلها می گذرد و خطور می کند داناست و راه فراری از دست قدرت او وجود ندارد. حمد و سپاس شایسته خداوندی است که در سلطنتش برترین است، در جایگاهش محکم، برای سخت گیری نیرومند، برتر و بالاتر از عرش، آگاه به افعال و اعمال جمیع مردم، و توانا بر آنچه که علم دارد و می خواهد می باشد. حمد مخصوص خداوندی است که به نیرو و قدرت او آسمانها برپا ایستاده، و زمینهای لرزان بر جای خود ثابت و استوار گردیده اند، کوههای محکم که سبب تثبیت زمین هستند استوار شده، و بادهای بارورکننده جریان می یابند، و ابرها در آسمان به حرکت در آمده، دریاها در محدوده خود متوقف گردیده، و قلبها از بیم او به لرزه درمی آیند، و معبودهای دروغین به ربوبیت او رسوا گردیده اند. مبارک هستی ای شمارش کننده تعداد قطره های باران، و برگهای درختان، و ای زنده کننده مردگان، پاک و منزهی ای دارنده بزرگی و بخشندگی! خداوند، در مقابل بنده غریب و نیازمندی که به تو پناهنده شده و از تو یاری می جوید، چه می کنی؟ و در برابر کسی که به درگاه تو آمده تا رضا و خشنودی تو را شاهد باشد، و در پیشگاه تو بر زمین افتاده و از آنچه که بدان دانایی شکایت می کند، چه خواهی کرد؟ پس ای پروردگار هستی، بهره ام را از دعایم حرمان و ناامیدی قرار مده، و نصییم را در آنچه که برای آن به تو امیدوارم خذلان و محرومیت قرار مده؛ ای کسی که همیشه بوده ای و خواهی بود و بر اعمال بندگانت آگاه می باشی، ای کسی که روزهای دنیا در گذر، و ماههای آن را در تحوّل و سالهای آن را در حال گردش قرار زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴۰ داده ای، و خود همواره بدون تغییر و دگرگونی باقی می باشی! ای کسی که هر روز برایت تازه است، و روزی هر کس را همان قدر که مقرر است- در هر روز- بین بندگان تقسیم می کنی و بین همه آنها عدالت را برقرار می سازی! پروردگارا! آنگاه که با مردم بودن دشوار می شود، از دشواری و شرّ آن به تو پناه می برم. خداوند، آنگاه که روز قیامت بر گناهکاران طولانی می گردد، آن روز را مانند فاصله بین دو نماز بر ما کوتاه گردان! خداوند، در روز قیامت، آنگاه که خورشید بر مردمان به شدت می تابد و فاصله اش با آنها کاهش می یابد، و حرارتش هزاران برابر می گردد، از تو می خواهم که ما را در سایه رحمت خود قرار داده، و در حالی که مردمان را برای حسابرسی آماده می سازی، جایگاهی را برای ما قرار ده که در آن استقرار یابیم، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان! خداوند، به حق این ستایشها و سپاسگزاریهها از من در گذر، و مرا مورد عفو و بخشش خود قرار ده، و سلامتی در بدن و در دین، به من عطا فرما! پروردگارا، در حالی که به اجابت خواسته ام از طرف تو اطمینان دارم حاجتم را از تو می خواهم، و در حالی که می دانم سخنم را می شنوی تو را می خوانم، پس دعایم را بشنو، و امیدم را قطع مکن،

و مدح و ثنایم را رد منما، و دعایم را بدون اجابت مگذار! همانا من نیازمند رضای تو، و محتاج بخشش تو هستم، حاجت‌هایم را از تو می‌خواهم، و از رحمت مأیوس نمی‌باشم، و از غضب تو در هراس می‌باشم؛ خداوندا، پس دعایم را اجابت فرما، و با بخشش خود بر من منت گذار، و مرا مسلمان بمیران، به صالحان ملحق فرما؛ خدایا، مرا از فضل و رحمت خود محروم مکن، ای منان؛ و مرا به حالت بیچارگی به خود وامگذار، ای خداوند مهربان! پروردگارا، بر من رحم کن به گاه زمین خوردنم در هنگام مرگ، و فراق دوستان و تنهاییم در هنگام جای گرفتن در قبر، و غربتم به هنگام قیامت، و به گاه نیازم به هنگام حسابرسی! خداوندا، از آتش جهنم به تو پناه می‌برم پس پناه ده؛ خدایا، از آتش جهنم نجات می‌خواهم پس نجاتم ده؛ پروردگارا، از ترس آتش به تو روی می‌آورم پس مرا از آتش دور دار؛ خداوندا، با بیچارگی تمام از تو طلب رحمت می‌نمایم پس بر من رحم کن؛ پروردگارا، در برابر جهالت‌های خود از تو طلب بخشش دارم پس مرا مورد عفو و بخشش زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴۱ خود قرار ده! خداوندا، حاجت‌هایم باعث شد تا به درگاه تو آمده از تو تقاضای بر آوردن حاجت‌هایم را داشته باشم پس مرا مأیوس نکن ای کریمی که نعمت‌های بی‌شمار همه‌اش در دستان تو، و هر چه احسان و گذشت است از طرف توست. ای مولای من، ای نیکوکار و ای مهربان، در بین تضرع کنندگان به سبب اشک‌هایی که ریخته‌ام مرا مورد رحم و بخشش خود قرار ده، و به هنگام ملاقات پس از خروج از دنیا، آسایش و راحتی را برایم مقدر فرما، ای نهایت امید امیدواران! در میان مردگان عییم را پیوشان، و آنگاه که به تنهایی در قعر قبر قرار می‌گیرم بر من لطف فرما، به درستی که تو منت‌های آرزوی من، و جایگاه اظهار خواسته‌هایم، و عالم به حاجت‌هایم هستی؛ پس ای برآورنده حاجت‌ها، خواسته‌هایم را برآورده ساز! ای یاور و امید من، شکایت‌م به سوی توست، و از گنا‌هایی که مرتکب شده‌ام، به سوی تو می‌گریزم، پس مرا بپذیر؛ و از عدالت تو به سوی غفران و بخشش پناه می‌برم، پس مرا دریاب؛ و از غضبت به عفو و بخشش خودت متوسل می‌شوم، پس غضب خود را از من دور بدار، و از عقاب و عذابی که برایم مهیا نموده‌ای به رحمت پناهنده می‌گردم، پس بر من رحم کن و مرا نجات ده! و به واسطه اسلام خواستار نزدیکتر شدن به تو هستم، پس مرا به خود نزدیک گردان و از هراس روز قیامت مرا ایمن دار، و در سایه عرش جایگاهم ده، و مرا مشمول رحمت گردان، و به سلامت از دنیا نجاتم ده، و مرا از ظلمات به سوی نور هدایت کن، و در روز قیامت چهره‌ام را درخشان گردان، و با محاسبه‌ای آسان مرا مورد حسابرسی قرار ده، و به عیب‌هایم مرا مفتضح و شرمسار مگردان، و مرا بر بلاها و سختی‌ها صبور نما، و آن گونه که از حضرت یوسف بدی و پلیدی را دور ساختی، زشتی‌ها و پلیدی‌ها را از من دور ساز، و آنچه را که بدان طاقت ندارم بر من تحمیل منما، و مرا به سوی بهشت رهنمون گردان، و از قرآن بهره‌مند ساز، و با گفتار صحیح مرا ثابت قدم قرار ده، و از شیطان رانده شده حفظ فرما، و به قدرت، قوت و جبروت مرا از گناه دور دار، و به حلم، علم و وسعت رحمت مرا از جهنم نجات بخش، و در بهشت خود ساکن گردان، و دیدار «وجه» خودت را نصیبم فرما، و مرا به پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ملحق نما، و از شیاطین و دوستان آنها و از شر هر ضروری کفایت فرما! زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴۲ پروردگارا! دشمنانم و کسانی که نسبت به من کینه دارند اگر قصد آزار مرا نمودند، شجاعانشان را ضعیف، لشکریان‌شان را متفرق، سلاح‌های‌شان را از کار افتاده، و حیوانات‌شان را ناتوان گردان، و بادهای تند و طوفان‌های سخت را بر آنان مسلط فرما، و آنها را از سنگرهای خود فرود آور، و ما را بر نابودیشان قادر فرما، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان! پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که پیشینیان و ابرار و سید مرسلین که خاتم پیامبران، و رهبری‌کننده به سوی خیر، و کلید رحمت است شاهد آن باشند. خدایا! ای پروردگار بیت الحرام و ماه حرام و مشعر الحرام، و ای پروردگار رکن و مقام، ای پروردگار حلّ و حرم، از جانب ما به روح محمد سلام و درود فرست. [و سپس پیامبر را زیارت نموده گوییم:] سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبد الله، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد که او همان طور که تو وصفش نمودی، بر مؤمنان مهربان و رئوف است، خدایا! برتر از آنچه از تو خواسته، و

تا امروز برای او خواسته شده، و تا روز قیامت برای او خواسته می شود، به او عطا کن، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان!

دعای حضرت فاطمه علیها السلام در تعقیب نماز عشاء

سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ بِأَمْرِهِ وَ مُلْكِهِ سُبْحَانَ مَنْ أَنْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَرْمَتِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ دَعَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِكِ السَّمَاءِ وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ وَ حَاصِرِ الْبَحْرِ وَ نَاضِحِ الْجِبَالِ وَ بَارِي الْحَيَوَانِ وَ خَالِقِ الشَّجَرِ وَ فَاتِحِ يَنَابِيعِ الْأَرْضِ وَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ وَ مُسَيِّرِ السَّحَابِ وَ مُجْرِي الرِّيحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَغْوَارِ الْأَرْضِ مُتَسَارِعَاتٍ فِي الْهَوَاءِ وَ مُهْبِطِ الْحَرِّ وَ الْبُرْدِ الَّذِي يَنْعَمُهُ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ وَ بِشُكْرِهِ تُسْتَوْجِبُ الزِّيَادَاتُ وَ بِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ بِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِمَاتُ وَ سَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ وَ الطَّيْرُ فِي الْوُكُنَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ مُنْزِلِ الْآيَاتِ وَاسِعِ الْبَرَكَاتِ سَاتِرِ الْعُورَاتِ قَابِلِ الْحَسَنَاتِ مُقِيلِ الْعَثَرَاتِ مُنْفَسِ الْكُرْبَاتِ مُنْزِلِ الْبَرَكَاتِ مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ مُخَيِّبِ الْأَفْوَاتِ إِلَهَ مَنْ فِي زَنْدِكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴۳ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ وَ شُكْرِ وَ صَبْرٍ وَ صِلَاءٍ وَ زَكَاةٍ وَ قِيَامٍ وَ عِبَادَةٍ وَ سَعَادَةٍ وَ بَرَكَهٍ وَ زِيَادَةٍ وَ رَحْمَةٍ وَ نِعْمَةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ فَرِيضَةٍ وَ سَرَاءٍ وَ ضَرَاءٍ وَ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ وَ مُصْطَبَّةٍ وَ بَلَاءٍ وَ عُسْرٍ وَ يُسْرٍ وَ غِنَاءٍ وَ فَقْرٍ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ وَ كُلِّ مَوْتٍ وَ مُنْقَلَبٍ وَ مَقَامٍ اللَّهُمَّ إِنِّي عَاثِدُ بِكَ فَأَعِزَّنِي وَ مُسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجْزِنِي وَ مُسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِزَّنِي وَ مُسْتَغِيثُ بِكَ فَأَغْنِنِي وَ دَاعِيكَ فَأَجِنْنِي وَ مُسْتَعْفِرُكَ فَأَغْفِرْ لِي وَ مُسْتَنْصِرُكَ فَأَنْصِرْنِي وَ مُسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي وَ مُسْتَكْفِيكَ فَكَافِنِي وَ مُلْتَجِئُ إِلَيْكَ فَأَوْنِي وَ مُسْتَمْسِكُ بِحَبْلِكَ فَأَعْصِمْنِي وَ مُتَوَكِّلُ عَلَيْكَ فَكَفِنِي وَ اجْعَلْنِي فِي عِيَاذِكَ وَ جِوَارِكَ وَ حِزْزِكَ وَ كَهْفِكَ وَ حِيَاطَتِكَ وَ حِرَاسَتِكَ وَ كَلَاءَتِكَ وَ حُزْمَتِكَ وَ أَمْنِكَ وَ تَحْتَ ظِلِّكَ وَ تَحْتَ جَنَاحِكَ وَ اجْعَلْ عَلَيَّ جُنَّةً وَاقِيَةً مِنْكَ وَ اجْعَلْ حِفْظَكَ وَ حِيَاطَتَكَ وَ حِرَاسَتَكَ وَ كَلَاءَتَكَ مِنْ وَرَائِي وَ أَمَامِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ حَوَالِي حَتَّى لَمَّا يَصِلْ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَى مَكْرُوهِهِ وَ أَذَى بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ الْمَنَّانُ يَدْبِغُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ اكْفِنِي حَسَدَ الْحَاسِدِينَ وَ بَغْيَ الْبَاغِينَ وَ كَيْدَ الْكَائِدِينَ وَ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَ حِيلَةَ الْمُحْتَالِينَ وَ غِيلَةَ الْمُغْتَالِينَ وَ ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَ جَوْرَ الْجَائِرِينَ وَ اعْتِدَاءَ الْمُعْتَدِينَ وَ سَخَطَ الْمُسْخِطِينَ وَ تَشَجُّبَ الْمُتَشَجِّبِينَ وَ صَوْلَةَ الصَّائِلِينَ وَ اقْتِسَارَ الْمُقْتَسِرِينَ وَ غَشَمَ الْغَاشِمِينَ وَ خَبْطَ الْخَابِطِينَ وَ سَعَايَةَ السَّاعِينَ وَ نَمِيمَةَ النَّامِينَ وَ سِحْرَ السَّحَرَةِ وَ الْمَرَدَّةَ وَ الشَّيَاطِينَ وَ جَوْرَ السَّلَاطِينِ وَ مَكْرُوهُ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ أَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلُمُ وَ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ وَجَلَتْ عَنْهُ الْقُلُوبُ وَ خَضَعَتْ لَهُ الرُّقَابُ وَ أَخِيَّتْ بِهِ الْمَوْتَى أَنْ تَغْفِرَ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَ ضَوْءِ النَّهَارِ عَمِيداً أَوْ خَطِئاً سِرّاً أَوْ عَلَانِيَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً وَ هَيْدِيّاً وَ نُوراً وَ عِلْماً وَ فَهْماً حَتَّى أَقِيمَ كِتَابَكَ وَ أَجَلَ حَلَالِكَ وَ أُحْرِمَ حَرَامَكَ وَ أُؤَدِّيَ فَرَائِصَكَ وَ أَقِيمَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ص اللَّهُمَّ الْحَقْنِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ وَ اخْتِمْ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ إِذَا فَنِيَ عُمْرِي وَ تَصَيَّرَتْ أَيَّامُ حَيَاتِي وَ كَدَانٌ لَمَّا بُدِيَ لِي مِنْ لِقَائِكَ فَاسْأَلْكَ يَا لَطِيفُ أَنْ زَنْدِكَانِي حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴۴ تَوَجَّبَ لِي مِنَ الْجَنَّةِ مَنَزَلاً يَغِطُّنِي بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ اقْبَلْ مَدْحَتِي وَ التَّهْنِئَاتِي وَ ارْحَمْ ضَرَاعَتِي وَ هَتَافِي وَ إِقْرَارِي عَلَى نَفْسِي وَ اعْتِرَافِي فَقَدْ أَسْمَعْتُكَ صَوْتِي فِي الدَّاعِينَ وَ خُشُوعِي فِي الضَّارِعِينَ وَ مَدْحَتِي فِي الْقَائِلِينَ وَ تَسْبِيحِي فِي الْمَادِحِينَ وَ أَنْتَ مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ وَ مُغِيثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ غِيَاثُ الْمَلْهُوفِينَ وَ حِزْزُ الْهَارِبِينَ وَ صَرِيحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُقِيلُ الْمُذْنِبِينَ وَ صِلَى اللَّهِ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ وَ النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ دَاخِي الْمَدْحُوتِ وَ بَارِي الْمُسْتَمُوكَاتِ وَ جَبَّالِ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا شَقِيهَا وَ سَعِيدِهَا اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَ كَرَامَتِ تَحِيَّاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْقَائِمِ بِحُجَّتِكَ وَ الذَّابِّ عَنْ حَرَمِكَ وَ الصَّادِعِ بِأَمْرِكَ وَ الْمُشِيدِ لآيَاتِكَ وَ الْمُوفِي لِنَذْرِكَ اللَّهُمَّ فَأَعْطِهِ بِكُلِّ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ نَقِيَّةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ وَ حَالٍ مِنْ أَحْوَالِهِ وَ مَنَزَلَةٍ مِنْ مَنَازِلِهِ رَأَيْتَ مُحَمَّدًا لَكَ فِيهَا نَاصِراً وَ عَلَى مَكْرُوهِهِ بَلَاءً صَابِراً وَ لِمَنْ عَزَاكَ مُعَادِياً وَ لِمَنْ وَالَاكَ مُوَالِياً وَ عَنْ مَا كَرِهْتَ نَائِياً وَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ دَاعِياً فَضَائِلُ مِنْ جَزَائِكَ وَ خَصَائِصُ مِنْ عَطَائِكَ وَ

حَبَائِكَ تُسْنِي بِهَا أَمْرَهُ وَ تُعْلِي بِهَا دَرَجَتَهُ مَعَ الْقَوْمِ بِقِسْطِكَ وَ الذَّائِبِينَ عَنْ حَرَمِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى سَنَاءٌ وَ لَا بَهَاءٌ وَ لَا رَحْمَةٌ وَ لَا كَرَامَةٌ إِلَّا خَصِيصَتٌ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ وَ آتَيْتَهُ مِنْكَ الذُّرَى وَ بَلَغْتَهُ الْمَقَامَاتِ الْعُلَى آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَ نَفْسِي وَ جَمِيعَ نِعَمَيْكَ عَلَيَّ فَاجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَ حِفْظِكَ وَ عِزِّكَ وَ مَنَعِكَ عِزَّ جَارِكَ وَ جَلَّ تَنَافُوكَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ حَسْبِيَ أَنْتَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ وَ نِعَمَ الْوَكِيلُ رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أُنَبِّئُكَ أَلَيْكَ الْمَصِيرُ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ- رَبَّنَا اضْرِبْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا- رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِضْرَارًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ زَنْدگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴۵ قَبْلُنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا» (۱) ترجمه: پاک و منزّه است او که تمامی موجودات در برابر عظمت او متواضعند، پاک و منزّه است آن که همه اشیاء در برابر عزّت او خوار و ذلیلند، پاک و منزّه است آن که همه چیز در برابر امر و حکومت او خاضع هستند، پاک و منزّه است همو که همه چیز در حیطه قدرت و توانایی او قرار دارد. حمد مخصوص پروردگاری است که هر که او را یاد کند فراموشش نمی کند، و هر که او را بخواند ناامیدش نمی سازد، و هر که بر او توکل کند او را کفایت می نماید، و حمد مخصوص خداوندی است که آسمانها را برافراشت، و زمین را مسطح گردانید، و دریاها را محدود ساخت، و کوهها را به صورت رشته‌هایی در آورد، و حیوانات و درختان را آفرید، و چشمه‌سارهای زمین را گشود، و به تدبیر امور پرداخت، ابرها را به گردش در آورد، و باد و آب و آتش را از اعماق زمین به سوی آسمان جاری ساخت، و گرما و سرما را در زمین قرار داد، خداوندی که با نعمتهایش کارهای نیک کامل شده، و شکر او نعمتها را افزایش داده، و به امر او آسمانها افراشته شده، و به عزّت او کوهها سر برافراشته، و حیوانات وحشی در دشتها و پرندگان در آشیانه‌ها به تسبیح او مشغولند. حمد از آن خداوندی است که بالا برنده درجات، و نازل کننده آیات، و گستراننده برکتها، و پوشاننده عیبه‌ها، و قبول کننده نیکیها، و بخشنده لغزشها، و برطرف کننده رنجها، و فرو فرستنده برکتها و اجابت کننده دعاها، و زنده کننده مردگان، و معبود همه ساکنان زمین و آسمانهاست. حمد و سپاس از آن آفریدگار یکتاست نسبت به همه حمد، ذکر، شکر، صبر، نماز، زکات، قیام و عبادت، سعادت و برکت، زیادی و رحمت، نعمت و کرامت، فرائض، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴۶ گشایش و سختی، شدّت و راحتی، سختی و آسانی، مصیبت و بلا، غنا و فقر، و همه مخصوص خداست که در همه حال، و در هر زمان، هر مکان و هر جایگاه کوچ و دگرگونی و توقّف صادر می گردد. پروردگارا! به تو پناهنده می شوم پس مرا پناه ده، و از تو یاری می جویم پس یاریم نما، از تو فریادرسی می خواهم پس به فریادم رس، و تو را می خوانم پس مرا اجابت کن، و از تو آموزش می طلبم، پس مرا ببخش، از تو یاری و کمک می خواهم پس کمک کن، و از تو هدایت می خواهم پس هدایت نما، و از تو کفایت می جویم پس کفایت کن، و به ریسمان محکم تو چنگ زده‌ام پس مرا محافظت فرما، و بر تو توکل نموده‌ام پس مرا کفایت نما؛ خداوند! مرا در پناه، جوار، حمایت، حراست، کفایت، حرمت، امنیت، و در زیر سایه خود قرار ده، و بر من سپر محکمی از جانب خود مقرر فرما تا از همه جوانب، پشت سرم، روبرویم، سمت راست، سمت چپ و از بالا و پایین مرا از صدمه و آزار مخلوقات محفوظ دارد، به حقّ تو که جز تو معبودی نیست، تویی منان، آفریننده آسمانها و زمین، دارنده جلالت و بزرگواری. پروردگارا! حسد حسودان، و تجاوز تجاوزگران، و کید و فریب مکاران، و نیرنگ حيله گران، غلوّ غلو کنندگان، و تهمت تهمت زندگان، و ظلم ستمگران، و ستم ستمکاران، و عصبانیت افراد تندخو، و اخم و تخم افراد ترشرو، و هیبت پرخاشگران، و تنگنای آنان که دیگران را در تنگنا و مضیقه قرار می دهند و خودسری زورمندان، و اشتباهکاری خطاکاران، و سعایت سعایتگران، و سحر جادوگران، و رانده شدگان و شیاطین،

و ظلم پادشاهان، و کارهای ناپسند جهانیان را از من دور دار. خداوند! به حرمت نامهای پوشیده، پاک و پاکیزه‌ات، که آسمانها و زمین بدانها استوار شده، و تاریکیها بدان درخشان گردیده، و فرشتگان بدان تسبیح گو شده، و قلبها از آنها در هراس بوده، و گردنها به سبب آنها خاضع شده، و مردگان را به آنها زنده می‌کنی، از تو می‌خواهم که تمام گناهان مرا ببخشی، چه آنها را که در تاریکی شب مرتکب شده باشم و چه روشنایی روز، چه عمدی بوده باشد و چه از روی خطا، در خفا بوده باشد و یا در آشکار؛ و از تو می‌خواهم تا به من یقین، هدایت، نور، علم و فهمی عنایت کنی، تا به آنها زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴۷

کتابت را بر پای داشته، و حلالیت را روا و حرمت را ناروا دانسته، و واجبات را انجام و سنت پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بر پا دارم. خدایا! مرا به صالحان در گذشته ملحق فرما، و از صالحان باقیمانده قرار ده، و اعمالم را به نیکوترین آنها خاتمه بخش، به درستی که تو بخشنده و آمرزنده و مهربانی. پروردگارا! آنگاه که عمرم به پایان رسیده، و ایام زندگانیم خاتمه یافته، و زمان ملاقات تو نزدیک شده، ای مهربان! از تو می‌خواهم که منزلی را در بهشت به من اختصاص دهی که تمام مخلوقات، از اولین و آخرین آنها، بدان حسرت برند. خداوند! حمد و ستایش مرا بپذیر، و به تضرع و زاریم، و اقرار و اعترافم علیه نفسم بر من رحم کن که صدایم را همراه دعاکنندگان، و خشوعم را همراه خاشعین، و مدحم را همراه ستایشگران، و تسبیحم را همراه مداحان، به گوش تو رسانیدم؛ و تو اجابت کننده دعای اشخاص مضطر و بیچاره و فریادرس استغاثه کنندگان، و پناه بی‌پناهان، و دادرس مؤمنان، و نگهدارنده گناهکاران از لغزش می‌باشی؛ و درود خدا بر [محمد صلی الله علیه و آله و سلم] بشارت دهنده و بیم دهنده و چراغ روشن و فروزان، و درود بر ملائک و پیامبران. پروردگارا! ای گستراننده زمینها، آفریننده آسمانها، خالق قلبها بر طریق فطرت، بدبخت ایشان و خوشبختشان، شریف‌ترین درودها و برترین برکتها، و ارزشمندترین تحیت‌ها را بر محمد که فرستاده تو، و امین بر وحی تو، و بر پا دارنده حجت، و نگهبان حریم حرمت، و انجام دهنده دستورات، و محکم محکم کننده آیات، و وفادار به نذرهای بفرست. خداوند! در مقابل هر فضیلتی از فضائل او، و هر منقبتی از مناقب او، و هر حالتی از حالات او، و هر منزلتی از منزلتهای او، حال که محمد را برای خود یار و یاور یافته‌ای، و بر رنجها و بلاها صابر، و بر دشمنانت دشمن، و بر دوستان دوست، و از مکروهات دور، و بر آنچه تو به سوی آن می‌خوانی دعوت کننده یافته‌ای، فضائلی از پاداشت و ویژگیهایی از عطایت را به او عطا فرما تا امرش را برتر و درجه‌اش را بلندتر گردانی، و این خصوصیات و عطیه‌هایی که او را عطا می‌نمایی به پای دارندگان عدالت و مدافعین از حرمت را نیز سهم گردان، تا اینکه برتری، ارزش، رحمت و کرامتی نمانده باشد مگر آنکه محمد را بدان مخصوص گردانیده باشی، و از جانب خود درجات عالی به او عطا فرمایی و او را به مقامات زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۴۸ والا- برسانی، اجابت فرما ای پروردگار جهانیان. خداوند! دین، جان و تمام نعمتهایی را که به من داده‌ای به خودت می‌سپارم، پس مرا در حفظ، حراست و کفایت خود قرار ده، همانا در جوار تو بودن موجب عزت و سربلندی است، مدح و ثنای تو بلند مرتبه، و نامهایت مقدس است و جز تو معبودی نیست، تو در خوشحالی و ناراحتی، و در شدت و آسایش، مرا کافی هستی، و چه کفایت کننده نیکویی! پروردگارا! بر تو توکل می‌کنم، و به سوی تو زاری و انابه دارم، و باز گشتم به سوی توست؛ خدایا! مرا وسیله آزمایش کسانی که کافر شده‌اند قرار مده، و ما را پیامرز که همانا تو عزیز و حکیمی؛ خداوند! عذاب جهنم را از ما دور کن، چرا که عذاب آن جاودان است، و به راستی که آنجا بد جایگاهی است؛ پروردگارا! بین ما و قوم ما به حق گشایش و فرجی عطا فرما که تو بهترین گشایشگران هستی. پروردگارا! ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را ببخش، و خطاهایمان را ببوشان، و ما را با نیکان بمیران؛ خداوند! آنچه را که به فرستادگانت وعده داده‌ای نصیب ما بفرما، و روز قیامت ما را عذاب مکن، به درستی که تو خلاف وعده‌هایت عمل نمی‌کنی. خداوند! اگر فراموش کرده و یا اشتباهی کردیم ما را مؤاخذه منما؛ پروردگارا! تکلیف سخت و دشواری که ما از عهده آن بر نمی‌آییم و آن گونه که بر پیشینیان ما قرار دادی، بر ما قرار مده! خداوند! چیزهایی را که بر انجام آن قادر نیستیم از ما مخواه، و ما را عفو کن، و گناهانمان را ببخشای و مورد رحمت قرار ده، تو مولای ما

هستی، پس ما را در مقابل کافران یاری فرما. خداوندا! ما را در دنیا و آخرت نیکی و خوبی عطا فرما، و به رحمت ما را از عذاب آتش محفوظ بدار، و درود خدا بر آقای ما محمد رسول خدا و خاندان پاک او، و سلام بیکران بر ایشان باد.

ضمیمه هفتم دعا‌های منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام برای روزهای هفته

دعای روز شنبه

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ وَ هَبْ لَنَا اللَّهُمَّ رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنَا بَعْدَهَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ ارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تُحَوِّجْنَا وَ لَا تُفْقِرْنَا إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ وَ زِدْنَا لَكَ شُكْرًا وَ إِلَيْكَ فَقْرًا وَ فَاقَهُ وَ بِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ غِنًى وَ تَعَفُّفًا اللَّهُمَّ وَسَّعْ عَلَيْنَا فِي الدُّنْيَا اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ تَزُوِيَ وَجْهَكَ عَنَّا فِي حَالٍ وَ نَحْنُ نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِيهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنَا مَا تُحِبُّ وَ اجْعَلْهُ لَنَا قُوَّةً فِيمَا تُحِبُّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «۱» ترجمه: پروردگارا! گنجهای رحمت را به روی ما بگشا، و ما را مشمول رحمت قرار ده، رحمتی که بعد از آن، در دنیا و آخرت عذابمان ننماید، و از فضل وسعت ما را از روزی پاک و حلال بهره‌مند گردان، و ما را محتاج و نیازمند و فقیر درگاه کسی غیر از خودت قرار مده، و شکرگزاری ما را نسبت به خودت، فقر و نیازمان را به خودت افزون فرما، تا از غیر تو بی‌نیاز و خویشتن‌دار باشیم. خدایا! گشایش در دنیا را به ما عطا فرما، پروردگارا! به تو پناه می‌بریم از اینکه ما را از دیدارت منع و مانع گردی که ما در همه حال به تو و دیدار تو رغبت داریم. پروردگارا! بر محمد و خاندان و محمد درود فرست، و از آنچه دوست داری به ما عطا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۵۰ فرما، و آن را برای ما موجب نیرو و قوتی در آنچه که دوست داری قرار ده، ای برترین رحم‌کنندگان!

دعای روز یک شنبه

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا فَلَاحًا وَ آخِرَهُ نَجَاحًا وَ أَوْسَطَهُ صَلَاحًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ أَنْابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ وَ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ وَ تَضَرَّعَ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَهُ «۱» ترجمه: پروردگارا! اوّل این روزم را رستگاری و آخرش را موفقیت، و میان آن را صحت و رستگاری قرار ده، خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به سوی تو روی آورده‌اند و تو آنان را پذیرفته‌ای، و بر تو توکل کرده‌اند و تو آنان را کفایت کرده‌ای، و به سوی تو زاری نموده‌اند و تو آنان را مشمول رحمت قرار داده‌ای.

دعای روز دوشنبه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ وَ تَبَصُّرًا فِي كِتَابِكَ وَ فَهْمًا فِي حُكْمِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلِ الْقُرْآنَ بِنَا مَاجِلًا وَ الصِّرَاطَ زَائِلًا وَ مُحَمَّدًا صَ غَنَّا مُؤَلَّيًّا «۲» ترجمه: پروردگارا! از درگاهت قدرتی برای عبادت و بندگی، بینشی برای درک قرآن، و فهم لازم برای درک احکامات را خواستارم، پروردگارا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و فهم قرآن را دور از دسترس فکر ما، و صراط را نابودکننده ما، و محمد را روی گردان از ما قرار مده.

دعای روز سه شنبه

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَ اجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا وَ اجْعَلْ صَالِحَ مَا نَقُولُ بِأَلْسِنَتِنَا نِيَّةً فِي قُلُوبِنَا اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ

دُنُونَا وَ رَحْمَتِكَ أَرْجَى عِنْدَنَا مِنْ أَعْمَالِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَفَّقْنَا لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَ الصَّوَابِ مِنَ الْفِعَالِ «۱» ترجمه: پرورد گارا! بی خبری و غفلت مردم را برای ما موجب یادآوری، و آگاهی آنان را برای ما موجب شکر و سپاس قرار ده، و سخن صحیحی را که بر زبانمان جاری می شود نیت قلبهای ما قرار ده؛ پرورد گارا! غفران و گذشت تو از گناهان ما گسترده تر و رحمت تو از اعمال ما امیدوار کننده تر است؛ خداوند! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را بر انجام اعمال شایسته و کارهای نیک موفق بدار!

دعای روز چهارشنبه

اللَّهُمَّ احْرُسِنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ رُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ بِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ احْفَظْ عَلَيْنَا مَا لَوْ حَفِظَهُ غَيْرُكَ ضَاعَ وَ اسْتُرْ عَلَيْنَا مَا لَوْ سَتَرَهُ غَيْرُكَ شَاعَ وَ اجْعَلْ كُلَّ ذَلِكَ لَنَا مَطْوَعًا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبُ مُجِيبِ «۲» ترجمه: پرورد گارا! ما را با دیدگانت که هرگز به خواب نمی رود، و با پایه و ستونی که هرگز ویران نمی شود، و با نامهای با عظمت خودت حفاظت فرما، و بر محمد و خاندانش درود فرست، و برای ما حفظ کن آنچه را که اگر نگاهبانی غیر از تو داشته باشد تباه می گردد، و پوشان آنچه را که اگر غیر از تو آن را پوشاند فاش می شود، و همه اینها را وسیله پیروی و طاعت ما قرار ده، همانا تو خواسته ها را می شنوی، و به ما نزدیک هستی، و دعاها را اجابت می کنی.

دعای روز پنج شنبه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ التُّقَى وَ الْعِفَافَ وَ الْغِنَى وَ الْعَمَلَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُوَّتِكَ لِضَعْفِنَا وَ مِنْ غِنَاكَ لِفَقْرِنَا وَ فَاقَتِنَا وَ مِنْ حِلْمِكَ وَ عِلْمِكَ لِجَهْلِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِنَّا عَلَى شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «۱» ترجمه: پرورد گارا! هدایت، تقوی، عفاف، بی نیازی، و عمل به آنچه که تو از آن راضی و خشنود می گردی را تقاضا می کنم؛ خداوند! برای ناتوانی خودمان از قوت تو، برای فقرمان از بی نیازی تو و برای جهل و نادانی خویش از علم و حلم تو خواستارم؛ خداوند! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما را بر شکر، ذکر، اطاعت و عبادت خودت یاری کن، [سوگند می دهیم تو را]، به رحمت ای برترین رحم کنندگان!

دعای روز جمعه

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَقْرَبِ مَنْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ وَ أَوْجَهِ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ وَ أَنْجِحْ مَنْ سَأَلَكَ وَ تَضَرَّعَ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ كَانَتْ يَرَاكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي فِيهِ يَلْقَاكَ وَ لِمَا تُمْتَنَّا إِلَّا عَلَى رِضَاكَ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ أَخْلَصَ لَكَ بِعَمَلِهِ وَ أَحَبَّكَ فِي جَمِيعِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لَنَا مَغْفِرَةً جَزْمًا حَقًّا لِمَا نَقْتَرِفُ بَعِيدَهَا ذَنْبًا وَ لَا نَكْتَسِبُ خَطِيئَةً وَ لَا إِنَّمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ لِمَا نَمِيَّةً دَائِمَةً زَاكِيَةً مُتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «۲» ترجمه: پرورد گارا! ما را از نزدیکترین کسانی که به تو تقرب جستند، و از آبرومندترین کسانی که به تو روی آورده اند، و از نجات یافتگانی که به تو روی آورده اند و از موفقترین درخواست کنندگان و زاری کنندگان به درگاهت قرار ده! خداوند! ما را از کسانی قرار ده که گویی تو را در همه حال تا روز قیامت می بینند، و ما را نمران مگر آنکه از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۵۳ ما راضی و خشنود شده باشی؛ خداوند! ما را از کسانی قرار ده که در مقام عمل اخلاص ورزیده اند و در همه حال تو را دوست می دارند و کسی را به تو ترجیح نمی دهند. پرورد گارا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما را مورد مغفرت و بخشش قطعی و حتمی خویش قرار ده،

بخششی که بعد از آن گناهی مرتکب نشویم و خطایی از ما صادر نشود؛ خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، درودی بارور و زاینده، دائم، پاک، پی در پی و پیوسته، [سوگند می دهیم تو را] به رحمتی برترین رحم کنندگان!

ضمیمه هشتم سایر دعا‌های منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام

حرز مشهور حضرت فاطمه

بسم الله الرحمن الرحيم. یا حی یا قیوم، برحمتک أستغیث فأغثنی، ولا تکلنی إلی نفسی طرفه عین أبدا، وأصلح لی شأنی کله. «۱» ترجمه: به نام خداوند بخشنده مهربان. ای زنده پایدار، به رحمت پناه آورده‌ام پس مرا زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۵۵ پناه ده، و مرا به قدر لحظه‌ای به حال خود وامگذار، و تمام شئون و همه امور مرا اصلاح فرما!

حرز دیگر حضرت فاطمه علیها السلام

یا حی یا قیوم - برحمتک أستغیث فأغثنی اللهم زحزحنی عن النار - وأذخنی الجنه و ألحقنی بابی محمد «۱» ترجمه: ای زنده پایدار، به رحمت پناه آورده‌ام پس پناه ده، خداوندا! مرا از آتش دور دار و در بهشت وارد کن، و مرا به پدرم محمد صلی الله علیه و آله و سلم ملحق نما.

تعویذ حضرت فاطمه علیها السلام

اللهم إني أستهديك لإرشاد أُمري وأعوذ بك من شر نفسي اللهم عملت سوء وظلمت نفسي فأغفر لي إنه لا يغفر الذنوب إلا أنت «۲» ترجمه: پروردگارا! از تو طلب هدایت می‌کنم برای آنکه در کارهایم راه درست را نشانم دهی، و از شرّ نفسم به تو پناهنده می‌شوم. خداوندا! بد عمل کردم و به نفس خود ظلم روا داشتم، پس مرا ببخش که کسی گناهان را نمی‌بخشد مگر تو! یادآوری می‌شود که جهت استفاده بیشتر، حرزهای دیگری نیز در فصل ششم از ضمیمه چهارم همین کتاب آمده است.

دعا برای رفع سر درد و رفع بی‌خوابی

یا مشبع الجائعه، و یا کاسی الجسوم العاریه، و یا ساکن العروق الضاربه، و یا منوم العیون زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۵۶ الساهره، سکن عروقی الضاربه، و أذن لعینی نوما عاجلا. «۱» ترجمه: ای سیرکننده شکمهای خالی و گرسنه، و ای پوشاننده بدنهای عریان، و ای آرام‌کننده ضربان آزار دهنده رگها، و ای آرامش بخش و خواب‌کننده چشمهای بی‌خواب، رگهای مرا آرام گردان، و خواب را هر چه زودتر بر چشمهای من غالب گردان.

دعا برای شیعیان

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن، إن ربنا لغفور شكور، الذي أحلنا دار المقامة من فضله، و لا يمسنا فيها نصب و لا يمسنا فيها لغوب. إلهی أنت المنی، و فوق المنی، أسألك أن لا تعذب محبی و محب عترتی بالنار. «۲» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۵۷ ترجمه: به نام خداوند بخشنده مهربان، حمد اختصاص به خدایی دارد که حزن و اندوه را از ما زدود، به درستی که پروردگار ما بسیار بخشنده و شکرگزار است، کسی که از فضل خود ما را در بهشت ساکن گردانید تا در

آن رنجی به ما نرسد. پروردگارا! تو آرزوی من و بالاتر از آرزوی من هستی، از تو می‌خواهم دوستدارانم و دوستداران فرزندانم را در آتش عذاب نکنی.

دعا برای برآورده شدن حوائج

يَا أَغْرَ مَذْكُورٍ وَأَقْدَمُهُ قَدَمًا فِي الْعِزِّ وَالْجَبْرُوتِ - يَا اللَّهُ يَا رَحِيمَ كُلِّ مُتَرْحِمٍ وَمَفْزَعَ كُلِّ مَلْهُوفٍ يَا رَاحِمَ كُلِّ حَزِينٍ يَشْكُو بَنَّهُ وَحَزَنَهُ إِلَيْهِ - يَا اللَّهُ يَا خَيْرَ مَنْ طَلَبَ الْمَعْرُوفَ مِنْهُ وَأَسْرِعَهُ إِعْطَاءً - يَا مَنْ تَخَافُ الْمَلَائِكَةُ الْمُتَوَقَّعَةَ بِالنُّورِ مِنْهُ أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا حَمَلَةُ عَرْشِكَ - وَيَسْتَبْجُونَ بِهَا شَفَقَهُ مِنْ خَوْفِ عَذَابِكَ - وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا جَبْرَائِيلُ - وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ إِلَّا أَجَبْتَنِي - وَكَشَفْتَ كُرْبَتِي يَا إِلَهِي وَسَتَرْتَ ذُنُوبِي زَنْدِگَانِي حَضْرَت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۵۸ - يَا مَنْ يَا مُرَّ بِالصَّيْحَةِ فِي خَلْقِهِ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ مُحْشُورُونَ وَبِذَلِكَ الْإِسْمِ الَّذِي تُحْيِي بِهِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ - أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي وَتَشْرَحَ صَدْرِي وَتُصْلِحَ شَأْنِي يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقَاءِ - وَخَلَقَ لِإِبْرَاهِيمَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ - يَا مَنْ فَعَلَهُ قَوْلٌ وَقَوْلُهُ أَمْرٌ وَأَمْرُهُ مَاضٍ عَلَى مَا يَشَاءُ - وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهَا خَلِيلُكَ - حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ «۱» وَبِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْمَأْيَمِنِ - فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ عِيسَى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي وَهَبْتَ لِزَكَرِيَّا يَحْيَى - وَبِالْإِسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ عَنْ أَيُّوبَ الضُّرَّ - وَبِالْإِسْمِ الَّذِي ثَبَّتَ عَلَى دَاوُدَ وَسَخَّرْتَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ - وَالشَّيَاطِينَ وَاعْلَمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْكُرْسِيَّ - وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الرُّوحَانِيَّينَ - وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْجَنَّ وَالْإِنْسَ - وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ الْخَلْقِ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ وَجَمِيعَ مَا أَرَدْتَ مِنْ شَيْءٍ - وَبِالْإِسْمِ الَّذِي قَدَّرْتَ بِهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَمَّا أُعْطِيتَنِي سُؤْلِي وَقَضَيْتَ خَوَائِجِي يَا كَرِيمَ «۲» زَنْدِگَانِي حَضْرَت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۵۹ ترجمه: ای گرامی‌ترین نامی که یاد شده، و دیرینه‌ترین نام در عزت و فرمانروایی، ای رحم‌کننده بر هر که از او طلب رحمت کند، و پناه هر که به او پناهنده شود، ای رحم‌کننده بر هر محزونی که شکوه و شکایت به سوی او برد، ای بهترین کسی که از او نیکی طلب شده و به سرعت آن را اجابت فرمود، ای کسی که فرشتگان نورانی از او در هراسند! به حق نامهایی که حاملان عرش، و آنان که در اطراف آن قرار دارند، و از هراس عقاب تو تسبیح و تنزیه تو را می‌گویند، تو را بدان نامها می‌خوانند، و به حق نامهایی که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل تو را بدان نامها می‌خوانند، از تو می‌خواهم دعایم را اجابت کنی، و مشکلم را برطرف کرده، و گناهانم را ببوشانی. ای کسی که فرمان می‌دهد نفخه صور در میان موجودات دمیده شود، تا آنان در اجتماع بزرگ قیامت گرد هم آیند، و به حق آن نامی که استخوانهای پوسیده را زنده می‌کنی، از تو می‌خواهم که قلبم را زنده، سینه‌ام را گشاده، و امورم را اصلاح فرمایی. ای کسی که بقا و جاودانگی را ویژه خود قرار داده، و مرگ و زندگی و فنا را برای زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶۰ موجوداتش خلق فرموده، ای کسی که عملش مطابق گفتارش و گفتارش همانند فرمانش، و فرمانش بر هر چه خواهد جاری می‌باشد. به حق آن نامی که [حضرت ابراهیم] خلیل تو، آنگاه که در آتش انداخته می‌شد تو را بدان نام خواند، و تو دعایش را اجابت فرمودی، و گفتی: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شو»، و به نامی که موسی از کنار طور ایمن تو را بدان نام خواند، و تو او را اجابت فرمودی، و به نامی که عیسی را از روح القدس آفریدی. و به نامی که یحیی را به زکریا بخشیدی، و به نامی که رنج و مشقت را از ایوب مرتفع ساختی، و به نامی که توبه داود را پذیرفتی، و بادها را برای سلیمان مسخر نمودی که به فرمان او به گردش در آیند، همچنین جن را برای او مسخر کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی. و به نامی که عرش را با آن آفریدی، و جهان را به آن خلق فرمودی، و فرشتگان را با آن ایجاد کردی، و جن و انس را با آن خلق کردی، و به نامی که تمامی مخلوقات را پدید آوردی. و به نامی که آنچه خواستی خلق فرمودی، و به نامی که بر هر چیز قادر شدی، به حق این نامها از تو می‌خواهم که حاجتم را برآوری، و خواسته‌هایم را اجابت فرمایی، ای بخشنده!

دعا برای برآورده شدن حاجتها و کارهای مهم

بِحَقِّ يَسِّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَبِحَقِّ طِهِّ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مَنْ يَسِّرُ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفْرَجَ عَنِ الْمُغْثَمِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِى وَتَذَكَّرِ الْحَاجَّةَ «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶۱ ترجمه: به حق یاسین و قرآن حکیم، به حق طه و قرآن عظیم، ای خدایی که بر حاجتهای حاجتمندان قادر و توانا هستی، ای آنکه اسرار پنهان همه را می دانی، ای برطرف کننده مشکل آنان که دچار گرفتاری شده اند، ای برطرف کننده غمهای مردم اندوهگین، ای رحم کننده به پیر مردان، ای روزی دهنده به کودکان صغیر، ای خدایی که بی نیاز از هر تفسیری، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ... [در این قسمت دعا هر حاجتی که دارید بخواهید].

دعا برای کسب خلیات نیکو و شایسته

اللَّهُمَّ بَعِّلْكَ الْغَيْبَ وَقُدِّرْكَ عَلَى الْخَلْقِ أَحْيَيْ مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ كَلِمَةً الْإِخْلَاصِ وَخَشْيَتِكَ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ وَالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَأَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْقُذُ وَأَسْأَلُكَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَأَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَأَسْأَلُكَ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ وَالشُّوقَ إِلَى لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَاءٍ مُضِرَّةٍ وَلَا فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ اللَّهُمَّ زَيْنًا بَزِينَهُ الْإِيمَانَ وَاجْعَلْنَا هِدَاةً مَهْدِيَيْنِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶۲ ترجمه: پروردگارا! به علم غیب و قدرتت بر آفریدگان، تا آنجا که زندگی را برایم خیر می دانی، زنده ام بدار! و آن هنگام که مرگ برایم بهتر است، مرا بمیران! بار خدایا، از تو کلمه اخلاص و ترس از خودت چه در حال رضا و خوشنودی و چه در حال غضب و خشم را خواستارم و همچنین میانه روی و اعتدال در تهیدستی و بی نیازیم را. و نیز نعمت جاویدان و روشنی چشم همیشگی و پایدار و پیوسته را خواهانم چنان که خوشنودی نسبت به قضای تو را می طلبم. پروردگارا! زندگی خوش بعد از مرگ و دیدار جمال و چهرهات و شوق وصال و لقای تو را بی آنکه در حالت زیان و ضرر و یا فتنه ای ظلمانی و تاریک باشد زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶۳ [آنچنان که در پیشگاه تو در حال بازخواست نسبت به اعمال نابجای خود باشم بلکه سرفراز و آمرزیده باشم] خواستارم، بار الها! ما را به زینت و زیور ایمان مزین فرما و از راهنمایان راه یافته قرارمان ده، ای آفریدگار و خالق جهانیان!

دعا برای برآورده شدن حاجات

اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَاسْتُرْنِي وَعَافِنِي أَيْدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَاعْفُرْ لِي وَارْحَمْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي اللَّهُمَّ لَا تُغْنِيَنِي فِي طَلَبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي وَمَا قَدَّرْتَ عَلَيَّ فَاجْعَلْهُ مُيسِّرًا سَهْلًا اللَّهُمَّ كَافِ عَنِّي وَالْإِدَى وَكُلِّ مَنْ لَهُ نِعْمَةٌ عَلَيَّ خَيْرٌ مُكَافَاةً اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكَفَّلْتَ لِي بِهِ وَلَا تَعِذِّبْنِي وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَلَا تَحْرِمْنِي وَأَنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ ذُلًّا نَفْسِي وَعَظْمَ شَأْنِكَ فِي نَفْسِي وَالْهَمْنِي طَاعَتِكَ وَالْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ وَالتَّجَنُّبَ لِمَا يُسْخِطُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «۱» ترجمه: خداوندا! مرا به آنچه که روزیم نموده ای قانع ساز، و تا هنگامی که باقی نگاه می داری [عیب] مرا بپوشان و سلامت بدار، و هنگامی که میراندی مرا بیامرزد و رحمت نمای. بار خدایا! در جستجوی آنچه که برایم مقدر نموده ای خسته ام مکن، و آنچه را که برایم مقدر نموده ای دستیابی به آن را سهل و آسان ساز. پروردگارا! به بهترین وجه پدر و مادر و تمامی کسانی را که موهبتی بر من داشته اند پاداش خیر عنایت فرما. خدایا مرا برای کاری که به خاطر آن آفریده شده ام آسوده خاطر قرار ده و مرا به آنچه که خود متکفل آن گردیده ای مشغول مدار، و در حالی که از تو

طلب غفران و بخشش می‌کنم عذابم مکن، و در حالی که از تو درخواست می‌نمایم محروم مساز. پروردگارا! نفس مرا در نظر خودم خوار و ذلیل، و شأن و منزلت خودت را در نظرم بزرگ بدار، و طاعت نسبت به خودت و عمل به آنچه که خوشنودی و رضای تو را فراهم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶۴ می‌سازد، و اجتناب از آنچه که تو را به خشم می‌آورد، به من الهام فرما، ای بخشنده‌ترین بخشنندگان!

دعا برای آسان شدن کارها و پرداخت قرض

اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ مُنْزِلُ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْفُرْقَانِ فَالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوَى أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ أَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ وَ يَسِّرْ لِي كُلَّ الْأَمْرِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶۶ ترجمه: بار خدایا! ای آفریدگار ما و پروردگار همه چیز، ای نازل‌کننده تورات و انجیل و قرآن، ای شکافنده دانه و هسته! از شر هر جنبنده‌ای که فرمان آن به دست توست، به تو پناهنده می‌شوم. تو اول هستی و پیش از تو هیچ موجودی نبوده، و تو آخرین خواهی بود و بعد از تو چیزی باقی نمی‌ماند، و تو آشکاری و برتر و بالاتر از تو چیزی نیست، و تو باطن همه جهان هستی و به جز تو مؤثری در عالم نیست، بر محمد و خاندانش درود فرست، و قرض مرا تسویه نما، و مرا از بی‌چیزی و تهی‌دستی نجات بخش، و همه امور را بر من آسان گردان، ای بخشنده‌ترین بخشنندگان

دعای رؤیت هلال ماه رمضان

ربنا و ربك الله رب العالمين، اللهم اجعله علينا هلالا مباركا، ووفقنا لصيام شهر رمضان، و سلمنا فيه، و تسلما منه، في يسر و عافية، و استعملنا فيه بطاعتك، إنك على كل شيء قدير. «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶۷ ترجمه: پروردگار ما و تو خلق‌کننده همه هستی است؛ پروردگارا! این هلال ماه را برای ما، هلالی مبارک (پر برکت) قرار بده، و ما را برای روزه ماه رمضان موفق بدار، و ما را در آن سالم گردان، و این ماه را از ما سلامت قرار ده، در راحتی و آسایش. و ما را در این ماه به طاعت و عبادت خود مشغول دار، به درستی که تو بر هر کار توانا و قادر می‌باشی.

دعا برای هنگام خواب

الحمد لله الكافي، سبحان الله الأعلى، حسبى الله و كفى، ما شاء الله قضى، سمع الله لمن دعا، ليس من وراء الله ملجأ ولا وراء الله ملتجأ. توكلت على الله ربى و ربكم، ما من دابة إلا هو آخذ بناصيتها، إن ربى على صراط مستقيم، الحمد لله الذى لم يتخذ ولدا، و لم يكن له شريك فى الملك، و لم يكن له ولى من الذل و كبره تكبيرا. «۱» ترجمه: سپاس و حمد مخصوص است به خداوند یکتا و کفایت‌کننده (همه امور زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶۸ مخلوقات)، پاک و منزّه است پروردگار متعال همو که والاترین و برترین است، خداوند مرا بس است و کفایت می‌کند، آنچه که او اراده کند واقع می‌شود، هر که او را بخواند حضرتش شنواست، تنها اوست که پناه می‌دهد و فقط به او باید پناه برد، توکل بر خدای واحد می‌کنم همو که آفریدگار من و شماست. جنبنده‌ای نیست که تقدیرش به دست او نباشد، آفریدگارم بر طریق صحیح و مستقیم است. سپاس و حمد مخصوص اوست که فرزندی ندارد و برایش در سلطنتش شریکی وجود ندارد و سرپرستی نیز بر او متصور نیست، پس او را با بانگ الله اکبر بزرگ و با عظمت دار.

دعا برای رفع تب

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يَا أُمِّ مِلْدَمٍ إِنَّ كُنْتَ آمَنْتَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَرَسُولِهِ الْكَرِيمِ فَلَا تَهْشِمِي الْعَظَمَ وَلَا تَأْكُلِي اللَّحْمَ وَلَا تَشْرَبِي الدَّمَ أَخْرِجِي مِنْ حَامِلٍ كِتَابِي هَذَا إِلَى مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَرَسُولِهِ الْكَرِيمِ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع «۱» و برای اوست آنچه در شب و روز آرام می گیرد، و او شنوا و داناست. ای تب اگر به خدای بزرگ و فرستاده گرامیش ایمان داری، پس استخوانها را خورد نکرده، و گوشتها را نخور، و خونها را ننوش، از حامل این نوشته به سوی کسی که به خدای بزرگ و پیامبر گرامیش و خاندان او، یعنی محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین - علیهم السلام - ایمان ندارد، برو.

دعای طلب خلاصی از زندان

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عَلَيْهِ وَبِحَقِّ الْوَحْيِ وَمَنْ أَوْحَاهُ وَبِحَقِّ النَّبِيِّ وَمَنْ نَبَّاهُ وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ يَا يَارِئِ النَّفُوسِ بَعِيدِ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَآتِنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا زنده گانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۶۹ فَرَجاً مِنْ عِنْدِكَ عَاجِلاً بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً «۱» ترجمه: پروردگارا! سوگند به عرش و آن که او را برافراشت، و سوگند به وحی و آن که او را نازل کرد، و سوگند به پیامبر و آن که او را به نبوت برگزید، و سوگند به کعبه و آن که او را برافراشت، ای شنونده ای که هر صدایی را می شنوی، ای گردآورنده هر آنچه که از دست رفته، ای خالق جانها بعد از مرگ، درود فرست بر محمد و اهل بیت او، و از جانب خود گشایشی برای همه مؤمنین گرفتار از زن و مرد، در شرق و غرب عالم فرو فرست به حق شهادت به یگانگی خدا و اینکه محمد بنده و رسول توست. درود و سلامی تمام از خدا بر او و بر ذریه پاک و طاهر او باد!

دعای مکارم الاخلاق

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَيَسِّرْ لِي الْأَعْمَالَ الَّتِي تُحِبُّهَا وَتُحِبُّ الْعَامِلِينَ لَهَا وَأَعِنِّي عَلَيْهَا وَاصْرِفْ عَنِّي الْأَعْمَالَ الَّتِي تَكْرَهُهَا وَتَكْرَهُ الْعَامِلِينَ لَهَا وَأَعِنِّي عَلَى تَرْكِهَا اللَّهُمَّ أَوْصِنِي إِلَيْكَ مِنْ أَقْرَبِ الطُّرُقِ إِلَيْكَ وَأَسْهَلِهَا عَلَيَّ اللَّهُمَّ اعِزَّنِي بِالْإِنْفِطَاحِ إِلَيْكَ بِمَا ضَرُورَةٌ وَأَحْسِنْ لِي الْمَادَبَ بِمَا عُقُوبَةٌ وَأَجِرْ لِي الثَّوَابَ بِمَا مُصِيبَةٌ وَأَحْسِنْ لِي الْإِخْتِيَارَ بِمَا كَرَاهِيَةٌ اللَّهُمَّ خِزْلِي بِمَيْسُورِ الْأُمُورِ لَا بِمَعْسُورِهَا وَاجْعَلْ لِي فِي ذَلِكَ مَا تُحِبُّ اللَّهُمَّ وَجِّهْنِي لِلْخَيْرِ وَيَسِّرْ لِي لَهُ وَأَعِنِّي عَلَيْهِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِهِ وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْأَدَبِ فِيمَا تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ فِيهِ زنده گانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۷۰ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي لَكَ شَاكِراً وَ لَكَ ذَاكِراً وَ لَكَ حَامِداً وَ إِلَى طَاعَتِكَ عَامِداً وَ بِقَضَائِكَ رَاضِياً وَ عَنْ سَخَطِكَ نَائِياً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبَالِ لَيْلِكَ وَ إِذْبَارِ نَهَارِكَ وَ حُضُورِ صَلَاتِكَ وَ أَصْوَاتِ دُعَائِكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَحْشُرْنَا فِي شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ سَلِّمْ تَسْلِيماً «۱» ترجمه: پروردگارا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و انجام آن کارهایی را که دوست می داری و انجام دهنده آنها را دوست می داری بر من آسان گردان، و مرا به ترك کارهایی که ناپسند می داری و انجام دهنده آنها را مبعوض می شناسی موفق بدار. بار خدایا! مرا از نزدیکترین راههایی که به سوی تو ختم می شود و برایم از همه آسانتر است، به وصال خود رسان. بار الها! مرا بدون هیچ نیاز به جدایی و فاصله نزد خودت عزیز بدار، و به بهترین نحو که در آن مجازات و تنبیهی

نباشد، ادب و تربیت فرما! و بدون آنکه بر من حادثه و مصیبتی پیش آید، اجر و پاداش عطا فرما، و بهترین اختیار و انتخاب را در مورد من داشته باش بدون آنکه اجبار و اکراهی در کار باشد. پروردگارا! مرا به کارهای آسان و سهل مکلف گردان و از من اعمال شاق و دشوار مطالبه مکن، و آنچه را که دوست داری مرا در انجام آنها موفق بدار، خدایا! مرا متوجه انجام کارهای خیر و نیکو کن و انجام آنها را برای من آسان گردان و در انجام آنها مرا یاری کن، و مرا نیز از اهل خیر قرار داده حسن ادب را نصیب من قرار ده آنچنان که به واسطه آنها توجه به تو داشته باشم. پروردگارا! مرا شاکر و حامد نسبت به خود قرار ده و به درستی و دقت تمام در طریق طاعت و بندگی خود هدایت فرما، و راضی به قضایی که اراده فرموده‌ای قرار ده و از سخط و غضب خویش بترسان، ای برترین رحم‌کنندگان. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۷۱ به نام خداوند بخشنده و مهربان، پروردگارا! از تو در هر شب و روزت، در حضور نمازت و به هنگام صداهای دعای به پیشگاهت خواهانم که بهترین درودهای خود را نصیب محمد و خاندان محمد گردانی، و مرا با شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم محشور نمایی، درود و سلام تمام و کامل خدا بر او و آل او باد!

دعا برای شب و روز جمعه، شب و روز عرفة و روز عید فطر

الهی و سیدی من تهیّا أو تعبّا - أو أعید أو استعّد، لوفادۀ مخلوق - رجاء رفیده و فوائد و نائله، و فواضله و جوائزه، فإلیک یا الهی تهیّتی و تعبّتی و أعیدادی و استعّادی رجاء فوائدک و معروفک و نائلک و جوائزک، فلا- تخینی م ذلک، یا من لا تخیب علیّه مسألۀ السائل و لا تنقضه عطیۀ نائل، فإنی لم آتک بعمل صالح قدّمته - و لا شفاعة مخلوق رجوته أتقرب إلیک بشفاعته إلا شفاعة محمد و أهل بینه أتیتک أرجو عظیم عفوک الذی عیدت به علی الخاطیین عند عکوفهم علی المحارم، فلم یمنعک طول عکوفهم علی المحارم أن جدت علیهم بالمغفرة، و أنت سیدی العواد بالنعماء، و أنا العواد بالخطاء، أسألك بحق محمد و آله الطاهرين أن تغفر لی الذنب العظیم، فإنه لا یغفر العظیم إلا العظیم یا عظیم یا عظیم یا عظیم یا عظیم. «۱» زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۷۲ ترجمه: ای معبود و آقای من، هر کسی مهتیا و مجهز، آماده و توشه برگرفته تا به همراه صله، بهره، عطیه، بخشش و جایزه‌ای نزد مخلوقی برود، پروردگارا! مهتیا شدن و مجهز بودن، آمادگی و توشه برگرفتن به امید بهره، نیکی، عطیه و جایزه توست، پس محروم منما ای خدایی که هیچ حاجتمندی را از درگاهت نرانده‌ای، و بخشش تو با بخشیدن به مردمان هیچ کاهشی نیافته، چرا که من با عمل شایسته‌ای که پیش از این انجام داده‌ام، و یا با شفاعت مخلوقی که امید به آن بستم نزد تو نیامده‌ام، بلکه دست به دامن شفاعت محمد و اهل بیت او زده‌ام و امید به عفو و بخشش بزرگوارانه و والای تو دارم، عفو و بخششی که به گناهکاران در هنگام ارتکاب اعمال ناروا و حرام وعده داده‌ای، به طوری که پافشاری آنها در انجام گناه تو را از بخشش و گذشت نسبت به آنان باز نداشته است. تو ای آقا و سرور من! بسیار بخشنده و منعم هستی و به هنگام بازخواست به لطف و عنایت خویش برگزار می‌کنی و من بسیار خطاکار و در هنگام عمل به خطا و لغزش برگزار می‌کنم، پس به حق محمد و خاندان او که از پاکانند، از تو می‌خواهم که گناه بزرگم را ببخشی، چرا که گناهان بزرگ را جز بزرگ نمی‌بخشد، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ!

مصادر و منابع تحقیق و تعلیق

- ۱- الاتحاف: زبیری، ابو الفیض محمّد بن محمّد (۱۲۰۵ هـ) / فاس ۲- اتحاف السائل بما لفاطمة من المناقب و الفضائل: عبد الرؤوف مناوی (۱۰۳۱ هـ) / مکه ۳- اتحاف السادة المتقين: ابو الفیض مرتضی حسینی زبیدی (۱۲۰۵ هـ) / فاس ۴- اتمام الدرایة: سیوطی (۹۱۱ هـ) / مصر ۵- احتجاج: ابو منصور احمد بن علی طبرسی (ح ۵۶۰ هـ) / اسوه ۶- احقاق الحق و ازهاق الباطل: قاضی نور الله شوشتری

(۱۰۱۹ هـ) / قم ۷- احکام القرآن: جصاص، ابو بکر احمد بن علی رازی حنفی (۳۷۰ هـ) / بیروت ۸- احياء الميت في فضائل اهل البيت: سيوطي (۹۱۱ هـ) / بیروت ۹- احياء علوم الدين: ابو حامد محمد بن محمد طوسي غزالي شافعي (۵۰۵ هـ) / مصر ۱۰- اخبار الدول: ابو العباس احمد چلبی قرمانی (۱۰۱۹ هـ) / بغداد ۱۱- اختصاص: شيخ محمد بن محمد عكبري: شيخ مفيد (۴۱۳ هـ) / قم ۱۲- اختيار رجال الكشي: شيخ طوسي (۴۶۰ هـ) / مشهد ۱۳- الاختيار لتعليل المختار: مجد الدين الموصلي (۶۸۳ هـ) / مصر ۱۴- الادب المفرد: بخاري (۲۵۶ هـ) / مصر ۱۵- اربعين: ابو صالح مؤذن نيشابوري (۴۷۰ هـ) / بیروت ۱۶- ارشاد الساري: قسطلاني، ابو العباس شهاب الدين احمد (۹۲۳ هـ) / مصر ۱۷- ارشاد القلوب: ابو محمّد حسن بن محمد ديلمی (ق ۸۰۷ هـ) / قم زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۷۴ ۱۸- ارشاد: شيخ مفيد (۴۱۳ هـ) / نجف ۱۹- استيعاب: ابن عبد البر قرطبي (۴۶۳ هـ) / مصر ۲۰- اسد الغابة في معرفة الصحابة: ابن اثير جزري (۶۳۰ هـ) / مصر ۲۱- اسعاف الراغبين: ابن صباغ، نور الدين علي بن محمد مكي مالكي (۸۵۵ هـ) / قم ۲۲- الاشراف على فضل الاشراف: ابن ابي الدنيا (۲۸۱ هـ) / بیروت ۲۳- اشعث كوفي (ق ۴ هـ) / تهران ۲۴- الاصابة في تمييز الصحابة: ابن حجر عسقلاني (۸۵۲ هـ) / مصر ۲۵- اعتقادات: شيخ صدوق (۳۸۱ هـ) / قم ۲۶- الاعتقاد على مذهب السلف: بيهقي، احمد بن اسماعيل (۴۵۸ هـ) / مصر ۲۷- الاعتقاد والهداية الى سبيل الرشاد: بيهقي (۴۵۸ هـ) / مصر ۲۸- اعراب ثلاثين سورة من القرآن: ابن خالويه، حسين بن احمد مصري (۳۷۰ هـ) / مصر ۲۹- الاعلام: خير الدين زركلي / بیروت ۳۰- اعلام الوری باعلام الهدی: فضل بن الحسن طبرسی (۵۴۸ هـ) / تهران ۳۱- اغاني: ابو الفرج اصفهانی (۳۵۶ هـ) / بیروت ۳۲- اقبال الاعمال: سيد بن طاوس (۶۶۴ هـ) / قم ۳۳- اكمال الرجال: خطيب العمري تبریزی، ابو اسحاق محمد بن عبد الله (بعد ۸۸۴ هـ) / كلكتة ۳۴- امالي: شيخ ابو جعفر صدوق (۳۸۱ هـ) / بیروت ۳۵- امالي: شيخ ابو جعفر طوسي (۴۶۰ هـ) / بیروت ۳۶- امالي: شيخ مفيد (۴۱۳ هـ) / قم ۳۷- الامامة و التبصرة: صدوق اول، ابو الحسن علي بن الحسين بن بابويه قمي (۳۲۹ هـ) / قم ۳۸- الامامة و السياسة: ابن قتيبة دينوري (۲۷۶ هـ) / مصر ۳۹- انساب الاشراف: بلاذري (۲۷۹ هـ) / بیروت ۴۰- انوار المحمدية: تبهاني بيروتي (۱۳۵۰ هـ) / بیروت ۴۱- انوار النعمانية: سيد نعمت الله موسوي جزايري (۱۱۱۲ هـ / ۱۳۱۲ هـ) ۴۲- اهل البيت: توفيق ابو علم / مصر ۴۳- اهل البيت في آية التطهير: سيد جعفر مرتضى عاملی / بیروت ۴۴- البداية و النهاية: ابن كثير دمشقي (۷۷۴ هـ) / مصر زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۷۵ ۴۵- بشاره المصطفى صلى الله عليه و آله و سلم لشيعه المرتضى عليه السلام: ابو جعفر عماد الدين طبري امامي (ق ۴ و ۵ هـ) / نجف ۴۶- بصائر الدرجات كبرى: ابو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ صفار (۲۹۰ هـ) / تهران ۴۷- بلد الامين: شيخ بهاء الدين عاملی معروف به شيخ بهائي (۱۰۳۱ هـ) / قم ۴۸- البيان و التعريف: ابن حمزه حسيني حنفی دمشقي (۱۱۲۰ هـ) / حلب ۴۹- تاريخ الائمه و مواليدهم: ابن ابي الثلج بغدادی (۳۲۵ هـ) / بیروت ۵۰- تاريخ الاسلام: شمس الدين ذهبی (۷۴۸ هـ) / مصر ۵۱- تاريخ الامم و الملوك: ابو جعفر طبري (۳۱۰ هـ) / مصر ۵۲- تاريخ التراث العربي: فؤاد سزكين / قم ۵۳- تاريخ الخلفاء الراشدون: شمس الدين ذهبی (۷۴۸ هـ) / بیروت ۵۴- تاريخ الخلفاء: عبد الرحمن سيوطي (۵۹۱۱ هـ) / مصر ۵۵- تاريخ الخميس: ديار بكری مالكي، حسين بن محمد بن الحسن (۹۸۲ / ۹۶۶ هـ) / مطبعة الوهيبة ۵۶- تاريخ اهل البيت: نصر بن علي جهضمي (۲۵۰ هـ) / بیروت ۵۷- تاريخ بغداد: خطيب بغدادی (۶۴۳ هـ) / بیروت ۵۸- تاريخ جرجان: حمزة بن يوسف سهمي (۴۲۷ هـ) / بیروت ۵۹- تاريخ قضاء الاندلس: ابن الحسن جذامي نباهي (۷۹۳ هـ) / ۶۰- تاريخ مدينة دمشق: ابن عساكر دمشقي (۵۷۱ / ۵۷۳ هـ) / مصر ۶۱- تاريخ مواليد الائمه: ابن خشاب نحوي (حدود ۵۶۷ هـ) / بیروت ۶۲- تاريخ يعقوبي: ابن واضح يعقوبي (۲۸۴ هـ) / بیروت ۶۳- تأسيس الشيعة: علامه سيد حسن صدر / عراق ۶۴- تأويل الآيات الظاهرة: سيد شرف الدين استرآبادي (بعد ۹۵۰ هـ) / قم ۶۵- التبر المذاب: احمد بن محمد خوافي شافعي / خطي مرعشي ۶۶- التبصرة: ابن جوزي (۵۹۷ هـ) / مصر ۶۷- التبصير في الدين: ابن طاهر اسفراييني (۴۷۱ هـ) / مصر ۶۸- التبيان في تفسير القرآن: شيخ طوسي (۴۶۰ هـ) / قم ۶۹- التبيين: ابن قدامة المقدسي (۶۸۲ هـ) / مصر زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۷۶ ۷۰- تجهيز الجيش: ملا حسن بن امان الله دهلوي / هندوستان ۷۱- التحذير: عبد العزيز محمد بن صديق قماري / مصر ۷۲- التحرير الطاوسي: حسن بن زين

الدين (۱۰۱۱ هـ) / قم ۷۳- تحفة الاشراف: يوسف بن زكى مزكى كلبى (۷۴۲ هـ) / مصر ۷۴- التدوين: عبد الكريم بن محمد رافعى قزوينى (۶۲۳ هـ) / بيروت ۷۵- تذكرة الحفاظ: ابو عبد الله شمس الدين محمد ذهبى (۷۴۸ هـ) / بيروت ۷۶- تذهيب التهذيب: شمس الدين ذهبى (۷۴۸ هـ) / بيروت ۷۷- ترجمة الامام الحسن من تاريخ دمشق: ابن عساكر / قم ۷۸- ترجمة الامام الحسين من تاريخ دمشق: ابن عساكر / تهران ۷۹- ترجمة الامام على من تاريخ دمشق: ابن عساكر (۵۷۳ هـ) / بيروت ۸۰- تعليق الزينة: ابو حاتم احمد بن حمدان رازى (۳۲۲ هـ) / مصر ۸۱- تفريح الاحباب: ابن عبد العلى قرشى (بعد ۴۰۹ هـ) / مصر ۸۲- تفسير آية المودة: احمد بن محمد شهاب الدين خفاجى (۱۰۶۹ هـ) / قم ۸۳- تفسير الدر المنثور: سيوطى (۹۱۱ هـ) / بيروت ۸۴- تفسير القرآن العظيم: ابن كثير دمشقى (۷۷۴ هـ) / بيروت ۸۵- تفسير برهان: سيد هاشم بحراني (۱۱۰۷ / ۱۱۰۹ هـ) / تهران ۸۶- تفسير بضاوى: ناصر الدين عبد الله فارسى اشعري (۶۸۵ هـ) / بيروت ۸۷- تفسير حسن البصرى: حسن بن ابى الحسن بصرى (۱۱۰ هـ) / مصر ۸۸- تفسير خازن: علاء الدين على بن محمد بغدادى (۷۴۱ هـ) / مصر ۸۹- تفسير روح البيان: بروسوى (۱۱۳۷ هـ) / بيروت ۹۰- تفسير روح المعانى: نعمان بن شهاب الدين آلوسى (۱۲۷۰ هـ) / بيروت ۹۱- تفسير صافى: ملا محسن فيض كاشانى (۱۰۹۱ هـ) / بيروت ۹۲- تفسير عياشى: ابو النضر عياشى سمرقندى (ق ۴ هـ) / تهران ۹۳- تفسير فرات: فرات بن ابراهيم كوفى (۳۳۰ هـ) / تهران ۹۴- تفسير قمى: على بن ابراهيم بن هاشم قمى (۳۰۷ هـ) / قم ۹۵- تفسير كشاف: جار الله ابو القاسم محمود خوارزمى زمخشرى (۵۳۸ هـ) / بيروت ۹۶- تفسير كنز الدقائق: شيخ محمد بن محمد رضا قمى (ق ۱۲ هـ) / تهران زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانى)، ص: ۱۰۷۷ / ۹۷- تفسير لاهيجى: بهاء الدين شريف لاهيجى (۱۰۸۸ هـ) / تهران ۹۸- تفسير مجمع البيان: ابو على طبرسى، فضل بن الحسن (۵۴۸ هـ) / بيروت ۹۹- تفسير منهج الصادقين: ملا فتح الله كاشانى (۹۷۷ / ۹۸۸ هـ) / تهران ۱۰۰- تفسير نور الثقلين: ابن جمعه حوىزى (۱۱۱۲ هـ) / قم ۱۰۱- تقريب المعارف: شيخ تقى الدين ابى الصلاح حلبى (۳۷۴ هـ) / قم ۱۰۲- تلخيص المتشابه: خطيب بغدادى (۳۶۳ هـ) / قم ۱۰۳- تلخيص المستدرک: شمس الدين محمد ذهبى (۷۴۸ هـ) / ذيل المستدرک ۱۰۴- تنبيه الخواطر (مجموعه ورام): ورام بن ابى فراس (۶۰۵ هـ) / قم ۱۰۵- التنبيه و الاشراف: ابو الحسن على بن الحسين مسعودى (۳۴۶ هـ) / مصر ۱۰۶- تنزيه الشريعة المرفوعة: ابو الحسن كنانى (۹۶۳ هـ) / بيروت ۱۰۷- تنقيح المقال: ملا عبد الله مامقانى (۱۳۵۱ هـ) / قم ۱۰۸- توحيد: شيخ صدوق / قم ۱۰۹- توضيح الدلائل: سيد شهاب الدين احمد حسيني شافعى / خطى مرعشى ۱۱۰- تهذيب: شيخ طوسى (۴۶۰ هـ) / تهران ۱۱۱- تهذيب التهذيب: ابن حجر عسقلانى (۸۵۲ هـ) / بيروت ۱۱۲- تهذيب التهذيب: ابن حجر عسقلانى (۸۵۲ هـ) / حيدرآباد ۱۱۳- تهذيب الكمال فى اسماء الرجال: ابن مزي كلبى (۷۴۲ هـ) / بيروت ۱۱۴- تيسير الوصول: ابن ديب شيبانى زبيدى (۹۴۴ هـ) / هند ۱۱۵- الثاقب فى المناقب: ابن حمزه طوسى (۵۸۵ هـ) / بيروت ۱۱۶- الثغور الباسمة: جلال الدين عبد الرحمن سيوطى (۹۱۱ هـ) / بيروت ۱۱۷- جامع الاصول: ابو السعادات مبارك بن اثير جزرى (۶۰۶ هـ) / مصر ۱۱۸- جامع البيان فى تفسير القرآن: ابو جعفر طبرى (۳۱۰ هـ) / بيروت ۱۱۹- جامع الرواة: محقق اردبيلى غروى حائرى (ق ۱۱ هـ) / قم ۱۲۰- جامع الصحيح: ابن حبان بستی (۳۵۴ هـ) / بيروت ۱۲۱- جامع الصحيح: ابن خزيمة، ابو بكر محمد بن اسحاق سلمى نيشابورى (۳۱۱ هـ) / هند ۱۲۲- جامع الصحيح: ابو عيسى ترمذى (۲۷۹ هـ) / بيروت ۱۲۳- جامع الصحيح: بخارى (۲۵۶ هـ) / مصر زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحانى)، ص: ۱۰۷۸ / ۱۲۴- جامع الصحيح: مسلم (۲۶۱ هـ) / مصر ۱۲۵- جامع الصغير: جلال الدين عبد الرحمن سيوطى (۹۱۱ هـ) / بيروت ۱۲۶- جامع الكبير: جلال الدين عبد الرحمن سيوطى (۹۱۱ هـ) / مصر ۱۲۷- جامع فى العلل و مفرقة الرجال: احمد بن حنبل شيبانى (۲۴۰ هـ) / بيروت ۱۲۸- جلاء العيون: علامه محمد باقر مجلسى (۱۱۱۰ هـ) / تهران ۱۲۹- جمال الأسبوع: سيد على بن موسى بن طاوس حلى (۶۶۴ هـ) / مؤسسه آفاق ۱۳۰- جمع الجوامع: عبد الرحمن سيوطى (۹۱۱ هـ) / مصر ۱۳۱- جواهر البحار: تبهانى، شيخ يوسف بن اسماعيل بيرونى / بيروت ۱۳۲- جواهر العقدين: سمهودى (۹۱۱ هـ) / ۱۳۳- الجوهرة: محمد بن ابى بكر انصارى تلمسانى بى (بعد ۶۴۵ هـ) / قم ۱۳۴- الحقائق: سبط ابن الجوزى (۶۵۴ هـ) / مصر ۱۳۵- حلية الابرار: سيد هاشم بحراني (۱۱۰۷ / ۱۱۰۹ هـ) / قم ۱۳۶- حلية الاولياء: ابو نعيم اصفهاني (۴۳۰ هـ) / مصر ۱۳۷- الخرائج و الجرائع: قطب الدين راوندى (۵۷۳ هـ) /

بیروت ۱۳۸- الخصائص الوحي المبين: ابن بطريق اسدى حلى (۶۰۰ هـ) / تهران ۱۳۹- خصائص امير المؤمنين عليه السلام: ابو عبد الرحمن نسائي شافعي (۳۰۳ هـ) / نجف ۱۴۰- خصال: شيخ ابو جعفر صدوق / قم ۱۴۱- خلاصة الاقوال: حسن بن يوسف بن مطهر حلى (۷۲۶ هـ) / قم ۱۴۲- الدر الملتقط فى تبين الغلط: ابو الفضائل حسن بن محمد صنعاني (۶۵۰ هـ) / بيروت ۱۴۳- الدرر المكنونه: ابو عبد الله محمد مغربي فاسي مالكي (۱۲۷۸ هـ) / فاس ۱۴۴- دعائم الاسلام: قاضي نعمان مغربي (۳۶۳ هـ) / مصر ۱۴۵- دعوات (سلوة الحزين): قطب الدين راوندى (۵۷۳ هـ) / قم ۱۴۶- دلائل الامامة: ابو جعفر محمد بن جرير طبري امامي (ق ۴ و ۵ هـ) / نجف ۱۴۷- دلائل النبوة: ابو نعيم اصفهاني (۴۳۰ هـ) / حيدرآباد ۱۴۸- الدمعة الساكبة: محقق بهبهاني، ميرزا محمد باقر (ق ۱۳ هـ) / قم ۱۴۹- ذخائر العقبي: محب الدين طبري (۶۹۴ هـ) / مصر ۱۵۰- الذرية الطاهرة: ابو بشر محمد بن احمد دولابي (۳۱۰ / ۳۲۰ هـ) / قم زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ۱۰۷۹ ۱۵۱- رجال ابن داود: تقي الدين حسن بن علي بن داود حلى / قم ۱۵۲- رشفة الصادي من بحر فضائل بنى النبي الهادي: علوي حسيني حمرمي ۱۵۳- الرقائق (الاخوانيات): اشبيلي الخطيب (۵۷۵ / ۵۸۲ هـ) / خطي ۱۵۴- الروض الازهر: قلندر حنفي / حيدرآباد ۱۵۵- الزوض الفائق: عبد الله بن سعد بن عبد الكافي عمراوى (۸۰۱ هـ) / بولاق ۱۵۶- روضة الاحباب: حسيني شيرازي هروي (۱۰۰۰ هـ) / خطي مرعشي ۱۵۷- روضة الواعظين: ابن قتال فارسي نيشابوري (۵۰۸ هـ) / نجف ۱۵۸- الرياض النضرة: محب الدين طبري (۶۹۴ هـ) / مصر ۱۵۹- سعد السعود: سيد بن طاوس حلى (۶۶۴ هـ) / نجف ۱۶۰- سنن: ابن شعبه خراساني مكي، ابو عثمان سعيد بن منصور (۲۲۷ هـ) / بيروت ۱۶۱- سنن: ابن ماجه قرويني (۲۷۳ هـ) / مصر ۱۶۲- سنن: ابي داود سجستاني (۲۷۵ هـ) / بيروت ۱۶۳- سنن: ابو عبد الرحمن نسائي (۳۰۳ هـ) / بيروت ۱۶۴- سير اعلام النبلاء: شمس الدين ذهبي / بيروت ۱۶۵- سيرة المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم: مغلطاي، علاء الدين بن قليچ بكجری قاهري حنفي (۷۶۱ هـ) / مصر ۱۶۶- شذرات الذهب: ابو الفلاح عبد الحی بن العماد حنبلي (۱۰۸۹ هـ) / مصر ۱۶۷- شرح الاخبار: قاضي نعمان مغربي (۳۶۳ هـ) / قم ۱۶۸- شرح الجامع الصغير: عبد الرؤوف مناوی (۱۰۳۱ هـ) / مصر ۱۶۹- شرح الشفاء: ملا علي قاري مكي حنفي (۱۰۱۴ هـ) / مصر ۱۷۰- شرح الفقه الاكبر: علي بن سلطان محمد حنفي ۱۷۱- شرح المقاصد: تفتازاني، سعد الدين مسعود بن عمر (۷۹۲ / ۷۹۳ هـ) / مصر ۱۷۲- شرح نهج البلاغة: ابن ابي الحديد معتزلي (۶۵۵ هـ) / مصر ۱۷۳- الشرف المؤيد لآل محمد: تبهاني، يوسف بن اسماعيل (۱۳۵۰ هـ) / بيروت ۱۷۴- شرف النبي و آله: ابو سعد (سعيد) خرگوشي (۴۰۶ هـ) / بيروت ۱۷۵- الشعر و الشعراء: ابن قتيبة دينوري (۲۷۶ هـ) / ليدن ۱۷۶- شواهد التنزيل: حاكم حسانى حذاء حنفي (بعد ۴۰۷ هـ) / تهران ۱۷۷- صحيفة الرضا عليه السلام: ابو علي فضل بن الحسن طبرسي (۵۴۸ هـ) / قم- بيروت زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ۱۰۸۰ ۱۷۸- صفة الصفوة: ابن جوزي (۵۹۷ هـ) / حيدرآباد ۱۷۹- صواعق المحرقة: ابو العباس شهاب الدين احمد بن محمد بن حجر مكي هيثمي (۹۷۴ هـ) / مصر ۱۸۰- الضعفاء الصغير: ابو عبد الله محمد بن اسماعيل بخاري (۲۵۶ هـ) / حلب ۱۸۱- الضعفاء الكبير: محمد بن عمرو عقيلى مكي (۳۲۲ هـ) / بيروت ۱۸۲- الضعفاء و المتروكين: ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب نسائي (۳۰۳ هـ) / حلب ۱۸۳- طبقات الكبير: ابن سعد كاتب (۲۳۰ هـ) / بيروت، ليدن ۱۸۴- الطرائف: سيد علي بن طاوس (۶۶۴ هـ) / تهران ۱۸۵- طرح التثريب: زين الدين ابو الفضل (۸۲۶ هـ) / مصر ۱۸۶- طرح التثريب: ولي الدين ابو زرعه عراقى شافعي (۸۲۶ هـ) / مصر ۱۸۷- الطرف: سيد بن طاوس حلى (۶۶۴ هـ) / نجف ۱۸۸- العدد القويّة: رضى الدين علي بن يوسف حلى (۷۱۰ هـ) / قم ۱۸۹- عقد الفريد: ابن عبد ربّه اندلسي (۳۲۸ هـ) / بيروت ۱۹۰- علل الشرائع: شيخ صدوق / قم ۱۹۱- عمدة التحقيق: عبيدى، ابراهيم بن عامر بن علي مالكي (بعد ۱۰۹۲ هـ) / مصر ۱۹۲- عمدة عيون صحاح الاخبار: ابن بطريق اسدى (۶۰۰ هـ) / قم ۱۹۳- عوالم العلوم و المعارف: شيخ عبد الله بحراني (ق ۱۲ هـ) / قم ۱۹۴- عوالي اللآلى: ابن ابي جمهور، محمد بن علي احسائي (۹۴۰ هـ) / قم ۱۹۵- عيون اخبار الرضا عليه السلام: شيخ صدوق / تهران ۱۹۶- عيون الاخبار فى مناقب الاخيار: ابو المعالى محمد بن علي حسيني بغدادى (۶۵۳ هـ) / خطي مرعشي ۱۹۷- عيون المعجزات: شيخ حسين بن عبد الوهاب (قبل ۵۰۰ هـ) / قم ۱۹۸- غاية المرام: سيد هاشم بحراني (۱۱۰۷ / ۱۱۰۹ هـ) / تهران ۱۹۹- غريب الحديث: ابن جوزي، ابو الفرج عبد الرحمن بن علي (۵۹۷ هـ) / بيروت ۲۰۰-

غریب الحدیث: هروی، ابو عبید قاسم بن سلام (۲۲۴ هـ) / بیروت ۲۰۱- فاطمة الزهراء فی القرآن: صادق الحسینی شیرازی / بیروت ۲۰۲- فتح الباری فی شرح البخاری: ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ هـ) / دهلی زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۸۱

۲۰۳- فتح الکبیر (زیادات الجامع الصغیر): جلال الدین عبد الرحمن سیوطی (۹۱۱ هـ) / مصر ۲۰۴- الفتوحات الربانیة: عبد العزیز محمد افندی / مصر ۲۰۵- فرائد السمطین: حموینی / حموی / ابن حمویه، ابو اسحاق ابراهیم بن سعد الدین (۷۲۲ هـ) / بیروت ۲۰۶- فردوس: ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ هـ) / بیروت ۲۰۷- الفردوس بمأثور الخطاب: ابن شیرویه دیلمی (۵۰۹ هـ) / بیروت ۲۰۸- الفصول المائنة: سید اصغر ناظم زاده قمی / قم ۲۰۹- الفصول المهمة: ابن صباغ مکی مالکی (۸۵۵ هـ) / نجف ۲۱۰- فضائل ابن شاذان قمی (۴۴۷ هـ) / قم ۲۱۱- فضائل الاشرار الثلاثة: شیخ ابو جعفر صدوق (۳۸۱ هـ) / قم ۲۱۲- فضائل الخمسة: سید مرتضی حسینی فیروزآبادی / بیروت ۲۱۳- فضائل الصحابة: احمد بن حنبل (۲۴۰ هـ) / بیروت ۲۱۴- فضائل الصحابة: نسائی (۳۰۳ هـ) / بیروت ۲۱۵- فضائل سيدة النساء: ابن شاهین مروزی (۳۸۵ هـ) / بیروت ۲۱۶- الفهرست: ابن ندیم، ابن ابی یعقوب وراق، محمد بن اسحاق (بعد ۳۸۵ هـ) / مصر ۲۱۷- فیض القدير: محمد عبد الرؤوف بن علی مناوی (۱۰۳۱ هـ) / مصر ۲۱۸- قاموس الرجال: شیخ محمد تقی شوشتری / قم ۲۱۹- قرب الاسناد: ابو العباس عبد الله بن جعفر حمیری قمی (ح ۳۱۰ هـ) / قم ۲۲۰- قصص الأنبياء: ابن کثیر دمشقی (۷۷۴ هـ) / بیروت ۲۲۱- قوت القلوب: ابو طالب مکی (۳۸۶ هـ) / مصر ۲۲۲- القول الفصل: علوی بن طاهر ۲۲۳- کافی: محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۸/۳۲۹ هـ) / تهران ۲۲۴- کامل الزیارات: ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (۳۶۷ هـ) / نجف ۲۲۵- کامل بهائی: شیخ بهاء الدین عاملی (۱۰۳۱ هـ) / تهران ۲۲۶- الکامل فی التاریخ: ابن اثیر جزری (۶۳۰ هـ) / بیروت ۲۲۷- الکامل فی الرجال: ابن عدی جرجانی (۴۶۳ هـ) / مصر ۲۲۸- کتاب الرجال: ابو العباس نجاشی اسدی کوفی (۴۵۰ هـ) / بیروت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۸۲- کتاب الرجال: احمد بن محمد بن خالد برقی (۲۷۴ هـ) / تهران ۲۳۰- کتاب الشفاء: قاضی عیاض مغربی مالکی (۵۴۴ هـ) / مصر ۲۳۱- کتاب الضعفاء: ابن حبان بستی (۳۵۴ هـ) / بیروت ۲۳۲- کتاب الکبائر: شمس الدین ذهبی (۷۴۸ هـ) / مکتبة القيمة ۲۳۳- کتاب الکنی: بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل (۲۵۶ هـ) / بیروت ۲۳۴- کتاب المجروحین: ابن حبان بستی (۳۵۴ هـ) / بیروت ۲۳۵- کتاب المعراج: شیخ صدوق / به نقل حسن بن سلیمان ۲۳۶- کتاب المعرفة: ابن منده، یحیی بن عبد الوهاب اصفهانی (۵۱۲ هـ) / بیروت ۲۳۷- کتاب الموضوعات: ابو الفضائل صنعانی (۶۵۰ هـ) / بیروت ۲۳۸- کتاب الموضوعات: سبط ابن جوزی (۶۵۴ هـ) / بیروت ۲۳۹- کشف الغمة: ابو الفتح اربلی (۶۹۵ هـ) / بیروت ۲۴۰- کشف الیقین: علامه حلی (۷۲۶ هـ) / قم ۲۴۱- الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی): ابو اسحاق احمد بن محمد ثعلبی (۴۲۷ هـ) ۲۴۲- کفایة الطالب: محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸ هـ) / تهران ۲۴۳- کنز العمال: حسام الدین متقی هندی (۹۷۵ هـ) / بیروت ۲۴۴- کنوز الحقائق: محمد عبد الرؤوف مناوی (۱۰۳۱ هـ) / مصر ۲۴۵- الکنی و الاسماء: دولابی (۳۲۰/۳۱۰ هـ) / حیدرآباد ۲۴۶- اللآلی المصنوعة: جلال الدین عبد الرحمن سیوطی (۹۱۱ هـ) / مصر ۲۴۷- لسان العرب: ابن منظور (۷۱۰ هـ) / بیروت ۲۴۸- لسان المیزان: ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ هـ) / حیدرآباد ۲۴۹- اللوامع النورانية: سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷/۱۱۰۹ هـ) / اصفهان ۲۵۰- اللوامع فی الجمع بین الصحاح و الجوامع: سبط ابن جوزی (۶۵۴ هـ) / مصر ۲۵۱- مجمع البحرين: شیخ فخر الدین طریحی (۱۰۸۵ هـ) / تهران ۲۵۲- مجمع الزوائد: نور الدین هیشمی (۸۰۷ هـ) / بیروت ۲۵۳- مجموع الغرائب: تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی عاملی (۹۰۵ هـ) / قم ۲۵۴- المحاسن المجمععة: صفوری بغدادی (۸۸۴ هـ) / مصر ۲۵۵- المحاسن و الاضداد: ابو عثمان جاحظ (۲۵۵ هـ) / مصر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۸۳- ۲۵۶- محاضرات الادباء: راغب اصفهانی (۵۰۲ هـ) / مصر ۲۵۷- المحتضر: حسن بن سلیمان / نجف ۲۵۸- محجة البيضاء: ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ هـ) / قم ۲۵۹- المختار فی مناقب الاخيار: ابن اثیر جزری (۶۳۰ هـ) / خطی مرعشی ۲۶۰- مختصر تاریخ دمشق: ابن منظور (۷۱۰ هـ) / دمشق ۲۶۱- مختصر زوائد مسند بزاز: ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ هـ) / بیروت ۲۶۲- مختصر سنن ابی داود: منذری، زکی الدین عبد العظیم بن عبد القوی (۶۵۶ هـ) / مصر ۲۶۳- مدینه المعاجز: سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷/۱۱۰۹ هـ) / قم ۲۶۴- مرآة الجنان: یافعی، ابو محمد عبد الله بن

اسعد یمنی مکی (۷۶۸ هـ) / حیدرآباد ۲۶۵ - مرآة العقول: علامه محمد باقر مجلسی (۱۱۱۰ هـ) / تهران ۲۶۶ - مرقاة المفاتیح: ملا علی قاری، نور الدین علی بن سلطان محمد هروی (۱۰۱۴ هـ) / مصر ۲۶۷ - مسائل علی بن جعفر علیه السلام / قم ۲۶۸ - مسار الشیعه: شیخ مفید (۴۱۳ هـ) / قم ۲۶۹ - المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری (۴۰۵ هـ) / بیروت ۲۷۰ - مستدرک الوسائل: میرزا حسین نوری طبرسی (۱۳۲۰ هـ) / بیروت ۲۷۱ - مستطرفات السرائر: ابن ادریس حلی (۵۹۸ هـ) / قم ۲۷۲ - مسند ابی یعلی (۴۶۳ هـ) / مصر ۲۷۳ - مسند: احمد بن حنبل (۲۴۰ هـ) / مصر ۲۷۴ - مسند الصحابة: ابو بکر رویانی (۳۰۷ هـ) ۲۷۵ - مسند طرابلسی: ابو عبد الله محمد بن خالد تمیمی (۲۵۹ هـ) / حیدرآباد ۲۷۶ - مسند عبد بن حمید الکسی (۲۴۹ هـ) / بیروت ۲۷۷ - مسند فاطمة الزهراء: سید حسین شیخ الاسلامی / قم ۲۷۸ - مسند فاطمة الزهراء: سیوطی (۹۱۱ هـ) / بیروت ۲۷۹ - مسند فاطمة الزهراء: شیخ عزیز الله عطاردی / قم ۲۸۰ - مشارق الانوار: حمزوی، شیخ حسن مصری مالکی (۱۳۰۳ هـ) / مصر ۲۸۱ - مشرق الشمسین: شیخ بهاء الدین عاملی (۱۰۳۱ هـ) / سنگی ۲۸۲ - مشکاة المصابیح: خطیب العمری تبریزی، محمد بن عبد الله (بعد ۷۳۷ هـ) / بیروت زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۸۴ ۲۸۳ - مشکل الآثار: ابو جعفر احمد بن محمد ازدی طحاوی (۳۲۱ هـ) / دمشق ۲۸۴ - مصابیح السنة: ابو محمد حسین بن مسعود بغوی (۵۱۶/۵۱۰ هـ) / بیروت ۲۸۵ - مصباح الانوار: شیخ هاشم بن محمد (ق ۶ هـ) / خطی مرعشی ۲۸۶ - مصباح الزائر: سید رضی بن طالس (۶۶۴ هـ) / سنگی ۲۸۷ - مصباح المتعجل: شیخ طوسی / قم ۲۸۸ - مصباح کفعمی: تقی الدین ابراهیم کفعمی (۹۰۵ هـ) / قم ۲۸۹ - المصنف: ابن ابی شیبہ (۲۳۵ هـ) / بیروت ۲۹۰ - المصنف: عبد الرزاق صنعانی زیدی (۲۱۱ هـ) / بیروت ۲۹۱ - مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول: کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲ هـ) / تهران ۲۹۲ - المطالب العالی: ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ هـ) / حیدرآباد ۲۹۳ - المطالب العالی: احمد بن حجر عسقلانی شافعی (۸۵۲ هـ) / کویت ۲۹۴ - معالم الزلفی: سید هاشم بحرانی / سنگی ۲۹۵ - معانی الاخبار: شیخ صدوق / قم ۲۹۶ - المعتصر من المختصر: ابو المحاسن یوسف بن موسی الحنفی الملطی (۸۰۳ هـ) / حیدرآباد ۲۹۷ - معجم الثقافات و ترتیب الطبقات: ابو طالب تجلیل تبریزی / قم ۲۹۸ - معجم الشیوخ: ابو یعلی موصلی (۳۰۷ هـ) / مصر ۲۹۹ - معجم الصحابة: بغوی (۵۱۶/۵۱۰ هـ) / خطی مرعشی ۳۰۰ - معجم المطبوعات: یوسف الیان سرکیس / قم ۳۰۱ - المعجم الکبیر: ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۳۶۰ هـ) / بغداد ۳۰۲ - معجم رجال الحدیث: علامه سید ابو القاسم خوئی / بیروت ۳۰۳ - معرفه ما یجب لآل البيت: مقریزی، تقی الدین احمد بعلبکی (۸۴۵ هـ) / مصر ۳۰۴ - المعیار و الموازنة: ابو جعفر اسکافی معتزلی (۲۴۱/۲۴۲ هـ) / بیروت ۳۰۵ - المغنی فی الضعفاء: شمس الدین ذهبی (۷۴۸ هـ) / بیروت ۳۰۶ - مفتاح الفلاح: شیخ بهائی (۱۰۳۱ هـ) / قم ۳۰۷ - مفتاح النجا: محمد بن معتمد خان بدخشانی حارثی (حدود ۱۱۲۶ هـ) / حیدرآباد ۳۰۸ - مقاتل الطالبیین: ابو الفرج اصفهانی (۳۵۶ هـ) / بیروت ۳۰۹ - مقتل الحسین: خطیب خوارزمی (۵۶۸ هـ) / قم زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۱۰۸۵ ۳۱۰ - مکاشفة القلوب: محمد غزالی (۵۰۵ هـ) / مصر ۳۱۱ - مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب مازندرانی (۵۸۸ هـ) / بیروت ۳۱۲ - مناقب: ابن مغزالی (۴۳۸ هـ) / تهران ۳۱۳ - مناقب امیر المؤمنین: خطیب خوارزمی (۵۶۸ هـ) / قم ۳۱۴ - مناقب امیر المؤمنین: محمد بن سلیمان صنعانی کوفی (بعد ۳۰۰ هـ) / قم ۳۱۵ - مناقب سیدنا علی علیه السلام: عینی حیدری / هند ۳۱۶ - مناقب: عبد الله شافعی، ابو بکر (۳۸۸ هـ) / هندوستان ۳۱۷ - منال الطالب: شیخ نجم الدین شافعی ۳۱۸ - منتخب الذیل المذیل: ابو جعفر طبری (۳۱۰ هـ) / مصر ۳۱۹ - منتخب الصحیحین: تبهانی بیرونی / بیروت ۳۲۰ - منتخب کنز العمال: حسام الدین متقی هندی (۹۷۵ هـ) / حاشیه مسند احمد ۳۲۱ - منتقى الجمال: سید جمال الدین حسن بن زین الدین (۱۰۱۱ هـ) / قم ۳۲۲ - المنتقى فی تاریخ المصطفى صلی الله علیه و آله و سلم: شمس الدین ذهبی (۷۴۸ هـ) / مصر ۳۲۳ - منهج المقال: حسینی استرآبادی (۱۰۲۸ هـ) / تهران ۳۲۴ - موارد الظمآن: هیشمی، نور الدین علی بن ابی بکر (۸۰۷ هـ) / بیروت ۳۲۵ - مودة القربی: سید علی همدانی (۷۸۶ هـ) / لاهور ۳۲۶ - میزان الاعتدال: شمس الدین ذهبی (۷۴۸ هـ) / مصر ۳۲۷ - ناسخ التواریخ: لسان الملك محمد تقی سپهر / تهران ۳۲۸ - نزهة المجالس: صفوری بغدادی (۸۸۴ هـ) / مصر ۳۲۹ - نظم درر السمطين: جمال الدین محمد زرنندی حنفی مدنی (۷۵۰ هـ) / مطبعة القضاء ۳۳۰ - نفحات اللاهوت: علی بن عبد العالی کرکی (۹۳۷ هـ)

هـ/ مصر ۳۳۱- نقد الرجال: سيد مصطفى حسيني تفرشي (بعد ۱۰۱۵ هـ) / قم ۳۳۲- النقض على العثمانية: ابو جعفر اسكافي معتزلي (۲۴۱/ ۲۴۲ هـ) / مصر ۳۳۳- نور الابصار: سيد مؤمن بن الحسن شبلنجي / بولاق ۳۳۴- نور المشتعل: ابو نعيم اصفهاني (۴۳۰ هـ) / تهران ۳۳۵- النهاية: شيخ طوسي (۴۶۰ هـ) / قم ۳۳۶- نهاية الارب: احمد بن عبد الوهاب مصري نویری (۷۳۳ هـ) / مصر زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ۱۰۸۶ ۳۳۷- وسائل الشيعة: شيخ حرّ عاملي (۱۱۰۴ هـ) / بيروت ۳۳۸- وسيلة المآل: با كثير الحضرمي (۱۰۲۷ هـ) / خطی دار الكتب: عكس مرعشي ۳۳۹- وسيله النجاة: محمد مبین سهالوی (۱۲۲۵ هـ) / لكهنو ۳۴۰- وفاء الوفاء: سيد نور الدين عليّ بن عبد الله سمهودی شافعی (۹۱۱ هـ) / بيروت ۳۴۱- الهداية: خصیبي (حسيني) (۳۵۸ هـ) / بيروت ۳۴۲- ينابيع المودة: سليمان بن ابراهيم قندوزی حنفي (۱۲۹۴ هـ) / قم: ۱۳۸۵ هـ

مصادر و منابعی که به نقل از منابع دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند

۱- ابانه: ابن بطّة عکبری حنبلي (۳۸۷ هـ) ۲- اخبار فاطمة عليها السلام: ابو على صولی (بعد ۳۵۳ هـ) ۳- الاربعين الطوال: ابن عساكر دمشقی (۵۷۱/ ۵۷۳ هـ) ۴- تاريخ الاثمة: ابو على سلامی ۵- تاريخ خراسان: ابو على سلامی ۶- تفسير نسفی (۷۰۱ هـ) ۷- حدائق الرياض: شيخ مفيد (۴۱۳ هـ) ۸- الدرّ النظيم ۹- شرف النبي صلى الله عليه وآله وسلم: ابو سعيد خرگوشي (۴۰۶ هـ) ۱۰- طبقات المحدثين: ابن الشيخ (ق ۴ هـ) ۱۱- غريبين: ابو عبيد هروی (۴۰۱ هـ) ۱۲- فضائل الصحابة: سمعاني (۵۶۲ هـ) ۱۳- قلائد الدرر: ابو الحسن واحدي (۴۶۸ هـ) ۱۴- كتاب الاربعين: ابن المؤذن (۴۷۰ هـ) ۱۵- كتاب الاعتقاد: اشنهي (۵۵۰ هـ) ۱۶- كتاب الديانة: محمود اسفرايني (۴۷۱ هـ) ۱۷- كتاب الرسالة: سمعاني (۵۶۲ هـ) ۱۸- كتاب الفضائل: ابو السعادات (۶۰۳ هـ) ۱۹- كتاب الفوائد: ابو بكر شافعی (۳۸۸ هـ) زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ۱۰۸۷ ۲۰- كتاب الفوائد: مهرواني ۲۱- كتاب المعراج: شيخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۲۲- كنز جامع الفوائد: سيد على نجفی (بعد ۹۵۰ هـ) ۲۳- المتفق و المختلف: خطيب بغدادی (۴۶۳ هـ) ۲۴- مدح الخلفاء الراشدين: ابن ادريس شافعی (۲۰۴ هـ) ۲۵- مسائل البلدان: فضل بن شاذان (۳۶۰ هـ) ۲۶- المسلسلات: ابن مفضل ۲۷- مسند ابو يعلى: احمد بن على موصلي (۳۰۷ هـ) ۲۸- المعجم الاوسط: طبراني (۳۶۰ هـ) ۲۹- المناقب الفاخرة: سيد رضی (۴۰۶/ ۴۰۵ هـ) ۳۰- مواليد الاثمة: ابن خشاب (۵۶۷ هـ) ۳۱- مولد فاطمة: شيخ صدوق (۳۸۱ هـ) ۳۲- وسيلة المتعبدين: ملا (۱۰۰۳ هـ)

مصادر و منابع ترجمه کتاب

۱- الاشباه و النظائر في النحو: جلال الدين عبد الرحمن سيوطی (۹۱۱ هـ) / حيدرآباد ۲- اقرب الموارد: سعيد الخوري الشرتوني لبناني / قم: ۱۴۰۳ هـ ۳- البارع في اللغة: ابو على اسماعيل بن قاسم قالي (۳۵۶ هـ) / بيروت: ۱۹۷۵ م ۴- تاج العروس: زبيدي (۳۷۹ هـ) / مصر ۵- تاج اللغة و الصّيحاح (صحاح اللغة): جوهری / مصر: ۱۹۵۷ م ۶- تأويل مختلف الحديث: ابن قتيبه دينوري (۲۷۶ هـ) / بيروت: ۱۹۷۳ م ۷- غريب الحديث: ابو الفرج عبد الرحمن بن جوزی (۵۹۷ هـ) / بيروت: ۱۹۸۵ م ۸- غريب الحديث: ابو عبيد قاسم بن سلام هروی (۲۲۴ هـ) / بيروت: ۱۹۸۶ م ۹- الفروق في اللغة: ابو هلال عسکری (بعد ۳۹۵ هـ) / بيروت: دار الآفاق ۱۰- فرهنگ دهخدا/ تهران، مؤسسه دهخدا ۱۱- فرهنگ لاروس / مؤسسه امير كبير: ۱۳۶۳ ش ۱۲- كتاب التعريفات: عليّ بن محمّد جرجاني (۴۷۱ هـ) / بيروت: ۱۹۸۳ م زندگانی حضرت زهرا عليها السلام (روحاني)، ص: ۱۰۸۸ ۱۳- كتاب العين: خليل بن احمد فراهيدي / بغداد: ۱۹۶۷ م ۱۴- لسان العرب: ابن منظور (۷۱۰ هـ) / بيروت ۱۵- مجمع البحرين: فخر الدين طريحي (۱۰۸۵ هـ) / دفتر نشر فرهنگ اسلامي ۱۶- مفردات: راغب اصفهاني (۵۰۲ هـ) / تهران ۱۷- المنجد الابدی / بيروت: ۱۹۶۷ م